

نام کتاب: مونس العابدین

مؤلف: محمود بن میرزا علی

شمارهٔ کتاب: ۷۱ مشکوة

اندازه: ۲۱/۵×۱۴

تاریخ تصویربرداری: مرداد ۱۳۸۹

تعمید دارد

این کتاب دارای ۳۵۹ برگ است با اضافه ۲ برگ در اول

ترجمه نیک بختیه مصباح است

ترجمه ۲۶۳

خطی ۷۱



مرتضی انصاری



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل الدعاء ذریعة لوصول الداعین الی اقصی مراتب المرام
وصلی الله علی نبیه محمد فخر المرسلین العظام وهادی الانام الی دار السلام وعلی
آله واصحابه الغر الکرام اما بعد چنین گوید اقل عباد الله الغنی محمود بن میرزا علی
عفا الله عنهما وجعل الجنة مثواهما که چون بهترین کتب مصنفه در باب عبادات وادعیه
وآداب دینی وغیر آن کتاب مصباح کفعمی بود چرا که جامع جمیع اصناف عبادات و
ادعیه بود و بعضی از زهاد و عباد را که مهارتی در علم عربیه وقوانین معانی و بیان
نبود استفاده از این کتاب میسر نبود وایشان را عمل بموقوعات این کتاب لازم می نمود
لهذا عالیحضرت فلک رتبت کیوان رفعت جلالت دستگاه عزت و عوالی پناه
مقرب الحضرة العالیة الخاقانیة آقا محمدها ادام الله توفیقه از این فقیر التماس
نمود که عبارات آن را با عبارات حواشی این کتاب که در ثواب عبادات وادعیه وارد
است بلغت فارسی ترجمه نمایم تا همگنان را اخذ واستفاده از آن ممکن باشد بنا
علیه وابتغاء لمرضات الله تعالی عنان بسوی ترجمه و تبیان آن معطوف ساختم و
در ثانی الحال عالیشان منیع المکان کیوان رفعت رفیع منزلت ملکی صفات
ملکات حاج بیت الله الحرام و زائر خیر خلق الله محمد و الائمة العظام الکرام علیه
وعلیهم الصلوات والسلام متعینا للدولة القاهرة الخاقانیة مقرب الحضرة العلیة
العالیة السلطانیة آقا ... نجفا وفقه الله تعالی لمرضاته از این داعی دوام دولت

قاهره

قاهره التماس نمود که تمام نمایم این کتاب مستطاب را با حواشی آنکه متعلق است
بثواب عبادات وادعیه بلغت فارسی ترجمه این کتاب مستطاب نموده تمام نمایم
بنا علیه وابتغاء لوجه الله تعالی عنان بیان عنان گسست خوش خرام خامه مشکین
شمامه را بسوی اتمام آن ترجمه و حواشی آن مصروف ساخته آن را مسمی بترجمه
منتخبه گردانید و از حضرت واهب العطایا مسئلت نمود که این ترجمه را مقبول
طباع و مسموع اسماع خواص وعوام گرداند تا همگنان ببدایع و وقایع آن عمل نمایند
و ثواب آن را ذخیره یوم لا ینفع مال ولا بنون مترجم وملتمس آن سازند و از مثوبات
الهی محظوظ و بهره ور گردانند و توفیق آن دهد قال مصنف هذا الکتاب رحمه الله وسمیته
جنة الامان الواقیة وجنة الایمان الباقیة وهو اسم وافق المسمی ولفظ طابق
المعنی ورتبته علی خمسین فصولا تعرج بنا الیها الی درج الوصول واستحسبنا
نعم الوکیل ولما کان السر والجهر کفیل معنی نام نهادم این کتاب را سپر امان نگاه دارنده
از آفات و بهشت ایمان باقی و این اسمی است که موافقت دارد با مسمی و لفظی است
مطابقت دارد با معنی و ترتیب دادم این کتاب را بر پنجاه فصل که میرسانند خواننده
خود را بدرجات مقصود و خدای تعالی است بسنده و کافی ما و او است نیکو رساننده
کارهای ما است و در پنهان و آشکار ضامن از برای قضای حاجات فصل اول
از این کتاب در وصیت میت است و آنچه بآن تعلق دارد فصل دویم در آنچه تعلق
دارد بآداب بیت الخلا و وضو ساختن و غسل کردن و آداب داخل شدن مسجد
فصل سیم در بیان اذان واقامه و توجه کردن بسوی نماز است فصل چهارم در ذکر
شبانه روزی و نوافل آنها است فصل پنجم در بیان دعاهائی است که در عقب هر نماز
میباید خواند فصل ششم در بیان سجده شکر است و آنچه در آنها باید خواند فصل هفتم
در تعقیب نماز ظهر است فصل هشتم در تعقیب نماز عصر است فصل نهم در تعقیب نماز شام
فصل دهم در تعقیب نماز خفتن است فصل یازدهم در بیان اعمالی است که در روز
خواب بجا باید آورد فصل دوازدهم در بیان آنچیزیست که در شب بجا باید آورند فصل
سیزدهم در بیان استغفار در وقت سحر و غیر آن فصل چهاردهم در تعقیب نماز صبح است
فصل پانزدهم در بیان دعاهائیست که در هر روز میباید خواند آنها را فصل شانزدهم در بیان

دعای چند است که در هر صبح و شام باید خواند فصل هفدهم در بیان ادعیهٔ چند است
که در روزها و شبها باید خواند و در بیان تسبیحها و عوذهای شبانه روزی فصل
هیجدهم در دعاهائی است که رفع المها و غمها و علتها میکنند و عضو کسی اگر
بسته باشد میگشایند و دفع تب میکنند فصل نوزدهم در بیان دعاهای چند
که از برای پدر و مادر و فرزند و برادران باید خواند فصل بیستم در ادعیهٔ [illegible]
فصل بیست و یکم در دعای چند که تعلق باداکردن قرض و دفع درد چشم دارد
فصل بیست و دوم در دعای چند که تعلق دارد بخلاصی از بلایا و یافتن گم شدها
و یافتن بد و مکر بخته فصل بیست و سیم در دعای سفر و آنچه تعلق بدان دارد فصل
بیست و چهارم در ذکر آیات قرآنی که تعلق دارد بحفظ بدن و شفای بیماریها و کیفیت
احجاب بستن برها و آیاتیکه فایدهها متفرقه دارد فصل بیست و پنجم در نفرین
بر دشمن فصل بیست و ششم در حجابها و عوذها و هیاکل فصل بیست و هفتم در ادعیه
که تعلق دارد بدفع سحر و شر شیاطین و دفع شر سلاطین و ترس آنها فصل بیست و هشتم
در بیان دعای چند که اسم مشهور و معروف دارند فصل بیست و نهم در ذکر دعای
چند که از ائمهٔ معصومین منقول شده و اسم مشهور و معروف ندارند فصل سی ام
در بیان دعاهای چند که منسوبست بانبیا و ائمه فصل سی و یکم در بیان دعواتی چند
که در اسم اعظم وارد شده است فصل سی و دوم در بیان اسماء حسنی الله تعالی و شرح
آنها و ذکر بعضی از خواص آنها فصل سی و سیم در بیان مناجات یعنی راز گفتن با خدا
از نظم و نثر فصل سی و چهارم در طلب توبه و طلب عفو از حق سبحانه و تعالی و در طلب
آنکه الله تعالی عوض بدهد جماعتی را که نزد او حق دارند و صاحب حق را خدا
از او راضی کرداند فصل سی و پنجم در بیان استخاره و اقسام آن فصل سی و ششم
در ذکر نمازهای حاجت و دعاهای آن و رقعههای استغاثات فصل سی و هفتم
در بیان نمازهای شبها و روزها و نماز هر روز و هر ماه و هر سال و نمازهای متفرقه
که در این باب داخل است فصل سی و هشتم در فضیلت روز جمعه و در بیان
عملی چند که در روز جمعه بجا باید آورد فصل سی و نهم در بیان ثواب خواندن
سورههای قرآنی و ذکر بعضی از خواص آنها و خواص آیات سورههای آن و ذکر دعای

ختم قرآن فصل چهلم در ثواب روزه و بیان روزهائیکه روزهٔ آنها سنت است
در تمام سال بطریق نظم و نثر فصل چهل و یکم در بیان زیارات فصل چهل و دوم
در بیان ذکر ماههای دوازده گانه و ذکر ایام و هفته و فصول چهارگانه
و ذکر احوال پیغمبر و فاطمه و ائمهٔ اثنی عشر در جدول تطبیقی فصل چهل و سیم در اعمال
ماه رجب فصل چهل و چهارم در اعمال ماه شعبان فصل چهل و پنجم در بیان اعمال ماه
رمضان فصل چهل و ششم در ذکر اعمال ماه شوال فصل چهل و هفتم در اعمال ماه ذی قعده
فصل چهل و هشتم در اعمال ماه ذی حجه فصل چهل و نهم در خطبهها فصل پنجاهم در آداب
داعی و آن خاتمهٔ کتابست و الله الموفق بالصواب فصل اول از این کتاب در وصیت
میت است و آنچه بکه تعلق بآن دارد سزاوار آنست که آدمی ترک وصیت نکند
در حال صحت و مرض و در حال مرض تاکید در آن بیشتر است و میباید که آدمی
نفس خود را خلاص سازد از حقوق الله تعالی و از حقوق بندگان او و چه از حضرت
پیغمبر مرویست که کسیکه در وقت مرگ وصیت بجا نیاورد در عقل و مروت او
نقصانی هست اصحاب آنحضرت گفتند که یا رسول الله چگونه وصیت می باید
کرد آنحضرت فرمود که هر گاه مرگ کسی نزدیک شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید
اللّهمّ فاطر السّماوات والارض عالم الغیب والشّهادة الرّحمن الرّحیم انّی
اعهد الیک انّی اشهد ان لا اله الّا انت وحدک لا شریک لک وانّ محمّدا
عبدک ورسولک وانّ السّاعة آتیة لا ریب فیها وانّک تبعث من فی القبور
وانّ الحساب حقّ وانّ الجنّة حقّ وما وعد فیها من النّعیم من المأکل والمشرب
والنّکاح حقّ وانّ النّار حقّ وانّ الایمان حقّ وانّ الدّین کما وصفت و
انّ الاسلام کما شرعت وانّ القول کما قلت وانّ القرآن کما انزلت وانّک
انت الله الحقّ المبین وانّی اعهد الیک فی دار الدّنیا انّی رضیت بک ربّا وبا
لاسلام دینا وبمحمّد صلواتک علیه وآله نبیّا وبعلیّ ولیّا وبالقرآن
کتابا وانّ اهل بیت نبیّک علیه وعلیهم السّلام ائمّتی اللّهمّ انت ثقتی
عند شدّتی ورجائی عند کربتی وعدّتی عند الامور الّتی تنزل بی وانت
ولیّی فی نعمتی والهی واله آبائی صلّ علی محمّد وآله ولا تکلنی الی نفسی ابدا وانس

در حین وصیت بخواند

قبری وحشتی و اجعل لی عندک عهداً یوم القاک منشوراً و بعد از آن فرمود
که اینست عهد میت روزیکه بحاجت خود وصیت میکند و وصیت کردن
واجب است بر هر مسلمانی و حضرت امام جعفر صادق فرموده است که تصدیق
این وصیت میکند قول الله تعالی که فرموده است لا یملکون الشفاعة الا
من اتخذ عند الرحمن عهداً یعنی در روز قیامت مالک شفاعت نخواهند شد
مگر کسیکه او را در نزد خدا عهدی باشد و آن عهد عبارت از این وصیت است
که مذکور شد و حضرت پیغمبر فرمود که یا علی یاد گیر این وصیت را و یاد ده اهل
بیت و شیعیان خود بده بدرستیکه جبرئیل این را بیاد من داده است در ذکر
ثواب آنچه روایت است و حضرت امام جعفر صادق کما و نقل از آباء خود فرموده است
و از آباء او از پیغمبر نقل کرده اند که آنحضرت فرمود که هرگاه روز قیامت شود منادی
ندا کند از جانب عرش که الله تعالی میفرماید که هر کسرا که نزد من عهدی هست یا او را
نزد من عهدی هست داخل جنت شود بی حساب بی عذاب بعضی پرسیدند که یا
رسول الله آن عهد کدام است فرمود که آن عهد این است بسم الله الرحمن الرحیم

ایضا این عهد نامه بخواند

اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم انی اعهد
الیک فی هذه الحیوة الدنیا انک انت الله لا اله الا انت وحدک لا
شریک لک و ان محمداً عبدک و رسولک و ان علیاً ولیک و صفیک اللهم
لا تکلنا الی انفسنا طرفة عین فتقربنا من الشر و تباعدنا من الخیر فانا لا
نثق الا برحمتک و اجعل لنا ذلک عندک عهداً تؤدیه الینا یوم نلقاک
انک لا تخلف المیعاد و سزاوار است که هرگاه کسیرا وفات نزدیک شود نزد او
تلاوت قرآن کنند خصوصاً سوره یس و والصافات و میباید که در آن وقت تلقین
او کنند شهادتین را و اقرار به پیغمبر و ائمه را یکان یکان و بکلمات فرج نیز او را
تلقین نمایند و آن اینست لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی
العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما
بینهن و ما تحتهن و رب العرش العظیم و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب
العالمین و الصلوة علی محمد و آله الطیبین و در فکر ثواب آن در کتاب من لا یحضره

ایضا نزد احتضار یس و سوره والصافات و کلمات فرج بخواند

الفقیه

الفقیه مذکور است که پیغمبر داخل شد در حال نزع بر مردی از بنی هاشم و او را
امر کرد که کلمات فرج بخواند پس او کلمات فرج را خواند آنحضرت فرمود که حمد
خدا را که خلاص کرد او را از آتش جهنم بسبب این کلمات و در کتاب تهذیب
مذکور است که هرگاه یکی از اهل بیت را مرگ می رسید امیر المؤمنین او را
کلمات فرج تلقین میکرد و هرگاه آن مریض این کلمات را میگفت آنحضرت می
فرمود که برای او باکی نیست بر تو و اما قرائت سوره یس نزد او بواسطه قول پیغمبر است
که فرمود هرگاه کسی نزد مریضی سوره یس بخواند بعدد هر حرفی از این سوره
ده ملک نازل میشود برابر او و نزد او صف زده میایستند و از برای او استغفار
میکنند و در وقت قبض روح او حاضر میشوند و تشییع جنازه او می کنند
و بر او نماز میگذارند و در دفن او حاضر میشوند و رضوان که خازن جنت است از
برای او شربتی از شراب بهشت برای او میآورد و آن شخص سیراب میرود
و در روز قیامت سیراب برانگیخته میشود و محتاج نمیشود بحوض از حوضهای
پیغمبران و داخل جنت میشود سیراب و اما فایده قرائت و الصافات آن است
که نجات میدهد او را از شیطان و بر می اندازد او را از شرک و در کشاف
مذکور است که قرائت و الصافات باعث تعجیل فرجست و قرائت یس از
برای برکتست و سزاوار آنست که بر حبره یعنی بر کفن یا رنگی که بر روی سراسر
کرباس میپوشند و بر همه کفنهای میت و بر جریدتین او یعنی بر دو چوبی که با او
در قبر میگذارند بنویسند که فلان یعنی نام میت را بنویسند که یشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً رسول الله و اقرار بیک یک
از ائمه بنویسند و میباید که بسیاهی ننویسند بلکه بتربت امام حسین بنویسند
و اگر تربت امام حسین نباشد بانگشت خود بنویسند یعنی انگشت خود را بر کفن
مثل قلم بهم کشند بکشند در بیان نماز میت و در این نماز پنج تکبیر است و در میان
پنج تکبیر چهار دعا باید خواند باین روش که نیت کند و تکبیر بگوید و بعد از آن بگوید
الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً
عبده و رسوله و بعد از آن تکبیر بگوید پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد

بکفن و جریدتین بنویسند

آداب نماز میت

وبارك على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد پس تكبير سيم را بگويد پس دعا را بخواند اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات تابع بيننا وبينهم بالخيرات انك مجيب الدعوات انك على كل شئ قدير پس تكبير چهارم بگويد و اين دعا بخواند اللهم هذا عبدك وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم به منا اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عنه واحشره مع من كان يتولاه من الائمة الطاهرين و بعد از تكبير پنجم بگويد و اگر ميت مخالف مذهب باشد بر او نفرين كند بعد از تكبير چهارم و اگر ميت مستضعف باشد يعني پدر دين خود راسخ نباشد بعد از تكبير چهارم بگويد اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم و اگر مذهب ميت را نداند بعد از تكبير چهارم بگويد اللهم ان هذه نفس انت احييتها وانت امتها وانت اعلم بسرها وعلانيتها فاحشرها مع من تولت و اگر ميت طفل باشد بگويد اللهم اجعله لنا ولابويه فرطا و بعد از ان تكبير پنجم را بگويد و از نماز منصرف شود و اگر پيش نماز باشد هر گاه نماز ميت را تمام كند از مكان خود نرود تا آنكه جنازه را بردارند و چون ميت را در قبر گذارند يا كسي را كه ولي امر كند بگويد اللهم اجعلها روضة من رياض الجنة ولا تجعلها حفرة من حفر النيران و آنكسي كه ميت را بقبر ميگذارد بگويد بسم الله وبالله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله اللهم ايمانا بك وتصديقا بكتابك هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ايمانا وتسليما و سنت كه ميت را تلقين كند بشهادتين و اسماء دوازده امام در وقتيكه او را در قبر ميگذارند پيش از آنكه خشت بر آن بچينند و هم چنين سنت كه او را تلقين كند بعد از آنكه مردم از سر قبر او بر گردند و سنت كه در وقتيكه بخشت ميت را ميپوشند دعا كنند از براو بعد از دفن نيز از براو دعا كنند بايد دعائيكه از امام محمد باقر مرويست و آن اينست اللهم انس وحشته وارحم غربته واسكن رعته و

جنازه میت را در قبر
گذارند بگویند

صل وحدته واسكن اليه من رحمتك رحمة يستغني بها عن رحمة من سواك واحشره مع من كان يتولاه و بعد از ان هفت بار سوره انا انزلنا بخواند و ثواب آنرا بميت هديه كند و يازده بار توحيد بخواند و بر اموات آن مقبره هديه كند **فصل دويم** در بيان آنچيزيست كه تعلق دارد ببيت الخلاء و وضو و غسل و دخول مسجد اما اداب بيت الخلاء آنست كه نزد دخول بيت الخلاء پاي چپ را پيش گذارد و اين دعا بخواند بسم الله وبالله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبيث المخبث الشيطان الرجيم و در وقت استنجا كردن اين دعا بخواند اللهم حصن فرجي واعفه واستر عورتي وحرمني على النار ووفقني لما يقربني منك يا ذا الجلال والاكرام پس چون از موضع خود بر خيزد دست خود را بر شكم بكشد و بگويد الحمد لله الذي اماط عني الاذى وهناني طعامي وشرابي وعافاني من البلوى و هر گاه اراده بيرون كند كه بيايد از بيت الخلاء پاي راست را پيش بگذارد و بگويد الحمد لله الذي عرفني لذته وابقى في جسدي قوته واخرج عني اذاه يا لها نعمة يا لها نعمة يا لها نعمة لا يقدر القادرون قدرها و اما اداب وضو آنست كه هر گاه نظر بآب بيندازد بگويد الحمد لله الذي جعل الماء طهورا ولم يجعله نجسا و در وقت مضمضه يعني دهن شستن بگويد اللهم لقني حجتي يوم القاك واطلق لساني بذكرك وشكرك و در وقت استنشاق يعني آب در بيني كشيدن بگويد اللهم لا تحرمني طيبات الجنان واجعلني ممن يشم ريحها وروحها وريحانها حضرت پيغمبر فرموده است كه ميبايد مبالغه كنيد در مضمضه و استنشاق كه باعث آمرزش شما ميشود و شياطين را از شما دور ميكند و نزد شستن رو بگويد اللهم بيض وجهي يوم تسود فيه الوجوه ولا تسود وجهي يوم تبيض فيه الوجوه و در وقت شستن دست راست بگويد اللهم اعطني كتابي بيميني والخلد في الجنان بشمالي وحاسبني حسابا يسيرا و در وقت شستن دست چپ بگويد اللهم لا تعطني كتابي بشمالي ولا من وراء ظهري ولا تجعلها مغلولة الى عنقي واعوذ بك من مقطعات النيران و نزد مسح سر بگويد اللهم غشني رحمتك وبركاتك و نزد مسح پاها بگويد اللهم ثبت قدمي على الصراط

آداب بیت الخلا

ادعیه که در وضو
خوانند

یوم تذل فیه الاقدام واجعل سعیی فیما یرضیک عنی یا ذا الجلال والاکرام و
چون از وضو ساختن فارغ شود بگوید الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلنی من
التوابین واجعلنی من المتطهرین و بعد از آن سوره قدر بخواند و بگوید اللهم
انی اسئلک تمام الوضوء وتمام الصلوة وتمام رضوانک وتمام مغفرتک
بدانکه در ثواب وارد شده است که کسیکه بعد از سوره قدر این دعا را بخواند
جمیع گناهان او آمرزیده میشود و حضرت صادق فرمود که کسیکه وضو بسازد
و ذکر خدا کند جمیع بدن او پاک میشود و وضوی او کفاره گناهان میشود که ما
بین این وضو تا وضوی دیگر که از او صادر میشود و کسیکه وضو کند و ذکر خدا
نکند از بدن هر جا که آب بآن میرسد پاک میشود نه کل جسد او و حضرت امام
موسی کاظم فرمود که کسیکه از برای نماز مغرب وضو کند وضوی او کفاره گناهانی
میشود که در آن روز از او صادر شده است مگر گناهان کبیره که آن بتوبه ساقط
میشود و هر که وضو کند از برای صبح وضوی او کفاره گناهانیست که در آن شب کرده
مگر گناهان کبیره و حضرت صادق فرمود که کسیکه وضو کند و دست خود را
بمندیل پاک کند یک ثواب دارد و کسیکه آب وضو را از اعضای وضو پاک نکند
سی حسنه دارد و روایت شده از آنحضرت که هر که تجدید وضو کند از برای غیر
نماز مثل خواندن قرآن یا خوابیدن تجدید میکند خدا توبه او را بی استغفار و در
روایت دیگر وارد است که کسیکه بعد از وضو سه بار سوره قدر را بخواند از برای
او می نویسند ثواب حضرت موسی و عیسی و حبیب خدا و اما آنچیزیکه موجب
وضو است ده چیز است اول خروج منی دویم بول سیم غایط چهارم بادی که از موضع
معتاد بیرون آید پنجم خوابی که بر چشم و گوش غلبه کند ششم هر چیزیکه عقل را
برطرف کند هفتم حیض هشتم نفاس نهم استحاضه دهم مس میت آدمی بعد از آنکه
سرد شده باشد و پیش از آنکه او را غسل داده باشند پس اگر کسی میت آدمی را مس کند
پیش از آنکه سرد شده باشد یا بعد از آنکه او را غسل داده باشند غسل مس میت
او را واجب نمیشود بدانکه در روایتی واقع شده است که منی موجب وضو است اما
اصحاب بآن عمل نکرده اند بلکه مراد از وضو که وارد شده است بعد از غسل جنابت

وضوی

آن شستن

آن شستن دستها است و مضمضه و استنشاق که در غسل سنت است بلی خروج منی ناقض وضو
هست اما در موجب بودن او چنانکه مصنف ذکر کرده نظر است اما موجبات غسل پنج چیز است
اول جنابت دویم حیض سیم نفاس چهارم استحاضه متوسطه یا کثیره پنجم مس میت آدمی بر وجهی که
مذکور شد اما غسلهای سنتی مشهوره بیست و هشت است شانزده غسل از برای وقت سنت است
اول غسل جمعه و وقت آن از طلوع فجر است تا وقت زوال و هر چند بزوال نزدیکتر است فاضل
تر است و کسیکه بترسد که جمعه آب نیابد جایز است که روز پنجشنبه غسل جمعه را بنیت تقدیم بکند
و جایز است قضا کردن این غسل در روز شنبه و شش غسل در ماه رمضان سنت است یک غسل
در شب اول ماه و یک غسل در شب نیمه آن و یک غسل در شب هفدهم و یک غسل شب نوزدهم و یکغسل
شب بیست یکم و یک غسل شب بیست سیم و نیز از جمله اغسال مستحبه غسل شب عید رمضان
و غسل روز عید رمضان و روز عید قربان و غسل روز عرفه و غسل شب نیمه رجب و روز و غسل
بیست هفتم رجب و غسل شب نیمه شعبان و غسل روز عید غدیر و روز مباهله است و هفت
غسل از برای فعل سنت است و آن غسل احرام و زیارت پیغمبر و ائمه است و غسل کسی است که تقصیر
کرده باشد در نماز کسوف با احتراق کل قرص یعنی هر گاه دانسته که کل قرص آفتاب یا ماه گرفته
و او نماز نکرده است هر گاه اراده قضای او کند سنت است که غسل کند بنابر اظهر و غسل توبه است
خواه توبه از فسق باشد یا از کفر سنت است که بعد از توبه غسل کند و دیگر غسل از برای نماز حاجت
و نماز استخاره و پنج غسل از برای مکان سنت است و آن غسل کردن دخول حرم مکه است و غسل دخول
مسجد الحرام و کعبه و غسل دخول مدینه و غسل دخول مسجد نبی است و سنت است که در اثنای
هر یک از این اغسال دعائی بخوانند که شیخ شهید در نفلیه است اللهم طهر قلبی واشرح لی صدری
واجر علی لسانی مدحتک والثناء علیک اللهم اجعله لی طهورا وشفاء ونورا انک علی
کل شیء قدیر و بعد از غسل بگوید اللهم طهر قلبی وزک عملی واجعل ما عندک خیرا لی اللهم
اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین در ذکر ثواب دخول مسجد و کنس و اسراج آن
حضرت صادق فرمود کسیکه بسوی مسجد برود نمیگذارد پای خود را بهیچ تر و خشکی مگر آنکه آن
موضع قدم او تا زمین هفتم تسبیح میکنند و ثواب آن از آن شخص است و نیز از آنحضرت مرویست که
کسیکه آب دهن خود را برای تعظیم مسجد فرو برد هر دردیکه بکند از آن هر دردی بری شود و نیز
فرمود کسیکه آب دهن خود را بیندازد یعنی بخوف خود برای تعظیم مسجد خدا آن آب دهن او را صحت

در وقت هر غسل بخواند

ذکر کرده

در ذکر ثواب دخول مسجد

مکره

کرداند در بدن او و جسد او را از بلا عافیت دهند و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود خدا
می‌فرماید که مساجد خانهای منست در زمین نورانی می‌نماید از برای اهل آسمان همچنانکه ستاره
نورانی می‌نماید از برای اهل زمین خوشا حال بنده که در خانه خود وضو بسازد پس زیارت
کند مرا در خانه من چه بر مزور لازم است که گرامی دارد زایر خود را بشارت دهید روندگان در تاریکیها
بسوی مسجدها بنور درخشنده در روز قیامت و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود کسیکه قرآن حدیث او
باشد و مسجد خانه او باشد بنا میکند خدا برای او خانه در جنت و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه
چراغ روشن کند در مسجدی خدا ملایکه و حمله عرش را می فرماید تا از برای او استغفار کنند تا روشنائی
آن چراغ در آن مسجد است و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود کسیکه مسجد را جاروب کند روز پنجشنبه یا شب
جمعه و بیرون کند از آنجا آنقدر از خاک که در چشم توان کرد خدا او را بیامرزد اما دخول مساجد پس
کسیکه خواهد داخل مسجد شود باید که پای راست را پیش گذارد و بگوید بسم الله و بالله و من الله و
الی الله و خیر الاسماء کلها لله توکلت علی الله و لا حول و لا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد و
آل محمد و افتح لی ابواب رحمتک و توبتک و اغلق عنی ابواب معصیتک و اجعلنی من زوارک
و عمار مساجدک و ممن یناجیک باللیل و النهار و من الذین هم فی صلوتهم خاشعون و ادحر عنی الشیطان
الرجیم و جنود ابلیس اجمعین و ابن فهد در عدة الداعی گفته است که نبی فرمود کسیکه وضو بسازد و
بیرون رود از خانه بقصد مسجد در وقت بیرون رفتن از خانه بگوید بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین
خدا او را براه راست هدایت کند و اگر بگوید الذی هو یطعمنی و یسقین خدا او را از طعام جنت
روزی کند و از شراب جنت بیاشاماند و هرگاه بگوید و اذا مرضت فهو یشفین بگرداند خدا او را کفاره
گناهان او و اگر بگوید الذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین خدا بیامرزد همه گناهان او را اگر
چه زیاده از کف دریا باشد و هرگاه بگوید رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین بخشد خدا او را حکم
و علم و لاحق سازد او را بصالحان گذشته و آینده و هرگاه بگوید و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین
بنویسد خدا در ورقی سفید که فلان بن فلان از جمله صادقانست و هرگاه بگوید و اجعلنی من ورثة
جنة النعیم ببخشد او را خدا منازل بسیار در جنت و هرگاه بگوید و اغفر لابی بیامرزد خدا پدر و مادر او
تتمه علامه حلی در قواعد ذکر کرده که علی فرمود کسیکه تردد کند بسوی مسجد بیکی از هشت چیز او
می رسد برادری فی الله یا علمی یقینی یا آیه محکمی یا رحمتی که منتظر باشد که از جانب خدا باو برسد یا کلمه
که او را از ردی باز دارد یا بشنود کلمه را که او را هدایت کند براه حق یا ترک می کند گناهی را از ترس خدا

در دخول مسجد بخواند

والذی یمیتنی ثم یحیین بمیراند او را خدا بمرگ شهدا و زنده گرداند او را بزندگی سعدا و هرگاه بگوید

با او شرم

با او شرم مردم و صادق فرمود کسیکه بنا کند مسجدی بمقدار مفحص قطاة خدا بنا کند برای او خانه
در جنت و مفحص آن موضعی است که قطاة یعنی مرغی که در فارسی آنرا اسفرود گویند در زمین برای گذا
برای بیضه گذاشتن و مراد از این حدیث مبالغه و تاکید است در بنای مسجد و هرگاه از مسجد
بیرون آید پای چپ را پیش گذارد و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح لنا باب فضلک و
شیخ بن بابویه در کتاب ثواب الاعمال ذکر کرده که یک نماز در مسجد الحرام بصد هزار نماز حساب است و
یک نماز در مسجد نبی بده هزار نماز حساب است که در مساجد دیگر نماز کرده شود و یک نماز در مسجد کوفه برابر
هزار نماز است و یک نماز در بیت المقدس برابر هزار نماز است و یک نماز در مسجد جامع شهر برابر صد
نماز است و در مسجد قبیله برابر بیست و پنج نماز است و در مسجد بازار برابر دوازده نماز است و نماز در
خانه خود برابر یک نماز است **فصل سیم** در بیان اذان و اقامه و توجه کردن بسوی نماز اما اذان و
اقامه پس علامه حلی در قواعد خود ذکر کرده که اذان و اقامه هر دو سنت است در نمازهای فریضه شبانه
روزی و بس یعنی در غیر نماز یومیه از نمازهای دیگر اذان و اقامه سنت نیست و در نماز یومیه که
ادا و قضا هر دو سنت است خواه کسی تنها نماز کند یا بجماعت خواه مرد باشد یا زن اما زن بشرطی
سنت است که آهسته بگوید که آواز او را اجنبی نشنود و در نماز جهریه تاکید در اذان و اقامه بیشتر است
خصوصا در نماز صبح و شام و در غیر نماز یومیه مثل نماز کسوف و خسوف و نماز عید و نماز طلب باران اذان
ندارد بلکه باید که موذن در نماز واجب غیر یومیه سه بار بگوید الصلوة در ثواب اذان و اقامه
در نماز یومیه بدانکه این اذان بمذهب اصحاب امامیه وحی است از جانب خدا که در شب معراج
پیغمبر از جبرئیل آنرا شنید و در روایتی دیگر وارد است که یکروز سر پیغمبر در دامن علی بود که جبرئیل
اذان را آورد و با آنحضرت تعلیم کرد و علی آنرا شنید و بعد از آنکه حضرت نبی بعلی گفت که اذان را یاد
بلال ده پس آنحضرت آنرا یاد بلال داد و فضل اذان بسیار است و از جمله روایتی است که از صادق
مرویست که آنحضرت فرمود که کسیکه نماز کند با اذان و اقامه در عقب او دو صف از ملایکه
نماز کنند و هرکه نماز بکند با اقامه تنها در عقب او نماز کنند یک صف از ملایکه و اقل مقدار
صف از مشرق تا مغرب است و اکثر آن از زمین تا آسمان و پیغمبر فرموده است که کسیکه یکسال اذان گوید
در شهری از شهرهای مسلمانان واجب میشود از برای او جنت و نیز از آنحضرت مرویست که اجر
موذن در مابین اذان و اقامه مثل اجر شهیدیست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و
در روایتی دیگر وارد است که کسیکه ده سال اذان بگوید مزاحمت کند حضرت ابراهیم را در

آداب اذان واقامه

یا در درجه او و خدا میآمرزد از برای وی یعنی بشفاعت او و آمرزیده میشود هر که چشم او
کار کند و آواز او برود و هر خشک و تری که آواز او را بشنوند او را تصدیق کنند و مر او را
باشد آنها هر کس که در مسجد اذان نماز کند بهره از ثواب مر او را است باز آنها هر کس که با اذان او نماز کند
حسنه و از صادق مرویست که کسیکه از مؤذن بشنود که بگوید اشهد ان لا اله الا الله و
اشهد ان محمدا رسول الله پس آنکس از برای تصدیق مؤذن بگوید اشهد ان لا اله الا الله و
ان محمدا رسول الله کفایت کرده میشود باین قول از هر کس که این قول را انکار کند و منکر باشد
آنرا و اعانت کرده میشود بسبب آن هر کس که مقر باشد بآن و خدا آمرزیده برای او بعدد آن
کسانیکه منکر این قول باشد و بعدد آنکسانیکه باین قول اقرار داشته باشند و نیز در روایت
صحیحه وارد است که نبی فرمود کسیکه ده سال از برای خدا اذان بگوید بقربة الی الله میآمرزد
خدا گناهان گذشته او را و در باقی عمر او نگاه دارد از ارتکاب معاصی و در جنت جمع میکند
میان او و شهدا و کسیکه یکسال اذان بگوید خدا او را برانگیزد در روز قیامت در حالتیکه همه
گناهان او آمرزیده شده باشد اگرچه مثل کوه احد باشد و از علی مرویست کسیکه با اذان و اقامه نماز
کند دو صف از ملائکه در عقب او نماز کنند که طرفهای آنها دیده نمیشود و هر که نماز کند با اذان تنها
نماز میکند در عقب او یک ملک و علامه در قواعد گفته است که اذان هیجده فصل است چهار تکبیر و دو بار
شهادت بتوحید و دو بار شهادت برسالت و دو بار حی علی الصلوة و دو بار حی علی الفلاح و
و دو بار حی علی خیر العمل و دو تکبیر و دو تهلیل است و اقامه نیز باین روش است اما در اول آن دو
تکبیر و در آخر آن یک تهلیل ساقط میشود و بعد از حی علی خیر العمل دو بار قد قامت الصلوة زیاد میشود
و فضل اذان و اقامه عظیم است و از جمله شرایط صحت اذان و اقامه آنست که وقت نماز داخل شود پس
قبل از دخول وقت اذان و اقامه نتوان گفت مگر در نماز صبح که رخصت داده اند که اذان صبح را
قبل از طلوع فجر میتوان گفت اما سنت است که بعد از طلوع فجر آنرا اعاده کند پس هرگاه کسی خواهد
بنماز بایستد اذان بگوید چون از اذان فارغ شود سجده کند و در سجده بگوید لا اله الا انت سجدت
لک خاضعا خاشعا اللهم اجعل قلبی بارا و رزقی دارا و عیشی قارا و اجعل لی عند قبر نبیک
محمد مستقرا و قرارا پس بنشیند و بگوید سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا
ینسی من ذکره سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس له حاجب یغشی و لا بواب یرشی
و لا ترجمان یناجی سبحان من اختار لنفسه احسن الاسماء سبحان من فلق البحر لموسی

ذکر سجده مابین اذان و اقامه

سبحان

سبحان من لا یزداد علی کثرة العطاء الا کرما و جودا سبحان من هو هکذا
لا هکذا غیره و اگر از برای نماز ظهر اذان شش رکعت نماز از جمله هشت رکعت
نافله ظهر را بجای آورد و بعد از آن اقامت بگوید و بگوید اللهم رب هذه
الدعوات التامة و الصلوة القائمة بلغ محمدا الدرجة و الوسیلة و
الفضل و الفضیلة بالله استفتح و بالله استنجح و بمحمد رسول الله اتوجه اللهم
صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی بهم عندک وجیها فی الدنیا و الآخرة و من
المقربین پس بگوید یا محسن قد اتاک المسیء و قد امرت المحسن ان یتجاوز عن
المسیء و انت المحسن و انا المسیء فبحق محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و
تجاوز عن قبیح ما تعلم منی یا ذا الجلال و الاکرام پس چون توجه کند بسوی قبله بگوید
اللهم الیک توجهت و مرضاتک طلبت و ثوابک ابتغیت و بک آمنت و علیک
توکلت اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح مسامع قلبی لذکرک و ثبتنی علی دینک
و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب و توجه
در هفت موضع سنت است یکی در اول هر نماز فریضه دوم در رکعت اول از نوافل ظهر سیم
در رکعت اول از نوافل مغرب چهارم در رکعت اول از نماز شب پنجم در یک رکعت نماز وتر
ششم در رکعت [در اول] نماز احرام هفتم در اول دو رکعت وتیره و توجه عبارتست از آنکه سه
تکبیر بگوید و این دعا بخواند اللهم انت الملک الحق المبین لا اله الا انت سبحانک
و بحمدک عملت سوءا و ظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت و
پس دو تکبیر بگوید و این دعا را بخواند که لبیک و سعدیک و الخیر فی یدیک و الشر
لیس الیک و المهدی من هدیت عبدک و ابن عبدیک منک و بک و لک و
الیک لا ملجا و لا منجی و لا مفر الا الیک سبحانک و حنانیک سبحانک رب
البیت الحرام پس دو تکبیر بگوید و این دعا بخواند وجهت وجهی للذی فطر السموات و
الارض علی ملة ابرهیم و دین محمد و منهاج علی حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین
ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا
من المسلمین اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و یک تکبیر از این هفت تکبیر واجبست و شش
تکبیر باقی سنتست و تکبیر واجب آنست که مقارن واقع شود بنیت نماز و تکبیر آخرین تکبیر احرام

بعد از اقامه بگوید

بعد از تکبیر بگوید

بکرداند **فصل چهارم** در ذکر نمازهای پنجگانه شبانروزی و نافلهای آنها اما پنج نماز
پس هفده رکعت است و اما نوافل مرتبهٔ آنها پس چهار رکعت است هشت رکعت نافلهٔ
ظهر است که آنرا بعد از زوال شمس و پیش از نماز بجای باید آورد و هشت رکعت نافلهٔ
عصر است که پیش از نماز عصر بجا می باید آورد و چهار رکعت نماز نافلهٔ مغربست که بعد
از نماز مغرب بجا می باید آورد و دو رکعت نافلهٔ عشا است که بعد از نماز عشا
نشسته باید کرد که هر دو رکعت بیک رکعت حساب است و این نماز وتیره را بعد از
جمیع نمازهائیکه اراده دارد که بکذارد بجا آورد چنانکه این دو رکعت آخر نماز او باشد
و هشت رکعت نماز نافلهٔ شبست و دو رکعت نماز نافلهٔ شفع است و یک رکعت نافلهٔ
وتر است و دو رکعت نافلهٔ صبح است و در سفر نافلهٔ ظهر و عصر و عشا ساقط می شود
و هر نماز نافله که هست هر دو رکعت بیک سلام است و بعد تشهد مکر نماز وتر و نماز
اعرابی که کیفیت آنها مذکور خواهد شد ان شاء الله و آنچه مذکور شد علامه در قواعد
خود ذکر کرده است و سنتست که در رکعت اول از نافلهٔ ظهر را بخواند الحمد و توحید
و در رکعت دویم الحمد و جحد و در باقی هر سوره که خواهد بخواند و بعد از هر دو رکعت
ازین نوافل این دعا را بخواند اللهم انی ضعیف فقو فی رضاک ضعفی وخذ الی
الخیر بناصیتی واجعل الایمان منتهی رضاک وبارک لی فیما قسمت لی وبلغنی
برحمتک کل الذی ارجوا منک واجعل لی ودا وسرورا للمؤمنین وعهدا عندک
و در میان هر دو رکعت از نوافل ظهر این دعا بخواند اللهم مقلب القلوب والابصار
صل علی محمد وآله وثبت قلبی علی دینک ودین نبیک محمد ولا تزغ قلبی
بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب واجرنی من النار
برحمتک اللهم صل علی محمد وآله واجعلنی سعیدا فانک تمحوا ما تشاء وتثبت
وعندک ام الکتاب و میان هر دو رکعت از نافلهٔ عصر دعای نجاح را بخواند و بعد از این
دعای نجاح در اول تعقیب نماز ظهر مذکور خواهد شد و بدانکه اول نمازیکه الله تعالی
واجب کردانیده است نماز ظهر است و از این جهت است که او را نماز اولی میکویند پس
هرکاه از سمت الراس زایل شود سایه دست باید که در بنا و ظهر در وقت خود و بجای آورد
آنچه کذشت ذکر آن از وضو و دخول مسجد و اذان و اقامه و توجه بهفت تکبیر و سنتست که

در رکوع خود بکوید اللهم لک رکعت ولک خشعت وبک امنت ولک اسلمت
وعلیک توکلت وانت ربی خشع لک سمعی وبصری ومخی وعصبی وعظامی و
ما اقلته قدمای لله رب العالمین و بعد از آن بکوید سبحان ربی العظیم وبحمده
هفت یا پنج مرتبه یا سه بار یا یکبار نیز کافی است و بعد از آن از رکوع راست شود
و بایستد و بکوید سمع الله لمن حمده والحمد لله رب العالمین اهل الکبریاء و
الجود والجبروت و در سجده بکوید اللهم لک سجدت وبک امنت ولک اسلمت
وعلیک توکلت وانت ربی سجد لک سمعی وبصری وشعری وعصبی ومخی و
عظامی سجد وجهی البالی للذی خلقه وصوره وشق سمعه وبصره
تبارک الله احسن الخالقین پس بکوید سبحان ربی الاعلی وبحمده هفت یا پنج یا
بار یا سه بار یا یکبار نیز کافی است پس بنشیند و بکوید اللهم اغفر لی وارحمنی و
اجبرنی واهدنی انی لما انزلت الی من خیر فقیر پس سجدهٔ دویم را بجا آورد مثل
سجدهٔ اول پس برخیزد برکعت دویم و آنرا بطریق رکعت اول بکند و قنوت بخواند
پیش از آنکه برکوع رود و بهر دعائیکه خواهد بهترین آن کلمات فرج است و قنوت سنت است
در همه نمازها خواه واجب باشد یا سنت و در نمازهای واجبی تاکید بیشتر است و باز از نماز
واجبی در نماز صبح و شام زیاده تاکید وارد است و اکر کسی قنوت را فراموش کند و برکوع
رود بعد از آنکه از رکوع راست شود آنرا بجا آورد چنانچه شیخ شهید در کتاب بیان
ذکر کرده است و ابن ابی عقیل و ابن بابویه در جمیع نمازهای واجبی قنوت را واجب میدانند
و سنتست که قنوت را بلند بخوانند مکر ماموم که او می باید آهسته بخواند و اقل قنوت پنج
تسبیح است یا سه تسبیح یا سه بار بکوید بسم الله الرحمن الرحیم و ماموم می باید که در قنوت
تابع امام شود اکرچه رکعت اول ماموم باشد یعنی ماموم در رکعت دویم امام با و
اقتدا کرده باشد که رکعت اول ماموم است و رکعت دویم امام پس امام که قنوت بخواند
ماموم نیز با او متابعت کند اکرچه رکعت اول اوست و جایز است در قنوت و در جمیع احوال
نماز دعا کردن از برای دین و دنیا هرکاه طلب امر حلال کند و جایز است که قنوت بغیر
عربی باشد اما ذکرهای واجب را بغیر عربی نتوان خواند مکر آنکه از عربی عاجز باشد
در ثواب قنوت و رکوع و سجود پیغمبر فرموده است که دراز کننده ترین شما در قنوت زاد در

در نماز بگوید

را حتش دراز تراست در روز قیامت و حضرت امام جعفر صادق فرمود کسیکه تمام
رکوع خود را وحشت قبر با او داخل نشود و نیز از امام جعفر صادق مرویست کسیکه
در رکوع و سجود و قیام خود بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد می نویسد خدا یتعالی
از برای او مثل ثواب رکوع و سجود و قیام و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود نهایت نزدیکی
بنده بخدا یتعالی وقتی است که در حال سجده باشد و شیخ شهید در نفلیه خود ذکر کرده
است که سنتست که نماز گذارنده در سجده اول بدل خود بگذراند که خدایا ما را از خاک
خلق کرده و چون سر از سجده اول بر دارد در دل خود بگذراند که خدایا ما را از خاک بیرون
آورده و چون بسجده دویم رود در دل خود بگذراند که خدایا ما را بخاک باز عود خواهی
فرمود و چون سر از سجده دویم بر دارد در دل خود بگذراند که ما را یکبار دیگر از خاک بیرون
خواهی آورد و در بیان تشهد واجبست که در تشهد بگوید اشهد ان لا اله الا

در تشهد بگوید

الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی محمد و
آل محمد و سنتست که در تشهد اول بگوید بسم الله وبالله والحمد لله وخیر الاسماء
لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده و
رسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة واشهد ان ربی نعم الرب
وان محمدا نعم الرسول اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل شفاعته فی
امته وارفع درجته الحمد لله الحمد لله و در تشهد دویم چون نعم الرسول را بگوید بعد
از ان بگوید التحیات لله والصلوات الطیبات الطاهرات الزاکیات الغادیات الرائحات
السابغات الناعمات لله ما طاب وزکی وطهر وما خلص وصفی فلله واشهد ان
الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور اللهم صل علی محمد و
آل محمد وبارک علی محمد وآل محمد وسلم علی محمد وآل محمد وترحم علی محمد و
آل محمد کافضل ما صلیت وبارکت وسلمت وترحمت علی ابرهیم وآل ابرهیم
انک حمید مجید اللهم صل علی محمد وآل محمد واغفر لنا ولاخواننا الذین
سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین امنوا ربنا انک رؤف رحیم اللهم
صل علی محمد وآل محمد وامنن علی بالجنة وعافنی من النار اللهم صل علی محمد
وآل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات ولمن دخل بیتی مؤمنا و

تزد الظالمین الا تبارا پس سلم بدهد باین روش که السلام علیک ایها النبی ورحمة
الله وبرکاته السلام علی جمیع انبیاء الله وملائکته ورسله السلام علی الائمة
الطاهرین الهادین المهدیین السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین پس برخیزد و
برکعت سیم در حال برخاستن بگوید بحول الله وقوته اقوم واقعد و در رکعت آخر الحمد
تنها یا سه مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر واگر یکبار
بگوید نیز کافی است و چون سلم دهد سه بار بگوید الله اکبر و بعد از ان تسبیح فاطمه
زهرا بگوید و آن سی و چهار الله اکبر است و سی و سه نوبت الحمد لله و سی و سه سبحان
الله است و در هر یک از نمازهای واجب آنچه مذکور شد بجای آورد در ثواب تسبیح فاطمه
زهرا از امام محمد باقر مرویست که کسیکه تسبیح فاطمه زهرا بگوید و بعد از ان بگوید
استغفر الله بیامرزد خدا یتعالی گناهان او را از جعفر صادق مرویست که فرمود تسبیح
حضرت فاطمه زهرا در هر روزی عقب هر نماز واجبی دوستر است نزد من از هزار رکعت نماز در
هر روزی فصل پنجم در آنچه بهتر است که در عقب هر نماز واجبی بیاید خواند و آن این است

امام

دعای بعد از هر فریضه

لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه
مخلصین له الدین ولو کره المشرکون لا اله الا الله ربنا ورب آبائنا الاولین
لا اله الا الله وحده وحده صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده
فله الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء
قدیر پس بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه پس بگوید
اللهم اهدنی من عندک وافض علی من فضلک وانشر علی من رحمتک وانزل
علی من برکاتک پس بگوید سبحانک لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا
فانه لا یغفر الذنوب کلها جمیعا الا انت در ثواب این تعقیب مرویست از حضرت
امام محمد باقر که فرمود که هر که در عقب هر نماز واجبی پیش از انکه پای خود را منعطف
سازد بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام
واتوب الیه خدا یتعالی جمیع گناهان او را بیامرزد اگر چه مثل کف دریا باشد و در این بعض
ذو الجلال والاکرام واقع است و در روایت متن کتاب واقع نیست و حضرت پیغمبر
فرمود کسیکه در عقب هر نماز واجب سه نوبت بگوید الله اکبر و بعد از ان بگوید لا اله الا

الله و حدّه وحده تا آخر دعا چنانکه گذشت بدرستیکه دا کرده است شکر خدا را بر نعمت تقویت اسلام و تقویت لشکر اسلام و مرویست از حضرت امام جعفر صادق که گفت که کمتر دعائیکه در تعقیب نماز واجبی مجزیست اینست که بعد از نماز فریضه بگوئید اللهم صل علی محمد و ال محمد اللهم انی اسئلک من کل خیر احاط به علمک و اعوذ بک من کل شر احاط به علمک اللهم انی اسئلک عافیتک فی اموری کلها و اعوذ بک من خزی الدنیا و عذاب الاخرة و اعوذ بوجهک الکریم و عزتک التی لا ترام و قدرتک التی لا یمتنع منها شیء من شر الدنیا و الاخرة و من شر الاوجاع کلها و من شر کل دابة انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا پس بگوید لا اله الا الله ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما لبیک اللهم لبیک و سعدیک اللهم صل علی محمد و ال محمد و اهل بیت محمد و علی ذریة محمد علیه و علیهم السلام و رحمة الله و برکاته و اشهد ان التسلیم منا لهم و الایتمام بهم و التصدیق لهم ربنا امنا بک و صدقنا رسولک و سلمنا تسلیما ربنا امنا بما انزلت و اتبعنا الرسول و ال الرسول فاکتبنا مع الشاهدین اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و ال محمد و اسئلک خیر ما ارجوا و خیر ما لا ارجوا و اعوذ بک من شر ما احذر و ما لا احذر پس بگو سبحان الله کلما سبح الله شیء و کما یحب الله ان یسبح و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و الحمد لله کما حمد الله شیء و کما یحب الله ان یحمد و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و لا اله الا الله کما هلل الله شیء و کما یحب الله ان یهلل و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و الله اکبر کما کبر الله شیء و کما یحب الله ان یکبر و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله در ثواب این تسبیح ذکر کرده است صاحب نهج البلاغه در حدیث معراج که پیغمبر در شب معراج ملکی را دید در آسمان که هزار هزار سر بود و در هر سری هزار هزار روی بود و در هر روی هزار هزار دهن بود و در هر دهنی هزار هزار زبان بود و بهر زبانی هزار هزار لغت بود که تسبیح میکرد خدای عز و جل را بکرد آن

ملک سؤال کرد از الله تعالی را که در زبان بندگان تو کیست باشد که او را عبادتی باشد مثل عبادت من پس الله تعالی با و وحی فرستاد که مرا در زمین بندگان هستند که ثواب آن اعظم از ثواب تست و تسبیح او بیشتر از تسبیح تست آن ملک گفت بار خدایا رخصت ده مرا که زیارت آن بنده کنم الله تعالی او را اذن داد پس آن ملک نزد آن شخص آمد و سه روز نزد او بود و در این سه روز غیر از این ندید از آن بنده که چون از نماز فریضه فارغ میشد این تسبیح را میخواند که مذکور شد بعد از آن بگو سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر علی کل نعمة انعم بها علی و علی کل احد من خلقه ممن کان او یکون الی یوم القیمة پس بگو اللهم ان مغفرتک ارجی من عملی و ان رحمتک اوسع من ذنبی اللهم ان کان ذنبی عندک عظیما فعفوک اعظم من ذنبی اللهم ان لم اکن اهلا ان ابلغ رحمتک فرحمتک اهل ان تبلغنی و تسعنی لانها وسعت کل شیء برحمتک یا ارحم الراحمین در ثواب این دعا مرویست از پیغمبر که کسیکه خواهد الله تعالی در روز قیامت مؤاخذه نکند او را بر اعمال قبیحه و دیوان اقرار نگشاید یعنی نامه اعمال او را باید که در عقب هر نماز فریضه این دعا بخواند یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من لا یغلطه السائلون یا من لا یبرمه الحاح الملحین اذقنی برد عفوک و حلاوة رحمتک پس بگوید این دعا را که در ثواب این دعا مرویست از حضرت امیر المؤمنین کسیکه در عقب هر نماز این دعا بخواند گناهان او آمرزیده شود اگر چه گناهان او بعدد ستارگان آسمان و قطرات باران و سنگ ریزهای زمین و خاک آن و عدد چهارپایان باشد و این دعا موسوم است بدعای خضر پس بگو آنچه از حضرت امیر المؤمنین مروی شده در عقب هر نماز فریضه و آن دعا این است که الهی هذه صلوتی صلیتها لا لحاجة منک الیها و لا رغبة منک فیها الا تعظیما و طاعة و اجابة لک الی ما امرتنی به الهی ان کان فیها خلل او نقص من رکوعها او سجودها فلا تؤاخذنی و تفضل علی بالقبول و الغفران برحمتک یا ارحم الراحمین در ثواب این دعا مرویست از ائمه که هر کس در هر روز و در هر شب سه نوبت بگوید یا اسمع السامعین تا قول او که و الکبریاء رد آورد الله تعالی او را از جمله سعدا مینویسد اگر چه او شقی باشد پس سه نوبت بگوید یا اسمع السامعین و یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین و یا احکم

الحاکمین ویا صریخ المکروبین ویا مجیب دعوة المضطرین انت الله لا اله الا
انت رب العالمین وانت الله لا اله الا انت العلی العظیم وانت الله لا اله الا
انت الرحمن الرحیم وانت الله لا اله الا انت مالک یوم الدین وانت الله لا اله
الا انت منک بدء الخلق والیک یعود وانت الله لا اله الا انت لم تزل ولا
تزال وانت الله لا اله الا انت مالک الخیر والشر وانت الله لا اله الا انت
خالق الجنة والنار وانت الله لا اله الا انت الاحد الصمد لم یلد ولم یولد و
لم یکن له کفوا احد وانت الله لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة الرحمن
الرحیم وانت الله لا اله الا انت الملک القدوس السلام المومن المهیمن العزیز
الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون وانت الله لا اله الا انت الخالق البارئ
المصور لک الاسماء الحسنی یسبح لک ما فی السموات والارض وانت العزیز الحکیم
وانت الله لا اله الا انت الکبیر المتعال والکبریاء ردائک پس بگو اللهم صل علی
محمد وآل محمد واغفر لی مغفرة عزما جزما لا تغادر لی ذنبا ولا اکتسب بعدها محرما
وعافنی معافاة لا تبتلینی بعدها ابدا واهدنی هدی لا اضل بعده ابدا وعلمنی ما
ینفعنی وانفعنی بما علمتنی واجعله حجة لی لا علی وارزقنی من فضلک صبا صبا کفافا
کفافا ورضنی به یا رباه وتب علی یا الله یا رحمن یا رحیم صل علی محمد وآله واجرنی
واجرنی من النار ذات السعیر وابسط لی فی سعة رزقک علی واهدنی بهداک واغننی
بغناک وارضنی بقضائک واجعلنی من اولیائک المخلصین وابلغ محمدا تحیة کثیرة
وسلاما واهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط
مستقیم واعصمنی من المعاصی کلها ومن الشیطان الرجیم آمین رب العالمین پس چهل
نوبت باقیات صالحات یعنی تسبیح اربعه را وبعد از آن سه بار بگوید سبحان ربک رب
العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین پس بخواند الحمد وآیة الکرسی
وآیة شهد الله وآیة قل اللهم مالک وآیه سخره را ودر ثواب این آیات مرویست از پیغمبر که چون
الله تعالی اراده کرد فاتحة الکتاب وآیة الکرسی وآیة شهد الله وآیة قل اللهم مالک الملک وآیه سخره را فرو
فرستد این آیات بعرش الله تعالی درآویختند وعرض کردند الهی مارا فرو میفرستی بسوی ایشان والله تعالی
نبود وگفتند ای پروردگار ما را میفرستی بدار گناه وبسوی کسانی که عصیان تو میورزند وحال

انکه ما متعلقیم بعالم طهور وعالم قدس الله تعالی فرمود که قسم بعزت وجلال من که
هیچ بنده شما را در عقب هر نماز مگر آنکه او را ساکن کردانم در حظیرة قدس
وبعد از هر نماز در هر روز هفتاد نظر رحمت بروی اندازم وهفتاد حاجت او را بر آورم
وکمترین آنها آمرزش گناهان او باشد وهر اینه او را در پناه خود نگاه دارم از
هر عدوی ویاری دهم او را ومنع نکنم او را از دخول بهشت مگر مرگ وبعد از آن سه
نوبت بگو اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعل لی من امری فرجا ومخرجا و
ارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب یا رب محمد وآل محمد صل علی
محمد وآل محمد وعجل فرج آل محمد واعتقنی من النار وسه نوبت بگو اللهم صل
علی محمد وآل محمد واسئلک خیر الخیر رضوانک والجنة واعوذ بک من شر الشر
سخطک والنار اللهم انت ثقتی فی کل کربة وانت رجائی فی کل شدة وانت لی فی
کل امر نزل بی ثقة وعدة فاغفر لی ذنوبی کلها واکشف همی وفرج غمی وعافنی من
خزی الدنیا وعذاب الآخرة اعوذ بک من شر نفسی ومن شر غیری ومن شر السلطان
والشیطان وفسقة الجن والانس وفسقة العرب والعجم ورکوب المحارم کلها ومن
نصب لاولیاء الله استجیر نفسی بالله من کل سوء علیه توکلت وهو رب العرش العظیم و
سه نوبت بگو اعیذ نفسی وصحبتی واهلی ومالی وولدی واخوانی فی دینی وما رزقنی ربی
وخواتیم عملی ومن یعنینی امره بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن
له کفوا احد وبرب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی
العقد ومن شر حاسد اذا حسد وبرب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس
الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس وسه نوبت بگو استودع الله
العلی الاعلی الجلیل العظیم دینی ونفسی واهلی ومالی وولدی واخوانی المؤمنین وجمیع
ما رزقنی ربی وجمیع من یعنینی امره استودع الله المرهوب المخوف المتضعضع لعظمته
کل شیء دینی ونفسی واهلی ومالی وولدی واخوانی المؤمنین وجمیع ما رزقنی ربی و
جمیع من یعنینی امره وبعد از آن سه بار بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له
الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل
شیء قدیر وسه نوبت بگو یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم برحمتک استغیث وسه

سه نوبت بکوید دعا لیتکر و نیش خود را بدست راست کرفته باشی و دست چپ خود را کشوده باشی و کف دست چپ را بجانب آسمان کرده باشی یا عزیز یا کریم یا غفور یا رحیم بعد از آن هر دو دست خود را بر کردان و بکو دا تعشت هر دو دست را بسوی آسمان و سه بار بکو اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجرنی من العذاب پس هر دو دست خود را بخوابان و بکو اللهم صل علی محمد و آل محمد و فقهنی فی الدین و حببنی الی المسلمین و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین و ارزقنی هیبة المتقین یا الله یا الله یا الله اسئلک بحق من حقه علیک عظیم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستعملنی بما عرفتنی من حقک و ان تبسط علی ما قدرت من رزقک در ثواب آن مرویست از ابو الدرداء که بکری کسی با و کفت که آتش بخانه تو افتاد او کفت خانه من نسوخته است پس شخص دیکر آمد و همین خبر با و داد پس ثالثی آمد و باز این خبر را داد او کفت خانه من نسوخته بعد از آن معلوم شد که حوالی خانه او سوخته بود و خانه او نسوخته بود با و کفتند که از کجا دانستی که خانه تو نسوخته است او کفت که از پیغمبر شنیدم که میفرمود که هر کس در اول صبح این کلمات بکوید در آن روز با و بدی و مکروهی نمیرسد و هر کس در اول شب این کلمات را بکوید در آن شب با و مکروهی نمیرسد و من صبح این کلمات را کفته بودم میدانستم که مکروهی بمن نمیرسد پس بکو حسبی الله ربی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن اشهد و اعلم ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علما اللهم انی اسئلک اعوذ بک من شر نفسی و من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم پس دوازده مرتبه سوره توحید بخواند بعد از آن بکوید اللهم انی اسئلک باسمک المخزون المکنون الطاهر الطهر المبارک و اسئلک باسمک العظیم و سلطانک القدیم یا واهب العطایا و یا مطلق الاساری و یا فکاک الرقاب من النار اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی من النار و ان تخرجنی من الدنیا سالما و تدخلنی الجنة امنا و ان تجعل دعائی اوله فلاحا و اوسطه نجاحا و آخره صلاحا انک انت علام الغیوب پس بکو اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم ان الصادق الامین صلی الله علیه و آله قال انک قلت ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت و اکره مسائته اللهم فصل علی محمد و آل محمد و عجل

لولیک الفرج و العافیه و النصر و لا تسؤنی فی نفسی و لا فی احد من احبتی و صلی الله علی محمد و آل محمد و سلم پس بکو اللهم الیک رفعت الاصوات و لک عنت الوجوه و لک خضعت الرقاب و الیک التحاکم فی الاعمال یا خیر من سئل و یا خیر من اعطی یا من لا یخلف المیعاد یا من امر بالدعاء و وعد بالاجابة یا من قال ادعونی استجب لکم یا من قال و اذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون و یا من قال یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم لبیک و سعدیک ها انا ذا بین یدیک المسرف علی نفسی و انت القائل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم تا آخر آیه در ثواب این دعا از حضرت صادق مرویست که هر کس هر روز در عقب هر فریضه پیش از آنکه زانوهای خود را منعطف سازد این دعا را بخواند الله تعالی میتویسد از برای او چهل پنج هزار حسنه و محو میکند از نامه عمل او چهل پنج هزار سیئه و بلند میکرداند از برای او چهل پنج هزار درجه و ثواب کسی دارد که در آن روز دوازده مرتبه ختم قران کرده باشد و الله تعالی از برای او در بهشت بنا میکند خانه پس بکو پیش از آنکه زانوها را منعطف سازی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا فردا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا پس بکو اللهم بیرک القدیم و رافتک ببریتک اللطیفة و شفقتک بصنعتک المحکمة و قدرتک بسترک الجمیل صل علی محمد و آل محمد و احی قلوبنا بذکرک معمورة و نفوسنا بطاعتک مسرورة و عقولنا علی توحیدک مجبورة و ارواحنا علی دینک مفطورة و جوارحنا علی خدمتک مقهورة و اسمائنا فی خواصک مشهورة و حوائجنا لدیک میسورة و ارزاقنا من خزائنک مدرورة انت الله الذی لا اله الا انت لقد فاز من والاک و سعد من ناجاک و عز من ناداک و ظفر من رجاک و غنم من قصدک و ربح من تاجرک پس بکو رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد نبیا و بعلی اماما و بالحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد الخلف الصالح علیهم السلام ائمة و سادة و قادة بهم اتولی و من اعدائهم اتبرا پس بکو بسم الله الرحمن الرحیم حسبی الله للدین حسبی الله للدنیا و حسبی الله للاخرة و حسبی الله لما اهمنی و حسبی الله لمن بغی علی و حسبی الله عند الموت و حسبی الله عند

المسئلة في القبر وحسبي الله عند الميزان وحسبي الله عند الصراط وحسبي الله لا
اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم پس سه مرتبه بگو اللهم اني اسئلك
العفو والعافية والمعافاة في الدنيا والآخرة این دعا از جملهٔ ادعیهٔ السر است که الله
تعالی بآن راز گفته است با نبی خود محمد پس فرمود که یا محمد کسیکه اراده دارد از امت تو که
نماز او را مضاعف قبول کنم و دفع کنم نماز او را بسوی خود میباید که در عقب هر نماز فریضه
هر روز دست خود را بردارد و بگوید یا مبدئ الاسرار تا آخر پس بدرستیکه هرگاه بگوید آن را
دفع میکنم نماز او را مضاعف در لوح محفوظ پس بگو یا مبدئ الاسرار ومبين الكتمان وشارع
الاحكام وذارئ الانعام وخالق الانام وفارض الطاعة وملزم الدين وموجب التعبد
اسئلك بحق تزكية كل صلوة زكيتها وبحق من زكيتها له وبحق من زكيتها به ان تجعل
صلوتي هذه زاكية متقبلة بتقبلكها ورفعكها وتصييرك بها ديني زاكيا والهامك
قلبي حسن المحافظة عليها حتى تجعلني من اهلها الذين ذكرتهم بالخشوع فيها انت ولي
الحمد كله فلا اله الا انت فلك الحمد كله بكل حمد انت له ولي وانت ولي التوحيد
كله فلا اله الا انت فلك التوحيد كله بكل توحيد انت له ولي وانت ولي التهليل
كله فلا اله الا انت فلك التهليل كله بكل تهليل انت له ولي وانت ولي التسبيح
كله فلا اله الا انت فلك التسبيح كله بكل تسبيح انت له ولي وانت ولي التكبير
كله فلا اله الا انت فلك التكبير كله بكل تكبير انت له ولي رب عد علي في صلوتي
هذه برفعكها زاكية متقبلة انك انت السميع العليم این دعا نیز از جملهٔ ادعیهٔ السر است که
الله تعالی بآن مناجات کرد با حضرت محمد پس گفت که یا محمد هر کس از امت تو اراده کند که
نمازهای واجبی و سنتی او قبول شود باید که در عقب هر نماز واجبی و سنتی بگوید یا شارعا
تا آخر پس بدرستیکه هرگاه بگوید آن را قبول میکنم از او نمازهای واجبی و سنتی او را و نگاه
میدارم او را از عجب و طاعت و را و ذکر خود را محبوب و منکر را نمیدانم پس بگو یا شارعا لملائكته
الدين القيم دينا راضيا به منهم لنفسه ويا خالق من سوى الملائكة من خلقه للابتلاء
بدينه ويا مستخصا من خلقه لدينه رسلا بدينه الى من دونهم ويا مجازي اهل
الدين بما عملوا في الدين اجعلني بحق اسمك الذي كل شيء من الخيرات منسوب اليه
من اهل دينك المؤثرين به بالزامكهم حقه وتفريغك قلوبهم للرغبة في اداء حقك فيه

انك

اليك

اليك لا تجعل بحق اسمك الذي فيه تفصيل الامور كلها شيئا سوى دينك عندي
ابين فضلا ولا الي اشد تحببا ولا بي لاصقا ولا انا اليه منقطعا واغلب بالي و
هواي وسريرتي وعلانيتي واسفع بناصيتي لي كل ما تراه لك مني رضى من طاعتك
في الدين بدانکه در دو سجدهٔ شکر ثواب عظیم و اجر بسیار است پس بدرستیکه این دو
سجده تخفیف میدهد گناه را و راضی میکند خدای تعالی را از بنده و تمام میکرداند
نماز را که در آن نقصانی واقع شده است و از حضرت صادق مرویست که آنحضرت فرمود
که کسیکه خدای تعالی خود را بر شکر نعمتی سجده کند در غیر نماز از برای او ده حسنه می
نویسد و از نامهٔ اعمال او ده سیئه محو میکند و بلند میکند برای او ده درجه و امام رضا
فرموده است که اقل آنچه در سجدهٔ شکر کافی است سه مرتبه شکرا لله است و معنی
شکرا لله آنست که خدا را شکر میکنم برای آنکه مرا توفیق داده است از برای خدمت خود
و ادای فریضهٔ خود پس بدرستیکه شکر موجب زیادتی توفیق و نعمت است چنانکه خدای
تعالی میفرماید که و لئن شکرتم لازیدنکم یعنی اگر شکر کنید مرا هر آینه من زیاده میکردانم
از برای شما

دعای سجدهٔ شکر

فصل ششم در بیان دو سجدهٔ شکر است و صفت سجدهٔ شکر آنست که سجده کند و
جمیع اعضای خود را بر زمین بچسباند بخلاف سجدهٔ نماز که میباید که ساعد خود را از
از زمین جدا کند و در سجدهٔ شکر صد نوبت بگوید شکرا شکرا و اگر سه مرتبه بگوید
شکرا لله کافی است حضرت کاظم در سجدهٔ شکر این دعا میخواند رب عصيتك بلساني
ولو شئت وعزتك لاخرستني وعصيتك ببصري ولو شئت وعزتك لاكمهتني
وعصيتك بسمعي ولو شئت وعزتك لاصممتني وعصيتك بيدي ولو شئت و
عزتك لكنعتني وعصيتك بفرجي ولو شئت وعزتك لعقمتني وعصيتك برجلي
ولو شئت وعزتك لجذمتني وعصيتك بجميع جوارحي التي انعمت بها علي ولم
يكن هذا جزاك مني و بعد از آن هزار نوبت میگفت العفو العفو و بعد از آن جانب راست
روی خود را بر زمین میگذاشت و باز سه مرتبه میگفت بؤت اليك بذنبي عملت
سوء وظلمت نفسي فاغفر لي فانه لا يغفر الذنوب غيرك يا مولاي پس جانب چپ روی
خود را بر زمین میگذاشت و سه نوبت میگفت ارحم من اساء واقترف واستكان واعترف
بعد از آن سر میبرداشت و خود این دعا را بخواند بسجد پس بگو اللهم اعط محمدا وآل محمد السعادة في الر

وایمان الیسر وضیلة فی النعم وهناءة فی العلم حتی تشرفهم علی کل شریف الحمد لله
ولی کل نعمة وصاحب کل حسنة ومنتهی کل رغبة وقاضی کل حاجة لم یخذلنی عند
شدیدة ولم یفضحنی بسوء سریرة فلسیدی الحمد کثیراً بعد از آن بگو اللهم لک الحمد
کما خلقتنی ولم اک شیئا مذکورا رب اعنی علی اهوال الدنیا وبوائق الدهر ونکبات
الزمان وکربات الآخرة ومصیبات اللیالی والایام واکفنی شر ما یعمل الظالمون
فی الارض وفی سفری فاصحبنی وفی اهلی فاخلفنی وفیما رزقتنی فبارک لی وفی نفسی لک
فذللنی وفی اعین الناس فعظمنی والیک فحببنی وبذنوبی فلا تفضحنی وبعملی فلا
تبسلنی وبسریرتی فلا تخزنی ومن شر الجن والانس فسلمنی ولمحاسن الاخلاق فوفقنی
ومن مساوی الاخلاق فجنبنی الی من تکلنی یا رب المستضعفین وانت ربی الی
عدو ملکته امری ام الی بعید فیتجهمنی فان لم تکن غضبت علی یا رب فلا ابالی غیر
ان عافیتک اوسع لی واحب الی اعوذ بنور وجهک الذی اشرقت له السموات و
الارض وکشفت به الظلمة وصلح علیه امر الاولین والآخرین ان تحل علی غضبک
او تنزل بی سخطک لک الحمد حتی ترضی وبعد الرضا ولا حول ولا قوة الا بک ودر
دو سجدهٔ شکری که بعد از نماز عصر بجا میآورد آن دعا که مذکور شد بخوانند واگر خواهند
دعائیکه از حضرت امام زین العابدین مروی شده است بخوانند و آن اینست که صد مرتبه بگو
الحمد لله شکراً شکراً و بعد از هر ده نوبت که بگوید الحمد لله شکراً شکراً میگوید یکنوبت
بگوید شکراً للمجیب پس بگوید یا ذا المن الذی لا ینقطع ابدا ولا یحصیه غیره و یا ذا المعروف
الذی لا ینفد ابدا یا کریم پس تضرع کند وحاجت خود را مسئلت نماید پس بگوید لک
الحمد ان اطعتک ولک الحجة ان عصیتک لا صنع لی ولا لغیری فی احسان منک الی
فی حال الحسنة یا کریم یا کریم صل علی محمد واهل بیته وصل بجمیع ما سئلتک
وسئلک من فی مشارق الارض ومغاربها من المؤمنین والمؤمنات وابدأ بهم و
ثن بی برحمتک یا ارحم الراحمین و بعد از آن جانب راست روی بر زمین گذارد و بگوید
اللهم لا تسلبنی ما انعمت به علی من ولایتک وولایة محمد وآل محمد علیهم السلام پس
جانب چپ روی را بر زمین نهد و همین دعا بخواند و چون سر از سجده بردارد سه نوبت این دعا
بخواند که بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ

بک من الهم والحزن والسقم والعدم والصغار والذل والفواحش ما ظهر منها
وما بطن ابن ادریس در کتاب سرایر ذکر کرده است که هرگاه هم تو رسد دست خود را
بر موضع سجده بکش و بر روی خود بکش از جانب چپ روی و بر پیشانی خود نیز بکش و بر
جانب راست روی خود فرود آنکه آن هم زایل میشود و در هر نوبت دست راست خود را
بر جانب چپ روی بکشد تا جبهه جانب راست روی و گفته اند در هر نوبت دست
خود را بر سینه خود بکشد و در دو سجدهٔ شکر که در عقب نماز شام بجا میآورد
آنچه در سجدهٔ شکر گذشت بجا آورد و اگر خواهد پیشانی بر زمین گذارد و بگوید
اسئلک بحق حبیبک محمد الا بدلت سیئاتی حسنات وحاسبتنی حسابا یسیرا
پس جانب راست روی را بر زمین گذارد و بگو اسئلک بحق حبیبک محمد الا
کفیتنی مؤنة الدنیا وکل هول دون الجنة پس جانب چپ روی خود را بر زمین
گذارد و بگو اسئلک بحق حبیبک محمد لما غفرت لی الکثیر من الذنوب والقلیل
وقبلت من عملی الیسیر پس عود کن بسجده یعنی پیشانی بر زمین بگذار و بگوی
اسئلک بحق حبیبک محمد لما ادخلتنی الجنة وجعلتنی من سکانها ولما
نجیتنی من سفعات النار برحمتک و در دو سجدهٔ شکر نماز خفتن اگر خواهی آنچه گذشت
بجا آور و اگر خواهی بگو اللهم انت انقطع الرجاء الا منک پس سه نوبت بگو
یا احد من لا احد له پس سه نوبت بگو یا من لا یزداد علی کثرة العطاء الا کرما وجودا
پس سه نوبت بگو صل علی محمد واهل بیته و سؤال کن حاجت خود را پس جانب راست
روی خود را بر زمین بگذار و همین دعا را بخوان که در سجده خواندی پس جانب چپ روی
خود را بر زمین بگذار و همین دعا را بخوان پس پیشانی خود را بر زمین گذار و سجده کن
و بخوان همین دعا را و در دو سجدهٔ شکر نماز صبح آنچه گذشت بجا آور و اگر خواهی بگو
اللهم انی اسئلک بحق من رواه وبحق من روی عنه صل علی جماعتهم وافعل
بی کذا کذا و حضرت امیر المؤمنین در سجدهٔ شکر که بعد از نماز فریضه میکرد این دعا
میخواند که وعظتنی فلم اتعظ وزجرتنی عن محارمک فلم انزجر وغمرتنی ایادیک فما
شکرت عفوک عفوک یا کریم فصل هفتم در تعقیب نماز ظهر است هرگاه در نماز ظهر
سلام دادی تعقیبی را که بعد از هر نماز فریضه گذشت بجا آور پس بگو آنچه را که مخصوص

در سجدهٔ شکر بگوید

تعقیبات نماز ظهر

تعقیب نماز ظهر است و آن ادعیه بسیار است بعضی از آن دعاها دعای نجاح است و آن
این است اللهم رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما
بینهن وما تحتهن ورب العرش العظیم ورب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل
ورب السبع المثانی والقرآن العظیم ورب محمد خاتم النبیین صل علی محمد
وآله واسئلک باسمک الاعظم الذی به تقوم السماء والارض وبه تحیی الموتی
وترزق الاحیاء وتفرق بین المجتمع وتجمع بین المتفرق وبه احصیت عدد
الاجال ووزن الجبال وکیل البحار اسئلک یا من هو کذلک ان تصلی علی محمد و
آل محمد وان تفعل بی کذا وکذا ودر وقتیکه ان تفعل بی کذا وکذا میگوید حاجت خود
از خدای تعالی مسئلت نماید این دعا بسیار جلیل القدر عظیم الشان است وشیخ مفید
در خاتمه کتاب شرح النهج این دعا را ذکر کرده است وشیخ بن فهد کتاب عدة الداعی
را باین دعا ختم کرده است وامام فخر رازی بعضی از کتب خود را باین دعا ختم کرده است
وصاحب عده ثواب بسیار از برای این دعا ذکر کرده است وملخص آنچه او ذکر کرده است
این است که حضرت پیغمبر از ثواب این دعا جبرئیل را سؤال کرد جبرئیل فرمود که یا محمد
اگر ملائکه جمیع آسمانها وزمینها جمع شوند وخواهند که از هزار جزو این دعا یک جزو
آنرا نقل ووصف کنند نتوانند والله تعالی خواننده این دعا را در دنیا وآخرت بهرا است
میپوشاند وگناهان او را اگر چه مثل کف دریا باشد حتی گناهان کبیره را او
میبخشاید از برای او هفتاد در از رحمت ومیبخشد باو ثواب هر مصیبت زده وهر سائل
وهر مسکینی وهر کوری وهر فقیری وهر مریضی واکرام میکند او را بکرامت انبیا ومی
بخشد او را آنچه آرزوی اوست در روز قیامت عطا میکند او را از اجر بعدد آنکسانی که
خدا خلق کرده است در بهشت ودوزخ وآسمانها وزمینها وانواع مخلوقات وکوهها وسنگ
ریزها وستارهها وآسمان وعرش وکرسی وغیر آن ودل او را از ایمان پر میسازد و ملائکه
را گواه میگیرد که او را آزاد کردم از آتش جهنم وآزاد کردم پدر ومادر وبرادران واهل
وهمسایهای او را وشفاعت او را قبول میکنم در حق هزار مرد که همه مستوجب آتش جهنم
باشند یا محمد بیاموز این دعا را بمتقیان ومیاموز بمنافقان واین دعای اهل بیت معمور است
که این دعا را میخوانند وطواف میکنند بیت را بدانکه بیت المعمور خانه ایست در آسمان چهارم

واقع است

واقع است تعمیر میکنند او را ملائکه بعبادت وبعضی گفته اند که آن در آسمان
دنیا است واسم آن ضراح است وبحیثیتی است که اگر بیفتد بر روی کعبه میافتد
وهر روز هزار ملک داخل آن میشوند وبعضی گفته اند که هر روز هفتاد هزار
ملک داخل آن میشوند ونماز میگذارند در آنجا واز حضرت پیغمبر مرویست که بیت
المعمور در آسمان دنیا است ودر آسمان چهارم نهریست که آنرا حیوان میگویند و
هر روز جبرئیل داخل آن نهر میشود وغسل میکند وبیرون میآید از آنجا ومیافشاند
خود را افشاندنی که هفتاد هزار قطره آب از او میچکد الله تعالی از هر قطره ملکی خلق می
کند وآن ملائکه میآیند بیت المعمور ونماز میکنند در آنجا ودیگر عود نمیکنند بآنجا
هرگز وبعضی گفته اند که بیت المعمور خانه کعبه ایست که معمور است بحج وعمره وآن اول
مسجدیست که وضع کرده شده است از برای عبادت چنانچه شیخ طبرسی در مجمع البیان ذکر
کرده است وبعضی از آن دعاها دعای اهل بیت معمور است وآن اینست یا من اظهر
الجمیل وستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتک الستر یا عظیم العفو یا
حسن التجاوز یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل حاجة یا واسع المغفرة یا
مفرج کل کربة یا مقیل العثرات یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مبتدئا بالنعم قبل
استحقاقها یا رباه یا سیداه یا غایة رغبتاه اسئلک بک وبمحمد وعلی وفاطمة والحسن
والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی
ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والقائم المهدی الائمة الهادیة علیهم
السلام ان تصلی علی محمد وآل محمد واسئلک یا الله یا الله الا تشوه خلقی بالنار
وان تفعل بی ما انت اهله وبعضی دیگر از ادعیه که در تعقیب نماز ظهر میباید خواند
دعائی است که معویة بن عمار از حضرت صادق روایت کرده است وآن دعا اینست یا
اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین ویا اسرع الحاسبین ویا اجود الاجودین ویا
اکرم الاکرمین صل علی محمد وآل محمد کافضل واجزل واوفی واحسن و
اجمل واکرم واطهر وازکی وانور واعلی وابهی واسنی وانمی وادوم واعم
وابقی ما صلیت وبارکت ومننت وسلمت وترحمت علی ابرهیم وآل ابرهیم
انک حمید مجید اللهم امنن علی محمد وآل محمد کما مننت علی موسی وهرون وسلم

على محمد وآل محمد كما صليت على نوح في العالمين اللهم واورد عليه من ذريته و
ازواجه واهل بيته واصحابه واتباعه من تقر بهم عينه واجعلنا منهم و
ممن تسقيه بكاسه وتورده حوضه واحشرنا في زمرته واجعلنا تحت لوائه
وادخلنا في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد واخرجنا من كل سوء اخرجت
منه محمدا وآل محمد ولا تفرق بيننا وبين محمد وآل محمد طرفة عين ابدا و
لا اقل من ذلك ولا اكثر اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلني معهم في كل
عافية وبلاء واجعلني معهم في كل شدة ورخاء واجعلني معهم في كل امن وخوف
واجعلني معهم في كل مثوى ومنقلب اللهم احيني محياهم وامتني مماتهم واجعلني معهم
في المواقف كلها واجعلني بهم عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين اللهم
صل على محمد وآله واكشف عني بهم كل كرب ونفس عني بهم كل هم وفرج عني بهم كل
غم واكفني بهم كل خوف واصرف عني بهم مقادير كل بلاء وسوء القضاء ودرك الشقاء
وشماتة الاعداء اللهم صل على محمد وآله واغفر لي ذنبي وطيب لي كسبي و
قنعني بما رزقتني وبارك لي فيه ولا تذهب بنفسي الى شيء صرفته عني اللهم
اني اعوذ بك من دنيا تمنع خير الآخرة ومن عاجل يمنع خير الآجل وحيوة تمنع خير
الممات وامل يمنع خير العمل اللهم اني اسألك الصبر على طاعتك والصبر عن
معصيتك والقيام بحقك واسألك حقائق الايمان وصدق اليقين في المواطن
كلها واسألك العفو والعافية والمعافاة في الدنيا والآخرة عافية الدنيا
من البلاء وعافية الآخرة من الشقاء اللهم اني اسألك الظفر والسلامة
وحلول دار الكرامة اللهم اني اسألك العافية وتمام العافية والشكر
على العافية يا ولي العافية اللهم اجعل لي في صلواتي ودعائي رهبة منك و
رغبة اليك وراحة تمن بها علي اللهم لا تحرمني سعة رحمتك وسبوغ
نعمتك وشمول عافيتك وجزيل عطاياك ومنح مواهبك لسوء ما عندي و
لا تجاوزني بقبيح عملي ولا تصرف بوجهك الكريم عني اللهم لا تحرمني وانا ادعوك
ولا تخيبني وانا ارجوك ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا الى احد من
خلقك فيحرمني ويستأثر علي اللهم انك تمحو ما شئت وتثبت وعندك

ام الكتاب اسألك يا الله بحق خيرتك من خلقك وصفوتك من بريتك واقدمهم
بين يدي حاجتي ورغبتي اليك اللهم ان كنت كتبتني عندك في ام الكتاب
شقيا محروما مقترا علي في الرزق فامح من ام الكتاب شقائي وحرماني واثبتني
عندك سعيدا مرزوقا فانك تمحو ما تشاء وتثبت وعندك ام الكتاب اللهم
اني لما انزلت الي من خير فقير وانا منك خائف وبك مستجير وانا حقير
مسكين ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني انك لا تخلف الميعاد يا من قال
ادعوني استجب لكم نعم المجيب انت يا سيدي ونعم الوكيل ونعم الرب ونعم المولى
بئس العبد انا وهذا مقام العائذ بك من النار يا فارج الهم ويا كاشف الغم يا
مجيب دعوة المضطرين ورحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما ارحمني رحمة تغنيني
بها عن رحمة من سواك وادخلني برحمتك في عبادك الصالحين الحمد لله الذي قضى
عني صلوتي فان الصلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا پس بكو يا سامع كل صوت
يا جامع كل فوت يا بارئ كل نفس بعد الموت يا باعث يا وارث يا سيد السادات
يا اله الآلهة يا جبار الجبابرة يا ملك الدنيا والآخرة يا رب الارباب يا ملك
الملوك يا بطاش يا ذا البطش الشديد يا فعالا لما يريد يا محصي عدد الانفاس و
نقل الاقدام يا من السر عنده علانية يا مبدئ يا معيد اسألك بحقك على
خيرتك من خلقك وبحقهم الذي اوجبته لهم على نفسك ان تصلي على محمد واهل
بيته وان تمن علي الساعة الساعة بفكاك رقبتي من النار وانجز لوليك وابن
وليك الداعي اليك باذنك وامينك في خلقك وعينك في عبادك وحجتك على
خلقك عليه صلواتك وبركاتك وعده اللهم ايده بنصرك وانصر عبدك وقو
اصحابه وصبرهم واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا وعجل فرجه وامكنه من
اعدائك واعداء رسولك يا ارحم الراحمين پس بكو اللهم صل على محمد وآل محمد
براءة من النار فاكتب لنا براءتنا وفي جهنم فلا تجعلنا وفي عذابك وهوانك
فلا تبتلنا ومن الضريع والزقوم فلا تطعمنا ومع الشياطين في النار فلا تجمعنا و
على وجوهنا في النار فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن
كل سوء لا اله الا انت يوم القيمة فنجنا وبرحمتك في الصالحين فادخلنا وفي

علیین فارزقنا ومن کاس معین وسلسبیل فاسقنا ومن الحور العین برحمتک
فزوجنا ومن الولدان المخلدین کانهم لؤلؤ مکنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة
ولحوم الطیر فاطعمنا ومن ثیاب الحریر والسندس والاستبرق فاکسنا ولیلة
القدر فارحمنا وحج بیتک الحرام فارزقنا وسددنا وقربنا الیک زلفی وصالح
الدعاء والمسئلة فاستجب لنا یا خالقنا اسمع لنا واستجب منا واذا جمعت
الاولین والاخرین یوم القیمة فارحمنا یا رب عز جارک وجل ثناؤک ولا اله
غیرک پس ده بار بگوید بالله اعتصمت وبالله اثق وعلی الله اتوکل پس بگو اللهم
ان عظمت ذنوبی فانت اعظم وان کبر تفریطی فانت اکبر وان دام بخلی فانت اجود
اللهم اغفر عظیم ذنوبی بعظیم عفوک وکثیر تفریطی بظاهر کرمک واقمع بخلی بفضل
جودک اللهم ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت استغفرک واتوب الیک

تعقیبات نماز عصر

فصل هشتم در تعقیب نماز عصر است هرگاه سلام دادی تعقیبی که در هر نماز فریضه ذکر
شد بخوان پس دعائی را بخوان که از حضرت صادق و حضرت جواد و حضرت کاظم مرویست در
تعقیب نماز عصر و آن اینست که حضرت صادق فرمود که کسیکه بعد از نماز عصر هفتاد
نوبت استغفار کند الله تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد و حضرت جواد فرمود که
کسیکه بعد از نماز عصر ده مرتبه سوره قدر را بخواند ثواب اعمال جمیع خلائق را که در آن
روز بجا می آورند الله تعالی باو کرامت میفرماید و حضرت کاظم در تعقیب نماز عصر
این دعا را میخواندند انت الله لا اله الا انت الاول والاخر والظاهر والباطن و
انت الله لا اله الا انت الیک زیادة الاشیاء ونقصانها انت الله لا اله
الا انت خلقت خلقک بغیر معونة من غیرک ولا حاجة الیهم انت الله لا
اله الا انت منک المشیة والیک البدء وانت الله لا اله الا انت قبل
القبل وخالق القبل انت الله لا اله انت بعد البعد وخالق البعد انت
الله لا اله الا انت تمحو ما تشاء وتثبت وعندک ام الکتاب انت الله لا اله
الا انت غایة کل شیء ووارثه انت الله لا اله الا انت لا یعزب عنک الدقیق
ولا الجلیل انت الله لا اله الا انت لا تخفی علیک اللغات ولا تتشابه
علیک الاصوات کل یوم انت فی شأن لا یشغلک شأن عن شأن عالم الغیب

واخفی دیان الدین مدبر الامور باعث من فی القبور محیی العظام وهی رمیم اسئلک
باسمک المکنون المخزون الحی القیوم الذی لا یخیب من سئلک به ان تصلی
علی محمد وال محمد وان تعجل فرج المنتقم لک من اعدائک وانجز له ما وعدته
یا ذا الجلال والاکرام بعد از آنکه این دعا را بخوانی بگو تم نورک فهدیت فلک الحمد
وبسطت یدک فاعطیت فلک الحمد وجهک اکرم الوجوه وجاهک خیر الجاه وعطیتک
اعظم العطایا لا یجازی بالائک احد ولا یبلغ مدحتک قول قائل وبعد از آن بگو
آثر العافیة واجعلنی فی زمرة النبی فی العاجلة والاجلة وبلغ بی الغایة واصرف
عنی الافات والعاهات واقض لی بالحسنی فی اموری کلها واعزم لی بالرشاد ولا تکلنی
الی نفسی ابدا یا ذا الجلال والاکرام اللهم مد لی فی السعة والدعة وجنبنی ما حرمته
علی ووجه لی بالعافیة والسلامة والبرکة ولا تشمت بی الاعداء وفرج عنی الکرب
واتمم علی نعمتک واصلح لی الحرث فی الاصلاح لاجل دنیای واخرتی واجعلنی سالما
من کل سوء معافا من الضرورة فی منتهی الشکر والعافیة وصلی الله علی محمد نبیه
واله وسلم از حضرت صادق مرویست و آنحضرت از پدر بزرگوار خود و پدر او از پدر
خود و ایشان از حضرت پیغمبر روایت کرده اند که آنحضرت فرمود که هر کس بعد از نماز
عصر در هر روز یکبار بگوید استغفر الله الذی تا توابا الله تعالی امر میکند دو ملکی را
که اعمال او را مینویسند که نامه گناهان او را بسوزانند هر گناهی که در آنجا باشد و بگو
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذو الجلال والاکرام
واسئله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستجیر لا یملک
لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حیوة ولا نشورا و بگوید اللهم انی اعوذ بک من
نفس لا تقنع وبطن لا تشبع ومن قلب لا یخشع ومن علم لا ینفع ومن صلوة لا ترفع
ومن دعاء لا یسمع اللهم انی اسئلک الیسر بعد العسر والفرج بعد الکرب
والرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة فمنک وحدک لا اله الا انت
استغفرک واتوب الیک بعد از آن معویة بن عمار را بخوان و آن اینست که الحمد لله رب
العالمین وصلی الله علی محمد خاتم النبیین وعلی اله الطاهرین اللهم صل علی
محمد وال محمد فی اللیل اذا یغشی وصل علی محمد وال محمد فی النهار اذا تجلی وصل

على محمد وال محمد في الاخرة والاولى وصل على محمد وال محمد ما لاح الجديدان
وما اطرد الخافقان وما حدى الحادي وما عسعس ليل وما ادلهم ظلام وما
تنفس صبح وما اضاء فجر اللهم اجعل محمدا خطيب وفد المؤمنين اليك و
المكسو حلل الامان اذا وقف بين يديك والناطق اذا خرست الالسن بالثناء
عليك اللهم اعل درجته وارفع منزلته واظهر حجته وتقبل شفاعته
وابعثه المقام المحمود الذي وعدته واغفر له ما احدث المحدثون من امته
بعده اللهم بلغ روح محمد وال محمد مني التحية والسلام واردد علي منهم
التحية والسلام يا ذا الجلال والاكرام والفضل والانعام اللهم اني اعوذ بك
من مضلات الفتن ما ظهر منها وما بطن والاثم والبغي بغير الحق وان اشرك بك
ما لم تنزل به سلطانا وان اقول عليك ما لا اعلم اللهم اني اسئلك موجبات
رحمتك وعزائم مغفرتك والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم واسئلك
الفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم صل على محمد وال محمد واجعل لي في صلوتي
ودعائي بركة تطهر بها قلبي وتؤمن بها روعي وتكشف بها كربي وتغفر بها ذنبي و
تصلح بها امري وتغني بها فقري وتذهب بها ضري وتفرج بها همي وتسلي بها
غمي وتشفي بها سقمي وتؤمن بها وتجلو بها حزني وتقضي بها ديني وتجمع بها شملي و
تبيض بها وجهي واجعل ما عندك خيرا لي اللهم صل على محمد وال محمد ولا تدع
ذنبا الا غفرته ولا كربا الا كشفته ولا خوفا الا امنته ولا سقما الا شفيته
ولا هما الا فرجته ولا غما الا اذهبته ولا حزنا الا سليته ولا عدوا
الا كفيته ولا حاجة الا قضيتها ولا دعوة الا اجبتها ولا مسئلة الا اعطيتها
ولا امانة الا اديتها ولا فتنة الا صرفتها اللهم اصرف عني من العاهات و
الافات والبليات ما لا اطيق صرفه الا بك اللهم امسى ظلمي مستجيرا بعفوك
وامست ذنوبي مستجيرة بمغفرتك وامسى خوفي مستجيرا بامانك وامسى فقري
مستجيرا بغناك وامسى ذلي مستجيرا بعزك وامسى ضعفي مستجيرا بقوتك وامسى
وجهي البالي الفاني مستجيرا بوجهك الدائم الباقي يا كائنا قبل كل شيء ويا مكون
كل شيء صل على محمد وال محمد واصرف عني وعن اهلي ومالي وولدي واهل حزانتي

وكونه

واخواني فيك شر كل ذي شر وشر كل جبار عنيد وشيطان مريد وسلطان
جائر وعدو قاهر وحاسد معاند وباغ مراصد ومن شر السامة والهامة وما
دب في الليل والنهار وشر فسقة العرب والعجم وفسقة الجن والانس واعوذ
بك من العلل الحصينة التي لا ترام ان تمسني غما او هما او مترديا او هدما او ردما
او غرقا او حرقا او عطشا او شرقا او صبرا او ترديا او اكيل سبع او في ارض غربة
او ميتة سوء وامتني على فراشي في عافية او في الصف الذي نعت اهله في
كتابك فقلت كانهم بنيان مرصوص على طاعتك وطاعة رسولك مقبلا على
عدوك غير مدبر عنه قائما بحقك غير جاحد لالائك ولا معاند لاوليائك ولا
موال لاعدائك يا كريم اللهم اجعل دعائي في المرفوع المستجاب واجعلني عندك
وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون و
اغفر لي ولوالدي وما ولدا وما ولدت وما توالدوا من المؤمنين والمؤمنات يا
خير الغافرين الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا پس
بعد از آن دو سجده شکر بجا آورد و در بین دو سجده از آن دعا بگه در سجده شکر مذکور
شد هر کدام را که خواهی بخوان پس بخوان دعای فراغ از نماز و فراغ از تعقیبات و آن اینست
که اللهم صل على امير المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه والعن من ظلمه
ووثب عليه واقتل من قتل الحسن والحسين والعن من شرك في دمائهما وصل
على فاطمة بنت رسولك والعن من اذى نبيك فيها وصل على رقية وزينب
والعن من اذى نبيك فيهما وصل على ابرهيم والقاسم ابني نبيك وصل على الائمة
من اهل بيت نبيك ائمة الهدى واعلام الدين ائمة المؤمنين وصل على
ذرية نبيك صلى الله عليه وعليهم السلام ورحمة الله وبركاته و بايد که خاتمه
دعای تو این دعا باشد که اللهم اني وجهت وجهي اليك واقبلت بدعائي
عليك راجيا اجابتك طامعا في مغفرتك طالبا ما وايت به على نفسك منتجزا
عدتك اذ تقول ادعوني استجب لكم فصل على محمد وال محمد واقبل الي بوجهك واغفر لي
وارحمني واستجب دعائي يا اله العالمين این دعای بسیار عظیم الشان و عظیم المنزلة است
و از جمله ادعیه التراست پس در حدیث قدسی مذکور است که الله تعالی فرمود که یا

المعصومين

محمد هر کس از امت تو بخواهد که میان تو دعای او و من حجابی نباشد و هر حاجت برای

یا خود داشته باشد بسوی من یا بغیر من در خفیه و آشکار و خواهد حاجت او روا

برآورده میباید که در آخر دعای خود بگوید یا الله المانع تا آخر آنچه در اصل مذکور است

پس بگوید یا الله المانع قدرته خلقته والمالک بها سلطانه والمتسلط بما فی یدیه

کل مرجو دونک یخیب رجاء راجیه وراجیک مسرور لا یخیب اسئلک بکل رضی

لک من کل شیء انت فیه وبکل شیء تحب ان تذکر به وبک یا الله فلیس یعدلک

شیء ان تصلی علی محمد وآله وان تحوطنی واخوانی وولدی ومالی وتحفظنی

بحفظک وان تقضی حاجتی فی کذا وکذا حضرت صادق فرمود که هر کس که در وقت

غروب آفتاب در هر روز این دعا را بخواند و فوت شود در آن شب یا در آن هفته یا در

آن ماه یا در آن سال الله تعالی او را داخل بهشت میگرداند و نیز در غروب آفتاب بخواند که

یا ختم النبوة محمد اختم لی فی یومی هذا بخیر وشهری بخیر وسنتی بخیر وعمری بخیر

حضرت امام رضا از پیغمبر روایت کرده است که هر کس از ظن صبح و مغرب بشنود

این دعا را بخواند پس اگر در آن روز بمیرد تا شب مرده باشد پس هر گاه آفتاب

غروب کند از برای نماز مغرب اذان بگو و بگو اللهم انی اسئلک باقبال لیلک

وادبار نهارک وحضور صلواتک واصوات دعاتک وتسبیح ملائکتک ان تصلی

علی محمد وآل محمد وان تتوب علی انک انت التواب الرحیم فصل هشتم در تعقیب

نماز مغرب چون سلام دادی تسبیح فاطمه زهرا بجا آوردی و تعقیب آنچه را که مذکور

شد در تعقیب هر فریضه پس بگو ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها

الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما اللهم صل علی النبی محمد وعلی ذریته

وعلی اهل بیته از حضرت صادق مرویست که کسیکه در عقب نماز صبح و مغرب هفت

بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم الله تعالی

هفتاد نوع بلا را از او برطرف کند که سهلترین آنها برص و ریح و جنون است و او را در

دیوان سعدا مینویسند و اگر چه از جمله اشقیا باشد و نیز از آنحضرت مرویست کسیکه

در عقب نماز فریضه سه بار بگوید یا من یفعل ما یشاء تا آخر الله تعالی میدهد باو

هر چیز را که از او بخواهد و از حضرت کاظم مرویست که هر گاه نماز مغرب بجا آوردی

تعقیبات نماز مغرب

من ط

پای خود را

پای خود را دراز مکن و با کسی حرف مگو تا آنکه صد مرتبه بگوئی بسم الله الرحمن الرحیم

تا آخر و هم چنین در عقب نماز صبح چه هر کس این عمل را بجا آورد الله تعالی دفع

میکند از او صد نوع از بلا را که کمترین آن برص و جذام و شر شیطان و شر سلطان

است پس هفت بار بگوید الحمد لله الذی یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء غیره

پس ده نوبت بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله و در روایتی وارد شده

که در عقب نماز صبح و مغرب بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی

العظیم را صد نوبت میباید گفت پس بگو سبحانک لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی

کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب کلها جمیعا الا انت پس بگو اللهم انی اسئلک موجبات

رحمتک وعزائم مغفرتک والسلامة من کل اثم والغنیمة من کل بر والنجاة من النار

ومن کل بلیة والفوز بالجنة والرضوان فی دار السلام وجوار نبیک محمد وآله

علیهم السلام اللهم ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت استغفرک واتوب الیک

شیخ طوسی ره فرموده است که افضل آنست که تعقیب و دو سجده شکر را در نماز مغرب

تاخیر کند تا بعد از ادای نوافل یعنی اول نمازهای نافله را بجا آورد و بعد از آن تعقیب

و دو سجده شکر را بجا آورد و من میگویم که نافله مغرب چهار رکعت است در رکعت

اول اندو رکعت اول بعد از حمد سه نوبت سوره توحید بخواند و در رکعت دوم

بعد از حمد سوره قدر بخواند و در دو رکعت آخر بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند

و بعد از هر دو رکعت هر دعائی که میسر شود بخواند و سنت است که میان نماز شام

خفتن دو رکعت نماز غفیله بجا آورد و ذکر دو رکعت نماز غفیله در فصل سی و ششم

در نمازهای حوائج مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی پس دو رکعت نماز وصیت بجا

آورد و ذکر این نماز در فصل سی و هفتم خواهد آمد و بعد از نماز مغرب دعا را

بخوان که معویة بن عمار از حضرت صادق روایت کرده است و آن دعا این است که

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد البشیر النذیر السراج المنیر الطهر

الطاهر الخیر الفاضل خاتم انبیائک وسید اصفیائک وخالص اخلائک نبی

الوجه الجمیل والشرف الاصیل والمنبر النبیل والمقام المحمود والمنهل

المشهود والحوض المورود اللهم صل علی محمد کما بلغ رسالاتک وجاهد فی سبیلک

انت م

تعقیبات نماز خفتن

ونصح لامته وعبدك حتى اتاه اليقين وصل على محمد واله الطاهرين الاخيار
الانقياء الابرار الذين انتجبتهم لنفسك واصطفيتهم من خلقك وامنتهم على
وحيك وجعلتهم خزان علمك وتراجمة وحيك واعلام نورك وحفظة سرك
واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انفعنا بحبهم واحشرنا في
زمرتهم وتحت لوائهم ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني بهم عندك وجيها في
الدنيا والاخرة ومن المقربين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون الحمد لله
الذي اذهب بالنهار بقدرته وجاء بالليل برحمته خلقا جديدا وجعله
لباسا وسكنا وجعل الليل والنهار ايتين ليعلم بهما عدد السنين والحساب
الحمد لله على اقبال الليل وادبار النهار اللهم صل على محمد واله واصلح لي ديني
الذي هو عصمة امري واصلح لي دنياي التي فيها معيشتي واصلح لي اخرتي التي اليها
منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي من كل خير واجعل الموت راحة لي من كل سوء و
اكفني امر دنياي واخرتي بما كفيت به اوليائك وخيرتك من عبادك الصالحين
واصرف عني شرهما ووفقني لما يرضيك عني يا كريم امسينا والملك لله الواحد
القهار وما في الليل والنهار اللهم ان هذا الليل والنهار خلقان من
خلقك فاعصمني فيهما بقوتك ولا ترهما جراة مني على معاصيك ولا ركوبا للحارم
واجعل عملي فيهما مقبولا وسعيي مشكورا وسهل لي ما اخاف عسره وسهل لي ما صعب
علي امره واقض لي فيه بالحسنى وامني مكرك ولا تهتك عني سترك ولا تنسني
ذكرك ولا تحل بيني وبين حولك وقوتك ولا تلجئني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا
احد من خلقك يا كريم اللهم صل على محمد واله وافتح قلبي لذكرك حتى اعي وحيك
واتبع كتابك واصدق رسلك واومن بوعدك واخاف وعيدك واوفي بعهدك
واتبع امرك واجتنب نهيك اللهم صل على محمد واله ولا تصرف عني وجهك
ولا تمنعني فضلك ولا تحرمني عفوك واجعلني اوالي اوليائك واعادي اعدائك
وارزقني الرهبة منك والرغبة اليك والخشوع والوقار والتسليم لامرك و
التصديق بكتابك واتباع سنة نبيك اللهم اني اعوذ بك من نفس لا تقنع و
بطن لا يشبع وعين لا تدمع وقلب لا يخشع وصلوة لا ترفع وعمل لا ينفع ودعاء

لا يسمع واعوذ بك من سوء القضاء ودرك الشقاء وشماتة الاعداء وجهد البلاء
وعمل لا يرضى واعوذ بك من الفقر والقهر والكفر والوقر والغدر وضيق الصدر
وسوء الامر ومن بلاء ليس لي عليه صبر ومن الداء العضال وغلبة الرجال لدي
خيبة المنقلب وسوء المنظر في النفس والاهل والمال والدين والولد وعند
معاينة ملك الموت واعوذ بالله من انسان سوء وجار سوء وقرين سوء ويوم سوء
وساعة سوء ومن شر ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
ومن شر طوارق الليل والنهار الا طارقا يطرق بخير ومن كل دابة ربي اخذ بنا
صيتها ان ربي على صراط مستقيم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم الحمد لله
الذي قضى عني صلوة كانت على المومنين كتابا موقوتا از محمد جعفى منقولست كه از پدر
خود روايت كرده است كه او گفت چشم من بسيار بد بد بينا آمد پس شكايت كردم بحضرت
صادق آنحضرت فرمود آيا ميخواهى كه دعايى بتو ياد دهم كه دنيا و آخرت را نفع رساند
ودرد چشم تو برطرف شود من گفتم بلى يا حضرت آنحضرت فرمود كه در عقب نماز صبح و شام
بگو اللهم انى اسئلك بحق محمد وال محمد واسئلك ان تجعل النور في بصري و
البصيرة في ديني واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة في نفسي والسعة في
رزقي والشكر لك ابدا ما ابقيتني پس در سجده شكر بيا آمد و بخوان در آنها آنچه را كه
ميخواهى از آن دعاها كه در سجده شكر گذشت پس هرگاه غايب شود شفق پس لى ذان و
نماز خفتن بگو و بگو آنچه گذشت از چيزها ايكه گفته ميشود بعد از اذان و اقامه و آنچه
گفته ميشود بعد از هر فريضه **فصل دهم** در تعقيب نماز خفتن و آنچيزيكه مخصوص است
باين نماز اينست كه بگو اللهم انه ليس لي علم بموضع رزقي تا آخر و اين دعا در فصل نهم
كه فصل ادعيه ارزاق است خواهد امد بعد از آن كه اين دعا را بخوانى هفت نوبت
سوره قدر را بخوان و بعد از آن بگو اللهم رب السموات السبع وما اظلت ورب
الارضين السبع وما اقلت ورب الشياطين وما اضلت ورب الرياح وما
ذرت اللهم رب كل شيء واله كل شيء ومليك كل شيء انت الله المقتدر على
كل شيء انت الله الاول فلا شيء قبلك وانت الله الاخر فلا شيء بعدك و
انت الظاهر فلا شيء فوقك وانت الباطن فلا شيء دونك رب جبرئيل وميكائيل

در تعقيبات نماز عشا

واسرافيل وآله ابرهيم واسحق ويعقوب والاسباط اسئلك ان تصلى على
محمد واله وان تولانى برحمتك ولا تسلط علىّ احدا من خلقك ممن لا طاقة لى به
اللهم اليك فحببنى وفى الناس فعززنى ومن شر شياطين الجن والانس فسلمنى
يا رب العالمين وصلى الله على محمد واله پس بگو اللهم بحق محمد وال محمد لا
تؤمنا مكرك ولا تنسنا ذكرك ولا تكشف عنا سترك ولا تحرمنا فضلك ولا تحلل
علينا غضبك ولا تباعدنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك ولا تنزع منا بركتك
ولا تمنعنا عافيتك واصلح لنا ما اعطيتنا وزدنا من فضلك المبارك الطيب
الحسن الجميل ولا تغير ما بنا من نعمتك ولا تؤيسنا من روحك ولا تهنا بعد
كرامتك ولا تضلنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت
الوهاب اللهم اجعل قلوبنا سالمة وارواحنا طيبة وازواجنا مطهرة و
السنتنا صادقة وايماننا دائما ويقيننا صادقا وتجارتنا لا تبور اللهم اتنا فى
الدنيا حسنة وفى الاخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار و بعد از آن بخوان
فاتحه واخلاص ومعوذتين وتسبيحات ربع را و ده نوبت صلوات بر محمد وال و بفرست
پس بگو اللهم افتح لى ابواب رحمتك واسبغ علىّ من حلال رزقك ومتعنى با
لعافية ابدا ما ابقيتنى فى سمعى وبصرى وجميع جوارح بدنى اللهم ما بنا من نعمة
فمنك لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك يا ارحم الراحمين پس دعائى بايد
بخوان كه معوية بن عمار از حضرت صادق روايت كرده است كه بعد از نماز خفتن با
خواند و آن اينست كه بسم الله الرحمن الرحيم صل على محمد وال محمد صلوة تبلغنا بها
رضوانك والجنة وتنجينا بها من سخطك والنار اللهم صل على محمد وال
محمد وارنى الحق حقا حتى اتبعه وارنى الباطل باطلا حتى اجتنبه ولا تجعله
علىّ متشابها فاتبع هواى بغير هدى منك واجعل هواى تبعا لرضاك وطاعتك
وخذ لنفسك رضاها من نفسى واهدنى لما اختلف فيه من الحق انك تهدى من
تشاء الى صراط مستقيم اللهم صل على محمد واله واهدنى فيمن هديت وعافنى
فيمن عافيت وتولنى فيمن توليت وبارك لى فيما اعطيت وقنى شر ما قضيت انك
تقضى ولا يقضى عليك وتجير ولا يجار عليك تم نورك اللهم فهديت فلك الحمد

وعظم حلمك فعفوت فلك الحمد وبسطت يدك فاعطيت فلك الحمد تطاع
ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر وتستر انت كما اثنيت على نفسك بالكرم
والجود لبيك وسعديك تباركت وتعاليت لا ملجا ولا منجى منك الا اليك
لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسى فاغفر لى
وارحمنى وانت ارحم الراحمين لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين
لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسى فاغفر لى
يا خير الغافرين لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءا وظلمت
نفسى فتب علىّ انك انت التواب الرحيم لا اله الا انت سبحانك انى كنت من
الظالمين سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله
رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد وبيتنى منك فى عافية وصبحنى منك
فى عافية واسترنى منك بالعافية وارزقنى تمام العافية ودوام العافية
والشكر على العافية اللهم انى استودعك نفسى وذريتى واهلى ومالى و
ولدى واهل حزانتى وكل نعمة انعمت بها علىّ او تنعم فصل على محمد واله و
اجعلنى فى كنفك وامنك وكلاءتك وحفظك وحياطتك وكفايتك وسترك
وذمتك وجوارك وودايعك يا من لا تضيع ودايعه ولا يخيب سائله ولا ينفد
ما عنده اللهم انى ادرا بك فى نحور اعدائى فكد من كادنى وبغ على اللهم
من ارادنا فاردده ومن كادنا فكده ومن نصب لنا عداوة فخذه يا رب اخذ
عزيز مقتدر اللهم صل على محمد وال محمد واصرف عنى من البليات والافات
والعاهات والنقم ولزوم السقم وزوال النعم وعواقب التلف ما طغى به المآء
لغضبك وما عتت به الريح عن امرك وما اعلم وما لا اعلم وما اخاف وما لا اخاف
وما احذر وما لا احذر وما انت اعلم به منى اللهم صل على محمد وال محمد و
فرج همى ونفس غمى وسل حزنى واكفنى ما ضاق به صدرى وعيل به صبرى و
قلت به حيلتى وضعفت عنه قوتى وعجزت عنه طاقتى وردتنى فيه الضرورة
عند انقطاع الامال وخيبة الرجاء من المخلوقين اليك فصل على محمد وال محمد
واكفنيه يا كافيا من كل شئ ولا يكفى منه شئ اكفنى كل شئ حتى لا يبقى شئ يا

کریم اللهم صل علی محمد وآل محمد وارزقنی حج بیتك الحرام وزیارة قبر
نبیك علیه وآله السلام مع التوبة والندم اللهم انی استودعك
نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی واخوانی واستکفیك ما اهمنی وما لم
یهمنی واسئلك بخیر ما ملکتَ من خلقك الذی لا یمن به سواك یا کریم الحمد لله
الذی قضی عنی صلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا پس دو سجده شکر بجا آورد
و در این سجده شکر بخوان آنچیزرا که میخواهی از دعاها که در سجده شکر مذکور شد پس
نماز وتیره را بکذارد و آن دو رکعت است که نشسته بجا باید آورد و این دو رکعت
نماز بیک رکعت حسابست و این دو رکعت نماز وتیره توجه کن با آن دعای توجهی که قبل
از این مذکور شد و سنتست که در رکعت اول از این دو رکعت الحمد و سوره ملك
بخوانی و در رکعت دویم بعد از حمد سوره توحید بخوانی و بعد از این دو رکعت غفیله
یا آنچه خواهی و سنتست بعد از این نماز دو رکعت نماز کنی در رکعت اول بعد از الحمد
آیة الکرسی و جحد بخوان و در رکعت دویم بعد از الحمد سیزده بار قدر بخوان پس هر گاه سلام
دهی هر دو دست خود را بر دار و بکو اللهم انی اسئلك یا من لا تراه العیون ولا
تخالطه الظنون ولا یصفه الواصفون یا من لا تغیره الدهور ولا تبلیه
الازمنة ولا تحیله الامور یا من لا یذوق الموت ولا یخاف الفوت یا من لا
تضره الذنوب ولا تنقصه المغفرة صل علی محمد وآله وهب لی ما لا ینقصك
واغفر لی ما لا یضرك وافعل بی کذا وکذا و مطلب خود را بکو **فصل یازدهم** در اعمالی که
نزد خواب بجا میباید آورد از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هر کس در شب
بکوید اعوذ بعزة الله تا آخر ایمن میشود از هر حیله کننده و از هر دزدی و از حضرت
پیغمبر منقولست که کسیکه بفراش خود رود و سه بار بکوید استغفر الله تا آخر حق
تعالی گناهان او را اگرچه مثل کف دریا و ریک بیابان و بعدد ایام دنیا
باشد و از حضرت صادق منقولست که کسیکه پهلوی خود را بفراش گذارد و سه بار
بکوید الحمد لله الذی علا فقهر تا آخر از گناهان بیرون میاید مثل آن روز یکه از مادر متولد
شده باشد و از حضرت علی منقولست که کسیکه پیش از آنکه پهلوی خود را بر فراش
گذارد بکوید اعیذ نفسی تا آخر خدای تعالی او را در پناه خود میگیرد از هر چیزی که از آن

دعاهای وقت خواب

میرسد و حضرت پیغمبر باین دعا تعویذ کرد حسنین را و باین امر کرد مرا پیغمبر و از حضرت
پیغمبر منقولست کسیکه بفراش خود رود و سوره توحید را بخواند هزار ملک را
خدای تعالی با و موکل کرداند که او را نکاه میدارند در آن شب و این کفاره گناهان
پنجاه ساله او میشود و چون کسی بفراش خواب خود رود باید که بکوید اعوذ بعزة
الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بسلطان الله واعوذ
بجبروت الله واعوذ بملکوت الله واعوذ بدفع الله واعوذ بجمع الله واعوذ
بملك الله واعوذ برحمة الله واعوذ برسول الله من شر ما خلق وذرأ وبرأ و
من شر السامة والهامة ومن شر فسقة الجن والانس ومن شر فسقة العرب و
العجم ومن شر کل دابة فی اللیل والنهار انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم پس سه نوبت بکوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب
الیه و سه نوبت بکوید الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله الذی بطن فخبر والحمد
لله الذی ملك فقدر والحمد لله یحیی الموتی ویمیت الاحیاء وهو علی کل شیء قدیر
و در روایتی وارد شده است کسیکه نزد خواب بکوید بسم الله الرحمن الرحیم حق تعالی
برای او حسنه می نویسد و هزار سیئه از او محو میکند و بلند میکرداند برای او هزار
درجه پس پیش از آنکه پهلوی خود را بر فراش نهد بکوید اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی
وولدی وخواتیم عملی وما رزقنی ربی وخولنی بعزة الله وعظمة الله وجبروت الله
وسلطان الله ورحمة الله ورأفة الله وغفران الله وقوة الله وقدرة الله و
جلال الله وبصنع الله واركان الله وبجمع الله وبرسول الله وقدرة الله علی ما یشاء
من شر السامة والهامة ومن شر الجن والانس ومن شر کل ما دب علی الارض وما
یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها ومن شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم وهو علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم از حضرت علی منقولست که کسیکه دست راست خود را بر زیر سر راست خود
بکذارد در وقت خواب بکوید بسم الله وضعت جنبی لله تا آخر حفظ میکند خدای تعالی
او را از دزد غارت کننده و از هدم خانه و ملائکه از برای او استغفار میکنند و در
روایتی این فقره در عدة الداعی ابراد کرده است پس هر گاه اراده خواب کند باید

وقت خواب بخوانند

جانب راست خود را بر فراش گذارد و بگوید بسم الله وضعت جنبی لله على ملة ابرهیم
ودین محمد وولایة من افترض الله طاعته ما شاء الله کان وما لم یشا
لم یکن شیخ طبرسی در جوامع خود از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت
فرمود کسیکه در وقت خواب تسبیح حضرت فاطمه بخواند از جملهٔ کسانی است که الله
تعالی در شان ایشان فرموده است که الذاکرین الله کثیرا والذاکرات پس تسبیح
حضرت فاطمه بگوید و سورهٔ توحید و معوذتین را هر کدام سه نوبت بخواند و یازده
نوبت سورهٔ قدر را بخواند و آیهٔ سخره و آیهٔ شهادت را هر کدام یکبار بخواند از حضرت
پیغمبر منقولست که کسیکه توحید و معوذتین را در وقت خواب سه نوبت بخواند مثل
کسی باشد که تمام قرآن را خوانده باشد و بعدد هر آیه از قرآن ثواب یک پیغمبر از پیغمبران
باو میدهند و بیرون میآید از گناهان مثل روزیکه از مادر متولد شده باشد و
اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید مرده است و اما در ثواب قرائت سورهٔ قدر
مرویست از حضرت امام محمد باقر که هر کس در وقت خواب یازده نوبت سورهٔ قدر را
بخواند الله تعالی از برای او نوری خلق میکند که وسعت آن مثل وسعت هوا باشد
در عرض و طول و آن نور کشیده باشد از مرکز هوا تا حجابهای نوری که در بالای عرش است
و در هر درجهٔ از او هزار ملک باشد که هر ملکی را هزار زبان باشد و هر زبانی هزار
لغت باشد که بآن لغات استغفار کنند خوانندهٔ این سوره را تا نصف شب پس آن
نور را خدای تعالی در بدن خوانندهٔ این سوره جا دهد تا روز قیامت و نیز از آنحضرت
مرویست که کسیکه این سوره را بخواند در وقت خواب و در وقت بیدار شدن از
ثواب او پر میشود لوح محفوظ و اما قرائت آیهٔ سخره پس مروی شده است از حضرت علی
که فرمود که کسیکه این آیه را بخواند پاسبانی او میکنند ملائکه و دور میشود از او
شیطان و اما در قرائت آیهٔ شهادت شیخ طبرسی در مجمع البیان روایت کرده است
که کسیکه این آیه را در وقت خواب بخواند خلق میکند خدای تعالی از برای او از این
آیهٔ کریمه هفتاد هزار ملک که استغفار میکنند از برای او تا روز قیامت پس بگوید
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو على کل شیء قدیر پس بگوید اعوذ بالله الذی

در وقت خواب بخواند

یمسک

یمسک السماء ان تقع على الارض الا باذنه من شر ما خلق وذرا وبرا وانشا و
صور ومن شر الشیطان وشرکه ونزغه ومن شر شیاطین الانس والجن
واعوذ بکلمات الله التامة من شر السامة والهامة واللامة والخاصة والعامة
ومن شر ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها و
من شر طوارق اللیل والنهار الا طارقا یطرق بخیر بالله الرحمن استعنت و
على الله توکلت وهو حسبی ونعم الوکیل روایتست از حضرت پیغمبر که آنحضرت
بعلی بن ابی طالب گفت یا علی چه عبادت کردی در شب گذشته آنحضرت فرمود
که هزار رکعت نماز کردم پیش از آنکه بخوابم آنحضرت فرمود که چگونه بود آنحضرت
فرمود که از تو شنیدم که فرمودی که کسیکه در وقت خواب سه بار بگوید یفعل
الله ما یشاء تا آخر پس بدرستیکه هزار رکعت نماز کرده است آنحضرت فرمود
که راست گفتی یا علی پس سه نوبت بگوید یفعل الله ما یشاء بقدرته و
یحکم ما یرید بعزته و شیخ شهید در نفلیهٔ خود گفته است که مخصوص است
آخر عشا بقرائت سورهٔ واقعه قبل النوم بواسطهٔ ایمن بودن از فقر و فاقه
و نیز سنتست که در وقت خواب بگوید یا من یمسک السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا صل على
محمد وآل محمد وامسک عنا السوء انک على کل شیء قدیر تا ایمن باشد از
افتادن خانه و از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه در وقت خواب سورهٔ تکاثر
بخواند نگاه داشته میشود از فتنهٔ قبر و کسیکه در شب ترسد هر گاه بفراش خود
رود باید که معوذتین و آیة الکرسی بخواند و کسیکه از دزد ترسد باید که در وقت
خواب آیهٔ قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا
تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل و
کبره تکبیرا را بخواند ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده
که هر کس را در وقت خواب فزعی و ترسی برسد باید که در وقتیکه در فراش جای
میگیرد معوذتین و آیة الکرسی و حمد و توحید بخواند و کسیکه شب خوابش نمیبرد

[illegible] بخواند

در وقت خواب بخواند

باید که در وقتیکه بفراش خود برود بگوید سبحان الله ذی الشأن دائم السلطان
عظیم البرهان کل یوم هو فی شأن کسیکه خواهد از برای نماز شب بیدار شود
و بترسد که در آن وقت خوابش ببرد وقت خواب آیه قل انما انا بشر مثلکم یوحی
تا آخر سوره بخواند پس بگوید اللهم لا تنسنی ذکرک ولا تؤمنی مکرک ولا تجعلنی
من الغافلین و نبهنی لاحب الساعات الیک ادعوک فیها فتستجیب لی و
اسئلک فتعطینی و استغفرک فتغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت
یا ارحم الراحمین و از حضرت صادق مرویست که هیچ بنده نباشد که این آیه بخواند
مگر آنکه بیدار شود در ساعتیکه میخواهد و کسیکه این آیه را بخواند نوری از او بلند
میشود تا مسجد الحرام در میان آن نور ملائکه چند باشند که برای او استغفار کنند
تا وقت صبح و این روایت را ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی
در کتاب من لا یحضره الفقیه ذکر کرده است پس بگوید یا مشبع البطون الجایعه
و یا کاسی الجنوب العاریه و یا مسکن العروق الضاربه و یا منوم العیون الساهره
سکن عروقی الضاربه و اذن لعینی نوما عاجلا و کسیکه از احتلام ترسد باید
که در وقت خواب بگوید اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام و من سوء الاحلام و
ان یلعب بی الشیطان فی الیقظه والمنام و کسیکه خواهد میت خود را در خواب
ببیند که حالش چون است در وقت خواب بگوید اللهم انت الحی الذی لا یوصف و
الایمان یعرف منه منک بدت الاشیاء و الیک تعود فما اقبل منها کنت
ملجاه و منجاه و ما ادبر منها لم یکن له ملجا و لا منجا منک الا الیک فاسئلک
بلا اله الا انت و اسئلک ببسم الله الرحمن الرحیم و بحق حبیبک محمد صلواتک
علیه و آله سید النبیین و بحق علی خیر الوصیین و بحق فاطمه سیده
نساء العالمین و بحق الحسن والحسین اللذین جعلتهما سیدی شباب اهل
الجنه صلوات الله علیهم اجمعین ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تریحنی
میتی فی الحال التی هو فیها و دیدم بخط شیخ شهید که هر که خواهد که ببیند در خواب
خود آنچه را خواهد پس باید که بر جانب راست بخوابد و سوره والشمس و واللیل و
حمد و اخلاص و معوذتین بخواند پس بگوید اللهم ارنی فی منامی کذا و اجعل لی من

امری

امری فرجا و مخرجا در یک شب و اگر نه بیند پس در سه شب بخواند و اگر نه در هفت
شب بخواند پس بدرستیکه می بیند ان شاء الله و آنچه خود را بخاطر یا بزبان
بگذراند بگوید و در کتاب خواص القرآن دیدم که کسیکه مبتلا بمرضی شود و
در علاج آن دشوار باشد باید که وضو بسازد و جامه پاکیزه بپوشد و بر فراش پاک
بخواند و در پیش او زن نباشد و پانزده نوبت سوره الم نشرح و پانزده مرتبه
سوره والضحی بخواند و از الله تعالی مسئلت نماید که دوای او را از برای او ظاهر کرداند
پس هرگاه این عمل را بجا آورد الله تعالی او را بدوای درد او راه نماید و من دیدم بخط
شیخ شهید که نوشته بود که دیدم در کتاب الفرج بعد الشده قاضی تنوخی چیزی را که
این صورت اوست و ما اعجب هذا الخبر یعنی چه عجب خبریست اینکه من یافتم او را در
چندین کتاب در بعضی با اسانید و در بعضی بغیر اسانید با اختلاف الفاظ و معنی همه
نزدیک است بیکدیگر و از این جمله آنچه نزدیکتر باصح است ذکر میکنیم و آن اینست که ذکر کرد
محمد بن جریر طبری که آنرا کتاب ذا بسجیده نام کرده است که یافتم آنرا و آنرا نقل کرد
بحذف از حارث بن نوح که او نقل کرده از پدر خود و پدر او از جد او و نقل کرده که او
بفرزندان خود گفت که ای فرزندان من هرگاه فرو گیرد شما را امری و امری شما را باندوه
و هم اندازد باید که آنکس را از شما این غم امری رو نماید نخوابد مگر آنکه با وضو بر
فراش و لحاف پاکی و زن با او نباشد و چون بفراش خود رود هفت نوبت سوره
والشمس و هفت نوبت واللیل بخواند بعد از آن بگوید اللهم اجعل لی من امری
هذا فرجا و مخرجا پس بدرستیکه در همان شب شخصی میاید نزد او یا در شب سیم یا در شب
پنجم و گمان دارم که گفت یا در شب هفتم و با او میگوید که خلاصی تو از این امر بفلان چیز میشود
انس میگوید که مرا درد سری بهم رسید و هر چند علاج کردم نفعی نداد این عمل را بجای
آوردم در شب اول دیدم که دو کس آمدند یکی نزد سر من نشست و دیگری در پایین
پای من یکی بدیگری گفت که دریاب اعضای او را چون او اعضای مرا احساس کرد
و بموضعی از سر من رسید گفت که این موضع را حجامت کن اما موی آنرا متراش بلکه
اطلیه عن اثم الکتف یعنی میتراشم بمال پس یکی از ایشان با من رو نمود و بمن کرد و گفت که
چه بود اگر ضم میکردی با اینها انجیر و زیتون را چون بیدار شدم واقعه را ملاحظه کردم و حجامت کردم

و از آن درد خلاص شدم و این را هیچ کس نگفتم مگر آنکه این عمل را بجا آورد و شفا
یافت و من دیده‌ام در بعضی از کتب اصحاب امامیه که هر کس خواهد که یکی از
پیغمبران را یا یکی از ائمه را یا یکی از مردمان را یا والدین خود را در خواب ببیند
باید که سورهٔ والشمس و واللیل و سورهٔ قدر و جحد و اخلاص و معوذتین را بخواند
و بعد از آن صد مرتبه توحید بخواند و صلوات بر محمد و آل محمد صد نوبت بفرستد
و با وضو بر جانب راست بخوابد پس بدرستیکه آنکس را که میخواهد در خواب می
بیند انشاء الله و با او حرف میزند با آنچیزیکه میخواهد از سؤال و جواب و همین عمل را
در نسخهٔ دیگر دیده‌ام اما در آن نسخه مذکور است که هفت شب این عمل را بجا آورد
و بعد از آنکه خوانده باشی دعائی را که اولش اینست که اللهم انت الحی الذی لا
یوصف را تا آخر و این دعا که قبل از این مذکور شد و در کتاب خواص القرآن دیده‌ام
که کسیکه در شب جمعه بعد از نماز شب هزار نوبت سورهٔ کوثر را بخواند و هزار
نوبت صلوات بر پیغمبر بفرستد و بخوابد حضرت پیغمبر را در خواب ببیند و در کتاب
لقط الفوائد دیده‌ام که کسیکه در وقت خواب آیهٔ کریمهٔ افحسب الذین کفروا
ان یتخذوا عبادی من دونی اولیاء انا اعتدنا جهنم للکافرین نزلا قل
هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا وهم
یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه
فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا
واتخذوا آیاتی ورسلی هزوا ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات کانت لهم جنات
الفردوس نزلا خالدین فیها لا یبغون عنها حولا قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی
لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی ولو جئنا بمثله مددا قل انما انا بشر
مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا
ولا یشرک بعبادة ربه احدا پس بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد وارنی
بیاضا وحمرة ان کان لی فی کذا وکذا خیرة وان کان لی فی کذا وکذا شرا فارنی
سوادا وحمرة یعنی بار خدایا در این امریکه اراده کرده‌ام اگر خیر من در آنست در
خواب رنگ سفید و سرخ بمن نما و اگر شر من در آنست در خواب رنگ سیاه و سرخ

خواب پیغمبر دیدن

بمن

بمن نما و هر گاه این آیات و دعا را بخواند یکی از این دو رنگ در خواب خواهد دید
ان شاء الله تعالی فصل دوازدهم در بیان اعمالی که هر گاه کسی از خواب بیدار شود بآن
که بجا آورد پس هر گاه کسی از خواب بیدار شود بگوید الحمد لله الذی احیانی بعد
ما اماتنی والیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده واعبده
و هر گاه آواز خروس را بشنود بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح
سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت عملت سوءا وظلمت نفسی فاغفر لی
انه لا یغفر الذنوب الا انت وتب علی انک انت الغفور الرحیم الحمد لله
الذی اماتنی فی عروق ساکنة وتدلک مولای نفسی بعد موتها ولم یمتها فی
منامها الحمد لله الذی یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه ولئن زالتا
ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا از حضرت پیغمبر منقولست که
چون این پنج آیه نازل شد آنحضرت فرمود که وای بر کسیکه این پنج آیه را بخواند و
فکر و اندیشه نکند در آنچیزیکه در این آیات مذکور است و در حدیث وارد است
که هیچ عبادتی مثل تفکر در آلاء الهی نیست و از حضرت صادق منقولست که
کسیرا که امری آزرده کند و این پنج نوبت بگوید ربنا الله تعالی او را نجات می
دهد از آنچیزیکه او از آن میترسد و می بخشد او را آنچه او میخواهد و در پنج آیهٔ کریمه
پنج نوبت لفظ ربنا مکرر شده است پس کسیکه این پنج آیه را بخواند از بلاها ایمن
شود و مرادات او حاصل میشود مترجم این کتاب میگوید که آنچیزیکه در این آیات
مذکور است که فکر و اندیشه در آن میباید کرد خلق عالم علویست از طبقات ملائکه
مجرد و مادی و خلق اجسام افلاک و تداویر و مثل خارج مرکز و مایل و تدویر و نقاط الاوجین
و حرکات افلاک بعضی بر توالی و بعضی بر خلاف توالی و کواکب سبعهٔ سیاره و
ثوابت و غیر آن و خلق عالم سفلی است از جرم زمین و کرویت آن و اسکان آن در وسط
عالم و ایجاد جمادات و نباتات و حیوانات بحریه و بریه و خلق انسان و اشتمال او
بر هر چیزیکه عالم اکبر بر آنها مشتملست از حواس و قوی و اخلاط اربعه و تطول و
استداره دماغ و طبقات جلیدیه و انداع قوای اربعه در هر عضوی از اعضاء و
غضاریف و شراسیف و مانند آن و اختلاف لیل و نهار که هر یک از این مذکورات

دعاهای نصف شب

دلیل بر وجود صانع حکیم علیم مدبر وحید بالذات است ولهذا پیغمبر فرموده که در وقت
قراءت این پنج آیه فکر و اندیشه در آن میباید کرد و بعد از آن پنج آیه از سوره آل
عمران بخواند ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار لآیات
لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی
خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب
النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار ربنا
اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا
وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک و
لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد و حضرت امام زین العابدین در وسط
شب این دعا را میخواند الهی غارت نجوم سماواتک ونامت عیون انامک وهدأت
اصوات عبادک وانعامک وغلقت الملوک علیها ابوابها وطاف علیها حراسها
واحتجبوا عمن یسئلهم حاجة او ینتجع منهم فائدة وانت الهی حی قیوم لا تأخذک
سنة ولا نوم ولا یشغلک شیء عن شیء ابواب سماواتک لمن دعاک مفتحات
وخزائنک غیر مغلقات وابواب رحمتک غیر محجوبات وفوائدک لمن سألکها
غیر محظورات بل هی مبذولات انت الهی الکریم الذی لا ترد سائلا من المؤمنین
سألک ولا تحتجب عن احد منهم ارادک لا وعزتک وجلالک لا تختزل حوائجهم
دونک ولا یقضیها احد غیرک اللهم وقد ترانی ووقوفی وذل مقامی بین
یدیک تعلم سریرتی وتطلع علی ما فی قلبی وما یصلح به امر آخرتی ودنیای
اللهم ان ذکر الموت وهول المطلع والوقوف بین یدیک نغصنی
مطعمی ومشربی واغصنی بریقی واقلقنی عن وسادتی ومنعنی رقادی کیف
ینام من یخاف بیات ملک الموت فی طوارق اللیل وطوارق النهار بل کیف
ینام العاقل وملک الموت لا ینام لا باللیل ولا بالنهار ویطلب قبض روحی با
لبیات او فی آناء الساعات و بعد از آن بسجده میگذارد و روی مبارک خود را بخاک
میچسبانید و میگفت اسئلک الروح والراحة عند الموت والعفو عنی حین
القاک و در روایت وارد شده است که هرگاه کسی خوابی ببیند که مکروه او

دعائی که در وقت
شب بخوانند

او باشد از آن پهلو که خوابیده است بپهلوی دیگر بگردد و بگوید انما النجوی
من الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله واعوذ
بالله وبما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیاؤه المرسلون والائمة
الراشدون المهدیون وعباده الصالحون من شر ما رأیت ومن شر رؤیای
ان تضرنی فی دینی او دنیای ومن شر الشیطان الرجیم و در روایت دیگر وارد است
که کسیکه خواب بدی ببیند چون از آن بیدار شود بی فاصله سجده کند پس بر الله
تعالی ثنا کند بآنچه تواند و بعد از آن صلوات بر محمد و آل محمد فرستد و
تضرع کند بخدای تعالی و از آن درخواهد که شر آن خواب را از او دفع شود پس
هرگاه این عمل را بجا آورد بفضل و رحمت الله تعالی البته اثر بدی از آن خواب
باو نمیرسد از حضرت پیغمبر منقولست که فرمود که هر بنده که شب برخیزد و دو رکعت
نماز کند و در سجده خود چهل کس را از اصحاب خود دعا کند هر چیز که از خدای تعالی
بخواهد الله تعالی باو میدهد و ابن فهد در عدة الداعی روایت کرده است که
بعد از نماز شب در حال سجده باین روش اخوان خود را دعا کند که اللهم رب الفجر
واللیالی العشر والشفع والوتر واللیل اذا یسر ورب کل شیء واله کل شیء و
خالق کل شیء وملیک کل شیء صل علی محمد وآله وافعل بی وبفلان وفلان که
یک یک را نام ببرد و بعد از آن بگوید ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله
فانک اهل التقوی واهل المغفرة پس سر بردارد از سجده و از حضرت صادق
منقولست که دعای مؤمن برادر مؤمن را در ظهر غیب بلا را دفع میکند و روزی
او را و دفع میکند مکروه را و از حضرت پیغمبر مرویست که هر کس که دعا کند مؤمنین و
الله تعالی باو میدهد مثل آنچه دعا کرده است از برای ایشان از هر مؤمن و
مؤمنه که از اول دهر بوده اند و هر مؤمن و مؤمنه که خواهند آمد تا روز
قیامت و نیز از آنحضرت منقولست که روز قیامت امر الهی در رسد که بنده را
بدوزخ برند پس مؤمنین و مؤمنات گویند یا رب این شخص ما را دعا کرده او را از
آتش دوزخ نجات ده پس الله تعالی شفاعت ایشان را قبول کند و او را از دوزخ
نجات دهد و از حضرت صادق منقولست که کسیکه برادر مؤمن را در ظهر غیب

کیفیت نماز شب

دعا کند ملکی ندا کند او را از آسمان دنیا و میگوید که ای بندهٔ خدا مر تو راست
صد هزار ضعف آنچه طلب کردی از برای ایشان و ملک دیگر ندا میکند از آسمان
دویم که ای بندهٔ خدا مر تو راست دویست هزار ضعف آنچه طلب کردی و همچنین
در هر آسمانی زیاد میکند صد هزار تا آسمان هفتم پس ندا میکند او را ملکی
که ای بندهٔ خدا از برای تو است هفتصد هزار ضعف آنچه طلب کردی پس الله تعالی
جل ذکره ندا می کند که ای بندهٔ من مر تو راست هزار هزار ضعف آنچه طلب کردی
و در روایتی وارد است که الله تعالی وحی کرد بحضرت موسی که مرا بخوان بزبانیکه
بآن زبان گناه نکرده باشی موسی گفت که بکجاست همچنین زبانی الله تعالی فرمود که
مرا بخوان بزبان غیر خود یعنی غیر خود را بگو که از برای تو دعا کند و بهترین اوقات از
برای دعای اخوان و والدین و مؤمنین و مؤمنات بعد از نماز شب است و حضرت امام
زین العابدین ع پیش از نماز شب دو رکعت نماز میکرد در رکعت اول الحمد و سورهٔ توحید
میخواند و در رکعت دویم الحمد و سورهٔ جحد میخواند پس دست خود را بتکبیر بر میداشت و
دعا میکرد و بعد از آن بنماز شب مشغول میشدند و در رکعت اول نماز شب توجه
بهفت تکبیر و دعای توجه میکرد چنانچه ذکر آن گذشت و در دو رکعت اول نماز شب
او در هر رکعتی یکنوبت الحمد و سی نوبت توحید میخواند و اگر کسی را مجال نباشد
و سی نوبت توحید نتواند خواند در رکعت اول الحمد و یکبار سورهٔ توحید بخواند و
در رکعت دویم الحمد و یکبار سورهٔ جحد بخواند و در شش رکعت دیگر بعد الحمد
هر سوره که خواهد بخواند و در هر دو رکعت که سلام میدهد سنتست که این
دعا را بخواند که اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ وَلَمْ یُسْئَلْ مِثْلُکَ اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ
السّائِلینَ وَمُنْتَهی رَغْبَةِ الرّاغِبینَ اَدْعُوکَ وَلَمْ یُدْعَ مِثْلُکَ وَاَرْغَبُ اِلَیْکَ
وَلَمْ یُرْغَبْ اِلی مِثْلِکَ اَنْتَ مُجیبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّینَ وَاَرْحَمُ الرّاحِمینَ اَسْئَلُکَ
بِاَفْضَلِ الْمَسائِلِ وَاَنْجَحِها وَاَعْظَمِها یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحیمُ وَبِاَسْمائِکَ الْحُسْنی وَ
اَمْثالِکَ الْعُلْیا وَنِعَمِکَ الَّتی لا تُحْصی وَبِاَکْرَمِ اَسْمائِکَ عَلَیْکَ وَاَحَبِّها اِلَیْکَ
وَاَقْرَبِها مِنْکَ وَسیلَةً وَاَشْرَفِها عِنْدَکَ مَنْزِلَةً وَاَجْزَلِها لَدَیْکَ ثَواباً وَاَسْرَعِها
فِی الْاُمُورِ اِجابَةً وَبِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْاَکْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَعْظَمِ الْاَکْرَمِ الَّذی

بعد از سلام بخواند

تحبه

تُحِبُّهُ وَتَهْوٰیهُ وَتَرْضٰی بِه عَمَّنْ دَعاکَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعائَهُ وَحَقٌّ عَلَیْکَ اَنْ
لا تُحْرِمَ سائِلَکَ وَلا تَرُدَّهُ وَبِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ فِی التَّوْریةِ وَالْاِنْجیلِ وَ
الزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظیمِ وَبِکُلِّ اسْمٍ دَعاکَ بِه حَمَلَةُ عَرْشِکَ وَمَلائِکَتُکَ وَ
اَنْبِیاؤُکَ وَرُسُلُکَ وَاَهْلُ طاعَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِیِّکَ وَابْنِ وَلِیِّکَ وَتُعَجِّلَ خِزْیَ اَعْدائِهِمْ پس دعا کن
بآنچه خواهی و بعد از آن تسبیح فاطمهٔ زهراء بجا آور پس سجدهٔ شکر کن و بخوان
هر چه را خواهی که در باب سجدهٔ شکر گذشت و بعد از آن دو رکعت نماز شفع را
بگذار و چون سلام دهی بگو اِلٰهی تَعَرَّضَ لَکَ فی هٰذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَکَ
مِنْهُ الْقاصِدُونَ وَاَمَّلَ فَضْلَکَ وَمَعْرُوفَکَ الطّالِبُونَ وَلَکَ فی هٰذَا اللَّیْلِ
نَفَحاتٌ وَجَوائِزُ وَعَطایا وَمَواهِبُ تَمُنُّ بِها عَلی مَنْ تَشاءُ مِنْ عِبادِکَ وَتَمْنَعُها مَنْ
لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنایَةُ مِنْکَ وَها اَنَا ذا عَبْدُکَ الْفَقیرُ اِلَیْکَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَکَ
وَمَعْرُوفَکَ فَاِنْ کُنْتَ یا مَوْلایَ تَفَضَّلْتَ فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ عَلی اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ
وَعُدْتَ عَلَیْهِ بِعائِدَةٍ مِنْ عَطْفِکَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ
الْخَیِّرینَ الْفاضِلینَ وَجُدْ عَلَیَّ بِطَوْلِکَ وَمَعْرُوفِکَ وَکَرَمِکَ یا رَبَّ الْعالَمینَ وَ
صَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَآلِهِ الطّاهِرینَ وَسَلَّمَ تَسْلیماً اِنَّ اللّٰهَ حَمیدٌ
مَجیدٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی دَعَوْتُکَ کَما اَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَ اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ
و بعد از آن برخیز یک رکعت وتر و هفت تکبیر و دعای توجه بجا آور و در این یک
رکعت وتر هفت تکبیر و دعای توجه بجا آور و در این یک رکعت بعد از حمد سه
نوبت سورهٔ توحید و یکنوبت معوذتین بخوان پس دستهای خود را بردار و هر
دعائیکه خواهی بخوان پس سه نوبت بگو اَسْتَجیرُ بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ پس دستها را بلند کن
و بکش و بگو وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ حَنیفاً مُسْلِماً وَما اَنَا مِنَ
الْمُشْرِکینَ اِنَّ صَلوتی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتی لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ تا آخر این پس
بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلی مَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ وَاُولِی
الْعَزْمِ مِنَ الْمُرْسَلینَ وَالْاَنْبِیاءِ الْمُنْتَجَبینَ وَالْاَئِمَّةِ الرّاشِدینَ اَوَّلِهِمْ وَ
آخِرِهِمْ اَللّٰهُمَّ عَذِّبْ کَفَرَةَ اَهْلِ الْکِتابِ فی جَمیعِ الْمُشْرِکینَ وَمَنْ ضارَعَهُمْ مِنَ الْمُنافِقینَ

فانهم يتقلبون في نعمتك ويجعلون الحمد لغيرك تعاليت عما يقولون وعما
يصفون علوا كبيرا اللهم العن الرؤساء والقادة والاتباع من الاولين و
الاخرين الذين صدوا عن سبيلك اللهم انزل بهم باسك ونقمتك فانهم
كذبوا على رسولك وبدلوا نعمتك وافسدوا عبادك وحرفوا كتابك وغيروا
سنة نبيك اللهم العنهم واتباعهم واوليائهم واعوانهم ومحبيهم واحشرهم
واتباعهم الى جهنم زرقا اللهم صل على محمد عبدك ورسولك بافضل صلواتك
وعلى ائمة الهدى الراشدين المهديين پس چهل کس را از برادران مؤمن دعا کند و
ثواب دعای مؤمنان در حاشیه گذشت از حضرت صادق مرویست که کسیکه در
نماز وتر هفتاد نوبت استغفر الله واتوب اليه بگوید ایستاده و بر این مداومت
نماید تا یکسال او را الله تعالی از جمله مستغفرین بالاسحار که در قرآن ذکر شده
واقع شده است مینویسند و واجب میشود از برای او بهشت و نیز از آنحضرت
مرویست که کسیکه در آخر قنوت نماز وتر صد نوبت استغفر الله واتوب اليه
بگوید تا چهل شب الله تعالی او را از جمله مستغفرین مینویسند و از حضرت امام
محمد باقر مرویست که هرگاه از نماز وتر منصرف شوی سه نوبت بگو سبحان ربي
الملك القدوس العزيز الحكيم پس بگوید استغفر الله ربي واتوب اليه صد نوبت
یا هفتاد نوبت پس هفت مرتبه بگوید استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
لجميع ظلمي وجرمي واسرافي على نفسي واتوب اليه پس بگوید رب اسأت وظلمت
نفسي وبئس ما صنعت وهذه يداي يا رب جزاء بما كسبت وهذه رقبتي خاضعة
لما اتيت وها انا ذا بين يديك فخذ لنفسك من نفسي الرضا حتى ترضى لك العتبى
لا اعود پس سیصد مرتبه بگوید العفو پس بگوید رب اغفر لي وارحمني وتب علي
انك انت التواب الغفور الرحيم و هر چند در این قنوت بیشتر دعا کند افضل است
و در بعضی از کتب امامیه مذکور است که مردی بخدمت پیغمبر آمد و گفت یا رسول الله
من مردی غنی بودم پس فقیر شدم و صحیح بودم پس مریض شدم و نزد مردم مقبول و
محبوب بودم پس مبغوض شدم و بر دلها سبک بودم پس گران شدم و شادمان بودم
پس غم بسیار من جمع شد و زمین با این وسعت بر من تنگ شده است و در تمام روز میگردم

در طلب

در طلب و هیچ قوتی نمییابم گویا که نام من از دیوان ارزاق محو شده است حضرت
پیغمبر فرمود گویا استعمال کرده چیزی را که مورث هموم است آنمرد گفت یا رسول
الله مورث هموم چه چیز است فرمود نشسته عمامه بستن یا ایستاده زیر جامه
پوشیدن یا ناخن خود را بدندان چیدن یا روی خود را بدامن پاک کردن یا بر بول
خوابیدن شاید که یکی از اینها را بجا آورده گفت که هیچ از اینها را بجا نیاورده ام
پس آنحضرت فرمود که پرهیزکاری کن و ضمیر خود را خالص گردان و این دعا را بخوان
که دعای فرج است و آن اینست بسم الله الرحمن الرحيم الهي طموح الامال تا ولی
الخیر پس آنمرد این دعا را خواند و حال او از اول نیز بهتر شد پس در رکوع رود
و چون سر از رکوع بردارد بگوید هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته
بعمله وذنبه عظيم وشكره قليل وليس لذلك الا دفعك ورحمتك الهي
طموح الآمال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم قد تقطعت الا عليك
ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فاليك الرجاء واليك الملتجى يا
اكرم مقصود ويا اجود مسئول هربت اليك بنفسي يا ملجأ الهاربين
باثقال الذنوب التي احملها على ظهري وما اجد لي اليك شافعا سوى معرفتي
بانك اقرب من رجاه الطالبون ولجأ اليه المضطرون واملّ ما لديه الراغبون
يا من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن بحمده وجعل ما امتن به على
عباده كفاء لتادية حقه صل على محمد واله ولا تجعل للهموم على عقلي
سبيلا ولا للباطل على عملي دليلا وافتح لي بخير الدنيا والاخرة يا ولي الخير پس
چون سلام دهد تسبیح حضرت فاطمه زهرا بگوید پس سه نوبت بگوید سبحان ربي
الملك القدوس العزيز الحكيم يا حي يا قيوم يا بر يا رحيم يا غني يا كريم ارزقني من
التجارة اعظمها فضلا واوسعها رزقا وخيرها لي عاقبة فانه لا خير فيما لا عاقبة
له و بعد از آن دعای حزین را بخواند و آن این است که اناجيك يا موجودا في كل
مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي مولاي يا مولاي اي
الاهوال اتذكر واينها انسى ولو لم يكن الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت
اعظم وادهى مولاي يا مولاي حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى

یا بر آب ایستاده بول کردن

ولا تجد عنده صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم وا غوثاه بك يا الله من هوى قد
غلبنى ومن عدو قد استكلب على ومن دنيا قد تزينت لى ومن نفس
امارة بالسوء الا ما رحم ربى مولاى يا مولاى ان كنت رحمت مثلى فارحمنى و
ان كنت قبلت مثلى فاقبلنى يا قابل السحرة اقبلنى يا من لم ازل اتعرف منه
الحسنى يا من يغذينى بالنعم صباحا ومساء ارحمنى يوم اتيتك فردا شاخصا اليك
بصرى مقلدا عملى قد تبرء جميع الخلق منى نعم وابى وامى ومن كان له كدى
وسعيى فان لم ترحمنى فمن يرحمنى ومن يونس فى القبر وحشتى ومن ينطق
لسانى اذا خلوت بعملى وسائلتنى عما انت اعلم به منى فان قلت نعم فاين
المهرب من عدلك وان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك
عفوك يا مولاى قبل سرابيل القطران عفوك عفوك يا مولاى قبل ان
تغل الايدى الى الاعناق يا ارحم الراحمين وخير الغافرين پس سجده کند و در
سجده بگوید اللهم صل على محمد وآله وارحم ذلى بين يديك وتضرعى اليك
ووحشتى من الناس وانسى بك واليك يا كريم يا كائنا قبل كل شىء يا
مكون كل شىء يا كائنا بعد كل شىء لا تفضحنى فانك بى عالم ولا تعذبنى
فانك على قادر اللهم انى اعوذ بك من كرب الموت ومن سوء المرجع فى
القبور ومن الندامة يوم القيمة اسئلك عيشة هنيئة وميتة سوية
ومنقلبا كريما غير مخز ولا فاضح اللهم مغفرتك اوسع من ذنوبى ورحمتك
ارجى عندى من عملى فصل على محمد وآل محمد واغفر لى يا حيا لا يموت وشصت
که دو سجده کند و در سجده اوّل پنج نوبت بگوید سبوح قدوس رب الملائكة
والروح پس سر بر دارد و بنشیند و آیة الکرسی بخواند و بعد از آن سجدۀ دوم را
بجا آورد و پنج نوبت بگوید سبوح قدوس رب الملائكة والروح کسیکه این
دو سجده را بکند و دعای مذکور را بخواند مر و را اجری عظیم است از حضرت پیغمبر
منقولست که کسیکه در عقب نماز دو سجده کند و در آن دو سجده سبوح قدوس
رب الملائكة والروح را بخواند از جای خود برنخیزد مگر آنکه آمرزیده شود و نوشته
میشود از برای او ثواب شهید را بیت المقدس است و داده شود باو ثواب صد حج و

عمره و بنا کرده میشود از برای او بعدد هر سوره که در قرآنست یکشهری در
بهشت و برانگیزد خدای تعالی هزار ملک را که از برای او حسنات نویسند تا
وقت مرگ و از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت ببیند و مثل کسی است
که صد طواف خانۀ کعبه کرده باشد و صد بنده آزاد کرده باشد و از جای
خود برنخیزد مگر آنکه نازل شود بر او هزار رحمت و مستجاب شود دعای او
و بر آورده شود حاجت او در دنیا و آخرت و مر او راست برای هر سجده ثواب
هزار رکعت نماز سنت و حضرت امام زین العابدین بعد از نماز شب این دعا
میخواندند در اعتراف بگناهان خود و از جمله ادعیۀ صحیفۀ کامله است و آن
این است که اللهم يا ذا الملك المتأبد بالخلود والسلطان الممتنع بغير جنود
ولا اعوان والعز الباقى على مر الدهور وخوالى الاعوام ومواضى الازمان والايام
عز سلطانك عزا لا حد له باولية ولا منتهى له باخرية واستعلى ملكك
علوا سقطت الاشياء دون بلوغ امده ولا يبلغ ادنى ما استأثرت به من
ذلك اقصى نعت الناعتين ضلت فيك الصفات وتفسخت دونك النعوت
وحارت فى كبريائك لطائف الاوهام كذلك انت الله لا اله الا انت الاول
فى اوليتك وعلى ذلك انت دائم لا تزول وانا العبد الضعيف عملا
الجسيم املا خرجت من يدى اسباب الوصلات الا ما وصله رحمتك و
تقطعت عنى عصم الامال الا ما انا معتصم به من عفوك قل عندى ما اعتد
به من طاعتك وكثر على ما ابوء به من معصيتك ولن يضيق عليك عفو عن
عبدك وان اساء فاعف عنى اللهم وقد اشرف على خفايا الاعمال علمك
وانكشف كل مستور دون خبرك ولا تنطوى عنك دقائق الامور ولا تعزب
عنك غيبات السرائر وقد استحوذ على عدوك الذى استنظرك لغوايتى
فانظرته واستمهلك الى يوم الدين لاضلالى فامهلته فاوقعنى وقد هربت
اليك من صغائر ذنوب موبقة وكبائر اعمال مردية حتى اذا فارقت معصيتك
واستوجبت بسوء فعلى سخطك فتل عنى عذار غدره وتلقانى بكلمة كفره
وتولى البراءة منى وادبر موليا عنى فاصحرنى لغضبك فريدا واخرجنى الى

دعای صحیفۀ کامله بعد از نماز شب

النعوت نسخه

سعیی نسخه

مثلا بنقمتك طريدا لا شفيع يشفع لي اليك ولا خفير يؤمنني عليك ولا حصن
يحجبني عنك ولا ملاذ الجا اليه منك فهذا مقام العائذ بك ومحل المعترف
لك فلا يضيقن عني فضلك ولا يقصرن دوني عفوك ولا اكن اخيب عبادك
التائبين ولا اقنط وفودك الاملين واغفر لي انك خير الغافرين اللهم
انك امرتني فتركت ونهيتني فركبت وسول لي الخطاء خاطر السوء ففرطت
ولا استشهد على صيامي نهارا ولا استجير بتهجدي ليلا ولا تثني علي
باحيائها سنة حاشا فروضك التي من ضيعها هلك ولست اتوسل اليك
بفضل نافلة مع كثير ما اغفلت من وظائف فروضك وتعديت عن مقامات
حدودك الى حرمات انتهكتها وكبائر ذنوب اجترحتها كانت عافيتك لي من
فضائحها سترا وهذا مقام من استحيا لنفسه منك وسخط عليها ورضي
عنك فتلقاك بنفس خاشعة ورقبة خاضعة وظهر مثقل من الخطايا
واقفا بين الرغبة اليك والرهبة منك وانت اولى من رجاه واحق من
خشيه واتقاه فاعطني يا رب ما رجوت وامني ما حذرت وعد علي بعائدة
رحمتك انك اكرم المسئولين اللهم واذ سترتني بعفوك وتغمدتني
بفضلك في دار الفناء بحضرة الاكفاء فاجرني من فضيحات دار البقاء عند
مواقف الاشهاد من الملائكة المقربين والرسل المكرمين والشهداء و
الصالحين من جار كنت اكاتمه سيئاتي ومن ذي رحم كنت احتشم منه في سريراتي
لم اثق بهم رب في الستر علي ووثقت بك رب في المغفرة لي وانت اولى من
وثق به واعطى من رغب اليه واراف من استرحم فارحمني اللهم وانت
حدرتني ماء مهينا من صلب متضائق العظام حرج المسالك الى رحم ضيقة
سترتها بالحجب تصرفني حالا عن حال حتى انتهيت بي الى تمام الصورة واثبت
في الجوارح كما نعت في كتابك نطفة ثم علقة ثم مضغة ثم عظما ثم كسوت العظام
لحما ثم انشاتني خلقا اخر كما شئت حتى اذا احتجت الى رزقك ولم استغن عن
غياث فضلك جعلت لي قوتا من فضل طعام وشراب اجريته لامتك التي اسكنتني
جوفها واودعتني قرار رحمها ولو تكلني يا رب في تلك الحالات الى حولي وتضطرني

عظاما

الى قوتي لكان الحول عني معتزلا ولكانت القوة مني بعيدة فغذوتني بفضلك
غذاء البر اللطيف تفعل ذلك بي تطولا علي الى غايتي هذه لا اعدم برك
ولا يبطئ بي حسن صنيعك ولا تتاكد مع ذلك ثقتي فاتفرغ لما هو احظى لي
عندك قد ملك الشيطان عناني في سوء الظن وضعف اليقين فانا اشكو
سوء مجاورته لي وطاعة نفسي له واستعصمك من ملكته واتضرع اليك في
صرف كيده عني واسئلك ان تسهل الى رزقي سبيلا فلك الحمد على ابتدائك
بالنعم الجسام والهامك الشكر على الاحسان والانعام فصل على محمد واله
وسهل علي رزقي وان تقنعني بتقديرك لي وان ترضيني بحصتي فيما قسمت
لي وان تجعل ما ذهب من جسمي وعمري في سبيل طاعتك انك خير الرازقين اللهم
اني اعوذ بك من نار تغلظت بها على من عصاك وتوعدت بها من صدف عن
رضاك ومن نار نورها ظلمة وهينها اليم وبعيدها قريب ومن نار ياكل
بعضها على بعض ومن نار تذر العظام رميما وتسقي اهلها حميما ومن نار لا تبقي
على من تضرع اليها ولا ترحم من استعطفها ولا تقدر على التخفيف عمن خشع
لها واستسلم اليها تلقى سكانها باحر ما لديها من اليم النكال وشديد الوبال
واعوذ بك من عقاربها الفاغرة افواهها وحياتها الصالقة بانيابها وشرابها
الذي يقطع امعاء وافئدة سكانها وينزع قلوبهم واستهديك لما باعد منها
واخر عنها اللهم صل على محمد واله واجرني منها بفضل رحمتك واقلني عثراتي
بحسن اقالتك ولا تخذلني يا خير المجيرين انك تقي الكريهة وتعطي الحسنة و
تفعل ما تريد وانت على كل شيء قدير اللهم صل على محمد واله اذا ذكر
الابرار وصل على محمد واله ما اختلف الليل والنهار صلوة لا ينقطع مددها
ولا يحصى عددها صلوة تشحن الهواء وتملا الارض والسماء صلى الله عليه
واله حتى يرضى وصلى الله عليه واله بعد الرضا صلوة لا حد لها ولا منتهى
يا ارحم الراحمين

فصل سيزدهم

در ذكر استغفار سنت است كه در وقت سحر هر شب
هفتاد نوبت استغفار كند واين تمام استغفار است واين روايت از امير المؤمنين
مرويست ومرويست از حضرت امير المؤمنين كه هر گاه بنده گناه كند وبعد از بيست [illegible]

استغفار [illegible] وقت سحر

سال بپادش آید و از آن گناه استغفار کند الله تعالی او را بیامرزد و بعد از آن
این آیهٔ کریمه را خواند وَمَنْ یَعْمَلْ سُوءًا اَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ یَجِدِ اللّٰهَ
غَفُورًا رَحِیمًا یعنی کسیکه عمل بد بکند و بنفس خود ظلم کند و بعد از آن استغفار
کند میابد بخدا یتعالی آمرزنده و رحیم و بعد از آن آنحضرت فرمود که هر بنده که گناه
کند الله تعالی هفت ساعت مهلت میدهد پس اگر توبه کرد در این هفت ساعت
آنگناه را برای او نمینویسند و نیز از آنحضرت مرویست که خوشا حال بنده که استغفار
کند از هر گناهی که غیر او نیز او آگاه نشده باشد بدرستیکه استغفار در عقب گناه
مثل آبی است که بر آتش بریزند که خاموش کند آن آتش را و نیز از آنحضرت مرویست
الله تعالی وحی فرستاد بداود که ای داود بگو گناهکاران را که استغفار کنند اگر
بدرستیکه من غفور و رحیم و نیز از آنحضرت منقولست که یکروز بواسطهٔ طلب باران
بمنبر رفت و کسی را از غیر از استغفار نشنید از او پرسیدند از وجه آن پس
آنحضرت فرمود که آیا نشنیده اید قول خدا یتعالی را که فرموده است اِسْتَغْفِرُوا
رَبَّکُمْ اِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُمْ مِدْرَارًا وَیُمْدِدْکُمْ بِاَمْوَالٍ وَبَنِینَ وَ
یَجْعَلْ لَکُمْ جَنَّاتٍ وَیَجْعَلْ لَکُمْ اَنْهَارًا و بعد از آن فرمود که کدام دعا است که افضل
باشد و برکت آن اعظم باشد از استغفار در دنیا و آخرت و از آنحضرت مرویست که
بهترین اوقات از برای استغفار سحرهاست بواسطهٔ قول خدا یتعالی که فرموده است
وَبِالْاَسْحَارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ و جای دیگر فرموده است وَالْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْاَسْحَارِ و چون
فرزندان یعقوب او را التماس کردند که از برای ما استغفار کن فرمود بعد از این
استغفار خواهم کرد تا خیر از برای آن بود که وقت سحر شود که از برای ایشان
استغفار کند و حضرت علی بوقت سحر بعد از نافلهٔ صبح هفتاد نوبت استغفار می
کرد و از استغفار که فارغ میشد دعای صبح را میخواند و از باقر منقولست کسیکه
بعد از نماز فجر هفتاد بار استغفار کند الله تعالی او را بیامرزد و اگر چه در آن روز
هفتاد گناه کرده باشد و هیچ چیزی نیست در کسیکه در یکروز زیاده از هفتاد
گناه کند پس بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ و هفت نوبت بگوید اَسْتَغْفِرُ
اللّٰهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ پس بگوید آنچه را که امیر المؤمنین

علی در استغفار میگفت و آن این است که اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِی مُحْکَمِ کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ
عَلٰی نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ کَانُوا قَلِیلًا مِنَ اللَّیْلِ مَا یَهْجَعُونَ وَبِالْاَسْحَارِ هُمْ
یَسْتَغْفِرُونَ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ
ثُمَّ اَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ وَ
اَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ الصَّابِرِینَ وَالصَّادِقِینَ
وَالْقَانِتِینَ وَالْمُنْفِقِینَ وَالْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْاَسْحَارِ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ
وَقُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ وَالَّذِینَ اِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً اَوْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا
اللّٰهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَمْ یُصِرُّوا عَلٰی مَا فَعَلُوا
وَهُمْ یَعْلَمُونَ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ
فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِی الْاَمْرِ فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ
اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ تَبَارَکْتَ وَ
تَعَالَیْتَ وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ
لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا رَحِیمًا وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ
تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ وَمَنْ یَعْمَلْ سُوءًا اَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ یَجِدِ اللّٰهَ
غَفُورًا رَحِیمًا وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ
اَفَلَا یَتُوبُونَ اِلَی اللّٰهِ وَیَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَ
اَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ وَمَا کَانَ اللّٰهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَاَنْتَ فِیهِمْ
وَمَا کَانَ اللّٰهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ یَسْتَغْفِرُونَ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَ
قُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ اِسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ
سَبْعِینَ مَرَّةً فَلَنْ یَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ
تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ وَمَا کَانَ لِلنَّبِیِّ وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ اَنْ یَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِکِینَ
وَلَوْ کَانُوا اُولِی قُرْبٰی مِنْ بَعْدِ مَا تَبَیَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحَابُ الْجَحِیمِ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَ
اَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ وَمَا کَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرٰهِیمَ لِاَبِیهِ
اِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا اِیَّاهُ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَقُلْتَ تَبَارَکْتَ
وَتَعَالَیْتَ وَاَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَیْهِ یُمَتِّعْکُمْ مَتَاعًا حَسَنًا اِلٰی اَجَلٍ

مسمّى ويؤت كل ذي فضل فضله وانا استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت
وتعاليت وان استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يرسل السماء عليكم مدرارا
ويزدكم قوة الى قوتكم ولا تتولوا مجرمين وانا استغفرك واتوب اليك و
قلت تباركت وتعاليت هو انشاكم من الارض واستعمركم فيها فاستغفروه
ثم توبوا اليه ان ربي قريب مجيب وانا استغفرك واتوب اليك وقلت
تباركت وتعاليت واستغفروا ربكم ثم توبوا اليه ان ربي رحيم ودود
وقلت تباركت وتعاليت واستغفري لذنبك انك كنت من الخاطئين
وانا استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت يا ابانا استغفر
لنا ذنوبنا انا كنا خاطئين وانا استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت
وتعاليت سوف استغفر لكم ربي انه هو الغفور الرحيم وانا استغفرك و
اتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت وما منع الناس ان يؤمنوا اذ جاءهم
الهدى ويستغفروا ربهم وانا استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت
وتعاليت سلام عليك ساستغفر لك ربي انه كان بي حفيا وانا استغفرك
واتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت فأذن لمن شئت منهم واستغفر
لهم الله ان الله غفور رحيم وانا استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت
وتعاليت يا قوم لم تستعجلون بالسيئة قبل الحسنة لولا تستغفرون الله
لعلكم ترحمون وانا استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت
وظن داود انما فتناه فاستغفر ربه وخر راكعا واناب وانا استغفرك و
اتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت الذين يحملون العرش ومن حوله
يسبحون بحمد ربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين امنوا وانا استغفرك
واتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت واصبر ان وعد الله حق واستغفر
لذنبك وسبح بحمد ربك بالعشي والابكار وانا استغفرك واتوب اليك و
قلت تباركت وتعاليت والملائكة يسبحون بحمد ربهم ويستغفرون لمن
في الارض الا ان الله هو الغفور الرحيم وانا استغفرك واتوب اليك وقلت
تباركت وتعاليت فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين و

وانا استغفرك واتوب اليك

المؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثواكم وانا استغفرك واتوب اليك
وقلت تباركت وتعاليت سيقول لك المخلفون من الاعراب شغلتنا
اموالنا واهلونا فاستغفر لنا وانا استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت
وتعاليت حتى تؤمنوا بالله وحده الا قول ابراهيم لابيه لاستغفرن لك
وما املك لك من الله من شيء ربنا عليك توكلنا واليك انبنا واليك
المصير وانا استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت ولا يعصينك
في معروف فبايعهن واستغفر لهن الله ان الله غفور رحيم وانا استغفرك
واتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت واذا قيل لهم تعالوا يستغفر
لكم رسول الله لووا رؤوسهم ورايتهم يصدون وهم مستكبرون وانا
استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت سواء عليهم استغفرت
لهم ام لم تستغفر لهم لن يغفر الله لهم وانا استغفرك واتوب اليك و
قلت تباركت وتعاليت واستغفروا ربكم انه كان غفارا وانا استغفرك واتوب
اليك وقلت تباركت وتعاليت هو خيرا واعظم اجرا واستغفروا الله
ان الله غفور رحيم وانا استغفرك واتوب اليك وقلت تباركت وتعاليت
فسبح بحمد ربك واستغفره انه كان توابا وانا استغفرك واتوب اليك
پس بگو آنچیز را که امیر المؤمنین در سحر در عقب دو رکعت نماز نافله فجر میخواند
از حضرت پیغمبر مرویست که الله تعالی میآمرزد گناهان صاحب این استغفار
اگرچه آنقدر باشد که هفت آسمان و هفت زمین برابر سازد واگر همه
سنگینی کوهها و عدد قطرات باران و بعدد آنچیزی باشد که در دنیا و بیابان
ومینویسد خدا تعالی از برای او بعدد این مقدار حسنات و هر بنده که
که این استغفار را بخواند در شب یا در روز میمیرد داخل بهشت میشود و هرگز
محتاج نمیشود و آن اینست اللهم اني استغفرك لكل ذنب جرى به علمك في
وعلي الى آخر عمري بجميع ذنوبي لاولها واخرها وعمدها وخطائها وقليلها و
كثيرها ودقيقها وجليلها وقديمها وحديثها وسرها وعلانيتها وجميع ما انا مذنبه
واتوب اليك واسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي جميع ما …

مِن مَظالِمِ العِبادِ قِبَلی فَاِنَّ لِعِبادِکَ عَلَیَّ حُقوقاً اَنَا مُرتَهَنٌ بِها تَغفِرُها لی کَیفَ
شِئتَ وَاَنّی شِئتَ از حضرت صادقؑ مرویست که حسنهٔ دنیا دو چیز است یکی
خوش معاشی دویم حسن خلق و حسنهٔ آخرت یکی رضای خدا تعالی دویم بهشت
و بعضی گفته اند که علم و عبادت حسنهٔ دنیاست و حسنهٔ آخرت بهشت است
و امیر المؤمنینؑ فرموده که حسنهٔ دنیا زن صالحه است و حسنهٔ آخرت بهشت است
و از پیغمبرؐ مرویست که کسیرا خدا تعالی دل شاکر و زبان ذاکر و زن مومنه بدهد
که یاری شوهر کند در امر دین و دنیای او پس بدرستیکه داده شده است باو
حسنهٔ دنیا و آخرت و نگاه داشته شده است از عذاب آتش جهنم چنانچه
این روایت در مجمع البیان شیخ طبرسی مذکور است پس بگو آنرا که امام زین
العابدینؑ میخوانده و آن اینست که اَللّٰهُمَّ اِنَّ استِغفاری اِیّاکَ وَاَنَا مُصِرٌّ عَلیٰ
ما نَهَیتَ قِلَّةُ حَیاءٍ وَتَرکِیَ الاِستِغفارَ مَعَ عِلمی بِسَعَةِ حِلمِکَ تَضییعٌ لِحَقِّ الرَّجاءِ
اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبی تُؤیِسُنی اَن اَرجُوَکَ وَاِنَّ عِلمی بِسَعَةِ رَحمَتِکَ یُؤمِنُنی اَن
اَخشاکَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَقِّق رَجائی لَکَ وَکَذِّب خَوفی مِنکَ وَکُن
عِندَ اَحسَنِ ظَنّی بِکَ یا اَکرَمَ الاَکرَمینَ وَاَیِّدنی بِالعِصمَةِ وَانطِق لِسانی بِالحِکمَةِ
وَاجعَلنی مِمَّن یَندَمُ عَلیٰ ما ضَیَّعَهُ فی اَمسِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ الغَنِیَّ مَنِ استَغنیٰ عَن
خَلقِکَ بِکَ فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَغنِنی یا رَبِّ عَن خَلقِکَ وَاجعَلنی مِمَّن
لا یَبسُطُ کَفَّهُ اِلّا اِلَیکَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ الشَّقِیَّ مَن قَنَطَ وَاَمامَهُ التَّوبَةُ وَخَلفَهُ
الرَّحمَةُ وَاِن کُنتُ ضَعیفَ العَمَلِ فَاِنّی فی رَحمَتِکَ قَوِیُّ الاَمَلِ فَهَب لی ضَعفَ عَمَلی
لِقُوَّةِ اَمَلی اَللّٰهُمَّ اَمَرتَ فَعَصَینا وَنَهَیتَ فَمَا انتَهَینا وَذَکَّرتَ فَتَناسَینا وَبَصَّرتَ
فَتَعامَینا وَحَذَّرتَ فَتَعَدَّینا وَما کانَ ذٰلِکَ جَزاءَ اِحسانِکَ اِلَینا وَاَنتَ اَعلَمُ
بِما اَعلَنّا وَما اَخفَینا وَاَخبَرُ بِما نَأتی وَما اَتَینا فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا
تُؤاخِذنا بِما اَخطَأنا فیهِ وَما نَسینا وَهَب لَنا حُقوقَکَ لَدَینا وَاَتِمَّ اِحسانَکَ
اِلَینا وَاَسبِغ نِعمَتَکَ عَلَینا اِنّا نَتَوَسَّلُ اِلَیکَ بِمُحَمَّدٍ رَسولِکَ وَعَلِیٍّ وَصِیِّهِ
وَفاطِمَةَ بِنتِهِ وَبِالحَسَنِ وَالحُسَینِ وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعفَرٍ وَموسیٰ وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ وَ
عَلِیٍّ وَالحَسَنِ وَالحُجَّةِ عَلَیهِمُ السَّلامُ اَهلِ بَیتِ الرَّحمَةِ اَدِرَّ الرِّزقَ الَّذی هُوَ قِوامُ

حَیوتِنا وَصَلاحُ اَحوالِ عِیالِنا فَاَنتَ الکَریمُ الَّذی تُعطی مِن سَعَةٍ وَتَمنَعُ عَن
قُدرَةٍ وَنَحنُ نَسئَلُکَ مِنَ الخَیرِ ما یَکونُ صَلاحاً لِلدُّنیا وَبَلاغاً لِلآخِرَةِ وَآتِنا
فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ پس بخوان آن دعا را
که امیر المؤمنین علیؑ در سحر هر شب در عقب نماز نافلهٔ صبح میخوانده و آن اینست
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَستَغفِرُکَ لِما تُبتُ اِلَیکَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فیهِ وَاَستَغفِرُکَ لِما
اَرَدتُ بِهِ وَجهَکَ فَخالَطَنی فیهِ ما لَیسَ لَکَ وَاَستَغفِرُکَ لِلنِّعَمِ الَّتی مَنَنتَ
بِها عَلَیَّ فَتَقَوَّیتُ بِها عَلیٰ مَعاصیکَ اَستَغفِرُ اللّٰهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الحَیُّ القَیّومُ
عالِمُ الغَیبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحمٰنُ الرَّحیمُ لِکُلِّ ذَنبٍ اَذنَبتُهُ وَلِکُلِّ مَعصِیَةٍ ارتَکَبتُها
اَللّٰهُمَّ ارزُقنی عَقلاً کامِلاً وَعَزماً ثاقِباً وَلُبّاً راجِحاً وَقَلباً زَکِیّاً وَعِلماً کَثیراً وَ
اَدَباً بارِعاً وَاجعَل ذٰلِکَ کُلَّهُ لی وَلا تَجعَلهُ عَلَیَّ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ از حضرت
صادقؑ مرویست که هر مؤمن که در روز خود یا در شب خود چهل گناه کبیره از او
صادر شود و نیز از آنحضرتؑ مرویست که کسیکه در وقت خواب صد نوبت استغفار
کند در آن شب صلاتیرا و گناه نتویسند و نیز از آنحضرتؑ مرویست که کسیکه مداومت
کند یکسال بر نماز وتر و هفتاد بار در نماز وتر بگوید اَستَغفِرُ اللّٰهَ رَبّی وَاَتوبُ اِلَیهِ
او را از جملهٔ مستغفرین بالاسحار بنویسند و از برای او واجب میشود مغفرت از
جانب خدا تعالی چنانچه ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال گفته است پس پنج
بار بگوید اَستَغفِرُ اللّٰهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الحَیُّ القَیّومُ وَاَتوبُ اِلَیهِ ابن شیبه
در کتاب خود از پیغمبرؐ روایت کرده است که کسیکه هر روز پنجنوبت بگوید اَستَغفِرُ
اللّٰهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الحَیُّ القَیّومُ وَاَتوبُ اِلَیهِ خدا تعالی میآمرزد گناهان
او را اگرچه مثل کف دریا باشد و از حضرت صادقؑ مرویست که کسیکه هر روز
چهار صد بار تا مدت دو ماه پی در پی بگوید اَستَغفِرُ اللّٰهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ
الرَّحمٰنُ الرَّحیمُ الحَیُّ القَیّومُ بَدیعُ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ مِن جَمیعِ جُرمی وَظُلمی وَاِسرافی
عَلیٰ نَفسی وَاَتوبُ اِلَیهِ اللّٰهُ تعالی گنجی از علم یا گنجی از مال باو میدهد و سنت است
که استغفار کند در آخر روز پنجشنبه باین استغفار از پیغمبرؐ مرویست که فرمود
بکسیکه سخنی با تنگی رسد هفتاد بار بگوید اَستَغفِرُ اللّٰهَ وَاَتوبُ اِلَیهِ اللّٰهُ تعالی باو فرج

استغفار [illegible] بخوانند

مید هد و از آن شدت او را نجات میدهد و راوندی گفته است که این
روایت صحیح است و مجربست و ابن طاوس این روایت را در مهج آورده است پس
بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه توبة
عبد خاضع مسکین مستکین لا یستطیع لنفسه صرفا و لا عدلا و لا نفعا
و لا ضرا و لا موتا و لا حیوة و لا نشورا و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین
الاخیار الابرار و سلم تسلیما فصل چهاردهم در تعقیب نماز صبح است هرگاه فجر
اول طلوع کند پس بگو یا فالق من حیث لا اری و مخرجه من حیث اری صل
علی محمد و آله و اجعل اول یومنا هذا صلاحا و اوسطه فلاحا و آخره نجاحا
الحمد لله فالق الاصباح سبحان الله رب المساء و الصباح اللهم صبح آل محمد
ببرکة و سرور و قرة عین و رزق واسع اللهم انک تنزل فی اللیل و النهار
ما تشاء فانزل علی و علی اهل بیتی من برکة السموات و الارض رزقا واسعا
تغنینی به عن جمیع خلقک پس برخیز و دو رکعت نماز نافله صبح را بجا آور و وقت
این دو رکعت نافله میکشد تا طلوع سرخی آفتاب و چون سرخی طلوع کند نماز فرض
بجا میباید آوردن و نافله صبح را قضا میباید کرد بعد از آن و در رکعت اول از این
دو رکعت نافله الحمد و سوره جحد بخواند و در رکعت دوم الحمد و توحید بخواند و
بعد از نماز نافله صبح و آداب آن و برای نماز صبح اذان بگو و هرگاه فجر دوم طلوع کند
اذان بگو و سجده کن و بگو لا اله الا انت ربی سجدت لک ربی خاضعا خاشعا پس
سر از سجده بردار و بگو اللهم انی اسئلک باقبال نهارک و ادبار لیلک تا
آخر و این دعا در آخر فصل هشتم گذشت پس بگو سبحان من لا تبید معالمه تا
آخر و بعد از اذان اقامه بگو و بعد از اقامه بگو اللهم رب هذه الدعوة التامة تا آخر
پس متوجه نماز شود و روش توجه و تکبیرات و ادعیه آن که گذشت و سنتست که
در نماز فجر قنوت بخواند بکلمات فرج پس بگوید عقب کلمات فرج که یا الله الذی
لیس کمثله شیء و هو السمیع العلیم اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و عجل
فرجهم اللهم من کان امسی و اصبح ثقته و رجاؤه غیرک و انت ثقتی و رجائی
فی الامور کلها یا اجود من سئل یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و قلة حیلتی و امنن علی

در تعقیبات نماز صبح

ارحم

بالجنة

بالجنة طولا منک و فک رقبتی من النار و عافنی فی نفسی و فی جمیع اموری
برحمتک یا ارحم الراحمین و چون سلام دادی تعقیبی را بخوان که در عقب هر نماز فریضه
مذکور شد و بعد از آن دعا ها را بخوان که مخصوص این موضع است و از آنجمله است
که اللهم صل علی محمد و آل محمد و اهدنی لما اختلف فیه من الحق
باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم پس بگو سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله زنة عرشه و
مثله و مداد کلماته و مثله و عدد خلقه و مثله و ملا سمواته و مثله و
عدد ذلک و ملا ارضه و مثله و عدد ما احصی کتابه و مثله و عدد ذلک
اضعافا و اضعافه اضعافا مضاعفة لا یحصی تضاعیفها احد غیره و مثله
پس ده بار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له
الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر از حضرت
پیغمبر مرویست که فرمود که هر کس هر روز در عقب نماز صبح ده بار بگوید
سبحان الله العظیم تا آخر الله تعالی عافیت میدهد او را از کوری و جنون و جذام
و فقر و هدم چنانچه ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال روایت کرده است و نیز روایت
است که الله تعالی رزق را بروی فراخ گردانید هلقام گفت من پریشان ترین جمیع
اهل بیت خود بودم چون این روایت را از کاظم شنیدم و بآن عمل کردم و حال من از جمیع
ایشان بهتر شد و در کتاب نوادر اذکار مذکور است که جبرئیل نزد پیغمبر آمد و
گفت یا محمد الله تعالی میفرماید که بامت خود بگو که ده بار بگویند لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم در وقت صبح و ده بار در وقت شام و ده نوبت در وقت
خواب تا آنکه الله تعالی دفع کند از ایشان در وقت صبح غضب خود را و در وقت شام
دفع کند از ایشان کید شیطان را و در وقت خواب دفع کند از ایشان بلای دنیا را
و ده بار بگوید سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله و ده
بار بگوید سبحان الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و ده
بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد بافضل صلواتک و بارک علیهم
بافضل برکاتک و السلام علیهم و علی ارواحهم و اجسادهم و رحمة الله و برکاته

و ده نوبت بگو اللهم یسر لنا ما نخاف عسره وسهل لنا ما نخاف حزونته و
نفس عنا ما نخاف کربته واکشف عنا ما نخاف غمه واصرف عنا ما نخاف
بلیته یا ارحم الراحمین و ده نوبت بگو اللهم لا تنزع منی صالحا اعطیتنیه
ابدا ولا تردنی فی سوء استنقذتنی منه ابدا ولا تشمت بی عدوا ولا حاسدا
ابدا ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا و ده بار بگو اللهم ما اصبحت بی من نعمة
او عافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا شریک لک لک الحمد ولک الشکر
بها علی حتی ترضی وبعد الرضا و بعد از آن فاتحه و معوذتین و توحید و سوره
قدر و آیة الکرسی را هر یک ده بار بخواند و ده بار بگو الحمد لله و استغفر الله
و ده بار بگو استغفر الله واتوب الیه صد بار بگو استجیر بالله من النار و
اسئله الجنة و صد نوبت بگو اسئل الله الحور العین از علی مرویست که
فرمود که هرگاه بنده از نماز فارغ شود باید که بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد
و از حضرت الله تعالی جنت را طلب کند و از آتش جهنم باو پناه برد و از خدا تعالی
درخواهد که حور العین را باو تزویج کند پس بدرستیکه کسیکه بر پیغمبر و آل
او فرستد دعای او مرفوع و مستجاب میشود و کسیکه از الله تعالی سؤال
بهشت کند بهشت میگوید که ای پروردگار من بخش به بنده خود آنچه سؤال کرد
و کسیکه از آتش دوزخ پناه بخدا برد آتش گوید ای پروردگار من بنده خود را در پنا
خود گیر از آنچیزیکه از او بتو پناه میجوید و کسیکه حور العین را از خدا تعالی
سؤال کند حور العین میگوید که ای پروردگار من بخش به بنده خود آنچیز را که
سؤال کرد و این روایت را ابن فهد در عده آورده است و صد بار بگو اللهم
صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم و صد بار بگو الباقیات الصالحات و
صد نوبت بگو ما شاء الله کان لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و صد بار
بگو اللهم قد رضیت بقضائک وسلمت لامرک اللهم اقض لی بالحسنی و
اکفنی ما اهمنی و اگر هر یک از این مذکورات را صد نوبت نتوان گفت ده بار بگو
و اگر ده بار گفتن ممکن نباشد سه بار بگو و بعد از آن بگو اللهم مقلب القلوب
تا آخر و این دعا در اول فصل چهارم مذکور شد و بعد از آن بگو اعیذ نفسی و

اهلی ومالی وولدی وما رزقنی ربی وجمیع من یعنینی امره بالله الذی لا اله
هو الحی القیوم تا آخر آیه و بعد از آن آیه سخره را بخواند و آن اینست ان ربکم
الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی
اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له
الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا
یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا
ان رحمت الله قریب من المحسنین بعد از آن ده آیه از آخر سوره کهف بخواند و
ده آیه از اول سوره والصافات و سه آیه از آخر این سوره بخواند و سه آیه از
سوره الرحمن بخواند که آن یا معشر الجن است تا تنتصران و سوره حشر را از لو انزلنا
هذا القرآن بخواند تا آخر سوره پس سه بار بگو الحمد لله الذی اذهب باللیل
وجاء بالنهار برحمته خلقا جدیدا ونحن منه فی عافیة ورحمة سبحان الله
ان کان وعد ربنا لمفعولا پس بگو بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک
ولا اسئل احدا غیرک بحق هذه الاسماء المبارکة اللهم بالف الابتداء
بباء البهاء بتاء التألیف بثاء الثناء بجیم الجلال بحاء الحمد بخاء الخفاء بدال
الدوام بذال الذکر براء الربوبیة بزاء الزیادة بسین السلام بشین الشکر
بصاد الصبر بضاد الضوء بطاء الطول بظاء الظلام بعین العفو بغین الغفران
بفاء الفردانیة بقاف القدرة بکاف الکلمة التامة بلام اللوح بمیم الملک
بنون النور بواو الوحدانیة بهاء الهیبة بلام الف لا اله الا انت بیاء یا ذا
الجلال والاکرام اللهم انی اسئلک یا من لا تضجره مسئلة السائلین یا من
هو خبیر بما تخفی الضمائر وتکن منه الصدور و اسئلک بما سمیت به نفسک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل لی من کل هم فرجا ومن کل ضیق مخرجا ومن
کل عسر یسرا والی کل خیر سبیلا برحمتک یا ارحم الراحمین و بعد از آن دعای
بخواند که معویة بن عمار از صادق روایت کرده است و آن اینست که بسم الله الرحمن
الرحیم وصلی الله علی محمد وعلی اهل بیته الطاهرین الاخیار الاتقیاء الابرار
الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا و افوض امری الی الله وما توفیقی

السميع العليم

الا بالله عليه توكلت ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن حسبنا الله ونعم الوكيل واعوذ بالله
من الشيطان الرجيم ومن همزات الشياطين واعوذ بك رب ان يحضرون و
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم الحمد لله رب العالمين كثيرا كما هو اهله
ومستحقه وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله على ادبار الليل واقبال
النهار الحمد لله الذي اذهب بالليل مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا
برحمته خلقا جديدا ونحن في عافيته وسلامته وستره وكفايته وجميل
صنعه مرحبا بخلق الله الجديد واليوم العتيد والملك الشهيد مرحبا بكما
من ملكين كريمين وحياكما الله من كاتبين حافظين اشهد كما فاشهدا لي ف
اكتبا شهادتي هذه معكما حتى القا بها ربي اني اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدى ودين الحق
ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون وان الدين كما شرع والاسلام كما وصف
والقول كما حدث وان الله هو الحق المبين والرسول حق والقرآن حق والموت
حق ومسئلة منكر ونكير في القبر حق والبعث حق والنشور حق والصراط
حق والميزان حق والجنة حق والساعة اتية لا ريب فيها وان الله باعث من
في القبور صل على محمد وآل محمد واكتب اللهم شهادتي عندك مع شهادة
اولي العلم بك رب ومن ابى ان يشهد لك بهذه الشهادة وزعم ان لك ندا او
لك ولدا او لك صاحبة او لك شريكا او معك خالقا او رازقا فاني بريء منهم لا
اله الا انت تعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا فاكتب اللهم شهادتي مكان
شهادتهم واحيني على ذلك وامتني عليه وادخلني برحمتك في عبادك الصالحين
اللهم صل على محمد وآل محمد وصبحني منك صباحا صالحا مباركا ميمونا لا
خائبا ولا فاضحا اللهم صل على محمد وآله واجعل اول يومي هذا صلاحا
واوسطه فلاحا واخره نجاحا واعوذ بك من يوم اوله فزع واوسطه جزع و
اخره وجع اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني خير يومي هذا وخير ما فيه و
خير ما قبله وخير ما بعده واعوذ بك من شره وشر ما فيه وشر ما بعده اللهم

صل على محمد وآله وافتح لي باب كل خير فتحته على احد من اهل الخير ولا
تغلقه عني ابدا اللهم صل على محمد وآله واجعلني مع محمد وآل محمد
في كل موطن ومشهد ومقام ومحل ومرتحل وفي كل شدة ورخاء وعافية
وبلاء اللهم صل على محمد وآله واغفر لي مغفرة عزما جزما لا تغادر لي
ذنبا ولا خطيئة ولا اثما اللهم اني استغفرك من كل ذنب تبت اليك
منه ثم عدت فيه واستغفرك لما اعطيتك من نفسي ثم لم اف لك به و
استغفرك لما اردت به وجهك فخالطه ما ليس لك فصل على محمد وآله
واغفر لي يا رب ولوالدي وما ولدا وما ولدت وما توالدوا من المؤمنين
والمؤمنات الاحياء منهم والاموات ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا
تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف رحيم الحمد لله الذي قضى عني
صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا ولم يجعلني من الغافلين از حضرت امام
محمد باقر مرویست که آنحضرت فرمود که بدرستیکه شیطان از وقت غروب
آفتاب تا غروب شفق لشکر شب خود را پهن میکند و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب
لشکر روز خود را پهن میسازد در عالم که اغوای مردم کنند پس باید که ذکر خدا تعالی
کنید در این دو وقت که این دو ساعت غفلتند و از حضرت امام رضا در قول
خدای عز وجل که فرمود والمقسمات امرا و روایت وارد شده است که ملائکه روزی
بنی آدم را از طلوع فجر تا طلوع آفتاب قسمت میکنند پس کسیکه در این وقت
بخوابد از رزق خود خوابیده است و از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه در مصلای
خود از طلوع فجر تا طلوع آفتاب بنشیند الله تعالی او را از آتش جهنم میپوشد و
سید بن طاوس مجموع اینرا ذکر کرده است و بعد از آن دعای صحیفه علی بن الحسین
بخواند و آن اینست که الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته وميز بينهما بقدرته
وجعل لكل واحد منهما حدا محدودا وامدا ممدودا يولج كل واحد منهما في
صاحبه ويولج صاحبه فيه بتقدير منه للعباد فيما يغذوهم به وينشئهم
عليه فخلق لهم الليل ليسكنوا فيه من حركات التعب ونهضات النصب وجعله
لباسا ليلبسوا من راحته ومنامه فيكون ذلك لهم جماما وقوة ولينالوا به لذة

واغلقه عنى ... من اهل ... على ... [illegible]

دعای صحیفه کامله بعد از ... در بعضی صبح

وشهوة وخلق لهم النهار مبصرا ليبتغوا فيه وليتسببوا الى رزقه ويسرحوا
في ارضه طلبا لما فيه نيل العاجل من دنياهم ودرك الاجل من اخراهم بكل
ذلك يصلح شانهم ويبلوا اخبارهم وينظر كيفهم في اوقات طاعته ومنازل
فروضه ومواقع احكامه ليجزي الذين اساؤا بما عملوا ويجزي الذين احسنوا با
لحسنى اللهم فلك الحمد على ما فلقت لنا من الاصباح ومتعتنا به من ضوء النهار
وبصرتنا به من مطالب الاقوات ووقيتنا فيه من طوارق الافات اصبحنا و
اصبحت الاشياء كلها بجملتها لك سماؤها وارضها وما بثثت في كل واحد منهما
ساكنه ومتحركه ومقيمه وشاخصه وما علا في الهواء وما كن تحت الثرى اصبحنا
في قبضتك يحوينا ملكك وسلطانك وتضمنا مشيتك ونتصرف عن امرك
ونتقلب في تدبيرك ليس لنا من الامر الا ما قضيت ولا من الخير الا ما اعطيت
وهذا يوم حادث جديد وهو علينا شاهد عتيد ان احسنا ودعنا بحمد و
ان اسانا فارقنا بذم اللهم صل على محمد واله وارزقنا حسن مصاحبته
واعصمنا من سوء مفارقته بارتكاب جريرة او اقتراف صغيرة او كبيرة واجزل
لنا فيه من الحسنات واخلنا فيه من السيئات واملا لنا ما بين طرفيه حمدا
وشكرا واجرا وذخرا وفضلا واحسانا اللهم يسر على الكرام الكاتبين
مؤنتنا واملا لنا من حسناتنا صحائفنا ولا تخزنا عندهم بسوء اعمالنا اللهم
اجعل لنا في كل ساعة من ساعاته حظا من عبادك ونصيبا من شكرك وشاهد
صدق من ملائكتك اللهم صل على محمد واله واحفظنا فيه من بين ايدينا و
من خلفنا وعن ايماننا وعن شمائلنا ومن جميع نواحينا حفظا عاصما من معصيتك
هاديا الى طاعتك مستعملا لمحبتك اللهم صل على محمد واله ووفقنا في يومنا
هذا وليلتنا هذه وفي جميع ايامنا ولياليناا لاستعمال الخير وهجران الشر و
شكر النعم واتباع السنن ومجانبة البدع والامر بالمعروف والنهي عن المنكر
وحياطة الاسلام وانتقاص الباطل واذلاله ونصرة الحق واعزازه وارشاد
الضال ومعاونة الضعيف وادراك اللهيف اللهم صل على محمد واله واجعله
ايمن يوم عهدناه وافضل صاحب صحبناه وخير وقت ظللنا فيه واجعلنا من

ارضى

ارضى من مر عليه الليل والنهار من جملة خلقك اشكرهم لما اوليت من
نعمك واقومهم بما شرعت من شرايعك واوقفهم عما حذرته من نهيك
اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد سماءك وارضك ومن
اسكنتهما من ملائكتك وسائر خلقك في يومي هذا وساعتي هذه وليلتي
هذه ومستقري هذا اني اشهد انك انت الله الذي لا اله الا انت قائم بالقسط
عدل في الحكم رؤف بالعباد مالك الملك رحيم بالخلق وان محمدا عبدك
ورسولك وخيرتك من خلقك حملته رسالتك فاداها وامرته بالنصح
لامته فنصح لها اللهم فصل عليه واله اكثر ما صليت على احد من خلقك
واته عنا افضل ما اتيت احدا من عبادك واجزه عنا افضل واكرم ما جزيت
احدا من انبيائك عن امته انك انت المنان بالجسيم الغافر للعظيم وانت ارحم
من كل رحيم وصلى الله على محمد واله الطيبين الطاهرين الاخيار الانجبين
از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه این دعا را هر صباح بخواند الله تعالی چهار
ملك را موکل میسازد که او را از پیش رو و از پس سر و از جانب راست و از
جانب چپ نگاهدارند و در امان خدا است و اگر تمام جن و انس جهد کنند که با
ضرر رسانند نتوانند این روایت را ابن طاوس در مهج خود روایت کرده است و که
در کتاب اقبال از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که در صبا
ترك مكنيد بسم الله وبالله كه الله تعالى بسبب این قول هر بدیکه هست از تو
دفع میکند و بعد از ان این دعا را بخوان بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله خير الاسماء
بسم الله رب الارض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه سم ولا داء بسم الله
اصبحت وعلى الله توكلت بسم الله على قلبي ونفسي بسم الله على ديني وعقلي
بسم الله على اهلي ومالي بسم الله على ما اعطاني ربي بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم الله الله ربي ولا اشرك به شيئا
الله اكبر الله اكبر اعز واجل مما اخاف واحذر عز جارك وجل ثناؤك ولا
اله غيرك اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل سلطان شديد ومن
شر كل شيطان مريد ومن شر كل جبار عنيد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل دابة

این دعا را بعد [illegible] صبح بخوانند

انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم وانت علی کل شیء حفیظ ان ولیی
الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین فان تولوا فقل حسبی الله لا اله
الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم ایندعا را دعای حریق نام کرده اند
بواسطه آنکه روایتی از حضرت صادق مروی شده است که فرمودند پدر خود امام
محمد باقر شنیدم که او فرمود که من با علی بن الحسین بعیادت شخصی از انصار رفته
بودیم که کسی آمد و گفت که بخانه خود دریاب که خانه شما سوخت حضرت فرمود که
نسوخته پس آن مرد رفت و برگشت و گفت که خانه سوخت آنحضرت فرمود که بخدا
قسم که نسوخت پس آن مرد رفت و برگشت و جماعتی از اهل و موالی ما با او بودند و
گریه میکردند و با آنحضرت گفتند که خانه سوخت و آنحضرت فرمود که والله
نسوخت و اعتماد من بخدا زیاده از شماست تمام آن جماعت قسم خوردند که خانه شما
سوخت بعد از آنکه ظاهر شد جمیع آنچه در حوالی آن خانه سوخته بود مگر خانه
آنحضرت پس حضرت باقر فرمود دیگر پرسیدم علی بن الحسین گفتم که این چه بود
حضرت فرمود که چیزیست که از علم پیغمبر بما بمیراث رسیده است و آن دوستتر
است نزد ما از دنیا و آنچه در دنیا است از مال و جواهر و از زر و سلاح و
این چیزیست که جبرئیل آن را به پیغمبر آورده است و آنحضرت آن را بعلی و بدختر خود فاطمه
تعلیم کرده است و بما میراث رسیده است و این دعای کاملی است که کسیکه هر روز
آن را در صبح بخواند الله تعالی موکل میسازد با او هزار ملک که نفس او را و اهل و
اولاد و اموال و حشم و خویشان او را از سوختن و غرق شدن و از دزد و هدم و
ردم و خسف و قذف نگاه دارند و ایمن میسازد الله تعالی او را از شر شیطان
و سلطان و از شر هر صاحب شری و در امان خدای تعالی باشد و هرگاه این دعا را
از روی اخلاص و اعتقاد بخدای تعالی بخواند خدا ثواب صدیقی باو میبخشد و اگر
در آن روز بمیرد داخل بهشت میشود پس حفظ کن این دعا را ای پسر من و یاد مده
آن را مگر بکسیکه اعتقاد بر او داشته باشی زیرا که سؤال نکند باین دعا کسی چیزی را
مگر آنکه خدای تعالی مطلوب او را باو دهد و آن اینست اللهم انی اصبحت
اشهدک وکفی بک شهیدا واشهد ملائکتک وحملة عرشک وسکان سبع

سمواتک وارضیک وانبیائک ورسلک وورثة انبیائک ورسلک و
الصالحین من عبادک وجمیع خلقک فاشهد لی وکفی بک شهیدا انی اشهد
انک انت الله لا اله الا انت المعبود وحدک لا شریک لک وان محمدا
عبدک ورسولک وان کل معبود مما دون عرشک الی قرار ارضک السابعة
السفلی باطل مضمحل ما خلا وجهک الکریم فانه اعز واکرم واجل واعظم
من ان یصف الواصفون کنه جلاله او تهتدی القلوب الی کنه عظمته یا من
فاق مدح المادحین فخر مدحه وعدا وصف الواصفین مآثر حمده وجل عن
مقالة الناطقین تعظیم شانه صل علی محمد وآل محمد وافعل بنا ما انت اهله
یا اهل التقوی واهل المغفرة سه بار بخواند پس باز بگوید لا اله الا
الله وحده لا شریک له سبحان الله وبحمده استغفر الله واتوب الیه ما شاء
الله ولا قوة الا بالله هو الاول والآخر والظاهر والباطن له الملک و
له الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل
شیء قدیر پس باز بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر استغفر الله واتوب الیه ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم الحلیم الکریم الرحمن الرحیم الملک القدوس الحق المبین عدد
خلقه وزنة عرشه وملء سمواته وارضیه وعدد ما جری به قلمه واحصاه
کتابه ومداد کلماته ورضی نفسه پس بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد
الطیبین واهل بیت محمد المبارکین وصل علی جبرئیل ومیکائیل واسرافیل
وحملة عرشک اجمعین والملائکة المقربین اللهم صل علیهم جمیعا حتی
تبلغهم الرضا وتزیدهم بعد الرضا مما انت اهله یا ارحم الراحمین اللهم صل
علی محمد وآل محمد وصل علی ملک الموت واعوانه وصل علی رضوان وخزنة
الجنان وصل علی مالک وخزنة النیران اللهم صل علیهم حتی تبلغهم الرضا
وتزیدهم بعد الرضا مما انت اهله یا ارحم الراحمین اللهم صل علی الکرام
الکاتبین والسفرة الکرام البررة والحفظة لبنی آدم وصل علی ملائکة
الهواء وملائکة السموات العلی وملائکة الارضین السفلی وملائکة اللیل

والنهار والارض والاقطار والبحار والانهار والبراري والفلوات والقفار و
الاشجار وصل على ملائكتك الذين اغنيتهم عن الطعام والشراب بتسبيحك
وتقديسك وعبادتك اللهم صل عليهم حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد
الرضا مما انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد وصل على
ابينا ادم وامنا حواء وما ولدا من النبيين والصديقين والشهداء و
الصالحين اللهم صل عليهم حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما انت اهله
يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد واهل بيته الطيبين وعلى اصحابه المنتجبين
الموفين بعهدهم لوصيه من بعده وعلى ازواجه المطهرات امهات المؤمنين و
على ذرية محمد وعلى كل نبي بشر بمحمد وعلى كل نبي ولد محمدا وعلى كل امراة
صالحة كفلت محمدا وعلى كل ملك هبط الى محمد وعلى كل من في صلواتك
عليه رضى لك ورضى لنبيك محمد صلواتك عليه واله اللهم صل عليهم
حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم
صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد كافضل
ما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم
اعط محمدا الوسيلة والفضل والفضيلة والدرجة الرفيعة واعطه
حتى يرضى وزده بعد الرضا اللهم صل على محمد وال محمد كما امرتنا ان نصلي
عليه اللهم صل على محمد وال محمد كما ينبغي لنا ان نصلي عليه اللهم
صل على محمد وال محمد بعدد من صلى عليه اللهم صل على محمد وال محمد
بعدد من لم يصل عليه اللهم صل على محمد وال محمد بعدد كل حرف في
صلوة صليت عليه اللهم صل على محمد وال محمد بعدد كل شعرة ولفظة
ولحظة ونفس وصفة وسكون وحركة ممن صلى عليه وممن لم يصل عليه و
بعدد ساعاتهم ودقائقهم وسكونهم وحركاتهم وحقائقهم وميقاتهم وصفاتهم
وايامهم وشهورهم وسنينهم واشعارهم وابشارهم وبعدد زنة ذر ما عملوا
او يعملون او بلغهم او رأوا او ظنوا او فطنوا او كان منهم او يكون الى يوم القيمة
وكاضعاف ذلك اضعافا مضاعفة الى يوم القيمة يا ارحم الراحمين اللهم صل

على محمد وال محمد بعدد ما خلقت وما انت خالقه الى يوم القيمة صلوة
ترضيه اللهم صل على محمد وال محمد بعدد ما ذرات وبرات اللهم
لك الحمد والثناء والشكر والمن والفضل والطول والخير والحسنى والنعمة
والعظمة والجبروت والملك والملكوت والقهر والسلطان والفخر والسودد
والامتنان والكرم والجلال والاكرام والخير والتوحيد والتمجيد والتحميد
والتهليل والتكبير والتقديس والرحمة والمغفرة والكبرياء والعظمة و
لك ما زكى وطاب وطهر من الثناء الطيب والمديح الفاخر والقول الحسن
الجميل الذي ترضى به عن قائله وترضى به قائله وهو رضى لك يتصل حمدي
بحمد اول الحامدين وثنائي بثناء اول المثنين على رب العالمين متصلا ذلك
بذلك وتهليلي بتهليل اول المهللين وتكبيري بتكبير اول المكبرين وقولي
الحسن الجميل بقول اول القائلين الجميلين المثنين على رب العالمين متصلا
ذلك بذلك من اول الدهر الى اخره وبعدد زنة ذر السموات والارضين
والرمال والتلال والجبال وعدد جرع ماء البحار وعدد قطر الامطار وورق
الاشجار وعدد النجوم وعدد الثرى والحصى والنوى والمدر وعدد زنة ذلك
كله وعدد زنة ذر السموات والارضين وما فيهن وما بينهن وما تحتهن و
ما بين ذلك وما فوقهن الى يوم القيمة من لدن العرش الى قرار ارضك
السابعة السفلى وبعدد حروف الفاظ اهلهن وعدد ازمانهم ودقائقهم و
شعائرهم وساعاتهم وايامهم وشهورهم وسنينهم وسكونهم وحركاتهم واشعارهم
وابشارهم وانفاسهم وعدد زنة ذر ما عملوا ويعملون او بلغهم او رأوا او
ظنوا او فطنوا او كان منهم او يكون الى يوم القيمة وعدد زنة ذر ذلك واضعاف
ذلك وكاضعاف ذلك اضعافا مضاعفة لا يعلمها ولا يحصيها غيرك يا ذا
الجلال والاكرام واهل ذلك انت ومستحقه ومستوجبه مني ومن جميع
يا بديع السموات والارض اللهم انك لست برب استحدثناك ولا معك اله
فيشركك في ربوبيتك ولا معك له اعانك على خلقنا انت ربنا كما تقول
وفوق ما يقول القائلون اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تعطي

محمدا افضل ما سئلك وافضل ما سئلت له وافضل ما انت مسئول له
الى يوم القيمة اعيذ اهل بيت نبي محمد ديني ونفسي وذريتي ومالي و
ولدي واهلي وقراباتي واهل بيتي وكل ذي رحم دخل لي في الاسلام
او يدخل الى يوم القيمة وحزانتي وخاصتي ومن قلدني دعاء او اسدى
الي يدا او رد عني غيبة او قال في خيرا او اتخذت عنده يدا او برا او
صنيعة وجيراني واخواني واخواتي من المؤمنين والمؤمنات بالله وباسمائه
التامة العامة الشاملة الكاملة الطاهرة الفاضلة المباركة المتعالية
الزاكية الشريفة المنيعة الكريمة العظيمة المخزونة المكنونة التي
لا يجاوزهن بر ولا فاجر وبام الكتاب وخاتمته وما بينهما من سورة شريفة و
اية محكمة وشفاء ورحمة وعوذة وبركة وبالتورية والانجيل والزبور و
الفرقان وصحف ابرهيم وموسى وبكل كتاب انزله الله وبكل حجة اقامها الله
وبكل برهان اظهره الله وبكل نور انارة الله وبكل الاء الله وعظمته
اعيذ واستعيذ من شر كل ذي شر ومن شر ما اخاف واحذر ومن شر ما ربي
منه اكبر ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس و
الشياطين والسلاطين وابليس وجنوده واشياعه واتباعه ومن شر ما في
النور والظلمة ومن شر ما دهم او هجم او الم ومن شر كل غم وهم وافة وندم
ونازلة وسقم ومن شر ما يحدث في الليل والنهار وتأتي به الاقدار ومن
شر ما في النار ومن شر ما في الارضين والاقطار والفلوات والقفار والبحار
والانهار ومن شر الفساق والفجار والكهان والسحار والحساد والذعار و
الاشرار ومن شر ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج
فيها ومن شر كل ذي شر ومن شر كل دابة ربي اخذ بناصيتها ان ربي على صراط
مستقيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم واعوذ بك اللهم من الهم والغم والحزن والعجز والكسل والجبن
والبخل ومن ضلع الدين وغلبة الرجال ومن علم لا ينفع ومن عين لا تدمع و
من قلب لا يخشع [illegible] ومن دعاء لا يسمع ومن نصيحة لا تنجع ومن صحابة لا تردع ومن

اجاع على نكره وتودد على خسر او تواخذ على حنث ومما استعاذ منه محمد و
ملائكتك المقربون والانبياء المرسلون والائمة المطهرون والشهداء
والصالحون وعبادك المتقون واسئلك اللهم ان تصلي على محمد وال
محمد وان تعطيني من الخير ما سئلوا وان تعيذني من شر ما استعاذوا و
اسئلك اللهم من الخير كله عاجله واجله ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ
بك رب من همزات الشياطين واعوذ بك رب ان يحضرون بسم الله على
اهل بيت النبي محمد بسم الله على ديني ونفسي بسم الله على اهلي ومالي بسم الله
على كل شيء اعطاني بسم الله على احبتي وولدي وقراباتي بسم الله على جيراني
واخواني المؤمنين ومن قلدني دعاء واتخذ عندي صنيعة او اسدى الي
يدا من المؤمنين والمؤمنات بسم الله على ما رزقني ربي ويرزقني بسم الله الذي
لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم اللهم صل
على محمد وال محمد وصلني بجميع ما سئلك عبادك المؤمنون ان تصلهم به
من الخير واصرف عني جميع ما سئلك عبادك المؤمنون ان تصرفه عنهم من السوء
والردى وزدني من فضلك ما انت اهله ووليه يا ارحم الراحمين اللهم صل
على محمد واهل بيته الطيبين الطاهرين وعجل اللهم فرجهم وفرجي و
فرج عني وعن كل مهموم ومغموم ومديون من المؤمنين والمؤمنات اللهم
صل على محمد وال محمد وارزقني نصرهم واشهدني ايامهم واجمع بيني وبينهم
في الدنيا والاخرة واجعل منك واقية حتى لا يخلص الي بهم الا بسبيل خير
وعلى من معهم وعلى شيعتهم ومحبيهم وعلى اوليائهم وعلى جميع المؤمنين و
المؤمنات فانك على كل شيء قدير بسم الله وبالله ومن الله والى الله ولا
غالب الا الله ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبي الله توكلت على الله وافوض
امري الى الله والتجئ الى الله وبالله احاول واكاثر وافاخر واعتز واعتصم
عليه توكلت واليه متاب لا اله الا الله هو الحي القيوم عدد الحصى والثرى
والنجوم والملائكة الصفوف لا اله الا الله وحده لا شريك له العلي العظيم
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي

العظيم وصلى الله على محمد وآله الطيبين ذكر الصدوق رحمه الله في كتاب
الغيبة إن الصادق كان يقول في دعاء الصباح اللهم إني أسألك باسمك
الذي تقوم السماء وبه تقوم الأرض وبه تفرق بين الحق والباطل وبه
تجمع بين المتفرق وبه تفرق بين المجتمع وبه أحصيت عدد الرمال وزنة
الجبال وكيل البحار أن تصلي على محمد وآله وأن تجعل لي من أمري فرجا ومخرجا
إنك على كل شيء قدير و بعد از ان دعائی را بخوان که از حضرت امام حسن عسکری
مرویست که در صباح میباید خواند وآن این است یا کبیر كل كبير يا من لا
شريك له ولا وزير يا خالق الشمس والقمر المنير يا عصمة الخائف المستجير يا
مطلق المكبل الأسير يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم الكسير يا راحم
الشيخ الكبير يا نور النور يا مدبر الأمور يا باعث من في القبور يا شافي الصدور
يا جاعل الظل والحرور يا عالما بذات الصدور يا منزل الكتاب والنور والفرقان
والزبور يا من تسبح له الملائكة بالإبكار والظهور يا دائم الثبات يا مخرج النبات
بالغدو والآصال يا محيي الأموات يا منشئ العظام الدارسات يا سامع الصوت
يا سابق الفوت يا كاسي العظام البالية بعد الموت يا من لا يشغله شغل عن
شغل يا من لا يتغير من حال إلى حال يا من لا يحتاج إلى تجشم حركة ولا انتقال يا
من لا يشغله شأن عن شأن يا من لا يرد بألطف الصدقة والدعاء عن أعنان
السماء ما حتم وأبرم من سوء القضاء يا من لا يحيط به موضع ولا مكان يا من يجعل
الشفاء فيما من الأشياء يا من يمسك الرمق من المدنف العميد بما قل من الغذاء
يا من يزيل بأدنى الدواء ما غلظ من الداء يا من إذا وعد وفى وإذا توعد عفا
يا من يملك حوائج السائلين يا من يعلم ما في ضمير الصامتين يا عظيم الخطر يا كريم
الظفر يا من له وجه لا يبلى يا من له ملك لا يفنى يا من له نور لا يطفى يا من
فوق كل شيء أمره يا من في البر والبحر سلطانه يا من في جهنم سخطه يا من في الجنة
رحمته يا من مواعيده صادقة يا من أياديه فاضلة يا من رحمته واسعة يا
غياث المستغيثين يا مجيب دعوة المضطرين يا من هو بالمنظر الأعلى وخلقه
بالمنزل الأدنى يا رب الأرواح الفانية يا رب الأجساد البالية يا أبصر الناظرين

العليل د

يا اسمع

يا أسمع السامعين يا أسرع الحاسبين يا أحكم الحاكمين يا أرحم الراحمين يا
واهب العطايا يا مطلق الأسارى يا رب العزة يا أهل التقوى وأهل
المغفرة يا من لا يدرك أمده يا من لا يحصى عدده يا من لا ينقطع مدده
أشهد والشهادة لي رفعة وعدة وهي مني سمع وطاعة وبها أرجو المفازة
يوم الحسرة والندامة أنك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك
وأن محمدا عبدك ورسولك صلواتك عليه وآله وأنه قد بلغ عنك
وأدى ما كان واجبا عليه لك وأنك تعطي دائما وترزق وتمنع وترفع و
تضع وتغني وتفقر وتخذل وتنصر وتعفو وترحم وتصفح وتجاوز عما تعلم
ولا تجور ولا تظلم وأنك تقبض وتبسط وتمحو وتثبت وتبدئ وتعيد
وتحيي وتميت وأنت حي لا تموت صل على محمد وآله واهدني من عندك
وأفض علي من فضلك وانشر علي من رحمتك وأنزل علي من بركاتك
فطال ما عودتني الحسن الجميل وأعطيتني الكثير الجزيل وسترت على
القبيح اللهم صل على محمد وآله وعجل فرجي وأقلني عثرتي وارحم غربتي
واردني إلى أفضل عادتك عندي واستقبل بي صحة من سقمي وسعة
من عدمي وسلامة شاملة في بدني وبصيرة ونظرة نافذة في ديني و
مهدني وأعني على استغفارك واستقالتك قبل أن يفنى الأجل وينقطع
العمل وأعني على الموت وكربته وعلى القبر ووحشته وعلى الميزان و
خفته وعلى الصراط وزلته وعلى يوم القيمة وروعته وأسألك نجاح
العمل قبل انقطاع الأجل وقوة في سمعي وبصري واستعمالا لصالح ما
علمتني وفهمتني إنك أنت الرب الجليل وأنا العبد الذليل وشتان ما
بيننا يا حنان يا منان يا ذا الجلال والإكرام وصل على من به فهمتنا وهو
أقرب وسائلنا إليك ربنا محمد وآله وعترته الطاهرين از حضرت صادق
مرویست که هر کس که اراده دخول بهشت دارد از هر دری که خواهد و در
صحیفه اعمال او خواهد که لا اله الا الله محمد رسول الله ثبت باشد باید
در عقب هر نماز صبح بگوید الحمد لله الذي أذهب الليل بقدرته وجاء بالنهار

برحمته خلقا جدیدا و نحن فی عافیة منه بمنه وجوده وکرمه مرحبا بالحافظین
بعد از ان توجه کند از جانب راست و بگوید حیاکما الله من کاتبین بعد از ان
بجانب چپ التفات بکند و بگوید اکتبا رحمکما الله بسم الله اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و اشهد
ان الساعة اتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور علی ذلک احیا
و علیه اموت و علیه ابعث ان شاء الله اقرا محمدا منی السلام از حضرت
پیغمبر مرویست که فرمود که کسیکه در عقب نماز صبح هر روز این دعا را بخواند
از خدا یتعالی هیچ چیز طلب نکند مگر آنکه سؤال او از خدا یتعالی بر آورده شود
و مهمات او را کفایت کند و این روایت در عدة الداعی مذکور است پس بگو بسم الله
و صلی الله علی محمد و آله و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقیه
الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا
له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا
بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله ما شاء
الله لا ما شاء الناس ما شاء الله و ان کره الناس حسبی الرب من المربوبین
حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین حسبی الله رب العالمین
حسبی من هو حسبی حسبی من لم یزل حسبی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
و هو رب العرش العظیم مرویست از سلمان فارسی که فرمود که کسیکه در صبح
سه مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین حمدا کثیرا طیبا
مبارکا فیه ا الله تعالی از او دفع میکند هفتاد نوع بلا را که کمتر آن اندوه باشد
و این روایت را شیخ عالم سعد بن نصر در امالی خود ذکر کرده است پس سه بار
بگو بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه پس نه مرتبه بگو
و بروایتی چهل بار بگو بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین تبارک الله
احسن الخالقین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس بخوان سه آیه از
اول سورهٔ انعام که شیخ بن فهد در کتاب عدة الداعی روایت کرده است که
کسیکه این آیات را بخواند بر آورده میشود حاجات او و در کتاب افراد و غرایب

الحمد لله رب العالمین ...

دادقطنی از ابن عباس روایت کرده است که کسیکه سه آیه از اول انعام تا
یکسبون بخواند بعد از نماز فجر چهل ملک با او نازل میشوند و نوشته میشود
از برای او مثل عبادت ایشان و در کتاب وسیط از پیغمبر مرویست که کسیکه
این سه آیه را در وقت صبح بخواند الله تعالی موکل میسازد با و هفتاد هزار
ملک که او را نگاه میدارند و مینویسند او مثل اعمال ایشان را تا روز قیامت
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و
النور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم من طین ثم قضی اجلا
و اجل مسمی عنده ثم انتم تمترون و هو الله فی السموات و فی الارض یعلم
سرکم و جهرکم و یعلم ما تکسبون و سه نوبت سبحان الله الملک القدوس
و بعد از ان بگو اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک و تحویل عافیتک و من
فجائة نقمتک و من درک الشقاء و من شر ما سبق فی الکتاب اللهم انی اسئلک
بعزة ملکک و شدة قوتک و بعظم سلطانک و بقدرتک علی خلقک ان
تصلی علی محمد و آله پس سؤال کن حاجت خود را پس بگو یا الله المانع قدرتنا الخ
و این دعا در آخر فصل هشتم گذشت پس دو سجده شکر کند و بگوید در این سجدها
آنچه را که میخواهد از خدا از دعاهائیکه در فصل ششم گذشت فصل پانزدهم
در دعاهائیکه هر روز خوانده میشود سنتست که هر روز بگوید توکلت علی
الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و بعد از ان هفت بار بگوید حسبی
الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و هفت مرتبه بگوید فالله
خیر حافظا و هو ارحم الراحمین ان ولی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولی
الصالحین فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو تا آخر آیه و بعد از ان بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا فردا صمدا لم
یتخذ صاحبة و لا ولدا پس صلوات بر محمد و آل او بفرستد و بعد از آن بیست و
پنج بار بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء
منهم و الاموات و هفت بار بگوید الحمد لله علی کل نعمة کانت او هی کائنة

این دعا را هر وقت صبح سه نوبت بخواند

دعای هر روز

ویانزده بار بگوید لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله ایماناً وتصدیقاً لا
اله الا الله عبودیةً ورقاً وچهار بار بگوید الحمد لله کما هو اهله وصد بار
تسبیحات اربع بخواند وده بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وصد بار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله وده بار بگوید لا حول
ولا قوة الا بالله لا ملجأ منه الا الیه وصد بار بگوید لا اله الا الله الملک
الحق المبین وده بار بگوید لا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا
بالله از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه هر روز ده بار بگوید اعددت لکل هول
لا اله الا الله تا آخر الله تعالی چهل هزار گناه کبیره او را بیامرزد و شر از
او کفایت میکند و فشار قبر را از او برطرف میکند و شر نشور و حساب و صراط و
میزان و اهوال قیامت را تمام از او کفایت میکند و این اهوال قیامت صد هزار
هولست که آسانتر آنها مرگست والله تعالی نگاه میدارد او را از شر شیطان
و لشکر او و قضا میکند دین او را و بر طرف میکند ندم و غم او را و فرح میدهد
اندوه او را وده بار بگوید اعددت لکل هول لا اله الا الله و لکل هم و غم
ما شاء الله و لکل نعمة الحمد لله و لکل رخاء الشکر لله و لکل اعجوبة سبحان
الله و لکل ذنب استغفر الله و لکل مصیبة انا لله وانا الیه راجعون و لکل
ضیق حسبی الله و لکل قضاء وقدر توکلت علی الله و لکل عدو اعتصمت بالله
و لکل طاعة و معصیة لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از پیغمبر مرویست که
کسیکه این عمل را بجا آورد خدا یتعالی گناهان او را بیامرزد اگرچه برابر کف دریا
باشد و بعد از آن هر روز یکبار بگوید سبحان الدائم القائم سبحان الله الواحد
الاحد سبحان الفرد الصمد سبحان الحی القیوم سبحان الله وبحمده سبحان
الحی الذی لا یموت سبحان الملک القدوس سبحان رب الملائکة والروح سبحان
العلی الاعلی سبحانه وتعالی و بعد از آن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و بعد از آن
بگوید سبحانک اللهم وحنانیک سبحانک اللهم وتعالیت سبحانک اللهم
والعظمة ردائک سبحانک اللهم والعز ازارک سبحانک اللهم والکبریاء سلطانک
سبحانک من عظیم ما اعظمک سبحانک سبحت فی الملأ الاعلی سبحانک تسمع و

سبحان القائم الدائم

تری ما تحت الثری سبحانک انت شاهد کل نجوی سبحانک موضع کل شکوی
سبحانک حاضر کل ملأ سبحانک عظیم الرجاء سبحانک تری ما فی الهواء سبحانک
تعلم انفاس الحیتان فی قعر البحار سبحانک تعلم وزن السموات سبحانک تعلم
وزن الارضین سبحانک تعلم وزن الشمس والقمر سبحانک تعلم وزن
الظلمة والنور سبحانک تعلم وزن الفیء والهواء سبحانک تعلم وزن الریح
کم هی من مثقال ذرة سبحانک سبوح قدوس سبحانک عجباً لمن عرفک کیف
لا یخافک سبحانک اللهم وبحمدک سبحان الله العظیم این دعای یوشع بن نون است
و ثواب آن در فصل سوم که ادعیه انبیا و ائمه در آن مذکور میشود مذکور خواهد
شد پس بگوید سبحان الله کما ینبغی لله والحمد لله کما ینبغی لله ولا اله الا الله
کما ینبغی لله والله اکبر کما ینبغی لله ولا حول ولا قوة الا بالله وصلی الله
علی محمد واهل بیته وعلی جمیع المرسلین حتی یرضی الله پس پنج بار بگوید استغفر
الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه از حضرت امام محمد باقر مرویست
که کسیکه هر روز بگوید بسم الله تا آخر الله تعالی مهمات او را از دنیا و آخرت
کفایت میکند و ذکر این دعا خواهد آمد ان شاء الله در فصلی که تعلق بسفر دارد
واما ذکر استغفار و ثواب آن در فصل استغفار مذکور شد پس بگو بسم الله
حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی اسئلک خیر اموری کلها واعوذ بک
من خزی الدنیا وعذاب الآخرة **فصل شانزدهم** در بیان دعاهائیکه در صبح
و شام باید خواند از حضرت امام جعفر صادق مرویست که چون صبح شود بگو
استودع الله العلی الاعلی تا آخر و این دعا در فصل پنجم گذشت و نیز بگو حسبی
الله لا اله الا هو تا آخر و آن نیز در فصل پنجم گذشت و نیز بگو سبحان الله حین
تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیاً وحین تظهرون
یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلک
تخرجون و بگو لا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الحی الذی لا یموت و
الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من
الذل وکبره تکبیراً پس بگو در وقت صبح سه بار و در وقت شام سه بار از

دعای صبح و شام

حضرت علی مرویست که فرمود که شنیدم از پیغمبر که فرمود که کسیکه خواهد
که الله تعالی زیاده کند عمر او را و یاری دهد او را بر دشمنان و نگاه دارد او را
از مردن بد باید که مداومت کند بر این دعا باین طریق که صبح و شام سه بار
بخواند چنانکه ابن باقی در کتاب اختیار خود روایت کرده است سبحان الله ملأ
المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش وسعة الکرسی پس بگو
والحمد لله ملأ المیزان تا آخر و بگو لا اله الا الله الا الله والله اکبر و بگو
صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین پس بگو اللهم احرسنا بعینک التی
لا تنام واکنفنا برکنک الذی لا یرام وارحمنا بقدرتک علینا ولا تهلکنا وانت
رجاؤنا پس بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی
هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد لله الذی خلق النور و
انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی
هو بالعز مذکور وبالفخر مشهور وعلی السراء والضراء مشکور وصلی الله علی
سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین پس بگو اللهم فاطر السموات والارض تا آخر
و آن در فصل اول مذکور شد پس بگو امنت بربی و هو الله الذی لا اله الا
هو اله کل شیء ومنتهی کل علم ورب کل حبر واشهد الله علی نفسی بالعبودیة
والذل والصغار واعترف بحسن صنایع الله الی وابوء علی نفسی بقلة الشکر
واسئل الله فی یومی هذا وفی لیلتی هذه بحق ما اراه له حقا علی ما یراه منی
له رضا وایمانا واخلاصا ورزقا واسعا ویقینا خالصا بلا شک ولا ارتیاب
حسبی الهی من کل من هو دونه والله وکیلی من کل من سواه امنت بسر علم
الله کله وعلانیته واعوذ بما فی علم الله من کل سوء ومن کل شر سبحان الله
العالم بما خلق اللطیف فیه المحصول له القادر علیه ما شاء الله کان لا حول و
لا قوة الا بالله استغفر الله والیه المصیر شیخ طوسی ره در کتاب متهجد خود گفته
که شکر نعمت الله تعالی هر صباح و شام بگو اللهم انه لم یمس تا آخر و من میگویم که
این دعا نیز از جمله ادعیه مذکوره است والله تعالی فرمود که یا محمد بگو آنکسانی را
که اراده تقرب بسوی ما دارند که بدانند بعلم یقین که فاضل ترین آنچیز بکه بسبب

او بمن تقرب میجویند این دعا است و هرگاه که بخوانند این دعا را بخوانند اهل سماها او را
دوست دارند و او را شکور نام میکنند پس بگو اللهم انه لم یمس احد من
خلقک انت الیه احسن صنیعا ولا له ادوم کرامة ولا علیه ابین فضلا
ولا به اشد رفقا ولا علیه اشد حیاطة ولا علیه اشد تعطفا منک
علی وان کان جمیع المخلوقین یعدد دون ذلک مثل تعدیدی فاشهد
یا کافی الشهادة بانی اشهد لک بنیة صدق بان لک الفضل والطول فی
انعامک علی مع قلة شکری لک فیها یا فاعل کل ارادته صل علی محمد وآله
وطوقنی من حلول السخط لقلة الشکر واوجب لی زیادة من اتمام النعمة بسعة
المغفرة وانظرنی خیرک وصل علی محمد وآله ولا تقایسنی بسوء سریرتی وامتحن قلبی
لرضاک واجعل ما تقربت به الیک فی دینک لک خالصا ولا تجعله للزوم شهوة
او فخر او ریاء او کبر یا کریم و نیز در صبح و شام سه بار بگو بسم الله ما شاء الله لا
قوة الا بالله ما شاء الله کل نعمة من الله ما شاء الله الخیر کله بید الله
عز وجل ما شاء الله لا یصرف السوء الا الله و نیز در وقت صبح و شام ده بار بگو
لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله استغفر الله لا حول ولا قوة الا بالله
هو الاول والآخر والظاهر والباطن له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و
یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر پس سه بار
در صبح و شام بگو امسیت اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی لا یطاول ولا
یحاول من شر کل غاشم وطارق من سائر من خلقت وما خلقت من خلقک
الصامت والناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بیت
نبیک محمد علیهم السلام محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین
الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم موقنا ان الحق لهم ومعهم
وفیهم وبهم اوالی من والوا واجانب من جانبوا فصل علی محمد وآله واعذنی اللهم
بهم من شر کل ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنی ببدیع السموات والارض انا
جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و
نیز در صبح و شام دعاء عشرات بخوان و فاضل ترین وقتها از برای خواندن آن بعد از عصر

دعای عشرات

روز جمعه است و این دعا از حضرت مولای ما امام حسین مرویست و آن این است
بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان الله آناء اللیل واطراف النهار
سبحان الله بالغدو والاصال سبحان الله بالعشی والابکار سبحان الله حین
تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون
یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ویحی الارض بعد موتها وکذلک
تخرجون سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب
العالمین سبحان ذی الملک والملکوت سبحان ذی العزة والجبروت سبحان
ذی الکبریاء والعظمة الملک الحق المبین المهیمن القدوس سبحان الله
الملک الحی الذی لا یموت سبحان الملک القدوس سبحان القائم الدائم سبحان
الدائم القائم سبحان ربی العظیم سبحان ربی الاعلی سبحان الحی القیوم سبحان
العلی الاعلی سبحانه وتعالی سبوح قدوس ربنا ورب الملائکة والروح سبحان
الدائم غیر الغافل سبحان العالم بغیر تعلیم سبحان خالق ما یری وما لا یری
سبحان الذی یدرک الابصار ولا تدرکه الابصار وهو اللطیف الخبیر اللهم
انی اصبحت منک فی نعمة وخیر وبرکة وعافیة فصل علی محمد واله واتمم
علی نعمتک وخیرک وبرکاتک وعافیتک بنجاة من النار وارزقنی شکرک و
عافیتک وفضلک وکراماتک ابدا ما ابقیتنی اللهم بنورک اهتدیت و
بفضلک استغنیت وبنعمتک اصبحت وامسیت اللهم انی اشهدک و
کفی بک شهیدا واشهد ملائکتک وانبیائک ورسلک وحملة عرشک و
سکان سمواتک وارضک وجمیع خلقک بانک انت الله لا اله الا انت
وحدک لا شریک لک وان محمدا صلواتک علیه واله عبدک ورسولک
وانک علی کل شیء قدیر تحیی وتمیت وتمیت وتحیی واشهد ان الجنة حق
وان النار حق والنشور حق والساعة اتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من
فی القبور واشهد ان علی ابن ابی طالب امیر المؤمنین حقا حقا وان الائمة
الهداة المهدیون غیر الضالین ولا المضلین وانهم اولیاؤک المصطفون

وحزبک

وحزبک الغالبون وصفوتک وخیرتک من خلقک ونجباؤک الذین
انتجبتهم لدینک واختصصتهم من خلقک واصطفیتهم علی عبادک و
جعلتهم حجة علی العالمین صلواتک علیهم ورحمة الله وبرکاته اللهم اکتب
لی هذه الشهادة عندک حتی تلقنیها وانت راض انک علی ما تشاء قدیر
اللهم لک الحمد حمدا یصعد اوله ولا ینفد اخره اللهم لک الحمد حمدا
تضع لک السماء کنفیها وتسبح لک الارض ومن علیها اللهم لک الحمد حمدا
سرمدا ابدا لا انقطاع له ولا نفاد ولک ینبغی والیک ینتهی فی وعلی
ولدی ومعی وقبلی وبعدی وامامی وفوقی وتحتی واذا مت وبقیت فردا
وحیدا ثم فنیت ولک الحمد اذا نشرت واذا بعثت یا مولای اللهم لک
الحمد والشکر بجمیع محامدک کلها علی جمیع نعمائک کلها حتی ینتهی الحمد الی
ما تحب ربنا وترضی اللهم لک الحمد علی کل اکلة وشربة وبطشة و
قبضة وبسطة وفی کل موضع شعرة اللهم لک الحمد حمدا خالدا مع خلودک
ولک الحمد حمدا لا منتهی له دون علمک ولک الحمد حمدا لا امد له دون مشیتک
ولک الحمد حمدا لا اجر لقائله الا رضاک ولک الحمد علی حلمک بعد علمک
ولک الحمد علی عفوک بعد قدرتک ولک الحمد باعث الحمد ولک الحمد
وارث الحمد ولک الحمد بدیع الحمد ولک الحمد منتهی الحمد ولک الحمد مبتدع
الحمد ولک الحمد مشتری الحمد ولک الحمد ولی الحمد ولک الحمد مالک
الحمد ولک الحمد قدیم الحمد ولک الحمد صادق الوعد وفی العهد عزیز
الجند قائم المجد ولک الحمد رفیع الدرجات مجیب الدعوات منزل الایات
من فوق سبع سموات عظیم البرکات مخرج النور من الظلمات ومخرج من فی
الظلمات الی النور ومبدل السیئات حسنات وجاعل الحسنات درجات
اللهم لک الحمد غافر الذنب وقابل التوب شدید العقاب ذا الطول لا اله
الا انت الیک المصیر اللهم لک الحمد فی اللیل اذا یغشی ولک الحمد فی
النهار اذا تجلی ولک الحمد فی الاخرة والاولی ولک الحمد عدد کل نجم وملک
فی السماء ولک الحمد عدد الثری والحصی والنوی ولک الحمد عدد ما فی

جوف الارض و لك الحمد عدد اوزان مياه البحار و لك الحمد عدد اوراق الاشجار
و لك الحمد عدد ما على وجه الارض و لك الحمد عدد ما احصى كتابك و
لك الحمد عدد ما احاط به علمك و لك الحمد عدد الجن و الانس و الهوام
و الطير و البهائم و السباع حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه كما تحب ربنا و
ترضى و كما ينبغي لكرم وجهك و عز جلالك پس ده بار بگو لا اله الا الله وحده
لا شريك له له الملك و له الحمد و هو اللطيف الخبير پس ده بار بگو لا اله
الا الله وحده لا شريك له له الملك و له الحمد يحيي و يميت و يميت و يحيي
و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير پس ده بار بگو استغفر الله الذي
لا اله الا هو الحي القيوم و اتوب اليه ده بار يا الله ده بار يا رحمن ده بار
يا رحيم ده بار يا بديع السموات و الارض ده بار يا ذا الجلال و الاكرام ده بار
يا حنان ده بار يا منان ده بار يا حي يا قيوم ده بار يا حي لا اله الا انت ده بار
يا الله لا اله الا انت ده بار بسم الله الرحمن الرحيم ده بار اللهم صل على محمد و
آل محمد ده بار اللهم اجعل لي ما انت اهله ده بار آمين و ده بار سوره توحيد بخوان
پس بگو اللهم اصنع بي ما انت اهله و لا تصنع بي ما انا اهله فانك اهل التقوى
و اهل المغفرة و انا اهل الذنوب و الخطايا فارحمني يا مولاي و انت ارحم
الراحمين پس ده بار بگو لا حول و لا قوة الا بالله توكلت على الحي الذي لا يموت
و الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا و لم يكن له شريك في الملك و لم يكن له ولي
من الذل و كبره تكبيرا و بعد از دعای عشرات در صبح و شام این دعا را بخوان
الهی امسی خوفی مستجيرا بامانك فصل على محمد و آله و آمني فانك لا تخذل
من آمنته الهی امسی جهلی مستجيرا بحلمك فصل على محمد و آله و عد على بحلمك
و فضلك الهی امسی فقری مستجيرا بغناك فصل على محمد و آله و ارزقني من
فضلك الواسع المهنأ المريح الهی امسی ذنبی مستجيرا بمغفرتك فصل على محمد
و آله و اغفر لي مغفرة عزما جزما لا تغادر لي ذنبا و لا ارتكب بعدها محرما
الهی امسی ذلی مستجيرا بعزك فصل على محمد و آله و اعزني عزا لا ذل بعده ابدا
الهی امسی ضعفی مستجيرا بقوتك فصل على محمد و آله و قو في رضاك ضعفي الهی

امسى

امسى وجهي البالي الفاني مستجيرا بوجهك الدائم الباقي الذي لا يبلى و لا يفنى
صل على محمد و آله و اجرني من عذاب النار و من شر الدنيا و الآخرة اللهم
صل على محمد و آله و افتح لي باب الامر الذي فيه اليسر و العافية و النجاح
و الرزق الكثير الطيب الحلال الواسع اللهم بصرني سبيله و هيئ لي مخرجه و من
قدرت له من خلقك على مقدرة بسوء فصل على محمد و آله و خذه عني من
بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و من فوقه و من تحته و الجم
لسانه و قصر يده و احرج صدره و امنعه من ان يصل الي او الى احد من
اهلي و من يعنيني امره او شيء مما خولتني و رزقتني و انعمت به علي من قليل
او كثير بسوء يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا من يحول بين المرء و
قلبه يا من هو بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله شيء و هو السميع البصير يا لا
اله الا انت بحق لا اله الا انت ارض عني يا لا اله الا انت بحق لا اله
الا انت ارحمني يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت تب علي يا لا اله الا
انت بحق لا اله الا انت ارزقني يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت
اعتقني من النار يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت تفضل علي بقضاء
جميع حوائجي في دنياي و آخرتي انك على كل شيء قدير فصل هفدهم در بيان
ادعيه شبها و روزها و عوذها و تسبيحهای آنها و ادعيه ساعات بدانكه
ما بين جمعه و در شب جمعه اين دعا را بخوان اين دعا بسيار رفيع الشان و عظيم
المنزلة است و از ادعيه سر بگويند و اين دعا از حضرت امير المؤمنين مرويست و
شيخ طوسي ره در كتاب متهجد ذكر كرده است او را و گفته است كه اين دعا از جمله
ادعيه شب جمعه است و همچنين علي بن باقي در كتاب اختيار ذكر كرده است كه
اللهم انت الاول فلا شيء قبلك و انت الآخر الذي لا يهلك و انت الحي
الذي لا يموت و الخالق الذي لا يعجز و انت البصير الذي لا يرتاب و انت الصادق
الذي لا يكذب و انت القاهر الذي لا يغلب البدئ الذي لا ينفد القريب
الذي لا يبعد القادر الذي لا يضام الغافر الذي لا يظلم الصمد الذي لا يطعم القيوم
لا ينام المجيب لا يسأم الجبار لا يرام العالم لا يعلم القوي لا يضعف العظيم

دعاهای شب جمعه

الذي

لا يوصف الوفي لا يخلف العدل لا يحيف الغني لا يفتقر الكبير لا يصغر المنيع
لا يقهر المعروف لا ينكر الغالب لا يغلب الوتر لا يستانس الفرد لا يستشير
الوهاب لا يمل الجواد لا يبخل العزيز لا يذل الحافظ لا يغفل القائم لا ينام
المحتجب لا يرى الدائم لا يفنى الباقي لا يبلى المقتدر لا ينازع الواحد لا يشبه
لا اله الا انت الحق الذي لا تغيرك الازمنة ولا تحيط بك الامكنة ولا
تاخذك نوم ولا سنة ولا يشبهك شيء وكيف لا تكون كذلك وانت خالق
كل شيء لا اله الا انت كل شيء هالك الا وجهك الكريم اكرم الوجوه امان
الخائفين وجار المستجيرين اسئلك ولا اسئل غيرك وارغب اليك ولا
ارغب الى غيرك اسئلك بافضل المسائل كلها وانجحها التي لا ينبغي للعباد
ان يسئلوك الا بها انت الفتاح النفاح ذو الخيرات مقيل العثرات كاتب
الحسنات ماحي السيئات رافع الدرجات اسئلك يا الله يا رحمن باسمائك
الحسنى كلها وكلماتك العليا ونعمك التي لا تحصى واسئلك باكرم اسمائك
عليك واحبها اليك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة واسرعها
منك اجابة وباسمك المكنون المخزون الجليل الاجل العظيم الذي تحبه وترضى
عمن دعاك به وتستجيب له دعائه وحق عليك ان لا تحرم به سائلك
وبكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم وبكل
اسم هو لك علمته احدا من خلقك او لم تعلمه احدا او استاثرت به في علم
الغيب عندك وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك واصفياؤك
من خلقك وبحق السائلين لك والراغبين اليك والمتعوذين بك و
المتضرعين اليك ادعوك يا الله دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه
واشرف على الهلكة وضعفت قوته ومن لا يثق بشيء من عمله ولا يجد لفاقته
سادا غيرك ولا لذنبه غافرا غيرك فقد هربت منها اليك غير مستنكف
ولا مستكبر عن عبادتك يا انس كل مستجير يا سند كل فقير اسئلك بانك
انت الله الحنان المنان لا اله الا انت بديع السموات والارض ذو الجلال
والاكرام عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم انت الرب وانا العبد وانت

المالك وانا المملوك وانت العزيز وانا الذليل وانت الغني وانا الفقير و
انت الحي وانا الميت وانت الباقي وانا الفاني وانت المحسن وانا المسيء
وانت الغفور وانا المذنب وانت الرحيم وانا الخاطي وانت الرازق وانا
المرزوق وانت الخالق وانا المخلوق وانت القوي وانا الضعيف وانت
المعطي وانا السائل وانت احق من شكوت اليه واستعنت به ورجوته الهي
كم من مذنب قد غفرت له وكم من مسيء قد تجاوزت عنه صل على محمد و
اله واغفر لي وارحمني واعف عني وعافني وافتح لي من فضلك سبوح ذكرك
قدوس امرك نافذ قضاؤك يسر لي من امري ما اخاف عسره وفرج عني و
عن والدي وعن كل مؤمن ومؤمنة ما اخاف كربه واكفني ما اخاف ضروره
وادرا عني ما اخاف حزونته وسهل لي ولكل مؤمن ومؤمنة ما ارجو واؤمله
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين وسنت است كه در شب جمعه
سوره اسرى وكهف وسه سوره طس وسوره الم سجده ولقمان وص وحم سجده ودخان
وسوره واقعه را بخواند وثواب آنها را در فصلی كه مخصوص است بثواب سور
قرآنيه ذكر خواهيم كرد ان شاء الله ونيز سنتست كه در شب جمعه اين دعا بخواند
اللهم اني اسئلك رحمة من عندك تهدي بها قلبي وتجمع بها امري وتلم
بها شعثي وتحفظ بها غائبي وتصلح بها شاهدي وتزكي بها عملي وتلهمني بها رشدي و
تعصمني بها من كل سوء اللهم اعطني ايمانا صادقا ويقينا خالصا ورحمة انال بها
شرف كرامتك في الدنيا والاخرة اللهم اني اسئلك الفوز في القضاء ومنازل
العلماء وعيش السعداء والنصر على الاعداء اللهم اني انزلت بك حاجتي و
ان ضعف عملي فقد افتقرت الى رحمتك فاسئلك يا قاضي الامور ويا شافي
الصدور كما تجير بين البحور ان تجيرني من عذاب السعير ومن دعوة الثبور و
من فتنة القبور اللهم وما قصرت عنه مسئلتي ولم تبلغه نيتي ولم تحط
به مسئلتي من خير وعدته احدا من خلقك فاني ارغب اليك فيه اللهم يا ذا
الحبل الشديد والامر الرشيد اسئلك الامن يوم الوعيد والجنة يوم
الخلود مع المقربين الشهود والركع السجود الموفين بالعهود انك رحيم ودود

در شب جمعه اینها بخواند

وانك تفعل ما تريد اللهم اجعلنا هادين مهديين غير ضالين ولا مضلين
سلما لاوليائك وحربا لاعدائك نحب بحبك الناس ونعادي بعداوتك
من خالفك اللهم هذا الدعاء وعليك الاجابة وهذا الجهد وعليك
التكلان اللهم اجعل لي نورا في قلبي ونورا في قبري ونورا بين يدي ونورا
تحتي ونورا فوقي ونورا في سمعي ونورا في بصري ونورا في شعري ونورا في
بشري ونورا في لحمي ونورا في دمي ونورا في عظامي اللهم اعظم لي النور
سبحان الذي ارتدى بالعز وبان به سبحان الذي لبس المجد وتكرم به سبحان
ذي الجلال والاكرام و نیز سنتست که در شب جمعه و روز جمعه و شب عرفه
این دعا را بخوانند اللهم من تعبا وتهيا واعد واستعد لوفادة الى مخلوق
رجاء رفده وطلب نائله وجائزته فاليك يا رب تعبيتي واستعدادي
رجاء عفوك وطلب نائلك وجائزتك فلا تخيب دعائي يا من لا يخيب عليه
السائل ولا ينقصه نائل فاني لم اتك ثقة بعمل صالح عملته ولا لوفادة
مخلوق رجوته اتيتك مقرا على نفسي بالاساءة والظلم معترفا بان لا حجة
ولا عذر اتيتك ارجو عظيم عفوك الذي علوت به على الخاطئين فلم يمنعك
طول عكوفهم على عظيم الجرم ان عدت عليهم بالرحمة فيا من رحمته واسعة
وعفوه عظيم يا عظيم ۳ بار لا يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من سخطك الا التضرع
اليك فهب لي يا الهي فرجا بالقدرة التي تحيي بها ميت البلاد ولا تهلكني غما
حتى تستجيب لي وتعرفني الاجابة في دعائي واذقني طعم العافية الى منتهى اجلي و
لا تشمت بي عدوي ولا تسلطه علي ولا تمكنه من عنقي اللهم ان وضعتني فمن
ذا الذي يرفعني وان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان اهلكتني فمن ذا الذي
يعرض لك في عبدك او يسئلك عن امره وقد علمت انه ليس في حكمك ظلم و
لا في نقمتك عجلة وانما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم
الضعيف وقد تعاليت يا الهي عن ذلك علوا كبيرا اللهم اني استعيذ بك
فاعذني واستجير بك فاجرني واسترزقك فارزقني واتوكل عليك فاكفني
واستنصرك على عدوي فانصرني واستعين بك فاعني واستغفرك يا الهي فاغفر

عفوك

امین

امين امين امين و نیز سنتست که در شب جمعه و روز جمعه هفت مرتبه بگوید که
اللهم انت ربي لا اله الا انت خلقتني وانا عبدك وابن امتك في
قبضتك وناصيتي بيدك امسيت على عهدك ووعدك ما استطعت
اعوذ برضاك من شر ما صنعت ابوء بعملي وابوء بذنوبي فاغفر لي ذنوبي
انه لا يغفر الذنوب الا انت و نیز در سحر شب جمعه سنتست خواندن دعای
فرج و آن اینست الهي تقوح الامال وقد خابت الا لديك تا آخر و این دعا در
فصل دوازدهم در نماز وتر گذشت و روز جمعه سنتست خواندن دعای حضرت
امام زین العابدین و آن اینست بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الاول قبل الانشاء
والاحياء والاخر بعد فناء الاشياء العليم الذي لا ينسى من ذكره ولا
ينقص من شكره ولا يخيب من دعاه ولا يقطع رجاء من رجاه اللهم اني
اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد جميع ملائكتك ورسلك وسكان
سمواتك وحملة عرشك ومن بعثت من انبيائك ورسلك وانشات
من اصناف خلقك اني اشهد انك انت الله وحدك لا شريك لك ولا
عديل لك ولا خلف لقولك ولا تبديل وان محمدا صلواتك عليه واله
عبدك ورسولك ادى ما حملته الى العباد وجاهد في الله عز وجل حق
الجهاد وانه بشر بما هو حق من الثواب وانذر بما هو صدق من العقاب
اللهم ثبتني على دينك ما احييتني ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي
من لدنك رحمة انك انت الوهاب صل على محمد وال محمد واجعلني من
اتباعه وشيعته واحشرني في زمرته ووفقني لاداء فرض الجمعات وما
اوجبت علي فيها من الطاعات وقسمت لاهلها من العطاء في يوم الجزاء
انك انت العزيز الحكيم دعای دیگر که در روز جمعه از حضرت کاظم مرویست
که باید خواند اینست مرحبا بخلق الله الجديد وبكما من كاتبين وشاهدين
اكتبا بسم الله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله وان الاسلام كما وصف والدين كما شرع و
ان الكتاب كما انزل والقول كما حدث وان الله هو الحق المبين وصلوات

دعاهای روز جمعه

لا اله الا انت

اللهِ وبركاتُه وشرائفُ تحيّاتِه وسلامُه على محمّدٍ وآله أصبحتُ في أمانِ
اللهِ الذي لا يُستباح وفي ذمّة الله التي لا تُخفَر وفي جوار الله الذي لا
يُضام وكنفه الذي لا يُرام وجارُ الله آمنٌ محفوظٌ ما شاء الله كلُّ نعمةٍ
فمن الله ما شاء الله لا يأتي بالخير إلّا الله ما شاء الله نِعمَ القادرُ الله ما
شاء الله توكّلتُ على الله أشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شريك له له
الملك وله الحمد يُحيي ويُميت وهو حيٌّ لا يموت بيده الخير وهو على كلّ شيءٍ
قدير اللهمّ اغفر لي كلّ ذنبٍ يحبس رزقي ويحجب مسألتي أو يقصر بي عن بلوغ
مسألتي أو يصدّ بوجهك الكريم عنّي اللهمّ اغفر لي وارزقني وارحمني واجبرني
واعفُ عنّي وارفعني واهدني وانصرني وألقِ في قلبي الصبر والنصر يا مالكَ
الملك فإنّه لا يملك ذلك غيرك اللهمّ وما كتبتَ عليّ من خيرٍ فوفّقني فيه
واهدني له ومُنَّ عليّ به كلّه وأعنّي وثبّتني عليه واجعله أحبّ إليّ من
غيره وآثرَ عندي ممّا سواه وزدني من فضلك اللهمّ إنّي أسألك رضوانك و
الجنّة وأعوذ بك من سخطك والنار وأسألك النصيب الأوفر في جنّات
النعيم اللهمّ طهّر لساني من الكذب وقلبي من النفاق وعملي من الرياء و
بصري من الخيانة فإنّك تعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور اللهمّ إن
كنتُ محرومًا مقترًا عليّ رزقي فامحُ حرماني وتقتير رزقي واكتبني عندك
مرزوقًا موفّقًا للخيرات فإنّك قلت تباركتَ وتعاليتَ يمحو الله ما يشاء
ويثبت وعنده أمّ الكتاب اللهمّ صلّ على محمّدٍ وآله إنّك حميدٌ مجيد تسبيح
روز جمعه اينست كه بعد از بسم الله الرحمن الرحيم بگويى سبحان من لبس العزّ
وفاز به سبحان من تعطّف بالمجد وتكرّم به سبحان من لا ينبغي التسبيح إلّا
له سبحان من أحصى كلّ شيءٍ بعلمه سبحان ذي الطول والفضل سبحان ذي المنّ
والنعم سبحان ذي القدرة والكرم اللهمّ إنّي أسألك بمعاقد العزّ من عرشك
ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الأعظم وذكرك الأعلى وبكلماتك التامّة
وتمّت كلماتك صدقًا وعدلًا لا مبدّل لكلماتك إنّك أنت العزيز الكريم يا
ذا الجلال والإكرام أسألك بما لا يعدله شيء من مسائلك أن تصلّي على محمّدٍ و

آل محمد

آل محمّد وتجعل لي من أمري فرجًا ومخرجًا وأن توسّع عليّ رزقي في يسرٍ منك
وعافيةٍ سبحان الحيّ الحليم سبحان الحليم الكريم سبحان الباعث الوارث
سبحان العليّ العظيم سبحانه وبحمده اللهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ كما
صلّيتَ وباركتَ على إبراهيم وآل إبراهيم إنّك حميدٌ مجيدٌ وعوذه جمعه
اينست بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم اللهمّ
ربّ الملائكة والروح والنبيّين والمرسلين وقاهر من في السماوات و
الأرضين وخالق كلّ شيءٍ ومالكه كُفّ عنّا بأس أعدائنا ومن أراد بنا سوءً
من الجنّ والإنس وأعمِ أبصارهم وقلوبهم واجعل بيننا وبينهم حجابًا وحرسًا و
مدفعًا إنّك ربّنا لا حول ولا قوّة لنا إلّا بالله عليه توكّلنا وإليه أنبنا و
هو العزيز الحكيم ربّنا عافنا من شرّ كلّ سوءٍ ومن شرّ كلّ دابّةٍ أنت آخذٌ بناصيتها
ومن شرّ ما سكن في الليل والنهار ومن كلّ سوءٍ ومن شرّ كلّ ذي شرّ ربّ العالمين
وإله المرسلين صلّ على محمّدٍ وآله أجمعين وأوليائك وخُصَّ محمّدًا وآله بأتمّ
ذلك ولا حول ولا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم بسم الله وبالله أُومن وبالله أعوذ
وبالله أعتصم وبالله أستجير وبعزّة الله ومنعته أمتنع من شياطين الإنس والجنّ
ومن رَجِلِهم وخيلهم وركضهم وعطفهم ورجعتهم وكيدهم وشرّهم وشرّ ما يأتون
به تحت الليل وتحت النهار من البعد والقرب ومن شرّ الغائب والحاضر والشاهد
والزائر أحياءً وأمواتًا أعمى وبصيرًا ومن شرّ العامّة والخاصّة ومن نفسٍ ووسوستها
ومن شرّ الدناهش والحسّ واللمس واللبس ومن الجنّ والإنس وبالاسم الذي اهتزّ له
عرش بلقيس وأعيذ ديني ونفسي وجميع ما تحوطه عنايتي من شرّ كلّ صورةٍ وخيالٍ
أو بياضٍ أو سوادٍ أو تمثالٍ أو معاهدٍ أو غير معاهدٍ ممّن يسكن الهواء والسحاب
والظلمات والنور والظلّ والحرور والبرّ والبحور والسهل والوعور والخراب
والعمران والآكام والآجام والمغايض والكنائس والنواويس والفلوات و
الجبّانات من الصادرين والواردين ممّن يبدو بالليل وينتشر بالنهار وبالعشيّ
والإبكار والغدوّ والآصال والمريبين والأسامرة والأفاترة والفراعنة
والأبالسة ومن جنودهم وأزواجهم وعشائرهم وقبائلهم ومن همزهم ولمزهم و

نفثهم ونفخهم ووقاعهم واخذهم وسحرهم وضربهم وعبثهم ولممهم واحتيالهم
واختلافهم ومن شر كل ذي شر من السحرة والغيلان وام الصبيان وما ولدوا
وما وردوا ومن شر كل ذي شر داخل وخارج وعارض ومتعرض وساكن ومتحرك
وضربان عرق وصداع وشقيقة وام ملدم والحمى والمثلثة والربع والغب
والنافضة والصالبة والداخلة والخارجة ومن شر كل دابة انت اخذ بنا
صيتها ان ربي على صراط مستقيم وصلى الله على محمد واله كثيرا وبعد از آن
عوذه اول از عوذهای روز پنجشنبه را بخوان وآن بعد ازین مذکور خواهد شد

دعای شب شنبه

ان شاء الله دعای شب شنبه اینست بسم الله الرحمن الرحیم سبحانك اللهم ربنا
ولك الحمد انت الحي القيوم الاول الكائن ولم يكن شيء من خلقك او يعاين
شيء من ملكك او يدبر في شيء من امرك او يتفكر في شيء من قضائك قائما
بسلطانك مدبرا لامرك تجري فيما هو كائن قدرك ومضى فيما انت خالقه ثم
خلقت السموات والارض فراشا وبناء فسويت السماء مقرا لارضيته بجلال
ووقارك وعزتك وسلطانك ثم جعلت كرسيك وعرشك ثم سكنتها ليس

فیها

فيها شيء غيرك متكبرا في عظمتك متعظما في كبريائك متوحدا في علوك متمكنا
في ملكك متعاليا في سلطانك محتجبا في علمك مستويا على عرشك فتباركت
تعاليت وعلا هنالك بهاؤك ونورك وعزتك وسلطانك وقدرتك وحولك
وقوتك ورحمتك وقدسك وامرك ومجامك وتمكينك المكين وكبرك
الكبير وعظمتك العظيمة وانت الله الحي قبل كل حي والقديم قبل كل قديم و
الملك بالملك العظيم الممتدح المتمدح اسمك في السموات والارض وما فيهن
ونورهن وربهن والههن وما بينهن فسبحانك وبحمدك ربنا وجل ثناؤك
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك واجزه بكل خير ابلاه وشر
جلاه وبر اتاه وضعيف قواه ويتيم اواه ومسكين رحمه وجاهل علمه و
دين بصره وحق نصره الجزاء الاوفى والرفيع الاعلى والشفاعة الجائزة والمنزل
الرفيع في الجنة عندك امين رب العالمين واجعل له منزلا مغبوطا ومجلسا
رفيعا وظلا ظليلا ومرتفعا حسنا جميلا ونظرا الى وجهك يوم تحجبه عن

المجرمين

المجرمين اللهم صل على محمد وال محمد واجعله لنا فرطا واجعل حوضه
لنا موردا ولقاءه لنا موعدا يستبشر به اولنا واخرنا وانت عنا راض
في دارك دار السلام من جنانك جنات النعيم امين اله الحق رب العالمين اللهم
اللهم صل على محمد وال محمد واسئلك باسمك الذي هو نور من نور و
نور فوق كل نور ونور تضيء به كل ظلمة وتكسر به قوة كل شيطان مريد
وجبار عنيد وجني عنيد وتؤمن به خوف كل خائف وتبطل به سحر كل ساحر
وحسد كل حاسد ويتضرع لعظمته البر والفاجر وباسمك الاكبر الذي سميت
به نفسك واستويت به على عرشك واستقررت به على كرسيك ان تصلي على
محمد وال محمد وان تفتح لي الليلة يا رب باب كل خير فتحته لاحد من خلقك
واوليائك واهل طاعتك ثم لا تسده عني ابدا حتى القاك وانت عني راض
اسئلك ذلك برحمتك وادعو اليك فيه بقدرتك فشفع الليلة يا رب
رغبتي واكرم طلبتي ونفس كربتي وارحم عبرتي وصل وحدتي وانس وحشتي
واستر عورتي وامن روعتي واجبر فاقتي ولقني حجتي واقلني عثرتي واستجب الليلة
دعائي واعطني مسئلتي واعظم من مسئلتي وكن بدعائي حفيا وكن بي رحيما ولا
تقنطني ولا تؤيسني من روحك ولا تخذلني وانا ادعوك ولا تحرمني وانا اسئلك
ولا تعذبني وانا استغفرك يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واهل بيته

دعای روز شنبه

اجمعين دعای روز شنبه که از حضرت سجاد مرویست اینست بسم الله كلمة
المعتصمين ومقالة المتحرزين واعوذ بالله من جور الجائرين وكيد الحاسدين

حمده

وبغي الطاعنين واحمده فوق الحامدين اللهم انت الواحد بلا شريك والملك
بلا تمليك لا تضاد في حكمك ولا تنازع في ملكك اسئلك ان تصلي على محمد
عبدك ورسولك وان توزعني من شكر نعمائك ما تبلغ بي غاية رضاك وان
تعينني على طاعتك ولزوم عبادتك واستحقاق مثوبتك بلطف عنايتك و
ترحمني بصدي عن معاصيك ما احييتني وتوفقني لما ينفعني ما ابقيتني وان
تشرح بكتابك صدري وتحط بتلاوته وزري وتمنحني السلامة في ديني ونفسي
ولا توحش بي اهل انسي وتتم احسانك فيما بقي من عمري كما احسنت فيما مضى منه

يا ارحم الراحمين دعاء ديگر امروز كه از حضرت كاظم مرويست اينست كه مرحبا
بخلق الله الجديد وبكما من كاتبين وشاهدين اكتبا بسم الله اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وان
الاسلام كما وصف وان الدين كما شرع وان الكتاب كما انزل والقول كما
حدث وان الله هو الحق المبين وصلوات الله وسلامه على محمد واله اصبحت
اللهم في امانك اسلمت اليك نفسي ووجهت اليك وجهي وفوضت اليك
امري والجات اليك ظهري رهبة منك ورغبة اليك لا ملجا ولا منجى
منك الا اليك امنت بكتابك الذي انزلت ورسولك الذي ارسلت اللهم
اني فقير اليك فارزقني بغير حساب انك ترزق من تشاء بغير حساب اللهم
اني اسئلك الطيبات من الرزق وترك المنكرات وحب المساكين وان تتوب
على اللهم اني اسئلك بكرامتك التي انت اهلها ان تتجاوز عن سوء ما
عندي بحسن ما عندك وان تعطيني من جزيل عطائك افضل ما اعطيته احدا
من عبادك اللهم اني اعوذ بك من مال يكون علي فتنة ومن ولد يكون لي
عدوا اللهم قد ترى مكاني وتسمع دعائي وكلامي وتعلم حاجتي اسئلك بجميع
اسمائك ان تقضي لي كل حاجة من حوائج الدنيا والاخرة اللهم اني ادعوك
دعاء عبد ضعفت قوته واشتدت فاقته وعظم جرمه وقل عدده وضعف
عمله دعاء من لا يجد لفاقته سادا غيرك ولا لضعفه عونا سواك اسئلك
جوامع الخير وخواتمه وسوابقه وفوايده وجميع ذلك بدوام فضلك واحسانك
ومنك ورحمتك فارحمني واعتقني من النار يا من كبس الارض على الماء و
يا من سمك السماء بالهواء ويا واحدا قبل كل احد ويا واحدا بعد كل شيء
ويا من لا يعلم ولا يدري كيف هو الا هو ويا من لا [illegible] قدرته الا هو و
يا من هو كل يوم في شان يا من لا يشغله شان عن شان ويا غوث المستغيثين
يا صريخ المكروبين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا رحمن الدنيا والاخرة ورحيمهما
رب ارحمني رحمة لا تضلني ولا تشقني بعدها ابدا انك حميد مجيد وصلى الله
على محمد واله وسلم تسبيح روز شنبه اينست بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الاله الحق

سبحان القابض الباسط سبحان الضار النافع سبحان القاضي بالحق سبحانه و
بحمده سبحان العلي الاعلى سبحان من علا في الهواء سبحانه وتعالى سبحان
المحسن الجميل سبحان الرؤف الرحيم سبحان الغني الحميد سبحان الخالق البارئ
سبحان الرفيع الاعلى سبحان العظيم الاعظم سبحان من هو هكذا ولا يكون هكذا
غيره سبوح قدوس ربنا ورب الملائكة والروح سبحان الحي القيوم سبحان الله العظيم وبحمده سبحان من هو
دائم لا يسهو سبحان من هو قائم لا يلهو سبحان من هو غني لا يفتقر سبحان من تواضع
كل شيء لعظمته سبحان من ذل كل شيء لعزته سبحان من استسلم كل شيء لقدرته
سبحان من خضع كل شيء لملكه سبحان من انقادت له الامور بازمتها عوذه روز
شنبه اينست كه بعد از بسم الله الرحمن الرحيم بگويد اعيذ نفسي بالله الذي لا اله الا
هو الحي القيوم تا آخر آية الكرسي و بعد از ان الحمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل هو الله احد بخواند و بعد از ان بگويد كذلك الله ربنا وسيدنا
ومولنا لا اله الا هو نور النور ومدبر الامور نور السموات والارض مثل
نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح تا آخر آيه الذي خلق السموات والارض بالحق و
يوم يقول له كن فيكون قوله الحق وله الملك تا آخر آيه الذي خلق سبع سموات
طباقا ومن الارض مثلهن يتنزل الامر بينهن لتعلموا ان الله على كل شيء قدير
وان الله قد احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا من شر كل ذي شر معلن به
او مستتر به ومن شر الجنة والبشر ومن شر ما يظهر بالليل ويكمن بالنهار ومن
شر طوارق الليل والنهار ومن شر ما ينزل الخمامات والحشوش والخرابات والاودية
والصحاري والغياض والشجر ويكون في الانهار اعيذ نفسي ومن يعنيني امره بالله
مالك الملك تؤتي الملك من تشاء تا آخر آيه له مقاليد السموات والارض يبسط
الرزق لمن يشاء ويقدر انه بكل شيء عليم خلق الارض والسموات العلى الرحمن
على العرش استوى له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى و
ان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى له
الخلق والامر منزل التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم من شر كل طاغ
وباغ ونامم وشيطان وسلطان وساحر وكاهن وناظر وطارق ومتحرك وساكن و

مُتَكَلِّمٍ وَساكِتٍ وَناطِقٍ وَصامِتٍ وَمُخَيَّلٍ وَمُتَمَثِّلٍ وَمُتَلَوِّنٍ وَمُتَغَيِّرٍ وَنَستَجِيرُ
بِاللّهِ حِرزُنا وَناصِرُنا وَمُونِسُنا وَهُوَ بِيَدِهِ مَعَنا لا شَرِيكَ لَهُ وَلا مُعِزَّ لِمَن اَذَلَّ
وَلا مُذِلَّ لِمَن اَعَزَّ وَهُوَ الواحِدُ القَهّارُ وَصَلَّى اللّهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ
وَسَلَّمَ تَسلِيماً عوذهٔ دیگر روز شنبه آنست که بعد از بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِيمِ لا
حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ بگوئی اَللّهُمَّ رَبَّ المَلائِكَةِ وَالرُّوحِ وَ
النَّبِيِّينَ وَالمُرسَلِينَ وَقاهِرَ مَن فِي السَّمواتِ وَالاَرَضِينَ كُفَّ عَنِّي بَاسَ الاَشرارِ
وَاَعمِ اَبصارَهُم وَقُلُوبَهُم وَاجعَل بَينِي وَبَينَهُم حِجاباً اِنَّكَ رَبُّنا وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ
تَوَكَّلتُ عَلَى اللّهِ تَوَكُّلَ عائِذٍ بِهِ مِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِناصِيَتِها وَمِن شَرِّ ما
سَكَنَ فِي اللَّيلِ وَالنَّهارِ وَمِن شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دعای

دعای شب یکشنب

شب شنبه اینست که بعد از بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِيمِ بگوئی اَللّهُمَّ رَبَّنا لَكَ الحَمدُ
وَلَكَ المُلكُ وَبِيَدِكَ الخَيرُ وَاَنتَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ سُبحانَكَ لَكَ التَّسبِيحُ وَ
التَّقدِيسُ وَالتَّهلِيلُ وَالتَّكبِيرُ وَالتَّمجِيدُ وَالتَّحمِيدُ وَالكِبرِياءُ وَالجَبَرُوتُ وَ
المَلَكُوتُ وَالعَظَمَةُ وَالعُلُوُّ وَالوَقارُ وَالجَمالُ وَالعِزَّةُ وَالجَلالُ وَالغايَةُ
وَالسُّلطانُ وَالمَنَعَةُ وَالحَولُ وَالقُوَّةُ وَالدُّنيا وَالآخِرَةُ وَالخَلقُ وَالاَمرُ تَبارَكتَ
رَبَّ العالَمِينَ وَتَعالَيتَ سُبحانَكَ لَكَ الحَمدُ وَلَكَ البَهجَةُ وَالجَمالُ وَالبَهاءُ
وَالنُّورُ وَالوَقارُ وَالكَمالُ وَالعِزَّةُ وَالجَلالُ وَالفَضلُ وَالاِحسانُ وَالكِبرِياءُ
وَالجَبَرُوتُ وَبَسطُ الرَّحمَةِ وَالعافِيَةِ وَلِيَ الحَمدُ وَحدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ اَنتَ
اللّهُ لا شَيءَ مِثلُكَ فَسُبحانَكَ ما اَعظَمَ شَانَكَ وَاَعَزَّ سُلطانَكَ وَاَشَدَّ جَبَرُوتَكَ
وَاَصدَقَ وَعدَكَ وَسُبحانَكَ يُسَبِّحُ الخَلقُ كُلُّهُم لَكَ وَقامَ الخَلقُ كُلُّهُم بِكَ وَ
اَشفَقَ الخَلقُ كُلُّهُم مِنكَ وَضَرَعَ الخَلقُ كُلُّهُم اِلَيكَ وَسُبحانَكَ تَسبِيحاً يَنبَغِي
لَكَ وَلِوَجهِكَ وَيَبلُغُ مُنتَهى عِلمِكَ وَلا يَقصُرُ دُونَ اَفضَلِ رِضاكَ وَلا يَفضُلُهُ
شَيءٌ مِن مَحامِدِ خَلقِكَ سُبحانَكَ خَلَقتَ كُلَّ شَيءٍ وَاِلَيكَ مَعادُهُ وَبَدَاتَ كُلَّ
شَيءٍ وَاِلَيكَ مُنتَهاهُ وَاَنشَاتَ كُلَّ شَيءٍ وَاِلَيكَ مَصِيرُهُ وَاَنتَ اَرحَمُ الرّاحِمِينَ
بِاَمرِكَ ارتَفَعَتِ السَّماءُ وَوُضِعَتِ الاَرَضُونَ وَاُرسِيَتِ الجِبالُ وَسُجِّرَتِ البُحُورُ
فَمَلَكُوتُكَ فَوقَ كُلِّ مَلَكُوتٍ تَبارَكتَ بِرَحمَتِكَ وَتَعالَيتَ بِاَمرِكَ وَتَقَدَّستَ

فِي مَجلِسِ وَقارِكَ لَكَ التَّسبِيحُ بِحِلمِكَ وَلَكَ التَّمجِيدُ بِفَضلِكَ وَلَكَ الحَولُ بِقُوَّتِكَ
وَلَكَ الكِبرِياءُ بِعَظَمَتِكَ وَلَكَ الحَمدُ وَالجَبَرُوتُ بِسُلطانِكَ وَلَكَ المَلَكُوتُ بِعِزَّتِكَ
وَلَكَ القُدرَةُ بِمُلكِكَ وَلَكَ الرِّضا بِاَمرِكَ وَلَكَ الطّاعَةُ عَلى خَلقِكَ اَحصَيتَ
كُلَّ شَيءٍ عَدَداً وَاَحَطتَ بِكُلِّ شَيءٍ عِلماً وَوَسِعتَ كُلَّ شَيءٍ رَحمَةً وَاَنتَ اَرحَمُ
الرّاحِمِينَ عَظِيمُ الجَبَرُوتِ عَزِيزُ السُّلطانِ قَوِيُّ البَطشِ مَلِكُ السَّمواتِ وَالاَرضِ
رَبُّ العالَمِينَ ذُو العَرشِ العَظِيمِ وَالمَلائِكَةِ المُقَرَّبِينَ يُسَبِّحُونَ اللَّيلَ وَالنَّهارَ
لا يَفتُرُونَ فَسُبحانَ الَّذِي لا يَمُوتُ اَبَدَ الاَبَدِ وَسُبحانَ رَبِّ العِزَّةِ اَبَدَ الاَبَدِ وَ
سُبحانَ القُدُّوسِ رَبِّ العِزَّةِ اَبَدَ الاَبَدِ وَسُبحانَ رَبِّ المَلائِكَةِ وَالرُّوحِ سُبحانَ
رَبِّيَ الاَعلى سُبحانَ رَبِّي وَتَعالى سُبحانَ الَّذِي فِي السَّماءِ عَرشُهُ وَفِي الاَرضِ قُدرَتُهُ
وَسُبحانَ الَّذِي فِي البَحرِ سَبِيلُهُ وَسُبحانَ الَّذِي فِي القُبُورِ قَضاؤُهُ وَسُبحانَ الَّذِي
فِي الجَنَّةِ رِضاهُ وَسُبحانَ الَّذِي فِي جَهَنَّمَ سُلطانُهُ سُبحانَ الَّذِي سَبَقَت رَحمَتُهُ
غَضَبَهُ سُبحانَ الَّذِي مَن لَهُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيءٍ سُبحانَ اللّهِ بِالعَشِيِّ وَسُبحانَ اللّهِ
بِالاِبكارِ سُبحانَهُ وَبِحَمدِهِ عَزَّ وَجهُهُ وَنَصَرَ عَبدَهُ وَعَلا اسمُهُ وَتَبارَكَ وَتَقَدَّسَ
فِي مَجلِسِ وَقارِهِ وَكُرسِيِّ عَرشِهِ يَرى كُلَّ عَينٍ وَلا تَراهُ عَينٌ وَيُدرِكُ كُلَّ شَيءٍ وَلا
تُدرِكُهُ الاَبصارُ وَهُوَ يُدرِكُ الاَبصارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الخَبِيرُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ
عَبدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ اَمرِ اختَصَصتَنا بِهِ دُونَ مَن عَبَدَ غَيرَكَ وَتَوَلّى سِواكَ
وَصَلِّ اللّهُمَّ عَلَيهِ بِما انتَجَبتَهُ لَهُ مِن رِسالَتِكَ وَاَكرَمتَهُ بِهِ مِن نُبُوَّتِكَ وَلا
تَحرِمنا النَّظَرَ اِلى وَجهِهِ وَالكَونَ مَعَهُ فِي دارِكَ وَمُستَقَرٍّ مِن جِوارِكَ اَللّهُمَّ
كَما اَرسَلتَهُ مُبَلِّغاً وَحَمَّلتَهُ فَاَدّى حَتّى اَظهَرَ سُلطانَكَ وَآمَنَ بِكَ لا شَرِيكَ لَكَ
فَضاعِفِ اللّهُمَّ ثَوابَهُ وَكَرَمَهُ بِهِ مِنكَ كَرامَةً يَفضُلُ بِها عَلى جَمِيعِ خَلقِكَ
وَيَغبِطُهُ بِهِ الاَوَّلُونَ وَالآخِرُونَ مِن عِبادِكَ وَاجعَل مَثوانا مَعَهُ فِيما لا ظَعنَ
لَهُ مِنهُ يا اَرحَمَ الرّاحِمِينَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسئَلُكَ بِحَولِكَ وَ
قُوَّتِكَ وَطَولِكَ وَمَنِّكَ وَعَظِيمِ مُلكِكَ وَجَلالِ ذِكرِكَ وَكِبرِ مَجدِكَ وَعِظَمِ
سُلطانِكَ وَلُطفِ جَبَرُوتِكَ وَتَجَبُّرِ عَظَمَتِكَ وَحِلمِ عَفوِكَ وَتَحَنُّنِ رَحمَتِكَ وَ
تَمامِ كَلِماتِكَ وَنَفاذِ اَمرِكَ وَرُبُوبِيَّتِكَ الَّتِي دانَ لَكَ بِها كُلُّ ذِي رُبُوبِيَّةٍ وَاَطاعَ

بها كل ذي طاعة وتقرب بها إليك كل ذي رغبة في مرضاتك ويلوذ بها
كل ذي رهبة من سخطك أن ترزقني فواتح الخير وخواتمه وذخائره وجواثره
وفضائله وخيره ونوافله اللهم صل على محمد وآل محمد واهدنا باليقين
معقلنا واصلح باليقين سرائرنا واجعل قلوبنا مطمئنة إلى ذكرك وأعمالنا
خالصة لك اللهم صل على محمد وآل محمد وأسألك الربح من التجارة التي
لا تبور والغنيمة من الأعمال الخالصة الفاضلة في الدنيا والآخرة والذكر الكثير
لك والعفاف والسلامة من الذنوب والخطايا اللهم ارزقنا أعمالا زاكية
متقبلة ترضى بها عنا وتسهل لنا سكرة الموت وشدة هول يوم القيمة اللهم
إنا نسألك خاصة الخير وعامته لخاصتنا وعامتنا والزيادة من فضلك في كل يوم
وليلة والنجاة من عذابك والفوز برحمتك اللهم حبب إلينا لقاءك وارزقنا
النظر إلى وجهك واجعل لنا في لقائك نضرة وسرورا اللهم صل على محمد وآل
محمد وأحضرنا ذكرك عند كل غفلة وشكرك عند كل نعمة والصبر عند كل
بلاء وارزقنا قلوبا وجلة من خشيتك خاشعة لذكرك منيبة إليك اللهم
صل على محمد وآل محمد واجعلنا ممن يوفي بعهدك ويؤمن بوعدك ويعمل بطا
عتك ويسعى في مرضاتك ويرغب فيما عندك ويفر إليك منك ويرجوا أيامك
ويخاف سوء حسابك ويخشاك حق خشيتك واجعل ثواب أعمالنا جنتك برحمتك
وتجاوز عن ذنوبنا برأفتك وأعذنا من ظلمة خطايانا بنور وجهك وتغمدنا
بفضلك وألبسنا عافيتك وهب لنا كرامتك وأتمم علينا نعمتك وأوزعنا أن
نشكر رحمتك آمين إله الحق رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد خاتم
النبيين وآله الطاهرين دعای روز یکشنبه که از حضرت سجاد منقولست آن

دعای روز یکشنبه

که بعد از بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بسم الله الذي لا أرجو إلا فضله ولا أخشى إلا
عدله ولا أعتمد إلا قوله ولا أتمسك إلا بحبله بك أستجير يا ذا العفو والرضوان
من الظلم والعدوان ومن غير الزمان وتواتر الأحزان وطوارق الحدثان ومن
انقضاء المدة قبل التأهب والعدة وإياك أسترشد لما فيه الصلاح و
الإصلاح وبك أستعين فيما يقترن به النجاح والإنجاح وإياك أرغب في لباس

العافية

العافية وتمامها وشمول السلامة ودوامها وأعوذ بك يا رب من همزات الشياطين
وأحترز بسلطانك من جور السلاطين فتقبل ما كان من صلاتي وصومي و
اجعل غدي وما بعده أفضل من ساعتي ويومي وأعزني في عشيرتي وقومي
واحفظني في يقظتي ونومي فأنت الله خير حافظا وأنت أرحم الراحمين اللهم
إني أبرأ إليك في يومي هذا وما بعده من الآحاد من الشرك والإلحاد وأخلص
لك دعائي تعرضا للإجابة واقهر بنفسي على طاعتك رجاء للإنابة فصل على
محمد وآله خير خلقك وأعزني بعزك الذي لا يضام واحفظني بعينك التي لا تنام و
اختم بالانقطاع إليك أمري وبالمغفرة عمري إنك أنت الغفور الرحيم دعای دیگر
که از حضرت امام موسی در روز یکشنبه مرویست اینست که مرحبا بخلق الله
الجديد وبكما من كاتبين وشاهدين اكتبا بسم الله أشهد أن لا إله إلا
الله وأشهد أن محمدا عبده ورسوله وأشهد أن الإسلام كما وصف و
الدين كما شرع وأن الكتاب كما أنزل والقول كما حدث وأن الله هو الحق
المبين حيا الله محمدا بالسلام وصلى عليه كما هو أهله ومستحقه وعلى
آله أصبحت وأصبح الملك والكبرياء والعظمة والخلق والأمر والليل و
النهار وما يكون فيهما لله وحده لا شريك له اللهم اجعل أول هذا النهار
صلاحا وأوسطه نجاحا وآخره فلاحا وأسألك خير الدنيا والآخرة اللهم لا
تدع لي ذنبا إلا غفرته ولا هما إلا فرجته ولا دينا إلا قضيته ولا غائبا
إلا حفظته وأديته ولا مريضا إلا شفيته وعافيته ولا حاجة من حوائج
الدنيا والآخرة لك فيها رضى ولي فيها صلاح إلا قضيتها اللهم تم نورك
فهديت وعظم حلمك فعفوت وبسطت يدك فأعطيت فلك الحمد وجهك
خير الوجوه وعطيتك أنفع العطية فلك الحمد تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا
فتغفر تجيب دعوة المضطر وتكشف الضر وتشفي السقيم وتنجي من الكرب
العظيم لا يجزى بآلائك أحد ولا يحصي نعماءك أحد رحمتك وسعت كل شيء
فارحمني ومن الخيرات فارزقني وتقبل صلاتي واسمع ندائي ولا تعرض عني
يا مولاي حين أدعوك ولا تحرمني إلهي حين أسألك من أجل خطاياي ولا تحرمني

وأقيم ل للإثابة ل
الداعي إلى حقك م

لقائك واجعل محبتي وارادتي محبتك وارادتك واكفني هول المطلع اللهم
اني اسئلك ايمانا لا يرتد ونعيما لا ينفد ومرافقة محمد في اعلى جنة الخلد
اللهم واسئلك العفاف والتقى والعمل بما تحب وترضى والرضا بالقضاء
والنظر الى وجهك الكريم اللهم لقني حجتي عند الممات ولا ترني عملي حسرات اللهم
اكفني طلب ما لم تقدر لي من رزق وما قسمت لي فاتني به في يسر منك وعافية
اللهم اني اسئلك توبة نصوحا تقبلها مني تبقى علي بركتها وتغفر بها ما مضى من
ذنوبي وتعصمني بها فيما بقي من عمري يا اهل التقوى واهل المغفرة وصلى الله على
محمد وآل محمد انك حميد مجيد تسبيح روز يكشنبه اينست بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان من ملك الدهر بسنته سبحان من يغشى الابد نوره سبحان من اشرق كل
شيء ضوءه سبحان من يدان بدينه كل دين ولا يدان بغير دينه سبحان من قدر
بقدرته كل قدر ولا يقدر احد قدره سبحان من لا يوصف علمه سبحان من
لا يعتدي على اهل مملكته سبحان من لا ياخذ اهل الارض بالوان العذاب
سبحان الرؤف الرحيم سبحان من هو مطلع على خزائن القلوب سبحان من يحصي
عدد الذنوب سبحان من لا يخفى عليه خافية في الارض ولا في السماء سبحان
ربي الودود سبحان الفرد الوتر سبحان العظيم الاعظم وبعد از آن تسبيح را بخوا
عوذه روز يكشنبه اينست بسم الله الرحمن الرحيم الله اكبر الله اكبر استوى
الرب على العرش وقامت السموات والارض بحكمته وزهرت النجوم بامره و
رست الجبال باذنه لا يجاوز اسمه من في السموات والارض الذي دانت له
الجبال وهي طائعة وانبعثت له الاجساد وهي بالية وبه احتجب عن كل عاو
باغ وطاغ وجبار وحاسد وباسم الله الذي جعل به بين البحرين حاجزا واحتجب
بالله الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها سراجا وقمرا منيرا وزينها للناظرين
وحفظها من كل شيطان رجيم وجعل في الارض رواسي جبالا اوتادا ان يوصل
الي سوء او فاحشة او بلية حم حم تنزيل من الرحمن الرحيم حم حم عسق
كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم وصلى الله على محمد
وآله وسلم تسليما پس بخواند عوذه روز شنبه طولاني كه مذكور شد دعا

اينجا دعاي روز يكشنبه بخوانند

دعای شب دوشنبه

شب دوشنبه اينست كه بعد از بسم الله الرحمن الرحيم بگويي سبحانك ربنا و
لك الحمد انت الله القائم على عرشك ابدا احاط بصرك بجميع الخلق والخلق
كلهم على الفناء وانت الباقي الكريم القائم الدائم بعد فناء كل شيء الحي الذي
لا يموت بيدك ملكوت السموات والارض ودهرا كذا هربا انت الذي قصمت
بصولتك الجبابرين واضعفت في قبضتك الارضين واغشيت بضوء نورك الناظرين
واشبعت بفضل رزقك الآكلين وعلوت بعرشك على العالمين واعمرت
سمواتك بالملائكة المقربين وعلمت تسبيحك الاولين والآخرين وانقادت
لك الدنيا والآخرة بازمتها وحفظت السموات والارضين لم يمسها البلى وها و
اذعنت لك بالطاعة ومن فوقها وابت حمل الامانة من شفقتها وقامت بكلماتك
في قرارها واستقام البحران مكانهما واختلف الليل والنهار كما امرتهما واحصيت
كل شيء فيهما عددا واحطت بهما علما خالق الخلق ومصطفيه ومهيمنه ومنشيه
وبارئه وذاريه كنت وحدك لا شريك لك الها واحدا وكان عرشك على
الماء من قبل ان تكون ارض ولا سماء او شيء مما خلقت فيهما بعزتك كنت
قديما بديعا مبتدعا كينونا كائنا مكونا كما سميت نفسك ابتدعت الخلق
بعظمتك ودبرت امورهم بعلمك فكان عظيم ما ابتدعت من خلقك وقدرت
عليه من امرك عليك هينا يسيرا لم يكن لك ظهير على خلقك ولا معين على
حفظك ولا شريك لك في ملكك وكنت ربنا تباركت اسماؤك وجل
ثناؤك على ذلك عليا غنيا فانما امرك لشيء اذا اردته ان تقول له كن
فيكون لا يخالف شيء منه محبتك فسبحانك وبحمدك وتباركت ربنا و
جل ثناؤك وتعاليت على ذلك علوا كبيرا اللهم صل على محمد عبدك و
رسولك ونبيك وعلى اهل بيته كما سبقت الينا رحمتك وقربت لنا
به هداك واورثتنا به كتابك ودللتنا به على طاعتك فاصبحنا مبصرين بنور
الهدى الذي جاء به ظاهرين بعز الدين الذي دعا اليه ناجين بحجة الكتاب
الذي نزل عليه اللهم فاثره بقرب المجلس منك يوم القيامة واكرمه بتمكين
الشفاعة عندك تفضيلا منك له على الفاضلين وتشريفا منك له على المقربين

اللهم وامنحنا من شفاعته نصيبا نرد به مع الصادقين جنانه وننزل به مع
الامنين منحة رياضه غير مرفوضين عن دعوته ولا مردودين عن سبيل ما
بعثته به ولا محجوبة عنا مرافقته ولا محظورة عنا داره آمين اله الحق
رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد واسئلك باسمك العظيم الذي
لا يعلمه احد غيرك والذي سخرت به الليل والنهار واجريت به الشمس و
القمر والنجوم وبه انشات السحاب والمطر والرياح والذي تنزل الغيث و
تذري المرعى وتحيي العظام وهي رميم والذي به ترزق من في البر والبحر وتكلوهم
وتحفظهم والذي هو في التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم والذي
فلقت به البحر لموسى واسريت بمحمد صلواتك عليه واله وبكل اسم هو مخزون
مكنون وبكل اسم دعاك به ملك مقرب او نبي مرسل او عبد مصطفى ان
تصلي على محمد وال محمد وان تجعل راحتي في لقائك وخاتم عملي في سبيلك وحج
بيتك الحرام واختلافي الى مساجدك ومجالس الذكر واجعل خير ايامي يوم القاك
اللهم صل على محمد وال محمد واحفظني من بين يدي ومن خلفي وعن يميني و
عن شمالي ومن فوقي ومن اسفل مني واحفظني من السيئات ومحارمك كلها وسكن
لي في ديني الذي ارتضيت لي وفهمني فيه واجعله لي نورا ويسر لي اليسر والعافية
واعزم على رشدي كما عزمت على خلقي واعني على نفسي ببر وتقوى وعمل راجح وبيع
رابح وتجارة لن تبور اللهم اني اسئلك الجنة وما قرب اليها من قول او
عمل واعوذ بك من خون الامانة واكل اموال الناس بالباطل ومن التزين بما
ليس في ومن الاثام والبغي بغير الحق وان اشرك بك ما لم تنزل به سلطانا و
اجرني من مضلات الفتن ما ظهر منها وما بطن ومن محبطات الخطايا ونجني من
الظلمات الى النور واهدني سبيل الاسلام واكسني حلل الايمان والبسني لباس
التقوى واسترني بستر الصالحين وزيني بزينة المؤمنين وثقل عملي في الميزان
والقني منك بروح وريحان آمين رب العالمين وصلى الله على محمد واله وسلم
تسليما دعای حضرت سجاد در روز دوشنبه این است بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
لله الذي لم يشهد احدا حين فطر الارض والسموات ولا اتخذ معينا حين برأ النسمات

دعای روز دوشنبه

لم يشارك في الالهية ولم يظاهر في الوحدانية كلت الالسن عن غاية
صفته والعقول عن كنه معرفته وتواضعت الجبابرة لهيبته وعنت
الوجوه لخشيته وانقاد كل شيء عظيم لعظمته فلك الحمد متواترا متسقا و
متواليا مستوثقا وصلواته على رسوله ابدا وسلامه دائما سرمدا اللهم اجعل
اول يومي هذا صلاحا واوسطه فلاحا واخره نجاحا واعوذ بك من يوم اوله
فزع واوسطه جزع واخره وجع اللهم اني استغفرك لكل نذر نذرته و
لكل وعد وعدته ولكل عهد عاهدته ثم لم اف به واسئلك في مظالم
العباد عندنا فايما عبد من عبيدك او امة من امائك كانت له قبلي مظلمة
ظلمتها اياه في نفسه او في عرضه او في ماله او في اهله وولده او غيبة اغتبته
بها او تحامل عليه بميل او هوى او انفة او حمية او رياء او عصبية غائبا
كان او شاهدا حيا كان او ميتا فقصرت يدي وضاق وسعي عن ردها اليه و
التحلل منه فاسئلك يا من يملك الحاجات وهي مستجيبة لمشيته ومسرعة
الى ارادته ان تصلي على محمد وال محمد وان ترضيه عني بما شئت وتهب لي من
عندك رحمة انه لا تنقصك المغفرة ولا تضرك الموهبة يا ارحم الراحمين اللهم
اولني في كل يوم اثنين نعمتين منك ثنتين سعادة في اوله بطاعتك ونعمة
في اخره بمغفرتك يا من هو الاله ولا يغفر الذنوب سواه دعای حضرت کاظم
در روز دوشنبه این است مرحبا بخلق الله الجديد وبكما من كاتبين وشاهدين
اكتبا بسم الله اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد
ان الاسلام كما وصف وان الدين كما شرع وان القول كما حدث وان الكتاب
كما انزل وان الله هو الحق المبين حيا الله محمدا بالسلام وصلى عليه وعلى اله
اللهم ما اصبحت فيه من عافية في ديني ودنياي فانت الذي اعطيتني ورزقتني
ووفقتني له وسترتني فلا حمد لي يا الهي فيما كان مني من خير ولا عذر لي فيما كان
من شر اللهم اني اعوذ بك ان اتكل على ما لا حمد لي فيه او ما لا عذر لي فيه
اللهم انه لا حول ولا قوة لي على جميع ذلك الا بك يا من يبلغ اهل الخير الخير
واعانهم عليه بلغني الخير واعني عليه اللهم احسن عاقبتي في الامور كلها واجرني

او تحامل علیهما

من مواقف الخزی فی الدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدیر اللهم انی اسئلک
موجبات رحمتک وعزائم مغفرتک واسئلک الغنیمة من کل بر والسلامة
من کل اثم واسئلک الفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم رضنی بقضائک
حتی لا احب تعجیل ما اخرت ولا تاخیر ما عجلت علی اللهم اعطنی ما حضرنی
واجعله خیرا لی اللهم ما انسیتنی فلا تنسنی ذکرک وما احببت فلا احب
معصیتک اللهم امکر لی ولا تمکر علی واعنی ولا تعن علی وانصرنی ولا تنصر
علی واهدنی ویسر الهدی لی واعنی علی من ظلمنی حتی ابلغ منه ماربی اللهم
اجعلنی لک شاکرا ذاکرا لک محبا لک راهبا واختم لی منک بخیر اللهم انی
اسئلک بعلمک الغیب وقدرتک علی الخلق ان تحیینی ما کانت الحیوة خیرا لی
وان تتوفانی اذا کانت الوفاة خیرا لی واسئلک خشیتک فی السر والعلانیة
والعدل فی الرضا والغضب والقصد فی الغنی والفقر وان تحبب الی لقائک
فی غیر ضراء مضرة ولا فتنة مضلة واختم لی بما ختمت به لعبادک الصالحین
انک حمید مجید وصلی الله علی محمد وعلی اله وسلم تسبیح روز دوشنبه این است
بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الحنان المنان الجواد سبحان الکریم الاکرم سبحان
البصیر العلیم سبحان السمیع الواسع سبحان الله علی ادبار النهار واقبال اللیل
لا اله الا الله فی اناء اللیل واناء النهار وله الحمد والمجد والعظمة والکبریاء
مع کل نفس وکل طرفة وکل لمحة سبقت فی علمه سبحانک عدد ذلک سبحانک
زنة ذلک وما احصی کتابک سبحانک زنة عرشک سبحانک سبحانک سبحان
ربنا ذی الجلال والاکرام سبحان ربنا تسبیحا کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله
سبحان ربنا تسبیحا مقدسا مزکی کذلک فضل ربنا سبحان الحی الحلیم سبحان
الذی کتب علی نفسه الرحمة سبحان الذی خلق ادم واخرجنا من صلبه سبحان
الذی یحیی الاموات ویمیت الاحیاء سبحان من هو رحیم لا یعجل سبحان من
هو رقیب لا یغفل سبحان من هو جواد لا یبخل سبحان من هو حلیم لا یجهل
سبحان من جل ثناؤه وله المدحة البالغة فی جمیع شیء قلیله من الحمد
سبحان الله الحلیم وصلی الله علی سیدنا محمد واله الطاهرین عوذه روز دوشنبه

ادبار ط

ابن است

ابنست بسم الله الرحمن الرحیم اعیذ نفسی بربی الاکبر مما یخفی وما یظهر و
من شر کل انثی وذکر ومن شر ما رات الشمس والقمر قدوس قدوس
رب الملائکة والروح ادعوکم ایها الجن ان کنتم سامعین مطیعین وادعوکم
ایها الانس الی اللطیف الخبیر وادعوکم ایها الجن والانس الی الذی ختمته
بخاتم رب العالمین وخاتم جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وخاتم سلیمان
ابن داود وخاتم محمد سید المرسلین والنبیین صلی الله علیه واله و
علیهم اجمعین واخذ عن فلان بن فلان کل ما یغدو ویروح من ذی حی
او عقرب او ساحر او شیطان رجیم او سلطان عنید اخذت عنه ما یری وما لا
یری وما رات عین نائم او یقظان باذن الله اللطیف الخبیر لا سلطان لکم
علی الله لا شریک له وصلی الله علی رسوله سیدنا محمد النبی واله الطاهرین
وسلم تسلیما پس عوذه روز یکشنبه بخوان که سابقا مذکور شد دعای شب سه
شنبه این است بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک اللهم وبحمدک انت الله الملک
الحق وانت ملک لا ملک معک ولا شریک لک ولا اله دونک اعترف لک
بالحمد تو ربنا لک الحمد ولک الملک العظیم الذی لا یزول والغنی الکبیر الذی
لا یعول والسلطان العزیز الذی لا یضام والعز المنیع الذی لا یرام والحول الواسع
الذی لا یضیق والقوة المتینة التی لا تضعف والکبریاء الذی لا یوصف و
العظمة الکبیرة فقولا ان کان عرشک النور والوقار من قبل ان تخلق السموات
والارض وکان عرشک علی الماء وکرسیک یتوقد نورا وسرادقک سرادق
النور والعظمة والاکلیل المحیط به هیکل السلطان والعزة والمدحة لا اله
الا انت رب العرش العظیم والبهاء والنور والحسن والجمال والعظمة والکبریاء
والجبروت والسلطان والقدرة انت الکریم القدیر علی جمیع ما خلقت لا
یقدر شیء قدرک ولا یضعف شیء عظمتک خلقت ما اردت بمشیتک
منفذ فیما خلقت علمک واحاط به خبرک وانی علی ذلک امرک ووسعه
حولک وقوتک لک الخلق والامر والاسماء الحسنی والامثال العلیا و
الکبریاء ذو الجلال والاکرام والنعم العظام والعزة التی لا ترام سبحانک و

دعای شب سه شنبه

العظیم

والعلی

بحمدك تباركت ربنا وجل ثناؤك اللهم صل على محمد عبدك ورسولك و
نبيك خاتم النبيين المقفى على آثارهم والحجة على اممهم والمهيمن على تصديقهم
والناصر لهم من ضلال من ادعى من غيرهم دعوتهم وسار بخلاف سيرتهم صلوة
تعظم بها نوره على نورهم وتزيد بها شرفا على شرفهم وتبلغه بها افضل ما
بلغت نبيا منهم وعلى اهل بيته اللهم زد محمدا صلواتك عليه وآله مع
كل فضيلة فضيلة ومع كل كرامة كرامة حتى تعرف فضيلته وكرامته
اهل الكرامة عندك يوم القيمة وهب له من الرفعة افضل الرفعة ومن
الرضا افضل الرضا وارفع درجته العليا وتقبل شفاعته الكبرى وآته
سؤله في الآخرة والاولى آمين اله الحق رب العالمين اللهم اني اسئلك باسمك
الاكبر العظيم المخزون الذي تفتح به ابواب سموانك ورحمتك وتستوجب به
رضوانك الذي تحب وتهوى وترضى عمن دعاك به وهو حق عليك لا تحرم سائلك
وبكل اسم دعاك به الروح الامين والملائكة المقربون والحفظة الكرام
الكاتبون وانبياؤك المرسلون والاخيار المنتجبون وجميع من في سمواتك
واقطار ارضك والصفوف حول عرشك تقدس لك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تنظر في حاجتي اليك وان ترزقني نعيم الآخرة وحسن ثواب اهلها في
دار المقامة من فضلك ومنازل الاخيار في ظل امين فانك انت بر اني وانت ربي
لك اسلمت نفسي واليك فوضت امري واليك الجأت ظهري وعليك توكلت
وبك وثقت اللهم اني ادعوك دعاء ضعيف مضطر ورحمتك يا رب اوثق
عندي من دعائي اللهم فاذن الليلة لدعائي ان يعرج اليك واذن لكلامي
ان يلج اليك واصرف بصرك عن خطيئتي اللهم صل على محمد وآل محمد واعوذ
بك ان اضل في هذه الليلة فاسقا وان اغوي ناسكا او اعمل بما لا تهوى فانك
رب السموات وانت ترى ولا ترى وانت بالمنظر الاعلى فالق الحب والنوى
اللهم اني اسئلك الليلة افضل النصيب في الاشياء واتم النعمة في النعماء
وافضل الشكر في السراء واحسن الصبر في الضراء وافضل الرجوع الى افضل
دار المثاوي اللهم صل على محمد وآل محمد واسئلك المحبة لمحابك والعصمة

الفلاح

من محارمك والوجل من خشيتك والخشية من عذابك والنجاة من
عقابك والرغبة في حسن ثوابك والفقه في دينك والفهم في كتابك
والقنوع برزقك والورع عن محارمك والاستحلال لحلالك والتحريم
لحرامك والانتهاء عن معاصيك والحفظ لوصيتك والصدق بوعدك و
الوفاء بعهدك والاعتصام بحبلك والوقوف عند موعظتك والازدجار
عند زواجرك والاصطبار على عبادتك والعمل بجميع امرك يا ارحم الراحمين
وصلى الله على سيدنا محمد خاتم النبيين وعلى عترته المهديين والسلم عليهم و
رحمة الله وبركاته دعاء روز سه شنبه كه از حضرت بمأثور روايت است بسم الله
الرحمن الرحيم الحمد لله والحمد حقه كما يستحقه حمدا كثيرا واعوذ به من شر
نفسي ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربي واعوذ به من شر الشيطان الذي
يزيدني ذنبا الى ذنبي واحترز به من كل جبار فاجر وسلطان جائر وعدو قاهر
اللهم اجعلني من جندك فان جندك هم الغالبون واجعلني من اوليائك
فان اوليائك لا خوف عليهم ولا هم يحزنون اللهم اصلح لي ديني فانه عصمة
امري واصلح لي آخرتي فانها دار مقري واليها من مجاورة اللئام مفري واجعل
الحيوة زيادة لي في كل خير والوفاة راحة لي من كل شر اللهم صل على محمد خاتم
النبيين وتمام عدة المرسلين وعلى آله الطيبين الطاهرين واصحابه المنتجبين
وهب لي في الثلثاء ثلثا لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا اذهبته ولا
عدوا الا دفعته بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض والسماء استدفع
كل مكروه اوله سخطه واستجلب كل محبوب اوله رضاه فاختم لي منك
بالغفران يا ولي الاحسان دعاء ديگر در اين روز از حضرت كاظم مروي است مرحبا
بخلق الله الجديد وبكما من كاتبين وشاهدين اكتبا بسم الله اشهد ان لا اله
الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان الاسلام كما وصف
والدين كما شرع وان الكتاب كما انزل والقول كما حدث وان الله هو الحق
المبين حيا الله محمدا بالسلم وصلى الله عليه وآله اصبحت اسئلك
العفو والعافية في ديني ودنياي وآخرتي واهلي ومالي وولدي اللهم

دعای روز سه شنبه

واجعلني من حزبك فان حزبك هم المفلحون

راحة ٣

الثلثاء ٣

استرعورتي واجب دعوتي واحفظني من بين يدي ومن خلفي وعن يميني و
عن شمالي اللهم ان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان تضعني فمن ذا الذي
يرفعني اللهم لا تجعلني للبلاء غرضا ولا للفتنة نصبا ولا تتبعني ببلاء
على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي وتضرعي اعوذ بك من جميع خلقك
فاعذني واستجير بك من جميع عذابك فاجرني واستنصرك على عدوي فانصرني
واستعين بك فاعني واتوكل عليك فاكفني واستهديك فاهدني و
استعصمك فاعصمني واستغفرك فاغفر لي واسترحمك فارحمني واسترزقك
فارزقني سبحانك من ذا يعلم ما انت ولا يخافك ومن ذا يعرف قدرك
ولا يهابك سبحانك ربنا اللهم اني اسئلك ايمانا دائما وقلبا خاشعا و
علما نافعا ويقينا صادقا واسئلك دينا قيما واسئلك رزقا واسعا اللهم
لا تقطع رجاءنا ولا تخيب دعاءنا ولا تجهد بلاءنا واسئلك العافية و
الشكر على العافية واسئلك الغنى عن الناس اجمعين يا ارحم الراحمين و
يا منتهى همة الراغبين والمفرج عن المغمومين ويا من اذا اراد شيئا
فحسبه ان يقول له كن فيكون اللهم ان كل شيء لك وكل شيء بيدك
وكل شيء اليك يصير وانت على كل شيء قدير لا مانع لما اعطيت ولا معطي
لما منعت ولا ميسر لما عسرت ولا معسر لما يسرت ولا معقب لما حكمت ولا
ينفع ذا الجد منك الجد ولا قوة الا بك ما شئت كان وما لم تشا لم يكن اللهم
فما قصر عنه عملي ورايي ولم تبلغه مسئلتي من خير وعدته احدا من خلقك
فاني اسئلك وارغب اليك فيه يا ارحم الراحمين اللهم وصل على محمد
النبي واله انك حميد مجيد تسبيح روز سه شنبه اين است بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان من هو في علوه دان سبحان من هو في دنوه عال سبحان من هو في اشراقه
منير سبحان من هو في سلطانه قوي سبحان الحليم الجميل سبحان الغني الحميد
سبحان الواسع العلي سبحان الله وتعالى سبحان من يكشف الضر وهو
الدائم الصمد الفرد القديم سبحان من علا في الهواء سبحان الحي الرفيع
سبحان المحيي القيوم سبحان الدائم الباقي الذي لا يزول سبحان الذي لا تنقص

کلانه

خزائنه سبحان من لا يفند ما عنده سبحان من لا تبيد معالمه سبحان
من لا يشاور في امره احدا سبحان من لا اله غيره سبحان الله العظيم و
بحمده سبحان ذي العز الشامخ المبين سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم
سبحان ذي الجلال الفاخر القديم سبحان من هو في علوه دان وفي دنوه
عال وفي اشراقه منير وفي سلطانه قوي وفي ملكه دائم وصلى الله على
رسوله سيدنا محمد نبيه واهل بيته الطاهرين عوذه روز شنبه اين است
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد نفسي بالله الاكبر رب السموات القائمات بلا
عمد وبالذي خلقها في يومين وقضى في كل سماء امرها وخلق الارض في يومين
وقدر فيها اقواتها وجعل فيها جبالا اوتادا وجعل فيها فجاجا سبلا وانشا السحاب
وسخره واجرى الفلك وسخر البحر وجعل في الارض رواسي اوتادا من شر ما يكون
في الليل والنهار وتعقد عليه القلوب وتراه العيون من الجن والانس
كفانا الله كفانا الله كفانا الله لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه
واله الطاهرين وسلم تسليما دعاء شب چهارشنبه اين است بسم الله الرحمن الرحيم
سبحانك اللهم ربنا ولك الحمد انت الله الغني الدائم الملك اشهد انك
الله لا تخترم الايام ملكك ولا تغير الانام عزك لا اله الا انت وحدك
لا شريك لك ولا رب سواك ولا خالق غيرك انت خالق كل شيء وكل شيء
خلقك وانت رب كل شيء وكل شيء عبد لك وانت اله كل شيء وكل شيء
يعبد لك ويسبح بحمدك ويسجد لك فسبحانك وبحمدك تباركت اسماؤك
الحسنى كلها الها معبودا في جلال عظمتك وكبريائك وتعاليت ملكا
في وقار عزة ملكك وتقدست ربا منعوتا في تابيد منعة سلطانك
وارتفعت الها قاهرا فوق ملكوت عرشك وعلوت كل شيء بارتفاعك
انفذت كل شيء بصرك ولطف بكل شيء خبرك واحاط بكل شيء علمك وو
سع كل شيء حفظك وحفظ كل شيء كتابك وملا كل شيء نورك وقهر
كل شيء ملكك وعدل في كل شيء حكمك وخاف كل شيء من سخطك و
دخلت في كل شيء مهابتك الهي من خافيك وناهيد لك فامسك السموات و

دعای شب چهارشنبه

۵

شیء ۳

الارض وما فيهن من شيء طاعة لك وخوفا من مقامك فتقارّ كل شيء في
قرارٍ وانتهى كل شيء الى امرك ومن شدة جبروتك وعزتك انقاد كل شيء
لملكك وذلّ كل شيء لسلطانك ومن غناك وسعتك افتقر كل شيء اليك
وكل شيء يعيش من رزقك ومن علو مكانك وقدرتك علوت كل شيء من
خلقك وكل شيء اسفل منك تقضي فيهم بحكمك وتجري المقادير فيهم
بمشيتك ما قدمت منها لم يسبقك وما اخرت منها لم يعجزك وما امضيت منها
امضيته بحكمك وعلمك سبحانك وبحمدك تباركت ربنا وجل ثناؤك اللهم
صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك واثره بصفو كرامتك على جميع خلقك
واخصصه بافضل الفضائل منك وبلغه افضل محل المكرمين واشرف
رحمتك في شرف المقربين والدرجة العليا من الاعلين اللهم بلغ به الوسيلة
من الجنة والرفعة منك والفضيلة وادم بافضل الكرامة زلفته حتى تتم
النعمة عليه وتطول ذكر الخلائق له واجعلنا من رفقائه على سرر متقابلين
مع ابينا ابرهيم امين اله الحق رب العالمين اللهم اني اسئلك باسمك الذي
انزلته على موسى في الالواح وباسمك الذي وضعته على السموات فاستقلت
وعلى الارض فاستقرت وعلى الجبال فارست وبمحمد صلواتك عليه واله
نبيك وابرهيم خليلك وموسى نجيك وعيسى كلمتك وروحك واسئلك
بتورية موسى وانجيل عيسى وزبور داود وقران محمد صلى الله عليه وعليهم
السلام وعلى جميع انبيائك وبكل وحي اوحيته وقضاء قضيته وكتاب
انزلته يا اله الحق المبين والنور المنير ان تتم النعمة علي وتحسن لي
العافية في الامور كلها فانما انا عبدك وابن عبدك ناصيتي بيدك اقرّ
في قبضتك غير معجز ولا ممتنع عجزت عن نفسي وعجز الناس عني فلا عشيرة
تكفيني ولا مال يفديني ولا عمل ينجيني ولا قوة لي فانتصر ولا انا بريء من
الذنوب فاعتذر وعظم ذنبي فليسع عفوك لمغفرتي الليلة بما وأيت
على نفسك وارزقني القوة ما ابقيتني والاصلاح ما احييتني والعون
على ما حملتني والصبر على ما ابليتني والشكر فيما اتيتني و[illegible] ما رزقتني

اللهم

اللهم لقني حجتي يوم الممات ولا ترني عملي حسرات ولا تفضحني بسريرتي يوم
لقائك ولا تخزني بسيئاتي وبلائك عند قضائك واصلح ما بيني وبينك
واجعل هواي في تقواك واكفني هول المطلع وما اهمني وما لم يهمني مما انت
اعلم به مني من امر دنياي واخرتي وامني على ما غلبني وما لم يغلبني فكل ذلك
بيدك يا رب فاكفني واهدني واصلح بالي وادخلني الجنة عرفها لي والحقني
بالذين هم خير مني وارزقني مرافقة النبيين والصديقين والشهداء و
الصالحين وحسن اولئك رفيقا انت اله الحق رب العالمين وصلى الله على
رسوله سيدنا محمد النبي واله الطيبين الطاهرين وسلم تسليما دعاء روز چهار
شنبه كه از حضرت سجاد مرویست بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي
جعل الليل لباسا والنوم سباتا وجعل النهار نشورا لك الحمد ان بعثتني من
مرقدي ولو شئت جعلته سرمدا حمدا دائما لا ينقطع ابدا ولا يحصي له الخلائق
عددا اللهم لك الحمد ان خلقت فسويت وقدرت وقضيت وامت واحييت
وامرضت وشفيت وعافيت وابليت وعلى العرش استويت وعلى الملك
احتويت ادعوك دعاء من ضعفت وسيلته وانقطعت حيلته واقترب
اجله وتدانى في الدنيا امله واشتدت الى رحمتك فاقته وعظمت لتفريطه
حسرته وكثرت زلته وعثرته وخلصت لوجهك توبته فصل على محمد خاتم
النبيين وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين وارزقني شفاعة محمد صلواتك
عليه واله ولا تحرمني صحبته انك انت ارحم الراحمين اللهم اقض لي
في الاربعاء اربعا اجعل قوتي في طاعتك ونشاطي في عبادتك ورغبتي في
ثوابك وزهدي بما يوجب لي اليم عقابك انك لطيف لما تشاء دعاء پنجشنبه كه در
اين روز از حضرت كاظم مرویست مرحبا بخلق الله الجديد وبكما من كاتبين و
شاهدين اكتبا بسم الله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان الاسلام كما وصف والدين كما شرع وان
الكتاب كما انزل والقول كما حدث وان الله هو الحق المبين حيا الله محمدا
بالسلام وصلى عليه وعلى اله اللهم اجعلني من اوفر عبادك نصيبا في كل خير

دعای روز چهارشنبه

پنجشنبه

نقسمه فی هذا الیوم من نور تهدی به او رزق تبسطه او ضر تکشفه او بلاء
تصرفه او شر تدفعه او رحمة تنشرها او مصیبة تصرفها اللهم اغفر لی ما
قد سلف من ذنوبی و اعصمنی فیما بقی من عمری و ارزقنی عملا ترضی به عنی اللهم
انی اسئلک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته فی شیء من کتبک
او استاثرت به فی علم الغیب عندک او علمته احدا من خلقک ان تجعل
القرآن ربیع قلبی و شفاء صدری و نور بصری و ذهاب همی و غمی و حزنی
فانه لا حول و لا قوة الا بک اللهم رب الارواح الفانیة و رب الاجساد
البالیة اسئلک بطاعة الارواح البالغة الی عروقها و بطاعة القبور
المتشققة عن اهلها و بدعوتک الصادقة فیهم و اخذک الحق بینهم و بین
الخلائق فلا ینطقون من مخافتک و یرجون رحمتک و یخافون عذابک ان تجعل
النور فی بصری و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و ذکرک علی لسانی ابدا
ما ابقیتنی اللهم ما فتحت لی من باب طاعة فلا تغلقه عنی ابدا و ما اغلقت
عنی من باب معصیة فلا تفتحه علی ابدا اللهم ارزقنی حلاوة الایمان و
طعم المغفرة و لذة الاسلام و برد العیش بعد الموت انه لا یملک ذلک غیرک
اللهم انی اعوذ بک ان اضل او اضل او اذل او اذل او اظلم او اظلم او
اجهل او یجهل علی او اجور او یجار علی اخرجنی من الدنیا مغفورا لی ذنبی و
مقبولا لی عملی و اعطنی کتابی بیمینی و احشرنی فی زمرة النبی محمد صلی الله علیه و
آله و سلم کثیرا تسبیح روز چهارشنبه این است بسم الله الرحمن الرحیم سبحان
من تسبح له الانعام باصواتها یقولون سبوحا قدوسا سبحان الله الملک الحق
المبین سبحان من تسبح له البحار بامواجها سبحانک ربنا و بحمدک سبحان من
تسبح له ملائکة السموات باصواتها سبحان الله المحمود فی کل مقاله سبحان
الله الذی یسبح له الکرسی و ما حوله و ما تحته سبحان الملک الجبار الذی ملأ
کرسیه السموات السبع و الارضین السبع سبحان الله بعدد ما سبحه المسبحون
و الحمد لله بعدد ما حمده الحامدون و لا اله الا الله بعدد ما هلله المهللون
و الله اکبر بعدد ما کبره المکبرون و استغفر الله بعدد ما استغفره المستغفرون و

ولاحول

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بعدد ما قاله القائلون و
صلی الله علی محمد و آل محمد بعدد ما صلی علیه المصلون سبحانک لا
اله الا انت تسبح لک الدواب فی مراعیها و الوحوش فی مظانها و السباع
فی فلواتها و الطیر فی وکورها سبحانک لا اله الا انت تسبح لک البحار بامواجها
و الحیتان فی میاهها و المیاه علی مجاریها و الهوام فی اماکنها سبحانک لا اله الا
انت الجواد الذی لا یبخل الغنی الذی لا یعدم الجدید الذی لا یبلی الحمید
الباقی الذی تسربل بالبقاء الدائم الذی لا یفنی العزیز الذی لا یذل الملک
الذی لا یزول سبحانک لا اله الا انت القائم الذی لا یعیی الدائم الذی لا
یبید العلیم الذی لا یرتاب البصیر الذی لا یضل الحلیم الذی لا یجهل سبحانک لا
اله الا انت الحکیم الذی لا یحیف الرقیب الذی لا یسهو المحیط الذی لا یلهو الشاهد
الذی لا یغیب سبحانک لا اله الا انت القوی الذی لا یرام العزیز الذی لا یضام
السلطان الذی لا یغلب المدرک الذی لا یدرک الطالب الذی لا یعجز عوذه
روز چهارشنبه این است بسم الله الرحمن الرحیم اعیذ نفسی بالله الصمد من
شر النفاثات فی العقد و من شر ابن قترة و ما ولد استعید بالله الواحد
الاعلی من شر ما رأت عینی و ما لم تر استعید بالله الواحد الکبیر الاعلی من شر
ما ارادنی بامر عسیر اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی فی جوارک و حصنک
الحصین العزیز الجبار الملک القدوس القهار السلام المؤمن المهیمن الغفار عالم
الغیب و الشهادة الکبیر المتعال هو الله هو الله هو الله لا شریک له محمد رسول
الله و سلم تسلیما کثیرا و بعد از این عوذه عوذه روز سه شنبه را نیز بخواند دعای
شب پنجشنبه این است بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک ربنا و لک الحمد انت الذی
بکلمتک خلقت جمیع خلقک فکل مشیتک اتتک بلا لغوب اثبت مشیتک
و لم تأن فیها لمؤنة و لم تنصب فیها لمشقة و کان عرشک علی الماء و الظلمة
علی الهواء و الملائکة یحملون عرشک النور و الکرامة و یسبحون بحمدک
و الخلق مطیع لک خاشع من خوفک لا یری فیه نور الا نورک و لا یسمع فیه
صوت الا صوتک حقیق بما لا یحق الا لک خالق الخلق و مبتدعه توحدت بامرک

دعای شب پنجشنبه

وتفردت بملكك وتعظمت بكبريائك وتعززت بجبروتك وتسلطت
بقوتك وتعاليت بقدرتك فانت بالمنظر الاعلى فوق السموات العلى
كيف لا يقصر دونك علم العلماء ولك العزة احصيت خلقك ومقاديرك
لما جل من ذكرك ولما ارتفع من رفيع ما ارتفع من كرسيك علوت على علو
ما استعلى من مكانك كنت قبل جميع خلقك لا يقدر القادرون قدرك
ولا يصف الواصفون امرك رفيع البنيان مضيء البرهان عظيم الجلال قديم المجد
محيط العلم لطيف الخبر حكيم الامر احكم الامر صنعك وقهر كل شيء سلطانك
وتوليت العظمة بعزة ملكك والكبرياء بعظيم جلالك ثم دبرت الاشياء
كلها بحكمك واحصيت امر الدنيا والاخرة كلها بعلمك وكان الموت والحيوة
بيدك وضرع كل شيء اليك وذل كل شيء لملكك وانقاد كل شيء لطاعتك
فتقدست ربنا وتقدس اسمك وتباركت ربنا وتعالى ذكرك وبقدرتك
على خلقك ولطفك في امرك لا يعزب عنك مثقال ذرة في السموات والارض
ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين فسبحانك وبحمدك تباركت
ربنا وجل ثناؤك اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك افضل ما
صليت على احد من انبيائك المرسلين صلوة تبيض بها وجهه وتقر بها عينه و
تزين بها مقامه وتجعله خطيبا بمحامدك لما قال صدقته وما سئل اعطيته
ولمن شفع شفعته واجعل له من عطائك عطاء تاما وقسما وافيا ونصيبا
جزيلا واسما عاليا على النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن
اولئك رفيقا اللهم اني اسئلك باسمك الذي اذا ذكر اهتز له عرشك
وتهلل له نورك واستبشرت له ملائكتك والذي اذا ذكر تزعزعت له
السموات والارض والجبال والشجر والدواب والذي اذا ذكر تفتحت له
ابواب السماء واشرقت له الارض وسبحت له الجبال والذي اذا ذكر تصدعت
له الارض وقدست له الملائكة والانس وتفجرت له الانهار والذي اذا
ذكر ارتعدت منه النفوس ووجلت منه القلوب وخشعت له الاصوات
ان تغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا وارزقني ثواب طاعتهما ورضا

وعرف بيني وبينهما في جنتك واسئلك لي ولهما الاجر في الاخرة
يوم القيمة والعفو يوم القضاء وبرد العيش عند الموت وقرة عين لا تنقطع
ولذة النظر الى وجهك وشوقا الى لقائك اللهم اني ضعيف فقو في
رضاك ضعفي وخذ الى الخير بناصيتي واجعل الاسلام منتهى رضاي واجعل
البر اكبر اخلاقي والتقوى زادي وارزقني الظفر بالخير لنفسي واصلح لي ديني
الذي هو عصمة امري وبارك لي في دنياي التي فيها بلاغي واصلح لي اخرتي
التي اليها معادي واجعل دنياي زيادة في كل خير واجعل اخرتي عافية من
كل شر وهون لي الانابة الى دار الخلود والتجافي عن دار الغرور والاستعداد
للموت قبل ان ينزل بي اللهم لا تاخذني بغتة ولا تقتلني فجاءة ولا
تعجلني عن حق ولا تسلبنيه وعافني من ممارسة الذنوب بتوبة نصوح ومن
الاسقام الدوية بالعفو والعافية وتوف نفسي امنة مطمئنة راضية
بما لها مرضية ليس عليها خوف ولا حزن ولا جزع ولا فزع ولا وجل ولا اثم
منك مع المؤمنين الذي سبقت لهم منا الحسنى وهم عن النار مبعدون اللهم
صل على محمد وال محمد ومن ارادني بحسن فاعنه عليه ويسره لي فاني لما
انزلت الي من خير فقير ومن ارادني بسوء او حسد او بغي او عداوة او ظلم
فاني ادرأ بك في نحره واستعين بك عليه فاكفنيه بم شئت واشغله عني
بم شئت فانه لا حول ولا قوة الا بك اللهم اني اعوذ بك من الشيطان
الرجيم ومن مغاويه واعتراضه وفزعه ووسوسته اللهم فلا تجعل له علي
سلطانا ولا تجعل له علي سبيلا ولا تجعل له في مالي وولدي شركا لا نصيبا
وباعد بيننا وبينه كما باعدت بين المشرق والمغرب حتى لا يفسد شيء من
طاعتك علينا واتم نعمتك عندنا بمرضاتك يا ارحم الراحمين وصلى الله
على سيدنا رسوله محمد النبي واله الطاهرين وسلم تسليما دعاى روز پنجشنبه
كه تعلق بحضرت داود دارد ابتدا بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ذهب بالليل
مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته وكساني ضياءه وانا في نعمته اللهم
فكما ابقيتني له فابقني لامثاله وصل على النبي محمد واله ولا تفجعني فيه

الذين ظ

شيئا

دعاى روز پنجشنبه

واتاني نعمته منه

فی غیر من اللیالی والایام بارتکاب المحارم واکتساب المآثم وارزقنی خیره
وخیر ما فیه وخیر ما بعده واصرف عنی شره وشر ما فیه وشر ما بعده
اللهم انی بذمة الاسلام اتوسل الیک وبحرمة القرآن اعتمد علیک
وبمحمد المصطفی استشفع لدیک فاعرف اللهم ذمتی التی رجوت بها قضاء
حاجتی یا ارحم الراحمین اللهم اقض لی فی الخمیس خمسا لا یتسع لها الا کرمک
ولا یطیقها الا نعمک سلامة اقوی بها علی طاعتک وعبادة استحق بها جزیل
مثوبتک وسعة فی الحال من الرزق الحلال وان تؤمننی فی مواقف الخزی
بامنک وتجعلنی من طوارق الهموم والغموم فی حصنک وصل علی محمد واله
واجعله لی شافعا یوم القیمة نافعا انک انت ارحم الراحمین دعای دیگر که
از حضرت کاظم در این روز مرویست اینست مرحبا بخلق الله الجدید وبکما من کاتبین
وشاهدین اکتبا بسم الله اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده
ورسوله واشهد ان الاسلام کما وصف والدین کما شرع والقول کما حدث
والکتاب کما انزل وان الله هو الحق المبین حیا الله محمدا بالسلام وصلی
الله علیه واله اصبحت اعوذ بوجه الله الکریم واسم الله العظیم وکلماته التامة
من شر السامة والهامة والعین اللامة ومن شر ما خلق وذرء وبرء ومن
شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم اللهم انی اعوذ
بک من جمیع خلقک واتوکل علیک فی جمیع اموری فاحفظنی من بین یدی و
من خلفی ومن فوقی ومن تحتی ولا تکلنی فی حوائجی الی احد من عبادک فیخذلنی
انت مولای وسیدی فلا تخیبنی من رحمتک اللهم انی اعوذ بک من زوال
نعمتک وتحویل عافیتک واستغیث بحول الله وقوته من حول خلقه وقوتهم
واعوذ برب الفلق من شر ما خلق حسبی الله ونعم الوکیل اللهم اعزنی بطاعتک و
اذل اعدائی بمعصیتک واقصمهم یا قاصم کل جبار عنید یا من لا یخیب من دعاه
ویا من اذا توکل العبد علیه کفاه اکفنی کل مهم من امر الدنیا والاخرة اللهم
انی اسئلک عمل الخائفین وخوف العاملین وخشوع العابدین وعبادة المتقین
واخبات المؤمنین وانابة المخبتین وتوکل الموقنین وبشر المتوکلین والحقنا

بالاحیاء

بالاحیاء المرزوقین وادخلنا الجنة واعتقنا من النار واصلح لنا شاننا کله
اللهم انی اسئلک بما ناداک یا من یملک حوائج السائلین ویعلم ضمیر
الصامتین انک بکل خیر عالم غیر معلم ان تقضی لی حوائجی وان تغفر لی و
لوالدی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات
وصلی الله علی سیدنا محمد النبی صلی الله علیه واله انک حمید مجید تسبیح روز
پنجشنبه اینست بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک لا اله الا انت الواسع الذی لا
یضیق البصیر الذی لا یضل النور الذی لا یخمد سبحانک لا اله الا انت الحی
الذی لا یموت القیوم الذی لا یهن [?] الصمد الذی لا یطعم سبحانک لا اله الا انت
ما اعظم شانک واعز سلطانک واعلی مکانک سبحانک لا اله الا انت ما
ابرک وارحمک واحلمک واعظمک واعلمک واسمعک واجلک واکرمک و
اعزک واعلاک واقواک واسمعک وابصرک سبحانک لا اله الا انت
ما اکرم عفوک واعظم تجاوزک سبحانک لا اله الا انت ما اوسع رحمتک
واکثر فضلک سبحانک لا اله الا انت ما انعم آلائک واسبغ نعمائک
سبحانک لا اله الا انت ما افضل ثوابک واجزل عطائک سبحانک لا
اله الا انت ما اوسع حجتک واوضح برهانک سبحانک لا اله الا انت
ما اشد اخذک واوجع عقابک سبحانک لا اله الا انت ما اشد مکرک
وامتن کیدک سبحانک لا اله الا انت تسبح لک السموات السبع و
الارضون السبع سبحانک لا اله الا انت القریب فی علوک المتعالی فی
دنوک المتدانی دون کل شیء من خلقک سبحانک لا اله الا انت القریب
قبل کل شیء والدائم مع کل شیء والباقی بعد فناء کل شیء سبحانک لا اله
الا انت تصاغر کل شیء لجبروتک وانقاد کل شیء لسلطانک وذل کل
کل شیء لعزتک وخضع کل شیء لملکک واستسلم کل شیء لقدرتک
سبحانک لا اله الا انت ملکت الملوک بعظمتک وقهرت الجبابرة بقدرتک
وذللت العظماء بعزتک سبحانک لا اله الا انت تسبیحا یفضل علی تسبیح
المسبحین کلهم من اول الدهر الی آخره وملأ السموات والارضین وملأ ما

خلقت وملأتها قدرت سبحانك لا اله الا انت تسبح لك السموات باقطارها والشمس في مجاريها والقمر في منازله والنجوم في مسيرها والفلك في معارجه سبحانك لا اله الا انت يسبح لك النهار بضوئه والليل بدجاه والنور بشعاعه والظلمة بغموضها سبحانك لا اله الا انت تسبح لك الرياح في مهبها والسحاب بامطارها والبرق باخطافه والرعد بارزامه سبحانك لا اله الا انت تسبح لك الارض باقواتها والجبال باطوادها والاشجار باوراقها والمراعي في منابتها سبحانك وبحمدك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك عدد ما سبحك من شيء وكما تحب يا ربنا ان تحمد وكما ينبغي لعظمتك وكبريائك وعزتك وقدرتك وصلى الله على رسوله محمد خاتم النبيين وآله اجمعين

عوذه روز پنجشنبه اینست بسم الله الرحمن الرحيم اعيذ نفسي برب المشارق والمغارب من كل شيطان مارد وقائم وقاعد وحاسد معاند وينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به ويذهب عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم ويثبت به الاقدام اركض برجلك هذا مغتسل بارد وشراب وانزلنا من السماء ماء طهورا لنحيي به بلدة ميتا ونسقيه مما خلقنا انعاما واناسي كثيرا الآن خفف الله عنكم ذلك تخفيف من ربكم ورحمة يريد الله ان يخفف عنكم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم لا اله الا الله والله غالب على امره لا اله الا الله محمد رسول الله اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ برسول الله وسلم تسليما

عوذه دیگر در این روز این است بسم الله الرحمن الرحيم اعيذ نفسي بقدرة الله وعزة الله وعظمة الله وسلطان الله وجلال الله وكمال الله وبجمع الله وبرسول الله الطيبين وبولاة امر الله من شر ما اخاف واحذر واشهد ان الله على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على سيدنا وآله وسلم تسليما وحسبنا الله ونعم الوكيل

و از حضرت امام محمد باقر مرویست که کسیکه در روز دوشنبه و پنجشنبه در هر یك از این دو روز سوره قدر را هزار بار بخواند الله تعالی از آن ملکی خلق کند که نام او قوی باشد و کف دست آن ملك بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین باشد و

خلق کند در بدن او در موضع هر ذره موئی و خلق کند در هر موئی هزار زبان که بهر زبانی نطق کند بقوت انس و جن و تمام آنها طلب آمرزش کنند از برای خواننده این سوره و الله تعالی مضاعف کرداند ایشا را بد و هزار و هزار بار چنانچه در کتاب بلد الامین و درع الحصين كفعمی مذکور است و ما اخبار بسیار در فضیلت سوره قدر ذکر کرده ایم در فصل چهل و پنجم در آنچه عمل میشود در ماه رمضان در دعای شب بیست و سیم از دهه آخر این ماه و بعضی از خواص و ثواب آنرا ذکر کرده در فصل سی و نهم این کتاب

استغفار

اعمال روز پنجشنبه

تتمه سنتست که در روز پنجشنبه هزار بار سوره قدر و هزار بار صلوات بر محمد و آل و فرستد باین روش که اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم واهلك عدوهم من الجن والانس من الاولين والاخرين از حضرت باقر مرویست که کسیکه روز پنجشنبه سوره مائده را بخواند ایمان او را از ظلم و شرك نپوشد هرگز چنانچه شیخ طبرسی ذکر کرده است و سنتست در روز پنجشنبه خواندن سوره مائده و زیارت قبور شهدا و زیارت قبور مؤمنان و سنتست که روز پنجشنبه مهیا شود از برای روز جمعه باین طریق که ناخنها را بچیند و یك ناخن را بگذارد که روز جمعه بچیند و شارب خود را بگیرد و بحمام رود و اگر ترسد که در روز جمعه نتواند غسل کردن در این روز غسل کند و نیت چنین کند که غسل جمعه میکنم مقدم سنة قربة الى الله و در این روز و روز دوشنبه طلب علم کند و کسیکه اراده حجامت کند در این روز حجامت کند و نهی وارد شده است از آشامیدن دوا در روز پنجشنبه و کسیکه در یکی از مشاهد باشد مکروه است که از آنجا بیرون رود تا آنکه روز جمعه بگذرد و کسیکه حاجتی دارد باید که در صبح روز پنجشنبه شروع در طلب حاجت نماید زیرا که پیغمبر فرموده است بار خدایا مبارك گردان از برای امت من در صبح پنجشنبه چنانکه شیخ طوسی در مصباح ذکر کرده است و شیخ طوسی در کتاب مصباح خود در اخر ادعیه ساعات دوازده کانه ذکر کرده است که و ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي كذا وكذا را بخواند و اما آن زیادتیها کما در اخر ادعیه ساعات ذکر کرده ایم شیخ طوسی ذکر کرده است اما سید بن

باقی در کتاب اختیار خود ذکر کرده است و خوب کرده است زیرا که آن زیادات مناسبت
دارد با حدیثی که از ائمه مرویست که فرموده اند که هرگاه برای امور دنیا و آخرت
خواهی توسل جوی بحضرت پیغمبر و هم بدو سبط او که امام حسن و امام حسین است
و بواسطهٔ انتقام از ظالم بعلی توسل جوی و بواسطهٔ نجات یافتن از سلاطین و
شیاطین بعلی بن الحسین توسل جوی و بواسطهٔ آخرت و آنچیزیکه تابع است از
طاعت بمحمد بن علی و جعفر بن محمد توسل جو و بواسطهٔ طلب عافیت از خدا بموسی بن
جعفر توسل جوی و بواسطهٔ طلب سلامتی از بر و بحر بعلی بن موسی توسل جوی و بواسطهٔ
رزق از الله تعالی بمحمد بن علی توسل جوی و بواسطهٔ نوافل و اخوان و چیزیکه طاعت
خدا در آن باشد بعلی بن محمد توسل جو و بواسطهٔ طلب آخرت بحسن بن علی توسل جو
و هرگاه شمشیر بمذبح تو رسد بصاحب الزمان توسل جوی و از او یاری طلب کن
که ترا اغاثت میکند ان شاء الله تعالی در بیان ادعیهٔ ساعات بدانکه هر ساعتی دو
دعا دارد چنانکه مذکور خواهد شد ساعت اول از طلوع صبح است تا طلوع آفتاب و این
ساعت تعلق دارد بامیر المؤمنین و در این ساعت این دعا را بخواند اللهم رب
البهاء والعظمة والکبریاء والسلطان اظهرت القدرة کیف شئت و
مننت علی عبادک بمعرفتک و تسلطت علیهم بجبروتک و علمتهم شکر نعمتک
اللهم فبحق ولیک علی امیر المؤمنین المرتضی للدین والعالم بالحکم و مجاری التقی
امام المتقین صل علی محمد و آل محمد فی الاولین والآخرین و اقدمه بین یدی
حوائجی و رغبتی الیک ان تصلی علی محمد و آله و ان تنتقم لی ممن ظلمنی و بغی
علی و اکفنی مؤنة من یریدنی بسوء او ظلم یا ناصر المظلوم المبغی علیه یا عظیم
البطش یا شدید الانتقام انک علی کل شیء قدیر و ان تفعل بی کذا و کذا و بگو
از برای من چنین و چنین دعای دیگر که تعلق باین ساعت دارد اینست اللهم رب
الظلام والفلق والفجر والشفق واللیل وما وسق والقمر اذا اتسق خالق
الانسان من علق اظهرت قدرتک ببدیع صنعتک و خلقت عبادک لما
کلفتهم من عبادتک و هدیتهم بکرم فضلک الی سبیل طاعتک و تفردت فی
ملکوتک بعظیم السلطان و تودّدت الی خلقک بقدیم الاحسان و تعرّفت الی

دعای حضرت امیر المؤمنین

بربهتک بجسیم الامتنان یا من یسئله من فی السموات والارض کل یوم هو
فی شأن اسئلک اللهم بمحمد خاتم النبیین الذی نزلت الروح علی قلبه
لیکون من المنذرین بلسان عربی مبین و بامیر المؤمنین علی بن ابی طالب
ابن عم الرسول و بعل البکر بضعة البتول الذی فرضت ولایته علی الخلق و کان
یدور حیث دار الحق ان تصلی علی محمد و آل محمد فقد جعلتهم وسیلتی و
قدمتهم امامی و بین یدی حوائجی ان تغفر ذنبی و تطهر قلبی و تشرح صدری و
تفرج کربی و تبلغنی من طاعتک و عبادتک غایة املی و تقضی لی حوائج الدنیا
والآخرة یا ارحم الراحمین ساعت دوم از طلوع آفتاب است تا بر طرف شدن سرخی
و خوب روشن شدن آفتاب و این ساعت از امام حسن است و این دعا را در این
ساعت باید خواند اللهم لبست بهائک فی اعظم قدرتک و صفا نورک فی
انوار ضوئک و فاض علمک فی حجابک و خلقت منه اهل الثقة بل عند
جودک تعالیت فی کبریائک علوا عظمت منه منتک علی اهل طاعتک فما
هنیت بهم اهل سمواتک بمنتک علیهم اللهم فبحق ولیک الحسن بن علی علیک
اسئلک و به استغیث الیک و اقدمه بین یدی حوائجی و رغبتی الیک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعیننی به علی طاعتک و رضوانک و تبلغنی
افضل ما بلغته احدا من اولیائک و اولیائهم فی ذلک یا ذا المن الذی لا ینفد
ابدا و یا ذا النعماء التی لا تحصی عددا [illegible] کریم یا اکرم و ان تفعل بی
کذا و کذا و بجای کذا و کذا حاجت خود را طلب نماید دعای دیگر که تعلق باین
ساعت دارد این است اللهم خالق السموات والارض و مالک البسط و
القبض و مدبر الابرام والنقض و من یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف
السوء و جعل عباده خلائف الارض و یا مالک و یا جبار یا واحد یا قهار
یا عزیز یا غفار یا من لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار یا من لا یمسک
خشیة الانفاق و لا یقتر خوف الاملاق یا کریم یا [illegible] یا مبتدئا بالنعم
قبل الاستحقاق یا من ینزل الملائکة بالروح من امره علی من یشاء من عباده
لینذر یوم التلاق کثرت نعمتک علی و صغر فی جنبها شکری و دام غناک علی

دعای حضرت امام حسن

وعظم الیك فقری اسئلك یا عالم سری و جهری یا من لا یقدر سواه علی
کشف ضری ان تصلی علی محمد رسولك المختار و حجتك علی الابرار و الفجار
و علی اهل بیته الطاهرین الاخیار و اتوسل الیك بالانزع البطین علما و با
الامام الزکی الحسن المقتول سما فقد استشفعت بهم الیك و قدمتهم امام
و بین یدی حوائجی فاسئلك ان تزیدنی من لدنك علما و تهب لی حکما و تجبر
کسری و تشرح بالتقوی صدری و ترحمنی اذا انقطع من الدنیا اثری و تذکرنی
اذا نسی ذکری برحمتك یا ارحم الراحمین ساعت ۳ از ذهاب شعاع است تا بلند
شدن آفتاب و این ساعت تعلق بامام حسین دارد و در این ساعت این دعا بخوانند
یا من تجبر فلا عین تراه یا من تعظم فلا تخطر القلوب بکنهه یا من حسن المن
یا حسن التجاوز یا حسن العفو یا جواد یا کریم یا من لا یشبهه شیء من خلقه یا من
من علی خلقه باولیائه اذا ارتضاهم لدینه و ادب بهم عباده و جعلهم حججا
منا منه علی خلقه اسئلك بحق ولیك الحسین بن علی سبط التابع لمرضاتك
و الناصح فی دینك و الدلیل علی ذاتك اسئلك بحقه و اقدمه بین یدی
حوائجی و رغبتی الیك ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعیننی علی طاعتك
و افعال الخیر و کل ما یرضیك عنی و یقربنی منك یا ذا الجلال و الاکرام و
الفضل و الانعام یا وهاب یا کریم و سؤال کن حاجت خود را دعای دیگر که تعلق
باین ساعت دارد اینست اللهم رب الارباب و مسبب الاسباب و مالك الرقاب
و مسخر السحاب و مسهل الصعاب یا حلیم یا تواب یا کریم یا وهاب یا مفتح الابواب
یا من حیث ما دعی اجاب یا من لیس له حاجب و لا بواب یا من لیس بحضرته
قفل و لا باب یا من لا یرخی علیه ستر و لا یضرب من دونه حجاب یا من
یرزق من یشاء بغیر حساب یا غافر الذنب یا قابل التوب شدید العقاب
قل هو الله ربی لا اله الا هو علیه توکلت و الیه متاب اللهم انقطع
الرجاء الا من فضلك و خاب الامل الا من کرمك فاسئلك بمحمد رسولك
و بصفیك علی بن ابی طالب و بالحسین بن علی الامام التقی الذی شری نفسه
ابتغاء مرضاتك و جاهد الناکثین عن نصر طاعتك فقتلوه ساغبا ظمآنا و

دعای حضرت امام حسین

هتکوا حرمته بغیا و عدوانا و حملوا راسه فی الافاق و احلوا محل اهل
العناد و الشقاق اللهم فصل علی محمد و آله و جدد علی الباقی علیه مخزیات
لعنتك و انتقامك و مهدیات سخطك و نکالك اللهم انی اسئلك بمحمد و
آله و استشفع بهم الیك و اقدمهم بین یدی حوائجی لا تقطع رجائی من
امتنانك و افضالك و لا تخیب تأمیلی فی احسانك و نوالك و لا تسلب
الستر المسدول علی من رحمتك و لا تغیر علی عوائد طولك و نعمك و و
فقنی لما یقربنی الیك و اصرفنی عما یباعدنی عنك و اعطنی من الخیر افضل
مما ارجوا و اکفنی من الشر ما اخاف و احذر برحمتك یا ارحم الراحمین ساعت ۴
از ارتفاع آفتاب است تا وقت زوال و از علی بن الحسین است و دعای آن این است
اللهم صفا نورك فی اتم عظمتك و علا ضیاؤك فی ابهی ضوئك اسئلك بنورك
الذی نورت به السموات و الارضین و قصمت به الجبابرة و احییت به الاموات
و امت به الاحیاء و جمعت به المتفرق و فرقت به المجتمع و اتممت به الکلمات
و اقمت به السموات اسئلك بحق ولیك علی بن الحسین الذاب عن دینك و
المجاهد فی سبیلك و اقدمه بین یدی حوائجی و رغبتی الیك ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تکفینی به و تنجینی من تعرض السلاطین و نفث الشیاطین
انك علی ما تشاء قدیر و ان تفعل بی کذا و کذا و حاجت خود را سؤال کن دعای
دیگر که تعلق باین ساعت دارد اینست اللهم انت الملیك لما لك و کل شیء
سوی وجهك الکریم هالك سخرت بقدرتك النجوم السوائر و امطرت
بقدرتك الغیوم السوافك و علمت ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة فی
الظلمات الحوالك و انزلت من السماء ماء فاخرجت به من ثمرات مختلفا
الوانها و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف الوانها و غرابیب سود و من الناس
و الدواب و الانعام مختلف الوانه یا سمیع یا بصیر یا بر یا شکور یا رحیم یا
غفور یا من یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور و یا من له الحمد فی الاولی
و الاخرة و هو الحکیم الخبیر فاطر السموات و الارض جاعل الملائکة رسلا اولی
اجنحة مثنی و ثلاث و رباع یزید فی الخلق ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر اسئلك

دعای علی بن الحسین

سؤال البائس الحسير واتضرع اليك تضرع الضالع الكسير واتوكل
عليك توكل الخاشع المستجير واقف ببابك وقوف المؤمل الفقير واتوجه
اليك بالبشير النذير السراج المنير محمد خاتم النبيين وبابن عمه امير
المؤمنين وبالامام علي بن الحسين زين العابدين وامام المتقين المخفي للصدقات
والخاشع في الصلوات والدائب المجتهد في المجاهدات الساجد ذي الثفنات ان
تصلي على محمد وآل محمد فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي
حوائجي ان تعصمني عن مواقعة معاصيك وترشدني الى موافقة ما يرضيك
وتجعلني ممن يؤمن بك ويتقيك ويخافك ويرجوك ويراقبك ويستحييك
ويتقرب اليك بموالاة من يواليك ويتحبب اليك بمعاداة من يعاديك و
يعترف لك بعظيم نعمتك واياديك برحمتك يا ارحم الراحمين ساعت پنجم از
وقت زوال است تا انكه مقدار چهار ركعت نماز از زوال بگذرد و اين ساعت از
امام محمد باقر است و دعاى او اينست اللهم رب الضياء والعظمة والنور و
الكبرياء والسلطان تجبرت بعظمة بهائك ومننت على عبادك بر افتك و
رحمتك ودللتهم على موجود رضاك وجعلت لهم دليلا يدلهم على محبتك
ويعلمهم محابتك ويدلهم على مشيتك اللهم فبحق وليك محمد بن علي عليهما السلام
واقدمهم بين يدي حوائجي وارغب اليك ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تعينني به على آخرتي في القبر وفي النشر والحشر وعند الميزان وعند الصراط يا
حنان يا منان يا ذا الجلال والاكرام وان تفعل بي كذا وكذا دعاى ديگر كه تعلق
باين ساعت دارد اينست اللهم انت الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه
سنة ولا نوم هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن
الرحيم هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم فالق الاصباح
وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم يا غالبا
غير مغلوب ويا شاهدا لا يغيب يا قريب يا مجيب ذلكم الله ربي عليه توكلت
واليه انيب اتذلل اليك تذلل الطالبين واخضع بين يديك خضوع
الراغبين واسألك سؤال الفقير المسكين وادعوك تضرعا وخفية انك

ويستحييك نسخه

دعاى امام محمد باقر

لا تخيب المعتدين وادعوك خوفا وطمعا ان رحمتك قريب من المحسنين و
اتوسل اليك بخيرتك وصفوتك من العالمين الذي جاء بالصدق وصدق
المرسلين محمد عبدك ورسولك النذير المبين وبوليك وعبدك علي
بن ابي طالب امير المؤمنين وبالامام محمد بن علي الباقر علم الدين والعالم
بتاويل الكتاب المستبين واسألك بمكانهم عندك واستشفع بهم اليك و
اقدمهم امامي وبين يدي حوائجي وان توزعني شكر ما اوليتني من نعمك وتجعل
لي فرجا من كل كرب وغم وترزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب وتيسر لي
من فضلك ما تغنيني به عن كل مطلب واقذف في قلبي رجاك واقطع رجائي ممن
سواك حتى لا ارجو الا اياك انك تجيب الداعي اذا دعاك وتغيث الملهوف
اذا ناداك وانت ارحم الراحمين ساعت ششم از مقدار گذشتن چهار ركعت است از
زوال تا وقت نماز ظهر و اين ساعت از حضرت صادق است و دعاى آن اينست كه
يا من لطف عن ادراك الاوهام يا من كبر عن موجود البصر يا من تعالى عن
الصفات كلها يا من جل عن معاني اللطف ولطف عن معاني الجلال اسألك بنور
وجهك وضياء كبريائك واسألك بحق عظمتك العافية من نورك واسألك
بحق وليك جعفر بن محمد عليهما السلام عليك واقدمه بين يدي حوائجي وارغب
اليك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعينني بطاعتك على امور الآخرة يا خير
من انزلت به الحوائج يا رؤوف يا رحيم يا جواد يا كريم وان تفعل بي كذا وكذا دعاى
ديگر اين ساعت اينست اللهم انت انزلت الغيث برحمتك وعلمت الغيب بغير سبيل
ودبرت الامور بحكمتك وذللت الصعاب بعزتك واعجزت الخلق عن علم كيفيتك
وحجبت الابصار عن ادراك صفتك والاوهام عن حقيقة معرفتك واضطرت
الافهام الى الاقرار بوحدانيتك يا من يرحم العبرة لك الملك والعزة والقدرة
لا يعزب عنك في الارض وما في السماء مثقال ذرة اتوسل اليك بالنبي الامي
محمد رسول الله العربي المكي المدني الهاشمي الذي اخرجتنا به من الظلمات الى النور
وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب الذي شرحت بولايته الصدور وبالامام
جعفر بن محمد الصادق في الاخبار المؤتمن على مكنون الاسرار صلى الله عليه و

دعاى امام جعفر صادق

على اهل بيته بالعشي والابكار اللهم اني اسئلك بهم واستشفع بمكانهم
لديك واقدمهم امامي وبين يدى حوائجي فاعطني الفرج الهنيء والمخرج
الوحي والصنع القريب والامان من الفزع في يوم العصيب وان تغفر لي
موبقات الذنوب وتستر على فاضحات العيوب فانت الرب وانا المربوب
وانا الطالب وانت المطلوب وانت الذي بذكرك تطمئن القلوب وانت الذي
تقذف بالحق وانت علام الغيوب يا اكرم الاكرمين ويا خير الحاكمين ويا احكم
الفاصلين ويا ارحم الراحمين ساعت ۹ از نماز ظهر است تا مقدار چهار رکعت نماز

دعای امام موسی کاظم

پیش از عصر از زوال بگذرد و این ساعت از حضرت کاظم است و دعای آن این است
يا من تكبر عن الاوهام صورته يا من تعالى عن الصفات نوره يا من قرب عند
دعاء خلقه يا من دعاه المضطرون ولجا اليه الخائفون وسئله المؤمنون
وعبده الشاكرون وحمده المخلصون اسئلك بحق نور المضيء وبحق وليك
موسى بن جعفر عليهما السلام عليك واتقرب به اليك واقدمه بين يدى
حوائجي ورغبتي اليك ان تصلي على محمد وال محمد وان تعافيني به مما
اخافه واحذره على عيني وجسدي وجميع جوارح بدني من جميع الاسقام و
الامراض والاعراض والعلل والاوجاع ما ظهر منها وما بطن بقدرتك يا ارحم
الراحمين وان تفعل بي كذا وكذا دعای دیگر که تعلق باین ساعت دارد این است
اللهم انت المرجو اذا حزن الامر وانت المدعو اذا مس الضر ومجيب الملهوف
المضطر والمنجي من ظلمات البر والبحر ومن له الخلق والامر والعالم بوساوس
الصدور والمطلع على خفي السرائر غاية كل نجوى واليك منتهى كل شكوى يا
من له الحمد في الاخرة والاولى يا من خلق الارض والسموات العلى الرحمن
على العرش استوى له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت
الثرى وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء
الحسنى اسئلك بمحمد خاتم النبيين خيرتك من خلقك والمؤتمن على اداء
رسالتك وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب الذي جعلت ولايته مقرونة
مع ولايتك ومحبته مقرونة برضاك ومحبتك وبالامام الكاظم موسى بن

جعفر

جعفر الذي سئلك ان تفرغه لعبادتك وتخليه لطاعتك فاوجبت
مسئلته واجبت دعوته ان تصلي على محمد واله صلوة تقضي بها عنا واجب
حقوقهم وترضى بها في اداء فروضهم واتوسل اليك بهم واستشفع بمنزلتهم
وقد قدمتهم امامي وبين يدى حوائجي ان تجريني على جميل عوائدك وتمنحني جزيل
فوائدك وتاخذ بسمعي وبصري وعلانيتي وسري وناصيتي وقلبي وعزمي و
لبي الى ما تميلني به على هواك وتقربني من اسباب رضاك وتوجب لي نوافل
فضلك وتستديم لي منائح طولك برحمتك يا ارحم الراحمين ساعت ۸ از نقدار
کنشتن چهار رکعت بعد از ظهر تا وقت نماز عصر و این ساعت از حضرت امام رضا

دعای حضرت امام رضا ع

است و دعای آن این است يا خير مدعو يا خير من اعطى يا خير من سئل يا خير من اضاء
باسمه ضوء النهار واظلم به ظلمة الليل وسئل باسمه وابل السيل ورزق
اوليائه كل خير يا من علا السموات نوره والارض ضوئه والشرق والغرب
رحمته يا واسع الجود اسئلك بحق وليك علي بن موسى عليك واقدمه بين
يدى حوائجي ورغبتي اليك ان تصلي على محمد وال محمد وان تكفيني به و
تنجيني مما اخاف واحذر في جميع اسفاري في البراري والقفار والاودية و
الاكام والغياض والجبال والشعاب في البحار يا واحد يا قهار يا عزيز يا جبار يا ستار
وان تفعل بي كذا وكذا دعای دیگر که تعلق باین ساعت دارد اللهم انت الكاشف
للملمات والكافي للمهمات والمفرج للكربات والسامع للاصوات والمخرج من
الظلمات والمجيب للدعوات الراحم للعبرات جبار الارض والسموات يا ولي يا
مولى يا علي يا اعلى يا كريم يا اكرم يا من له الاسم الاعظم يا من علم الانسان ما لم
يعلم فاطر السموات والارض وهو يطعم ولا يطعم اسئلك بمحمد المصطفى من
الخلق المبعوث بالحق وبامير المؤمنين الذي اوليته فالفيته شاكرا وابتليته
فوجدته صابرا وبالامام الرضا علي بن موسى الذي وفى بعهدك ووثق بوعدك
واعرض عن الدنيا وقد اقبلت اليه ورغب عن زينتها وقد رغبت فيه ان
تصلي على محمد وال محمد فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدى
حوائجي ان تهديني الى سبيل رضاك وتيسر لي اسباب طاعتك وتوفقني لابتغاء

الزلفة بموالاة اولیائك والدنو الیك الخلوص من معاداة اعدائك وتعیننی علی اداء فرائضك واستعمال سنتك وتوفقنی علی المحجة المؤدیة الی العتق من عذابك والفوز برحمتك یا ارحم الراحمین ساعت نهم از نماز عصر است تا گذشتن دو ساعت و این ساعت از امام محمد تقی است و دعای آن اینست یا من دعاه المضطرون فاجابهم والتجا الیه الخائفون فامنهم وعبده الطائعون فشکرهم وشکره المؤمنون فحباهم واطاعوه فعصمهم وسئلوه فاعطاهم ونسوا نعمته فلم یخل شکره من قلوبهم وامتن علیهم فلم یجعل اسمه منسیا عندهم اسئلك بحق ولیك محمد ابن علی حجتك البالغة ونعمتك السابغة ومحجتك الواضحة واقدمه بین یدی حوائجی ورغبتی الیك ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجود علی من فضلك وتتفضل علی من وسعك بما استغنی به عما فی ایدی خلقك وان تقطع رجائی الا منك وتخیب امالی الا فیك واسئلك بحق من حقه علیك واجب ممن اوجبت له الحق عندك ان تصلی علی محمد وال محمد وان تبسط علی ما حظرته من رزقك وتسهل لی ذلك وتیسره هنیئا مریئا فی یسر منك وعافیة برحمتك یا ارحم الراحمین وخیر الرازقین وان تفعل بی کذا وکذا دعای دهم که تعلق با من ساعت دارد این است اللهم یا خالق الانوار ومقدر اللیل والنهار ویعلم ما تحمل کل انثی وما تغیض الارحام وما تزداد وکل شیء عنده بمقدار اذا تفاقم امر طرح علیك واذا غلقت الابواب قرع باب فضلك واذا ضاقت الحاجات فزع الی سعة طولك واذا انقطع الامل من الخلق اتصل بك واذا وقع الیاس من الناس وقف الرجاء علیك اسئلك بمحمد النبی الاواب الذی انزلت علیه الکتاب ونصرته علی الاحزاب وهدیتنا به الی دار المآب وبامیر المؤمنین علی بن ابی طالب الکریم النصاب المتصدق بخاتمه فی المحراب وبالامام الفاضل محمد بن علی الذی سئل فوفقته لرد الجواب وامتحن فعضدته بالتوفیق والصواب صلی الله علیه وعلی اهل بیته الاطهار وان تجعلهم الائمة لی وجنتهم عصمة من النار وحجة الی دار القرار فقد توسلت بهم الیك وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی وتعصمنی من التعرض لمواقف سخطك وتوفقنی لسلوك محبتك ومرضاتك

دعای امام محمد تقی ع

فضلك

یا ارحم الراحمین ساعت دهم از گذشتن دو ساعت است بعد از نماز عصر تا پیش از زرد شدن آفتاب و این ساعت تعلق بحضرت امام علی نقی دارد و دعای آن اینست یا من علا فعظم یا من تسلط فتجبر وتجبر فتسلط یا من عز فاستکبر فی عزه یا من مد الظل علی خلقه یا من امتن بالمعروف علی عباده یا عزیزا ذا انتقام یا منتقما بعزته من اهل الشرك اسئلك بحق ولیك علی بن محمد علیك واقدمه بین یدی حوائجی ورغبتی الیك ان تصلی علی محمد وال محمد وان تعیننی به علی قضاء حوائجی ونوافلی وفرائضی وبر اخوانی وکمال طاعتك برحمتك یا ارحم الراحمین وان تفعل بی کذا وکذا دعای دیگر که تعلق باین ساعت دارد اینست اللهم انت الولی الحمید الغفور الودود المبدئ المعید ذو العرش المجید والبطش الشدید فعال لما یرید یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا من هو علی کل شیء شهید یا من لا یتعاظمه غفران الذنوب ولا یکبر علیه الصفح عن العیوب اسئلك بجلالك وبنور وجهك الذی ملا ارکان عرشك وبقدرتك التی قدرت بها علی خلقك وبرحمتك التی وسعت کل شیء وبقوتك التی ضعف بها کل قوی وبعزتك التی ذل لها کل عزیز وبمشیتك التی صغر لها کل کبیر وبرسولك الذی رحمت به العباد وهدیت به الی سبیل الرشاد وبامیر المؤمنین علی بن ابی طالب اول من امن برسولك وصدق والذی وفی بما عاهد علیه وتصدق وبالامام البر علی بن محمد علیهما السلام الذی کفیته حیلة الاعداء واریتهم عجیب الایة اذ توسلوا به فی الدعاء ان تصلی علی محمد وال محمد فقد استشفعت بهم الیك وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان تجعلنی من کفایتك فی حرز حریز ومن کلائتك تحت عز عزیز وتوزعنی شکر آلائك ومننك وتوفقنی للاعتراف بایادیك ونعمك یا ارحم الراحمین ساعت یازدهم که تعلق بحضرت امام حسن عسکری دارد پیش از زردی آفتاب است تا زرد شدن آفتاب و دعای آن اینست یا اولا بلا اولیة ویا اخرا بلا اخریة ویا قیوما بلا منتهی لقدمه یا عزیزا بلا انقطاع لعزته یا متسلطا بلا ضعف من سلطانه یا کریما بدوام نعمته یا جبارا ومعز الاولیائه یا خبیرا بعلمه یا علیما بقدرته یا قدیرا بذاته یا

دعای امام علی نقی ع

دعای حضرت امام حسن عسکری ع

اسئلك بحق وليك الامين المؤدي الكريم الناصح العليم الحسن بن علي
عليهما السلام اقدمه بين يدي حوائجي ورغبتي اليك ان تصلي على محمد وال
محمد وان تعينني على امري وتختم لي بخير حتى تتوفاني وانت عني راض و
تنقلني الى رحمتك ورضوانك انك ذو الفضل العظيم والمن القديم وان
تفعل بي كذا وكذا دعاء ديكر كه تعلق باين ساعت دارد اين است اللهم انك
منزل القرآن وخالق الانس والجان وجاعل الشمس والقمر بحسبان المبتدي
بالطول والامتنان والمبتدئ للفضل والاحسان وضامن الرزق لجميع الحيوان
لك المحامد والمدائح ومنك الفوائد والمنائح واليك يصعد الكلم الطيب و
العمل الصالح اظهرت الجميل وسترت القبيح وعلمت ما تخفي الصدور والجوارح
اسئلك بمحمد رسولك الى الكافة وامينك المبعوث بالرحمة والرافة و
بامير المؤمنين علي بن ابي طالب المفترض طاعته على القريب والبعيد المؤيد
بنصرك في كل موقف مشهود وبالامام الثقة الحسن بن علي عليهما السلام الذي
طرح للسباع فخلصته من مرابضها وامتحن بالدواب الصعاب فذللت له مراكبها
ان تصلي على محمد وال محمد فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين
يدي حوائجي وان ترحمني بتركي معاصيك ما ابقيتني وتعينني على التمسك بطاعتك
ما احييتني وان تختم لي بالخيرات اذا توفيتني وتفضل علي بالميسور اذا
حاسبتني وتهب لي العفو اذا كاشفتني ولا تكلني الى نفسي فاضل ولا تحوجني
الى غيرك فاذل ولا تحملني ما لا طاقة لي به فاضعف ولا تبتليني بما لا اصبر عليه
فاعجز واجرني على جميل عوائدك لدي ولا تؤاخذني بسوء فعلي ولا تسلط
علي من لا يرحمني برحمتك يا ارحم الراحمين ساعت دوازدهم از زردى آفتاب تا غرو
رفتن آفتاب واين ساعت تعلق بصاحب الزمان دارد ودعاى آن اينست يا من
توحد بنفسه عن خلقه يا من غني عن خلقه بصنعه يا من عرف نفسه خلقه
بلطفه يا من سلك باهل طاعته مرضاته يا من اعان اهل محبته على شكره يا من
من عليهم بدينه ولطف لهم بنائله اسئلك بحق وليك الخلف الصالح بقيتك
في ارضك المنتقم لك من اعدائك واعداء رسولك وبقية آبائه الصالحين

دعاء حضرت صاحب الامر

محمد

محمد بن الحسن واتضرع اليك به واقدمه بين يدي حوائجي ورغبتي اليك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تفعل بي كذا وكذا وان تداركني به وان تنجيني
مما اخافه واحذره والبسني به عافيتك وعفوك في الدنيا والآخرة وكن له
وليا وحافظا وناصرا وقائدا وكالئا وساترا حتى تسكنه ارضك طوعا و
تمتعه فيها طويلا يا ارحم الراحمين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم اللهم صل على محمد وال محمد اولي
الامر الذين امرت بطاعتهم واولي الارحام الذين امرت بصلتهم وذوي القربى
الذين امرت بمودتهم والموالي الذين امرت بعرفان حقهم واهل البيت
الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اسئلك ان تصلي على محمد
وال محمد وان تغفر ذنوبي كلها يا غفار وتتوب علي يا تواب وترحمني يا رحيم
يا من لا يتعاظمه ذنب وهو على كل شيء قدير دعاء ديكر كه تعلق باين ساعت
دارد اين است اللهم يا خالق السقف المرفوع والمهاد الموضوع ورازق العاصي
والمطيع الذي ليس من دونه ولي ولا شفيع اسئلك باسمائك التي اذا سميت
على طوارق العسر عادت يسرا واذا وضعت على الجبال كانت هباء منثورا و
اذا رفعت الى السماء تفتحت لها المغالق واذا هبطت الى ظلمات الارض
اتسعت بها المضايق واذا دعيت بها الموتى انتشرت من اللحود واذا نوديت
بها المعدومات خرجت الى الوجود واذا ذكرت على القلوب وجلت خشوعا و
اذا قرعت الاسماع فاضت العيون دموعا اسئلك بمحمد رسولك المؤيد بالمعجزات
المبعوث بمحكم الآيات وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب الذي اخترته لمواخاته
ووصيته واصطفيته لمصافاته ومصاهرته وبصاحب الزمان المهدي الذي
تجمع على طاعته الآراء المتفرقة وتؤلف له الاهواء المختلفة وتستخلص به
حقوق اوليائك وتنتقم به من شرار اعدائك وتملأ به الارض عدلا واحسانا
وتوسع على العباد بظهوره فضلا وامتنانا وتعيد الحق من مكانه عزيزا حميدا
وترجع الدين على يديه غضا جديدا ان تصلي على محمد وال محمد فقد استشفعت
بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي وان توزعني شكر نعمتك في التوفيق

لمن هو سولطه نا يتر الى طاعته وتزهدني قوة في التمسك بعصمته والاقتداء بسنته والكون في نصرته وشيعته انك سميع الدعاء برحمتك يا ارحم الراحمين

فصل هجدهم در بیان بعضی از دعاها که تعلق به دفع الام و علل اعضا و کشود بسته شده و تب دارد هرگاه ترا علتی باشد دست خود را در عقب هر نماز واجبی هفت مرتبه بموضع سجده خود بکش و بآن علت بمال و این دعا را بخوان یا من کبس الارض على الماء وسد الهواء بالسماء واختار لنفسه احسن الاسماء صل على محمد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا وارزقني وعافني من كذا وكذا و از حضرت صادق مرویست که فرمود که کسیکه علتی داشته باشد باید که تا چهل روز در هر صباح هر روز چهل بار بر آن علت این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين حسبنا الله ونعم الوكيل تبارك الله احسن الخالقين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و ذکر نفع آن در آخر فصل چهاردهم گذشت و در مصباح متهجد مذکور است که کسیکه از دردی طلب عافیت کند باید که در سجده دوم از دو رکعت اول نماز شب این دعا را بخواند این دعا را دعای عافیت گویند و سعد بن عبد الله از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت فرمود که من نزد پدر خود امام محمد باقر نشسته بودم و نزد او مردی بود که یکدست او فالج افتاده بود و سنگریزه در مثانه او بود که قادر بر بول کردن نبود مگر بسختی و از پدرم درخواست کرد که از برای او دعا کند پس پدرم او را امر کرد بخواندن این دعا بعد از نماز شب در حال سجده پس آنمرد این دعا را خواند و از آن مرض شفا یافت و من پدر خود را خبر دادم بشفا و عافیت آنمرد پدرم فرمود که ای پسرک من هر کس ببلائی گرفتار شود و از مردم آنرا پنهان کند و شکایت کند بسوی الله تعالى نزد قرائت این دعا و مسئلت نماید که خدا او را عافیت دهد عافیت مینماید او را از آن بلا باذن الله تعالى و دعا این است يا علي يا عظيم يا رحمن يا رحيم يا سميع الدعوات يا معطي الخيرات صل على محمد وآله واعطني من خير الدنيا والاخرة ما انت اهله واصرف عني من شر الدنيا والاخرة ما انت اهله واذهب عني هذا الوجع و در وقت گفتن هذا الوجع نام آن درد را ببرد و بعد از

آن بگوید قد غاظني واحزنني و الحاح کند در دعا که درد آن زودی عافیت می یابد انشاء الله و در کتاب مهج الدعوات از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت فرمود که هرگاه ترا علتی باشد بعد از نماز شب سجده کن و در حالت سجده بگو اللهم اني ادعوك دعاء العليل الذليل الفقير ادعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وقلت حيلته وضعف عمله من الخطيئة والبلاء دعاء مكروب ملهوف ان لم تداركه هلك وان لم تستنقذه فلا حيلة له ولا تحط بي يا سيدي ومولاي مكرك ولا تثبت علي غضبك ولا تضطرني الى اليأس من روحك والقنوط من رحمتك وطول الصبر على الاذى اللهم لا طاقة لي ببلائك ولا غنى عن رحمتك وهذا ابن بنت نبيك وحبيبك صلواتك عليه به اتوجه اليك فانك جعلته مفزعا للخائف واستودعته علم ما كان وهو كائن فاكشف ضري وخلصني من هذه البلية الى ما عودتني من عافيتك ورحمتك انقطع الرجاء الا منك يا الله يا الله يا الله ابن ادريس در کتاب سرائر روایت کرده است که مردی بحضرت صادق شکایت کرد از سفیدی که در چشم او بهم رسیده بود آنحضرت فرمود که بر تو باد که در حال سجده دعا کنی پس آنمرد چنان کرد و از آن مرض شفا یافت و از جمله ادعیه السر القدسیه اینست که الله تعالى فرمود که یا محمد کسیرا که مرضی عارض شود باید که توجه کند بسوی من و بگوید یا مصح الابدان من ملکته و یا مفرغ تلك الابدان لطاعته و یا خالق الادميين صحيحا وسقيما و يا ممرض اهل السقم و اهل الصحة للاجر والبلية و يا مداوي المرضى وشافيهم بطبه و يا مفرج عن اهل البلاء بلاياهم بجليل رحمته قد نزل بي من الامر ما رضي فيه اقاربي واهلي والصديق والبعيد وما شمت بي فيه اعدائي حتى صرت مذكورا ببليتي في افواه المخلوقين واعيتني اطباء اهل الارض لقلة علمهم بدوائي وطبيب دوائي في علمك عندك مثبت فانفعني بطبك فلا طبيب ارجى عندي منك ولا رحيم اشد تعطفا منك على قد غيرت بليتك نعمتك على فحول ذلك عني الى الفرج والنماء فانك ان لم تفعل لم ارجه من غيرك فانفعني بطبك وداوني بدوائك يا رحيم پس هرگاه این دعا را بخواند من آنمرض را از او

برهیکردانم واورا عافیت کرامت میکنم وازجمله دعاهای صحیفهٔ حضرت امام زین العابدین
که هرگاه بیمار میشد یا اندوهی یا بلائی با آنحضرت روی میداد آنرا میخواند وآن
اینست اللهم لك الحمد علی ما لم ازل اتصرف فیه من سلامة بدنی فلك الحمد
علی ما احدثت بی من علة فی جسدی فما ادری یا الهی ای الحالین احق بالشکر لك وای
الوقتین اولی بالحمد لك اوقت الصحة التی هنأتنی فیها طیبات رزقك ونشطتنی بها لابتغاء مرضاتك و
فضلك وقویتنی معها علی ما وفقتنی له من طاعتك ام وقت العلة التی
محصتنی بها والنعم التی اتحفتنی بها تخفیفا لما ثقل به علی ظهری من الخطیئات
وتطهیرا لما انغمست فیه من السیئات وتنبیها لتناول التوبة وتذکیرا لمحو
الحوبة بقدیم النعمة وفی خلال ذلك ما کتب لی الکاتبان من زکی الاعمال ما
لا قلب فکر فیه ولا لسان نطق به ولا جارحة تکلفته بل افضالا منك علی
واحسانا من صنیعك الی اللهم صل علی محمد وآله وحبب الی ما رضیت لی
ویسر لی ما احللت بی وطهرنی من دنس ما اسلفت وامح عنی شر ما قدمت و
اوجدنی حلاوة العافیة واذقنی برد السلامة واجعل مخرجی عن علتی الی عفوك
ومتحولی عن صرعتی الی تجاوزك وخلاصی من کربی الی روحك وسلامتی من هذه
الشدة الی فرجك انك المتفضل بالاحسان المتطول بالامتنان الوهاب الکریم
ذو الجلال والاکرام ودر کتاب عدة الداعی از حضرت صادق روایت کرده است
که آنحضرت فرمود که هرگاه علتی داشته باشی باید که در زیر سقف بر آسمان روی
وهر دو دست خود را بلند کنی وبگوئی اللهم انك عیرت اقواما فی کتابك فقلت
قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم ولا تحویلا فیا من
لا یملك کشف ضری ولا تحویله عنی احد غیره صل علی محمد وآله واکشف ضری
وحوله الی من یدعو معك الها آخر فانی اشهد ان لا اله غیرك وبعضی دیگر از
ادعیهٔ عافیت که در عدة مذکور است این است که حضرت صادق بداود بن زربی
در حالتیکه او بیمار بود نوشت که باید داود یک صاع گندم بخرد وبر پشت بخوابد وآن
گندم بر روی سینهٔ خود بریزد بروشی که ریخته شود وبگوید اللهم انی اسئلك
باسمك الذی اذا سألك به المضطر کشفت ما به من ضر ومکنت له فی الارض و

جعلته

آوردی

انعمت به

جعلته خلیفتك ان تصلی علی محمد وعلی اهل بیته وان تعافینی
من علتی وبعد از آن راست بنشین وگندمها از حوالی خود جمع کن وباز
این دعا را بخوان وبعد از آن یک مد قسمت کن وبهر مسکینی یک مد
بده در وقت دادن باز این دعا را بخوان داود گوید که چنین کردم گویا
از بند گشوده شدم وبسیار کس این عمل را بجا آورده اند وبان منتفع شده اند
وباز در عدة الداعی از آنحضرت نقل کرده اند که هرگاه دردی داشته
باشی دست خود را بر موضع درد بگذار وسه بار بگو الله الله ربی حقا لا
اشرك به شیئا اللهم انت لها ولکل عظیمة ففرجها عنی وباز در عدة
از آنحضرت روایت کرده است که فرمود که برای همهٔ دردها بگو بسم الله و
بالله کم من نعمة لله فی عرق ساکن وغیر ساکن علی عبد شاکر وغیر شاکر
وبعد از آن در عقب نماز واجبی محاسن خود را بدست راست بگیر وسه بار
بگو اللهم فرج عنی کربتی وعجل عافیتی واکشف ضری وجهد کن که
این دعا را بگریه واشك چشم بخوانی وباز در عدة از حضرت امام محمد باقر روایت
کرده است که آنحضرت فرمود که حضرت علی را مرضی طاری شده بود پس حضرت
پیغمبر نزد او آمد وگفت یا علی بگو اللهم انی اسئلك تعجیل عافیتك و
صبرا علی بلیتك وخروجا من الدنیا الی رحمتك سید بن طاوس این دعا را
در مهج خود روایت کرده است وگفته است که جبرئیل بر پیغمبر نازل شد در روز
خیبر واین دعا آورد ودر مهج باین طریق واقع شده است که وصبرا علی بلیتك
وخروجا من الدنیا الی رحمتك ودرین کتاب وصبرا او خروجا واقع است و
نیز در کتاب عدة از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت فرمود که هرگاه
ترا دردی باشد دست خود را بر آن درد بگذار وبگو بسم الله وبعد از آن دست
خود را بر آن بمال وهفت مرتبه بگو اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ
بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله واعوذ
باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی ونیز در کتاب عدة
روایت کرده است که هرگاه فرزند بیمار شود باید که مادر او بر پشت بام رود و

مقنعه از سر خود برمیدارد چنانچه موی او نمایان شود بطرف آسمان و سجده کند
و بگوید اَللّٰهُمَّ رَبِّ اَنْتَ اَعْطَیْتَهُ وَاَنْتَ وَهَبْتَهُ لِی اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتَکَ
اَلْیَوْمَ جَدِیدَةً اِنَّکَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ که هنوز از سجده سر برنداشته باشد که
فرزند او شفا یابد و شیخ شهید ره در کتاب دروس گفته است که درد کسیکه
مشتد شود چهل نوبت سورهٔ الحمد بر قدح آب بخواند و از آن آب بر مریض بپاشد
و مقداری گندم نزد مریض بگذارند و او بدست خود بسایل دهد و امر کند سایل
که او را دعا کند که از آن مرض شفا یابد ان شاء الله از حضرت پیغمبر مرویست که
فرموده است که هیچ سوره از قرآن کریم نازل نشده است مگر آنکه در آن لفظ
فا هست و لفظ فا اشاره است بآفت مگر سورهٔ مبارکهٔ الحمد که در آن لفظ
فا نیست پس کسیکه او را چهل بار بر قدح آب بخواند و آن را بر بیمار بپاشد از
آن مرض شفا یابد و از حضرت امام محمد باقر مرویست که فرمود که کسیکه سورهٔ
الحمد و اخلاص بخواند و او را شفا ندهد هیچ چیز او را شفا نخواهد داد و هر علتی که
باشد این دو سوره او را از آن علت خلاص میدهد و دیده ام من بخط شیخ شهید
که گفته است هرگاه شخصی بازوی راست بیمار را بگیرد و هفت بار الحمد بخواند
بعد از آن این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اَزِلْ عَنْهُ الْعِلَلَ وَالدَّاءَ وَاَعِدْهُ اِلَی الصِّحَّةِ
وَالشِّفَاءِ وَاَمِدَّهُ بِحُسْنِ الْوِقَایَةِ وَرُدَّهُ اِلَی حُسْنِ الْعَافِیَةِ وَاجْعَلْ مَا نَالَهُ فِی مَرَضِهِ
هٰذَا مَادَّةً لِحَیَاتِهِ وَکَفَّارَةً لِسَیِّئَاتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و اگر فایده
ندهد هفتاد بار الحمد بخواند که البته فایده میدهد و از آن مرض خلاص میشود
و نیز شیخ شهید ره در دروس فرموده است که دعا کردن در حال سجود زایل میکند
علتها را و همچنین دست را بر موضع سجده مالیدن و بر آن علت کشیدن زایل مرض
میکند و از حضرت صادق ع مرویست که یکی از مؤمنان هرگاه علتی داشته باشد
واند وی اخلاص بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ و دست
بر آن علت بکشد الله تعالی او را از آن علت شفا میدهد و از حضرت امام رضا ع
مرویست که فرمود که از برای دفع جمیع امراض بگو یَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْزِلْ عَلٰی وَجَعِی الشِّفَاءَ و از حضرت پیغمبر مرویست که فرمود

انتها این دعا علی بخواند

که هیچ بنده نیست که این کلمات را بر مریض بخواند مگر آنکه الله تعالی او را شفا
دهد مگر آنکه مرگ او مقدر شده باشد و آن کلمات این است سَئَلُ اللّٰهَ
الْعَظِیمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اَنْ یَشْفِیَکَ و در کتاب مجتنی مذکور است که برای
بیمار این دعا را باید خواند اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ عَلٰی نَبِیِّکَ
الْمُرْسَلِ وَمَا اَصَابَکُمْ مِنْ مُصِیبَةٍ فَبِمَا کَسَبَتْ اَیْدِیکُمْ وَیَعْفُوا عَنْ کَثِیرٍ
اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الْمَرَضَ مِنَ الْکَثِیرِ الَّذِی تَعْفُو
عَنْهُ وَتُبْرِئُ مِنْهُ اُسْکُنْ اَیُّهَا الْوَجَعُ وَارْتَحِلْ السَّاعَةَ عَنْ هٰذَا الْعَبْدِ الضَّعِیفِ
سَکَّنْتُکَ وَرَحَّلْتُکَ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ
پس اگر عافیت یافت بیکبار خواندن فبها والا مکرر بخواند تا شفا یابد و در کتاب
مهج الدعوات از حضرت علی مرویست که بیمار یکبار این دعا را بخواند از مرض شفا یابد
این دعا از ابن عباس مرویست که او گفت من نزد علی نشسته بودم که مردی داخل
متغیر اللون و گفت یا علی من مردی ام بسیار سقیم کثیر العلل دعائی بمن یاد ده که با آن
نفع یابم آنحضرت فرمود که این دعا را بخوان که جبرئیل در مرض حسنین به پیغمبر
آورده و آن دعا این است اِلٰهِی کُلَّمَا اَنْعَمْتَ عَلَیَّ تا آخر ابن عباس گوید که بعد از
یکسال آن مرد را دیدم با رنگ سرخی گفت که هرگاه بیمار شدم و این دعا را خواندم
شفا یافتم و بر سلطانی که از او خایف بودم هرگاه داخل شده خواندم الله تعالی
او را در کرد از من و این روایت سید بن طاوس در مهج الدعوات ذکر کرده است
و آن دعا این است اِلٰهِی کُلَّمَا اَنْعَمْتَ عَلَیَّ بِنِعْمَةٍ قَلَّ عِنْدَهَا شُکْرِی وَکُلَّمَا ابْتَلَیْتَنِی
بِبَلِیَّةٍ قَلَّ عِنْدَهَا صَبْرِی فَیَا مَنْ قَلَّ شُکْرِی عِنْدَ نِعَمِهِ فَلَمْ یَحْرِمْنِی وَیَا مَنْ قَلَّ
صَبْرِی عِنْدَ بَلَائِهِ فَلَمْ یَخْذُلْنِی وَیَا مَنْ رَآنِی عَلَی الْخَطَایَا فَلَمْ یَفْضَحْنِی وَیَا مَنْ رَآنِی
عَلَی الْمَعَاصِی فَلَمْ یُعَاقِبْنِی عَلَیْهَا صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِی ذَنْبِی وَاشْفِنِی
مِنْ مَرَضِی اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و نیز از آنحضرت مرویست این عوذه از برای
هر آفتی که در جسد بهم رسد و آن عوذه این است اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَی الْاَشْیَاءِ
کُلِّهَا اُعِیذُ نَفْسِی بِجَبَّارِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاُعِیذُ نَفْسِی بِمَنْ لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ
شَیْءٌ مِنْ دَاءٍ وَاُعِیذُ نَفْسِی بِالَّذِی اسْمُهُ بَرَکَةٌ وَشِفَاءٌ پس هر که بخواند این دعا را ضرر نمی

رساند باو الی و در اینمقام چند دعای متفرقه هست از برای دفع علل اعضای
متفرقه که منقولست از کتاب طب الائمه و غیر آن علامه قدس الله سره در کتاب
تحریر خود ذکر کرده است که هشام بن ابرهیم بحضرت امام رضا از بیماری خود
شکایت کرد و از اینکه او را ولدی نمیشد آنحضرت ورا امر کرد که آواز خود را
بلند کند در اذان که در منزل خود میگوید پس هشام در اذان آواز خود را بلند کرد
در منزل خود پس سقم و مرض او برطرف شد و اولاد او بسیار شد محمد بن راشد گوید
که من و خدمه من همیشه علیل بودیم پس چون این حدیث از هشام شنیدم و بآن
عمل کردم پس از من و عیال من بیماری و مرض زایل شد و از حضرت امام محمد باقر
بواسطه درد سر مرویست که دست خود را بر موضع که درد میکند بگذارد و
هفت مرتبه بگو اعوذ بالذی سکن له ما فی البر و البحر و ما فی السموات و ما فی الارض
وهو السمیع العلیم و از برای درد گوش نیز همین عمل کن که شفا میابی ان شاء الله
و از حضرت امام حسن عسکری مرویست که از برای درد سر بر قدح آب این آیه بخواند
که اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا
من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و از آن آب بیاشامد که شفا میابی از برای درد
شقیقه از حضرت امام محمد باقر مرویست که فرمود که دست خود را بر طرفی از سر
که درد دارد بگذار و سه بار بگو یا ظاهرا موجودا و یا باطنا غیر مفقود اردد
علی عبدک الضعیف ایادیک الجمیلة عنده واذهب عنه ما به من اذی
انک رحیم قدیر و نیز از آنحضرت مرویست که از برای کری گوش دست خود را
بگذار بآن گوشی که نمیشنود و بگو لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره از برای
درد دهن از حضرت صادق مرویست که فرمود که دست خود را بر موضع درد
بگذارد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ
بکلمات الله التی لا یضر معها شیء قدوس قدوس قدوس اسئلک یا رب
باسمک الطاهر المقدس المبارک الذی من سئلک به اعطیته ومن دعاک
به اجبته اسئلک یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد النبی واهل
بیته وان تعافینی مما اجده فی فمی و راسی و فی سمعی و فی بصری و فی بطنی و فی

ظهر

ظهری و فی یدی و فی رجلی و فی جوارحی کلها که شفا میابی ان شاء الله
از برای درد دندان از حضرت صادق مرویست که دست خود را بر موضع
درد بگذارد و الحمد و توحید و قدر و این آیه کریمه و تری الجبال تحسبها جامدة
وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون بخواند
که شفا یابد و نیز از برای درد دندان از امیر المؤمنین مرویست که دست
خود را بر موضع سجود خود بکش پس دست خود را بر دندان که درد میکند
بمال و در آنوقت این دعا را بخوان که بسم الله و الشافی الله و لا حول و لا قوة
الا بالله از برای درد شکم از پیغمبر مرویست که فرمود که هرگاه شکم کسی درد
کند قدری از عسل را آب گرم داخل کند و بیاشامد و هفت مرتبه الحمد
بخواند که شفا یابد ان شاء الله و نیز از حضرت امیر المؤمنین مرویست که آب گرم
بیاشام و بگو یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله
الالهة یا ملک الملوک یا سید السادات اشفنی بشفائک من کل داء و
سقم فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک از برای درد پهلو از
حضرت امام محمد باقر مرویست که فرمود هرگاه از نماز فارغ شوی دست
خود را بر موضع سجده بگذار و این آیه افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا
لا ترجعون فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم ومن
یدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون
وقل رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین بخوان از برای درد ناف از حضرت
صادق مرویست که فرمود دست خود را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه
وانه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من
حکیم حمید را بخوان از برای درد مثانه از آنحضرت مرویست که فرمود که در
وقت خوابیدن سه بار این آیه الم تعلم ان الله له ملک السموات و الارض و ما
لکم من دون الله من ولی و لا نصیر را بخوان و چون بیدار شوی همین را یکبار بخوان
از برای درد پشت از امام محمد باقر مرویست که دست خود را بر موضع درد بگذار
و این آیه کریمه و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا مؤجلا و من یرد ثواب

الم تعلم ان الله علی کل شیء قدیر

الدنیا نؤته منها ومن یرد ثواب الاخرة نؤته منها وسنجزی الشاکرین را بخوان
وهفت بار سورهٔ قدر را بخوان ازبرای درد زانوها از آنحضرت مرویست که فرمود
که هرگاه زانو درد کند آب گرم در طشتی کن و در آن بنشین و دست
خود را برزانو نه و بگذار و این آیه اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون را بخوان
و این آیه در باب درد سر گذشت ازبرای درد زانوها از آنحضرت مرویست که
فرمود که بعد از نماز بگو یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من
استرحم ارحم ضعفی وقلة حیلتی وعافنی من وجعی ازبرای درد فرج از حضرت
صادق مرویست که دست چپ خود را بر آنموضع گذارد و سه بار بگو بسم الله
وبالله بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم
ولا هم یحزنون و بعد از آن بگو اللهم انی اسلمت وجهی الیک وفوضت امری
الیک لا ملجأ ولا منجا منک الا الیک ازبرای درد ساقها از آنحضرت مرویست
که بخوان بر ساقها هفت مرتبه واتل ما اوحی الیک من کتاب ربک لا مبدل لکلماته
ولن تجد من دونه ملتحدا ازبرای دفع بواسیر از حضرت علی مرویست که فرمود
که دعای یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا باریء یا راحم صل علی
محمد وآله واردد علی نعمتک واکفنی امر وجعی هر بواسیر بخوان ازبرای
درد پاها از باقر مرویست که فرمود که بر پاها اول سورهٔ فتح را بخوان بسم الله
الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا تا ولله جنود السموات والارض وکان الله
عزیزا حکیما ازبرای درد عراقیب که آن جمع عرقوبست و آن پی پاشنه است و
ازبرای درد زیر قدم از امام حسین مرویست که دست خود را بر موضع درد بگذار
و بگو بسم الله وبالله وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم
القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون ازبرای ورم
از صادق مرویست که فرمود که کسیرا که ورمی در بدن باشد باید که وضو
بسازد ازبرای نماز واجبی و قبل از نماز و بعد از نماز ورم خود را تعوید کند با خر
سورهٔ حشر از قول الله تعالی لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره را بخوان

ازبرای

ازبرای عرق النسا که آن عصب است از ورک تا پاشنه کشیده است از
برای دفع آن مرض از علی مرویست که فرمود دست خود را بر آنموضع بگذار و بگو
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله اعوذ باسم الله الکبیر واعوذ باسم الله
العظیم من شر کل عرق نعار ومن شر حر النار ازبرای دفع سل از حضرت صادق
مرویست که فرمود که صاحب سل سه بار بگوید اللهم یا رب الارباب ویا
سید السادات ویا اله الالهة ویا ملک الملوک ویا جبار السموات و
الارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک وابن عبدک اتقلب فی
قبضتک وناصیتی بیدک ازبرای دفع خنازیر که آن عصب است ناورا صلبه
مستدیره که در عروق و زیر بغل و اصل ران حاصل میشود و ثعلبی گفته است
که خنازیر غدهٔ چنداست که در گردن بهم میرسد حضرت امام رضا فرمود که
برای دفع خنازیر بگو یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی که انشاء الله دفع میشود
ازبرای برص از حضرت صادق مرویست که صاحب برص وضو کند و دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از نماز بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا سامع الاصوات یا معطی
الخیرات اعطنی خیر الدنیا والاخرة وقنی شر الدنیا والاخرة واذهب عنی ما
اجد فقد غاظنی واحزننی ازبرای خونی که از بینی آید و ازبرای دملها و جراحتها
از حضرت صادق مرویست که فرمود که کسیکه غالب باشد برو یکی از آنها در
وقتیکه بجامهٔ خواب میرود بگوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته التامات التی
لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر کل ذی شر ازبرای بادیکه عارض طفلان میشود
حضرت صادق فرمود که هفت الحمد را بمشک و زعفران بنویسند و آنرا بآب بشویند
و از آن آب تا یکماه بان طفل بدهند که شفا مییابد ازبرای صرع امام رضا فرمود
که قدحی را آب کنند و سورهٔ الحمد و معوذتین بخوانند و بر آن قدح بدمند و
از آن بر روی و سر مصروع بریزند و نیز ازبرای صرع مرویست از علی ابن ابیطالب
که بر کسیکه صرع داشته باشد این دعا را بخوان که عزمت علیک یا ریح بالعزیمة
التی عزم بها علی بن ابی طالب ورسول الله علی جن وادی الصفراء فاجابوا
واطاعوا لما اجبت واطعت وخرجت عن فلان بن فلان ازبرای مثر که آن

ایضا بعد از نماز
ابتدا عما بخواند

دانهای سرخی است که در ظاهر پوست بهم میرسد بقدر دانهای مرواریدند
دفع آن از حضرت صادق مرویست که انگشت سبابه را دور آن بگردان و
هفت بار دور آن بگردان و هفت بار بگو لا اله الا الله الحلیم الکریم و در نوبت
هفتم بانگشت سبابه آنرا سخت بفشار دفع از برای قولنج از آنحضرت مرویست
که فرمود که از برای صاحب قولنج بنویس فاتحه و توحید و معوذتین را و بعد از
آن اینرا بنویس اعوذ بوجه الله العظیم و بعزته التی لا ترام و بقدرته
التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و بعد از آن آنرا باب
بشوی و آنرا بصاحب قولنج ده که بناشتا بیاشامد از برای درد لوی یعنی تخمه و
امتلاء مرویست از حضرت کاظم که فرمود که کسیرا که لوی باشد سه بار این آیه
را بر آب خواند که یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر او لم یر الذین کفروا ان
السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا
یؤمنون و بعد از آن آب را بیاشامد و دست خود را بر شکم خود بکشد شفا یابد
از برای سلعه که آن پارچه گوشت زائدیست مثل غده که در بدن انسان
بهم میرسد گاهی بر طرف میشود و گاهی پیدا میشود از برای دفع آن حضرت صادق
فرمود که کسیکه سلعه داشته باشد باید سه روز روزه بدارد و در روز
سیم نزد زوال غسل کند و باو باید جامه پاکی و چهار رکعت نماز کند بدو سلام
در هر رکعتی بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند چون از نماز فارغ شود جامه
خود را بکند و لنگ پاکیزه بخود ببندد و بسجده رود و روی خود را بر زمین
بچسباند و از روی خضوع و خشوع بگوید یا واحد یا احد یا صمد یا کریم یا جبار
یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکشف ما بی من
ضر و البسنی العافیة الشافیة الکافیة فی الدنیا و الآخرة و امنن علی
بتمام النعمة و اذهب ما بی فقد آذانی و غمنی از برای ثالیل و آن جمع ثالول است
و ثولول ماننده بلند چیزیست که بر عضو بهم میرسد از برای دفع آن از حضرت امام رضا
مرویست که فرمود که بگیر از برای هر ثالولی که بر عضو تو است هفت دانه جو
و هر جوی از اول سوره اذا وقعت تا هباء منبثا و آیه یسئلونک عن الجبال

فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا
هفت بار بخواند و بعد از ان فراکیر هر دانه جوی را و بر ثولول بکش و بعد
از آن آن دانهای جو را بر لته بگذار و بر آن لته سنگی ببند و در چاه ادبخانه
اندازند و بعضی گفته اند که بهتر آنست که این عمل را در تحت الشعاع بجا آورند
و نیز از حضرت علی مرویست که در نقصان ماه هفت روزی در پی بر ثالول
آیه و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها
من قرار و بست الجبال بسا فکانت هباء منبثا را بخوان از برای وسوسه شیخ
وجب الدین در کتاب خود گفته است که کسیکه بسیار بگوید یا غفور وسوسه
او بر طرف شود و از حضرت صادق مرویست که فرمود که دست خود را بر
سینه خود بکش و بگو بسم الله و بالله محمد رسول الله و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما احذر و همین دعا را گرسنه باید بخواند
بعد از آنکه دست خود را بر شکم خود بکشد الله تعالی وسوسه و آن دردی را زود
نقد زایل کند سید علی بن غیاث الدین در کتاب خود و ابن ادریس در رساله
خود این آیات را که از برای آسانی وضع حمل مذکور شد از حضرت امام جعفر
صادق روایت کرده اند که بنویسند این آیه را بر کاغذی بسم الله الرحمن الرحیم
کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار کانهم یوم یرونها
لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرات عمران رب انی نذرت لک
ما فی بطنی محررا و آن کاغذ را بر ران راست آن زن ببندند چون زایید آن کاغذ را
از او جدا کنند و نیز از برای عسر ولادت از حضرت صادق مرویست که بنویسد
بسم الله الرحمن الرحیم مریم ولدت عیسی هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفة
ثم من علقة ثم یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخا فان مع
العسر یسرا ان مع العسر یسرا و صلی الله علی محمد و آل محمد و سلم تسلیما و بر
زن ببندند که آسان بزاید و در بعضی کتابهای امامیه مذکور است که از
برای عسر ولادت اول سوره انشقاق را بسم الله الرحمن الرحیم اذا السماء
انشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت و القت ما فیها و تخلت

وكذلك تلقي الحامل ما في بطنها سالماً ان شاء الله بنويسد ظاهر آنست كه كذلك
تا آخر داخل شرح باشد نه دعا يعني هم چنين حامل مي‌اندازد آنچه را كه در شكم
دارد بحضرت ان شاء الله اماً قولاً وكه بعد از ين گفته است كه ثم يكتب
بسم الله وبالله قرينه قويتر است كه كذلك تا آخر از تتمه دعا باشد واز ابعد
از والقت ما فيها بايد نوشت وبعد از ان بسم الله وبالله ان مع العسر يسرا
هفت بار واول سورة حج را تا شديد بايد نوشت وبر خدا بسر زن بست ودر
كتاب طب الائمة ديده ام كه اين دعا از علي مرويست وانحضرت فرموده است كه
اين دعا بر روي آهو بنويسد وبر تهيگاه زن ببندند پس بسم الله وبالله ان مع العسر يسرا
هفت بار واول سورة حج را تا شديد بنويسد وبعد از ان آنرا بر ران چپ زن ببندد
كه آسان ميزايد ان شاء الله ودر كتاب حيوة الحيوان مذكور است كه براي عسر ولادت
آنچه را ميبايد نوشت كه از حضرت عيسي مروي شده است نيست يا خالق النفس
من النفس ومخرج النفس من النفس ومخلص النفس من النفس خلصها وبعد از ان
بر ران زن بايد بست كه آسان ميزايد ان شاء الله صاحب كتاب حيوة الحيوان
گفته است كه براي عسر ولادت اينرا بنويسد كه بسم الله الرحمن الرحيم لا اله
الا الله الحليم الكريم سبحان الله رب العرش العظيم الحمد لله رب العالمين كانهم
يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم
الفاسقون از براي حل مربوط يعني كشادن كسيرا كه بسته باشند وبا زوجه خود
نتواند مقاربت كرد شيخ ابو العباس احمد بن فهد در كتاب عدة الداعي ذكر كرده
كه اول سورة فتح را كه بسم الله الرحمن الرحيم انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما
تقدم من ذنبك وما تاخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما
وسورة اذا جاء نصر الله وقول الله تعالى كه ومن آياته ان خلق لكم من انفسكم
ازواجا لتسكنوا اليها وجعل بينكم مودة ورحمة ان في ذلك لآيات لقوم
يتفكرون ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون ففتحنا ابواب السماء
بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر رب اشرح لي صدري
ويسر لي امري واحلل عقدة من لساني يفقهوا قولي وتركنا بعضهم يومئذ يموج

از براي حل مربوط

في بعض

في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا كذلك حللت فلان بن فلانه عن فلانه
بنت فلانه يعني نام شوهر ومادرش ونام زن ومادر او را بنويسد وبعد از ان
آيه لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز تا آخر سوره را بنويسد ومربوط ببندد كه
كشاده ميشود باذن الله تعالى ونيز از براي حل مربوط در كتاب جابر مذكور است
كه اول سورة فتح را تا نصرا عزيزا وفجرنا الارض عيونا را تا آخر آيه وجعلنا بعضهم
تا آخر آيه وضرب لنا مثلا را تا آخر هر دو آيه كه ان بكل خلق عليم است بنويسد
وبعد از ان حتى اذا ركبا في السفينة خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها را تا آخر
بنويسد وبعد از ان اللهم اني اسئلك بحق الاسم المكنون بين الكاف و
النون وبحق محمد واهل بيته الطاهرين ان تحل ذكر فلان بن فلانه عن فلانه
بنت فلانه بكهيعص وبحم عسق وبقل هو الله احد وعنت الوجوه للحي القيوم و
قد خاب من حمل ظلما بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم بنويسد و
بر مربوط ببندند كه ان شاء الله كشوده ميشود ودر بعضي كتب اصحاب امامية ديده ام
كه بر دو ورق زيتون يعني برگ زيتون بنويسد وبر يكي از ان نام مرد فرو برد وبر يكي
نام زن فرو برد وورق زيتوني كه مرد فرو ميبرد اينرا بنويسد كه والسماء بنيناها
بايد وانا لموسعون وبر ورقي كه زن فرو ميبرد بنويسد والارض فرشناها
فنعم الماهدون ونيز در حل مربوط مرويست كه سه تخم مرغ را بايد گرفت و
پخت و پوست كند واين آيه را در تخم اول بايد نوشت حتى اذا ركبا في السفينة
خرقها ودر دويم اين آيه كه اولم ير الذين كفروا تا آخر آيه كه حي افلا يؤمنون است
ودر سيم اين آيه بايد نوشت كه فاستغلظ فاستوى تا آخر آيه وبعد از ان مربوط تخم
اول بخورد واگر گشوده نشود تخم دويم را واگر گشوده نشود سيم را بخورد كه
گشوده ميشود ان شاء الله واز براي تب شيخ شهيد در كتاب دروس ذكر كرده است
كه پيغمبر از براي دفع تب اين دعا را تعليم كرد بعلي اللهم ارحم جلدي الرقيق وعظمي
الدقيق واعوذ بك من فورة الحريق يا ام ملدم ان كنت آمنت بالله فلا
تأكلي اللحم ولا تشربي الدم ولا تفوري من الفم وانتقلي الى من يزعم ان مع
الله الها آخر فاني اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا

از براي دفع تب اين دعا مجربست

ورسوله پس بخواند تا علی پس عافیت داده شد در همان ساعت از حضرت صادق
مرویست که پناه نبردم باین دعا هرگز مگر اینکه بمطلب خود رسیدم آنحضرت
صادق مرویست که فرمود که تب سطوع حرارت جهنم است و فوران او ست پس
آنرا فرو نشانید باب سرد و شیخ شهید در دروس گفته است که مرویست از
ائمه که کسیکه تب دارد باید که مداومت نماید بریختن آب سرد بر خود و اگر
ریختن آب سرد بر خود دشوار باشد باید که دست خود را در آب سرد داخل کند
و در کتاب طب الائمه مذکور است که ائمه فرمودند که جد ما از برای تب اختیار
نکرد مگر دو چیز شکر را که باب سرد شربت میکرد و بنا شتا میآشامید و از
امام رضا مرویست که کسیکه تب غب دارد مقداری از عسل را با شونیز ممزوج
کند و تا سه انگشت از آن بلیسد و در وقت خواب نیز سه بار بلیسد شفا
یابد و در کتاب خرایج از امام حسن عسکری روایت کرده اند که یا نار کونی بردا و
سلاما بنویسند و بر صاحب تب بندند شفا یابد و در کتاب روضه کلینی
از حضرت صادق مرویست که حضرت پیغمبر در وقتیکه تب کرد جبرئیل نازل
شد و آنحضرت را باین دعا تعویذ کرد بسم الله ارقیک یا محمد و بسم الله اشفیک
و بسم الله اداویک من کل داء یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله خذها
فلتهنئک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله تعالی
و نیز در کتاب روضه کلینی مذکور است که ائمه تب را باب سرد دوا میکردند
باین روش که چند جامه را باب سرد تر میکردند یکی را بر جسد خود میکردند
و دیگری را در آب بود پس هرگاه آنکه بر جسد بود خشک میشد آنرا که تر بود
میپوشیدند و در روایت وارد شده که کسیکه خواهد ببدن او تب و مرض
نرسد باید که در صبح و شام باین دعا مداومت کند که بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله النور تا آخر و این دعا در فصل شانزدهم گذشت و یافت شده است
بخط امام رضا که از برای تب بر سه پاره کاغذ باید نوشت بر پاره اول باید نوشت
بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک انت الاعلی و بر پاره دوم بسم الله الرحمن الرحیم
لا تخف نجوت من القوم الظالمین و بر پاره سیم بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم

از برای پیغمبر تب شده بود این دعا را بخوانند

الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین و بعد از آن بر هر قطعه سه بار
سوره توحید بخوانند و صاحب تب در سه روز هر روز یکی را فرو برد که
شفا مییابد انشاء الله و از حضرت صادق مرویست که هرگاه که تب کنی
بندهای پیراهن خود را بگشا و سر خود را باندرون پیراهن بر و اذان و اقامت
بگو و هفت بار سوره الحمد بخوان که شفا مییابی انشاء الله فصل نوزدهم در دعا
چند که مخصوص پدر و مادر و فرزند و همسایها و برادران است اما دعائی که
تعلق بپدر و مادر دارد پس بدرستیکه الله تعالی مبالغه فرموده است در
وصیت و اکرام و اعظام والدین و طاعت ایشان را مقرون بطاعت خود ساخته
در قول خود که فرموده است که وقضی ربک الا تعبدوا الا ایاه وبالوالدین
احسانا تا آخر آیه یعنی حکم کرده است پروردگار تو ای محمد که نپرستید شما مگر او را
و حکم کرده است که در حق پدر و مادر احسان و نیکوئی بجا آورید و اینکه حق تعالی
مخصوص ساخته فرمانبرداری ایشانرا در وقت پیری و پیری بیشتر احتیاج
دارند بخدمت و متعهد شدن احوال ایشان و نهی فرموده است الله تعالی کسیکه
بوالدین خود اف بگوید و این کلمه کراهتیست که دلالت میکند بر ضجر و استحقار
و استقلال و اینها از اف گرفته اند و اف بمعنی قلیل است یعنی پدر و مادر را
حقیر و کم نباید گرفت پس الله تعالی رخصت نداده است که کسی با ایشان ادنی
کلمه را که دلالت میکند بر ضجر و احتقار بگوید و از حضرت صادق مرویست که
فرمود که ادنی کلمه عقوق والدین اف است و اگر الله تعالی میدانست که چیزی
اهون از اف هست از آن نهی میفرمود و در حدیث شریف وارد است که هر که
عاق والدین باشد هر چه خواهد کند که هرگز داخل بهشت نخواهد شد و در
حدیث وارد است که پیغمبر سه بار فرمود که بخاک مالیده شود بینی او اصحاب گفتند
بینی که یا رسول الله آنحضرت فرمود که کسیکه والدین را یا یکی از ایشانرا دریافته
باشد در کبر سن و داخل بهشت نشده باشد یعنی خدمت ایشان در حال کبر سن
ایشان نکرده باشد که موجب دخول بهشتست و کسیکه در اعمال تعهد حال
ایشان نکند داخل بهشت نخواهد شد و روایتست که مردی از بنی سلمه پیغمبر

دعاهای مخصوص
پدر و مادر و برادر
و همسایها و طلب
فرزند

گفت که آیا باقی مانده است چیزی از نیکی بویشان که بعد از موت ایشان بجا
آورم آنحضرت فرمود که بلی بعد از فوت ایشان نماز و استغفار کن برای ایشان
و دوستان ایشان را اکرام کن و صلهٔ رحم ایشان را بجا آور و بدان بدرستیکه الله
تعالی امر کرده است که قول خوب با ایشان بگو یعنی با ایشان برفق و مدارا
حرف بگو و حسن خلق بجا آوری و ایشان را باسم نخوانی زیرا که باسم خواندن ایشان
باعث حقارت ایشان و بی ادبی است و مبالغه کرده است حق تعالی در
تواضع ایشان بقول و فعل و نیکی در حق ایشان و شفقت بر حال ایشان چنانچه
فرموده است واخفض لهما جناح الذل من الرحمة و مراد از ذل درین مقام
تواضع است یعنی فرو خوابان برای ایشان بال تواضع را یعنی ایشان را در زیر
خود بگیر و بخود ضم کن چنانچه ایشان ترا در حال صغر در زیر بال خود گرفته بودند
و باز فرموده است که قل رب ارحمهما یعنی برای ایشان دعا کن برحمت و مغفرت
در حال حیوة و بعد از ممات ایشان بواسطهٔ جزای تربیت ایشان ترا در حال
کوچکی تو و از اینها ظاهر میشود که دعای فرزندان از برای والدین خود در حال
ممات ایشان مستجاب و مسموع است و الا امر بی فایده میبود و آنکه الله تعالی
فرزندان را وصیت کرد که برای ایشان دعا و نیکوئی کنند و والدین را وصیت
نکرد که برای اولاد دعا کنند بواسطهٔ آنست که والدین کمال شفقت بفرزند
دارند و احتیاج نیست که درین باب کسی ایشان را وصیت کند و بدان بدرستیکه
خدای تعالی اکتفا بوصیت بنیکی ایشان نکرد بلکه امر بعدم زجر و منع ایشان
نیز کرد چنانکه فرموده فلا تنهرهما پس در رعایت حال ایشان نهایت ملاحظه باید
کرد تا موجب فلاح و رستگاری شود آنحضرت فرموده کسیکه شب پنجشنبه میان
شام و خفتن دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و پنج بار آیة الکرسی و پنج
بار قل یا ایها الکافرون و قل هو الله و معوذتین بخواند و چون سلام دهد پانزده
بار استغفار کند و ثواب آنرا بوالدین بخشد پس بدرستیکه حق والدین را
ادا کرده است و در صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه مذکور است که حضرت امام زین
العابدین از برای والدین خود این دعا میخواندند اللهم صل علی محمد عبدک

ورسولک واهل بیته الطاهرین واخصصهم بافضل صلواتک ورحمتک
وبرکاتک وسلامک واخصص اللهم والدی بالکرامة لدیک والصلوة
منک یا ارحم الراحمین اللهم صل علی محمد واله والهمنی علم ما یجب لهما علی
الهاما واجمع لی علم ذلک کله تماما ثم استعملنی بما تلهمنی منه ووفقنی للنفوذ
فیما تبصرنی من علمه حتی لا یفوتنی استعمال شیء علمتنیه ولا تثقل ارکانی عن
الحفوف فیما الهمتنیه اللهم صل علی محمد واله کما شرفتنا به وصل علی
محمد واله کما اوجبت لنا الحق علی الخلق بسببه اللهم اجعلنی اهابهما هیبة
السلطان العسوف وابرهما بر الام الرؤف واجعل طاعتی لوالدی وبری بهما
اقر لعینی من رقدة الوسنان واثلج لصدری من شربة الظمآن حتی اوثر
علی هوای هواهما واقدم علی رضای رضاهما واستکثر برهما بی وان قل و
استقل بری بهما وان کثر اللهم خفض لهما صوتی واطب لهما کلامی والن
لهما عریکتی واعطف علیهما قلبی وصیرنی بهما رفیقا وعلیهما شفیقا اللهم
اشکر لهما تربیتی واثبهما علی تکرمتی واحفظ لهما ما حفظاه منی فی صغری اللهم
وما مسهما منی من اذی او خلص الیهما عنی من مکروه او ضاع قبلی لهما من حق
فاجعله حطة لذنوبهما وعلوا فی درجاتهما وزیادة فی حسناتهما یا مبدل السیئات
باضعافها من الحسنات اللهم وما تعدیا علی فیه من قول او اسرفا علی فیه من
فعل او ضیعاه لی من حق او قصرا بی عنه من واجب فقد وهبته لهما وجدت به
علیهما ورغبت الیک فی وضع تبعته عنهما فانی لا اتهمهما علی نفسی ولا استبطئهما
فی بری ولا اکره ما تولیاه من امری یا رب فهما اوجب حقا علی واقدم احسانا
الی واعظم منة لدی من ان اقاصهما بعدل او اجازیهما علی مثل این اذا یا الهی
طول شغلهما بتربیتی واین شدة تعبهما فی حراستی واین اقتارهما علی انفسهما
للتوسعة علی هیهات ما یستوفیان منی حقهما ولا ادرک ما یجب لهما ولا انا
بقاض وظیفة خدمتهما فصل علی محمد واله واعنی یا خیر من استعین به ووفقنی یا
اهدی من رغب الیه ولا تجعلنی فی اهل العقوق للاباء والامهات یوم تجزی
کل نفس بما کسبت وهم لا یظلمون اللهم صل علی محمد واله وذریته واخصص ابوی

دعای صحیفهٔ کامله بجهت والدین

بافضل ما خصصت به اباء عبادك المؤمنين وامهاتهم يا ارحم الراحمين اللهم
لا تنسني ذكرهما في ادبار صلواتي وفي كل آن من آناء ليلي وفي كل ساعة
من ساعات نهاري اللهم صل على محمد وآله واغفر لي بدعائي لهما و
اغفر لهما ببرهما بي مغفرة حتما وارض عنهما بشفاعتي لهما رضى عزما
وبلغهما بالكرامة مواطن السلامة اللهم وان سبقت مغفرتك لهما
فشفعهما وان سبقت مغفرتك لي فشفعني فيهما حتى نجتمع برافتك في دار كرامتك
ومحل مغفرتك ورحمتك انك ذو الفضل العظيم والمن القديم وانت ارحم
الراحمين واما دعائي كه تعلق بفرزندان دارد پس اول ذکر میکنیم از اذکار آن
چیزها که بسبب آن نسل بسیار میشود و بسبب آن معمر میشود ولد پس بعضی آن
چیزها نماز ابیتی است که مشهور است بصلوة الحبل و آن دو رکعتست که انرا
بعد از نماز جمعه باید کرد و رکوع و سجود آنرا اطاله باید کرد و بعد از نماز این
دعا را باید خواند که اللهم انی اسئلك بما سئلك به زكريا اذ قال رب
لا تذرني فردا وانت خير الوارثين اللهم وهب لي ذرية طيبة انك سميع
الدعاء اللهم باسمك استحللتها وفي امانتك اخذتها فان قضيت في رحمها
ولدا فاجعله غلاما مباركا زكيا ولا تجعل للشيطان فيه نصيبا ولا شركا و
احمد بن فهد طاب ثراه در کتاب مهذب بارع ذکر کرده است که حضرت امام زین
العابدین بیعضی از اصحاب خود گفت که در طلب فرزند این دعا را هفتاد بار بخوان
رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين واجعل لي من لدنك وليا يرثني في
حياتي ويستغفر لي بعد وفاتي واجعله خلقا سويا ولا تجعل للشيطان فيه
نصيبا اللهم اني استغفرك واتوب اليك انك انت الغفور الرحيم پس
بدرستیکه کسیکه این قول بسیار بگوید الله تعالی روزی میکند باو آنچیز را که
آرزو داشته از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت بواسطه آنکه الله تعالی فرموده
واستغفروا ربكم انه كان غفارا يرسل السماء عليكم مدرارا ويمددكم باموال
وبنين ويجعل لكم جنات ويجعل لكم انهارا و در مکارم الاخلاق شیخ رضی
الدین ابو نصر بن شیخ امین الدین ابو علی فضل طبرسی از برای طلب فرزند از امام

محمد باقر روایت کرده است که آنحضرت فرمود که از برای طلب فرزند در
صبح و شام هفتاد بار باید گفت سبحان الله و ده بار باید گفت استغفر الله
و نه بار سبحان الله و دهم بار باید گفت استغفروا ربكم انه كان غفارا
يرسل السماء عليكم مدرارا ويمددكم باموال وبنين ويجعل لكم
جنات ويجعل لكم انهارا و نیز در کتاب مکارم الاخلاق مذکور است که
مردی از کثرت دختر بخدمت حضرت صادق شکایت کرد آنحضرت فرمود که
هرگاه با زوجه مواقعه کنی دست راست خود را بر طرف راست ناف او بگذار
و هفت بار سوره قدر بخوان و چون زن اثر حمل در خود بیابد پس دست راست
خود را بر جانب راست ناف او بگذار و باز هفت بار سوره قدر بخوان و چون
آنمرد این عمل را بجا آورد هفت پسر از برای او متولد شد و مرتضی نیز این عمل را
بجا آورد الله تعالی بجمیع ایشان پسران روزی داشت و شیخ طبرسی در تفسیر
جوامع و در تصحیح مجمع البیان در تفسیر سوره هود ذکر کرده است که امام
حسن بر معویه وارد شد و چون از نزد او بیرون آمد یکی از حاجب معویه از عقب
حضرت بیرون آمد و با آنحضرت عرض کرد که من مردی صاحب مالم و برای من فرزند
نمیشود چیزی بمن بیاموز شاید که الله تعالی فرزندی روزی دارد آنحضرت
فرمود که بر تو باد که استغفار کنی پس آنمرد استغفار بسیار میکرد تا آنکه در هر
روزی هفتصد بار استغفار میکرد پس ده پسر الله تعالی باو روزی داشت و
چون این خبر بمعویه رسید آن حاجب گفت که کاش که سبب می پرسیدی از آنحضرت که
این چه بود چون آنحضرت بار دیگر بر معویه وارد آمد آنمرد آنحضرت را از سبب پرسید
آنحضرت فرمود که مگر قول الله تعالی را نشنیدی که در قصه هود فرموده است
که ویزدکم قوة الی قوتکم و در قصه نوح فرموده است یمددکم باموال و
بنین پس استغفار باعث زیادتی قوت و زیادتی اموال و اولاد میشود و شیخ
شهید ثانی در کتاب ... ذکر کرده است که مردی بخدمت حضرت کاظم از قلت
ولد شکایت کرد آنحضرت فرمود که استغفار کن و تخم مرغی را که در آب نر
پخته باشی او را در آتش برشته کن و بخور و در روایت دیگر وارد شده است

کمخوردن گوشت وتخم مرغ باعث کثرة نسل میشود ودر صحیفه سجادیه مذکوراست
که انحضرت از برای اولاد خود این دعا را میخواند اللهم ومن علیّ ببقاء ولدی

دعای صحیفهٔ کامله در طلب فرزند

وباصلاحهم لی وبامتاعی بهم الهی امدد لی فی اعمارهم وزد لی فی آجالهم وربّ لی
صغیرهم وقوّ لی ضعیفهم واصحّ لی ابدانهم وادیانهم واخلاقهم وعافهم
فی انفسهم وفی جوارحهم وفی کل ما عنیت به من امرهم وادرر لی وعلی یدی
ارزاقهم واجعلهم ابرارا اتقیاء بصراء سامعین مطیعین لک ولاولیائک
محبین مناصحین ولجمیع اعدائک معاندین ومبغضین آمین اللهم اشدد بهم
عضدی واقم بهم اودی وکثر بهم عددی وزین بهم محضری واحی بهم ذکری
واکفنی بهم فی غیبتی واعنّی بهم علی حاجتی واجعلهم لی محبین وعلیّ حدبین
مقبلین مستقیمین لی مطیعین غیر عاصین ولا عاقّین ولا مخالفین ولا خاطئین
واعنّی علی تربیتهم وتادیبهم وبرّهم وهب لی من لدنک معهم اولادا ذکورا و
اجعل ذلک خیرا لی واجعلهم لی عونا علی ما سألتک واعذنی وذریتی من
الشیطان الرجیم فانک خلقتنا وامرتنا ونهیتنا ورغبتنا فی ثواب ما امرتنا
ورهبتنا عقابه وجعلت لنا عدوا یکیدنا سلطته منا علی ما لم تسلطنا
علیه منه اسکنته صدورنا واجریته مجاری دمائنا لا یغفل ان غفلنا و
لا ینسی ان نسینا یؤمننا عقابک ویخوفنا بغیرک ان هممنا بفاحشة شجعنا علیها
وان هممنا بعمل صالح ثبطنا عنه یتعرض لنا بالشهوات وینصب لنا بالشبهات
ان وعدنا کذبنا وان منانا اخلفنا والا تصرف عنا کیده یضلنا والا تقنا
حباله یستزلنا اللهم فاقهر سلطانه عنا بسلطانک حتی تحبسه عنا
بکثرة الدعاء لک فنصبح من کیده فی المعصومین بک اللهم اعطنی کل سؤلی
واقض لی حوائجی ولا تمنعنی الاجابة وقد ضمنتها لی ولا تحجب دعائی عنک
وقد امرتنی به وامنن علیّ بکل ما یصلحنی فی دنیای وآخرتی ما ذکرت منه
وما نسیت او اظهرت او اخفیت او اعلنت او اسررت واجعلنی فی جمیع ذلک
من المصلحین بسؤالی ایاک المنجحین بالطلب الیک غیر الممنوعین بالتوکل علیک
والمعوذین بالتعوذ بک الرابحین فی التجارة علیک المجارین بعزک الموسع

علیهم

علیهم الرزق الحلال من فضلک الواسع بجودک وکرمک المعزین من الذل
بک والمجارین من الظلم بعدلک والمعافین من البلاء برحمتک والمغنین
من الفقر بغناک والمعصومین من الذنوب والزلل والخطاء بتقواک و
الموفقین للخیر والرشد والصواب بطاعتک والمحال بینهم وبین الذنوب
بقدرتک التارکین لکل معصیتک الساکنین فی جوارک اللهم اعطنا جمیع ذلک
بتوفیقک ورحمتک واعذنا من عذاب السعیر واعط جمیع المسلمین والمسلمات
والمؤمنین والمؤمنات مثل الذی سألتک لنفسی ولولدی فی عاجل الدنیا و
آجل الآخرة انک قریب مجیب سمیع علیم عفو غفور رؤف رحیم وآتنا فی الدنیا
حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا برحمتک عذاب النار واما دعائیکه تعلق
بهمسایها وبرادران دارد پس سنتست دعا از برای ایشان سنتست نفقا بایشان
وما ذکر کردیم ثواب دعای برادران را در فصل دوازدهم در حاشیه ودر صحیفه
کامله سجادیه مذکوراست که انحضرت از برای همسایهای خود این دعا را میخواندند

دعای صحیفهٔ کامله از جهت همسایه گان

اللهم صل علی محمد وآله وتولّنی فی جیرانی وموالیّ العارفین بحقنا والمنا
بذین لاعدائنا بافضل ولایتک ووفقهم لاقامة سنتک والاخذ
بمحاسن ادبک فی ارفاق ضعیفهم وسد خلتهم وعیادة مریضهم وهدایة
مسترشدهم ومناصحة مستشیرهم وتعهد قادمهم وکتمان اسرارهم وستر
عوراتهم ونصرة مظلومهم وحسن مواساتهم بالماعون والعود علیهم بالجدة
والافضال واعطاء ما یجب لهم قبل السؤال واجعلنی اللهم اجزی بالاحسان
مسیئهم واعرض بالتجاوز عن ظالمهم واستعمل حسن الظن فی کافتهم واتولی
بالبر عامتهم واغض بصری عنهم عفة والین جانبی لهم تواضعا وارق علی
اهل البلاء منهم رحمة واسر لهم بالغیب مودة واحب بقاء النعمة عندهم
نصحا واوجب لهم ما اوجب لحامتی وارعی لهم ما ارعی لخاصتی اللهم صل علی
محمد وآله وارزقنی مثل ذلک منهم واجعل لی اوفی الحظوظ فیما عندهم وزدهم
بصیرة فی حقی ومعرفة بفضلی حتی یسعدوا بی واسعد بهم آمین یا رب العالمین

فصل بیستم در دعاهائیکه تعلق بطلب رزق دارد شیخ طوسی در کتاب متهجد

دعاها در طلب روزی

ذکر کرده است که مردی از فقر خود بخدمت حضرت صادق شکایت کرد پس
آنحضرت ورا امر کرد که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و روز
جمعه وقت چاشت بر بام بلندی یا بصحرایی رود بحیثیتی که کسی ورا نبیند درود بر
پیغمبر کند و در همان مکان دو رکعت نماز کند و بعد از آن بر زانو در آید چنان
کند که زانوهای او بزمین رسد و دست راست خود را بر بالای دست چپ
گذارد و رو بقبله کرده بگوید اللهم انت انت انقطع الرجاء الا منك وخابت
الآمال الا فيك يا ثقة من لا ثقة له لا ثقة لي غيرك اجعل لي من امري
فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب پس سجده کند
بر روی زمین و بگوید یا مغيث اجعل لي رزقا من فضلك چون این فعل را بجای
آورد هنوز صبح شنبه ندمیده باشد که رزق نازل شده و میرسد ان شاء الله تعالی
و بخط شیخ رجب بن محمد حافظ در بعضی از مصنفات او دیده ام که نقل کرده است
که کسیکه سر بسجده گذارد و در سجده چهارده بار بگوید الوهاب الله تعالی او را
غنی میسازد و کسیکه در آخر شب سر برهنه کند و دستها را بردارد و صد بار
بگوید الوهاب الله تعالی فقر را از او میبرد و حاجت او را بر میآورد و کسیکه
بسیار بگوید الكريم الوهاب ذي الطول روزی میدهد او را حق تعالی از جاییکه
گمان نداشته باشد و کسیکه بسیار بگوید الواسع خدای تعالی رزق او را وسیع
میگرداند و کسیکه الغني المغني را در روز جمعه و در هر جمعه ده هزار بار بگوید
و حیوانی نخورد الله تعالی او را در دنیا و آخرت غنی میگرداند و اگر سوره فاتحه
بهمین روش با این دو اسم بخواند البته غنی میگردد و کسیکه بسیار بگوید یا
معطي السائلين الله تعالی او را از سؤال کردن غنی میگرداند و اگر بسیار بگوید
مالك الملك الله تعالی او را در دنیا و آخرت غنی میگرداند محمد بن عثمان بن سعید
عمری گوید کسیکه طلب رزق میکند اگر در مدینه نباشد و در نزدیکی از مشاهد
مقدسه باشد نیز در سر آن امامیکه در بلد اوست زیارت پیغمبر کند و اگر در
یکی از مشاهد نباشد پس بعضی از صلحا را که در بلد اوست زیارت کند و بعد از
بصحرا رود و بجانب مشهد متوجه کرده زیارت پیغمبر کند که مطلب او حاصل شود

سه بقبله کند و اینها را بخواند

واز حضرت

و از حضرت امام رضا مرویست که بواسطه طلب رزق در عقب هر نماز فریضه
بگوید یا من يملك حوائج السائلين ويعلم ضمير الصامتين لكل مسألة
منك سمع حاضر وجواب عتيد ولكل صامت منك علم باطن محيط اسألك
بمواعيدك الصادقة وأياديك الفاضلة ورحمتك الواسعة وسلطانك
القاهر وملكك الدائم وكلماتك التامات يا من لا تنفعه طاعة المطيعين و
لا تضره معصية العاصين صل على محمد وآله وارزقني من فضلك واعطني
فيما ترزقني العافية برحمتك يا ارحم الراحمين و در کتاب متهجد مذکور است
برای طلب رزق در عقب نماز خفتن بگوید اللهم انه ليس لي علم بموضع رزقي
وانما اطلبه بخطرات تخطر على قلبي فاجول في طلبه البلدان فانا فيما
انا طالب كالحيران لا ادري أفي سهل هو أم في جبل أم في أرض أم في سماء أم في
بر أم في بحر وعلى يدي من ومن قبل من وقد علمت ان علمه عندك واسبابه
بيدك وانت الذي تقسمه بلطفك وتسببه برحمتك اللهم صل على محمد و
آله واجعل يا رب رزقك لي واسعا ومطلبه سهلا ومأخذه قريبا ولا تعنني
بطلب ما لم تقدر لي فيه رزقا فانك غني عن عذابي وانا فقير الى رحمتك
فصل على محمد وآله وجد على عبدك بفضلك انك ذو فضل عظيم و در کتاب
عدة الداعي ابن فهد از حضرت صادق منقولست که آنحضرت از برای طلب
میگفت یا الله یا الله یا الله اسألك بحق من حقه عليك عظيم ان تصلي
على محمد وآله وان ترزقني العمل بما علمتني من معرفة حقك وان تبسط علي
ما حظرت من رزقك و در کتاب مهج الدعوات ابن طاوس از حضرت علی منقولست
که آنحضرت فرمود کسیکه در رزق بر او بسته شود و راه مطالب و معاش
بر او منسد شود پس این کلام را بر ورقی یا در قطعه از پوست نویسد و
بر خود بیاویزد یا در میان جامه بگذارد که او را میپوشد و هرگز از خود جدا
نکند الله تعالی روزی او را فراخ میگرداند و درهای معاش را بر روی او
بگشاید از جاییکه گمان او نباشد و آن کلام اینست اللهم لا طاقة لفلان بن
فلان یعنی نام خود و پدر خود را بنویسد بالجهد ولا صبر له على البلاء ولا قوة له

از جهة طلب رزق این دعا را بخواند

ایضاً این دعا را از جهة طلب رزق بخواند

عَلَی الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَحْظُرْ عَلٰی فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
رِزْقَكَ وَلَا تُقَتِّرْ عَلَيْهِ سَعَةَ مَا عِنْدَكَ وَلَا تَحْرِمْهُ فَضْلَكَ وَلَا تَحْسِمْهُ مِنْ
جَزِيلِ قِسَمِكَ وَلَا تَكِلْهُ إِلٰی خَلْقِكَ وَلَا إِلٰی نَفْسِهِ فَيَعْجِزَ عَنْهَا وَيَضْعُفَ عَنِ الْقِيَامِ
فِيمَا يُصْلِحُهُ وَيُصْلِحُ مَا قِبَلَهُ بَلْ تَفَرَّدْ بِلَمِّ شَعَثِهِ وَتَوَلَّ كِفَايَتَهُ وَانْظُرْ إِلَيْهِ
فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ إِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَهُ إِلٰی خَلْقِكَ لَمْ يَنْفَعُوهُ وَإِنْ أَلْجَأْتَهُ إِلٰی أَقْرِبَائِهِ
حَرَمُوهُ وَإِنْ أَعْطَوْهُ أَعْطَوْا قَلِيلاً نَكِداً وَإِنْ مَنَعُوهُ مَنَعُوا كَثِيراً وَإِنْ بَخِلُوا فَهُمْ
لِلْبُخْلِ أَهْلٌ اللّٰهُمَّ أَغْنِ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا تُخْلِهِ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُضْطَرٌّ
إِلَيْكَ فَقِيرٌ إِلٰی مَا فِي يَدَيْكَ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْهُ وَأَنْتَ بِهِ خَبِيرٌ عَلِيمٌ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ
و در کتاب دعای طبرانی مذکور است که پیغمبر با اهل صفه گفت در وقتیکه ایشان
از فقر خود با آنحضرت شکایت کردند فرمود که بگوئید اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ
السَّبْعِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ و در کتاب دعای
ابن ابی دنیا مذکور است که از برای طلب رزق هر روز بیست مرتبه بگو لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيراً اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ پس بدرستیکه این دعا باعث
زیادتی رزق میشود و در همان ساعت نفعه بتو میرساند و در کتاب نفلیه
شیخ شهید مذکور است که کسیکه بعد از نماز خفتن پیش از آنکه بخواب رود
سوره واقعه بخواند از فقر و فاقه ایمن میشود و در کتاب مصباح شیخ طوسی و
مصباح ابن باقی مذکور است که از برای طلب رزق در سجده نماز واجب بگو یا
خَيْرَ الْمَسْؤُولِينَ وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ ارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُو
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ و در کتاب تاریخ علی بن انجب که مشهور است بابن ساعی مذکور
که کسیکه مداومت کند باین دعا اسباب روزی او آسان شود و روزی او
برای میسر شود و آن دعا اینست اللّٰهُمَّ يَا سَبَبَ مَنْ لَا سَبَبَ لَهُ وَيَا سَبَبَ كُلِّ
ذِي سَبَبٍ وَيَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي

در سجده این دعا بخواند

بجلالك

بِجَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ و از علی مرویست که
فرمود که کسیکه صبح کند و این کلمات را نگوید ترس آن هست که رزق او
فوت شود و آن کلمات اینست الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسَهُ وَلَمْ يَتْرُكْنِي عُمْيَانَ
الْقَلْبِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي يَدِهِ
وَلَمْ يَجْعَلْهُ فِي أَيْدِي النَّاسِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَتَرَ عَوْرَتِي وَلَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ النَّاسِ
و نیز مرویست که بواسطه رزق بگوید اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ
الطَّيِّبِ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً طَيِّباً بَلَاغاً لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صَبّاً صَبّاً هَنِيئاً مَرِيئاً مِنْ
غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ
اسْأَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَمِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَمِنْ يَدِكَ الْمَلْأَى
أَسْأَلُ و در صحیفه سجادیه مذکور است که هرگاه بر حضرت سید العابدین
رزق تنگ میشد این دعا را میخواندند اللّٰهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ
الظَّنِّ وَفِي آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ حَتَّی الْتَمَسْنَا أَرْزَاقَنَا مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ وَ
طَمِعْنَا بِآمَالِنَا فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لَنَا يَقِيناً صَادِقاً
تَكْفِينَا بِهِ مِنْ مَؤُونَةِ الطَّلَبِ وَأَلْهِمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُعْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ وَ
اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِكَ فِي وَحْيِكَ وَأَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِكَ فِي كِتَابِكَ
قَاطِعاً لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَفَّلْتَ بِهِ وَحَسْماً لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ
لَهُ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ وَأَقْسَمْتَ وَقَسَمُكَ الْأَبَرُّ الْأَوْفَی وَفِي
السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ثُمَّ قُلْتَ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ
مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ و در کتاب سائل الی المسائل که از حضرت امام محمد تقی مرویست
که در طلب مناجات رزق بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُمَّ أَرْسِلْ عَلَيَّ سِجَالَ رِزْقِكَ
مِدْرَاراً وَأَمْطِرْ سَحَائِبَ إِفْضَالِكَ عَلَيَّ غِزَاراً وَأَدِمْ غَيْثَ نَيْلِكَ إِلَيَّ سِجَالاً
وَأَسْبِلْ مَزِيدَ نِعَمِكَ عَلٰی خَلَّتِي إِسْبَالاً وَأَفْقِرْنِي بِجُودِكَ إِلَيْكَ وَأَغْنِنِي عَمَّنْ
يَطْلُبُ مَا لَدَيْكَ وَدَاوِ دَاءَ فَقْرِي بِدَوَاءِ فَضْلِكَ وَانْعَشْ صَرْعَةَ عَيْلَتِي بِطَوْلِكَ
وَتَصَدَّقْ عَلٰی إِقْلَالِي بِكَثْرَةِ عَطَائِكَ وَعَلٰی اخْتِلَالِي بِكَرِيمِ حِبَائِكَ وَسَهِّلْ
رَبِّ سُبُلَ الرِّزْقِ إِلَيَّ وَأَثْبِتْ قَوَاعِدَهُ لَدَيَّ وَبَجِّسْ لِي عُيُونَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ

دعای صحیفه کامله در طلب روزی

وفجر انهار رغد العیش قبلی برأفتک واجدب ارض فقری واخصب جدب
ضری واصرف عنی فی الرزق العوائق واقطع عنی من الضیق العلائق وارمنی
اللهم من سعة الرزق باخصب سهامه واحبنی من رغد العیش باکثر دوامه واکسنی
اللهم ای رب سرابیل السعة وجلابیب الدعة فانی یا رب منتظر لانعامک
بحذف الضیق ولتطولک بقطع التعویق ولتفضلک ببتر التقتیر ولوصلک حبلی
بکرمک بالتیسیر وامطر اللهم علی سماء رزقک بسجال الدیم واغننی عن
خلقک بعوائد النعم وارم مقاتل الاقتار منی واحمل عسف الضر عنی واضرب
عنی الضر بسیف الاستیصال وامحقه رب منی بسعة الافضال وامددنی
بنمو الاموال واحرسنی من ضیق الاقلال واقبض عنی سوء الجدب وابسط لی بساط
الخصب اللهم واسقنی من ماء رزقک غدقا وانهج لی من عمیم ذلک طرقا و
افجأنی بالثروة والمال وانعشنی فیه بالاستقلال وصبحنی بالاستظهار ومسنی
بالتمکن من الیسار انک ذو الطول العظیم والفضل العمیم وانت الجواد الکریم
الملک الغفور الرحیم یا ارحم الراحمین و در کتاب انیس القدسیه مذکور است
کما الله تعالی فرمود که ای محمد کسیکه نازل شود براو فاقه از فقر در دنیا و پس خواهد
که عافیت یابد از او باید که نازل شود بمن و بگوید یا محل کنوز اهل الغنی و یا
مغنی اهل الفاقة من سعة تلک الکنوز بالعائدة الیهم والنظر لهم یا الله لا
یسمی غیرک الها انما الالهة کلها معبودة دونک بالفریة والکذب لا اله
الا انت یا ساد الفقر ویا جابر الکسر ویا کاشف الضر ویا عالم السر ارحم من شکی
الیک من فقری اسئلک باسمک الحال فی غنائک الذی لا یفتقر ذاکره ابدا ان
تعیذنی من لزوم فقر انسی به الدین او بسوء غنی افتتن به عن الطاعة بحق نور
اسمائک کلها اطلب الیک من رزقک کفافا للدنیا تعصم به الدین لا اجد لی
غیرک مقادیر الارزاق عندک فانفعنی من قدرتک فیها بما تنزع به ما نزل بی
من الفقر یا غنی پس هرگاه این دعا را بخواند ان فقر را از او برطرف کنم و غنا را باو
میپوشانم و او را از اهل قناعت میگردانم **فصل بیست و یکم** در ادعیه دیون و در دعوات
روایت کرده است زمخشری در کتاب ربیع خود از حضرت پیغمبر که فرمود که هیچ

دعای ادای قرض در دعای جوشن

غمی نیست مگر غم دین و هیچ دردی نیست مگر درد چشم یعنی جمیع غمها در جنب
غم قرض و جمیع دردها در جنب درد چشم اصلا مدتی و وجودی ندارند اما برای
دفع دین پس از جمله ادعیه آن دعا ایست که در ان ادعیة التهجد مذکور است و
ان اینست که الله تعالی فرمود که ای محمد هرکس از امت تو که او را هم دین فرو
گیرد پس نازل شود بمن و بگوید یا مبتلی الفریقین اهل الفقر واهل الغنی
وجازیهم بالصبر فی الذی ابتلیتهم به ویا مزین حب المال عند عباده وملهم
الانفس الشح والسخاء وفاطر الخلق علی الفظاظة واللین غمنی دین فلان بن فلان
وفضحنی منته علی به واعیانی باب طلبته الا منک یا خیر مطلوب الیه الحوائج
یا مفرج الاهاویل فرج همی واهاویلی فی الذی لزمنی من دین فلان بتیسیر کرمک
من رزقک فاقضه یا قدیر ولا تهنی بتأخیر ادائه ولا بتضییقه علی وتیسیر لی رزقک
فانی به مسترق فاکفنی من سعتک التی لا تبید ولا تغیض ابدا پس هرکه
این دعا را بخواند صاحب دین را از او برمیگردانم و دین او را ادا میکنم و در صحیفه
سجادیه مذکور است که آنحضرت در معاونت برادای دین این دعا را میخواندند
اللهم صل علی محمد واله وهب لی العافیة من دین تخلق به وجهی ویحار
فیه ذهنی ویتشعب له فکری ویطول بممارسته شغلی واعوذ بک یا رب
من هم الدین وفکره وشغل الدین وسهره فصل علی محمد واله واعذنی منه و
استجیر بک یا رب من ذلته فی الحیاة ومن تبعته بعد الوفاة فصل علی محمد
واله واجرنی منه بوسع فاضل او کفاف واصل اللهم صل علی محمد واله واحجبنی
عن السرف والازدیاد وقومنی بالبذل والاقتصاد وعلمنی حسن التقدیر و
اقبضنی بلطفک عن التبذیر واجر من اسباب الحلال ارزاقی ووجه فی ابواب
البر انفاقی وازو عنی من المال ما یحدث لی مخیلة او تأدیا الی بغی او ما
اتعقب منه طغیانا اللهم حبب الی صحبة الفقراء واعنی علی صحبتهم
بحسن الصبر وما زویت عنی من متاع الدنیا الفانیة فاذخره لی فی خزائنک
الباقیة واجعل ما خولتنی من حطامها وعجلت لی من متاعها بلغة الی جوارک
ووصلة الی قربک وذریعة الی جنتک انک ذو الفضل العظیم وانت الجواد

دعای صحیفهٔ کامله در ادای قرض

فصل ۱۲

الکریم و از حضرت صادق مرویست که هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه در اهل بیت خود دعوة مجابه گذاشته است و حضرت پیغمبر در میان ما دو دعوة مجابه
گذاشته است یکی از برای دفع شدائد ما و آن اینست یا دائماً لم یزل یا الهی
و اله آبائی یا حی یا قیوم صل علی محمد و آله وافعل بنا کذا و کذا و دعای
دیگر از برای حوائج ما و قضای دیون ما و آن اینست یا من یکفی من کل شیء
ولا یکفی منه شیء یا الله یا رب صل علی محمد و آله واقض عنی الدین و
افعل بی کذا و کذا و کفعمی در کتاب کبیر خود که ملقب است ببلد امین
و درع حصین ذکر کرده است که از ائمه مروی شده است که از برای قضای دین
باید که قرض دار دو رکعت نماز کند و بعد از الحمد هر سوره که خواهد بخواند
چون از نماز فارغ شود قل اللهم مالک الملک تا من تشاء بغیر حساب بخواند
پس بگوید یا رحمن الدنیا والآخرة و رحیمهما تعطی من تشاء منهما و تمنع
منهما من تشاء صل علی محمد و آله واقض عنی دینی حضرت پیغمبر فرمود که هر که این
عمل را بجا آورد الله تعالی دین او را ادا میکند و اگر چه قرض او بمقدار طلا باشد
که روی زمین را پر کند و اگر مهموم یا مکروب باشد الله تعالی او را از کرب
و هم خلاصی میدهد و نیز مرویست که از برای قضای دین روز جمعه و در بعض
روایات وارد است که هر روز یکبار باید این دعا را بخواند اللهم اغننی بحلالک
عن حرامک واغننی بفضلک عمن سواک یا حی یا قیوم و نیز از برای قضاء دین مرویست
که الحاح کند و بسیار بگوید یا ذا الجلال والاکرام بحرمة وجهک الکریم اقض عنی
دینی و نیز از برای قضاء دین در صبح ده بار و در شام ده بار بگوید توکلت علی
الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولداً و لم یکن له شریک
فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیراً و در کتاب نثر اللآلی علی بن
فضل الله حسنی راوندی مذکور است که مردی که از قرضی که بر او بود بحضرت
عیسی شکایت کرد پس حضرت عیسی باو گفت که بگو اللهم یا فارج الهم و منفس الغم
و مذهب الاحزان و مجیب دعوة المضطرین یا رحمن الدنیا والآخرة و رحیمهما
انت رحمانی و رحمن کل شیء فارحمنی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک و

من تشاء

تقضی بها عنی الدین پس هرگاه این دعا را بخوانی اگر قرض تو بقدر طلا باشد که
روی زمین را پر کند الله تعالی بلطف خود ادا میکند و در روایت وارد شده است
که کسیکه بر او قرض بسیار باشد سوره الحمد را بسیار بخواند و بسیار استغفار
کند و بسیار بگوید سبحان الله و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله و هرگاه
تو را بر کسی قرضی باشد پس بگو اللهم هب لی لحظة من لحظاتک تیسر علی
غرمائی بها القضاء و تیسر لی بها منهم الاقتضاء انک علی کل شیء قدیر و
صلی الله علی محمد و آله و اما آنچه تعلق بدرد چشم دارد از جمله دعائیست که
ابو محمد جعفی از حضرت صادق روایت کرده است و این دعا را در آخر فصل نهم
در تعقیب نماز شام گذشت و ابن طاوس در مهج الدعوات گفته است که در
کتاب مجموع ابن عقبه یافتم که اسمعیل حضرمی کور شده بود در خواب یک شخصی
باو گفت که بگو یا قریب یا مجیب یا سمیع الدعاء یا لطیفاً لما یشاء رد علی
بصری پس خواند این دعا را پس عود کرد بسوی او چشم او و گفت دیدم بخط رضی الدین
آوی دعائیرا که پیغمبر به کوری تعلیم کرده است و الله تعالی چشم او را باو برگردانید
پس حضرت بآن مرد گفت که دو رکعت نماز کن و بعد از آن بگو اللهم انی اسئلک
وادعوک وارغب الیک واتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة یا محمد
انی اتوجه بک الی الله ربی و ربک لیرد بک علی نور بصری پس آن مرد چون این
عمل را بجا آورد در همان ساعت الله تعالی نور چشم او را باو برگردانید و در مجلد اول
از کتاب تحمل مذکور است که چشم شخصی ضعیف شده بود در خواب دید که گویند
باو گفت که بگو اعیذ نور بصری بنور الله الذی لا یطفأ و دست خود را بچشم خود
بگذار و بکش در عقب آیة الکرسی بخوان چون آن شخص این عمل را بجا آورد چشم او
صحت یافت و این عمل بسیار مجربست و دیدم از خط شیخ رجب بن محمد حافظ
در بعضی از مصنفات که کسیکه الشکور را از اسماء الله تعالی چهل بار بر آب
بخواند و چشمی را که درد دارد با آن آب بشوید چشم او از درد شفا می یابد ان شاء الله
و همچنین الحی را از اسماء الله تعالی هرگاه بر مریضی یا درد چشمی نوزده بار خوانده
شود شفا می یابد باذن الله تعالی و از جمله آن چیزها که تجربه کرده شده است زر

العظیم

دعاهای زندانی ذکر شده

فصل بیست دویم

در توسل بحضرت امام موسی کاظم دفع درد چشم و درد جمیع اعضا

در ادعیهٔ زندانیها و کم شدها و کریختهها اما ادعیهٔ زندانیها پس از آنجمله اینست که زندانی بسیار بگوید اللهم انی اسئلك العفو والعافیة و المعافاة فی الدنیا والاخرة در کتاب فرج المهموم در اخر آن مذکور است که این دعا از برای بیرون امدن از حبس است و ابن طاوس ره در کتاب مهج الدعوات کفته است که این دعا از جملهٔ ادعیهٔ مستجاب است که شك در آن نیست و هر کس در بند باشد و زندان آنرا بخواند مقرون میشود بفرج و نوبه عنبری کفته که یوسف بن عمر مرا مدتی مدید در بند کرد پس در خواب پدرم کسی را که بمن این دعا را تعلیم کرد پس چون صبح شد نوشتم و وضو ساختم و نماز صبح را کردم و بعد از نماز صبح این دعا را مکرر خواندم پس همان روز از بند خلاص شدم نوح کفته که این دعا را تعلیم کردم بمردیکه در حبس بود پس آنمرد کفت که نخواندم این دعا را در هیچ عذابی مکر آنکه از من منجلی شد و یکروزی بعذاب کرفتار شدم و این دعا بخاطرم نبود تا آنکه صد تازیانه بمن زدند پس این دعا بخاطرم امد چون خواندم آن عذاب از من زایل شد ذکر این دعا در فصل پنجم کذشت و از آن جمله دعائیست که صاحب النبهان آنرا تعلیم کرد بمردی محبوس پس بخواندن آن از زندان خلاص شد و آن دعا اینست الهی عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء و انقطع الرجاء و ضاقت الارض و منعت السماء و انت المستعان و الیك یا رب المشتکی و علیك المعول فی الشدة و الرخاء اللهم صل علی محمد و ال محمد اولی الامر الذین فرضت علینا طاعتهم و عرفتنا بذلك منزلتهم ففرج عنا بحقهم فرجا عاجلا قریبا کلمح البصر او هو اقرب یا محمد یا علی یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیانی و انصرانی فانکما ناصرانی یا مولانا یا صاحب الزمان الامان الامان الامان و در اخر این دعا چون بالغوث رسد انرا سه بار بکویند و سه بار ادرکنی بکویند و سه بار الساعة و سه بار العجل و بعد از ان بکوید یا ارحم الراحمین بحق محمد و اله الطاهرین و بعضی آنرا دعیه دعا طاهر روایت کرده اند و آنرا دعای فرج میکویند که بسبب آن اندوه برطرف میشود و اسیر و محبوس از

خواندن

بند

دعای خضر بخوانند

بند خلاصی مییابد از نسخه از صاحب کتاب مستغیثین و صاحب کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده اند و بیان قصهٔ ان اینست که مردی محمد بن عطا کفت یکی از همسایهای مرا در بلاد روم بند کرده بودند در مدت بیست سال تا انکه اهل او از او مایوس و نومید شدند و بعد از او سبب نجات او پرسیدند کفت یکشب فکر میکردم در حال جماعتیکه ایشانرا کذاشته بودم از اهل و اطفال خود کریه میکردم ناکاه مرغی از بالای دیوار زندان خود را بزیر انداخت و این دعا خواند و من حفظ کردم و سه شب پی در پی خواندم و در شب سیم خوابیدم پس چون بیدار شدم خود را در شهر خود در پشت بام خود دیدم پس از بام بزیر امدم نزد عیال و ایشان بعد از انکه از من نا امید شده بودند مرا دیدند خوشحال شدند و در همان سال بحج رفتم و در خانهٔ خدا طواف میکردم و این دعا را میخواندم ناکاه مرد پیری دست خود را بر دست من زد و کفت که این دعا را نمی خواند مکر مرغی در بلاد روم از کجا بدست تو امده است من قصهٔ خود را باو کفتم او کفت راست کفتی و او را پرسیدم از اسم او کفت من خضرم و آن دعا اینست اللهم انی اسئلك یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون و لا یصفه الواصفون و لا تغیره الحوادث و لا الدهور انت تعلم مثاقیل الجبال و مکائیل البحار و عدد قطر الامطار و عدد ورق الاشجار و عدد ما یظلم علیه اللیل و یشرق علیه النهار و لا تواری منه سماء سماء و لا ارض ارضا و لا جبل الا و یعلم ما فی وعره و لا بحر الا و یعلم ما فی قعره اللهم انی اسئلك ان تجعل خیر عملی خواتیمه و خیر ایامی یوم القاك انك علی کل شیء قدیر اللهم و من عادانی فعاده و من کادنی فکده و من بغی علی فاهلکه و من نصب لی فخه و اطفئ عنی نار من اشب الی ناره و اکفنی هم من ادخل علی همه و ادخلنی فی درعك الحصینة و استرنی بسترك الوافی یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی من امر الدنیا و الاخرة و صدق قولی و فعلی بالتحقیق یا رفیق یا شفیق و فرج عنی کل ضیق و لا تحملنی ما لا اطیق انت الهی الحق الحقیق یا ظاهر البرهان یا قوی الارکان یا من رحمته فی کل مکان یا من لا یحویه مکان و لا یخلو منه مکان

احرسني بعينك التي لا تنام واكنفني بركنك الذي لا يرام اللهم انه قد تيقن
قلبي انه لا اله الا انت واني لا اهلك وانت معي يا رجائي فارحمني بقدرتك
علي يا عظيما يرجى لكل عظيم يا حليم يا عليم انت بحاجتي عليم وعلى خلاصي قدير وهو
عليك سهل يسير فامنن علي بقضائها يا اكرم الاكرمين ويا اجود الاجودين
ويا اسرع الحاسبين يا رب العالمين ارحمني واغفر لي ولوالدي وللمؤمنين و
المؤمنات انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد واله وصحبه
اجمعين این نسخه را که نوشتم از اذکار حیوة الحیوان یافتم و نسخه را یافتم در کتاب
مستغیثین نیز و هر دو نسخه را در لفظ و معنی مثل یکدیگر دیدم پس یافتم در کتاب مجتنی
که از مصنفات ابن طاوس است نسخه دیگر که میان آن و میان نسخه اولی تغایر بسیاری
پس جمع کردم میان هر دو نسخه بواسطه حفظ کردن هر دو نسخه و قصه نسخه
سید طاب ثراه اینست که خلیل بن مسعود هذا هدم طرسوسی گفت که سی سال در بلاد
روم بتنگترین زندان محبوس بودم شنیدم که گفت که مدت زندان نذر کردم که
اگر الله تعالی مرا خلاص دهد از آن زندان در همان سال از منزل خود پیاده بحج روم
پس شبی دیدم که مرغی سفیدی بر کنگره زندان نشست و این دعا را بزبان فصیح
خواند پس این دعا را یاد گرفتم و سه شب پی در پی خواندم آنرا الله تعالی ملکی را فرستاد
تا مرا برداشت از زندان و بمنزل من بدر کرد و در آن سال بنذر خود وفا کردم بحج رفتم
و این دعا را در اثنای طواف میخواندم مردی آنرا شنید و بمن چسبید و گفت این دعا
از کجا بهم رسانیدی پس بدو گفتم که پدر من از جد من روایت کرده است و او از پیغمبر روایت
کرده است که این دعای مرغ سفید رومی است که در قسطنطنیه رسم است و این دعا
دعای فرج میگویند من گفتم از آن مرغ شنیدم این دعا را و قصه خود را با او گفتم
و نسخه ابن طاوس اینست اللهم انی اسئلك یا من لا تراه العیون ولا تخالطه
الظنون ولا یصفه الواصفون ولا تغیره الحوادث ولا تخفی علیه الدهور
وانت تعلم مثاقیل الجبال ومکاییل البحار وما اظلم علیه اللیل واشرق
علیه النهار ولا تواری عنك سماء سماء ولا ارض ارضا ولا جبال ما فی
وعورها ولا بحار ما فی قعورها انت الذی یسجد لك سواد اللیل ونور النهار و

ایضاً دعای فرج

شعاع الشمس وضوء القمر ودوي الماء وحفيف الشجر انت الذي نجيت نوحا
من الغرق وغفرت لداود ذنبه وكشفت عن ايوب ضره ونفست عن يونس
كربته في بطن الحوت ورددت موسى من البحر على امه وصرفت عن يوسف
السوء والفحشاء وانت الذي فلقت البحر لبني اسرائيل حين ضربه موسى بعصاه
فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم حتى مشى عليه وشيعته وانت الذي
صرفت قلوب سحرة فرعون الى الايمان بنبوة موسى حتى قالوا امنا برب
العالمين وانت الذي جعلت النار بردا وسلاما على ابرهيم وارادوا به كيدا
فجعلتهم الاخسرين يا شفيق يا رفيق يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق يا مولاي
بالتحقيق صل على محمد وال محمد وخلصني من الكرب المضيق ولا تجعلني اعالج
ما لا اطيق انت منقذ الغرقى ومنجي الهلكى وجليس كل غريب وانيس كل
وحيد مغيث كل مستغيث صل على محمد وال محمد وفرج عنا الساعة الساعة
فلا صبر لي على حلمك يا لا اله الا انت ليس كمثلك شيء ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم ودر كتاب المستغيثين مذكور است كه اين دعا را مربوطی از
هاتفی شنید یا من لا تراه العيون ولا تخالطه الظنون ولا يصفه الواصفون
ولا تاخذه سنة ولا نوم اجعل لي من امري فرجا ومخرجا يا غياث المستغيثين
ويا ارحم الراحمين و مكرر كرد آنرا سه بار پس بلطف الله تعالى خلاصی یافت از
ربقه‌ای که آنرا بآن بسته بودند بعضی از راویان حدیث گفته اند که من واقع
شده بودم در بندی و این دعا را خواندم و خلاص شدم و در کتاب المستغیثین
مذکور است که مردی را بزندان میبردند در راه زندان بدیواری رسیدند و بر
آن دیوار این دعا نوشته دید یا ولیی فی نعمتی و یا صاحبی فی وحدتی و یا عدتی
فی کربتی چون این دعا مکرر خواند او را رها کردند و چون برگشت و بآن دیوار
رسید هیچ چیز بر آن دیوار نوشته نیافت و نیز در کتاب مذکور واقع شده است
که مردی را ده سال در بند کرده بودند پس در خواب دید که کسی این دعا را باو
تعلیم کرد که تحصنت بالحی الذی لا یموت ورمیت کل من اذانی بسوء
بلا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم واصبحت في جوار الله الذي لا يرام

ایضاً دعای نجات

ولا یستباح وحمی الله الکریم وذمته التی لا تخفر واستمسکت بالعروة
الوثقی وتوکلت علی الله ربی ورب السموات والارض لا اله الا هو
واتخذته ولیا ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبی الله ونعم الوکیل و
چون این دعا را خواند الله تعالی او را از زندان خلاص داد و نیز در کتاب مذکور
که بنو امیه شخصی را در بند کرده بودند حضرت عیسی را در خواب دید که این
کلمات را با و تعلیم کرد پس فرج داد خدای تعالی در بقیه همان روز و دعا این است
لا اله الا الله الملک الحق المبین شیخ سهروردی در کتاب عوارف خود
ذکر کرده است که کسیکه محبوس باشد و این اسم را دو هزار بار بخواند اول
در صبح و شام و ندخود سازد از حبس خلاص میشود و آن اسم این است یا
نقی من کل جور لم یرضه ولم یخالطه فعاله و باز در کتاب خود ذکر کرده است
کسیکه این اسم را زیاده از هزار بار تکرار نماید از حبس خلاص میشود و ظلم
کننده او را خدای تعالی هلاک سازد و آن اسم این است یا کافی الموسع لما خلق
من عطایا فضله و در کتاب مهج الدعوات مذکور است که مردی در شام مدت
مدیدی در بند بود و بسیار او تنگ گرفته بودند پس حضرت فاطمه را در خواب
دید که این دعا را تعلیم او کرد اللهم بحق العرش ومن علاه وبحق الوحی و
من اوحاه وبحق النبی ومن نباه وبحق البیت ومن بناه یا سامع کل صوت
یا جامع کل فوت ویا باری النفوس بعد الموت صل علی محمد واله واتنا فی
جمیع المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها فرجا من عندک
عاجلا بشهادة ان لا اله الا الله وان محمدا وعلی ذریته الطیبین الطاهرین
المطهرین وسلم تسلیما چون این دعا را خواند از آن بند خلاصی یافت و در
کتاب مهج الدعوات از حضرت کاظم روایت است که فرمود که در شب چهارشنبه پیغمبر را
در خواب دیدم که گفت یا موسی تو محبوس مظلومی سه بار این کلمه را تکرار فرمود
و بعد از آن فرمود که امید هست که این فعل فتنه ایجاعت باشد متاع
ایشان باشد تا و قتش ابو نجی فردا روزه بدار و تابع او ساز روز پنجشنبه و
جمعه را و در شب جمعه میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز کن

واهل بیته

سلام در هر رکعت الحمد یکبار و دوازده بار توحید بخوان و چون چهار
رکعت نماز بگذاری سجده کن و در سجده بگو اللهم یا سابق الفوت و
یا سامع الصوت ویا محیی العظام بعد الموت وهی رمیم اسئلک باسمک
العظیم الاعظم ان تصلی علی محمد عبدک ورسولک وعلی اهل بیته الطیبین
الطاهرین وتعجل لی الفرج مما انا فیه پس این عمل را بجا آوردم و آنچه می
بایست بفعل آمد یعنی خلاصی از زندان و سید ابن طاوس کلام شیخ طوسی است
در متهجد او و این دعا را در مهج الدعوات دیدم بعبارتی که زیاده دارد بر
عبارت متهجد پس ذکر کردم آن عبارت را نیز بواسطه استظهار حفظ این دعا
بهر دو روایت با هم و ابن طاوس در مهج خود نماز و روزه را که شیخ ذکر کرده است
او ذکر نکرده است و دعائی که او ذکر کرده است این است یا سابغ النعم
یا دافع النقم یا باری النسم یا مجلی الهمم یا مغشی الظلم یا کاشف الضر و
الالم یا ذا الجود والکرم ویا سامع کل صوت ویا مدرک کل فوت ویا محیی
العظام وهی رمیم ومنشئها بعد الموت صل علی محمد وآل محمد واجعل لی
من امری فرجا ومخرجا یا ذا الجلال والاکرام و در کتب بعضی از اصحاب امامیه
مذکور است که هرگاه محبوس هر روز هفت بار این کلمات بخواند الله تعالی
او را نجات دهد و آن کلمات این است یا من کفانی من خلقه جمیعا ولم یکفنی
من خلقه احد سواه یا احد من لا احد له انقطع رجاء الا منک یا الله فاغثنی
یا غیاث المستغیثین واما ادعیه که تعلق بگم شده و گریخته دارد
از انجمله آنچیزیست که از حضرت علی مروی شده که فرمود هرگاه از کسی شخصی
بگریزد این آیه کریمه که در سوره نور است او کظلمات فی بحر لجی تا آخر آیه که
برمیگردد انشاء الله و در روایتی دیگر دیده ام از حضرت علی که بواسطه
برگردانیدن غایب گریخته این دعا را بر جامی باید نوشت اللهم ان
السماء سماؤک والارض ارضک والبر برک والبحر بحرک وما بینهما
فی الدنیا والاخرة لک فاجعل الارض بما رحبت علی فلان بن فلان اضیق
من مسک جمل وخذ بسمعه وبصره وقلبه او کظلمات فی بحر لجی تا آخر آیه

وبردور آیة الکرسی بنویسند و آنرا سه روز در هوای بیاویزند و بعد
از آن آنرا در جایی بگذارند که آن غایب یا گریخته آنجا میبوده است که بر
میگردد ان شاء الله و در کتاب لفظ الفواید دیده ام چیزی که گریخته را حاضر
میکند و آن اینست که روز دوشنبه دایره بنویسند و در میان آن دایره
دایرهٔ دیگر بعنوان دو دایره در میان هم بکشند باین روش ۞ و در دایرهٔ
اول این را بنویسند که وعلی الثلثة الذین خلفوا حتی اذا ضاقت علیهم
الارض بما رحبت کذلک یضیق الله علی فلان ابن فلان یعنی نام گریخته
و پدر او را بنویسند و بعد از آن بنویسند که حتی یرجع الی الموضع الذی خرج منه
و در دایرهٔ اینرا بنویسند انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان
فهم مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون و بعد از آن در میان دایره سه بار بنویسند که انه
علی رجعه لقادر کذلک یرجع فلان بن فلانة الی موضع الذی خرج منه و
بعد از آن در پشت ورقه در یک سطر طولانی بنویسند وهو علی جمعهم اذا یشاء
قدیر و اگر چیزی از اثر آن مطلوب با او باشد بهتر است و در اسم آن شخص
سوزنی فرو برد و خیطی بر آن سوزن بگذارند و آنرا بیاویزند که آن گریخته
حیران شود و نمیتواند بجای رفت و در کتاب خواص القرآن مذکور است که اگر
از کسی چیزی گم شود یا کسی از او بگریزد باید که در چاشت روز جمعه هشت رکعت
نماز کند و چون سلام بدهد هفت بار سورهٔ والضحی بخواند و بگوید یا صانع
العجایب یا رادّ کل غایب یا جامع الشتات یا من مقالید الامور بیده
اجمع علیّ کذا فانه لا جامع الا انت و در کتاب حیوة الحیوان مذکور است
که هر گاه چیزی از تو گم شود و خواهی که الله تعالی میان تو و آنچیز جمع کند
یا انسانی از تو گریخته باشد و خواهی که خدای تعالی میان تو و او جمع کند
بگو یا جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد اجمع بینی و
بین کذا پس بدرستیکه خدای تعالی جمع میکند میان تو و آنچیزیکه میخواهی و
از حضرت علی مرویست که هر گاه از کسی ضاله گم شود باید که دو رکعت نماز کند

در هر رکعت بعد از الحمد سورهٔ یس بخواند و بعد از آن بگوید اللهم یا رادّ
الضالة ردّ علی ضالتی و حضرت پیغمبر تعلیم کرد همر علی و فاطمه را فرمود که
هر گاه نازل شود بشما مصیبتی یا بترسید از جور سلطان یا گم شده از شما
ضاله پس وضو خوبی بسازید و دو رکعت نماز کنید و دستهای خود را بر
داشته بگوئید که یا عالم الغیوب والسرائر یا مطاع یا عزیز یا علیم یا الله
یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کائد فرعون بموسی یا منجی عیسی من
ایدی الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبرة یعقوب یا کاشف ضر
ایوب یا منجی ذی النون من الظلمات الثلاث یا فاعل کل خیر یا هادی الی کل
خیر یا دالا علی کل خیر یا خالق الخیر و یا اهل کل خیر انت الله فزعت الیک
بما قد علمته و انت علام الغیوب اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد بعد
از آن حاجت خود را بخواهید که الله تعالی حاجت شما را بر میآورد ان شاء الله
و از جمله دعاها گم شده اینست یا من لا یخفی عنه مکتوم ولا یشذ عنه
معلوم ولا یغالبه منیع ولا یطاوله رفیع ارددبقدرتک علی ما فی
انک انت اهل الخیرات و بعضی دیگر از آن دعها اینست اللهم یا هادی
الضالة و رادّ الضالة اسئلک بعزتک و سلطانک ان تصلی علی محمد و
آل محمد و ان ترد علی ضالتی فانها من عطائک وفضلک ورزقک و در کتاب
طریق النجاة مذکور است که بواسطه ردّ ضاله سورهٔ عبس باید خواند دیده ام
در کتاب بخط شیخ شهید ره که برای ردّ گم شده والعادیات باید خواند و از جمله
آنچیزیکه اصحاب ذکر کرده اند برای ردّ گم شده و گریخته مکرر خواندن این است
ناد علیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی
بولایتک یا علی یا علی یا علی و در کتاب اذکار نووی از حضرت پیغمبر روایت
کرده است که آنحضرت فرمود که هر گاه در صحرا استر یکی از شما بگریزد باید که
صاحب استر ندا کند و بگوید یا عباد الله احبسوا یا عباد الله احبسوا و مکرر
این کلمات را بگوید که آن استر محبوس میشود و نمیتواند بجای رفت ان شاء الله تعالی
و مراد از استر در این مقام مرکوب است از اسب و استر و مانند آن و بعد از آن

نووی ذکر کرده است که بعضی از شیوخ ما برای من حکایت کرد که استر او
گریخته بود و این حدیث میدانست پس این ندا را کرد الله تعالی آن استر را
حبس کرد از برای او و باز نوری گفته است که من با جماعتی همراه بودم و چهار
پای از ایشان گریخته و ایشان از گرفتن عاجز شدند پس من این کلمات را ندا
کردم آن چهارپای ایستاد و در بعضی از تصانیف شیخ رجب بن محمد مذکور است
که هرگاه کسی اسم الشهید الحق را بر چهار گوشه کاغذی بنویسد و نام گم شده یا
غایب را در میان رقعه بنویسد و نصف شب در زیر سقف بر آسمان آید و
نظر در آن رقعه کند و هفتاد بار این دو اسم را بخواند خبر آن گم شده یا غایب باو
میرسد و باز شیخ رجب ذکر کرده است که نصف شب از زیر سقف بر آسمان آید
در رقعه یا میان خانه خود بایستد و هفتاد بار بگوید یا معید و بعد از آن بگوید
یا معید اردد علی فلان بن فلان در همان هفته خبر آن غایب یا غایب خودش باو
میرسد فسبحان الله من اودع اسراره اسمائه تعریف پس منزه میدانم خدای را
که اسرار خود را در اسماء خود بامانت گذاشته است **فصل بیست و نهم** در ادعیه

دعاهای سفر

و آنچیزیکه تعلق باو دارد شیخ مفید در کتاب مزار خود گفته است که هرگاه
تو اراده سفری کنی از برای زیارت یا غیر آن باید که اختیار کنی روز خوبی را
و میباید که آن روزی را که اختیار میکنی روز شنبه یا سه شنبه یا پنجشنبه
باشد اما روز شنبه پس در روایت واقع شده است از حضرت صادق که
فرمود که کسیکه اراده سفری کند در روز شنبه سفر کند چه اگر سنگی در روز
شنبه سنگی از جای خود کنده شود الله تعالی آن سنگرا بمکان خود بر میگرداند
و اما روز سه شنبه پس مرویست از حضرت صادق که فرمود سفر کنید در روز
سه شنبه و حوائج خود را طلب کنید در آن روز پس بدرستیکه روز سه شنبه
روزیست که الله تعالی آهن را از برای داود نرم کرد در آن روز و اما روز پنجشنبه
پس از آنحضرت مرویست که فرمود که حضرت پیغمبر با اصحاب خود در روز پنج
شنبه بغزا میرفت و ظفر مییافت پس کسیکه اراده سفر کند باید که در روز
پنجشنبه سفر کند و در اینجا چند فایده متفرقه هست که ماخوذ است از کتب

متعدده و بعضی از آن فواید اینست که از حضرت صادق مرویست که در روز
دوشنبه سفر مکنید و در آن روز طلب حاجت مکنید و جماعتی در روز دو
شنبه سفر کرده بودند حضرت امام جعفر صادق با ایشان گفت که چرا
شما طلب میکنید برکت روز دوشنبه را کدام روز است که شوم‌تر از
روز دوشنبه است چه در این روز پیغمبر ما وفات یافت و وحی آسمانی از ما
منقطع شد در این روز بیرون مروید بلکه در روز شنبه بیرون روید و
این حدیث را ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه و سید عمید الدین در
شرح قواعد ذکر کرده اند و شیخ مفید در کتاب مزار خود گفته است که پرهیز
کنید از سفر کردن در روز دوشنبه زیرا که دوشنبه روزیست که پیغمبر ما
در آن روز وفات یافت و وحی از ما منقطع شد و امر اهل بیت در آن روز
از ایشان بریده شد و حضرت امام حسین در آن روز شهید شد و این روز
نحس است و پرهیز کنید از سفر کردن در روز چهارشنبه زیرا که حضرت فرمود
که آتش دوزخ روز چهارشنبه خلق شد و امتان طاغیه را خدا تعالی در روز
چهارشنبه هلاک ساخت من میگویم که شیخ مفید در کتاب مزار خود نهی کرده است
از سفر کردن در روز چهارشنبه و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از ابو ال
الحسن ثانی روایت کرده است که کسیکه روز چهارشنبه آخر ماه یا چهارشنبه آخر سال
سفر کند بقصد رد قول اهل طیره یعنی بزعم جمعی که فال بد میزنند بآن روز سفر
کند الله تعالی نگاه میدارد او را از هر عاهتی و نیز ابن بابویه در کتاب علل شرایع
ذکر کرده است که روز چهارشنبه روز شومی است که مردم آنرا شوم میدانند
و در همین کتاب گفته است که مردی امیر المؤمنین پرسید از روز چهارشنبه که
مردم آنرا بفال بد میگیرند و بر مردم ثقیل است آن کدام چهارشنبه است آنحضرت
فرمود که آن چهارشنبه آخر ماهست و در این چهارشنبه بود که قابیل برادر خود را
کشت و در این روز بود که ابراهیم را در آتش انداختند و در این روز بود که الله
تعالی فرعون را غرق کرد و در این روز بود که الله تعالی شهر قوم لوط را سرنگون
کرد و در این روز بود که الله تعالی روز کفار را مثل شب تاریک کرد اند و در این روز

بود که الله تعالی نمرود را هلاک ساخت و در این روز بود که فرعون اراده قتل
موسی کرد و در این روز بود که فرعون امر کرد بقتل پسرانی که از ما در متولد
شدند و در این روز بود که سقف بر سر کفره فرود آمد و در این روز بود که
بیت المقدس خراب شد و در این روز بود که مسجد سلیمان در اصطخر فارس سوخت
و در این روز بود که حضرت یحیی کشته شد و در این روز قوم فرعون بعذاب الهی
گرفتار شدند و در این روز قارون بزمین فرو رفت و در این روز ایوب بموت اولاد
و ذهاب اموال مبتلا شد و در این روز یوسف داخل زندان شد و در این روز بود
که صیحه ایشان را گرفت و در این روز بود که ناقه صالح را پی کردند و در این روز بود که
الله تعالی بر کفره سنگ بارید و در این روز سر حضرت پیغمبر شکسته شد و دندان
رباعیه مبارک آنحضرت شکست و در این روز عمالقه تابوت را اخذ کردند و در مجمع
البیان طبرسی مذکور است که ایام عجوز که الله تعالی در آن ایام قوم عاد را هلاک
ساخت از صبح روز چهارشنبه بود تا غروب آفتاب چهارشنبه دیگر و در کتاب
حدیقه ناظره کشفی مذکور است که روز چهارشنبه شوم است و چهارشنبه آخر
ماه شوم تر است و از ابن عباس مرویست که چهارشنبه آخر ماه روز نحسی است و در
مجمع البیان در تفسیر قول الله تعالی که فرموده است یوم نحس مستمر مذکور است
مراد آنست که روز دائم الشومی که مستمر بود نحوست آن بر کفره هفت شب و هشت روز بود
تا آنکه جمیع ایشان هلاک شدند از چهارشنبه بود تا چهارشنبه دیگر و بعضی
گفته اند مستمر صفت نحس است یعنی عذاب الهی و نحس ایشان که مستمر بود در دنیا
تا آنکه متصل شد بعذاب آخرت و از امام محمد باقر مرویست که فرمود که روز نحسی است
مستمر در روز چهارشنبه آخر ماه است و پرهیز کن از سفر کردن در روز جمعه
پیش از نماز جمعه از امام رضا مرویست که کسیکه روز جمعه پیش از نماز سفر کند
ایمن نیست از آنکه الله تعالی حفظ نکند او را در سفر و اهل او و عوض بخیر نکند او را از
فضل خود او را روزی نکند و روز سیم ماه نیز بسفر مرو که روز شومیست چه در آن
روز لباس آدم و حوا را از ایشان سلب کردند و روز چهارم ماه نیز سفر مکن که بیم
آن هست که هر کسیکه در این روز سفر کند بلا نازل شود و در روز پنجم و روز سیزدهم

و روز بیست و یکم و بیست و چهارم نیز از سفر کردن پرهیز کن و روز بیست و پنجم ماه
نیز سفر مکن که در این روز بود که الله تعالی اهل مصر را با فرعون غرق کرد پس اگر
در یکی از این روزها سفر ضروری پیش آید که مضطر شوی بسفر کردن از خدای تعالی
طلب خیر و سلامتی و عافیت کن و چیزی تصدق کن و اسم خدا بر ده بیرون رو
و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده است از حضرت کاظم که در
ابتدای سفر هرگاه یکی از شش چیز بر سر راه مسافر آید آن سفر شوم است اول
کلاغی که از جانب راست و فریاد کند دویم سگی که دم خود را نشر کند یعنی موی
دم خود را منتشر سازد چنانکه در حال غضب میکند سیم سگی که بر روی دم خود
نشسته باشد و دم خود را گاهی بزند و گاهی بخواباند و در روی مسافر فریاد
کند چهارم آهوئی که از جانب راست بیاید و بجانب چپ رود پنجم جغدی
که فریاد کند ششم زنی که موی سیاه و سفید بر سر داشته باشد و فرج خود را
بزمین ملصق ساخته باشد و میتواند بود که مراد از زنی که القاء فرج خود
بر زمین کرده است کنایه باشد از زن فاحشه و دیگر از آنچیزها که از برای مسافر
شوم است آنست که بر سر راه او ماده خرگوش بریده بیاید پس قول مصنف کتاب
و اتان القضا عطف است بر آن شش چیز یعنی چنانچه آنچیزها شوم است این نیز شوم است
پس کسی بحث نکند که مصنف شش چیز گفت و در تعداد هفت چیز را شمرد و هرگاه
یکی از این مذکورات بر سر راه مسافر آید و در نفس او ترسی بهم رسد باید که بگوید
اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی نفسی و اعصمنی من ذلک تا آنکه در حفظ
الله تعالی باشد ان شاء الله تعالی و از حضرت پیغمبر مرویست که بدترین مردم کسی است
که تنها بسفر رود و بخشش و یاری خود را از مردم منع کند و غلام خود را بزند و در
وصیت پیغمبر بعلی مذکور است که فرمود یا علی تنها بسفر مرو که شیطان با آدم
تنها رفیق است و از دو کس شیطان دورتر است و نیز فرمود که یا علی هرگاه کسی
تنها سفر کند غاویست یعنی گمراه است و دو کس نیز غاوی و گمراهند و سه کس
جماعتند و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود که دوسترین صحابه نزد من چهار
کسند و هرگاه قومی زیاده بر هفت کس شدند زیاده نمیشود مگر صدا و گفتگو

ایشان و حضرت کاظم نگاه کرد بسفره که حلقهای آن از نقره بود پس فرمود که
این حلقها را بر دارید از آن و بجای آن حلقها آهن بگذارید که حشرات الارض چون
مار و مور و کژدم و مانند آن نزدیک نمی آیند و حضرت پیغمبر فرمود که از شرف
و بزرگی مرد آنست که توشه سفر خود را خوب کند و حضرت امام زین العابدین
هرگاه اراده سفر حج میکرد از بهترین زاد با خود میبرد مثل بادام و شکر و سویق
شیرین و ترش و از حضرت صادق مرویست که فرمود که در وصیت لقمان مر
پسر خود را مذکور است که گفت ای پسر من هرگاه سفر کنی باید که با شمشیر و
موزه و عمامه را خود برداری و با اصحاب خود موافقت کنی مگر در معصیت الله تعالی
و هرگاه در قضای تو چیزی بطلبند بگوید نعم بعون ربی و لا یعون نه مگو زیرا که کلمه لا
جهل و لوم و واماندگیست و هرگاه راه گم کنید و حیران شوید همانجا فرود آیید
هرگاه در مقصد خود شک کنید بایستید و با یکدیگر مشورت کنید و هرگاه یک
کس از شما را ببینید از او راه مپرسید و طلب راه نمایی از او مکنید زیرا که شخص واحد
در بیابان جاسوس دزدان یا شیطانست که میخواهد شما را حیران کند و از دو کس
نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی از آنها بدانید و ببینید که من از و آنچه بینم چه غافل
هرگاه چیزی را دید بچشم خود حق را میشناسد از او و کسیکه حاضر است میبیند
چیزی را که غایب نمیبیند و هرگاه وقت نماز بیاید تاخیر مکن نماز را و استراحت کن و نماز
با جماعت بگذار و اگر چه بر سر نیزه باشد و از حضرت صادق مرویست که هرگاه
راه گم کنی باواز بلند بگو که یا صالح و یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم
الله از سعد بن ابی الرجاء مرویست که گفت شبی در راه مکه از یاران خود گم شده
و سرگردان بودم که از عقب خود آوازی شنیدم و از آن آواز ترسیدم پس گوش
انداختم کسی قرآن میخواند و بمن رسید و گفت گمان میبرم که راه گم کرده گفتم بلی
گفت میخواهی که چیزی ترا تعلیم کنم که هرگاه راه گم کنی چون آنرا بخوانی راه را بیابی
و اگر ترسی چون آنرا بخوانی ترس تو برطرف شود و هرگاه بخواب نشوی آنرا که بخوانی
بخواب روی گفتم بلی گفت بگو بسم الله ذی الشان عظیم البرهان شدید السلطان
کل یوم هو فی شان اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ما شاء الله کان و لا حول

و لا قوة الا بالله العلی العظیم راوی گوید که چون این دعا را خواندم ناگاه دیدم
که یاران بمن نزدیک شدند پس آنمرد را طلب کردم نیافتم و ابو بلال نیز از اهل خود
گم شده بود نیز این دعا را خواند و اهل خود را یافت و این روایت مسعود در
کتاب ادعیه ذکر کرده است و در روایت واقع شده است که یا صالح ببیابان
موکلست و بدریا حمزه موکلست و مرویست که هرگاه راه گم کنی بجانب راست
برو و هرگاه بیرون روی بسفر باید که وضو بسازی و عمامه بر سر کنی و تحت
الحنک ببندی و چیزی تصدق کنی و عصائی از درخت بادام تلخ با خود برداری و
در آن وقت این آیه را که در سوره کریمه قصص که و لما توجه تلقاء مدین قال عسی
تا قضیت فلا عدوان علی و الله علی ما نقول وکیل را بخواند و باید که در وقت
خروج بسفر خاتم عقیق در دست کند و در اول شب سفر نکند بلکه بگذارد
که بعضی از شب بگذرد و در میان راه بواسطه استراحت نزول نکند و در
میان رودخانه فرود نیاید چون این مقدمات را دانستی پس شروع کنیم بآداب
که مخصوص این مقام است و از پیغمبر و ائمه مرویست پس میگوییم که هرگاه اراده
بیرون رفتن کنی اهل خود را جمع کنی و دو رکعت نماز کنی و بعد از آن بگو اللهم
انی استودعک الساعة نفسی و اهلی و مالی و دینی و ذریتی و دنیای و
آخرتی و امانتی و خاتمة عملی اللهم احفظ الشاهد منا و الغائب اللهم
احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک
و لا تغیر ما بنا من عافیتک و فضلک پس هرگاه این دعا را خواند انشاء الله تعالی
مطلب را بیابد و بعد از آن بگو مولای انقطع الرجاء الا منک و خابت
الآمال الا فیک اسئلک الهی بحق من حقه واجب علیک ممن جعلت له
الحق عندک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی و بعد از آن دعای
سفر را بخواند این دعای سفر دعای جلیل القدر عظیم الشانست که بسبب آن
ایمن میگرداند الله تعالی مسافر را چنانچه شیخ حسین بن محمد بن علی میکال
در کتاب عمده ذکر کرده است سه بار بگوید محمد رسول الله امامی و
علی ورائی و فاطمة فوق رأسی و الحسن عن یمینی و الحسین عن یساری و علی

۲ ترجمه بیرون رفتن ۲ این دعا بخوانند

ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة عليهم السلام
حولي الهي ما خلقت خلقا خيرا منهم فاجعل صلواتي بهم مقبولة ودعواتي
بهم مستجابة وحوائجي بهم مقضية وذنوبي بهم مغفورة وآفاتي بهم
مدفوعة واعدائي بهم مقهورة ورزقي بهم مبسوطا اللهم صل على محمد
وآل محمد پس کلمات فرج را بخواند وذکر آن در فصل اول این کتاب گذشت پس
هرگاه اراده سفر کنی در روزی که تصرف در آن نحوست مثل ایام نحسی که در
ماه و در سال است ایام نحس در ماه هفت است که آن سیم و پنجم و سیزدهم و
شانزدهم و بیست یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم است و ایام نحس سال دو
ماهی دو روز نحس است از ماه محرم ششم و دوازدهم و از ماه صفر اول و سیم
و از ماه ربیع الاول دهم و بیستم و از ربیع الثانی اول و هجدهم و از ماه جمادی
الاولی دویم و یازدهم و از ماه جمادی الثانی دویم و چهاردهم و از رجب یازدهم
و سیزدهم و از شعبان سیم و ششم و از رمضان نهم و دهم و از شوال دویم و هفتم
و از ذیقعده دویم و هفتم و از ذیحجه ششم و هفتم و در بیست و ششم هر ماه تزویج
کردن بسیار بد است و آن دختر که در این روز عقد کرده باشد زود طلاق دهد
پس بگو در صبح سه بار و در شام سه بار امسيت اللهم معتصما تا آخر و ابتداء عا
در فصل شانزدهم در ادعیه صباح و مسا گذشت و بعد از آن فاتحه و معوذتین
و توحید و آیة الکرسی و قدر و در آخر سوره آل عمران ان في خلق السموات و
الارض واختلاف الليل والنهار لايات لاولي الالباب الذين يذكرون الله
تا آخر سوره پس بگو اللهم بك يصول الصائل وبقدرتك يطول الطائل ولا
حول لكل ذي حول الا بك ولا قوة يمتازها ذو قوة الا منك اسئلك بصفوتك
من خلقك وخيرتك من بريتك محمد نبيك وعترته وسلالته عليه وعليهم
السلام صل عليه وعليهم واكفني شر هذا اليوم وضره وارزقني خيره ويمنه و
اقض لي في متصرفاتي بحسن العافية وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكفاية
الطاغية المغوية وكل ذي قدرة لي على اذية حتى اكون في جنة وعصمة من كل
بلاء ونقمة وابدلني فيه من المخاوف امنا ومن العوائق فيه يسرا حتى لا يصدني

صاد عن المراد ولا يحل بي طارق من اذى العباد انك على كل شيء قدير والامور
اليك تصير يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير و بعد از آن دعائی
بخواند که آن را امام در کتاب بلد الامین و الدرع الحصین ذکر کرده و آن این است
اللهم كن لي جارا من كل جبار عنيد ومن كل شيطان مريد بسم الله دخلت
وبسم الله خرجت اللهم اني اقدم بين يدي نسياني وعجلتي بسم الله وما شاء
الله في سفري هذا ذكرته او نسيته اللهم انت المستعان على الامور
كلها وانت الصاحب في السفر والخليفة في الاهل اللهم هون علينا سفرنا
واطو لنا الارض وسيرنا فيها بطاعتك وطاعة رسولك اللهم اصلح لنا
ظهرنا وبارك لنا فيما رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم اني اعوذ بك من وعثاء
السفر وكآبة المنقلب وسوء المنظر في الاهل والمال والولد اللهم انت
عضدي وناصري اللهم اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني في
اهلي بخير لا حول ولا قوة الا بالله و بعد از آن بگو ما شاء الله لا حول ولا قوة
الا بالله اللهم آنس وحشتي واعني على وحدتي وادّ غيبتي و بعد از آن دعائی را
که در ادعیه قدسیه مذکور است بخواند و آن این است که حق تعالی گفت ای محمد کسی که
خواهد که بسفری یا حاجتی از اهل خود بیرون رود و خواهد که من او را بسلامت
برگردانم و حاجت او را روا کنم وقتیکه از خانه بیرون میرود بگوید بسم الله
مخرجي وباذنه خرجت وقد علم قبل ان اخرج خروجي وقد احصى علمه
ما في مخرجي ومرجعي توكلت على الاله الاكبر توكل مفوض اليه امره
ومستعين به على شؤونه مستزيد من فضله مبرئ نفسه من كل حول
ومن كل قوة الا به خروج ضرير خرج بضره الى من يكشفه وخروج فقير
خرج بفقره الى من يسده وخروج عائل خرج بعيلته الى من يغنيها وخروج
من ربه اكبر ثقته واعظم رجائه وافضل امنيته الله ثقتي في جميع اموري
كلها به فيها جميعا استعين ولا شيء الا ما شاء الله في علمه اسئل الله خير
المخرج والمدخل لا اله الا هو اليه المصير بدرستیکه هرگاه ابتداء را
بخواند در وقت خروج و دخول او سرور را متوجه او میسازم و او را بسلامت

باهل او میرسانم و بعد از ان دعای را بخوان که در وسائل الی المسائل از
حضرت جواد مذکور است و از مناجات سفر است و ان اینست بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم انی ارید سفرا فخر لی فیه واوضح لی فیه سبیل الرای
وفهمنیه وافتح لی عزمی بالاستقامة واشملنی فی سفری بالسلامة وافدنی
به جزیل الحظ والکرامة واکلأنی فیه بحسن الحفظ والحراسة وجنبنی اللهم
وعثاء الاسفار وسهل لی حزونة الاوعار واطو لی البعید لطول انبساط
المراحل وقرب منی بعد نای المناهل وباعد فی المسیر بین خطی الرواحل حتی
تقرب نیاط البعید وتسهل وعور الشدید ولقنی اللهم فی سفری نجح طایر
الواقیة وهبنی غنم العافیة وخفیر الاستقلال ودلیل مجاوزة الاهوال
وباعث وفور الکفایة وسانح خفیر الولایة واجعله اللهم رب سببا عظیم
السلم حاصل الغنم واجعل اللهم رب اللیل سترا لی من الافات والنهار مانعا
من الهلکات واقطع عنی قطع لصوصه بقدرتک واحرسنی من وحوشه
بقوتک حتی تکون السلامة فیه صاحبتی والعافیة فیه مقارنتی والیمن سائقی
والیسر معانقی والعسر مفارقی والنجح بین مفارقی والفوز موافقی والامن مرافقی
انک ذو المن والطول والقوة والحول وانت علی کل شیء قدیر وبعبادک
خبیر و بعد از ان در وقت بیرون رفتن بگو بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله
توکلت علی الله از حضرت ابو جعفر مرویست که کسیکه از خانه خود بیرون
رود و در ان وقت بگوید حسبی الله تا آخر حق تعالی مهم او را کفایت میکند
از امر دنیا و آخرت پس بگو بسم الله حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی
اسئلک خیر اموری کلها واعوذ بک من خزی الدنیا وعذاب الاخرة پس بگو
اعوذ بما عاذت به ملائکة الله من شر هذا الیوم الجدید الذی اذا غابت شمسه
لم تعد من شر نفسی ومن شر غیری ومن شر الشیاطین ومن شر من نصب لاولیاء
الله ومن شر الجن والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر رکوب المحارم
کلها اجیر نفسی بالله من کل سوء بعد از ان ده نوبت سوره توحید بخوان از
حضرت صادق ع مرویست که کسیکه در وقت بیرون رفتن از خانه خود ده بار سوره

توحید بخواند همیشه در حفظ نگاهبانی حق تعالی باشد تا وقتیکه بخانه خود
برگردد چنانچه ابن فهد در کتاب عدة روایت کرده است پس بیرون رو و هرگاه
پای خود را بواسطه بیرون رفتن بسفر بر در خانه بگذاری بگو بسم الله امنت
بالله توکلت علی الله ما شاء الله ولا قوة الا بالله پس بر در خانه بایست
و روی خود بطرفی کن که بان طرف متوجه میشوی و فاتحه و آیة الکرسی بخوان
از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ خود بعد از ان بگو اللهم احفظنی
واحفظ ما معی وسلمنی وسلم ما معی ببلاغک الحسن الجمیل یا ارحم الراحمین
از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه در وقت سوار شدن بگوید بسم الله
لا حول ولا قوة الا بالله والحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی
لولا ان هدانا الله سبحان الذی سخر لنا هذا تا آخر هر دو آیه حق تعالی حفظ
کند او را و چهارپای او را تا وقتیکه از ان چهارپا فرود آید و این روایت در
کتاب ثواب الاعمال مذکور است و هرگاه سوار شوی بگو الحمد لله الذی هدانا
للاسلام وعلمنا القرآن ومن علینا بمحمد سبحان الذی سخر لنا هذا
وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون و در حال سیر و رفتن خود بگوید
اللهم خل سبیلنا واحسن مسیرنا واحسن عاقبتنا و بسیار تحمید و تکبیر
الهی بگو و استغفار بسیار بکن و هرگاه بر پشته بالا روی یا بجوی ای برسی بگو
لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله رب العالمین اللهم لک الشرف علی کل شرف
و هرگاه بر پلی برسی در وقتیکه قدم بر پل نهی بگو بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان
الرجیم و هرگاه مشرف شوی بر دهی یا شهری که میخواهی داخل ان شوی بگو اللهم
رب السموات السبع وما اظلت ورب الارضین السبع وما اقلت ورب
الشیاطین وما اضلت ورب الریاح وما ذرت ورب البحار وما جرت
اللهم انی اسئلک خیر هذه القریة وخیر ما فیها واعوذ بک من شرها و
شر ما فیها اللهم یسر لی ما کان فیها من خیر ووفق لی ما کان فیها من یسر
واعنی علی حاجتی یا قاضی الحاجات ویا مجیب الدعوات وادخلنی مدخل صدق
واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا و هرگاه اندرنده یا

جانور صاحب زهری مثل مار و عقرب و مثل آن بترسی دعائی را که در ادعیه السر وارد شده است بخوان و انچه در ادعیه السر وارد شده است این است
که خدا تعالی فرمود که ای محمد کسی که بترسد از درنده یا صاحب زهری باید که
در آن مکان که میترسد این دعا را بخواند یا ذاری ما فی الارض کلها بعلمه
بعلمک یکون ما یکون مما ذرأت لک السلطان علی ما ذرأت و لک السلطان
القاهر علی کل شیء دونک یا عزیز یا منیع انی اعوذ بک و بقدرتک علی کل
شیء من کل شیء یضر من سبع او هامة او عارض من سائر الدواب یا خالقها
بفطرته اذرأها عنی و احجزها و لا تسلطها علی و عافنی من شرها و باسها یا الله ذا
العلم العظیم احطنی و احفظنی بحفظک من مخاوفی یا رحیم پس بدرستیکه هرگاه این دعا
بخواند ضرر نمیرساند با و چیزی از جنبنده های زمین خواه آن جنبنده دیده شود
یا دیده نشود و در روایت دیگر وارد شده است که هرگاه بترسی از دشمن یا
از دزد در بیابان یا در دریا این دعا را بخوان یا الله یا الله یا من هو هو یا
من لیس کمثله الا هو یا حی یا قیوم یا حی لا یموت لا اله الا انت یا لا اله
الا انت صل علی محمد و آله الائمة الاطهار الهداة الطاهرین و کن لفلان
بن فلان درعا حصینا و حصنا منیعا یا رب العالمین و در کتاب بلد الامین
کفعمی مذکور است که اسم الحفیظ را اگر کسی بعدد آن که نهصد و نود و هشت است
بخواند اگر چه در محل درنده ها براه رود که با و ضرر نرسد و ان ما نشد از غرق
شدن و نسبا در سریع الاجابه است از برای جمعی که در سفرها میترسند و ذاکر
این اسم از آفات محفوظ است ان شاء الله و از جمله ادعیه السر اینست که ای محمد
کسیکه از کید اعدا یا از دزدان بترسد باید که در آن مکانیکه میترسد بگوید
یا اخذا بنواصی خلقه و السافع بها الی قدرته و المنفذ فیها حکمه و خالقها
و جاعل قضائه لها غالبا و کلهم ضعیف عند غلبته و ثقت بک یا سیدی
عند قوتهم انی مکبود لضعفی و لقوتک علی من کادنی تعرضت لک فسلمنی
منهم اللهم فان حلت بینی و بینهم فذلک ارجو منک و ان اسلمتنی الیهم
غیروا ما بی من نعمک یا خیر المنعمین صل علی محمد و آل محمد و لا تجعل تغییر

نعمک

نعمک علی یدا احد سواک و لا تغیرها انت ربی فلا تهتدی الذی یرادبی
محل سیف و بین شرهم بحق ما به تستجیب الدعاء یا الله رب العالمین پس
بدرستیکه هرگاه این دعا را خواند من یاری میکنم او را و بر اعدا نصرت می
دهم و نگاهمیدارم او را و از جمله ادعیه السر اینست که ای محمد کسیکه غایب
باشد و دوست دارد که با قضاء حوائج بسلامت و را بمنزل و رسانم باید که
در غربت این دعا را بخواند یا جامعا بین اهل الجنة علی تآلف من القلوب
و شدة تواجد فی المحبة و یا جامعا بین طاعته و بین من خلقه لها و یا
مفرجا عن کل محزون و یا مؤمل کل غریب و یا راحمی فی غربتی بحسن الحفظ
و الکلاءة و المعونة لی و یا مفرج ما بی من الضیق و الحزن یا لجمع بینی و بین
احبتی و یا مؤلف بین الاحباء و لا تفجعنی بانقطاع اوبة اهلی و ولدی عنی
و لا تفجع اهلی بانقطاع اوبتی عنهم بکل مسائلک ادعوک فاستجب لی فذلک
دعائی ایاک فارحمنی یا ارحم الراحمین پس بدرستیکه کسیکه این دعا را
بخواند من در غربت با و مونس او و اهل او را حفظ میکنم و اهل و را با سلامت
با قضاء حاجت بمنزل و میرسانم و هرگاه در منزلی خواهی فرود آئی اختیار کن
زمینی نرم و پاکیزه را و بگو رب انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین و بعد
از آن دو رکعت نماز کن و هرگاه خواهی که از آنجا کوچ کنی دو رکعت نماز کن و
الله تعالی را بواسطه حفظ و نگاهبانی خود بخوان و آن منزل و اهل آن را وداع کن
پس بتحقیق که هر موضعی را اهلی است از ملائکه و آن بر و ش وداع کن السلام
علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و رحمة
الله و برکاته فصل بیست چهارم در ذکر آیات حرس و استکفا و آیات حفظ و شفا
و روش احتجاب از آفات بستن دزدها و آیاتی که در آنها فایده ها متفرقه
اما آیات حرس پس در آنها معتبر روایتیست ولی آن نیست که آن را ذکر کرده است
ابو العباس احمد بن فهد ره در عدة خود و آن روایت مرفوعی شده است از
پیغمبر که فرمود که کسیکه این آیات را بخواند در نفس خود و مال خود و اصلاً
مکروهی نبیند و شیطان نزدیک و نمیاید و قرآن را فراموش نمیکند و آن

دعاهای حفظ بدن و دفع بیماریها

ایات اول سورة البقرة است تا هم المفلحون وایة الکرسی بسم الله الرحمن الرحیم الله
لا اله الا هو الحی القیوم تا سمیع علیم وقول خدای تعالی است که لله ما فی
السموات وما فی الارض تا آخر سوره ودر روایت دویم نیز از آنحضرت مروی شده است
که در آن ایاتیکه مرقوم شده است شفا است از هر صدر بوده ونیز در سوره الحمد است
واول سوره بقره است که بسم الله الرحمن الرحیم الم ذلک الکتاب تا هم المفلحون وایة
الکرسی است تا علی العظیم وقول الله تعالی است در آخر سوره بقره که لله ما فی
السموات وما فی الارض وان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم تا آخر سوره
وایه سخره است در سوره اعراف ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض تا
ان رحمة الله قریب من المحسنین وآخر سوره بنی اسرائیل قل ادعوا الله او
ادعوا الرحمن تا آخر سوره واول والصافات است بسم الله الرحمن الرحیم والصافات
صفا تا انا خلقناهم من طین لازب ودر سوره الرحمن است یا معشر الجن والانس تا
فلا تنتصران ودر آخر سوره حشر است که لو انزلنا هذا القران علی جبل تا آخر
سوره ودر سوره جن وانه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه
کان یقول سفیهنا علی الله شططا له معقبات من بین یدیه ومن خلفه
یحفظونه من امر الله ودر سوره یس وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ودر سوره بقره ختم الله علی قلوبهم وعلی
سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظیم صاحب کتاب لا ابل ذکر کرده است
از ابو الحسن محمد بن علی شریف العلوی که گفت بمن هم وغم سختی رسیده بود تا
آنکه سینه من تنگ شده بود وصبر من کم شده بود و بجد خود رسول خدا را در
خواب دیدم که بمن گفت که ای محمد چیست حال تو من گفتم که از امور دنیا همی و
غمی مرا فرا گرفته است ومال وجاه من رفته است وبا این حال عیال من بسیار
شده است ودر میان این احوال ترسی از سلطان نیز بمن رسیده است واین
ترس از این چیزهای دیگر اعظم است پس حضرت پیغمبر فرمود که ایا ترا تعلیم کنم
چیزی را از ایات قران که الله تعالی بسبب آن رد کند بتو مال وجاه ترا و بسبب
آن شر این سلطان را از تو دفع کند و برطرف کند هم وغم ترا و باصلاح آورد

کار

کار عیال ترا من گفتم بلی یا رسول الله آنحضرت فرمود که این شش ایه وجوابهای
آنرا در وقت هر سختی بخوان الله تعالی از آن سختی ترا بیرون میبرد وامر دنیا و
آخرت ترا کفایت میکند و هیچ مهمومی نخواند این ایات را مگر آنکه الله تعالی
هم او را برطرف میکند و هیچ محبوسی نخواند این ایات را مگر آنکه خلاص میشود
از آن حبس ابو الحسن گوید که چون بیدار شدم و این ایات را خواندم بعد از
نماز خود ناگاه دیدم رسول سلطان آمد که سلطان ترا میخواهد چون نزد او
آمدم گفت که تو در خواب ما را ترسانیدی که گمان میبرم که نفرین کرده باشی بر من
بخدا قسم که از من بتو خوفی نمیرسد پس آنچه از من گرفته بود بمن رد کرد و از مال
خود نیز بر آن زیاده کرد و بالجمله ببرکت این ایات بهر چیز که بود رسیدم وآنها
ایات استکفا شش است وجوابهای آنها که تلاوت آنها کفایت میکند محبوس و
خائف وفقیر ومهموم را ایه اول در سوره البقرة الذین اذا اصابتهم مصیبة
قالوا انا لله وانا الیه راجعون وجواب آن در سوره بقره اولئک علیهم
صلوات من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون ایه دویم در سوره آل عمران
الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا
حسبنا الله ونعم الوکیل جواب آن در سوره آل عمران فانقلبوا بنعمة من الله و
فضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم ایه سیم در سوره انبیا
وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین جواب در سوره انبیا فاستجبنا
له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین ایه چهارم در سوره انبیا وایوب
اذ نادی ربه انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین جواب آن در سوره انبیاء
فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر وآتیناه اهله ومثلهم معهم رحمة من عندنا
وذکری للعابدین ایه پنجم در سوره حم مؤمن وافوض امری الی الله ان الله بصیر
بالعباد جواب آن در سوره حم مؤمن فوقاه الله سیئات ما مکروا وحاق بآل فرعون
سوء العذاب ایه ششم سوره آل عمران والذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا
الله فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا الله ولم یصروا علی ما فعلوا

ایضا این ایاترا بجهت محبوس و مهموم بخوانند

وهم یعلمون جواب آن در سورهٔ آل عمران ولئک جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات
تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ونعم اجر العاملین واز حضرت صادق
مرویست که عجب دارم از کسیکه بترسد از چهار چیز چون پناه نمیبرد بچهار
چیز عجب دارم از کسیکه او را خوفی باشد چون پناه نمیبرد باین قول خدای تعالی
شیخ طبرسی در مجمع البیان ذکر کرده است که کسیرا که فرو گیرد سختی باید
که پناه گیرد باین قول خدای تعالی که حسبنا الله ونعم الوکیل چه از حضرت صادق
بصحت پیوسته است که عجب دارم از کسیکه او را خوفی باشد چون پناه نمیبرد
باین قول خدای تعالی حسبنا الله ونعم الوکیل در پی بدرستیکه الله تعالی در عقب
آن فرموده است فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء واز ابن عباس
مرویست که آخر کلام ابرهیم وقتیکه او را باتش انداختند این بود که حسبنا
الله ونعم الوکیل وگفته است پیغمبر مثل او وسید نجم الدین مهنا ابن سنان
حسینی در کتاب جنن الخلال روایت کرده است از حضرت صادق که فرمود
که عجب دارم از کسیکه از چهار چیز بترسد چون پناه نمیبرد بچهار چیز تا آخر حدیث
که در اصل کتاب مذکور است که حسبنا الله ونعم الوکیل بواسطهٔ آنکه خدای
تعالی بعد از آن فرموده است فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء
وعجب دارم از کسیکه غمناک باشد چون پناه نمیبرد باین قول خدای تعالی که
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین چه بعد از آن فرموده است
که فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین وعجب دارم از کسیکه
مردم با او مکر کنند چون پناه نمیبرد باین قول خدای تعالی که وافوض امری
الی الله ان الله بصیر بالعباد بواسطه آنکه بعد از آن فرموده است فوقه
الله سیئات ما مکروا وعجب دارم از کسیکه دنیا را خواهد چون پناه نمیبرد
باین قول خدای تعالی که ما شاء الله لا قوة الا بالله بواسطه آنکه الله تعالی
بعد از آن فرموده است ان ترن انا اقل منک مالا وولدا فعسی ربی ان یؤتین
خیرا من جنتک روایتست که شخصی شکایت کرد بعلی از دردی که در شکم داشت
آنحضرت فرمود که بزن خود بگو که یک درهم از روی رضا ورغبت بتو بخشد پس

ایضا اینها را بخوانند

باید تهم عسل بخر واز آب باران بان بریز و بیاشام که شفا میبابی چه الله
تعالی فرموده است وانزلنا من السماء ماء مبارکا یعنی فرو فرستادیم ما
از آسمان آب مبارک ونیز فرموده است که یخرج من بطونها شراب مختلف
الوانه فیه شفاء للناس یعنی بیرون میآید از شکم زنبور عسل شرابی که
مختلف است رنگهای آن ودر آن شراب شفاست از برای مردم وفرموده
فان طبن لکم عن شیء منه نفسا فکلوه هنیئا مریئا اگر زنان از طیب خاطر
خود چیزی بشما دهند پس بخورید آنرا که گوارا است پس هرگاه جمع شود برکت
وشفا وگوارائی وشفا میبابی باذن الله تعالی پس آن مرد چنان کرد شفا یافت واین
روایت را عیاشی در تفسیر خود روایت کرده است واما آیات شفا واین آیات
بسیار عظیم الشانست کسیکه آنها را بنویسد وباب بشوید و بیاشامد
یا با خود نگاه دارد شفا میباید از هر دردی میگویم من که ذکر کرده اند که بعضی
از اصحاب مرضی پیدا کرد که جمیع اطبا از معالجهٔ آن عاجز شدند این آیات را
نوشت واشامید شفا یافت واز حضرت صادق مرویست که مردی از درد سینه
خود بخدمت حضرت پیغمبر شکایت کرد آنحضرت فرمود که طلب شفا کن بقران
چه الله تعالی فرموده است که شفاء لما فی الصدور واز آنحضرت مرویست
که فرمود که شفای امت من در سه چیز است در آیهٔ از قرآن یا در لیسیدن
از عسل یا در حجامت وان آیات اینست ویشف صدور قوم مؤمنین وشفاء
لما فی الصدور یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس و
ننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین واذا مرضت فهو یشفین قل هو
للذین امنوا هدی وشفاء ذلک تخفیف من ربکم ورحمة الان خفف الله عنکم
یرید الله ان یخفف عنکم قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم وارادوا
به کیدا فجعلناهم الاخسرین الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله
ساکنا وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم با لف لا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم ودر روایت شده است که جماعتی ابو الهیثم را
بشمشیر زدند چیزی از او نبریدند از او پرسیدند که سبب این چه بود او گفت

اینها را از برای شفا بخوانند

که آیات حفظ را میخواندم پس گفت که بیرون آمدم بکره روزی با جماعتی کرکی را
دیدیم که با گوسفندی لاغری بازی میکردیم و اصلا با وضرر نمیرسانید چون ما
نزدیک آن گوسفند رفتیم کرک بگریخت وما نزدیک آن گوسفند مکتوبی
یافتیم که این آیات حفظ در آن نوشته بود این روایت را شیخ کمال الدین الدمیری
در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده است اما آیات حفظ کسیکه آنها را بخواند یا با خود
دارد در حفظ ونگاهبانی الله تعالی است و آن آیات این است ولا یؤده حفظهما
وهو العلی العظیم فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین له معقبات من بین یدیه
ومن خلفه یحفظونه من امر الله ان ربی علی کل شیء حفیظ انا نحن نزلنا الذکر
وانا له لحافظون وحفظناها من کل شیطان رجیم وحفظا من کل شیطان مارد
ان کل نفس لما علیها حافظ ان بطش ربک لشدید انه هو یبدئ ویعید و
هو الغفور الودود ذو العرش المجید فعال لما یرید هل اتاک حدیث الجنود
فرعون وثمود بل الذین کفروا فی تکذیب والله من ورائهم محیط بل هو قرآن
مجید فی لوح محفوظ میگویم من که امثال این آیات را نچیزیکه نگاه میدارد ادمی را
از کید سلطان وشیطان وایمن میکرداند او را از خذلان وحرمان در این
کتاب محکم پناهی از آنها هست ورفته ام راهی را که رونده آن گمراه نمیشود و
راه آن مجهول نیست هر کسیکه پیوسته است هر فنی در محل خود قرار گرفته است
هر صنفی در مرکز خود و اما آیاتیکه بسبب حفظ قرآن وعلوم دینیه میشود آن
بالجمله دو مقام را ذکر میکنیم که ذکر آنها را دو مقام روشنای چشم است مقام
اول در ادعیه است که مورث حفظ میشود ومقام دویم در عقاقیر وادویه است
که مورث آن میشود پس میگوییم ما که شیخ طوسی در کتاب متهجد خود ذکر
کرده است که کسیکه خواهد حفظ قرآن کند باید که در شب جمعه چهار
رکعت نماز بکذارد در رکعت اول الحمد ویس بخواند ودر رکعت دویم الحمد
وسوره دخان بخواند ودر رکعت سیم الحمد وسوره الم سجده که آن سوره
لقمان میگویند بخواند ودر رکعت چهارم الحمد وسوره ملک بخواند وچون سلام
دهد حمد وثنای الهی بجا آورد وصلوات بر محمد وآل او بفرستد وبرای مومنان

ایضا آیات حفظ [illegible]

استغفار کند وبگوید اللهم ارحمنی بترک المعاصی ابدا ما ابقیتنی وارحمنی
من ان اتکلف ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم
بدیع السموات والارض ذا الجلال والاکرام والعزة التی لا ترام اسئلک
یا الله یا رحمن بجلالک وبنور وجهک ان تلزم قلبی حفظ کتابک کما علمتنی و
ارزقنی ان اتلوه علی النحو الذی یرضیک عنی واسئلک ان تنور بکتابک
بصری وتطلق به لسانی وتفرج به قلبی وتشرح به صدری وتستعمل به بدنی
وتقوینی علی ذلک وتعیننی علیه فانه لا یعین علی الخیر غیرک ولا یوفق
له الا انت ومن میگویم که شیخ احمد بن فهد این دعا را در عدة الداعی ذکر کرده
با الفاظی که کمتر از الفاظ دعای متهجد است ودر عدة ذکر چهار رکعت نماز نیز
نکرده است بلکه گفته است که کسیکه این دعا را بخواند قرآن را فراموش
نمیکند واین دعا را از علی روایت کرده است وآن حضرت از پیغمبر روایت کرده
وصاحب عده از صادق نیز روایت کرده است واز حضرت پیغمبر و بسند باسناد
صحیح که کسیکه خواهد حفظ قرآن وعلم کند باید که این دعا را بزعفران وعسل
سفید در ظرف پاکی بنویسد وبآب باران بشوید بشرط آنکه آن آب را پیش از
آنکه بزمین برسد فرا گیرد وبیاشامد بناشتا سه روز متوالی هر که این
فعل را بجا آورد هر چیز را که خواهد حفظ کند انشاء الله تعالی واین دعا این است
اللهم انی اسئلک فانت مسئول لم یسئل مثلک اسئلک بحق محمد
نبیک ورسولک وابرهیم خلیلک وصفیک وموسی کلیمک ونجیک و
عیسی کلمتک وروحک واسئلک بصحف ابرهیم وتوریة موسی وانجیل
عیسی وزبور داود وقرآن محمد صلی الله علیه وعلیهم اجمعین واسئلک
بکل وحی اوحیته وبکل حرف انزلته وبکل قضاء قضیته وبکل سائل
اعطیته واسئلک باسمک الذی دعاک به انبیاؤک واصفیاؤک و
احباؤک فاستجبت لهم واسئلک بکل اسم انزلته فی کتاب من کتبک واسئلک
بالاسم الذی اثبت به ارزاق العباد واسئلک بالاسم الذی استقل به
عرشک واسئلک بالاسم الذی وضعته علی الارضین فاستقرت واسئلک

[illegible]

بالاسم الذی دعوت به السموات فاستقلت واسئلک بالاسم الذی صنعته
علی النهار فاستنار واسئلک بالاسم الذی وضعته علی اللیل فاظلم واسئلک
بالاسم الذی وضعته علی الجبال فرست واسئلک بالاسم الواحد الاحد
الفرد الصمد الوتر العزیز الذی ملأ الارکان کلها الطهر الطاهر المطهر
یا الله یا رحمن یا رحیم یا مهیمن یا قدوس یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام
ان تصلی علی محمد وال محمد وترزقنی حفظ القرآن العزیز والعلم والحکمة
برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم ارحمنی واکفنی یا کافی کل شیء بقدرتک
علی کل شیء اکفنی کل شیء واصرف عنی کل ذی شر برحمتک یا ارحم الراحمین
وابن فهد در عدة خود ذکر کرده است که پیغمبر فرمود که یا علی هرگاه خواهی که چیزی
که بشنوی حفظ کنی پس بگو در عقب هر نمازی سبحان من لا یعتدی علی اهل مملکته
سبحان من لا یاخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم
اجعل لی فی قلبی نورا وبصرا وفهما وعلما انک علی کل شیء قدیر تتمه که
لایق است باین مقام وداخل است در این باب وان فایده بخشنده ایست که
زنده میشود بسبب آن دلها در بدن وزایل میکرداند نسیان را از انسان از
آنجمله آنچیزیست که مذکور در کتاب تحصیل است وان این است که مردی پیغمبر
در خواب دید وگفت یا رسول الله چیزی بمن بیاموز که الله تعالی بسبب آن دل مرا
زنده کرداند آنحضرت فرمود که بگو یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت اسئلک
ان تحیی قلبی اللهم صل علی محمد وال محمد پس آنمرد سه روز این دعا خواند
الله تعالی دل او را زنده کردانید وازشیخ شهاب الدین سهروردی مرویست
که کسیکه قلیل الحفظ باشد وبعید الذهن هر روز بعد از نماز صبح قبل از
انکه با کسی حرف زند بگوید یا حی یا قیوم فلا یفوت شیئا علمه ولا یؤوده که
حفظ او بسیار میشود وفراموشی او کم میشود وازابو العباس بونی مرویست که
گفت که کسیکه کثیر الذهن والنسیان باشد سزاوار است که در نماز
سنت صبح مداومت کند بر قرائت آیه کریمه ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا
ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا

طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی
القوم الکافرین وبعد از آن بگوید اللهم لا تنسنی ما اقرأ فی هذا الیوم
فانک قلت سنقرئک فلا تنسی پس بدرستیکه هر چیزکه در آنروز میخواند
فراموش نمیکند ودر کتاب جمع الشتات از حضرت صادق روایت کرده است
که آنحضرت فرمود که هرگاه خواهی که از ما حدیثی نقل کنی پس آن حدیث را شیطان
از تو فراموش نماید دست خود را بر پیشانی خود بگذار وبگو صلی الله علی محمد
واله اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر والامر به ذکرنی ما انسانیه الشیطان
پس بدرستیکه الله تعالی ترا بیاد تو میاورد ودر کتاب من لا یحضره الفقیه از
حضرت صادق مرویست که آنحضرت فرمود که کسیکه سهو بر او غالب باشد
در نماز باید که در وقت دخول بیت الخلا بگوید بسم الله وبالله اعوذ بالله من
الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم ودر رساله نفلیه شیخ شهید
مذکور است که سنت است هر کسیرا که کثیر السهو است که نماز را خفیف بجا آورد
ودر وقتیکه شروع بنماز میکند ران خود را بانگشت مسبحه دست راست
بزند ودر آنحال بگوید بسم الله وبالله توکلت علی الله واعوذ بالله السمیع
العلیم من الشیطان الرجیم وچیز چندیکه انها را تاثیر در نسیان محفوظ است
در نظم سخاوی مذکور است که خواندن الواح قبور وخوردن سیب ترش وکشنیز
ترو رفتن در میان قطار شتر وحجامت پس سر وخود را باندوه دنیا دادن ودر
اب ایستاده بول کردن وخوردن نیم خورده موش واما مقام دویم در ذکر
ادویه است که مورث حفظ میشود از آنجمله انچیزیست که ابن مسعود آنرا از پیغمبر
از برای حفظ قرآن وحدیث وقطع بول وبلغم وتقویت پشت وکمر روایت کرده است
وان ده درهم قرنفل وده درهم حرمل یعنی ... اسفند وده درهم کندر سفید
وده درهم شکر سفید است که مجموع انها را بسایند وبیکدیگر مخلوط سازند مگر
دانه اسفند را که باید بدست بمالند وبا ادویه بسایند وهر روز بقدر یک
درهم از آن صبح ویکدرهم در وقت خواب بخورند این روایت بعینها در کتاب لفظ
الفواید دیدم که کسیکه خواهد حفظ او بسیار شود ونسیان او کم شود باید

هر روز یکمثقال زنجبیل پرورده بخورد و در همین کتاب گفته است که چیزیکه
تجربه کرده شده است برای حفظ اینست که بیست درهم مویز سرخ منزوع
العجم یعنی دانه اورا از ان بیرون ورند و یکمثقال سعد کوفی و دو درم
لبان الذکر و نیم درم زعفران بگیرد و مجموع انها را بکوبد و باب بادیان خیس
سازند تا انکه باقی ماند در قوام معجون و هر روز بناشتا یکدرم از ان بخورد
و نیز گفته است که کسیکه مداومت کند بر خوردن مویز بناشتا فهم و
ذهن و حفظ و نقص بلغم روزی او میشود و در کتاب طریق النجاة مذکور است
که سه چیز است که بلغم را میبرد و حفظ را زیاد میکند روزه و مسواک
و قراءت قرانست و در بعضی از اخبار وارد شده است که خوردن گوشتی که
در پهلوی گردنست و خوردن حلوا و عدس و نان سرد و قراءت ایة الکرسی
حافظه را زیاد و قوی میگرداند و از جمله ادویه حفظ آنچیزیست که از ابو بصیر
مروی شده است که گفت بحضرت صادق عرض کردم که چگونه قدرت یابیم بر
این علمی که شما تفریع کرده اید از فرمود ده درم کندر ذکر بگیرد و هر دو را نخوب
بکوبد و هر روز اندکی از ان بناشتا بخورد که قوت حافظه را زیاد میکند و بعضی
دیگر از ان ادویه از برای کسیکه بعید الذهن و قلیل الحفظ است اینست که
بگیرد قدری از سنای مکی و قدری سعد هندی و فلفل سفید و کندر ذکر
و زعفران خالص و قدری اجزای همه مساوی باشد و مجموع را بکوبد و بعسل
بیامیزد و در هفت روز متوالی هر روز یکمثقال از ان بخورد و اگر چهارده روز
از ان بخورد از شدت حفظ ترسیده میشود بر او که بوده باشد ساحر یعنی مردم
اورا ساحر گویند و بعضی دیگر از ادویه حفظ آنچیزیست که مرویست از حضرت علی
که فرمود که کسیکه فرا گیرد یک جزء از زعفران خالص و یکجزء از سعد و اضافه
کند با نها عسل هر روز دو مثقال از ان بخورد پس بدرستیکه ترسیده میشود
بر او که از بسیاری حفظ ساحر باشد و بعضی از ان ادویه دوائیست که یافت
شده است بخط شیخ احمد بن فهد و تجربه صحت آن شاهد است و ان کندر و
سعد و شکر طبرزد است باید که اجزاء جمیع مساوی باشد و مجموع را نرم بکوبد و

سفوف سازد و هر روز بناشتا پنج درم از ان بخورد تا سه و قطع کند در پنج
روز و در کتاب لفظ الفوائد نیز بعینه این دوا مذکور است و اما کیفیت
احتجاب بحصیات از جمیع آفات چند نوع است از انجمله آنچیزیست که او ذکر
کرده است صاحب کتاب مستوجب المحامد و آن اینست که هر گاه بترسی
از مکانی پس فرا گیر بعدد لفظها یعنی پنج عدد سنگ ریزه فرا گیر و بپاش
آنرا در حول خود و هفت عدد سنگ ریزه را فرا گیر و بریز در سر خود دفن
دفن کن که ایمن میشوی انشاء الله تعالی و باز در کتاب مذکور ذکر شده است
که هر گاه که در صحرای در وقت خواب بترسی پنج عدد سنگریزه فرا گیر و نزد سر خود
دفن کن و پنج سنگریزه دیگر فرا گیر باسماء انبیاء اولوا العزم باین روش که
سنگریزه اول را که بر میداری بگو نوح و دویم را که بر میداری بگو ابرهیم
و سیم را که بر میداری بگو موسی و چهارم که بر میداری بگو عیسی و پنجم را که
میداری بگو محمد و بعد از ان یکی از ین پنج سنگرا بجانب قبله انداز و در وقت
انداختن ان بگو قوله و دویم را بجانب مشرق انداز و بگو الحق و سیم را بجانب
شمال انداز و بگو وله و چهارم را بجانب مغرب انداز و بگو الملک و پنجم را
با ان سنگریزه که دفن کرده بودی بگذار و بگو قفوا و لا تبرحوا فضرب بینهم
بسور له باب باطنه فیه الرحمة و ظاهره من قبله العذاب و بعد از ان
چهل سنگریزه دیگر بردار و در حول خود دفن کن و بخواب که این جایی برست
و اصلا ضرری بتو نمیرسد انشاء الله تعالی کسیکه صد و سی و شش بار اسم
المؤمن را بخواند ایمن میشود از شر شیطان و شر جن و انس و کسیکه بگوید
الجبار را در هر روزی بیست و یکبار ایمن میشود از هر ظالمی و کسیکه اسم
المذل را پنجاه و پنج بار بخواند و بعد از ان بسجده رود و در سجده بگوید الهی امنی
من فلان و نام آنکس را ببرد که آزار و میرسد الله تعالی ورا از انکس ایمن می
گرداند و کسیکه در سفر مداومت کند باسم الحفیظ همیشه محفوظ باشد کسیکه
بسیار بگوید القریب المجیب الله تعالی ورا ایمن میگرداند و کسیکه بسیار بگوید
المنتقم الله تعالی کفایت میکند اورا از دشمن او و چنانچه در کتاب بلد الامین

کفعمی مذکور است و از این جمله است صفت اخفا یعنی از چشم دشمن خود را اگر خواهی
که پنهان کنی بگو فتح محمد پس باید که فرا گیرد بدست چپ سنگریزه چند بعدد
حروف مجزومه یعنی حروفی که جزم دارد که آن سه است و بعدد حروف منصوبه
یعنی حروف فتحه دار که آن چهار است سنگریزه بدست راست گیرد پس یک
سنگریزه از دست راست خود از منصوبات بینداز و در وقت انداختن بگو
افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا و بعد از آن سنگریزه دویم را از دست
چپ خود بینداز و بگو یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار
السموات والارض فانفذوا لا پس سنگریزه سیم را از دست راست که از منصوبات
بعقب خود بینداز و بگو صم بکم عمی فهم لا پس سنگریزه چهارم که از منصوبات
که در دست راست است برپیش روی خود بینداز و بگو وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا و بعد از آن آنچه از مجزومات در دست
چپ مانده است در عمامه خود بگذار و برو که حجاب است از اعدا و از آن جمله است اینکه
هرگاه خوف داشته باشی یا در جنگی واقع شوی چهار سنگریزه فرا گیرد در اندرون
جیب خود آنها را بشمار و سنگریزه اول را از جانب راست خود بینداز و دویم را
از جانب چپ خود بینداز و سیم را از بالای سر خود به پشت سر بینداز و چهارم را
به پیش روی خود بینداز و بگو قوله الحق وله الملک که لشکر دشمن شکسته
میشوند و اگر شکست نخورند تو از میان بسلامت نجات مییابی انشاء الله و از این
جمله است اینکه هرگاه بتربتی پنج سنگریزه و اگر اول را باسم الله تعالی و دویم را باسم
جبرئیل و سیم را باسم موسی و چهارم را باسم محمد و پنجم را باسم ابرهیم و آن سنگریزه‌ها را
با خود نگاهدار که ایمن میشوی از آفات انشاء الله و اما آیاتیکه متضمن فواید
متفرقه است از آن جمله آنچه نوشت کفعمی صاحب کتاب نزهة الادبا از حضرت صادق ع
روایت کرده است که آنحضرت فرمود که هرگاه بدرنده برسی در روی او آیة الکرسی
بخوان و بگو عزمت علیک بعزیمة الله و بعزیمة محمد رسول الله و بعزیمة سلیمان
ابن داود و بعزیمة علی بن ابی طالب والائمة من ولده علیهم السلام الا
تنحیت عن طریقنا ولم تؤذنا که آن سبع بر میگردد و نیز در کتاب نزهة الادبا

ترجعون

مذکور است

مذکور است که هرگاه بخواب رود بگو ایتها الاسود الوثاب الذین
لا یبالون بغلق ولا باب عزمت علیکم بام الکتاب ان لا تؤذونی واصحابی الی
ان یذهب اللیل ویئوب الصبح بما آب ایمن شوی از کیک و در مجمع البیان
طبرسی روایت از پیغمبر مذکور است از برای ایمن شدن از کیک و آن روایت این است
که پیغمبر فرمود که از برای دفع کیک هفت مرتبه این آیه وما لنا الا نتوکل علی الله
وقد هدینا سبلنا ولنصبرن علی ما آذیتمونا وعلی الله فلیتوکل المتوکلون
بخوان قدح آب و بعد از آن بگو ان کنتم آمنتم بالله فکفوا شرکم واذاکم
عنا و آن آب را بر حول خود بپاش و در کتاب طریق النجاة مذکور است که نزد
ملاقات سگ درنده بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات
والارض طوعا وکرها والیه ترجعون و نزد ملاقات درنده بگو لقد جاءکم
رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش
العظیم و از علی بن ابی طالب مرویست که فرمود که کسیکه از غرق یا حرق بترسد
باید که این آیه ان ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وما
قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات
بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون را بخواند و اگر کسی از چهارپای خود ترسد یا چهارپای
او عاصی و سرکش شده باشد باید که بگوش راست او بگوید وله اسلم من
فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون و کسیکه خواهد که از
دشمن خود پنهان شود باید که از سوره کهف این آیه ومن اظلم ممن ذکر بآیات ربه
فاعرض عنها ونسی ما قدمت یداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی
آذانهم وقرا وان تدعهم الی الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا و از سوره نحل این آیه
اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئک هم الغافلون
و از سوره جاثیه افرأیت من اتخذ الهه هویه واضله الله علی علم وختم علی
سمعه وقلبه وجعل علی بصره غشاوة فمن یهدیه من بعد الله افلا تذکرون

فصل بیست پنجم در دعای دفع کردن بد دشمن

شیخ ابو جعفر بن بابویه در کتاب عیون

دعاهای دفع دشمن

فصل ۵

اخبار الرضا روایت کرده است که مردی بخدمت حضرت صادق آمد و شکایت کرد
از مردی که با و ظلم میکرد با نحضرت فرمود که چرا دعای مظلوم را که پیغمبر تعلیم کرده
آن با مت نمیخوانی مظلومی ان دعا را بر ظالم خود نخواند مگر آنکه نصرت یابد بر او
و کفایت کند او را الله تعالی از او و آن دعا اینست میگویم من که در کتب سیر ائمه
مذکور است که علی بن الحسین مقهور یکی از ملازمان اسحق بن عمران را میکرد
پس آن دعای استیصال را برای ییشوا و خواند و بعد از چند روز اسحق بن عمران
بر آن ملازم غضب کرد و کردن او را زد و دعای استیصال اینست اللهم عمه
بالشر عما و لته بالشر لتا و طه بالشر وقته بالشر قما و اطرقه بلیلة لا
اخت لها و ساعة لا منجا له منها و ابن طاوس از یوسف بن عمار نقل کرده است که
و گفت که شکایت کردم بحضرت صادق از مردی که مرا آزار میکرد آنحضرت فرمود
که دعا کن برا و یعنی نفرین کن پس من برا و دعا کردم فایده نکرد بحضرت عرض کردم
آنحضرت فرمود که این روش نیست دعا کردن انکاه ان توبه کن و در وزه بکیر
و نماز کن و چیزی تصدق کن و چون آخر شب شود وضوی کاملی بساز و دو رکعت نماز
کن و بعد از آن کن و در سجده بکو اللهم ان فلان بن فلان یعنی نام دشمن و پدر او را
ببر و بعد از آن بکو اذانی اسقم جسده و اقطع اثره و انقص اجله و عجل له ذلک
فی عامه هذا و بکوید که این عمل را بجا آوردم اندک زمانی نشد که آن دشمن
من هلاک شد دعای ظالم بر مظلوم اینست اللهم طمه بالبلاء طما و عمه
بالبلاء عما و قمه بالاذی قما و ارمه بیوم لا معاد له و ساعة لا مرد لها
و ابح حریمه و صل علی محمد و اهل بیته علیه و علیهم السلم و اکفنی امره
و قنی شره و اصرف عنی کیده و اخرج قلبه و سد فاه عنی و خشعت الاصوات
للرحمن فلا تسمع الا همسا و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما
اخسؤا فیها و لا تکلمون صه صه صه صه صه صه صه صه صه چه بد دستیکه کفایت
کرده میشوی تو انشاء الله شیخ مفید در ارشاد خود ذکر کرده است که حضرت
کاظم دعا بسیار که هرگاه دعا کرده شود بر ظالم الله تعالی از او انتقام میکشد و آن
دعا اینست یا عدتی عند شدتی و یا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام

واکنفنی

واکنفنی برکنک الذی لا یرام یا ذا القوة القویة و یا ذا المحال الشدید و یا ذا
العزة التی کل خلقک لها ذلیل صل علی محمد و آل محمد و اکفنی ظالمی و انتقم لی
منه احمد بن علی در کتاب وسائل الی المسائل ذکر کرده است که میان مردی و بعضو
و سلاطین عداوت بسیاری بود حتی آنکه بر نفس خود مضطر شد و از جان خود
نا امید شده بود در خواب دید که کسی با او گفت که بر تو باد که در یکر کعت از
نافلة فجر سوره فیل را بخوانی پس آن مرد این عمل را بجا آورد و در اندک مدتی دشمن
او ضایع شد و شیخ کمال الدین دمیری در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده است
کسیکه در مدت ده روز متوالی هر روز هزار بار سوره فیل را بخواند و کسیرا که
میخواهد در خواطر بگذراند و در روز دهم در آب جاری بنشیند و بکوید اللهم انت
الحاضر المحیط بمکنونات السرائر و الضمائر اللهم عز الظالم و قل الناصر و
المطلع العالم اللهم ان فلانا ظلمنی و اذانی و لا یشهد بذلک غیرک اللهم
انک مالکه فاهلکه اللهم سربله سربال الهوان و قمصه بقمیص الردی پس
ده بار بکوید اللهم اضعفه پس بکوید فاخذهم الله بذنوبهم و ما کان لهم من الله
من واق در دهم روز دشمن او هلاک میشود انشاء الله و شیخ طوسی در کتاب مصباح
خود ذکر کرده است که کسیکه او را دشمنی باشد که او را آزار کند باید که در سجده
دویم از دو رکعت نماز نافلهٔ شب بکوید اللهم ان فلان بن فلان شهر بی و
نوه بی و عرضنی للمکاره اللهم فاصرمه عنی بسقم عاجل یشغله عنی اللهم
و قرب اجله و اقطع اثره و عجل یا رب ذلک الساعة الساعة و زمخشری در کتاب
ربیع الابرار ذکر کرده است که کسیکه شکایت بحضرت امام حسن کرد از مردیکه
با و ستم میکرد آنحضرت فرمود که هرگاه دو رکعت از نافلهٔ مغرب بگذاری سجده
کن و بکو یا شدید المحال یا عزیز اذللت بعزتک جمیع من خلقت صل علی
محمد و آل محمد و اکفنی مؤنة فلان بن فلان بما شئت پس چون آن مرد
این عمل را بجا آورد در همان وقت صدائی کرد و زاری زنان انظالم برخواست
و این روایت را احمد بن داود بن نعمان نیز در کتاب دفع الهموم و الاحزان ذکر کرده
یا ذا القوة القویة و یا ذا المحال الشدید و یا ذا العزة التی کل خلقک لها ذ
لیل

ایضا از برای حاجت و مهم زیاد بجهت نفرین ظالمین

دعا از برای هلاک دشمن بخوانند

ایضا
از جهت ظالم بخواند

اکفنی هذا الطاغیة وانتقم لی منه دعا کرد حضرت صادق باید عابر داود بن
علی بن عبد الله بن عباس در وقت سحر در سجده کردن بواسطه آنکه معلی بن خنیس را
که خادم آنحضرت بود داود کشته بود و یک ساعت زیاده از وقت دعا نکذشت
که داود مرد واو از کریه از خانه او برخواست و شیخ مفید نیز در ارشاد خود
این دعا را ذکر کرده است باندک زیادتی در اول آن وروایت کرده است ابن بابویه
از حضرت کاظم وذکر آن در این زودیکی کذشت و نعمانی در کتاب دفع الهموم والاحزان
از علی بن ابی طالب روایت کرده است که آنحضرت فرمود که هر کسیکه ظلم کرده
باشند وظالم او بزرکتر از آن ظلم باید که آن مظلوم آبی بر خود بریزد و وضوی کاملی
بسازد و دو رکعت نماز کند وبعد از آن بکوید اللهم ان فلان بن فلان ظلمنی
واعتدی علی ونصب لی وامضنی وارمضنی واذلنی واخلقنی اللهم فکله الی
نفسه وهد رکنه وعجل جائحته واسلبه نعمتک عنده واقطع رزقه و
ابتر عمره وامح اثره وسلط علیه عدوه وخذه فی مأمنه کما ظلمنی واعتدی
علی ونصب لی وامض وارمض واذل واخلق اللهم انی استعدیک علی
فلان بن فلان فاعدنی فانک اشد باسا واشد تنکیلا پس هر دستیکه مهلت
داده نمیشود که سه بار این فعل را بجا آورد یعنی الحال آن ظالم هلاک میشود
ومیکویم من که نماز استعداء یعنی نمازیکه برای هلاک عدو باید کرد از حضرت
صادق مرویست که فرمود که از برای دفع عدو دو رکعت نماز کن ورکوع و
سجود را دراز کن وبعد از آن سلام بده وبعد از سلام روی خود را بر زمین
کذار وبکو یا رباه یا رباه چندانکه نفس منقطع کردد پس بکو یا من اهلک عادا
الاولی وثمود فما ابقی وقوم نوح من قبل انهم کانوا هم اظلم واطغی و
المؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی ان فلان بن فلان ظالم لی ما ارتکبنی به فاجعل
علی منک وعدا ولا تجعل له فی حلمک نصیبا یا اقرب الاقربین واز امیر المؤمنین
مرویست که هر کسیکه ستمی شده باشد باید که وضو بسازد ودو رکعت نماز
کند ورکوع وسجود را دراز کند وچون سلام دهد سه بار بکوید اللهم انی مغلوب
فانتصر پس بدرستیکه در آن زودی نصرت بر دشمن یابد وسید جلیل ابن طاوس

ایضا
از جهت شر دشمن بخواند

در دروع ذکر کرده است که کسیکه خواهد که الله تعالی شر دشمن او را کفایت
کند باید که صبر کند تا شب اول ماه وچون شب اول ماه شود نکاه بآسمان کند
ودست خود را بکشد بسوی خانه دشمن وسه بار بکوید ایود احدکم ان
تکون له جنة من نخیل واعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من کل
الثمرات واصابه الکبر وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه نار
فاحترقت پس سه بار بکوید اللهم طمه بالبلاء طما وغمه بالبلاء غما و
ارمه بحجارة من سجیل وطیر من ابابیل یا علی یا عظیم ودر هر بار اشاره
کن بجانب دشمن که شر او کفایت میشود ان شاء الله در اول هر ماهی این فعل
بجا میتوان آورد اکر در ماه اول نفع کرد فبها والا در ماه دوم این عمل را بجا آورد
واکر نفع نکند ماه سیم نفع میکند ان شاء الله وباز ابن طاوس در کتاب مجتنی ذکر
کرده است که هر کاه انسانی را دشمنی باشد که مستحق غضب الهی باشد وداخل
در تحت تهدید آیات قرآنی باشد باید بکوید اللهم انک قلت فی کتابک
الکریم فی وصف المستحقین للعذاب الالیم انما جزاء الذین یحاربون الله
ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم
وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض اللهم وان فلانا قد سعی فی الارض
بالفساد وقد منعنا من اقامة الحد علیه ولا مانع له من ظلم نفسه وظلم
العباد ومن تطهیره قبل یوم المعاد اللهم وانت احق باقامة الحد علیه
فعجل له ما یستحقه بالفساد الذی اصر علیه اللهم وقد قلت ومن بغی
علیه لینصرنه الله ولا یحیق المکر السیئ الا باهله وقلت ومن نکث
فانما ینکث علی نفسه اللهم وقد اجتمعت فی فلان مثل هذه الصفات و
قد احاط به حکم هذه الآیات فعجل الاذن فی فصل حکمها وقضائها وابرامها
وامضائها بقوتک القاهرة وقدرتک الباهرة واجعله عبرة فی الدنیا و
الآخرة وباز ابن طاوس در کتاب مهج الدعوات ذکر کرده است از علی بن ابی طالب
یقطین که یکروز جماعتی از حضرت کاظم از اهل بیت او نشسته بودند که با و
خبر رسید که موسی بن مهدی قصد قتل شما دارد اهل بیت وکفتند کما مصلحت

دران میبینیم که چند وقت دور شوی زاو و شخص خود را از او پنهان کنی تا از شر او ایمن شوی آنحضرت از سخن ایشان بتبسم فرمود و بعد از ان دست خود را بسوی آسمان برداشت و کفت الهی کم من عدو شحذ لی ظبة مدیته وارهف لی شباحده وداف لی قواتل سمومه ولم تنم عنی عین حراسته فلما رایت ضعفی عن احتمال الفوادح وعجزی عن ملمات الجوائح صرفت ذلک عنی بحولک وقوتک لا بحولی ولا قوتی فالقیته فی الحفیر الذی احتفره لی خائبا مما امله فی الدنیا متباعدا مما رجاه فی الاخرة فلک الحمد علی ذلک قدر استحقاقک سیدی اللهم فخذه بعزتک وافلل حده عنی بقدرتک واجعل له شغلا فیما یلیه وعجزا عما ینا ویه اللهم فاعدنی علیه عدوی حاضرة تکون من غیظی شفاء ومن حنقی علیه وفاء وصل اللهم دعائی بالاجابة وانظم شکایتی بالتغییر وعرفه عما قلیل ما وعدت الظالمین وعرفنی ما وعدت فی اجابة المضطرین انک ذو الفضل العظیم والمن الکریم راوی کوید که بعد از دعای آنحضرت قوم متفرق شدند وجمع نشدند مکر بواسطهٔ قرائت نامهٔ که مشتمل بود بر مرک موسی بن مهدی و در صحیفهٔ سجادیه مذکور است که هر کاه ستمی بآنحضرت واقع میشد یا از ظالمان چیزی میدید که مکروه طبع مبارک آنحضرت بود این دعا را میخواند یا من لا تخفی علیه انباء المتظلمین ویا من لا یحتاج فی قصصهم الی شهادات الشاهدین ویا من قربت نصرته من المظلومین ویا من بعد عونه عن الظالمین قد علمت یا الهی ما نالنی من فلان بن فلان مما حظرت علیه وانتهکه منی مما حجزت علیه بطرا فی نعمتک عنده واغترارا بنکیرک علیه اللهم فصل علی محمد واله وخذ ظالمی وعدوی عن ظلمی بقوتک وافلل حده عنی بقدرتک واجعل له شغلا فیما یلیه وعجزا عما ینا ویه اللهم صل علی محمد واله ولا تسوغ له ظلمی واحسن علیه عونی واعصمنی من مثل افعاله ولا تجعلنی فی مثل حاله اللهم صل علی محمد واله واعدنی علیه عدوی حاضرة تکون من غیظی به شفاء ومن حنقی علیه وفاء اللهم صل علی محمد واله وعوضنی من ظلمه لی عفوک وابدلنی بسوء صنیعه بی رحمتک فکل مکروه

دعای صحیفهٔ کامله در دفع دشمن

جلل دون سخطک وکل مرزئة سواء مع موجدتک اللهم فکما کرهت لی ان اظلم فقنی من ان اظلم اللهم لا اشکو الی احد سواک ولا استعین بحاکم غیرک حاشاک صل علی محمد واله وصل دعائی بالاجابة واقرن شکایتی بالتغییر اللهم لا تفتنی بالقنوط من انصافک ولا تفتنه بالامن من انکارک فیصر علی ظلمی ویحاضرنی بحقی وعرفه عما قلیل ما اوعدت الظالمین وعرفنی ما وعدت فی اجابة المضطرین اللهم صل علی محمد واله ووفقنی لقبول ما قضیت لی وعلی ورضنی بما اخذت لی ومنی واهدنی للتی هی اقوم واستعملنی بما هو اسلم اللهم وان کانت الخیرة لی عندک فی تاخیر الاخذ لی وترک الانتقام ممن ظلمنی الی یوم الفصل ومجمع الخصم فصل علی محمد واله وایدنی منک بنیة صادقة وصبر دائم واعذنی من سوء الرغبة و هلع اهل الحرص وصور فی قلبی مثال ما ادخرت لی من ثوابک واعددت لخصمی من جزائک وعقابک واجعل ذلک سببا لقناعتی بما قضیت وثقتی بما تخیرت امین رب العالمین انک ذو الفضل العظیم وانت علی کل شیء قدیر ابن طاوس در مهج ذکر کرده است که حضرت علی هادی این دعا را بر متوکل خواند پس الله تعالی او را هلاک کرد این دعا را دعای سیف و دعای یمنی نیز میکویند برای این دعا دو قصه در کتب مذکور است یک قصه را در اول ذکر میکنیم و قصه دیکر را در اخر ذکر میکنیم و ملخص قصهٔ اول آنچیزیست که در بعضی از کتب ادعیه آن را دیده ام که از امام حسین مروی شده است و ما حصل آن اینست که آنحضرت فرمود که بعضی از ملوک یمن بخدمت حضرت علی آمد و با او چهار هزار کس بود و چون داخل شد کفت السلام علیک یا امیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته بدرستیکه من مردی ام از اقصاء بلاد یمن و از بزرکان عربم و بتو نسبت دارم و بتو فخر میکنم و دوست تو را دارد بر خدا میدانم و ملک بسیار و نعمت بیشمار کذاشته ام از ترس دشمن و مراد شمنی هست ناصبی و هفتاد هزار نفر دارد و اراده دارد که مرا از ملک من بیرون کند و نعمت مرا از من منع کند و هر چند چاره جستم و حیله کردم نفعی نداد پس امر خود را بخدا کذاشتم پس شبی در خواب دیدم که هاتفی میکفت که

برخیز و بخدمت امیر المؤمنین برو که او بعد از پیغمبر بهترین خلق خداست و از
او درخواه که بیاد تو دهد دعائی را که پیغمبر ما و تعلیم کرده است پس بدرستیکه
در آن دعا اسماء عظیمه الله تعالی و کلمات تامه خدای تعالی مندرجست و تو هرگاه
آن دعا را بخوانی مستوجب نصرت الهی شوی و بر دشمن خود غالب شوی پس
چون بیدار شدم یا امیر المؤمنین بهیچ امری مشغول نشدم تا آنکه با چهار
هزار درم بخدمت تو آمدم و از راه دور و فج عمیق بقصد ملازمت تو آمدم
پس تو نیز بحق فضل عظیم و بمجد رحیم خود و بحق پدری و صله رحم یا امیر المؤمنین
که بر من احسان فرما در برآوردن حاجت من و دعائی را که در خواب هاتف بمن
گفت و من بواسطه آن بخدمت تو آمدم پس امیر المؤمنین فرمود که دوات و
کاغذ حاضر کردند و این دعا را نوشت و بمن داد و من این دعا را بر آنحضرت خواندم
و آنحضرت فهمانید آنرا بمن پس آنرا خواندم و بر دشمن ظفر یافتم و اما قصه دوم
بعد از فراغ از دعا ذکر خواهیم کرد انشاء الله تعالی و آن دعا اینست بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم إنك أنت الملك المتعزز بالكبریاء المتفرد بالبقاء الحی
القیوم المقتدر القهار الذی لا إله إلا أنت أنا عبدك وأنت ربی ظلمت
نفسی واعترفت بإساءتی وأستغفرك من ذنوبی فإنه لا یغفر الذنوب
إلا أنت اللهم إنی وفلان بن فلان عبدان من عبیدك نواصینا بیدك
تعلم مستقرنا ومستودعنا وتعلم منقلبنا ومثوانا وسرنا وعلانیتنا و
تطلع علی نیتنا وتحیط بضمائرنا علمك بما نبدیه كعلمك بما نخفیه ومعرفتك
بما نبطنه كمعرفتك بما نظهره ولا ینطوی عنك شیء من أمورنا ولا یستتر
دونك حال من أحوالنا ولا لنا منك معقل یحصننا ولا حرز یحرزنا ولا مهرب
لنا نفوتك به ولا یمنع الظالم منك سلطانه وحصونه ولا یجاهدك عنه جنوده
ولا یغالبك مغالب بمنعة ولا یعازك معاز بكثرة أنت مدركه أینما سلك
وقادر علیه أین لجأ فمعاذ المظلوم منا بك وتوكل المقهور منا علیك ورجوعه
إلیك یستغیث بك إذا خذله المغیث ویستصرخك إذا قعد عنه النصیر
ویلوذ بك إذا نفته الأفنیة ویطرق بابك إذا غلقت عنه الأبواب

دعای یمانی

المرتجة ویصل إلیك إذا احتجبت عنه الملوك الغافلة تعلم ما حل به قبل
أن یشكوه إلیك وتعرف ما یصلحه قبل أن یدعوك له فلك الحمد
سمیعا بصیرا علیما لطیفا خبیرا اللهم وإنه قد كان فی سابق علمك
ومحكم قضائك وجاری قدرك ونافذ حكمك وماضی مشیتك فی خلقك
أجمعین شقیهم وسعیدهم وبرهم وفاجرهم أن جعلت لفلان بن فلان علی
قدرة فظلمنی بها وبغی علی بمكانها وتعزز علی بسلطانه الذی خولته إیاه
وتجبر وافتخر علی بعلو حاله الذی نولته وغره إملاؤك له وأطغاه حلمك
عنه فقصدنی بمكروه عجزت عن الصبر علیه وتعمدنی بشر ضعفت عن احتماله
ولم أقدر علی الاستنصاف منه لضعفی ولا علی الانتصار لقلتی وذلی
فوكلت أمره إلیك وتوكلت فی شأنه علیك وتوعدته بعقوبتك و
حذرته سطوتك وخوفته نقمتك فظن أن حلمك عنه من ضعف وحسب
أن إملاءك له من عجز ولم تنهه واحدة عن أخری ولا انزجر عن ثانیة بأولی
ولكنه تمادی فی غیه وتتابع فی ظلمه ولج فی عدوانه واستشری فی طغیانه
جرأة علیك یا سیدی وتعرضا لسخطك الذی لا ترده عن الظالمین وقلة
اكتراث ببأسك الذی لا تحبسه عن الباغین فها أنا ذا یا سیدی مستضعف
فی یدیه مستضام تحت سلطانه مستذل بفنائه مغلوب مبغی علی مغضوب
وجل خائف مروع مقهور قد قل صبری وضاقت حیلتی وانغلقت علی المذاهب
إلا إلیك وانسدت علی الجهات إلا جهتك والتبست علی أموری فی دفع
مكروهه عنی واشتبهت علی الآراء فی إزالة ظلمه وخذلنی من استنصرته
من عبادك وأسلمنی من تعلقت به من خلقك فاستشرت نصیحی فأشار علی
بالرغبة إلیك واسترشدت دلیلی فلم یدلنی إلا علیك فرجعت إلیك
یا مولای صاغرا راغما مستكینا عالما أنه لا فرج لی إلا عندك ولا خلاص لی إلا
بك أنتجز وعدك فی نصرتی وإجابة دعائی فإنك قلت تباركت وتعالیت
وقولك الحق الذی لا یرد ولا یبدل ومن بغی علیه لینصرنه الله وقلت جل
ثناؤك وتقدست أسماؤك ادعونی أستجب لكم فها أنا فاعل ما أمرتنی به لا

منّا عليك وكيف آمن به وانت عليه دللتني فصلّ على محمّد وآل محمّد
واستجب لي كما وعدتني يا من لا يخلف الميعاد وانّي لاعلم يا سيّدي انّ
لك يوماً تنتقم فيه من الظالم للمظلوم واتيقّن انّ لك وقتاً تأخذ فيه
من الغاصب للمغصوب لانّه لا يسبقك معاند ولا يخرج من قبضتك منابذ
ولا تخاف فوت فائت ولكن جزعي وهلعي لا يبلغان الصبر على اناتك و
انتظار حلمك فقدرتك يا سيّدي ومولاي فوق كلّ ذي قدرة وسلطانك
غالب على كلّ سلطان ومعاد كلّ احد اليك وان امهلته ورجوع كلّ ظالم
اليك وان انظرته وقد اضرّني يا سيّدي حلمك عن فلان بن فلان وطول
اناتك وامهالك ايّاه وكاد القنوط ان يستولي عليّ لولا الثقة بك و
اليقين بوعدك فان كان في قضائك النافذ وقدرتك الماضية انّه ينيب
او يتوب او يرجع عن ظلمي او يكفّ عن مكروهي وينتقل عن عظيم ما ركب منّي
فصلّ اللّهمّ على محمّد وآله واوقع ذلك في قلبه الساعة الساعة قبل
ازالة نعمتك التي انعمت بها عليّ وتكدير معروفك الذي صنعته عندي
وان كان علمك به غير ذلك من مقام على ظلمي فانّي اسألك يا ناصر المظلوم
المبغيّ عليهم اجابة دعوتي فصلّ على محمّد وآل محمّد وخذه من مأمنه اخذ
عزيز مقتدر وافجأه في غفلته مفاجاة مليك منتصر واسلبه نعمته و
سلطانه وافضض عنه جموعه واعوانه ومزّق ملكه كلّ ممزّق وفرّق
انصاره كلّ مفرّق واعره من نعمتك التي لم يقابلها بالشكر وانزع عنه سربال
عزّك الذي لم يجازه بالاحسان واقصمه يا قاصم الجبابرة واهلكه يا مهلك
القرون الخالية وابره يا مبير الامم الظالمة واخذله يا خاذل الفرق
الباغية وابتر عمره وابتزّ ملكه وعفّ اثره واقطع خبره واطف نارَه
واظلم نهاره وكوّر شمسه وازهق نفسه واهشم سوقه وجبّ سنامه و
ارغم انفه وعجّل حتفه ولا تدع له جنّة الّا هتكتها ولا دعامة الّا
قصمتها ولا كلمة مجتمعة الّا فرّقتها ولا قائمة علوّ الّا وضعتها ولا ركناً
الّا وهنته ولا سبباً الّا قطعته وارنا انصاره وجنوده واعوانه واحبّاءه

وارحامه عباديد بعد الالفة وشتّى بعد اجتماع الكلمة ومقنعي الرؤوس
بعد الظهور على الامّة واشف بزوال امره القلوب المنقلبة والافئدة
اللهفة والامّة المتحيّرة والبريّة الضائعة واحي بزواله الحدود المعطّلة
والسنن المهملة والاحكام الداثرة والمعالم المغيّرة والآيات المحرّفة
والمدارس المهجورة والمحاريب المجفوّة والمساجد المهدومة واشبع به الخماص
الساغبة وارو به اللهوات اللاغبة والاكباد الظامية وارح به الاقدام
المتعبة واطرقه بليلة لا اخت لها وبساعة لا مثوى منها وبنكبة لا انتعاش
معها وبعثرة لا اقالة منها وابح حريمه ونغّص نعيمه وارِه بطشتك الكبرى و
نقمتك المثلى وقدرتك التي هي فوق قدرته وسلطانك الذي هو اعزّ من
سلطانه واغلبه لي بقوّتك القويّة ومحالك الشديد وامنعني منه بمنعتك
التي كلّ خلق منه ذليل وابتله بفقر لا تجبره وبسوء لا تستره وكله الى نفسه
فيما يريد انّك فعّال لما تريد وابرأه من حولك وقوّتك وكله الى حوله و
قوّته وازل مكره بمكرك وادفع مشيّته بمشيّتك واسقم جسده وايتم ولده
وانقص اجله وخيّب امله وادل دولته واطل عولته واجعل شغله في بدنه
ولا تفكّه من حزنه وصيّر كيده في ضلال وامره الى زوال ونعمته الى انتقال
وجدّه في سفال وسلطانه في اضمحلال وعاقبته الى شرّ مآل وامته بغيظه
اذا امتّه وابقه بحسرته ان ابقيته وقني شرّه وهمزه ولمزه وسطوته
وعداوته والمحه لمحة تدمّر بها عليه فانّك اشدّ بأساً واشدّ تنكيلاً
ميكويم من كه ملخّص قصّه دويم اينست كه ابن طاوس در مهج خود از
زرافه حاجب متوكّل روايت كرده است كه او گفت كه متوكّل فتح بن خاقان را
عزّت بسيار ميكرد واو را زياده از همه مردم و زياده از اهل و اولاد خود تعظيم
ميكرد پس اراده كرد كه قرب ومنزلت او را بر مردم ظاهر كند امر كرد كه جميع
اهل مملكت خود از اشراف وامرا و وزرا و ساير لشكريان كه زينت تمام كنند
و پياده در پيش متوكّل بروند تا جائيكه براى ايشان تعيين كرده بود وغير از
متوكّل و فتح بن خاقان كسى سوار نشده بود پس مردم در پيش ايشان بر مراتب

فصل ٢٥

خود فوج فوج میرفتند و آنروز در نهایت گرمی بود و از جملهٔ پیاده گان حضرت
امام علی نقی بود و از گرما و زحمت مردم مشقت بسیار با نحضرت رسید نزد
گوید که من روی با نحضرت کردم و گفتم که ای سید من بخدا قسم که بسیار
من گرانست این امر که از این طایفهٔ طاغیه بتو میرسد از مشقت و دست آن
حضرت را گرفته بودم و او بر من تکیه زده بود پس فرمود بخدا قسم که قدر ناقهٔ
صالح نزد الله تعالی بزرگتر از قدر من نخواهد بود و من با آنحضرت حرف میزدم
و میرفتم تا آنکه متوکل از مرکب فرود آمد و مردم را امر کرد که بر گردند مرکب
مردم را آوردند و ایشان سوار شدند و بمنازل خود رفتند من استری او را
و آنحضرت سوار شد و او را وداع کردم و بخانهٔ خود رفتم فرزندم را معلّی بود شیعه
نزد من آمد و من حدیث متوکل و فتح و پیاده رفتن بزرگان را در رکاب ایشان
میگفتم و آنچه از حضرت هادی شنیده بودم که فرمود که قدر ناقهٔ صالح
نزد الله تعالی زیاده از من نیست و آن معلم با من چیزی میخورد چون این سخن را
شنید دست از طعام کشید و گفت بخدا قسم که تو این لفظ را از آنحضرت شنیدی
گفتم والله که شنیدم معلم گفت بدانکه متوکل در مملکت خود زیاده از سه روز
نمیماند که هلاک خواهد شد تو اهل خود را ضبط کن چیزی را که میخواهی پنهان
کنی پنهان کن من گفتم که تو از کجا میگوئی این را معلم الله تعالی در قصّهٔ صالح
فرموده است که تمتّعوا فی دارکم ثلثة ایّام ذلک وعد غیر مکذوب یعنی
ای قوم صالح سه روز حیات دارید و این وعده ایست نه دروغ چون آنحضرت
فرمود که قدر ناقهٔ صالح زیاده بر من نیست اشاره است باینکه ایشان زیاده
از سه روز نخواهند ماند و جایز نیست که قول امام باطل باشد زراقه گوید
بخدا قسم که سه روز نگذشته بود که منتصر با اتراک بر متوکل و فتح هجوم کردند
و هر دو را پاره پاره کردند چنانچه معلوم نمیشد که متوکل کدام است و فتح
کدام والله تعالی لعنت و ملک را از او زایل کرد زراقه گوید که بعد از این واقعه
بآنحضرت رسیدم و آنچه میان من و معلم گذشته بود عرض کردم آنحضرت
فرمود که راست گفت بدرستیکه چون از مشقت بمن رسید رجوع کردم

متوکل

بکنها

بکنیها که از پدر و آن مانا میراث رسیده است و آن کوزه غیر تراست از حصنهای اسلام
و سپرها و آن دعای مظلوم است بر ظالم پس آن دعا کردم خدا را عز و جل پس الله تعالی
هلاک کرد ایشان را و زراقه گوید که من از آنحضرت درخواستم که آن دعا را
بمن تعلیم کند و آنحضرت بمن تعلیم کرد و آن دعا اینست که انّ فلان بن فلان
عبدانی عبید لک تا آخر دعا و آخر دعا این است که فانّک اشدّ باسا و
اشدّ تنکیلا چنانچه در اصل کتابست و ابن طاوس در مهج خود باین روش ذکر
کرده است این دعا را و زیاده بر این کرده در اول این دعا است از بعضی از کتب دعا
آنرا نوشته ام و آن زیادتی در مهج الدعوات مذکور نیست فصل بیست و ششم
در حجابها و عوذها و هیاکل امّا حجابها آنستکه ابن طاوس در مهج خود ذکر کرده
و آن حجاب منقولست از پیغمبر و ائمه علیهم السلام که ایشان احتجاب میکردند
بآنها از کسیکه اراده میکرد که بایشان آزاری رساند حجاب اوّل از پیغمبر و آن اینست
وجعلنا علی قلوبهم اکنّة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و اذا ذکرت ربّک
فی القرآن وحده ولّوا علی ادبارهم نفورا اللّهمّ بما وارت الحجب من جلالک
وجمالک وبما اطاق به العرش من بهاء کمالک وبمعاقد العزّ من عرشک
وبما تحیط به قدرتک من ملکوت سلطانک یا من لا رادّ لامره ولا معقّب
لحکمه اضرب بینی وبین اعدائی بسترک الذی لا تمزّقه عواصف الریاح ولا تقطعه
ولا تنفذ فیه عوامل الرّماح وحل یا شدید البطش بینی وبین من یرمینی بخوائفه
ومن تسری لی طوارقه وفرّج عنّی کلّ همّ وغمّ یا فارج همّ یعقوب فرّج همّی
یا کاشف ضرّ ایّوب اکشف ضرّی واغلب لی من غالبنی یا غالبا غیر مغلوب وردّ الله
الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرا وکفی الله المؤمنین القتال وکان الله
قویّا عزیزا فایّدنا الذین آمنوا علی عدوّهم فاصبحوا ظاهرین حجاب دویم از حضرت
علی بن ابی طالب است و آن این است بسم الله الرحمن الرحیم قل اللّهمّ مالک
الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممّن تشاء وتعزّ من تشاء وتذلّ
من تشاء بیدک الخیر انّک علی کلّ شیء قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار
فی اللیل وتخرج الحیّ من المیّت وتخرج المیّت من الحیّ وترزق من تشاء بغیر حساب

دعای حجابها و عوذها

فیه

پس بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر خضعت البریة لعظمة جلاله خمود
وذل لعظمة عزه کل متعاظم منهم ولا یجد احد منهم الی مخلصا بل یجعلهم الله
شاردین متمرقین وفی عر طغیانهم هالکین بقل اعوذ برب الفلق من شر
ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد
اذا حسد وبقل اعوذ برب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس
الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس اغلقت عنی باب
المستاخرین منکم والمستقدمین فهم صما لون مطرودون بالصافات والذاریات
بالمرسلات بالنازعات ازجرکم عن الحرکات کونوا رمادا ولا تبسطوا الی ولا
الی مومن یدا الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد ارجلهم بما
کانوا یکسبون هذا یوم لا ینطقون ولا یوذن لهم فیعتذرون عمیت الاعین
وخرست الالسن وخضعت الاعناق للملک الخلاق اللهم یا المیم والعین
القاف والحائن بنور الاشباح وبتلالؤ ضیاء الاصباح وبتقدیر لیالی قدیر فی
الغدو والرواح اکفنی شر من دب ومشی وتجبر وعتا الله الله الغالب ولا
ملجا منه لهارب نصر من الله وفتح قریب اذا جاء نصر الله والفتح ان ینصرکم
الله فلا غالب لکم کتب الله لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز امن من
استجار بالله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حجاب سیم از حضرت امام
حسن است وان اینست اللهم یا من جعل بین البحرین حاجزا وبرزخا وحجرا و
محجورا یا ذا القوة والسلطان یا علی المکان کیف اخاف وانت املی وکیف
اضام وعلیک متکلی فغطنی من اعدائک بسترک وافرغ علی من صبرک
واظهرنی علی اعدائی بامرک وایدنی بنصرک الیک اللجا ونحوک الملتجا
فاجعل لی من امری فرجا ومخرجا یا کافی اهل الحرم من اصحاب الفیل والمرسل
علیهم طیرا ابابیل ترمیهم بحجارة من سجیل ارم من عادانی بالتنکیل
اللهم انی اسئلک الشفاء من کل داء والنصر علی الاعداء والتوفیق
لما تحب وترضی یا اله من فی السموات والارض وما بینهما وما تحت الثری
بک استکفی وبک استعفی وبک استشفی وعلیک اتوکل فسیکفیکهم الله

وهو

وهو السمیع العلیم حجاب چهارم از حضرت امام حسین است وان اینست
یا من شانه الکفایة وسرادقه الرعایة یا من هو الغایة والنهایة والصارف ردی
السوء والسوایة والضر اصرف عنی اذیة العالمین من الجن والانس اجمعین
بالاشباح النورانیة وبالاسماء السریانیة وبالاقلام الیونانیة وبا
لکلمات العبرانیة وبما نزل فی الالواح من یقین الایضاح اجعلنی اللهم
فی حرزک وفی حزبک وفی عبادک وفی سترک وفی حفظک وفی کنفک من کل
شیطان مارد وعدو راصد ولئیم معاند وضد کنود ومن کل حاسد ببسم
الله استشفیت وبسم الله استکفیت وعلی الله توکلت وبه استعنت علی
کل ظالم ظلم وغاشم غشم وطارق طرق وزاجر زجر فالله خیر حافظا وهو
ارحم الراحمین حجاب پنجم از حضرت امام زین العابدین است وان اینست
بسم الله استعنت وبسم الله استجرت وبه اعتصمت وما توفیقی الا بالله
علیه توکلت والیه انیب اللهم نجنی من کل طارق طرق فی لیل غسق
او صبح برق من کید کائد وحسد حاسد زجرتهم بقل هو الله احد الله الصمد
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد وبالاسم المکنون الذی المتردد بین
الکاف والنون وبالاسم المکنون الذی یکون منه الکون قبل ان یکون
اندرع به من کل ما نظرت العیون وحققت الظنون وجعلنا من بین ایدیهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون وکفی بالله ولیا وکفی
بالله نصیرا حجاب ششم از حضرت امام محمد باقر است وان اینست اللهم
یا الله یا نور السموات والارض جمیعا یا من خضع لنوره کل جبار وذل
لهیبته اهل الاقطار وهمد وکمد جمیع الاشرار خاضعین خاسئین خاشعین
لاسماء رب العالمین حجبت عنی شرور جبابرة الهواء ومسترقی السمع من السماء
وحلال المنازل والدیار والمتغیبین بالاسحار والبارزین فی اظهار النهار
حجبتکم وزجرتکم معاشر الجن والانس والشیاطین باسماء الله الملک الجبار
العظیم القهار خالق کل شیء بمقدار لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار
وهو اللطیف الخبیر لا منجا لکم جمیعا من صواعق القران المبین وعظیم اسماء

ربّ العالمين لا ملجأ لواردكم ولا منفذ لماردكم ولا منقذ لهاربكم من
وكسة التثبيط ونزاع المهبط ودواجس التخبيط فرابعكم محبوس ونجم
طالعكم منحوس مطموس وشامخ عزكم منكوس فاستبسلوا اخباتا وتمزقوا
اشتاتا وتواضعوا باسماء الله استلموا تا والله الغالب واليه ترجع الامور و
هو الحكيم العليم **حجاب هفتم** از حضرت امام جعفر صادق است و آن اینست
يا من اذا استعذت به اعاذني واذا استجرت به عند الشدائد اجارني
واذا استغثت به عند النوائب اغاثني واذا استنصرت به على عدوي
نصرني واعانني اللهم اليك المفزع وانت الثقة فاقمع عني من اراد
واغلب لي من كادني يا من قال ان ينصركم الله فلا غالب لكم يا من نجى نوحا من
القوم الظالمين يا من نجى لوطا من القوم الفاسقين يا من نجى هودا من القوم
العادين يا من نجى محمدا من القوم الكافرين نجني من اعدائي واعدائك با
سمائك يا رحمن يا رحيم لا سبيل لهم على من تعوذ بالقرآن واستجار بالرحمن
الرحيم الرحمن على العرش استوى ان بطش ربك لشديد انه هو يبدئ
ويعيد وهو الغفور الودود ذو العرش المجيد فعال لما يريد فان تولوا
فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم **حجاب هشتم**
از حضرت کاظم است و آن اینست توکلت علی الحی الذی لا یموت وتحصنت
بذي العزة والعظمة والجبروت واستعنت بذي الكبرياء والملكوت مولاي
استسلمت اليك فلا تسلمني وتوكلت عليك فلا تخذلني ولجأت الى
ظلك البسيط فلا تطرحني انت المطلب واليك المهرب تعلم ما اخفي وما
اعلن وتعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور فامسك اللهم عنا ايدي
الظالمين من الجن والانس اجمعين واشفني وعافني يا ارحم الراحمين **حجاب نهم**
از حضرت امام رضا است و آن اینست استسلمت يا مولاي لك واسلمت نفسي
اليك وتوكلت في كل اموري عليك وانا عبدك وابن عبديك فاخبأني
اللهم في سترك عن شرار خلقك واعصمني من كل اذى وسوء بمنك واكفني
شر كل ذي شر بقدرتك اللهم من كادني او ارادني فاني ادرأ بك في نحره

واستعين بك عليه واستعيذ منه بحولك وقوتك فسد عني ابصار الظالمين
اذ كنت ناصري لا اله الا انت يا ارحم الراحمين واله العالمين اسئلك
كفاية الاذى والعافية والشفاء والنصر على الاعداء والتوفيق لما تحب
ربنا وترضى يا رب العالمين يا جبار السموات والارضين يا رب محمد وآله
اجمعين الطيبين الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين **حجاب دهم** از حضرت
امام محمد تقی است و آن اینست الخالق اعظم واكبر من المخلوقين والرازق
ابسط يدا من المرزوقين نار الله الموصدة في عمد ممددة تكيد افئدة المردة
وترد كيد الحسدة بالاقسام بالاحكام باللوح المحفوظ والحجاب المضروب و
بعرش ربنا العظيم احتجبت واستترت واستجرت واعتصمت وتحصنت
بالم وبكهيعص وبطه وبطسم وبطس وبحم وبحمعسق وبق والقرآن المجيد وانه
لقسم لو تعلمون عظيم والله ولي ونعم الوكيل **حجاب یازدهم** از حضرت امام
علی نقی است و آن اینست واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين
لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي
آذانهم وقرا واذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم انه ليس
له سلطان على الذين آمنوا وعلى ربهم يتوكلون عليك يا مولاي توكلي و
انت حسبي واملي ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا تبارك اله ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب رب الارباب
ومالك الملوك وجبار الجبابرة وملك الدنيا والآخرة رب ارسل الي منك
رحمة يا حليم والبسني عافيتك وانزع في قلبي من نورك واخباني من عدوي
واحفظني في ليلي ونهاري بعينك قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن
بل هم عن ذكر ربهم معرضون حسبي الله كافيا ومعينا ومعافيا فان تولوا فقل
حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم **حجاب دوازدهم**
از حضرت امام حسن عسکری است و آن اینست اللهم اني اشهد بحقيقة ايماني
وعقد عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي وخفي سطوات سري وشعري
وبشري ولحمي ودمي وصميم قلبي وجوارحي ولبي بانك انت الله لا اله الا

انت مالك الملوك وجبار الجبابرة ومالك الدنيا والاخرة تؤتي الملك
من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك
الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل و
تخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب
فاعزني بعزك واقهر قاهري ومن ارادني بشر بسطوتك واخباني من اعدائي
في سترك ثم بكم عمي فهم لا يرجعون وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن
خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون بعزة اسماء استجرنا وباسماء الله
احترزنا وعليه توكلنا وهو حسبنا ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد النبي واله
الطيبين الطاهرين وحسبنا الله ونعم الوكيل وهو نعم المولى ونعم النصير
وما لنا الا نتوكل على الله وقد هدينا سبلنا ولنصبرن على ما اذيتمونا و
على الله فليتوكل المتوكلون ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لكل شيء قدرا **حجاب سیزدهم** از حضرت صاحب الزمان است و از اینست
اللهم احجبني عن عيون اعدائي واجمع بيني وبين اوليائي وانجز لي ما
وعدتني واحفظني في غيبتي الى ان تاذن لي في ظهوري واحي بي ما درس من
فروضك وسننك وعجل فرجي وسهل مخرجي واجعل لي من لدنك سلطانا
نصيرا وافتح لي فتحا مبينا واهدني صراطا مستقيما وقني شر ما احاذره من
الظالمين واحجبني عن اعين الباغضين الناصبين العداوة لاهل بيت نبيك
ولا يصل منهم الى احد بسوء فاذا اذنت في ظهوري فايدني بجنودك واجعل
من يتبعني لنصرة دينك مويدين وفي سبيلك مجاهدين وعلى من ارادني
وارادهم بسوء منصورين ووفقني لاقامة حدودك وانصرني على من تعدى
حدودك وانصر الحق وازهق الباطل ان الباطل كان زهوقا واورد علي
من شيعتي وانصاري من تقر بهم العين ويشتد بهم الازر واجعلهم في
حرزك وامنك في كنفك وحفظك وعياذك وسترك برحمتك يا ارحم
الراحمين واما عوذها بسیار است و عدد آنها محصور نیست بعضی از آنها در فصل

این کتاب گذشت و آن عوذه بود که در عقب هر نماز فریضه خوانده میشود
و سه عوذه که در وقت خواب خوانده میشود در فصل یازدهم گذشت و در
فصل هفدهم عوذهای ایام هفته گذشت و در فصل هیجدهم سه عوذه
از برای دفع الم گذشت و در فصل بیستم سیم عوذه سفر گذشت و اما عوذهائی
که درین مقام مذکور میشود از آنجمله عوذه ایست که شیخ طبرسی در مجمع البیان
ذکر کرده است که حضرت پیغمبر امام حسن و امام حسین را باین تعویذ فرموده است
از چشم بد و حضرت موسی دو پسر هرون را بآن تعویذ فرموده است من
میگویم که از حضرت پیغمبر مرویست که فرمود که چشم بد حق است و اثر میکند
و چشم بد داخل میکند شتر و گاو و او غیر آنها را در دیگ و در کتاب غرر مذکور است
که مردی چشم زننده بود و نظرش بمرد سواره افتاد گفت که چه خوب سوار است
مقارن این گفتن آن اسب افتاد و اسب و آن مرد هر دو مردند و از ابو الحسن
مجلدی مرویست که برزگری بود که چشم بدی داشت و خاتمی در دست من بود
چشم او بر آن افتاد و گفت چه خاتم خوبی است فی الحال آن خاتم دو پاره شد و از
اصمعی منقولست که گفت که بما دو مرد چشم زننده بودند یکی از آن دو مرد
عبور افتاد بر حوضی که از سنگ تراشیده بودند گفت بخدا قسم که مثل این
چیزی ندیده ام فی الحال آن حوض دو پاره شد پس آهن آب کرده بشکاف آن ریختند
این بار دویم که بر آن گذشت گفت گویا این حوض نشکسته است فی الحال
آن حوض چهار پاره شد و هر پاره بجائی پرید و چشم زننده دویم از عقب دیوار
صدای بولی شنید پنداشت صدای شیر است که میدوشند گفت چه شیر
بسیار میدهد این گاو یا گفتند که این پسر تو است که بول میکند گفت او
که ظهرش منقطع شد والله که بعد ازین بول نخواهد کرد و در همان ساعت
آن پسر مرد و نیز صدای دوشیدن گاوی شنید تعجب کرد گفت کدام گاو است
این مقدار شیر میدهد پس توریه کردند و گاو دیگر را نشان دادند پس
مردند هر دو گاو آن گاو که شیر میداد و آن گاو که غلط نشان داده بودند
و در حدیث وارد شده است که چشم بد کشنده است تیر از هر چشم کشنده

استعانت بخدا جويند ودر كتاب زبدة البيان مذكور است كه يعقوب ع
ترسيد بر پسران خود از چشم بد بواسطهٔ آنكه صاحب جمال بودند لهذا گفت
اى پسران من از يك در داخل مصر مشويد بلكه از ابواب متفرقه داخل شويد كه
شما را چشم نكند ودر جوامع الجامع مذكور است كه در بنى اسد مردى بود چشم
زن كه سه روز گرسنگى ميخورد و بعد از آن بهر چيزى كه مينگريست ميگفت مثل
اين چيزى نديده ام آنچيز هلاك مى شد آنمرد را چيز بسيارى دادند كه پيغمبر را چشم كند
الله تعالى آنحضرت را نگاه داشت وآيهٔ وان يكاد تا آخر آيه نازل شد ومعنى
ليزلقونك اينست كه ميخواهند ترا بچشم هلاك كنند ودر زبدة البيان از پيغمبر
روايت كرده است كه فرمود كه چشم بد ذوات اخذ وشدة بطش بلندى كوه را بزير
مى آورد ونيز از آنحضرت مرويست كه اگر چيزى سبقت بر قضا و قدر ميتوانست
كرد چشم بد سبقت ميكرد واين عوذه از حضرت صادق مرويست وان اينست
اعيذ نفسى وذريتى واهل بيتى بكلمات الله التامة من شر كل شيطان و
هامة ومن كل عين لامة عبد الكريم بن محمد بن مظفر سمعانى اين عوذه را نيز
از پيغمبر كه از براى دفع چشم بد است ذكر كرده است وان اينست اللهم يا ذا
السلطان العظيم والمن القديم والوجه الكريم ذا الكلمات التامات والدعوات
المستجابات عاف الحسن والحسين من انفس الجن واعين الانس تتمه اين تتمه
از چشمها سقيمه رفته است بعوا از ان غافل شده اند بعضى وذكر آن لايق اين
مقام است وشيخ رضى الدين بن شيخ ابى على طبرسى در كتاب مكارم الاخلاق
از حضرت صادق روايت كرده است كه آنحضرت فرمود كه اصابهٔ عين حق است
وايمن مباش از چشم بد بر نفس خود واز چشم خود نيز ايمن مباش بر غير خود پس
هرگاه از چشم بد بترسى سه بار بگو ماشاء الله لا قوة الا بالله العلى العظيم
وشيخ طبرسى در جوامع خود از پيغمبر روايت كرده است كه هرگاه چيزى را ببينى كه خوش
آيد ترا بگو تبارك الله ماشاء الله لا قوة الا بالله كه ضررى بآنچيز نميرسد
ودر كتاب زبدة البيان مذكور است كه جبرئيل باين رقيه افسون كرد پيغمبر را از
براى اصابهٔ عين واين رقيه را باو تعليم كرد بسم الله ارقيك من كل عين حاسد

ى عاهاى چشم زخم
و دفع هر كس ندگ

الله

الله يشفيك واز حضرت صادق مرويست كه هرگاه يكى از شما بهيئت خوب آراسته
شود و رخت خوب بپوشد در وقتيكه از خانهٔ خود بيرون ميايد سورهٔ قل اعوذ
برب الفلق وقل اعوذ برب الناس را بخواند هيچ چيز باو ضرر نميرساند باذن الله
ودر جوامع الجامع از حسن نقل كرده است كه او گفت كه دواء اصابهٔ عين خواندن اين
وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون انه
لمجنون وما هو الا ذكر للعالمين وبخط مؤيد الدين بن علقمى وزير مسطور است كه
رقيه چشم بد اينست بسم الله العظيم الشان القوى السلطان الشديد الاركان
حبس حابس وحجر يابس وشهاب قابس وليل دامس وماء قارس فى عين
العاين وفى احب خلق الله اليه وفى كبده وكليتيه فارجع البصر كرتين
ينقلب اليك البصر خاسئا وهو حسير ومن ميگويم كه بعضى را چشم بد رسيده بود
اين رقيه را بر تخمى نوشت و آن تخم را بر ميان چشم حيوانى زد و بر ميان دو پاى نشا
ند شفا يافت باذن الله تعالى عوذه كه از حشرات الارض نگاه ميدارد ودر كتاب
طب الائمه منقول است اين است بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله محمد رسول الله
اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله على ما يشاء من شر كل هامة تدب بالليل و
النهار ان ربى على صراط مستقيم ودر كتاب توكل ابن ابى الدنيا مذكور است كه
كسيكه از هوام وعقارب ترسد هر صباح وشام بگويد وما لنا الا نتوكل على الله
وقد هدينا سبلنا ولنصبرن على ما آذيتمونا وعلى الله فليتوكل المتوكلون ودر
مسند احمد بن حنبل مذكور نيست كه سه بار اين عوذه را بايد خواند واما در كتاب
حيوة الحيوان مذكور است كه سه بار بايد خواند ودر كتاب عمل هر روز و هر شب نيز
مذكور است كه سه بار بايد خواند ودر مسند احمد بن حنبل مذكور است كه پيغمبر
بمرديكه او را عقرب گزيده بود گفت كه اگر وقت شام بگوئى اعوذ بكلمات الله التامات
من شر ما خلق ضررى نميرساند بتو عقرب ودر فوائد قطبى مذكور است كه هر كه
وقت غروب آفتاب اين كلمات را كه مذكور شد در آن شب چيزى باو ضرر نرساند
ودر كتاب حيوة الحيوان مذكور است كه كسيكه در وقت شام و در وقت صبح بگويد بسم الله
الذى لا يضر مع اسمه شىء فى الارض ولا فى السماء وهو السميع العليم چيزى باو ضرر

رساند وکسیکه در اول شب ودر اول روز بگوید عقدت زبانیا العقرب ولسان الحیة وید السارق بقول اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله ایمن میشود از عقرب ومار ودر دیگر روایتست که عقرب ومار بخدمت حضرت نوح آمدند وگفتند که ما را با خود بردار در کشتی آنحضرت فرمود که شما سبب ضرر و بلا اید شما را بکشتی نمیبرم ایشان گفتند کسیکه اسم ترا مذکور سازد ما باو ضرر نرسانیم پس کسیکه از مضرت ایشان ترسد باید که بگوید سلام علی نوح آخر آیه که بعد ازین مذکور میشود واین روایت شیخ کمال الدین دمیری در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده است که هر کس در هر شب بگوید سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین در انشب مار و عقرب باو ضرر نرسانند ودر مکارم الاخلاق از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که آنحضرت فرمود که کسیکه این عوذه را در شام بخواند من ضامنم که تا صباح عقرب وحشرات الارض باو ضرر نرسانند وان عوذه این است اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم از بعضی از مصنفات امامیه دیده ام روایتی را که از صادق منقولست که آنحضرت فرمود که چون عقرب پیغمبر را گزید آنحضرت فرمود که لعنت کناد خدا ترا که از تو بسلامت نمیمانند نه مؤمن ونه کافر وبعد از ان فرمود که نمک آوردند و آن نمک را بر گزیده گذاشت و بانگشت ابهام فشرد تا آنکه آن نمک آب شد بعد از ان فرمود که اگر مردم بدانند نفعی را که در نمکست محتاج بتریاق نخواهند بود ودرین روایت انضمام آب وقرائت توحید ومعوذتین مذکور نیست تتمه در روایت وارد شده است که پیغمبر را در اثنای نماز عقرب گزید چون آنحضرت از نماز فارغ شد فرمود که لعنت خدا باد بر عقرب که نه نماز گذار را میگذارد و نه غیر او را مگر آنکه همه را میگزد پس نعل خود را برداشت و آن عقرب را بقتل رسانید وبعد از ان فرمود که آب و نمک حاضر کردند و بر آن گزیده عقرب مالید و سوره توحید و معوذتین را خواند وباید دانست که بعضی از خواص سها آنست که

کیکر

کسیکه او را در شب ببیند در آن شب ایمن میشود از عقرب وسها ستاره کوچکیست که در میان بنات النعش کبری میباشد وشیخ ابو علی سینا در باب سها این دو بیت را گفته است ❊ فمن رأی عشیة نجم السهاء ❊ لم تدر منه عقرب بمسها ❊ کلا ولا یدنوا الیه سارق ❊ فی سفر ولا بسوء طارق ❊ یعنی کسیکه در وقت شب بیند ستاره سها را عقرب بنزدیک او نمیاید ونیش نمیکند وازدزد ایمن میشود در سفر وکسیکه در شب بر سر او اید بدی با او نتواند رسانید ودر بسیاری از کتب علماء امامیه دیده ام که اگر کسی در جمعه آخر ماه رمضان این شکل را بنویسد وبرای هر دردیکه باشد بشویند وباو بصاحب درد دهند انشاالله تعالی شفا دهد وان شکل این است بسم الله الرحمن الرحیم لا الاء الا الاء الاولین یا الله محیط به علمک لع س لع ون وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا رحمة للعالمین یا تراب ابا تراب با تراب وبخط شیخ محمد بن مکی بصورت این شکل را چنین دیده ام که مذکور شد وسلطان انقیا علاء الملک المامنی این شکل را باین ترتیب نقل کرده است از خط امیر المومنین علی بن ابی طالب واز خط او نقل کرده آنرا حسام الدین نجم بلخی واز خط او نقل کرده است شمس الدین بدخشی واز خط او نقل کرده است حکیم فاضل محمد بن خیاطی واز خط او نقل کرده است شمس الدین بخاری بیهقی ومن نقل کرده ام از خط شریف او وانا و شنیده ام باین روش ولا ۸ ااا آاه م ملللا لملر ودر کتب بعضی از اصحاب امامیه دیده ام که بواسطه بادیکه در بدن بهم میرسد وبواسطه قولنج این شکل را در کف دست چپ بنویسد که نفع عظیم دارد وان شکل این است ٥٥٥٥٥ ❊ ءءءءءءء وه لا واما شکل اسم اعظم را در فصل سیوم این کتاب ذکر کرده ایم خواص ومنافع آنرا وبعضی از علما ترتیب این شکل را درین دو بیت مذکور کرده اند وان اینست ❊ خمس هاءات وخط فوق خط ❊ وصلیب فوقه اربع نقط ❊ سبع همزات و واو بعد ثم هاء وصلیب کالمفط ❊ ودر نسخه شیخ جمال الدین احمد بن رجب این شکل را باین صفت دیده ام ٥٥٥٥ ❊ ءءءءءءء وه ص م واو

ذکر کرده که این شکل منسوب ببعضی از ائمه است وبعضی از ائمه ترتیب
آنرا بنظم آورده اند ودرین ابیات بیان کرده اند خمس هاءات وخط فوق
خط ❊ وصلیب حوله اربع نقط ❊ ثم همزات اذا اعددتها ❊ فهی سبع لم تجد
منها غلط ❊ ثم واو ثم هاء بعده ❊ ثم صاد ثم میم فی الوسط ❊ ثم فی آخره ان
یبتدی ❊ نعت حرف شکله شکل المقط ❊ تلک اسماء عظیم قدرها ❊ فاحفظ
منها وایاک الغلط ❊ تشفی الاسقام والداء الذی ❊ عجزت عنه الاطباء
النبط ❊ وبها یدفع عن حاملها ❊ کل هم وبلاء وسخط ❊ یعنی این شکل را
باین روش باید نوشت که اول پنج هاء بنویسد چنین ههههه وبعد از آن
خطی بکشد باین صورت = وبعد از آن هفت همزه بنویسد چنین ءءءءءء
ء وبعد از آن یک واو ویک هاء بنویسد چنین وه وبعد از آن صادی
بنویسد ومیم در وسط آن باین شکل صم ودر آخر آن صلیبی یکی بنویسد باین
شکل مقراض ✠ واینها که مذکور شد نامهای بزرگ الله تعالی اند پس خوب
حفظ آنها را وغلط مکن در نوشتن که هر دردی که اطبا از معالجه آن عاجز اند
آنها شفا میدهند واز حامل خود رفع میکنند هر سحر وبلا وغضب را باذن الله تعالی
وبعضی از خواص حروف که مذکور میشود آنست که کسیکه طاهر باشد روی
بقبله آن حروف را در کاغذ سفیدی پنج بار بنویسد وباب بشوید وآن آب را که
آن حروف را با آن شسته است بکسی دهند که رسول کسو است که عقرب او را
گزیده است که بیاشامد شفا می یابد وعقرب گزیده ان شاء الله تعالی وآن حروف
مبارکه اینست بح در هو هوف مطوف م کلم ومن منکو بم که بعضی از اهل
علم فواید این حروف را درین ابیات منتظم کرده اند بح در هو مع هوف مطو
ومیم وکلم ❊ والجمیع بلا نقط وواوانها طمس کذا المیم الطمس ❊ وهاءانها والطاء
مبیضنه الوسط ❊ وکلم فلا تطمس المیم واحفظ ❊ متی لو یرغ فیها تعلم النقط ❊
مذلل للملسوع فیه شفائی ❊ اذا کتبت فی طرس مبیض النمط ❊ علی طهر مستقبل
قبلة التی ❊ یحج الیها العرب والعجم والنبط ❊ ویغسل بالماء القراح ویشرب ❊
الرسول مبرء ان کتبتها بلا غلط ❊ کتابتها فیما روینا ثلاثة واثنان اسنادی ❊

باخفائها

باخفائها اشترطه ❊ ماحصل این ابیات آنست که این حروف را مجموع بی نقطه
میباید نوشت ومیان میم وواو در نوشتن نباید باید که در یعنی میان آنرا
گشاده نکنند ومیان جمیع هاء ها را گشاده بگذارند وباطهارت وروی بقبله
در کاغذ سفیدی بنویسند وباب خالص بشویند وبخورد عقرب گزیده یا مار گزیده
دهند که شفا مییابد ودر نوشتن باید که غلط نکنند واستاد من گفته است
که آنرا از مردم مخفی دارید وبهر کس منمائید واین تتمه که مذکور شد از کتاب
الحدیقة الناظرة کفعمی ماخوذ شده است ودرین مقام چند فایده منفرده هست
که نفع میدهد کسیرا که مار وعقرب وحشرات الارض گزیده باشند واز آنجمله
فایده اینست که در کتاب عین المبصرة کفعمی مذکور است که هرگاه کسیرا عقرب
گزیده باشد گوشت گوسفند را میباید سوخت تا خاکستر شود واز خاکستر را با آب
نده بخورد او باید داد که شفا مییابد ان شاء الله وهمچنین هرگاه آن عقرب را بکوبند
وبموضع گزیده شده بان ضماد کنند یا آنموضع را بمکری یا سفیداب یا دانه اسفند
یا الخجر خام را با زردشمه کنند ونمکه یا به بودنج یا سیر بستانی را به پیاز ضماد کنند نفع
دهد وکسیکه کرفس خورده باشد وعقرب او را بگزد در همان روز یا در همان شب
میمیرد ودر کتاب حدیقة الناظرة مذکور است که کسیکه پشکل گوسفند را بسوزانند
وبسایند وبا سرکه خمیر کنند وموضعی را که عقرب یا مار گزیده است بان طلا کنند نفع
میدهد وهمچنین ابره برا هرگاه با آنموضع بمالند یا آب دهن آدمی را درد آن
ساکن نمیشود وکسیکه در زیر جامه خود ببندد قه هند یعنی جوز ببندد عقرب بار
ضرر نرساند ودر کتاب مقاله مذکور است که هرگاه جاورس ونان گرم کرده
ضماد کنند بموضعی که عقرب گزیده است نفع میدهد یا انگه خرقه گرمی بلجا
ببندند یا با آتش نزدیک سازند آنموضع را نفع میدهد وهمچنین خوردن سیر
وجوز نفع میدهد وهمچنین اگر نقره را با آنموضع بگذارند یا موضع را بفلفل
وزیت طلا کنند یا پاره از نمک ساییده را کف کنند نفع میدهد ودر کتاب
عجایب المخلوقات مذکور است که کسیکه چیزی از ریشه درخت زیتون را
بر موضع گزیده شده عقرب ببندد در همان ساعت درد آن ساکن شود ودر قرابادین

مذکور است که کسیکه قلی تنك رزان را بسایند و با سرکه بموضع کزیده شده ضماد
کنند درد آنساکن شود و در لفظا لفوائد مذکور است که چون هرکاه کسیرا
عقرب بکزد دیع یکدرهم از نشادری که در زیت حل کرده باشند بیاشامد از
ان درد خلاص شود و در مغنی مذکور است که کسیرا که مار کزیده باشد دو
وعسل کرم کرده بخورند و سه درهم تخم ترنج را بکوبند و با باب پخته بدو دهند
که بخورند و پیاض را بکوبند یا پنیر کهنه را و با نموضع ضماد کنند نفع دهد یا شکم
جوجه مرغ را بشکافند و هنوز کرم باشد که با نموضع ضماد کنند نفع دهد یا برد
انموضع سرکه وکل مالند مفید کفته است که اب نشادر را هرکاه بیاشامند
از کزیدن مار و عقرب نفع دهد و همچنین هرکاه دو مثقال حب ترنج را بخورند نفع
دهد و اکر سیر را بسوزانند و بر موضع لسعه مار بندند درد ساکن شود شیخ
ابو علی سینا کفته است که ؛ فی النشادر فریجة یقتل الافاعی ؛ والهوام الدبیب
الساعی وزن مثقال اذا ما شربا ؛ مع وزنة من الرجیع انجبا ؛ وخلص السمیم من
مماته من بعد یاس الاهل من حیوته ؛ یعنی در نشادر فریجه وطبیعتی هست که افعی
وحشرات الارض را میکشد و یک مثقال اب نشادر و یک مثقال سرکین کاو را بیاشامند
که سموم را که اهل او از حیوة او نا امید شده باشند از مرگ خلاص کند و در کتا
تذکره مفید مذکور است که هرکاه سبوس کندم را با سرکه بر لسعه مار ضماد کنند
یا خاکستر چوب تاک را با سرکه یا برک درخت مرو یا کندنا یا قطران با نمك بجوشند
بر ان ضماد کنند نفع دهد و همچنین خوردن تخم مرغ که زردی و سفیدی آن بهم
امیخته باشد و نمك بر ان پاشند و کرم بخورند و خوردن کنجد و ترب نفع
کند و کسیکه خاتم فیروزه بدست کرده باشد از کزیدن عقرب و مار ایمن میشود
وعصاره درخت اس سبز را هرکاه پارچه کتان تا نکی کذاشند و موضع کزیدن
کزیده است بان ضماد کنند نفع دهد و همچنین حب اس و برک آن نیز این نفع دهد
و همچنین پشکل کوسفند را بسوزانند و با سرکه خمیر کنند و بران موضع ضماد کنند
نفع دهد و در کزیدن زنبور و زرقط و زنبور عسل سرکین کاو را که ضماد کنند
نفع دهد یا مکس را با نموضع بمالند یا زیت را با نموضع طلا کنند یا سر درخت خرما را

ضماد کنند یا بخورند یا نمك و سرکه را بان ضماد کنند یا عسل و کافور را ضماد کنند
دفع دهد یا مکس را با نموضع بمالند یا زیت را با نموضع طلا کنند یا پشکل بز را
بر آنجا طلا کنند نفع دهد و هرکاه کنند نار را بکوبند و بر انموضع بمالند نیز نفع
و اکر کسی موضع کزیدن زنبور را بسوزن بشکافد و خوب بمکد و بعد از ان کل و
سرکه یا کافور و سرکه بر ان بمالند نفع دهد در بیان هیاکل هفتکانه نسبت اعظم
الشان جلیل القدر است کسیکه انها را با خود دارد یا در منزل و باشد در حفظ
و امان حق تعالی است و کسیکه بیمار باشد و این هیاکل را با خود دارد شفا یابد
و اکر محبوس باشد خلاص شود و اکر مسموم باشد الله تعالی هم او را ایل کرداند
و اکر قرضدار باشد الله تعالی قرض او ادا کند و اکر بر مصروعی بندند بهوش آید
و اکر بر زنی بندند که دشوار زاید در ان زودی اسان زاید و اکر کسی آنها را با
خود دارد بسفر رود بسلامت با غنیمت باز کردد و اکر زاده تزویج کند الله تعالی
او را توفیق دهد و فرزند و برکت با و کرامت کند و اکر دارنده این بر سلطان
داخل شود از شر او ایمن باشد و حوایج او بر اورده شود باذن الله تعالی هیکل اول
الحمد لله الذی لا ینسی من ذکره ولا یخیب من دعاه والحمد لله الذی من توکل علیه
کفاه والحمد لله الذی لا تحصی نعماؤه والحمد لله الذی یجزی بالاحسان احسانا و با
لسیئات غفرانا و بالصبر نجاة والحمد لله الذی هو رجاؤنا حین تنقطع الامال منا و
الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم امنت بالله وحده وکفرت بالجبت والطاغوت و
توکلت علی الحی الذی لا یموت ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لکل شیء قدرا سیجعل الله بعد عسر یسرا وتحصنت بشهادة ان
لا اله الا الله محمد رسول الله هیکل دویم اعیذ نفسی بالذی خلق الارض و
السموات العلی الرحمن علی العرش استوی له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما
وما تحت الثری وان تجهر بالقول فانه یعلم السر واخفی الله لا اله الا هو له
الاسماء الحسنی من سحر کل ساحر ومکر کل ماکر ومن شر کل متکبر فاجر واعیذ

حاملها من شر الاشرار وكيد الفجار وما اختلف عليه الليل والنهار وقل
هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الواحد القهار و
اعيذ بالاسم المخزون المكنون الذي تحبه وتختاره وترضى عمن دعا به و
بالاسم الذي به تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء
وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار و
تولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من
تشاء بغير حساب وصلى الله على سيدنا محمد واله وسلم **هيكل سيم** اعيذ نفسي بالله
الذي لا اله الا هو الحي القيوم تا العلي العظيم وامن الرسول بما انزل اليه من
ربه تا آخر سورة **هيكل چهارم** اعيذ نفسي بالذي قال للسموات والارض ائتيا
طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين واعوذ بالله من شر كل جبار عنيد وشيطان
مريد وجني شديد قائم او قاعد في اكل او شرب او نوم او اغتسال كلما سمعوا
بذكر آيات الله تولوا على اعقابهم هربا افحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الينا
لا ترجعون واعيذ حامل كتابي هذا بالاسماء الثمانية المكتوبات في قلب الشمس و
بالاسم الذي اضاء به القمر وبالاسم الذي كتب على ورق الزيتون والقي في النار
فلم يحترق قل كونوا حجارة او حديدا او خلقا مما يكبر في صدوركم فسيقولون من
يعيدنا قل الذي فطركم اول مرة وصلى الله على سيدنا محمد واله وصحبه وسلم
هيكل پنجم اعيذ نفسي بالله الذي تجلى للجبل فجعله دكا وخر موسى صعقا فلما افاق
قال سبحانك تبت اليك وانا اول المؤمنين واعوذ بالله من سحر الساحرين و
مكر الماكرين وغدر الغادرين ومن شر كل شيطان رجيم لعين ان الذين قالوا ربنا
الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة
التي كنتم توعدون واعوذ بالاسم الذي نزل به الروح الامين جبرئيل على النبي
الصادق الامين محمد في يوم الاثنين وبما وارت الحجب من جلال جمالك وبما
طاقة العرش من بهاء كمالك وبمنتهى الرحمة من كتابك اكف حامل كتابي هذا
آفات الدنيا وعذاب الاخرة انك اهل التقوى واهل المغفرة وصلى الله على سيدنا
محمد واله وصحبه وسلم **هيكل ششم** اعيذ نفسي بالله الذي لا اله سواه من شر ما يلج في

الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو معكم اينما كنتم والله
بما تعملون بصير له ملك السموات والارض والى الله ترجع الامور تولج الليل في
النهار وتولج النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور واعوذ بما استعاذ به
آدم ابو البشر وشيث وهابيل وادريس ونوح وهود وصالح وشعيب ولوط
وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وموسى وهرون وداود و
سليمان وايوب والياس واليسع وذو الكفل ويونس وعيسى وزكريا ويحيى
والخضر ومحمد خير البشر صلوات الله عليهم اجمعين وبما استعاذ به كل ملك
مقرب ونبي مرسل الا ما تباعدتم وتفرقتم عن حامل كتابي هذا وصلى الله على
سيدنا محمد واله وصحبه وسلم **هيكل هفتم** اعيذ نفسي واهلي ومالي وولدي و
جيراني وما خولني ربي واهل خزانتي ومن اسدى الي يدا وعمل معي معروفا بيدي
او لساني بالله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله
الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له
ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم يا نور النور يا مدبر الامور الله نور السموات
والارض مثل نوره تا آخر آيه ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة
ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم
مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا
وخفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها وادعوه
خوفا وطمعا ان رحمة الله قريب من المحسنين **فصل بيست هفتم** دعا من بود دفع
سحر وشياطين وسلاطين سركش ودفع خوف خائفان اما براى امن از سحر بگويد
قال لهم موسى القوا ما انتم ملقون فلما القوا قال موسى ما جئتم به السحر
ان الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين ويحق الله الحق بكلماته ولو
كره المجرمون وقدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا بل نقذف
بالحق على الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق ولكم الويل مما تصفون والق ما
في يمينك تلقف ما صنعوا انما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح الساحر حيث اتى والقى

دعاى دفع سحر وشياطين وسلاطين

السحرة سجداً قالوا آمنا برب هرون وموسى ودر طب الائمة از امیر المؤمنین
از برای ابطال سحر روایت کرده شده است که این دعا را بر ورق پوست آهو
بنویسد و بر مسحور بپاویزد نفع کند و دعا این است بسم الله و بالله بسم الله ما شاء
الله بسم الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم قال موسى ما جئتم به السحر
ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین ویحق الله الحق بکلماته ولو
کره المجرمون فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک وانقلبوا صاغرین
و باز در طب الائمة مذکور است از برای دفع سحر چون از نماز شب فارغ شود در نزدیک
وقت سحر هفت بار بگوید بسم الله وبالله سنشد عضدک بأخیک ونجعل لکما
سلطاناً فلا یصلون الیکما بآیاتنا انتما ومن اتبعکما الغالبون و در ادعیة السر
مذکور است که الله تعالى فرمود که ای محمد سحر همیشه بوده است و ان ضرر نمیکند چیزی را
مگر باذن من مراد از اذن درین مقام علم است پس کسیکه خواهد که از سحر بعافیت
باشد باید که بگوید اللهم رب موسى وخاصه بکلامه وهازم من کاده بسحره
بعصاه ومعیدها بعد العود ثعباناً وملقفها افک اهل الافک ومفسد
عمل الساحرین ومبطل کید اهل الفساد ومن کادنی بسحر او بضر عامداً او غیر
عامد اعلمه او لا اعلمه اخافه او لا اخافه فاقطع من اسباب السموات عمله
حتى ترجعه عنی غیر نافذ ولا ضار لی ولا شامت بی انی ادرأ بعظمتک فی نحور
الاعداء فکن لی منهم مدافعاً احسن مدافعة واتمها یا کریم پس هر کسیکه
این دعا را خواند هرگز ضرر نمیرساند باو سحر ساحری جنی و انسی واما ادعیه که از برای
امن از شیاطین مروی شده است بعضی از حرز ابی دجانه است این دعا مشهور است بحرز
ابی دجانه و کمال الدین دمیری در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده است و ملخص قصه آن
این است که ابو دجانه گفت که شکایت کردم به پیغمبر از چیزیکه در شب که مرا بهول
انداخت و او را صدائی بود مثل صدای آسیا و زنبور عسل و مثل برق میدرخشید
و سایه سیاهی داشت گاهی بلند میشد و گاهی دراز میشد در صحن سرای من پس
برخواستم و بسوی او رفتم چون دست با و کردم پوستش مثل پوست خارپشت بود
و مثل شرار آتش بجانب من انداخت پس آنحضرت فرمود که او عامر خانه تو است پس

آنحضرت

ایضا
این دعا را بگوید

آنحضرت بعلی امر کرد که این دعا را بنویس بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب محمد تا آخر
آنحضرت آنرا نوشت و با بو دجانه گوید که کتاب را گرفتم و در وقت خواب بر سر گذاشتم
پس چون بیدار شدم صدای نوحه کننده را شنیدم که میگفت که ای ابو دجانه
ما را بجهت خود بند کردی بحق پیغمبر بگذار که نباشیم بخانه تو و بموضعی که این کتاب در او نیست نمی آئیم و آن این است
بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب محمد رسول الله رب العالمین الى من طرق الدار من
العمار والزوار الا طارقاً یطرق بخیر اما بعد فان لنا ولکم فی الحق سعة فان تک
عاشقاً مولعاً او فاجراً مقتحماً فهذا کتاب الله ینطق علینا وعلیکم بالحق انا کنا نستنسخ
ما کنتم تعملون و رسلنا یکتبون ما تمکرون اترکوا صاحب کتابی هذا وانطلقوا الى
عبدة الاصنام والى من یزعم ان مع الله الهاً آخر لا اله الا هو کل شیء هالک الا
وجهه له الحکم والیه ترجعون حم لا ینصرون حمعسق تفرقت اعداء الله وبلغت
حجة الله ولا حول ولا قوة الا بالله فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم و بعضی
دیگر دعائی است که سید بن طاوس در مهج خود از پیغمبر روایت کرده است که آنحضرت
فرمود که برای امن از جن و انس بگو بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله علیه
توکلت وهو رب العرش العظیم ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن اشهد ان
الله على کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علماً اللهم انی اعوذ بک من
شر نفسی ومن شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی على صراط مستقیم و ابن
فهد در عده گفته است که کسیکه در وقت خواب آیه سخره را بخواند ان ربکم
الله الذی خلق السموات والارض تا قریب من المحسنین بخواند ایمن میشود از جن
و شیاطین و در ادعیه قدسیه مذکور است که ای محمد کسیکه از جن و شیاطین
بترسد در وقتیکه ترس برو مستولی شود بگوید یا الله لا اله الا الاکبر القاهر
بقدرته جمیع عباده والمطاع لعظمته عند کل خلیقته والممضی مشیته لسابق
قدره انت تکلأ ما خلقت باللیل والنهار ولا یمتنع من اردت به سوءاً بشیء
دونک من ذلک السوء ولا یحول احد دونک بین احد وما ترید به من الخیر کل ما
یرى وما لا یرى فی قبضتک وجعلت قبائل الجن والشیاطین یروننا ولا نریهم
وانا لکیدهم خائف فامنی من شرهم وبأسهم بحق سلطانک العزیز یا عزیز پس بدرستیکه

بجهت امن از جن و انس

دعای صحیفه کامله
دفع شر شیطان

چون این دعا بخواند هرگز مکروهی از جن و شیاطین باو نرسد و در صحیفه سجادیه
مذکور است که هرگاه علی بن الحسین شیطان را بیاد می آورد از عداوت و کید
او بخدا پناه می برد اللهم انا نعوذ بک من نزغات الشیطان الرجیم وکیده
ومکائده ومن الثقة بامانیه ومواعیده وغروره ومصائده وان یطمع
نفسه في اضلالنا عن طاعتك وامتهاننا بمعصيتك او ان يحسن عندنا ما
حسن لنا وان يثقل علينا ما كره الينا اللهم اخساه عنا بعبادتك واكبته
بدؤوبنا في محبتك واجعل بيننا وبينه سترا لا يهتكه وردما مصمتا لا يفتقه
اللهم صل على محمد واله واشغله عنا ببعض اعدائك واعصمنا منه بحسن
رعايتك واكفنا ختره وولنا ظهره واقطع عنا اثره اللهم صل على محمد و
اله ومتعنا من الهدى بمثل ضلالته وزودنا من التقوى ضد غوايته واسلك
بنا من التقى خلاف سبيله من الردى اللهم لا تجعل له في قلوبنا مدخلا ولا توطنن
له فيما لدينا منزلا اللهم وما سول لنا من باطل فعرفناه فاذا عرفتناه فقناه
وبصرنا ما نكائده به والهمنا ما نعده له وايقظنا عن سنة الغفلة بالركون اليه
واحسن بتوفيقك عوننا عليه اللهم واشرب قلوبنا انكار عمله والطف لنا
في نقض حيله اللهم صل على محمد واله واجعل آباءنا وامهاتنا واولادنا و
اهالينا وذوي ارحامنا وقراباتنا وجيراننا من المؤمنين والمؤمنات منه في حرز حارز
وحصن حافظ وكهف مانع والبسهم منه جننا واقية واعطهم عليه اسلحة ماضية
اللهم واعمم بذلك من شهد لك بالربوبية واخلص لك بالوحدانية وعاداه
لك بحقيقة العبودية واستظهر بك عليه في معرفة العلوم الربانية اللهم
احلل ما عقد وافتق ما رتق وافسخ ما دبر وثبطه اذا عزم وانقض ما ابرم اللهم
واهزم جنده وابطل كيده واهدم كهفه وارغم انفه اللهم اجعلنا في نظم
اعدائه واعزلنا عن عداد اوليائه لا نطيع له اذا استهوانا ولا نستجيب له اذا
دعانا نامر بمناواته من اطاع امرنا ونعظ عن متابعته من اتبع زجرنا اللهم صل على
محمد خاتم النبيين وسيد المرسلين وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين واعذنا
واهالينا واخواننا وجميع المؤمنين والمؤمنات مما استعذنا منه واجرنا مما

بجرنا

استجرنا بك من خوفه واسمع لنا ما دعونا به واعطنا ما اغفلناه واحفظ لنا
ما نسيناه وصيرنا بذلك في درجات الصالحين ومراتب المؤمنين آمين رب العالمين
این عوذه از پیغمبر مرویست و آنرا عبد الله بن مسعود روایت کرده است و مضمون
این روایت آنست که پیغمبر قرائت قرآن میکرد که عفریتی از جن روی بآنحضرت آورد
و شعله از آتش در دست داشت پس مقارن این حال جبرئیل برآنحضرت نازل شد
و این عوذه را باو تعلیم کرد آنحضرت چون این عوذه را خواند آن عفریت بروی افتاد
و شعله آتش که در دست داشت خاموش شد این روایت را ابن طاوس در مهج خود ذکر
کرده است عوذه که بآن از مرده جن و شیاطین بخدا پناه باید برد این است اعوذ
بوجه الله الكريم وكلماته التامات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرأ في
الارض وما يخرج منها ومن شر ما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر فتن
الليل والنهار ومن شر طوارق الليل والنهار الا طارقا يطرق بخير يا رحمن
اما ادعیه که برای ایمن بودن از سلاطین جور کنند وارد است بعضی از آن روایتی
که ابن طاوس در مهج خود روایت کرده است که بحضرت صادق گفت که وقتی که
بر منصور داخل شدی بچه چیز خود را از او نگاه داشتی فرمود که بالله تعالی و
بخواندن انا انزلناه و بعد از آن هفت بار گفتم یا الله و بعد از آن گفتم انی
اتشفع الیک بمحمد و اله صلی الله علیهم ان تغلبه لی و بعد از آن فرمود که هرکه
مبتلا شود بسلطان جابر مثل آنچه من کردم بکند و اگر ما نمیخواندیم سوره قدر
و دعائی که مذکور شد و شیعه خود را امر میکردیم بخواندن آن زهر اینه مردم
ایشان را میربودند اما این سوره حارثست از برای ایشان و بعضی بکر روایت
که وارد است که سعید بن ساعدی از حضرت پیغمبر درخواست که شفاعت کن
مرا بخانه آنحضرت فرمود که ما معاشر پیغمبران بغیر از الله تعالی بکسی شفاعت نمی
کنیم و لیکن چون تو داخل شوی برو بگو اللهم انت اعلی منه شانا واقوی سلطانا
ورجائي لك اكثر من خوفي منه واملي فيك اكثر من رجائي له فاكفني امره
وقني شره واجعل بيني وبينه حجابا من كفايتك وحرزا من كلائتك لا ينوبني
سوء او لا يطمع في عدو انك سميع مجيب که الله تعالی شر او را کفایت میکند و بعضی

بخانه امرا
بخواند

دیگر روایتی است که ابن فهد در عدة خود از کاظم روایت کرده است که آنحضرت
فرمود که از شر جمیع مردم احتجاب جوی بسم الله و بقل هو الله احد الله الصمد
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و این سوره را بخوان از جانب راست و چپ
خود و از پیش رو و عقب سر خود و از بالای سر و از زیر قدم خود و چون بر
سلطان جور کننده داخل شوی در وقتیکه بسوی او نظر کنی سه بار این سوره را
بخوان و دست چپ خود را عقد کن و دست را مگشا تا از نزد او بیرون آیی و بعض
دیگر از ادعیه روایتی است که از حضرت صادق مروی شده که کسیکه داخل
شود بر سلطان که از او بترسد وقتیکه در برابر او آید بگوید کهیعص و هر حرفی
که بخواند یک انگشت خود را از دست راست عقد کند و بعد از آن بگوید حم
عسق و در وقت خواندن هر حرفی از آن یک انگشت خود را از دست چپ عقد
کند و بعد از آن بگوید و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما
و بعد از آن انگشتها را در روی سلطان بگشاید که الله تعالی شر او را کفایت
کند و میگویم من که نزدیک باین روایت آنچیزیست که در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده
که هر گاه داخل شود انسان بر کسیکه از او بترسد باید که چون در برابر او آید
بگوید کهیعص حم عسق و بعدد حروف این کلمه ده انگشت خود را عقد کند چنانچه
بعدد هر حرفی یک انگشت را عقد کند و ابتدا با انگشت ابهام دست راست کند
و با بهام دست چپ ختم کند و در نفس خود سوره فیل را بخواند و هر گاه بترمیهم
برسد ده بار این لفظ را مکرر کند و در هر بار یک انگشت را از انگشتهای بسته
بگشاید و این عمل و عجیب در کتاب طب الائمه از حضرت کاظم مروی شده است که
کسیکه خواهد داخل شود بر سلطانی که از او بترسد هر گاه نظر او باو افتد بگوید
یا من لا یضام و لا یرام و به تواصلت الارحام صل علی محمد و آله و اکفنی شره
بحولک و در کتاب دفع الهموم و الاحزان مذکور است که هر گاه از سلطان یا غیر
آن بترسی در برابر روی او بگو حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم و در همین کتاب مذکور است که هر گاه از سلطانی بترسی مکرر بگو
الله الله ربی لا اشرک به شیئا و در همین کتاب مذکور است که از جمله چیزهایی که

دمیری

تجربه

تجربه کرده شده است اینست که در روی کسیکه از او میترسی بگوی در روی او
اطفات غضبک یا فلان بلا اله الا انت و فیه تقول و از حضرت صادق
مرویست که هر گاه یکی از شما اندوهناک باشد باید که نظر کند هر گاه آفتاب
بلند شود بعد از آنکه در وقت عصر آنقدر مانده است که غروب کند شش
رکعت نماز کند و روی بقبله دستهای خود را بر دارد و بگوید اللهم اتنا
بالعافیة من حیث شئت و کیف شئت و انی شئت فانک تفعل ما شئت
و این را مکرر بگوید که الله تعالی آن اندوه را از تو برطرف کند و این روایت را ابن
طاوس در کتاب خود ذکر کرده است و نیز در همین کتاب مذکور است که در روی
کسیکه از او اندیشه داری بگو کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز
که اصلا ضرر نتواند رسانید و در همان کتاب مذکور است که در روی آنکسیکه
از او میترسی بگو و ینجی الله الذین اتقوا بمفازتهم لا یمسهم السوء و لا هم یحزنون که
ایمن میشوی از آن انشاء الله و در کتاب مهج ابن طاوس مذکور است که بواسطه ایمن بودن
از سلطان و از بلا و بواسطه غلبه کردن بر اعدا و نترسیدن از فقر و تنگی
سینه این دعا را باید خواند و من میگویم آن دعایی که گفته ام است از ادعیه صحیفه
سجادیه است که هر گاه از ضرر یکی از آن چیزهایی که ما ذکر کردیم بترسی بگو این را و
این دعا بغایت رفیع الشان و عظیم المنزلة است و ابن طاوس آنرا در مهج خود ذکر کرده
و روایتی ذکر کرده است که ملخص آن اینست که یسع بن حمزه قمی بحضرت امام علی نقی
عریضه نوشت و در آن عریضه شکایت کرده بود از آنکه وزیر معتصم با او بد
بود و نوشته بود که میترسم که خون مرا بریزد حضرت هادی باو نوشت که باکی
نیست بر تو این دعا را بخوان که ترا زود خلاص میسازد از آنچیزیکه در آن واقع شدی
بدرستیکه در غلبه اعدا و اشراف بلا و ترس فقر و ضیق صدر آل محمد این دعا
میخواندند یسع گوید که در اول روز این دعا را خواندم بخدا سوگند که پاره از
روز نرفته بود که رسول وزیر آمد و مرا طلب کرد چون نزد او رفتم وزیر که مرا
دید تبسم کرد و حدادی را طلب کرد و بند مرا برداشت و مرا از جامه فاخر خود خلعت
داد و برای من بوی خوش آورد و مرا بنزدیک خود نشاند و با من سخن میکرد و

ایندعا را بجهت اندوه بخوانند

عذرخواهی مینمود و آنچه از من گرفته بود پس داد و مرا بناحیه فرستاد که من والی
آن بودم و شهری دیگر که در پهلوی آن بود بآن اضافه کرد و من میگویم که این
دعا از ادعیه صحیفه مذکور است کما نجمله دعاهای آنحضرتست که هرگاه مهمی
عارض میشد او را یا ملمه باو نازل میشد و نزد اندوه میخواند و آن دعا اینست یا من
تحل به عقد المکاره و یا من یفثأ به حد الشدائد و یا من یلتمس منه المخرج
الی روح الفرج ذلت لقدرتک الصعاب و تسببت بلطفک الاسباب و جری
بقدرتک القضاء و مضت علی ارادتک الاشیاء فهی بمشیتک دون قولک
مؤتمرة و بارادتک دون نهیک منزجرة انت المدعو للمهمات و انت المفزع
فی الملمات لا یندفع منها الا ما دفعت و لا ینکشف منها الا ما کشفت و قد نزل بی یا
رب ما قد تکادنی ثقله و الم بی ما قد بهظنی حمله و بقدرتک اوردته علی و
بسلطانک وجهته الی فلا مصدر لما اوردت و لا صارف لما وجهت و لا فاتح
لما اغلقت و لا مغلق لما فتحت و لا میسر لما عسرت و لا ناصر لمن خذلت فصل علی
محمد و آله و افتح لی یا رب باب الفرج بطولک و اکسر عنی سلطان الهم
بحولک و انلنی حسن النظر فیما شکوت و اذقنی حلاوة الصنع فیما سئلت و
هب لی من لدنک رحمة و فرجا هنیئا و اجعل لی من عندک مخرجا وحیا و لا
تشغلنی بالاهتمام عن تعاهد فروضک و استعمال سنتک فقد ضقت لما نزل بی
یا رب ذرعا و امتلات بحمل ما حدث علی هما و انت القادر علی کشف ما منیت
به و دفع ما وقعت فیه فافعل بی ذلک و ان لم استوجبه منک یا ذا العرش
العظیم و ذا المن الکریم فانت قادر یا ارحم الراحمین آمین رب العالمین و در مهج
الدعوات مذکور است که حضرت صادق پیش از آنکه در مدینه بر منصور داخل شود
این دعا را خواند و خدای تعالی او را از منصور ایمن کرد این دعا بسیار عظیم الشأن است
و ملخص آن از مهج ابن طاوس آنچیزیست که ربیع روایت کرده است و گفته است
که با منصور بحج رفتم بعد از حج چون بمدینه بازگشتیم منصور بمن گفت که جعفر بن محمد را
از روی استخفاف حاضر گردان پس من بخدمت آنحضرت آمدم و گفتم منصور ترا امر
کرده است که ترا احضار کنم آنحضرت فرمود که هرچه تورا امر کرده است بجا آر پس آنحضرت

آنحضرت

ایندعا را بنویسند بخوانند

آنحضرت را گرفتم و نزد منصور آوردم در آنوقت در دست منصور عمودی
از آهن بود و میخواست که بآن عمود آنحضرت را بقتل آورد در آنحال من بصادق نگاه
کردم لبهای خود را حرکت میداد چون نزدیک منصور آمد منصور او را نزدیک
خود خواند و بر روی سریر خود در پهلوی خود جا داد و بوی خوش طلبید و بدست
خود بآنحضرت پاشید و یک بدره زر و خلعتی بآنحضرت داد و آنحضرت بر استر
سوار و رخصت انصراف کرد ربیع گوید که چون آنحضرت بیرون آمد من با او همراهی
کردم تا منزل او و بخدمتش عرض کردم که ای فرزند رسول خدا من هیچ شک نداشتم
در اینکه منصور شما را بقتل خواهد رسانید و دیدم شما را در وقت دخول بر منصور
که لبهای خود را حرکت میدادی سوگند میدهم ترا بحق جدت محمد که آنچه در
آنوقت میخواندی مرا تعلیم فرمائی آنحضرت فرمود که ای ربیع بدانکه من در آنوقت
میگفتم حسبی الرب من المربوبین تا آخر دعا ربیع گوید که من آن دعا را بر ورقی
نوشتم و آنرا در حمایل خود گذاشتم بخدا سوگند که دیگر از منصور بمن نرسید
بعد از آن و آن دعا این است حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین
حسبی من لم یزل حسبی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی الله و نعم الوکیل اللهم احرسنی
بعینک التی لا تنام و اکنفنی برکنک الذی لا یرام و احفظنی بعزک و اکفنی شر فلان
بقدرتک و من علی بنصرک و الا هلکت و انت ربی اللهم انک اجل و
اکبر ممن اخاف و احذر اللهم انی ادرء بک فی نحره و اعوذ بک من شره و
استعینک علیه و استکفیک ایاه یا کافی موسی فرعون و محمد الاحزاب الذین
قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا و قالوا
حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء و اتبعوا
رضوان الله و الله ذو فضل عظیم اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و
ابصارهم و اولئک هم الغافلون لا جرم انهم فی الآخرة هم الخاسرون و جعلنا
من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون بالله استفتح
و بالله استنجح و برسول الله اتوسل و بامیر المؤمنین اتشفع و بالحسن و الحسین

اتقرب بالله لین لی عقوبته و سهّل لی حزونته و وجه سمعه و بصره و جمیع
جوارحه الی بالرافة والرحمة واذهب عنی غیظه و باسه و مکره و جنوده و
احزابه وانصرنی علیه بحق کل ملک سایح فی ریاض قدسک و فضاء نورک
و شرب من حیوان ماءتک وانفذنی بنصرک العام المحیط جبرئیل عن یمینی و
میکائیل عن یساری و محمد امامی و الله ولیی و حافظی و ناصری و آمانی فان
حزب الله هم الغالبون استترت و احتجبت و امتنعت و تعززت بکلمة الله
الوحدانیة الازلیة الالهیة التی من امتنع بها کان محفوظا ان ولیی الله الذی
نزّل الکتاب و هو یتولی الصالحین و در مهج مذکور است که در کوفه چون منصور خواست
که حضرت صادق را بقتل آورد آنحضرت این دعا را خواند ملخص قصه این دعا آن
که چون منصور اراده قتل حضرت صادق کرد ابرهیم بن جبله را امر کرد که آن
حضرت را حاضر سازد نزد او ابرهیم گوید که چون آنحضرت را داخل ساختم بمجلس منصور
آنحضرت تکلم کرد بکلامی که من نفهمیدم پس منصور را مثل آتش دیدم که بر آن
آب بریزند تا خاموش شود پس آنحضرت را نزدیک خود خواند و بر سریر خود نشاند
و گفت که یا اباعبدالله بر من گران است زاینکه در آمدن کشیدی ترا حاضر ساختم
که از اهل تو بتو شکایت کنم که قطع رحم من کرده اند و عاصی شده اند در من اگر غیر
از من کسی دیگر والی میبود اطاعت او میکردند آنحضرت فرمود که باید بسلف صالح
خود اقتدا کنی بدرستیکه ایوب مبتلا شد و صبر کرد و بر یوسف ظلم کردند عفو
کرد و سلیمان را عطا کردند و شکر کرد و تو از نسخ ایشانی باید مثل ایشان باشی
منصور گفت بدرستیکه من صبر کردم و عفو کردم و شکر کردم و بعد از آن گفت
که ای اباعبدالله بیان کن از برای من حدیثی را که من از تو شنیده بودم در باب
صله ارحام حضرت فرمود که بلی حدیث کرد پدر من از جد من که فرمود پیغمبر
که نیکی کردن و صله رحم عمارت دنیا و زیادتی عمر است منصور گفت این حدیث
نیست آنکه من شنیده ام حضرت فرمود بلی پدرم خبر داد مرا از جد من که پیغمبر فرمود
که رحم را دیدم که بعرش چسبیده بود بالله تعالی شکایت میکرد از قاطع خود من
گفتم که ای جبرئیل میان ایشان چه مقدار فاصله است جبرئیل گفت هفت پشت در میان

منصور

منصور گفت این نیست آن حدیث حضرت فرمود که بلی حدیث کرد مرا پدرم
از جدم پیغمبر فرمود که مردی که صله رحم میکرد و بمردم نیکی میکرد بحال مرگ افتا
د در همسایگی او مردی بود که قطع رحم میکرد الله تعالی بملک الموت گفت که از
عمر این قاطع رحم سی سال باقی مانده است آن سی سال را باین مرد ده که صله رحم بجا
میآورد منصور گفت که راست گفتی و امر کرد بغلام خود که بوی خوش بیارد چون
بوی خوش آوردند منصور بدست خود بآنحضرت پاشید و بعد از آن چهار هزار
دینار بآنحضرت داد و فرمود که اسب را بیارند چون اسب را آوردند منصور گفت پیش
آید تا آنکه آن اسب را نزدیک تخت وا آوردند و حضرت صادق سوار شد ابرهیم گوید
که من پیش آنحضرت دویدم و گفتم که ای سید من منصور بمسیب بن زهیر شمشیری
داده بود و امر کرده بود که ترا بقتل آورد چون داخل مجلس او شدی دیدم که لبهای
خود را حرکت دادی بچیزی که من او را نفهمیدم آنچه چیز بود آنحضرت فرمود که اینجای
آن نیست که آن را بیان کنم پس شب رفتم بخدمتش فرمود که چون لشکرها بر پیغمبر
هجوم کردند و آن روز بدترین روزی بود که بر پیغمبر وارد شده بود پس چون بعضی از
شب گذشت آنحضرت بیرون آمد علی را دید گفت یا علی بچه کار بیرون آمدی آنحضرت
فرمود که بیرون آمده ام بنگاهبانی مسلمانان هنوز کلام ایشان تمام نشده بود که
جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد الله تعالی میفرماید که من موقف علی را دیدم و هدیه کردم
باو از مکنون علم خود این دعا را که خواننده این دعا ایمن میشود از شیطان و سلطان
و از غرق و هدم و حرق و درنده و دزد و آن دعا اینست که اللهم احرسنا بعینک
تا آخر حضرت صادق فرمود که بخدا قسم که منصور مکررا اراده قتل من کرد و این
دعا را خواندم از او نجات یافتم عباس بن عبد العظیم گوید که من هر شب دکان
خود را باین دعا تعوید میکردم یک شب فراموش کردم و رفتم بیادم آمد پس دکان را
بان تعوید کردم چون صبح شد زودی آمدم بدکان مردی را دیدم آنجا یافتم گفتم چه میخواهی
گفت آمده بودم که از اینجا چیزی بدزدم وقتیکه میخواستم بیرون روم میان من و
در دکان حصاری از آهن حایل شد و نتوانستم بیرون رفت و این روایت را ابن طاوس
در مهج خود ذکر کرده است اللهم احرسنا بعینک التی لا تنام واکنفنا برکنک الذی

ایضا این دعا را بخواند

لا یرام وارحمنا بعد ذلک علینا ولا تهلکنا فاننا لرجاء رب کم من نعمة انعمت
بها علیّ قلّ لک عندها شکری وکم من بلیّة ابتلیتنی بها قلّ لک عندها صبری
فیا من قلّ عند نعمته شکری فلم یحرمنی ویا من قلّ عند بلائه صبری فلم یخذلنی
یا ذا المعروف الدائم الذی لا ینقضی ابداً ویا ذا النعماء التی لا تحصی عدداً اسئلک
ان تصلّی علی محمد وآله الطاهرین وادرأ بک فی نحور الاعداء والجبارین اللهم
اعنّی علی دینی بدنیای وعلی آخرتی بتقوای واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی
الی نفسی فیما حظرته یا من لا تنقصه المغفرة ولا تضرّه المعصیة اسئلک
فرجاً عاجلاً وصبراً واسعاً والعافیة من جمیع البلاء والشکر علی العافیة یا
ارحم الراحمین ودر مهج مذکور است که چون منصور در بغداد اراده قتل صادق
کرد آنحضرت این دعا را خواند والله تعالی او را ایمن ساخت از او وملخص قصه آن
است که مردی از بنی مخزوم از قریش مدینه بمنصور نوشت که جعفر بن محمد معلّی
بن خنیس را فرستاده است بواسطه جمع اموال وزکوة از شیعیان خود واین
اموال را باعداء تو محمد وابرهیم که پسران عبدالله بن حسن اند میدهند منصور
که این سخن شنید نزدیک بود که از خشم صادق کف دست خود را بخورد بعد از
آن بعم خود داود بن علی که امیر مدینه بود نوشت که جعفر بن محمد را بسوی من
فرست واو را رخصت مده که در مدینه اقامت کند پس داود آنحضرت را بسوی منصور
فرستاد چون آنحضرت بر منصور داخل شد منصور از برای او برخواست واو را نزدیک
خود نشاند وبعد از آن آنحضرت استدعا کرد که آنمرد را که از من بتو چیزی نوشته است
میخواهم به بینم پس منصور آن قصه را بآنحضرت نمود وآنکاغذ آنچه ذکر کردیم از جمع
اموال واعانت دشمن منصور وامثال آن مذکور بود چون آنحضرت آنرا خواند فرمود
که من قسم میخورم بخدا که هیچ چیز از اینها واقع نیست منصور گفت نه بلکه قسم بخور بطلاق
وعتاق آنحضرت فرمود که راضی نیستی که سوگند بخورم بخدائی که هیچ خدائی نیست مگر او
منصور گفت این نفعی نمیدهد من امر الحال جمع میکنم میان تو وآنمردیکه در باب تو اینها را
گفته است که مواجه تو شود وبعد از آن امر کرد باحضار آنمرد پس آنمرد حاضر شد و
گفت بلی آنچه در حق جعفر بن محمد گفتم حق است آنحضرت باو گفت که قسم میخوری گفت بلی

وبعد از ابتدا کرد بقسم وگفت والله الذی لا اله الا هو الطالب الغالب
الحیّ القیوم حضرت صادق قسم او را قطع کرد برا وگفت بگو که ابرء الی
الله من حوله وقوته والجأ الی حولی وقوتی انی لصادق فیما قلته عن جعفر بن
محمد پس آنمرد باین روش قسم خورد وهنوز تمام نکرده بود آنرا که بر زمین افتاد ومرد
منصور که این امر را ملاحظه کرد ترسید وگفت ولرزید وگفت که یا ابا عبدالله
چرا بآن سوگندیکه او میخورد او را سوگند ندادی آنحضرت فرمود که الله تعالی کریم است
وشرم دارد که عذاب کند وبان زودی خشم گیرد بر بنده که او را مدح وثنا کند
وآن سوگند مشتمل بر مدح وثنا بود او را نگذاشتم که سوگند را بخورد گفت فردا
بحرم جد خود رو اگر اختیار آنجا داری واگر میخواهی نزد ما باش تقصیر نمیکنم در اکرام
ونیکی تو که بعد از این دیگر قول کسی را هرگز قبول نمیکنم صفوان بن مهران جمال گوید
در وقتیکه حضرت را باکراه خواستند که ببغداد فرستند همان وقت برخواست ما بین
نماز ظهر وعصر بمسجد نبی آمد ومن با او بودم پس چند رکعت نماز کرد وبعد از آن
این دعا را خواند یا من لیس له ابتداء تا آخر وبعد از آن ببغداد رفت والله تعالی
از شر منصور ایمن کردانید ومن آن دعا را از آنحضرت استدعا کرده نوشتم وآن دعا این است

ایضاً لمن دعاء الجواد

یا من لیس له ابتداء ولا انقضاء یا من لیس له امد ولا نهایة ولا میقات ولا غایة
یا ذا العرش المجید والبطش الشدید یا من هو فعّال لما یرید یا من لا تخفی علیه
اللغات ولا تشتبه علیه الاصوات یا من قامت بجبروته الارض والسموات
یا حسن الصحبة یا واسع المغفرة یا کریم العفو صلّ علی محمد وآله واحرسنی فی
سفری ومقامی وفی حرکتی وانتقالی بعینک التی لا تنام واکنفنی برکنک الذی لا
یرام اللهم انی توجّهت الیک فی سفری هذا بلا ثقة منی لغیرک ولا رجاء یاوی بی
الّا الیک ولا قوة لی اتّکل علیها ولا حیلة الجأ الیها الا ابتغاء فضلک و
التماس عافیتک وطلب فضلک واجراءک لی علی افضل عوائدک عندی اللهم
وانت اعلم بما سبق لی فی سفری هذا مما احبّ واکره فمهما اوقعت علیه قدرک
فمحمود فیه بلاؤک متضح فیه قضاؤک وانت تمحو ما تشاء وتثبت وعندک
ام الکتاب اللهم فاصرف عنّی فیه مقادیر کل بلاء ومقضی کل لأواء وابسط علیّ

كنفًا من رحمتك ولطفًا من عفوك وتمامًا من نعمتك حتى تحفظني فيه باحسن
ما حفظت به غائبًا من المؤمنين وخلفته في ستر كل عورة وكفاية كل مضرة
وصرف كل محذور وهب لي فيه امنًا وايمانًا وعافية ويسرًا وصبرًا وشكرًا
وارجعني فيه سالمًا الى سالمين يا ارحم الراحمين ودر مهج مذکور است که نوبت دیگر
که منصور اراده قتل حضرت صادق کرد آنحضرت این دعا را خواند والله تعالی
او را نجات داد او را و این دعا بسیار عظیم الشان و رفیع المنزله است ملخص قصه
آن اینست که محمد بن عبدالله اسکندری گفته است که منصور بمن گفت که
از اولاد فاطمه صد هزار کس یا بیشتر هلاک شدند و سید و امام ایشان جعفر بن
محمد باقی مانده است و من سوگند خورده ام که امروز شب نکنم تا خود را از امر او فارغ
نسازم و بعد از آن جلاد را طلب کرد و گفت که هرگاه جعفر بن محمد حاضر شود و من
او را بحرف مشغول سازم و کلاه را از سر بردارم این نشانه است میان من و تو در
آنوقت گردن او را بزن و بعد از آن امر کرد باحضار آنحضرت پس در همان ساعت آن
حضرت حاضر شد راوی میگوید که من در خانه منصور با او لاحق شدم دیدم که آنحضرت لبهای
خود را حرکت میداد پس دیدم که قصر منصور مثل کشتی بحرکت آمد و دیدم که منصور
مثل غلام که پیش سید خود رود پای برهنه پیش آنحضرت آمد و بازوی او را گرفت
و بر تخت خود نشاند و چون مثل غلامی که پیش مولای خود نشیند بدو زانو نشست
و بعد از آن گفت که ای فرزند رسول خدا چه چیز تو را در این ساعت باینجا آورد حضرت
فرمود که تو مرا طلب کردی و من اجابت کردم منصور گفت که من ترا نطلبیده ام این غلط
از رسول ناشی شده است و بعد از آن گفت که حاجت خود را از من بخواه آنحضرت
گفت که حاجت من آنست که مرا تا کاری نباشد نطلبی پس آنحضرت برگشت بخانه
خود رفت منصور بمن گفت بدانکه چون جعفر بن محمد را حاضر کردم و خواستم که او را
ضایع کنم اژدها پیدا دیدم که بدم خود جمیع خانه و قصر مرا فرو گرفت و لب بالای را
بر بالای قصر من گذاشت و لب زیرین بر اسفل قصر گذاشت و با من بزبان عربی ظاهر
حرف زد و گفت که الله تعالی مرا بسوی تو فرستاده است و گفته است که اگر تو شیئی
مکروهی بنسبت بنده صالح من جعفر بن محمد تو را و هرچه در این خانه است و قصر ترا

تو

فرو میبرم پس عقل من پریشان شد و دندانهای من برهم خوردند و تو یکسو انداختی
آنچه از من شنیدی که گردن تو را میزنم من گفتم که از حضرت صادق این عجب
نیست بواسطه آنکه او وارث علم پیغمبر است و جد او امیرالمؤمنین است و
نزد او دعای چند هست که اگر هر شب بخواند ترسش میشود و اگر بروز خواند
تا تلف میشود و بعد از آن بخدمت حضرت صادق آمدم گفتم که بحق جد و جد
جد تو رسول خدا از تو درخواست میکنم که دعائیکه نزد دخول بر منصور خواندی
بمن تعلیم کن حضرت فرمود که بتو میدهم زیرا که تو دوست مائی پس آنحضرت
این دعا را بر من املا کرد و فرمود که این حرز بزرگ و دعای رفیع است که هر کس
آنرا در صباح بخواند تا شب در امان خداست و هر کس در شب بخواند تا صباح در
امان خداست و آنرا پدرم بمن تعلیم داد و او از پدر خود تعلیم گرفته بود و او از
پدران خود روایت کرده است و ایشان از پیغمبر روایت کرده اند و روایت سید
ابن طاوس در مهج خود روایت کرده است و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
لله الذي هداني للاسلام واكرمني بالايمان وعرفني الحق الذي عنه يؤفكون
والنبا العظيم الذي هم فيه مختلفون وسبحان الله الذي رفع السماء بغير عمد ترونها
وانشا جنات المأوى بلا امد تلقونها ولا اله الا الله السابغ النعمة الدافع
النقمة الواسع الرحمة والله اكبر ذو السلطان المنيع والانشاء البديع و
الشأن الرفيع والحساب السريع اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك
وامينك وشهيدك التقي النقي البشير النذير السراج المنير وآله الطيبين
الاخيار ما شاء الله توجهًا الى الله ما شاء الله تقربًا الى الله ما شاء الله تلطفًا
بالله ما شاء الله ما بنا من نعمة فمن الله ما شاء الله لا يصرف السوء الا الله ما
شاء الله لا يسوق الخير الا الله ما شاء الله لا قوة الا بالله اعيذ نفسي و
شعري وبشري واهلي ومالي وولدي وذريتي وديني ودنياي وما رزقني ربي
وما اغلقت عليه ابوابي واحاطت به جدراني وما اتقلب فيه من نعمه و
احسانه وجميع اخواني واقربائي وقراباتي من المؤمنين والمؤمنات بالله
العظيم وباسمائه التامة العامة الكافية الشافية الفاضلة المباركة

ایضا
این دعا را هر صبح بخواند

المتبعة المتعالية الزاكية الشريفة الكريمة الظاهرة المعظمة المخزونة
المكنونة التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر وبأم الكتاب وفاتحته وخاتمته
وما بينهما من سورة شريفة وآية محكمة وشفاء ورحمة وعوذة و
بركة وبالتورية والانجيل والزبور والفرقان وبصحف ابرهيم وموسى وبكل
كتاب انزله الله وبكل رسول ارسله الله وبكل حجة اقامه الله وبكل برهان
اظهره الله وبكل نور اناره الله وبكل آلاء الله وعزة الله وعظمة الله وقدرة
الله وسلطان الله وجلال الله ومنعة الله ومن الله وعفو الله وحلم الله و
غفران الله وملائكته وكتب الله ورسل الله وانبياء الله ومحمد رسول الله و
اهل بيت رسول الله صلى الله عليه وعليهم اجمعين من غضب الله وسخط الله و
نكال الله وعقاب الله واخذ الله وبطشه واجتياحه واصطلامه وتدميره و
سطواته ونقمته وجميع مثلاته ومن اعراضه وصدوده وتنكيله وتوكيله
وخذلانه ودمدمته وتخليته ومن الكفر والنفاق والشك والشرك و
الحيرة في دين الله ومن شر يوم النشور والحشر والموقف والحساب ومن شر كتاب
قد سبق ومن زوال النعمة وتحويل العافية وحلول النقمة وموجبات الهلكة
ومن مواقف الخزي والفضيحة في الدنيا والآخرة واعوذ بالله العظيم من هوى
مرد وقرين ملد وصاحب مسه وجار موذ وغنى مطغ وفقر منس وقلب لا يخشع و
صلوة لا ترفع ودعاء لا يسمع وعين لا تدمع ونفس لا تقنع وبطن لا يشبع و
عمل لا ينفع واستغاثة لا تجاب وغفلة وتفريط يوجبان الحسرة والندامة
ومن الرياء والسمعة والشك والعمى في دين الله ومن نصب في اجتهاد يوجبان
العذاب ومن مرد الى النار ومن ضلع الدين وغلبة الرجال وسوء المنظر في
الدين والنفس والاهل والمال والولد والاخوان وعند معاينة ملك الموت
واعوذ بالله العظيم من الغرق والحرق والشرق والسرق والهدم والخسف و
المسخ والرجم والحجارة والصيحة والزلازل والفتن والعين والصواعق والبرد
والقود والقرد والجنون والجذام والبرص واكل السبع وميتة السوء وجميع
انواع البلايا في الدنيا والآخرة واعوذ بالله العظيم من شر السامة والهامة و

اللامة والخاصة والعامة والطامة ومن شر احداث النهار ومن شر
طوارق الليل الا طارقا يطرق بخير يا رحمن ومن درك الشقاء وسوء القضاء
وجهد البلاء وشماتة الاعداء والفقر الى الاكفاء وسوء الممات والمحيا و
سوء المنقلب واعوذ بالله العظيم من شر ابليس وجنوده واتباعه واشياعه
ومن شر الجن والانس ومن شر الشيطان ومن شر السلطان ومن شر كل ذي
شر ومن شر كل ما اخاف واحذر ومن شر فسقة الجن والانس ومن شر فسقة
العرب والعجم ومن شر ما في النور والظلمة ومن شر ما دهم او هجم او الم ومن
شر كل سقم وهم وغم وآفة وندم ومن شر ما في الليل والنهار والبر والبحار و
من شر الفساق والدعار والفجار والكفار والحساد والسحار والجبابرة و
الاشرار ومن شر ما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر ما يلج في الارض وما
يخرج منها ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم واعوذ
بالله العظيم من شر ما استعاذ منه الملائكة المقربون والانبياء المرسلون
والشهداء والصالحون وعبادك المتقون ومحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين
والائمة المهديون والاوصياء والحجج المطهرون عليهم الصلوة والسلام ورحمة
الله وبركاته واسئلك ان تعطيني من خير ما سئلوك وان تعيذني من شر ما استعاذوا
بك منه واسئلك من الخير كله عاجله وآجله ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ بك
من الشر كله عاجله وآجله ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ بك من همزات الشياطين
واعوذ بك رب ان يحضرون اللهم من ارادني في يومي هذا وفيما بعده من
الايام من جميع خلقك كلهم من الجن والانس من قريب او بعيد ضعيف او
شديد بشر او مكروه او مساءة بيده او بلسانه او بقلبه فاحرج صدره و
افحم لسانه واسدد سمعه واقمح بصره وارعب قلبه واشغله بنفسه وامته
بغيظه واكفنيه بم شئت وكيف شئت وانى شئت بحولك وقوتك انك
على كل شيء قدير اللهم اكفني شر من نصب لي حده واكفني مكر المكرة واعني
على ذلك بالسكينة والوقار والبسني درعك الحصينة واحيني ما احييتني
بسترك الواقي واصلح حالي كله اصبحت في جوار الله ممتنعا وبعزة الله التي لا

توام محتجباً وبسلطان الله المنيع معتصماً ومتمسكاً وبأسماء الله الحسنى كلها عائذاً
اصبحت في حمى الله الذي لا يستباح وفي ذمته التي لا تخفر ولا تحل وفي حبل الله الذي
لا يجذم وفي جوار الله الذي لا يستضام وفي منع الله الذي لا يدرك وفي ستر الله الذي
لا يهتك وفي عون الله الذي لا يخذل اللهم اعطف علينا قلوب عبيدك وامائك
واوليائك برأفة منك ورحمة انك ارحم الراحمين حسبي الله وكفى سمع الله
لمن دعا ليس وراء الله منتهى ولا دون الله ملجأ من اعتصم بالله نجا كتب الله لاغلبن
انا ورسلي ان الله قوي عزيز فالله خير حافظاً وهو ارحم الراحمين وما توفيقي الا
بالله عليه توكلت وهو رب العرش العظيم شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة
واولوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام
تحصنت بالله العظيم واستعصمت بالحي الذي لا يموت ورميت كل عدو لنا بلا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم
تسليماً وبسند معتبر منقولست از حضرت صادق که چون این دعا را خواند الله تعالی
اورا از شر منصور ایمن گردانید و این دعا بروایت علی بن ابرهیم بن هاشم مروی شده است
که او گفت که حضرت صادق این دعا را میخواند و نفس خود را بان تعویذ میکرد و آن
نوشته را حرز پسر خود امام موسی کرده بود و آن دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا الله ابداً حقاً لا اله الا الله ایماناً وصدقاً لا اله الا الله تعبداً و
رقاً لا اله الا الله تلطفاً ورفقاً لا اله الا الله بسم الله والحمد لله و
اعتصمت بالله والجأت ظهري الى الله ما شاء الله لا قوة الا بالله وما توفيقي
الا بالله ونعم القادر الله ونعم المولى الله ونعم النصير الله ولا يأتي بالحسنات
الا الله ولا يصرف السيئات الا الله وما بنا من نعمة فمن الله وان الامر كله
لله واستكفي الله واستعين الله واستقيل الله واستغفر الله واستغيث الله و
صلى الله على محمد رسول الله وعلى انبياء الله وعلى ملائكة الله وعلى الصالحين
من عباد الله انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي واتوني مسلمين
كتب الله لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي عزيز لا يضركم كيدهم شيئاً ان الله بما
يعملون محيط واجعل لي من لدنك سلطاناً نصيراً اذ هم قوم ان يبسطوا اليكم ايديهم

الله ط

تعویذ امام موسی کاظم

فكف

فكف ايديهم عنكم واتقوا الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون والله يعصمك من
الناس ان الله لا يهدي القوم الكافرين كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله و
يسعون في الارض فساداً والله لا يحب المفسدين قلنا يا نار كوني برداً وسلاماً على
ابرهيم وارادوا به كيداً فجعلناهم الاخسرين وزادكم في الخلق بسطة فاذكروا آلاء
الله لعلكم تفلحون له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من امر الله رب
ادخلني مدخل صدق واخرجني مخرج صدق واجعل لي من لدنك سلطاناً نصيراً و
قربناه نجياً ورفعناه مكاناً علياً سيجعل لهم الرحمن وداً والقيت عليك محبة
مني ولتصنع على عيني اذ تمشي اختك فتقول هل ادلكم على من يكفله فرجعناك
الى امك كي تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفساً فنجيناك من الغم وفتناك فتوناً
لا تخف انك من الآمنين لا تخف انك انت الاعلى لا تخاف دركاً ولا تخشى
لا تخف نجوت من القوم الظالمين لا تخف انا منجوك واهلك لا تخافا انني معكما
اسمع وارى وينصرك الله نصراً عزيزاً ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدراً فوقاهم الله شر ذلك اليوم ولقاهم نضرة
وسروراً وينقلب الى اهله مسروراً ورفعنا لك ذكرك يحبونهم كحب الله والذين
امنوا اشد حباً لله ربنا افرغ علينا صبراً وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين
الذين قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايماناً وقالوا حسبنا
الله ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله
والله ذو فضل عظيم او من كان ميتاً فاحييناه وجعلنا له نوراً يمشي به في الناس
هو الذي ايدك بنصره وبالمؤمنين والف بين قلوبهم لو انفقت ما في الارض
جميعاً ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم سنشد عضدك
باخيك ونجعل لكما سلطاناً فلا يصلون اليكما باياتنا انتما ومن اتبعكما الغالبون
على الله توكلنا ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين اني توكلت
على الله ربي وربكم ما من دابة الا هو آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم
فستذكرون ما اقول لكم وافوض امري الى الله ان الله بصير بالعباد فان تولوا
فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم فان تولوا فقل

حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم رب اني مسني
الضر وانت ارحم الراحمين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون
الصلوة ومما رزقناهم ينفقون الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات و
ما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم
ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده
حفظهما وهو العلي العظيم وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما فتعالى
الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم فلله الحمد رب السموات والارض
هو العزيز الحكيم واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة
حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي آذانهم وقرا واذا ذكرت
ربك في القرآن وحده ولوا على ادبارهم نفورا أفرأيت من اتخذ الهه هويه و
اضله الله على علم وختم على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد
الله افلا تذكرون وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم
لا يبصرون وما توفيقي الا بالله عليه توكلت واليه انيب ان الله مع الذين
اتقوا والذين هم محسنون وقال الملك ائتوني به استخلصه لنفسي فلما كلمه قال
انك اليوم لدينا مكين امين وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا
من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله
الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك
القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو
الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض
وهو العزيز الحكيم ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين
ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراما ربنا ما خلقت هذا باطلا
سبحانك فقنا عذاب النار وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك

في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا وما لنا الا نتوكل على
الله وقد هدينا سبلنا ولنصبرن على ما آذيتمونا وعلى الله فليتوكل المتوكلون
انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت
كل شيء واليه ترجعون اللهم من ارادني واهلي وولدي واهل عنايتي بشر
او ضر فاقمع رأسه واعقل لسانه والجم فاه وحل بيني وبينه كيف شئت واني
شئت واجعلنا منه ومن كل دابة انت آخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم
في حجابك الذي لا يرام وفي سلطانك الذي لا يستضام فان حجابك منيع وجارك
عزيز وامرك غالب وسلطانك قاهر وانت على كل شيء قدير اللهم صل على
محمد وآل محمد افضل ما صليت على احد من خلقك وصل على محمد وآل محمد كما هديتنا
به من الضلالة واغفر لنا ولآبائنا ولامهاتنا ولجميع المؤمنين والمؤمنات
الاحياء منهم والاموات وتابع بيننا وبينهم بالخيرات انك مجيب الدعوات
وانت على كل شيء قدير اللهم اني استودعك نفسي وديني واهلي ومالي وعيالي
وخزانتي وخواتيم عملي وجميع ما انعمت به علي من امر دنياي وآخرتي فانه لا يضيع
محفوظك ولا تؤوده وذائعك قل اني لن يجيرني من الله احد ولن اجد من دونه
ملتحدا اللهم ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
وصلى الله على محمد وآله اجمعين و باندر مهج مذكور است كه حضرت كاظم در قيد
هرون الرشيد قصد قتل او كرد اين دو دعا را خواند و الله تعالى او را از شر
الرشيد نجات داد ملخص قصه اين دو دعا آنست كه علي بن يقطين ذكر كرده است كه من
نزد رشيد بودم كه او حضرت كاظم را خواند و خشمناك بود بر او و چون آنحضرت داخل
شد لبهاي خود را حركت داد بچيزيكه من او را نفهميدم پس رشيد رو باو كرد و با
او ملاطفت و نيكوئي بجا آورد و اذن رجوع باو داد و من بعد از ان از آنحضرت
پرسيدم از آنچيزيكه لبهاي خود را بآن حركت ميداد و خدا تعالى او را نجات داد
از رشيد آنحضرت فرمود كه در آن وقت دو دعا ميخواندم يكي خاص و ديگري عام
اما دعاي خاص اينست اللهم انك حفظت الغلامين تا آخر اما دعاي عام پس
اينست اللهم انك تكفي تا آخر چنانچه ابن طاوس در مهج خود روايت كرده است

این دعا بخواند

دعای اول این است اللهم انک حفظت الغلامین لصلاح ابویهما فاحفظنی لصلاح
آبائی و دعای دوم این است اللهم انک تکفی من کل احد و لا یکفی منک احد
فاکفنیه بم شئت و کیف شئت و انی شئت و در خصایص اصفهانی مذکور است
که چون منصور قصد قتل صادق کرد آنحضرت باین دعا احتجاب نمود و این دعا
دعای احتجاب گویند و آن این است بسم الله الرحمن الرحیم و اذا قرات القرآن جعلنا
بینک و بین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا مستورا و جعلنا علی قلوبهم اکنة
ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و اذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی
ادبارهم نفورا اللهم انی اسئلک بالاسم الذی به تحیی و تمیت و ترزق و تعطی
و تمنع یا ذا الجلال و الاکرام اللهم من ارادنا بسوء من جمیع خلقک فاعم عنا
عینه و اصمم عنا سمعه و اشغل عنا قلبه و اغلل عنا یده و اصرف عنا کیده
و خذه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته
یا ذا الجلال و الاکرام و اما آنچه بکه ایمن میکرداند خائف را از مخاویف بسیار
و در عدد محصور نیست و ما ذکر کردیم از آنها در این کتاب خبر چند بن موضع
ادعیه و عوذه بسیار که میکشاید افواه حافظان دعا را از ثغور نجاح و شاد میکرد
دلهای دعاکنندگان با آنها را به بسیاری صلاح ملخص قصه دعا آنچه نیست که آنرا
قیس بن ربیع ذکر کرده است و گفته است که بکروز منصور یکی از سرداران لشکر
خود را طلبید و گفت با هزار کس برو بمدینه و برو بخانه جعفر بن محمد سر او را و سر
پسر او را بیار آن شخص در همان ساعت بیرون آمد و بمدینه رفت چون بمدینه رسید
حضرت صادق خبردار شد و امر فرمود دو ناقه آوردند و هر دو را بر در خانه خود
بست و اولاد خود موسی و اسمعیل و محمد و عبد الله را طلبید و جمیع ایشان را
جمع کرد و در محراب نشست و این دعا را میخواند با ایشان پس آن شخص با لشکر هجوم
کردند بر خانه آنحضرت پس چون دو ناقه را دیدند سر هر دو را بریدند و در توبره
گذاشتند و چون پیش منصور آمدند سرها را از توبره بیرون آوردند دیدند که
که سر دو ناقه است منصور گفت که این چیست آن نقاید گفت که چون هجوم کردیم بر خانه
جعفر بن محمد سر من گردید چون نگاه کردم دو شخص را دیدم که ایستاده اند خیال

در سجده این دعا بخواند

کردم که جعفر و پسر او بیند سر هر دو را سر برداشتم منصور گفت آنچه دیدی بپوشان
و اگر نه تو را میکشم آن نقاید گوید که تا منصور زنده بود این حدیث را بکسی نگفتم
تا آنکه او مرد انوقت گفتم و اما در این مقام بعضی از آنها را ذکر میکنیم پس میگوئیم
که ذکر کرده است شیخ طبرسی در کتاب کنوز النجاح صفت بنا کردن مدینه حفظ را
در حول خود از ائمه که میباید که پشت خود را راست کرده ایستاده یا در سجده در
حالتیکه با طهارت باشی بگو اللهم انی احتجب بنور وجهک الکریم الجلیل القدیم
الرفیع العظیم العلی الرحیم القائم بالقسط لا اله الا الله انت العزیز الحکیم و بمحمد
و آله صلواتک علیه و علیهم و باولی العزم من المرسلین صلواتک علیهم اجمعین
و ببیتک المعمور و السبع المثانی و القرآن العظیم و بکل من یکرم علیک من
جمیع خلقک اجمعین لانفس اهل بیت نبیک محمد صلواتک علیه و علیهم و
لاولادهم و لجمیع ما ملکتهم و تفضلت به علیهم و لانفسنا و لاولادنا و لجمیع ما
ملکتنا و تفضلت علینا من شرور جمیع ما قضیت و قدرت و خلقت و من شرور
جمیع ما تقضی و تقدر و تخلق ما احییتنا و بعد وفاتنا بسم الله الرحمن الرحیم قل
هو الله احد تا آخر سوره و بعد از آن سه بار بگوید کذلک الله ربی و بعد از آن
بگوید من فوقهم و من فوقنا بعد از آن باز سوره توحید را بخواند و سه بار بگوید
کذلک الله ربنا بعد از آن بگوید عن ایمانهم و عن ایماننا و باز سوره توحید را
بخواند و سه بار بگوید کذلک الله ربنا و بعد از آن بگوید عن شمائلهم و عن
شمائلنا و باز سوره توحید بخواند و سه بار بگوید کذلک الله ربنا و بعد از
بگوید من خلفهم و من خلفنا و باز سوره توحید بخواند و سه بار بگوید کذلک
الله ربنا و بعد از آن بگوید عن امامهم و عن امامنا و باز سوره توحید بخواند
و سه بار بگوید کذلک الله ربنا و بعد از آن بگوید عن حوالیهم و عن حوالینا
عصمة و حصنا و حرزا لهم و لنا من کل سوء و ضر و مکروه و مخوف و محذور و
شفاء ما عشنا و بعد مماتنا بقدرتک ربنا انک علی کل شیء قدیر و بکل شیء حفیظ
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و اگر در هر نوبت مجموع سوره توحید و کذلک الله ربنا
سه بار بگوید بهتر است دعای دیگر که خواسته خود را از مخاویف و ترسها ایمن میکرداند

دعائیست که ابن شیخ طوسی آنرا در کنوز النجاح ذکر کرده است و آنرا دعای کفایت البلاء نام کرده اند و آن اینست اللهم بک اساور و بک احاول و بک اصول و بک انتصر و بک اموت و بک احیا اسلمت نفسی الیک و فوضت امری الیک لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انک خلقتنی و رزقتنی و سترتنی و سترتنی و عن العباد بلطفک خولتنی اذا هویت رددتنی و اذا عثرت اقلتنی و اذا مرضت شفیتنی و اذا دعوتک اجبتنی یا سیدی ارض عنی فقد ارضیتنی و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و در ادعیه قدسیه مذکور است که ای محمد بکسیکه ترس رسد و خواهد که من نعمت خود را بر او تمام کنم و کرامت خود را با و مبارک کردانم و او را نزدیک خود وجیه و باعزت کردانم باید که بکوید یا خاشع الیه قلوب اهل التقوی و یا متولیهم بحسن سرائرهم و یا مؤمنهم بحسن تعبدهم اسئلک بکل ما قد ابرمته احصاء من کل شیء قد اتقنته علما ان تستجیب لی بتثبیت قلبی علی الطمانینة و الایمان و ان تولینی من قبولک ما تبلغنی به من شدة الرغبة فی طاعتک حتی لا ابالی احدا سواک و لا اخاف شیئا من دونک یا رحیم پس بدرستیکه هرکاه این دعا را خواند او را ایمن میکردانم از ترسهای آنچیزیکه در شبانروزی حادث میشود در دین و نفس و نعمتهای او و در کتاب الوسائل الی المسائل مذکور است که در پناه بردن از ترسها بکو بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک من ملمات نوازل البلاء و اهوال عظائم الضراء فاعذنی رب من صرعة البأساء و اجنبنی من سطوات البلاء و نجنی من مفاجات النقم و احرسنی من زوال النعم و من زلل القدم و اجعلنی اللهم ربی فی حمی عزک و حیاطة حرزک من مباغتة الدوائر و معاجلة البوادر اللهم ربی و ارض البلاء فاخسفها و عرصة المحن فارجفها و شمس النوائب فاکسفها و جبال السوء فانسفها و کرب الدهر فاکشفها و عوائق الامور فاصرفها و اوردنی حیاض السلامة و احملنی علی مطایا الکرامة و اصحبنی باقالة العثرة و اشملنی بستر العورة و جد علی رب بالائک و کشف بلائک و دفع ضرائک و ادفع عنی کلاکل عذابک و اصرف عنی الیم عقابک و اعذنی من بوائق الدهور و انقذنی من سوء عواقب الامور و احرسنی من جمیع المحذور و اصدع صفات البلاء

ایضاً لدفع بلا بخوانند

عن امری و افلل حده عنی مدة عمری انک الرب المجید المبدئ المعید الفعال لما یرید و در عدة الداعی از حضرت کاظم مروی شده است که هرکاه کسی از روی یقین طلب کفایت کند آیه از قرآن کفایت میکند الله تعالی شر او را از او از مشرق تا مغرب و بعضی از آنها روایتی است که از ابو الحسن مروی شده که فرمود که هرکاه از امری بترسی صد آیه از قرآن از هرجایی که خواهی بخوان و بعد از آن سه بار بکو اللهم ادفع عنی البلاء بدرستیکه خدا تعالی او را ایمن میکرداند از ترسها و بعضی از آنها روایتی که از حضرت صادق مروی شده است که فرمود که هرکاه واقع شوی تو در رو هفت بار بکو بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس بدرستیکه الله تعالی آنرا سبب ایمن میکرداند از مخاوف و بعضی دیکر از آنها آنچیزیست که از حضرت کاظم مروی شده است که فرمود که اجتناب کن از کل مردم بخواندن سوره توحید باینطریق که این سوره را بخوان از جانب راست و از جانب چپ و از پیش روی و از پس سر و از بالای سر و از زیر قدم خود و ذکر این در فصل بیست و هفتم کذشت و در کتاب مفاتیح الغیب مذکور است که بنویسد لفظ بسم الله را بر در بیرون خانه او و ستا ایمن میشود از هلاک اکرچه کافر باشد و ذکر کرده است که الله تعالی فرعون را با آنکه دعوای خدایی میکرد بر وی او را هلاک نکرد بواسطه آنکه بر در بیرون خانه خود نوشته بود و چون موسی سرعت هلاک او را از خدا طلب کرد الله تعالی وحی فرستاد بموسی که بکفر او نکاه میکنی و من بآنچیزیکه بر در خانه او نوشته است نکاه میکنم و در امالی شیخ طوسی از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت فرمود که امام زین العابدین میفرمود که اکر جن و انس جمع شوند و خواهند که بمن ضرر رسانند چون من این کلمات را کفته باشم اصلا باکی ندارم از آنها و آن کلمات این است بسم الله و بالله و من الله و الی الله و فی سبیل الله اللهم الیک اسلمت نفسی و الیک وجهت وجهی و الیک فوضت امری اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی و من فوقی و من تحتی و ادفع عنی بحولک و قوتک فانه لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در مجمع از حضرت باقر روایت کرده است که آنحضرت فرمود که ما اهل بیت را هرکاه امری اندوهناک

ایضاً برای دفع بلا بخوان

از جهت شر جن و انس بخوانند

ایضاً این دعا بخوانند و شرح جوشن کبیر

سازد یا وقتیکه از شر سلطان یا از امری که بترسم که علاجی نباشد مرا این دعا را
میخوانیم یا کائناً قبل کل شیء و یا مکون کل شیء و یا باقیاً بعد کل شیء صل
علی محمد و آل بیته و افعل بی کذا و کذا این دعا نام نهاده شده است بجوشن
کبیر بسیار رفیع الشأنست و این دعا از حضرت امام زین العابدین مرویست
و آنحضرت آنرا از پدر بزرگوار خود روایت کرده است و پدر او از جد او و از پیغمبر روایت
کرده است که آنحضرت در بعضی از جنگها بود و جوشن سنگینی در بر داشت و بدن
مبارک او آزار میکرد جبرئیل بر آنحضرت نازل شد و گفت که خدا بتو سلام میرساند و
میگوید که این جوشن را از بدن خود بکن و این دعا را بخوان که این دعا امانست
از برای تو و از برای امت تو پس کسیکه بخواند این دعا را در وقت بیرون آمدن از
خانه یا با خود دارد الله تعالی در حفظ خود نگاه میدارد او را و ثابت میگرداند جنت
خود را برای او و توفیق میدهد او را بواسطه اعمال صالحه و مثل کسی است که چهار کتاب
خدا را خوانده باشد و بعدد هر حرفی دو درجه الله تعالی او را میدهد در بهشت و
دو خانه از خانهای بهشت او را میدهند و او را کرامت میکنند ثواب ابرهیم و موسی و
عیسی و ثواب جمیع خلق را باو میدهند و از خدا تعالی که در خلف غرب عبادت میکنند
خدا تعالی را و یک چشم زدن عصیان نمیکنند خدا را و از گریه پوستهای ایشان
از یکدیگر جدا شده است از ترس الله تعالی و حرکت آفتاب در بلاد ایشان چهل روز
و بخوانند این دعا را میدهند ثواب هفتاد هزار ملکی که هر روز داخل بیت المعمور
میشوند و از آنجا بیرون میآیند و دیگر بآنجا بر نمیگردند تا قیامت و ثواب مؤمنین و
مؤمنات را که الله تعالی از ابتدای عالم تا قیامت خلق کرده است از جن و انس باو
میدهند و در خانه که این دعا باشد دزد از آنجا چیزی نمیبرد و آنخانه نمیسوزد
و کسیکه این دعا را بخواند و بمیرد شهید میمیرد و برای او ثواب شهیدان
بدر مینویسند و الله تعالی باو نظر رحمت میکند و حوایج دنیا و آخرت او را بر می
آورد و کسیکه این دعا بنیت خالص بر هر مرضی که باشد از جنون و جذام و برص
و غیر آن شفا مییابد باذن الله تعالی و کسیکه این دعا را بر کفن خود بنویسد خدا
تعالی را شرم میآید که او را باتش دوزخ عذاب کند و الله تعالی این دعا را بجاه هزار

سال پیش از آنکه دنیا را بیافریند بر قوایم عرش نوشته بود و کسیکه بنیت صادق
این دعا را بخواند در اول ماه رمضان خدا تعالی در آن شب قدر روزی او کرد
و هفتاد هزار ملک خلق میکند که خدا تعالی را تسبیح و تقدیس میکنند و ثواب
او را باو میدهند و در وقت مردن او از قبر الله تعالی هفتاد ملک میفرستد که با
هر ملکی شتر کرهٔ باشد از نور که شکم او از نور باشد و پشت او از زبرجد باشد
و پایهای او از یاقوت و بر پشت هر شتری قبه ایست از نور که او را چهار صد در است
و بر هر دری پرده ایست از سندس و استبرق و در هر قبه هزار کنیز است و بر سر
هر کنیزی تاجی است از طلای سرخ که از آنها بوی مشک ساطع میشود و بعد از آن
الله تعالی هفتاد هزار ملک بر میانگیزد که با هر ملکی قدحی است از مروارید سفید
که در آن شرابی است از شرابهای بهشت و بر هر قدحی نوشته لا اله الا الله وحده
لا شریک له هدیة من الله تعالی لفلان بن فلان و الله تعالی ندا میکند که ای بنده
من داخل بهشت شو بحساب و کسیکه در ماه رمضان سه بار بخواند این دعا را الله تعالی
بدن او را حرام میگرداند بر آتش دوزخ و واجب میگرداند بهشت را از برای او و دو ملک
میسازد با او دو ملک را که او را نگاه میدارند از معاصی و در امان خدا تعالی است در
مدت حیوة خود یا محمد تعلیم مکن این دعا را مگر بمؤمن متقی حضرت امام حسین فرمود که
وصیت کرد پدرم علی بن ابی طالب مرا بحفظ این دعا و تعظیم آن و اینکه بنویسم او را بر
کفن او و تعلیم کنم اهل خود را و ترغیب کنم بر خواندن آن و در این دعا هزار اسم است
و اسم اعظم در این دعا داخل است **فصل بیست هشتم** در دعای چند که از برای آنها اسماء
مشهور است از آنجمله دعای جوشن کبیر است که مرویست از پیغمبر و آن صد
فصل است و در هر فصلی ده اسم مذکور است و در آخر هر فصلی بگو سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب **فصل ۱** اللهم انی اسئلک باسمک

دعای جوشن کبیر

یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا مقیم یا عظیم یا قدیم یا علیم یا حلیم یا حکیم **فصل ۲** یا سید
السادات یا مجیب الدعوات یا رافع الدرجات یا ولی الحسنات یا غافر الخطیئات
یا معطی المسئلات یا قابل التوبات یا سامع الاصوات یا عالم الخفیات یا دافع
البلیات **ف ۳** یا خیر الغافرین یا خیر الفاتحین یا خیر الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر

الرّازقين يا خير الوارثين يا خير الحامدين يا خير الذّاكرين يا خير المنزلين يا خير المحسنين
ع يا من له العزّة والجمال يا من له القدرة والكمال يا من له الملك والجلال يا
من هو الكبير المتعال يا من هو منشئ السّحاب الثّقال يا من هو شديد المحال
يا من هو سريع الحساب يا من هو شديد العقاب يا من هو عنده حسن الثّواب يا من
هو عنده امّ الكتاب بحم ٤ اللّهمّ انّي اسئلك باسمك يا حنّان يا منّان يا ديّان يا
برهان يا سلطان يا رضوان يا غفران يا سبحان يا مستعان يا ذا المنّ والبيان
يا من تواضع كلّ شيء لعظمته يا من استسلم كلّ شيء لقدرته يا من ذلّ كلّ شيء لعزّته
يا من خضع كلّ شيء لهيبته يا من انقاد كلّ شيء من خشيته يا من تشقّقت الجبال
من مخافته يا من قامت السّموات بامره يا من استقرّت الارضون باذنه يا من يسبّح
الرّعد بحمده يا من لا يعتدي على اهل مملكته ٧ يا غافر الخطايا يا كاشف البلايا يا منتهى
الرّجايا يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا يا رازق البرايا يا قاضي المنايا يا سامع
الشّكايا يا باعث البرايا يا مطلق الاسارى ٨ يا ذا الحمد والثّناء يا ذا الفخر والبهاء يا ذا
المجد والسّناء يا ذا العهد والوفاء يا ذا العفو والرّضاء يا ذا المنّ والعطاء يا ذا الفصل
والقضاء يا ذا العزّ والبقاء يا ذا الجود والسّخاء يا ذا الآلاء والنّعماء نهم اللّهمّ انّي
اسئلك باسمك يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع يا شافع يا واسع
يا موسّع دهم يا صانع كلّ مصنوع يا خالق كلّ مخلوق يا رازق كلّ مرزوق يا مالك
كلّ مملوك يا كاشف كلّ مكروب يا فارج كلّ مهموم يا راحم كلّ مرحوم يا ناصر كلّ
مخذول يا ساتر كلّ معيوب يا ملجا كلّ مطرود ١٠١ يا عدّتي عند شدّتي يا رجائي عند
مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي عند غربتي يا وليّي عند نعمتي يا غياثي عند
كربتي يا دليلي عند حيرتي يا غنائي عند افتقاري يا ملجاي عند اضطراري يا معيني
عند مفزعي دوازدهم يا علّام الغيوب يا غفّار الذّنوب يا ستّار العيوب يا كاشف الكروب
يا مقلّب القلوب يا طبيب القلوب يا منوّر القلوب يا انيس القلوب يا مفرّج الهموم
يا منفّس الغموم ١٠٣ اللّهمّ انّي اسئلك باسمك يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل
يا دليل يا قبيل يا مديل يا منيل يا مقيل يا محيل ١٤ يا دليل المتحيّرين يا غياث
المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا عون

ذل ٤

المؤمنين

المؤمنين يا راحم المساكين يا ملجا العاصين يا غافر المذنبين يا مجيب دعوة المضطرّين
١٠٥ يا ذا الجود والاحسان يا ذا الفضل والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس
والسّبحان يا ذا الحكمة والبيان يا ذا الرّحمة والرّضوان يا ذا الحجّة والبرهان يا ذا
العظمة والسّلطان يا ذا الرّأفة والمستعان يا ذا العفو والغفران ١٠٦ يا من هو ربّ
كلّ شيء يا من هو اله كلّ شيء يا من هو خالق كلّ شيء يا من هو صانع كلّ شيء يا من هو
قبل كلّ شيء يا من هو بعد كلّ شيء يا من هو فوق كلّ شيء يا من هو عالم بكلّ شيء
يا من هو قادر على كلّ شيء يا من هو يبقى ويفنى كلّ شيء ١٠٧ اللّهمّ انّي اسئلك باسمك
يا مؤمن يا مهيمن يا مكوّن يا ملقّن يا مبيّن يا مهوّن يا ممكّن يا مزيّن يا معلن يا مقسّم
١٠٨ يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم يا من هو في جلاله عظيم يا من هو
على عباده رحيم يا من هو بكلّ شيء عليم يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو بمن رجاه كريم
يا من هو في صنعه حكيم يا من هو في حكمته لطيف يا من هو في لطفه قديم ١٠٩ يا من لا يرجى
الّا فضله يا من لا يسئل الّا عفوه يا من لا ينظر الّا برّه يا من لا يخاف الّا عدله يا من
لا يدوم الّا ملكه يا من لا سلطان الّا سلطانه يا من وسعت كلّ شيء رحمته يا من سبقت
رحمته غضبه يا من احاط بكلّ شيء علمه يا من ليس احد مثله بيستم يا فارج الهمّ يا كاشف
الغمّ يا غافر الذّنب يا قابل التّوب يا خالق الخلق يا صادق الوعد يا موفي العهد يا
عالم السّرّ يا فالق الحبّ يا رازق الانام ٢٠١ اللّهمّ انّي اسئلك باسمك يا عليّ يا وفيّ
يا غنيّ يا مليّ يا حفيّ يا رضيّ يا زكيّ يا بديّ يا قويّ يا وليّ ٢٠٢ يا من اظهر الجميل يا من
ستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم يهتك السّتر يا عظيم العفو يا حسن التّجاوز
يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرّحمة يا صاحب كلّ نجوى يا منتهى كلّ شكوى ٢٠٣
يا ذا النّعمة السّابغة يا ذا الرّحمة الواسعة يا ذا المنّة السّابقة يا ذا الحكمة البالغة
يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الحجّة القاطعة يا ذا الكرامة الظّاهرة يا ذا العزّة الدّائمة
يا ذا القوّة المتينة يا ذا العظمة المنيعة ٢٠٤ يا بديع السّموات يا جاعل الظّلمات يا راحم
العبرات يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا محيي الاموات يا منزل الآيات يا مضعّف
الحسنات يا ماحي السّيّئات يا شديد النّقمات ٢٠٥ اللّهمّ انّي اسئلك باسمك يا
مصوّر يا مقدّر يا مدبّر يا مطهّر يا منوّر يا ميسّر يا مبشّر يا منذر يا مقدّم يا مؤخّر ٢٠٦

يا رب البيت الحرام يا رب الشهر الحرام يا رب البلد الحرام يا رب الركن والمقام يا
رب المشعر الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب الحل والحرام يا رب النور والظلام يا رب
التحية والسلام يا رب القدرة في الانام ۲۷ يا احكم الحاكمين يا اعدل العادلين يا
اصدق الصادقين يا اطهر الطاهرين يا احسن الخالقين يا اسرع الحاسبين يا اسمع
السامعين يا ابصر الناظرين يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين ۲۸ يا عماد من لا
عماد له يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له يا غياث من لا
غياث له يا فخر من لا فخر له يا عز من لا عز له يا معين من لا معين له يا انيس من لا
انيس له يا امان من لا امان له ۲۹ اللهم اني اسئلك باسمك يا عاصم يا قائم يا
دائم يا راحم يا سالم يا حاكم يا عالم يا قاسم يا قابض يا باسط ۳۰ يا عاصم من استعصمه
يا راحم من استرحمه يا غافر من استغفره يا ناصر من استنصره يا حافظ من استحفظه
يا مكرم من استكرمه يا مرشد من استرشده يا صريخ من استصرخه يا معين من
استعانه يا مغيث من استغاثه ۳۱ يا عزيزا لا يضام يا لطيفا لا يرام يا قيوما لا ينام
يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت يا ملكا لا يزول يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا
صمدا لا يطعم يا قويا لا يضعف ۳۲ اللهم اني اسئلك باسمك يا احد يا واحد
يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا ضار يا نافع ۳۳ يا اعظم من
كل عظيم يا اكرم من كل كريم يا ارحم من كل رحيم يا اعلم من كل عليم يا احكم من كل
حكيم يا اقدم من كل قديم يا اكبر من كل كبير يا الطف من كل لطيف يا اجل من
كل جليل يا اعز من كل عزيز ۳۴ يا كريم الصفح يا عظيم المن يا كثير الخير يا قديم الفضل
يا دائم اللطف يا لطيف الصنع يا منفس الكرب يا كاشف الضر يا مالك الملك يا قاضي
الحق ۳۵ يا من هو في عهده وفي يا من هو في وفائه قوي يا من هو في قوته علي يا من هو
في علوه قريب يا من هو في قربه لطيف يا من هو في لطفه شريف يا من هو في شرفه
عزيز يا من هو في عزه عظيم يا من هو في عظمته مجيد يا من هو في مجده حميد ۳۶ اللهم
اني اسئلك باسمك يا كافي يا شافي يا وافي يا معافي يا هادي يا داعي يا قاضي يا راضي يا
عالي يا باقي ۳۷ يا من كل شيء خاضع له يا من كل شيء خاشع له يا من كل شيء كائن له
يا من كل شيء موجود به يا من كل شيء منيب اليه يا من كل شيء خائف منه يا من

كل

كل شيء قائم به يا من كل شيء صائر اليه يا من كل شيء يسبح بحمده يا من كل شيء
هالك الا وجهه ۳۸ يا من لا مفر الا اليه يا من لا مفزع الا اليه يا من لا
مقصد الا اليه يا من لا منجى منه الا اليه يا من لا يرغب الا اليه يا من لا
حول ولا قوة الا به يا من لا يستعان الا به يا من لا يتوكل الا عليه يا من لا يرجى الا
هو يا من لا يعبد الا اياه ۳۹ يا خير المرهوبين يا خير المرغوبين يا خير المطلوبين يا خير
المسئولين يا خير المقصودين يا خير المذكورين يا خير المشكورين يا خير المحبوبين يا
خير المدعوين يا خير المستأنسين ۴۰ اللهم اني اسئلك باسمك يا غافر يا ساتر يا
قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر يا جابر يا ذاكر يا ناظر يا ناصر ۴۱ يا من خلق فسوى يا من قدر
فهدى يا من يكشف البلوى يا من يسمع النجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى يا
من يشفي المرضى يا من اضحك وابكى يا من امات واحيا يا من خلق الزوجين الذكر و
الانثى ۴۲ يا من في البر والبحر سبيله يا من في الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه
يا من في الممات قدرته يا من في القبور عبرته يا من في القيامة ملكه يا من في الحساب
هيبته يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة ثوابه يا من في النار عقابه ۴۳ يا من
اليه يهرب الخائفون يا من اليه يفزع المذنبون يا من اليه يقصد المنيبون يا
من اليه يرغب الزاهدون يا من اليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس المريدون
يا من به يفتخر المحبون يا من في عفوه يطمع الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون يا من
عليه يتوكل المتوكلون ۴۴ اللهم اني اسئلك باسمك يا حبيب يا طبيب يا قريب
يا رقيب يا حسيب يا مهيب يا مثيب يا مجيب يا خبير يا بصير ۴۵ يا اقرب من كل قريب
يا احب من كل حبيب يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف من كل شريف
يا ارفع من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود من كل جواد
يا ارأف من كل رؤف ۴۶ يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا غير
مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا غير مرفوع يا حافظا غير
محفوظ يا ناصرا غير منصور يا شاهدا غير غائب يا قريبا غير بعيد ۴۷ يا نور النور
يا منور النور يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور يا نورا قبل
كل نور يا نورا بعد كل نور يا نورا فوق كل نور يا نورا ليس كمثله نور ۴۸ يا من عطاؤه

شريف يا من فعله لطيف يا من لطفه مقيم يا من احسانه قديم يا من قوله حق يا
من وعده صدق يا من عفوه فضل يا من عذابه عدل يا من ذكره حلو يا من فضله
عميم ٩ ه اللهم اني اسئلك باسمك يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا مذلل يا منزل
يا منول يا مفضل يا مجزل يا ممهل يا مجمل ه يا من يرى ولا يرى يا من يخلق ولا يخلق
يا من يهدي ولا يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا من يسئل ولا يسئل يا من يطعم ولا
يطعم يا من يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى عليه يا من يحكم ولا يحكم
عليه يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ١ ه يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب
يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الوكيل يا نعم الكفيل يا نعم
المولى يا نعم النصير ٢ ه يا سرور العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب
التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين يا قرة عين العابدين يا منفس عن
المكروبين يا مفرج عن المغمومين يا اله الاولين والاخرين ٣ ه اللهم اني اسئلك
باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولنا يا ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا يا معيننا
يا حبيبنا يا طبيبنا ٤ ه يا رب النبيين والابرار يا رب الصديقين والاخيار يا رب
الجنة والنار يا رب الصغار والكبار يا رب الحبوب والثمار يا رب الانهار
والاشجار يا رب الصحاري والقفار يا رب البراري والبحار يا رب الليل والنهار يا رب
الاعلان والاسرار ه يا من نفذ في كل شيء امره يا من لحق بكل شيء علمه يا من بلغت
الى كل شيء قدرته يا من لا تحصي العباد نعمه يا من لا تبلغ الخلائق شكره يا من لا
تدرك الافهام جلاله يا من لا تنال الاوهام كنهه يا من العظمة والكبرياء رداؤه
يا من لا ترد العباد قضاءه يا من لا ملك الا ملكه يا من لا عطاء الا عطاؤه ٥ ه
يا من له المثل الاعلى يا من له الصفات العليا يا من له الاخرة والاولى يا من
له الجنة المأوى يا من له الايات الكبرى يا من له الاسماء الحسنى يا من له الحكم
والقضاء يا من له الهواء والفضاء يا من له العرش والثرى يا من له السموات
العلى ٦ ه اللهم اني اسئلك باسمك يا عفو يا غفور يا صبور يا شكور يا رؤف يا
عطوف يا مسئول يا ودود يا سبوح يا قدوس ٧ ه يا من في السماء عظمته يا من في
الارض اياته يا من في كل شيء دلائله يا من في البحار عجائبه يا من في الجبال خزائنه يا

من يبدؤا الخلق ثم يعيده يا من اليه يرجع الامر كله يا من ظهر في كل شيء لطفه
يا من احسن كل شيء خلقه يا من تصرف في الخلائق قدرته ٩ ه يا حبيب من لا حبيب له
يا طبيب من لا طبيب له يا مجيب من لا مجيب له يا شفيق من لا شفيق له يا رفيق
من لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث له يا دليل من لا دليل له يا انيس من لا انيس له
يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب له ه يا كافي من استكفاه يا هادي
من استهداه يا كالي من استكلاه يا راعي من استرعاه يا شافي من استشفاه يا قاضي
من استقضاه يا مغني من استغناه يا موفي من استوفاه يا مقوي من استقواه يا ولي
من استولاه ١ ه اللهم اني اسئلك باسمك يا خالق يا رازق يا ناطق يا صادق
يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق يا سابق يا سامق ٢ ه يا من يقلب الليل والنهار
يا من جعل الظلمات والانوار يا من خلق الظل والحرور يا من سخر الشمس والقمر يا من
قدر الخير والشر يا من خلق الموت والحيوة يا من له الخلق والامر يا من لم يتخذ ولدا
يا من ليس له شريك في الملك يا من لم يكن له ولي من الذل ٣ ه يا من يعلم مراد
المريدين يا من يعلم ضمير الصامتين يا من يسمع انين الواهنين يا من يرى بكاء
الخائفين يا من يملك حوائج السائلين يا من يقبل عذر التائبين يا من لا يصلح عمل
المفسدين يا من لا يضيع اجر المحسنين يا من لا يبعد عن قلوب العارفين يا اجود الاجودين
٤ ه يا دائم البقاء يا سامع الدعاء يا واسع العطاء يا غافر الخطاء يا بديع السماء يا حسن
البلاء يا جميل الثناء يا قديم السناء يا كثير الوفاء يا شريف الجزاء ٥ ه اللهم اني
اسئلك باسمك يا ستار يا غفار يا قهار يا جبار يا صبار يا بار يا مختار يا فتاح يا
نفاح يا مرتاح ٦ ه يا من خلقني وسواني يا من رزقني ورباني يا من اطعمني وسقاني يا من
قربني وادناني يا من عصمني وكفاني يا من حفظني وكلاني يا من اعزني واغناني يا من
وفقني وهداني يا من انسني واواني يا من اماتني واحياني ٧ ه يا من يحق الحق بكلماته
يا من يقبل التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء وقلبه يا من لا تنفع الشفاعة الا
باذنه يا من هو اعلم بمن ضل عن سبيله يا من لا معقب لحكمه يا من لا راد لقضائه يا
من انقاد كل شيء لامره يا من السموات مطويات بيمينه يا من يرسل الرياح بشرا بين
يدي رحمته ٨ ه يا من جعل الارض مهادا يا من جعل الجبال اوتادا يا من جعل الشمس

سراجا يا من جعل القمر نورا يا من جعل الليل لباسا يا من جعل النهار معاشا يا من جعل النوم سباتا يا من جعل السماء بناء يا من جعل الاشياء ازواجا يا من جعل النار مرصادا ٦٩ اللهم اني اسئلك باسمك يا سميع يا شفيع يا رفيع يا منيع يا سريع يا بديع يا كبير يا قدير يا خبير يا مجير ٧٠ يا حيا قبل كل حي يا حيا بعد كل حي يا حي الذي ليس كمثله حي يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي الذي لا يحتاج الى حي يا حي الذي يميت كل حي يا حي الذي يرزق كل حي يا حيا لم يرث الحيوة من حي يا حي الذي يحيي الموتى يا حي يا قيوم لا تأخذه سنة ولا نوم ٧١ يا من له ذكر لا ينسى يا من له نور لا يطفا يا من له نعم لا تعد يا من له ملك لا يزول يا من له ثناء لا يحصى يا من له جلال لا يكيف يا من له كمال لا يدرك يا من له قضاء لا يرد يا من له صفات لا تبدل يا من له نعوت لا تغير ٧٢ يا رب العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية الطالبين يا ظهر اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحب الصابرين يا من يحب التوابين يا من يحب المتطهرين يا من يحب المحسنين يا من هو اعلم بالمهتدين ٧٣ اللهم اني اسئلك باسمك يا شفيق يا رفيق يا حفيظ يا محيط يا مقيت يا مغيث يا معز يا مذل يا مبدئ يا معيد ٧٤ يا من هو احد بلا ضد يا من هو فرد بلا ند يا من هو صمد بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف يا من هو قاض بلا حيف يا من هو رب بلا وزير يا من هو عزيز بلا ذل يا من هو غني بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو موصوف بلا شبيه ٧٥ يا من ذكره شرف للذاكرين يا من شكره فوز للشاكرين يا من حمده عز للحامدين يا من طاعته نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله واضح للمنيبين يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين والعاصين يا من رحمته قريب من المحسنين ٧٦ يا من تبارك اسمه يا من تعالى جده يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه يا من تقدست اسماؤه يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء رداؤه يا من لا تحصى نعماؤه ٧٧ اللهم اني اسئلك باسمك يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد ٧٨ يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولي الحميد يا من هو فعال لما يريد يا من

له م

آلاؤه يا من لا تعد

هو

هو قريب غير بعيد يا من هو على كل شيء شهيد يا من هو ليس بظلام للعبيد ٧٩ يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو بعباده خبير بصير يا من هو على كل شيء قدير ٨٠ يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر والنسم يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والالم يا عالم السر والهمم يا رب البيت والحرم يا من خلق الاشياء من العدم ٨١ اللهم اني اسئلك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قابل يا كامل يا فاصل يا واصل يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب ٨٢ يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من تعزز بقدرته يا من قدر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا من دبر بعلمه يا من تجاوز بحلمه يا من دنى في علوه يا من علا في دنوه ٨٣ يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من يضل من يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من يعز من يشاء يا من يذل من يشاء يا من يصور في الارحام ما يشاء يا من يختص برحمته من يشاء ٨٤ يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من جعل لكل شيء قدرا يا من لا يشرك في حكمه احدا يا من جعل الملائكة رسلا يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الارض قرارا يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل لكل شيء امدا يا من احاط بكل شيء علما يا من احصى كل شيء عددا ٨٥ اللهم اني اسئلك باسمك يا اول يا آخر يا باطن يا ظاهر يا بر يا حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد ٨٦ يا خير معروف عرف يا افضل معبود عبد يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور ذكر يا اعلى محمود حمد يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف وصف يا اكرم مقصود قصد يا اكرم مسئول سئل يا اشرف محبوب علم ٨٧ يا حبيب الباكين يا سند المتوكلين يا هادي المضلين يا ولي المؤمنين يا انيس الذاكرين يا مفزع الملهوفين يا منجي الصادقين يا اقدر القادرين يا اله الخلق اجمعين ٨٨ يا من علا فقهر يا من ملك فقدر يا من بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من عصي فغفر يا من لا تحويه الفكر يا من لا يدركه بصر يا من لا يخفى عليه اثر

یا رازق البشر یا مقدر کل قدر ۸۹ اللهم انی اسئلک باسمک یا حافظ یا بارئ
یا ذارئ یا باذخ یا فارج یا فاتح یا کاشف یا ضامن یا آمر یا ناهی ۹۰ یا من لا یعلم الغیب
الا هو یا من لا یصرف السوء الا هو یا من لا یخلق الخلق الا هو یا من لا یغفر الذنب
الا هو یا من لا یتم النعمة الا هو یا من لا یقلب القلوب الا هو یا من لا یدبر الامر
الا هو یا من لا ینزل الغیث الا هو یا من لا یبسط الرزق الا هو یا من لا یحیی الموتی
الا هو ۹۱ یا معین الضعفاء یا صاحب الغرباء یا ناصر الاولیاء یا قاهر الاعداء یا رافع
السماء یا انیس الاصفیاء یا حبیب الاتقیاء یا کنز الفقراء یا اله الاغنیاء یا اکرم
الکرماء ۹۲ یا کافیا من کل شیء یا قائما علی کل شیء یا من لا یشبهه شیء یا من لا یزید
فی ملکه شیء یا من لا یخفی علیه شیء یا من لا ینقص من خزائنه شیء یا من لیس کمثله
شیء یا من لا یعزب عن علمه شیء یا من هو خبیر بکل شیء یا من وسعت رحمته کل شیء
۹۳ اللهم انی اسئلک باسمک یا مکرم یا مطعم یا منعم یا معطی یا مغنی یا مقنی یا مفنی یا
محیی یا مرضی یا منجی ۹۴ یا اول کل شیء وآخره یا اله کل شیء وملیکه یا رب کل شیء و
صانعه یا بارئ کل شیء وخالقه یا قابض کل شیء وباسطه یا مبدئ کل شیء ومعیده
یا منشئ کل شیء ومقدره یا مکون کل شیء ومحوله یا محیی کل شیء وممیته یا خالق
کل شیء ووارثه ۹۵ یا خیر ذاکر ومذکور یا خیر شاکر ومشکور یا خیر حامد ومحمود
یا خیر شاهد ومشهود یا خیر داع ومدعو یا خیر مجیب ومجاب یا خیر مونس وانیس یا خیر
صاحب وجلیس یا خیر مقصود ومطلوب یا خیر حبیب ومحبوب ۹۶ یا من هو لمن دعاه
مجیب یا من هو لمن اطاعه حبیب یا من هو الی من احبه قریب یا من هو بمن استحفظه
رقیب یا من هو بمن رجاه کریم یا من هو بمن عصاه حلیم یا من هو فی عظمته رحیم یا من
هو فی حکمته عظیم یا من هو فی احسانه قدیم یا من هو بمن اراده علیم ۹۷ اللهم انی
اسئلک باسمک یا مسبب یا مرغب یا مقلب یا معقب یا مرتب یا مخوف یا محذر
یا مذکر یا مسخر یا مغیر ۹۸ یا من علمه سابق یا من وعده صادق یا من لطفه ظاهر
یا من امره غالب یا من کتابه محکم یا من قضاؤه کائن یا من قرآنه مجید یا من ملکه
قدیم یا من فضله عمیم یا من عرشه عظیم ۹۹ یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من لا
تمنعه فعل عن فعل یا من لا یلهیه قول عن قول یا من لا یغلطه سؤال عن سؤال یا

من لا یحجبه شیء عن شیء یا من لا یبرمه الحاح الملحین یا من هو غایة مراد المریدین
یا من هو منتهی همم العارفین یا من هو منتهی طلب الطالبین یا من لا یخفی
علیه ذرة فی العالمین صد یا حلیما لا یعجل یا جوادا لا یبخل یا صادقا لا یخلف
یا وهابا لا یمل یا قاهرا لا یغلب یا عظیما لا یوصف یا عدلا لا یحیف یا غنیا
لا یفتقر یا کبیرا لا یصغر یا حافظا لا یغفل سبحانک یا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار یا رب و از جمله دعاهایی که اسماء معروفه دارد دعای
مشلول است و این دعای رفیع الشان و جلیل القدر است و از حضرت امام حسین
مرویست و او از حضرت علی روایت کرده است ابن طاوس در مهج خود روایت
نقل کرده است که ملخص آن اینست که امام حسین فرمود که در شب تاریکی
با پدرم در طواف بودم که ناگاه آوازی بمن آمد که شخصی بخدا استغاثه میکرد و میگفت
یا من یجیب دعاء المضطر فی الظلم یا کاشف الضر والبلوی مع السقم قد نام وفدک
حول البیت وانتبهوا وانت یا حی یا قیوم لم تنم هب لی بجودک فضل العفو عن جرمی
یا من اشار الیه الخلق فی الحرم ان کان عفوک لا یرجوه ذو سرف فمن یجود علی العاصین
بالنعم حضرت امام حسین میفرماید که پدرم فرمود که ای حسین این مرد توبه
کننده از گناهان و استغاثه کننده بخدا را بیاور از برای من پس من آمدم او را نزد
پدرم رسانیدم او که نام تو چیست گفت نام من منازل بن لاحق شیبانیست من از آن
کسانم که مبتلا شده اند بعقوق و حقوق را ضایع کرده است اگر دعا کنم مستجاب نمیشود
و اگر توبه کنم توبه من قبول نمیشود و این بواسطه آنست که من اصرار کرده ام بر معاصی
و طرب در ماه رجب و پدر من نسبت بمن مشفق و مهربان بود و میگفت که ای پسر من
احتراز کن از معصیت خدا تعالی خصوصا در ماههای حرام و حذر کن از مصارع جاهلان بواسطه
آنکه خدا تعالی را خشمها و غضبهاست که از ظالمان دور نیست ای پسر من زنهار له میکند
روشنی و ظلمت و این ماه حرام و ملائکه کرام هر چند پدرم مرا موعظه میکرد من او را میزدم
و پدرم را بر زدم یا آوردم پس پدرم قسم خورد که بعد از آنکه روزه بگیرد و نماز کند
بکعبه و مرا نفرین کند پس بعد از روزه و نماز و هفت طواف نمود خدا را بدستهای خود
برداشت و گفت یا من الیه اتی الحجاج بالجهد فوق المهاد من اقصی غایة البلد

هذا دعای مشلول

انی اتیتک یا من لا یخیب من یدعوه مبتهلا بالواحد الصمد . هذا منازل لا یرتد عن
عقوق فخذ بحقی یا جبار من ولدی حتی تشل بحول منک جانبه یا من تقدست لم
یولد و لم یلد . حاصل این ابیات اینست که بار خدایا چون پسر من عقوق بود و زد
حق مرا از او بگیر و جانب او را شل کن بعد از آن منازل گفت که سوگند بخدا که
آسمان را ابر فرا گرفت و ابر از چشمه بیرون آمد هنوز دعای پدرم تمام نشده بود که
بمن این بلا نازل شد که می‌بینی و طرف شمال که بر دوش داشت کشوده بجانب او خشک
شده بود و شل شده بود و بعد از آنکه من از گناه باز آمدم و توبه کردم به پدر همیشه با
میکردم مرا اذن داد و درخواستم که در آن مکان که مرا نفرین کرده است دعا کند مرا این قول کرد
و مرا شتر ماده کوری بود پدرم را سوار کردم و بجهت تمام او را اسیر فرمودم تا بوادی اراک
رسیدیم از پرندن طایری شترم گریخت پدرم را در میان دو سنگ انداخت و گردن
او خورد شد و در همانجا مرد او را بقبر کردم و بعد از آن گفت که بزرگترین امور بر من
اینست که تو در عرب معروف شده ام باخوذ بعقوق ابیه یعنی گرفته شده بعقوق پدر
خود حضرت علی فرمود که بشارت باد ترا که فریادرس تو رسید پس آنحضرت این
دعا را نوشت و بمن داد و گفت این دعا را امشب با طهارت بخوان و فردا از برای من
خبر بیاور امام حسین فرمود که آن جوان دعا را گرفت و رفت و چون صبح نزد ما آمد
عافیت یافته بود و کتاب دعا در دست او بود و میگفت که بخدا سوگند که این اسم
اعظم است و گفت که یا امیر المؤمنین چون چشمها بخواب رفت و شب تاریک شد این
کتاب را گرفته دستها بلند کردم و بخدای تعالی چند نوبت بحق این کتاب دعا کردم و
بعد از آن خوابیدم حضرت پیغمبر را در خواب دیدم که دست مبارک خود را بر من مالید
و فرمود که حفظ کن اسم اعظم را چون بیدار شدم عافیت یافته بودم یا امیر المؤمنین
خدا تو را جزای خیر دهاد و حضرت امام حسین فرمود که اسم اعظم در این دعا داخل است
و بآن اسم مستجاب میشود دعا و برطرف میشود هم و غم و شفا می‌یابد بدن مریض و درست
میشود شکسته و غنی میشود فقیر و داده میشود قرض و برمیگردد غریب و روشن میشود
بآن چشم و آمرزیده میشود بآن گناهان و پوشیده میشود بآن عیوب و ایمن میشود بآن
از هر شیطان و سلطان و اگر این دعا را مطیع الله تعالی بخواند بر کوهی از مکان خود زایل

دعای مشلول

میشود و اگر بر مرده بخواند خدای تعالی او را زنده میکند و اگر بر آب بخواند می‌بندد
و امام حسین فرمود که فرح من بفایده این دعا اشد از سرور من است بعافیت آن مرد
زیرا که قبل از این نشنیده بودم من این دعا را از علی بن ابی طالب و این دعا را مخوان
مگر آنکه با طهارت باشی این ملخص است از کتاب مهج و غیر آن و این دعا اینست اللهم انی
اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم یا ذا الجلال و الاکرام یا حی یا قیوم لا اله
الا انت یا هو یا من لا یعلم ما هو و لا کیف هو و لا این هو و لا حیث هو الا هو یا ذا
الملک و الملکوت یا ذا العزة و الجبروت یا ملک یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا
مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا باری یا مصور یا مفید یا مدبر یا شدید یا
مبدی یا معید یا مبید یا ودود یا محمود یا معبود یا بعید یا قریب یا مجیب یا رقیب
یا حسیب یا بدیع یا رفیع یا منیع یا سمیع یا حلیم یا علیم یا کریم یا حکیم یا قدیم یا علی یا
عظیم یا حنان یا منان یا دیان یا مستعان یا جلیل یا جمیل یا وکیل یا کفیل یا مقیل
یا منیل یا نبیل یا دلیل یا هادی یا بادی یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا قائم یا دائم
یا عالم یا حاکم یا قاضی یا عادل یا فاصل یا واصل یا طاهر یا مطهر یا قادر یا مقتدر یا
کبیر یا متکبر یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم تکن له صاحبة
و لا کان معه وزیر و لا اتخذ معه مشیرا و لا احتاج الی ظهیر و لا کان معه من
اله لا اله الا انت فتعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا یا علی یا شامخ یا باذخ
یا فتاح یا نفاح یا مرتاح یا مفرج یا ناصر یا منتصر یا مدرک یا مهلک یا منتقم یا باعث
یا وارث یا طالب یا غالب یا من لا یفوته هارب یا تواب یا اواب یا وهاب یا مسبب
الاسباب و یا مفتح الابواب یا من حیث ما دعی اجاب یا طهور یا شکور یا عفو یا
غفور یا نور النور یا مدبر الامور یا لطیف یا خبیر یا مجیر یا منیر یا بصیر یا ظهیر
یا کبیر یا وتر یا فرد یا ابد یا سند یا صمد یا کافی یا شافی یا وافی یا معافی یا محسن
یا مجمل یا منعم یا مفضل یا متکرم یا متفرد یا من علا فقهر یا من ملک فقدر یا من
بطن فخبر یا من عبد فشکر و یا من عصی فغفر یا من لا تحویه الفکر و لا یدرکه
بصر و لا یخفی علیه اثر یا رازق البشر یا مقدر کل قدر یا عالی المکان یا شدید
الارکان یا مبدل الزمان یا قابل القربان یا ذا المن و الاحسان یا ذا العز و السلطان

القدرة

و لم یکن له کفوا احد

يا رحيم يا رحمن يا من هو كل يوم هو في شأن يا من لا يشغله شأن عن شأن يا عظيم
الشأن يا من هو بكل مكان يا سامع الاصوات يا مجيب الدعوات يا منجح الطلبات
يا قاضي الحاجات يا منزل البركات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا كاشف
الكربات يا ولي الحسنات يا رافع الدرجات يا مؤتي السؤلات يا محيي الاموات
يا جامع الشتات يا مطلع على النيات يا راد ما قد فات يا من لا تشتبه عليه الاصوات
يا من لا تضجره المسألات ولا تغشاه الظلمات يا نور الارض والسموات يا سابغ النعم
يا دافع النقم يا بارئ النسم يا جامع الامم يا شافي السقم يا خالق النور والظلم يا ذا
الجود والكرم يا من لا يطأ عرشه قدم يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع
السامعين يا ابصر الناظرين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا ظهر اللاجين يا
ولي المؤمنين يا غياث المستغيثين يا غاية الطالبين يا صاحب كل غريب يا مونس
كل وحيد يا ملجأ كل طريد يا مأوى كل شريد يا حافظ كل ضالة يا راحم الشيخ الكبير
يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم الكسير يا فاك كل اسير يا مغني البائس
الفقير يا عصمة الخائف المستجير يا من له التدبير والتقدير يا من العسير عليه
يسير يا من لا يحتاج الى تفسير يا من هو على كل شيء قدير يا من هو بكل شيء خبير
يا من هو بكل شيء بصير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود و
السماح يا من بيده كل مفتاح يا سامع كل صوت يا سابق كل فوت يا محيي كل نفس
بعد الموت يا عدتي في شدتي يا حافظي في غربتي يا مونسي في وحدتي يا وليي في
نعمتي يا كهفي حين تعييني المذاهب وتسلمني الاقارب ويخذلني كل صاحب يا
عماد من لا عماد له يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز
له يا كهف من لا كهف له يا كنز من لا كنز له يا ركن من لا ركن له يا غياث من
لا غياث له يا جار من لا جار له يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق يا الهي بالتحقيق يا رب
البيت العتيق يا شفيق يا رفيق فكني من حلق المضيق واصرف عني كل هم وغم و
ضيق واكفني شر ما لا اطيق واعني على ما اطيق يا راد يوسف على يعقوب يا كاشف
ضر ايوب يا غافر ذنب داود يا رافع عيسى بن مريم ومنجيه من ايدي اليهود يا
مجيب نداء يونس في الظلمات يا مصطفي موسى بالكلمات يا من غفر لآدم خطيئته

ودفع

ورفع ادريس مكانا عليا برحمته يا من نجى نوحا من الغرق يا من اهلك عادا
الاولى وثمود فما ابقى وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى والمؤتفكة
اهوى يا من دمر على قوم لوط ودمدم على قوم شعيب يا من اتخذ ابراهيم خليلا
واتخذ موسى كليما واتخذ محمدا صلى الله عليه وآله وعليهم اجمعين حبيبا
يا مؤتي لقمان الحكمة والواهب لسليمان ملكا لا ينبغي لاحد من بعده يا من نصر
ذا القرنين على الملوك الجبابرة يا من اعطى الخضر الحيوة ورد ليوشع بن نون
الشمس بعد غروبها يا من ربط على قلب ام موسى واحصن فرج مريم ابنت عمران
يا من حصن يحيى بن زكريا من الذنب وسكن عن موسى الغضب يا من بشر زكريا
بيحيى يا من فدا اسمعيل من الذبح بذبح عظيم يا من قبل قربان هابيل وجعل
اللعنة على قابيل يا هازم الاحزاب لمحمد صل على محمد وآل محمد وعلى جميع المرسلين
وملائكتك المقربين واهل طاعتك اجمعين واسئلك بكل مسئلة سئلك
بها احد ممن رضيت عنه فحتمت له على الاجابة يا الله يا الله يا الله يا رحمن
يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا ذا الجلال والاكرام سه بار بكو وهفت بار
بكو به به اسئلك بكل اسم سميت به نفسك او انزلته في شيء من كتبك
او استأثرت به في علم الغيب عندك وبمعاقد العز من عرشك وبمنتهى
الرحمة من كتابك وبما لو ان ما في الارض من شجرة اقلام والبحر يمده من بعده
سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز حكيم واسئلك باسمائك الحسنى
التي نعتها في كتابك فقلت ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها وقلت ادعوني
استجب لكم وقلت واذا سئلك عبادي عني فاني قريب اجيب دعوة الداع
اذا دعان وقلت يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم وانا اسئلك يا الهي و
ادعوك يا رب وارجوك يا سيدي واطمع في اجابتي يا مولاي كما وعدتني وقد
دعوتك كما امرتني فافعل بي ما انت اهله يا كريم والحمد لله رب العالمين و
صلى الله على محمد وآله اجمعين پس ذكر كن حاجت خود را كه برآورده ميشود واز
آنجمله دعای ذخيره است واز ائمه معصومين مرويست كه هر اهل بيتی ذخيره دارند

دعای ذخیره

وذخيرة ما ابغيت اللهم انى اسئلك يا من هو هو وليس شئ كهو الا هو يا من
لا يعلم ما هو الا هو يا من لا يعجزه شئ ولا يتعاص عليه شئ وخالق كل شئ
ومدبر كل شئ ومن فى قبضته كل شئ القاهر لكل شئ والقادر على كل
شئ قمع الجبابرة بباسه واستعبد الخلق بسلطانه انت الذى خشع لك كل
ناصية واذعنت بربوبيتك كل نفس دانيته وقاصيته تعلم السر والنجوى ومما
هو من كل شئ اخفى يا من يعلم لحظات العيون وما تخفيه القلوب من غامض المكنون
يا من يعلم ما كان وما يكون يا من بيده ملكوت السموات والارض يا بديع السموات
والارض يا من بيده ملكوت كل شئ وهو يجير ولا يجار عليه اجرنا بلطفك مما
نتقى وبلغنا بقدرتك ما نرتجى يا من لا يخفى عليه الدقيق الخفى ولا الجليل
الجلى يا مولاى انقطع الرجاء الا منك وخابت الامال الا بك اسئلك بحق من
حقه واجب عليك ممن جعلت لهم الحق عندك ان تصلى على محمد وال محمد
وان تقضى لى حاجتى وان تبلغنى امنيتى وتنجز لى املى فانى اسئلك واعلم
انك الرب العظيم الذى لا يعجزك شئ اذا اردته اللهم انى اصبح وامسى فى ذمامك
وجوارك فاجرنى اللهم واهلى وولدى وممن خلفت وما خلفت باعظم اماناتك
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون بسم الله الرحمن
الرحيم الله لا اله الا هو الحى القيوم اللهم فبهما وباسمك الاعظم منهما اجعلنا
فى حرز وجنة من كل ما نتقيه ومن شر السلطان ومن شر الشيطان ومن شر كل
وحش ودبيب وهوام وطوارق الليل وخوارج النهار ومن كل امر مخوف لا اعلمه
فاتقيه ولا امن ان يحل بى فاحتويه اللهم ان عقيدتى توحيدك وهمتى
تاميلك ومعولى على انعامك فلا تحرمنى ما ارتجيه بلا اله الا انت يا لا اله
الا انت بلا اله الا انت اكفنى مخاوفى وانلنى مطالبى ومن ظلمنى او ختره من
سلطان او شيطان او كل انسان فقد جعلت لا اله الا انت على قلبه كنز حم
حمعسق شاهت الوجوه فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين فهم لا يبصرون وبعد
ان زهقت بار بكو صه صه وبعد ان نكوكب تاسه لاغلبن انا ورسلى ان الله قوى
عزيز فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم حسبى الله لا حول ولا قوة الا بالله العلى

العظيم وبعضی دیگر از ان دعاها دعای سهام اللیل است که از حضرت صاحب الامر
مرویست بدان ای دوستی که میخوانند این دعا در شب سیزده و آن است باجابت و منا
این دعا را بسهام اللیل بواسطه آنست که از حضرت صادق مرویست که در شب
ساعتی هست که دعا نمیکند در آن ساعت بنده مؤمن مگر آنکه مستجاب میشود
و آن ساعت سدس اول است از نصف دویم شب و از حضرت پیغمبر مرویست که هر گاه آخر
میشود خدا تعالی میفرماید که آیا هیچکس هست که از من چیزی بخواهد که من
مطلب او را باو دهم و هیچ کس هست که از گناهان خود استغفار کند که من او را
بیامرزم و هیچ کسی هست که توبه کند که من توبه او را قبول کنم و باز از آنحضرت
مرویست که کسی را که حاجتی باشد در عشاء آخره یعنی در وقت زمان خفتن آن را طلب کند
و فضیلت این وقت داده نشده است بهیچ یک از امتان که پیش از شما بوده اند
میگویم من که در کتاب لعین عبد الله بن محمد صاحب النعمان مذکور است که وزیر
ملک جلال الدوله که بکتوش نام داشت مردی از تجار بصره را که رهنه بود و او را
میزد و دشنام میداد تا مرد گفت که با من کاری مدار و بخدا سوگند که بسهام اللیل
ترا خواهم زد و وزیر او را استهزا نمود و باو میگفت که بچه چیز خواهی زد پس آن
تاجر او را نفرین کرد و این دعا را بقصد او خواند سه روز نگذشت که ملک جلال
الدوله بکتوش را گرفت و حبس کرد او را در حجره و کسی را وکیل ساخت که او را
آزار کند پس در آن حجره رقعه یافته شد که ندانستند که او را که انداخته بود
گویا که از آسمان فرود آمده بود و در آن رقعه این دو بیت نوشته بود که
اتهزء بالدعاء وتزدريه * تامل فيك ما صنع الدعاء سهام الليل لا تخطى * ولكن لها
امد وللامد انقضاء * یعنی آیا استهزا میکنی بدعا و آنرا سهل میدانی فکر کن تا جو
که دعا با توجه کرده تیرهای شب خطا نمیشود اما آنها وقتی هست که آن وقت را انتها
هست پس اعلام کردند ملک جلال الدوله را بجمیع این قصه فرمود که چند انبر دهن
او فکندند که دندانهای او ریخت و او را عذاب میکرد تا مرد و این قصه باقی ماند
از برای کسی که بآن عبرت گیرد و آن دعا این است اللهم انی اسئلك بعزیز تعزیز

دعای سهام اللیل

اعتزاز عزتك بطول حول شديد قوتك بقدرة مقدار اقتدار قدرتك بتا

تمجید بتمجید عظمتک بسمو نمو علو رفعتک بدیموم قیوم دوام مدتک برضوان
غفرانا مان رحمتک برفیع بدیع منیع سلطنتک بسعة صلوة بساط رحمتک
بحقایق الحق من حق حقک بمکنون السر من سر سرک بمعاقد العز من عز عزک بحنین
انین تسکین المریدین بحرقات خضعات نور زفرات الخائفین یا آمال الاعمال الافراد
المجتهدین بتخشع تخضع تقطع مرارات الصابرین بتعبد تهجد تمجد تجلد العابدین
اللهم نهلت العقول وانحسرت الابصار وضاعت الافهام وحارت الاوهام و
قصرت الخواطر وبعدت الظنون عن ادراک کنه کیفیة ما ظهر من بواطن عجائب
اصناف بدایع قدرتک دون البلوغ الی معرفة تلألؤ لمعان بروق سمائک اللهم
محرک الحرکات ومبدئ نهایة الغایات ومخرج ینابیع تفریع قضبان النبات یا
من شق صم جلامید الصخور الراسیات وانبع منها ماء معینا حیوة للمخلوقات
فاحیا منها الحیوان والنبات وعلم ما کان ما اختلج فی سر افکارهم من نطق اشارات
خفیات لغات النمل السارحات یا من سبحت وهللت وقدست وکبرت و
سجدت لجلال جمال اقوال العظیم عزة جبروت ملکوت سلطنته ملائکة سبع
سموات یا من دارت فاضاءت وانارت لدوام دیمومیته النجوم الزاهرات واحصی
عدد الاحیاء والاموات صل علی محمد وآله خیر البریات وافعل بی کذا وکذا و بعضی
دیگر از آن دعاها دعای حمید است که از پیغمبر مروی شده است و این دعا که نامیده شده
بدعای حمید نسبت عظیم الشأن است و فضل آن بزرگست و ملخص آنچه نیست که مروی
شده است از حضرت پیغمبر که فرمود که ما بنده دعا را بی انکار او را احیا کند داخل بهشت می سازند
و ملائکه از برای خواننده این دعا پرهای خود را فرش میکنند برو صلوات میفرستند
واگر از اهل شقاوت است الله تعالی شقاوت وی را از لوح محفوظ محو میکند و این دعا
نگاه دارد نه گرسنه و نه تشنه و نه قرض داری و نه غریبی و نه مغمومی مگر آنکه الله
تعالی او را از بلاها فرجی کرامت میکند و حاجت او را برمیآورد و کسیکه این دعا
با خود نگاه دارد امان الله تعالی است از هر چیزیکه میترسد کسیکه آن را در کفن خود
گذارد نماز برای او شهادت میدهند ملائکه نزد الله تعالی که او بعهد خود وفا کرده است
کفایت کرده میشود از او منکر و نکیر و ملائکه او را بشارت میدهند بولدان و حور العین

واو را در اعلا علیین جای میدهند از مروارید سفید که اندرون او دیده میشود از
بیرون و بیرون او دیده میشود از اندرون و آنجا اندر او صد هزار در است و صد هزار
شهر در بهشت باو میدهند که در هر شهری صد هزار خانه باشد و در هر خانه
صد هزار حجره باشد و در هر حجره صد هزار غرفه باشد و در هر غرفه صد هزار تخت
باشد و در هر تخت صد هزار فرش باشد و بر هر فرش حوری نشسته باشد که صد
هزار حله بهشت باشد در هر حله صد هزار رنگ باشد و با هر حوری قدحی
پر از شراب بهشت و او را در قیامت بر ناقه از ناقهای بهشت و آن ناقه را ملائکه
میکشند تا بهشت و الله تعالی از بالای عرش نظر میکند و میگوید که ای بنده من
از تو راضیم و در موقف عرصات با پیغمبرها باشد و در بهشت همسایه پیغمبر او را
جای میدهند بعد از آن پیغمبر فرمود که با شما بگویم بحق برانگیخته است به پیغمبری
که هیچ بنده نخواند این دعا را به نیت خالص مگر آنکه الله تعالی شفاعت او را قبول میکند
در مثل امت من و بشفاعت او ایشان را داخل بهشت سازد و قدر و منزلت او نزد
الله تعالی زیاده از هفتاد هزار شهید باشد و آن دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم

دعای حمید

اللهم انک حمید مجید ودود شکور کریم وفی ملی اللهم انک تواب وهاب
سریع الحساب جلیل عزیز متکبر خالق باری مصور واحد احد قادر قاهر قدیر
اللهم لا ینفد ما وهبت ولا یرد ما منعت فلک الحمد کما خلقت وصورت و
قضیت وقدرت واضللت وهدیت واضحکت وابکیت وامت واحییت
وافقرت واغنیت وامرضت وشفیت واطعمت وسقیت ولک الحمد فی
کل ما قضیت ولا ملجأ منک الا الیک یا واسع النعماء یا کریم الآلاء یا جزیل
العطاء یا قاضی الحاجات یا باسط الخیرات یا کاشف الکربات یا مجیب الدعوات
یا ولی الحسنات یا رافع الدرجات یا منزل البرکات والآیات اللهم انک تری
ولا تری وانت بالمنظر الاعلی یا فالق الحب والنوی ولک الحمد فی الآخرة والاولی
اللهم انک غافر الذنب وقابل التوب شدید العقاب ذو الطول لا اله الا
انت الیک المصیر وسعت کل شیء رحمتک ولا راد لامرک ولا معقب لحکمک
بلغت حجتک ونفذ امرک وبقیت انت وحدک لا شریک لک فی امرک ولا

استئلك

تحيب سائلك واستئلك بحق السائلين اليك الطالبين ما عندك اسئلك
يا رب باحب السائلين اليك وباسمائك التي اذا دعيت بها اجبت واذا
سئلت بها اعطيت اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد واسئلك باسمك
العظيم الاعظم الذي اذا سئلت به اعطيت واذا اقسم عليك به كفيت اسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تكفينا ما اهمنا وما لم يهمنا من امر ديننا
ودنيانا واخرتنا وتعفو عنا وتغفر لنا وتقضي حوائجنا اللهم اجعلنا من الذين
اذا احدثوا اصدقوا واذا اساؤا استغفروا واذا سئلوا اعطوا واذا سلبوا صبروا
واذا عاهدوا وفوا واذا غضبوا اغفروا واذا جهلوا رجعوا واذا ظلموا لم يظلموا واذا
خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما والذين يبيتون لربهم سجدا وقياما والذين
يقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراما انها ساءت مستقرا
ومقاما اللهم اجعلنا من الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله وانا اليه
راجعون اللهم اني اسئلك من علمك لجهلنا ومن قوتك لضعفنا ومن غناك
لفقرنا اللهم لا تكلنا الى انفسنا طرفة عين ولا اقل من ذلك ولا تردنا على
اعقابنا ولا تذل اقدامنا ولا تزغ قلوبنا ولا تدحض حجتنا ولا تمح معذرتنا ولا
تعسر علينا سعينا ولا تشمت بنا اعدائنا ولا تسلط علينا سلطانا مجيفا مخيفا و
هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا
قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما اللهم لا تؤمنا مكرك ولا تكشف عنا سترك
ولا تصرف عنا وجهك ولا تحلل علينا غضبك ولا تبعدنا كرمك واجعلنا اللهم
من الصالحين الاخيار وارزقنا ثواب دار القرار واجعلنا من الاتقياء الابرار و
وفقنا في الدنيا والاخرة واجعل لنا مودة في قلوب المؤمنين امين رب العالمين
اللهم كما اجتبيت ادم وتبت عليه تب علينا وكما رضيت عن اسحق فارض عني
وكما صبرت اسمعيل على البلاء فصبرنا وكما كشفت الضر عن ايوب فاكشف ضرنا
وكما جعلت لسليمن زلفى وحسن مآب فاجعل لنا وكما اعطيت موسى وهرون سؤلهما
ما عطينا وكما رفعت ادريس مكانا عليا فارفعنا وكما ادخلت الياس واليسع وذا
الكفل وذا القرنين في الصالحين فادخلنا وكما ربطت على قلوب اهل الكهف اذ

فاموا فقالوا

عليه

شرح دعاء مجرات

اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات والارض لن ندعو من دونه الها لقد قلنا
اذا شططا ونحن له نقول كذلك فاربط على قلوبنا وكما دعا لك زكريا فاستجبت له
فاستجب لنا وكما ايدت عيسى بروح القدس فايدنا بما تحب وترضى وكما غفرت
لمحمد فاغفر ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا ما قدمنا وما اخرنا وما اسررنا وما اعلنا
انك على كل شيء قدير واجعلنا اللهم وجميع المؤمنين من عبادك العالمين العاملين
الخاشعين المتقين المخلصين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون والحمد لله رب
العالمين وصلى الله على محمد واله وسلم تسليما وبعضى بكر از دعا ها دعاى مجير است
كه از پيغمبر مروى شده ومناسبكه بعد از هر دو اسم كه فاصله درميان دادي بكويد اجرنا
من النار يا مجير اين دعا نا ميده شده است بدعاء مجير و نسبت اعظيم المنزله و رفيع الشان
ومراو را نسخ بسيار هست اكمل انها آنچيز نيست كه ما او را رقم كرده ايم واين از پيغمبر مروى
شده است و جبرئيل اين دعا را از پيغمبر فرود آورده است و در حالتيكه آنحضرت در
مقام ابرهيم نماز ميكرد ملخص فضل اين دعا آنست كه در روايت امده است كه كسيكه
اين دعا را در ايام البيض ماه رمضان بخواند كه سيزدهم وچهاردهم وپانزدهم است
الله تعالى گناهان او را ميامرزد واگرچه گناهان او بعدد قطرات باران وبرگ درختان
وريگ بيابان وبعدد آنچيزى باشد كه نازل ميشود از اسمان بزمين وصعود ميكند
از زمين باسمان واين دعا نوشته شده است بر حجرهاى بهشت ومنازل آن وكسيكه
مداومت كند بر خواندن آن ايمن ميشود از هراس وهمراه پيغمبر در بهشت ومحشور
ميشود در حالتيكه روى او چون ماه شب چهارده باشد وكسيكه سه روز روزه
بدارد و هفتم رتبه اين دعا را بخواند و بر پشت بخوابد پيغمبر را در خواب مي بيند وكسيكه
ده بار اين دعا را بخواند خدا يتعالى او را در قيامت بر براقى از نور سوار ميكند كه
زين آن از زبرجد سبز باشد وبيايد بر پيش الله تعالى بايستد واهل موقف گمان
كنند كه از بعضى از انبياى خداست وثواب خوانندهء اين دعا را نتوانند شمرد مگر الله تعالى
واگر دريا ها مداد و درختان قلم گردد وانس وجن وملائكه كاتب گردند كه ثواب
قارى آنرا نتوانند نوشت وبسبب اين الله تعالى شفا ميدهد بيمار را ودوا ميكند
قرض قرض دار را وتوانگر ميگرداند فقير را وآزاد ميگرداند بنده را وفرج ميدهد

غم او برطرف گرداند و قهر او نجات میدهد قادری آنرا از جور سلطان و کید
شیطان و اگر از کسی چیزی گم شده باشد یا دزد از او چیزی دزدیده باشد باید
چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و یازده بار توحید بخواند و بعد از
این دعا را بخواند و او را در زیر سر خود گذارد الله تعالی بهنگر داند با او آنچه از او
رفته است و اگر کسی این دعا را از روی اخلاص بر میت بخواند هر اینه آن میت زنده
میشود و اگر بر کوه بخواند الله تعالی آن کوه را از هم بپاشد و من ضامنم مر کسی را که
این دعا را بخواند اینکه الله تعالی او را عذاب نکند با تش دوزخ و کسیکه این دعا
بواسطه حاجتی بخواند آن حاجت بر آورده میشود و اگر بر دشمنی بخواند منکوب میشود
و اسم اعظم در این دعا داخل است بجهد این دعا را یاد مده مگر بکسیکه اعتماد با و داشته
باشی و از اهل صلاح باشد و اسمهای خدای تعالی که بان اسمها کل خلایق را خلق کرده است
در این دعا داخل است و آن دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک یا الله تعالیت

دعای حبیبی

یا رحمن اجرنا من النار یا مجیر سبحانک یا رحیم تعالیت یا کریم اجرنا من النار یا مجیر
سبحانک یا ملک تعالیت یا مالک سبحانک یا قدوس تعالیت یا سلام سبحانک
یا مؤمن تعالیت یا مهیمن سبحانک یا عزیز تعالیت یا جبار سبحانک یا متکبر
تعالیت یا متجبر سبحانک یا خالق تعالیت یا باری سبحانک یا مصور تعالیت
یا مقتدر سبحانک یا هادی تعالیت یا باقی سبحانک یا وهاب تعالیت یا تواب
سبحانک یا فتاح تعالیت یا مرتاح سبحانک یا سیدی تعالیت یا مولای
سبحانک یا قریب تعالیت یا رقیب سبحانک یا مبدی تعالیت یا معید
سبحانک یا حمید تعالیت یا مجید سبحانک یا قدیم تعالیت یا عظیم سبحانک
یا غفور تعالیت یا شکور سبحانک یا شاهد تعالیت یا شهید سبحانک یا
حنان یا منان سبحانک یا باعث تعالیت یا وارث سبحانک یا محیی تعالیت یا
ممیت سبحانک یا شفیق تعالیت یا رفیق سبحانک یا انیس تعالیت یا مونس سبحانک
یا جلیل تعالیت یا جمیل سبحانک یا خبیر تعالیت یا بصیر سبحانک یا حفی
تعالیت یا ملی سبحانک یا معبود تعالیت یا موجود تعالیت یا قهار سبحانک
یا مذکور تعالیت یا مشکور سبحانک یا جواد تعالیت یا معاد سبحانک یا جال

تعالیت ع

سبحانک یا غفار

تعالیت یا جلال سبحانک یا سابق تعالیت یا رازق سبحانک یا صادق تعالیت
یا فالق سبحانک یا سمیع تعالیت یا سریع سبحانک یا رفیع تعالیت یا بدیع
سبحانک یا فعال تعالیت یا متعال سبحانک یا قاضی تعالیت یا راضی
سبحانک یا قاهر تعالیت یا طاهر سبحانک یا عالم تعالیت یا حاکم سبحانک
یا دائم تعالیت یا قائم سبحانک یا عاصم تعالیت یا قاسم سبحانک یا غنی
تعالیت یا مغنی سبحانک یا وفی تعالیت یا قوی سبحانک یا کافی تعالیت یا شافی
سبحانک یا مقدم تعالیت یا موخر سبحانک یا اول تعالیت یا آخر سبحانک یا
ظاهر تعالیت یا باطن سبحانک یا رجاء تعالیت یا مرتجی سبحانک یا ذا المن
تعالیت یا ذا الطول سبحانک یا حی تعالیت یا قیوم سبحانک یا واحد تعالیت
یا احد سبحانک یا سید تعالیت یا صمد سبحانک یا قدیر تعالیت یا کبیر
سبحانک یا والی تعالیت یا علی سبحانک یا علی تعالیت یا اعلی سبحانک یا
ولی تعالیت یا مولی سبحانک یا ذاری تعالیت یا باری سبحانک یا حافظ
تعالیت یا رافع سبحانک یا مقسط تعالیت یا جامع سبحانک یا معز تعالیت یا مذل
سبحانک یا حافظ تعالیت یا حفیظ سبحانک یا قادر تعالیت یا مقتدر سبحانک یا
علیم تعالیت یا حلیم سبحانک یا حکم تعالیت یا حکیم سبحانک یا معطی تعالیت یا
مانع سبحانک یا ضار تعالیت یا نافع سبحانک یا مجیب تعالیت یا حسیب سبحانک
یا عادل تعالیت یا فاصل سبحانک یا لطیف تعالیت یا شریف سبحانک یا رب
تعالیت یا حق سبحانک یا ماجد تعالیت یا واجد سبحانک یا عفو تعالیت یا
منتقم سبحانک یا واسع تعالیت یا موسع سبحانک یا رؤف تعالیت یا عطوف
سبحانک یا فرد تعالیت یا وتر سبحانک یا مقیت تعالیت یا محیط سبحانک یا
وکیل تعالیت یا عدل سبحانک یا مبین تعالیت یا متین سبحانک یا بر تعالیت
یا ودود سبحانک یا رشید تعالیت یا مرشد سبحانک یا نور تعالیت یا منور سبحانک
یا نصیر تعالیت یا ناصر سبحانک یا صبور تعالیت یا صابر سبحانک یا محصی تعالیت
یا منشی سبحانک یا سبحان تعالیت یا دیان سبحانک یا مغیث تعالیت یا غیاث
سبحانک یا فاطر تعالیت یا حاضر سبحانک یا ذا العز و الجمال تبارکت یا ذا الجبروت

شرح دعای صحیفه

والجلال سبحانك يا لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له
ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وصلى الله على محمد وآله اجمعين و
الحمد لله رب العالمين وحسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم واز جملهٔ آن دعاها دعائیست که نامیده شده است بصحیفه واین دعا
از حضرت پیغمبر مروی شده است این دعا بسیار عظیم الشان ورفیع المنزله است و
نامیده شده است بدعای صحیفه واین مشتمل است بر صد اسم وابن طاوس در مهج
خود در فضیلت این دعا ذکر کرده است چیزیرا که فرامیگیرد بیاض دو وقایه را اگر
جبرئیل این دعا را آورد از نزد الله تعالی وگفت که ای محمد این دعا نوشته شده است
بر درهای بهشت و حجرها و منازل آن وبسبب این دعاست که چیزها از آسمان بزمین
نازل میشود واز زمین بآسمان بالا میرود وکسیکه آنرا بخواند نجات می یابد از عذاب
قبر واز فزع روز قیامت والله تعالی او را در روز قیامت شفیع جمعی میسازد و ساکن
میگرداند او را در بهشت وباو میدهد ثواب مرا که پیغمبرم وثواب میکائیل واسرافیل
وعزرائیل وثواب ابرهیم وموسی وعیسی ومحمد وکسیکه در تمام عمر خود این دعا بیست بار
بخواند الله تعالی او را بآتش دوزخ عذاب نکند اگرچه گناهان او مثل قطرات باران
وبرگ درختان وعدد ستارهای آسمان وبوزن عرش باشد وخدای تعالی او را نجات
میدهد از هفتاد آفت از آفات دنیا وهفتصد آفت از آفات آخرت ونجات میدهد
خدای تعالی خوانندهٔ این دعا را از هر همی وغمی وبیماری وتشنگی وگرسنگی وافق
وفزعی ووجع ومار وعقرب واز شر هر شیطان وسلطان واو را در جنگ قوت
چهل مرد میدهد وثواب خوانندهٔ این دعا را احصا نتوانکرد مگر الله تعالی واگر دریا
مداد شود ودرختان قلم گردند وخلایق کاتب شوند تا ثواب آنرا نتوانستند نوشت
وکسیکه آنرا در وقت خواب پنج بار بخواند پیغمبر را در خواب ببیند واگر از کسی خبری
ندیده باشند یا او بنده گریخته باشد باید که طهارت گیرد وچهار رکعت نماز کند
در هر رکعت الحمد یکبار ودو بار توحید بخواند وعده زیر سر خود گذارد آنچه [illegible]
با او باز گردد واسم اعظم در این دعا مندرج است واین دعا گنجی است از گنجهای آخرت و
قیامت بخوانندهٔ این دعا الله تعالی چندان اکرام کند که مردم گمان کنند که او یکی از پیغمبران

وآندعا

دعای صحیفه

وآن دعا این است سبحان الله العظیم وبحمده من اله ما اقدره وسبحانه من قدیر
ما اعظمه وسبحانه من عظیم ما اجله وسبحانه من جلیل ما امجده وسبحانه
من ماجد ما ارأفه وسبحانه من رؤف ما اعزه وسبحانه من عزیز ما اکبره
وسبحانه من کبیر ما اقدمه وسبحانه من قدیم ما اعلاه وسبحانه من علی ما
اسناه وسبحانه من سنی ما ابهاه وسبحانه من بهی ما انوره وسبحانه من منیر
ما اظهره وسبحانه من ظاهر ما اخفاه وسبحانه من خفی ما اعلمه وسبحانه من
علیم ما اخبره وسبحانه من خبیر ما اکرمه وسبحانه من کریم ما الطفه و
سبحانه من لطیف ما ابصره وسبحانه من بصیر ما اسمعه وسبحانه من سمیع ما
احفظه وسبحانه من حفیظ ما املاه وسبحانه من ملی ما اوفاه وسبحانه من
وفی ما اغناه وسبحانه من غنی ما اعطاه وسبحانه من معط ما اوسعه وسبحانه
من واسع ما اجوده وسبحانه من جواد ما افضله وسبحانه من مفضل ما انعمه
وسبحانه من منعم ما اسیده وسبحانه من سید ما ارحمه وسبحانه من راحم ما
اشده وسبحانه من شدید ما اقواه وسبحانه من قوی ما احمده وسبحانه من
حمید ما احکمه وسبحانه من حکیم ما ابطشه وسبحانه من باطش ما اقومه و
سبحانه من قیوم ما ادومه وسبحانه من دائم ما ابقاه وسبحانه من باق ما افرده
وسبحانه من فرد ما اوحده وسبحانه من واحد ما اصمده وسبحانه من صمد ما
املکه وسبحانه من مالک ما اولاه وسبحانه من ولی ما اعظمه وسبحانه من
عظیم ما اکمله وسبحانه من کامل ما اتمه وسبحانه من تام ما اعجبه وسبحانه
من عجیب ما افخره وسبحانه من فاخر ما ابعده وسبحانه من بعید ما اقربه و
سبحانه من قریب ما امنعه وسبحانه من مانع ما اغلبه وسبحانه من غالب ما
اعفاه وسبحانه من عفو ما احسنه وسبحانه من محسن ما اجمله وسبحانه من
جمیل ما اقبله وسبحانه من قابل ما اشکره وسبحانه من شکور ما اغفره وسبحانه
من غفور ما اصبره وسبحانه من صبور ما اجبره وسبحانه من جبار ما ادینه
وسبحانه من دیان ما اقضاه وسبحانه من قاض ما امضاه وسبحانه من ماض
ما انفذه وسبحانه من نافذ ما احلمه وسبحانه من حلیم ما اخلقه وسبحانه من

خالق ما ارفقه وسبحانه من رازق ما اقهره وسبحانه من قاهر ما انشأه و
سبحانه من منشئ ما املكه وسبحانه من مالك ما اولاه وسبحانه من وال ما
ارفعه وسبحانه من رفيع ما اشرفه وسبحانه من شريف ما اشرفه وسبحانه
من شريف ما ابسطه وسبحانه من باسط ما اقبضه وسبحانه من قابض ما ابداه
وسبحانه من باد ما اقدسه وسبحانه من قدوس ما اطهره وسبحانه من طاهر
ما ازكاه وسبحانه من زكي ما اهداه وسبحانه من هاد ما اصدقه وسبحانه
من صادق ما اعوده وسبحانه من عواد ما افطره وسبحانه من فاطر ما ارعاه
وسبحانه من راع ما اعونه وسبحانه من معين ما اوهبه وسبحانه من وهاب
ما اتوبه وسبحانه من تواب ما اسخاه وسبحانه من سخي ما انصره وسبحانه من نصير
ما اسلمه وسبحانه من سلام ما اشفاه وسبحانه من شاف ما انجاه وسبحانه من
منج ما ابره وسبحانه من بار ما اطلبه وسبحانه من طالب ما ادركه وسبحانه من
مدرك ما ارشده وسبحانه من رشيد ما اعطفه وسبحانه من متعطف ما
اعدله وسبحانه من عدل ما اتقنه وسبحانه من متقن ما اكفله وسبحانه
من كفيل ما اشهده وسبحانه من شهيد ما احمده وسبحانه هو الله العظيم و
بحمده والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولله الحمد ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم دافع كل بلية وحسبنا الله ونعم الوكيل و از جمله دعای

شرح دعای معراج

معراجست که از حضرت پیغمبر مرویست این دعا عظیم الشأنست رفیع
المنزله است و آنرا روایت کرده است حضرت امیر المؤمنین از پیغمبر و ملخص آنچه آن
حضرت فرموده است اینست که شبی که مرا بمعراج بردند قطع میکردم حجابی را بعد
از حجابی تا آنکه هفتاد هزار حجاب را قطع کردم که میان هر دو حجاب هفتاد هزار
سال بمقدار ما بین مغرب و مشرق مسافت بود چون بر حجاب قدرت رسیدم این دعا
دیدم که با نور بر آن حجاب نوشته بودند و بمن گفتند که ای محمد این دعا را تعلیم مکن
مگر مؤمنان امت خود و هر کس که دعا کند باین دعا درهای آسمان از برای او گشوده می شود
و الله تعالی بنظر رحمت باو نگاه کند و هم و غم او را بر طرف میگرداند و والدین او را از او
او بهبندند و قرض او را ادا میکند و گناه او را میامرزد و می بخشد باو مثل آنچیزی که

به پیغمبران و صدیقان بخشیده است و بنا میکند از برای او در بهشت هزار قصر
از زمرد و یاقوت و الله تعالی نظر میکند باو در هر روزی سیصد و شصت نظر رحمت
و ملکی از آسمان ندا میکند که عمل خود را از سر گیر که گناهی که تو کرده و مادر
و پدر و همسایهای تو کرده اند همه را الله تعالی آمرزید و گناهانت را بحسنات مبدل
ساخت و بخشید بتو ثواب هفتاد هزار سال عبادت و جمع کرد از برای تو خیر دنیا و
آخرت و کسیکه این دعا را بمشک و زعفران بنویسد و بخورد بیمار دهد آن بیمار شفا
مییابد و کسیکه این دعا را بنویسد و با خود دارد ایمن میشود از شر شیطان و سلطان
و دزدان و از راه رفتن مانده نمیشود و حوایج او برآورده میشود و کسیکه این دعا را
بیاویزد بطفل کوچکی ایمن میشود از مار و عقرب و از جمیع مکروهات و کسیکه از ابنویسد
و بشوید و بیاشامد از جمیع دردها ایمن میشود و هر که چیزی را فراموش میکند و کسیکه
این دعا را بخواند بواسطه این دعا حق الله تعالی آن کار را براو آسان میکند و کسیکه این
دعا را در خانه خود گذارد الله تعالی رزق او را واسع میگرداند و آن خانه را آنکه امید
از مرده ای محمد سوگند بآنخدا اینکه ترا بحق برانگیخته که اگر جن و انس و ملائکه و هزار
بار ضعف ایشان جمع شوند در روزی که الله تعالی دنیا آفریده است تا روز قیامت خواهند
که ثواب آنرا احصا کنند نتوانند و این بهترین دعاهاست که بخدای تعالی در امور خود
باین دعا بالله تعالی وسیله بجو و این دعا برگزیدگان امت خود تعلیم کن که آن گنجی است
از گنجهای بهشت و بواسطه کرامت تو الله تعالی ترا مخصوص کرده است باین دعا که
امت تو آنرا بخوانند و خدای تعالی دعای ایشانرا مستجاب کرده اند بسبب آن و الله تعالی
گناهان ایشانرا میامرزد و کسیکه قادر بر خواندن نباشد این دعا را در پیش خود
گذارد و بگوید اللهم بحق هذا الدعاء وبحق الاسماء التي فيها وبحق من انزله وبحق
من نزل به وبحق من نزل عليه الا صليت على محمد وآل محمد وقضيت حاجتی و گفت

دعای معراج

پیغمبر که حق تعالی جل این دعا را بما هدیه کرده و آن دعا اینست اللهم انی اسئلك
يا من اقر له بالعبودية كل معبود يا من يحمده كل محمود يا من يفزع اليه
كل مفزوع يا من يطلب عنده كل مفقود يا من سائله غير مردود يا من
بابه عن سؤاله غير مسدود يا من هو غير موصوف ولا محدود يا من عطاؤه غير

ممنوع ولا منكود يا من هو لمن دعاه ليس ببعيد وهو نعم المقصود يا من رجاء عباده
بحبله مشدود يا من ليس بوالد ولا مولود يا من شبهه ومثله غير موجود يا
من كرمه وفضله غير معدود يا من حوض نبيه للانام مورود يا من لا يوصف بقيام
ولا قعود يا من لا تجري عليه حركة ولا جمود يا الله يا رحمن يا رحيم يا ودود يا راحم
الشيخ الكبير يعقوب يا غافر ذنب داود يا من لا يخلف الوعد ويعفوا عن الموعود
يا من رزقه وستره للعاصين ممدود يا من هو ملجا كل مقصى مطرود يا من دان له
جميع خلقه بالسجود يا من ليس عن نيل وجوده احد مصدود يا من لا يحيف في حكمه و
يحلم عن الظالم العنود ارحم عبدا خاطيا لم يوف بالعهود انك فعال لما تريد يا
ودود وصل على محمد خير مبعوث دعا الى خير معبود وعلى آله الطيبين الطاهرين يا
اهل الكرم والجود وافعل بنا ما انت اهله يا ارحم الراحمين وسؤال كن حاجت خود
كه برآورده ميشود انشاء الله وبعضى ذكر از ان دعا ها دعاى امانست كه از حضرت
پيغمبر مروى شده است وآنحضرت اين دعا تعويذ كرده امير المؤمنين را روز خيبر كه
چشم او درد ميكرد پس آب دهن در چشمهاى او انداخت و او دعا منفعت يافت و با و گفت
كه يا على الله تعالى بهر پيغمبرى امانى بخشيده است و بمن اين امانرا بخشيده است و آن

دعاى امان

اينست بسم الله الرحمن الرحيم عن يمينى بسم الله الرحمن الرحيم عن شمالى بسم الله الرحمن
الرحيم من بين يدى بسم الله الرحمن الرحيم من خلفى بسم الله الرحمن الرحيم من فوقى بسم
الله الرحمن الرحيم من جميع جوانبى بسم الله الرحمن الرحيم قابض على ناصيتى اعوذ بعزة الله
وعظمته وبعزة الله وقدرته وبعزة الله وسلطانه وبعز جلال الله وبعز عز الله
من شر ما خلق وذرأ وبرأ ومن شر ما تحت الثرى ومن شر كل دابة ربى آخذ بناصيتها
ان ربى على صراط مستقيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم قوة كل ضعيف
وعون كل صغير لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم غياث كل ملهوف ورجاء كل
مضطر لا حول ولا قوة الا بالله اتجوا بها من ابليس وخيله ورجله وشياطينه وجنوده
واعوانه وجميع الانس والجن وشرورهم لا حول ولا قوة الا بالله امتنع بها من ظلم من اراد
ظلمى من جميع خلق الله لا حول ولا قوة الا بالله اتعس بها جد من بغى على من جميع خلق
الله لا حول ولا قوة الا بالله اكف بها عدوان من اعتدى على من جميع خلق الله لا حول و

... لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم

قوة

قوة الا بالله اضعف بها كيد من كادنى من جميع خلق الله لا حول ولا قوة الا بالله
ازيل بها مكر من مكر بى من جميع خلق الله لا حول ولا قوة الا بالله ابطل بها سعى
من سعى على من جميع خلق الله لا حول ولا قوة الا بالله اذل بها جميع من تعزز على
من جميع خلق الله لا حول ولا قوة الا بالله اوهن بها من اوهننى من جميع خلق
الله لا حول ولا قوة الا بالله اضيم بها ظالمى من جميع خلق الله لا حول ولا قوة
الا بالله اقدر بها على ذوى القدرة على من جميع خلق الله لا حول ولا قوة الا
بالله استدفع بها شر من ارادنى من جميع خلق الله لا حول ولا قوة الا بالله
استغاثة بعزة الله لا حول ولا قوة الا بالله استعانة بقوة الله لا حول ولا
قوة الا بالله استجارة بقدرة الله لا حول ولا قوة الا بالله استعين بها على
محياى ومماتى وعند نزول الموت ومعالجة سكراته وغمراته لا حول ولا قوة
الا بالله احصن بها روحى واعضائى وشعرى وبشرى لا حول ولا قوة الا بالله اذا
دخلت قبرى فردا وحيدا خاليا بعملى لا حول ولا قوة الا بالله استعين بها على
محشرى اذا نشرت لى صحيفتى ورايت ذنوبى وخطاياى لا حول ولا قوة الا بالله اذا
طال فى القيمة وقوفى واشتد فى عطشى لا حول ولا قوة الا بالله اثقل بها
الميزان عند الجزاء اذا اشتد خوفى لا حول ولا قوة الا بالله اجوز بها الصراط
مع الاولياء واثبت بها قدمى لا حول ولا قوة الا بالله استقر بها فى دار القرار
مع الابرار عدد ما قالها ولا يقولها القائلون منذ اول الدهر الى آخره وعدد ما
احصاه كتابه واحاط به علمه واضعاف ذلك اضعافا مضاعفة ابدا الابدين و
منتهى العدد بلا امد عددا لا يحصيه الا هو ولا يحيط به الا علمه ولا حول ولا
قوة الا بالله العلى العظيم بدانكه اين دعاى عجيب عظيم الشان و رفيع المنزلة است و

شرح دعاى عجب

اين دعا از حضرت پيغمبر مروى است كه فرمود كه سوگند بخدائيكه مرا بحق برانگيخته
كه اگر مرد در نهايت گرسنگى و تشنگى باشد و اين دعا را بخواند ساكن ميشود
گرسنگى و تشنگى از او و اگر بر صفات مى بخواند آب ميشود و اگر بر كوه بخواند از
مكان خود زايل شود و اگر بر ديوانه بخواند عاقل ميشود و اگر زنى كه دشوار بزايد بخواند
بر او فرزند آسان ميشود و اگر بر شهرى بخواند نسوزد و خواننده اين دعا در وسط آن

دعای حجب

شهر باشند نمیسوزند و کسیکه این دعا را چهل شب جمعه بخواند الله تعالی گناهان
او را آمرزد و کسیکه این دعا را بخواند دعای او مستجاب میشود و هم و غم او زایل
میشود و در وقت داخل شدن بر سلطان جابر بخواند الله تعالی آن سلطان را مطیع او
میسازد و سید بن طاوس ذکر کرده است که این دعا از آن دعاهاییست که من مکرر
شده ام ببلائی و در آن در روز سه شنبه نزد شدت ابتلا او برای طلب سلامتی یقین
ظفر یافتم باجابت دعا و بدر یافتن امید و کفایت کرده شدم شر حاسدان را و ببرکت
این دعا بمراد رسیدم و در روایت آمده است که سلمان فارسی گفت که یا رسول الله
آیا تعلیم کنم این دعا را بمردم آنحضرت فرمود که نه زیرا که مردم ترک نماز و ارتکاب
فواحش میکنند و این دعا را میخوانند و الله تعالی ایشان را و اهل بیت ایشان و همسایگان
ایشان را و کسیکه در مسجد و مدینه ایشان است میامرزد و آن دعا اینست اللهم انی
اسئلک یا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه یا من تسربل بالجلال و
العظمة واشتهر بالتجبر فی قدسه یا من تعالی بالجلال والکبریاء فی تفرد مجده
یا من انقادت له الامور بازمتها طوعا لامره یا من قامت السموات والارضون
مجیبات لدعوته یا من زین السماء بالنجوم الطالعة وجعلها هادیة لخلقه
یا من انار القمر المنیر فی سواد اللیل المظلم بلطفه یا من انار الشمس المنیرة
وجعلها معاشا لخلقه وجعلها ممیزة بین اللیل والنهار بعظمته یا من استوجب
الشکر بنشر سحائب نعمه اسئلک بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک
وبکل اسم هو لک سمیت به نفسک او استأثرت به فی علم الغیب عندک وبکل
اسم هو لک انزلته فی کتابک او اثبته فی قلوب الصافین الحافین حول عرشک
فتراجعت القلوب الی الصدور عن البیان باخلاص الوحدانیة وتحقیق الفردانیة
مقرة لک بالعبودیة وانک انت الله ثلثا لا اله الا انت واسئلک بالاسماء
التی تجلیت بها للکلیم علی الجبل العظیم فلما بدا شعاع نور الحجب من بهاء العظمة
خرت الجبال متدکدکة لعظمتک وجلالک وهیبتک وخوفا من سطوتک راهبة
منک فلا اله الا انت ثلثا واسئلک بالاسم الذی فتقت به رتق عظیم
جفون عیون الناظرین الذی به تدبر حکمتک وشواهد حجج انبیائک یعرفونک بفطن

القلوب

شرح دعای جامع

القلوب وانت فی غوامض مسرات سریرات الغیوب اسئلک بعزة ذلک الاسم
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تصرف عنی وعن اهل حزانتی وجمیع المؤمنین و
المؤمنات جمیع الآفات والعاهات والبلیات والاعراض والامراض والخطایا و
الذنوب والشک والشرک والکفر والنفاق والشقاق والضلالة والجهل و
المقت والغضب والعسر والضیق وفساد الضمیر وحلول النقمة وشماتة الاعداء
وغلبة الرجال انک سمیع الدعاء لطیف لما تشاء و از آنجمله دعائیست که نامیده شده
بدعای جامع و این دعا مروی شده است از حضرت علی و این دعای جامع رفیع القدر
عظیم الشانست و سعد بن عبد الله فضل این دعا را در کتاب خود ذکر کرده است
و سید بن طاوس در مهج خود این دعا ذکر کرده است و این دعا مروی شده است از طرق
بسیار قریب بتواتر که جمیع ایشان ثواب آنچیزی نقل کرده اند که ملخص آن اینست
که گفته اند که از علی شنیدیم که در برابر رکن یمانی ایستاده بود و میگفت که قسم
برب کعبه قسم برب ارکان قسم برب مشاعر قسم برب ابن حرمات که از پیغمبر شنیدم
که میگفت که این دعا نوشته شده است در توریه و انجیل و زبور و فرقان و این دعا
مذکور است در هر کتاب که نازل شده است از آسمان بهر پیغمبر و کسیکه در عمر
خود یکبار آنرا بخواند الله تعالی او را امت واحد حشر میکند و میفرستند با او هزار
ملک که با هر ملکی هزار زمرد ذابه است که بر خواننده این دعا بر میآیند و با او
سیر میکنند و نمیگذرند بهیچ گروهی از ملائکه و آدمیین مگر آنکه جمیع ایشان بر او
سلام میکنند و تعظیم شان او میکنند تا آنکه در روز زیر لوای احمد بایستند و برای او
تخت از یاقوت سرخ میگذارند که بر او قبه باشد از زمرد سبز و در آن قبه حوری
نشسته باشد و از نور در آن قبه گاهی بر جانب راست و گاهی بر جانب چپ می نشیند
تا آنکه مردم از حساب فارغ شوند و بعد از آن الله تعالی امر میکند هزار ملک را که تخت
او را فرا گیرند تا او را بر اسب خوش رفتاری از اسبهای بهشت بگذارند و او را بهشت
برسانند و او در آن وقت میگوید لا اله الا الله عدد ما احصی علمه و مثل ما
احصی علمه و ملأ ما احصی علمه و اضعاف ما احصی علمه والله اکبر عدد ما احصی
علمه و مثل ما احصی علمه و ملأ ما احصی علمه و اضعاف ما احصی علمه و سبحان الله

دعای جامع

عدد ما احصى علمه ومثل ما احصى علمه وملأ ما احصى علمه واضعاف ما احصى
علمه و چون این دعا را بخواند زیاده میشود از برای او حوری و قصوری و ازواجی مثل
انهار برکه الله تعالی واسع کریم است و آن اینست لا اله الا الله فی علمه منتهی رضاه
لا اله الا الله بعد علمه منتهی رضاه لا اله الا الله مع علمه منتهی رضاه الله
اکبر فی علمه منتهی رضاه الله اکبر بعد علمه منتهی رضاه الله اکبر مع علمه
منتهی رضاه الحمد لله فی علمه منتهی رضاه الحمد لله بعد علمه منتهی رضاه الحمد
لله مع علمه منتهی رضاه سبحان الله فی علمه منتهی رضاه سبحان الله بعد علمه
منتهی رضاه سبحان الله مع علمه منتهی رضاه والله اکبر حق له ذلک لا اله
الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله نور السموات
السبع ونور الارضین السبع ونور العرش العظیم لا اله الا الله تهلیلا لا یحصیه
غیره قبل کل احد وبعد کل احد الله اکبر تکبیرا لا یحصیه غیره قبل کل احد
ومع کل احد وبعد کل احد الحمد لله تحمیدا لا یحصیه غیره قبل کل احد ومع
کل احد وبعد کل احد اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا فاشهد لی ان قولک
حق وفعلک حق وان قضاءک حق وان قدرک حق وان رسلک حق وان او
صیاءک حق وان رحمتک حق وان جنتک حق وان نارک حق وان قیامتک
حق وانک ممیت الاحیاء وانک محیی الموتی وانک باعث من فی القبور وانک
جامع الناس لیوم لا ریب فیه وانک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک وکفی
بک شهیدا فاشهد لی انک ربی وان محمدا رسولک نبیی وان الاوصیاء من
بعده ائمتی وان الدین الذی شرعت دینی وان الکتاب الذی انزلت علی محمد
رسولک نوری اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا فاشهد لی انک انت المنعم
علی لا غیرک لک الحمد وبنعمتک تتم الصالحات لا اله الا الله عدد ما احصى
علمه ومثل ما احصى علمه وملأ ما احصى علمه واضعاف ما احصى علمه والله اکبر
عدد ما احصى علمه ومثل ما احصى علمه وملأ ما احصى علمه واضعاف ما احصى
علمه والحمد لله عدد ما احصى علمه ومثل ما احصى علمه وملأ ما احصى علمه
واضعاف ما احصى علمه وسبحان الله عدد ما احصى علمه ومثل ما احصى علمه و

ومع کل احد

ملأ

دعای اعتقاد

ملأ ما احصى علمه واضعاف ما احصى علمه لا اله الا الله والله اکبر و
الحمد لله وسبحان الله وبحمده وتبارک الله وتعالى ولا حول ولا قوة الا
بالله ولا ملجأ ولا منجا من الله الا الیه عدد الشفع والوتر وعدد کلمات الله
ربی الطیبات التامات المبارکات صدق الله وصدق المرسلون و بعضی
از آن دعاها دعای اعتقاد است و این دعا مرویست از حضرت کاظم و امام رضا
و آن دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ان ذنوبی وکثرتها قد اخلقت
وجهی عندک وحجبتنی عن استیهال رحمتک وباعدتنی عن استیجاب مغفرتک
ولولا تعلقی بآلائک وتمسکی بالرجاء لما وعدت امثالی من المسرفین واشباهی
من الخاطئین بقولک یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم وحذرت القانطین من رحمتک
فقلت ومن یقنط من رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا برحمتک الی دعائک
فقلت ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم
داخرین الهی لکان ذل الایاس علی مشتملا والقنوط من رحمتک بی ملتحفا الهی قد
وعدت المحسن ظنه بک ثوابا واوعدت المسیء ظنه بک عقابا اللهم وقد
امسک رمقی حسن الظن بک فی عتق رقبتی من النار وتغمد زللی واقالة عثرتی
وقلت وقولک الحق الذی لا خلف له ولا تبدیل یوم ندعوا کل اناس بامامهم
ذلک یوم النشور اذا نفخ فی الصور وبعثرت القبور اللهم انی اقر واشهد و
اعترف ولا اجحد واسر واظهر واعلن وابطن بانک انت الله لا اله الا انت
وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک وان علیا امیر المؤمنین
وسید الوصیین ووارث علم النبیین وقاتل المشرکین وامام المتقین ومبیر
المنافقین ومجاهد الناکثین والقاسطین والمارقین امامی وحجتی وعروتی و
صراطی ودلیلی ومحجتی ومن لا اثق بالاعمال وان زکت ولا اراها منجیة لی وان
صلحت الا بولایته والایتمام به والاقرار بفضائله والقبول من حملتها و
التسلیم لرواتها اللهم واقر باوصیائه من ابنائه ائمة وحججا وادلة وسرجا
واعلاما ومنارا وسادة ابرارا واومن بسرهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم و

حیهم ومیتهم وشاهدهم وغائبهم لاشك فی ذلك ولا ارتیاب بحول عنهم
ولا انقلاب اللهم فاکرمنی بهم یوم حشری وحین نشری بامامتهم واحشرنی فی
زمرتهم واکتبنی فی اصحابهم واجعلنی من اخوانهم وانقذنی بهم من حر النیران
وان لم ترزقنی روح الجنان فانك ان اعتقتنی من النار کنت من الفائزین
اللهم وقد اصبحت فی یومی هذا ولا ثقة لی ولا رجاء ولا مفزع ولا ملجا
ولا ملتجی غیر من توسلت بهم الیك وهم رسولك واله علی امیر المؤمنین
وسیدتی فاطمة الزهراء سیدة النساء والحسن والحسین وعلی ومحمد
جعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومقیم الحجة من بعدهم الحجة
المستورة من ولدهم والمرجو للامة من ذریتهم وخیرتك علیه وعلیهم السلام
اللهم واجعلهم فی هذا الیوم وما بعده حصنی من المکاره ومعقلی من المخاوف
ونجنی بهم من کل عدو وطاغ وفاسق وباغ ومن شر ما اعرف وما انکر وما
استتر علی وما ابصر ومن شر کل دابة ربی اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم اللهم فبتوسلی بهم الیك وتقربی بمحبتهم وتحصنی بامامتهم افتح علی
فی هذا الیوم ابواب رزقك وانشر علی رحمتك ومغفرتك وحببنی الی خلقك
وجنبنی عداوتهم وبغضهم انك علی کل شیء قدیر اللهم ولکل متوسل ثواب
ولکل ذی شفاعة حق فاسئلك بمن جعلته الیك سببی وقدمته امام
طلبتی ان تعرفنی برکة یومی هذا وشهری هذا وعامی هذا اللهم فهم مفزعی
ومعولی فی شدتی ورخائی وعافیتی وبلائی ونومی ویقظتی وظعنی واقامتی
وعسری ویسری وعلانیتی وسری وصباحی ومسائی ومنقلبی ومثوای اللهم
فلا تخیبنی بهم من نائلك ولا تقطع رجائی من رحمتك ولا تخلنی بهم من رحمتك
ولا تؤیسنی من روحك ولا تبتلنی بانغلاق ابواب الارزاق وانسداد مسالکها
وارتتاج مذاهبها وافتح لی من لدنك فتحا یسیرا واجعل لی من لدنك فتحا یسیرا
واجعل لی من کل ضنك مخرجا والی کل سعة منهجا برحمتك یا ارحم الراحمین
اللهم واجعل اللیل والنهار مختلفین علی برحمتك ومعافاتك ومنك
وفضلك ولا تفقرنی الی احد من خلقك برحمتك یا ارحم الراحمین انك علی کل

شیء

دعاهائیکه منقول است از پیغمبر

شیء قدیر وبکل شیء محیط وحسبنا الله ونعم الوکیل وصلی الله علی محمد
واله الطاهرین فصل بیست وهفتم در ذکر ادعیهٔ [illegible] ولستا و حضرت پیغمبر
واز ائمه طاهرین وانها را فضایل مشهوره هست و اسماء معروفه نیست و این
ادعیه در کتب علماء امامیه در محال خود مذکور است و در دفترهای ایشان
مسطور است واز انجمله دعائیست که از صاحب الامر مروی شده است و آن اینست
اللهم ارزقنا توفیق الطاعة وبعد المعصیة وصدق النیة وعرفان الحرمة
واکرمنا بالهدی والاستقامة وسدد السنتنا بالصواب والحکمة واملا قلوبنا
بالعلم والمعرفة وطهر بطوننا عن الحرام والشبهة واکفف ایدینا عن الظلم
والسرقة واغضض ابصارنا عن الفجور والخیانة واسدد اسماعنا عن اللغو
والغیبة وتفضل علی علمائنا بالزهد والنصیحة وعلی المتعلمین بالجهد و
الرغبة وعلی المستمعین بالاتباع والموعظة وعلی مرضی المسلمین بالشفاء
والراحة وعلی موتاهم بالرافة والرحمة وعلی مشایخنا بالوقار والسکینة وعلی
الشباب بالانابة والتوبة وعلی النساء بالحیاء والعفة وعلی الاغنیاء بالتواضع
والسعة وعلی الفقراء بالصبر والقناعة وعلی الغزاة بالنصر والغلبة و
علی الاسراء بالخلاص والراحة وعلی الامراء بالعدل والشفقة وعلی الرعیة
بالانصاف وحسن السیرة وبارك للحجاج والزوار فی الزاد والنفقة واقض ما
اوجبت علیهم من الحج والعمرة بفضلك ورحمتك یا ارحم الراحمین وازانجمله دعائیست
که مرویست از پیغمبر این دعا و اسید علی بن موسی بن طاوس در کتاب دروع ذکر کرده
و در شان انحضرت ذکر کرده است که ملخص آن اینست که جبرئیل این دعا را به پیغمبر فرود
اورد در وقتیکه پیغمبر در خلف مقام ابراهیم نماز میکرد و گفت یا محمد امر کن امت خود را
که ایام البیض را روزه بدارند و بعد از ان این دعا را بخوانند بدرستیکه این دعا
نوشته شده است بر استار و ارکان بهشت و بسبب این دعا صعود بر آسمان و
هبوط از ان مینمایم و باین دعا عزرائیل قبض ارواح میکند و باین دعا مؤمنان از
قبرهای خود برانگیخته میشوند الله تعالی باین دعا ایمن میکرداند مؤمنان را از عذاب
قبر و از فاقت دنیا و آخرت و روزی میدهد قاری آنرا از جائیکه گمان ندا

باشد و تو شفیع او میشوی تا او را داخل بهشت سازی در حالتیکه از روی او نور
میدرخشد و کسیکه [illegible] پنجشنبه روزه بدارد و نزد افطار این دعا را بخواند حق
او را اکرام میکند کرامت متصله غیر منقطعه بعد از آن گفت یا محمد اگر دریاها مرکب
شود و درختان قلم کرده شوند و ملائکه کاتب شوند قادر نخواهند شد که ثواب این
دعا را توانند نوشت و کسیکه این دعا را بخواند الله تعالی غم و هم او را میبرد و دین
او را ادا میکند و حاجت او را بر میآورد و او را از آتش جهنم آزاد میکند و مر او
راست ثواب میکائیل و اسرافیل و ابراهیم و موسی و عیسی و ثواب تو یا محمد و کسیکه
در عمر خود یکبار این دعا را بخواند روز قیامت بعرصات آید و از روی او نوری درخشان
باشد که اهل موقف از آن متعجب باشند و گویند که این پیغمبریست از پیغمبران خدا و
بدهد خدای تعالی او را در بهشت چیزیکه آنرا هیچ چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده
باشد و بر دل هیچ آدمی خطور نکرده باشد و کسیکه در عمر خود پانزده بار این دعا
بخواند من که جبرئیلم و تو که محمدی در قیامت او را زیارت میکنیم و کسیکه این دعا را
با طهارت بخواند ترا در خواب می بیند یا محمد از کسیکه چیزی گم شده باشد باید که
چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و توحید دو بار بخواند و بعد از آن این
دعا را بخواند و آنرا در زیر بالش خود گذارد الله تعالی گم شده او را رد کند و کسیکه
در دست دشمن گرفتار شود و این دعا را بخواند ایمن میشود از شر دشمنان و پیغمبر فرمود
که هیچ جنگی این دعا را نخواندم مگر آنکه ظفر یافتم و آنحضرت امیرالمؤمنین [illegible] روایت کسیکه
این دعا را بخواند در قیامت پیشوای متقیان خواهد بود و در روایتی وارد شده
که چیزی با فضل از او نخواهد بود در قیامت و کسیکه در عمر خود یکبار این دعا بخواند
هفتاد نوع بلا و آفات خدای تعالی از او دفع کند و در این دعا داخل است اسم اعظم
که هر کس خدا را با آن بخواند هرچه از او سؤال کند الله تعالی او را میدهد و آن اینست

دعای عظیم الشأن

بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک انت الله رب العرش العظیم سبحانک انت الله
الرحمن الرحیم سبحانک انت الله رب العالمین سبحانک انت الله الملک
القدوس سبحانک انت الله السلام المؤمن سبحانک انت الله العزیز المهیمن
سبحانک انت الله الجبار المتکبر سبحانک انت الله الخالق البارئ سبحانک

انت الله المصور الحکیم سبحانک انت الله السمیع [illegible] سبحانک انت الله
البصیر الصادق سبحانک انت الله الحی القیوم سبحانک انت الله الواسع اللطیف
سبحانک انت الله البدیع الاحد سبحانک انت الله العلی الکبیر سبحانک
انت الله الغفور الودود سبحانک انت الله الشکور الحلیم سبحانک انت الله
الحمید المجید سبحانک انت الله المبدئ المعید سبحانک انت الله الواحد الاحد
سبحانک انت الله السید الصمد سبحانک انت الله الاول الآخر سبحانک انت
الله الظاهر الباطن سبحانک انت الله الغفور الغافر سبحانک انت الله الوکیل
الکافی سبحانک انت الله العظیم الکریم سبحانک انت الله المغیث الدائم سبحانک
انت الله المتعال الحق سبحانک انت الله الباعث الوارث سبحانک انت الله
الباقی الرؤف سبحانک انت الله العزیز الحمید سبحانک انت الله القریب
المجیب سبحانک انت الله القابض الباسط سبحانک انت الله الشهید المنعم
سبحانک انت الله القاهر الرازق سبحانک انت الله الحسیب البادی سبحانک
انت الله الغنی القوی سبحانک انت الله القادر المقتدر سبحانک انت الله
التواب الوهاب سبحانک انت الله المحیی الممیت سبحانک انت الله الحنان المنان
سبحانک انت الله القدیم الفعال سبحانک انت الله القوی القائم سبحانک انت
الله الرؤف الرحیم سبحانک انت الله الوفی الکریم سبحانک انت الله الفاطر الخا
سبحانک انت الله العزیز الفتاح سبحانک انت الله الدیان الشکور سبحانک
انت الله علام الغیوب سبحانک انت الله الصادق العدل سبحانک انت الله
الرفیع الباقی سبحانک انت الله الطاهر المطهر سبحانک انت الله الوتر الهادی
سبحانک انت الله الولی النصیر سبحانک انت الله الکفیل المستعان سبحانک
انت الله الغالب المعطی سبحانک انت الله العالم المعظم سبحانک انت الله المحسن
المجمل سبحانک انت الله المنعم المفضل سبحانک انت الله الفاصل الصادق
سبحانک انت الله خیر الحاکمین سبحانک انت الله خیر الفاصلین سبحانک
انت الله خیر الوارثین سبحانک انت الله خیر الناصرین سبحانک انت الله خیر
الغافرین سبحانک انت الله خیر الفاطرین سبحانک انت الله خیر الرازقین

سبحانك انت الله اسرع الحاسبين سبحانك انت الله احسن الخالقين
سبحانك انت الله العزيز الحكيم سبحانك انت الله ارحم الراحمين سبحانك
انت الله لا اله الا انت رب العرش العظيم سبحانك انت الله لا اله الا
انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
ننجي المؤمنين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على سيدنا
محمد واله الطيبين الطاهرين واز آنجمله دعائيست كه از حضرت صادق مرويست
و اين دعاى رفيع المنزله است وآنحضرت از پدر خود روايت كرده است آن را و پدر او
از پدر ان خود روايت كرده اند و ايشان از حضرت پيغمبر روايت كرده اند ملخص آنچه
پيغمبر در شان اين دعا فرموده است اينست كه كسيكه اين دعا را بخواند و در آخر
آن سه بار بگويد بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم الله
او را ايمن ميگرداند در آن روز از هفتاد و هفت نوع بلا از بلاها كه هر نوع از آن
بزرگتر باشد از كوههاى ثابته و ايمن ميگرداند الله تعالى او را از هر حادثه كه خواهد
باو رسد و از هر سوى از هر قرضى و سحرى و سلطانى و شيطانى و بايد كه در وقت خواندن
آن باوضو باشد و آن اينست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك امنا وايمانا
وسلامة واسلاما ورزقا وغنى ومغفرة لا تغادر ذنبا اللهم اني اسئلك
الهدى والتقى والعفة والغنى يا خير من نودي فاجاب ويا خير من دعي فاستجاب
ويا خير من عبد فاثاب يا جليس كل متوحد معك ويا انيس كل متقرب بخلوة
يا من الكرم من صفة افعاله والكريم من اجل اسمائه اغنني واجرني يا كريم
اللهم اجرني من النار وارزقني صحبة الاخيار واجعلني يوم القيمة من الابرار
انك واحد قهار ملك جبار عزيز غفار اللهم اني مستجير لك فاجرني ومستعيذ لك
فاعذني ومستغيث لك فاغثني ومستعين لك فاعني ومستنقذ لك فانقذني و
مستنصر لك فانصرني ومسترزق لك فارزقني ومسترشد لك فارشدني ومستعصم
فاعصمني ومستهد لك فاهدني ومستكف لك فاكفني ومسترحم لك فارحمني ومستتيب
تب علي ومستغفر لك فاغفر لي ذنوبي انه لا يغفر الذنوب الا انت يا من لا
تضره المعصية ولا تنقصه المغفرة اغفر لي ما لا يضرك وهب لي ما لا ينقصك

ايضاً ايندعا را بخواند

وبعد

وبعد از آن سه بار بگويد بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم واز آنجمله دعاى اويس قرنيست و آن يكى از زهاد هشتگانه است و
اين دعا را حضرت على باو تعليم كرده اين دعائيست كه روايت كرده است و از اويس
قرنى از حضرت على وابن طاوس اين دعا را در مهج خود ذكر كرده است وملخص
آنچه ذكر كرده است در ثواب آن خبريست كه على از پيغمبر روايت كرده است كه
كسيكه اين دعا را بخواند حوايج او بر مى آيد واگر گرسنه يا تشنه باشد اين
دعا را بخواند الله تعالى او را طعام و شراب ميدهد و اگر كسى اين دعا را بر كوه
خواندن كوه از او بر ميخيزد تا او بمراد خود برسد و اگر ديوانه بخواند عاقل ميشود
و اگر زنيكه او را فرزند زاييدن نباشد بخواند ولادت او آسان ميشود و كسيكه
چهل شب جمعه آنرا بخواند الله تعالى او را بيامرزد و هر گناهيكه ميان او و مردم
باشد يعنى حقوق الله و حقوق الناس را جميع بيامرزد و صاحبان حق را از او راضى
ميگرداند و كسيكه اين دعا را بخواند پيش از آنكه داخل شود بر سلطان جابر ايمن
شود از او و كسيكه اين دعا را بخواند در وقت خواب الله تعالى بعدد هر حرفى
هفتاد هزار ملك بسوى او ميفرستد كه از براى او حسنات بنويسند و از براى او
استغفار و دعا كنند و اگر در آن شب بميرد شهيد بميرد و اگر چه مرتكب گناهان
كبيره شده باشد و الله تعالى او را و والدين او را و اهل بيت او را بيامرزد و آن
اينست يا سلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر الطاهر المطهر القاهر
القادر المقتدر يا من لا ينادى من كل فج عميق بالسنة شتى ولغات مختلفة
وحوائج اخرى يا من لا يشغله شان عن شان انت الذي لا تغيرك الازمنة و
لا تحيط بك الامكنة ولا تاخذك نوم ولا سنة صل على محمد واله ويسر لي من
امري ما اخاف عسره وفرج لي من امري ما اخاف كربه وسهل لي من امري ما اخاف
حزنه سبحانك لا اله الا انت اني كنت من الظالمين عملت سوءا وظلمت نفسي
فاغفر لي ذنوبي انه لا يغفر الذنوب الا انت والحمد لله رب العالمين ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد نبيه واله وسلم تسليما
واز آنجمله دعاى ديگر است از اويس قرنى كه آنرا امير المؤمنين باو تعليم كرده است

دعاى اويس قرنى

و آنحضرت از پیغمبر روایت کرده است و ثواب بسیار دارد و ملخص ثواب و آنکه
از پیغمبر مرویست که کسیکه این دعا را بخواند باید دعای او مستجاب میشود
و اگر کسی بر آب جاری بخواند آن آب ساکن میشود و اگر گرسنه یا تشنه این دعا
بخواند هر آینه الله تعالی او را طعام و شراب میدهد و اگر بر کوهی خوانند از مکان
خود زایل میشود و اگر بر زنی خوانند که او را زاییدن دشوار باشد ولادت آن
آسان میشود و اگر چهل شب جمعه کسی این را بخواند الله تعالی میامرزد هر گناه
که میان او و آدمیان و هر مهموم و مغموم که این دعا را بخواند الله تعالی هم و غم او
را از او بر میدارد و کسیکه این دعا را در شهری بخواند که آن شهر میسوخته باشد
و خانه او در میان شهر باشد خانه او نسوزد و اگر بر سلطان جابری خواند مستجاب
شود برای او و سید بن طاوس در مهج خود گفته است که این دعا را شرح بسیار
هست و ما باین مقدار اکتفا کردیم و این دعا اینست که بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُکَ وَلا اَسْئَلُ غَیْرَکَ وَاَرْغَبُ اِلَیْکَ وَلا اَرْغَبُ اِلی غَیْرِکَ اَسْئَلُکَ
یا اَمانَ الْخائِفینَ وَجارَ الْمُسْتَجیرینَ اَنْتَ الْفَتّاحُ ذُو الْخَیْراتِ مُقیلُ الْعَثَراتِ
وَماحِی السَّیِّئاتِ وَکاتِبُ الْحَسَناتِ وَرافِعُ الدَّرَجاتِ اَسْئَلُکَ بِاَفْضَلِ الْمَسائِلِ
کُلِّها وَاَنْجَحِهَا الَّتی لا یَنْبَغی لِلْعِبادِ اَنْ یَسْئَلُوکَ اِلّا بِها وَبِکَ یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ وَبِاَسْمائِکَ
الْحُسْنی وَاَمْثالِکَ الْعُلْیا وَنِعَمِکَ الَّتی لا تُحْصی وَبِاَکْرَمِ اَسْمائِکَ عَلَیْکَ وَاَحَبِّها
اِلَیْکَ وَاَشْرَفِها عِنْدَکَ مَنْزِلَةً وَاَقْرَبِها مِنْکَ وَسیلَةً وَاَجْزَلِها مَبْلَغاً وَاَسْرَعِها
مِنْکَ اِجابَةً وَبِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ الْجَلیلِ الْاَجَلِّ الْاَعْظَمِ الْعَظیمِ الَّذی تُحِبُّهُ وَتَرْضاهُ وَ
تَرْضی عَمَّنْ دَعاکَ بِهِ وَتَسْتَجیبُ دُعائَهُ وَحَقٌّ عَلَیْکَ اَنْ لا تَحْرِمَ بِهِ سائِلَکَ وَ
بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ فِی التَّوْریةِ وَالْاِنْجیلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ وَبِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ
عَلَّمْتَهُ اَحَداً مِنْ خَلْقِکَ وَلَمْ تُعَلِّمْهُ اَحَداً وَبِکُلِّ اسْمٍ دَعاکَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِکَ وَ
مَلائِکَتُکَ وَاَصْفِیاؤُکَ مِنْ خَلْقِکَ وَبِحَقِّ السّائِلینَ لَکَ وَالرّاغِبینَ اِلَیْکَ
وَالْمُتَعَوِّذینَ بِکَ وَالْمُتَضَرِّعینَ اِلَیْکَ وَبِحَقِّ کُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَکَ فی بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ
اَوْ سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَدْعُوکَ دُعاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَاَشْرَفَ
عَلَی الْهَلَکَةِ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَمَنْ لا یَثِقُ بِشَیْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلا یَجِدُ لِذَنْبِهِ غافِراً

ایضاً این دعا بخوانند

غیرک

غَیْرَکَ وَلا لِسَعْیِهِ سِواکَ هَرَبْتُ مِنْکَ اِلَیْکَ غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَلا مُسْتَکْبِرٍ وَ
لا مُسْتَحْسِرٍ عَنْ عِبادَتِکَ یا اُنْسَ کُلِّ فَقیرٍ مُسْتَجیرٍ اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللهُ
لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْحَنّانُ الْمَنّانُ بَدیعُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ ذُو الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ
عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ اَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْمالِکُ وَ
اَنَا الْمَمْلُوکُ وَاَنْتَ الْعَزیزُ وَاَنَا الذَّلیلُ وَاَنْتَ الْغَنِیُّ وَاَنَا الْفَقیرُ وَاَنْتَ
الْحَیُّ وَاَنَا الْمَیِّتُ وَاَنْتَ الْباقی وَاَنَا الْفانی وَاَنْتَ الْمُحْسِنُ وَاَنَا الْمُسیءُ وَ
اَنْتَ الْغَفُورُ وَاَنَا الْمُذْنِبُ وَاَنْتَ الرَّحیمُ وَاَنَا الْخاطِیءُ وَاَنْتَ الْخالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ
وَاَنْتَ الْقَوِیُّ وَاَنَا الضَّعیفُ وَاَنْتَ الْمُعْطی وَاَنَا السّائِلُ وَاَنْتَ الْاٰمِنُ وَاَنَا
الْخائِفُ وَاَنْتَ الرّازِقُ وَاَنَا الْمَرْزُوقُ وَاَنْتَ اَحَقُّ مَنْ شَکَوْتُ اِلَیْهِ وَاسْتَغَثْتُ
بِهِ وَرَجَوْتُهُ لِاَنَّکَ کَمْ مِنْ مُذْنِبٍ قَدْ غَفَرْتَ لَهُ وَکَمْ مِنْ مُسیءٍ قَدْ تَجاوَزْتَ
عَنْهُ فَاغْفِرْ لی وَتَجاوَزْ عَنّی وَارْحَمْنی وَعافِنی مِمّا نَزَلَ بی وَلا تَفْضَحْنی بِما جَنَیْتُهُ
عَلی نَفْسی بِیَدی وَبِیَدِ والِدی وَوَلَدی وَارْحَمْنا بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ و از جمله دعاهائیست که در آن اسماء جلیل القدر الله تعالی
مذکور است و این دعا از حضرت علی مرویست این دعا نیز با جلیل القدر
و ابن طاوس در مهج خود ذکر کرده است و این دعا از امیر المؤمنین مرویست و آن
حضرت از پیغمبر روایت کرده است و ملخص آنچه در ثواب آن وارد شده اینست که
حضرت پیغمبر فرمود که سوگند بآن خدائیکه مرا بحق برانگیخته است که کسیکه
باین اسما دعا کند بر صحایف آهن هر آینه گداخته میشود و اگر بر آب جاری بخواند
بسته میشود چنانچه بر روی آن راه میتوان رفت و اگر بر دیوانه بخواند عاقل میشود و
اگر بر زن حامله بخواند ولادت از آسان میشود و اگر مردی این دعا را چهل شب
جمعه بخواند خدا تعالی میامرزد او را و او از حقوق الناس او را پاک میگرداند ای
سلمان مردم را حریص مگردان بر خواندن این دعا که میترسم که ترک نماز و روزه کنند
و باین اسما اعتماد کنند خدا تعالی میامرزد ایشان را و اهل میت و مؤذن بلد او را
و جمیع اهل بلد او را و آن دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اللهُ وَ
اَنْتَ الرَّحْمٰنُ وَاَنْتَ الرَّحیمُ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزیزُ

وَحْدَهُ

این دعا در شب جمعه بخوانند

الجبار المتکبر الاول الآخر الباطن الظاهر الحمید المجید المبدئ المعید الودود
الشهید القدیم العلی الصادق الرؤوف الرحیم الشکور الغفور العزیز الحکیم ذو
القوة المتین الرقیب الحفیظ ذو الجلال والاکرام العظیم العلی الغنی الفتاح
المرتاح القابض الباسط العدل الوفی الحق المبین الخلاق الرزاق الوهاب التواب
الرب الوکیل اللطیف الخبیر السمیع البصیر الدیان المتعال القریب المجیب الباعث
الوارث الواسع الباقی الحی الدائم الذی لا یموت القیوم النور الغفار الواحد القهار
الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ذو الطول المقتدر
علام الغیوب البدیء البدیع الداعی الطاهر المقیت المغیث الدافع الرافع الضار
النافع المعز المذل المطعم المنعم المهیمن المکرم المحسن المجمل الحنان المفضل المحیی
الممیت الفعال لما یرید مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن
تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج
اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت وتخرج المیت من الحی
وترزق من تشاء بغیر حساب فالق الاصباح فالق الحب والنوی یسبح له ما فی السموات
وما فی الارض وهو العزیز الحکیم اللهم وما قلت من قول او حلفت من حلف او نذرت
من نذر فی یومی هذا ولیلتی هذه فمشیتک بین یدی ذلک ما شئت منه کان و
ما لم تشا لم یکن فادفع عنی بحولک وقوتک فانه لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم اللهم بحق هذه الاسماء عندک صل علی محمد وآل محمد واغفر لی وارحمنی
وتب علی وتقبل منی واصلح لی شانی ویسر اموری ووسع علی فی رزقی واغننی
بکرم وجهک عن جمیع خلقک وصن وجهی ویدی ولسانی عن مسئلة غیرک و
اجعل لی من امری فرجا ومخرجا فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علی کل
شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی سید المرسلین سیدنا محمد
النبی وآله الطاهرین واز انجمله دعای عظیم الشانیست که از علی بن ابی طالب مروی
شده است واین دعاییست رفیع الشان وعظیم المنزله است واز حضرت صادق روایت
کرده است از پدر خود و پدر او از جد او و علی بن ابی روایت کرده است و ملخص آنچه علی
روایت کرده است اینست که فرمود که این دعا را پیغمبر تعلیم من کرده است وامر کرده ا

شرح دعای رفیع الشان

این

مرا که در هر ساعتی متحفظ این باشم و در هر شدت و رخائی آنرا بخوانم و تعلیم کنم آنرا
خلیفه که بعد از من است و در مدت عمر خود از ان مفارقت نکنم تا وقتیکه الله تعالی
ملاقات کنم و در هر صباح و شام آنرا بخوانم پس بدرستیکه مرا خبر کرده پیغمبر که کسیکه
این دعا را بخواند بر سر او از آسمان تا زمین نیکی ریخته میشود و سکینه و وقار بر او
نازل میشود و رحمت الهی او را فرو میگیرد و الله تعالی باو نظر رحمت میکند و کسیکه
سه بار این دعا را بخواند هر خیر دنیا و آخرت که از خدا خواهد خدا باو انعام میکند و او
نجات میدهد از تنگی سینه و عذاب قبر و روز قیامت خدا او را ایمن گرداند در حالتیکه سوار
باشد بر مرکبی از در سفید تا آنکه پیش خدا بایستد و الله تعالی با او میگوید که ای بنده من
جا بگیر در هر جای بهشت که میخواهی و آنچیز که با تست نگاه مکن و مزیدیکه آنرا ندیده است
هیچ چشمی و نشنیده است هیچ گوشی و خطور نکرده است بر دل هیچ آدمی و وصف نتوان کرد
آنرا هیچ زبانی و اگر این دعا بر دیوانه بخوانند عاقل میشود و اگر کسیکه عاق والدین باشد کرد
نیکو گرداند او را خدا از برای والدین و اگر بر حامله بخوانند ولادت او آسان میشود و کسیکه
اهل شیعه بخواند خدا ایمنش میسازد او را از حقوق الله و حقوق الناس و کسیکه این دعا را
بخواند و بر فراش خود بخواند خدا بعدد هر حرفی از ان هزار ملک ذکر و بیان نه پیدا نکرد
که از برای او استغفار کنند و از برای او حسنات بنویسند و درجات او را بلند گردانند و
کسیکه این دعا را بخواند در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید بمیرد اگرچه از اهل کبایر باشد
و پیغمبر امر کرد سلمان فارسی را که پنهان کند این دعا سلمان گفت یا رسول الله چرا پنهان دارم آن
حضرت فرمود بواسطه آنکه میترسم که نماز و روزه و اعمال صالحه را ترک کنند و این
دعا را بخوانند آنچه مذکور شد ملخص آنچیزیست که در کتاب مهج الدعوات ابن طاوس مذکور
و آن دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الدائم الملک
الحق المبین المدبر بلا وزیر ولا خلق من عباده یستشیر الاول غیر موصوف الباقی
بعد فناء الخلق العظیم الربوبیة نور السموات والارضین وفاطرهما ومبتدعهما
خلقهما بغیر عمد وفتقهما فتقا فقامت السموات طائعات بامره واستقرت
الارض باوتادها فوق الماء ثم علا ربنا فی السموات العلیا الرحمن علی العرش استوی
له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثری وانا اشهد بانک انت

دعا اینست

اللهم لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت ولا معز لما اذللت ولا مذل لمن
اعززت ولا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت وانت الله لا اله الا انت كنت
اذ لم تكن سماء مبنية ولا ارض مدحية ولا شمس مضيئة ولا ليل مظلم ولا
نهار مضيء ولا بحر لجي ولا جبل راس ولا نجم سار ولا قمر منير ولا ريح تهب و
لا سحاب يسكب ولا برق يلمع ولا رعد يسبح ولا روح تتنفس ولا طائر يطير ولا
نار تتوقد ولا ماء يطرد كنت قبل كل شيء وكونت كل شيء وقدرت على كل
شيء وابتدعت كل شيء وافقرت واغنيت وامت واحييت واضحكت وابكيت
وعلى العرش استويت تباركت يا الله وتعاليت انت الله الذي لا اله الا انت
الخلاق العليم امرك غالب وعلمك نافذ وكيدك غريب ووعدك صادق وقولك
حق وحكمك عدل وكلامك هدى ووحيك نور ورحمتك واسعة وعفوك
عظيم وفضلك كثير وعطاؤك جزيل وحبلك متين وامكانك عتيد وجارك عزيز
وباسك شديد ومكرك مكيد انت يا رب موضع كل شكوى وشاهد كل نجوى
وحاضر كل ملاء ومنتهى كل حاجة وفرج كل حزين وغنى كل فقير مسكين وحصن كل
هارب وامان كل خائف حرز الضعفاء كنز الفقراء مفرج الغماء معين الصالحين
ذلك الله ربنا لا اله الا هو تكفي من عبادك لمن توكل عليك وانت جار من لاذ
بك وتضرع اليك عصمة من اعتصم بك من عبادك ناصر من انتصر بك تغفر
الذنوب لمن استغفرك جبار الجبابرة عظيم العظماء كبير الكبراء سيد السادات
مولى الموالي صريخ المستصرخين منفس عن المكروبين مجيب دعوة المضطرين اسمع
السامعين ابصر الناظرين احكم الحاكمين اسرع الحاسبين ارحم الراحمين خير
الغافرين قاضي حوائج السائلين المؤمنين مغيث الصالحين انت الله لا اله الا
انت رب العالمين انت الخالق وانا المخلوق وانت المالك وانا المملوك وانت
الرب وانا العبد وانت الرازق وانا المرزوق وانت المعطي وانا السائل و
انت الجواد وانا البخيل وانت القوي وانا الضعيف وانت العزيز وانا الذليل
وانت الغني وانا الفقير وانت السيد وانا العبد وانت الغافر وانا المسيء و
انت العالم وانا الجاهل وانت الحليم وانا العجول وانت الراحم وانا المرحوم و

انت

انت المعافي وانا المبتلى وانت المجيب وانا المضطر وانا اشهد بانك
انت الله لا اله الا انت المعطي عبادك بلا سؤال واشهد بانك انت
الله الواحد الفرد واليك المصير وصلى الله على محمد وآل بيته الطيبين
الطاهرين واغفر لي ذنوبي واستر على عيوبي وافتح لي من لدنك رحمة ورزقا
واسعا يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين وحسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم واز جمله تهليل القرآنست واين تهليل مرويست
از حضرت پیغمبر و در هیچ موضع در کتاب خدا مذکور است و از پیغمبر مذکور است
که هر که این تهلیل را بخواند الله تعالی علم و حکمت و ایمان و اخلاص و توکل و سکینه
و وفا وزرا داخل میکرداند در دل او و کسیکه این دعا را بنویسد و با آب باران داخل
کند یا با آب زمزم بشوید و بیاشامد از عروق او هر دردیکه هست بیرون میرود و الله
تعالی از او صرف میکند وسوسه شیطان و نسیان را و کسیکه این تهلیل را بنویسد
و با خود دارد ایمن میشود از وحوش و حشرات الارض و الله تعالی محبت و هیبت و
در دل بندگان میاندازد و ایمن میکرداند او را از سحر و از هر علتی و کسیکه این
دعا را بخواند الله تعالی او را عذاب نمیکند و بچشم رحمت بسوی او نظر کند و در توانگری
بر روی او میگشاید و در فقر و فاقه را بر روی او میبندد و عذاب قبر را از او بر
میدارد و خدا حسنات او را آسان میکند و هر بیچاره که این دعا را بخواند خدا بفریاد او
میرسد و هر اندوهناکی که آنرا بخواند خدا اندوه او را زایل میکرداند و هر قرضداری
که آنرا بخواند الله تعالی قرض او را ادا میکند و کسیکه این تهلیل را بخواند و بر سلطان
جابری داخل شود خدا حاجت او را روا میکرداند و ابن عباس گوید که افضل کلام لا
اله الا الله است و این کلمه اخلاص است که الله تعالی قبول نمیکند عملی را مگر بآن
کلمه که نزدیک بآنست در فضل سبحان الله و بحمده است که نماز مردم است و آنچه نزدیک
آنست در فضل الحمد لله است که کلمه شکر است و آنچه در تلو آنست در ثواب کلمه
الله اکبر است و آنچه در تلو آنست لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم است و آنچه
مذکور شد صاحب کتاب حیوة الحیوان آنرا ذکر کرده است و از پیغمبر مرویست که
کسیکه آخر کلامش لا اله الا الله باشد داخل بهشت میشود و از پیغمبر مرویست که

این تهلیل را بعد از نماز بخواند

کسیکه بگوید لا اله الا الله الله تعالی از برای او در بهشت درختی میشاند از
یاقوت سرخ که منبت آن در مشک سفید باشد و میوهٔ آن مثل پستان دختر
باکره است و سفیدتر است از برف و شیرین تر است از عسل و خوشبوتر است از
مشک که در زیر هشتاد حله بوی آن عشام میرسد و نیز از آنحضرت مرویست کسیکه
از روی اخلاص بگوید لا اله الا الله داخل بهشت میشود و اخلاص آن آنست که
و نیز از آنحضرت مرویست کسیکه را از خود را بکشد بلا اله الا الله گناهان او
میریزد چنانچه برگها از درختان میریزد و از حضرت صادق مرویست که کسیکه بگوید
لا اله الا الله با آنکه از روی تعجب باشد الله تعالی از این کلمه مرغی را خلق میکند
که بر سر صاحب این کلمه پر خود را میگستراند و از برای او استغفار میکند تا روز
قیامت و از پیغمبر مرویست که گفتن لا اله الا الله قیمت بهشت است و کسیکه در
هر روزی صد بار بگوید لا اله الا الله فاضل تر است از جمیع مردم از روی عمل در
آن روز مگر کسیکه زیاده از او بگوید این کلمه را و کسیکه در وقتیکه بفراش خود می
رود صد بار این کلمه را بگوید الله تعالی از برای او بنا میکند خانه در بهشت چنانچه
ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال روایت کرده است از حضرت پیغمبر و این تهلیلات که
در ضمن آیات اول والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم دویم الله لا اله
الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض
من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون
بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو
العلی العظیم سیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق
مصدقا لما بین یدیه و انزل التوریة و الانجیل من قبل هدی للناس و انزل
الفرقان چهارم هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز
الحکیم پنجم شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا
اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله ششم الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم
القیمة لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا هفتم ذلکم الله ربکم لا اله الا
هو خالق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل هشتم اتبع ما اوحی الیک

این تهلیلات را تعقیبا
تمام بخوانند

من ربک لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین نهم قل یا ایها الناس انی رسول
الله الیکم جمیعا الذی له ملک السموات و الارض لا اله الا هو یحیی و یمیت
فامنوا بالله و رسوله النبی الامی الذی یؤمن بالله و کلماته و اتبعوه لعلکم تهتدون
دهم و ما امروا الا لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما یشرکون یازدهم
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
دوازدهم و جاوزنا ببنی اسرائیل البحر فاتبعهم فرعون و جنوده بغیا و عدوا حتی اذا
ادرکه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذی امنت به بنوا اسرائیل و انا من
المسلمین سیزدهم فالم یستجیبوا لکم فاعلموا انما انزل بعلم الله و ان لا اله الا هو فهل
انتم مسلمون چهاردهم کذلک ارسلناک فی امة قد خلت من قبلها امم لتتلوا علیهم
الذی اوحینا الیک و هم یکفرون بالرحمن قل هو ربی لا اله الا هو علیه توکلت
و الیه متاب پانزدهم ینزل الملائکة بالروح من امره علی من یشاء من عباده ان انذروا
انه لا اله الا انا فاتقون شانزدهم و ان تجهر بالقول فانه یعلم السر و اخفی الله لا
اله الا هو له الاسماء الحسنی هفدهم و انا اخترتک فاستمع لما یوحی انّنی انا
الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلوة لذکری هیجدهم انما الهکم الله الذی لا اله
الا هو وسع کل شیء علما نوزدهم و ما ارسلنا من قبلک من رسول الا نوحی الیه
انه لا اله الا انا فاعبدون بیستم و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن
نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین بیست یکم فتعالی الله الملک
الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم بیست دویم و هو الله لا اله الا هو له الحمد
فی الاولی و الآخرة و له الحکم و الیه ترجعون بیست سیم و لا تدع مع الله الها آخر
لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون بیست چهارم
یا ایها الناس اذکروا نعمة الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء و
الارض لا اله الا هو فانی تؤفکون بیست پنجم انهم کانوا اذا قیل لهم لا اله الا
الله یستکبرون بیست ششم خلقکم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها و انزل لکم
من الانعام ثمانیة ازواج یخلقکم فی بطون امهاتکم خلقا من بعد خلق فی ظلمات

تلک ذلکم الله ربکم له الملک لا اله الا هو فانی تصرفون بیست هفتم غافر الذنب
و قابل التوب شدید العقاب ذی الطول لا اله الا هو الیه المصیر بیست هشتم
ذلکم الله ربکم خالق کل شیء لا اله الا هو فانی تؤفکون بیست نهم هو الحی لا
اله الا هو فادعوه مخلصین له الدین الحمد لله رب العالمین سی ام رب السموات
و الارض و ما بینهما ان کنتم موقنین لا اله الا هو یحیی و یمیت ربکم و رب
آبائکم الاولین سی یکم فاعلم انه لا اله الا الله و استغفر لذنبک و للمؤمنین و
المؤمنات و الله یعلم متقلبکم و مثویکم سی دویم هو الله الذی لا اله الا هو عالم
الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم سی سیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم
سی چهارم الله لا اله الا هو و علی الله فلیتوکل المؤمنون سی پنجم رب المشرق و المغرب
لا اله الا هو فاتخذه وکیلا گرین بخوان قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله
الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد
لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و
کبره تکبیرا و از انجمله دعای سریع الاجابه ایست و آن مروی شده است از حضرت کاظم
و این دعا بدو نسخه مروی شده است یکی قصیر و یکی طویل نسخهٔ قصیر آنست که ابن فهد
در عده روایت کرده است و آنرا از حضرت هادی روایت کرده است که حضرت هادی
این دعا را خواند از برای مردی از اصحاب خود که خلیفه مرسوم او را قطع کرده بود و
یکروز آنمرد چند رسول خلیفه را دید که متعاقب نزد او آمدند و هر یک گفتند که
خلیفه را اجابت کن که ترا میخواهد چون بر خلیفه داخل شد خلیفه او را نزدیک خود
خواند و امر کرد که آنچه از مرسوم او قطع کرده اند با و بدهند و اول نسخهٔ قصیر اینست
یا عدتی عند العدد تا آخر و آخرش اینست که و ان تفعل بی ما انت اهله و اما نسخهٔ
طویل آنست که در اصل کتاب نوشته است و آن مروی شده است از حضرت کاظم
و ابن فهد در عده خود ذکر کرده است که حضرت هادی از خدا تعالی درخواست که خدا
دعا نکند هیچ کس بقول یا عدتی عند العدد تا آخر نزد قبر من مگر آنکه مستجاب شود از برای

شرح دعای سریع الاجابه کاظم ۱۰

و ما در اصل هر دو نسخه را ذکر کرده ایم بواسطهٔ حفظ دعا و آن اینست
اللهم انی اطعتک فی احب الاشیاء الیک و هو التوحید و لم اعصک
فی ابغض الاشیاء الیک و هو الکفر فاغفر لی ما بینهما یا من الیه مفری
آمنی ممن فزعت منه الیک اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیک و اقبل
منی الیسیر من طاعتک یا عدتی عند العدد و یا رجائی و المعتمد و یا کهفی
و السند یا واحد یا احد یا قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم
یکن له کفوا احد اسئلک بحق من اصطفیتهم من خلقک و لم تجعل فی خلقک
مثلهم احدا ان تصلی علی محمد و آله و ان تفعل بی ما انت اهله اللهم انی
اسئلک بالوحدانیة الکبری و المحمدیة البیضاء و العلویة العلیاء و بجمیع
ما احتججت به علی عبادک و بالاسم الذی حجبته عن خلقک فلم یخرج منک الا
الیک صل علی محمد و آله و اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث
احتسب و من حیث لا احتسب انک ترزق من تشاء بغیر حساب پس حاجت خود را از خدا
طلب کند که انشاء الله بر آورده میشود و از انجمله دعائیست که حضرت امام زین
العابدین آن دعا کرده نزد حجر الاسود و وقتیکه عم او محمد بن الحنفیه در پیش
حجر الاسود با او محاکمه کرد و این دعائیست رفیع الشان عظیم المنزله که آنرا سعد بن
عبد الله در کتاب فضل الدعاء از حضرت صادق روایت کرده است و نیز روایت کرده
که چون محمد بن حنفیه و حضرت زین العابدین سوی حجر الاسود محاکمه کردند حضرت
امام زین العابدین این دعا را خواند و الله تعالی حجر الاسود را بزبان آورد و او
شهادت داد از برای امام زین العابدین بامامت و من میگویم که این دعا را شیخ طوسی
در تتمه نوافل ماه رمضان ذکر کرده است و ابن باقی آنرا در اختیار خود ذکر کرده
و ابان بن تغلب از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت فرمود که ای ابان این را بخوان
مکرر از برای امر آخرت بدرستیکه [illegible] این دعا را بخدا قسم که این دعا
از مخزن آل محمد است و در کتاب مخصوص مذکور است که حضرت امام زین العابدین
دو رکعت نماز کرده اند و این دعا را خواند و بعد از آن گفت که ای حجر ترا سؤال میکنم
بآنخدائیکه میثاق انبیا و میثاق اوصیا و میثاق جمیع مردم را در تو ودیعت گذاشته

أحتسب م

شرح دعای حجر الاسود

که بزبان عربی ظاهر خبر کن مارا از امام و وصی پیغمبر بعد از حسین بن علی پس
حجر الاسود بحرکت آمد چنانچه نزدیک بود که از مکان خود زایل شود پس الله تعالی
او را بسخن آورد بزبان عربی ظاهر و گفت بدرستیکه وصیت و امامت بعد از حسین بن
علی از علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب است و او امامی است که اطاعتش واجبست
بر جمیع خلق خدا و من منکرم که محمد بن حنفیه امامت آنحضرت را بعد از آنکه طلب
محاکمه از آنحضرت کرده تا بر قومی که دعوی امامت او را میکردند بعد از حسین امامت
نه او ثابت شود مردم از امامت او برگردیدند همچنانکه سید حمیری و ابو خالد کابلی و غیر اینها
برگشتند از امامت غیر امام زین العابدین و ابان بن تغلب این حدیث را روایت کرده او
عادل و جلیل القدر است و از حضرت صادق بسیار احادیث روایت کرده است
هرگاه او بمجلس صادق داخل میشد آنحضرت از برای او وساده میانداخت که بر روی
او بنشیند و با او مصافحه میکرد و هرگاه بمدینه می آمد جمیع مردم بر او جمع می شدند
که از او حدیث بشنوند و حضرت امام محمد باقر فرمود که ای ابان هرگاه بمدینه
میائی بنشین بمردم فتوی بده بدرستیکه من دوست دارم که در شیعیان من مثل
تو کسی دیده شود و ابان در زمان حضرت صادق در سال صد و چهل و یک از هجرت
برحمت ایزدی پیوست و چون خبر فوت او بحضرت صادق رسید فرمود بخدا سوگند
که مرا بدرد آورد و این روایت را علامه حلی در کتاب خلاصه رجال ذکر
کرده است اما کتابی که این دعا از آن ماخوذ است کتاب فضل الدعا که تصنیف شیخ ابی
کامل سعد بن عبد الله بن ابی خلف قمی است و از شیخ طایفه شیعه و فقیه ایشان
و با حضرت عسکری ملاقات کرده است و در سال سیصد و یک از هجرت بجوار حق پیوست
و این کتاب فضل الدعا غیر کتاب فضل الدعائیست که بعد از این در فصل معرفت اسم
اعظم مذکور خواهد شد بواسطه آنکه مصنف فضل الدعائی که بعد از این مذکور
میشود شیخ محمد بن حسن بن فروخ است و کنیه او ابو جعفر است و عادل و جلیل
القدر است و در سال دویست و نود از هجرت در قم برحمت ایزدی پیوست و این هر دو
در کتاب موافقند و اسم مصنف آنها مختلف است و آن دعا اینست اللهم انی اسئلک
باسمک المکتوب فی سرادق المجد و اسئلک باسمک المکتوب فی سرادق البهاء و

دعای بنت

اسئلک باسمک المکتوب فی سرادق العظمة و اسئلک باسمک المکتوب فی سرادق
الجلال و اسئلک باسمک المکتوب فی سرادق العزة و اسئلک باسمک المکتوب فی
سرادق القدرة و اسئلک باسمک المکتوب فی سرادق السرائر السابق الفائق
الحسن النضیر رب الملائکة الثمانیة و العرش العظیم و بالعین التی لا تنام و با
لاسم الاکبر ثلثا و بالاسم العظیم ثلثا المحیط بملکوت السموات و الارض و بالاسم
الذی اشرقت به الشمس و اضاء به القمر و سجرت به البحار و نصبت به الجبال
و بالاسم الذی قام به العرش و الکرسی و باسمائک المکنونات المخزونات المقدسات
المکرمات فی علم الغیب عندک اسئلک بذلک کله ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تفعل بی کذا و کذا و از انجمله دعائیست عظیم الشان که از علی بن الحسین
مروی شده است و آن اینست الهی کیف ادعوک و انا انا و کیف اقطع رجائی منک
و انت انت الهی اذا لم اسئلک فتعطینی فمن ذا الذی اسئله فیعطینی الهی اذا
لم ادعک فتستجیب لی فمن ذا الذی ادعوه فیستجیب لی الهی اذا لم اتضرع الیک
فترحمنی فمن ذا الذی اتضرع الیه فیرحمنی الهی فکما فلقت البحر لموسی و نجیته
اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تنجینی مما انا فیه و تفرج عنی فرجا
عاجلا غیر آجل بفضلک و رحمتک یا ارحم الراحمین و از انجمله دعائیست که از
حضرت صادق مرویست این دعا را اسمعیل بن مفضل هاشمی از حضرت صادق
روایت کرده است که آنحضرت باو گفت که ای اسمعیل کسیکه این دعا را بخواند در
حالتیکه دلش متوجه الله تعالی باشد الله تعالی باو میدهد هر چیزی را که از او بخدا
درخواهد و اگر شقی باشد او را سعید کرده اند و آن اینست اللهم انت الله الحی
القیوم الخالق الرازق المحیی الممیت المبدئ البدیع لک الکرم و لک المجد و
لک المن و لک الجود و لک الامر وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا فرد
یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد صل علی محمد و آل
محمد و افعل بی کذا و کذا و سؤال کن حاجت خود را و از انجمله دعائیست عظیم الشان
که از حضرت امام رضا مروی شده است این دعا را شیخ طبرسی در کتاب کنوز النجاح
ذکر کرده است و ابن طاووس نیز آنرا از مشایخ خود ذکر کرده است و ایشان آنرا از حضرت

شرح دعا

امام رضا روایت کرده اند که آنحضرت در شهر مرو بود با او سوء قصد نمودند شش مرد از
شیعه او بودند هر کدام از بلاد پس مامون خبر کردند که امام رضا قصد خروج دارد
بر تو و مردم را باین امر میخواند پس مامون امر کرد که اصحاب آنحضرت را به پیش او براند
آنحضرت از این امر غمناک شد پس غسل کرد و پای برهنه گفت که بر بالای بام رو
ببین که از قوم چه ظاهر میشود تا من دو رکعت نماز کنم پس آنحضرت دو رکعت نماز
کرد و در قنوت هر دو دست خود را بلند کرد و این دعا را خواند هنوز از قنوت فارغ
نشده بود که بر در خانه مامون مردم بسیار جمع شدند تا مامون را از بلد خود اخراج کنند
و آن دعا این است اللهم یا ذا القدرة الجامعة والرحمة الواسعة والمنن المتتابعة
والآلاء المتوالیة والایادی الجمیلة والمواهب الجزیلة یا من خلق فرزق وألهم
فأنطق وابتدع فشرع وعلا فارتفع وقدّر فأحسن وصوّر فأتقن واحتج فأبلغ
وأنعم فأسبغ وأعطی فأجزل ومنح فأفضل یا من سما فی العز ففات نواظر
الابصار ودنا فی اللطف فجاز هواجس الافکار یا من تفرد بالملک فلا ند له
فی ملکوت سلطانه وتوحد بالکبریاء فلا ضد له فی جبروت شأنه یا من حارت
فی کبریاء هیبته دقائق لطائف الاوهام وانحسرت دون ادراک عظمته خطائف
ابصار الانام یا عالم خطرات قلوب العالمین وشاهد لحظات ابصار الناظرین یا من
عنت الوجوه لهیبته وخضعت الرقاب لعظمته ووجلت القلوب من
خیفته وارتعدت الفرائص من فرقه یا بدیء یا بدیع یا قوی یا منیع یا علی یا رفیع
صل علی من شرفت الصلوة بالصلوات علیه وانتقم لی ممن ظلمنی واستخف بی
وطرد الشیعة عن بابی واذقه مرارات الذل والهوان واجعله طرید الارجاس
شرید الانجاس والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین

فصل سی ام در بیان ادعیه ایکه منسوبست بانبیا و ائمه دعای حضرت آدم در
روایت واقع شده است که حضرت آدم در جانب رکن یمانی دو رکعت نماز کرد و بعد از
آن این دعا را خواند اللهم انی اسئلک ایمانا تباشر به قلبی ویقینا حتی اعلم انه
لن یصیبنی الا ما کتبت لی ورضنی بما قسمت لی یا ارحم الراحمین و در
روایت دیگر واقع شده است که چون حضرت آدم این دعا را خواند الله تعالی باو وحی کرد

دعاهائیکه منسوبست از پیغمبر و ائمه

دعای آدم

که ای آدم هر کس از فرزندان تو که این دعا را حفظ کند هر چه خواهد باو میدهم
و از هر چه مکروه اوست او را دور میدارم و حب دنیا را از دل او میبرم و او را
از حکمت بهره مند میکنم و قول الله تعالی که در حق آدم فرموده است که فتلقی آدم
من ربه کلمات و بعضی گفته اند که کلمات عبارتست از قول آدم که فرموده ربنا
ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنکونن من الخاسرین و بعضی گفته اند که
آن کلمات عبارتست از قول لا اله الا انت ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر
الذنوب الا انت و بعضی دیگر گفته اند که آن کلمات عبارتست از قول آدم است که
سبحانک اللهم وبحمدک لا اله الا انت عملت سوء وظلمت نفسی فاعترفت بذنبی
فاغفر لی انک خیر الغافرین سبحانک اللهم وبحمدک لا اله الا انت عملت سوء
وظلمت نفسی واعترفت بذنبی فاغفر لی انک انت التواب الرحیم و بعضی گفته اند
که آن کلمات تسبیح اربع است و در روایت اهل بیت وارد شده است که آن کلمات
اسماء اصحاب کساء است که آن محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین است دعای حضرت نوح
مرویست که چون حضرت نوح بموج آب و هول آن نگاه کرد ترس بسیار در دل او راه یافت
پس الله تعالی باو وحی فرستاد که ای نوح بگو لا اله الا الله الف مرة تا ترا نجات دهم
پس حضرت نوح آن را گفت خدا او را نجات داد و من میگویم که دعای حضرت نوح که بسبب آن
الله تعالی او را عبد شکور نام کرده در کتاب خود ذکر آن در فصل چهاردهم گذشت دعای
حضرت ادریس دعای عظیم الشان مشهوریست که در کتاب ادعیه مذکور است و ثواب
بسیار دارد و ذکر آن در فصل چهل و پنجم در ادعیه ماه رمضان خواهد آمد دعای
حضرت ابراهیم که باتش انداختند این دعا را خواند و بسبب آن الله تعالی آتش را بر او سرد
و سالم گردانید این دعای حضرت ابراهیم بسیار عظیم الشان و رفیع القدر است و ما این دعا را
بدو نسخه یافته ام و اکمل آن دو نسخه آنچیزیست که ما در اصل این کتاب ذکر کرده ایم و آن
از کتاب مهج الدعوات برداشته ام که این دعا را از پیغمبر روایت کرده اند و در آن روایت وارد
شده است که اسم اعظم مذکور است و کسیکه این دعا را حفظ کند الله تعالی میگرداند نور
در چشم او و ایمان را در دل او و سینه او را میگشاید برای اسلام و بان نور بخشش
شده هلاک نگردد و مرتبه باو فخر میکند والله تعالی حفظ کتاب خود نموده و دانش

کلمات آدم

دینرا و را باور روزی میکند و او را محبوب بندگان خود میگرداند و فزع اکبر او را
ایمن میگرداند و گناهان او را بیامرزد و نامه اعمال او را در قیامت بدست راستش دهد
دهد روزی که مردم میترسند و اندوهناک میشوند او نمیترسد و اندوهناک نمیشود
و او را نزد اللّه تعالی از جمله صدیقان بنویسند و از خدا چیزی نمیخواهد مگر آنکه اللّه تعالی
باو میدهد و قسم اولیای بنیا میدهد و باو میدهد ثواب جماعتی را که در راه خدا
از اول دنیا شهید شده اند و جماعتیکه تا قیامت شهید خواهند شد و او را با
حضرت ابرهیم در بهشت عدن در زیر عرش خود ساکن میگرداند و باید که هر روز
این دعا را بخوانی و در وقت خواندن آن در سجده باشی و آن دعا اینست بسم اللّه الرحمن
الرحیم اللّهم انی اسئلک یا اللّه یا اللّه یا اللّه یا اللّه یا اللّه انت المرهوب برهب
منک جمیع خلقک یا اللّه یا اللّه یا اللّه یا اللّه انت الرفیع فی عرشک فوق
سبع سموانک و انت المطل علی کل شیء و لا یطل شیء علیک یا اللّه یا اللّه یا
اللّه یا اللّه یا اللّه انت اعظم من کل شیء فلا یصف احد عظمتک یا اللّه یا اللّه یا
اللّه یا اللّه یا اللّه یا نور النور قد استضاء بنورک اهل سمواتک و ارضک یا اللّه یا
اللّه یا اللّه یا اللّه لا اله الا انت تعالیت ان یکون لک شریک و تکبرت
ان یکون لک ضد یا نور النور یا نور کل نور لا خامد لنورک یا ملیک کل ملیک
یفنی غیرک یا نور النور یا من ملا ارکان السموات و الارض بعظمته یا اللّه یا اللّه یا
اللّه یا اللّه یا هو یا هو یا من لیس کهو الا هو اغثنی الساعة الساعة
یا من امره کلمح البصر او هو اقرب اهیا شراهیا ادونای اصباؤت آل شدای یا
اللّه یا اللّه یا اللّه یا ربّاه یا ربّاه یا ربّاه یا غایة منتهاه رغبتاه دعای
یعقوب در روایت وارد شده است که ملک موت تعلیم کرد و چون آنحضرت این دعا
خواند هنوز صبح طالع نشده بود که پیراهن یوسف از برای او آوردند و این دعا را بدو
نسخه یافته ام یکنسخه اینست که آنرا سید بن طاوس در مهج خود روایت کرده است نسخه
دیگر اینست که یافته ام بخط شهید و این کلمات از نسخه اول و من هر دو نسخه او را
بواسطه استظهار حفظ دعا و روایتی هست که اسم اعظم در این دعا داخل است و ذکر
اسم اعظم در فصل سوم بیکم که بعد از این فصلست میآید و بعضی گفته اند که چون اللّه

دعای ابراهیم

یوسف را بیعقوب ذکر داد این دعا را یعقوب خواند یا من خلق الخلق بغیر مثال و یا
من بسط الارض بغیر اعوان و یا من دبّر الامور بغیر وزیر و یا من رزق
الخلق بغیر مشیر و یا من یجرّب الدنیا بغیر استیمار صلّ علی محمد و آل محمد چون
این دعا را بخوانی حاجت خود را از خدا بخواه که اللّه تعالی روا میکرداند و آن دعا اینست یا
ذا المعروف الذی لا ینقطع ابدا و لا یحصیه غیره یا کثیر الخیر یا قدیم الاحسان یا
دائم المعروف یا معروفا بالمعروف یا من هو بالخیر موصوف اکفنا شر ما یعمل الظالمون
دعای دیگر که یعقوب را از برای فرزندان خود خواند تا اللّه تعالی توبه ایشانرا قبول کرد
اینست یا رجاء المؤمنین لا تقطع رجائی یا غیاث المؤمنین اغثنی یا مانع المؤمنین
امنعنی یا محب التوابین تب علینا دعای حضرت یوسف در قصص الانبیا دیده ام
که سعد بن هبة اللّه راوندی روایت کرده است که در وقتیکه یوسف در چاه انداختند
جبرئیل این دعا را باو یاد داد چون آنحضرت این دعا را خواند از چاه بیرون آمد و آن اینست
اللّهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت بدیع السموات و الارض یا ذا
الجلال و الاکرام ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی من امری فرجا و مخرجا
و ترزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب و این دعا را بعینه در تفسیر شیخ طبرسی
و در تفسیر علی بن ابرهیم دیده و در بعضی تفسیر مذکور است که چون یوسف این دعا
خواند اللّه تعالی او را از چاه نجات داد و از کید زلیخا خلاص کرد و ملک مصر را باو داد و
روزی او کرد از انجائیکه گمان نبود و در کتاب بدء البیان دیده ام روایتی که از حضرت
صادق مرویست که فرمود که حضرت یوسف در چاه روی خود را بر زمین نهاد
و گفت اللّهم ان کانت ذنوبی قد اخلقت وجهی عندک فانی اتوجه الیک بوجه
آبائی الصالحین ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب پس اللّه تعالی او را نجات داد از
چاه راوی این روایت که شعیب عقرقوفی است گفت که بحضرت صادق عرض کردم که
ما این دعا را بخوانیم آنحضرت فرمود که شما بگوئید اللّهم ان کانت ذنوبی قد اخلقت
وجهی عندک فانی اتوجه الیک بوجه نبیک نبی الرحمة و علی و فاطمة و
الحسن و الحسین و الائمة و در کتاب مهج الدعوات دیده ام که یوسف در چاه این دعا
خواند یا صریخ المستصرخین و یا غوث المستغیثین و یا مفرج کرب المکروبین قد

دعای یعقوب

دعای یوسف

تری مکانی وتعرف حالی ولا یخفی علیک شیء من امری در کتاب مجتبی دیده ام که
یوسف در چاه این دعا را خواند یا لطیفا فوق کل لطیف الطف لی فی جمیع احوالی کما
تحب وترضی فی دنیای واخرتی ومن میگویم که این دعا را بعینه احمد بن فهد و [illegible]
در کتاب دفع الهموم والاحزان وقمع الغموم والاشجان ذکر کرده است دعای حضرت یوسف

دعای حضرت یوسف

اینست اللهم انی اعوذ بک الیوم فاعذنی واستجیر بک الیوم من جهد البلاء فاجرنی
واستغیث بک الیوم فاغثنی واستصرخک الیوم علی عدوک وعدوی فاصرخنی و
استنصرک الیوم فانصرنی واستعین بک الیوم علی امری فاعنی واتوکل علیک و
اکفنی واعتصم بک فاعصمنی وآمن بک فامنی واسئلک فاعطنی واسترزقک
فارزقنی واستغفرک فاغفر لی وادعوک فاذکرنی واسترحمک فارحمنی دعای حضرت
موسی بواسطه دفع شر فرعون خواند والله تعالی شر او را از آنحضرت دفع کرد این دعا را نام
شده است بدعای کرب واین دعا را قصه هست که ملخص آن قصه اینست که ولید بن
عبد الملک بصالح بن عبد الله که عامل او بود در مدینه نوشت که حسن بن حسن بن علی را که
در حبس است او را بیرون آور و بمسجد نبی ببر و در آنمسجد پانصد تازیانه بر او بزن پس
صالح او را از زندان بمسجد برد و مردم مدینه جمع شدند وصالح بمنبر رفت که مکتوب
ولید را بخواند پس از منبر بزیر آید و امر کند که حسن را بزنند در اثنای مکتوب خواندن
بود که امام زین العابدین داخل مسجد شد پس مردم راه از برای آنحضرت کشودند تا متوجه
شد بحسن بن حسن پس حضرت با و گفت که دعای کرب را بخوان گفت دعای کرب کدام
فرمود که بگو لا اله الا الله تا آخر پس امام زین العابدین بیرون رفت وحسن
این دعا را مکرر میخواند پس چون صالح از قرائت مکتوب فارغ شد از منبر بزیر آمد و
الله تعالی در دل او رحم انداخت از برای حسن بن حسن و گفت این مرد را مظلوم می‌بینم
نوعی او را تاخیر اندازید تا بخلیفه حال او را اعلام کنم پس در باب او چیزی بولید
نوشت واو را از بند رها کرد ودعا اینست لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله

دعای موسی

الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع
وما فیهن وما بینهن وما تحتهن ورب العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد
لله رب العالمین اللهم انی ادرا بک فی نحره واستعینک علیه فاکفنیه بما

شئت

شئت دعای دیگر که حضرت موسی در وقت داخل شدن بر فرعون خواند وایشان را
بلباس عافیت وجنه وقایه خود را با و پوشانید و آن دعا اینست اللهم بدیع السموات
والارضین الذی نواصی العباد بیدک فان فرعون وجمیع اهل السموات و
اهل الارض وما بینهما عبیدک ونواصیهم بیدک وانت تصرف القلوب حیث
شئت اللهم انی اعوذ بک من شره واسئلک بخیرک من خیره عز جارک وجل
ثناؤک ولا اله غیرک کن لنا جارا من فرعون وجنوده سعد بن عبد الله دعای
یوشع را در کتاب فضل الدعاء از حضرت امام رضا روایت کرده است وملخص آنچه
در ثواب آن ذکر کرده است اینست که یکروز حضرت پیغمبر نماز کرد و فرمود الصلوة جامعة
جمیع مردم جمع شدند وآنحضرت بر منبر رفت وبا او صحیفه بود که در آن صحیفه کتاب
وصی موسی یوشع بن نون بود و در آن نوشته بود که ان ربکم بکم لرؤف رحیم الا ان
خیر عباد الله التقی الخفی وان شر عباد الله المشار الیه بالاصابع فمن احب ان یکتال
بالمکیال الاوفی وان یؤدی الحقوق التی افترض الله تعالی علیه وانعم علیه بها فلیقل
کل یوم سبحان الله کما ینبغی لله تا آخر یعنی بدرستیکه خدای تعالی بشما مهربان و بخشاینده
آگاه باشید بدانید که بهترین بندگان خدا کسیست که پرهیزگار باشد و کسی او را
نداند واز مردم پنهان باشد وبدترین بندگان خدا کسیست که مردم بانگشت بسوی او
اشاره کنند پس کسیکه خواهد که اعمال او بمکیال وافی تر کشیده شود وخواهد که
حقوقی را که خدا بر او واجب کرده است بجا آورد وشکر نعمت خدا را ادا کند باید که
هر روز این دعا را بخواند که سبحان الله تا آخر وچون این دعا را بخوانی حاجتی که داشته باشی
بخواه که بر آورده میشود ودشمنی که داشته باشی بر طرف شود ودینی که داشته باشی
ادا شود وستمی که داشته باشی بر طرف شود وکلام آن آسمانها را بشکافد تا آنکه در
لوح محفوظ نوشته شود وحضرت یوشع را دعای دیگر هست که در فصل سی و یکم
خواهد آمد دعای دیگر حضرت یوشع بن نون اینست سبحان الله کما ینبغی لله تا آخر
وذکر آن در فصل پانزدهم گذشت دعای حضرت خضر والیاس اینست بسم الله الرحمن

دعای خضر

الرحیم ما شاء الله تا آخر ودر فصل شانزدهم گذشت دعای دیگر از حضرت خضر که هر کس
که آنرا بخواند یا بشنود تا یکسال از وسوسه ایمن میشود یا شامخا فی علوه یا قریبا فی

الشعبانیه

بی نوم یا متدانیا فی بعده یا دانیا فی رحمته یا مخرج النبات یا دائم الثبات یا
محیی الاموات یا ظهر اللاجین یا جار المستجیرین یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین
یا صریخ المستصرخین یا عماد من لا عماد له یا سند من لا سند له یا ذخر من لا
ذخر له یا حرز من لا حرز له یا حرز الضعفاء یا عظیم الرجاء یا منقذ الغرقی یا محیی
الموتی یا امان الخائفین یا اله العالمین یا صانع کل مصنوع یا جابر کل کسیر یا
صاحب کل غریب یا مونس کل وحید یا قریبا غیر بعید یا شاهدا غیر غائب یا
غالبا غیر مغلوب یا حیا حین لا حی یا حی یا محیی الموتی یا حیا لا اله الا انت و
خضر را دعای دیگر هست که بعد فصل پنجم گذشت که در عقب هر نماز و لجی خوانده میشود
و در روایت واقع شده است که حضرت خضر و الیاس در هر موسم حج با هم جمع میشوند
و در وقت جدا شدن این دعا را میخوانند و هر کس این دعا را در وقت صبح و شام سه بار
بخواند ایمن میشود از دزد و سوختن و غرق شدن و خضر را دعای دیگر هست که در فصل
چهل و چهارم در عمل ماه شعبان مذکور خواهد شد ان شاء الله و آن دعا اینست که در
شب نیمه شعبان خوانده میشود و دعای حضرت یونس بن متی است صاحب کتاب حیوة
الحیوان در آن کتاب ذکر کرده است که پیغمبر فرمود که بدرستیکه من کلمه میدانم که هر
مکروبی که آن را بخواند الله تعالی کرب و اندوه او را برطرف کند و هر بنده مسلمانی که
آن را بخواند خدا دعای او را مستجاب کرداند و آن دعای برادرم یونس است که الله
آن را در کتاب خود حکایت کرده است و آن اینست که لا اله الا انت سبحانك انی کنت
من الظالمین و شیخ طبرسی در کتاب جامع الجوامع ذکر کرده است که چون قوم یونس
از عذاب ترسیدند گفتند اللهم ان ذنوبنا قد عظمت وجلت وانت اعظم
منها واجل فافعل بنا ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله و باز شیخ
طبرسی در کتاب مجمع البیان نقل کرده است که قوم یونس در وقت ترس گفتند یا
حی حین لا حی یا محیی الموتی یا حی لا اله الا انت پس الله تعالی عذاب را از ایشان
برداشت دعای حضرت هود ع از حضرت صادق مرویست که حضرت پیغمبر چون
داخل مسجد شد مردی را دید که در سجده بود و میگفت که ما علیك یا رب لو
ارضیت عن کل من له قبلی تبعة وغفرت لی ما بینی و بینك وادخلنی

دعای حضرت یونس

دعای هود ع

بکرمك

الجنة فان مغفرتك للظالمین و انا من الظالمین آنحضرت فرمود که سر خود را
برداشت که خدا دعای ترا مستجاب کرداند و این دعا ایست که هر بنده مومنی که
باین دعا کند خدا دعای او را مستجاب میکرداند و این دعای برادرم هود است دعای
حضرت داود مرویست چون حضرت داود الله تعالی را باین تحمید حمد کرد الله تعالی باو
وحی فرستاد که ای داود تعب انداختی حفظه را در نوشتن ثواب آن و آن این است
اللهم لك الحمد دائما مع دوامك ولك الحمد باقیا مع بقائك ولك الحمد خالدا
مع خلودك ولك الحمد كما ینبغی لكرم وجهك وعز جلالك یا ذا الجلال والاكرام
دعای حضرت سلیمان این دعا را بر قفل بسته میخواند و آن قفل کشوده شد و آن اینست
اللهم بنورك اهتدیت وبفضلك استغنیت وبنعمتك اصبحت وامسیت
هذه ذنوبی بین یدیك استغفرك منها واتوب الیك دعای آصف بن برخیا
مرویست که آصف باین دعا تخت بلقیس را حاضر ساخت و عیسی باین دعا مرده
زنده کرد و آن دعا اینست اللهم انی اسئلك بانك انت الله لا اله الا انت
الحی القیوم الطاهر المطهر نور السموات والارضین عالم الغیب والشهادة الكبیر
المتعال الحنان المنان ذو الجلال والاكرام ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بی
كذا وكذا و آصف را دعای دیگر هست که در فصل بعد از این مذکور خواهد شد دعای حضرت
عیسی ع مرویست که چون حضرت عیسی این دعا را خواند الله تعالی او را باسمان برد و از
شر یهودان او را نجات داد و این دعا را سعد بن هبة الله راوندی در کتاب قصص
الانبیا باسناد خود از حضرت صادق روایت کرده است و او از آبا خود و ایشان از
پیغمبر روایت کرده اند که حضرت فرمود که چون یهود اجتماع کردند بر قتل عیسی جبرئیل
نازل شد و بپر و جناح خود عیسی را پوشانید چون نگاه کرد این دعا را دید که بر جناح
جبرئیل نوشته بود آن را خواند الله تعالی او را بسوی خود برد پیغمبر فرمود که ای فرزندان
عبد المطلب باین دعا حاجات خود را بخواهید که سوگند بآن خدائیکه نفس من در دست
اوست که هر بنده که این دعا را بخواند عرش الهی بحرکت میاید و الله تعالی بملائکه خود
میگوید که ای ملائکه گواه باشید که دعای بنده خود را اجابت کردم و مطلب او را از
در دنیا و آخرت دادم پس خدا را سوال کنید باین دعا که در آن دنوی باجابت مقرون

دعای داود

دعای سلیمان

دعای عیسی

میشود و آن دعا اینست اللهم انی ادعوک باسمک العظیم الواحد الاحد الاعز
و ادعوک اللهم باسمک الصمد و ادعوک اللهم باسمک العظیم الوتر و ادعوک
اللهم باسمک الکبیر المتعال الذی هو اثبت ارکانک کلها ان تصلی علی محمد
و ان تکشف عنی ما اصبحت فیه و امسیت و بیان ادعیه که منسوبست بحضرت
محمد و آل زیاده از آنست که توان شمرد و بنهایت آن توان رسید و از آن دعاها ما در
این مقام ادعیه شریفه آنحضرت را ذکر میکنیم بعضی از آن ادعیه دعائیست که در کتاب
شهاب قضاعی مذکور است و آن اینست اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع و
قلب لا یخشع و دعاء لا یسمع و نفس لا تشبع اعوذ بک من شر هؤلاء الاربع اللهم
انی اعوذ بک ان اضل و اضل او اذل او اذل او اظلم او اظلم او اجهل او یجهل

دعای محمد صلی الله علیه و آله

علی و بعضی دیگر از آن دعائیست که پیغمبر در روز بدر خواند و آن اینست اللهم انت
ثقتی فی کل کرب و انت رجائی فی کل شدیدة و انت لی فی کل امر نزل بی ثقة و
عدة فکم من کرب یضعف فیه الفؤاد و تقل فیه الحیلة و یخذل فیه القریب
و یشمت به العدو و تعیینی فیه الامور انزلته بک و شکوته الیک راغبا فیه
الیک عمن سواک ففرجته و کشفته عنی و کفیتنیه فانت ولی کل نعمة و
صاحب کل حاجة و منتهی کل رغبة فلک الحمد کثیرا و لک المن فاضلا و بنعمتک
تتم الصالحات یا معروفا بالمعروف یا من هو بالمعروف موصوف انلنی من معروفک
معروفا تغنینی به عن معروف من سواک برحمتک یا ارحم الراحمین و بعضی دیگر دعائیست
که آنحضرت روز احد خواند در وقتیکه مردم از آنحضرت متفرق شدند و او را تنها گذاشتند
و این دعا از حضرت صادق مرویست و آن اینست اللهم لک الحمد و الیک المشتکی و انت
المستعان و بعضی دیگر دعای لیلة الاحزابست که آنرا حسین بن سعید در کتاب الدعا و
الذکر خود ذکر کرده است از امام محمد باقر و مرویست از صادق که چون پیغمبر این دعا را خواند
جبرئیل نازل شد و گفت ای محمد بدرستیکه دعای ابرهیم را خواندی در وقتیکه او را در آتش
انداختند و دعای یونس در وقتیکه در شکم ماهی بود این دعا را خواند و این روایت را ابن طاوس
در کتاب مهج الدعوات روایت کرده است و آن اینست که یا صریخ المکروبین و یا مجیب
دعوة المضطرین اکشف عنی همی و غمی و کربی فانک تعلم حالی و حال اصحابی فاکفنی

هول عدوی فانه لا یکشفه غیرک و بعضی دیگر دعائیست که آنحضرت در روز احد
خواند و این دعا را عبدالله بن عمار انصاری در جزو پنجم کتاب خود از صادق روایت
کرده است و آن اینست الحمد لله وحده لا شریک له الحمد لله الذی ادعوه فیجیبنی
و ان کنت بطیئا حین یدعونی و الحمد لله الذی اسأله فیعطینی و ان کنت بخیلا حین
یستقرضنی و الحمد لله الذی استغفره فیعافینی و ان کنت متعرضا للذی نهانی
عنه و الحمد لله الذی اخلوا به کلما شئت فی سری و اضع عنده ما شئت من امری من
غیر شفیع فیقضی لی حاجتی و الحمد لله الذی وکلنی الیه الناس فاکرمنی و لم یکلنی
الیهم فیهینونی و کفانی بتدبیر رزق و لطف بی ربی لما جفونی فلک الحمد رضیت
بلطفک یا رب لطفا و رضیت بکنفک یا رب کنفا و بعضی دیگر دعای آنحضرتست
که در روز حنین خواند و آن اینست رب کنت و تکون حیا و لا تموت تنام العیون
و تنکدر النجوم و انت حی قیوم لا تأخذک سنة و لا نوم و بعضی دیگر دعائیست که
آنحضرت در روز خیبر خواند و از جبرئیل بود و آن اینست اللهم انی اسئلک تعجیل
عافیتک و صبرا علی بلیتک و خروجا من الدنیا الی رحمتک و بعضی دیگر دعائی
که آنحضرت در غار خواند و آن اینست یا مونس المستوحشین و یا انیس المنفردین
و یا ظهر المنقطعین و یا مال المعیلین و یا قوة المستضعفین و یا کنز الفقراء
و یا موضع شکوی الغرباء و یا متفردا بالجلال و یا معروفا بالنوال و یا کثیر الافضال
اغثنی عند کربتی و صلی الله علی محمد و آله اجمعین ادعیه که از حضرت امیر المؤمنین

دعای حضرت امیر المؤمنین

مرویست بسیار است و محصور در عددی نیست در کتاب نهج البلاغه از حضرت
امیر المؤمنین مذکور است که از جمله ادعیه علی این دعا است اللهم اغفر لی ما انت
اعلم به منی فان عدت فعد علی بالمغفرة اللهم اغفر لی ما وایت من نفسی و لم
تجد له وفاء عندی اللهم اغفر لی ما تقربت به الیک ثم خالفه قلبی اللهم
اغفر لی رمزات الالحاظ و سقطات الالفاظ و سهوات الجنان و هفوات اللسان
و در کتاب دفع الهموم و الاحزان مذکور است که در لیلة الهریر ابن عباس به علی گفت که آیا
نمی بینی که دشمنان خیمهای خود را بما دوخته اند آنحضرت فرمود که ای ابن عباس ترسیدی
گفت بلی آنحضرت فرمود که بگو اللهم انی اعوذ بک من ان اضام فی سلطانک اللهم

إني أعوذ بك من أن أضل في هداك اللهم إني أعوذ بك أن أفتقر في غناك
اللهم إني أعوذ بك أن أضيع في سلامتك اللهم إني أعوذ بك أن أغلب والأمر
لك و در کتاب صفین که تصنیف عبد العزیز جلودیست مذکور است که چون اصحاب
علی در روز صفین در تحت لوا صف زدند برای قتال آنحضرت گفت بسم الله الرحمن
الرحیم لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم اللهم إياك نعبد وإياك نستعين
يا الله يا رحمن يا رحيم يا أحد يا صمد يا إله محمد إليك نقلت الأقدام وأفضت
القلوب وشخصت الأبصار ومدت الأعناق وطلبت الحوائج ورفعت الأيدي
اللهم افتح بيننا وبين قومنا بالحق وأنت خير الفاتحين و بعد از آن سه بار گفت لا إله
إلا الله والله أكبر و در کتاب دعا و ذکر حسین بن سعید اهوازی از حضرت صادق
مرویست که در روز صفین چون مردم از برای جنگ مهیا شدند امیر المؤمنین بسوی
قبله کرد و گفت اللهم رب هذا السقف المرفوع المكفوف المحفوظ الذي جعلته
مغيض الليل والنهار وجعلت فيه مجاري الشمس والقمر ومنازل الكواكب و
النجوم وجعلت ساكنه سبطا من الملائكة لا يسأمون العبادة ورب هذه
الأرض التي جعلتها قرارا للناس والأنعام والهوام ومما تعلم وما لا تعلم مما
نرى وما لا نرى من خلقك العظيم ورب الجبال التي جعلتها للأرض أوتادا و
للخلق متاعا ورب البحر المسجور المحيط بالعالم ورب السحاب المسخر بين السماء و
الأرض ورب الفلك التي تجري في البحر بما ينفع الناس إن أظهرتنا على عدونا
فجنبنا الكبر وسددنا للرشد وإن أظهرتهم علينا فارزقنا الشهادة واعصم
بقية أصحابي من الفتنة و بعضی از ادعیه حضرت فاطمه که آنرا ابن طاوس در مهج
خود ذکر کرده است و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم برحمتك أستغيث
فأغثني ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين وأصلح لي شأني كله و بعضی دیگر از ادعیه
دعائیست که بسبب آن الله تعالی محبوس را نجات میدهد و آن در فصل بیست و دوم
گذشت و بعضی دیگر از آن دعائیست که آنحضرت در عقب نماز میخواند که بآنحضرت منسوب است
و ذکر آن در فصل سی و هفتم در نمازهای روز جمعه مذکور خواهد شد این دعا
بسیار عظیم الشان و جلیل القدر است و آنرا ابو الفضل محمد بن المطلب الشیبانی در جزو

دعای حضرت فاطمه

سیم امالی خود باسناد خود از امام حسین روایت کرده است و آنحضرت از والده
خود فاطمه زهرا روایت کرده است و آنحضرت فرمود که حضرت پیغمبر فرمود که ای
دختر من آیا ترا دعائی تعلیم کنم که هر کس آنرا بخواند دعای او مستجاب شود و سحر
بهر او کار نکند و دشمن او شماتت نکند و شیطان متعرض او نشود و رحمن از
او اعراض نکند و هیچ دعای او رد نشود و جمیع حوائج او بر آورده شود پس من
گفتم که ای پدر این دعا از نزد من دوستتر است از کل دنیا و آنچه در دنیاست پس
آنحضرت فرمود که بگو یا أعز مذکور و أقدمه قدما تا آخر بدرستیکه هر گاه اینرا
بخوانی ملائکه ترا تصدیق کنند و بگویند نعم نعم و آن دعا اینست یا أعز مذكور و
أقدمه قدما في العز والجبروت يا رحيم كل مسترحم ومفزع كل ملهوف إليه
يا راحم كل حزين يشكو بثه وحزنه إليه يا خير من سئل المعروف منه وأسرعه
إعطاء يا من يخاف الملائكة المتوقدة بالنور منه أسألك بالأسماء التي تدعوك
بها حملة عرشك ومن حول عرشك بنورك يسبحون شفقة من خوف عقابك
وبالأسماء التي يدعوك بها جبرئيل وميكائيل وإسرافيل إلا أجبتني وكشفت
يا إلهي كربي وسترت ذنوبي وغفرت يا من أمر بالصيحة في خلقه فإذا هم بالساهرة
يحشرون وبذلك الاسم الذي أحييت به العظام وهي رميم أحي قلبي واشرح صدري
وأصلح شأني يا من خص نفسه بالبقاء وخلق لبريته الموت والحياة والفناء
يا من فعله قول وقوله أمر وأمره ماض على ما يشاء أسألك بالاسم الذي دعاك
به إبراهيم خليلك حين ألقي في النار فاستجبت له وقلت يا نار كوني بردا وسلاما
على إبراهيم وبالاسم الذي دعاك به موسى من جانب الطور الأيمن فاستجبت له و
بالاسم الذي خلقت به عيسى من روح القدس وبالاسم الذي وهبت به على داود
وسخرت به لسليمان الريح تجري بأمره والشياطين وعلمته منطق الطير وبالاسم
الذي خلقت به العرش وبالاسم الذي خلقت به الكرسي وبالاسم الذي خلقت
به الروحانيين وبالاسم الذي خلقت الجن والإنس وبالاسم الذي خلقت به
جميع الخلق وبالاسم الذي خلقت به جميع ما أردت من شيء وبالاسم الذي قدرت
به على كل شيء أسألك بهذه الأسماء إلا ما أعطيتني سؤلي وقضيت حوائجي يا كريم

و از جمله ادعیهٔ امام حسن دعائیست که از پدر بزرگوار خود فرا گرفت و آن اینست یا عدتی عند کربتی یا غیاثی عند شدتی یا ولیی فی نعمتی یا منجحی فی حاجتی یا مفزعی فی ورطتی یا منقذی من هلکتی یا کالئی فی وحدتی صل علی محمد و آل محمد اغفر خطیئتی و یسر لی امری و اجمع شملی و انجح لی طلبتی و اصلح لی شأنی و اکفنی ما اهمنی و اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و لا تفرق بینی و بین العافیة ابدا ما ابقیتنی و فی الآخرة اذا توفیتنی برحمتک یا ارحم الراحمین و از جملهٔ ادعیهٔ امام حسین اینست اللهم انی اسئلک توفیق اهل الهدی و اعمال اهل التقوی و مناصحة اهل التوبة و عزم اهل الصبر و حذر اهل الخشیة و طلب اهل العلم و زینة اهل الورع و خوف اهل الجزع حتی اخافک اللهم مخافة تحجزنی عن معاصیک و حتی اعمل بطاعتک عملا استحق به کرامتک و حتی اناصحک فی التوبة خوفا لک و حتی اخلص لک فی النصیحة حبا لک و حتی اتوکل علیک فی الامور حسن ظن بک سبحان خالق النور سبحان الله العظیم و بحمده حدیث طویلی که در اصل کتاب بآن اشاره کردیم نزدیک بسه ورق میشود در بیان ادعیه که از امام حسین و فرزندان او و احادیث از حضرت کاظم مرویست و آنحضرت آنحدیث را از پدر خود و پدر او و پدران خود روایت کرده است و ایشان از پیغمبر روایت کرده اند و ملخص آنحدیث اینست که هر مخلوقیکه دعای امام حسین را بخواند الله تعالی او را در قیامت با حضرت امام حسین حشر میکند و آنحضرت در آخرت شفیع او خواهد شد و الله تعالی اندوهرا از او زایل میکرداند و سبیل او را واضح میکرداند و او را بر دشمن او نصرت میدهد و پرده او را نمیدرد و سینه او را میگشاید و در وقتیکه او را قبض روح میکند الله تعالی کلمهٔ شهادت را تلقین او میکند و در وقت فراغ از نماز باید عا را باید بخواند و کسیکه دعای علی بن الحسین را بخواند الله تعالی او را با آنحضرت حشر میکند و همچنین تا آخر ائمه کسیکه دعای هر کدام از ایشانرا بخواند خدا او را با او حشر میکند و باید ختم کنیم ما این ادعیه را بادعیه که منسوبست بحضرت امام حسین و فرزندان آنحضرت و نقل کرده ام من این ادعیه را از حدیث طویلی باسناد صحیح از پیغمبر اول از حضرت امام حسین است که آنرا بعد از نماز فریضه باید خواند و آن اینست اللهم

دعای حضرت امام حسن و امام حسین

دعاهای سایر ائمه

انی اسئلک بکلماتک و معاقد عرشک و سکان سمواتک و ارضک و انبیائک و رسلک ان تستجیب لی فقد رهقنی من امری عسرا فاسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی من عسری یسرا دویم از حضرت علی بن الحسین است و آن اینست یا دائم یا قائم یا دیموم یا حی یا قیوم یا کاشف الغم یا فارج الهم یا باعث الرسل و یا صادق الوعد صل علی محمد و آل محمد و افعل بی ما انت اهله سیم از حضرت امام محمد باقر است و آن اینست اللهم ان کان لی عندک رضوان و ود فاغفر لی و لمن اتبعنی من اخوانی و شیعتی و طیب لی ما فی صلبی برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آل محمد چهارم از حضرت صادق است و آن اینست یا دیان غیر متوان یا ارحم الراحمین اجعل لشیعتی من النار وقاء و عندک رضی و اغفر ذنوبهم و یسر امورهم و اقض دیونهم و استر عوراتهم و هب لهم الکبائر التی بینک و بینهم یا من لا یخاف الضیم و لا تأخذه سنة و لا نوم اجعل لی من کل غم فرجا و مخرجا پنجم از کاظم است و آن اینست یا خالق الخلق و یا باسط الرزق و فالق الحب و بارئ النسم و محیی الموتی و ممیت الاحیاء و دائم الثبات و مخرج النبات افعل بی ما انت اهله و لا تفعل بی ما انا اهله فانک اهل التقوی و اهل المغفرة ششم از حضرت امام رضا است و آن اینست اللهم اعطنی الهدی و ثبتنی علیه امنا امن من لا خوف علیه و لا حزن و لا جزع انک اهل التقوی و اهل المغفرة هفتم از امام محمد تقی است یا من لا شبیه له و لا مثال انت الله لا اله الا انت و لا خالق الا انت تفنی المخلوقین و تبقی انت حلمت عمن عصاک و فی المغفرة رضاک هشتم از امام علی نقی است و آن اینست یا نور یا برهان یا مبین یا منیر یا رب اکفنی شر الشرور و آفات الدهور و اسئلک النجاة یوم ینفخ فی الصور نهم از امام حسن عسکری است و آن اینست یا عزیز العز فی عزه ما اعز عزیز العز فی عزه اعزنی بعزک و ایدنی بنصرک و ابعد عنی همزات الشیاطین و ادفع عنی بدفعک و امنع عنی بمنعک و اجعلنی من خیار خلقک یا واحد یا احد یا فرد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد دهم از صاحب الزمان است و آن اینست یا نور النور یا مدبر الامور یا باعث من فی القبور صل علی محمد و آل

بی ظ

و اطرد ظ

محمد واجعل له ولشيعته من الضيق فرجا ومن الهم مخرجا واوسع لنا المنهج واطلق
لنا من عندك ما يفرج وافعل بنا ما انت اهله يا كريم تتمه بدانکه حضرت صاحب
الامر را دو دعای دیگر هست که خفیف است بر زبان و ثقیل است بر میزان سزاوار
آنست که این دو دعا را در این مقام ذکر کنیم دعای اول را از کتاب مهج الدعوات نقل
کرده ام و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا مالک الرقاب ویا هازم الاحزاب یا مفتح
الابواب یا مسبب الاسباب سبب لنا سببا لا نستطیع له طلبا بحق لا اله
الا الله محمد رسول الله صلوات الله علیه وآله اجمعین دعای دویم را از
کتاب دعوات مستجابات نقل کرده ام و آن اینست الهی بحق من ناجاک وبحق من
دعاک فی البر والبحر صل علی محمد وآل محمد وتفضل علی فقراء المؤمنین والمؤ
بالغنی والسعة وعلی مرضی المؤمنین والمؤمنات بالشفاء والصحة وعلی احیاء
المؤمنین والمؤمنات باللطف والکرامة وعلی اموات المؤمنین والمؤمنات بالمغفرة
والرحمة وعلی غرباء المؤمنین والمؤمنات بالرد الی اوطانهم سالمین بحق محمد و
آله اجمعین **فصل بیست و یکم** در بیان مجملی از آنچه مرقوم شده است در اسم اعظم بدانکه
اقوال بسیار در اسم اعظم واقع شده است که جمیع آنها در کتاب مصنفی و مجموعه مؤلفی
نمیگنجد و ما از انجمله چند قول در این کتاب ذکر میکنیم قول اول آنست که اسم اعظم الله
بواسطه آنکه مشهورترین اسماء الله است و مرتبه او در ذکر و دعا اعلی از مجموع
اسماء است و او پیشوای جمله اسماء الله است و کلمه اخلاص مخصوص باوست و شهادت
باو واقع میشود و از باقی اسماء ممتاز است بخواص چند که بعد ازین مذکور میشود
در شرح اسماء حسنی و صاحب عین گفته است که این قول اقرب است زیرا که در این
معنی بسیار واقع است قول دویم آنست که اسم اعظم البته در قرآنست قول سیم آنست
که اسم اعظم در نود و نه نام که اسماء حسنی است عبارت از آنست واقع است البته
قول چهارم آنست که اسم اعظم الله الرحمن است قول پنجم آنست که اسم اعظم یا حی یا قیوم
و بزبان عبری اهیا شراهیا است قول ششم آنکه اسم اعظم یا ذا الجلال والاکرام است قول
هفتم آنکه یا الهنا واله کل شیء الها واحدا لا اله الا انت است و این چهار قول
شیخ طبرسی در کتاب مجمع البیان ذکر کرده است قول هشتم آنکه الله والحی والقیوم است

در اسم اعظم

لفظ

قول نهم

قول نهم آنکه بسم الله الرحمن الرحیم است و این قول از صادق است قول دهم یا
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام است یازدهم آنکه اسم اعظم در سه
آیه آخر سوره حشر است لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره و این قول
از پیغمبر مرویست دوازدهم آنکه در آیه ملک است قل اللهم مالک الملک تا وترزق
من تشاء بغیر حساب سیزدهم آنکه در سه سوره مذکور است در سوره بقره آیة
الکرسی و در سوره آل عمران الله لا اله الا هو الحی القیوم است و در سوره طه و
عنت الوجوه للحی القیوم است و این قول نیز از پیغمبر است چهاردهم آنکه محمد بخاری
در کتاب تذییل از حضرت پیغمبر روایت کرده است که اسم اعظم داخل است در قول
الله تعالی که فرموده است والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم و در قول
الله تعالی که فرموده است الله لا اله الا هو الحی القیوم پانزدهم آنکه الله تعالی
در عقب پنج ربنا فرموده است فاستجاب لهم ربهم دلیل است بر آنکه اسم اعظم
ربنا است زیرا که استجابت علامت اسم اعظم است و از حضرت صادق مرویست که
کسی را که امری آزرده کند پنج مرتبه بگوید ربنا الله تعالی او را نجات میدهد از آن
چیزیکه میترسد از او و آنچه میخواهد الله تعالی باو میدهد و این پنج ربنا پنج آیه که در
آخر آل عمرانست که اول آن ان فی خلق السموات والارض است تا آخر مذکور است
و مراد حضرت صادق آنکه فرموده است پنج ربنا باید گفت برای دفع حزن ایشان این پنج
ربنا است که در این پنج آیه است آنکه اسم اعظم الله لا اله الا هو الرحمن الرحیم است
بعضی گفته اند که این اسم اعظم در این سوره بواسطه تکرار لفظ هو هو است در این
سوره و بعضی گفته اند بواسطه آنکه لا اله الا هو است هفدهم آنکه اسم اعظم
ربنا است و این قول صادق است هجدهم آنکه صاحب در کتاب مستوی معالم الحکم
از حضرت علی روایت کرده است که اسم اعظم از اول سوره حدید است تا قول الله تعالی
که فرموده است علیم بذات الصدور و از براء بن عازب مرویست که گفت یکروز بحضرت
علی بن ابی طالب رفتم و گفتم که بخدا سؤال میکنم ترا که مخصوص گردانی مرا باسم اعظم
همچنانکه حضرت پیغمبر ترا بآن مخصوص گردانید آنحضرت فرمود که اگر قسم نمیدادی
مرا برای تو تفسیر نمیکردم آنرا هرگاه خواهی که الله تعالی را باسم اعظم بخوانی اول سوره

حدید و انما علیم بذات الصدور بخوان پس مرا گفت بخدا سوگند که بواسطهٔ دنیا
نمیخوانم آنرا آنحضرت فرمود که خوب میکنی حضرت پیغمبر مرا باین وصیت کرده است و
مرا امر کرده است که در امور دشوار آنرا بخوانم اگر آنرا بر شقی بخوانی هر آینه سعید میشود
و در آخر سورهٔ حشر از قول الله تعالی که فرموده است لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره
مذکور است چون آخر سورهٔ حشر را بخواند هر دو دست خود را بردارد و بگوید یا من هو
هکذا اسئلک بحق هذه الاسماء ان تصلی علی محمد و آل محمد و بعد از آن حاجت خود را
بخواهد که روا میشود انشاء الله هیجدهم انکه یا ارحم الراحمین اسم اعظم است نوزدهم
انکه لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین اسم اعظم است بیستم انکه خیر
الوارثین اسم اعظم است بیست و یکم انکه حسبنا الله و نعم الوکیل است بیست و
دوم انکه القریب است بیست و سیم انکه الوهاب اسم اعظم است بیست و چهارم انکه
الغفار است بیست و پنجم انکه السمیع الدعاء اسم اعظم است بیست و ششم انکه السمیع
العلیم است بیست و هفتم انکه الودود ذو العرش المجید فعال لما یرید اسم اعظم
بیست و هشتم انکه اسم اعظم توکلت علی الحی الذی لا یموت است بیست و نهم انکه
اسم اعظم در میان دو لفظ الله است در سورهٔ انعام سی ام انکه اسم اعظم در سورهای
حوامیم داخل است سی و یکم انکه در سورهٔ یس داخل است سی و دوم انکه در میان
حوامیم و نون داخل است از حضرت علی ع مرویست که هر چیز که هست خلاصه دارد و
خلاصه و برگزیدهٔ قرآن حروف تهجی است و شعبی گفته است که الله تعالی را در کتابی سریست
و سر آن در قرآن حروف تهجی است و از سعید بن جبیر مرویست این حروف مقطعه اسما
حسنی الله تعالی است اگر مردم تالیف آنها را بدانند اسم اعظم خدا را میدانند گفته اند
که الرحمن اسم الرحمن است تا ما نمیدانیم وصل همه را کسیکه وصل کردن همه را بداند
اسم اعظم را که دعا بان مستجاب میشود میداند چنانچه شیخ طبرسی در مجمع البیان ذکر کرده است
سی و سیم انکه در حروف تهجی که در اول سورهای قرآنست که بعد از حذف حروف مکرر
علی صراط حق نمسکه انها جمع کرده است و عدد آن بحساب جمل ششصد و نود و سه است
سی و چهارم انکه المتکبر اسم اعظم است بواسطهٔ انکه مشتمل است بر عدد اصول جمیع حروف
نورانیه که آن حروف مقطعه است که ذکر کردیم که عدد آن ششصد و نود و سه است

سی و پنجم

سی و پنجم از حضرت صادق ع مرویست که بعضی از اصحاب خود گفت که آیا اسم اعظم را تعلیم
کنم بتو گفت بلی آنحضرت فرمود که الحمد و توحید و آیة الکرسی و قدر را بخوان و بعد از
آن روی بقبله کن و دعا کن بآنچه میخواهی که مستجاب میشود و این روایت را شیخ محمد بن
حسن بن فروخ صفار در کتاب فضل الدعا ذکر کرده است و آن موافق جمیع اخبار است
سی و ششم انکه الله لا اله الا هو است از حضرت صادق ع مرویست که فرمود که اسم
اعظم در سورهٔ فاتحة الکتاب داخل است و بدرستیکه این سوره را اگر هفتاد بار بر
مرده بخوانند و بعد از آن روح او ببدنش روان شود تعجب نیست در آن و این روایت را
شیخ مفید در کتاب تبصره ذکر کرده است سی و هفتم از حضرت امام رضا ع مرویست
که کسیکه بعد از نماز صبح صد بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم نزدیکتر است باسم اعظم از سیاهی چشم بسفیدی آن و داخل
است در آن اسم اعظم الله تعالی سی و هشتم انکه اسم اعظم داخل است در این دعا که
اللهم لا اله الا انت یا ذا المعارج و القوی اسئلک بسم الله الرحمن الرحیم و
بما انزلته فی لیلة القدر ان تجعل لی من امری فرجا و مخرجا و اسئلک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لی خطیئتی و تقبل توبتی یا ارحم الراحمین
و این روایت را صاحب کتاب فواید جلیه ذکر کرده است سی و نهم ابو محمد جرجی در
کتابی که دعوات نبوی را در آن جمع کرده است گفته است که اسم اعظم در این دعا
داخل است اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت یا حنان یا منان
یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام چهلم در کتاب تحصیل از پیغمبر
روایت کرده است که اسم اعظم در این دعا داخل است اللهم انی اسئلک بانک
انت الله لا اله الا انت الاحد الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا
احد چهل و یکم از حضرت پیغمبر مرویست که اسم اعظم در این دعا داخل است اللهم
انی اسئلک باسمائک الحسنی کلها ما علمت منها و ما لم اعلم و اسئلک باسمک
العظیم الاعظم الکبیر الاکبر چهل و دوم انکه اسم اعظم داخل است در دعایی که
بسبب آن آفتاب برگشت از برای یوشع بن نون و آن دعا اینست اللهم انی اسئلک
باسمک الطاهر الطهر المقدس المبارک المکنون المخزون المکتوب علی سرادق

الحمد و سرادق المجد و سرادق القدرة و سرادق السلطان و سرادق السرائر
ان تعول یا رب بان لک الحمد لا اله الا انت النور البار الرحمن الرحیم الصادق
عالم الغیب والشهادة بدیع السموات والارض و نورهن و قیامهن ذو الجلال
والاکرام حنان نور دائم قدوس حی لا یموت چهل و سیم از پیغمبر مرویست که اسم
اعظم در این دعا مندرج است اللهم انی اسئلک باسمک العظیم و برضوانک الاکبر
چهل و چهارم آنحضرت پیغمبر مرویست که اسم اعظم در این دعا داخل است اللهم انی
اسئلک باسمک الطاهر الطیب المبارک الاحب الیک الذی اذا دعیت به اجبت
واذا سئلت به اعطیت واذا استرحمت به رحمت واذا استفرجت به فرجت
چهل و پنجم از پیغمبر مرویست که اسم اعظم در این دعا داخل است اللهم انی اسئلک
بمعاقد العز من عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم و جدک الاعلی
و کلماتک التامات چهل و ششم از پیغمبر مرویست که اسم اعظم در این دعا مذکور است
اللهم انی اسئلک باسمائک الحسنی ما علمت منها و ما لم اعلم و اسئلک باسمک
الاعظم الذی اذا دعیت به اجبت واذا سئلت به اعطیت فان لک الحمد لا
اله الا انت المنان بدیع السموات والارض ذا الجلال والاکرام چهل و هفتم
در کتاب اغاثة الداعی از حضرت سید الساجدین مرویست که اسم اعظم در این دعا مذکور است
احمد بن عیسی علوی از پدر خود عیسی بن زید روایت کرده است و او از جد خود علی بن الحسین
روایت کرده است که فرمود که دعا کردم که الله تعالی اسم اعظم را بمن تعلیم کند پس یک
شبی ایستاده بودم و نماز میکردم که چشمهای من بخواب رفت در خواب دیدم که پیغمبر
روی بمن کرد و نزدیک من آمد و میان هر دو چشم مرا بوسید گفت که از خدا چه طلب
کردی گفتم ای جد بزرگوار از خدا طلب کردم که اسم اعظم را بمن تعلیم کند آنحضرت فرمود که
ای پسر من با انگشت خود بر کف دست خود بنویس این دعا را که یا الله یا الله یا الله تا آخر
پس حاجت خود را بخواه پس علی بن الحسین فرمود که بخدایی که محمد را برانگیخت که تجربه
کردم آنرا بهمان نوعی بود که علی بن الحسین وصف کرده عیسی بن زید گوید که من تجربه
کردم چنان بود که زید پدرم وصف کرده احمد بن عیسی گوید که من نیز تجربه کردم چنان
بود که ایشان ذکر کرده بودند و اینرا ابن طاوس در مهج الدعوات ذکر کرده است که یا

دعاهای اسم اعظم

الله یا الله وحده لا شریک لک انت المنان بدیع السموات والارض
ذو الجلال والاکرام و ذو الاسماء العظام و ذو العز الذی لا یرام و الهکم اله
واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین پس حاجات خود
از خدا بخواه که روا میشود چهل و هشتم از حضرت پیغمبر مرویست که اسم اعظم در
این دعا نیز مذکور است این دعا را ابن فرا حنیفی در تاریخ خود از علی بن الحسین
روایت کرده است که آنحضرت فرمود که از خدا طلب کردم که اسم اعظم را بمن تعلیم
کند پس دو رکعت نماز کردم دیدم که مردی در پیش روی من نشسته است بمن
گوید که دعای تو مستجاب شد بگو اللهم انی اسئلک باسمک الله الله الله الله
لا اله الا هو رب العرش العظیم چهل و نهم آنکه آن اسم در این دعا داخل است ابو
صالح مزنی گوید که در خواب دیدم که کسی بمن گفت که آیا تعلیم کنم ترا اسم اکبری
که هرگاه باین دعا کنی مستجاب شود گفتم بلی گفت بگو اللهم انی اسئلک باسمک
المخزون تا آخر آن پس من در هیچ دریایی و صحرایی این دعا نکردم مگر آنکه مستجاب
شد برای من که اللهم انی اسئلک باسمک المکنون المبارک المطهر الطاهر
المقدس پنجاهم آنکه اسم اعظم در این دعا داخل است غالب بن قطان گوید که
بیست سال از خدا طلب کردم که مرا تعلیم کند اسم اعظم را که هرگاه باین دعا کنم
مستجاب شود و هرگاه بچیزی از خدا سؤال کنم عطا کند پس شبی در نماز بودم که
شنیدم گوینده میگفت که ای غالب بشنو آنچه طلب میکردی پس بر چشمهای من
خواب غلبه کرده بود و من ایستاده بودم شنیدم گوینده میگفت یا فارج الهم
تا آخر آن و باین دعا هرچه از خدا خواستم بمن داد یا فارج الغم و یا کاشف الهم و یا
موفی العهد و یا حیا لا اله الا انت پنجاه و یکم آنکه اسم اعظم در این دعا داخل
بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا حق یا دائم
یا قائم یا فرد یا صمد یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا نور
السموات والارض و ما بینهما و رب العرش العظیم و یا من لم یلد و لم یولد و لم
یکن له کفوا احد یا کافی یا هادی یا باری یا صادق یا کهیعص یا رب الارباب یا
سید السادات یا ملک الملوک یا ولی الدنیا والاخرة اللهم انت ملک مرتفع

دعای اسم اعظم

المخزون

السّماء ومَلِكُ مَن فِي الارض لا مَلِكَ فيهما غيرُكَ وانتَ حَكَمُ مَن فِي السّماء وحَكَمُ
مَن فِي الارض لا حَكَمَ فيهما غيرُكَ وقُدرتُكَ فِي الارض كقُدرتِكَ فِي السّماء
وسُلطانُكَ فِي الارض كسُلطانِكَ فِي السّماء اسئلُكَ باسمِكَ الكريم ووجهِكَ
المُنير انّكَ على كُلِّ شيءٍ قديرٌ اَن تُصلّيَ على مُحمّدٍ وآلِ مُحمّدٍ واَن تُفرِّجَ عنّي
فرجاً عاجلاً واجعل لي مِن كُلِّ غَمٍّ فرجاً ومَخرجاً ويَسِّر لي كُلَّ عَسيرٍ يا ارحمَ الرّاحمين
پنجاه و دویم آنکه اسم اعظم در این دعا داخل است بسم الله الرّحمن الرّحیم یا الله یا الله
یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا نورُ یا نورُ یا نورُ یا ذا الجلالِ والاکرام یا ذا الجلالِ
والاکرام یا ذا الجلالِ والاکرام پنجاه و سیم ابن ابی لیلا در کتاب دعا ذکر کرده است
الله یا رحمن یا ذا الجلالِ والاکرام اسم اعظم است پنجاه و چهارم آنکه الاحد الصّمد
پنجاه و پنجم ابن ابی قره در کتاب تهجد از حضرت کاظم روایت کرده است که اسم اعظم در این
داخل است یا نورُ یا قدّوسُ یا نورُ یا قدّوسُ یا نورُ یا قدّوسُ یا حیُّ یا قیّومُ سه بار
یا حیّاً لا یموتُ سه بار یا حیّاً حین لا حیَّ سه بار یا حیُّ لا اله الّا انتَ سه بار
اسئلُكَ بلا اله الّا انتَ سه بار اسئلُكَ باسمِكَ بسم الله الرّحمن الرّحیم العزیز
المُبین سه بار پنجاه و ششم آنکه اسم اعظم داخل است در دعائی که حضرت یعقوب آن را
از ملک الموت یاد گرفت و ذکر آن دعا در فصل متقدّم مذکور شد در ادعیهٔ انبیاء
پنجاه و هفتم از حضرت امیر المؤمنین مرویست که اسم اعظم در این دعا داخل است
اللّهمّ انّي اسئلُكَ باسمِكَ المخزونِ المكنونِ العظيمِ الاعظمِ الاجلِّ الاكبرِ البرهانِ
الحيِّ المُهيمنِ القدّوسِ الّذي هو نورٌ مِن نورٍ ونورٌ على نورٍ ونورٌ فوقَ نورٍ ونورٌ
في نورٍ ونورٌ اضاءَ بهِ كُلُّ ظُلمةٍ وكُسِرَ بهِ كُلُّ جبّارٍ رجيمٍ ولا يقومُ بهِ سماءٌ ولا يقومُ
بهِ ارضٌ يأمنُ بهِ خوفُ كُلِّ خائفٍ ويبطُلُ بهِ سِحرُ كُلِّ ساحرٍ وكيدُ كُلِّ حاسدٍ وبغيُ كُلِّ
باغٍ وتتصدّعُ لعظمتِهِ الجبالُ والبرُّ والبحرُ وتحفظُهُ الملائكةُ حتّى تتكلّمَ بهِ و
يجري بهِ الفُلكُ فلا يكونُ للموجِ عليهِ سبيلٌ وتذِلُّ بهِ كُلُّ جبّارٍ عنيدٍ وشيطانٍ
مريدٍ وهو اسمُكَ الاكبرُ الّذي سمّيتَ بهِ نفسَكَ واستويتَ بهِ على عرشِكَ واستقررتَ
بهِ على كُرسيِّكَ يا الله العظيمُ الاعظمُ يا الله النّورُ الاكرمُ يا بديعَ السّمواتِ والارضِ يا
ذا الجلالِ والاكرام اسئلُكَ بعزّتِكَ وجلالِكَ وعظمتِكَ وبركاتِكَ وبحرمةِ مُحمّدٍ و

دعای اسم اعظم

الِهِ الطّاهرين اسئلُكَ بكَ وبهم اَن تُصلّيَ على مُحمّدٍ وآلِ مُحمّدٍ واَن تُعتِقَني و
والديَّ والمؤمنينَ والمؤمناتِ مِنَ النّارِ وصلِّ على مُحمّدٍ وآلِهِ انّكَ حميدٌ مجيدٌ
پنجاه و هشتم از حضرت صادق مرویست که اسم اعظم در حروف معجم داخل است و هر صباح
دعائی که مشتملست بر آن حروف باید خواند و آن دعا اینست که اللّهمّ انّي اسئلُكَ
یا الفَ الابتداءِ و یا باءَ البهاءِ و یا تاءَ التّاليفِ تا آخر و ذکر آن در فصل چهارم در تعقیب
نماز صبح گذشت پنجاه و نهم آنکه این حروف صفت اسم اعظم است ✡ ااام ‍‍ ‍ ه اا الهو
شصتم احمد بن فهد در کتاب عدة الدّاعي ذکر کرده است که یا هو یا هو یا من لا یعلم
ما هو الّا هو اسم اعظم است و این شصت قول در اسم اعظم غیر آنچه ریست که در این کتاب ما
قبل این مذکور شد از ادعیه که اسم اعظم در آنها داخل است مثل دعای جوشن و دعای
مشلول و مجیر و دعای صحیفه و غیر آن خاتمه صاحب کتاب بصائر الدّرجات در این کتاب
ذکر کرده است از حضرت صادق آنکه الله تعالی اسم اعظم را هفتاد و سه حرف کرد داد
بحضرت آدم از آن حروف بیست و پنج حرف بخشید و حضرت نوح را پانزده حرف داد
و ابرهیم را هشت حرف داد و موسی را چهار حرف داد و عیسی را دو حرف داد که
با آن دو حرف عیسی مرده ها را زنده میکرد و اکمه و ابرص را شفا میداد و حضرت محمد را
هفتاد و دو حرف داد و یک حرف را الله تعالی خود اختیار فرمود و در روایت دیگر
از حضرت امام محمّد باقر و امام صادق مرویست که فرمودند که نزد آصف یک حرف بود از اسم اعظم
و بآن حرف تخت بلقیس را پیش از آن آورد که شعاع چشم سلیمان حاضر ساخت و نزد ما
اهل بیت هفتاد و دو حرف موجود است و یک حرف را الله تعالی خود اختیار فرموده
و در کتاب توحید از حضرت صادق مرویست که الله تعالی اسماء خود را چهار جزو کرد
سه اسم را از آن ظاهر ساخت بواسطه آنکه خلق محتاجند بآنها و پنهان کرد از آن
اسم مخزون مکنون را و کرد آن سه را برای هر اسمی از اسماء ظاهره چهار رکن و برای
هر رکنی سی اسم قرار داد پس ارکان دوازده است و اسماء سیصد و شصت اسم است
مثل الرّحمن الرّحیم الملک القدّوس الخالق البارئ الحيّ القیّوم لا تأخذه سنة و لا
نوم العلیم الخبیر السّمیع البصیر الحکیم العزیز الجبّار المتکبّر العلیّ العظیم المقتدر القادر السّلام المؤمن المهیمن المنشئ البدیع الرّفیع الجلیل الکریم الرّزّاق المحیی الممیت الباعث الوارث و همچنین تا آنکه سیصد و شصت اسم تمام شود
و از حضرت امام رضا مرویست که الله تعالی اختیار کرده است برای خود اسم چند که خدا

در اسماء حسنی

بآن میخوانند و اول اسمی از این اسماء که اختیار کرده است نزد الله تعالی العلی العظیم
بواسطه آنکه الله تعالی اعلا و اعظم اشیاء است فصل سی دوم در بیان اسماء حسنی الله
و شرح آنها و بعضی از خواص آنها پس میگوئیم ما که اسماء حسنی را به سه عبارت ایراد می کنیم
در این کتاب عبارت اولی آنچیزیست که از شیخ ابو العباس احمد بن فهد ره در عدة خود
ذکر کرده است و گفته است که حضرت امام رضا روایت کرده است از پدر خود و پدر
او روایت کرده است از پدران او و ایشان روایت کرده اند از علی ع که آنحضرت فرمود
که الله تعالی را نود و نه نام است که کسیکه خدا را بآنها بخواند دعای او مستجاب میشود
و کسیکه آنها را احصا کند داخل بهشت میشود و من میگویم که مراد از احصای آنها
آنست که آنها را احاطه کند و بمعانی آنها واقف شود نه آنکه آنها را بشمارد و آن اسما
اینست الله الواحد الاحد الصمد الاول الآخر السمیع البصیر القدیر القاهر العلی
الاعلی الباقی البدیع الباری الاکرم الظاهر الباطن الحی الحکیم العلیم الحلیم
الحفیظ الحق الحسیب الحمید الحفی الرب الرحمن الرحیم الذاری الرازق الرقیب الرؤف
الرائی السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر السید السبوح الشهید الصادق
الصانع الطاهر العدل العفو الغفور الغنی الغیاث الفاطر الفرد الفتاح الفالق
القدیم الملک القدوس القوی القریب القیوم القابض الباسط القاضی المجید
الولی المنان المحیط المبین المقیت المصور الکریم الکبیر الکافی کاشف الضر
الوتر النور الوهاب الناصر الواسع الودود الهادی الوفی الوکیل الوارث البر الباعث
التواب الجلیل الجواد الخبیر الخالق خیر الناصرین الدیان الشکور العظیم اللطیف
الشافی و شیخ شهید در قواعد خود گفته است که از اسماء حسنی در قرآن کریم آنچه
مذکور است الرب و المولی و النصیر و المحیط و القاهر و العلام و الکافی و ذو
الطول و ذو المعارج است عبارت دوم آنچیزیست که ذکر کرده است آنرا شیخ شمس الدین
ابو عبد الله محمد بن مکی بن محمد بن حامد عاملی در قواعد خود و آن اینست الله الرحمن
الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الباری
الخالق المصور الغفار الوهاب الرزاق الخافض الرافع المعز المذل السمیع البصیر
الحلیم العظیم العلی الکبیر الحفیظ الجلیل الرقیب المجیب الحکیم المجید الباعث

المبدئ

المبدئ المعید المحیی الممیت القیوم الماجد التواب المنتقم شدید العقاب العفو
الرؤف الوالی الغنی المغنی الفتاح القابض الباسط الحکم العدل اللطیف الخبیر
الغفور الشکور المقیت الحسیب الواسع الودود الشهید الحق الوکیل القوی المتین
الولی المحصی الواجد الواحد الاحد الصمد القادر المقتدر المقدم المؤخر الاول
الآخر الظاهر الباطن البر ذو الجلال و الاکرام المقسط الجامع المانع الضار النافع
النور البدیع الوارث الرشید الصبور الهادی الباقی عبارت سیم آنچیزیست که ذکر
کرده است آنرا شیخ فخر الدین محمد بن محاسن در جواهر خود و آن اینست الله
الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الخالق
الباری المصور الغفار القهار الوهاب الرزاق الفتاح العلیم القابض الباسط
الخافض الرافع المعز المذل السمیع البصیر الحکم العدل اللطیف الخبیر الحلیم العظیم
الغفور الشکور العلی الکبیر الحفیظ المقیت الحسیب الجلیل الکریم الرقیب المجیب
الواسع الحکیم الودود المجید الماجد الباعث الشهید الحق الوکیل القوی المتین
الولی الحمید المحصی المبدئ المعید المحیی الممیت الحی القیوم الواجد الاحد الصمد
القادر المقتدر المقدم المؤخر الاول الآخر الظاهر الباطن الوالی المتعالی البر
التواب المنتقم العفو الرؤف مالک الملک ذو الجلال و الاکرام المقسط الجامع الغنی
المغنی المانع الضار النافع النور الهادی البدیع الباقی الوارث الرشید الصبور و باز
در جواهر خود گفته است که پس این نود و نه نام است که آنها را محمد بن اسحق ره
روایت کرده است و میگوید ابرهیم بن علی جبعی کفعمی ره که چون هر یک از این سه عبارت
زیادتی بر دو صاحبان خود دارند بچند اسم و ناقص است بچند اسم پس خوب دانستم
که وضع کنم عبارت رابعه که جامع اسماء عبارات ثلث باشد و اشاره کنم بشرح هر یک
از آنها در این کتاب بجهة ایجاز و بجهة اطناب و آنرا افراد کرده ام من از کتاب خود که موسوم است
بالمقام الاسنی در تفسیر اسماء حسنی و بعد از طلب توفیق از الله تعالی و هدایت براه راست
میگوئیم که الله اسم است نه صفت و علم ذات مقدسه است نه اسم جنس مفرد
که موضوع است برای ذات واجب الوجود است و غزالی گفته است که الله اسم موجود
حق جامع صفات الهیه است که منعوت است بنعوت ربوبیه و منفرد است بوجود حقیقی

یعنی وجود حقیقی او را است و بس پس بدان است که هر موجودی که غیر اوست بذات مستحق
وجود نیست و وجود را از الله تعالی استفاده کرده است و بعضی گفته اند که الله اسم
خالق این عالم و مدبر انست و شیخ شهید گفته است که الله اسم ذاتست بواسطه
آنکه صفات بر او جاری میشود چنانچه میگویند الله خالق و رازق و مانند آن و بعضی
گویند که الله اسم ذاتست با جمله صفات الهیه پس هرگاه بگوئیم الله معنی آن ذاتیست
که موصوفست بصفات خاصه که آن صفات کمال و نعوت جلالست و بعضی گفته اند
که مفهوم الله آنچیزیست که ما عبادت میکنیم او را و او را احد میدانیم و پاک میدانیم
او را از شریک و نظیر و مثل و ضد و ند بدانکه این اسم شریف امتیاز دارد از باقی اسماء
حسنی بده امر اول اینکه مشهورترین اسماء الله است دویم آنکه محل و مرتبه آن در قرآن
اعلی از باقی اسماء الله سیم آنکه در دعا مرتبه آن اعلی از جمیع اسماء الله است چهارم آنکه
الله تعالی این اسم را امام و پیشوای باقی اسما کردانیده است پنجم آنکه کلمه اخلاص مخصوص باین
اسم است ششم آنکه شهادت باین اسم واقع میشود هفتم آنکه این اسم علم ذات مقدسه
الله تعالی است و بر غیر او اطلاق نمیکنند نه از روی حقیقت و نه از روی مجاز چنانچه
الله تعالی میفرماید که هل تعلم له سمیا یعنی آیا احدی نام نهاده شده است بلفظ الله
و بعضی گفته اند که معنی سمی مثل و شبیه است یعنی آیا کسی مثل و شبیه خدا هست
هشتم آنکه این اسم شریف دلالت میکند بر ذات مقدسه که موصوفست بجمیع کمالات
و هیچ کمالی از او بیرون نیست و لهذا اسماء دیگر دلالت نمیکنند مگر بر احاد معانی مثل
قادر که دلالت میکند بر قدرت و عالم که دلالت میکند بر علم یا دلالت میکنند بر
فعلی که منسوبست بذات مقدس چون الرحمن که اسم ذاتست باعتبار رحمت و هم
چنین رحیم و علیم و خالق اسم ذاتند باعتبار وصف وجودی که خارج است از ذات
و قدوس اسم ذاتست باعتبار وصف سلبی که آن تقدیس است یعنی تطهیر از نقایص و با
اسم ذاتند باعتبار نسبت و اضافه که آن بقاست و بقا نسبتیست میان وجود و
ازمنه زیرا که بقا استمرار وجود است در ازمنه مستقبله یعنی باقی نمیشود هیچ
زمانی از ازمنه محققه و مقدره مستقبله مگر آنکه وجود الله تعالی صاحب آنهاست و
ابدی یعنی مستمر الوجود است در جمیع ازمنه پس باقی اسم اعم است و ازلیست و از

کردو

که وجود آن مقارن جمیع ازمنه ماضیه محققه و مقدره است و زمان محقق
آنست که داخل است در وجود و زمان مقدر آنست که داخل نیست و این اعتبارات
با اسماء حسنی بحسب لفظ جاریست نه بحسب معنی زیرا که مجموع آنها برای یک معنی
موضوعند که آن ذات مقدسه بسیطه من جمیع الجهاتست نهم آنکه این الله
اسم است نه صفت بخلاف باقی اسماء که صفاتند اما آنکه اسم است و وصف نیست
بواسطه آنکه او را در همه جا موصوف میسازند و او را صفت نمیسازند پس میگویند
لا اله الا الله واحد و نمیگویند شیء له و اما اینکه باقی اسماء حسنی صفت واقع میشوند
بواسطه آنست که میگویند شیء قادر و عالم و حی و غیر آن دهم آنکه جمیع اسماء حسنی
باین اسم مسمی میشوند و این اسم بهیچ یک از آنها مسمی نمیشود و گفته نمیشود که
الله اسمی است از اسماء صبور یا رحیم یا شکور اما گفته میشود که صبور اسمی است از
اسماء الله هرگاه اینرا دانستی پس بدانکه بعضی گفته اند که این اسم مقدس اسم اعظم است
و در فصل سابق در اول فصل بر این قول گذشت و دیده ام من در کتاب در منتظم در سر
اسم اعظم که تصنیف محمد بن طلحه است که صاحب کتاب السئول است اینکه لفظ الله
دلالت میکند بر نود و نه نام زیرا که هرگاه تو الله را در علم حروف بر دو قسم قسمت کنی
هر قسم از آن سی و سه خواهد بود و سی و سه را هرگاه ضرب کنی در حروف آن بعد از
اسقاط مکرر که آن حروف سه است نود و نه میشود که عدد اسماء حسنی است و نیز
هرگاه جمع کنی عدد دو طرف الله را که آن الف و هاء است شش میشود و هرگاه قسمت
کنی شش را بر حروف آن که چهار است بازای هر حرفی یک و نصف واقع میشود و هرگاه یک
و نصف را ضرب کنی در عدد حروف جلاله که ارشصت و شش است نود و نه حاصل میشود
که آن عدد اسماء حسنی است و در کتاب مشارق الانوار و حقایق الاسرار رجب بن
محمد بن رجب دیده ام که این اسم مقدس چهار حرفست و هرگاه بر جمیع اشیا واقف شوی
میدانی که نسبت بالله چهار حالت دارند که از او یند یعنی همه ملک اویند و باو
موجودند و بسوی او راجعند و از او حاصلند و هرگاه الف را از او ساقط کنی
لله میماند و این اشاره است باینکه لله کل شیء و هرگاه لام را از او ساقط کنی و الف
بگذاری له باقی و این اشاره است باینکه و هو له کل شیء و هرگاه الف را از اله بر

داری له باقی میماند و این اشاره است باینکه له کل شیء و هرگاه از له لام برداری
هاء مضمومه باقی میماند و آن هو است فهو هو وحده لا شریک له و هو لفظی است که
میرساند سالک را بچشمه عزت و لفظ هو مرکب است از دو حرف و هاء اصل واو است
پس آن یک حرف است که دلالت میکند بر واحد حق و هاء اول مخارج حروف و واو
آخر مخارج است و این دلالت بر آنکه الله تعالی اول و آخر و باطن و ظاهر است و چون
شان این اسم مقدس اقدس خدای تعالی ارفع از جمیع اسماء الله است بسبب اسهاب
و اطناب در آن از مناسبت این کتاب بیرون رفتیم و خداست توفیق دهنده برای
راه راست الرحمن الرحیم شیخ شهید گفته است که این دو اسم از برای مبالغه مأخوذ
از رحم همچنانکه غضبان مأخوذ است از غضب و علیم مأخوذ است از علم و رحمت در لغت
رقت قلب و مهربانی است که تقاضای تفضل و احسان میکند و رحم بمعنی مشیمه زن از این
مأخوذ است زیرا که منعطف است بر ولدیکه در او موجود است و بنابر آنکه رحمت رقت
قلب باشد اطلاق آن بر خدای تعالی حقیقت نخواهد بود نه مجاز و صاحب کتاب عده
گفته است که کسیکه رقیق القلب است نظر بر او از رحم میگویند بواسطه بسیاری
رحمت و بسبب رقت قلب و اقل رحمت دعا کردن است از برای مرحوم و دردناک شدن
از برای او و اما معنی رحمت در حق الله تعالی رقت قلب نیست بلکه نسبت بجناب اقدس او
رحمت و ایجاد نعمت است از برای مرحوم و برداشتن بلاست از او و اگر خواهیم که رحمت را
تعریف کنیم که شامل رحمت خدای تعالی و بندگان همه باشد میگوئیم که رحمت خلاص
ساختن از جمیع آفات و فرو فرستادن خیرات است بارباب حاجت و نیز گفته اند که
الرحمن الرحیم مأخوذند از رحمت و رحمت بمعنی نعمت است چنانچه الله تعالی فرموده است
که وما ارسلناک الا رحمة للعالمین یعنی یا محمد ما نفرستادیم ترا بخلایق مگر بواسطه
نعمت عالمیان و قرآن کریم و باران را نیز بمعنی رحمت میگویند و در کتاب الرسالة
الواضحه کفعمی مذکور است که الرحمن الرحیم از ابنیه مبالغه است اما مبالغه در
رحمن زیاده از رحیم است زیرا که صیغه فعلان ابلغ است از صیغه فعیل و این مبالغه
گاه است که باعتبار کمیت یافت میشود و گاه است که باعتبار کیفیت یافت میشود بنا
بر اعتبار کمیت میگویند یا رحمن الدنیا و رحیم الاخرة زیرا که مرحومین در دنیا مجموع

مومنان

مومنان و کافرانند و مرحومین در آخرت مخصوص مومنان است چنانچه الله تعالی
فرموده است وکان بالمؤمنین رحیما پس عدد و کمیت مرحوم دنیا زیاده از مرحوم
آخرت است و بنابر مبالغه باعتبار کیفیت یا رحمن الدنیا والاخرة و رحیم الدنیا زیرا
که مجموع نعمتهای آخرت جزیله‌اند و نعمتهای دنیا جلیل میباشند و از حضرت امام
جعفر صادق مرویست که الرحمن اسم خاص است بصفت عام یعنی اسمی است که مخصوص
الله تعالی است و صفت او عام است یعنی رحمتیست که شامل مومن و کافر همه
هست و رحیم اسم عامی است که غیر الله تعالی نیز باین اسم نامیده میشود اما صفت
آن خاص است زیرا که رحمتی است که مخصوص مومنانست و سید مرتضی فرموده
که رحمن اسمیست که شریکند در آن لغت عربیه و عبرانیه و سریانیه و رحیم
مخصوص است بلغت عربیه و شیخ طبرسی در تفسیر خود گفته است که الله تعالی
در قرآن کریم الرحمن را بر الرحیم مقدم داشته زیرا که الرحمن بمنزله علم است زیرا
که مخصوص الله تعالی است و غیر او باین اسم نامیده نمیشود و لهذا خدای تعالی در قول
خود که فرموده است قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن جمع کرده است میان لفظ الله
و رحمن زیرا که هر دو مخصوص ذات مقدس او یند و اما الرحیم اطلاق کرده میشود
بر خدای تعالی و بر غیر آن پس واجب است تقدیم الرحمن بر الرحیم الملک یعنی مالک الملک
که مالک جمیع مملوکاتست یا آنکه مراد از ملک کسی است که متصرف است بامر و نهی کردن
در جمیع امور یا مراد از آن کسی است که مستغنی است در ذات و صفات خود از هر
موجودی و هر موجودیکه هست محتاج است باو در ذات و صفات و ملکوت عبارت
از ملک الله تعالی که در او تاء را زیاده کرده اند همچنانکه در رهبوت و رحموت که
مأخوذ است از رهبت و رحمت تاء زیاده کرده اند القدوس یعنی ظاهر از جمیع عیوب
و منزه از اضداد و انداد است و تقدیس بمعنی تطهیر است و از اینجاست که خدا
از ملائکه حکایت میکند که گفتند و نقدس لک یعنی یا خدایا ما ترا تسبیح میکنیم
بطهارت و بیت المقدس را بواسطه آن بیت المقدس نام کرده اند که آن خانه
ایست که در آن طهارت از گناهان واقع میشود و بهشت را بواسطه آن حظیرة القدس
میگویند که موضع طهارتست از دنس و آفات است که در دنیا میباشد السلام

بمعنی صاحب ملک سلامت است یعنی کسیکه در ذات خود بسلامتست از جمیع عیبها
و در صفات خود بسلامتست از هر نقص و آفتی که بمخلوقین میرسد والسلام مصدر است
و وصف کردن الله تعالی بآن بواسطهٔ مبالغه است مثل رجل عدل یعنی چندان
سالم است از نقص و عیوب که گویا نفس سلامت شده است و بعضی گفته اند که السلام
بمعنی المسلم است یعنی سلامت بخشنده بواسطهٔ آنکه سلامت جمیع چیزها از جانب او است
و اینکه الله تعالی فرموده است که لهم دار السلام جایز است که مراد از السلام الله تعالی باشد
و لفظ دار مضاف باشد بان و جایز است که مراد از السلام جنت باشد و جنت را بواسطه
آن سلام گویند کسیکه با نجا رفت از جمیع آفات محفوظ است المؤمن یعنی تصدیق کننده
و ایمان در اصل لغت بمعنی تصدیق است و تصدیق خدای تعالی بر دو وجه است اول آنکه
وعدهٔ خود را در حق بندگان بعطای ثنا و بدور است میکرده اند و وفا میکند بآنچیز که
برای ایشان ضامن شده است دوم آنکه ظنون بندگان مؤمن را است میگرداند
و حوایج ایشان را بر میآورد و از حضرت صادق مرویست که فرمود که خدای تعالی را مؤمن
میگویند بواسطهٔ آنکه بندگان خود را ایمن کرده اند از عذاب و در صحاح مذکور است که
مؤمن میگویند بواسطهٔ آنکه بندگان خود را ایمن کرده است از ظلم خود المهیمن بمعنی
شهید و عزیزی گفته اند مهیمن یعنی قایم بر خلق است باعمال و آجال و ارزاق ایشان است
و در عدة الداعی مذکور است مهیمن یعنی شاهد است و قول خدای تعالی که فرموده است
که و مهیمنا علیه موافق این قول است ای شاهدا علیه یعنی الله تعالی شاهد است بر خلق
خود بآنچیز که از ایشان صادر میشود از قول و فعل و جوهری نیز گفته است که مهیمن بمعنی
شاهد است و بعضی گفته اند که بمعنی نگاهبان و حافظ است و بعضی گفته اند که مهیمن
بمعنی امین است العزیز بمعنی قاهر است که هرگز مغلوب نمیشود و قول خدای تعالی که فرموده
و عزنی فی الخطاب بهمین معنی وارد است یعنی غلبه کرد مرا در محاوره کلام و قول عرب که
میگویند من عزّ بزّ یعنی کسیکه غلبه کرد سلب کرد و نیز عزیز بمعنی کسی آمده است که او را
مثل و مانند و نظیر و عدیل نیست الجبار بمعنی قهار یا متکبر یا متسلط است و معنی جابر
نفر خلق و کفایت کننده اسباب معاش و ارزاق ایشان آمده است و نیز بمعنی کسی آمده است
که مشیت او نافذ است بر سبیل اجبار در هر احدی و مشیت کسی در او نافذ نیست و بعضی گفته اند

که جبار کسیست که عالی است بر جمیع خلایق و نخل بلند برا که دست بان نمیرسد
نیز جبار میگویند المتکبر بمعنی صاحب کبریا و ملک مذکور است و بعضی گفته اند که
متکبر اینست که نسبت بعظمت و جلال و ملک حقیر است یا کسی است که متعالی
از صفات خلق یا کسیکه متکبر است بر سرکشان خلق خود و متکبر ما خوذ است از
کبریا و کبریا اسم تکبر و تعظم است پس متکبر کسی است که مستحق صفات تکبر باشد
و تعظم الخالق خالق کسیست که مبدی و مخترع خلق است بی آنکه مثالی بر آن سابق باشد
و بعضی گفته اند که خالق بمعنی مقدر است و از اینجا که الله تعالی فرموده است که
انی خالق لکم من الطین کهیئة الطیر یعنی من تقدیر میکنم از برای شما از گل مثل هیئة
مرغی البارئ بمعنی خالق است و بریه بمعنی خلق است و بارئ البرایا بمعنی خالق
الخلایق است المصور آنکسی است که ایجاد و انشا خلق میکند بر صورتهای مختلف
تا آنکه باین صورتها یکدیگر را بشناسند و غزالی در تفسیر اسماء حسنی گفته است
که گاه هست که گمان برده شود که باری و خالق و مصور بیک معنی اند زیرا که همه
بمعنی مجموع آنها خلق و اختراع است و این گمان غلط است زیرا که هر چیزی که از کتم عدم
بفضای وجود میاید محتاج است بانکه اول و را فاعل آن تقدیر کند و بعد از آن بر
وفق تقدیر ایجاد او را تصویر کند پس الله تعالی از آن جهت که مقدر مخلوقات است خالق
است و از جهت آنکه ایجاد مخلوقات میکند مخترع است و از این جهت که مخلوقات را
مصور بصور حسنه میگرداند مصور است و این مثل بنا است که محتاج است بکسیکه
اول تقدیر کند ما یحتاج آن بنا را از چوب و خشت و مساحت زمین و عدد ابنیه و
طول و عرض آنها را و این کار مهندس است که آن بنا را نقشه میریزد و صورت آن
دهد و بعد از آن محتاج است ببنائی که متولی اعمال شود که اصول ابنیه را
بهم رسد بعد از آن محتاج است بنقاش که ظاهر آن نقش کند و زینت دهد پس
غیر بنا متولی نقش آن میشود و این جماعت متعدد تقدیر و تصویر بنا بود و اما در
الله تعالی چنین نیست بلکه مقدر و موجد و صانع همه ذات مقدس اوست پس او
خالق و باری و مصور است الغفار بمعنی پوشاننده گناهان و عیوب بندگانست
و غفر در لغت بمعنی ستر و تغطیه است و این از ابنیهٔ مبالغه است یعنی هر چند

انبند کان توبه مکرر میشود از الله تعالی مغفرت مکرر میشود و همچنین قهار
وجبار و رزاق و فتاح و مانند آن از ابنیهٔ مبالغه اند و من میگویم که حریری در
کتاب درة الغواص و غیر آن ذکر کرده است که عرب بنا میکند مثال کسی را که فعل
مکرر میکند بر وزن فعّال و از این جهت است کسیکه کثیر السؤال است سئال
و سئاله میگویند و بعضی از عرب در صفت خمر گفته اند سآله للفتی ما لیس فی یدٍ
ذهّابة بعقول القوم والمال و همچنین فعلان و فعیل از ابنیه مبالغه است
مثل رحمن و رحیم است اما در فعلان مبالغه زیاده از فعیل است و برای کسیکه
مبالغه میکند در امری و بر آن امر قویست اسم فاعل را بر وزن فعول بنا میکنند
مثل صبور و شکور و بنا میکنند مثال کسیرا که یکمرتبه فعل از او صادر شده است
بر وزن فاعل مانند سائل و قائل و برای کسیکه بفعل عادت کرده باشد اسم را
بر وزن مفعال بنا میکنند مثل امرأة مذکار از برای زنی که عادت آن باشد که
همیشه ذکور بزاید و مثل مئناث از برای زنی که عادت او آن باشد که اناث
بزاید و مثل معقاب از برای زنی که یکنوبت ذکر بزاید و یکنوبت انثی بزاید و مثل
رجل منعام و مفضال از برای کسیکه عادت او انعام و افضال باشد القهار القاهر
بیان معنی او اما قهار از ابنیهٔ مبالغه است و این قهار آنچنان کسی است که بر جباران
قهر میکند و بر بندگان بموت قهر میکند یعنی مرگ را بر ایشان میگمارد الوهاب از
ابنیهٔ مبالغه است و با در ازی گفته است که وهاب آنچنان کسی است که عطایا از
او فانی نمیشود و هر کس که چیزی از متاع دنیا بکسی بخشد او را واهب گویند نه وهاب
بلکه وهاب انست که مواهب او تصرف کند در انواع عطایا و دائمی باشد و جمیع
مخلوقات مالک نیستند مگر هبهٔ مال و نوال زاد در حالی و مواهب ایشان
دائمی نیست و دیگر آنکه مالک نیستند و بخشند شفا را به بیمار و ولد را بعقیم و
مالک جمیع آنها الله تعالی است و در کتاب عدة الداعی مذکور است که الوهاب کثیر
الهبه است و مفضال کثیر العطیه است و در قواعد مذکور است که الوهاب کسی است
که اعطا کند جمیع ما یحتاج الیه را بجمیع محتاجان الرزاق و الواو نفی بیان معنی اند
اما در رزاق مبالغه است و این رزاق خالق ارزاق است و روزی خوارانست و متکفل

ایصال رزق است بهر نفسی الفتاح بمعنی کسی است که حاکم است در میان بندگان
خود و حاکم را بواسطهٔ آن حاکم گویند که هرگاه در میان دو خصم حکم کرد فتح
میکند میان ایشان و از اینجاست که میگویند ربنا افتح بیننا و بین قومنا
بالحق یعنی ای پروردگار من حکم کن میان ما و میان قوم ما بالحق و این فتاح بمعنی
فاتح ابواب رزق و رحمت بر بندگان نیز آمده است که بعنایت او هر بسته گشوده
میشود العلیم بمعنی عالم بسرائر و خفیات است و کسی است که تفاصیل معلومات
دارد قبل از حدوث و بعد از وجود آنها و علیم مبالغه است در عالم زیرا که
قول ما که میگوئیم فلان کس عالم است افاده آن میکند که او را معلومی هست مثل
سامع که کسی است که او را مسموعی هست و هرگاه کسیرا وصف کنیم بانکه
علیم است افاده آن میکند که او علم دارد بهر چیزیکه صحیح است که علم بلو تعلق
گیرد هم چنانچه معنی سمیع اینست که مسموعی که یافت میشود او سامع انست شیخ
طبرسی گفته است که بنا بر این جمیع علوم از جانب حق تعالی است زیرا که این علوم
از جانب حق تعالی است زیرا که این علوم یا بدیهی است و آنرا الله تعالی القا کرده است
یا استدلالی است و الله تعالی آنرا اقامه حجت و ایجاد مقدمات کرده است پس
برای هیچ احدی علم ثابت نیست مگر از جانب مقدس او سبحانه القابض الباسط
کسی است که رزق را واسع میگرداند و تقدیر آن میکند و گاهی تنگ میگرداند
بحسب مقتضای حکمت و مقارن داشتن این دو اسم بایکدیگر خوبست مثل قران
میان الخافض الرافع و میان المعز المذل و میان الضار النافع و میان المبدئ
المعید و میان المحیی الممیت و میان المقدم المؤخر و میان الاول و الآخر و میان
الظاهر الباطن زیرا که این صفات مقارن مشعر است بر حکمت الهی است و دلیل است
بر کمال قدرت او چنانچه الله تعالی فرموده است که والله یقبض و یبسط که میان این
دو صفت جمع کرده است پس هرگاه تو القابض جدا از باسط ذکر کنی گویا که مقصور
ساخته صفت الله تعالی بر منع و حرمان و هرگاه یکی از آن دو را بان دیگر وصل
کردی بدرستیکه جمع کرده میان هر دو صفت پس از برای کسیکه واقف است بحسن
ادب در خدمت الله تعالی ولی و احسن آنست که هر یک از این اسماء را با مقابل

خود جدا نکند زیرا که بعد جمع میان آنها اظهار وجه حکمت الهی است الخافض
الرافع آنکسی است که فرو میکذارد و پست میکرداند کفار را بشقی ساختن ایشان
و بلند میکرداند مرتبهٔ مؤمنان بسعید کردانیدن ایشان و الله تعالی که فرموده است
خافضة رافعة مراد او روز قیامت است یعنی روز قیامت قومی را چند را پست
میکرداند بسبب بردن باتش و بعضی را بلند میکرداند بسبب بردن به بهشت المعز
المذل کسی است که ملک را می بخشد بهر کسیکه میخواهد و او را میکیرد از هر کسیکه
میخواهد یا معنی آن اینست که عزیز میکرداند دوستان خود را بسبب طاعت و ذلیل
میکرداند دشمنان خود را بسبب معصیت و بعضی کفته اند که معنی آن اینست
که عزیز میکرداند مؤمنان را بتعظیم او و ثنا کفتن بر او و ذلیل میکرداند کافران را
بجزیه دادن و سبی و غارت کردن اطفال او و الله تعالی اگرچه در دنیا دوستان
خود را ضعیف میکرداند و مبتلا ببلا میکرداند اما بر سبیل اذلال نیست بلکه بواسطه
آنست که در آخرت ایشان را بسبب آن کرامی میسازد و نهایت اعزاز و اکرام در حق
ایشان بجا آورد السمیع شیخ طبرسی در مجمع البیان کفته است که کسیکه متصف است
بصفتی که آن صفت واجب باشد که درک جمیع مسموعات کند هرگاه یافت شود
و این صفت راجع میشود بآنکه الله تعالی حی است و آفتی در وی نیست و سامع کسی است
که مدرک باشد و وصف کرده میشود الله تعالی بآنکه در ازل سمیع است و نمیتوان
کفت که در ازل سامع است زیرا که وقتیکه مسموعات یافت میشود او متصف
بسامعیت میشود و شیخ ابو العباس در کتاب عده کفته است که سمیع بمعنی سامع است
که هر چیزی را میشنود دور و نزدیک و جهر و اخفات و نطق و سکوت مساوی است و
کاه هست که سمع بمعنی قبول و اجابت آمده است و این ماخوذ است از قول مصلی که
میکوید سمع الله لمن حمده یعنی الله تعالی قبول میکند حمد کسی را که او را حمد میکند و
دعای او را مستجاب میکند و بعضی کفته اند که سمیع بمعنی عالم بمسموعات است که
آن اصوات و حروف است البصیر عالم بخفیات است یا عالم بمبصرات و در قواعد شهید
مذکور است که سمیع کسی است که از ادراک او غایب نباشد هیچ مسموعی خواه خفی و
خواه ظاهر و بصیر کسی است که پوشیده نیست بر او آنچیزیکه در زیر زمین است و مرجع

بواسطهٔ

سمع

سمع و بصر در الله تعالی بسوی علم است زیرا که الله تعالی منزه است از حاسه و
جوارح و از معانی قدیمه الحکم حاکم کسی است که مسلم باشد از برای او حکم حاکم را
بواسطهٔ آن حاکم میکویند که مردم را منع میکند از ظلم کردن العدل یعنی صاحب
عدالت و این عدل مصدر نیست که قایم مقام اصل است و الله تعالی را بواسطهٔ کثرت
عدالت از روی مبالغه وصف بعدل میکنند و عدل عبارتست از کسیکه در حکم
خود جور نکند و مذکر و مؤنث و جمع و واحد همه در عدل مساوی اند یعنی لفظ عدل
صفت هر یک از اینها واقع میتواند شد اللطیف کسی است که عالم باشد بغوامض اشیا
و اشیا را برفق و مدارا واصل سازد بمصلحت ایشان نه بعنف و تعدی یا مراد از
لطیف آنکسی است که بندکان خود نیکی میکند و با ایشان میرساند چیزیرا که با آن
منتفع شوند در دنیا و آخرت و مهیا میکرداند از برای ایشان اسباب مصالح
ایشان را از جایی که کمان ایشان نباشد و این قول شیخ شهید است و بعضی کفته اند
که لطیف کسی است که فاعل لطف است و لطف عبارتست از چیزیکه مردم را نزدیک
کرداند بطاعت و دور سازد از معصیت و لطف از جانب الله تعالی عبارتست از
توفیق دادن و مرحمت کردن او و بعضی کفته اند که لطیف خلق کنندهٔ خلق است لطیف
و در کتاب توحید از حضرت صادق مرویست که فرمود لطیف کسی است که عالم است
بمعنی لطیف مثل بعوضه و خالق او ست و لطیف را درک و حد نتوان کرد و اینکه
عرب میکویند فلان کس در امر خود لطیف است یعنی در عمل خود متعمق است و آن
عمل را برفق و تلطف میکند و امر او را درک نتوان کرد و معنی آن اینست که صغیر و
دقیق است و در کتاب غریبین مذکور است که اللطیف از اسماء الله است یعنی
رفیق بعباد است و کفته میشود که لطف له یلطف بکسر عین الفعل کاهی که رفق
و مدارا کند با او و معنی لطف الله بک اینست که واصل سازد تو را بمراد تو برفق و
اما لطف یلطف بضم عین الفعل از لطف بمعنی صغیر و دقیق است الخبیر بمعنی کسی است
که عالم است بکنه چیزی و مطلع است بحقیقت آنچیز و خبر بمعنی علم است و معنی
قول عرب که میکویند لی بکذا خبر اینست که مرا بفلان چیز علم هست الحلیم بمعنی صاحب
حلم و صفح است که مشاهده معاصی عاصیان میکند و مسارعت بانتقام نمیکند و آنکه

نهایت قدرت بر انتقام دارد و اما کسیکه بواسطهٔ عجز انتقام نتواند کشید او را
حلیم نمیکویند بلکه حلیم کسی است که با قدرت ترک انتقام کند العظیم بمعنی صاحب
عظمت و جلالی است که عقول احاطه کند او نتواند و بعضی کفته اند که الله تعالی را
بواسطهٔ آن عظیم میکویند که خالق خلق عظیم است هم چنانکه او را لطیف میکویند
بواسطهٔ آنکه خالق خلق لطیف است العفو بمعنی بسیار محو کنندهٔ ذنوبست و این
عفو فعولی است که مشتق است از عفو و عفو در کذشتن از کناه و ترک مجازات بدکاری
و بعضی کفته اند که عفو ماخوذ است از قول عرب که میکویند عفت الریح الاثر کاهی که
باد اثر را محو و مندرس ساخته باشد الغفور بمعنی کسی است که بسیار مغفرت و امرزش
کناهان از او صادر شود و از عقوبت در کذرد و این غفور مشتق از غفر است و غفر
بمعنی پوشیدنست و مغفر را بواسطهٔ آن مغفر میکویند که سر را میپوشد و در عفو
مبالغه زیاده از غفور است زیرا که پوشیدن چیزی با بقای آنچیز جمع میشود بخلاف
محو که عبارتست از ازالهٔ اصل آنچیز نیست و اینکه کفته میشود که ما فیهم عفیره یعنی
نمیپوشد کناه احدی را الشکور بمعنی کسی است که باندک طاعتی از بنده راضی میشود و
بر آن ثواب بسیار و نعمت بیشمار میدهد و راضی میشود از بنده بشکر کردن او
والله تعالی فرموده است که ان ربنا لغفور شکور و این غفور و شکور دو اسمند
که بنا کرده شده اند از برای مبالغه و چون الله تعالی جزا میدهد مطیع خود را
بثواب بسیار بر طاعت و جزای طاعت بر سبیل مجاز شکر نامیده است چنانچه مکافات
عمل را شکر میکویند بر طریق مجاز العلی بمعنی کسی است که هیچ رتبه بالای رتبهٔ
او نیست و بعضی کفته اند که علی کسی است که منزه است از صفات مخلوقین و کاه است
که علی بمعنی کسیست که بقدرت خود بر مخلوقین خود غالب است بر ایشان و فرق میان
علی و رفیع آنست که علی کاه هست که بمعنی اقتدار و علو مکانت میاید و رفیع بمعنی
رفع مکانت و بس و از این جهت است که الله تعالی را وصف نمیکنند برفیع تنها بلکه م
کویند رفیع القدر و الشان الکبیر بمعنی صاحب کبریاء است و کبریاء بمعنی عظمت و
شانست و نیز کبریاء بمعنی ملک آمده است زیرا که ملک اکبر آنچیز نیست که طلب
میکنند آنرا از امور دنیا و بعضی کفته اند که کبیر بمعنی کسیست که ارفع و اعلی است

ازمشا

از مشابهت مخلوقین و هر کبیری در جنب جلال و بزرکی او کوچک است و بعضی
کفته اند که کبیر بمعنی سید است و لهذا بزرک قوم را سید ایشان میکویند الحفیظ
بمعنی کسیست که موجودات را همیشه نکاه میدارد و تضاد عنصریات را از ایل میکرداند
و از فساد آنها را نکاه میدارد و حفظ میکند آسمانها و زمینها را و آنچیزهائی را که در
میان آسمان و زمین است و بندهٔ خود را از مهالک نکاه میدارد و حفیظ و حافظ بمعنی
رقیب و مهیمن است و بعضی کفته اند که حفیظ از برای مبالغه موضوع است و تفسیر
آن بحافظ هضم اوست المقیت بمعنی کسی است که مقتدر است و اقات علی الشی
بمعنی اقتدر علیه است چنانچه شاعر کفته است که ÷ وذی ضغن کففت النفس عنه
وکنت علی اسائته مقیتا ÷ ای قادرا مقتدرا و مقیت بمعنی بخشندهٔ قوت و بمعنی
حافظ شی و بمعنی شاهد بر شی نیز آمده است و مجموع این معانی بر الله تعالی صادقست
چه او قادر بر اشیا و بخشندهٔ قوت و حافظ چیزها و شاهد بر چیزها هست الحسیب
بمعنی کافیست و حسیب فعیلست بمعنی افعل مثل الیم که بمعنی مؤلم است و ماخوذ
است از قول عرب که میکویند احسبنی فلان یعنی بخشید آنچیز را که کافی بود مرا
و معنی حسبک درهم ای کفاک درهم است و حسبک الله و من اتبعک از اینجا ماخوذ است
یعنی خدا کافیست ترا و کسیرا که تابع تواست و حسیب بمعنی محاسب نیز آمده است
و حسیب در قول الله تعالی که فرموده است که قل کفی بنفسک الیوم حسیبا بمعنی محاسب است
و نیز حسیب بمعنی محصی و عالم آمده است الجلیل کسی است که موصوفست بصفات
جلال که آن غنا و ملک و قدرت و علم و تقدس از نقایص است پس الله تعالی
جلیلی است که هر جلیلی نزد او صغیر است و هر رفیعی نزد او پستست الکریم بمعنی
کثیر الخیر است و اینکه عرب میکوید نخلهٔ کریمة وقتیکه بار او بسیار یا خوب باشد
و معنی قول الله تعالی که فرموده است انه لقرآن کریم اینست که قران کثیر الخیر است
و دلالت میکند بر آنکه قران قول خدای تعالی است و کسیرا که نفع او دائمی و سهل التناول است
عرب او را کریم میکویند و از جمله کرم الله تعالی اینست که بی استحقاق ابتداء نعمت
میکند و کناهان را میامرزد و از بدکردار عفو میکند و بعضی کفته اند که کریم
بمعنی جواد مفضل است و بعضی کفته اند که کریم بمعنی عزیز است و در کتاب غریبین

مذکور است که رقیب بمعنی حفظ است و علیم است المجیب بمعنی کسی است که اجابت میکند
مضطرها و بفریاد میرسد اندوهناک را هرگاه او را بخوانند القریب بمعنی مجیب است
و از اینجاست که فرموده است که اجیب دعوة الداع اذا دعان ای قریب من دعا مرو کاه
هست که قریب بمعنی عالم بوساوس صدور که میان او و صدور حجابی نباشد [illegible]
و از اینجاست که الله تعالی فرموده است که و نحن اقرب الیه من حبل الورید الواسع
بمعنی غنا است که غنای او و بفقرای بندگان او رسیده است و رزق او و جمیع خلایق
مبسوط گشته است و سعت در کلام عرب آمده است و از اینجاست قول خدای تعالی
که فرموده است لینفق ذو سعة من سعته و بعضی گفته اند که واسع کسی است که
احاطه کرده باشد بعلم هر چیزی و وسعی که در قول خدای تعالی که فرموده است که
وسع کل شیء علما وارد است باین معنی و در کتاب منتهی السؤال مذکور است که واسع
مشتق از سعت است و سعت یکبار اضافه میکند بعلم کامی که آن علم متسع باشد و
احاطه معلومات نمیباکرده باشد و یکبار دیگر اضافه میکند باحسان و بسط نعم
و به معنی که او را حمل کنند هرگاه واسع را اطلاق کنند مراد از آن الله تعالی است بواسطه
آنکه اگر نظر کرده شود بعلم او دریای علم او را ساحل نیست بلکه اگر تمام دریاها مداد
شود در شرح کلمات او همه فانی میشوند و کلمات او نوشته نمیشود و اگر نظر کرده شود
باحسان و نعم او نهایت ندارد و هر نعمتی که از غیر اوست اگرچه عظیم است متناهی است
پس او احق است باطلاق وسعت بر او الغنی بمعنی کسی است که مستغنی است از خلق و تمامی
خلق محتاجند باو و نیز او را تعلقی نیست بغیر خود نه در ذات و نه در صفات بلکه منزه است
از علاقه بخلق پس هر کس که ذات و صفات او تعلق دارد بامری که خارج از ذات اوست
که موقوفست در وجود خود یا کمال خود باو پس محتاج است بان امر و این متصور نیست
مگر بر الله تعالی پس مجموع اشیا در وجود و کمال وجود محتاجند باو و المغنی کسی است که
جبر میکند فقر و فاقه مخلوق را و خلق را غنی میسازد و از ماسوای غیر خود برزق واسع
الحکیم کسی است که محکم میسازد خلق اشیا را و احکام عبارتست از اتقان تدبیر و حسن
تصویر و تقدیر است و حکیم نیز کسی را گویند که فعل قبیح از او سر نزند و اخلال بواجب
نکند و کسی که بکذارد اشیا را بجای خود و حکیم بمعنی عالم است و حکمت در لغت بمعنی

بمعنی غنا

علم

علم است و از اینجاست قول الله تعالی که فرموده است یؤتی الحکمة من یشاء و از
ابن عباس مرویست که گفت حکیم کسی است که کامل است در حکمت خود و علیم کسی است
که کامل است در علم خود الودود کسی است که دوست میدارد بندگان خود را
یعنی راضی است از ایشان و اعمال ایشان را قبول میکند و این ودود ماخوذ است از
ود و ود بمعنی محبت است یا آنکه ودود بمعنی آنست که بندگان او دوست میکردانند
بسوی خلق خود و قول الله تعالی که فرموده است سیجعل لهم الرحمن ودا از اینمعنی
ماخوذ است یعنی محبت ایشان را در دلهای بندگان میاندازد و ازهری گفته است
که ودود فعولست بمعنی مفعول مثل هیوب که بمعنی مهیوب است پس مراد از ودود موادود است
یعنی دوست داشته شده است در دلهای اولیای خود بسبب معارفیکه در دلهای
ایشان انداخته است و الطافیکه از ایشان اظهار کرده است المجید الماجد هر دو
بیک معنی اند و مجد بمعنی کرم است جوهری گفته است که مجید واسع الکرم است
و هرگاه مردی سخی و بخشنده و واسع العطایا باشد او را ماجد گویند و بعضی گفته اند
که مجید بمعنی کریم است عزیز است و معنی قول الله تعالی که فرموده است بل هو قرآن
مجید این است که عزیز کریم است و بعضی گفته اند معنی مجید ممجد است یعنی کسی که
خلق او تمجید و تعظیم میکنند او را چنانچه ابن فهد ذکر کرده است و هروی گفته است
که معنی مجید در قول الله تعالی که فرموده است قرآن مجید شریف است و مجد در کلام
عرب بمعنی شرف واسع است و معنی رجل ماجد مفضال کثیر الخیر است و معنی قول
عرب که میگویند مجدت الابل یعنی سیر شد زیرا که بسیار علف فراخ واقع شود و
شیخ شهید گفته است که مجید کسی است که ذات او شریف باشد و فعال او جمیل باشد
و ماجد مبالغه است در مجید این کلام شیخ شهید است و کفعمی گوید که صواب عکس
این است یعنی بایست که بگوید مجید مبالغه است در ماجد الشهید کسی است که هیچ
چیز از او غایب نیست و گاه هست که شهید بمعنی علیم آید چنانچه معنی شهد الله انه لا
اله الا هو علم الله است الباعث کسی است که در نشاه آخرت زنده میکرداند خلایق را
و برمی انگیزاند برای حساب الحق کسی است که وجود و هستی او ثابت و متحقق است
و قول الله تعالی که فرموده است الحاقة ما الحاقة ماخوذ است از این و حاقه بمعنی کائنه است

که کون و حق است و اصلا شکی در آن نیست و قول عرب که میگویند الجنة حق و النار حق
یعنی کاینة ثابتة تحققا الوکیل یعنی کافیست یا یعنی کسیست که جمیع امور موکول است بسوی او
و بعضی گفته اند که وکیل یعنی کسیست که ضامن ارزاق بندگان است و قایم است بمصالح
ایشان است حسبنا الله و نعم الوکیل ازین معنی ماخوذ است یعنی نعم الکفیل القائم بامورنا
بمعنی معتمد و ملجا آمده است و توکل بمعنی اعتماد و التجاء است القوی بمعنی قادر است و
ماخوذ از قوی علی الشیء است ای قدر علیه و قوی کسی است که عجز و ضعف در هیچ حالی از احوال
بر او مستولی نمیشود و گاه است که قوی بمعنی تام القوة میآید المتین کسی است که شدید القوة
باشد که او را وهن و سستی فرا نگیرد و ماندگی باو نرسد و او را در افعال مشقت حاصل نشود
الولی یعنی ناصر بندگان مومن و الله تعالی که فرموده است الله ولی الذین آمنوا و ان الکافرین
لا مولی لهم ازین معنی ماخوذ است ای لا ناصر لهم یا آنکه ولی بمعنی کسیست که متولی میشود
امر او و قایم باشد بآن امر و قول خدا که میگوید انت ولیی فی الدنیا و الآخرة ازین معنی
ماخوذ است و ولی طفل کسی است که متولی اصلاح شان او باشد و معنی الله ولی
المومنین اینست که الله تعالی متولی اصلاح شان مومنین است ولی و والی و مولی و
متولی بمعنی ناصر است و مراد از اولیای شیطان انصار اوست و معنی قول الله تعالی که
فرموده است و من یتولهم منکم اینست که کسیکه تابع و ناصر ایشان شود المولی
بعضی گفته اند که معنی مولی آنست و معنی اینست که در ولی گذشت یا معنی اولی است و قول
پیغمبر الست اولی منکم بانفسکم قالوا بلی یا رسول الله قال من کنت مولاه فعلی مولاه
این معنی دارد که کسیکه من اولی ام باو از نفس او پس علی اولی است باو از نفس او و قول
الله تعالی که فرموده است که مأویکم النار هی مولیکم از این معنی ماخوذ است یعنی آتش
اولی است بشما الحمید کسی است که بسبب فعال خود در سرا و ضرا و در حال شدت و
رخا مستحق حمد است المحصی کسی است که بعلم خود احصای هر چیز کرده است و از او
پنهان نیست چیزیکه هم وزن ذره باشد المبدئ المعید کسی است که اختراع و ابتدا
کرده است جمیع اشیا را و برمیگرداند خلق را بعد از حیات بسوی ممات و بعد از آن
ایشان را برمیگرداند بسوی حیات چنانچه فرموده است و کنتم امواتا فاحیاکم ثم
یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون و چنانچه فرموده است انه هو یبدئ و یعید

المحی الممیت یعنی کسیکه حیات میدهد نطفه مرده را پس بیرون میآورد از او حیوان
زنده را و زنده میگرداند اجسام را بر رد کردن ارواح بسوی آنها تا آنها را برانگیزاند
و میمیراند زندها را و اینکه الله تعالی را مدح میکنند باماتت چنانچه مدح میکنند او را
باحیا بواسطه آنست که ظاهر میشود که موت و حیات هر دو از جانب اوست الحی کسی
است که همیشه موجود و موصوف بوده باشد بحیات و از برای او حادث نمیشود
موت بعد از حیات و نه حیات بعد از ممات چنانچه این معنی را بادرانی ذکر کرده است
و در منتهی السؤال ذکر شده است که حی عبارتست از فعال مدرک حتی آنکه کسیکه
او فاعل و ادراک نیست میت است و اقل درجات ادراک اینست که بنفس خود شعور
بهم رساند پس حی کامل کسیست که جمیع مدرکات در تحت ادراک او حاصل باشد و
هیچ مدرکی از علم او بیرون نباشد و جمیع این صفات از برای خدا ثابتست پس حی مطلق
الله تعالی است القیوم کسی است که قایم و دایم باشد که ذات او را زوال نیست و قیام
هر موجودی باوست و مجموع موجودات داخلند در تحت ایجاد و تدبیر و حفظ او و از
این معنی ماخوذ است قول الله تعالی که فرموده است افمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت
یعنی کسیکه قائم است بارزاق و آجال و اعمال ایشان و بعضی گفته اند که قیوم بمعنی کسیست
که قیم است بهر چیزی رعایت کردن او و قیام نیز باین معنی است و این قیوم و قیام بر وزن
فیعول و فیعال است که ماخوذ است از قمت بالشیء و معنی این قول آنست که خود بنفس خود متولی
آنچیز میشوم و تدبیر و اصلاح او میکنم و بعضی گفته اند که قیوم بمعنی عالم بجمیع امور است و
ماخوذ است از قول ایشان که میگویند هو یقوم بهذا الامر گاهی که عالم باشد بآنچیز که
در آن موجود است و ابن جبیر و ضحاک گفته اند که قیوم بمعنی دائم الوجود است و در صحاح
مذکور است که عمر الحی القیام خوانده است بجای الحی القیوم و این قیام لغتی است در قیوم الواجد
بمعنی غنی است و ماخوذ است از وجد و جد بمعنی بهره است در رزق و ازین ماخوذ است که لا
ینفع ذا الجد منک الجد که در دعا واقع است بمعنی کسی است که در دنیا توانگر و صاحب
بخت است نفع نمیکند او را نزد تو در آخرت توانگری او بلکه طاعت و ایمان او در آخرت نفع
میدهد باو و تحلیل قول خدای تعالی که فرموده است یوم لا ینفع مال و لا بنون یا آنکه الجد
ماخوذ است از جده و جد بمعنی وسعت در مال قدرتست و معنی قول عرب که میگویند جل

واجد آنست که مرد توانگر نیست که توانگری او ظاهر باشد و این معنی ماخوذ است از قول
ایشان که میگویند افتقر بعد وجد و وجد بعد فقر و قول خدا که فرموده است اسکنوهن
من حیث سکنتم من وجدکم یعنی ساکن گردانید زنان خود را هرجا که ساکن میشوید شما
از وسعت و قدرت و توانگری خود و گاه هست که واجد بمعنی کسی میاید که نزد او هیچ
چیز نایافت نباشد و یا کسیکه میان او و مراد او چیزی حایل نباشد که ماخوذ از وجود
باشد لو واجد الاحد این دو اسم دلالت میکنند بر معنی وحدانیت و عدم تجزی باجزاء
و بعضی گفته اند که هر دو اسم بمعنی فردیست که از چیزی منبعث نباشد و وجود آن و متحد
نباشد بچیزی و بعضی گفته اند که میان احد و واحد از چند وجه فرقست اول آنکه واحد
داخل است در بحث حساب و جایز است که از برای او ثانی قرار دهند زیرا که او جنس خود را
استیعاب نکرده است بخلاف احد که استیعاب جنس خود کرده است آیا نمی بینی که هرگاه
میگوئی که فلان لا یقاومه واحد من الناس یعنی با فلان کسی یک کس مقاومت نمیتواند کرد
جایز است که دو کس با او مقاومت کنند و هرگاه بگوئی که فلان لم یقاومه احد یعنی هیچ
احدی با او مقاومت نمیتواند کرد جایز نیست که هیچ کس با او مقاومت کنند از قلیل و
کثیر پس احد ابلغ است از واحد چنانچه شیخ طبرسی ذکر کرده است و من میگویم که احد ابلغ است
بواسطه آنکه احد در قول تو که میگوئی لم یقاومه احد نفی عام است و شامل مذکر و
مونث و واحد و جماعت هست لهذا الله تعالی فرموده است که لستن کاحد من النساء
و نفرموده است کواحدة من النساء وجه دویم ازهری گفته است که فرق میان واحد
و احد آنست که احد از برای آنچیز نیست که مذکور میشود با او و واحد موضوع است از برای
مفتتح عدد وجه سیم شیخ شهید گفته است که واحد تقاضای نفی شریک میکند نسبت
بذات و احد تقاضای نفی شریک میکند نسبت بصفات وجه چهارم صاحب عدة الداعی
گفته است که واحد اعم است از احد زیرا که واحد را اطلاق میکنند بر صاحب عقل و غیر صاحب
عقل و احد را اطلاق نمیکنند مگر بر صاحب عقل الصمد بزرگیست که مردم در حوایج بسوی او
قصد میکنند و صمد در اصل لغت بمعنی قصد است چنانچه شاعر گفته است کما کنت
احسب ان بیتا ظاهرا ❊ لله فی اکناف مکة یصمد ❊ که معنی یصمد یقصد است و بعضی
گفته اند که صمد بمعنی کسی است که بعد از فنای خلق باقی باشد و از حضرت امام حسین

مرویست که صمد کسی است که منتهی میشود بسوی او جمیع بزرگیها و بمعنی کسی است که
همیشه بوده و همیشه خواهد بود و بمعنی کسی است که او را جوف نباشد و بمعنی
کسی است که نخورد و نیاشامد و بخواب نرود و وهب گوید که اهل بصره کسی را فرستادند
بسوی امام حسین و او را از معنی صمد پرسیدند آنحضرت فرمود که بدرستیکه الله
تعالی در تفسیر صمد فرموده بقول خود که لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
پس صمد کسی است که بیرون نمی آید از او چیزی کثیفی مثل ولد و نه چیز لطیفی مثل
نفس و منبعث نمیشود از او بدوات مثل خواب و غم و رجا و رغبت و سیری و ترس
و اضداد آنها یعنی یقظه و فرح و یاس و مانند آن از آن بظهور نمیرسد و هم چنین بیرون
نمی آید از او کثیفی مثل حیوان و نبات و نه از لطیفی مثل بصر و سایر الات و ابو حنیفه
گوید صمد کسی است که قایم باشد بنفس خود و غنی باشد از غیر خود و از حضرت امام زین
العابدین مرویست که فرمود صمد کسی است که او را شریک نباشد و نگاه داشتن
چیزها او را مانده نمیکند و هیچ چیزی از او پنهان نیست و زید بن علی گوید که صمد کسی است
که هرگاه اراده کند چیزی را بگوید که بشو بشود و صمد کسی است که جمیع اشیا از
اضداد و امثال ابداع کند و از حضرت امام جعفر صادق مرویست که فرمود که جمعی از
فلسطین بخدمت پدر من آمدند و او را از مسائل چند پرسیدند از جمله آن مسائل
معنی الصمد بود پس پدر من فرمود در تفسیر او که در الصمد پنج حرفست یکی الف و
آن دلیل است بر اینیت خدا چنانچه فرموده است شهد الله انه لا اله الا هو و دویم لام
و آن اشاره است بالهیت او و این الف و لام مدغمند که نوشته میشوند و شنیده نمیشوند
و ادغام یافته اند حرف دلیل است بر لطف و جل شانه و دلیل است بر آنکه الله تعالی
واقع نمیشود در وصف لسان و شنیده نمیشود با ذان پس هرگاه فکر کند بنده در
اینیت خدای تعالی متحیر میشود و چیزی را دریافت نمیکند در خاطر و بتصور کسی در نمیاید
مثل لام الصمد که واقع نمیشود در هیچ حاسه و هرگاه نظر کرده شود در ذات خدای تعالی
دیده و دانسته نمیشود و هرگاه فکر کرده شود در اینکه او خالق اشیاست ظاهر می
شود از برای او مثل نظر کردن بلام مکتوب سیم صاد است و آن دلیل صدق او است که
کلام او و دلیل امر او است بندگان را بصدق چهارم میم است و آن دلیل ملک او است که

هر گونه زوال ندارد پیغمبر ذا الست و آن دلیل است بر دوام او که متعالی از زوال و لفظ امام
محمد باقر مرویست که صمد سید کیست که مطاع است در امر و امر کننده و نهی کننده
و بعضی گفته اند که صمد کسی است که متعالی است از کون و فساد و بمعنی کسی است که
موصوف نمیشود بنظایر و از حضرت امام جعفر صادق مرویست که فرمود که اگر من جماعتی
مییافتم که میتوانستند علم مرا حمل کرد هر اینه نشر توحید اسلام و ایمان و دین و شرایع
از لفظ صمد میکردم القدیر القادر این دو لفظ بیک معنی اند اما قدیر مبالغه است در
قادر و معنی قادر ایجاد کننده چیزها است از روی اختیار بی عجز و فتور و قدیر کسی است که قدرت
او غیر متناهی است پس قدیر ابلغ است از قادر و لهذا غیر الله تعالی را وصف نمیکنند بقدیر
و قدرت عبارتست از تمکن از ایجاد شیء و بعضی گفته اند که قدرت انسان هیئتی است
که بسبب آن متمکن میشود از فعل و قدرت خدا تعالی عبارتست از نفی عجز از او و قادر
کسی است که اگر خواهد آن فعل را کند و اگر خواهد نکند و قدیر مبالغه است یعنی فعال
آنچه خواهد و قدرت ماخوذ است از قدر بواسطه آنکه قادر واقع میگرداند فعل را
بر مقدار و اندازه آنچه مشیت او تقاضا میکند و این مشعر است بر آنکه مقدور بنده
مقدور الله تعالی است زیرا که مقدور بنده شیء است و هر شیء مقدور الله تعالی است
چنانچه شیخ طبرسی در تفسیر کبیر خود و قاضی بیضاوی در تفسیر خود گفته اند که قول
الله تعالی فرموده است ان الله علی کل شیء قدیر عام است پس الله تعالی قادر است بر
جمیع چیزها بر سه وجه اول آنکه قادر است بر معدومات بآنکه آنها را ایجاد میسازد
سیم آنکه قادر است بر مقدورات بندگان بآنکه ایشانرا قدرت میدهد بر فعل و منع
میکند از آن و در کتاب منتهی السؤال مذکور است که قادر کسی است که اگر خواهد بکند و
اگر خواهد نکند و قدرت مشروط نیست بآنکه البته فعل را بخواهد تا آنکه اگر نخواهد
کردن فعل را او را قادر نگویند بلکه الله تعالی مطلقا قادر است بی اعتبار مشیت و عدم
آن زیرا که او فی الحال قادر است بر اقامت قیامت اما در این وقت اقامت آنرا نمیخواهد زیرا
که در علم او جاری شده است تقدیر وقت و اجل آن و مصلحت اقامت آن در این وقت
قادح نیست در قدرت او و قادر مطلق کسی است که اختراع کند هر موجود را آنچنان
اختراعی که منفرد باشد بآن و مستغنی باشد در آن از معاونت غیر خود و آن منحصر است در

از عدم بوجود میآورد دویم آنکه قادر است بر موجودات بآنکه آنها را معدوم

الله تعالی المقتدر کسی است که تام القدرة باشد و چیزی او را از مراد خود منع نتواند کرد
و بعضی گفته اند که مقتدر ابلغ است از قادر زیرا که مقتدر مقتضی اطلاق است و
بقدرت مطلقه موصوف نتواند شد مگر الله تعالی المقدم المؤخر کسی است که جمیع
چیزها را فرو میآورد بمنازل و مراتب آن در تکوین و تصویر و ازمنه بر مقتضای حکمت
بالغه پس مقدم میدارد هر چیز را که میخواهد و مؤخر میدارد هر چیز را که میخواهد الاول و
الآخر کسی است که موجود است قبل از وجود جمیع اشیا و او را ابتدائی نیست و باقی است
بعد از فنای خلق و انتها ندارد و معنی آخر این نیست که او را انتها باشد چنانچه معنی اول
آن نیست که او را ابتدا باشد بلکه اول و آخر در اینمقام آنست که او را ابتدا و انتها نباشد
الظاهر الباطن یعنی ظاهر است بواسطه حجج و براهین ظاهره و باهره که دلالت میکند
بالوهیت و ربوبیت و ثبوت وحدانیت او زیرا که هیچ موجودی از موجودات نیست مگر آنکه
شهادت میدهد بوجود او و هیچ مخترعی نیست مگر آنکه اظهار میکند توحید او را و او را
در هر چیزی آیتی و علامتی است که دلالت میکند بر وحدت و گاه هست که ظاهر بمعنی عالی
میآید و قول پیغمبر که فرموده است انت الظاهر فلیس فوقک شیء بر این معنی وارد است و
گاه هست که ظاهر بمعنی غالب میآید و قول خدا که فرموده است فایدنا الذین امنوا علی
عدوهم فاصبحوا ظاهرین بر این معنی وارد است و باطن بمعنی کسی است که محتجب است و پنهان
از ادراک ابصار و از توهم خاطرها و افکار و گاه هست که باطن بمعنی خبیر میآید چنانچه
میگویند بطنت الامر گاهی که باطن آنرا دانستی و بطانه مرد کسی است که اسرار او را مطلع شده
بر سر خود و معنی باطن نسبت بجناب مقدس ربوبیت آنست که او عالم است باسرار و قلوب و
مطلع است بر عیوب باطنه الضار النافع یعنی کسی که مالک است ضرر و نفع را پس ضرر
رساند بکسی که خواهد و داند که مستحق ضرر است و نفع میرساند بکسی که مستحق داند
شیخ شهید گفته است که معوض آثار و نافع اینست که خلق میکند چیزی را که آن چیز ضرر
میرساند المقسط کسی است که عادل است در حکم خود و جور نمیکند و قسط بکسر قاف بمعنی
عدالت و قول خدا تعالی که فرموده است قائما بالقسط از این معنی ماخوذ است و اقسط
که بصیغه افعل تفضیل است در قول خدا تعالی که فرموده است ذلکم اقسط بمعنی اعدلست
و اقسط که فعل ماضی است از باب افعال بمعنی عدل و قسط که فعل ثلاثی مجرد است بمعنی

بمعنی جائر است یعنی جور و ستم کرد و از این معنی ماخوذ است و اما القاسطون که در قول خدای
واقع است که و اما القاسطون فکانوا لجهنم حطبا الجامع کسی است که جمع میکند خلایق را
از برای روز قیامت یا آنکه جمع میکند امور متباینه را و تالیف میکند اعیان متضاده
یا آنکه جامع اوصاف حمد و ثنا است و بعضی گفته اند که جامع کسی را گویند که جمع کرده
باشد جمیع فضایل و مکارم و مآثر را البر بفتح الباء نیکو کسی است که مهربانست به بندگان
و نیکی او بجمیع خلائق رسنده است خواه محسن و خواه مسیء اما نیکی او در باب محسن آنست
که ثواب او را مضاعف سازد و در باب مسیء آنست که توبه او را قبول کند و او را از
عتاب عفو کند و گاه هست که بر بمعنی گفتار راست آید و از این معنی ماخوذ است قول عرب که گوید
بر فی یمینه یعنی قسم خود را راست کرد و بر بکسر باء بمعنی اتساع و احسان و نیکی
آمده است چنانچه هروی در کتاب غریب آورده است و از اینجاست که صحرا را بریه میگویند
بسبب وسعت و فراخی او و بر در قول خدای تعالی که فرموده است لن تنالوا البر حتی تنفقوا
جنت است یعنی بهشت را در نمی یابید شما تا آنکه در راه خدا انفاق کنید بعضی از آن
چیزها را که دوست میدارید و جوهری در صحاح خود گفته است که بر بکسر باء خلاف
عقوق است و معنی قول تو که میگوئی بررت والدی بکسر عین الفعل بمعنی اطعته است
بمعنی والد خود را اطاعت کردم و حریری در کتاب درة گفته است که قول جمعی که میگویند
برة والدک و شتم بدلک بکسر باء و ضم شین وهم است و صواب برة و شتم است بفتح باء و فتح
شین زیرا که مضارع آنها تبر و تشتم است بفتح عین الفعل و قاعده این باب آنست که
حرکت اول مثل امر ماخوذ از حرکت ثانی مضارع باشد پس باء را فتح میدهی در قول خود
که میگوئی برة بالک زیرا که باء در تبر مفتوح است و ضمه میدهی میم را در قول تو که
میگوئی مد الحبل زیرا که میم در یمد مضموم است و کسره میدهی خا را در قول تو که
میگوئی خف زیرا که خاء در یخف مکسور است پس هرگاه امر از ابر فتح میدانی که
کسر باء در این اسم شریف وهم است المانع کسی است که منع میکند اولیاء خود را از کروه
و ایشان را احاطه و یاری میکند و این ماخوذ است از منعه یا آنکه مانع بمعنی کسی است
که منع میکند فیض قوم میسازد زیرا که مستحق منعست و منع حرمانیست و منع او
تعالی از روی حکمت است و اعطاء او جود و رحمت است پس هیچکس را منع نمیتواند کرد

چیزها

چیزی را که او عطا کند و هیچکس عطا نمیتواند کرد چیزی را که او منع کند و گاه هست
که مانع بمعنی کسی می آید که منع میکند اسباب هلاک و نقصان را بسبب آنچیزی که خلق میکند
در ابدان اسباب بقا که معد حفظ است الوالی کسی است که مالک اشیاء است و متولی
آنها است و گاه هست که والی بمعنی منعم می آید نیز و قول الله تعالی که فرموده است و ما لکم من
دونه من وال ای من ولی و ناصر یعنی شما را غیر از خدا ولی و ناصری نیست و مولی و ولی نیز
بمعنی ناصر آمده است و شرح این دو اسم قبل از این گذشت و ولایت بفتح واو بمعنی نصرتست
و بکسر واو بمعنی امارتست و بعضی گفته اند که ولایت بفتح واو و کسره دو لغتست مثل دلالت
و دلالت بفتح و کسر دال که هر دو یک معنی اند و ولایت بمعنی ربوبیت نیز آمده است و از این معنی
ماخوذ است قول خدا که فرموده است هنالک الولایة لله الحق ای یومئذ یتولون الله و
یؤمنون به و یتبرؤن مما کانوا یعبدون و بعضی گفته اند که معنی این آیه اینست که ولایت
نصرت در روز قیامت مخصوص الله تعالی و غیر او در آنروز مالک ولایت نیست و او
در آنروز یاری میکند مومنان را و خوار میکند کافران را المتعالی ازدری گفته است که
متعالی کسی است که منزه است از صفات مخلوقین و هروی گفته است که متعالی کسی است که
شان او رفیع است از افتراء مفترین و گاه هست که متعالی بمعنی عالی است و معنی تعالی الله
جل ان یوصف است یعنی خدای تعالی از آن بزرگتر است که او را وصف توان کرد التواب از
ابنیه مبالغه است و او کسی است که از بندگان قبول توبه میکند و از برای ایشان آسان
میکند اسباب توبه را و هر چند از بنده توبه مکرر میشود قبول توبه از او مکرر میشود
و هرگاه تواب صفت مخلوقین واقع شود بمعنی تائب است و توبه و توب بمعنی رجوع است از
گناهان و بعضی گفته اند که توب جمع توبه است و در شرح قول الله تعالی که فرموده است
غافر الذنب و قابل التوب در حاشیه دعای عشرات در فصل شانزدهم گذشته المنتقم
کسی است که مبالغه میکند در عقوبت کسیکه میخواهد و معنی انتقم الله من فلان
عاقبه است یعنی خدا عقاب کرد او را و در قواعد شهید مذکور است که منتقم شکننده
پشتهای عاصیان است الرؤف کسی است که رحیم است و مهربان برحمت خود بر بندگان و بعضی گفته
که رأفت ابلغ از رحمت است و رقت در آن زیاده از رحمت است و بعضی گفته اند که
رأفت اخص است و رحمت اعم مالک الملک یعنی کسی است که جمیع ملک در دست اوست

کاه هست که مالک الملک بمعنی مالک الملوکست و ملکوت ماخوذ است از ملک مثل
رهبوت که ماخوذ است از رهبت و معنی تملک مالک شدنست از روی قهر ذو الجلال
والاکرام یعنی صاحب عظمت و غنای مطلق و فضل عام است چنانچه شیخ شهید
گفته است و با دراکی گفته شد که بمعنی کسیست که مستحق آنست که او را بزرگ
و گرامی دانند و کافر نشوند با و ذو الطول یعنی تفضیل کننده بر بندگان بترک عقاب
کسیکه مستحق عقاب باشد در دنیا و آخرت اما بشرطی که آنکس کافر نباشد و طول
بفتح طا فضل و غنا باشد و بضم طا زیادتی در جسم است یعنی کشیدگی قامت چنانکه قصر
و قصور در جسم و نقصان در آنست و قول تو که میگوئی طلت فلانا میتواند بود که از
طول بضم ماخوذ است اما از طول بفتح ذو المعارج یعنی صاحب درجاتی که آن محل صعود کلمات
طیبه و اعمال صالحه است اما مراد درجاتی است که مؤمنان بر آن صعود میکنند در بهشت
و قول خدا که فرموده است و معارج علیها یظهرون بمعنی درجاتی است که بالا میروند
بر آن و واحد آن معرج و معراجست و معنی عرج فی الدرجة یا عرج فی السلم اینست که بالا
رفت در پایها النور با دراکی گفته است که نور کسیست که بروشنی او صاحبان عمایت می
بینند و بهدایت او صاحبان غوایت نظر میکنند و راه مییابند و بر این معنی است قول خدا
که فرموده است الله نور السموات و الارض یعنی او روشن کننده و نور دهنده آسمان و
زمین است و شیخ شهید گفته است که نور بمعنی منور مخلوقاتست بوجود و بکواکب
و آفتاب و ماه و اقتباس از انبیا یا آنکه روشن سازنده وجود است بملائکه و انبیا
یا تدبیر کننده خلق بتدبیر خود الهادی آنکسیست که راه مینماید خلق را بمعرفت خود بی واسطه
یا بواسطه و دلایلی که خلق کرده است که بر معرفت او دلالت میکند و راه نموده است
باقی حیوانات را بمصالح ایشان چنانچه فرموده است که الذی اعطی کل شیء خلقه
ثم هدی البدیع کسیست که ابتداع و ایجاد خلق کرده است بی سبق مثالی و این بدیع
فعیل است بمعنی مفعل مثل الیم که بمعنی مؤلم است و بدیع را اطلاق میکنند بر فاعل و
بر مفعول و اینجا مراد فاعل است و بدع اول هر چیزیست و قول خدای تعالی که فرموده است
ما کنت بدعا من الرسل باین معنی است یعنی من رسول اول نیستم الباقی شیخ شهید گفته است
که باقی عبارتست از موجودیست که وجود او واجب باشد لذاته در ازل و ابد صاحب

جواهر و صاحب عده گفته است که باقی آنست که بقاء او را انتها و حدی نباشد
و عوارض زوال عارض او نشود و صفت دوام و بقاء او مثل بقاء جنت و نار
و دوام این هر دو نباشد زیرا که بقاء الله تعالی ازلی و ابدیست و بقاء جنت
و دوزخ ابدیست نه ازلی و معنی ازل آنست که همیشه بوده است و معنی ابد
آنست که همیشه خواهد بود و جنت و دوزخ مخلوقند که بعد از آنکه نبوده اند
موجود شده اند الوارث کسیست که باقی باشد بعد از فناء خلق که جمیع املاک بعد
از فناء ملاک با او راجع میشوند الرشید کسیست که راه نماید خلق را بمصالح ایشان
و بعضی گفته اند که رشید بمعنی صاحب رشد است و رشد بمعنی حکمت است و
بواسطه استقامت تدبیر او جل شانه او را رشید میگویند یا آنکه رشید بمعنی کسیست
که تدبیراتش و جمیع امور بغایت خود میرسد الصبور کسیست که تعجیل در امور
و عجله او را بر آن نمیدارد که مسارعت کند بفعل پیش از وقت آن یا تعجیل نمیکند
بعقوبت عاصیان زیرا که مستغنی است از تسرع بواسطه آنکه نمیترسد که اگر فعل
بود نکند آن فعل از او فوت میشود و صبور ازانجهت مبالغه است و هرگاه صبور صفت
الله تعالی واقع شود قریبست بمعنی حلیم و فرق میان صبور و حلیم آنست که از عقوبت صبور
ایمن نمیتوان بود و از عقوبت حلیم سالم و ایمن نمیتوان بودن الرب رب در اصل لغت
بمعنی تربیت است و تربیت ساختن چیزیست بکمال خود بتدریج و وصف کردن الله تعالی
برب بواسطه مبالغه است مثل صوم و عدل و امثال آن و بعضی گفته اند که رب
صفتست نه مصدر و ماخوذ است از ربه یربه و رب را بمعنی مالک اطلاق میکنند زیرا
مالک حفظ و تربیت ملک خود میکند و رب مطلق که میگویند بی آنکه او را اضافه
کنند بچیزی الله تعالی را از آن مراد است و هرگاه خواهند که او را صفت غیر الله کنند اسنادش
مقید و مضاف سازند مثل رب الضیعه و رب البیت و مانند آن و این معنی ماخوذ است
قول الله تعالی که فرموده است ارجع الی ربک و بدین معنی در بیت اول قولست که آنکه رب بمعنی
مالک است چنانچه میگویند رب الارض یعنی مالک زمین و قول بعضی از عرب که گفته اند
لان یربنی رجل من قریش احب الی من ان یربنی رجل من هوازن بر این معنی وارد است
یعنی اگر مرا مالک شود مردی از قبیله قریش دوستتر است بسوی من از آنکه مالک

شوهر مرا مردی از قبیلهٔ هوازن و نیز از این معنی ماخوذ است قول پیغمبر که بمردی کفت
که ارب غنم انت ام رب ابل یعنی مالک کوسفندی تو یا مالک شتر آنمرد کفت که
الله تعالی انعم علی از این هر دو بسیار و خویش را بمن ارزانی داشته است دوم آنکه
بمعنی سید است چنانچه قول الله تعالی که فرموده است واما احدکما فیسقی ربه خمرا
و این معنی وارد است چه مراد از رب در این آیه سید است و قول لبید نیز کفته است
واهلکن یوما رب کندة وابنه از این معنی ماخوذ است یعنی سید کنده سیم آنکه بمعنی
مدبر است و ربانیون که در قرآن کریم است از این معنی ماخوذ است چه مراد از آن علما
و علما را از این جهت ربانیین کویند که تدبیر و تعلیم مردم قیام مینمایند و قول عرب
کمیکویند رب البیت نیز باین معنی وارد است یعنی کمدبر خانه است و بقیه هم
دو بیت معنی است و کاهی عرب میکویند که فلان رب صنیعته که آنرا اتمام کند چهارم
آنکه بمعنی تربیت است و قول خدایتعالی که فرموده است وربائبکم که جمع ربیبه است از
این معنی ماخوذ است و ولد زوجه را از شوهر دیکر ربیبه میکویند زیرا که زوج تربیت
او میکند پس آن ولد مربوبست مثل قتیله که بمعنی مقتول است و جایز است که ولد
زوجه را ربیبه کویند و اکرچه در حجر و کنار زوج نباشد بواسطهٔ آنکه عرب فاعل و
مفعول را نام میکذارند بآنچیزی که واقع میشود با یشان و واقع میکردانند ایشانرا بعد
از این چنانچه میکویند هذا قتیل و هذا ذبیح و اکرچه هنوز کشته و مذبوح نشده
باشد اما اراده قتل و ذبح او داشته باشد چنانچه کوسفندیرا مهیا داشته باشند
برای قربانی او را اضحیه میکویند قبل از ذبح آن پس بنا بر این اکر خدا تعالی را رب بکویند
بواسطهٔ آنکه او سید است یا مالک است از صفات ذات خواهد بود و اکر بواسطه
آن رب کویند که مدبر خلق خود است از صفات افعال خواهد بود السید بمعنی ملک
و سید قوم پادشاه و بزرک ایشانست و پیغمبر در وقتیکه فرمود علی سید العرب
عایشه کفت آیا تو سید عرب نیستی آنحضرت فرمود که من سید ولد آدمم و علی سید
عرب است عایشه کفت که سید چه معنی دارد آنحضرت فرمود که سید کسی است که
طاعت او واجب باشد چنانچه طاعت من واجب است پس بنا بر این سید پادشاه و
ملکیست که واجب باشد طاعت او و چنانچه صاحب عده کفته است و شیخ شهید قدس

خود

خود کفته است که بعضی منع کرده اند از تسمیه الله تعالی بسید و من میکویم
کاین منع خوب نیست از چند وجه اول حدیثی است که صاحب عده ذکر کرده است
و ما از او نقل کردیم و نیز صاحب عده سید را از جمله اسماء حسنی شمرده است و عبادت
خود وجه دوم آنکه در ادعیه بسیار واقع شده است اطلاق سید بر الله تعالی و نیز در
بعضی احادیث وارد شده است که قال السید الکریم در جائی که قایل خدایتعالی است
وجه سیم آنکه این اسم موهم نقصی نیست پس باجماع جایز است اطلاق آن بر خدایتعالی
الجواد کسی است که کثیر الاحسان و کثیر الانعام باشد و فرق میان جواد و کریم آنست
که کریم کسی است که با سؤال می بخشد و جواد کسی است که بی سؤال می بخشد و بعضی بر
عکس این کفته اند و معنی سخی جواد در حق سخی جایز نیست که اصل سخاوت راجع
میشود به لین و نرمی قلب چنانچه زمین نرم و کاغذ نرم را ارض سخاوه و قرطاس سخاوه
کویند و سخی را بواسطهٔ آن سخی کویند که نرمی جوانح او و لینت قلب او حاصل میشود تا
اینجا کلام صاحب عده بود و من میکویم که قول او که کفته است که خدایتعالی را سخی نمیتوان
کفت خوب نیست زیرا که سخا مرادف جود است و جود صفت کمالست پس اطلاق
آن بر خدایتعالی جایز باشد یا آنکه در بسیاری از ادعیه رخصت اطلاق سخی بر خدا
وارد شده است و در آن ادعیه اسناد کرده اند سخا را بخدا چنانچه در دعای
جوشن کبیر که آنرا علی بن الحسین روایت کرده است از پدر خود و او از امیر المؤمنین ع
و او از پیغمبر یا ذا الجود و السخاء وارد شده است که جمع کرده است میان سخا و جود
بواسطهٔ ترادف ایشان با اسم کرم و همچنانچه در دعای صحیفه که مدرج مذکور است
وارد شده است که سبحانه من تواب ما اسخاه و سبحانه من سخی ما انضح پس هر کاه
اسم سخا موهم نقص نباشد و در دعوات اطلاق آن بر خدایتعالی اکر کویند که اصل
سخا راجع است بلین و اطلاق لین بر خدا روا نیست چنانچه صاحب عده ذکر کرده است جواب
کوئیم که لین در این مقام بمعنی حلم است نه ضد خشونت و اطلاق لین بمعنی حلم بر خدا
جایز است چنانچه در متهجد شیخ طوسی در دعای روز شنبه مذکور است که لنت
فی تجبرک و تجبرت فی لینک که لنت فی تجبرک بمعنی حلمت فی عظمتک است و صفت
که بر خدا اطلاق کنند مثل صفات مخلوق نیست بواسطهٔ آنکه ثواب او هر کاه

مخلوق سازی یعنی تائب است وهرگاه آنرا صفت خدای تعالی کردانی یعنی قبول
توبه است از بندگان وصبور را هرگاه صفت مخلوق سازند بمعنی کسی است که نفس
خود را بسبب ناحق حبس میکند از جزع وهرگاه آنرا صفت خدای تعالی سازی یعنی آنست
که او تعجیل نمیکند بعقوبت عاصیان زیرا که مستغنی است از تسرع بواسطهٔ آنکه
نمیترسد که چیزی از او فوت شود با آنکه شیخ نصیر الدین در کتاب فصول کفته است
که هر اسمی که لایق است بجلال خدای تعالی ومناسبت دارد بکمال او جایز است اطلاق
آن بر خدای تعالی واکرچه از شارع رخصتی در اطلاق آن اسم وارد نشده باشد اما
این اطلاق از ادب نیست زیرا که جایز است که از وجهی دیکر مناسبت نداشته باشد
پس ما بر میکردیم بسوی مطلبی که در سخی است ومیکوییم که اصل سخاوت راجع است
باتساع وسهولت وسخا بمعنی زمین سهل واقع است چنانچه جوهری وغیر آن از
ائمهٔ لغت ذکر کرده است وسخی را بواسطهٔ سهولت عطای او ووسعت آن سخی کویند
پس الله تعالی احق است باسم سخا از مخلوق بواسطهٔ آنکه عطای او رسیده است
بجمیع مطیعان وبد ونیکی او شامل شده است جمیع نیکوکاران را یا آنکه اکر ما تسلیم کنیم
از شیخ احمد بن فهد صحت رجوع را باصل اشتقاق در اسماء حسنی هر آینه واجب
خواهد بود در اطلاق که ترک کنیم هر اسمی را از اسماء حسنی که در اشتقاق اصل و معنی
حاصل شود که مناسبت بجناب مقدس الهی نداشته باشد وحال آنکه این باطل است
باجماع آیا نمیبینی که سید که از اسماء الله تعالی است وانرا اهل لغت موضوع
از برای بز نر چنانچه جوهری کفته است که در حدیث پیغمبر وارد شده که ثنی من
الضان خیر من السید من المعز یعنی کوسفند جوان بهتر از بز نر است پس اکر نظر باصل
اشتقاق سید کنیم اطلاق آن بر خدا جایز نیست پس معلوم شد که اصل در اسماء
الله تعالی ملحوظ نیست وکمان نمیبرم من که صاحب عده درین مقام تقلید قاضی عبد
الجبار کرده است چه او در شرح اسماء حسنی کفته است سخا را بر خدای تعالی
اطلاق نمیتوان کرد زیرا که سخا افادهٔ معنی حسن میکند و اطلاق حسن بر خدای تعالی
روا نیست ومن میکوییم که کلام عبد الجبار نزد من درست نیست زیرا که حنان از غیر حسن
مشتق است چنانچه جوهری در صحاح کفته است که حنان بتخفیف بمعنی رحمت است وحنان

بتشدید

بتشدید صاحب رحمت است وهروی در غریبین کفته است که وحنانا من لدنا که
در قران کریم وارد است بمعنی رحمت است وحنان بتشدید بمعنی رحیم است و
این از صفات الله تعالی است پس حنان بتخفیف بمعنی عطوفت ورحمت است ودر
حدیث وارد است که پیغمبر بر مردی کذشت که او را عقاب در آزار میکردند فرمود که
لا تعذبوا احنانا یعنی آیا رحم وعطوفت نمیکنید براو وحال آنکه او از اهل جنت است و
شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان کفته است که معنی قول خدای تعالی که فرموده است و
حنانا من لدنا بمعنی رحمت است چنانچه کفته میشود که حنانک وحنانیک و
اکثر استعمال او بمعنی تثنیه است چنانچه طرفه کفته است که حنانیک بعض الشر
اهون من بعض ومعنی حنانیک رحمک الله رحمة بعد رحمة است وشیخ طبرسی کفته
که حنان بتخفیف بمعنی مهربانی ورحمت ورزق وبرکت است وحنان بتشدید بمعنی رحیم است
وآن از جملهٔ صفات الهی است زیرا که چنانچه الله رحیم میکویند الله حنان نیز میکویند
ومعنی حنان صاحب رحمت است پس بر میکردیم ما ومیکوییم که بر آنچیزی که شیخ احمد بن
فهد وقاضی عبد الجبار کفته اند که جایز نیست که خدای تعالی را شاکر توان کفت
زیرا که شاکر در اصل لغت بمعنی کسی است که اظهار نعمتی کند که بکسی داده باشد
شیخ طبرسی در تفسیر خود ذکر کرده است وبعد از ان کفته است که الله تعالی از
آن برتر است که کسی او را نعمتی باشد وحال آنکه در قران کریم وصف الله تعالی
بشاکر وارد شده است چنانچه فرموده است فان الله شاکر علیم پس وصف الله بشاکر بر
سبیل مجاز وتوسع است پس کفته است شیخ طبرسی که معنی الله شاکر ای مجازی عبده علی
طاعته بالثناء والثواب است یعنی الله تعالی جزا میدهد بندهٔ خود را بر طاعت وبثواب وثنا
واینکه لفظ شاکر را ذکر کرده است بواسطهٔ تلطف بندکان ومظاهره در احسان و
انعام بر ایشان است چنانچه الله فرموده است من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا با آنکه خدا قرض
نمیکند از کسی اما این لفظ را بر سبیل لطف ذکر کرده است وبا بندهٔ خود عمل معاملهٔ قرض
کرده است از آنجهت که بنده در حال غنای خود نفقه میکند واضعاف آن را در حال فقر
وحاجت از خدا میکیرد وهمچنین عمل میکند با بندهٔ خود معاملهٔ شاکر از آنجهت که او
مستحق ثنا وثوابست پس نفس خود را این جهت شاکر کفته است پس ظاهر شد که در بعضی

اسماء الله تعالی اشتقاق اصلی ملحوظ نیست بر میگردیم ما و میگوئیم که در این مقام چند
فایده است که مناسبت دارد باین مقام و ذکر آنها درین مقام خوبست و از این است
که بدانکه اسمائیکه در قرآن و حدیث بر الله تعالی اطلاق شده است و هیچ کدام از آنها
موهم نقصان نیست اجماعی است که اطلاق آنها بر خدا جایز است و اما ما عدای این قسم
از اسما سه قسم است اوّل اسمی است که در قرآن و حدیث وارد نشده است و موهم نقص نیز
هست اطلاق آن بر خدا تعالی باجماع جایز نیست مثل عارف و عاقل و فطن و ذکی زیرا که
عارف ماخوذ است از معرفت و معرفت مشعر است بر سبق فکرت و این بر خدا تعالی روا
نیست و عاقل ماخوذ است از عقل و عقل بمعنی منع است از چیزیکه لایق نباشد و فطنت و
ذکا مشعر اند بسرعت دریافت چیزیکه غایبست از مدرک و خدا منزه است ازین صفات و هم
چنین متواضع و علامه و داری زیرا که متواضع موهم ذلت است و علامه موهم تانیث است و
داری موهم تقدم شکست و اینکه در دعای روز شنبه از حضرت کاظم وارد است که یا من
لا یعلم و لا یدری کیف هو الا هو اطلاق لفظ داری بر خدا مراد از آن عالم است دوم اسمی
که در قرآن و حدیث وارد شده است اما اطلاق آن در غیر مورد خود موهم نقص است
اطلاق آن اسم نیز بر خدا روا نیست مثل یا ماکر یا مستهزئ و قسم خوردن بآن جایز نیست و
شیخ شهید در قواعد خود گفته است که بعضی از علما [منع کرده] گفته اند نگفتن اللهم امکر بفلان
و در دعوات مصباح که اللهم استهزئ بهم و لا یستهزئ بی وارد شده است معنی مجازی از
آن مراد است یعنی جزای مکر و جزای استهزا میدهد سیم اسمی است که موهم نقص نیست اما در
قرآن و حدیث وارد نشده است مثل سخی و مانند آن و شیخ شهید گفته است که ولی
توقف است و اسمی که در شرع تسمیه بآن واقع نشده است و اگرچه اطلاق معنی آن بر خدا
جایز است و هرگاه این مذکورات را دانستی پس میگوئیم ما که شیخ نصیر الدین ابو جعفر محمد
ابن حسن طوسی ره در کتاب فصول خود گفته که هر اسمی که لایق است بجلال خدا و مناسب کمال
اوست و در شرع اذن وارد نشده است بآن اطلاق آن بر خدا جایز است و اما انا ادب
زیرا که جایز است که مناسبت بجناب الهی نداشته باشد از وجه دیگر و مصنف ره میگوید
که پس بنابرین جایز خواهد بود اطلاق جوهر بر خدا زیرا که جوهر چیز قایم بذاتست که محتاج
بغیر نباشد و خدا نیز چنین است و من میگویم که در این کلام مصنف ره بحث است زیرا که جوهر

عبارتست از ماهیتی که هرگاه یافت شود در خارج محتاج بموضوع نباشد و این
تعریف صادق نمی‌آید مگر بر ماهیتی که وجود زاید باشد بر آن و آن ماهیت باید مستغنی
از موضوع باشد نه از علت فاعل و غیر آن پس اصلا تعریف جوهر بر او صادق نمی
آید و بحث مصنف بنصیر الدین وارد نمیشود و شیخ علی بن یوسف بن عبد الجلیل
در کتاب منتهی السؤال گفته است که جایز نیست اطلاق اسمی بر خدا که در شرع مطهر آنرا
با او اطلاق نکرده باشند و اگرچه بحسب معنی اتصاف او تعالی جایز باشد مانند مثل
جوهر که بمعنی ذاتی است که قایم بخود باشد زیرا که در اطلاق آن بر خدا شاید معتقد
حقیقت باشد که مانند ایشان نیز زیرا که در کلام شیخ علی بن یوسف نیز همان بحث میرود که در کلام
مصنف ذکر کردیم با آنکه اگر جوهر را بقایم بالذات تفسیر کنیم بر خدا صادق نمی‌آید زیرا که
مراد بقایم ذات ثبت لها القیام است و در واجب تعالی قیام غیر ذاتست در اطلاق صفت
بر موصوف ثبوت معنی آن صفت کافی نیست زیرا که اطلاق لفظ عزیز و اطلاق لفظ جلیل
بر پیغمبر جایز نیست با آنکه او عزیز و جلیل میگویند در قوم خود بواسطه آنکه عز و جل
مخصوص الله تعالی است و اگر عنایت فرامت خدا بر پیغمبر نمیبود در الهام اسماء خود
و بانبیا هیچکس از مردم جرات نمیکردند که اسمی از این اسما و صفتی ازین صفات را بر خدا
اطلاق کنند و من میگویم که این قول قلیل است از قول صاحب فصول زیرا که هرگاه
جایز باشد عدم مناسبت و ضروری نباشد که داعی بتسمیه الله تعالی باسمی نباشد
واجبست که امتناع کنند از آن مادام که نص شرعی وارد نشده باشد بر اطلاق آن بر خدا
و معنی قول علما که گفته اند اسماء الله تعالی توقیفی اینست که موقوفست بر نص و اذن شارع
بدرستیکه درین باب تسبیحات کلام بیرون رفتیم از حد اختصار اما چون حدیث
درین باب ذی شعب است پس اطراف آنرا بیان باید کرد شدید العقاب یعنی سخت
عقاب کننده است طاغیان را و شدید بمعنی قوی است و ازین معنی ماخوذ است و شددنا
ملکه یعنی قوینا ملکه و بمعنی شد الله عضده قواه است و هرگاه بامر ذی ذابه قویه
باشد میگویند اشتد الرجل و مشد کسی است که دوابش قویتر باشد و مضعف کسی است
که دوابش ضعیف باشد النصیر بمعنی نصیر است و نصیر صیغه مبالغه است مأخوذ
است از نصرت و نصرت بمعنی معونت و یاریست و نصیر و ناصر بمعنی یاری کننده است و معنی

نصر الغیث البلد این است که باران غالب بلند کرد بر آن زانی و نبات و معنی قول
خدا که فرموده است لا هم ینصرون ولا هم یناو نور است العلام مبالغه است در
علم و کسی است که هیچ معلومی خارج از علم او نباشد عرب می‌گوید رجل علامة و نسابة
و رأیة بالحاق هذه تا دلالت کند بر تحقیق مبالغه زیرا که این الحاق مشعر است بحدوث
معنی که زاید است بر اصل و خدا را علامه نمی‌گویند زیرا که موهم تانیث است المحیط
کسی است که علم او شامل جمیع معلومات است و عرب گاهی می‌گوید که احاطه علم فلان
بکذا که چیزی از او غایب نباشد و معنی قول خدا که فرموده است والله من ورائهم محیط
این است که جمیع خلایق در قبضه قدرت و سلطنت او داخلند و از او فوت نمی‌شوند
مثل کسی که از جمیع جوانب ویرا احصا و احاطه کرده باشند که او را فرار ممکن نباشد و
این نخله بلاغت قرآنست الفاطر کسی است که ابداع خلق کرده است و معنی فطر الخلق
ابتدعهم و خلقهم است و مشتق است از فطر که بمعنی شق است و اذا السماء انفطرت از این معنی
ماخوذ است چه انفطرت بمعنی انشقت است و معنی قول الله تعالی که فرموده است تکاد السموات
یتفطرن یتشققن است گویا که الله تعالی عدم را شکافته است و ما را از آن بیرون آورده است
و معنی قول الله تعالی که فرموده است فاطر السموات والارض ابتدا کننده خلق آسمانها و زمین است
ابن عباس گوید که معنی فاطر السموات را نمیدانستم تا آنکه دو اعرابی بر سر چاهی بسوی من
حاکمه آوردند یکی از آن دو اعرابی گفت انا فطرتها یعنی من ابتدا کرده ام آنرا من آنرا و معنی
فاطر را دانستم و قول خدا که فرموده است الا الذی فطرنی بمعنی خلقنی است انفطار و انصداع
و انشقاق بیک معنی اند الکافی کسی است که مهمات جمیع خلایق را کفایت کند و مونت را از آن
ایشان دفع کند پس او کافی است مر کسی را که بر او توکل کرده است پس کفایت میکند جمیع
ما یحتاج الیه و کفیت بمعنی قوة است و جمع آن کفاة است الاعلی کسی است که غالب باشد
و معنی قول خدا که فرموده است انتم الاعلون بمعنی الغالبون المنصورون بالحجة والظفر است
و معنی علون فی الارض این است که غالب شدند بر هم سر خود و قول خدا که فرموده است ان
فرعون علا فی الارض بمعنی غلبه و تکبر و طغی است و گاه هست که اعلی بمعنی منزه از امثال
و اضداد و اشباه و انداد می‌آید الاکرم بمعنی کریم است چه گاه هست که صیغه افعل بمعنی
فعیل می‌آید مثل قول خدا که فرموده است و هو اهون علیه که اهون بمعنی هین است و اشقی

والتقی

و اتقی در قول خدا که فرموده است لا یصلیها الا الاشقی بمعنی شقی و تقی است و
اعز و اطول در قول شاعر که گفته است ان الذی سمک السماء بنا لنا بیتا دعائمه
اعز و اطول بمعنی عزیزه و طویله است پس اکرم نیز بمعنی کریم است الحفی بمعنی عالم است
و از این معنی ماخوذ است قول خدا که فرموده است یسئلونک عن الساعة کانک حفی
عنها زیرا که حفی عنها بمعنی عالم بوقت مجیئها است و گاه هست که حفی بمعنی لطیف
می‌آید و معنی انحفی بی است بمعنی کسی که بتو نیکی کرده است و لطف و انه کان بی
حفیا از این معنی ماخوذ است که انبیا تامحینا الذاری بمعنی خالق است و معنی الله ذرا
الخلق و برأهم خلق است و اکثر اهل لغت اتفاق کرده اند بر ترک همزه در الذاری و گفته اند
بهمزه و معنی قول خدا که فرموده و لقد ذرأنا لجهنم کثیرا خلقنا است الصانع
کسی است که قابل صنعت است و از این ماخوذ است صانع کل مصنوع و خالق کل مخلوق
پس هر موجودی که غیر خداست فعل اوست و در حدیث وارد است که انه اصطنع
خاتما من ذهب ببعض نسائه و معنی آن حدیث آنست که سوال کرد صانعی را که از برای
بعضی از زنان او انگشتری از طلا بسازد چنانچه اکتتب له بمعنی سئل ان یکتب له است
چه باب افتعال از برای طلب می‌آید و زنی را که حذاقت دارد در عمل دستها او را صناع الیدین
گویند و آنکه حذاقت ندارد او را خرقاء گویند و در تثنیه امرأتان صناعتان و در
جمع نسوة صنع گویند و اگر مرد باشد رجل صنیع الیدین و صنع الیدین بکسر
گویند یعنی حاذق فی هذا الامر و صنعت و صناعت پیشه صانع را گویند و شیخ شرف
الدین مقداد در کتاب لوامع در بیان فرق میان صانع و خالق و باری گفته است که
صانع عبارتست از موجد چیز یکه آنچیز را از عدم بوجود اخراج کند و خالق آنست که تقدیر
کند چیزها را بمقتضای حکمت خود خواه آنرا وجود دهد یا نه و باری عبارتست از
موجد اشیای متفاوت و تمیز کننده چیزها است بصور و اشکال چنانچه در شرح اسم
مصور گذشت هر کس خواهد آنجا طلب کند الرائی بمعنی عالم است و رؤیت بمعنی علم
می‌آید چنانچه خدا فرموده است الم تر کیف فعل ربک که الم تر بمعنی الم تعلم و فرق میان
رؤیت بچشم و رؤیة بمعنی علم آنست که رؤیت بچشم متعدی میشود بیک مفعول
و رؤیت بمعنی علم متعدی میشود بدو مفعول چنانچه میگوئی رأیت زیدا عالما صیغه

از رؤیت او و دنیا آید و معنی ادنا منا سکنا علمنا است و بری در قول و جل شانه که
فرموده است عنده علم الغیب فهو یری بمعنی یعلم و معنی لا ترینا کهم در قول خدا که
فرموده است یعنی کم ما کهم السبوح کسی است که منزه باشد از هر بدی و معنی سبح اسم
منزه الله است و معنی سبحانک آنست که تو را منزه میدانم از هر بدی و مطهری و بعضی
گفته است که معنی قول عرب که میگویند سبحانک اللهم است و بحمدک این است که
سبحتک بجمیع آلائک و بحمدک سبحتک و نماز را تسبیح نام کرده اند زیرا که تسبیح
تعظیم الله تعالی است و تنزیه اوست از هر بدی و تسبیح در قول الله که فرموده است
و سبح بحمد ربک بالعشی و الابکار صلوة است و سبح بمعنی صلی است و معنی من المسبحین
در فلولا انه کان من المسبحین من المصلین است و جوهری گفته است که سبوح از
جمله صفات خدا است و هر اسمی که بر وزن فعول است مفتوح الاول است مگر سبوح قدوس
و ذروح و سبحان ربنا بضم فا بمعنی جلالت پروردگار است که مضموم الاول است
الصادق کسی است که در وعده خود راست گفتار باشد و از کسیکه بعهد او وفا
کرده است که نکند و صدق خلاف کذب است و مراد از قول خدا که فرموده است مقعد
صدق منزل صالحست و هر چیزیکه منسوب است بخیر و صلاح آنرا بصدق اضافه میکنند
چنانچه میگویند رجل صدق و ذات صدق الطاهر کسی است که منزه باشد از اشیاء
و اضداد و امثال و انداد و منزه باشد از صفات ممکنات و نعوت مخلوقات مثل حدوث
و زوال و سکون و انتقال و غیر آن و تطهر تنزه است از چیزیکه حلال نیست و این معنی
ماخوذ است از انهم اناس یتطهرون ای یتنزهون عن ادبار الرجال و النساء یعنی قومی که منزه
بودند از وطی در بر مردان و زنان الغیاث مصدر است و بمعنی مغیث است و تسمیه باسم
مصدر بواسطه توسع و مبالغه است یعنی بسیار بفریاد درماندگان میرسد و بسیار اجابت
میکند دعای مضطرین را الفرد الوتر این دو اسم یک معنی است یعنی منفرد بربوبیت و امر
دون خلق و وتر بکسر واو بمعنی فرد است و وتر بفتح واو بمعنی کینه است و لغت اهل
حجاز عکس اینست و بنی تمیم کسره میدهند واو وتر را و ذا الفحل را و در حدیث وارد است
که خدا وتر است و دوست میدارد وتر را و در قول خدا تعالی که فرموده است و الشفع
و الوتر چند قول است اول قول حسن است که گفته است مراد از آن زوج و فرد نیست که از

اعداد است و در حسنات مذکور میشود و ذکر آن در قران بواسطه عظم نفع
اوست زیرا که مقادیر بآن مضبوط میشود دوم قول ابن زید و جبائی است که
گفته اند مراد از جمیع ما خلق الله است زیرا که جمیع اشیا یا زوج است یا فرد
سیم قول جمعیست از علما تفسیر که گفته اند مراد از شفع خلق است زیرا که کل
خلق ازواجند چنانچه الله فرموده است و خلقناکم ازواجا مثل کفر و ایمان و
شقاوت و سعادت و هدی و ضلالت و لیل و نهار و آسمان و زمین و بر و بحر و
شمس و قمر و جن و انس و وتر الله تعالی است و بس و این معنی در حدیث ابو سعید خدری
از پیغمبر مذکور است چهارم آنکه شفع صفات خلق است زیرا که متبدل میشود
باضداد خود مثل قدرت و عجز و بخل و کرم و مانند آن و وتر صفات الله تعالی
زیرا که او عزیز است بلا ذل و غنی بلا فقر و علیم بلا جهل و قوی بلا ضعف و حی بلا موت
و مانند آن پنجم آنست که شفع و وتر نماز است زیرا که بعض از آن شفع است و بعض وتر
چنانچه در حدیث ابن حصین از پیغمبر مذکور است ششم آنکه مراد از شفع نحر است بواسطه
که عاشر لیالی عشر است که در قول خدا مذکور است که فرموده است و لیال عشر و وتر
روز عرفه است زیرا که تمام آن ایام است و مثل این در حدیث جابر از پیغمبر مذکور است
که فرمود بواسطه آنچه نحر مشفوع است بروز نفر و روز عرفه منفرد است بموقف آن
شفع و وتر گویند هفتم آنکه شفع عبارتست از لیالی عشره مذکوره و آن عشر ذیحجه است
و برخی گفته اند مراد از آن ده روز آخر ماه رمضانست و برخی گفته اند عبارت از ده
که لیالی موصوف بآن تمام کرد خدا و وتر عبارتست از وتر آن لیالی است هشتم آنکه شفع
دو روز و بر است بمعنی هشتم ذیحجه و وتر روز عرفه است و این معنی از امام محمد باقر
مروی شده است نهم آنکه وتر آدم است و شفع اوست که با حوا جفت شد دهم آنکه
مراد از شفع شفعی است که در قول خدا مذکور است فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه
و مراد از وتر و من تاخر فلا اثم علیه الی یوم الثالث است یازدهم آنکه مراد از شفع
ایام و لیالی دنیا است که بازاء هر روز شبی هست و مراد از وتر روز قیامت است که
شب ندارد دوازدهم آنکه مراد از شفع علی و فاطمه است و مراد از وتر محمد است سیزدهم
آنکه مراد از شفع صفا و مروه است و مراد از وتر بیت الحرام است چهاردهم آنکه مراد از

شفع دو رکعت اول نماز شام است و مراد از وتر رکعت سیم آنست شانزدهم آنکه مراد از
شفع درجات جنتهاست زیرا که جمیع درجات جنت شفع است و مراد از وتر درکات دوزخ است
که آن هفت است گویا که حقتعالی در این قول خود قسم بجنت و دوزخ میخورد هفدهم آنکه
مراد بشفع و وتر الله تعالی است که هم شفع است و هم وتر چنانچه فرموده است که ما یکون
من نجوی ثلثة الا هو رابعهم تا آخر آیه هیجدهم آنکه مراد از شفع مسجد مکه و مدینه است
و مراد از وتر بیت المقدس است نوزدهم آنکه مراد از شفع حج قران و تمتع است و وتر حج
افراد است بیستم آنکه مراد از شفع فرایض است و مراد از وتر سنن است بیست و یکم آنکه
مراد از شفع اعمالست و مراد از وتر نیتهاست که آن اخلاص است بیست و دویم آنکه مراد
از شفع عباداتیست که متکرر میشود مثل نماز و روزه و زکوة و مراد از وتر عبادت غیر
متکرر است مثل حج بیست و سیم آنکه مراد از شفع بدن و روح است در وقتیکه با هم باشند
و مراد از وتر روح است در وقتیکه از بدن مفارقت میکند گویا که الله تعالی قسم میخورد
ببدن و روح در حالت اجتماع و افتراق پس این بیست و سه قولست که شیخ طبرسی در تفسیر
کبیر خود بیست و سه قول را ذکر کرده است و باقی اقوال را از تفسیر ثعلبی و غیر آن نقل
کردیم الفالق کسی است که ارحام منشق سازنده حیوان را از آن بیرون میآورد و حب و
نوا را منشق کرده نباتات را از او اخراج میکند و زمین را شق میکند از هر چیزیکه از زمین
بیرون میآید و آنها را بیرون میآورد چنانچه میفرماید والارض ذات الصدع و ظلمت را
منشق میسازد از صباح و آسمان را از قطر و مطر و بحر را میشکافد از برای موسی و شیخ
طبرسی گفته است که معنی فالق الحب والنوی اینست که شکافنده حبه میتة یابسه و
شق کننده نوات یابسه و بیرون آورنده نبات از حبه مذکوره و بیرون آورنده نخل و شجر
از نوات یابسه است و این قول را نقل کرده است از حسن و قتاده و سدی و بعضی گفته اند
که معنی این قول این است که فالق حبه و نوی و منبت و مبدء آنها است و این قول از
ابن عباس و ضحاک مرویست و بعضی گفته اند که مراد باین قول آنچیزیست که در حبه و
نوی از شق و عجایب قدرت الهی است در استواء آن القدیم کسی است که متقدم است
بر جمیع اشیا و وجود او را اول و ابتدا نیست یا مراد از قدیم کسی است که عدم بر او سبقت
ندارد و نعمای او در منبع السد و گفته اند که قدیم بر دو قسم است حقیقی و مجازی قدیم

حقیقی

حقیقی موجودیست که عدم بر او سابق نیست و او را در طرف ماضی نهایت نیست و منحصر است
در الله تعالی و قدیم مجازی موجودیست که دیرینه باشد چنانچه میگویند این بنا قدیم است
القاضی کسی است که حکم کند میان بندگان و قول الله تعالی که فرموده است و قضی ربک
الا تعبدوا الا ایاه از این معنی ماخوذ است و معنی قضی در این آیه حکم و امر و وصی است و معنی والله
یقضی بالحق یحکم الله است و قضی بر چند معنی آمده است اول قضا وصیت و امر است
چنانچه در و قضی ربک الا تعبدوا الا ایاه گذشت معنی آن امر و وصی است و بعضی گفته اند
که مراد قضای حکم است و صاحب عده و صاحب عزیزی نیز باین معنی رفته اند دویم
که مراد از آن قضای عهد است یعنی الله تعالی عهد کرده است که نپرستید شما مگر او را و مثل
اینست قول الله تعالی که فرموده است و قضینا الی موسی الامر ای عهدنا دویم قضا اعلام است
چنانچه فرموده است و قضینا الی بنی اسرائیل یعنی اعلام کردیم ایشانرا سیم فراغ است
مثل فاذا قضیتم الصلوة یعنی هرگاه فارغ شوید از ادای نماز و قول حقتعالی که فرموده است
فلما حضروه قالوا انصتوا فلما قضی یعنی فلما فرغ است یعنی وقتیکه او فارغ شود از تلاوت
قران و معنی فاذا قضیتم مناسککم اینست که هرگاه فارغ شوید از مناسک خود و
قاضی را بواسطه آن قاضی میگویند که هرگاه حکم کرد خصمین را از جدل فارغ میسازد
چهارم فعل است مثل فاقض ما انت قاض یعنی بکن آنچیزی را که کننده آن را و امضا
کن آنچیزی را که تو امضا کننده آن را از امور دنیا پس فاقض بمعنی فاعل است پنجم موتست
مثل لیقض علینا ربک و مثله لا یقضی علیهم اذ قضی الامر فیموتوا ششم وجوب عذاب است
مثل و انذرهم یوم الحسرة اذ قضی الامر که مراد از قضی الامر اذا وجب العذابست و قول
یوسف نیز که فرموده است قضی الامر الذی فیه تستفتیان نیز باین معنی است هفتم
کتابت مثل و کان امرا مقضیا ای امرا مکتوبا هشتم اتمام است مثل فلما قضی موسی
الاجل یعنی پس چون تمام کرد موسی اجل و مدت را و مثل ایما الاجلین قضیت یعنی
هر کدام از دو مدت را که تمام کردی نهم حکم است مثل و قضی بینهم بالحق یعنی حکم کرد
در میان ایشان بحق و مثل والله یقضی بالحق یعنی والله تعالی حکم میکند بحق دهم جعل است
مثل فقضیهن سبع سموات ای جعلهن یعنی گردانید آنها را هفت آسمان و شیخ طبرسی
گفته است که صدوق این قضا را اصناف خلق نام کرده است و گفته است که معنی فقضیهن

خلقهنّ است وهروی گفته است که مراد از قضا فراغ است ای یفرغ من خلقهنّ
یا ندهم علم است مثل الا حاجة فی نفس یعقوب قضیها ای علمها دوا ندهم قول است مثل
والله یقضی بالحقّ که صدوق گفته است که معنی یقضی بالحقّ یقول الحقّ است واین د
با حکم نیز مذکور شد سیزدهم تقدیر است مثل فلمّا قضینا علیه الموت ای قدّرنا
چهاردهم قضاء فصلست در حکم مثل ولولا اجل مسمّی لقضی بینهم ای لفصل بینهم
واینکه میگویند قضی الحاکم یعنی فصل حکم کرد ومعنی قضیت هذه الدار حکمت علیها
ذویب شاعر گفته است که وعلیهما مسرودتان قضاهما داود وصنع السوابغ تبّع که قضاهما
در این بیت بمعنی احکمهما است المنّان کسی است که اعطا کننده نعمتها است وقول خدا که
فرموده است فامنن اعطِ وانعم است یعنی انعام کن بر هر کس که میخواهی از مردم بر آن
چیزیکه اعطا کرده ومنع کرده در روز قیامت بر تو حساب نیست وبعضی گفته اند که
منّان کسی است که قبل از سؤال ابتدا کند بنوال وحنّان کسی است که رو آورد بر
کسیکه او اعراض و حنّان بمعنی صاحب رحمت است نیز و ذکر آن در باب تفسیر اسم خواهد
گذشت المبین کسی است که آنا با نشانه بیّن و ایضاح بنیان خود اظهار حکمت خود کند و
ابانت شیء بمعنی ایضاح است وتبیّن بمعنی ظهر است وبیان آنچیزیست که چیزی بسبب
آن ظاهر شود کاشف الضّرّ بمعنی مفرّج است که اجابت مضطر میکند گاهی که مضطر او
بخواند وکشف بدی میکند از او وضرّ بفتح ضاد خلاف نفع است وبضمّ ضاد بمعنی لاغری و
سوء حالست وضرّه وضارّه مزید فیه بیک معنی است واسم از ضرّ ضرر می آید چنانچه
در حدیث وارد شده است که لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام معنی هر یک از این دو لفظ غیر
معنی آن دیگر است چه معنی لا ضرر این است که ضرر نمی رساند مرد برادر خود را که چیزی از حق
او ناقص کند واین ضدّ نفع است ومعنی لا ضرار اینست که مرد همسایه خود را ضرر
رساند وآن همسایه نیز با و ضرر نمی رساند چه ضرار بین الاثنین است وضرر فعل یک
کس است وضرّا و بأساء بمعنی شدّتست واین هر دو اسم مؤنّث اند وضارورة بمعنی
حاجت است چنانچه گویند لا ضرر ولا ضارورة خیر الناصرین کسی است که مکرر نصرت
از او صادر شود چنانچه خیر الراحمین بمعنی کثیر الرحمة است الوفی کسی است که بعهد
خود وفا کند ووفا ضدّ غدر است ومعنی وفا الشیء تمّ وکثر است ومعنی وفا محصّه وامّا است

الوکیل کسیکه این اسم را ورد خود را سازد از غرق وحرق ایمن شود القوی
کسیکه او را دشمنی باشد وقادر بر دفع او نباشد هزار بیست وقرار از آن بسازد و بر
هر کدام یا قوی بخواند وآنها را از خطیور اندازد شر دشمن از او کفایت شود المعید
کسیکه در نصف شب در زوایای خانه خود بایستد وهفتاد بار بگوید یا معید
ردّ علیّ کذا یعنی نام غایب خود را بگوید در ده هفته او یا خبر او بیاید [illegible]
که اسرار خود را در اسماء بودیعه گذاشته است المحیی الممیت کسیکه نفس او از
طاعت گریزان باشد در وقت خواب دست خود را بر سینه خود گذارد واین دو اسم
بخواند نفس او بطاعت راغب شود ومطیع او شود الحیّ کسیکه نوزده بار این اسم را
بر مریض یا بر کسیکه درد چشم دارد بخواند شفا یابد وکسیکه در آخر شب الحیّ القیوم
بخواند اثر عظیم بخشد القیّوم کسیکه این اسم را بخواند او را تصفیه قلب حاصل شود
وکسیکه الحیّ القیّوم را بر خاتم خود نقش کند خدا تعالی در میان مردم ذکر او را ذکر
کرداند ودر میان مردم مشهور شود اگرچه کم نام باشد واو را ایمن کرداند از خوف
الواجد کسیکه این اسم را بر طعام بخواند وآن طعام را بخورد در باطن او نوری بهم رسد
الماجد کسیکه در خلوت این اسم را بخواند مورث نور شود الاحد کسیکه بعد از نماز
در خلوت هزار بار این اسم را بخواند ملائکه را در دور خود می بیند الصّمد ذاکر این اسم
الرجوع نیابد القادر کسیکه در وقت وضو ساختن این اسم را بسیار بخواند بر خصم خود
غالب شود البرّ کسیکه این اسم را بخواند او را طفل باشد تا وقت بلوغ آن طفل از
امراض بسلامت باشد التوّاب کسیکه این اسم را بسیار بخواند خدا توبه او را قبول کند
المنتقم کسیکه این اسم را بسیار بخواند شر دشمن از او کفایت شود الرّؤف کسیکه این اسم را
نزد ظالمی بخواند آن ظالم خاضع وفروتن شود السّبّوح کسیکه بعد از نماز جمعه این اسم را
بر نان نویسد وبخورد صفات ملکی بهم رساند الوالی کسیکه بسیار بخواند این اسم را خدا
حفظ کند او را واولاد او را مالک الملک کسیکه این اسم را بسیار بگوید خدا او را
غنی گرداند در دنیا وآخرت الغنیّ المغنی کسیکه در روز جمعه در دهر جمعه ده هزار بار
این اسم را بخواند وحوائج خود را از خدا او را غنی سازد در دنیا وآخرت واگر کسی با این
دو اسم سورة فاتحه را نیز با این عدد بخواند بیقین غنی شود المعطی کسیکه بسیار بگوید

یا معطی السائلین خدا او را از سؤال غنی کرداند المانع کسیکه در وقت خواب
این اسم را بسیار بگوید خدا او را از دزدان خلاص سازد و ادا نماید النور کسیکه هزار بار
این اسم را بخواند خدا باو نور ظاهر و باطن کرامت نماید الهادی کسیکه این اسم را بسیار
بخواند خدا تعالی معرفت خود را روزی او کرداند البدیع کسیکه هزار بار این اسم را
بگوید حاجت او روا شود الوارث کسیکه هزار بار این اسم را بخواند الله تعالی او را
راه نماید بصواب الصبور کسیکه هزار بار این اسم را بخواند الله تعالی باو الهام کند
صبر در شدائد و از این جمله است آنچیزیکه در کتاب مقصد اقصی دیده ام که گفته است
که هرگاه کسی را بلیه پیش آید یا از دشواری یا مرض ترسد یا خواهد نزد پادشاهی
رود یا بشهری خواهد رود یا از پادشاه یا از آن شهر بترسد از آن اسماء بیرون آورد
چیزیرا که مناسبت بآن مطلوب داشته باشد و بیرون کشد نظر کند بحروف آنچیزیکه از او خوف
دارد و اگر مکرری در آن باشد حروف مکرر را بیندازد و باقی را بحساب جمل شماره کند
بهر عددیکه رسد از این اسما بقدر آن مکرر کند که مطلوب حاصل میشود مثال آن
اگر کسی مثلاً از احمد نامی ترسد اسمی که مناسبت داشته باشد بالف الله احد است و مناسب حا
حکیم و حلیم است و مناسب میم مؤمن و مهیمن است و مناسب دال دلیل است و عدد
حروف احمد پنجاه سه است پس از این اسماء مذکوره بعدد آن مکرر سازد و همچنین هرگاه
از بلدی یا شهری ترسد و کسیکه از دزد یا از موذی ترسد سوره اخلاص و نصر بخواند و بر سر
هر دو اسم از اسماء حسنی خدا که بمعانیست با دو دائره اکرم بگوید یا حافظ یا حفیظ یا رقیب
یا قریب پس به تحقیق که نجات می یابد از چیزیکه می ترسد و کسیکه خواهد برابر کسی رود
که از او ترس داشته باشد با حضور قلب پنجاه بار بگوید یا کبیر از او ایمن میشود و از جمله این
بابست آنچیزیکه احمد بن فهد در عدهٔ خود گفته است که سزاوار است مر داعی را که هرگاه
خدا را تمجید کند و بر او ثنا کند از اسماء حسنی که مناسب مطلوب و حاجت او است ذکر کند
مثلاً هرگاه مطلوب رزق باشد از اسماء خدا اسم الرازق و الوهاب و الجواد و
المغنی و المنعم و المعطی و الکریم و الواسع و مسبب الاسباب و المنان و رازق من یشاء
بغیر حساب بخواند و اگر مطلوب مغفرت و توبه باشد ذکر کند مثل التواب و الرحمن
و الرحیم و الرؤوف و العطوف و الصبور و الشکور و العفو و الغفور و الستار و الغفار

والنفّاح

والنفّاح والمرتاح وذی الجود والسماح والمحسن والمجمل والمنعم والمفضل را و اگر
مطلوب انتقام از دشمن باشد ذکر کند مثل العزیز والجبار والقهار والمنتقم
والبطاش وذی البطش الشدید الفعال لما یرید ومدوخ الجبابرة وقاصم المردة
والطالب الغالب المهلک المدرک والذی لا یعجزه شیء والذی لا یطاق انتقامه را
و بر این قیاس و اگر مطلوب علم باشد ذکر کند مثل العالم والفتاح والهادی و
المرشد والمعز والرافع وانچه مانند اینست **فصل سی و سیم** در مناجات کردن با خدا

در مناجات

تعالی بعضی از گفتن با او بنظم و نثر اما بنثر بسیار است و مما از آنجمله ذکر میکنیم آن
چیزیرا که رقم آن آسانست و از امیر المؤمنین مرویست فرمود که مناجات سبب
نجات و با اخلاص سبب خلاص است پس هر کسی که کار دشوار شود بخدا پناه برد و
فزع کند و از آنجمله مناجات حضرت امیر المؤمنین است که از حضرت امام حسن عسکری
مرویست که او روایت کرده است از پدر خود و پدر او از آباء خود و ایشان روایت
کرده اند از امیر المؤمنین و آن اینست الهی صل علی محمد و آل محمد وارحمنی اذا انقطع
من الدنیا اثری وامحی من المخلوقین ذکری وصرت فی المنسیین کمن قد نسی
الهی کبرت سنی ورق جلدی ودق عظمی ونال الدهر منی واقترب اجلی ونفدت
ایامی وذهبت شهواتی وبقیت تبعاتی الهی ارحمنی اذا تغیرت صورتی و
امتحت محاسنی وبلی جسمی وتقطعت اوصالی وتفرقت اعضائی الهی افحمتنی
ذنوبی وقطعت مقالتی فلا حجة لی ولا عذر فانا المقر بجرمی المعترف باسائتی
الاسیر بذنبی المرتهن بعملی المتهور فی بحور خطیئتی المتحیر عن قصدی المنقطع بی
فصل علی محمد وآل محمد وارحمنی برحمتک وتجاوز عنی یا کریم بفضلک الهی
ان کان صغر فی جنب طاعتک عملی فقد کبر فی جنب رجائک املی الهی کیف
انقلب بالخیبة من عندک محروما وکان ظنی بک وبجودک ان تقلبنی بالنجاة
مرحوما الهی لم اسلط علی حسن ظنی بک قنوط الآیسین فلا تبطل صدق رجائی
لک بین الآملین الهی عظم جرمی اذ کنت المبارز به وکبر ذنبی اذ کنت المطالب
به الا انی اذا ذکرت کبیر جرمی وعظیم غفرانک وجدت الحاصل لی من بینهما
عفو رضوانک الهی ان دعانی الی النار بذنبی مخشی عقابک فقد نادانی الی الجنة

يا رجاء حسن ثوابك إلهي إن أوحشني الخطايا عن محاسن لطفك فقد آنسني
باليقين مكارم عطفك إلهي إن أنامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد
انبهتني المعرفة يا سيدي بكرم آلائك إلهي إن عزب لبي عن تقويم ما يصلحني فما
عزب ايقاني بنظرك لي فيما ينفعني إلهي إن انقرضت بغير ما أحببت من السعي
أيامي فبالإيمان أمضيته الماضيات من أعوامي إلهي جئتك ملهوفا قد لبست عدم
فاقتي وأقامني مقام الأذلاء بين يديك ضر حاجتي إلهي كرمت فأكرمني إذ كنت من
سؤالك وجدت بالمعروف فاخلطني بأهل نوالك إلهي مسكنتي لا يجبرها إلا
عطاؤك وأمنيتي لا يغنيها إلا جزاؤك إلهي أصبحت على باب من أبواب منحك
سائلا وعن التعرض لسواك بالمسئلة عادلا وليس من جميل امتنانك رد سائل
ملهوف ومضطر لانتظار خيرك المألوف إلهي أقمت على قنطرة من قناطر الأخطار مبلوا
بالأعمال والاعتبار فأنا الهالك إن لم تعن عليها بتخفيف الأثقال إلهي أمن أهل
الشقاء خلقتني فأطيل بكائي أم من أهل السعادة خلقتني فأبشر رجائي إلهي
إن حرمتني رؤية محمد في دار السلام وأعدمتني تطواف الوصفاء من الخدام و
صرفت وجه تأميلي بالخيبة في دار المقام فغير ذلك منتني نفسي منك يا ذا الفضل
والإنعام إلهي وعزتك وجلالك لو قرنتني في الأصفاد طول الأيام ومنعتني
سيبك من بين الأنام وحلت بيني وبين الكرام ما قطعت رجائي منك ولا
صرفت وجه انتظاري للعفو عنك إلهي لو لم تهدني إلى الإسلام ما اهتديت ولو
لم ترزقني الإيمان بك ما آمنت ولو لم تبين لي شديد عقابك ما استجرت إلهي
أطعتك الأشياء إليك وهو التوحيد ولم أعصك في أبغض الأشياء إليك
وهو الكفر فاغفر لي ما بينهما إلهي أحب طاعتك وإن قصرت عنها وأكره
معصيتك وإن ركبتها فتفضل علي بالجنة وإن لم أكن من أهلها وخلصني من
النار وإن استوجبتها إلهي إن أقعدني التخلف عن السبق مع الأبرار فقد
أقامتني الثقة بك على مدارج الأخيار إلهي قلب حشوته من محبتك في دار الدنيا
كيف تطلع عليه نار محرقة في لظى إلهي نفس أعززتها بتأييد إيمانك كيف تذلها
بين أطباق نيرانك إلهي لسان كسوته من تماجيدك أنيق أثوابها كيف تهوي إليه

في احب

من النار مشتعلات لهيبها إلهي كل مكروب إليك يلتجي وكل محزون إياك يرتجي
إلهي سمع العابدون بجزيل ثوابك فخشعوا وسمع الزاهدون بسعة رحمتك
فقنعوا وسمع المولون عن القصد بجودك فرجعوا وسمع المجرمون بسعة غفرانك
فطمعوا وسمع المؤمنون بكرم عفوك وفضل عوارفك فرغبوا حتى ازدحمت مولاي
ببابك عصائب العصاة من عبادك وعجت إليك منهم عجيج الضجيج بالدعاء في
بلادك ولكل أمل قد ساق صاحبه إليك محتاجا وقلب تركه وجيب خوف
المنع منك مهتاجا وأنت المسؤول الذي لا تسود لديه وجوه المطالب ولم ترزأ
بنزيله قطيعات المعاطب إلهي إن أخطأت طريق النظر لنفسي بما فيه كرامتها فقد
أصبت طريق الفزع إليك بما فيه سلامتها إلهي إن كانت نفسي استعبدتني متمردة
على ما يرديها فقد استسعدتها الآن بدعائك على ما ينجيها إلهي إن عداني
لاجتهادي في ابتغاء منفعتي فلم يعدني برك بي فيما فيه مصلحتي إلهي إن قسطت في
الحكم على نفسي بما فيه حسرتها فقد أقسطت الآن بتعريفي إياها من رحمتك
إشفاق رأفتها إلهي إن أجحف بي قلة الزاد في المسير إليك فقد وصلته الآن
بذخائر ما أعددته من فضل تعويلي عليك إلهي إذا ذكرت رحمتك ضحكت لها
وجوه وسائلي وإذا ذكرت سخطك بكت لها عيون مسائلي إلهي فاقض بسجل من
سجالك على عبد بائس قد أتلفه الظماء وأحاط بخيط جيده كلال الونى إلهي
أدعوك دعاء من لم يرج غيرك بدعائه وأرجوك رجاء من لم يقصد غيرك برجائه
إلهي كيف أرد عارض تطلعي إلى نوالك وإنما أنا في استرزاقي لهذا البدن أحد
عيالك إلهي كيف أسكت بالإفحام لسان ضراعتي وقد أقلقني ما أبهم علي من
مصير عاقبتي إلهي قد علمت حاجة نفسي إلى ما تكفلت لها من الرزق في حياتي
وعرفت قلة استغنائي عنه من الجنة بعد وفاتي فيا من سمح لي به متفضلا في
العاجل لا تمنعنيه يوم فاقتي إليه في الآجل فمن شواهد نعماء الكريم استتمام
نعمائه ومن محاسن آلاء الجواد استكمال آلائه إلهي لولا ما جهلت من أمري ما شكوت
عثراتي ولولا ما ذكرت من التفريط ما سفحت عبراتي اللهم صل على محمد وآل محمد
وامح مثبتات العثرات بمرسلات العبرات وهب كثير السيئات لقليل الحسنات

الهي ان كنت لا ترحم الا المجدين في طاعتك فالى من يفزع المقصرون وان
كنت لا تقبل الا من المجتهدين فالى من يلتجأ المفرطون وان كنت لا تكرم
الا اهل الاحسان فكيف يصنع المسيئون وان كان لا يفوز يوم الحشر الا
المتقون فبمن يستغيث المجرمون الهي لا يجوز على الصراط الا من اجازته براءة
عمله فانى بالجواز لمن لم يتب اليك قبل انقضاء اجله الهي ان لم تجد الا على
من عمر بالزهد مكنون سريرته فمن للمضطر الذي لم يرضه بين العالمين سعي
نقيبته الهي ان حجبت عن موحديك نظر تعمدك لجناياتهم اوقعهم غضبك
بين المشركين في كرباتهم الهي ان لم تنلنا يد احسانك يوم الورود اختلطنا في الجزاء
بذوي الجحود اللهم فاوجب لنا بالاسلام مذخور هباتك واستصف ما كدرته
الجرائم منا بصفو صلاتك الهي ارحمنا غرباء اذا تضمنتنا بطون لحودنا وغميت باللبن
سقوف بيوتنا واضجعنا مساكين على الايمان في قبورنا وخلفنا فرادى في اضيق المضاجع
وصرعتنا المنايا في اعجب المصارع وصرنا في دار قوم كانها ما هولة وهي منهم بلاقع
الهي اذا جئناك عراة حفاة مغبرة من ثرى الاجداث رؤسنا وشاحبة من تراب
الملاحيد وجوهنا وخاشعة من افزاع القيمة ابصارنا وذابلة من شدة العطش
شفاهنا وجائعة لطول المقام بطوننا وبادية هنالك للعيون سوآتنا وموقرة
من ثقل الاوزار ظهورنا ومشغولين بما قد دهانا عن اهالينا واولادنا فلا تضعف
المصائب علينا باعراض وجهك الكريم عنا وسلب عائدة ما مثله الرجاء منا
الهي ما حنت هذه العيون الى بكائها ولا جادت متشربة بمائها ولا اسهدها
بنحيب الثاكلات فقد عزائها الا لما اسلفته من عمدها وخطائها وما دعاها اليه
عواقب بلائها وانت القادر يا عزيز على كشف غمائها الهي ان كنا مجرمين فانا نبكي
على اضاعتنا من حرمتك ما نستوجبه وان كنا محرومين فانا نبكي اذ فاتنا من جودك
ما نطلبه الهي شب حلاوة ما يستعذبه لساني من النطق في بلاغته بزهادة ما
يعرفه قلبي من النصح في دلالته الهي امرت بالمعروف وانت اولى به من المامورين
وامرت بصلة السؤال وانت خير المسؤلين الهي كيف ينقلنا الياس الى الامساك
عما لهجنا بطلابه وقد ادرعنا من تاميلنا اياك اسبغ اثوابه الهي اذا هزت الرهبة

افمان نحن ما فيتنا انقلعت من الاصول اشجارها واذا تنسمت ادواح الرغبة
منا اغصان رجائنا اينعت بتلقيح البشارة اثمارها الهي اذا تلونا من صفاتك
شديد العقاب اسفنا واذا تلونا منها الغفور الرحيم فرحنا فنحن بين امرين فلا
سخطك تؤمننا ولا رحمتك تؤيسنا الهي ان قصرت مساعينا عن استحقاق
نظرتك فما قصرت رحمتك بنا عن دفاع نقمتك الهي انك لم تزل علينا بحظوظ
صنائعك منعما ولنا من بين الاقاليم مكرما وتلك عادتك اللطيفة في
اهل الحنيفية في سالفات الدهور وغابراتها وخاليات الليالي وباقياتها
الهي اجعل ما حبوتنا به من نور هدايتك درجات نرقى بها الى ما عرفتنا من
رحمتك الهي كيف تفرح بصحبة الدنيا صدورنا وكيف تلتئم في غمراتها امورنا
وكيف يخلص لنا فيها سرورنا وكيف يملكنا باللهو واللعب غرورنا وقد دعتنا
باقتراب الاجال قبورنا الهي كيف نبتهج في دار حفرت لنا فيها حفائر صرعتها وفتلت
بايدي المنايا حبائل غدرتها وجرعتنا مكرهين جرع مرارتها ودلتنا النفس
على انقطاع عيشها لولا ما اصغت اليه هذه النفوس من رفائغ لذتها وافتتانها
بالفانيات من فواحش زينتها الهي فاليك نلتجي من مكائد خدعتها وبك نستعين
على عبور قنطرتها وبك نستفطم الجوارح عن اخلاف شهوتها وبك نستكشف جلابيب
حيرتها وبك نقوم من القلوب استصعاب جماحها الهي كيف للدور بان تمنع
من فيها من طوارق الرزايا وقد اصيب في كل دار سهم من اسهم المنايا الهي ما تتفجع
انفسنا من النقلة عن الديار ان لم توحشنا هنالك من مرافقة الابرار الهي
ما تضيرنا فرقة الاخوان والقرابات ان قربتنا منك يا ذا العطيات الهي ما تجف
من ماء الرجاء مجاري لهواتنا ان لم تحم طير الاشائم بحياض رغباتنا الهي ان
عذبتني فعبد خلقته لما اردته فعذبته وان رحمتني فعبد وجدته
مسيئا فانجيته الهي لا سبيل الى الاحتراس من الذنب الا بعصمتك ولا وصول
الى عمل الخيرات الا بمشيتك فكيف لي بافادة ما اسلفتني فيه مشيتك وكيف
بالاحتراس من الذنب ما لم تدركني فيه عصمتك الهي انت دللتني على سؤال
الجنة قبل معرفتها فاقبلت النفس بعد العرفان على مسألتها افتدل على خيرك

السؤال ثم تمنعهم النوال وانت الكريم المحمود في كل ما تصنعه يا ذا الجلال و
الاكرام الهي ان كنت غير مستوجب لما ارجو من رحمتك فانت اهل التفضل
علي بكرمك فالكريم ليس يصنع كل معروف عند من يستوجبه الهي ان كنت
غير مستاهل لما ارجو من رحمتك فانت اهل ان تجود على المذنبين بسعة
رحمتك الهي ان كان ذنبي قد اخافني فان حسن ظني بك قد اجارني الهي ليس
تشبه مسئلتي مسئلة السائلين لان السائل اذا منع امتنع عن السؤال
وانا لا غنى بي عما سئلتك على كل حال الهي ارض عني فان لم ترض عني فاعف عني
فقد يعفو السيد عن عبده وهو عنه غير راض الهي كيف ادعوك وانا انا ام
كيف ايئس منك وانت انت الهي ان نفسي قائمة بين يديك وقد اظلها حسن
توكلي عليك فصنعت بها ما يشبهك وتغمدتني بعفوك الهي ان كان قد دنا
اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف بالذنب اليك وسائل عللي فان
عفوت فمن اولى بالعفو منك بذلك وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم هنا
الهي اني جرت على نفسي في النظر لها وبقي نظرك لها فالويل لها ان لم تسلم
به الهي انك لم تزل بي بارا ايام حيوتي فلا تقطع برك عني بعد وفاتي الهي كيف
ايأس من حسن نظرك لي بعد مماتي وانت لم تولني الا الجميل في ايام حيوتي
الهي ان ذنوبي قد اخافتني ومحبتي لك قد اجارتني فتول من امري ما انت اهله
وعد بفضلك على من غمره جهله يا من لا تخفى عليه خافية صل على محمد و
آل محمد واغفر لي ما قد خفي على الناس من امري الهي سترت علي في الدنيا
ذنوبا ولم تظهرها وانا الى سترها يوم القيمة احوج وقد احسنت بي اذ لم تظهرها
للعصابة من المسلمين فلا تفضحني يوم القيمة بها على رؤس العالمين الهي جودك
بسط املي وشكرك قبل عملي فسرني بلقائك عند اقتراب اجلي الهي ليس اعتذاري
اليك اعتذار من يستغني عن قبول عذره فاقبل عذري يا خير من اعتذر
اليه المسيئون الهي لا تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها منك وهي
المغفرة الهي لو اردت اهانتي لم تهدني ولو اردت فضيحتي لم تسترني فمتعني
بما له قد هديتني وادم لي ما به سترتني الهي ما وصفت من بلاء ابتليتنيه او

اوليتنيه

اوليتنيه فكل ذلك بمنك فعلته وعفوك تمام ذلك ان اتممته الهي لولا
ما قارفت من الذنوب ما فرقت عقابك ولولا ما عرفت من كرمك ما رجوت
ثوابك وانت اولى الاكرمين بتحقيق امل الاملين وارحم من استرحم في تجاوز
عن المذنبين الهي نفسي تمنيني بانك تغفر لي فاكرم بها امنية بشرت بعفوك
فصدق بكرمك مبشرات تمنيها وهب لي بجودك مدمرات تجنيها الهي القتني
الحسنات بين جودك وكرمك والقتني السيئات بين عفوك ومغفرتك
وقد رجوت الا يضيع بين ذين وذين مسيء ومحسن الهي اذا شهد لي الايمان
بتوحيدك وانطلق لساني بتمجيدك ودلني القرآن على فواضل جودك فكيف
لا يبتهج رجائي بحسن موعودك الهي تتابع احسانك الي يدلني على حسن نظرك لي
فكيف يشقى امرؤ حسن له منك النظر الهي ان نظرت الي بالهلكة عيون سخطك
فما نامت عن استنقاذي منها عيون رحمتك الهي ان عرضني ذنبي لعقابك فقد
ادناني رجائي من ثوابك الهي ان عفوت فبفضلك وان عذبت فبعدلك فيا
من لا يرجى الا فضله ولا يخاف الا عدله صل على محمد وآل محمد فامنن علينا
بفضلك ولا تستقص علينا في عدلك الهي خلقت لي جسما وجعلت لي فيه آلات
اطيعك بها واعصيك واغضبك بها وارضيك وجعلت لي من نفسي داعية الى
الشهوات واسكنتني دارا قد ملئت من الآفات ثم قلت لي انزجر فبك انزجر و
بك اعتصم وبك استجير وبك احترز واستوفقك لما يرضيك واسئلك يا مولاي
فان سؤالي لا يحفيك الهي ادعوك دعاء ملح لا يمل دعاء مولاه واتضرع اليك
تضرع من قد اقر على نفسه بالحجة في دعواه الهي لو عرفت اعتذارا من الذنب في
التنصل ابلغ من الاعتراف به لاتيته فهب لي ذنبي بالاعتراف ولا تردني بالخيبة
عند الانصراف الهي سعت نفسي اليك لنفسي تستوهبها وفتحت افواهها نحو
نظرة منك لا تستوجبها فهب لها ما سئلت وجد عليها بما طلبت فانك اكرم
الاكرمين بتحقيق امل الاملين الهي قد اصبت من الذنوب ما قد عرفت واسرفت
على نفسي بما قد علمت فاجعلني عبدا اما طائعا فاكرمته واما عاصيا فرحمته
الهي كاني بنفسي قد اضجعت في حفرتها وانصرف عنها المشيعون من جيرتها و

بكى الغريب عليها لغربتها وجاد بالدموع عليها المشفقون من عشيرتها وناديها
من شفير القبر ذوو مودتها ورحمها المعادي لها في الحياة عند صرعتها ولم يخف
على الناظرين اليها عند ذلك ضر فاقتها ولا على من راها قد توسدت الثرى عجز
حيلتها فقلت ملائكتي فريد نأى عنه الاقربون ووحيد جفاه الاهلون نزل
قريبا واصبح في اللحد غريبا وقد كان لي في دار الدنيا داعيا ولنظري في هذا
اليوم راجيا فتحسن عند ذلك ضيافتي وتكون ارحم بي من اهلي وقرابتي الهي لو
طبقت ذنوبي ما بين السماء الى الارض وخرقت النجوم وبلغت اسفل الثرى ما
ردني الياس عن توقع غفرانك ولا صرفني القنوط عن ابتغاء رضوانك الهي دعوتك
بالدعاء الذي علمتنيه فلا تحرمني جزاءك الذي وعدتنيه فمن النعمة ان هديتني
لحسن دعائك ومن تمامها ان توجب لي محمود جزائك الهي وعزتك وجلالك
لقد احببتك محبة استقرت حلاوتها في قلبي وما تنعقد ضمائر موحديك
على انك تبغض محبيك الهي انتظر عفوك كما ينتظره المذنبون ولست ايأس من رحمتك
التي يتوقعها المحسنون الهي لا تغضب علي فلست اقوى لغضبك ولا تسخط علي
فلست اقوم لسخطك الهي اللنار ربتني امي فليتها لم تربني ام للشقاء ولدتني فليتها
لم تلدني الهي انهملت عبراتي حين ذكرت عثراتي وما لها لا تنهمل ولا ادري
الى ما يكون مصيري وعلى ما ذا يهجم عند البلاغ مسيري واري نفسي تخاتلني وايامي
تخادعني وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت ورمقتني من قريب اعين الفوت فما
عذري وقد حشا مسامعي رافع الصوت الهي لقد رجوت ممن البسني بين الاحياء
ثوب عافيته الا يعريني منه بين الاموات بجوده ورافته ولقد رجوت ممن تولاني
في حياتي باحسانه ان يشفعه لي عند وفاتي بغفرانه يا انيس كل غريب آنس في القبر
غربتي ويا ثاني كل وحيد ارحم في القبر وحدتي ويا عالم السر والنجوى ويا كاشف
الضر والبلوى كيف نظرك لي بين سكان الثرى وكيف صنيعك لي في دار الوحشة
والبلى فقد كنت بي لطيفا ايام حياة الدنيا افضل المنعمين في الائه وانعم
في نعمائه كثرت اياديك عندي فعجزت عن احصائها وضقت ذرعا في شكري لك
بجزائها فلك الحمد على ما اوليت ولك الشكر على ما ابليت يا خير من دعاه داع و

افضل

افضل من رجاه راج بذمة الاسلام اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد
عليك وبحق محمد وآل محمد اتقرب اليك فصل على محمد وآل محمد واعرف
ذمتي التي رجوت بها قضاء حاجتي برحمتك يا ارحم الراحمين پس امير المؤمنين ع
بر نفس خود ندا كرده و با و عتاب كرده و گفت ايها المناجي ربه بانواع الكلام و
الطالب منه مسكنا في دار السلام والمسوف بالتوبة عاما بعد عام ما اراك منصفا
لنفسك بين الانام فلو دافعت نومك يا غافلا بالصيام واقتصرت على القليل من
لعق الطعام واحييت مجتهدا ليلك بالقيام كنت احرى ان تنال اشرف المقام
ايها النفس اخلطي ليلك ونهارك بالذاكرين لعلك ان تسكني رياض الخلد مع المتقين
وتشبهي بنفوس قد اقرح السهر رقة جفونها ودامت في الخلوات شدة حنينها وابكى
المستمعين عولة انينها والان قسوة الضمائر ضجة رنينها فانها نفوس قد باعت
زينة الدنيا وآثرت الآخرة على الاولى اولئك وفد الكرامة يوم يخسر فيه المبطلون
ويحشر الى ربهم بالحسنى والسرور المتقون وابن طاوس ره در مهج الدعوات نقل كرده است
كه از جمله مناجاتها يكى بخاطر من وارد شده است اين است كه اللهم [illegible]
لوجهي ان تقدم عليك فاني من الان قد جعلتها مستجيرة بك وضيفا للكرم وما
منك اليك وقد امرت بامان المستجير واكرام الضيف ونصير والتعطف على
المأسور الاسير فاجعل روحي في جملة الامنين المستجيرين والضيوف المكرمين
والاسراء المرحومين و از جمله مناجاتها يكى بخاطر من رسيده است اين است كه اللهم انك
امرت الموسر ان لا يعجل على المعسر بالقوت الذي لا بد له منه وانت قوتي الذي لا
غنى لي عنه وانت اقدر الموسرين واكرم المامورين فلا تمنعني ما لا غنى لي عنه
من القوت وتداركني قبل ان اموت وافوت واما مناجات منظوم از جمله مناجات
كه ابراهيم بن علي جباعي كفعمي مولف اين كتاب ذكر كرده است اين است الهي لك
الحمد الذي لا نهاية لدوره ❊ كل الاحايين باقيا ❊ وشكرا يفوت العد والرمل و
الحصا ❊ ونجم السما والقطر ثم الاواديا ❊ على ان رزقت العبد منك هداية ❊ انجته
تخليصا من الكفر واقيا ❊ فانت الذي اطعمتني وسقيتني ❊ ولولاك كنت الدهر غرثان
ظاميا ❊ وانت الذي استنقذني بحكمه ❊ ايا رجا تلقاه للضر شافيا ❊ وانت الذي اعرتني

بعد ذلتي ؛ فصيّرتني بعد الازالة عاليا ؛ وانت الذي اغنيتني بعد فاقتي ؛ فاصبحت
من جدوى جداك ثاويا ؛ وانت الذي في يوم كربة اغثتني ؛ وقد كنت مكثور اللئم
سالبيا ؛ وانت الذي لما دعوتك مخلصا ؛ بلا مرية حقا اجبت دعائيا ؛ وانت
الذي اوليتني منك عصمة ؛ رأيت بها طرفا لمكان خاسئا ؛ وفي احسن التقويم ربّيت خلقتي
وصيّرت لي في الخافقين مساعيا ؛ وكم لك يا رب الانام مواهبا ؛ وكم من تحكي الرياح
السوافيا ؛ ومن بعد هذا عرضت الملك سيّدي ؛ تنكّبت ذا لقي لامرك عاصيا ؛ فكم
ذلة اثبتّها في صحائفي ؛ وكنت بها اوحي المعاصي دائما ؛ وكم مأثم حقا نقضت قصته
وكم من يد حسنى جعلت مساويا ؛ وكم هفوة في منكر امتطيتها ؛ وكنت بميدان الهوى
متماديا ؛ وكم من عهود خنتها متعمدا ؛ وصرت بها عن قرب عفوك قاصيا ؛ وكم لذة
من بعدها النار لم اخف ؛ عواقبها بل كنت فيها مواليا ؛ وكم من هوى تابعته فاضلّني
فاصبحت من ثواب سخطك كاسيا ؛ وكم واجب ضيّعته يوم شقوتي ؛ وعزمي اضحى
في المعارف ماضيا ؛ فيا نفس هلّا اعتبرت بمن مضى ؛ وادورهم للموت امست خواليا
فهم يبطون الارض اضحوا مغايبا ؛ محاسنهم فيها بدين بواليا ؛ كم اخترمت ايدي المنون
من الورى ؛ فروا فامسوا في القبور رواسيا ؛ وكم من مليك قد تمكن ملكه ؛
سقاه الردى كاسا من الموت ظاميا ؛ فما منعت عنه الصياصي التي بقي ؛ وكان
بالاموال للنفس فاديا ؛ ولم يغن عنه جمعه وجنوده ؛ واصبح منه ناظر العين خاسئا
فكم فرح مستبشر بوفاته ؛ وكم من طرح اضحى لذلك باكيا ؛ فيا نفس جدّي في البكاء و
اندبي ؛ بعاناته قد كان ذنبك ساميا ؛ ويا نفس ما ذا تصنعين بحق من له ؛ الحق في
يوم به للتقاصيا ؛ ويا نفس توبي عن هواك واقصري ؛ وسحّي دموعا بل دماء
جواريا ؛ ويا نفس ولّى العمر والشيب قد اتى نذيرا ؛ بقرب الموت لا شك ناعيا ؛ ويا
نفس قومي في الظلام بذلّة ؛ وذفر قلب يجعل الصخر جاريا ؛ وقولي الهي انت اكرم من
عفى ؛ واجدر من يؤتي الجدى والايا ديا ؛ الهي دق عظمي وامتحى ؛ من العالم الارض
ذكري ثانيا ؛ الهي الهي الحسني ما ثم ؛ تعدّ تهاتكي بجود اللواميا ؛ الهي امن اهل
الشقاء خلقتني ؛ فابدي اشجانا تطيل بكائيا ؛ الهي اهل في الفائزين جعلتني ؛ فانوح
في دار المقامة داعيا ؛ الهي بباب العفو اصبحت سائلا ؛ ذليلا ارجو ان تجيب دعائيا ؛

الهی

الهي لئن اخذت عن سبق طائع ؛ فتوحيد ربّي قد اقام قواميا ؛ الهي لساني في
ثنائك مذاب ؛ فكيف يرى في الحشر للنار صاليا ؛ الهي لئن اخطات كل طريقة ؛
فاني اصبت الخوف منك الهيا ؛ الهي اذا لم تعف الا عن امرئ ؛ اطاع فمن ذا الذي جا
خاطئا ؛ الهي لئن عذبتني فبماثمي ؛ وان جدت لي فالفضل لقاه فاشيا ؛ الهي اذا
اباح عفويتي ؛ ابا رجائي حسن صفحك ذانيا ؛ الهي فاجعلني مطيعا لامرك ؛ وان لم يكن
فارحم لمن جاء عاصيا ؛ وحاشاك يا رب البرية كلها ؛ تردّ عبيدا مستجيرا مواليا ؛
نزلت بباب العفو راجيا جادة ؛ فمرحبا فلا تولي النزيل الامانيا ؛ واستاهلت الضيف
يقري ضيفه ؛ فكن لي بعفو منك يا رب قاريا ؛ فحاشاك في يوم القيمة ان ارى
وحظي من نيل المراحم خاليا ؛ وحاشاك في يوم التغابن ان ترى ؛ لي الغبن او اضحى من
العفو عاديا ؛ وان تقيني فيك انك منقذي ؛ من النار في يوم تشيب النواصيا
وكيف اذوق النار يا خالق الورى ؛ وقلبي قد امسى بعزك لاجيا ؛ وكيف اذوق
النار يا رافع السماء ؛ وطرفي اضحى ببابك باكيا ؛ سليل الحيا عني جاء نحوك تائبا ؛ ترى
يدي في حندس الليل داعيا ؛ سليل الحيا عني يشتكي من جرائم ؛ صغائرها تحكي الجبال
الرواسيا ؛ جرائم لو تبلى الكرام بحملها ؛ لدلّ واضحى بالثبور مناديا ؛ بعثت الامانيا
نحو جودك سيّدي ؛ فرد الاماني لعاطلات خواليا ؛ وارسلت ما لي مخلصا عواديا
بعفوك فارجعها بطانا كواسيا ؛ اقلني اجرني اجرني يا مؤمّلي ؛ مكارمك العظمى فقد جئت
راجيا ؛ وصلّ على المولى النبي واله ؛ وعترته ما اصبح الدهر باقيا ؛ واز انجمله آن
چيزيست که شيخ احمد بن فهد در عدة ذکر کرده است وان اين است که يا من يرى ما في
الضمير ويسمع ؛ انت المعد لكل ما يتوقع ؛ يا من يرجى للشدائد كلها ؛ يا من اليه المشتكى
والمفزع ؛ يا من خزائن ملكه في قول كن ؛ امنن فان الخير عندك اجمع ؛ ما لي سوى
فقري اليك وسيلة ؛ بالافتقار اليك فقري ادفع ؛ ما لي سوى قرعي لبابك حيلة
فلان رددت فاي باب اقرع ؛ ومن ذا الذي ادعوا واهتف باسمه ؛ ان كان فضلك
عن فقيرك يمنع ؛ حاشا لجودك ان يقنط عاصيا ؛ الفضل اجزل والمواهب اوسع ؛
واز انجمله ابيات ابو نواس که گفته است يا رب ان عظمت ذنوبي كثرة ؛ فلقد علمت
بان عفوك اعظم ؛ ان كان لا يرجوك الا محسن ؛ فمن ذا الذي يدعو ويرجو المجرم ؛ ادعوك

یا ربّ کما امرتُ تضرّعاً فاذا رددتَ یدی فمن ذا یرحم مالی الیک وسیلة الّا الرجا وجمیل عفوک ثمّ انّی مسلم یا من علیه توکّلی وکفایتی اغفر لی الزلات التی

فصل سی وچهارم در طلب عفو و توبه از جانب الله تعالی و در طلب آنکه اگر زهرا و مظلمه و تبعه مرهم باشد الله تعالی عوض آنرا بصاحب وی بدهد و او را از آنکس راضی کند

دعاهای توبه

امّا توبه بسوی خدا واجب است خواه از فسق باشد و خواه از کفر و غسل توبه نزد ما مقدّم است بر توبه و بعضی گفته اند که مؤخر است و توبه مسقط گناهان است باجماع و عفو خدای تعالی باسقاط حقّ خود از مدیون تفضّل جایز و حسن است بحسب عقل و نقل و امّا ادعیه در این باب بسیار است و از انجمله دعائیست که در ادعیه السرّ مذکور است که الله تعالی فرموده است که ای محمّد بگو بصاحب گناه کبیره از امّت خود که هر کس اراده دارد محو گناهان خود را باید که جامه و بدن خود را طاهر سازد و بعد از آن بصحرا رود و رو بقبله کند در جائیکه کسی او را نبیند و بعد از آن سینه را برهنه کند و این دعا بخواند که میان من و او اصلا حایلی نیست و در روایات آمده و ارد شده است که ابتداء خلق دنیا روز یکشنبه بوده است کسیکه روز یکشنبه اول ماه ذیقعده وضو بسازد و چهار رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه یکبار و توحید و معوّذتین هر کدام را سه بار بخواند و بعد از سلام هفتاد بار بگوید لا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم یا عزیز یا غفّار اغفر لی ذنوبی و ذنوب جمیع المؤمنین والمؤمنات فانّه لا یغفر الذنوب الّا انت پیغمبر فرمود که کسیکه چنین کند منادی از آسمان ندا کند که ای بنده عمل را از سر گیر که آنچه کرده آمرزیدم و توبه ترا قبول کردم پس منادی ندا کند از زیر عرش که ای بنده مبارک باد بر تو و اهل تو و ذرّیه تو و ملک دیگر ندا کند که ای بنده رستیکه خدا تعالی خصمان ترا از تو راضی میکند در روز قیامت و ملک دیگر ندا کند که ای بنده خدا ایمان تو هرگز از تو سلب نمیشود و قبر بر تو فراخ و منوّر میشود و ملک دیگر ندا کند که ای بنده خدا پدر و مادر ترا خدا از تو راضی میکند اگر چه خشمناک باشند و خدا ایشانرا و ذرّیه ترا میامرزد و روزی را بر تو فراخ میکرداند در دنیا و آخرت و بعد از آن جبرئیل ندا کند که در وقت قبض روح تو من با ملک الموت میآیم و او را امر

میکنم که با رفق و مدارا قبض روح تو کند و اثر مرگ ترا اذیّت نرساند و روح از بدن تو آسان بیرون آید اصحاب گفتند یا رسول الله اگر کسی در غیر ماه ذیقعده این عمل را بجا آورد چون است آنحضرت فرمود که از ثوابی که وصف کردم بهره خواهد داشت و این عمل را جبرئیل در شب معراج مرا تعلیم کرد آنچه نوشته شد ملخّص روایتی است که ابن طاوس در کتاب اقبال ذکر کرده است و دعا این است یا واسعاً بحسن عائدته و ملبساً فضل رحمته و یا مهیباً لشدّة سلطانه و یا راحماً بکلّ مکان ضریراً اصابه الضرّ فخرج الیک مستغیثاً بک تائباً الیک تائباً الیک یقول عملت سوءً و ظلمت نفسی و لمغفرتک خرجت الیک استجیر بک فی خروجی من النار بعز جلالک تجاوزت فتجاوز یا کریم و باسمک الذی تسمّیت به و جعلته فی کلّ عظمتک و مع کلّ قدرتک و فی سلطانک و صیّرته فی قبضتک و نوّرته بکتابک و البسته وقار امنک یا الله یا الله اطلب الیک ان تمحو عنّی ما اتیتک به و انزع بدنی عن مثله فانّک لا اله الّا انت و باسمک الذی فیه تفصیل الامور کلّها مؤمن هذا انّه لا تخذلنی و هب لی عافیة و انجنی من الذنب العظیم اهلکت متلافی بحق حقوقک کلّها یا کریم پس بدرستیکه اگر کسی از امّت تو با آنچه امر کردم ترا عمل نماید و غیر مرا بان اراده نکند من او را از آن گناه کبیره خلاص کرده او را میآمرزم و یا این سازم او را از گناه کبیره دیگر که تعلیم کردم ترا دعائی چند که بسبب آن دعا مستجاب است و انجمله ادعیه السرّ این است که خدای تعالی فرمود که ای محمّد هر گاه کسی از امّت ترا گناهی باشد غیر از کبایر و مشهور باشد بکثرت آن ذنوب و بر اتباع آن اهتمام نماید و خشم کرده باشند باید که قصد من کند پیش از طلوع فجر یا پیش از غروب و وقت شفق آفتاب و روی خود را بمن کند و بگوید یا ربّ فلان بن فلان یعنی نام خود و پدر خود را بر زبان راند و بعد از آن بگوید عبد من عبیدک شدید حیاؤه منک لتعرّضه لرحمتک لاصراره علی ما نهیت عنه من الذنوب العظیم العظیم انّ عظیم ما اتیت به لا یعلمه غیرک قد شمت بی فیه القریب و البعید و اسلمنی فیه العدوّ و الحبیب و القیت بیدی الیک طمعاً لامر واحد و طمعی ذلک فی رحمتک فارحمنی یا ذا الرحمة الواسعة و تلافنی علی سمت المنهج و اذلنی بقدرتک عن الطریق الاعوج و خلّصنی من سجن الکرب فانّک

وأطلق أسري برحمتك وطل علي برضوانك وجد علي بإحسانك وأقلني عثرتي
وفرج كربتي وارحم عبرتي ولا تحجب دعوتي واشدد بالإقالة أزري وقو بها
ظهري وأصلح بها أمري وأطل بها عمري وارحمني يوم حشري ووقت نشري إنك
جواد كريم غفور رحيم واز آنجمله دعای صحیفهٔ کامله است که از حضرت سید الساجدین
در اعتراف وطلب توبه مروی است وآن اینست که اللهم إنه يحجبني عن مسألتك
خلال ثلث وتحدوني عليها خلة واحدة يحجبني أمر أمرتني به فأبطأت عنه ونهي
نهيتني عنه فأسرعت إليه ونعمة أنعمت بها علي فقصرت في شكرها ويحدوني
على مسألتك تفضلك على من أقبل بوجهه إليك ووفد بحسن ظنه عليك
إذ جميع إحسانك تفضل وإذ كل نعمك ابتداء فها أنا ذا يا إلهي واقف بباب عزك
وقوف المستسلم الذليل وسائلك على الحياء مني سؤال البائس المقيل معترف
لك بأني لم أخل في الحالات كلها من إحسانك ولم أسلم مع وفور إحسانك من
عصيانك فهل ينفعني يا إلهي إقراري عندك بسوء ما اكتسبت وهل ينجيني منك
اعترافي لك بقبيح ما ارتكبت أم أوجبت لي في مقامي هذا سخطك أم لزمني في وقت
دعائي مقتك سبحانك لا أيأس منك وقد فتحت لي باب التوبة إليك بل أقول
مقال العبد الذليل الظالم لنفسه المستخف بحرمة ربه الذي عظمت ذنوبه فجلت
وأدبرت أيامه فولت حتى إذا رأى مدة العمل قد انقضت وغاية العمر قد انتهت
وأيقن أنه لا محيص له منك ولا مهرب له عنك تلقاك بالإنابة وأخلص لك
التوبة فقام إليك بقلب طاهر نقي ثم دعاك بصوت حائل خفي قد تطأطأ لك
فانحنى ونكس رأسه فانثنى قد أرعشت خشيته رجليه وغرقت دموعه خديه يدعوك
بيا أرحم الراحمين ويا أرحم من انتابه المسترحمون ويا أعطف من أطاف به المستغفرون
ويا من عفوه أكثر من نقمته ويا من رضاه أوفر من سخطه ويا من تحمد إلى خلقه
بحسن التجاوز ويا من عود عباده قبول الإنابة ويا من استصلح فاسدهم بالتوبة
ويا من رضي من فعلهم باليسير ويا من كافى قليلهم بالكثير ويا من وعدهم على نفسه
بتفضله حسن الجزاء ما أنا بأعصى من عصاك فغفرت له وما أنا بألوم من اعتذر
إليك فقبلت منه وما أنا بأظلم من تاب إليك فعدت عليه أتوب إليك في مقامي

دعای صحیفهٔ کامله در طلب توبه

هذا

هذا توبة نادم على ما فرط منه مشفق مما اجتمع عليه خالص الحياء مما وقع فيه
عالم بأن العفو عن الذنب العظيم لا يتعاظمك وأن التجاوز عن الإثم الجليل
لا يستصعبك وأن احتمال الجنايات الفاحشة لا يتكأدك وأن أحب عبادك
إليك من ترك الاستكبار عليك وجانب الإصرار ولزم الاستغفار وأنا أبرأ
إليك من أن أستكبر وأعوذ بك من أن أصر وأستغفرك لما قصرت فيه و
أستعين بك على ما عجزت عنه اللهم صل على محمد وآل محمد وهب لي ما يجب
علي لك وعافني مما أستوجبه منك وأجرني مما يخافه أهل الإساءة فإنك مليء
بالعفو مرجو للمغفرة معروف بالتجاوز فليس لحاجتي مطلب سواك ولا لذنبي غافر
غيرك حاشاك ولا أخاف على نفسي إلا إياك إنك أهل التقوى وأهل المغفرة
صل على محمد وآل محمد واقض حاجتي وأنجح طلبتي واغفر لي ذنبي وآمن خوف نفسي
إنك على كل شيء قدير وذلك عليك يسير آمين يا رب العالمين واز آنجمله دعا
که از آنحضرت در طلب عفو ورحمت مروی است وآن از دعای صحیفه است وآن اینست
اللهم صل على محمد وآله واكسر شهوتي عن كل محرم وازو حرصي عن كل مأثم وامنعني
عن أذى كل مؤمن ومؤمنة ومسلم ومسلمة اللهم وأيما عبد نال مني ما حظرت
عليه وانتهك مني ما حجرت عليه فمضى بظلامتي ميتا أو حصلت لي قبله حيا
فاغفر له ما ألم به مني واعف له عما أدبر به عني ولا تقفه على ما ارتكب في ولا
تكشفه عما اكتسب بي واجعل ما سمحت به من العفو عنهم وتبرعت به من الصدقة
عليهم أزكى صدقات المتصدقين وأعلى صلات المتقربين وعوضني من عفوي
عنهم عفوك ومن دعائي لهم رحمتك حتى يسعد كل واحد منا بفضلك وينجو
كل منا بمنك اللهم وأيما عبد من عبيدك أدركه مني درك أو مسه من ناحيتي
أذى أو لحقه بي أو بسببي ظلم ففته بحقه أو سبقته بمظلمته فصل على محمد
وآله وأرضه عني من وجدك وأوفه حقه من عندك ثم قني ما يوجب له حكمك
وخلصني مما يحكم به عدلك فإن قوتي لا تستقل بنقمتك وإن طاقتي لا
تنهض بسخطك فإنك إن تكافني بالحق تهلكني وإلا تغمدني برحمتك توبقني اللهم
إني أستوهبك يا إلهي ما لا ينقصك بذله وأستحملك ما لا يبهظك حمله أستوهبك

یا الهی نفسی التی لم تخلقها لتمتنع بها من سوء او لتطرق بها الی نفع ولکن انشاتها
اثباتا لقدرتک علی مثلها واحتجاجا علی شکلها واستحملک من ذنوبی ما قد بهظنی
حمله واستعین بک علی ما قد فدحنی ثقله صل علی محمد واله وهب لنفسی علی
ظلمها نفسی ووکل رحمتک باحتمال اصری فکم لحقت رحمتک بالمسیئین وکم
قد شمل عفوک الظالمین صل علی محمد واله واجعلنی اسوة من قد انهضته
عن مصارع الخاطئین وخلصته بتوفیقک من ورطات المجرمین فاصبح طلیق
عفوک من اسار سخطک وعتیق صنعک من وثاق عدلک انک ان تفعل ذلک
یا الهی تفعله بمن لا یجحد استحقاق عقوبتک ولا یبرئ نفسه من استیجاب نقمتک تفعل ذلک
یا الهی تفعله بمن خوفه منک اکثر من طمعه فیک وبمن یاسه من النجاة اوکد
من رجائه للخلاص لا ان یکون یاسه قنوطا او ان یکون طمعه اغترارا بل لقلة
حسناته بین سیئاته وضعف حججه فی جمیع تبعاته فاما انت یا الهی فاهل ان لا
یغتر بک الصدیقون ولا ییاس منک المجرمون لانک الرب العظیم الذی لا یمنع احدا
فضله ولا یستقصی من احد حقه تعالی ذکرک عن المذکورین وتقدست
اسماؤک عن المنسوبین وفشت نعمتک فی جمیع المخلوقین فلک الحمد علی ذلک
یا رب العالمین واز آنجمله دعای عظیم الشانی است که از پیغمبر مرویست نزد ادای
مظالم که ابن طاوس ره در کتاب مهج الدعوات ذکر کرده است و آن اینست یا نور السموات
والارض یا غوث المستغیثین ویا جار المستجیرین انت المنزل بک کل حاجة
استغفرک واتوب الیک من مظالم کثیرة لعبادک قبلی اللهم فایما عبد من
عبیدک او امة من امائک کانت له قبلی مظلمة ظلمتها ایاه فی نفسه او فی
عرضه او فی ماله او فی اهله وولده او غیبة اغتبته بها او تحامل علیه بمیل
او هوی او انفة او حمیة او ریاء او عصبیة غائبا کان او شاهدا حیا کان
او میتا فقصرت یدی وضاق وسعی عن ردها الیه والتحلل منه فاسئلک
یا من یملک الحاجات وهی مستجیبة بمشیته ومسرعة الی ارادته ان تصلی
علی محمد واله وان ترضیه عنی بما شئت من خزائن رحمتک ثم تهبها لی من لدنک
انه لا تنقصک المغفرة ولا تضرک الموهبة یا رب اکرمنی برحمتک ولا تهنی بذنوبی
انک واسع المغفرة یا ارحم الراحمین ومن میگویم که کسیکه تبعات مظالم بسیار

بر او باشد باید که پیش از این دعا چهار رکعت نماز کند در هر وقتیکه خواهد
در رکعت اول یکبار الحمد و بیست و پنج مرتبه سوره توحید بخواند و در رکعت دوم
یکبار الحمد و پنجاه مرتبه توحید و در رکعت سیم یکبار الحمد و هفتاد و پنج مرتبه توحید
بخواند و در رکعت چهارم یکبار الحمد و صد بار توحید و بعد از سلام این دعا
بخواند بدرستیکه اگر خصمان او بعدد ریگ بیابان باشند که خدا همه را از او
راضی میکند بتفضل و رحمت خود مثل برق خاطف بسوی بهشت میرود بی حساب
با اول زمره که داخل جنت میشود و این روایت را احمد بن علی بن حسین بن محمد
ابن قاسم در کتاب سایل الی المسائل ذکر کرده است و من میگویم که بعد از
این نماز این دعا را نیز بخواند که در صحیفه کامله در اعتذار از تبعات عباد و
از تقصیر در حقوق ایشان وارد شده است و آن اینست اللهم انی اعتذر الیک
من مظلوم ظلم بحضرتی فلم انصره ومن معروف اسدی الی فلم اشکره ومن
مسیء اعتذر الی فلم اعذره ومن ذی فاقة سئلنی فلم اوثره ومن حق ذی
حق لزمنی لمؤمن فلم اوفره ومن عیب مؤمن ظهر لی فلم استره ومن کل اثم
عرض لی فلم اهجره اعتذر الیک یا الهی منهن ومن نظائرهن اعتذار ندامة
یکون واعظا لما بین یدی من اشباههن صل علی محمد واله واجعل ندامتی
علی ما وقعت فیه من الزلات وعزمی علی ترک ما یعرض لی من السیئات توبة
توجب لی محبتک یا محب التوابین و بعد از آن باز دعای حضرت امام زین العابدین
که در روز دوشنبه میخوانند بخواند و آن دعا در فصل هفدهم گذشت در ادعیه
لیالی و ایام و من میگویم کسیکه میخواهد حق والدین خود را ادا کند باید که
در شب پنجشنبه دو رکعت نماز کند میان نماز شام و خفتن در هر رکعت یکبار
الحمد و آیة الکرسی و سه مرتبه قل اعوذ برب الفلق بخواند و چون سلام دهد پانزده بار استغفار
کند چه از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه این فعل را بجا آورد و ثواب آنرا
بوالدین خود بخشد حق ایشانرا ادا کرده است و این روایت را شیخ طوسی ره در متهجد
خود ذکر کرده است فصل سی پنجم در بیان استخارات و طریق اینها بسیار است
و بعضی از اینها استخاره دعاست و این اعظم استخاراتست و از حضرت امام جعفر

در استخارات

روایت شده است که فرمود هرگاه تو اراده امری کنی در سه رقعه بسم الله الرحمن
الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعله بنویس و در سه رقعه
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعله بعد از
آن هر شش رقعه را در زیر مصلای خود بگذار و دو رکعت نماز کن و چون از نماز
فارغ شوی سجده کن و صد بار بگو استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة و بعد از
آن بنشین و بگو اللهم خر لی واختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة و بعد از
آن رقاع را بر هم زن و یکی یکی بیرون آر پس اگر سه رقعه متوالی افعله بیرون آید
آن کار را بکن و اگر سه رقعه متوالی لا تفعله بیرون آید آن کار را مکن و اگر یکی
افعل و یکی لا تفعله بیرون آید سه رقعه دیگر بیرون آر تا پنج شود پس باکثر آن
نظر کن اگر افعله اکثر است آن کار را بکن و اگر لا تفعله است مکن و احتیاج نیست
به بیرون آوردن رقعه ششم و بعضی دیگر از آنها استخاره ایست که اسحق بن عمار
از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که گفت بانحضرت عرض کردم که بسیار
میشود که اراده امری میکنم بعضی مردم میگویند که آنرا بکن و بعضی میگویند مکن
آنحضرت فرمود که هرگاه اینچنین باشد دو رکعت نماز کن و صد مرتبه بگو
استخیر الله برحمته و بعد از آن نظر کن که جزم تو قرار گیرد بکن که خیر تو در آنست
اما باید که استخاره تو در عافیت باشد یعنی بگو استخیر الله برحمته خیرة فی
عافیة زیرا که بسیار باشد که خیر مردی در قطع ید او و موت ولد او و ذهاب مال
او باشد پس فی عافیة که بگوید از این بلایا سالم میماند و بعضی دیگر از آنها
که از ائمه مرویست و آن اینست که مستخیر حاجت خود را قصد کند و در رقعه
کلمه لا بنویسد و در رقعه دیگر نعم بنویسد و آن دو رقعه را در دو بندقه گل بگذارد
و آن دو بندقه را در زیر جامه خود بگذارد و دو رکعت نماز کند و بعد از آن این دعا
بخواند اللهم انی اشاورک فی امری هذا و انت خیر مستشار و مشیر فاشر علی بما
فیه صلاح و حسن عافیة و بعد از آن یکی را بیرون آورد اگر نعم بیرون آید آن کار را
بکند و اگر لا بیرون آید آنرا ترک کند و بعضی دیگر از آنها استخاره ایست که از امام
رضا مرویست و آن اینست که علی بن اسباط بانحضرت مشورت کرد که از راه بیابان

رود

رود یا از راه دریا پس آنحضرت با او گفت که در غیر وقت نماز بمسجد پیغمبر برو و
دو رکعت نماز کن و بعد از آن صد بار بگو استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة آنچه
بدل تو میرسد با آن عمل کن و بعضی دیگر از آنها استخاره ایست که ابن فهد آنرا در
موجز خود نقل کرده است و آن اینست که با بعضی از برادران مؤمن مشورت کن و از
الله سؤال کن که خیر ترا بر زبان او جاری گرداند و بعد از آن عمل کن با آنچه او میگوید
و بعضی دیگر از آنها آنست که مصحف را بگشاید و نظر کند با آنچه در اول آنست و
با آن عمل کند و آنرا نیز ابن فهد در موجز خود ذکر کرده است و بعضی دیگر از آنها
استخاره ایست که شیخ طوسی ره آنرا در مصباح خود از ائمه روایت کرده است و گفته
که هر بنده که هفتاد بار این دعای استخاره را بخواند خدا خیر را در دل او میاندازد
و آن اینست که یا ابصر الناظرین و یا اسمع السامعین و یا اسرع الحاسبین و یا
ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین صل علی محمد و اهل بیته و خر لی فی کذا و کذا و بعضی
دیگر استخاره ایست که علامه آنرا در مصباح خود ذکر کرده است و آن از حضرت صاحب
الامر مرویست و طریق آن اینست که ده بار الحمد لله بگوید و بعد از آن ده صلوات بفرستد و یکبار
الحمد لله بگوید و باز بعد از آن ده صلوات یکبار الحمد لله بگوید و بعد از آن ده بار سوره
قدر بخواند پس سه بار بگوید اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة الامور و استشیرک
لحسن ظنی بک فی المأمول والمحذور اللهم ان کان الامر الفلانی و نام آن امر را ببرد
و بعد از آن بگوید مما قد نیطت بالبرکة اعجازه و بوادیه و حفت بالکرامة ایامه
و لیالیه فخر لی اللهم فیه خیرة ترد شموسه ذلولا و تقعض ایامه سرورا اللهم
اما امر فأتمر و اما نهی فانتهی اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة و بعد
از آن قطعه از تسبیح را بگیرد و حاجت خود را در خاطر بگذراند و بعد از آن عدد آن
قطعه تسبیح را ملاحظه کند اگر فرد است آن کار را بکن و اگر زوج است ترک کند
بدانکه ابن طاوس ره در کتاب فتح الابواب گفته است که کسیکه اراده کاری دارد اول
میباید استخاره کند و بعد از آن با کسی مشورت کند زیرا که نهی وارد شده است از
آنکه کسی مشاورت مردم را مقدم دارد بر مشورت الله تعالی و ابن بابویه روایت کرده است
از امام جعفر صادق ع که فرمود که کسی از شما هرگاه اراده امری کند با هیچکس مشورت

نکند تا آنکه با خدا مشورت کند و هرگاه در مشورت ابتدا کند بخدا الله تعالی جاری
میگرداند بر زبان کسیکه میخواهد از مردم تا آنکه دلالت کند بخیر و همین روایت را
شیخ مفید نیز از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است و از حضرت امام جعفر
مرویست که فرمود خدا فرموده است که از شقاوت بندهٔ من است اینکه مرتکب اعمال
شود بی آنکه بمن استخاره کند و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود هرگاه کسی داخل
شود در امری بی استخاره مأجور نیست و از این دو حدیث ظاهر شد که کسیکه بی
استخاره داخل شود در امری از ضمان خدا بیرون است و بلائی و بر نفس اوست و در قلیل
و کثیر اجر ندارد و کدام بد عاقل را ضرر است بانکه داخل شود در امریکه خدا از او
اعراض کند و از او بری باشد و ابن طاوس در کتاب استخاره ذکر کرده است کسیکه
خواهد بقرآن تفأل کند سورهٔ فاتحه و آیة الکرسی و آیه و عنده مفاتح الغیب را تا آخر
بخواند و بعد از آن بگوید اللّهمّ ان کان فی قضائک و قدرک ان تمنّ علی امّة
نبیّک بظهور ولیّک و ابن بنت نبیّک فعجّل ذلک و سهّله و یسّره و کمّله
و اخرج الیّ آیة استدلّ بها علی امرٍ فأتمر او نهیٍ فانتهی و ما ارید الفال فی
عافیة و بعد از آن مصحف را بگشاید و هفت ورق را بشمارد و بعد از آن از صفحهٔ
ورق هفتم و از صفحهٔ چپ ورق هشتم لفظ جلاله را بشمارد و بعد از آن بعدد جلاله
ورق بشمارد و بعد هر ورقیکه عدد منتهی شود از صفحهٔ راست آن ورق سطرها
بشمارد در آخر سطر آنچه باشد فال اوست و با آن عمل کند و استخاره ذات الرقاع
جمیع استخارهای بدعوات و استخارهٔ رقعتین و بندقتین از جهت انواع متعدد
که در حاشیه این کتاب مذکور است و ابن بابویه در کتاب فقیه از حضرت امام جعفر
روایت کرده است که آنحضرت فرمود که هرگاه کسی اراده خریدن بنده یا دابه کند یا ادای
حاجت خفیفی یا چیزی یسیری باشد هفت بار استخاره کند و اگر امر عظیمی باشد صد بار
استخاره کند و باز از آنحضرت مرویست که کسیکه یکبار استخاره کند و راضی باشد
بانچه الله خیر او را برای او اختیار میکند و ابن باقی در مصباح خود گفته است که سزاوار
است که کسیکه استخاره کند در دست او خاتم عقیقی باشد که بر آن محمد و علی نقش
باشد و بعد از آن بدست راست یکی از دو رقعه را بردارد که آنچه در دنیا و آخرت

خیر اوست

خیر او در آنست بدست او آید و ابن طاوس در کتاب فتح الابواب ذکر کرده است که
میباید کسیکه نماز استخاره میکند در آن نماز متأدب باشد بآداب کسیکه
از کسی سؤال میکند و در سجود دل خود را متوجه بجناب کبریاء الهی کند و در سجده
بگوید صد بار استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة و وقتیکه سر از سجده بردارد نیز این قول
بگوید و در اثنای اخذ رقاع و در اثنای استخاره حرف نزند مگر بدعای مرسوم زیرا
که حرف زدن در اثنا از قلت ادبست و در بعضی حدیثهاست نیز که حضرت جواد
بعلی بن اسباط گفت که در اثنای استخاره حرف مزن تا وقتیکه صد بار تمام کنی و هرگاه
استخاره مخالف مطلب تو باشد دلتنگ مباش بلکه شکر کن که خدا تو را از اهل دانسته
که با او مشورت کنی ابن طاوس در کتاب فتح الابواب گفته است که روایات بسیار دیدم
که دلالت میکند بر آنکه انسان مخیر است در نماز استخاره بعد از الحمد هر چه خواهد
بخواند خدای تعالی مرا هدایت کرد بانکه ابتدا دو رکعت نماز مثل نماز غفیله باید کرد زیراکه
مستشیر در ظلمات تاریکی رای خود است و در تدبیر کار خود حیران است پس بعد از
الحمد در رکعت اول و ذا النون اذ ذهب مغاضباً تا آخر بخواند پس بگوید یا ارحم الراحمین
و اکرم الاکرمین انا فی ظلمات فیما استشیرک فیه فنجّنی کما وعدت ان تنجی
المؤمنین و اکشف لی ذلک برحمتک علی الیقین و در رکعت دویم بعد از الحمد
آیة و عنده مفاتح الغیب را بخواند و بگوید در قنوت اللّهمّ انی اسئلک بمفاتح الغیب
التی لا یعلمها الا انت و بعد از آن دعا کند آنچه خواهد و شیخ طوسی در متهجد
خود روایت کرده است که او گفت که بحضرت امام جعفر صادق ع گفتم که در دو رکعت
نماز استخاره چه چیز بخوانم آنحضرت فرمود که هر چه میخواهی بخوان و اگر میخواهی در
این دو رکعت سورهٔ توحید و جحد بخوان و شیخ مفید در رساله عزیه گفته است
که سزاوار نیست که انسان استخاره کند در چیزیکه خدا از آن نهی کرده است و در ادای
امر واجب نیز استخاره نباید کرد بلکه استخاره در کردن امر مباح و ترک نافله بواسطهٔ
اتیان نافله دیگر که جمع میانه ایشان ممکن نباشد مثل حج و جهاد سنتی و بواسطهٔ
زیارت مشهدی دون مشهد دیگر و بواسطهٔ صلهٔ برادری دون برادر دیگر ثواب
کرد و نماز استخاره دو رکعت است در هر رکعت بعد از فاتحه هر سوره که خواهد بخواند

ایضا از ائمه بخوان

وقنوط بخواند وچون سلام بدهد حمد وثنای خدای تعالی بجا آورد وصلوات بر پیغمبر و
آل بفرستد وباید دعا را بخواند اللهم انی استخیرک بعلمک وقدرتک واستخیرک
بعزتک واسئلک من فضلک فانک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت
علام الغیوب اللهم ان کان هذا الامر الذی عرض لی خیرا فی دینی ودنیای و
آخرتی فیسره لی وبارک لی فیه واعنی علیه وان کان شرا لی فاصرفه عنی واقض
الخیر حیث کان ورضنی به حتی لا احب تعجیل ما اخرت ولا تاخیر ما عجلت یا
ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین وشیخ طوسی ره در امالی خود ذکر
کرده است از علی بن ابی طالب که آنحضرت فرمود که چون پیغمبر مرا بر یمن والی ساخت
وصایا بمن که فرمود یکی این بود که گفت یا علی کسیکه استخاره کند حیران نمیشود و
کسیکه مشورت کند در امری پشیمان نمیشود بدانکه بدرستیکه ادعیه استخاره بسیار است

ایضا از ائمه بخوانند

بعضی از آنها اینجا ثبت است که ابن طاوس در کتاب فتح الابواب از حضرت امام رضا روایت کرده
وآنحضرت از پدر بزرگوار خود روایت کرده که ایشان فرمودند که کسیکه در استخاره
خود باید دعا بخواند آنچه محبوب اوست در عاقبت کار او باو میرسد وآن دعا این است

ایضا از ائمه بخوانند

اللهم ان خیرتک تنیل الرغائب وتجزل المواهب وتطیب المکاسب وتغنم المطالب
وتهدی الی احمد العواقب وتقی من محذور النوائب اللهم انی استخیرک فیما عقد
علیه رایی وقادنی الیه هوای فاسئلک یا رب ان تسهل لی من ذلک ما تعسر
من ذلک ما تیسر وان تعطینی یا رب الظفر فیما استخرتک فیه وعونا بالانعام
فیما دعوتک وان تجعل یا رب بعده قربا وخوفه امنا ومحذوره سلما فانک
تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب اللهم ان یکن هذا الامر
خیرا لی فی عاجل الدنیا والآخرة فسهله لی ویسره علی وان یکن فاصرفه عنی و
قدر لی فیه الخیرة انک علی کل شیء قدیر یا ارحم الراحمین وبعضی دیگر از ادعیه
دعائیست که از امام رضا مرویست واین از جمله ادعیه وسائل الی المسائل وان این است
اللهم ان خیرتک فیما استخیرک فیه تنیل الرغائب وتجزل المواهب وتطیب
المکاسب وتهدی الی اجمل المذاهب وتسوق الی احمد العواقب وتقی مخوف النوائب
اللهم انی استخیرک فیما عزم رایی علیه وقادنی عقلی الیه فسهل اللهم منه

ما توعر

ما توعر ویسر منه ما تعسر واکفنی فیه المهم وادفع عنی کل ملم واجعل رب
عواقبه غنما ومخوفه سلما وبعده قربا وجدبه خصبا وارسل اللهم اجابتی
وانجح طلبتی واقض حاجتی واقطع عوائقها وامنع بوائقها واعطنی اللهم لواء الظفر
بالخیرة فیما استخرتک ووفور النعم فیما دعوتک وعوائد الافضال فیما رجوتک
واقرنه اللهم رب بالنجاح وحطه بالصلاح وارنی اسباب الخیرة واضحة واعلام
غنمها لائحة واشدد خناق تعسرها وانعش صریع تیسرها وبین اللهم ملتبسها و
اطلق محتبسها حتی تکون خیرة مقبلة بالغنم مزیلة للغرم عاجلة النفع باقیة
الصنع انک ولی المزید مبتدئ بالجود ابن طاوس ره گفته است که از عجایب استخاره
وفاع انچه دیدم این بود که من در جانب غربی بغداد یکی از ابنای دنیا مرا طلب کرد بیست
دو روز توقف کردم که با او ملاقات کنم در چهار رقعه یا سه رقعه متوالی لا تفعل بیامد
وبعد از ان ظاهر شد که خیر در عدم ملاقات او بوده وازجمله عجایب این استخاره این است
که یکجا در حله اقامت کردم ومیخواستم که بعضی از ولایت حله بروم ودر هر روز استخاره
میکردم یکی در اول روز ویکی در آخر روز ولا تفعل بیرون میامد تا آنکه پنجاه مرتبه
کردم ولا تفعل آمد وبعد از آن سبب سعادت آن ظاهر شد وازجمله عجایب استخاره
این است که من بسن پنجاه وسه سال رسیدم ودر این مدت هر استخاره که کردم مخالف
سعادت ندیدم پس باید که در جمیع امور کلی بی استخاره کاری نکنند تا سعادت آنرا
ببینند وبعضی دیگر از آنها دعائیست که در ادعیه السر مذکور است وآن اینست که الله تعالی
فرمود که یا محمد کسیرا که در امری پیش آید وخواهد که امری را اختیار کند که بهتر است

این دعا را بخوانند

باید که در وقتیکه اراده این امر دارد بگوید اللهم اختر لی بعلمک ووفقنی بعلمک
لرضاک ومحبتک اللهم اختر لی بقدرتک وجنبنی بعزتک مقتک وسخطک اللهم
ما اخترت لی فیما اریده من هذین الامرین وآنچه اراده دارد نام ببرد بعد از ان بگوید احبهما الیک
وارضاهما لک واقربهما منک اللهم انی اسئلک بالقدرة التی زویت بها علم
الاشیاء عن جمیع خلقک ان تصلی علی محمد وآل محمد واغلب بالی وهوای وسریرتی
وعلانیتی باخذک واسفع بناصیتی الی ما تراه لک رضی ولی صلاحا فیما استخرتک
حتی تلزمنی من ذلک امرا ارضی فیه بحکمک واتکل فیه علی قضائک واکفنی فیه

بعید دنیك ولا تقلبنی وهوای لهواك مخالف ولا ما ابین لما تریدلی مجانب اغلب
بقدرتك التی تقضی بها ما احببت علی ما احببت بهواك هوای ویسر لی الیسری
التی ترضی بها عنی وتصلحنی بها ولا تخذلنی بعد تفویضی الیك امری برحمتك التی وسعت
کل شیء اللهم اوقع خیرتك فی قلبی وافتح قلبی للزومها یا کریم آمین پس بدرستیکه
هرگاه این دعا را بخواند اختیار میکنم از برای او منافع آن امر را در دنیا و آخرت و بعضی
دیگر از آنها دعائیست که سید بن باقی در کتاب اختیار از حضرت امیر المؤمنین روایت
کرده است و آن اینست ما شاء الله کان اللهم انی استخیرك خیار من فوض الیك
امره واسلم الیك نفسه واستسلم الیك فی امره وخلا لك وجهه وتوکل
علیك فیما نزل به اللهم خر لی ولا تخر علی وکن لی ولا تکن علی وانصرنی ولا تنصر
علی واعنی ولا تعن علی وامکنی ولا تمکن منی علی واهدنی الی الخیر ولا تضلنی
وارضنی بقضائك وبارك لی فی قدرك انك تفعل ما تشاء وتحکم ما ترید و
انت علی کل شیء قدیر اللهم ان کانت لی الخیرة فی امری هذا فی دینی ودنیای
وعاقبة امری فسهله لی وان کان غیر ذلك فاصرفه عنی یا ارحم الراحمین انك
علی کل شیء قدیر وحسبنا الله ونعم الوکیل وبعضی از آنها دعائیست که در کتاب مذکور
از صاحب الامر روایت است در استخاره وحاجت آن و آن دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
انی اسئلك باسمك الذی عزمت به علی السموات والارض فقلت لهما ائتیا
طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین واسئلك باسمك الذی عزمت به علی عصی
موسی فاذا هی تلقف ما یافکون واسئلك باسمك الذی صرفت به قلوب السحرة
الیك حتی قالوا آمنا برب العالمین واسئلك بالقدرة التی تبلی بها کل جدید
وتجدد بها کل بال واسئلك بکل حق هو لك وبکل حق جعلته علیك ان
کان هذا الامر خیرا لی فی دینی ودنیای وآخرتی ان تصلی علی محمد وآل محمد وتسلم
علیهم تسلیما وتهیئه لی وتسهله علی وتلطف لی فیه برحمتك یا ارحم الراحمین
وان کان شرا لی فی دینی ودنیای وآخرتی ان تصلی علی محمد وآل محمد وتسلم علیهم
تسلیما وان تصرفه عنی بم شئت وکیف شئت وترضینی بقضائك وتبارك لی
فی قدرك حتی لا احب تعجیل شیء اخرته ولا تاخیر شیء عجلته فانه لا حول ولا

ایندعاها بخوانند

اللهم

قوة

در نماز حاجت
و دعاهای آن

قوة الا بك یا علی یا عظیم یا ذا الجلال والاکرام **فصل ششم** در بیان نمازهای
حوائج وادعیه آن ودفع استغاثات اما نمازهای حوائج بسیار است بعضی
از آنها نمازیست که ابو علی فضل بن حسن طبرسی آورده در کتاب کنوز النجاح ذکر کرده
وگفته است که از ناحیه مقدسه نوشته بیرون آمد که در آن نوشته بود که
کسیرا که بخدا حاجتی باشد باید که در شب جمعه بعد از نصف شب غسل
کند و بمصلای خود آید دو رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد بخواند وچون بایاك
نعبد وایاك نستعین رسد صد بار آنرا تکرار کند و در مرتبه صدم تا آخر
الحمد بخواند وبعد از آن یکبار سوره توحید بخواند وبعد از آن برکوع رود وسجده
کند و در رکوع وسجود هر کدام هفت مرتبه تسبیح بخواند ودر رکعت دوم نیز مثل
رکعت اول بجا آورد وبعد از نماز دعائیکه مذکور میشود بعد از این بخواند وبعد
آن بسجده رود وبسوی خدا تضرع کند وحاجت خود را از خدا بخواهد پس هر مؤمن
ومؤمنه که این دو رکعت نماز و این دعا را بخواند خدا یتعالی درهای آسمانرا بروی اهله
اجابت دعای او بگشاید وهر حاجتیکه دارد برآورد مگر آنکه در قطع رحم باشد که
مستجاب نمیشود ودعا اینست اللهم ان اطعتك فالمحمدة لك وان
عصیتك فالحجة لك منك الروح ومنك الفرج سبحان من انعم وشکر سبحان
من قدر وغفر اللهم ان کنت قد عصیتك فانی قد اطعتك فی احب الاشیاء
الیك وهو الایمان بك لم اتخذ لك ولدا ولم ادع لك شریکا منا منك به
علی لا منا منی به علیك وقد عصیتك یا الهی علی غیر وجه المکابرة ولا الخروج
عن عبودیتك ولا الجحود لربوبیتك ولکن اطعت هوای وازلنی الشیطان
فلك الحجة علی والبیان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم وان تغفر لی وتر
حمنی فانك جواد کریم یا کریم یا کریم وچون بلفظ یا کریم رسد چندان مکرر کند
آنرا که نفس منقطع شود وبعد از آن بگوید یا آمنا من کل شیء وکل شیء منك خائف
حذر اسئلك بامنك من کل شیء وخوف کل شیء منك ان تصلی علی محمد وآل
محمد وان تعطینی امانا لنفسی واهلی وولدی وسائر ما انعمت به علی حتی لا اخاف
احدا ولا احذر من شیء ابدا انك علی کل شیء قدیر وحسبنا الله ونعم الوکیل یا کافی

ابرهیم نمرود و یا کافی موسی فرعون و یا کافی محمد الاحزاب اسئلک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تکفینی شر فلان بن فلان انشاء الله تعالی شر دشمن او را کفایت
میکند و بعضی دیگر از آن نمازها نمازیست که از پیغمبر مرویست و آن چهار رکعت است
که پیش از ظهر جمعه باید کرد و در رکعت اول یکبار الحمد و یکبار سوره اعلی و پانزده
بار سوره توحید بخواند و در رکعت دویم یکبار الحمد و یکبار اذا زلزلت و پانزده بار
سوره توحید باید بخواند و در رکعت سیم بعد از الحمد یکبار سوره تکاثر و پانزده بار توحید
باید بخواند و در رکعت چهارم بعد از الحمد سوره نصر و پانزده بار توحید بخواند و چون
از نماز فارغ شود دستهای خود را بلند کند و حاجت خود را از خدا بخواهد که انجاح
بر آورده میشود انشاء الله و بعضی دیگر از آنها نمازیست که در کتاب دفع الهموم و الاحزان
از پیغمبر مرویست و از اینست که آنحضرت فرمود که کسی را که حاجت باشد باید که سه
روزه بگیرد که اخر آن سه روز جمعه باشد و چون روز جمعه شود طهارت کند و
چیزی تصدق کند خواه آنچه کم باشد یا بسیار و چون نماز جمعه کند بگوید اللهم انی
اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة
الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة و لا نوم الذی ملأت
عظمته السموات و الارض و اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله
الا هو الذی عنت له الوجوه و خشعت له الابصار و وجلت القلوب من خشیته
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی فی کذا و کذا و بعد از آن فرمود که این
دعا را بسفیهان خود میاموزید که باین دعا میکنند در امور ناشایسته و برای ایشان
مستجاب میشود و این دعا را در نکاح قطع رحم مخوانید و بعضی دیگر از آن نمازها دو رکعت
نماز غفیله است که از حضرت امام جعفر صادق مرویست که در میان نماز شام و خفتن
باید کرد در رکعت اول بعد از حمد این و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر
علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا
له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین را بخواند و در رکعت دویم بعد از الحمد این
و عنده مفاتح الغیب تا آخر بخواند و بعد از آن دستها را بر دارد و بگوید اللهم انی
اسئلک بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان

نماز جمعه بخواند و بگوید

تفعل

تفعل بی کذا و کذا اللهم انت ولی نعمتی و القادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک
بحق محمد و آله علیه و علیهم السلام لما قضیتها لی پس بدرستیکه حاجتش روا
میشود و بعضی دیگر از آن نمازها آنست که از امام جعفر صادق مرویست که فرمود که
هرگاه یکی از شما بیمار شود طبیب را می طلبید و او را چیزی میدهید هرگاه شما را حاجتی
به پادشاهی باشد بدربان او رشوه میدهید و اگر یکی از شما را مکروهی رسد باید
که بسوی خدای تعالی فزع کنید و چیزی تصدق کنید خواه کم و خواه بسیار و بعد از آن
داخل مسجد شود و دو رکعت نماز کند و حمد و ثنای خدای تعالی بجا آورد و بر محمد و
آل او صلوات فرستد و بعد از آن بگوید اللهم ان عافیتنی مما اخاف من کذا و کذا
خدا مطلب او را بر آورد و این نذر واجب است و چیزیست که خدا بر آن شکر لازم کرده است
و بعضی از آنها نمازیست که از حضرت صادق مرویست که فرمود که هرگاه اندوهی بکسی رسد
باید که غسل کند و دو رکعت نماز کند و جانب بالا سر روی خود را بر زمین دست
راست گذارد و بگوید یا معز کل ذلیل و مذل کل عزیز و حقک لقد شق علی کذا و
کذا و نام برد اندوهی را که باو رسیده است که بر طرف میشود انشاء الله و این روایت
ابن عیاش در کتاب اغسال ذکر کرده است و بعضی دیگر از آنها نمازیست که سید علی بن
حسین بن حسان بن باقی قرشی آن را در کتاب اختیار خود از امام جعفر صادق روایت
کرده است که آنحضرت فرمود که کسی را که حاجتی باشد بخدا باید که روز پنجشنبه
بعد از چاشت غسل کند و چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و بیست و پنج بار
سوره قدر بخواند و چون سلام دهد صد بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد
از آن دست خود را بسوی آسمان بر دارد و ده بار بگوید یا الله و بعد از آن هر دو انگشت
سبابه خود را حرکت دهد و ده بار بگوید یا الله و بعد از آن بگوید یا رب که
نفس منقطع شود و بعد از آن دست خود را بر روی خود بدارد و ده بار بگوید یا
الله و بعد از آن بگوید یا افضل من دعی و یا خیر من دعی و یا اجود من اعطی و
یا اکرم من سئل یا من لا یعز علیه ما فعله یا من حیث ما دعی اجاب اللهم انی
اسئلک موجبات رحمتک و باسمائک العظام و بکل اسم لک عظیم و اسئلک
بوجهک الکریم و بفضلک العظیم و باسمک الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت

و بعد از آن بگوید

به اعطيت واسئلك باسمك العظيم الاعظم يا ديان يوم الدين يا محيي العظام و
هي رميم واسئلك بانك انت الله لا اله الا انت ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تيسر لي امري ولا تعسر علي وتسهل لي مطلبي وترزقني من فضلك الواسع
يا قاضي الحاجات يا قدير يا علي يا من لا يقدر عليه غيرك يا ارحم الراحمين واكرم
الاكرمين و از جمله ادعيه حوائج دعائيست كه در ادعيه السر مذكور است و آن
اينست كه خدا فرمود كه اي محمد كسيرا كه حاجتي باشد بسوي من يا بغير من بايد كه در وسط
شب در خلوت مرا بخواند در حالتيكه با طهارت باشد و بگويد يا الله ما اجد احدا
الا وانت رجاؤه ومن ارجى خلقك لك انا ويا الله وليس شيء من خلقك الا و
هو بك واثق ومن اوثق خلقك بك انا ويا الله وليس احد من خلقك الا وهو لك
في حاجته معتمد وفي طلبته سائل ومن اعظمهم سؤالا لك انا ومن اشدهم اعتمادا
لك انا الا اني امسيت شديدا ثقتي في طلبتي اليك وهي كذا وكذا و نام ببرد حاجت خود را
فانك ان قضيتها قضيت وان لم تقضها لم تقض ابدا وقد لزمني من الامر ما لا بد لي
منه فلذلك طلبت اليك يا منفذ احكامه بامضائها امض قضاء حاجتي هذه يا رباه
في غيوب الاجابة حتى تقلبني بها منجحا حيث كانت تغلب لي منها اهوالا جميع عبادك
وامنن علي بامضائها وتيسيرها ونجاحها ويسرها الى قلبي مضطر الى قضائها وقد
علمت ذلك فاكشف ما بي من الضر بحقك الذي تقضي به ما تريد و چون بلفظ كذا وكذا
رسد حاجت خود را نام ببرد پس بدرستيكه هر گاه اين دعا را بخواند پيش از آنكه از اين مكان
برود حاجت او روا گردد و بايد كه نفس خود را با من خوش دل دارد و بعضي ذكر كرده اند از ادعيه
دعائيست كه از امام رضا مرويست و اين دعا از جمله ادعيه الوسائل الى المسائل است و
آن اينست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم جدير من امرته بالدعاء ان يدعوك ومن
وعدته بالاجابة ان يرجوك ولي اللهم حاجة قد عجزت عنها حيلتي وكلت منها
طاقتي وضعفت عن مرامها قدرتي وسولت لي نفسي الامارة بالسوء وعدوي الغرور
الذي انا منه مبتلى ان ارغب فيها الى ضعيف مثلي وهو في النكول شكلي حتى تدا
ركتني رحمتك وبادرتني بالتوفيق رأفتك ورددت علي عقلي بتطولك والهمتني
رشدي بتفضلك واحييت بالرجاء لك قلبي وازلت خدعة عدوي عن لبي و

صح

صححت بالتأميل فكري وشرحت بالرجاء لاسعافك صدري وصورت لي
الفوز ببلوغ ما رجوته والوصول الى ما املته فوقفت اللهم رب بين يديك
سائلا لك ضارعا اليك واثقا بك متوكلا عليك في حاجتي وتحقيق امنيتي
وتصديق رغبتي فانجح اللهم حاجتي بايمن نجاح واهدها سبيل الفلاح واعذني
اللهم بكرمك من الخيبة والقنوط والاناة والتثبيط بهنيء اجابتك وسابغ
موهبتك انك ملي ولي وعلى عبادك بالمنائح الجزيلة وفي وانت على كل
شيء قدير وبكل شيء محيط وبعبادك خبير بصير و بعضي ذكر كرده اند دعائيست كه از حضرت
امام زين العابدين مرويست و اين از جمله دعاهاي صحيفه است و آن اينست اللهم
يا منتهى مطلب الحاجات ويا من عنده نيل الطلبات ويا من لا يبيع نعمه بالاثمان
يا من لا يكدر عطاياه بالامتنان ويا من يستغنى به ولا يستغنى عنه ويا من
يرغب اليه ولا يرغب عنه ويا من لا تفني خزائنه المسائل ويا من لا تبدل
حكمته الوسائل ويا من لا تنقطع عنه حوائج المحتاجين ويا من لا يعنيه سؤال
السائلين ويا من لا يعنيه دعاء الداعين تمدحت بالغناء عن خلقك وانت
اهل الغنى عنهم ونسبتهم الى الفقر وهم اهل الفقر اليك فمن حاول سد خلته
من عندك ورام صرف الفقر عن نفسه بك فقد طلب حاجته في مظانها واتى
طلبته من وجهها ومن توجه بحاجته الى احد من خلقك او جعله سبب نجحها دونك
فقد تعرض للحرمان واستحق من عندك فوت الاحسان اللهم ولي اليك حاجة
قد قصر عنها جهدي وتقطعت دونها حيلي وسولت لي نفسي رفعها الى من يرفع حوائجه
اليك ولا يستغني في طلباته عنك فهي زلة من زلل الخاطئين وعثرة من عثرات
المذنبين ثم انتبهت بتذكيرك لي من غفلتي ونهضت بتوفيقك من زلتي ونكصت
بتسديدك عن عثرتي وقلت سبحان ربي كيف يسأل محتاج محتاجا وانى يرغب معدم
الى معدم فقصدتك يا الهي بالرغبة واوفدت عليك رجائي بالثقة بك و
علمت ان كثير ما اسئلك يسير في وجدك وان خطير ما استوهبك حقير في
وسعك وان كرمك لا يضيق عن سؤال احد وان يدك بالعطايا اعلى من كل يد
اللهم فصل على محمد وآله واحملني بكرمك على التفضل ولا تحملني بعدلك على الا

اليك

ستحقاق فما

انا باوّل راغب رغب لی لیاك فاعطیته وهو یستحق المنع ولا باوّل سائل سئلك فافضلت علیه وهو یستوجب الحرمان اللهم صلّ علی محمد وآله وکن لدعائی مجیبا ومن ندائی قریبا ولتضرعی راحما ولصوتی سامعا ولا تقطع رجائی عنك ولا تبتّ سببی منك ولا توجهنی فی حاجتی هذه وغیرها الی سواك وتولنی فی طلبتی وقضاء حاجتی ونیل سؤلی قبل زوالی عن موقفی هذا بتیسیرك لی العسیر وحسن تقدیرك لی فی جمیع الامور وصلّ علی محمد وآله صلوة دائمة نامیة لا انقطاع لابدها ولا منتهی لامدها واجعل ذلك عونا لی وسببا لنجاح طلبتی انك واسع کریم ومن حاجتی یا رب کذا وکذا وچون در این دعا بکذا وکذا رسد حاجت خود را بیان کند وبعد از آن سجده کند وبگوید فضلك آنسنی واحسانك دلّنی فاسئلك بك وبمحمد وآله صلواتك علیهم ان لا تردنی خائبا انك سمیع الدعاء قریب مجیب وبعضی دیگر از ادعیه دعائیست که باز از حضرت امام زین العابدین مرویست اما از ادعیه حجبیه نیست وآن اینست یا من حاز کل شیء ملکوتا وقهر کل شیء جبروتا الج قلبی فرح الاقبال علیك والحقنی بمیدان الصالحین المطیعین لك یا من قصده الطالبون فوجدوه متفضلا ولجا الیه العائذون فوجدوه نوالا واتاه الخائفون فوجدوه قریبا صلّ علی محمد وآل محمد وچون دعا را تمام کند حاجت خود را طلب نماید که برآورده میشود ان شاء الله وبعضی دیگر از ادعیه آنست که ذکر کرده است آنرا خلف بن عبد الملك بن مسعود در کتاب مستغیثین وگفته است که این دعا از برای هر حاجتی مجربست وآنرا جبرئیل بپیغمبر تعلیم کرده است وآن اینست یا نور السموات والارض ویا قیوم السموات والارض ویا عماد السموات والارض ویا زین السموات والارض ویا جمال السموات ویا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا غوث المستغیثین ومنتهی رغبة العابدین ومنفس الکرب عن المکروبین ومفرج المغمومین ویا صریخ المستصرخین مجیب دعوة المضطرین کاشف کل سوء اله العالمین وبعضی از چیزهائیکه داخل است در باب کردن قماع استغاثات است در امور مخوفه وبعضی از اینها آنچیزیست که از حضرت صادق مرویست واز اینست که آنحضرت فرمود که هرکس که رزق او کم شده باشد ومعیشت وتنك شده باشد یا حاجتی

والارض

داشته باشد از امور دنیا وآخرت باید که در وقت طلوع آفتاب در رقعه سفید این دعا که مذکور میشود بنویسد ودر آب روان اندازد وباید که اسماء معصومین در یکسطر باشد ودعا این است بسم الله الرحمن الرحیم الملك الحق الجلیل المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام علی محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والقائم سیدنا ومولانا صلوات الله علیهم ربّ انی مسّنی الضر والخوف فاکشف ضری وامن خوفی بحق محمد وآل محمد واسئلك بکل نبی ووصی وصدیق وشهید ان تصلی علی محمد وآل محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا لی یا ساداتی بالشأن الذی لکم عند الله فان لکم عند الله لشأنا من الشأن فقد مسّنی الضر یا ساداتی والله ارحم الراحمین فافعل بی یا رب کذا وکذا ونیز از آنحضرت مرویست که در رقعه سفیدی باید نوشت بعد از بسمله اللهم انی اتوجه الیك باحب الاسماء الیك واعظمها لدیك واتقرب واتوسل الیك بمن اوجبت حقه علیك بمحمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی ومحمد والحسن ومحمد المهدی الهادی صلوات الله علیهم اجمعین اکفنی شر کذا وکذا وبعد از آن رقعه را بپیچد ودر بندقه از گل بگذارد ودر آب جاری یا در آب چاه اندازد که الله تعالی او را فرج میدهد وبرهر دو روی قراین شکل بنویسد ۵ وبعضی دیگر از اینها قصه ایست که از حضرت هادی مرویست وآن اینست که دعائیکه مذکور میشود در نسخه رقعه بنویسد ودر نسخه مکان پنهان کند وآن این است بسم الله الرحمن الرحیم الی الله الملك الدیان الرءوف المنان الاحد الصمد من عبده الذلیل البائس المسکین فلان بن فلان اللهم انت السلام ومنك السلام والیك یعود السلام تبارکت وتعالیت یا ذا الجلال والاکرام صلوات الله علی محمد وآله وبرکاته ودائم سلامه اما بعد فان من بحضرتنا من اهل الاموال والجاه قد استعدوا وامنوا موالهم وتقدموا بسعة جاههم فی مصالحهم ولم یشوبهم وتاخر المستضعفون المقلون عن تنجیز حوائجهم لا بواب الملوك ومطالبهم فیما بین نواصی العباد اجمعین ویا معزا بولایته للمؤمنین ومذل العتاة الجبارین انت ثقتی ورجائی والیك مهربی وملجای وعلیك توکلی وبك اعتصامی وعیاذی

فالن لی یا ربّ صعبه و سخّر لی قلبه و ردّ عنی نافره واکفنی بائقته فانّ مقادیر الامو
بیدک وانت الفعّال لما تشاء لک الحمد والیک یصعد الحمد لا اله الّا انت
سبحانک وبحمدک تمحوا ما تشاء وتثبت وعندک امّ الکتاب وصلی الله علی محمد و
آله الطیبین والسلام علیهم ورحمة الله وبرکاته وبعضی دیگر از آنها استغاثه است
بسوی مهدی و از بعضی آنچه مذکور میشود در رقعه بنویسد و از بعضی از قبور ائمه
اندازد و یا ببندد آن را و مهر کند و گل پاکی را بردارد و آن را در میان آن گل گذارد و
در آب یا چاه عمیقی یا غدیر آب اندازد که بصاحب الزمان میرسد و آنحضرت بنفس خود
متولی حاجت میشود و آن رقعه اینست بسم الله الرحمن الرحیم کتبت یا مولای صلوات الله
علیک مستغیثا وشکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عزّ وجل ثم بک من امر قد دهمنی واشغل
قلبی واطال فکری وسلبنی بعض لبّی وغیّر خطیر نعمة الله عندی اسلمنی عند تخیل وروده
الخلیل وتبرّأ منی عند ترائی اقباله الیّ الحمیم وعجزت عن دفاعه حیلتی وخاننی فی تحمّله
صبری وقوتی فلجأت فیه الیک وتوکلت فی المسئلة لله جل ثناؤه علیه وعلیک
فی دفاعه عنی علما بمکانک من الله ربّ العالمین وولیّ التدبیر ومالک الامور واثقا
بک فی الامور فی الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لاجابته تبارک وتعالی ایّاک
باعطائی سؤلی وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی وتصدیق املی فیک فی امری کذا وکذا
فیما لا طاقة لی بحمله ولا صبر لی علیه وان کنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی و
تفریطی فی الواجبات التی لله عزّ وجل فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف وقدّم
المسئلة لله عزّ وجل فی امری قبل حلول التلف وشماتة الاعداء فبک بسطت النعمة
علیّ واسئل الله جل جلاله لی نصرا عزیزا وفتحا قریبا فیه بلوغ الامال وخیر المبادی
وخواتیم الاعمال والامن من المخاوف کلها فی کل حال انه جل ثناؤه لما یشاء فعّال
وهو حسبی ونعم الوکیل فی المبدأ والمآل وبعد از آنکه آن را نوشت بسوی نهر یا غدیر رود
وبعضی از نواب آنحضرت توسل جوید مثل عثمان بن سعید عمری یا فرزندش محمد بن عثمان
یا حسین بن روح یا علی بن محمد السمری که این جماعت نواب آنحضرت بوده اند پس یکی
از ایشان را آواز کند وبگوید یا فلان بن فلان سلام علیک ان وفاتک فی سبیل
الله وانک حیّ عند الله مرزوق وقد خاطبتک فی حیاتک التی لک عند الله عزّ

المسارعة فی

اشهد

وجل

وجل وهذه رقعتی وحاجتی الی مولانا علیه السلام فسلّمها الیه فانت
الثقة الامین وبعد از آن رقعه را در نهر یا چاه یا غدیر اندازد که حاجتش روا
میشود وبعضی دیگر از آنها قصه کثیر دیگر است باید بنویسی الحمد وآیة الکرسی وآیه سخره
وبعد از آن بنویسی بسم الله الرحمن الرحیم من العبد الذلیل فلان بن فلان الی المولی
الجلیل الذی لا اله الا هو الحی القیوم سلام علی آل یس محمد وعلی وفاطمة والحسن و
الحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومحمد بن الحسن عجّل الله
یا ربّ العالمین اللهم انی اسئلک بانی اشهد انک انت الله الهی واله الاولین و
الآخرین لا اله غیرک اتوجه الیک بحق هذه الاسماء التی اذا دعیت بها اجبت و اذا
سئلت بها اعطیت لما صلیت علیهم وهوّنت علی خروج روحی وکنت لی قبل ذلک
غیاثا ومجیرا ممن اراد ان یفرط علیّ او یطغی پس دعا کن بانچه میخواهی و این نوشته را
در میان بندقه گل گذارد و سوره یس را بر آن بخواند و بعد از آن آن را در چاه عمیقی یا
نهری یا چشمه عمیقی بیندازد که حاجتش روا میشود فصل بیست و هفتم در نمازهای که ایام
ولیالی ونماز هر روز و هر ماه و هر سال و نماز متفرقه که داخل است در این مقام اما
نمازهای ایام ولیالی پس مرویست از پیغمبر که هر کس در شب شنبه چهار رکعت نماز کند
به دو سلام در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی سه بار و توحید یکبار بخواند و چون
سلام دهد سه بار آیة الکرسی بخواند خدا او را و مادر و پدر او را بیامرزد و از آن
جماعت خواهد بود که پیغمبر شفیع ایشانست نماز روز شنبه از پیغمبر مرویست که کسیکه
روز چهار رکعت نماز کند به سلام در هر رکعت الحمد یکبار و سوره جحد سه بار بخواند
و چون سلام دهد یکبار آیة الکرسی بخواند الله تعالی بعدد هر یهودی و زن یهودیه از
برای او عبادت یک ساله بنویسد نماز شب یکشنبه از پیغمبر مرویست که کسیکه در شب
یکشنبه دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و یکبار آیة الکرسی و یکبار سوره
اعلی و یکبار سوره توحید بخواند روز قیامت روی او مانند ماه شب چهارده روشن
باشد و خدا او را تا وقت مرگ بعقل متمتع بهره ور سازد نماز روز یکشنبه از پیغمبر مرویست
که کسیکه روز یکشنبه چهار رکعت نماز کند به دو سلام در هر رکعت الحمد یکبار و یکبار
آمن الرسول تا آخر سوره بخواند خدا بعدد هر مرد نصرانی و زن نصرانیه عبادت

در نمازهای ایام

یکتا الله از برای او بنویسید شب دوشنبه از آنحضرت مرویست که کسیکه در این شب
چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی هفت الحمد و یکبار قدر بخواند و بعد از
سلام صد بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و صد بار بگوید اللهم صل علی
جبرئیل خدا هفتاد هزار قصر باو عطا کند در هر قصری هفتاد هزار خانه باشد و در هر
هفتاد هزار حجره باشد و در هر حجره هفتاد هزار کنیزک باشد در متهجد کنیز برای این
نماز شش وقت ذکر کرده است شب دوشنبه و روز دوشنبه و شب پنج شنبه و روز
پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه نماز روز دوشنبه نیز مثل نماز شب است و ثواب
آن نیز مثل آنست شب سه شنبه از آنحضرت مرویست که کسیکه در این شب چهار رکعت
نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی و توحید و آیه شهادت تا هر کدام یکبار بخواند
هر چیز یکه از خدا بطلبد باو می دهد نماز روز سه شنبه از آنحضرت مرویست که کسیکه در این
روز بیست رکعت نماز کند بده سلام بعد از انتصاف نهار در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی
سه بار توحید بخواند تا هفتاد روز بر او گناه ننویسید شب چهارشنبه از آنحضرت نیز مرویست
کسیکه در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد و آیة الکرسی و توحید و قدر هر کدام
یکبار بخواند خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و روز چهارشنبه از آنحضرت نیز روایت است
که هر کس در این روز دوازده رکعت نماز کند بشش سلام در هر رکعت الحمد یکبار و توحید
و معوذتین هر کدام سه بار بخواند از پیش عرش خدا منادی ندا کند که عملرا از سر گیر که همه
گناهان گذشته و آینده تو را آمرزیدند شب پنجشنبه از آنحضرت مرویست که هر کس در این
شب میان نماز شام و خفتن دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی و
چهار قل تا هر کدام پنجبار بخواند و چون سلام دهد پانزده بار استغفار کند و ثواب آنرا
بوالدین خود بخشد حق ایشانرا ادا کرده باشد نماز روز پنجشنبه مثل نماز شب دوشنبه
و همچنین نماز شب جمعه و روز جمعه نیز بهمین طریق است و از حضرت پیغمبر مرویست کسیکه
شب جمعه دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و پانزده بار سوره زلزال بخواند خدا
او را از عذاب قبر و از اهوال قیامت ایمن گرداند و اما نمازهائی که در هر روز کردن سنت است
از حضرت صادق مرویست که هر کس در هر روز قبل از زوال چهار رکعت نماز کند بدو سلام
در هر رکعت الحمد یکبار و قدر بیست و پنج بار بخواند بیمار نشود مگر بیماریکه در آن اجل او رسیده

باشد نماز دیگر در روز پنجشنبه دو رکعت در رکعت اول یکبار الحمد و سیصد بار توحید
و در رکعت دویم یکبار الحمد و دویست بار توحید بخواند بدرستیکه کسیکه این نماز را
بکند خدا می نویسد از برای او ثواب کسیرا که در ماه رجب و شعبان و رمضان روزه
داشته باشد و باو می بخشد بعدد حروف قرآن حوری در جنت و از پیغمبر مرویست که
هر که هر روز دوازده رکعت نماز کند بنا میکند خدا از برای او خانه در جنت از حضرت
کاظم مرویست که هر که در هر روز نزد زوال چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی
یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی بخواند خدا او را و اهل و مال او را و دین و دنیای او را
نگاه دارد نماز دیگر در اول هر سال باید کرد مرویست از حضرت کاظم کسیکه در اول
هر ماه رمضان دو رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد یکبار و سوره فتح یکبار و در رکعت دویم
الحمد یکبار و هر سوره که خواهد بخواند در آن سال از هر امر مکروهی سالم ماند و همیشه در
حفظ الهی باشد تا سال دیگر و اما نماز دیگر که در هر ماه باید کرد از حضرت جواد مرویست
که هر گاه ماه نو داخل شود در روز اول آن ماه دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد
یکبار و قدر سی بار بخواند و بعد از آن تصدق کند بچیزیکه میسر باشد تا آنکه سلامتی تمام
آن ماه را خریده باشی و در روایت دیگر وارد شده که در رکعت اول این نماز یکبار الحمد
و سی بار توحید بخوان و در رکعت دویم الحمد یکبار و سی بار قدر بخواند و نماز دیگر در این
روز دو رکعتست در رکعت اول الحمد و توحید بخواند و در رکعت دویم الحمد و جحد بخواند
و این نماز را بعد از نماز ظهر و عصر باید کرد و نماز هر شب جمعه بعد از این مذکور خواهد شد
و نماز روز دحو الارض در فصل چهل و هفتم مذکور خواهد شد و نماز یکشنبه اول ماه
ذیقعده است در فصل سی و چهارم گذشت و نماز روز عرفه چهار رکعتست بدو سلام
بعد از ظهر در هر رکعتی الحمد یکبار و توحید پنجاه بار بخواند پس بدرستیکه کسیکه
این نماز را بجا آورد خدا مینویسد از برای او هزار هزار حسنه و محو میکند از او هزار
هزار سیئه و بلند میگرداند از برای او بعدد هر حرفی که در این نماز خوانده شود درجه
در جنت که ما بین هر درجه پانصد سال مسافت است اما نماز دیگر که در هر سال باید کرد
دو رکعتست در این دو رکعت بعد از الحمد هر سوره که خواهد بخواند و این نماز را
در روز اول محرم باید کرد و چون سلام دهد سه نوبت بگوید اللهم انت الاله القدیم

سه نوبت بگوید

العفوّ الغفور الرّحیم وهذه سنة جدیدة فاسئلك العصمة فیها من الشّیطان الرّجیم
والقوّة علی هذه النّفس الامّارة بالسّوء والاشتغال بما یقرّبنی الیك یا ذا الجلال
والاکرام والفضل والانعام یا ارحم الرّاحمین که اللّه تعالی ملکی را موکّل میسازد که
شیطان را از وی دفع کند و او را یاری دهد و خدا توفیق میدهد او را بواسطهٔ رضای
خود در باقی ماندهٔ عمر او و این روایت را شیخ مساعد در کتاب سید الفلاح ذکر کرده است
نماز روز اوّل ماه ذیحجّه و این نماز بصفت نماز فاطمه است و ذکر این نماز بعد از این
مذکور خواهد شد نماز روز آخر ذیحجّه دو رکعت است در رکعت اوّل یکبار الحمد و ده بار
توحید بخواند در رکعت دویم یکبار الحمد و ده بار آیة الکرسی بخواند و چون سلام دهد
بگوید اللّهمّ ما عملت فی هذه السّنة من عمل نهیتنی عنه ولم ترضه ونسیته
ولم تنسه ودعوتنی الی التّوبة منه بعد جرائتی علیك اللّهمّ انّی استغفرك منه
فاغفر لی اللّهمّ وما عملت من عمل یقرّبنی الیك فاقبله منّی ولا تقطع رجائی منك
یا کریم پس بدرستیکه چون این نماز را بکند خدا گناه آنسال را تمام ببخشد و در آن سو
شیطان نعره با دسختی میکند و میگوید که وا تعباه فی هذه السّنة یعنی وای بر من که
در این سال بتعب افتادم و این روایت را نیز شیخ مساعد در کتاب سید الفلاح ذکر کرده است
امّا نمازهای متفرقه بسیار است و زود باشد که ذکر کنیم ما غیر آنچیزیرا که ذکر کرده
از نمازهای حوائج از نماز مرغّب فیها در روز جمعه پس بعضی از آن نمازها نماز رسول است
که از ائمّه مرویست که فرموده اند که کسیکه روز جمعه در میان نماز ظهر و عصر دو
رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و هفت بار توحید بخواند چون سلام دهد بگوید
اللّهمّ اجعلنی من اهل الجنّة الّتی حشوها البرکة وعمّارها الملائکة مع نبیّنا
محمّد وابینا ابراهیم و چون این نماز بکند تا جمعه دیگر هیچ بلیّه با و ضرر نکند و هیچ
فتنه با و نرسد و خدا در جنّت جمع میکند میان او و میان حضرت ابرهیم و محمّد
و بعضی دیگر نماز جعفر است و آن چهار رکعت است بدو سلام در رکعت اوّل الحمد یکبار
و اذا زلزلت یکبار بخواند و در رکعت دویم بعد از الحمد یکبار و العادیات بخواند و در رکعت
سیم بعد از الحمد سورهٔ نصر یکبار بخواند و در رکعت چهارم الحمد یکبار و توحید یکبار بخواند
و چون فارغ شود از قرائت رکعت اوّل پیش از رکوع پانزده بار تسبیح اربع بخواند بعد رکوع

سه مرتبه بگوید

و دفع راس از رکوع و در هر دو سجده و دفع راس از سجده ده بار تسبیحات اربع را
بخواند و از سه رکعت دیگر نیز باین روش بگذارد و بعد از آن بگوید یا ربّ یا ربّ یا ربّ
آنمقدار که نفس او منقطع شود و نیز آنمقدار بگوید یا ربّاه یا ربّاه که نفس او منقطع
شود و همچنین ربّ ربّ و یا اللّه یا اللّه و یا حیّ یا حیّ و یا رحیم یا رحیم و یا رحمن یا رحمن
هر کدام را آنمقدار بگوید که نفس او منقطع شود و بعد از آن هفت بار بگوید یا ارحم
الرّاحمین و بعد از آن بگوید اللّهمّ انّی افتتح القول بحمدك وانطق بالثّناء علیك
وامجّدك ولا غایة لمدحك واثنی علیك ومن یبلغ غایة ثنائك وامد مجدك و
انّی لخلیقتك کنه معرفة مجدك وایّ زمن لم تکن ممدوحا بفضلك موصوفا
بمجدك عوّادا علی المذنبین بحلمك تخلّف سکّان ارضك عن طاعتك فکنت علیهم
عطوفا بجودك جوادا بفضلك عوّادا بکرمك یا لا اله الّا انت یا ذا الجلال والاکرام
روایت کرده است زید بن ثابت از متمّم بن نویره یربوعی که نزد پیغمبر آمد و گفت که ای
پدرم فدای تو باد و مادرم در صحرا میباشیم و از مدینه بسیار دوریم و قدرت نداریم که هر
جمعه بنماز حاضر شویم دلالت کن مرا عملی که در آن فضیلت نماز جمعه باشد که هرگاه
بسوی اهل خود روم ایشانرا خبر کنم بآن آنحضرت فرمود که هرگاه آفتاب بلند شود
در روز جمعه تا آخر حدیث که در متن مذکور شد بخواند قسم بآنخدائیکه مرا براستی
بخلق فرستاده و برگزیده به نبوّت که هر مؤمن و مؤمنه که این نماز را روز جمعه بگذارد
چنانچه من گفتم من ضامن جنّت میشوم از برای او و از مقام خود برنخیزد تا آنکه گناه
او را و پدر و مادر او را بیامرزد و بعضی دیگر از نمازها نماز اعرابی است و طریق گذاردن
آن این است که در وقت ارتفاع آفتاب دو رکعت نماز کند در رکعت اوّل یکبار الحمد
و هفت بار سورهٔ فلق در رکعت دویم یکبار الحمد و هفت بار سورهٔ ناس بخواند چون
سلام دهد هفت بار آیة الکرسی بخواند و بعد از آن هشت رکعت نماز کند هر چهار
رکعت بیکسلام در هر رکعت بعد از الحمد یکبار سورهٔ نصر و بیست و پنج بار توحید
بخواند و چون سلام دهد بگوید سبحان اللّه ربّ العرش الکریم ولا حول ولا قوّة
الّا باللّه العلیّ العظیم و بعضی دیگر از آن نماز پیغمبر است و آن دو رکعت است در هر
رکعت الحمد یکبار و پانزده بار سورهٔ قدر بخواند و در رکوع و دفع راس از رکوع و

هفت نوبت بگوید

ایضاً دعا اینست

ودر هر دو سجده ودر رفع راس از سجده پانزده بار بگوید وچون سلام دهد تعقیب
بخواند بانچه خواهد وچون از این نماز منصرف شود میان او و الله تعالی اصلا گناه
نباشد وبعد از این نماز دعائیرا بخوان که شیخ طبرسی ره ذکر کرده است و آن اینست لا اله
الا الله ربنا ورب آبائنا الاولین لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون
لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون لا اله
الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده فله الملک و
له الحمد وهو علی کل شیء قدیر اللهم انت نور السموات والارض فلک الحمد وانت
قیام السموات والارض ومن فیهن فلک الحمد وانت الحق ووعدک حق وانجازک
حق والجنة حق والنار حق اللهم لک اسلمت وبک آمنت وعلیک توکلت
وبک خاصمت والیک حاکمت یا رب وسه بار بگوید اغفر لی ما قدمت وما اخرت
وما اسررت وما اعلنت وانت الهی لا اله الا انت صل علی محمد وآل محمد واغفر لی
وارحمنی وتب علی انک کریم رؤف رحیم مرزبان نماز هدیه را از ائمه منقولست که
در روز جمعه هشت رکعت نماز کند بچهار سلام چهار رکعت را هدیه کند بسوی پیغمبر
وچهار رکعت را هدیه کند بحضرت فاطمه ودر روز دیگر چهار رکعت نماز کند وهدیه کند
بروح علی وهمچنین هر روز چهار رکعت نماز کند از برای هر یک از ائمه تا روز پنجشنبه
آنکه چهار رکعت نماز هدیه کند از برای روح صادق و باز در روز جمعه هشت رکعت
نماز کند از برای روح مقدس پیغمبر وفاطمه ودر روز شنبه چهار رکعت نماز کند از برای حضرت
کاظم وهمچنین هر روز چهار رکعت نماز کند برای روح هر یک از ائمه تا روز پنجشنبه
چهار رکعت نماز از برای صاحب الامر وهر دو رکعت نماز که کند این دعا را بخواند اللهم
انت السلام ومنک السلام والیک یعود السلام حینا ربنا منک بالسلام
اللهم ان هذه الرکعات هدیة منی الی ولیک فلان ونام آنرا ببرد وبگوید صل
علی محمد وآله وابلغه ایاها واعطنی افضل املی ورجائی فیک وفی رسولک
صلواتک علیه وآله پس دعا کند بانچه خواهد وبعضی دیگر نماز علی است و آن
چهار رکعت است بدو سلام در هر رکعتی الحمد یکبار وپنجاه بار سوره توحید بخواند
کسیکه این نماز را بکند از گناه پاک میشود مثل آنروز یکه از مادر متولد شده است

معاذ

نماز حضرت فاطمه

وبعد از آنکه در این نماز سلام دهد این تسبیح بخواند که سبحان من لا تبید معالمه
سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد
ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا یشارک احدا فی امره سبحان
من لا اله غیره ونماز حضرت فاطمه دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد صد بار
سوره قدر بخواند ودر رکعت دوم بعد از حمد صد بار توحید بخواند وچون سلام
دهد تسبیح فاطمه زهرا بخواند بعضی گفته اند که تسبیح فاطمه که در این مقام مذکور است
اینست سبحان ذی العز الشامخ تا آخر نه تسبیح متعارف واز عبارت مصنف ره مغایرت
متبادر میشود وبعد از آن بگوید سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال
الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من لبس البهجة والجمال
سبحان من تردی بالنور والوقار سبحان من یری اثر النمل فی الصفا سبحان
من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا ولا هکذا غیره وبعد از آن دعا
حضرت فاطمه را بخواند و آن اینست یا اعز مذکور تا آخر واین دعا در فصل سوم
گذشت ودر آن فصل ذکر کردیم ما آنچه در فضل آن وارد شده است پس باید که آنجا
طلب کنند ونماز کامله که آنرا در روز جمعه باید کرد چهار رکعتست قبل از نماز جمعه
در هر رکعت الحمد وقلاقل چهارگانه وآیة الکرسی وقدر وآیه شهادت هر یکرا ده بار
بخواند وچون سلام دهد صد بار بگوید استغفر الله وصد بار بگوید سبحان الله و
الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس
صلوات بفرستد بر پیغمبر وآل وصد مرتبه چنانچه از حضرت پیغمبر مرویست که کسیکه این
نماز را بجا آورد خدا دفع میکند از او شر اهل آسمان وشر اهل زمین را ونماز دیگر که
در روز جمعه باید کرد چهار رکعتست که آنرا غزالی در احیای علوم ذکر کرده است
در هر رکعت الحمد یکبار وپنجاه بار توحید بخواند کسیکه این نماز را بکند نمیرد تا جای
خود را در بهشت ببیند یا کسی دیگر جای او را برای او در بهشت ببیند ونماز جمعه دو رکعتست
وبشش شرط این نماز واجب میشود شرط اول وقتست واول این وقت زوال آفتابست
واخر آن وقتیست که سایه هر چیز مثل آنچیز شود دوم سلطان عادلست که آن معصوم است
یا کسیکه سلطان عادل او را امر کرده باشد سیم عدد است و آن پنج کس است وبعضی گفته اند

که هفت کس است چهارم دو خطبه است وقت آن دو خطبه زوال آفتابست و قبل از
زوال این دو خطبه را نتوان خواندن و این دو خطبه را پیش از نماز باید خواند پس اگر بعد
از نماز بخواند باطل است پنجم جماعتست پس اگر این نماز را فرادا بکذارد باطل است ششم
وحدت این نماز است پس اگر دو کس نماز جمعه بکذارند و در میان ایشان کمتر از یک فرسخ
باشد و هر دو نماز مقارن یکدیکر واقع شوند یا اشتباه واقع شود در تقدیم و تاخیر هر دو
نماز باطلست و تفاصیل نماز جمعه از کتب فقه دانسته میشود و بعضی دیکر از نمازها نماز
هدیه میتاست که در شب دفن میت آنرا بجا میباید آورد و آن دو رکعتست در رکعت
اول بعد از حمد یکبار آیة الکرسی بخواند و در رکعت دویم بعد الحمد ده انا انزلناه بخواند
و چون سلام دهد بکوید اللهم صل علی محمد و آل محمد وابعث ثوابها الی قبر فلان و نام میت
ببرد و در روایت دیکر وارد شده است که در رکعت [اول] الحمد و دو بار توحید بخواند و در رکعت
دویم یکبار الحمد و ده بار سوره تکاثر بخواند و بعد از آن دعائیکه مذکور شد بخواند و بعضی
دیکر از نمازها نماز حبل است و آن دو رکعتست و کیفیت آن در فصل نوزدهم کذشت و بعضی
نماز سفر است و آن دو رکعتست و کیفیت آن در فصل بیست سیم کذشت و بعضی دیکر نماز توبه
و آن دو رکعتست که بعد از غسل توبه بجا باید آورد و در آن دو رکعت الحمد و هر سوره که خواهد
بخواند و بعد از این دو رکعت دعائی را بخواند که ما در فصل سی و چهارم ذکر کردیم و بعضی
دیکر نمازیست که آنرا بعد از انکه از پشت راحله فرود آید بواسطه استراحت بجا باید آورد
و آن دو رکعتست بعد از انکه سلام دهد بکوید رب انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین
و چون این نماز را بجا آورد خدا خیر آنمکان را روزی او کند و دفع کند از او شر اهل او و نیز
و این روایت را ابن بابویه در کتاب فقیه ذکر کرده است و بعضی دیکر نمازیست که نزد
از آنمکان بجا باید آورد و آن دو رکعتست و بعد از این دو رکعت از خدا طلب کند که او را
حفظ کند و آنموضع و اهل آنرا وداع کند بواسطه انکه هر موضعی را اهلی از ملائکه
هستند و با این روش وداع کند السلام علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا و علی
عباد الله الصالحین چنانچه شیخ مفید در کتاب مزار خود کفته است و بعضی دیکر نماز
نزول باران است و آن دو رکعتست و در این دو رکعت بعد از الحمد هر سوره که خواهد بخواند
و این نماز را بحسن نیت و اعتقاد درست بجا آورد و رکوع و سجود را خوب بجا آورد که

نماز توبه

الله تعالی

الله تعالی بعدد هر قطره باران ده حسنه باو دهد و بعدد هر ورقه که بسبب آن
قطره میروید الله تعالی باو حسنه میدهد و بعضی دیکر نماز وصیتاست و آن دو رکعتست
که آنرا در میان نماز شام و خفتن بجا باید آورد و در رکعت اول الحمد و سیزده بار
اذا زلزلت بخواند و در رکعت دویم الحمد و پانزده مرتبه توحید بخواند از پیغمبر مرویست
کسیکه در هر ماه این نماز را بجا آورد او را از جمله متقیان نویسند و اکر در هر سال
بجا آورد او را از جمله محسنین نویسند و اکر در هر شب این نماز را بجا آورد با من که محمدم
مزاحمت کند در جنت و ثواب آنرا غیر خدا کسی احصا نتواند کرد و بعضی دیکر نماز اوابین
و آن چهار رکعتاست که در میان نماز شام و خفتن بجا باید آورد و در هر رکعت بعد از حمد
پنجاه بار توحید بخواند پس بدرستیکه هر کس این نماز را بجا آورد چون فارغ شود هر کناهی
که کرده است خدا او را بیامرزد و این روایت شیخ طوسی در متهجد خود ذکر کرده است
و بعضی دیکر نماز وتیره است و آن در فصل دهم در تعقیب نماز خفتن ذکر کردیم و بعضی
دیکر نماز شفع و نماز وتر است و ذکر این دو نماز در فصل دوازدهم در عمل شب کذشت
و بعضی دیکر نماز عاشوراست و آن چهار رکعتست بدو سلام که رکوع و سجود او را خوب
بجا باید آورد و در رکعت اول الحمد و جحد بخواند و در رکعت دویم الحمد و توحید بخواند
و در رکعت سیم بعد از حمد سوره احزاب بخواند و در رکعت چهارم بعد از حمد منافقین
بخواند یا هر سوره که میسر شود و چون سلام دهد روی خود را بجانب قبر امام حسین کند
و آنحضرت را زیارت کند و این روایت را ابن فهد در موجز خود ذکر کرده و بعضی دیکر
نماز زیارت یکی از ائمه معصومین است و آن دو رکعتست و در این دو رکعت الحمد و هر
سوره که خواهد بخواند و بعد از انکه سلام دهد بکوید اللهم انی لک صلیت تا آخر
این دعا در زیارت عاشورا خواهد آمد ان شاء الله و بعضی دیکر نماز تحیتاست و
آن دو رکعتست که آنرا در ضرایح مقدسه ائمه معصومین قبل از انکه بنشیند بجا باید
آورد و اکر قبل از جلوس در آنمکان نماز فریضه یا نافله ذات سبب بجا آورد مجزیست
از نماز تحیه و بعضی دیکر نماز استطعام است و آن دو رکعتست و بعد از سلام بکوید
اللهم انی جایع فاطعمنی و این نماز را شیخ شهید در دروس ذکر کرده است و بعضی دیکر
نماز غنی است و آن دو رکعتست و بعد از سلام دعائی را بخواند که در فصل بیستم مذکور شد

واکر در هر جمعه
او را از جمله مصلین نویسند

وبعضی دیگر نماز ابوین است که از برای ادای حق ایشان بجا باید آورد وذکر آن در
فصل نوزدهم گذشت وبعد از سلام دعای ابوین که از حضرت امام زین العابدین
که در صحیفه مذکور است بخواند وبعضی دیگر نماز عافیت است وآن دو رکعت است
بعد از آنکه سلام دهد دعائیکه در فصل هیجدهم گذشت بخواند وبعضی دیگر نماز دفع خوف
وآن دو رکعت است وبعد از سلام دعائیرا که در فصل بیست وهفتم گذشت بخواند وبعضی
دعائیکه مناسب دفع خوف است بخواند وآن در فصل بیست چهارم وبیست پنجم وبیست ششم
گذشت وبالجمله در عقب هر نمازی باید که دعائیکه مناسب باشد بخواند وبعضی دیگر
نماز روز غدیر است که از امام جعفر صادق مرویست وآن دو رکعت است که آنرا قبل از
زوال بنصف ساعت بجا باید آورد بواسطه شکر نعمت امامتی که الله تعالی ارزانی داشته
آنرا بعلی بن ابی طالب وتخصیص داده است ورا بآن نعمت واین نماز را در صحرا با جماعت
کرده بعد از آنکه امام خطبه بخواند وتعریف کند با ایشان فضیلت این روز را وچون خطبه
منقضی شود مردم با یکدیگر مصافحه کنند وتهنیت گویند وصفت این دو رکعت نماز
آنست که در هر رکعت از این دو رکعت بعد از حمد توحید وآیة الکرسی تا هم فیها خالدون وقدر
هر کدام ده بار بخواند واین نماز در نزد خدا برابری میکند با صدهزار حج وصدهزار عمره وهر نماز
گذارنده هر حاجتیکه از خدا طلب کند از حوایج دنیا وآخرت خدا حاجت ورا روا کرده والله
وروز غدیر هیجدهم ذیحجه است وبعد از این دو رکعت دعائیکه در عمل ذیحجه مذکور
میشود وبعضی دیگر نماز روز تصدق خاتم است در بیست چهارم ذیحجه است وکیفیت این
نماز مثل غدیر است ووقت آن نیز وقت نماز غدیر است وثواب آن مثل ثواب نماز
غدیر است وبعضی دیگر نماز مباهله است واین نماز را هر وقت که خواهی بجا آور ودو
دو رکعت که بجا آوری در عقب آن هفتاد بار استغفار کن وبعد از آن دعائیرا بخوان که
در عمل ذیحجه میاید وروز مباهله هما روز تصدق خاتم است بر اظهر قولین وبعضی
دیگر نماز نمازهای قضا است از حضرت امیر المؤمنین مرویست که فرمود که از کسیکه نماز فوت
شود وبداند که چند نماز فوت شده است وبعد از آن پشیمان شود از فوت کردن
آن نمازها وورا ممکن نباشد که آنها قضا کند باید که در شب دوشنبه پنجاه رکعت
نماز کند هر دو رکعت بیکسلام در هر رکعت الحمد ویا ترده بار توحید بخواند وچون فارغ

دعای صحیفهٔ کامله در طلب شکر

شود صد بار استغفار کند وصد بار تسبیح گوید وصد بار صلوات بر پیغمبر فرستد
پس بدرستیکه کسیکه این نماز را بجا آورد خدا محاسبه او نکند بنمازیکه از او
فوت شده است وممکن نیست از قضای آن اگر چه صد سال نماز باشد وازو فوت
شده باشد وبعضی دیگر نماز شکر است وآن دو رکعت است از حضرت صادق مرویست
که هرگاه خدا نعمتی بتو دهد یا از تو دفع کند نعمت را دو رکعت نماز کن در رکعت اول
بعد از حمد توحید بخوان ودر رکعت دوم الحمد وجحد بخوان ودر رکوع وسجود رکعت
اول بگو الحمد لله شکرا شکرا وحمدا ودر رکوع وسجود در رکعت دوم بگو الحمد لله الذی
استجاب دعائی واعطانی ومسئلتی وبعد از سلام دعای شکر علی بن الحسین که در
صحیفه کامله مذکور است بخوان وآن اینست اللهم ان احدا لا یبلغ من شکرک
غایة الا حصل علیه من احسانک ما یلزمه شکرا ولا یبلغ مبلغا من طاعتک و
ان اجتهد الا کان مقصرا دون استحقاقک بفضلک فاشکر عبادک عاجز عن شکرک
واعبدهم مقصر عن طاعتک لا یجب لاحد ان تغفر له باستحقاقه ولا ان ترضی عنه
باستحقاقه فمن غفرت له فبطولک ومن رضیت عنه فبفضلک تشکر یسیر ما
شکرته وتثیب علی قلیل ما تطاع فیه حتی کان شکر عبادک الذی اوجبت علیه
ثوابهم واعظمت عنه جزاؤهم امر ملکوا استطاعة الامتناع منه دونک فکافیتهم
او لم یکن سببه بیدک فجازیتهم بل ملکت یا الهی امرهم قبل ان یملکوا عبادتک
واعددت ثوابهم قبل ان یفیضوا فی طاعتک وذلک ان سنتک الافضال وعادتک
الاحسان وسبیلک العفو فکل البریة معترفة بانک غیر ظالم لمن عاقبت وشاهدة
بانک متفضل علی من عافیت وکل مقر علی نفسه بالتقصیر عما استوجبت فلولا
ان الشیطان یختدعهم عن طاعتک ما عصاک عاص ولولا انه صور لهم الباطل فی
مثال الحق ما ضل عن طریقک ضال فسبحانک ما ابین کرمک فی معاملة من اطاعک
او عصاک تشکر المطیع ما انت تولیته له وتملی للعاصی فیما تملک معاجلته فیه
اعطیت کلا منهما ما لم یجب له وتفضلت علی کل منهما بما یقصر عمله عنه ولو کافات
المطیع علی ما تولیته لاوشک ان یفقد ثوابک وان تزول عنه نعمتک ولکنک
بکرمک جازیته علی المدة القصیرة الفانیة بالمدة الطویلة الخالدة وعلی الغایة

الغريبة النازلة بالغاية المديدة الباقية ثم لم تسمه القصاص فيما اكل من رزقك
الذي يقوى به على طاعتك ولم تحمله على المناقشات في الالات التي تسبب باستعمالها
الى مغفرتك ولو فعلت ذلك به لذهب بجميع ما كدح له وجملة ما سعى فيه جزاء
للصغرى من اياديك ومننك ولبقي رهينا بين يديك بسائر نعمك فمتى كان
يستحق شيئا من ثوابك لا متى هذا يا الهي حال من اطاعك وسبيل من تعبد لك
فاما العاصي امرك والمواقع نهيك فلم تعاجله بنقمتك لكي يستبدل بحاله في
معصيتك حال الانابة الى طاعتك ولقد كان يستحق في اول ما هم بعصيانك
كل ما اعددت لجميع خلقك من عقوبتك فجميع ما اخرت عنه من العذاب وابطات
به عليه من سطوات النقمة والعقاب ترك من حقك ورضى بدون واجبك فمن
اكرم يا الهي منك ومن اشقى ممن هلك عليك لا من فتباركت ان توصف الا بالاحسان
وكرمت ان يخاف منك الا العدل لا يخشى جورك على من عصاك ولا يخاف اغفال
ثواب من ارضاك فصل على محمد واله وهب لي املي وزدني من هداك ما اصل به الى
التوفيق في عملي انك منان كريم و بعد از مناجات که در باب شکر از حضرت امام زین العابدین
مرویست بخوان و آن در ادعیة الوسائل الى المسائل مذکور است و آن اینست بسم الله
الرحمن الرحيم اللهم لك الحمد على مرد نوازل البلاء وملمات الضراء وكشف نوائب
اللأواء وتوالي سبوغ النعماء ولك الحمد على هني عطائك ومحمود بلائك
وجليل آلائك ولك الحمد على احسانك الكثير وخيرك الغزير وتكليفك اليسير
ودفعك العسير ولك الحمد يا رب على تثميرك قليل الشكر واعطائك وافر الاجر
وحطك مثقل الوزر وقبولك ضيق العذر ووضعك باهظ الاصر وتسهيلك موضع
الوعر ومنعك مفظع الامر ولك الحمد على البلاء المصروف ووافر المعروف ودفع
المخوف واذلال العسوف ولك الحمد على قلة التكليف وكثرة التخفيف وتقوية الضعيف
واغاثة اللهيف ولك الحمد على سعة امهالك ودوام افضالك وصرف امحالك
وحميد فعالك وتوالي نوالك ولك الحمد على تاخير معاجلة العقاب وترك مغافصة
العذاب وتسهيل طرق المآب وانزال غيث السحاب انك المنان الوهاب و بعضی دیگر
از نمازها نماز عید رمضان و عید قربانست و آن دو رکعتست و شرایط وجوب این نماز

نماز عیدین

شرایط

شرایط وجوب نماز جمعه است مگر دو خطبه چه دو خطبه این نماز را بعد از اتمام نماز
بجا باید آورد و خطبه نماز جمعه را پیش از نماز بجا باید آورد و تقدیم دو خطبه بر نماز
در نماز عید بدعتست و تفصیل احکام این نماز از کتب فقه دانسته میشود
و هرگاه بعضی از شرایط وجوب این نماز مختل شود سنتست بجا آوردن خواه بجماعت
و خواه فرادی و وصف این نماز آنست که در رکعت اول بعد از حمد سوره بخواند و پنج تکبیر
بگوید و در عقب هر تکبیری قنوتی را بخواند که بعد از این ذکر میکنیم و تکبیر ششم گفته
برکوع رود و بعد از رکوع دو سجده بجا آورد و بعد از آن برخیزد الحمد و سوره بخواند
و بعد از آن چهار تکبیر بگوید و در عقب هر تکبیر قنوتی که مذکور میشود بخواند و بعد از آن
تکبیر پنجم گفته برکوع رود و دو سجده کند و تشهد بخواند و سلام دهد اگر این نماز واجب باشد
قنوت نیز واجب خواهد بود و اگر سنت باشد قنوت نیز سنت است و صفت این قنوت آنست
که هرگاه دستها را بتکبیر بردارد بگوید اللهم اهل الكبرياء والعظمة واهل الجود و
الجبروت واهل العفو والرحمة واهل التقوى والمغفرة اسئلك بحق هذا اليوم
الذي جعلته للمسلمين عيدا ولمحمد ذخرا وشرفا ومزيدا ان تصلي على محمد وال
محمد وان تدخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وال محمد وان تخرجني من كل سوء
اخرجت منه محمدا وال محمد صلواتك عليه وعليهم اللهم اني اسئلك
خير ما سئلك به عبادك الصالحون واعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون
و سنتست که بعد از سلام تسبیح فاطمه بجا آورد و بعد از آن بگو اللهم اني توجهت اليك
تا آخر و همچنین سنتست که پیش از این نماز و بعد از آن دعائی بخواند که بعد از این
در عمل ماه شوال ذکر خواهیم کرد و بعضی دیگر نماز استسقا است و کیفیت آن مثل
نماز عید است مگر در قنوت که قنوت نماز استسقا استغفار و سؤال توفر آبست و
افضل قنوت در نماز آنچیزیست که از پیغمبر مرویست و آن اینست استغفر الله الذي
لا اله الا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم ذا الجلال والاكرام واسئله ان يتوب
على عبد ذليل خاضع فقير بائس مسكين مستكين لا يملك لنفسه ضرا ولا نفعا و
لا موتا ولا حيوة ولا نشورا اللهم معتق الرقاب ورب الارباب ومنشئ السحاب
ومنزل القطر من السماء الى الارض بعد موتها فالق الحب والنوى ومخرج النبات

نماز استسقا

مستحب

وجامع الشتات صل علی محمد وآل محمد واسقنا غیثاً مغیثاً غدقاً مغدوداً فانکم مرتجاً تنبت به الزرع وتدر به الضرع وتحیی به مما خلقت انعاماً واناسی کثیراً اللهم اسق عبادک وبهائمک وانشر رحمتک واحی بلادک المیتة وبعد از این نماز دعای استسقا که در صحیفهٔ کامله است بخواند واز اینست اللهم اسقنا الغیث وانشر علینا رحمتک بغیثک المغدق من السحاب المنساق لنبات ارضک المونق فی جمیع الآفاق وامنن علی عبادک بایناع الثمرة واحی بلادک ببلوغ الزهرة واشهد ملائکتک الکرام السفرة بسقی منک نافع دائم غزره واسع دره وابل سریع عاجل تحیی به ما قد مات وترد به ما قد فات وتخرج به ما هو آت وتوسع به فی الاقوات سحاباً متراکماً هنیئاً طبقاً مجلجلاً غیر ملث ودقه ولا خلب برقه اللهم اسقنا غیثاً مغیثاً مریعاً ممرعاً عریضاً واسعاً غزیراً ترد به النهیض وتجبر به المهیض اللهم اسقنا سقیاً تسیل منه الظراب وتملأ منه الجباب وتفجر به الانهار وتنبت به الاشجار وترخص به الاسعار فی جمیع الامصار وتنعش به البهائم والخلق وتکمل لنا به طیبات الرزق وتنبت لنا به الزرع وتدر به الضرع وتزیدنا به قوة الی قوتنا اللهم لا تجعل ظله علینا سموماً ولا تجعل برده علینا حسوماً ولا تجعل صوبه علینا رجوماً ولا تجعل ماءه علینا اجاجاً اللهم صل علی محمد وآل محمد وارزقنا من برکات السموات والارض انک علی کل شیء قدیر

بدانکه این نماز استسقا سنت مؤکد است پس خطیب جمعه مردم را امر کند بتوبه و بیرون آمدن از حقوق و مظالم مردم و سه روز روزه گرفتن که آخر آن سه روز روز دوشنبه یا جمعه باشد و این نماز را در صحرا باید آورد مگر در مکهٔ معظمه که در شهر مکه بجا آوردن آن افضلست و با یکدیگر صلحا و اهل زهد و صلاح و مردان پیر و اطفال و بهایم و زنان پیر بصحرا روند و زنان جوان و فساق و کفار و اهل ذمه را بیرون نبرند و میان اطفال و مادران ایشان تفرقه کنند و بسکینه و وقار و از روی خشوع و خضوع و تذلل بیرون روند و این نماز را بجماعت بجا آورند و چون امام از نماز فارغ شود ردای خود برگرداند و رو بمردم کند و صد بار تکبیر بگوید و رو بجانب راست خود کند و صد بار تسبیح بگوید و رو بجانب چپ کند و صد بار تهلیل بگوید و باز رو بمردم کند و صد بار الحمد لله بگوید و مردم در جمیع اذکار با او موافقت کنند

وبعد

وبعد از نماز امام بر منبر رود و بنشیند و دو خطبه بجا آورد و کسیکه خطبه نداند ذکر الله تعالی کند و این نماز از مسافر صحیح است و در هر وقتی از اوقات میتوان کرد و یک کس نیز در تنهائی تنها این نماز را میتوان کرد و اکتفا بدعای استسقا میتوان کرد که نماز او را بجا نیاورد چنانچه شیخ احمد بن فهد در موجز خود ذکر کرده است و

نماز خسوف و کسوف

بعضی دیگر نماز کسوف است و آن دو رکعتست در هر رکعتی پنج رکوع و دو سجده است و صفت آن اینست که تکبیر احرام بگوید و بعد از آن الحمد و هر سوره که خواهد بخواند و بعد از آن برکوع رود و چون از رکوع راست شود باز الحمد و سوره بخواند و همچنین تا آنکه پنج رکوع بجا آورد و بعد از آن دو سجده و در رکعت دویم نیز همین روش عمل کند و تشهد خواند و سلام دهد و اگر بعد از الحمد بعضی از سوره را بخواند و برکوع رود و چون از رکوع سر بردارد آن سوره تمام کند و یا بعضی دیگر از آن بخواند بدون الحمد اما اگر تبعیض سوره کند در رکوع پنجم باید که سوره را تمام کند و سنتست این نماز را بجماعت کردن و طول دادن آن بقدر زمان کسوف و اعاده کردن آن اگر از نماز فارغ شود و هنوز کسوف تمام نشده باشد و سنتست مساوات زمان رکوع با زمان قرائت و سنتست خواندن سورهای دراز اگر وقت موسع باشد و نیز سنتست تکبیر خواندن در وقت راست شدن از رکوع مگر در رکوع پنجم و دهم که تکبیر نگوید بلکه بگوید سمع الله لمن حمده و میان هر دو رکوع سنتست که قنوت بخواند و موجب این نماز کسوف آفتاب و خسوف ماه و زلزله و باد تیره و اخافه و بعضی سماوی و وقت این نماز در کسوف از ابتدای کسوفست تا ابتدای انجلا و در بادهای تند و سیاه وقت نماز مدت امتداد آن بادهاست و در زلزله وقت نماز طول عمر است یعنی در مدت عمر خود هر وقت که بجا آورد نیت ادا کند و اگرچه زلزله بر طرف شده باشد و نماز آیات که وقت معین ندارد چون کسوف و خسوف و ریاح اگر آن وقت گنجایش نماز نداشته باشد نماز آن ساقط میشود و اگر کسی نداند که کسوف و خسوف واقع شد و بعد از آن عالم شود نماز او ساقط است مگر آنکه کل قرص آفتاب گرفته باشد یا ماه قرص گرفته باشد و اگر دانسته باشد بعد از آنکه عالم شود قضا باید کرد و بعضی

نماز نذر

دیگر نماز نذر است و آن واجبست و شرطست در نماز نذر هر چیز که در نماز یومیه

شرطست از طهارت و ستر عورات و استقبال قبله و امثال آن و صفاتیکه در
نذر تعیین کرده باشد آن صفت نیز واجب میشود مثل آنکه نذر کند که در روز
جمعه یا در مسجد جامع دو رکعت نماز بگذارد پس اگر آن نماز را در غیر آن مکان یا
در غیر آن زمان بجا آورد کفاره میدهد و قضا میکند مگر آنکه در آن قید نکرده
فضیلتی نباشد مثل آنکه نذر کرده باشد که دو رکعت نماز در خانه خود بگذارد و
آن نماز را در مسجد یا در خانه دیگر بجا آورد که در این مقام دو قولست و اجزا قوی است
و بعضی دیگر از نمازها نماز ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و شب عید رمضان است
و آنها را بدو اماکن خود ذکر خواهیم کرد ان شاء الله تتمه شیخ شهید ره در رساله
تکلیفیه ذکر کرده است که حضرت علی فرموده است که کسیکه ده یك شب خود را
بواسطه رضای خدا بنماز بگذارد خدا بملائکه میگوید که از برای بنده من بعدد
هر حبه و ورقه و شجره و قصبه و خوط و مرعی که در این شب میروید حسنه بنویسید
و کسیکه نه یك شب خود را بنماز بگذارد او را خدا دعای مستجاب و کرامت فرماید و
در روز قیامت نامه اعمال او را بدست راستش میدهند و کسیکه هشت یك
شب را بنماز بگذارد حق خدا باو عطا میکند اجر شهید صابر که در نیت خود صادق
باشد و در روز قیامت شفیع اهل بیت خود خواهد بود و کسیکه هفت یك آن شب
نماز کند روز قیامت چون از قبر بیرون آید روی او چون ماه شب چهارده درخشان
باشد و با امان از عذاب الهی از صراط بگذرد و کسیکه در شش یك از شب را نماز کند
او را از جمله اوابین بنویسند و خدا گناهان آینده و گذشته او را بیامرزد و اوابین
جمع اوابست و اواب عبارتست از توبه کنندگان که عبادت کنند و از گناه خود رجوع
کرده باشد و بعضی گفته اند که اوابین مطیعان و محبان جناب اقدس الهی اند بعضی
گفته اند که جماعتی اند که گناه کرده اند و بعد از ان توبه کرده اند و بعد از توبه
باز گناه کرده اند و بعد از گناه باز توبه کرده اند و بعضی گفته اند که اوابین جماعتی اند
که بالله تعالی رجوع کرده اند و بعضی گفته اند که ایشان مسبحانند و موید این قول است
قول الله تعالی که فرموده است یا جبال اوبی معه یعنی سبحی معه و بعضی گفته اند که
اوابین جماعتی اند که میان نماز مغرب و عشا چهار رکعت نماز کنند در هر رکعت یك

الحمد و پنجاه بار توحید بخوانند چه در روایت آمده است که کسیکه این نماز را بکند
از جمیع گناه پاك شود و این نماز را اوابین گویند چنانچه شیخ طبرسی در مجمع البیان ذکر
کرده است و کسیکه در پنج یك شب خود نماز کند مزاحمت میکند با ابرهیم در قبه او
و کسیکه چهار یك شب نماز کند در روز قیامت از اول فایزین خواهد بود تا
آنکه مثل ریح عاصف از صراط بگذرد و داخل جنت شود بی حساب و کسیکه در سه
یك شب خود نماز کند هیچ ملکی نباشد مگر آنکه طلب منزلت او کند از خدا
و باو ملکی میگوید که از هر دری که خواهی بجنت داخل شو کسیکه نصف شب خود
را بنماز بگذارد اگر هفتاد برابر زمین باو طلا دهند که برابری نکند با جزای او
و نزد خدای تعالی این فعل افضلست از آزادی هفتاد بنده از اولاد اسمعیل و کسیکه
دو ثلث شب خود را بنماز بگذراند حسنات بیك ریگ بیابان باو حسنه کرامت کنند
که کمتر آنها ده برابر کوه احد باشد و کسیکه در تمام شب بنماز بگذراند بتلاوت قران
و ذکر خدا کند ادنی ثوابی که باو داده شود آنست که از گناهان خود بیرون آید مانند
آن روزیکه از مادر متولد شده باشد تا آخر حدیث والله اعلم فصل سی و هشتم در فضیلت روز
جمعه و عملی که در این روز کرده میشود جمعه و جمعه بسکون و بضم میم هر دو جایز است و
این روز را بواسطه آن جمعه گویند که خدای تعالی در این روز از خلق اشیا فارغ شد
و همه مخلوقات در این روز جمع شدند و بعضی گفته اند که جمعه را بواسطه آن جمعه
میگویند که در این روز جماعات جمع شدند بواسطه عبادت و روز جمعه را عروبه نیز
گویند و اول کسیکه این روز را جمعه نام کرد کعب بن لوی بود و او اول کسی است که لفظ
اما بعد گفته است و بعضی گفته اند که اول کسیکه این روز را جمعه نام کرد انصار بودند
که گفتند روز شنبه از یهود است و روز یکشنبه از نصاری که در هر هفته آن روز جمع
شوند پس بیایید که ما از برای خود روزی را قرار دهیم که در آن روز ذکر خدا کنیم و بسبب
اطاعت خدا جمعیت در آن روز کنیم و آن روز را روز عروبه گردانیم پس جمع شدند نزد سعد
بن زراره و در آن روز دو رکعت نماز کردند نزد او و پس بواسطه این اجتماع آن روز را جمعه
نام کردند و سعد برای ایشان گوسفندی کشت چون جمع قلیلی بودند صبح و شام از آن خوردند
خدا در این باب فرماید که اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة تا آخر آیه و این جمعه اول بود در اسلام

در فضیلت روز جمعه و دعاهای آن

اما فضل روز جمعه از پیغمبر مرویست که روز جمعه سید و بزرگ روزها است و این
روز نزد خدا بزرگتر است از روز عید رمضان و عید قربان و عید در این روز پنج
خصلت است اول آنکه آدم را در این روز خلق کرد دویم آنکه در این روز خدا آدم را در
این روز بزمین فرستاد سیم آنکه در این روز خدا وحی فرستاد بآدم چهارم آنکه آدم در
این روز وفات یافت پنجم در این روز ساعتی هست که در آن ساعت هر کس از خدا چیزی طلبد
خدا با او ارزانی دارد مگر آنکه چیز حرام از خدا طلبد و هیچ ملک مقرب و هیچ آسمان و هیچ
زمین و هیچ باد و هیچ درختی نیست مگر آنکه میترسد که در روز جمعه قیامت قایم شود
و کسیکه در روز جمعه بمیرد از برای او برات مینویسند از آتش دوزخ و شیخ طبرسی در
مجمع البیان ذکر کرده است از پیغمبر که فرمود که در هر روز جمعه خدا ششصد هزار کس را
از آتش جهنم خلاص میکند که همه ایشان مستوجب جهنم باشند و در روایت دیگر وارد شده است
کسیکه در روز جمعه یا شب جمعه بمیرد شهید میمیرد و روز قیامت ایمن بر انگیخته میشود
و هر کس که در این روز از خدا چیزی طلبد و آنکس حق و حرمت این روز را بداند بر خدا واجب است
که او را از عتقا و طلقا کرداند از آتش جهنم و هر کس استخفاف کند بحرمت این روز و حق
او را ضایع کرداند بر خدا واجبست که او را بجهنم برد مگر آنکه توبه کند و از حضرت صادق
در قول خدا که فرموده است شاهد و مشهود مرویست که فرمود که شاهد روز جمعه است
و مشهود روز عرفه است و مکروه است در روز جمعه سفر کردن و از حضرت امام جعفر صادق
مرویست کسیکه در روز جمعه پیش از نماز سفر کند ملکی ندا کند و گوید که خدا ترا برکت ندهد
از این سفر و در حدیث وارد شده است که آفتاب نتابید بر هیچ روزی و غروب نکند در
هیچ روزی که افضل از روز جمعه باشد و در این روز ساعتی هست کسیکه در آن ساعت
دعای خیر کند مستجاب میشود و کسیکه در آن ساعت استعاذه جوید در پناه خدا باشد
چنانچه شیخ طبرسی ذکر کرده است و از حضرت صادق مرویست که در آن ساعت که دعا مستجاب است
ما بین فارغ شدن امام است از خطبه تا وقتیکه صفوف نماز راست میشود و مستوی
شود در این روز ساعتی دیگر هست که دعا در آن مستجابست و آن ساعت آخر روز است تا غروب
آفتاب و روایتی هست که آن ساعت وقتی است که نصف قرص آفتاب فرو رفته باشد و از
پیغمبر مرویست که در آن ساعت بنده دعا را بخواند سبحانك یا لا اله الا انت یا حنان

یامنان

یا منان یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام پس دعا کند بآنچه خواهد
و این روایت در کتاب اختیار ذکر کرده است و از حضرت صادق مرویست کسیکه از شما که
روز جمعه در آید پس غافل نشود از عبادت الهی بواسطه آنکه خدا در این روز میآمرزد
گناهان بندگان را و نازل میکرداند بر ایشان رحمت را و از آنحضرت مرویست که روز جمعه را
حق واجبی هست بر مردم پس زنهار که ضایع نکردانی آن را و تقصیر نکنی در چیزی از عبادات
خدا و تقرب نجوئی بخدا بعمل صالح و ترک محارم پس بدرستیکه خدا مضاعف میکرداند در
این روز حسنات را و محو میکرداند سیئات را و بلند میکرداند درجات را و مستجاب میکند دعا را
و کشف میکند اندوهها را و روا میکرداند در آن حوایج عظام را و این روز مزید است و خدا را
در آن آزاد کرده کان هست از آتش جهنم و شب آن مثل روز آنست پس اگر توانی شب آن را احیا
کنی بدعا و نماز و از امام رضا مرویست که روز جمعه از روزهای دیگر کوتاه هست زیرا که
خدا ارواح مشرکین را جمع میکند نزد قرص آفتاب پس هر گاه آفتاب در نصف النهار مکث
کند ارواح مشرکین بسبب مکث معذب میشوند و هر گاه روز جمعه میشود بواسطه
فضیلت این روز خدا عذاب را از ایشان دفع میکند پس در این روز آفتاب را رکود و مکث
نیست لهذا از روزهای دیگر اقصر است در روایتی وارد شده است در ترغیب روزه
این روز اما افضل آنست که این روز را تنها روزه نگیرد بلکه روز پنجشنبه را با این روز بگیرد
و در روایتی واقع شده است که خوردن انار در روز جمعه و شب جمعه فضل بسیار دارد
و در روایت وارد شده است که انار سید میوهها است و پیغمبر انار را از همه میوهها دوست
تر میداشت اگر کسی سیر باشد انار بخورد طعام را گوارا میکند و اگر گرسنه بخورد سیر می
شود و در هر اناری یک دانه از جنت داخل است پس باید که خورنده انار کسی را با خود شریک
نکرداند و محافظت همه دانهای او کند که ضایع نشود و خوردن شحم انار دباغت
معده میکند و خوردن انار وسوسه شیطان را میبرد و دل را نور میدهد و کسیکه
یک انار بخورد بناشتا تا چهل صباح دل او نورانی شود و کسیکه دو انار بخورد تا هشتاد
روز و کسیکه سه انار بخورد تا صد و بیست روز اصلا در دل او وسوسه و گناه نماند
و چوب انار را هر گاه دود کنند حشرات الارض را منع و نفی میکند و این روایت را شیخ شهید
در دروس ذکر کرده است و از حضرت باقر مرویست که بنده مؤمن هر گاه از خدا حاجتی خواهد

طلب کند خدا قضای حاجت او را تاخیر میکند تا شب جمعه بواسطه فضیلت آن شب و در
آن شب حاجت او را روا میکند و آنچه نقل کردیم ملخص آنچیزیست که در مصباح کبیر و صغیر
شیخ طوسی مذکور است و اما اعمالی که در این روز باید آورد بسیار است و ما در این
کتاب آنچه میسر است ذکر میکنیم شیخ شهید در کتاب بیان ذکر کرده است که از سنن
روز جمعه غسل است و مباکرت بمسجد است و شستن سر است بسدر و خطمی و تراشیدن
سر و کرفتن ناخنها و چیدن شارب و خواندن دعا است و آن اینست بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَ
عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ کسیکه این دعا را بخواند در حال اخذ ناخن هر
ناخن و موئیکه از او جدا شود ثواب آزاد کردن بنده باو دهند و بیمار نشود مکر بیماری
که در آن اجل او رسیده باشد و دعا نزد سر تراشیدن و ناخن کرفتن و شانه کردن
ریش و پاکیزه ساختن جامه و بدن و پوشیدن جامه فاخر و الطف است و دعا خواندنست
نزد بیرون آمدن از خانه و آن دعا اینست اللهم من تهیأ تا آخر و رفتن بمسجد است بسکینه
و وقار و بیست رکعت نافله جمعه کردنست شش رکعت نزد پهن شدن آفتاب و
شش رکعت نزد ارتفاع آفتاب بسمت و آن پیش از زوال و دو رکعت نزد زوال و در
کتاب فضائل الاخلاص ابی نعیم حدیثی هست که رفع کرده است آنرا بمعصوم و مضمون
آن اینست که کسیکه روز جمعه صد بار توحید بخواند پس بدرستیکه اداکرده
از فضائل سوره توحید آنچیزی که حمله عرش اداکرده اند از خوف عرش و سنتست در نماز
جمعه یا نماز ظهر که در روز جمعه میکذارند خواندن سوره جمعه و منافقین و دعا کردن
از برای نفس خود و مومنین و در ساعت استجابت دعا متوجه دعا شدن و شرح آن در
اول فصل کذشت و سنتست در عقب نماز فجر روز جمعه صد بار سوره توحید خواندن
و صد بار استغفار کردن و صد بار صلوات فرستادن بر پیغمبر و آل او باین طریق اللهم
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ از پیغمبر مرویست که کسیکه روز جمعه صد بار این
صلوات را باین صیغه بفرستد خدا شصت حاجت او را روا کند سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت
از حوائج آخرت و از حضرت صادق مرویست که کسیکه بعد از نماز ظهر و عصر و بعد از نماز فجر
در روز جمعه و در غیر روز جمعه از ایام دیکر بکوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و
عجل فرجهم نمیرد تا درک کند زمان صاحب الامر را و آنحضرت را دریابد و در این روز سنتست

خواندن

خواندن سوره نسا و هود و الکهف و الصافات و الرحمن و خواندن دعائیکه در فصل
مقدم مذکور شد و آن اینست که اللهم من تعبا و تهیا تا آخر و هفت بار این دعا خواندن
سنتست اللهم انت ربی لا اله الا انت خلقتنی و انا عبدک و ابن امتک
فی قبضتک و ناصیتی بیدک امسیت علی عهدک ما استطعت اعوذ برضاک
من شر ما صنعت ابوء بعملی و ابوء بذنوبی فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا
انت و سنتست در روز جمعه زیارت پیغمبر و ائمه و در فصل زیارات ذکر خواهیم کرد
و سنتست ختم کردن قرآن در روز جمعه و سنتست بعد از ختم قرآن دعای ختم قرآن علی
بن الحسین را خواندن و ذکر آن در فصلی که ثواب قرائت و سورهای قرآنیه در
آن مذکور است خواهد آمد در کتاب سفینه بغدادیه سلفی از ابن عباس مرویست
که کسیکه هفت بار بعد از نماز جمعه توحید بخواند محفوظ میماند و در کتاب فضائل
ابن ضریس مذکور است که کسیکه در روز جمعه فاتحه و معوذتین و توحید هفت مرتبه
بخواند تا جمعه دیکر محفوظ است و در مسند ابی حنیفه از پیغمبر مرویست که کسیکه
بعد از نماز جمعه از مجلس خود برنخاسته هفت بار توحید و هفت مرتبه معوذتین
بخواند تا جمعه دیکر محفوظ است و در خرائج منذری از پیغمبر مرویست که کسیکه در
روز جمعه چون امام سلام بدهد و هنوز عطف رجلین خود نکرده باشد سوره فاتحه
و معوذتین را هرکدام هفت بار بخواند خدا کناهان کذشته و آینده او را میآمرزد و
در جامع بن وهب حدیثی بنوعی هست که مضمون آن اینست کسیکه روز جمعه نزد
تسلیم امام پیش از منعطف ساختن پاهای خود و پیش از حرف زدن توحید و معوذتین
هرکدام را هفت بار بخواند تا دین و دنیا و اهل و ولد خود محفوظ میماند و سنتست در
روز جمعه صد بار خواندن سوره قدر و هفت بار خواندن این دعا اللهم صل علی
محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک و بارک علیهم والسلام
علیهم و علی ازواجهم و اجسادهم و رحمة الله و برکاته از پیغمبر مرویست که کسیکه
در روز جمعه بعد از نماز امام صد بار توحید بخواند و صد بار صلوات بر پیغمبر و آل
او فرستد و هفتاد بار بکوید اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک و اغننی بفضلک
عمن سواک خدا صد حاجت او را روا میکند هشتاد حاجت از حوائج آخرت و بیست حاجت

هفت نوبت این دعا
بافضل برکاتک وعلیهم
بخوانند

از حوائج دنیا و در جامع برنطی از حضرت صادق مرویست که کسیکه در این روز در میان
نماز ظهر و عصر صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد برابری میکند با هفتاد رکعت نماز
و روایت شده است از حضرت صادق که هر که بعد از نماز صبح و بعد از نماز جمعه
بگوید اللّهمّ اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک و رسلک علی محمّد و آل
محمّد بر او گناه ننویسند و این روایت را نیز برنطی در جوامع خود ذکر کرده است و گفته
که کسیکه روز جمعه بعد از نماز عصر هفت بار بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل
محمّد الاوصیاء المرضیّین تا آخر او راست در این روز مثل عمل انس و جن و این روایت را
امام جعفر صادق مرویست و از امام محمد باقر مرویست که کسیکه این دعا را هفت بار
بخواند الله تعالی مینویسد از برای او هفتاد هزار حسنه و محو میکند از او هفتاد هزار
سیئه و او بلند میکند از برای او هفتاد هزار درجه و این روایت را ابن بابویه در کتاب ثواب
الاعمال ذکر کرده است و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه در روز جمعه بعد از
نماز ظهر الحمد و قلاقل را بعد از آنکه قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین
هر کدام را هفت بار بخواند و آخر سوره برائت را که اول آن لقد جاءکم رسول تا و هو
رب العرش العظیم است و آخر سوره حشر را که اول آن لو انزلنا هذا القرآن علی
جبل تا آخر سوره بخواند و پنج آیه از آخر سوره آل عمران که اول آن انّ فی خلق
السّموات و الارض تا یوم القیمة انّک لا تخلف المیعاد است بخواند خدا کفایت امور
او کند از این جمعه تا جمعه دیگر و از جمله آنچه مخصوص است بتعقیب نماز جمعه این
که یکبار الحمد بخواند و هفت بار توحید و باز یکبار الحمد بخواند و هفت بار قل اعوذ
برب الفلق بخواند و باز یکبار الحمد بخواند و هفت بار قل اعوذ برب الناس بخواند و بعد
از آن بگوید اللّهمّ اجعلنی من اهل الجنّة التی حشوها البرکة و عمّارها الملائکة
مع نبیّنا محمّد و ابینا ابرهیم و بعد از آن بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد
حتّی لا یبقی صلوة اللّهمّ و بارک علی محمّد و آل محمّد حتّی لا یبقی برکة اللّهمّ و سلّم
علی محمّد و آل محمّد حتّی لا یبقی سلام اللّهمّ و ارحم محمّدا و آل محمّد حتّی لا یبقی
رحمة اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد حتّی لا یبقی من صلواتک شیء و ارحم محمّدا
و آل محمّد حتّی لا یبقی من رحمتک شیء و بارک علی محمّد و آل محمّد حتّی لا یبقی من برکا

و بعد از آن بگوید

شیء

تک شیء و سلّم علی محمّد و آل محمّد حتّی لا یبقی من سلامک شیء و از حضرت صادق
مرویست که کسیکه این صلوات را بر محمد و آل او بفرستد گناهانش محو میشود
و همیشه مسرور می باشد و بر دشمن غالب میشود و اسباب خیر از برای او
مهیا میشود و آرزوی او بر آورده میشود و روزی او منبسط میشود و در جنت
از جملهٔ رفقای محمد خواهد بود و این صلوات بعنوان مصباح طوسی و اختیار ابن باقی
مذکور است و ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال ذکر کرده است که این صلوات را
هر روز سه بار در صبح و سه بار در شام بخواند و از امام جعفر صادق مرویست که
کسیکه خدا و پیغمبر و آل او را از صلوات بر ایشان مسرور سازد باید که بگوید اللّهمّ
یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم اللّهمّ صلّ علی محمّد
و آله فی الاوّلین و صلّ علی محمّد و آله فی الآخرین و صلّ علی محمّد و آله فی الملأ
الاعلی و صلّ علی محمّد و آله فی المرسلین اللّهمّ اعط محمّدا و آله الوسیلة و
الفضیلة و الشرف و الرفعة و الدرجة الکبیرة اللّهمّ انّی آمنت بمحمّد و لم اره
فلا تحرمنی یوم القیمة رؤیته و ارزقنی صحبته و توفّنی علی ملّته و اسقنی من
حوضه مشربا رویّا سائغا هنیئا لا اظمأ بعده ابدا انّک علی کلّ شیء قدیر اللّهمّ
انّی آمنت بمحمّد و لم اره فعرّفنی فی الجنان وجهه اللّهمّ بلّغ محمّدا منّی تحیّة
کثیرة و سلاما و سنتست که بعد از نماز عصر هفتاد بار استغفار کند و دعای عشرات
بخواند بعد از نماز عصر روز جمعه و دعای عشرات در فصل شانزدهم گذشت و نیز
سنتست که بعد از نماز عصر صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد باین صلواتیکه ما بعد
این ذکر خواهیم کرد و نیز سنتست در آخر روز جمعه دعای سمات را که از ابی عمرو العمری
مرویست بخواند و آن اینست اللّهمّ انّی اسئلک باسمک العظیم الاعظم الاعزّ
الاجلّ الاکرم الذی اذا دعیت به علی مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة
انفتحت و اذا دعیت به علی مضائق ابواب الارض للفرج انفرجت و اذا دعیت
به علی العسر للیسر تیسّرت و اذا دعیت به علی الاموات للنشور انتشرت و اذا
دعیت به علی کشف البأساء و الضرّاء انکشفت و بجلال وجهک الکریم اکرم
الوجوه و اعزّ الوجوه الذی عنت له الوجوه و خضعت له الرقاب و خشعت له

ایضا باید که بگوید

دعای سمات

الاعزّ

الاصوات ووجلت له القلوب من مخافتك وبقوتك التي تمسك السماء ان تقع على
الارض الا باذنك وتمسك السموات والارض ان تزولا وبمشيتك التي دان
لها العالمون وبكلمتك التي خلقت بها السموات والارض وبحكمتك التي صنعت
بها العجائب وخلقت بها الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت الليل سكنا وخلقت بها
النور وجعلته نهارا وجعلت النهار نشورا مبصرا وخلقت بها الشمس وجعلت
الشمس ضياء وخلقت بها القمر وجعلت القمر نورا وخلقت بها الكواكب و
جعلتها نجوما وبروجا ومصابيح وزينة ورجوما وجعلت لها مشارق ومغارب و
جعلت لها مطالع ومجاري وجعلت لها فلكا ومسابح وقدرتها في السماء منازل
فاحسنت تقديرها وصورتها فاحسنت تصويرها واحصيتها باسمائك احصاء
ودبرتها بحكمتك تدبيرا واحسنت تدبيرها وسخرتها بسلطان الليل وسلطان
النهار والساعات وعدد السنين والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرئا واحدا
واسئلك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران في
المقدسين فوق احساس الكروبيين فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة في
عمود النار وفي طور سيناء وفي جبل حوريث في الواد المقدس في البقعة المباركة
من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع آيات بينات ويوم فرقت لبني
اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر سوف وعقدت ماء البحر في
قلب الغمر كالحجارة وجاوزت ببني اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا
واورثتهم مشارق الارض ومغاربها التي باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون
وجنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعظم الاعز الاجل الاكرم
وبمجدك الذي تجليت به لموسى كليمك في طور سيناء ولابرهيم خليلك من قبل في
مسجد الخيف ولاسحق صفيك في بئر شيع وليعقوب نبيك في بيت ايل واوفيت
لابرهيم بميثاقك ولاسحق بحلفك وليعقوب بشهادتك وللمؤمنين بوعدك و
للداعين باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران على قبة الرمان
وبآياتك التي وقعت على ارض مصر بمجد العزة والغلبة بآيات عزيزة وبسلطان
القوة وبعزة القدرة وبشأن الكلمة التامة وبكلماتك التي تفضلت بها على اهل

السموات والارض واهل الدنيا والآخرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع خلقك
وباستطاعتك التي اقمت بها العالمين وبنورك الذي قد خر من فزعه طور سيناء
وبعلمك وجلالك وكبريائك وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض
وانخفضت لها السموات وانزجر لها العمق الاكبر وركدت لها البحار والانهار
وخضعت لها الجبال وسكنت لها الارض بمناكبها واستسلمت لها الخلائق
كلها وخفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في اوطانها وبسلطانك
الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات والارضين و
بكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لابينا آدم وذريته بالرحمة واسئلك
بكلمتك التي غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا و
خر موسى صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك
موسى بن عمران وبطلعتك في ساعير وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين
وجنود الملائكة الصافين وخشوع الملائكة المسبحين وببركاتك التي باركت
فيها على ابرهيم خليلك في امة محمد وباركت لاسحق صفيك في امة عيسى و
باركت ليعقوب اسرائيلك في امة موسى وباركت لحبيبك محمد في عترته و
ذريته وامته وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده وآمنا به ولم نره صدقا وعدلا
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تبارك على محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل
محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد فعال
لما تريد وانت على كل شيء قدير وبعد از آن دعا كند بآنچه خواهد مولاى سيد
ضياء الدين گويد كه در آخر بعض ادعيه سمات بيند عا ديافتم اللهم بحق هذا
الدعاء وبحق هذه الاسماء التي لا يعلم تفسيرها ولا يعلم باطنها غيرك صل
على محمد وآله وافعل بي كذا وكذا وانتقم لي من اعداء آل محمد واغفر لي ذنوبي
ما تقدم منها وما تأخر ووسع علي من حلال رزقك واكفني مؤنة انسان سوء
وجار سوء وقرين سوء وسلطان سوء انك على ما تشاء قدير وبكل شيء عليم آمين
رب العالمين وصلى الله على محمد وآله وسلم وسنت كه بعد از صلوات
بر محمد وآل محمد [illegible] امام جعفر صادق [illegible]

ابرهيم ع

[illegible]

فصل ٣

اللهم ان محمدا صلواتك عليه وآله كما وصفته في كتابك حيث تقول لقد
جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم
فاشهد انه كذلك وانك لم تأمر بالصلوة عليه الا بعد ان صليت عليه
انت وملائكتك وانزلت في محكم كتابك ان الله وملائكته يصلون على النبي
يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما لا لحاجة الى صلوة احد من المخلوقين
بعد صلواتك عليه ولا الى تزكيتهم اياه بعد تزكيتك بل الخلق جميعا هم المحتاجون
الى ذلك لانك جعلته بابك الذي لا تقبل لمن اتاك الا منه وجعلت الصلوة
عليه قربة منك ووسيلة اليك وزلفة عندك ودللت المؤمنين عليه
وامرتهم بالصلوة عليه ليزدادوا بها اثرة لديك وكرامة عليك ووكلت
بالمصلين عليه ملائكتك يصلون عليه ويبلغونه صلواتهم وتسليمهم
اللهم رب محمد صلواتك عليه وآله فاني اسئلك بما عظمت به من امر محمد
واوجبت من حقه ان تطلق به لساني من الصلوة عليه بما تحب وترضى وبما لم
تطلق به لسان احد من خلقك ولم تعطه اياه ثم تؤتيني على ذلك مرافقته حيث
احللته على قدسك وجنات فردوسك ثم لا تفرق بيني وبينه اللهم اني
ابدأ بالشهادة له ثم بالصلوة عليه وان كنت لا ابلغ من ذلك رضى نفسي ولا
يعبره لساني عن ضميري ولا الام على التقصير مني لعجز قدرتي عن بلوغ الواجب علي
منه لانه حظ لي وحق علي واداء لما اوجبت له في عنقي انه قد بلغ رسالاتك
غير مفرط فيما امرت مجاوز لما نهيت ولا مقصر فيما اردت ولا متعد لما اوصيت
وتلا اياتك على ما انزلت اليه وحيك وجاهد في سبيلك مقبلا غير مدبر
ووفى بعهدك وصدق وعدك وصدع بامرك لا يخاف فيك لومة لائم وباعد
فيك الاقربين وقرب فيك الابعدين وامر بطاعتك وائتمر بها سرا وعلانية
ونهى عن معصيتك سرا وعلانية مرضيا عندك محمودا في المقربين والانبياء
وعبادك الصالحين المصطفين وانه غير مليم ولا ذميم وانه لم يكن من المتكلفين
وانه لم يكن ساحرا ولا سحر له ولا كاهنا ولا تكهن له ولا شاعرا ولا شعر له ولا
كذابا وانه رسولك وخاتم النبيين جاء بالحق من عند الحق وصدق المرسلين و

اياه ظ

اشهد

اشهد ان الذين كذبوه ذائقوا العذاب الاليم واشهد ان ما اتانا به من
عندك واخبرنا به عنك انه الحق اليقين لا شك فيه من رب العالمين
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك ووليك ونجيك وصفيك
وصفوتك وخيرتك من خلقك الذي انتجبته لرسالاتك واستخلصته لدينك
واسترعيته عبادك وائتمنته على وحيك علم الهدى وباب التقى والعروة
الوثقى فيما بينك وبين خلقك الشاهد لهم المهيمن عليهم اشرف وافضل وازكى
واطهر وانمى واطيب ما صليت على احد من خلقك وانبيائك ورسلك و
اصفيائك المخلصين من عبادك اللهم واجعل صلواتك وغفرانك ورضوانك و
معافاتك وكرامتك ورحمتك ومنك وفضلك وشرفك واعظامك وتحننك
وصلوات ملائكتك ورسلك وانبيائك والاوصياء والشهداء والصديقين
وعبادك الصالحين وحسن اولئك رفيقا واهل السموات والارضين وما
بينهما وما فوقهما وما تحتهما وما بين الخافقين وما بين الهواء والشمس والقمر
والنجوم والجبال والشجر والدواب وما سبح لك في البر والبحر وفي الظلمة و
الضياء وبالغدو والاصال وفي اناء الليل واطراف النهار وساعاته على محمد
ابن عبد الله سيد المرسلين وخاتم النبيين وامام المتقين ومولى المؤمنين و
ولي المسلمين وقائد الغر المحجلين ورسول رب العالمين الى الجن والانس اجمعين
والشاهد البشير النذير الامين الداعي اليك باذنك السراج المنير اللهم صل
على محمد في الاولين اللهم صل على محمد في الاخرين وصل على محمد يوم الدين
يوم يقوم الناس لرب العالمين اللهم صل على محمد كما هديتنا به اللهم صل
على محمد كما استنقذتنا به اللهم صل على محمد وال محمد كما انعشتنا به اللهم
صل على محمد وال محمد كما احييتنا به اللهم صل على محمد كما شرفتنا به اللهم
صل على محمد كما اعززتنا به اللهم صل على محمد كما فضلتنا به اللهم اجز
نبينا محمدا افضل ما انت جاز يوم القيمة نبيا عن امته ورسولا عمن
ارسلته اليه اللهم اخصصه بافضل قسم الفضائل وبلغه على اشرف المنازل
من الدرجات العلى في اعلى عليين في جنات ونهر في مقعد صدق عند مليك مقتدر

اللهم اعط محمدا حتى يرضى وزده بعد الرضا واجعله اكرم خلقك منك مجلسا
واعظمهم عندك جاها واوفرهم عندك حظا في كل خير انت قاسمه بينهم واورد
عليه من ذريته وازواجه اهل بيته وذوي قرابته وامته من تقر به عينه
واقرر عيوننا برؤيته ولا تفرق بيننا وبينه اللهم صل على محمد وال محمد و
اعطه من الوسيلة والفضيلة والشرف والكرامة ما يغبطه به الملائكة المقربون
والنبيون والمرسلون والخلق اجمعون اللهم بيض وجهه واعل كعبه وافلج حجته
واجب دعوته وابعثه المقام المحمود الذي وعدته واكرم زلفته واجزل عطيته
وتقبل شفاعته واعطه سؤله وشرف بنيانه وعظم برهانه ونور نوره واو
ردنا حوضه واسقنا بكاسه وتقبل صلوة امته عليه واقصص بنا اثره واسلك
بنا سبيله وتوفنا على ملته واستعملنا بسنته وابعثنا على منهاجه واجعلنا ندين
بدينه ونهتدي بهداه ونقتدي بسنته ونكون من شيعته ومواليه واوليائه
واحبائه وخيار امته ومقدم زمرته وتحت لوائه نعادي عدوه ونوالي وليه
حتى توردنا عليه بعد الممات مورده غير خزايا ولا نادمين ولا مبدلين ولا
ناكثين اللهم واعط محمدا مع كل زلفة زلفة ومع كل قربة قربة ومع
كل وسيلة وسيلة ومع كل فضيلة فضيلة ومع كل شفاعة شفاعة ومع كل
كرامة كرامة ومع كل خير خيرا ومع كل شرف شرفا وشفعه في كل من يشفع له من
امته وغيرهم من الامم حتى لا يعطى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا عبد مصطفى
الا دون ما انت معطيه محمدا يوم القيمة اللهم اجعله المقدم في الدعوة
والمؤثر به في الاثرة والمنوه باسمه في الشفاعة اذا تجليت بنورك وجيء بالكتاب
والنبيين والصديقين والشهداء والصالحين وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد
لله رب العالمين ذلك يوم التغابن ذلك يوم الحسرة ذلك يوم الازفة ذلك
يوم لا تستقال فيه العثرات ولا تبسط فيه التوبات ولا تستدرك فيه ما
فات اللهم صل على محمد وال محمد كافضل ما صليت ورحمت وباركت على ابرهيم
وال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم وامنن على محمد وال محمد كافضل ما مننت
على موسى وهرون اللهم وسلم على محمد وال محمد كافضل ما سلمت على نوح في

العالمين

العالمين اللهم صل على محمد وال محمد وعلى ائمة المسلمين الاولين منهم و
الاخرين اللهم صل على محمد وال محمد وعلى امام المسلمين واحفظه من بين
يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته وافتح له فتحا
يسيرا وانصره نصرا عزيزا واجعل له من لدنك سلطانا نصيرا اللهم عجل
فرج ال محمد واهلك اعداءهم من الجن والانس اللهم صل على محمد واهل
بيته وذريته وازواجه الطيبين الاخيار الطاهرين المطهرين الهداة المهديين
غير الضالين ولا المضلين الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم
صل على محمد نبي الاولين وصل على محمد نبي الاخرين وصل عليهم في الملا الاعلى
وصل عليهم ابدا الابدين صلوة لا منتهى لها ولا امد دون رضاك امين امين رب
العالمين اللهم العن الذين بدلوا دينك وكتابك وغيروا سنة نبيك عليه
سلامك وازالوا الحق عن موضعه الف الف لعنة غير مؤتلفة والعنهم الف
الف لعنة مؤتلفة غير مختلفة والعن اشياعهم واتباعهم ومن رضي بفعالهم
من الاولين والاخرين اللهم يا بارئ السموات وداحي المدحوات وقاصم الجبابرة
ورحمن الدنيا والاخرة ورحيمهما تعطي من تشاء وتمنع ما تشاء اسئلك بنور
وجهك وبحق محمد اعط محمدا حتى يرضى وبلغه الوسيلة العظمى اللهم اجعل
محمدا في السابقين غايته وفي المنتجبين كرامته وفي العالمين ذكره واسكنه
اعلى غرف الفردوس في الجنة التي لا تفوقها درجة ولا يفضلها شيء اللهم بيض
وجهه واعط نوره وكرامته الحافظ له اللهم اجعل محمدا صلواتك عليه واله
اول قارع لباب الجنة واول داخل واول شافع واول مشفع اللهم صل على محمد
وال محمد الولاة السادة الكماة الكهول الكرام القادة القماقم الضخام الليوث الابطال
عصمة لمن اعتصم بهم واجارة لمن استجار بهم والكهف الحصين والفلك الجارية في
اللجج الغامرة والراغب عنهم مارق والمتاخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق و
بناحلك في ارضك وصل على عبادك في ارضك الذين انقذت بهم من الهلكة و
انرت بهم الظلمة شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة ومعدن العلم
اجمعين امين امين رب العالمين اللهم اني اسئلك مسئلة المسكين المستكين

وابتغي اليك ابتغاء البائس الفقير واتضرع اليك تضرع الضعيف الضرير وابتهل
اليك ابتهال المذنب الخاطي مسكنة من خضعت لك نفسه ورغم لك انفه وعفر
لك ناصيته وانهملت لك دموعه وفاضت لك عبرته واعترف بخطيئته وقلت
عنه حيلته واسلمته ذنوبه اسئلك الصلوة على محمد واله اولا واخرا واسئلك
حسن المعيشة على ما ابقيتني معيشة اقوى بها في جميع حالاتي واتوصل بها في
الحيوة الدنيا الى اخرتي عفوا لا تترفني فاطغى ولا تقتر علي فاشقى اعطني من
ذلك غنى عن جميع خلقك وبلغة الى رضاك ولا تجعل الدنيا علي سجنا ولا
تجعل فراقها علي حزنا اخرجني منها ومن فتنتها مرضيا عني مقبولا فيها عملي الى دار
الحيوان ومساكن الاخيار اللهم اني اعوذ بك من ازلها وزلزالها وسطوات سلطانها
وسلاطينها وشر شياطينها وبغي من بغى علي فيها اللهم من ارادني فارده ومن
كادني فكده وافقأ عني عيون الكفرة واعصمني من ذلك بالسكينة والبسني
درعك الحصينة واجعلني في سترك الواقي واصلح لي حالي وبارك لي في اهلي و
مالي وولدي وحزانتي ومن احببت فيك ومن احبني اللهم اغفر لي ما قدمت
وما اخرت وما اعلنت وما اسررت وما نسيت وما تعمدت اللهم انك
خلقتني كما اردت فاجعلني كما تحب يا ارحم الراحمين واز جمله دعاى علي بن الحسين
كه در صحيفه مذكور است كه در روز جمعه و در روز عيد رمضان بايد خواند اين است
يا من يرحم من لا يرحمه العباد ويا من يقبل من لا تقبله البلاد ويا من لا يحتقر
اهل الحاجة اليه ويا من لا يخيب الملحين عليه ويا من لا يجبه بالرد اهل
الدالة عليه ويا من يجتبي صغير ما يتحف به ويشكر يسير ما يعمل له ويا من
يشكر على القليل ويجازي بالجليل ويا من يدنو الى من دنا منه ويا من يدعو
الى نفسه من ادبر عنه ويا من لا يغير النعمة ولا يبادر بالنقمة ويا من يثمر
الحسنة حتى ينميها ويتجاوز عن السيئة حتى يعفيها انصرفت الامال دون مدى
كرمك بالحاجات وامتلأت بفيض جودك اوعية الطلبات وتفسخت دون بلوغ
نعتك الصفات فلك العلو الاعلى فوق كل عال والجلال الامجد فوق كل جلال
كل جليل عندك صغير وكل شريف في جنب شرفك حقير خاب الوافدون على غيرك

وخسر المتعرضون الا لك وضاع الملمون الا بك واجدب المنتجعون الا من
انتجع فضلك بابك مفتوح للراغبين وجودك مباح للسائلين واغاثتك
قريبة من المستغيثين لا يخيب منك الاملون ولا ييأس من عطائك المتعرضون
ولا يشقى بنقمتك المستغفرون رزقك مبسوط لمن عصاك وحلمك معترض
لمن ناواك عادتك الاحسان الى المسيئين وسنتك الابقاء على المعتدين حتى
لقد غرتهم اناتك عن الرجوع وصدهم امهالك عن النزوع وانما تانيت بهم
ليفيئوا الى امرك وامهلتهم ثقة بدوام ملكك فمن كان من اهل السعادة ختمت
له بها ومن كان من اهل الشقاوة خذلته لها كلهم صائرون الى حكمك وامورهم
ائلة الى امرك لم يهن على طول مدتهم سلطانك ولم يدحض لترك معاجلتهم
برهانك حجتك قائمة لا تدحض وسلطانك ثابت لا يزول فالويل الدائم لمن
جنح عنك والخيبة الخاذلة لمن خاب منك والشقاء الاشقى لمن اغتر بك ما اكثر
تصرفه في عذابك وما اطول تردده في عقابك وما ابعد غايته من الفرج وما
اقنطه من سهولة المخرج عدلا من قضائك لا تجور فيه وانصافا من حكمك لا
تحيف عليه فقد ظاهرت الحجج وابليت الاعذار وقد تقدمت بالوعيد وتلطفت
في الترغيب وضربت الامثال واطلت الامهال واخرت وانت مستطيع للمعاجلة
وتانيت وانت مليء بالمبادرة لم تكن اناتك عجزا ولا امهالك وهنا ولا
امساكك غفلة ولا انتظارك مداراة بل لتكون حجتك ابلغ وكرمك اكمل
واحسانك اوفى ونعمتك اتم كل ذلك كان ولم تزل وهو كائن ولا تزال
حجتك اجل من ان توصف بكلها ومجدك ارفع من ان يحد بكنهه ونعمتك
اكثر من ان تحصى باسرها واحسانك اكثر من ان تشكر على اقله وقد قصر
بي السكوت عن تحميدك وفههني الامساك عن تمجيدك وقصاراي الاقرار
بالحسور لا رغبة يا الهي بل عجزا فها انا ذا اؤمك بالوفادة واسئلك حسن
الرفادة فصل على محمد واله واسمع نجواي واستجب دعائي ولا تختم يومي بخيبتي
ولا تجبهني بالرد في مسئلتي واكرم من عندك منصرفي واليك منقلبي انك
غير ضائق بما تريد ولا عاجز عما تسئل وانت على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة

الا باللّه العلی العظیم واز جمله دعای علی بن الحسین که در صحیفه مذکور است که
در روز جمعه و عید قربان باید خواند اینست اللهم هذا یوم مبارک میمون
والمسلمون فیه مجتمعون فی اقطار ارضک یشهد السائل منهم والطالب
والراغب والراهب وانت الناظر فی حوائجهم فاسألک بجودک وکرمک و
هوان ما سألتک علیک ان تصلی علی محمد وآله واسألک اللهم ربنا بان
لک الملک ولک الحمد لا اله الا انت الحلیم الکریم الحنان المنان ذو الجلال
والاکرام بدیع السموات والارض مهما قسمت بین عبادک المؤمنین من خیر او
عافیة او برکة او هدی او عمل بطاعتک او خیر تمن به علیهم تهدیهم به الیک
او ترفع لهم عندک درجة او تعطیهم به خیرا من خیر الدنیا والاخرة ان توفر
حظی ونصیبی منه واسألک اللهم بان لک الملک ولک الحمد لا اله الا انت
ان تصلی علی محمد عبدک ورسولک وحبیبک وصفوتک وخیرتک من خلقک
وعلی آل محمد الابرار الطاهرین الاخیار صلوة لا یقوی علی احصائها الا
انت وان تشرکنا فی صالح من دعاک فی هذا الیوم من عبادک المؤمنین یا رب
العالمین وان تغفر لنا ولهم انک علی کل شیء قدیر اللهم الیک تعمدت بحاجتی
وبک انزلت الیوم فقری وفاقتی ومسکنتی وانی بمغفرتک ورحمتک اوثق منی
بعملی ولمغفرتک ورحمتک اوسع من ذنوبی فصل علی محمد وآل محمد وتول قضاء
کل حاجة هی لی بقدرتک علیها وتیسیر ذلک علیک وبفقری الیک وغناک
عنی فانی لم اصب خیرا قط الا منک ولم یصرف عنی سوء قط احد غیرک ولا ارجو
لامر آخرتی ودنیای سواک اللهم من تهیا وتعبا واعد واستعد لوفادة الی
مخلوق رجاء رفده ونوافله وطلب نیله وجائزته فالیک یا مولای کانت الیوم
تهیئتی وتعبیتی واعدادی واستعدادی رجاء عفوک ورفدک وطلب نیلک
وجائزتک اللهم فصل علی محمد وآل محمد ولا تخیب الیوم ذلک من رجائی یا من
لا یحفیه سائل ولا ینقصه نائل فانی لم آتک ثقة منی بعمل صالح قدمته ولا
شفاعة مخلوق رجوته الا شفاعة محمد واهل بیته علیه وعلیهم سلامک اتیتک
مقرا بالجرم والاسائة علی نفسی اتیتک ارجو عظیم عفوک الذی عفوت به عن

دعای صحیفه کامله در روز جمعه

الخاطئین

الخاطئین ثم لم یمنعک طول عکوفهم علی عظیم الجرم ان عدت علیهم بالرحمة
والمغفرة فیا من رحمته واسعة وعفوه عظیم یا عظیم یا کریم صل علی
محمد وآل محمد وعد علی برحمتک وتعطف علی بفضلک وتوسع علی بمغفرتک
اللهم ان هذا المقام لخلفائک واصفیائک وامنائک فی الدرجة الرفیعة
التی اختصصتهم بها قد ابتزوها وانت المقدر لذلک لا یغالب امرک ولا
یجاوز المحتوم من تدبیرک کیف شئت وانی شئت ولما انت اعلم به غیر
متهم علی خلقک ولا لارادتک حتی عاد صفوتک وخلفاؤک مغلوبین مقهورین
مبتزین یرون حکمک مبدلا وکتابک منبوذا وفرائضک محرفة عن جهات
اشراعک وسنن نبیک متروکة اللهم العن اعدائهم من الاولین و
الاخرین ومن رضی بفعالهم واشیاعهم اللهم صل علی محمد وآل محمد انک
حمید مجید کصلواتک وبرکاتک وتحیاتک علی اصفیائک ابرهیم وآل
ابرهیم وعجل الفرج والروح والنصرة والتمکین والتائید لهم اللهم و
اجعلنی من اهل التوحید والایمان بک والتصدیق برسولک والائمة الذین
حتمت طاعتهم ممن یجری ذلک به وعلی یدیه آمین رب العالمین اللهم انه
لیس یرد غضبک الا حلمک ولا یرد سخطک الا عفوک ولا یجیر من عقابک
الا رحمتک ولا ینجینی منک الا التضرع الیک وبین یدیک فصل علی محمد و
آله وهب لنا یا الهی من لدنک فرجا بالقدرة التی بها تحیی اموات العباد و
بها تنشر میت البلاد ولا تهلکنی یا الهی غما حتی تستجیب لی وتعرفنی الاجابة
فی دعائی واذقنی طعم العافیة الی منتهی اجلی ولا تشمت بی عدوی ولا تمکنه
من عنقی ولا تسلطه علی یا الهی ان رفعتنی فمن ذا الذی یضعنی وان وضعتنی
فمن ذا الذی یرفعنی وان اکرمتنی فمن ذا الذی یهیننی وان اهنتنی فمن ذا الذی
یکرمنی وان عذبتنی فمن ذا الذی یرحمنی وان اهلکتنی فمن ذا الذی یعرض
لک فی عبدک او یسألک عن امره وقد علمت انه لیس فی حکمک ظلم ولا فی
نقمتک عجلة وانما یعجل من یخاف الفوت وانما یحتاج الی الظلم الضعیف
وقد تعالیت یا الهی عن ذلک علوا کبیرا اللهم صل علی محمد وآل محمد ولا

مواضع ۴

واتباعهم ۳

تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني واقلني عثرتي ولا تبتليني
ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي وتضرعي اليك اعوذ بك اللهم
اليوم من غضبك فصل على محمد واله واعذني واستجير بك اليوم من سخطك
فصل على محمد واله واجرني واسئلك امنا من عذابك فصل على محمد واله
وامني واستهديك فصل على محمد واله واهدني واستنصرك فصل على محمد و
اله وانصرني واسترحمك فصل على محمد واله وارحمني واستكفيك فصل على
محمد واله واكفني واسترزقك فصل على محمد واله وارزقني واستعينك فصل
على محمد واله واغفر لي واستعصمك فصل على محمد واله واعصمني فاني لن اعود
لشيء كرهته مني ان شئت ذلك يا رب يا رب يا حنان يا منان يا ذا الجلال والاكرام
صل على محمد واله واستجب لي جميع ما سألتك وطلبت اليك ورغبت فيه
اليك واردها وقدرها واقضه وامضه بارك لي في ذلك وتفضل علي به واسعدني
بما تعطيني منه وزدني فيما تقضي منه وزدني من فضلك وسعة ما عندك فانك
واسع كريم وصل ذلك بخير الآخرة ونعيمها يا ارحم الراحمين وبعد از تمام اين دعا
دو رکعت نماز بايد کرد و هزار بار صلوات بر محمد و آل محمد بايد فرستاد بعد از آن هر چه
خواهد از خدا بخواهد حضرت علي بن الحسين باين طريق اين دعا را خوانده‌اند

فصل نهم در ذکر ثواب سورهای قرآن و ذکر چیزی از خواص آیات آنها و ذکر دعایی که حضرت امام
زین العابدین بعد از ختم قرآن میخوانده اما ثواب قرائت آنها پس ذکر میکنیم ما بعضی از
آنچیزها را که ذکر کرده است آنها را ابو علی فضل بن حسن بن فضل طبرسی در کتاب مجمع البیان
البسمله از امام رضا مرویست نزدیکتر است باسم اعظم از سیاهی چشم بسفیدی آن و از
پیغمبر مرویست که هرگاه معلم امر کند طفل را بخواند بسم الله و او بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
خدا برات از آتش دوزخ بنویسد از برای آن طفل و پدر و مادر او و برای معلم او و از پیغمبر
مرویست که فرمود بسمله نوزده حرفست بعدد زبانیه دوزخ نوزده‌اند پس کسیکه بسمله را بخواند
خدا بعدد هر حرفی از او سپری مقرر کند از این یکی از این نوزده زبانیه وما ذکر کرده‌ام
در تفسیر الله و اضحه در شرح فاتحه فضیلت بسیار در ثواب قرائت بسمله و ثواب قرائت فاتحه
و ذکر اسماء فاتحه **سوره فاتحه** از پیغمبر مرویست که کسیکه بخواند چنانست که دو ثلث قرآن را

در ثواب سورهای قرآن

خوانده است

خوانده است و مثل آنست که تصدق کرده است بر هر مؤمن و مؤمنه و نیز از آنحضرت
مرویست که فرمود قسم بآن خدایی که نفس من بدست اوست که خدا در توریة و انجیل و
زبور و فرقان نفرستاد مثل فاتحه را و او ام القرآنست و سبع المثانی است و این سوره
قسمت کرده شده است میان خدا و میان بنده او و مر او راست آنچه از خدا طلب کند
و این فاتحه فاضلترین سورهای قرآن است و این سوره شفاست از هر دردی مگر مرگ را
که او علاج پذیر نیست و از پیغمبر مرویست که فرمود که خدا این سوره را بتنهایی بر من منت
نهاده است و او را بازاء قرآن قرآن داده است و چنین فرموده است ولقد آتیناک سبعا
من المثانی والقرآن العظیم و این سوره اشرف آنچیزیست که در گنجهای عرش است و بتحقیق
خدا مخصوص و مشرف ساخته پیغمبر را باین سوره و شریک نگردانید هیچ یک از انبیا
او را در آن مگر سلیمان بن داود را که از این سوره بسمله را باو ارزانی داشته آگاه
باشید کسیکه این سوره را بخواند و اعتقاد بموالات پیغمبر داشته باشد و انقیاد امر او
بعمل آورده باشد و ایمان بظاهر و باطن او داشته باشد خدا بعدد هر حرفی عطا کند
باو حسنه که هر حسنه از آن افضلست از دنیا و آنچه در اوست از اصناف اموال و خیرات
و کسیکه گوش اندازد بقاریی که این سوره را میخواند مر او راست ثلث ثواب قاری او و این سوره
بقره از پیغمبر روایت کرده است ابی که کسیکه این سوره را بخواند صلوات و رحمت خدا بر او نازل
میشود و ثواب کسی را دارد که در راه خدا یک سال مرابطه کرده باشد کسیکه ترسنده
باشد هرگاه این سوره را بخواند ترس از آن بر طرف میشود و فرمود که ای ابی امر کن مسلمانان را
که این سوره را یاد گیرند که یاد گرفتن آن برکتست و ترک آن حسرتست و بطله یعنی سحره
این سوره را ندارند و از آنحضرت مرویست که فرمود که هر چیزی سنامی دارد و سنام قرآن
البقره است و کسیکه این سوره را روز در خانه خود بخواند شیطان سه روز داخل آن
نمیشود و کسیکه شب در خانه خود بخواند سه شب شیطان داخل خانه آن نمیشود
از آنحضرت پرسیدند که کدام سوره قرآن افضلست فرمود سوره البقره پس گفتند که
کدام آیه از این سوره افضل است آنحضرت فرمود که آیة الکرسی و آنحضرت امیر ساخت
بر قبیله بعث کوچک سال تر ایشان را بواسطه آنکه سوره البقره را در حفظ داشت
آل عمران از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدا بعدد هر آیه از این سوره امانی

ی دهد او را از جسر جهنم و کسیکه این سوره را بخواند در روز جمعه خدا و ملائکه او
بر او صلوات میفرستند تا آفتاب غایب شود و از آنحضرت مرویست که فرمود که سوره
بقره و آل عمران را بیاموزید که این دو سوره درخشنده اند و در روز قیامت بر صاحب
خود سایه می اندازند مثل دو ابر یا دو سایه بان یا دو صف طیر که بر سر کسی سایه کنند
النساء مرویست از پیغمبر که کسیکه این سوره بخواند چنانست که تصدق کرده باشد بر
هر کسیکه توریث میراث کرده باشد و ثواب کسی دارد که محرری را خریده باشد و قاری
این سوره بری میشود از شرک و در مشیت خدا از آنجماعتی خواهد بود که خدا از [illegible]
زایشان در گذشته باشد و ایشانرا عفو کرده است و از حضرت علی مرویست که کسیکه
این سوره را در هر روز جمعه بخواند از ضغطه قبر ایمن باشد المائدة از صادق مرویست که
سوره مائده یکبار بالتمام نازل شد و هفتاد هزار ملک با او نازل شدند و این سوره بعد
از جمیع سورهای قرآن نازل شد پس نسخ کرد هر چه قبل خود بود و هیچ آیه او را نسخ نکرد و از حضرت
پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره بخواند در هر روز جمعه بعدد هر یهودی و نصرانی که
در دنیا است ده حسنه باو میدهند و ده سیئه از او محو کنند و ده درجه او را بلند
میگردانند و از حضرت باقر مرویست که فرمود کسیکه این سوره در هر روز پنجشنبه بخواند
ایمان خود را بظلم نپوشد و هرگز شرک بخدا نیاورد و در روایت وارد شده است که
کسیکه این سوره را بنویسد و در میان قماش خود بگذارد ایمن میشود از دزد و تلف و
چیزی ضایع نمیشود و کسیکه با خود دارد از دردها و ورمها عافیت یابد الانعام
کسیکه سوره انعام را بمشک و زعفران بنویسد و آنرا بشوید و آب آنرا هفت روز
بخورد خدا بنظر رحمت باو نظر کند و از همه امراض عافیت می یابد از حضرت صادق مرویست
که اسم الله تعالی در این سوره در هفتاد موضع مذکور است پس کسیکه حاجتی داشته
باشد بخدا باید که چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی فاتحه و سوره انعام بخواند
و چون سلام دهد سه بار بگوید یا کریم و سه بار بگوید یا عظیم و بعد از آن بگوید یا اعظم
من کل عظیم یا سمیع الدعاء یا من لا تغیره اللیالی و الایام صل علی محمد و آل محمد
و ارحم ضعفی و فقری و فاقتی و مسکنتی یا من رحم الشیخ یعقوب حین رد علیه
یوسف قرة عینه یا من رحم ایوب بعد طول بلائه یا من رحم محمدا و من الیتم

اواه

اواه و نصره علی جبابرة قریش و طواغیتها و امکنه منهم یا مغیث یا مغیث یا
مغیث و این کلمات را مکرر بگوید پس قسم بخدا که نفس من در دست او است که اگر
از خدا در خواهد همه حوائج خود را که خدا باو میدهد و کسیکه این سوره را در هر شب
بخواند آتش جهنم را هرگز نخواهد دید و در کتاب الافراد و الاعراب مذکور است که
کسیکه نماز صبح را بجا آورد و این فصل را بکند هفتاد ملک نازل میشوند بسوی او
و نوشته میشود از برای او مثل عبادت ایشان و در کتاب وسیط مذکور است که کسیکه
این فصل را بجا آورد در وقت صبح خدا موکل میسازد با او هزار ملک را که او را نگاه دارند
و برای او مثل اعمال ایشانرا مینویسند تا روز قیامت از پیغمبر مرویست که فرمود که
این سوره جملة واحدة نازل شده است و در وقت نزول آن هفتاد هزار ملک مشایعت
کرده اند که ایشانرا صدائی بود بتسبیح و تهلیل و تحمید پس کسیکه این سوره را بخواند
هفتاد هزار ملک بر او صلوات میفرستند در هر روز و هر شب بعدد هر آیه از این سوره و
این حدیث از امام زین العابدین نیز مروی شده است و در روایت امام رضا وارد است
که فرمود که این ملائکه تسبیح میکنند از برای او تا روز قیامت و باز از پیغمبر مرویست که
فرمود که کسیکه اول این سوره را بخواند تا یکسبون خدا موکل میسازد با او چهل هزار
ملک که مینویسند از برای او مثل اعمال خود را تا روز قیامت و در کتاب الافراد و
الاعراب مذکور است که کسیکه در وقت صبح این فصل را بجا آورد چهل ملک نازل شوند
بر او و مثل اعمال ایشان برای او نوشته میشود و در کتاب وسیط مذکور است که کسیکه
در وقت صبح این فصل را بجا آورد خدا هزار ملک را بر او موکل میکند که او را نگاه میدارند
و مثل اعمال ایشانرا برای او مینویسند تا قیامت الاعراف از پیغمبر مرویست که کسیکه
این سوره بخواند خدا میان او و شیطان پرده میافکند که مانع باشد از شیطان و
حضرت آدم در قیامت شفیع او باشد از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره را
در هر ماه بخواند در روز قیامت از آن جماعتی باشد که بر ایشان نه خوفی هست و نه حزن
و اگر در هر جمعه یکبار بخواند در روز قیامت از او حساب نکنند الانفال کسیکه این سوره
بنویسد بگلاب و زعفران و بر خود آویزد ایمن میشود از کفار و از جمیع آفات و از چشم
بد و در هیچ راهی راه گم نمیکند و ایمن میشود از دشمن و ما دا ز پیغمبر مرویست که کسیکه سوره

انفال و برائت را بخواند من شفیع او خواهم بود و در روز قیامت شهادت میدهم که
بری است از نفاق و خدا با و میدهد از اجر و ثواب بعدد هر مرد منافق و زن منافقه که
در دنیا اند ده حسنه و محو میکند از او ده سیئه و بلند میکند از برای او ده درجه و عرش
و حاملان عرش در ایام حیات او در دنیا بر او صلوات میفرستند و از جعفر صادق مرویست
که کسیکه سوره انفال و توبه را بخواند در هر ماهی هرگز نفاق بر او راه نیابد و بحقیقت از
شیعه امیر المؤمنین باشد و در روز قیامت با شیعیان آنحضرت از مائدهای جنت بخورد
تا آنکه خدا تعالی از حساب فارغ شود البرائة از امیر المؤمنین مرویست که در اول برائة بسمله
نازل نشده است برای آنکه بسمله از برای امانست و این سوره بواسطه دفع امان نازل شده
و فصل او در سوره انفال دانسته شد یونس از پیغمبر مرویست کسیکه این سوره را
بخواند بعدد هر کسیکه تصدیق کرده است نبوت یونس را و تکذیب او کرده است و بعدد
هر کس که با فرعون غرق شده است ده حسنه باو دهند و از حضرت صادق مرویست که
هر کس در هر ماه این سوره را بخواند از جاهلان نخواهد بود و در روز قیامت از مقربان خواهد
بود هود از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند بعدد هر کس که تصدیق کرده است
نوح را و بعدد هر کس که تکذیب او و هود و صالح و شعیب و لوط و ابرهیم و موسی کرده اند
ده حسنه باو دهند و در روز قیامت از جمله سعدا خواهد بود و از حضرت باقر مرویست
که کسیکه در هر جمعه این سوره را بخواند در روز قیامت در زمره انبیا مبعوث میشود
و حساب بر او آسان میشود و گناه او در قیامت ظاهر نمیشود یوسف از پیغمبر مرویست
که فرمود که این سوره را به بندگان خود یاد دهید که هر کس که این سوره را به بندگان
خود یاد دهد خدا سکرات مرگ را بر او آسان کند و باو قوتی کرامت کند که بهیچ مسلمانی
حسد نبرد و از حضرت صادق مرویست که هر کس که در هر روز یا در هر شب این سوره را بخواند
روز قیامت مبعوث شود در حالتیکه جمال او مثل جمال یوسف باشد و فزع روز قیامت
باو نرسد و از برگزیدگان بندهای صالح خدا باشد رعد از پیغمبر مرویست که کسیکه این
سوره را بخواند بعدد هر ابریکه گذشته است و بعدد هر ابریکه خواهد آمد تا روز قیامت
او را اجری و ثوابی خواهد بود و از جمله جماعتی خواهد بود که وفا کرده باشند بعهد خدا
و از حضرت صادق مرویست که کسیکه بسیار این سوره را بخواند صاعقه هرگز باو نرسد

و بیحساب داخل جنت شود و شفاعت کند از کسانی را که میشناسد از اهل بیت و
اخوان خود ابرهیم از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند بعدد هر کس که بت
پرستید و هر کس که بت نپرستید ده حسنه باو دهند و از صادق مرویست که کسیکه سوره ابرهیم و
حجر را در دو رکعت نماز در روز جمعه بخواند فقر و جنون و بلا باو راه نیابد حجر از
پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند بعدد مهاجرین و انصار و بعدد جماعتی که
استهزا کنند کان پیغمبر بودند ده حسنه باو دهند و حدیث امام جعفر صادق در
خواندن این سوره و سوره ابرهیم در دو رکعت مذکور شد النحل از پیغمبر مرویست
که کسیکه این سوره بخواند خدا در دنیا نعمتی که باو داده است در آخرت از او حساب
طلب ندارد اگر در آن روز بمیرد ثواب کسی دارند که در وقت مردن وصیت خوب
بجا آورده باشد و از حضرت باقر مرویست که کسیکه در هر ماه این سوره را بخواند
هفتاد نوع بلا از او دفع میشود که سهل تر آنها جنون و برص است و جای او در جنت
عدن است بنی اسرائیل از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند و او را نزد ذکر والدین
رقت قلب بهم رسد خدا دو قنطار از اجر باو کرامت فرماید و از حضرت صادق مرویست
که کسیکه در هر شب جمعه این سوره را بخواند نمیرد تا ادراک صاحب الامر کند
و از اصحاب آنحضرت باشد الکهف از پیغمبر مرویست که هر کس که ده آیه از اول کهف را
حفظ کند چون ادراک دجال کند باو ضرر نتواند رسانید و کسیکه خواتیم این سوره را
حفظ کند در روز قیامت خدا نوری باو کرامت فرماید و کسیکه این سوره را در روز
جمعه بخواند از فتنه دجال و از فتنه که در دنیا است نگاه داشته شود تا شش روز
و کسیکه از آخر سوره از قل لو کان البحر تا آخر سوره بخواند وقتیکه بجامه خواب رود
در بجامه خواب نوری بهم رسد که درخشان باشد تا کعبه و در میان آن نور ملائکه
چند باشند که بر او صلوات فرستند تا وقتیکه از جامه خواب برخیزد و اگر این سوره را
در مکه بخواند نور او درخشان شود تا بیت المعمور و در میان او ملائکه باشند که بر او
صلوات فرستند تا او بیدار شود و ابن بابویه شیخ طبرسی در مجمع البیان خود ذکر
کرده است از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند داخل جنت میشود و کسیکه
این سوره را روز جمعه بخواند گناهان او را تا جمعه دیگر و سه روز دیگر زیاده بر آن

خدا میامرزد و نوری باو ارزانی میدارد که باسمان میرسد و او را از فعال نکاه میدارد
و چون این سوره نازل شد هفتاد هزار ملک مشایعت کردند و بزرکی این سوره
میان آسمان و زمین را پر کرده است و از حضرت صادق مرویست که کسیکه در هر شب جمعه
این سوره را بخواند نمیرد مگر شهید و خدا او را با شهدا برانگیزاند و در موقف
شهدا باز ایستد **المریم** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدا بعدد هر کسیکه
تصدیق زکریا و تکذیب او و یحیی و مریم و عیسی و موسی و هرون و ابرهیم و اسحق و یعقوب
و اسمعیل کرده است ده حسنه باو کرامت کند و بعدد هر کس که ولد برای خدا
که عزیز است او و خدای نیست اثبات کرده است و بعدد هر کس که ولد نیز برای او اثبات نکرده است
حسنه میدهد و از حضرت صادق مرویست که کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره
از دنیا بیرون نرود تا آنکه باو برسد چیزیکه اغنا او کند در نفس و مال و ولد او و در
آخرت از اصحاب عیسی باشد و در آخرت ملک سلیمان بن داود را باو ارزانی دارند
طه از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند ثواب مهاجرین و انصار باو داده
میشود و اهل جنت از قرآن کریم غیر از سوره یس و طه نخواهند خواند و این دو سوره را
خدا دو هزار سال قبل از خلقت آدم خلق کرده است و از حضرت صادق مرویست
که فرمود که ترک مکنید قرائت این سوره را که خدا دوست میدارد این سوره را
و قاری این سوره را و کسیکه بر قرائت این سوره مداومت کند در روز قیامت
کتابش را بدست راستش میدهند و آنچه در اسلام کرده است از او حساب
طلبند و چندان ثواب باو میدهند که راضی شود **الانبیا** از پیغمبر مرویست که کسیکه
این سوره را بخواند خدا حساب او را آسان میکند و هر پیغمبری که در قرآن مذکور است
بر او سلام کنند و با او مصافحه کنند و از حضرت صادق مرویست کسیکه این سوره را
بواسطه دوستی این سوره بخواند از رفقای پیغمبر خواهد بود در جنت و در نظر
مردم بهیبت خواهد بود در دنیا **الحج** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را
بخواند داده میشود از اجر بعدد هر کسیکه حج و عمره بجا آورده باشد و از حضرت
صادق مرویست که کسیکه در هر سه روز یکبار این سوره را بخواند همان سال تمام
نشده باشد که حج بیت الله نصیب او شود و اگر در آن سفر بمیرد داخل جنت شود

المؤمنون از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره بخواند ملائکه او را بشارت دهند
بروح و ریحان جنت و بچیزیکه چشم او بآن روشن شود نزد نزول ملک الموت و از
حضرت صادق مرویست که کسیکه در هر شب جمعه این سوره را بخواند خاتمه عمر او
بسعادت باشد و منزل او در فردوس اعلا با انبیا باشد و مرسلین **النور** از پیغمبر مرویست
که کسیکه این سوره را بخواند داده میشود از اجر بعدد هر مرد مؤمن و مؤمنه
که گذشته اند و خواهند آمد ده حسنه و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود که زنان
خود را در غرفها منشانید و سوره یوسف با ایشان میاموزید بلکه سوره نور و غزل
تعلیم کنید ایشان را **الفرقان** کسیکه در هر روز یا در هر شب این سوره را بخواند هیچ کس را
امن بت و زنا نکند و چون بمیرد هفتاد هزار ملک تشییع جنازه او کنند تا قبر او و
برای او دعا و استغفار کنند تا آنکه داخل قبر شود از پیغمبر مرویست که کسیکه این
سوره بخواند در روز قیامت مبعوث شود در حالتیکه ایمان آورده باشد بروز
قیامت و باینکه خدا مردها را زنده میکرداند و بی حساب داخل جنت میشود و از حضرت
کاظم مرویست که کسیکه هر شب این سوره بخواند خدا هرگز او را عذاب و حساب نکند
و منزل او در جنت فردوس اعلا باشد **الشعراء** از پیغمبر مرویست کسیکه این سوره را
بخواند مر او راست ده حسنه بعدد هر کس که تصدیق و تکذیب نوح و هود و شعیب
و صالح و ابرهیم و عیسی و محمد کرده است و از حضرت صادق مرویست که کسیکه
در هر شب جمعه طواسین ثلث را بخواند از جمله اولیای خدا باشد و در جوار و حفظ
حق تعالی باشد و در دنیا مصیبتی باو نخواهد رسید هرگز و در آخرت از جنت چندان
باو دهند که او راضی شود و خدا در جنت صد حور را باو تزویج کند **النمل** از پیغمبر
مرویست که کسیکه این سوره را قرائت کند مر او راست از اجر ده حسنه بعدد
کسانیکه تصدیق و تکذیب کرده اند سلیمان و هود و صالح و شعیب و ابرهیم و
چون از قبر بیرون آید ندا کند که لا اله الا الله و از صادق مرویست که کسیکه طواسین
ثلث را بخواند و آن [illegible] را که در شعرا گذشت بیان فرمود **القصص** از پیغمبر مرویست
که کسیکه این سوره را بخواند مر او راست از اجر ده حسنه بعدد کسیکه تصدیق و
تکذیب کرده است و هر ملکی را که در آسمان و زمین است روز قیامت گواهی دهند

که او صادق است در قول خود که میگوید کل شیء هالك الا وجهه و حدیث ثواب
طواسین ثلث نیز گذشت العنکبوت از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند مر او
را است ده اجر ده حسنه بعدد هر مؤمن و منافقی و از حضرت صادق مرویست که
کسیکه این سوره را و سوره روم را در شب بیست و سیم ماه رمضان بخواند بخدا
قسم که از اهل جنت است و در این قسم خود اصلا استثنا نمیکنم احدی را و نمیترسم که
در این قسم من بر من گناهی بنویسند و بدرستیکه این دو سوره را نزد خدا منزلتی بزرگست
لقمان از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند مر او راست اجر ده حسنه
بعدد هر ملکی که خدا را تسبیح میکند در آسمان و زمین و درك میکند آنچیز را که
ضایع کرده است در آن روز و شب از اعمال صالحه و ثواب خواندن این سوره با عنکبوت
قبل از این مذکور شد السجدة از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره بخواند در روز قیامت
لقمان رفیق او خواهد بود و مر او راست اجر ده حسنه بعدد هر کس که امر کرده است
بمعروف و نهی کرده است از منکر و از باقر مرویست که کسیکه این سوره بخواند در شب خود
خدا موکل میسازد باو سی ملك که او را نگاه دارند از شیطان و لشکر او تا آنکه صبح
شود و کسیکه بخواند این سوره را در روز نگاه دارند او را سی ملك از شر ابلیس و لشکر
او تا آنکه شب شود السجدة از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را با سوره ملك بخواند
حکم کسی دارد که شب قدر را زنده داشته باشد و از حضرت صادق مرویست که کسیکه
این سوره را در شب جمعه بخواند خدا در روز قیامت کتاب او را بدست راستش
دهند و آنچه از او واقع شده است حساب نمیکنند و در قیامت از رفقای محمد و اهل
بیت او خواهد بود الاحزاب از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند و با اهل خود
و بندهای خود تعلیم کند خدا او را از عذاب قبر امان میدهد و از حضرت صادق
مرویست که کسیکه این سوره را بسیار بخواند در روز قیامت در جوار حضرت پیغمبر و
ازواج او خواهد بود سبا از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند هیچ ملك
و نبی و رسولی نباشد مگر آنکه در روز قیامت با او مصافحه کند و رفیق او باشد و از
حضرت صادق مرویست که کسیکه در شب خود این دو الحمد را با هم بخواند همیشه در
حفظ حمایت خدا باشد تا روز و اگر در روز بخواند تا شب و از مکر و هیچ نرسد و از خیر

دنیا

دنیا و آخرت خدا چیزی باو کرامت کند که بر دل او خطور نکرده باشد و آرزوی
او باو نرسیده باشد الفاطر از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند و او را
ثوابی از خدا داشته باشد از هر دری که خواهد داخل جنت شود و حدیث در ثواب
قرائت و الحمد گذشت یس از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بواسطه رضای
الهی بخواند خدا گناهان او را بیامرزد و عطا داده برابر ثواب تمام قرائت قرآن را
باو میدهند و هر بیماریکه این سوره را نزد او بخوانند نازل میشود بر او بعدد هر حرفی
از این سوره ده ملك و نزد او صف زده میایستند و برای او استغفار میکنند
و اگر او را مرگ رسیده باشد در وقت قبض روح او نزد او حاضر میشوند و تشییع
جنازه او میکنند و بر او نماز میکنند و در وقت دفن او حاضر میشوند و هر بیماریکه در
سکرات مرگ این سوره را بخواند یا کسی نزد او بخواند رضوان خازن جنت نزد او آید و
در فراش او شربتی از شراب جنت باو دهد پس او سیراب بمیرد و سیراب برانگیخته
شود و اصلا او را احتیاجی نیفتد بحوضی از حوضهای انبیا تا آنکه داخل جنت شود در
حالتیکه سیراب باشد و از صادق مرویست که از برای هر چیزی قلبی میباشد و قلب
قرآن یس است پس هر که بخواند یس را در روز میباشد از جمله محفوظ کرده شدگان
و روزی داده شدگان تا شب و کسیکه این سوره را در شب بخواند پیش از آنکه
بخوابد بخواند خدا هزار ملك را بر او موکل سازد که او را محافظت کنند از هر شیطان
رانده شده و از هر آفتی و اگر بمیرد در آن روز بمیرد خدا او را داخل جنت کند و سی هزار
ملك در وقت غسل او حاضر شوند و برای او استغفار کنند و تشییع جنازه او کنند
تا قبر او و چون داخل قبر کردند و در لحد گذاشتند آن ملائکه در اندرون قبر او
خدا را پرستش کنند و ثواب عبادت ایشان از او است و تا چشم کار میکند قبر او را فراخ
سازند و از فشار قبر ایمن باشد و همیشه در قبر او نوری ساطع باشد تا آسمان
تا وقتیکه از قبر بیرون آید همیشه آن ملائکه با او باشند و مشایعت او کنند و در
روی او خنده کنند و او را بشارت دهند بجمیع خیرات تا آنکه او را از صراط بگذرانند
و از میزان خلاص کرده باشند و او را در جائی قرار دهند که غیر از ملائکه مقربین و انبیا
و مرسلین کسی را از او نزدیکتر نباشد بخدا و با انبیا بایستد بر جای بی ترس و بی جزع و

بعد از آن خدا با او گوید که شفاعت کن نزد من که قبول میکنم شفاعت ترا در حق جمیع
آنکسانیکه تو شفاعت ایشان کنی و سؤال کن از من که آنچه تو از من سؤال کنی
بتو دهم و از گناهان او هیچ چیز بر او ننویسند و کتاب او را بدست راستش دهند و همه
مردم گویند که سبحان الله این بنده را یک گناهی نیست و از رفقاء محمد خواهد بود و
حضرت صادق فرمود که پیغمبر را در قرآن پنج اسم است محمد و احمد و عبد الله و
یس و ن و این روایت ملخص آنچیزیست که شیخ طبرسی در کتاب مجمع البیان ذکر کرده است
و از پیغمبر مرویست که کسیکه داخل مقبره شود و یس را بخواند تخفیف شود در عذاب
اهل آن مقبره و از برای قاری این سوره بعدد امواتی که در آن مقبره اند ثواب بنویسند
و از پیغمبر مرویست که این سوره را در تورات معمه خوانند یعنی شامل صاحب خود میشود از
خیر دنیا و آخرت را و دفع میکند از او بلای دنیا و عذاب آخرت را و این سوره را دافعه
گویند نیز که دفع میکند از صاحب خود جمیع شرور را و آنرا قاضیه نیز گویند زیرا
جمیع حاجات خواننده آن روا میشود و کسیکه یس را بخواند برابری میکند با بیست حج
و کسیکه بشنود آنرا برابری میکند با هزار دینار که در راه خدا تصدق کرده باشد
و کسیکه این سوره را بنویسد و بشوید و آبرا بخورد هزار دوا و هزار یقین و هزار
رحمت و هزار برکت داخل شود در جوف او و بر طرف میشود از او هر درد و هر علت
که دارد الصافات از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند داده میشود از اجر
بعدد هر جن و شیطانی ده حسنه و مرده شیطان از او دور میشوند و از شرک
بری میشود و دو فرشته که حافظ اویند در قیامت شهادت میدهند که او بمرسلین
ایمان داشته و از صادق مرویست که کسیکه در هر جمعه این سوره را بخواند همیشه
از جمیع آفات محفوظ است و جمیع غمها و بلیات از او مدفوع است و [illegible]
با وسیع ترین رزق و از شیطان رجیم و از جبار عنید بمال و بدن و فرزند او بدی نرسد
و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد خدا او را شهید بمیراند و شهید برانگیزاند و او را
با شهدا داخل جنت گرداند و در روایت وارد است که قاری آن شرف و جاه و عزت یابد
در دنیا و آخرت ص از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره بخواند داده میشود از ثواب
بوزن هر کوهی که خدا آنرا از برای داود مسخر کرده است و نگاه میدارد او را از اصرار

کردن بر معاصی صغیره و کبیره و از حضرت امام محمد باقر مرویست که کسیکه این
سوره را بخواند در شب جمعه داده میشود از خیر دنیا و آخرت آنچیزیکه داده نشده است
بیکی از مردم مگر پیغمبر مرسل یا ملک مقرب و خدا داخل جنت میگرداند او را و هر کس
که او دوست میدارد از اهل بیت خود حتی خادم او را الزمر از حضرت صادق مرویست
که حوامیم ریحان قرآنست پس حمد کنید خدا را و شکر کنید او را بر حفظ این حوامیم و
تلاوت آنها بدرستیکه قاری چون از قبر بیرون آید از دهن او بوی مشک و عنبر آید و
بدرستیکه خدا رحم میکند قاری این سوره را و همسایه و جمیع معارف و قریب و حمیم
او را در روز قیامت و استغفار میکنند از برای او عرش و کرسی و ملائکه مقربین و
بدرستیکه هر چیزی زینتی دارد و در قرآن حوامیم است از پیغمبر مرویست که کسیکه
این سوره را بخواند خدا امید او را قطع نکند و با و ثواب خائفین کرامت و از حضرت صادق
مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدا شرف دنیا و آخرت با او میدهد و او را
بی مال و عشیرت عزیز میگرداند بمرتبه که کسیکه او را ببیند بترسد و جسد او را
آتش جهنم حرام کرده اند و بنا کنند در جنت از برای او هزار مدینه که در هر مدینه هزار
قصر باشد و در هر قصری صد هزار حور باشد و دو چشمه جاریه و دو چشمه نضاختان
و دو جنت نیکو با او کرامت فرماید المؤمن از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند
روح جمیع انبیا و مرسلین بر او صلوات فرستند و از برای او استغفار میکنند و از
حضرت باقر مرویست که کسیکه این سوره را در هر سه روز یکبار بخواند خدا گناهان
گذشته و آینده او را بیامرزد و کلمه تقوی را ملازم او گرداند و آخرت او را بهتر از
دنیای او گرداند فصلت از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدا بعدد هر
حرفی از این سوره ده حسنه با و دهد و از حضرت صادق مرویست که کسیکه این
سوره بخواند این سوره نوری خواهد بود از برای روز قیامت بمقدار مد بصر و این
سوره سرور او خواهد بود و او در دنیا زندگانی خواهد کرد محمود و مغبوط
الشوری از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند از جمله کسانی خواهد بود که ملائکه
بر ایشان صلوات میفرستند و استغفار میکنند از برای او و ترحم میکنند بر او و از
حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره بخواند در قیامت مبعوث میشود در حالتیکه

روی او مانند ماه شب چهارده باشد و داخل جنت میشود و او را قصری در جنت
خواهد بود از یاقوت سرخ و درها و کنگرها و درج آن قصر نیز از یاقوت سرخ و
باطن آن از ظاهر مینماید و ظاهر آن از باطن او مینماید و در آن قصر حور
العین و هزار کنیز است و هزار غلام اند و لدان مخلدون که خدا در کتاب خود ایشان را وصف
کرده است الزخرف از پیغمبر روایت که کسیکه این سوره را بخواند از آنجماعتی خواهد بود
که خدا در حق ایشان فرموده است که یا عباد لا خوف علیکم ولا انتم تحزنون ادخلوا
الجنة بغیر حساب و از حضرت امام محمد باقر روایت که کسیکه مداومت کند بر قرائت
این سوره خدا ایمن میگرداند در قبر از حشرات الارض و از ضغطه قبر تا آنکه پیش خدا
بایستد و این سوره داخل میگرداند قاری خود را در جنت الدخان از پیغمبر روایت که
کسیکه این سوره را در شب جمعه بخواند خدا او را بیامرزد و بعدد هر حرفی از آن
ثواب آزاد کردن صد هزار بنده می دهد و هفتاد هزار ملک از برای او استغفار
میکنند و کسیکه این سوره را در شب جمعه و روز جمعه بخواند بنا می کند خدا از
برای او خانه در جنت و از حضرت باقر روایت که کسیکه در نماز واجب و نافله بخواند
خدا او را از جمله آمنین مبعوث میگرداند و او را روز قیامت در زیر سایه عرش خود
جا می دهد و حساب او را آسان میگرداند و کتاب او را بدست راست او میدهد الجاثیه
از پیغمبر روایت که کسیکه این سوره را بخواند خدا عیب او را می پوشد و در وقت حساب
ترس او را برطرف می سازد و از حضرت صادق روایت که کسیکه این سوره را بخواند
هرگز آتش دوزخ نبیند و رفیق حضرت پیغمبر باشد الاحقاف از پیغمبر روایت که کسیکه
این سوره را بخواند عطا کرده میشود بعدد هر ریگی که در دنیا هست ده حسنه و از
حضرت صادق روایت که کسیکه در هر شب یا در هر جمعه این سوره را بخواند خدا
ترس او را از او بر می دارد و او را از فزع آخرت ایمن میسازد محمد از پیغمبر روایت که
کسیکه این سوره را بخواند خدا از نهرهای جنت او را آب دهد و از حضرت صادق
روایت که کسیکه این سوره را بخواند هرگز در دین او شکی داخل نشود و همیشه از
شرک و کفر محفوظ باشد تا وقت مرگ و چون بمیرد خدا هزار ملک را موکل میسازد که
در قبر او نماز کنند و ثواب آن نماز از ایشان از او باشد و تشییع او کنند تا آنکه او را با

عورت

دارند در موقف امن و همیشه در امان خدا و در امان پیغمبر باشد و کسیکه خواهد
که حال ما و حال اعدای ما را بداند باید که سوره محمد بخواند پس بدرستیکه نصف این سوره
یا آیه در ما و آیه در اعدای ما است الفتح از پیغمبر روایت که کسیکه این سوره را بخواند
مثل آنست که با پیغمبر در فتح مکه شهید شده باشد و در قیامت با جماعتی خواهد
بود که در تحت شجره با پیغمبر بیعت کرده اند و از حضرت صادق روایت که فرمود
اموال و زنان و بندگان خود را با این سوره از تلف نگاه دارید و کسیکه بقرائت این سوره
مداومت کند منادی ندا کند او را در روز قیامت و گوید تو از بندگان مخلص مائی ای ملائکه
من ملحق سازید او را با صالحان از بندگان من و ساکن گردانید او را در جنات نعیم و از رحیق
با او دهید الحجرات از پیغمبر روایت که کسیکه این سوره را بخواند داده میشود از اجر بعدد
آنکسانی که اطاعت و عصیان خدا کرده باشند ده حسنه و از حضرت صادق روایت که
کسیکه در هر شب یا در هر روز این سوره را بخواند از زوار پیغمبر خواهد بود ق از پیغمبر
روایت که کسیکه این سوره را بخواند خدا سکرات مرگ را بر او آسان کند و از حضرت
باقر منقول روایت که کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره در فرایض و نوافل خود
خدا رزق را بر او واسع گرداند و عطا کند او را بدست راست او و حساب او را آسان
کند والذاریات از پیغمبر روایت که کسیکه قرائت کند این سوره را داده میشود از اجر بعدد
هر بادیکه میوزد و جاری میشود در دنیا ده حسنه از حضرت صادق روایت که
کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی اصلاح معیشت او میکند و روزی بسیاری از برای او
کرامت میکند و در قبر او نوری خلق میکند که تا روز قیامت مثل چراغ می درخشد
الطور از پیغمبر روایت که کسیکه این سوره را بخواند بر خدا واجب میشود که او را از
عذاب ایمن گرداند و در جنت خود باو نعمت کرامت کند و از حضرت امام محمد باقر
روایت که کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی بعدد هر کسیکه تصدیق کرده است به
پیغمبر و بعدد هر کسیکه تکذیب او کرده است ده حسنه باو میدهد و از حضرت صادق
روایت که کسیکه در هر روز یا در هر شب مداومت کند بر خواندن این سوره میان
مردم زندگانی میکند در حالتیکه محمود و ستوده باشد والنجم از پیغمبر روایت که
کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره یکروز نزدیک روزها در قیامت مبعوث میشود در

والنجم

بحالیکه روی او مثل ماه شب چهارده باشد و از حضرت صادق مرویست که کسیکه
این سوره را بخواند خدای تعالی او را از قبر بیرون میآورد در حالیکه او را بر ناقه از ناقهای
جنت سوار کرده باشد **الرحمن** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدا
رحم میکند ضعف او را و شکر نعمتهای الهی را ادا کرده است و نیز از آنحضرت مرویست
که هر چیزی را عروسی هست و عروس قرآن الرحمن است و از حضرت صادق مرویست کسیکه
قرائت این سوره مداومت کند خدا روی او را سفید کرداند و شفاعت او را قبول
میکند در حق هر کسیکه او خواهد و کسیکه الرحمن را در شب بخواند و هر وقتکه بآیه
فبای آلاء ربکما تکذبان برسد بگوید لا بشیء من آلائک رب اکذب خدا موکل میسازد
با او ملکی را که او را حفظ کنند تا آنکه شب شود **الواقعه** از پیغمبر مرویست که کسیکه
این سوره را بخواند او را از جمله غافلان نمی‌نویسند و از پیغمبر مرویست که هر کس این
سوره را در هر شب بخواند باو نمیرسد فقر و فاقه هرگز و از حضرت امام محمد باقر مرویست
که کسیکه این سوره را پیش از آنکه بخوابد بخواند روز قیامت خدا را ملاقات کند
در حالیکه روی او مثل ماه شب چهارده باشد و از حضرت صادق مرویست کسیکه
این سوره را بخواند در هر شب جمعه خدای تعالی او را دوست میدارد و مردم او را دوست
او میکردانند و هرگز در دنیا فقر و فاقه و آفتی از آفات دنیا باو نمیرسد و آخرت او
رفقای امیر المؤمنین خواهد بود **الحدید** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند
در زمره جماعتی باشد که ایمان آورده اند بخدا و پیغمبر او و از حضرت صادق مرویست
که کسیکه سوره‌های مسبحات را پیش از آنکه بخوابد بخواند نمیرد تا درک صاحب الزمان کند
و اگر بمیرد در جوار پیغمبر باشد و مسبحات عبارتست از پنج سوره که آن سوره حدید
و حشر و صف و جمعه و تغابن است **المجادله** در خبر است که کسیکه این سوره را بخواند
در روز قیامت او را از جمله رستگاران نویسند و از حضرت صادق مرویست کسیکه
این سوره را و حدید را در نمازهای واجب بخواند و بر آن مداومت کند خدا هرگز او را
عقاب نکند و در نفس او و اهل او بدی نبیند **الحشر** در فضل آخر سوره حشر از
پیغمبر مرویست که کسیکه لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره بخواند اگر در آن شب بمیرد
شهید مرده باشد و نیز از آنحضرت مرویست که اسم اعظم در شش آیه آخر سوره حشر است

و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه آخر حشر را بخواند در شب یا روز پس اگر در آن شب
یا روز بمیرد واجب میشود از برای او جنت و آمرزیده میشود گناهان گذشته
و آینده او و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه در وقت صبح سه بار بگوید اعوذ
بالله من الشیطان الرجیم و سه آیه از آخر حشر بخواند خدا هفتاد هزار ملک را موکل
میکند با او که تا شب بر او صلوات فرستند و اگر در آن روز بمیرد شهید مرده باشد
و کسیکه در وقت شام بخواند همین منزلت است از برای او و از پیغمبر مرویست کسیکه
این سوره را بخواند صلوات فرستند باو و استغفار کنند از برای او جنت و جهنم و عرش
و کرسی و آسمانها و زمینها و آنچه در میان آسمانها و زمین است و سباع و هوام و بادها
و بارانها و اشجار و دواب و آفتاب و ماه و ملائکه و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید
بمیرد و از حضرت صادق مرویست که کسیکه سوره حشر و الرحمن را در وقت شب بخواند
خدا موکل میسازد بدر خانه او ملکی را که آن ملک شمشیر خود را کشیده خانه او را
پاس میدارد تا آنکه صبح شود **الممتحنه** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند
جمیع مؤمنین و مؤمنات شفیع او خواهند بود در روز قیامت و از امام زین العابدین
مرویست که کسیکه این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند خدا امتحان کند دل او
را از برای ایمان و نورانی گرداند چشم او را و هرگز باو و اولاد او فقر و جنون نرسد **الصف**
از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند تا در دنیا است حضرت عیسی بر او صلوات
فرستد و از برای او استغفار کند و در روز قیامت رفیق او حضرت عیسی باشد و از
حضرت باقر مرویست که کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره در فرایض و نوافل
خدا در قیامت او را در صف ملائکه و انبیاء مرسلین جا دهد **الجمعه** از پیغمبر مرویست
که کسیکه این سوره را بخواند بعدد آنکسانیکه در شهرها اتیان بنماز جمعه کرده اند
و آنکسانیکه اتیان بنماز جمعه نکرده اند بعدد هر یک ده حسنه باو دهند و از صادق
مرویست که فرمود که واجبست بر هر مؤمنی که شیعه ماست اینکه در شب جمعه سوره
جمعه و اعلی بخواند و در ظهر جمعه سوره جمعه و منافقین بخواند پس چون چنین کند
عمل پیغمبر بجا آورده باشد و ثواب و جزای او جنت است **المنافقون** از پیغمبر مرویست
که کسیکه این سوره را بخواند از شک و نفاق بری میشود **التغابن** از پیغمبر مرویست که

کسیکه در فرایض و نوافل خود این سوره را بخواند در روز قیامت این سوره
شفیع او خواهد بود و شاهد عادل خواهد بود بر خوبی قاری خود نزد کسیکه
او را قبول کند و بعد از آن از قاری خود جدائی نکند تا آنکه او را داخل جنت کرداند
الطلاق از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند بر سنت پیغمبر بمیرد و از صادق
مرویست که کسیکه این سوره را در نماز فریضه با سوره تحریم بخواند در روز قیامت
در پناه خدا باشد از حزن و خوف و آتش جهنم و خدای تعالی بواسطه تلاوت این دو سوره
و محافظت او بر این دو سوره او را داخل جنت کرداند زیرا که این دو سوره از
پیغمبر است **التحریم** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدا توبه نصوح باو
کرامت میکند **الملک** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند مثل آنست که
شب قدر را احیا کند و این سوره نگاه دارنده و نجات دهنده است صاحب خود
از عذاب قبر و از حضرت باقر مرویست که هر کس که در هر روز و هر شب این سوره بخواند چون
در قبر نکیر و منکر از طرف پای او در آیند پاهای او گویند بنکیر و منکر که شما را از
نزد من راهی نیست زیرا که او در هر روز و هر شب سوره ملک را خوانده است و بعد
از آن نکیرین از طرف جوف او در آیند از آنجا نیز این حرف را شنوند پس از طرف زبان او
در آیند و از آنجا نیز همین کلام را شنوند و این سوره در توریة مکتوبست و کسیکه
این سوره را در شب بخواند و مواظبت کند بر آن از جمله غافلان ننویسند او را و این
سوره مانع است از عذاب قبر و از حضرت صادق مرویست کسیکه این سوره را قبل از نوم
در نماز مکتوبه بخواند تا صبح در امان خداست و همیشه در امان خداست تا داخل جنت
شود **ن** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره بخواند عطا کرده شود ثواب جماعتی که
اخلاق ایشان خوبست و از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره را در فرایض
و نوافل خود بخواند هرگز فقر باو راه نیابد و خدا او را از ضغطه قبر ایمن میگرداند **الحاقة**
از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدا حساب او را آسان کند و از حضرت
باقر مرویست که بسیار این سوره را تلاوت کنید در فرایض و نوافل خود زیرا که
این از علامت ایمان بخدا و رسول اوست و سلب نمیشود ایمان قاری این سوره تا آنکه
بمیرد **المعارج** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند داده میشود باو ثواب جماعتی

که با مانتها و وعدهای خود رعایت کرده اند و جماعتی که بر نماز خود محافظت کننده اند
و از حضرت باقر مرویست که کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره در روز قیامت
از کاریکه کرده است پشیمان نمیشود و خدا او را با محمد و آل او در جنت خود ساکن کرداند
نوح از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند از جمله مؤمنانی خواهد بود
که دعوت نوح ایشان را درک کرده است و از حضرت باقر مرویست که کسیکه ایمان
بخدا و کتاب او ایمان آورده است قرائت این سوره را ترک نمیکند **الجن** از پیغمبر مرویست که
کسیکه این سوره را بخواند بخشیده میشود بعدد هر جنی و شیطانیکه تصدیق و تکذیب
پیغمبر کرده اند ثواب آزادی بنده و از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره را بسیار
بخواند در ایام حیوة او افسون و کید و چشم زخم باو نرسد و در قیامت با محمد و آل او
باشد **المزمل** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند دفع کرده میشود از او
دشواری دنیا و آخرت و از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره را در نماز
خفتن یا در آخر شب بخواند آن شب و روز با این سوره شهادت خواهند داد بخوبی او و خدا
او را حیوة طیبه میدهد و در وقت مرگ میته طیبه خواهد داد **المدثر** از پیغمبر مرویست
که کسیکه این سوره را بخواند بخشیده میشود ده حسنه بعدد هر کس که تصدیق و تکذیب
کرده است پیغمبر را در مکه معظمه و از حضرت باقر مرویست که کسیکه این سوره را
در نماز فریضه بخواند بر خدا واجبست که او را با محمد در درجه او جا دهد و در دنیا
هرگز او را شقاوت در نیابد **القیمة** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند
در روز قیامت من و جبرئیل گواهی میدهیم که او بروز قیامت ایمان داشت و از حضرت
صادق مرویست که کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره و عمل باین سوره کند
خدا بر می انگیزاند این سوره را با او در قبر از خوبترین صورتیکه در روی او خندد و او را
بشارت دهد تا آنکه از صراط و میزان بگذرد **الدهر** از پیغمبر مرویست که کسیکه این
سوره را بخواند در دیوان عمل او نوشته میشود که جزای او نزد خدا جنت و حریر خواهد
بود و از حضرت باقر مرویست که کسیکه در صبح روز پنجشنبه این سوره را بخواند خدا
صد حور العین باکره را باو تزویج کند و رفیق پیغمبر باشد **المرسلات** از پیغمبر مرویست کسیکه
این سوره را بخواند در دیوان عمل او نوشته میشود که او از جمله مشرکان نیست و از حضرت

صادق مرویست که هر کس که این سوره را بخواند خدا میان او و پیغمبر الفت و آشنائی
اندازد **النبأ** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند حق تعالی در قیامت آب سرد
گوارا باو دهد و از حضرت صادق مرویست که کسیکه مداومت کند بر خواندن این
سوره در هر روز در همان سال زیارت بیت الله نصیبش شود **النازعات** از پیغمبر
مرویست که کسیکه این سوره را بخواند حساب او در روز قیامت بقدر یک نماز واجب
خواهد بود و بعد از آن او را داخل جنت سازند و از حضرت صادق مرویست که هر کس
این سوره را بخواند نمیرد مگر سیراب و مبعوث نشود مگر سیراب **عبس** از پیغمبر
مرویست که کسیکه این سوره بخواند روز قیامت خندان و مستبشر باشد و از حضرت
صادق مرویست که کسیکه سوره عبس و تکویر را بخواند در جنت در ظل و کرامت خدا
باشد **التکویر** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی در وقتیکه صحیفه
او را بگشاید او را رسوا نکند و کسیکه خواهد که در روز قیامت بسوی من نگاه کند
باید که این سوره را بخواند و حدیث پیغمبر که فرموده است شیبتنی هود تا آخر آن
در فضل قرائت هود گذشت **الانفطار** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند
نوشته میشود از برای او بعدد هر قطره باران که از آسمان نازل میشود و بعدد هر
قبری یکحسنه و در روز قیامت خدای تعالی کار او را باصلاح آورد و از صادق
مرویست که کسیکه سوره انفطار و انشقاق را بخواند در نماز فریضه و نافله این
دو سوره را نصب العین خود سازد هیچ چیز میان او و خدا حجاب نشود و همیشه خدا
بنظر رحمت باو نظر کند تا وقتیکه مردم از حساب فارغ شوند **التطفیف** از پیغمبر مرویست
که کسیکه این سوره را بخواند خدا در روز قیامت از رحیق مختوم باو دهد و مرویست
از صادق که کسیکه در نماز فریضه مداومت کند بر قرائت این سوره خدای تعالی
او را از آتش جهنم و از هول حساب روز قیامت ایمن میگرداند و مرور او بر جسر
جهنم واقع نمیشود **الانشقاق** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند کتاب
او را از پس پشت نیاورند **البروج** از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند
بخشیده میشود از اجر بعدد هر روز جمعه و هر روز عرفه که در دنیا است ده حسنه
و از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره را در فرایض خود بخواند در روز

قیامت

قیامت با انبیا محشور شود زیرا که این سوره تعلق دارد بانبیا **الطارق** از پیغمبر
مرویست که کسیکه این سوره را بخواند بخشیده میشود بعدد هر ستاره که
در آسمانست ده حسنه و از حضرت صادق مرویست که کسیکه در نماز فریضه
این سوره را بخواند او را نزد خدای تعالی جاه و منزلت عظیم خواهد بود و از رفقای
پیغمبر در جنت باشد **الاعلی** از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند
بخشیده میشود از اجر بعدد هر حرفی که بر ابراهیم و موسی و عیسی و محمد نازل شده
ده حسنه و از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره را در فرایض و نوافل
خود بخواند در روز قیامت باو گویند که از هر دریکه میخواهی داخل جنت شو
از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی حساب او را آسان کند و از
حضرت صادق مرویست که کسیکه بر خواندن این سوره مداومت کند در فرایض
و نوافل خود خدای تعالی او را بپوشاند برحمت خود در دنیا و آخرت و در روز قیامت
او را از عذاب خود ایمن میگرداند **الغاشیه** از پیغمبر مرویست که کسیکه ده شب
ماه ذیحجه این سوره بخواند خدای تعالی او را بیامرزد و کسیکه در روزهای
دیگر این سوره را بخواند این سوره در روز قیامت نوری خواهد بود از برای او
و از حضرت صادق مرویست که کسیکه در فرایض و نوافل خود این سوره را بخواند
در جنت با امام حسین در یک درجه خواهد بود زیرا که این سوره امام حسین است
الفجر از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند در روز قیامت از غضب
الهی ایمن خواهد بود و از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره را در فرایض
خود بخواند در دنیا معروف خواهد شد باینکه از جمله صالحانست و در آخرت
معروف خواهد بود بآنکه او را نزد خدای تعالی منزلت و مرتبه بزرگست و از
رفقای انبیا و شهدا و صلحا خواهد بود **البلد** از پیغمبر مرویست که کسیکه این
سوره را بخواند گویا که تصدق کرده است بهر چیزیکه آفتاب و ماه بر آن میتابد و
از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره را و و اللیل و و الضحی و الم نشرح
بسیار بخواند در روز یا در شب هر چیزیکه نزد او حاضر است حتی مو و پوست و
گوشت و خون و رگها و استخوان و جمیع آنچیزیکه از زمین برداشته است در روز قیامت

از برای او شهادت خواهند داد بخوبی و خدای تعالی میفرماید که من شهادت
شما را قبول کردم از برای بنده خود و او را ببرید بجنت تا اختیار کند هر جا را که
خواهد که او را باشد. والليل از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند
خدای تعالی چندان ثواب باو ببخشد که او راضی شود و او را از عسر و تنگی نجات
دهد و مهمات او را بر او آسان کند. والضحی از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره
بخواند از جماعتی خواهد بود که خدای تعالی راضی است که محمد شفاعت کند از
برای او و او را خواهد بود بعدد هر یتیم و هر سائلی ده حسنه. الم نشرح از پیغمبر
مرویست که کسیکه این سوره را بخواند بخشیده میشود و اجر مثل آنکسیکه ملاقات
کرده باشد با پیغمبر در حالتیکه مغموم باشد آنحضرت و او رفع غم آنحضرت کند.
التين از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی در حیات او
دو خصلت باو کرامت کند عافیت و یقین و چون بمیرد خدای تعالی به بخشد
بعدد آنکسیکه این سوره را میخواند روزه یکروز و از حضرت صادق مرویست
که کسیکه این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند از جنت چندان باو دهند که
او راضی شود. العلق از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند ثواب آنکسی دارد
که کل مفصل را خوانده باشد و از حضرت صادق مرویست که کسیکه این سوره
بخواند در روز یا در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و شهید برانگیخته شود
و ثواب کسی دارد که با پیغمبر بجهاد رفته باشد. القدر از حضرت امام محمد باقر علیه
مرویست که فرمود که سوره قدر را زبان قدری است و خدای تعالی در آن روح
می دمد چنانکه در آدم دمید و در بیت المعمور هر روز هزار ملک این سوره را
طواف می کنند و او را تعظیم می کنند تا شب و این سوره را در نزد هر قایمه از
قوایم عرش صد هزار ملک طواف و تعظیم می کنند تا روز قیامت و این سوره در
خزائن رحمت الهی است و از حضرت صادق مرویست که این سوره را حفظ کند
مثل آنست که جمیع علوم را حفظ کرده باشد و نیز از آنحضرت مرویست که این
سوره کنج اهل فقر و فاقه است و از آنحضرت مرویست که کسیکه در وقت دخول
خانه و در وقت خروج از خانه این سوره را بخواند شیطان از او منصرف میشود و از

پیغمبر

پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره بخواند مثل آنست که تمام ماه رمضان را
روزه داشته باشد و شب قدر را احیا کرده باشد و از حضرت امام جعفر
صادق مرویست که کسیکه این سوره را در فریضه از فرایض بخواند ندا کرده
میشود که ای بنده خدای تعالی گناهان گذشته تو آمرزیده شد عمل خود را از سر گیر
و از حضرت باقر مرویست که کسیکه این سوره را بلند بخواند ثواب کسی دارد که شمشیر
خود را برهنه کرده در راه خدا جهاد کند و کسیکه این سوره را آهسته بخواند
مثل کسی است که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و کسیکه این سوره را ده
بار بخواند خدای تعالی هزار گناه او را بیامرزد. البينة از پیغمبر مرویست که کسیکه این
سوره بخواند در روز قیامت مشهد و محفل او با بهترین مردم خواهد بود و نیز از
آنحضرت مرویست که فرمود که اگر مردم ثواب این سوره را بدانند اهل و عیال را بی
گذارند و بتعلیم این سوره مشغول میشوند و این سوره هرگز منافق و کسیکه در دل
او شکی باشد نمیخواند و از آنروزیکه خدا آسمان و زمین را خلق کرده است ملائکه
مقربین این سوره را میخوانند و هر بنده که این سوره را در شب بخواند خدا بر میانگیزاند
ملائکه چند را که دین او را نگاه دارند و دعا کنند از برای او بمغفرت و رحمت و اگر
در روز این سوره را بخواند داده میشود از ثواب آنچیزیکه ضوء نهار و ظلمت شب بر آن
واقع میشود و از امام محمد باقر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند از شرک بری
شود و داخل میشود در دین پیغمبر و خدا او را بر میانگیزاند و حساب او را آسان
میکند. الزلزلة از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را بخواند مثل آنست که سوره
البقرة را خوانده است و ثواب قرائت ربع قرآن باو میدهند و از حضرت صادق
مرویست که کسیکه در نوافل خود این سوره را بخواند هرگز زلزله و صاعقه و آفتی
از آفات دنیا باو راه نیابد و چون بمیرد امر شود که او را بجنت برند. العادیات از پیغمبر
مرویست که کسیکه این سوره را بخواند بخشیده میشود و اجر بعدد هر کسی بیتوته
کرده باشد بمزدلفه و در مشعر الحرام حاضر شده است ده حسنه و از حضرت صادق
مرویست که کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره خدای تعالی او را در روز قیامت
با علی برانگیزاند و از رفقای علی باشد. القارعة از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را

بخواند خدای تعالی او را در قیامت میزان او را ثقیل کرداند و از حضرت باقر مرویست
که کسی که این سوره را بخواند خدای تعالی او را از فتنهٔ دجال و از اینکه ایمان بافی
آورد ایمن میسازد و از فیح جهنم نیز ایمن میشود **التکاثر** از پیغمبر مرویست که کسی که این
سوره را بخواند خدای تعالی یعنی که با او داده است از او حساب نمیطلبد و مثل
آنست که هزار آیه از قرآن خوانده باشد و از حضرت صادق ع مرویست که کسی که
این سوره را در نماز فریضه بخواند ثواب صد شهید خدا دهد و نیز از پیغمبر مرویست که
کسی که این سوره را در وقت خواب بخواند نگاه داشته میشود از فتنهٔ قبر **العصر**
از پیغمبر مرویست که کسی که این سوره را بخواند خاتمه عمر او بصبر خواهد بود و در روز قیامت
با اصحاب حق خواهد بود و از حضرت صادق ع مرویست که کسی که این سوره را در
نوافل خود بخواند خدا او را برانگیزاند در حالیکه روی او درخشنده بود و دندان
خندان و چشم او روشن باشد تا آنکه داخل جنت شود **الهمزة** از پیغمبر مرویست که
کسی که این سوره را بخواند بخشیده میشود از اجر بعدد هر کس که بر پیغمبر و اصحاب
او استهزا کرده است ده حسنه و از حضرت صادق ع مرویست که کسی که این سوره را
در فریضه از فرایض خود بخواند فقر از او زایل میشود و رزق او واسع میشود و دفع
میشود از او مردن بد **الفیل** از پیغمبر مرویست که کسی که این سوره را بخواند خدای
تعالی در ایام حیوة او او را عافیت میدهد از قذف و مسخ و از حضرت صادق ع مرویست
که کسی که این سوره را بخواند در فرایض خود در روز قیامت از برای او شهادت میدهند
زمین هموار و هر سنگ و کلوخی آنکه او از جملهٔ مصلیان است و بیحساب داخل جنت شود
قریش از پیغمبر مرویست که کسی که این سوره را بخواند بخشیده میشود از اجر ده حسنه
بعدد هر کسی که طواف کعبه کرده است و در کعبه اعتکاف کرده است و از حضرت
صادق ع مرویست که کسی که این سوره را بسیار بخواند خدای تعالی او را در روز قیامت
برانگیزاند در حالیکه سوار باشد بر مرکبی از مراکب جنت و سواره بجنت در آید
تا آنکه در جنت بنشیند بر موائد نور **الدین** از پیغمبر مرویست که کسی که این سوره را
بخواند خدای تعالی بیامرزد او را و تا دیر زکات میکند و از باقر ع مرویست که کسی که
این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند خدا نماز و روزهٔ او را قبول میکند و آنچه در

دنیا از او صادر شده است با او حساب نمیکند **الکوثر** از پیغمبر مرویست که کسی که این
سوره را بخواند خدای تعالی از انهار جنت او را آب دهد و ببخشد با او از اجر بعدد
هر قربانی که بندگان در عید اضحی قربان کرده اند و قربانی خواهند کرد و
از حضرت صادق ع مرویست که کسی که این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند
خدای تعالی او را از کوثر آب دهد در زیر درخت طوبی و پیغمبر با او حدیث کوید **الجحد**
از پیغمبر مرویست که کسی که این سوره را بخواند کویا ربع قرآن را خوانده است و کردن کشان
شیاطین از او دور میشوند و از شرک بری میشود و از فزع روز اکبر معاف خواهد
بود و نیز از آنحضرت مرویست که کسی که این سوره را در وقت خواب بخواند و بخوابد
از شرک بری میشود و از حضرت صادق ع مرویست که کسی که سوره جحد و توحید را
در فریضه از فرایض خود بخواند خدا او را و پدر و مادر او را و اولاد او را بیامرزد **النصر** از پیغمبر
مرویست که کسی که این سوره را بخواند ثواب کسی دارد که با پیغمبر در فتح مکه حاضر
شده است و از حضرت صادق ع مرویست که کسی که این سوره را بخواند در فریضه یا
نافلهٔ خود بخواند خدا او را بر اعدای او نصرت دهد **تبت** از پیغمبر مرویست که کسی که
این سوره را بخواند امید دارم که خدا جمع نکند میان او و ابی لهب در یک خانه و از
حضرت صادق ع مرویست که هرگاه کسی این سوره را بخواند باید که بر ابی لهب نفرین
کند زیرا که او تکذیب کرده است محمد را **الاخلاص** از پیغمبر مرویست که کسی که این
سوره را بخواند کویا که ثلث قرآن را خوانده است و بعدد هر کس که ایمان آورده است
بخدا و ملائکه و کتب و رسل و روز قیامت ده حسنه باو دهند و از آنحضرت
مرویست که کسی که یک نوبت این سوره را بخواند برکت داده میشود و اکر دو بار
بخواند برکت داده میشود باو و باهل او و اکر سه بار بخواند برکت داده میشود باو و باهل
او و جمیع همسایههای او و از حضرت علی ع مرویست که کسی که یازده بار این سوره را بعد
از نماز صبح بخواند در آن روز گناهی از او صادر نمیشود و بینی شیطان را بخاک میمالد
معوذتین از پیغمبر مرویست که اکر کسی این سوره را بخواند و سورهٔ ناس کویا که جمیع کتبی را
که خدا به پیغمبران فرستاده است خوانده است و حضرت پیغمبر امر کرد بقرائت این دو سوره
در وقت خواب و در وقت بیدار شدن از خواب و از حضرت باقر مرویست که کسی که

در نماز وتر این دو سوره را و توحید بخواند گفته میشود مر او را که ای بنده خدا
وتر تو را خدا قبول کرد الناس فضیلت آن دو سوره فلق مذکور شد تتمه از حضرت
امام محمد باقر مرویست که کسیکه در شب ده آیه از قرآن بخواند او را از غافلان
ننویسند و اگر پنجاه آیه بخواند او را از ذاکران نویسند و اگر صد آیه بخواند او را از
قانتان نویسند و اگر دویست آیه بخواند او را از خاشعان نویسند و اگر سیصد آیه
بخواند او را از فایزان نویسند و اگر پانصد آیه بخواند او را از مجتهدان نویسند و اگر
هزار آیه بخواند از برای او یک قنطار از اجر نویسند و قنطار عبارتست از پنج هزار مثقال
و مثقالی بیست و چهار هزار قیراطست که کوچکترین آن مثل کوه احداست و بزرگترین
آن ما بین زمین و آسمانست و از پیغمبر مرویست که کسیکه در نماز ایستاده قرآن قرائت
کند بازاء هر حرفی صد حسنه باو دهند و کسیکه در نماز نشسته قرآن خواند هر حرفی
پنجاه حسنه باو دهند و کسیکه در غیر نماز قرآن بخواند بواسطه هر حرفی ده حسنه
باو دهند و از حضرت صادق مرویست که کسیکه قرآن را از روی مصحف بخواند خدا
او را متمتع و بهره ور سازد بچشم او و تخفیف شود در عذاب مادر و پدر او اگر چه
کافر باشند و اما ذکر بعضی از خواص سور قرآنیه پس ذکر میکنیم ما آنها را از کتاب
خواص و بعد بعضی از نسخ دیده ام که این خواص از حضرت صادق مرویست پس میگوییم
ما که سوره فاتحه شفای هر دردیست مگر مرگ و اگر این سوره را در ظرف طاهری بنویسند
و با آب باران بشویند و کسیکه بیمار است روی خود را با آن آب بشوید از آن کوفت
شفا یابد و اگر کسی خفقانی باشد و از این آب بخورد شفا یابد البقرة اگر کسی این
سوره را بر کسیکه او را دردی باشد یا او را چشم زده باشند یا صرع داشته باشد
یا فزع و ترس داشته باشد ببندد و بیاویزد آن امراض از او زایل شود آل عمران اگر کسی این
سوره را بزعفران و گلاب بنویسد و بدرختی بیاویزد میوه دهد و اگر بر زنی ببندد
آبستن شود النساء کسیکه دفن کرده باشد چیزی را و ضایع شود از او پس باید که بنویسد
از این سوره آیه ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات تا آخر آیه را در ظرف تازه و بشوید
آنرا باب باران و بپاشد در مکانیکه آن چیز را در آنجا دفن کرده ظفر می یابد بآن
و کسیکه بعد از بسمله سه بار آیه ربنا لا تزغ قلوبنا را تا آخر آیه بهر عددی که درد کند

بخواند از درد شفا یابد المائدة کسیکه این سوره را بنویسد و در منزل خود پنهان
کند و قفل خود گذارد چیزی از او نتوانند دزدید الانعام کسیکه در وقت سحر در
کاغذی این آیه را بنویسد که وان یمسسک الله بضر تا آخر آیه و بر کسیکه درد
پهلو یا درد دست داشته باشد ببندد شفا یابد الاعراف کسیکه این سوره را
بگلاب و زعفران بنویسد و بر خود آویزد از مار و درنده و دشمن و گمراه شدن
در راه ایمن باشد الانفال کسیکه این سوره را بر خود آویزد و بر حاکم یا بسته بر خصم
او از برای او حکم کند التوبة کسیکه این سوره را در میان متاع تجارت یا در میان
کلاه خود گذارد از دزد و سوختن ایمن شود یونس کسیکه از این سوره این آیه را
که واذا مس الانسان الضر تا آخر آیه در کوزه نوبسد و آن کوزه را پر از روغن زیت
خوشبو کند و آنرا بر آتش بجوشاند و بر پا و ساق کسیکه درد کند بمالد از
آن درد شفا یابد هود کسیکه از این سوره این آیه را که وقال ارکبوا فیها بسم الله
مجریها تا آخر آیه بنویسد بر تخته و آن تخته را بر مقدم کشتی نصب کند کشتی از
غرق محفوظ ماند یوسف کسیکه این سوره را بنویسد و سه روز در منزل خود گذارد
و بعد از آن بیرون برد و در دیوار بیرون خانه دفن کند رسول سلطان او را
طلب کند از برای حضرت سلطان و او را نزد سلطان جاه و منزلتی تمام حاصل شود
و کسیکه این سوره را بنویسد و بشوید و آب آنرا بیاشامد خدا آسان گرداند
روزی او را از هر جا الرعد از حضرت علی مرویست که کسیکه از این سوره این
آیه را و مثل کلمة خبیثة را تا آخر آیه و بست الجبال بسا فکانت هباء منبثا را در
نقصان ماه هفت بار بر بول بخواند از آن شفا یابد ابرهیم کسیکه این سوره را
در خرقه حریر سفیدی بنویسد و بر بازوی طفل ببندد از طفل ایمن میشود از ترس و
گریه و جمیع شرور الحجر کسیکه این سوره را بزعفران بنویسد و بشوید و آب آنرا بزنی
دهد که شیر او کم باشد شیر او فراوان شود و کسیکه این سوره را بنویسد و در
پهلو یا بازوی خود نگاه دارد بیع و کسب و رزق او بسیار شود النحل کسیکه این سوره را
بنویسد و در میان دیوار باغی گذارد بار جمیع درختهای آن باغ میریزد و اگر در منزل
جماعتی گذارد آن جماعت از آن منزل پراکنده شوند بنی اسرائیل کسیکه این سوره را در خرقه

جز سبزی گذاشته بر خود آویزد تیر او خطا نشود الکهف کسی که این سوره را بنویسد
و در میان شیشهٔ سرتنگی گذارد و در خانهٔ خود گذارد از فقر و قرض ایمن شود مریم
کسی که این سوره را در ظرف آبگینه پاکی گذارد و در منزل خود گذارد خیر آن منزل بسیار شود
و اصلا بدی بآن منزل راه نیابد و کسی که این سوره را بنویسد و بشوید و آب آن را بیاشامد
خوفی که دارد از آن زایل شود طه کسی که این سوره را با خود نگاه دارد و بسوی قومی رود
که ارادهٔ تزویج از ایشان دارد با او تزویج کنند و اگر خواهد که در میان دو کس که دشمنی است
الفت اندازد سخن او را قبول کنند و اگر در میان لشکر مخالف رود متفرق شوند و کسی که
این سوره را بنویسد و بشوید و بخورد و بر سلطان داخل شود از شر او ایمن شود و از نزدیک
او کرم دارد انبیاء کسی که بیمار باشد یا فکر بسیار و بیخوابی داشته باشد این سوره را بنویسد
و با خود دارد شفا یابد حج کسی که این سوره را بنویسد بر ورق آهو و در پهلوی کشتی گذارد
ایمن گردد بآن کشتی بادها و سالم بماند و هر که بنویسد آن را و در آب گذارد و آن آب را بریزد
در موضع والی یا قاضی آن والی و قاضی از آن منزل بیرون رود مؤمنون کسی که این سوره را
بنویسد در شب و در خرقهٔ حریر سبز گذارد و بر خود آویزد شراب نخورد و محبت شراب
از دل او بیرون رود نور کسی که این سوره را در فراش که در او میخوابد بگذارد محتلم
نشود و کسی که این سوره را در طشت مسی بنویسد و بشوید و آب آن را بر چهارپای بیمار دهد
و از آن آب را بر او بپاشد شفا یابد فرقان کسی که این سوره را بنویسد و با خود دارد و داخل شود
بر قومی که میان ایشان بیع و شرا باشد از هم متفرق شوند و حشرات الارض نزدیک موضع او
نیایند شعراء کسی که این سوره را بنویسد و بر خروس سفید ببندد و بزند او را رها کند
که آن خروس بایستد چون بکنند آن گنج یا سحری یافت شود النمل کسی که خواهد که [illegible]
در کار او نکنند آخر آیهٔ نمل را بخواند قصص کسی که این سوره را بنویسد و بر غلامی آویزد ایمن
آن غلام از زنا و گریختن و خیانت و همچنین اگر بر کسی که او را درد جگر و درد شکم و طحال باشد
ببندد و بر او بندد ایمن میشود از این اوجاع و اگر این سوره را بشوید با بطی از آن بیاشامد از جمیع امراض
خلاص شود عنکبوت کسی که این سوره را بشوید و بخورد از تب ربع و جمیع اوجاع خلاص شود
روم کسی که این سوره را در ظرف آبگینه سرتنگ گذارد و در منزل قومی گذارد و هر کس در آن
خانه باشد بیمار شود و اگر غریب باشد داخل آن خانه شود لقمان کسی که اوجاع باشد با خود

اندماغ او آید و بند نشود این سوره را بنویسد و بر او بندد از مرض زایل شود سجده
کسی که این سوره را بنویسد و در منزل والی بگذارد در همان سال معزول شود و اگر
این سوره را بر کسی آویزند ایمن میشود از تب و درد شقیقه احزاب کسی که این سوره را
بر ورق آهو بنویسد و در میان حقه بگذارد و آن حقه را در منزل خود گذارد دختران
او در آن زودی شوهر کنند سبا کسی که این سوره را در کاغذی بنویسد و در خرقهٔ سفیدی
گذارد و با خود نگاه دارد ایمن میشود از حشرات الارض و عقرب و تیر و سنگ و آهن فاطر
کسی که این سوره آیهٔ ان الذین یتلون کتاب الله را تا آخر آیه بنویسد در چهار خرقهٔ پشمینهٔ نوی
پاک و در میان متاع تجارت گذارد مال او نمو کند و سود کند یس کسی که این سوره را
بشوید و آب آن را بزنی دهد که شیر نداشته باشد شیر او فراوان شود و کسی که این سوره را بنویسد
و با خود دارد ایمن میشود از چشم بد و از جن و خوابهای خوب راست بسیار ببیند الصافات
کسی که این سوره را بنویسد و بشوید و با آب آن غسل کند اوجاع او زایل شود ص کسی که
این سوره آیهٔ ارکض برجلک تا آخر آیه بسیار بخواند در حال کند [illegible] آب از چاه
بیرون آید الزمر کسی که این سوره را بر بازوی خود ببندد محبوب خلایق گردد و همهٔ
مردم او را بذکر خیر یاد کنند المؤمن کسی که این سوره را در شب بنویسد و در دکان خود
بگذارد مشتری او بسیار شود و اگر در باغ خود گذارد میوهٔ او بسیار شود و اگر صاحب
دمل یا صاحب قروح با خود دارد شفا یابد فصلت کسی که این سوره را بنویسد به آب
باران بشوید و سرمه را با آب آن بساید و بچشم کشد از رمد و بیاض و اوجاع آن شفا یابد
الشوری کسی که این سوره را بنویسد و بشوید و آب آن را در سفر بخورد که تشنه شود
و اگر از آن آب بر مصروع بپاشد شیطان از او بسوزد و دیگر بسوی او عود نکند الزخرف
اگر آب او را بزنی دهند که با شوهر خود مخالفت کند اطاعت شوهر کند و اگر کسی قبض
باشد از این آب بخورند گشوده شود و کسی که این سوره را با خود دارد از شر [illegible] ایمن شود و
اگر در زیر سر گذارد و بخوابد خوابهای خوب بیند الدخان کسی که این سوره را با خود دارد از
همه شرورها ایمن باشد و در نظرها با هیبت باشد مردم او را دوست دارند و اگر کسی این
سوره را بشوید و آب آن را بیاشامد ایمن شود از شر هر سخن چینی و اگر بر طفلی ببندد آن
طفل ایمن میشود از جن و حشرات الارض الجاثیة کسی که این سوره را با خود دارد ایمن شود

از هر مجذوری واگر هر روز بر سه هدا از شر جن ایمن شود الاحقاف کسیکه این سوره را در صحیفه
نویسند و با آب زمزم بشویند و بیاشامد نزد مردم وجیه و محبوب شود و حفظ او قوی شود
محمد کسیکه این سوره را در جنگ بخود آویزد منصور شود و کسیکه آنرا بشوید بخورد
ترس از او زایل شود و کسیکه در دریا بخواند از غرق ایمن شود فتح کسیکه این سوره را
بر خود آویزد از سلطان ایمن شود و اگر بر دیوار یا خانه آویزد شیطان نزدیک او نرود
و اگر زنی این سوره را بشوید و آب آنرا بیاشامد شیر او بسیار شود الحجرات هرگاه این سوره را
در مکانی بیاویزند شیطان با آن مکان نزدیکی نکند و اگر بر مصروع بندند شیطان با او عود
نکند ق کسیکه این سوره را بر صحیفه بنویسند و با آب باران بشویند و خائف یا کسیکه را
شکم یا دهن درد کند از آن بخورد الم او زایل شود و اگر از آن آب دهن طفلی را بشویند دندان
او بی آزار بیرون آید الذاریات هرگاه آنرا بر زنی که درد زاییدن دارد ببندند وضع حمل
باسانی شود الطور اگر کسی در بند باشد و این سوره بسیار بخواند زود بیرون آید و اگر
مسافر باشد بخواند از آفات سفر ایمن باشد النجم این سوره هرگاه آیه افمن هذا الحدیث
تا سامدون بنویسند و بر اطفال ببندند گریه نکنند القمر کسیکه در روز جمعه در وقت
نماز ظهر این سوره را بنویسند و در زیر عمامه خود گذارند نزد مردم محبوب و مقبول گردد
الرحمن کسیکه این سوره را بنویسند و بشویند و آب آنرا بخورند از برای دندیل و طحال
نفع دهد و اگر بر مصروع یا صاحب رمد ببندند شفا یابد و اگر بر دیوار خانه نویسند هوام
و حشرات الارض از آنخانه برفتند الواقعه اگر این سوره را بر زنی ببندند باسانی حمل بر زمین نهد الحدید
کسیکه این سوره را بر خود ببندد ایمن شود در جنگ از حدید و اگر بر پیکان تیر و مثل آن
خوانند بی الم از بدن مجروح بیرون آید و اگر ورم و قروح و جرح و باد سرخ را با آب آن بشویند
شفا یابد و اگر از خصم آنرا با خود داشته باشد از او ایمن باشد المجادله کسیکه نزد مریض این سوره را بخواند
کوفت و ساکن شود و اگر در میان حبوب و ثمار مثل جو و گندم گذارند فاسد نشود و اگر
کسی آنرا بخواند از هر بدی محفوظ ماند الحشر کسیکه این سوره را بر جام آبگینه نویسد و با آب
باران بشوید و بخورد حفظ نیکی نصیب او شود الممتحنه اگر این سوره را سه روز متوالی
بنویسند و بطحول دهند الم او زایل شود الصف کسیکه در سفر بر قرائت این سوره مداومت
کند محفوظ ماند تا برگشتن از آن سفر الجمعه کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره در

شب و روز جمعه در وقت صبح و شام از وسوسه شیطان ایمن شود المنافقون
کسیکه این سوره را بر دمامیل بخواند شفا یابد التغابن کسیکه این سوره را بخواند
و بر حاکمی داخل شود شر او کفایت شود الطلاق اگر این سوره را بنویسند و بشویند و آب
آنرا بر موضعی بپاشند جدال و قتال در آن موضع بهم رسد و فراق در میان اهل آن
منزل بهم رسد التحریم هرگاه این سوره را بر مریض یا مار گزیده یا مصروع یا کسیرا که
شب خواب نبرد بخوانند الم از او زایل شود و کسیکه مداومت کند بر قرائت این
دینی بر او باقی نماند الملک اگر بر میتی بخوانند تخفیف شود از میت و نجات یابد از عذاب
قبر القلم هرگاه آنرا بیاویزند کسیکه دندان درد داشته باشد یا درد سر داشته
باشد الحاقه بر زن حامله این سوره را بیاویزند جنین که در شکم او باشد از هر آفتی محفوظ
باشد و وقت وضع حمل اگر آب آنرا بطفل دهند صاحب فطانت و زیرک شود و از
حشرات الارض و شیطان محفوظ ماند المعارج کسیکه این سوره را بخواند از احتلام و
خوابهای ترسناک ایمن شود تا صبح نوح کسیکه در شب و روز مداومت بر قرائت این سوره
کند بهر حاجتیکه توجه کند بر آورده شود الجن کسیکه این سوره را بشوید و آب آنرا بنوشد
و آنرا بپاشد بهر چیزیکه بشود فراگیرد و غالب شود بر کسیکه با او مناظره کند و در
موضعیکه این سوره خوانده شود جن از آنجا منهزم میشود و کسیکه این سوره بخواند و بر حاکمی
داخل شود از شر او ایمن شود و اگر بر محروقی بخوانند از آفات محفوظ ماند و اگر اسیری بر
او بخواند آزاد شود و اگر قرضداری بخواند قرض او ادا شود المزمل کسیکه مداومت بر قرائت
این سوره کند پیغمبر را در خواب ببیند المدثر کسیکه بر قرائت این سوره مداومت کند و در آخر
آن حاجت خود را از خدا طلبد حاجت او روا شود و اگر حفظ قرآن خواهد حفظ کند
القیمه قرائت این سوره تقویت قلب کند و اگر کسی این سوره را بشوید و آب آنرا بخورد
ضعف او مبدل شود بقوت المرسلات کسیکه این سوره را در خصومتی بخواند بر خصم
خود غالب شود و اگر بر خود بیاویزد دمل او زایل شود النبا کسیکه این سوره را بر
ورق آهو نویسد بزعفران و گلاب با خود دارد در خواب و شپش از او کم شود و حفظ او
زیاده شود و اگر بر بازوی خود ببندد او را قوت عظیمی بهم رسد و کسیکه او را مرض بطن باشد
و آب آنرا بخورد زایل شود النازعات کسیکه این سوره را در برابر دشمن یا سلطان بخواند از شر او

ایمن شود عبس کسیکه این سوره را با خود دارد و بسفر رود در راه خیر بیند با و
و تمام او کفایت شود و اگر این سوره را سه روز هر روز هفت بار بر چشم بخوانند که آب
او فرو رفته باشد آب چشم فراوان شود و اگر کسی چیزی در جائی دفن کرده شود
و نداند مکان آنرا چون این سوره را بخواند خدا او را بآن مکان راه نماید کورت اگر کسی این
سوره را بر چشمهای خود بخواند چشمهای او قوت بهم رساند و رمد و شب کوری از او زایل شود
انفطرت اگر کسی را زن در زندان باشد یا اسیر شده باشد یا از کسی ترسد چون این سوره را بخواند
خلاص شود المطففین اگر بر مخزون بخوانند از آفات محفوظ باشد الانشقاق اگر بر زنی باردار بندند
ولادت او آسان شود و چون حمل و شود فی الفور او را جدا کنند و اگر این سوره را بر
بای بخوانند از آفات محفوظ ماند و اگر بر کرم بخوانند ساکن شود و هرگاه بر دیوار خانه
بخوانند حشرات الارض از آنخانه دور شوند و همچنین هرگاه آنرا در طشت نو بنویسند
و بگلاب بشویند و در خانه که حشرات الارض باشد بپاشند آن حشرات از آنجا بروند
البروج کسیکه این سوره را بر فراش خود بخواند محفوظ ماند و اگر وقت بیرون رفتن
از منزل خود بر منزل خود دمد او و خانه او و اهل آنخانه و مال او محروس و محفوظ ماند الطارق
اگر کسی با آب زخم جراحت بشوید دمد آن ساکن شود و دیگر خون او گشوده نشود و این سوره
بر هر شربتی که بخوانند و بیاشامند آنرا قی نکند الاعلی اگر این سوره را بر نواسیر
بر موضع متیقع بخوانند یا بر گوش که درد کند آن مرض زایل شود الغاشیة هرگاه این سوره
بر خوردنی بخوانند ضرر نکند و اگر بر مولود خوانند خدا آنرا سالم گرداند الفجر اگر
کسی این سوره را یازده نوبت بر ذکر خود خواند و با زن خود مجامعت کند خدا باو ولد
روزی کند که باعث روشنی چشم او باشد البلد کسیرا که در خیشوم الم باشد آب آنرا
هرگاه سعوط کند آن الم زایل شود و اگر بر دو متیکه ولد متولد شود این سوره را بر او
بندند آن طفل ایمن شود از نقص الشمس آب این سوره را اگر کسی بخورد زیرا و ساکن
شود اللیل این سوره را بر گوش مصروع خوانند صرع از او زایل شود الضحی اگر کسی
چیزی فراموش کرده باشد این سوره را بخواند آنرا بیاد آرد الم نشرح کسیرا که سنگ
مثانه باشد و این سوره را بخواند سنگ مثانه از او زایل شود و مثانه او مفتوح شود و
برودت نفع دهد اگر کسی را درد سینه باشد یا درد دل این سوره را بخوانند درد او

ساکن شود التین کسیکه این سوره را بر طعامی بخواند خدا در آن طعام شفا خلق کند
العلق کسیکه این سوره را در دریا بخواند سالم ماند القدر اگر کسی این سوره را
بشوید و آب آنرا بخورد خدا باو نور چشم و یقین قلب و حکمت روزی کند و اگر این
سوره را مهمومی یا مریضی یا مسافری یا مسجونی بخواند بمطلب خود برسد و اگر بر بذر
بخوانند آن زرع برکت داده شود و اگر بر روغن گل بخوانند و بشیر زن مخلوط ساخته
و سعوط کنند بلغم را نفع دهد و هرگاه آیینه آهن را خوب جلا دهد و سوره
را بزعفران بر آن نویسند و کسیکه لقوه داشته باشد بخانه تاریک داخل شود
و مکرر بآن نگاه کند شفا یابد و اگر این سوره را در کوزه نویسند و با آب باران
بشویند و اندکی از شکر با خل او کنند و بخورند کسی دهند که درد جگر داشته
باشد شفا یابد و کسیکه نزد زوال شمس صد بار این سوره را بخواند حضرت پیغمبر را
در خواب ببیند و کسیکه در هر شب جمعه صد بار بخواند هرگز فقیر نشود و کسی که
اراده حج کند جامه نوی بپوشد و قدحی از آب فرا گیرد و سی و پنج بار این سوره را بر آن
بخواند و از آن آب بر آن بپاشد و بعد از آن چهار رکعت نماز کند بدو سلام و در این
حمد و هر سوره که خواهد بخواند و بعد از آن از خدا توفیق حج را طلب کند خدا حج را
روزی او کند البینة هرگاه این سوره را بشویند و آب آنرا بزن حامله دهند
زاید و اگر این سوره را بشویند و آب آنرا بزن حامله دهند بسلامت بزاید و اگر
این سوره را بر صاحب یرقان بپاشند یا بر صاحب بیاض عین بعد از آنکه از آب آن
آشامیده باشند شفا یابند و قرائت این سوره شر طعام مسموم را دفع میکند و
هرگاه از سر چهار راه یک کف خاک بردارند و این سوره را بر آن بخوانند و آن خاک را
در میان جماعتی بپاشند که ضلالت جمع شده باشند از هم متفرق شوند و هرگاه این
سوره را بر جمیع اورام نویسند آن اورام زایل کند الزلزال قاری این سوره از شر شیطان
ایمن شود العادیات قرائت این سوره خایف و واله و گرسنه و تشنه و مدیون را
از این آلام خلاص کند القارعة این سوره را هرگاه بر کسی بندند که رزق بر او تنگ
شده باشد توسعه در رزق او بهم رسد التکاثر هرگاه این سوره بر صداع بخوانند
ساکن شود العصر این سوره را اگر بر مخزون خوانند محفوظ ماند و اگر بر محموم خوانند شفا

یابد و کسیکه در شب جمعه بعد از نماز خفتن این سوره را بنویسد و با خود دارد و
برهاکی داخل شود از شر او ایمن شود الهمزة بر چشمی که درد کند چون این سوره را بخوانند
شفا یابد الفیل کسیکه این سوره را در حرب بخواند قوی شود بر قتال و هرگاه این
سوره را در میان دو لشکر بخوانند لشکری که بر حق نیست قطعی است فرار نماید و
اگر این سوره را بر نیزه نویسند آن نیزه بر چیزیکه مصادمت کند آنچیز را بشکند قریش کسی که
این سوره را بر طعامی بخواند از ضرر ایمن شود و اگر گرسنه قبل از طلوع شمس این سوره را
بخواند خدا طعام او را باسانی باو رساند الدین کسیکه بعد از نماز صبح صد بار این سوره را
بخواند در حفظ خدا باشد الکوثر اگر کسی را بقولنج کرده افتاده باشد این سوره را سه بار
گوش راست او بخوانند و سه بار در گوش چپ او بخوانند و بعد از آن پای خود را بر اهلی
او بنند برخیزد الجحد کسیکه در وقت طلوع آفتاب ده بار این سوره را بخواند و بعد از
آن هر دعا که کند مستجاب شود النصر کسیکه در نماز هفت بار این سوره را بخواند آن
نماز مقبول شود و خدا نماز را محبوب او کرداند که همیشه در وقت نماز خود را بجا آورد
تبت کسیکه این سوره را بر اوجاع و امراض بخواند شفا یابد الاخلاص کسیکه این سوره را
بر چشم درد بخواند شفا یابد معوذتین کسیکه هر شب این دو سوره را بخواند از شر جن و
وسوسه شیطان ایمن شود و کسیکه این دو سوره را بر طفل بندد آن طفل ایمن می شود
از جن و حشرات الارض و بدانکه از برای قران کریم خواص دیگر هست که ذکر کرده ایم و ان
در اماکن خود در این کتاب مذکور شده والله الموفق للصواب و اما دعائیکه در وقت ختم قرآن
باید خواند همین آید عام و [illegible] حضرت امام زین العابدین و از ادعیه صحیفه است و ان این است
اللهم انك اعنتني على ختم كتابك الذي انزلته نورا وهدى وجعلته مهيمنا على
كل كتاب انزلته وفضلته على كل حديث قصصته وفرقانا فرقت به بين حلالك
وحرامك وقرآنا اعربت به عن شرائع احكامك وكتابا فصلته لعبادك تفصيلا و
وحيا انزلته على نبيك محمد تنزيلا وجعلته نورا نهتدي من ظلم الضلالة والجهالة
باتباعه وشفاء لمن انصت بفهم التصديق الى استماعه وميزان قسط لا يحيف عن
الحق لسانه ونور هدى لا يطفأ عن الشاهدين برهانه وعلم نجاة لا يضل من أم
قصد سنته ولا تنال ايدي الهلكات من تعلق بعروة عصمته اللهم فاذ افدتنا

دعای صحیفه کامله بعد از ختم قرآن

المعونة

المعونة على تلاوته وسهلت حواشي السنتنا بحسن عبارته فاجعلنا ممن يرعاه
حق رعايته ويدين لك باعتقاد التسليم لمحكم آياته ويفزع الى الاقرار بمتشابهه
وموضحات بيناته اللهم انك انزلته على نبيك محمد مجملا والهمته علم عجائبه
مفصلا وورثتنا علمه مفسرا وفضلتنا على من جهل علمه وقويتنا عليه لترفعنا
فوق من لم يطق حمله اللهم فكما جعلت قلوبنا له حملة وعرفتنا برحمتك شرفه
وفضله فصل على محمد الخطيب به وعلى آله الخزان له واجعلنا ممن يعترف بانه
من عندك حتى لا يعارضنا الشك في تصديقه ولا يختلجنا الزيغ عن قصد طريقه
اللهم صل على محمد واله واجعلنا ممن يعتصم بحبله ويأوي من المتشابهات الى حرز
معقله ويسكن في ظل جناحه ويهتدي بضوء صباحه ويقتدي بتبلج اسفاره
ويستصبح بمصباحه ولا يلتمس الهدى في غيره اللهم وكما نصبت به محمدا صلى الله
عليه واله علما للدلالة عليك وانهجت باله سبل الرضا اليك فصل على
محمد واله واجعل القرآن وسيلة لنا الى اشرف منازل الكرامة وسلما نعرج
فيه الى محل السلامة وسببا نجزى به في عرصة القيمة وذريعة نقدم بها
على نعيم دار المقامة اللهم صل على محمد واله واحطط بالقرآن عنا ثقل الاوزار و
هب لنا حسن شمائل الابرار واقف بنا آثار الذين قاموا لك به آناء الليل و
اطراف النهار حتى تطهرنا من كل دنس بتطهيره وتقفو بنا آثار الذين استضاؤا
بنوره ولم يلههم الامل عن العمل فيقطعهم بخدع غروره اللهم صل على محمد
واله واجعل القرآن لنا في ظلم الليالي مونسا ومن نزغات الشياطين و
خطرات الوساوس حارسا ولاقدامنا عن نقلها الى المعاصي حابسا ولالسنتنا
عن الخوض في الباطل من غير ما آفة مخرسا ولجوارحنا عن اقتراف الآثام زاجرا
ولما طوت الغفلة عنا من تصفح الاعتبار ناشرا حتى توصل الى قلوبنا فهم عجائبه
وزواجر امثاله التي ضعفت الجبال الرواسي على صلابتها عن احتماله اللهم صل
على محمد واله وادم بالقرآن صلاح ظاهرنا واحجب به خطرات الوساوس عن
صحة ضمائرنا واغسل به درن قلوبنا وعلائق اوزارنا واجمع به منتشر امورنا
واروبه في موقف العرض عليك ظمأ هواجرنا واكسنا به حلل الامان يوم الفزع

الاكبر في نشورنا اللهم صل على محمد وآله واجبر بالقرآن خلّتنا من عدم الاملاق
وسق الينا به رغد العيش وخصب سعة الارزاق وجنبنا به الضرائب المذمومة
ومداني الاخلاق واعصمنا به من هوة الكفر ودواعي النفاق حتى يكون لنا في
القيمة الى رضوانك وجنانك قائدا ولنا في الدنيا عن سخطك وتعدي
حدودك ذائدا ولما عندك بتحليل حلاله وتحريم حرامه شاهدا اللهم صل
على محمد وآله وهون بالقرآن عند الموت على انفسنا كرب السياق وجهد
الانين وترادف الحشارج اذا بلغت النفوس التراقي وقيل من راق وتجلى ملك
الموت لقبضها من حجب الغيوب ورماها عن قوس المنايا باسهم وحشة الفراق و
داف لها من ذعاف الموت كاسا مسمومة المذاق ودنا منا الى الآخرة رحيل و
انطلاق وصارت الاعمال قلائد في الاعناق وكانت القبور هي المأوى الى ميقات
يوم التلاق اللهم صل على محمد وآله وبارك لنا في حلول دار البلى وطول المقامة
بين اطباق الثرى واجعل القبور بعد فراق الدنيا خير منازلنا وافسح لنا برحمتك في
ضيق ملاحدنا ولا تفضحنا في حاضري القيمة بموبقات آثامنا وارحم بالقرآن في موقف
العرض عليك ذل مقامنا وثبت به عند اضطراب جسر جهنم يوم المجاز عليها زلل اقدا[منا]
ونور به قبل البعث سدف قبورنا ونجنا به من كل كرب يوم القيمة وشدائد
اهوال يوم الطامة وبيض وجوهنا يوم تسود وجوه الظلمة في يوم الحسرة والندا[مة]
اللهم صل على محمد وآله ومد لنا في الحسنى مدا واجعل لنا في صدور المؤمنين ودا
ولا تجعل الحيوة علينا نكدا اللهم صل على محمد عبدك ورسولك كما بلغ رسالتك
وصدع بامرك ونصح لعبادك اللهم اجعل نبينا صلواتك عليه وآله يوم القيمة
اقرب النبيين منك مجلسا وامكنهم منك شفاعة واجلهم عندك قدرا و
اوجههم عندك جاها اللهم صل على محمد وآل محمد وشرف بنيانه وعظم برهانه
وثقل ميزانه وتقبل شفاعته وقرب وسيلته وبيض وجهه واتمم نوره و
ارفع درجته واحينا على سنته وتوفنا على ملته وخذ بنا منهاجه واسلك بنا [سبيله]
واجعلنا من اهل طاعته واحشرنا في زمرته واوردنا حوضه واسقنا بكاسه و
صل اللهم على محمد وآله صلوة تبلغه بها افضل ما يامل من خيرك وفضلك وكرامتك

اللهم

اللهم اجزه بما بلغ من رسالاتك وادى من آياتك ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك
افضل ما جزيت احدا من ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين المصطفين والسلام
عليه وعلى آله الطيبين الطاهرين ورحمة الله وبركاته **فصل ششم** در بيان ثواب روزه

در ثواب روزه

اما روزها پس بدانكه در رساله كه هشتست پيش ذكر خواهيم كرد بعد از اين در نظم واما انكه
روزه پس بدانكه روزه ثواب عظيمي وفضل جسيم دارد واز انجمله ثوابي است كه ابن
ابن بابويه ره در كتاب ثواب الاعمال ذكر كرده است و پيغمبر ص فرمود كه روزه دار
در عبادت خدا است كه چه در خواب باشد ما دامي كه مسلماني را غيبت نكند
و پيغمبر ص فرمود كسيكه يكروز روزه سنت بگيرد خدا بسبب آن
روزه او را داخل جنت ميكند واز حضرت صادق ع مرويست كه فرمود كه خواب
روزه دار عبادت است و خاموشي او تسبيح است و عمل او مقبول است و دعاي او مستجابست
و بوي دهن روزه دار نزد خدا بهتر است از بوي مشك واز پيغمبر مرويست كه هيچ روزه
داري حاضر نشود نزد قومي كه ايشان طعام خورند مگر آنكه تسبيح كنند اعضاي او
و تسبيح كنند ملائكه از براي او واز حضرت امام رضا ع مرويست كه كسيكه ختم شود عمر او
بروزه يكروز داخل جنت ميشود و اما نظم كه در اين باب مذكور است پس ارجوزه
شيخ [illegible] ره در فن خود عزيز است و مسمى بمنبع السلامة است و در هر دو كه مذكور است
مذكور است و تاليف كفعمي است كه مؤلف اين كتاب است ابيات الحمد لله الذي هدانا
الى طريق الرشد والايمان ❊ ثم صلوة الشيخ الجلال ❊ على النبي المصطفى والآل ❊ وبعد
فالمولى الفقيه الامجد ❊ الكامل الفضيل المؤيد ❊ العالم البحر الفقيه العلامة ❊ البابلي صاحب الكرامة
اعني به الحسين عز الدين ❊ ومن رقى في درج اليقين ❊ ذاك ابن موسى قسيمي حين ❊ وذاك في الهدى
فسيح وعد ❊ اشار ان انظم ما قد ندبا ❊ من الصيام دون ما قد وجبا ❊ فقلت سمعا و
استعنت الله ❊ مولى فقيها ملكا الها ❊ ثم نظمت هذه الارجوزة ❊ هذا ولي العلم بها
عزيزة ❊ سميتها بمنبع السلامة ❊ فيما رووا موكدا صيامه ❊ نظمتها في بحر الارجاز ❊ مرتقيا
معارج الايجاز ❊ واعلم بان الصوم لا يضاهي ❊ في فضله حقا ولا يباهي ❊ فقد روي عن باقر
العلوم ❊ من ختم الله بيوم ❊ من الصيام فهو في الجنان ❊ ممتعا بالحور والولدان ❊ ومن
يصم فنومه عبادة ❊ وصمته ذكر وخير عادة ❊ ثم خلوق فمه في الامة ❊ كريح المسك لمن يشمه

ونور في البعث لنور الشمس واجر يعني جميع الطرس والصوم من نار الى الجنة و
فعله مفتاح باب الجنة ولنجعل البدأ بالمحرم لانه التاريخ حقا فاعلم فصم تسع
في ابتدائه تسكن تدخل في رضائه خصوصا العاشر يوم الشين لان فيه مقتل الحسين
فصومه كفارة يا سيدي لمثل ستين سنين فاهتدي ان صمته على سبيل الحزن وهو
من السبعة فاروعي وقيل ان صومه سبعينا كفارة لمن مضى ستينا وبعد صيام
يوم المولد مولد خير خلقه محمد سابع عشر من ربيع الاول وصومه كمثل يوم المقتل
وقد روى الطوسي في المصباح بانه بسنة يا صاح سابع العشرين من شهر رجب من صامه اثابه
الله الارب مبعث مولانا النبي احمد وفضله كصوم يوم المولد وخامس العشرين من ذي
قعد فانه يدخل في ذي القعدة وهو اذا يعرف يوم الدحو فصمه منه عليك رو
وقيل ان صومه سبعينا كفارة لما مضى ستينا وثالثة الايام من ذي الحجة بصومه
في البعث توتى البهجة وصومه كفارة لعشر من السنين فادر ان لم تدر وفيه تاب الله يا
موال على ابينا ادم في الحال وبعد التاسع من ذي الحجة فصمه والزم بعده الحجة الا
مع الضعف عن الدعاء وان يشك في الهلال الرائي وفضله كصوم يوم المبعث
فصمه يا صاح بلا تلبث وفيه سد الله للابواب الا لبابا لابي تراب قيل ومبلاد
ذي الوفا فيه معراج النبي المصطفى وبعده يوم غدير خم ثامن عشر منه فاستمع نظم فيه
اتى النص من النبي على الامام المرتضى علي حقا وفيه كمل الاسلام وفضله لا يجهله الاقلام
فصومه يعدل صوم الدهر هذه السبعة فصم عن امري هذه والله ايام السنة فخذ
من يصومها وتومنه وقد روى الطوسي بالاسناد عن الامام ابي علي الهادي بانها
اربعة يا صاح نص على ذلك في المصباح هي الغدير ثم يوم الدحو ومولد ومبعث
فاروي وبعد هذا اذكر الصياما مفرقا في وقته اياما فاول الحجة ما اجله كان لابراهيم
الخلة وفيه ميلاد الخليل الاصيل والعلم عن ايامه الاول وفيه تزويج الامام ذي
على بنت المصطفى محمد فصومه فعادلا لاجر ستين شهرا عقب بعشر وصوم يوم التروية
كفارة سنين لم تحصره العبادة تاسع ذي الحجة حقا صمه وقم به حقا ولا تكبه في صوم
كفارة السنينا مقدارها ستون في السنينا وصومه ايضا كصوم الدهر عن كاظم
الغيظ الجليل القدر ورابع العشرين منه الصدقة بخاتم من الامام حققه وفيه بات

المرتضى على على الفراش هكذا روى وفي الصحيح انه المباهلة وصومه فضله ما افضله
قال ابن باقي انه لا يحتمل ان يذكر الفضل هنا كما نزل وقد روى الصدوق في الفقيه
يوما عظيما والثواب فيه وهو تراه تاسع العشرينا من شهر ذي القعدة فاستبينا وانه
انزل فيه الرحمة وكعبة القصاد في الامة واجر كمثل ما تقدما في مبعث النبي حقا
فاعلما والنصف صمه من جمادى الاول وفيه كان الحرب يوم الجمل وفيه نصر الانزع
البطين ومولد السجاد عن يقين وجاء صوم رجب مؤكدا فصمه يا صاح دواما ابدا
خصوصا الاول للزيادة ونصفه لهذه الاشارة وخامس العشرين منه فاعلم موت
الامام الكاظم المكرم صيامه ما افضله واحسنه فانه يعدل مائتي سنة وصوم
شعبان عظيم الفضل خصوصا النصف فخذ ما ابلي لان في ليلته قد ولد القا
الهدى مصباح الهدى من بديع فيهما ليل التواجي اجتهد الا ان يكون عاص قيل
فيهما يقسم الامال كذلك الارزاق والاجال وثالث منه تراه مولدا لابن علي اعني
الحسين السيدا فصمه وادع بالدعاء فيه تنال من ربك ما تبغيه ومن يصم شعبان
مع شهر رجب له رضوان الله الرحمن حقا قد وجب اجرهما لا يعد الاملاك ان يحصر
وله ادراك ولمن تصم من بعد عيد الفطر لستة فما له من اجر فصومه يعدل كل
الغا هذا مقال المصطفى التهامي وان تصم ثلاثة للحاجة يفتح الباري بها ارتاجه وقد
روي عن الامام المرتضى ايام بيض صومهن مرتضى ثالث العشر ورابع عشر وخامس عشر
بكل شهر فيوم الاول اما احسنه له به عشرة الاف سنة ويومها الثاني على الاضعاف
مما ذكرناه من الالاف وثالث يعدل ان تصام مائة الف سنة تماما واول الخميس
بكل شهر ومثله اخره ان تدري ووسطه فاول ربعاه تنال صوم الدهر يا ابناه
وان تاخرت الى الشتا فاقضها فيه بلا امتراء عن كل يوم اذ عجزت عنه اعط الفقير
درهما او مدا كان النبي دائما يصومها فاحرص على صيامها في يومها فصومها يذهب غش
الصدر عن جعفر الصادق فافهم شعري ان تصم الخميس ثم الجمعة في كل شهر نلت كل
نعمة وفزت في دنياك بالرضوان حقا وفي اخرتك بالغفران واعلم بان في شهور
الحول اربعة حرم فها ذا الطول القعدة والحجة والمحرم ورجب المرجب المكرم من يصم الخميس
ثم الجمعة والسبت فيهما لغاليا عن سمعه او في احدها فاز بالسعادة يتسع ماية سنين عبادة

رواه في دروسه ابن مكي * عن المفيد يا اخي حكي * فصوم ما قد قلته مؤكدا * قدم عليه
في الزمان ابدا * وان تصم لغير ما ذكرت * من المواقيت فيما فسرت * فابشر بغنم واي غنم *
الا الذي استثناه اهل العلم * اما من المكروه مثل الضيف * من غير اذن وكذا المضيف
وما ترى نهى دنينا محرما * كصوم نذر ما ترى محرما * والصوم للعيدين والوصال * والعبد
ان لم ياذن الموالي * كذلك الصوم بغير اذن * من زوجة فافهم وافت عني * تفصيلها في
كتب اهل الفضل * فاحفظ لما قد ضمنت وابلي * ولا تصم في سفر بحاجة * الا الذي
يترهب الحاجة * وكان داود النبي دوما * يفطر يوما ويصوم يوما * وابنه كان يصوم تسعة
في كل شهر لين فيها سمعه * ثلثة في كل عشر فاعلما * ما قد رويت الان من صومهما * و
مريم العذراء كانت دوما * تصوم يومين وتفطر يوما * وابنها عيسى نبي الله * يصوم كل
الدهر غير لاه * وكان مولانا النبي المصطفى * يصوم ما ترى قريبا انفا * اعني خميسين و
اربعاء * لا ارتقيه ارسل البلاء * في سالف الدهر على ثمود * وقوم نوح ثم قوم هود * ولن
تصم ندبا فضل الجلا * ان عرض الفطر عليك خلا * وافطر ولا تعلم بصومك انال صوم سنة
بيومكا * فالفطر في بيت اخيك المسلم * افضل من صومك حقا فاعلم * وقد تقضت هذه
الارجوزه * كما شرطناه اولا وجيزه * ناظمها العبد الفقير الكفعمي * يرجو من الاله صنع اللهم
ثم صلوة الملك الجبار * على النبي خيرة الاخيار * واله الغر ولاة الامر * ما صدح الديك
قبل الفجر * والحمد لله على الائه * حمدا يباري السحب في همائه * در بيان روزهای سنتی و
فضیلت انها کما فی بیانات مشتملست بر انچه بر سبیل اجمال آنست که حضرت باقر فرموده است
کسیکه خاتمه عمر او بروزه بگذرد باشد انکس در بهشت خواهد بود و ممتع خواهد شد
و لذات بهشت و کسیکه روزه باشد خواب او عبادتست و خاموشی او ذکر است و دعای
بهترین عبادتست و بوی دهن روزه دار نزد خدا بهتر است از بوی مشک و نور او در
قیامت مثل نور آفتابست و ثواب او در معرض بیان نمیگنجد و روزه سپر است از
اتش جهنم و کلید در بهشتست و باید که ابتدا کنیم بروزه محرم زیرا که محرم اول تاریخ
عربست و روزه ده روز اول محرمست که سنتست خصوصا روز دهم که مقتل امام
حسین است پس روزه آن کفاره گناهان شصت سالهاست اما روزه روز
دهم انست که بر سبیل حزن تا عصر امساک کند بی نیت و دیگر روز روز مولود

حضرت پیغمبر است و آن هفدهم ماه ربیع الاولست و روزه آن روز کفاره گناهان
شصت سالهاست و بعضی گفته اند که کفاره گناهان هفتاد ساله است و دیگر
روز بیست و هفتم رجبست که روز مبعث پیغمبر است و فضیلت این روز نیز مثل روز
مولودست و دیگر روزه روز بیست و پنجم ذی القعده است که روز دحو الارض است
یعنی روزیست که خدا زمین را از زیر کعبه معظمه گسترانیده است و روزه این روز کفاره
گناهان هفتاد ساله است و دیگر از روزهای سنتی روزه نهم ماه ذی حجه است و
روزه این روز کفاره گناهان ده ساله است و در این روز خدا توبه آدم را قبول کرد و دیگر
روز عرفه است یعنی نهم ذی حجه است اگر از دعا خواندن ضعیف نشود و در اول ماه شک
نداشته باشد و فضل این روز مثل روزه روز مبعث است و در این روز بود که
خدا امر کرد بستن ابواب حجره که در حجره های ایشان بمسجد النبی گشوده میشد مگر در
علی بن ابی طالب که امر بستن آن در نشد و بعضی گفته اند که در این روز مولود مسیح
بوده است و در این شب روز معراج پیغمبر واقع شد و دیگر روزه روز هیجدهم ذی حجه است
که عید غدیر خم است که پیغمبر امیر المؤمنین را بخلافت نصب کرد و دین اسلام
در این روز کامل شد و روزه آن برابر است با روزه دهر و دیگر روز اول ذی حجه است
که خلت ابرهیم و مولود او بود و ابی بکر در این روز نادیه برائت معزول شد و تزویج
امیر المؤمنین با حضرت فاطمه در این روز واقع شد و گفته اند این روز برابر روزه دو
ماه است و دیگر روز هشتم ذی حجه است که آنرا روز ترویه گویند و روزه این روز
کفاره شصت سال گناه است و دیگر روز بیست و چهارم ذی حجه است و در این روز امیر المؤمنین
تصدق بخاتم کرد در اثنای نماز و در شب این روز بود که امیر المؤمنین بر فراش
پیغمبر خوابید و دفع شر کفار از آنحضرت کرد و روایت صحیح آنست که روز مباهله نیز همین
روز است و فضیلت روزه این روز بسیار است بحیثیتی که در معرض بیان نمیگنجد و
دیگر روزه روز بیست و نهم ذی حجه است که رحمت الهی در این روز نازل شد و کعبه
الله در این روز بنا شد و ثواب روزه این روز مثل ثواب روزه روز مبعث است
و دیگر روز منتصف جمادی الاولست و در این روز جنگ جمل واقع شد و امیر المؤمنین
نصرت یافت و در این روز امام زین العابدین متولد شد و دیگر روزه کل ماه رجب

در این روز

از حضرت صادق مرویست که کسیکه روز اول ماه رجب روزه بگیرد آتش جهنم
یکساله راه از او دور شود و از پیغمبر مرویست که کسیکه از ماه رجب سه روز روزه
بگیرد برای هر روز ثواب یکساله روزه مینویسند و کسیکه هفت روز از این ماه
روزه بگیرد هفت در جهنم بروی او بسته میشود و کسیکه هشت روز از این ماه روزه
دارد خدا حساب او را آسان کند و کسیکه کل ماه رجب روزه دارد رضای خدا از
برای او بنویسند و کسیکه برای او رضای خدا نوشته شود او را عذاب نکند و از
پیغمبر مرویست که کسیکه یکروز از ماه رجب بواسطهٔ رضای خدا روزه بدارد خدا
میان او و جهنم هفت خندق بنا فرماید که عرض هر خندقی بمقدار میان آسمان و زمین
باشد و از حضرت امام رضا مرویست که کسیکه روز اول ماه رجب روزه بگیرد بواسطهٔ
رغبت در ثواب الهی واجب میشود از برای او جنت و کسیکه یکروز در وسط این ماه روزه
بگیرد شفاعت میکند در روز قیامت مثل عدد قبیلهٔ ربیعه و مضر را و کسیکه یکروز
در آخر این ماه روزه بگیرد خدا او را از پادشاهان جنت میگرداند و در قیامت شفاعت
میکند والدین و معارف و همسایهای خود را و اگر چه بعضی از ایشان مستوجب جهنم
باشند و حضرت صادق فرمود کسیکه سه روز از آخر این ماه روزه بگیرد خدا او را از فزع
اکبر ایمن میسازد و برات او از آتش جهنم باو میدهد کسیکه دو روز از آخر این ماه را روزه
بدارد در روز قیامت باسانی از صراط بگذرد و کسیکه یکروز از آخر این ماه روزه بدارد
از سختی سکرات مرگ و از هول روز قیامت و از عذاب قبر ایمن شود و از حضرت صادق
مرویست که کسیکه از ماه رجب یکروز روزه دارد از اول آن یا وسط آن یا از آخر آن
جنت از برای او واجب شود و در جنت در درجه با ما خواهد بود و اگر دو روز روزه
دارد از این ماه گفته میشود که عمل را از سر گیر که آنچه کرده خدا بخشید و گناهان
آیندهٔ تو را آمرزید و از برای هر کس از برادران گناهکار خود که میخواهی شفاعت کن و از
آنحضرت مرویست که در جنت نهریست که اسم آن رجبست کسیکه یکروز از ماه رجب
روزه دارد از آن نهر شربتی باو دهند که هرگز تشنه نشود و این احادیث که مذکور
شد ملخص کتاب متهجد و امالی و مجمع البیانست و بالجمله ثواب روزهٔ رجب بحصر در نمی
و ابن بابویه در کتاب الاعمال گفته است که روزهٔ هر روز از ماه رجب ثواب جدا دارد

که این مکان گنجایش ذکر آنها ندارد و تاکید در روز اول رجب بیشتر است بواسطهٔ
زیارت و روزهٔ نصف رجب نیز متوکد است بواسطهٔ زیارت آن و دیگر روزهٔ بیست و
پنجم رجبست که حضرت کاظم در این روز وفات یافت و روزهٔ آن برابر است با روزهٔ
دویست سال و دیگر روزهٔ کل ماه شعبانست و ثواب عظیم دارد خصوصاً نیمهٔ
شعبان زیرا که نیمهٔ شعبان صاحب الامر متولد شده است از حضرت صادق مرویست
که کسیکه روز اول ماه شعبان را روزه بگیرد جنت از برای او واجب میشود و کسیکه
دو روز روزه بگیرد در هر روز و شب خدا در دنیا باو نظر میکند و در جنت هم
نظر از او بر نمیدارد و کسیکه سه روز از این ماه روزه دارد مثل کسی است که خدا
در عرش او و در بهشت او هر روز زیارت کرده است شیخ شهید در دروس خود گفته
که زیارت خدا در عرش کنایه است از کثرت ثواب و اجلال که شبیه کرده است و ازدیاد
تقرب بسوی خدا بکسیکه خدا او را رفع کرده است بسوی او و او را برده است باسمان
خود و نزدیک کرده است او را بعرش خود و باو نموده است از خاصهٔ ملکوت خود و
این کنایه است از تاکید کرامت او و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود کسیکه ماه
شعبان را روزه دارد پاک میشود از هر زلت و وصمه و بادره راوی گوید که پرسیدم
که وصمه و بادره چیست آنحضرت فرمود که وصمه قسم در معصیتست و بادره قسم خوردن
در حال غضبست و توبه و پشیمانی است از آن و نیز از آنحضرت مرویست که در روزهٔ
ماه شعبان این ثواب هست که آنکه اگر مردی مرتکب خون حرام شده باشد خدای
بواسطهٔ روزهٔ این ماه او را بیامرزد و هیچ بنده نیست که روزه بسیار بگیرد مگر آنکه
آنکه خدا معیشت او را باصلاح آورد و دشمن او را کفایت کند و بدرستیکه کمتر
چیزیکه بصایم یکروز از این ماه شعبان میرسد همین است که جنت از برای او واجب میشود
و از پیغمبر مرویست که فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس کسیکه
یکروز از ماه من روزه دارد در روز قیامت شفیع او خواهم بود و کسیکه دو روز
از ماه من روزه دارد خدا گناهان گذشتهٔ او را بیامرزد و کسیکه سه روز از
ماه من روزه دارد باو میگویند ملائکه که عمل را از سر گیر که آنچه کرده خدا بخشید
این احادیث ملخص آنست که در کتاب متهجد و امالی است و بالجمله ثواب اینها بحساب در

نمیاید و ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال گفته است که از برای ثواب روزه هر
روز این ماه ثواب جدا جدا ذکر کرده که این مکان گنجایش ذکر آن ندارد و بعضی گفته‌اند
که در شب نیمه شعبان آمال و آجال و ارزاق مقدر و مقسوم میشود و دیگر روزه
روز سیم شعبانست که مولد حضرت امام حسین است و روزه این روز فضل بسیار
دارد و صایم این روز هر چه از خدا خواهد باو عطا میکند و کسیکه ماه شعبان را
با ماه رجب روزه دارد ملائکه از احصای اجر او عاجز میشوند و خدا از او راضی
شود و دیگر روزه شش روز بعد از عید فطر است و این روزه برابری کند با روزه
یکسال و دیگر روزه سه روز است از برای قضای حاجت چه درهای رحمت بر صایم این روز گشوده
میشود و دیگر روزه ایام بیض است که آن سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماهست و ثواب
اول از این سه روز برابری روزه هزار سالست و روزه روز دویم برابر بیست هزار سال
و روزه روز سیم برابر روزه صد هزار سالست و دیگر روز پنجشنبه اول هر ماه و پنج
شنبه آخر هر ماه و چهارشنبه وسط هر ماهست که معادل روزه تمام سالست و اگر
در تابستان نتوانند این روزه را گرفت در زمستان قضا کنند و اگر از روزه عاجز شوند
از برای هر روزی یک درهم یا یک مد طعام تصدق کنند و دیگر روزه پیغمبر است در اول
حال و آن روزه دهر است که غش و دغل سینه را میبرد و دیگر روزه روز پنجشنبه و روز
روز جمعه است در هر ماهی و این روزه باعث فوز بسعادت ابدیست بدانکه در سال
چهار ماه حرام است ذیقعده و ذیحجه و محرم و رجب المرجب کسیکه روز پنجشنبه و جمعه
و شنبه را از این ماهها یا در یکی از این ماهها این سه روز را روزه بگیرد برابری
کند بعبادت نهصد سال و صائم آنها بسعادت فایز میشوند چنانکه شیخ شهید در دروس
از شیخ مفید ذکر کرده است و روزه این روزها که مذکور شد مؤکد است و اگر خواهی
ایام دیگر روزه بگیری مثاب خواهی بود مگر روزها یکه اهل علم استثنا کرده‌اند که روزه
در بعضی از آنها مکروه است و در بعضی حرام است اما روزه مکروه روزه مهمانست بی
اذن صاحبخانه و همچنین صاحبخانه نیز بی اذن مهمان مکروه است و روزه حرام مثل روزه
نذر معصیت است و روزه عید رمضان و قربانست و روزه وصال است یعنی دو روز
متعاقب روزه داشتن که در میان افطار نکند یا آنکه یکروز روزه بگیرد و در نیت

روزه قصد کند که افطار آن را بسحر اندازد و دیگر از روزهای حرام روزه غلام است
بنیت سنت بی اذن مولی و روزه زوجه است بی اذن زوج و دیگر روزه واجب
در سفر کردن حرام است مگر روزه که نذر کرده باشد که در سفر و حضر بگیرد یا سه روز
روزه بدل هدی یا هیجده روز بدل از برای کسیکه قبل از غروب از عرفات افاضه کند
و روزه سنت در سفر مکروهست مگر آنکه سه روز روزه گرفتن در مدینه طیبه بواسطه
حاجت و دیگر از روزهای سنتی روزه داود پیغمبر است و طریق آن آنست که یکروز
روزه دارند و یکروز افطار کنند و دیگر روزه سلیمانست و آن نه روز است در هر ماه
که در هر ده روز از ماه سه روز روزه بگیرند و یکروز افطار کنند و دیگر روزه عیسی است
و آن روزه دهر است چنانکه گذشت و پیغمبر پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهار
شنبه وسط ماه را روزه میگرفت زیرا که در این سه روز بلا بر قوم ثمود و قوم نوح
و قوم هود نازل شد و اگر کسیکه روزه سنت داشته باشد و بر طعام قومی حاضر شود و
ایشان را بصوم خود اخبار نکند و بخورد ثواب روزه یکساله از برای او نویسند **فصل چهل
و یکم** در بیان زیارات و آنها را از کتب متعدده و مظان متشتته جمع کرده‌ایم و سنت
غسل کردن از برای زیارت و سنتست که در اثنای آن دعا بخواند که در فصل اول این
کتاب گذشت و نیز سنتست که در اغتسال دعائیرا که از ابن عباس مرویست بخواند و آن اینست
اللهم طهرنی من کل ذنب و نجنی من کل کرب و ذلل لی کل صعب انک نعم المولی و نعم
الرب رب کل یابس و رطب و نیز سنتست که دعائیرا که از صادق مروی شده است
در غسل زیارت بخواند که بسم الله و بالله اللهم اجعله نورا و طهورا و حرزا و شفاء
من کل داء و سقم و آفة و عاهة اللهم طهر به قلبی و اشرح به صدری و سهل به امری
و چون از غسل فارغ شود دعائیرا که در فصل دویم در بحث اغسال مستحبه مذکور شد
بخواند و ابتدا میکنیم بزیارت سید بشر و شفیع روز محشر حضرت محمد خاتم النبیین
و سید المرسلین و ابتدا میکنیم بذکر اذن دخول بدانکه سنت مؤکد است زیارت
پیغمبر از برای حاج و غیر حاج و هرگاه مردم ترک کنند زیارت آنحضرت را امام جبر
میکند ایشان را بران زیرا که آنحضرت فرموده است که کسیکه بمکه بیاید از برای
حج یا عمره و مرا زیارت نکند جفا کرده است بر من و من بروز قیامت بر او جفا خواهم

در زیارات

کرد و اگر کسیکه بزیارت من آید واجب میشود از برای او شفاعت من و کسیکه شفاعت
من از برای او واجب شود واجب میشود از برای او جنت و نیز از آنحضرت مرویست کسیکه
بعد از موت من مرا زیارت کند مثل آنست که در زمان حیات من بسوی من هجرت
کرده است و اگر قدرت بر آمدن نداشته باشید سلام بفرستید بسوی من که سلام شما
بمن میرسد و نیز از آنحضرت مرویست که با امام حسین گفت که کسیکه زیارت مرا کند
زنده یا مرده یا پدر ترا زیارت کند یا برادر ترا زیارت کند یا ترا زیارت کند
بر من واجبست که در روز قیامت او را زیارت کنم و او را از گناهان پاک کنم و این روایت
شیخ شهید در کتاب دروس خود ذکر کرده است پس هرگاه اراده کنی تو دخول روضه
مقدسه را یا روضه یکی از مشاهد ائمه را پس بگو اللهم انی وقفت علی باب من ابواب
بیوت نبیك صلواتك علیه وآله وقد منعت الناس ان یدخلوا الا باذنه فقلت
یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم اللهم انی اعتقد حرمة
صاحب هذا المشهد الشریف فی غیبته کما اعتقدها فی حضرته واعلم ان
رسولك وخلفائك علیهم السلام احیاء عندك یرزقون یرون مقامی و
یسمعون کلامی ویردون سلامی وانك حجبت عن سمعی کلامهم وفتحت
باب فهمی بلذیذ مناجاتهم وانی استاذنك یا رب اولا واستاذن رسولك
صلواتك علیه وآله ثانیا واستاذن خلیفتك الامام المفروض علی
طاعته اسم آن امامی را که زیارت میکنی و اسم پدر او را ذکر کن و بعد از ان
بگو والملائکة الموکلین بهذه البقعة المبارکة ثالثا ءادخل یا رسول
الله ءادخل یا حجة الله ءادخل یا ملائکة الله المقربین المقیمین فی هذا
المشهد فاذن لی یا مولای فی الدخول افضل ما اذنت لاحد من اولیائك
فان لم اکن اهلا لذلك فانت اهل له و بعد از اتمام دعا عتبه مبارکه را ببوس و داخل
شو و بگو بسم الله وبالله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله ص اللهم اغفر لی وارحمنی
وتب علی انك انت التواب الرحیم پس بایست بالای سر مبارک پیغمبر و رو بقبله
کن و بگو آنچه را که شیخ طوسی ره الله تعالی در کتاب متهجد خود ذکر کرده است
و آن اینست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده

قبر

زیارت حضرت پیغمبر ع

ورسوله واشهد انك رسول الله وانك محمد بن عبد الله واشهد انك قد بلغت رسالات
ربك ونصحت لامتك وجاهدت فی سبیل الله وعبدت الله مخلصا حتی اتاك الیقین
بالحکمة والموعظة الحسنة وادیت الذی علیك من الحق وانك قد رؤفت بالمؤمنین
وغلظت علی الکافرین فبلغ الله بك افضل شرف محل المکرمین والحمد لله الذی استنقذنا
بك من الشرك والضلالة اللهم فاجعل صلواتك وصلوات ملائکتك المقربین وانبیائك
المرسلین وعبادك الصالحین واهل السموات والارضین ومن سبح لك یا رب العالمین
من الاولین والآخرین علی محمد عبدك ورسولك ونبیك وامینك ونجیك وحبیبك
وصفیك وخاصتك وصفوتك وخیرتك من خلقك اللهم اعطه الدرجة الرفیعة
وآته الوسیلة من الجنة وابعثه مقاما محمودا یغبطه به الاولون والآخرون اللهم
انك قلت ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول
لوجدوا الله توابا رحیما وانی اتیتك مستغفرا تائبا من ذنوبی وانی اتوجه بك الی
الله ربی وربك لیغفر لی ذنوبی و اگر حاجتی باشد قبر آنحضرت را در عقب
کتف خود بگیر و رو بقبله کن و هر دو دست خود را بر دار و حاجت خود را بخواه
که روا میشود ان شاء الله تعالی زیارت دیگر السلام علی رسول الله امین الله
علی وحیه وعزائم امره الخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل والمهیمن علی ذلك
کله ورحمة الله وبرکاته السلام علی صاحب السکینة السلام علی المدفون
بالمدینة السلام علی المنصور المؤید السلام علی ابی القاسم محمد ورحمة
الله وبرکاته زیارت دیگر از برای آنحضرت که از امام رضا علیه السلام مرویست
السلام علیك یا رسول الله السلام علیك یا حبیب الله السلام علیك
یا صفوة الله السلام علیك یا امین الله السلام علیك یا حجة الله اشهد
انك قد نصحت لامتك وجاهدت فی سبیل الله وعبدته حتی اتاك الیقین
فجزاك الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد وآل محمد افضل
ما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم انك حمید مجید زیارت دیگر از آنحضرت
که از حضرت صادق ع مرویست اسئل الله الذی اجتباك واختارك وهداك
وهدی بك ان یصلی علیك ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها

الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما و در وداع آنحضرت صلی الله
علیه و آله بگوی اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة نبیک فان توفیتنی
قبل ذلک فانی اشهد فی مماتی علی ما اشهد علیه فی حیوتی ان لا اله الا
انت و ان محمدا عبدک و رسولک و انک قد اخترته من خلقک ثم اخترت
من اهل بیته الائمة الطاهرین الذین اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهیرا
فاحشرنا معهم و فی زمرتهم و تحت لوائهم و لا تفرق بیننا و بینهم فی الدنیا
والآخرة یا ارحم الراحمین و در زیارت حمزه و شهدا بگوید السلام علیکم
بما صبرتم فنعم عقبی الدار انتم لنا فرط و انا بکم لاحقون و سنت است که زیارت
حضرت ابرهیم پسر پیغمبر و زیارت عبد الله بن جعفر و زیارت فاطمه
بنت اسد مادر حضرت امیر المؤمنین ع و زیارت کسانی که در بقیع اند از اصحاب
و تابعین چنانکه شهید ره در دروس گفته است و اختلاف واقع شده است
در قبر حضرت فاطمه بعضی گفته اند که آنحضرت در روضه مدفونست یعنی ما بین قبر
پیغمبر و منبر او و بعضی گفته اند که در حجره خود مدفونست و اکثر اصحاب
برآنند که در روضه زیارت آنحضرت باید کرد و اگر کسی در هر سه موضع آنحضرت
را زیارت کند احوط است چنانکه شیخ طبرسی در مختصر مصباح ذکر کرده است و از حضرت
فاطمه مرویست که فرمود که پدر من مرا خبر داده است که کسیکه سه روز سلام کند
بر تو و بر من بهشت از برای او واجب میشود و پرسیدند از آنحضرت که در حیات
شما است این سلام فرمود بلی در حیات ما و بعد از وفات ما است و در زیارت
حضرت فاطمه بگوی السلام علیک یا بنت رسول الله السلام علیک یا بنت
نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام علیک یا بنت خلیل الله
السلام علیک یا بنت امین الله السلام علیک یا بنت خیر خلق الله السلام
علیک ایتها المعصومة المظلومة السلام علیک ایتها المحدثة العلیمة اشهد
الله و رسوله و ملائکته انی راض عمن رضیت عنه ساخط علی من سخطت
علیه متبری ممن تبرات منه موال لمن والیت و معاد لمن عادیت مبغض
لمن ابغضت محب لمن احببت و کفی بالله شهیدا و حسیبا و جازیا و مثیبا

زیارت حضرت فاطمه

پس صلوات بفرستد بر پیغمبر و بر ائمه صلوات الله علیهم و طریق زیارت ائمه بقیع
که در بقیع مدفونند که ایشان امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام
جعفر صادق ع اند از حضرت امام حسن عسکری ع مرویست که کسیکه زیارت کند
امام محمد باقر و امام جعفر صادق ع را چشمهای او بدرد نیاید و بیماری باو نرسد
و نمیرد در حالتیکه مبتلا بمرضی باشد و حضرت صادق ع که کسیکه زیارت کند
مرا البته گناهان او آمرزیده میشود و فقیر نمیرد و از حضرت امام رضا ع مرویست
که هر امامی را در گردن شیعه و اولیای او عهدیست و از تمامی وفا بعهد او و حسن ادای
آن زیارت قبر اوست و کسیکه زیارت قبور ایشان کند بواسطه رغبت در زیارت
ایشان و تصدیق بچیزی که رغبت ... اند در آن ائمه ایشان در روز قیامت شفعای ایشان
خواهند بود و این روایت شیخ شهید علیه الرحمه در دروس خود ذکر کرده است و طریق
آنست که غسل زیارت کنی و بعد از آن قبر ایشان را در پیش روی خود گیری و بگو
السلام علیکم یا خزان علم الله و حفظة سره و تراجمة وحیه اتیتکم یا بنی رسول
الله عارفا بحقکم مستبصرا بشانکم معادیا لاعدائکم موالیا لاولیائکم بابی انتم
و امی صلی الله علی ارواحکم و ابدانکم اللهم انی اتولی آخرهم کما تولیت اولهم و ابرء
من کل ولیجة دونهم آمنت بالله و کفرت بالجبت و الطاغوت و اللات و العزی و کل
ند یدعی من دون الله و در وداع ایشان بگوی السلام علیکم ائمة الهدی و رحمة الله
و برکاته استودعکم الله و اقرا علیکم السلام آمنا بالله و بالرسول و بما جئتم
به و دللتم علیه اللهم فاکتبنا مع الشاهدین و لا تجعله آخر العهد من زیارتهم
و السلام علیهم و رحمة الله و برکاته و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه
زیارت علی بن ابی طالب ع کند پیاده خدای تعالی بهر گامی یک حج و یک عمره از برای او مینویسد
و اگر پیاده برگردد خدای تعالی بهر گامی دو حج و دو عمره از برای او بنویسد و ابن مارد
از حضرت صادق ع روایت کرده است که کسیکه زیارت کند علی بن ابی طالب را در
حالتیکه عارف باشد بحق او خدای تعالی بهر گامی یک حج مقبول و عمره مبروره از برای
او مینویسد بخدا قسم که آتش نمیخورد قدمی را که در زیارت امیر المؤمنین ع گرد آلود شود
خواه پیاده بزیارت رفته باشد و خواه سواره بعد از آن حضرت فرمود یا ابن مارد این

زیارت ائمه بقیع

حدیث را بابن طاوس و امام رضا محمد بن ابی نصر البزنطی گفت کرد روز غدیر حاضر
شو نزد علی که خدا تعالی در این روز میامرزد و از برای هر مؤمن و مؤمنه و هر مسلم
و مسلمه گناهان شصت ساله او را و آزاد میکند در آن روز از آتش دوزخ ضعف
آنچه آزاد کرد در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر آزاد میکند و تصدق یکدرهم
در این روز برابر هزار درهم است بر اخوان عارفین خود را و در روز نهائی نیکوئیش
افضال کن بر برادران خود در این روز و این روایت را شیخ شهید در دروس ذکر کرده
و میگوئی تو در زیارت امیر المؤمنین در روز عید غدیر بعد از اذن دخول و
استقبال قبر و گذاشتن قبله را در میان دو کتف خود السلام علی رسول الله
و امین الله علی وحیه و عزائم امره والخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل والمهیمن
علی ذلک کله و رحمة الله و برکاته السلام علی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
وصی رسول الله صلی الله علیه و آله و خلیفته والقائم بالامر من بعده
سید الوصیین و رحمة الله و برکاته السلام علی فاطمة بنت رسول الله سیدة
نساء العالمین السلام علی الحسن والحسین سیدی شباب اهل الجنة من
الخلق اجمعین السلام علی الائمة الراشدین السلام علی الانبیاء والمرسلین
السلام علی الملائکة المقربین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و بعد از
ان بگو السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته السلام علیک
یا ولی الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک
یا عمود الدین السلام علیک یا وصی رسول الله السلام علیک یا سید
الوصیین السلام یا حجة الله علی الخلق اجمعین السلام علیک ایها النبأ
العظیم الذی هم فیه مختلفون و عنه مسئولون السلام علیک ایها الصدیق
الاکبر السلام ایها الفاروق الاعظم السلام علیک یا امین الله السلام علیک
یا خلیل الله و موضع سره و عیبة علمه و خازن وحیه بابی انت و امی یا مولای
یا امیر المؤمنین یا حجة الخصام بابی انت و امی یا باب المقام اشهد انک حبیب
الله و خاصته و خالصته و اشهد انک عمود الدین و وارث علم الاولین و
الآخرین و صاحب المیسم والصراط المستقیم و اشهد انک قد بلغت عن رسول

الله ما حملت و رعیت ما استحفظت و حفظت ما استودعت و حللت حلال الله
و حرمت حرام الله و اقمت احکام الله و لم تتعد حدود الله و عبدت الله مخلصا حتی اتاک
الیقین اشهد انک اقمت الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن
المنکر و اتبعت الرسول و تلوت الکتاب حق تلاوته و جاهدت فی الله حق جهاده و
نصحت لله و لرسوله و جدت بنفسک صابرا محتسبا و عن دین الله مجاهدا و لرسول
الله موقیا و لما عند الله طالبا و فیما وعد راغبا و مضیت للذی کنت علیه شهیدا
و شاهدا و مشهودا فجزاک الله عن رسوله و عن الاسلام و اهله افضل الجزاء
لعن الله من خالفک و لعن الله من ظلمک و لعن الله من افتری علیک و غصبک
و لعن الله من قتلک و لعن الله من بایع علی قتلک و لعن الله من بلغه ذلک
فرضی به انا الی الله منهم براء لعن الله امة خالفتک و امة جحدت ولایتک
و امة تظاهرت علیک و امة قتلتک و امة حادت عنک و امة خذلتک الحمد لله
الذی جعل النار مثواهم و بئس الورد المورود اللهم العن قتلة انبیائک و او
صیاء انبیائک بجمیع لعنائک و اصلهم حر نارک اللهم العن الجوابیت و
الطواغیت والفراعنة واللات والعزی و کل ند یدعی من دونک و کل ملحد
مفتر اللهم العنهم و اشیاعهم و اتباعهم و اولیاءهم و اعوانهم و محبیهم لعنا
کثیرا لا انقطاع له و لا اجل اللهم انی برئ الیک من جمیع اعدائک و اسئلک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی لسان صدق فی اولیائک و تحبب الی
مشاهدهم حتی تلحقنی بهم و تجعلنی لهم تبعا فی الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین
و بعد از آن بالای سر آنحضرت بایست و بگو سلام الله و سلام ملائکته المقربین
والمسلمین لک بقلوبهم والناطقین بفضلک والشاهدین لک علی انک صادق
صدیق علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته صلی الله علیک و علی روحک
و بدنک و اشهد انک طهر طاهر مطهر من طهر طاهر مطهر و اشهد لک
یا ولی الله و ولی رسوله بالبلاغ والاداء و اشهد انک جنب الله و انک باب
الله و انک وجه الله الذی یؤتی منه و انک سبیل الله و انک عبد الله و اخو
رسوله اتیتک وافدا لعظیم حالک و منزلتک عند الله و عند رسوله اتیتک

متقربًا الی الله بزیارتک فی خلاص نفسی متعوذًا من نارٍ استحقها مثلی بما جنیته علی
نفسی اتیتک انقطاعًا الیک والی ولدک الخلف من بعدک علی الحق فقلبی لکم مسلّم
وامری لکم متبع ونصرتی لکم معدّة انا عبد الله ومولاک فی طاعتک الوافد
الیک التمس بذلک کمال المنزلة عند الله تعالی وانت یا مولای ممن امرنی الله
تعالی بصلته وحثّنی علی برّه ودلّنی علی فضله وهدانی لحبّه ورغّبنی فی الوفادة
الیه والهمنی طلب الحوائج عنده انتم اهل بیت یسعد من تولّاکم ولا یخیب من
یهواکم ولا یخیب من اتاکم ولا یسعد من عاداکم لا اجد احدًا افزع الیه خیرًا لی
منکم انتم اهل بیت الرحمة ودعائم الدین واوتاد الارض والشجرة الطیبة اللهم
لا تخیّب توجهی الیک برسولک وآل رسولک واستشفاعی بهم الیک اللهم
انت مننت علیّ بزیارة مولای امیر المؤمنین وولایته ومعرفته فاجعلنی ممن ینصره
وینتصر به ومنّ علیّ بنصری لدینک فی الدنیا والآخرة اللهم انی احیی علی ما حیی
علیه مولای علی بن ابی طالب واموت علی ما مات علیه علی بن ابی طالب صلوات الله
علیه وآله الطاهرین و بعد از ان ضریح مبارک آنحضرت را ببوس و جانب راست
خود را بر ضریح بگذار و بعد از ان جانب روی خود را بر ضریح بگذار و بعد از ان نزد
سر مبارک آنحضرت برو و دو رکعت نماز زیارت بجا آور در رکعت اول الحمد لله و سورهٔ
الرحمن بخوان و در رکعت دوم الحمد و یس بخوان و بعد از ان تسبیح حضرت فاطمه ع بجا
آور و استغفار کن و دعائی بخوان که بعد از این ماذکر خواهیم کرد ان شاء الله تعالی
در عقب دو رکعت نماز زیارت عاشورا و بعد از ان سجده کن و بگوی اللهم الیک
توجهت وبک اعتصمت اللهم انت ثقتی ورجائی فاکفنی ما اهمّنی وما لم یهمّنی وما
انت اعلم به منّی عزّ جارک وجلّ ثناؤک ولا اله غیرک صلّ علی محمد وآل محمد وقرّب
فرجهم و بعد از ان جانب راست روی خود را بر زمین گذار و سه بار بگو اللهم ارحم
ذلّی بین یدیک وتضرّعی الیک ووحشتی من العالم وانسی بک یا کریم و بعد از ان
جانب خود را بر زمین گذار و بگو و سه بار بگو لا اله الا انت ربی حقًا حقًا سجدت
لک یا رب تعبّدًا ورقًّا اللهم ان عملی ضعیف فضاعفه لی یا کریم و باز پیشانی خود
بر زمین گذار و صد بار بگوی شکرًا شکرًا مفضل بن عمر جعفی گوید که حضرت

زیارت ادم ونوح

امام رضا علیه السلام فرمود که ای مفضل هرگاه زیارت امیر المؤمنین ع کنی بدانکه
زیارت استخوانهای آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب ع کرده من گفتم یا ابن
رسول الله آدم ع در سراندیب فرود آمد در مطلع شمس و گمان مردم انست که استخوانهای
او در بیت الله الحرام است چون استخوانهای او بکوفه آمد آنحضرت فرمود که وقتیکه
نوح ع در کشتی بود وحی باو نازل شد که هفت نوبت خانه کعبه را طواف خانه بجا
آورد و نازل شد در آب تا زانوی خود تابوتی برآر که استخوانهای آدم ع در آن بود
با خود برداشته در کشتی تا آنکه وارد شد در نجف کوفه و آن تابوت را در غری دفن
کرد و غری قطعه ایست از کوهی که موسی ع بر آن کوه با خدا تعالی تکلم کرد و عیسی ع
بر آن کوه خدا تعالی را تقدیس کرده و در آن کوه ابرهیم ع خلعت خلّت پوشید و حضرت
محمد ص را حبیب خود گردانید و آن کوه را مسکن پیغمبران کرد بخدا قسم که بعد از آدم و نوح
اکرم از علی بن ابی طالب ع کسی در انجا ساکن نشد و این روایت را شیخ مفید ره در مزار
خود ذکر کرده است و بعد از ان بزیارت حضرت آدم ع برو و بگوی السلام
علیک یا صفیّ الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا نبیّ الله
السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا خلیفة الله السلام علیک یا ابا
البشر صلوات الله وسلامه علیک وعلی روحک وبدنک وعلی الطاهرین
من ولدک وذریتک صلوة لا یحصیها الا هو ورحمة الله وبرکاته و بعد از ان
زیارت نوح ع را بکن و در زیارت او بگوی السلام علیک یا نبیّ الله السلام
علیک یا صفیّ الله السلام علیک یا نجیّ الله السلام علیک یا حبیب الله السلام
علیک یا شیخ المرسلین السلام علیک یا امین الله فی ارضه صلوات الله وسلامه
علیک وعلی روحک وبدنک وعلی الطاهرین من ولدک ورحمة الله وبرکاته
و بعد از ان برای هر کدام دو رکعت نماز بجا آور و بعد از ان هر دو رکعت دعائی را
بخوان که ذکر خواهم کرد در عقب زیارت عاشورا و بعد از ان بپایین پای امیر المؤمنین
برو و بگوی السلام علیک یا امیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته انت اوّل مظلوم
واوّل مغصوب حقه صبرت واحتسبت حتی اتیک الیقین اشهد انک لقیت الله
وانت شهید عذّب الله قاتلک بانواع العذاب جئتک زائرًا عارفًا بحقک

مستبصراً بشأنك معادياً لأعدائك موالياً لأوليائك ألقى على ذلك ربي إن شاء الله
ولي ذنوب كثيرة فاشفع لي عند ربك فإن لك عند ربك مقاماً معلوماً
وجاهاً واسعاً وشفاعة وقد قال الله تعالى ولا يشفعون إلا لمن ارتضى وهم من
خشيته مشفقون صلى الله عليك وعلى روحك وبدنك وعلى الأئمة من ذريتك
صلوة لا يحصيها إلا هو وعليكم أفضل الصلوة والسلم ورحمة الله وبركاته

زیارت حضرت امین

واز حضرت امام محمد باقر مرویست که پدرم علی بن الحسین به مشهد مقدس امیر
المؤمنین آمد وچون بآن مشهد رسید بایستاد وگریه کرد وگفت السلم علیک
یا امین الله فی ارضه وحجته علی عباده السلام علیک یا امیر المؤمنین اشهد
انک جاهدت فی الله حق جهاده وعملت بکتابه واتبعت سنن نبیه صلی الله علیه
وآله حتی دعاک الله الی جواره وقبضک الیه باختیاره والزم اعدائک الحجة مع
ما لک من الحجج البالغة علی جمیع خلقه اللهم فاجعل نفسی مطمئنة بقدرک راضیة
بقضائک مولعة بذکرک ودعائک محبة لصفوة اولیائک محبوبة فی ارضک
وسمائک صابرة علی نزول بلائک مشتاقة الی فرحة لقائک متزودة التقوی
لیوم جزائک مستنة بسنن اولیائک مفارقة لاخلاق اعدائک مشغولة عن الدنیا
بحمدک وثنائک وبعد از آن روی مبارک خود را بر قبر آنحضرت نهاد وگفت اللهم
ان قلوب المخبتین الیک والهة وسبل الراغبین الیک شارعة واعلام القاصدین
الیک واضحة وافئدة العارفین منک فازعة واصوات الداعین الیک صاعدة
وابواب الاجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاک مستجابة وتوبة من اناب الیک
مقبولة وعبرة من بکی من خوفک مرحومة والاغاثة لمن استغاث بک موجودة
والاعانة لمن استعان بک مبذولة وعداتک لعبادک منجزة وزلل من استقالک
واعمال العاملین لدیک محفوظة وارزاقک الی الخلائق من لدنک نازلة
وعوائد المزید الیهم واصلة وذنوب المستغفرین مغفورة وحوائج خلقک
عندک مقضیة وجوائز السائلین عندک موفرة وعوائد المزید متواترة وموائد
المستطعمین معدة ومناهل الظماء مترعة اللهم فاستجب دعائی واقبل ثنائی
واجمع بینی وبین اولیائی بحق محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین انک ولی

نعمائی ومنتهی منای وغایة رجائی فی منقلبی ومثوای وهرگاه اراده وداع آنحضرت کنی
نزد قبر آنحضرت بایست بطریقی که در ابتدای زیارت میایستادی وبگو السلام علیک
یا امیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته استودعک الله واسترعیک واقرأ علیک
السلام آمنا بالله وبالرسل وبما جاءت به ودلت علیه اللهم فاکتبنا مع الشاهدین
اللهم انی اشهد فی مماتی علی ما شهدت علیه فی حیاتی ان الائمة علی بن ابی طالب
والحسن والحسین الی آخرهم واشهد ان من قتلکم وحاربکم مشرکون ومن رد علیکم
فهو فی اسفل درک الجحیم اشهد ان من حاربکم لنا اعداء ونحن منهم براء وانهم
حزب الشیطان وعلی من قتلکم لعنة الله والملائکة والناس اجمعین ومن شرک
فیه ومن سره قتلکم اللهم انی اسئلک بعد الصلوة والتسلیم ان تصلی علی
محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین الی آخرهم ولا تجعله آخر العهد من زیارته
فان جعلته فاحشرنی مع هؤلاء الائمة المسمین اللهم وذلل قلوبنا لهم بالطاعة
والمناصحة والمحبة وحسن الموازرة والتسلیم سنتست روزه داشتن ده روز
اول ماه محرم وروز دهم از مفطرات تا بعد از عصر امساک کند وبعد از عصر بچیزی
از تربت امام حسین افطار کند ودر این روز حزن واندوه آل محمد وشیعه ایشان
تازه میشود وسنتست که در این روز از چیزهای لذیذ دور شود واقامت مصائب کند
تا بعد از عصر وحضرت صادق فرمود که کسیکه زیارت امام حسین کند در روز
عاشورا در حالتیکه بحق او عارف باشد یعنی بامامت وقایل باشد مثل آنست که
خدا را در عرش او زیارت کرده باشد واز برای او بهشت واجب میشود واز آنحضرت
مرویست که هر که نزد قبر امام حسین در شب عاشورا بسر برد روز قیامت ملاقات خواهد
کرد با خدا در حالتیکه بخون خود غلطیده باشد واز آنحضرت مرویست که مثل کسی است
که با آنحضرت در کربلا شهید شده باشد ونیز از آنحضرت مرویست که کسیکه در
روز عاشورا زیارت حضرت امام حسین کند وگریان باشد تا وقت عصر با خدا
ملاقات خواهد کرد با ثواب دو هزار حج ودو هزار عمره ودو هزار غزو وثواب هر حج
وعمره وغزو مثل ثواب حج وعمره وغزوه ایست که با پیغمبر وبا ائمه بجا آورده باشد
وآنچه مذکور شد ملخص مختصر متهجد است واما زیارت عاشورا از نزدیک ودور

پس کسیکه اراده این زیارت کند واز آنحضرت دور باشد پس باید که بصحرا رود یا بر بام بلندی رود وبسلام اشاره بجانب آنحضرت کند وجهد در نفرین کردن بر قاتل آنحضرت بسیار کند ودو رکعت نماز زیارت کند وباید که این زیارت در اول روز قبل از زوال باشد وبر آنحضرت ندبه وگریه کند واهل خانه خود را امر کند بگریه وندبه وبرپا دارد مصیبت را با کسانیکه حاضر نزد او باشند واظهار جزع بر آنحضرت وتعزیت بعضی بعضی را دهند بشهادت امام حسین باین طریق که اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين وجعلنا واياكم من الطالبين بثاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد عليهم السلام وهرگاه دو رکعت نماز زیارت بگذارد صد بار تکبیر بگوید وبعد از آن اشاره کند بجانب آنحضرت وبگوید

زیارت عاشورا

السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين وابن سيد الوصيين السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام عليك وعلى الارواح التي حلت بفنائك عليكم مني جميعا سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار يا ابا عبد الله لقد عظمت الرزية وجلت المصيبة بك علينا وعلى جميع اهل الاسلام وجلت وعظمت مصيبتك في السموات على جميع اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور عليكم اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم وازالتكم عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها ولعن الله امة قتلتكم ولعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم برئت الى الله واليكم منهم ومن اشياعهم واتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم الى يوم القيمة ولعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله بني امية قاطبة ولعن الله ابن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت وتنقبت وتهيات لقتالك بابي انت وامي لقد عظم مصابي بك فاسئل الله الذي اكرم مقامك واكرمني بك ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت محمد صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين في الدنيا والآخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك وبالبرائة ممن اسس اساس ذلك وبنى عليه بنيانه

وعظمت

وجرى في ظلمه وجوره عليكم اهل البيت وعلى اشياعكم برئت الى الله واليكم منهم واتقرب الى الله ثم اليكم بموالاتكم وموالاة وليكم وبالبرائة من اعدائكم والناصبين لكم الحرب وبالبرائة من اشياعهم واتباعهم اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولي لمن والاكم وعدو لمن عاداكم فاسئل الله الذي اكرمني بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني البرائة من اعدائكم ان يجعلني معكم في الدنيا والآخرة وان يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا والآخرة واسئله ان يبلغني المقام المحمود لكم عند الله وان يرزقني طلب ثاري مع امام مهدي ظاهر ناطق منكم واسئل الله بحقكم وبالشان الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا بمصيبته يا لها من مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل السموات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل محمد اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد اللعين ابن اللعين على لسان نبيك في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك اللهم العن ابا سفيان ومعوية ويزيد بن معوية عليهم منك اللعنة ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف عليهم اللعن منك والعذاب اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام حيوتي بالبرائة منهم واللعنة عليهم وبالموالات لنبيك وآل نبيك وبعد از آن صد مرتبه بگوید اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا پس صد بار بگوید السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح التي حلت بفنائك واناخت برحلك عليك مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اصحاب الحسين پس بگوید اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني وابدا به اولا ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن يزيد خامسا والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل ابي سفيان وآل زياد وآل مروان الى يوم القيمة وبعد از آن بسجده رود و بگوید

ابن ابی سفیان

ابن معویه

فصل ۱۴

اللهم لک الحمد حمد الشاکرین لک على مصابهم الحمد لله على عظیم رزیتی اللهم ارزقنی
شفاعة الحسین یوم الورود وثبّت لی قدم صدق عندک مع الحسین واصحاب
الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین وبعد از آن دو رکعت نماز بکند وبعد
از سلام آنچه خواهد بخواند وبعد از نماز زیارت بگوید اللهم انی لک صلیت و
لک رکعت ولک سجدت وحدک لا شریک لک لانه لا تجوز الصلوة والرکوع
والسجود الا لک لانک انت الله لا اله الا انت اللهم صل على محمد وآل محمد
وابلغهم عنی افضل السلام والتحیة واردد علی منهم السلام اللهم وهاتان الرکعتان
هدیة منی الی سیدی ومولای الحسین بن علی اللهم صل على محمد وآله وتقبلهما
منی واجرنی علیهما افضل املی ورجائی فیک وفی ولیک یا ولی المؤمنین و
سنتست که در روز عاشورا چهار رکعت نماز کند وکیفیت آن در فصل صلوات
گذشت وبعد از زیارت دعای بخواند که از حضرت صادق روایت است وآن اینست
یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین ویا کاشف کرب المکروبین ویا غیاث
المستغیثین ویا صریخ المستصرخین ویا من هو اقرب الینا من حبل الورید ویا من
یحول بین المرء وقلبه ویا من هو بالمنظر الاعلى وبالافق المبین ویا من هو الرحمن
الرحیم على العرش استوى ویا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور ویا من
لا یخفى علیه خافیة یا من لا تشتبه علیه الاصوات ویا من لا تغلطه الحاجات
ویا من لا یبرمه الحاح الملحین یا مدرک کل فوت ویا جامع کل شمل ویا باری النفوس
بعد الموت یا من هو کل یوم فی شأن یا قاضی الحاجات یا منفس الکربات یا معطی
السؤلات یا ولی الرغبات یا کافی المهمات یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه
شیء فی السموات والارض اسئلک بحق محمد وعلی وبحق فاطمة بنت نبیک وبحق الحسن
والحسین والتسعة من ولد الحسین فانی بهم اتوجه الیک فی مقامی هذا وبهم
اتوسل وبهم اتشفع الیک وبحقهم اسئلک واقسم واعزم علیک وبالشأن
الذی لهم عندک وبالقدر الذی لهم عندک وبالذی فضلتهم على العالمین وباسمک
الذی جعلته عندهم وبه خصصتهم دون العالمین وبه ابنتهم وابنت فضلهم
من فضل العالمین ان تصلی على محمد وآل محمد وان تکشف عنی غمی وهمی وکربی و

لک ۳

تکفینی المهم

من اموری وتقضی عنی دینی وتجیرنی من الفقر وتجیرنی من الفاقة وتغنینی عن
المسئلة الى المخلوقین وتکفینی هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة من اخاف
حزونته وشر من اخاف شره ومکر من اخاف مکره وبغی من اخاف بغیه وجور
من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وکید من اخاف کیده ومقدرة من
لا اخاف بلاء مقدرته علی وترد عنی کید الکیدة ومکر المکرة اللهم من ارادنی
فارده ومن کادنی فکده واصرف عنی کیده ومکره وباسه وامانیه وامنعه عنی
کیف شئت وانى شئت اللهم اشغله عنی بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة
لا تسدها وبسقم لا تعافیه وذل لا تعزه وبمسکنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل
نصب عینیه وادخل علیه الفقر فی منزله والعلة والسقم فی بدنه حتى تشغله عنی
بشغل شاغل لا فراغ له وانسه ذکری کما انسیته ذکرک وخذ عنی بسمعه وبصره و
لسانه ویده ورجله وقلبه وجمیع جوارحه وادخل علیه فی جمیع ذلک السقم ولا
تشفه حتى تجعل ذلک شغلا شاغلا له عنی وعن ذکری واکفنی یا کافی ما لا یکفی
سواک فانک الکافی لا کافی سواک ومفرج لا مفرج سواک ومغیث لا مغیث سواک
وجار لا جار سواک خاب من کان رجاؤه سواک ومغیثه سواک ومفزعه الى سواک ومهربه
وملجاه الى غیرک ومنجاه من مخلوق غیرک فانت ثقتی ورجائی ومفزعی ومهربی و
ملجای ومنجای فبک استفتح وبک استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه الیک واتشفع
فاسئلک یا الله یا الله یا الله فلک الحمد ولک الشکر والیک المشتکى وانت
المستعان فاسئلک یا الله یا الله یا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلی على محمد وآل محمد
وان تکشف عنی غمی وهمی وکربی فی مقامی هذا کما کشفت عن نبیک همه وغمه وکربه
وکفیته هول عدوه فاکشف عنی کما کشفت عنه وفرج عنی کما فرجت عنه واکفنی
کما کفیته هول ما اخاف هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف همه بلا مؤنة
على نفسی من ذلک واصرفنی بقضاء حوائجی وکفایة ما اهمنی همه من امر آخرتی ودنیای
یا امیر المؤمنین ویا ابا عبد الله علیکما منی سلام الله ابدا ما بقیت وبقی اللیل و
النهار ولا جعله الله آخر العهد من زیارتکما ولا فرق الله بینی وبینکما اللهم احینی
حیوة محمد وذریته وامتنی مماتهم وتوفنی على ملتهم واحشرنی فی زمرتهم ولا تفرق

خاب ۳

بینی وبینهم طرفة عین فی الدنیا والآخرة یا امیر المؤمنین ویا ابا عبد الله قصدتکما
بقلبی زائرا ومتوسلا الی الله ربی وربکما ومتوجها الیه بکما ومستشفعا بکما الی الله
فی حاجتی هذه فاشفعا لی فان لکما عند الله المقام المحمود والجاه الوجیه والمنزل الرفیع
والوسیلة انی انقلب عنکما منتظرا لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتکما
الی الله فی ذلک فلا اخیب ولا یکون منقلبی منقلبا خائبا خاسرا بل یکون منقلبی منقلبا راجحا
مفلحا منجحا مستجابا لی بقضاء جمیع حوائجی وتشفعا لی الی الله انقلبت علی ما شاء الله ولا
حول ولا قوة الا بالله مفوضا امری الی الله ملجئا ظهری الی الله متوکلا علی الله واقول حسبی
الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله ووراءکم یا سادتی منتهی ما شاء ربی کان وما
لم یشأ لم یکن ولا حول ولا قوة الا بالله استودعکما الله ولا جعله الله آخر العهد منی الیکما
انصرفت یا سیدی یا امیر المؤمنین ومولای وانت یا ابا عبد الله سلامی علیکما متصل
ما اتصل اللیل والنهار واصل ذلک الیکما غیر محجوب عنکما سلامی ان شاء الله واسئله
بحقکما ان یشاء ذلک ویفعل فانه حمید مجید انقلبت یا سیدی عنکما تائبا حامدا لله
شاکرا راجیا للاجابة غیر آیس ولا قانط آئبا عائدا راجعا الی زیارتکما غیر راغب عنکما ولا عن زیارتکما
بل راجع عائد ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما والی زیارتکما
بعد ان زهد فیکما وفی زیارتکما اهل الدنیا فلا خیبنی الله مما رجوت وما املت فی زیارتکما
انه قریب مجیب پس این زیارت را بواسطه آن اربعین گویند که وقت آن روز بیستم صفر است و بیستم
چهلم است از مقتل امام حسین ع و این روزیست که جابر بن عبد الله انصاری که مصاحب حضرت
پیغمبر بود از مدینه بکربلا آمد بواسطه زیارت قبر امام حسین ع و از مردم اول کسیکه امام
حسین ع را زیارت کرد او بود و از حضرت امام حسن عسکری مرویست که علامت مؤمن پنج است
اول پنجاه و یک رکعت نماز دویم زیارت اربعین سیم خاتم بدست راست کردن چهارم تعفیر
جبین یعنی سجده شکر کردن بعد از نماز پنجگانه و بسم الله الرحمن الرحیم بلند گفتن و در این روز
بود که حرم امام حسین ع از شام بمدینه رجوع کردند و از حضرت امام جعفر ع مرویست که ایام
زایران امام حسین را از آجال ایشان نمی نویسند و کسیکه یکسال ترک کند زیارت
قبر امام حسین ع حاضر نشود یکسال از عمر او ناقص میشود و اگر بگوئی که یکی از شما سی
سال پیش از اجل میمیرد راست گفتی این بواسطه آنست که ترک کرده است زیارت امام حسین را

انقلب ...

شرح زیارت اربعین

پس

پس ترک میکنید این زیارت را که خدا دراز میکند عمرهای شما را و زیاد میکند عمرهای شما را
بسبب این زیارت و هرگاه ترک کنید زیارت را کم میکند خدا عمرها و روزیهای شما را پس
ترک مکنید زیارت امام حسین ع را بدرستیکه حضرت امام حسین شاهد شماست نزد خدا
و نزد رسول و نزد علی و فاطمه و اما زیارت اربعین روایت کرده است آنرا صفوان بن
مهران از حضرت صادق ع که آنحضرت فرمود که ای صفوان زیارت کن امام حسین را در روز
نزد ارتفاع آفتاب باین زیارت صفوان بن مهران جمال گوید که حضرت صادق ع گفت که
ای صفوان این زیارت را مغتنم شمرید و این دعا را بعد از این زیارت بخوان پس بدرستیکه
من ضامنم از جانب خدا از برای تو و هر کس که این زیارت را بکند از نزدیک یا دور و این دعا بخواند
آنکه زیارتش مقبول و سعی او مشکور باشد و سلام او بحضرت برسد و حاجتش روا شود
از جانب الله تعالی هر حاجت که باشد ای صفوان این زیارت را یافتم مضمون با ضمان از پدرم و
پدرم از پدرش مضمون با ضمان و او از پدرش امام حسین با این طریق و او از برادر خود امام
حسن با این طریق و او از پدر خود علی بن ابی طالب و او از پیغمبر مضمون با ضمان و پیغمبر
همین ضمان از جبرئیل و جبرئیل از خدا مضمون با ضمان بدرستیکه خدا قسم خورده بنفس خود
که کسیکه امام حسین را باین روش زیارت کند و این دعا را بخواند از دور یا نزدیک
زیارتش مقبولست و هر سؤالی که کند بدهم باو و خایب از درگاه من نگردد بلکه مسرور
و چشم روشن و حاجتش برآورده برگردد و فایز شود ببهشت و آزاد شود از آتش و شفاعت او
قبول شود در حق هر کس که شفاعت کند مگر ناصبی که دشمن ما اهل بیت باشد خدا
باین روش قسم خورده بنفس خود و ملائکه را شاهد گرفته است ای صفوان هرگاه حاجتی داشته
باشی امام حسین را باین زیارت زیارت کن در هر جا که باشی و این دعا را بخوان و حاجت
خود را بطلب که روا میشود ان شاء الله پس بگو السلام علی ولی الله وحبیبه السلام
علی خلیل الله ونجیبه السلام علی صفی الله وابن صفیه السلام علی الحسین المظلوم
الشهید السلام علی اسیر الکربات وقتیل العبرات اللهم انی اشهد انه ولیک
وابن ولیک وصفیک وابن صفیک الفائز بکرامتک اکرمته بالشهادة وحبوته
بالسعادة واجتبیته بطیب الولادة وجعلته سیدا من السادة وقائدا من القادة
وذائدا من الذادة واعطیته مواریث الانبیاء وجعلته حجة علی خلقک من الاوصیاء

زیارت اربعین

فاعذر فی الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة
وحیرة الضلالة وقد توازر علیه من غرته الدنیا وباع حظه بالارذل الادنی و
شری آخرته بالثمن الاوکس وتغطرس وتردی فی هواه واسخطک واسخط نبیک و
اطاع من عبادک اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار والمستوجبین النار
فجاهدهم فیک صابرا محتسبا حتی سفک فی طاعتک دمه واستبیح حریمه اللهم فالعنهم
لعنا وبیلا وعذبهم عذابا الیما السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک
یا ابن سید الاوصیاء اشهد انک امین الله وابن امینه عشت سعیدا ومضیت حمیدا
ومت فقیدا مظلوما شهیدا واشهد ان الله منجز ما وعدک ومهلک من خذلک و
معذب من قتلک واشهد انک وفیت بعهد الله وجاهدت فی سبیله حتی اتاک
الیقین فلعن الله من قتلک ولعن الله من ظلمک ولعن الله امة سمعت بذلک
فرضیت به اللهم انی اشهدک انی ولی لمن والاه وعدو لمن عاداه بابی انت وامی یا ابن
رسول الله اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام الطاهرة لم تنجسک
الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک المدلهمات من ثیابها واشهد انک الامام البر التقی
الرضی الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة من ولدک کلمة التقوی واعلام الهدی
والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع
دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع ونصرتی لکم معدة حتی یاذن الله
لکم فمعکم معکم لا مع عدوکم صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم واجسادکم وشاهدکم
وغائبکم وظاهرکم وباطنکم امین رب العالمین وبعد از این زیارت دو رکعت نماز زیارت کن
ودعا کن بآنچه خواهی وبعد از آن علی بن الحسین را زیارت کن وبعد از آن شهدا وعباس را
زیارت کن بزیارتیکه بعد از این ذکر خواهیم کرد ودر زیارت عرفه وهم چنین در هر
که زیارت امام حسین کنی زیارت علی بن الحسین وشهدا وعباس را بکن تتمه در هر ماه
بلکه در هر روز زیارت حضرت امام حسین سنت است اما در هر ماهی زیارت آنحضرت
بواسطه آنکه روایتی که از صادق وارد شده است که هر کس امام حسین را در هر ماهی زیارت
کند او راست ثواب صد هزار شهید از شهدای بدر باشد واما زیارت هر روز آنحضرت
سنت است بواسطه روایتی که از صادق مرویست که آنحضرت گفت مر سدیر بن حکیم را که یا سدیر

شرح زیارت علی ابن الحسین

آیا زیارت میکنی امام حسین را در هر روز سدیر گفت نه آنحضرت فرمود که چه جفا
کرده اید آنحضرت را آیا در هر ماهی زیارت آنحضرت میکنی سدیر گفت نه فرمود که آیا
زیارت میکنی آنحضرت را در هر سالی گفت گاهی میشود که در سالی زیارت آنحضرت می
کنم آنحضرت فرمود که چه جفا میکنید با امام حسین آیا نمیدانی که خدا هزار هزار
ملک است که مجموع آنها پراکنده مو وغبار آلوده اند وبر آنحضرت گریه میکنند واو را
زیارت میکنند وایشان را وهنی وسستی بهم نمیرسد چیست ترا ای سدیر که هر روز آن
حضرت را زیارت نمیکنی سدیر گفت جانم فدای تو باد میان من وآنحضرت بفرسخ بسیار
بعد واقع است آنحضرت فرمود که هر روز بر بالای بام خود رو وبجانب راست وچپ خود
التفات کن وبعد از آن سر خود را بلند کن بسوی آسمان وبعد از آن میل بجانب قبر آن
حضرت کن وبگو السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
از حضرت صادق مرویست که کسیکه زیارت کند امام حسین را در اول ماه رجب
البته او را بیامرزند ونیز از آنحضرت مرویست که خدا بقبر امام حسین چهار هزار ملک
موکل کرده است که مجموع ایشان پراکنده مو وگرد آلوده وگریانند بر آنحضرت تا روز
قیامت پس کسیکه آنحضرت را در حالتیکه عارف باشد بحق او زیارت کند آن ملایکه مشایعت
میکنند او را تا آنکه او را بمامن خود رسانند واگر بیمار شود هر صبح وشام او را عیادت
میکنند واگر بمیرد بجنازه او حاضر شوند وبرای او استغفار کنند تا روز قیامت ونیز
از آنحضرت مرویست که فرمود که اگر یکی از شما در تمام عمر خود حج کند وزیارت حضرت امام
حسین نکرده باشد حقی از حقوق رسول الله ترک کرده خواهد بود زیرا که زیارت حسین
واجب است بر هر مسلمانی واز حضرت صادق مرویست که فرمود که امر کنید شیعیان
ما را بزیارت امام حسین که زیارت وزیاد میکند رزق وعمر را ودفع میکند بدیها و
زیارت او واجبست بر هر مؤمنی که اقرار بامامت وی دارد واز حضرت صادق مرویست که بر
توانگران لازم است که در هر سال دو نوبت بزیارت قبر آنحضرت بیایند وبر فقرا لازم است
که در سالی یکبار بیایند ونیز از آنحضرت مرویست که کسیکه از منزل خود بیرون رود وقصد
زیارت امام حسین داشته باشد اگر پیاده است از برای او بواسطه هر گامی یک حسنه مینویسند و
سیئه از او محو کرده باشند واگر سواره است از برای او هر گامی که مرکوب او میگذارد حسنه

مینویسند و یکسیئه محو میکنند از نامهٔ اعمال او و چون بجا بر آنحضرت رسد او را
جملهٔ معلمان بنویسند و چون مناسک زیارت را بجا آورد او را از جملهٔ فایزان نویسند
و هرگاه ارادهٔ انصراف کند ملکی نزد او میآید و میگوید که من رسول پروردگار
توام بسوی تو و خدا ترا سلام میرساند و میفرماید که عمل خود را از سر گیر که گناهان گذشته
ترا آمرزیدیم و اما زیارت امام حسین در شب اول رجب و روز اول رجب و در روز
نصف رجب باید که غسل زیارت کنی و بعد از اغتسال بر در قبهٔ آنحضرت رو بقبله
بایستی و بر پیغمبر و فاطمه و ائمه سلام فرستی و بدعائیکه مذکور شد اذن دخول طلب کنی
و داخل شوی و بایستی بر ضریح آنحضرت و روی خود را بر روی آنحضرت کنی و قبله را در
میان هر دو شانه خود بگردانی و در زیارت هر امامی بایستی بطریق عمل باید کرد هرگاه آن
نزدیک باشد کنی بعد از صد بار تکبیر بگوئی و بعد از آن بگو السلام علیك یا ابن
رسول الله السلام علیك یا ابن خاتم الانبیاء السلام علیك یا ابن سید الوصیین
السلام علیك یا ابا عبد الله السلام علیك ایها الحسین بن علی السلام علیك
یا ابن فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیك یا ولی الله وابن ولیه السلام
علیك یا صفی الله وابن صفیه السلام علیك یا حجة الله وابن حجته السلام علیك
یا حبیب الله وابن حبیبه السلام علیك یا سفیر الله وابن سفیره السلام علیك
یا خازن الکتاب المسطور السلام علیك یا وارث التوریة والانجیل والزبور السلام
علیك یا امین الرحمن السلام علیك یا شریك القرآن السلام علیك یا عمود
الدین السلام علیك یا باب حکمة رب العالمین السلام علیك یا عیبة علم
الله السلام علیك یا موضع سر الله السلام علیك یا ثار الله وابن ثاره والوتر
الموتور السلام علیك وعلی الارواح التی حلت بفنائك واناخت برحلك بابی
انت وامی ونفسی یا ابا عبد الله لقد عظمت الرزیة وجلت المصیبة بك علینا
وعلی جمیع اهل الاسلام فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور علیکم اهل
البیت ولعن الله امة دفعتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها بابی انتم و
امی ونفسی یا ابا عبد الله لقد اقشعرت لدمائکم اظلة العرش مع اظلة الخلائق
وبکتکم السماء والارض وسکان الجنان والبر والبحر صلی الله علیك عدد

زیارت دیگر از حضرت سید الشهداء

السلام علیك یابن سید الوصیین

عن مقامکم وازالتکم

ما فی

ما فی علم الله لبیك داعی الله ان کان لم یجبك بدنی عند استغاثتك ولسانی
عند استنصارك فقد اجابك قلبی وسمعی وبصری سبحان ربنا ان کان وعد
ربنا لمفعولا اشهد انك طهر طاهر مطهر من طهر طاهر مطهر طهرت وطهرت
بك البلاد وطهرت ارض انت بها وطهر حرمك اشهد انك امرت بالقسط
والعدل ودعوت الیهما وانك صادق صدیق صدقت فیما دعوت الیه
وانك ثار الله فی الارض واشهد انك قد بلغت عن الله وعن جدك رسول
الله وعن ابیك امیر المؤمنین وعن اخیك الحسن ونصحت وجاهدت فی
سبیل ربك وعبدت الله مخلصا حتی اتیك الیقین فجزاك الله خیر جزاء السابقین
وصلی الله علیك وسلم تسلیما اللهم صل علی محمد وآل محمد وصل علی الحسین
المظلوم الشهید الرشید قتیل العبرات واسیر الکربات صلوة نامیة زاکیة
مبارکة یصعد اولها ولا ینفد آخرها افضل ما صلیت علی احد من اولاد انبیائك
المرسلین یا اله العالمین و بعد از ضریح مبارك آنحضرت را ببوس و علی بن الحسین
و شهدا و عباس را زیارت کن بر زیارتی که در زیارت غیر مذکور میشود ان شاء الله
و سنت است زیارت پیغمبر و ائمه در روز اول رجب و در بیست هفتم رجب و روز مبعث
شریف ایشان پس میگوییم ما که زیارت پیغمبر و فاطمه و علی و ائمهٔ اربعه در بقیع قبل
از این مذکور شد از حضرت صادق منقول است که فرمود که کسیکه زیارت کند
پدرم را در بغداد داخل جنت میشود و از پیغمبر مرویست که فرمود که خدا اکرام [illegible]
دلهای برگزیده های بندگان خود را بسوی شما بواسطهٔ شما متحمل آزار میشوند و زیارت
میکنند شما را و تقرب میجویند بسوی خدا و رسول او بمحبت شما پس این جماعت مخصوص
بشفاعت من و وارد میشوند در حوض کوثر من و مر ایشان راست در جنت چیزی که هیچ
چشمی آنرا ندیده است و هیچ گوشی نشنیده باشد و بر خاطر بشری خطور نکرده است اما جمعی
از اراذل ناس ایشان را سرزنش میکنند بر زیارت شما همچنانکه سرزنش میکنند زانیه را آن
جماعت بدترین امت منند و شفاعت ایشان را در نمی یابد و بر حوض کوثر وارد نمیشوند از
شیخ مفید ذکر کرده است اما زیارت حضرت کاظم و جواد پس میگوییم ما که هرگاه اراده
کنی تو زیارت ایشان را از نزدیک پس طلب اذن کن بآن دعائیکه گذشت پس هرگاه داخل شوی

زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام محمد تقی ع

بایست نزد قبر کاظم در حالتیکه غسل کرده باشی و روی خود را بآنحضرت کن و بگو
السّلام علیک یا ولیّ الله السّلام علیک یا حجّة الله السّلام علیک یا نور الله فی
ظلمات الارض اشهد انّک قد بلّغت عن الله ما حمّلت و حفظت ما استودعت
و حلّلت حلال الله و حرّمت حرام الله و اقمت حدود الله و تلوت کتاب الله و صبرت
علی الاذی فی جنب الله محتسبا حتّی اتیک الیقین ابرء الی الله و الیک من اعدائک
مستبصرا بالهدی الّذی انت علیه عارفا بضلالة من خالفک فاشفع لی عند
ربّک و بعد از آن تربت آنحضرت را ببوس و جانب راست روی خود را و جانب چپ روی خود را
بر تربت آنحضرت گذار بعد از آن بگو و بجانب سر مبارک آنحضرت برگرد السّلام علیک یا
حجّة الله فی ارضه و سمائه و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بگذار و بعد از آن دعا
که بعد از زیارت عاشورا مذکور شد بخوان و بعد از آن زیارت جوادین زیارت که
مذکور شد و ترتیب عمل در این زیارت بر ترتیبی است که مذکور شد در زیارت کاظم و در
وداع ایشان بگو آنچیزرا که در وداع ائمه بقیع مذکور شد و بدانکه بدرستیکه احادیث
در باب زیارت امام رضا در بسیاری بجائی رسیده است که نمیتوان شمرد و ما بعضی از آن
ذکر میکنیم از آنجمله حدیثی است که از پیغمبر مرویست که نزدیک باشد که پاره از تن من در خراسان
مدفون شود پس کسیکه او را زیارت کند در غربت و مثل آنست که هفتاد بار حج کرده باشد
و هیچ مؤمنی زیارت نکند او را مگر آنکه خدا واجب گرداند برای او بهشت را و حرام گرداند
بدن او را از آتش جهنّم و از امام کاظم مرویست که فرمود که نزدیک باشد بقتل رسانند پسر مرا بدترین
خلق خدا بزهر و بعد از آن دفن کنند او را در خانه تنگی در بلاد غربت آگاه باشید که کسیکه
او را در غربت من زیارت کند خدا بنویسد برای او ثواب صد هزار شهید و صد هزار
مجاهد و صد هزار حاج و معتمر و صد هزار صدیق و او را محشور میسازند در زمره ما
و او را در درجات عالیه رفیق ما میگردانند و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود که کسیکه
زیارت کند پسر مرا در حالتیکه او عارف باشد بآنچیزی که خدا واجب کرده است برای او از حق
پس من و پدران من در روز قیامت او را شفیع میکنیم و کسیکه ما او را شفاعت
کنیم اگرچه گناه جنّ و انس بر او باشد نجات می یابد و نیز از آنحضرت مرویست کسیکه
مرا زیارت کند بر روی خانه من در روز قیامت در سه موضع می آیم که او را از اهوال

قیامت

قیامت خلاص گردانم یکی در وقتیکه نامهها بجانب راست و چپ در پرواز باشند و دوم
در نزد صراط سیم در نزد میزان و آنحضرت بخطّ مبارک خود نوشت بسوی رعیّتی که
بشیعه من برسانان این حدیث را که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حج و هزار عمره
مقبوله و از حضرت جواد پرسیدند که یابن رسول الله زیارت آنحضرت برابر هزار حج است
فرمود که بلی بخدا قسم که برابر هزار حج است برای کسیکه آنحضرت را زیارت کند در حالتیکه
بحق او عارف باشد و نیز از حضرت جواد مرویست که فرمود که هر که زیارت کند قبر پدرم را
در طوس خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و چون روز قیامت شود منبری از
نور برای او میگذارند در برابر منبر پیغمبر تا آنکه خدا از حساب بندگان خود فارغ شود و از حضرت
جواد پرسیدند که زیارت امام رضا افضل است یا زیارت امام حسین آنحضرت فرمود که زیارت
امام رضا افضل است زیرا که قبر امام حسین را اکثر مردم زیارت میکنند و امام رضا را زیارت
نمیکنند مگر خواص شیعه و از حضرت کاظم مرویست که فرمود کسیکه فرزند من علی بن
موسی الرّضا را زیارت کند نزد خدا مثل هفتاد حج مبرور است یحیی مازنی گفت که یابن
رسول الله برابر هفتاد حج است فرمود که بلی بلکه برابر است با هفتاد هزار حج و از امام صادق
مرویست که یکی از فرزندان من در زمین خراسان مقتول میشود در شهری که او را طوس گو
یند کسیکه او را در آن زمین زیارت کند در حالتیکه بحق او عارف باشد من دست او را
گرفته داخل جنّت گردانم اگرچه از اهل کبایر باشد گفتند که یابن رسول الله عرفان
حقّ او کدام است فرمود که بداند که او امام مفترض الطّاعة است و غریب و شهید است پس
کسیکه او را زیارت کند در حالتیکه عارف باشد بحق او خدا ثواب هفتاد هزار شهید
باو میدهد از شهدائیکه در خدمت پیغمبر شهید شده باشد و از علی مرویست که فرمود که مردی
از فرزندان من کشته میشود بزهر در زمین طوس که اسم او اسم من است و اسم پدر او موسی است پس
کسیکه او را زیارت کند در غربت خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد اگرچه
بعدد نجوم آسمان و قطرههای باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و از پیغمبر فرمود خدا
هزار سال پیش از خلق دنیا چهار بقعه را اختیار فرمود مکّه و مدینه و کربلا و سناباد طوس اما
آداب زیارت امام رضا پس اوّل غسل زیارت کن و بعد از آن اذن دخول بطلب و بعد از آن بگو

زیارت حضرت امام رضا ع

اللهم صلّ علی علیّ بن موسی الرّضا الامام التّقیّ النّقیّ و حجّتک علی من فوق الارض و من

تحت الثرى الصديق الشهيد صلوة كثيرة تامة نامية زاكية مباركة متواصلة
مترادفة متواترة كافضل ما صليت على احد من اوليائك وبعد ازان دو ركعت
نماز زيارت بكن ودر وداع آنحضرت بكو السلام عليك يا ولى الله ورحمة الله و
بركاته اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارة ابن نبيك وحجتك على خلقك و
اجمعنى واياه فى جنتك واحشرنى معه وفى حزبه مع الشهداء والصالحين وحسن
اولئك رفيقا واستودعك الله واسترعيك واقرأ عليك السلام آمنا بالله
وبالرسول وبما جئت به ودللت عليه اللهم فاكتبنا مع الشاهدين ومنقولست از امام
حسن عسكرى كه فرمود كه قبر من در سر من را امانست از براى خايفان ودر روايت آمده
كه كسيكه زيارت كند امام مفترض الطاعة را بعد از وفات او وبجا آورد چهار ركعت نماز كند
خدا از براى او يك حج ويك عمره نويسد واين روايت را استرابادى در منسك خود ذكر كرده
واز امام رضا مرويست كه فرمود كه هر امامى را در كردن اوليا وشيعه او عهديست و
انتمام وفا بعهد او زيارت قبور ايشان است پس كسيكه زيارت ايشانرا بواسطه
ورغبت دارند درانها او در روز قيامت شفعاء او خواهند بود چنانچه شيخ شهيد
در دروس خود اين روايت را نقل كرده واما در اداب زيارت عسكريين اول بايدكه از براى
زيارت ايشان غسل كنى وجامه پاك بپوشى ودعاى اذنيكه در زيارت پيغمبر كذشت بخوانى
وچون داخل شوى بروضه مطهر ايشان روى خود را بايشان كنى وقبله را در پشت
خود اندازى وصد بار تكبير بكو وبعد از ان بكو السلام عليكما يا وليى الله السلام
عليكما يا حجتى الله السلام عليكما يا نورى الله فى ظلمات الارض السلام عليكما يا
امينى الله اتيتكما زائرا لكما عارفا بحقكما مؤمنا بما آمنتما به كافرا بما كفرتما به
محققا لما حققتما مبطلا لما ابطلتما اسئل الله ربى وربكما ان يجعل حظى من زيارتكما
الصلوة على محمد واله وان يرزقنى شفاعتكما ولا يفرق بينى وبينكما ولا يسلبنى حبكما
وحب آبائكما الصالحين ولا يجعله آخر العهد من زيارتكما ويحشرنى معكما ويجمع بينى
وبينكما فى الجنة برحمته پس هر يك از دو قبر را ببوس بعد از ان جانب راست وجانب چپ
روى خود را بر قبر بكذار وبعد از ان سر خود را بردار وبكو اللهم ارزقنى حبهم وتوفنى
على ولايتهم اللهم العن ظالمى آل محمد حقهم وانتقم منهم اللهم العن الاولين منهم

زيارت امام حسن عسكرى وامام على النقى

الآخرين وضاعف عليهم العذاب الاليم انك على كل شىء قدير اللهم عجل فرج
وليك وابن وليك واجعل فرجنا مع فرجهم يا ارحم الراحمين پس براى هر امامى
دو ركعت نماز بكن وبعد از ان دعاهائيرا بخوان كه در زيارت عاشورا مذكور شد بعد
از ان وداع كن ايشانرا بوداعى كه در زيارت ائمه بقيع مذكور شد بدانكه زيارت صاحب
الزمان سنتست در هر مكانى ودر هر زمانى وسنتست دعا كردن بتعجيل فرج آنحضرت
در وقت زيارت او وزيارت او در سرداب سر من را سنت مؤكد است چنانكه شيخ شهيد
در دروس ذكر كرده است وما زود باشد كه ذكر كنيم در فصلى كه مخصوص بماه شعبانست
ادعيه عظيمه را كه منسوبست بآنحضرت كسيكه خواهد در انجا طلب كند اما زيارت حضرت
صاحب الزمان هر كاه اراده زيارت آنحضرت كنى از نزديك بايد كه غسل زيارت كنى
ودر سرداب بايستى واذن دخول طلبى وبعد از صد بار بكوئى بعد از ان بكو السلام
عليك يا خليفة الله وخليفة آبائه المهديين السلام عليك يا وصى الاوصياء
الماضين السلام عليك يا حافظ اسرار رب العالمين السلام عليك يا وارث
علوم النبيين السلام عليك يا بقية الله من الصفوة المنتجبين السلام عليك يا بن
الانوار الزاهرة السلام عليك يا بن الآيات الباهرة السلام عليك يا بن العترة
الطاهرة السلام عليك يا معدن العلوم النبوية والاسرار الربانية السلام عليك يا
باب الله الذى لا يؤتى الا منه السلام عليك يا سبيل الله الذى من سلك غيره هلك
السلام عليك يا بن شجرة طوبى وسدرة المنتهى السلام عليك يا نور الله الذى لا
يطفأ السلام عليك يا حجة الله التى لا يخفى السلام عليك يا حجة الله فى الارض
والسماء السلام عليك سلام من عرفك الله به ونعتك ببعض نعوتك التى انت اهلها و
فوقها اشهد انك الحجة على من مضى ومن بقى فان حزبك هم الغالبون واولياءك
هم الفائزون واعداءك هم الخاسرون وانك خازن كل علم وفاتق كل رتق ومحقق
كل حق ومبطل كل باطل رضيت بك يا مولاى اماما ووليا ومرشدا لا ابغى بك
بدلا ولا اتخذ من دونك وليا اشهد انك الحق الثابت الذى لا عيب فيه وان
وعد الله فيك حق لا ارتاب لطول الغيبة وبعد الامد ولا اتحير مع من جهلك و
جهل بك بل منتظر متوقع لايامك انت الشافع الذى لا ينازع والولى الذى

الله اكبر

زيارت حضرت صاحب الامر

لايام دخرك الله لنصرة الدين واعزاز المؤمنين والانتقام من الجاحدين المارقين
واشهد ان بولايتك تقبل الاعمال وتزكى الافعال وتضاعف الحسنات وتمحى
السيئات فمن جاء بولايتك واعترف بامامتك قبلت اعماله وصدقت اقواله و
تضاعفت حسناته ومحيت سيئاته ومن عدل عن ولايتك وجهل معرفتك
واستبدل بك غيرك اكبه الله على منخره في النار ولم يقبل له عملا ولم يقم له
يوم القيمة وزنا اشهد الله واشهد ملئكته واشهدك يا مولاى ان مقالي هذا
ظاهره كباطنه وسره كعلانيته وانت الشاهد على ذلك وهو عهدي اليك و
ميثاقي لديك اذ انت نظام الدين ويعسوب المتقين وعز الموحدين وبذلك
امرني رب العالمين فلو تطاولت الدهور وتمادت الاعصار لم ازدد فيك الا
يقينا ولك الا حبا وعليك الا توكلا واعتمادا ولظهورك الا توقعا وانتظارا ومرتقبا
لجهادي بين يديك فابذل نفسي ومالي وولدي واهلي وجميع ما خولني ربي بين يديك
والتصرف بين امرك ونهيك يا مولاى فان ادركت ايامك الزاهرة واعلامك الباهرة
فها انا ذا عبدك المتصرف بين امرك ونهيك ارجو بالطاعة لك الشهادة بين يديك و
بولايتك السعادة والفوز لديك وان ادركني الموت قبل ظهورك فاني اتوسل
بك وبابائك الطاهرين الى الله واسئله ان يصلي على محمد وال محمد وان يجعل
لي كرة في ظهورك ورجعة في ايامك لابلغ من طاعتك مرادي واشفي من اعدائك فؤادي
مولاى وقفت في زيارتك موقف الخاطئين النادمين الخائفين من عقاب رب
العالمين وقد اتكلت على شفاعتك ورجوت بموالاتك وشفاعتك محو ذنوبي و
ستر عيوبي ومغفرة زللي فكن لوليك يا مولاى عند تحقيق امله واسئل
الله غفران زلله فقد تعلق بحبلك وتمسك بولايتك وتبرا من اعدائك اللهم
صل على محمد وال محمد وانجز لوليك ما وعدته اللهم اظهر كلمته واعل دعوته وانصره على عدوه وعدوك يا
رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد واظهر كلمتك التامة ومغيبك في
ارضك الخائف المترقب اللهم انصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا اللهم واعز
به الدين بعد الخمول واطلع به الحق بعد الافول واجل به الظلمة واكشف به الغمة
اللهم وامن به البلاد واهد به العباد اللهم املا به الارض قسطا وعدلا كما ملئت

الظاهرة

قريبا

جورا وظلما انك سميع عليم السلام عليك يا ولي الله ائذن لوليك في الدخول
حرمك صلوات الله عليك وعلى ابائك الطاهرين ورحمة الله وبركاته وبعد وقف
سرداب بگو السلام على الحق الجديد والعالم الذي علمه لا يبيد السلام على محيي المؤمنين
ومبير الكافرين السلام على مهدي الامم وجامع الكلم السلام على خلف السلف
وصاحب الشرف السلام على حجة المعبود وكلمة المحمود السلام على معز الاولياء ومذل
الاعداء السلام على وارث الانبياء وخاتم الاوصياء السلام على القائم المنتظر والعادل
المشتهر السلام على السيف الشاهر والقمر الزاهر والنور الباهر السلام على شمس الظلام
وبدر التمام السلام على ربيع الايتام ونضرة الايام السلام على صاحب الصمصام
وفلاق الهام السلام على صاحب الدين المأثور والكتاب المسطور السلام على بقية الله
في بلاده وحجته على عباده المنتهى اليه مواريث الانبياء ولديه موجودة اثار الاصفياء
المؤتمن على السر والولي للامر السلام على المهدي الذي وعد الله به الامم
ان يجمع به الكلم ويلم به الشعث ويملا به الارض قسطا وعدلا ويمكن له وينجز
له ما وعد المؤمنين اشهد يا مولاى انك والائمة من ابائك ائمتي وموالي في
الحيوة الدنيا ويوم يقوم الاشهاد اسئلك يا مولاى ان تسئل الله تبارك وتعالى في صلاح
شاني وقضاء حوائجي وغفران ذنوبي والاخذ بيدي في ديني ودنياي واخرتي ولاخواني و
المؤمنين والمؤمنات انه غفور رحيم وبعد از ان دوازده ركعت نماز كن بشش سلام در
هر ركعتى الحمد وتوحيد بخوان ودر عقب هر دو ركعت تسبيح فاطمه زهرا بخوان وبعد از ان
دعاى را بخوان كه در عقب زيارت عاشورا مذكور شد و بعد از ان اين نمازها را هديه
كن از براى آنحضرت وبعد از ان آنحضرت را وداع كن بانچيزيكه در وداع امام رضا ع
گذشت از حضرت صادق مرويست كه كسيكه در سه سال متوالى در نصف شعبان
امام حسين ع زيارت كند البته گناهان او آمرزيده شود ونيز از انحضرت مرويست كه
كسيكه دوست دارد كه صد وبيست وچهار هزار پيغمبر با او مصافحه كنند بايد امام حسين ع
در نصف شعبان زيارت كند زيرا كه ارواح جميع پيغمبران در نيمه شعبان از خدا رخصت
زيارت آنحضرت ميگيرند خدا اينشان را رخصت ميدادند ونيز از انحضرت مرويست كه
هرگاه نصف شعبان شود منادى از افق اعلا ندا كند زائران امام حسين را گويند

فصل

بزوار امام حسین برگردند در حالیکه گناهان شما آمرزیده است و ثواب شما بر
خدا و بر محمد است که پیغمبر شماست و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه زیارت کند امام
حسین را در شب نیمه شعبان و در شب عید فطر و در شب عرفه در یکسال خدا می نویسد
از برای او هزار حج مبرور و هزار عمره مقبوله و روا شود از برای او هزار حاجت از حوائج
دنیا و آخرت و از حضرت صادق مرویست که کسیکه زیارت کند امام حسین را در نیمه
شعبان گناهان او آمرزیده شود و تا سال دیگر گناه نمی نویسند و اگر در سال دویم نیز
زیارت کند گناهان او آمرزیده شود و از صادق مرویست که کسیکه از روی خشوع و احتساب
و استغفار زیارت قبر آنحضرت کند در یکی از سه شب از ماه رمضان شب اول ماه رمضان
یا شب نیمه آنماه یا شب آخر آنماه فرو میریزد از او گناهان او همچنانکه فرو می ریزد برگهای
درختان از باد تند و بیرون میرود از گناهان مثل آنروزیکه از مادر متولد شده است
و با این غفران ثواب اجر یک حج و یک عمره در آنسال از برای او نوشته باشند و دو ملک ندا میکنند
که ندای ایشان همه صاحبان روحی غیر از جن و انس میشنوند یکی از آن دو ملک میگوید که
ای بنده خدا از گناهان پاک شدی عمل از سر گیر و دیگری گوید که ای بنده خدا بشارت باد ترا
بمغفرت و فضل از جانب خدا و اما زیارت امام حسین در نیمه شعبان پس سنت است زیارت
آنحضرت در شب نیمه شعبان و در روز نیمه شعبان بزیارتیکه بعد از این مذکور میشود و هم
چنین سنت است زیارت حضرت صاحب الامر در نیمه شعبان بهمین زیارتیکه مذکور شد زیرا
آنحضرت در شب نیمه شعبان متولد شد پس باید که اول غسل زیارت کند و از برای طلب
و صد بار تکبیر بگوید بعد از آن زیارتیکه از صادق مرویست بخواند و آن اینست الحمد لله
العلی العظیم والسلام علیک ایها العبد الصالح الزکی اودع لک شهادة منی لک
تقربنی الیک فی یوم شفاعتک اشهد انک قتلت ولم تمت بل برجاء حیوتک حییت
قلوب شیعتک وبضیاء نورک اهتدی الطالبون الیک واشهد انک نور الله
الذی لم یطفأ ولا یطفأ ابدا وانک وجه الله الذی لم یهلک ولا یهلک ابدا واشهد
ان هذه التربة تربتک وهذا الحرم حرمک وهذا المصرع مصرع بدنک لا ذلیل
والله معزک ولا مغلوب والله ناصرک هذه شهادة لی عندک الی یوم قبض روحی بحضرتک
والسلام علیک ورحمة الله وبرکاته و بعد از آن زیارتی بخواند که از حضرت هادی مرویست

وآن اینست السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا حجة الله فی ارضه
وشاهده علی خلقه السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن
علی المرتضی السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء اشهد انک قد اقمت الصلوة و
آتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وجاهدت فی سبیل الله حتی
اتیک الیقین فصلی الله علیک حیا ومیتا و بعد از آن جانب راست روی خود را بر
قبر گذارد و بگو اشهد انک علی بینة من ربک جئتک مقرا بالذنوب لتشفع لی عند ربک
یا ابن رسول الله و بعد از آن ائمه را درود فرستد و نام یک یک ببرد و بعد از آن بگوید
اشهد انک حجة الله فاکتب لی یا مولای عندک میثاقا وعهدا انی اتیتک اجدد المیثاق
فاشهد لی عند ربک انک انت الشاهد و بعد از آن آنحضرت را زیارت کند بزیارتیکه در
اول رجب مذکور شد و بعد از آن علی بن الحسین و شهدا و عباس را زیارت کند که بعد از
این مذکور میشود در زیارت عرفه و بعد از آن نزد سر آنحضرت دو رکعت نماز کند و بعد از نماز
دعائی را بخواند که در زیارت عاشورا گذشت از حضرت صادق مرویست که کسیکه امام حسین را
زیارت کند نه از روی تکبر و نه از روی سمعه و ریا گناهان او محو میشود مثل جامه چرکین که
از آب پاک شود و اصلا در بدن و چرکینی با او نماند و از برای هر گامی که برمیدارد یک حج در نامه
اعمال او نویسند و هر قدمیکه برمیدارد یک عمره مینویسند و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه
باتیان قبر امام حسین کند در حالیکه عارف باشد بحق او نوشته میشود از برای او ثواب هزار
بنده آزاد کردن و ثواب کسیکه هزار اسب با زین و لجام در راه خدا بغازیان داده باشد و نیز
از آنحضرت مرویست که کسیکه بمیرد و زیارت امام حسین نکرده باشد آنکس ناقص الایمان و
ناقص الدین است و اگر داخل جنت شود درجه او ادون از مؤمنان باشد و نیز از آنحضرت
مرویست که کسیکه قادر باشد بر زیارت امام حسین و ترک کند عقوق با رسول خدا ورزیده
و با ما اهل بیت عقوق ورزیده است و استخفاف بحق او کرده است و کسیکه زیارت آنحضرت
کند خدا حوایج او را روا کند و مهمات دنیا و آخرت او را کفایت کند و زیارت آنحضرت جلب
رزق میکند و آنچه در راه زیارت نفقه کرده است خدا عوض خیر با او میدهد و گناهان
پنجاه ساله را از او می آمرزد و او بخانه خود رجوع میکند در حالیکه اصلا گناهی بر او نباشد
و جمیع گناهان او را از صحیفه عمل او محو شود و اگر در آن سفر بمیرد ملائکه نازل میشوند و

غسل میدهند و از برای او دری از جنت میگشایند که روح او داخل جنت شود و از ان
در تا روز حشر و اگر از ان سفر بسلامت باز آید میگشایند دری را که رزق او از ان در نازل
میشود و از برای هر درهمی که صرف کرده است ده هزار درهم باو میدهند و حضرت صادق
فرمود کسیکه در سه شب زیارت قبر امام حسین کند گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود
و آن سه شب عید رمضان و شب عید قربان و شب نیمه شعبانست و اما در آداب زیارت
امام حسین در شب فطر و روز آن اول غسل زیارت کند و طلب اذن دخول کند اگر زیارت
از نزدیک باشد و بعد از ان بگوید الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة
واصیلا والحمد لله الفرد الصمد الماجد الاحد المتفضل المنان المتطول الحنان الذی
من تطوله سهل لی زیارة مولای باحسانه ولم یجعلنی عن زیارته ممنوعا ولا عن ذمته
مدفوعا بل تطول ومنح و بعد از ان داخل شود و در برابر قبر بایستد بگریه و خشوع و خضوع
بگوید این خبر را که از صادق مرویست از جابر جعفی که گفت حضرت صادق مرا گفت که ای جابر
هرگاه مردی از برای زیارت امام حسین اهل آسمان با او ملاقات کنند و چون از
منزل خود بیرون رود سواره یا پیاده خدا چهل هزار ملک را موکل میسازد که بر او صلوات
فرستند تا وقتیکه برابر قبر امام حسین رسد پس هرگاه بر در روضه آنحضرت بایستی بگو
السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله تا آخر پس رو بسوی قبر او که بواسطه هر قدم
که بر میداری و میگذاری ثواب کسی داری که در راه خدا بخون خود غلطیده باشد بعد
از آنکه سلام دادی قبر مبارک را بدست خود استلام کن و بگو السلام علیک یا حجة الله و بعد
از ان قصد کن نماز خود پس بدرستیکه خدا و ملائکه بر او صلوات میفرستند تا آنکه او از نماز
فارغ شود و از برای هر رکعت نماز که نزد آنحضرت میگذاری ثواب هزار حج و هزار
عمره و ثواب هزار هزار آزادی بنده و هزار هزار جهاد در راه خدا که با پیغمبر همراه باشی
از برای تو خواهد بود و چون از نزد قبر او بر خیزی منادی ترا ندا کند که اگر تو قول او را
بشنوی تمام عمر خود را نزد قبر آنحضرت صرف کنی و آن ملک در ندای خود این قول را میگوید
که خوشا حال تو ای بنده خدا بدرستیکه غنیمت گرفتی و سالم شدی و گناهان تو آمرزیده
شد پس عمل خود را از سر گیر پس اگر زایر او بمیرد در ان سال یا در آن روز متولی قبض روح او
نمیشود مگر خدا و اگر زنده ماند ملائکه با او موافقت و همراهی میکنند و بر او سلام میفرستند

زیارت حضرت امام حسین در شب عید فطر

وتسبیح

وتسبیح میگویند تا آنکه بمنزل خود برسد ملائکه گویند ای پروردگار ما بنده تو بخانه خود
رسید ما بکجا رویم از جانب خدا ندا آید که در در خانه بنده من باشید و تسبیح و تقدیس
کنید و ثواب آنرا داخل حسنات او کنید تا وقت فوتش و هرگاه او را فوت رسد
در غسل و کفن و دفن او حاضر شوید و بعد از فوتش ملائکه گویند که ای پروردگار ما
این بنده تو فوت شد ما بکجا رویم از جانب خدا ندا آید که نزد قبر او بایستید و تسبیح و
تقدیس و تهلیل کنید و آنرا در حسنات او بنویسید تا روز قیامت و از هرون بن خارجه
مرویست که گفت که حضرت صادق مرا گفت که یا هرون حج کرده من گفتم که هفده حج
کرده ام و هفده عمره بجا آورده ام آنحضرت فرمود که اگر بیست حج و بیست عمره تمام کرده
بودی مثل کسی بود که زیارت امام حسین کرده است و آن دعائیکه در زیارت آنحضرت
خوانده میشود اینست السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث
نوح نبی الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث ابرهیم
خلیل الله السلام علیک یا وارث موسی نجی الله السلام علیک یا وارث محمد
رسول الله السلام علیک یا وارث علی امیر المؤمنین و خیر الوصیین السلام علیک
یا وارث اخیه الحسن الزکی الطاهر التقی المرضی السلام علیک ایها الوصی البار
السلام علیک وعلی الملائکة الحافین بک اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت
الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وعبدت الله مخلصا حتی اتیک الیقین
والسلام علیک ورحمة الله وبرکاته و بعد از ان بسوی قبر مبارک آنحضرت رود و قبر را
استلام کند و بگوید السلام علیک یا حجة الله ورحمة الله وبرکاته و بعد از ان بگوید
آنچیزیرا که از حضرت صادق مرویست و آن اینست السلام علیک یا بن رسول الله السلام
علیک یا بن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا سید
شباب اهل الجنة ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا من رضاه من رضی الرحمن و
سخطه سخط الرحمن السلام علیک یا امین الله وحجة الله وباب الله والدلیل علی
الله والداعی الی الله اشهد انک قد حللت حلال الله وحرمت حرام الله واقمت
الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر ودعوت الی سبیل
ربک بالحکمة والموعظة الحسنة اشهد انک ومن قتل معک شهداء احیاء

عِندَ رَبِّكُم تُرزَقُونَ اَشهَدُ اَنَّ قَاتِلَكَ فِي النَّارِ وَاَدِينُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ بِالبَرَائَةِ مِمَّن
قَتَلَكَ وَمِمَّن قَاتَلَكَ وَشَايَعَ عَلَى قَتلِكَ وَمِمَّن سَمِعَ صَوتَكَ فَلَم يُعِنكَ يَا لَيتَنِي
كُنتُ مَعَكَ فَاَفُوزَ فَوزاً عَظِيماً پس تکیه بر قبر کند و قبر را ببوسد و بگوید اَلسَّلَامُ
عَلَيكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ وَحَبِيبَهُ و این زیارتیست که در بیستم صفر مذکور شد پس آنرا در
اینجا تا آخر بخواند و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت کند و بعد از آن دعا اثر را بخواند
بعد از نماز زیارت عاشورا گذشت و بعد از آن زیارت علی بن الحسین و شهدا و عباس
کند با آن زیارتی که در زیارت مذکور میشود انشاء الله و از حضرت صادق مرویست
که کسیکه روز عرفه بر سر قبر امام حسین آید خدا او در روز اول را بنگرد آنکه ثلج القلب
یعنی دل او مستقیم و مطمئن باشد و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه در روز
عرفه بزیارت آنحضرت آید در حالیکه عارف باشد بحق او خدا از برای او هزار حج و هزار
عمره مقبوله بنویسد و هزار جهاد که در خدمت پیغمبر و امام عادل کرده باشد بنویسد
و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه در زیارت حضرت امام حسین کند خدا از برای او
بنویسد هزار هزار حج که با حضرت قائم آل محمد بجا آورده باشد و هزار هزار عمره که با
پیغمبر بجا آورده باشد و آزادی هزار هزار بنده و حمل هزار هزار اسب در راه خدا و خدا
او را بنده صدیق خود مینامد و میفرماید که این بنده من ایمان آورده است بوعده من
و ملائکه میگویند که این بنده صدیق است که خدا از بالای عرش خود او را تزکیه کرده
و او در زمین کروبی نام کرده است یعنی سید کرده شده و نیز از آنحضرت مرویست که خدا
پیش از آنکه نظر کند باهل عرفات نظر میکند بزوار امام حسین بعضی از آنحضرت پرسیدند
که این چراست که خدا اول نظر باهل عرفات نظر میکند بزوار قبر امام حسین آن
حضرت فرمود که بواسطه آنکه در اهل عرفات اولاد زنا داخلند و در زوار آنحضرت
داخل نیستند و نیز از آنحضرت مرویست که خدا تعالی تجلی میکند برای زوار امام حسین
قبل از اهل عرفات پس بر میآورد حوائج ایشان را و میآمرزد گناهان ایشان را و بعد
از آن متوجه اهل عرفات این افعال را بجا میآورد و نیز از آنحضرت مرویست که در روز
عرفه خدا نظر میکند بسوی زوار امام حسین و میفرماید که رجوع کنید بمنازل خود در
حالیکه گناهان گذشته شما آمرزیده است و در روز انصراف تا یوم دیگر بر هیچ ملک

از شما گناه نمینویسند و آنحضرت گفت بر فاعر که اگر من مکروه نمیدانستم که مردم
ترک حج کنند هر آینه حدیثی نقل میکردم که هر کسی ترک زیارت امام حسین را
نمیکرد بعد از آن ساکت شد در زمان طویل بعد از آن فرمود که پدرم مرا خبر داد
که کسیکه بیرون رفت از منزل خود بسوی قبر حسین در حالیکه بحق او عارف باشد
و متکبر نباشد مصاحب او میشوند هزار ملک از جانب راست و هزار ملک از
جانب چپ و خدا مینویسد از برای او هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد که با نبی
یا وصی نبی کرده باشد و این احادیث و اخبار که ذکر کردیم خلاصه آنچیزیست که ذکر کرده
مجتهد کبیر شیخ ابو جعفر طوسی علیه الرحمه مذکور است و از بشیر دهان مرویست که گفت
بحضرت صادق گفتم که بسا میشود که از من حج فوت میشود و روز عرفه را نزد قبر امام
حسین میگذرانم در حالیکه بحق او عارفم آنحضرت فرمود که ثواب آن زیاده است
کوای بشیر که هر مؤمنی که اتیان کند بقبر امام حسین در حالیکه عارف بحق او
باشد در غیر روز عید خدا از برای او بیست حج و بیست عمره مقبوله و بیست غزو
با نبی مرسل یا امام عادل همراه باشد مینویسد و اگر در روز عید بزیارت قبر او حاضر شود
خدا از برای او صد حج و صد عمره و صد غزو که با نبی مرسل و امام عادل همراه باشد
مینویسد و کسیکه در روز عرفه بزیارت قبر آنحضرت حاضر شود و عارف بحق او
باشد خدا از برای او هزار حج و هزار عمره و هزار غزو که با نبی مرسل و امام عادل همراه
باشد مینویسد و چون آنحضرت تا اینجا فرمود من گفتم که چون میتوانم مثل موقف آنحضرت
مثل غضبناک بمن نگاه کرد و گفت که بدرستیکه هر گاه مؤمنی در فرات غسل کند
و متوجه امام حسین شود در روز عرفه خدا از برای هر گامی که برمیدارد حج کرده با مناسک
صحیحه کرده باشد از برای او مینویسد و چنان بنظرم که آنحضرت حج و عمره را هر دو ذکر
کرد و اما زیارت شب عرفه و زیارت شب عید قربان و روز عید قربان اول غسل کند
و بعد از آن در دخول حائر لکن اگر بیاید مسنون باشد و بعد از آن بگوید اللّٰهُ اَكبَرُ كَبِيراً
وَالحَمدُ لِلّٰهِ كَثِيراً وَسُبحَانَ اللّٰهِ بُكرَةً وَاَصِيلاً وَالحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا
لِنَهتَدِيَ لَولَا اَن هَدَانَا اللّٰهُ لَقَد جَاءَت رُسُلُ رَبِّنَا بِالحَقِّ و بعد از آن سلام دهد بر
پیغمبر و ائمه و بعد از آن بگوید سَلَامُ اللّٰهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ وَاَنبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ الصَّالِحِين

زیارت عرفه و عید قربان

من عباده وجمیع خلقه ورحمة الله وبرکاته علی محمد واهل بیته وعلیک یا مولای
الشهید المظلوم لعن الله قاتلک وخاذلک بر ثنا الی الله عز وجل منهم وممن اشیاعهم
وممن شایع ورضی به واشهد انهم کفار مشرکون والله ورسوله منهم برآء بعد
از ان بگو السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله عبدک وابن
عبدک وابن امتک الموالی لولیک المعادی لعدوک استجار بمشهدک وتقرب
الیک بقصدک الحمد لله الذی هدانی لولایتک وخصنی بزیارتک وسهل لی قصدک
بعد از ان بجانب سر آنحضرت آمده بایست بگو السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله
السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل الله
السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله
السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا وارث امیر المؤمنین
السلام علیک یا ابن محمد المصطفی السلام علیک یا ابن علی المرتضی السلام علیک
یا ابن فاطمة الزهراء السلام علیک یا ابن خدیجة الکبری السلام علیک یا ثار الله و
ابن ثاره والوتر الموتور اشهد انک قد اقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف
ونهیت عن المنکر واطعت الله ورسوله حتی اتاک الیقین فلعن الله امة قتلتک و
لعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به یا مولای یا ابا عبد
الله اشهد الله وملائکته وانبیاءه ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع
دینی وخواتیم عملی صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی شاهدکم و
غائبکم وظاهرکم وباطنکم ورحمة الله وبرکاته پس تکیه کن بر قبر آنحضرت و بگو بابی انت
وامی یا ابن رسول الله بابی انت وامی یا ابا عبد الله لقد عظمت الرزیة وجلت المصیبة
بک علینا وعلی جمیع اهل السموات والارض فلعن الله امة اسرجت والجمت و
تهیات لقتالک یا ابا عبد الله قصدت حرمک واتیت مشهدک اسئل الله
بالشان الذی لک عنده وبالمحل الذی لک لدیه ان یصلی علی محمد وآل محمد و
ان یجعلنی معکم فی الدنیا والآخرة بمنه ورحمته پس نزد سر آنحضرت دو رکعت نماز
زیارت بجا آور بعد از نماز دعائی که در عقب نماز زیارت عاشورا مذکور شد بخوان و بعد
از زیارت علی بن الحسین را و اصح آنست که ابن علی بن الحسین علی اکبر است و او در زیر پای

زیارت علی ابن الحسین

پدر خود مدفونست پس در زیارت او بگو السلام علیک یا ابن نبی الله السلام علیک
یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن الحسین الشهید السلام علیک ایها
الشهید السلام علیک ایها المظلوم وابن المظلوم لعن الله امة قتلتک و
لعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به پس تکیه
کن بر قبر آنحضرت و او را ببوس و بگو السلام علیک یا ولی الله وابن ولیه لقد عظمت
المصیبة وجلت الرزیة بک علینا وعلی جمیع المسلمین فلعن الله امة قتلتک
وابرء الی الله والیک منهم و بعد از ان نزد سر آنحضرت دو رکعت نماز زیارت بکن
و بعد از ان شهدا را زیارت کن و در زیارت ایشان بگو السلام علیکم یا
اولیاء الله واحباءه السلام علیکم یا اصفیاء الله واوداءه السلام علیکم یا
انصار دین الله وانصار نبیه وانصار امیر المؤمنین وانصار الحسن والحسین
بابی انتم وامی طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی
کنت معکم فافوز معکم و در وداع ایشان بگو السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارتی ایاهم واشرکنی معهم فی صالح ما اعطیتهم
علی نصرهم ابن نبیک وحجتک علی خلقک اللهم اجعلنا وایاهم فی جنتک
مع الشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا استودعکم الله واقرأ علیکم
السلام اللهم ارزقنی العود الیهم واحشرنی معهم یا ارحم الراحمین شیخ طوسی
در متهجد خود میگوید که چون منتهی شود بای بن مکان کسی که زیارت امام حسین
با این زیارت حق تعالی مینویسد از برای او بهر گامی که صد هزار حسنه ومحو میکند از او
صد هزار سیئه و بلند میگرداند از برای او صد هزار درجه و روا میکند از برای
او صد هزار حاجت که سهلترین آنها دوری از آتش جهنم باشد ومثل کسی باشد
که با امام حسین شهید شده باشد حتی آنکه در درجات شهدا با ایشان شریک باشد
و باز عود کن بجانب سر امام حسین بعد از آنکه دو رکعت نماز زیارت شهدا بکنی
بر قبر آنحضرت تکیه کن و ببوس هرگاه اراده وداع آنحضرت کنی بگو السلام علیک یا
مولای السلام علیک یا حجة الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک
یا خالصة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا ولی الله سلام مودع

السلام علیک یا ابن رسول الله

زیارت سایر شهدا

زیارت وداع

لا قالٍ ولا سئمٍ فان امض فلا عن ملالة وان اقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله
الصابرين لا جعله الله يا مولاي آخر العهد مني لزيارتك ورزقني العود الى مشهدك
والمقام في حرمك وان يجعلني معكم في الدنيا والآخرة پس بعد از آن بيرون رو از روضه
مباركه و پشت خود را بآنحضرت مكن و در حال بيرون آمدن بسيار بگو انا لله وانا
اليه راجعون تا آنكه غايب شوي از قبر آنحضرت و در زيارت عباس بگو السلام عليك

زيارت حضرت عباس

ايها العبد الصالح المطيع لله ولرسوله ولامير المؤمنين والحسن والحسين عليهم
وعليك السلام ورحمة الله وبركاته ومغفرته وعلى روحك وبدنك اشهد الله
انك مضيت على ما مضى عليه البدريون المجاهدون في سبيل الله المناصحون
له في جهاد الاعداء المبالغون في نصرة الاولياء فجزاك الله افضل الجزاء واوفر
جزاء احد ممن وفى ببيعته واستجاب له دعوته وحشرك مع النبيين والصديقين
والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا و بعد از آن دو ركعت نماز زيارت
بكن و بعد از آن نماز زيارت شهدا و بعد از نماز و زيارت علي بن الحسين و ساير اخوان
كه بعد از زيارت عاشورا مذكور شد و حر بن يزيد و هاني بن عروه و مسلم بن عقيل را
نيز زيارت كن بآن زيارتي كه عباس را زيارت كردي و وداع كن ايشان را بوداع عباس و آن اينست
استودعك الله واسترعيك واقرأ عليك السلام آمنا بالله وبرسوله وبكتابه
وبما جاء من عند الله اللهم اكتبنا مع الشاهدين اللهم لا تجعله آخر العهد من
زيارتي ابن اخي رسولك العباس بن علي و فلان نذكر باسمه وارزقني زيارته ابدا
ما ابقيتني واحشرني معه ومع آبائه في الجنان وعرف بيني وبينه وبين رسولك و
اوليائك اللهم صل على محمد وآل محمد وتوفني على الايمان بك والتصديق برسولك
والولاية لعلي بن ابي طالب والائمة من ولده والبراءة من اعدائهم فاني رضيت
بذلك يا رب وصلى الله على محمد وآل محمد در بيان زيارت جامعه كه شيخ مفيد
در مزار خود آنرا ذكر كرده است و گفته است كه كافي است ترا در جميع مشاهد ائمه

زيارت جامعه مفوهه همه ائمه

كه بگوئي السلام على اولياء الله واصفيائه السلام على امناء الله واحبائه السلام
على انصار الله وخلفائه السلام على محال معرفة الله السلام على معادن حكمة الله
السلام على مساكن ذكر الله السلام على عباد الله المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول

وهم بامره يعملون السلام على مظهري امر الله ونهيه السلام على الادلاء على الله
السلام على المستقرين في مرضات الله السلام على المخلصين في طاعة الله السلام
على الذين من والاهم فقد والى الله ومن عاداهم فقد عادى الله ومن عرفهم فقد
عرف الله ومن جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم بالله ومن
تخلى منهم فقد تخلى من الله اشهد الله اني حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم مؤمن
بما آمنتم به كافر بما كفرتم به محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن بسركم وعلانيتكم
مفوض في ذلك كله اليكم لعن الله عدوكم من الجن والانس وضاعف عليهم العذاب
الاليم وابرأ الى الله منهم والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته زيارت جامعه ديگر از
براي پيغمبر و فاطمه و ائمه آنست كه غسل كني و از دخول اذن طلب كني و صد بار تكبير بگو و رو خود را بضريح
مبارك كرده پشت بقبله كن و بگو السلام على رسول الله امين الله على وحيه وعزائم
امره الخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل والمهيمن على ذلك كله ورحمة الله وبركاته
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك الذي انتجبته بعلمك وجعلته هاديا لمن
شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك وديان الدين بعدلك و
فصل قضائك والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل
على علي امير المؤمنين عبدك واخي رسولك ووصي نبيك الذي انتجبته بعلمك
وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك
وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن على ذلك كله والسلام
عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على فاطمة الطيبة الطاهرة المطهرة التي انتجبتها
وطهرتها وفضلتها على نساء العالمين وجعلت منها ائمة الهدى الذين يقولون
بالحق وبه يعدلون صلى الله عليها وعلى ابيها وبعلها وبنيها والسلام عليها ورحمة
الله وبركاته اللهم صل على الحسن عبدك وابن رسولك وابن وصي رسولك الذي
انتجبته بعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته
برسالاتك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن على ذلك
كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على الحسين بن علي عبدك وابن رسولك
الى آخره و چون بآخر رسي صلوات بفرست بر باقي ائمه و نام يك يك را ببر چنانكه صلوات فرستادي بر حسن

خاتمه و در آن دو مقصد است **مقصد اول** آنکه سنتست زیارت قبرهای صحابهٔ
آنحضرت خصوصاً زیارت حضرت جعفر در موته و زیارت سلمان و حذیفه در
مداین و زیارت پیغمبران اماکن قبور ایشان خصوصاً زیارت ابرهیم و اسحق و یعقوب
در مشهد معروف ایشان و زیارت قبور شهدا و صلحای مؤمنین زیرا که از کاظم
مرویست که کسیکه قادر نباشد بر آنکه ما را زیارت کند پس باید که زیارت کند
صالح خود را که خدا از برای او ثواب زیارت ما را مینویسد و کسیکه قدرت ندارد
که صله کند ما را باید که صله کند برادران صالح خود را که از برای او ثواب صله
ما مینویسند و سنتست که نزد ضریح مبارک معصوم چیزی از قران بخواند و هدیه
کند ثواب آنرا بآن معصوم و نفع آن بزایر راجع میشود و در آن فضل عظیم مرقد نیز
هست از حضرت صادق مرویست که هرگاه خانهٔ یکی از شما دور باشد از ما پس در
منزل خود بر بلندی رود و بر ما سلام کند و بسوی قبور ما ایما کند آن سلام بما میرسد
و اندوز نیز سلام کن بر ائمه همچنانکه از نزدیک سلام میکنی اما اندوز که سلام کنی
مگو که اتیتک زایراً بلکه بگو قصدتک بقلبی زایراً اذ عجزت عن الحضور بمشهدک
و وجهت الیک بسلامی لعلمی بانه یبلغک صلی الله علیک فاشفع لی عند ربک
و از کاظم مرویست که هرگاه بیایی تو بمکه و نسک خود را بجا آوری هفت بار بگرد خانه
طواف کن و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بجا آور و بعد از آن بگو ان هذا الطواف
وهاتین الرکعتین عن ابی وامی وزوجتی وولدی وخاصتی وعن جمیع اهل بلدی
من المؤمنین والمؤمنات وعن اخوانی واخواتی فی مشارق الارض ومغاربها حرهم
وعبدهم ابیضهم واسودهم و هرگاه چنین کردی هر کسیکه بگویی که بنیابت تو نماز و طواف
کرده ام راست گفته و همچنین کن در زیارت پیغمبر و ائمه چنانچه شیخ مفید در کتاب
مزار خود ذکر کرده است و سنتست هدیه ثواب اعمال و قربات خصوصاً تلاوت قران
از برای اموات مؤمنین خصوصاً علما و خویشان بتخصیص پدر و مادر و سنت مؤکد است
نیابت برادران دینی چه از حضرت صادق مرویست کسیکه زیارت کند برادر دینی
خدا موکل میسازد با و هفتاد هزار ملک را که ندا کنند او را و گویند که آگاه باش که
خوش شدی و خوش شد از برای تو جنت و سنتست مرد را که زایر خود را استقبال کند

و دست در گردن او کند و با او مصافحه کند از حضرت صادق مرویست که هرگاه
دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کنند و با یکدیگر مصافحه کنند خدا در میان انگشت
ابهام ایشان صد رحمت میفرستد نود و نه رحمت بر آنکس میفرستد که محبت او مر
صاحب خود را بیشتر است و یک رحمت بر کسی میفرستد که محبت او کمتر است و هرگاه
دست در گردن یکدیگر کنند هر دو غرق رحمت الهی میشوند و هرگاه یکدیگر را تقبیل
کنند و در تقبیل اراده نکنند مگر رضای الهی ملایکه از جانب خدا ندا کنند که خدا آمرزید
گناهان شما را پس هرگاه بنشینند و با یکدیگر حرف گویند ملائکه حفظه بعضی به بعضی
دیگر گویند که بیایید تا ما از ایشان دور شویم شاید که ایشان را با یکدیگر سری باشد
که خدا آنرا پوشانیده باشد و این روایت در کتاب قضاء حوایج شیخ ابو علی بن طاهر صوری
مذکور است و در باب مصافحه احادیث بسیار وارد است و آنها را کلینی در کتاب
کافی مذکور است و هر یک از زایر و مزور موضع سجود یکدیگر را ببوسند و اگر دست
یکدیگر را نیز ببوسند جایز است خصوصاً علما و سادات و چون زیارت کند کسی را
در حکم او باشد و در هر جا که گوید فرود آید و او را تکلیف و احتشام نفرماید و مزور
باید که از برای زایر آنچه حاضر باشد از طعام و شراب و فاکهه و بوی خوش بیاورد
و کمترین آنچه بیاورد آنست که زایر نزد او وضو سازد و دو رکعت نماز کند و بعد
باهم انس گیرند و معرفت او را وداع کند در بیان ضیافت بدانکه ضیافت اجر بسیار
هست مرویست از پیغمبر که فرمود که مهمانی که بجای شما آید رزق خود را با خود می آورد
پس هرگاه مهمان طعام جمعی را بخورد خدا ایشان را میامرزد و از حضرت صادق مرویست
که فرمود که دست خود را از خوان بردار پیش از مهمان و هرگاه مهمانی بر تو داخل شود
با او مگو که امروز چه چیزی خورده یا نه بلکه آنچه نزد تو حاضر است نزد او بیاور و جواد
کامل کسی است که آنچه در خانه دارد برای مهمان بیاورد و این روایت ابن ادریس در
سرائر ذکر کرده است و از حضرت امام رضا مرویست که فرمود کسیکه مؤمن گرسنه را
سیر کند و طعام دهد خدا او را از میوه های جنت خواهد داد و در روز اول ذی الحجه
و ایام معدودات عبارتست از ایام تشریق و در روایتی آنست که میقات موسی تمام ماه
ذیقعده بود پس خدا آنرا تمام کرد به ده روز ذی الحجه و ایام معلومات عبارتست از ده روز

ودر اول اینماه ابوبکر معزول شد از تادیه سوره برائت و این امر بعلی مرجوع شد و
در این روز پیغمبر فاطمه را بعلی تزویج کرد و در روایتی واقع است که در ششم اینماه تزویج
واقع شد چنانکه شیخ طوسی این روایت را در مصباح ایراد کرده است و بعضی گفته‌اند
که این تزویج در ماه رجب واقع شد و ذکر این قبل از این مذکور شد و در سیم اینماه
اینماه توبه آدم قبول شد و در هفتم اینماه موسی بر سحره فرعون غالب شد و این روز را
یوم الزینه نیز گویند و هشتم اینماه یوم الترویه است و نهم اینماه روز عرفه است
و در این روز درهای اصحاب که بمسجد الحرام گشوده میشد مسدود شد مگر در علی و
در این روز هانی و مسلم در کوفه مقتول شدند و بعضی گفته‌اند که معراج پیغمبر در شب
این روز واقع شد و هم چنین ولادت عیسی در این روز واقع و دهم اینماه عید قربان
و سه روز بعد از ان ایام تشریق است و در دوازدهم اینماه اشهاد سنت شد و
هیجدهم اینماه روز غدیر است و در این روز پیغمبر میان اصحاب خود عقد اخوت بست
و در این روز عثمان بن عفان مقتول شد و در شب نوزدهم اینماه علی بر حضرت امام
داخل شد و آتش جمعه بود و در بیست یکم اینماه توبه آدم نازل شد و در بیست چهارم
اینماه علی بر فراش پیغمبر خوابید و این روز تصدق امیر المومنین است بخاتم خود
و روز مباهله است و در روایتی وارد است که روز بیست یکم اینماه روز مباهلت و
در بیست چهارم اینماه سوره هل اتی در باب اهل کسا نازل شد و در بیست هفتم اینماه
عمر لعین مقتول شد و کسیکه گفته است که در نهم ربیع الاول کشته شد خطا کرده
و قبل از این بر این معنی تنبیه کردیم در ایراد ذکر ماه ربیع الاول و آنچه حق است آنست
که روز بساط این روز است تتمه بدانکه در ضمن آنچه ما رقم کردیم و در طی آنچه
ذکر کردیم ذکر ایام هفته معروفه و فصول اربعه موصوفه داخل میشود اما ایام
پس میگوئیم که روز یکشنبه اول ایام هفته است و در این روز خدا خلق عالم را ابتدا
کرد و این روز عید نصاری است و ایشان گمان کرده‌اند که این روز صلاحیت بنداء
امور دارد و این روز تعلق بآفتاب دارد و در این روز بدیدن سلاطین و ارباب دولت رفتن
خوبست و در کتاب ربیع الابرار زمخشری مذکور است که عذاب ثمود در روز یک
شنبه واقع شد و در حدیث واقع است نعوذ بالله من شر یوم الاحد فان له حدا کحد السیف

یعنی پناه میگیریم ما بخدا از شر روز یکشنبه از برای آنکه این روز را شدتی است مثل شدت
شمشیر روز دوشنبه تعلق بقمر دارد و این روز از برای تجارت و معاش بسیار خوبست
و این روز روز دوم خلق دنیا است و حضرت پیغمبر بروزه این روز و روز پنجشنبه مواظبت
میکرد و میفرمود که در این روز اعمال بندگان بآسمان بالا میروند و من دوست دارم
که عمل من مرفوع شود و حال آنکه من روزه باشم و ابن جوزی در کتاب شذور العقود ذکر
کرده است که پیغمبر در روز دوشنبه متولد شد و در روز دوشنبه مبعوث شد
و در روز دوشنبه مقبوض شد و در روز دوشنبه از مکه بیرون رفت و در روز دوشنبه
داخل مدینه شد و برخی از علما این روز را شوم میدانند و چندان سخن در مذمت این روز
ایراد کرده‌اند که بیاض یک صفحه را فرو میگیرد و بعضی از علما که مذمت این روز کرده‌اند
شیخ مفید است که در کتاب مزار خود مذمت آنرا ذکر کرده است و ابن بابویه در کتاب من لا
یحضره الفقیه ذکر کرده و سید عمید الدین در شرح قواعد ذکر کرده است و ما نیز
بعضی از شومی این روز در فصل بیست سیم در بیان سفر ذکر کردیم اعاده آن لایق این
مختصر نیست سه شنبه تعلق بمریخ دارد و این روز از برای ملاقات دشمن و جهاد
در راه خدا و سفر بسیار خوبست زیرا که پیغمبر فرمود که سفر کنید در روز سه شنبه
و در این روز طلب حاجات خود کنید زیرا که این روزیست که خدا در این روز آهن را
از برای داود نرم کرد و در این روز حجامت محمود است و در روایتی وارد شده است که
کسیکه حجامت او در روز سه شنبه هفدهم ماه اتفاق افتد این شفای اوست
و در این روز حوا حایض شد و این روز روز حرب خوبست چهارشنبه تعلق بعطارد
دارد و این روز از برای علوم و حکمت و کتابت و حمام رفتن خوبست و از پیغمبر مرویست
که هیچ امری را در چهارشنبه ابتدا نکنند مگر آنکه آن امر تمام شود و این روز نزد عامه
شوم است خصوصا چهارشنبه آخر ماه و بعضی گفته‌اند چهارشنبه آخر سال و از
هر دو احتراز احوط است و ما باین معنی اشاره کردیم در فصل بیست ششم در بیان سعد
و نحس تا آنجا ایام نحسات که در ماه و در سال نحس است ذکر کردیم پنجشنبه تعلق
بمشتری دارد و این روز از برای ملاقات قضاة و اکابر و امرا خوبست و این روز
مبارکی است از برای طلب حوایج و ابتدای سفر و در کتاب علل مذکور است که روز

پنجشنبه روزیست که با آن انس میگیرند و در این روز ابلیس علیه اللعنه ملعون شد
و ادریس بآسمان رفت و این روز پنجم است از ابتدای خلقت دنیا و صاحب کتاب عجایب
گفته است که در این روز و روز جمعه حجامت مکروه است و ذکر کرده است که رشید
در این روز حجامت کرد و در آن روز دیگر مرد و در روایت وارد است که پیغمبر نهی فرمود
از حجامت کردن در این روز و فرمود که کسیکه روز پنجشنبه حجامت کند و تب
کند در آن روز بمیرد جمعه تعلق بزهره دارد و این روز از برای تزویج و فرح خوبست
و این روز عید ملت حنیفیه است و سید روزها است و ذکر فضل این روز در فصل
سی و سیم گذشت شنبه تعلق بزحل دارد از برای عمل فلاحت و حوایج خوبست
و این روز عید یهود است و گفته اند این روزیست که خدا از خلق اشیا فارغ شد
و گمان کرده اند که اموریکه در روز شنبه واقع میشود تا شنبه دیگر استمرار دارد
و از این جهت است که در این روز یهود امتناع کنند از داد و ستد و مسلمانان با ایشان
مخالفت دارند در این معنی بواسطه قول پیغمبر که فرموده است که مبارک باد از برای
امت من در شنبه و پنجشنبه ایشان و باید که در صبح شنبه داد و ستد واقع شود
و علی بن ابرهیم در تفسیر خود گفته است کیخدای تعالی جهان را که عبارت از دنیا
الحال است در روز شنبه خلق کرده و زمین را در روز یکشنبه و جانوران بر و بحر را
در روز دوشنبه خلق کرده و روزیکه در قول خدا واقع شده است که ائنکم
لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین مراد یکشنبه و دوشنبه است و درخت و
نبات زمین و انهار و اشجار و آنچه در اوست و حشرات الارض را در روز سه شنبه
خلق کرده و طیور را در روز چهارشنبه خلق کرده و ملائکه را در روز پنجشنبه خلق کرده
و آدم را در روز جمعه خلق کرده و شیخ طبرسی در مجمع البیان از پیغمبر روایت کرده است
که آنحضرت فرمود که خدا زمین را در روز یکشنبه و دوشنبه خلق کرده است و کوهها
در روز سه شنبه خلق کرده است و درخت و آب و آبادانی و خرابی در روز چهارشنبه
خلق کرده است و آسمان را روز پنجشنبه خلق کرده است و روز جمعه آفتاب و ماه و ستاره و
و ملائکه و آدم را خلق کرده است و از ابیاتیکه منسوبست بعلی در بیان انچه نیکو است در
ایام سبعه کردن آن خوبست این است که فرموده است اری الاحد المبارک یوم سعد

للغرس العود یصلح والبناء ✿ وفی الاثنین للتعلیم امر ✿ وبالبرکات یعرف والرضا ✿ وان
تمت الحجامة فالثلثا ✿ ففی ذاک الیوم اهراق الدماء ✿ وان احببت ان تسقی دواء ✿
فنعم الیوم یوم الاربعاء ✿ وفی یوم الخمیس طلاب رزق ✿ لادراک الفواید والغناء ✿ ویوم الجمعة
التزویج فیه ✿ ولذات الرجال مع النساء ✿ ویوم السبت ان سافرت فیه ✿ وقیت من
المکاره والعناء ✿ وهذا العلم لا یعلمه الا ✿ نبی او وصی الانبیاء ✿ یعنی میمنت روز یکشنبه
روز مبارک سعدیکه صلاحیت دارد از برای درخت نشاندن و بنا نهادن و روز دو
شنبه صلاحیت دارد از برای تعلیم و این روز معروفست ببرکات و رضا و اگر اراده حجامت کنی
در روز سه شنبه بکن که روز ریختن خون است و اگر خواهی که دوا بخوری روز چهارشنبه
بخور و روز پنجشنبه طلب روزی خوبست و روز جمعه از برای تزویج و لذت یافتن مرد و زن
خوبست و روز شنبه از برای سفر خوبست و اگر در این روز سفر کنی ایمن از مکاره و عنا محفوظ
میباشی و این علم را نمیدانند مگر نبی یا وصی نبی واما فصول اربعه پس بدانکه زمان
عبارتست از مرور ایام و لیالی و این زمان منقسم میشود بسالها و سالها منقسم می
شود بماهها و ماهها منقسم میشود بهفتها و هفتها منقسم میشود بساعات و ساعات در
حیات انسان بهترین اموال اوست بواسطه آنکه باینها کسب میکند کل سعادات
و آن جوهر گرانمایه ایست که قیمت ندارد و نهار شب و روز معروفست هر یک از آن
دوازده ساعت میشود و ناقص میشود هر یک از شب و روز از دوازده ساعت و اقل ساعات
کم و زیاد میشوند و درازترین روز سیزدهم حزیرانست و درازترین شب سیزدهم کانون
الاولست و در سیزدهم اذار ماه شب و روز معتدل میشوند و همچنین در سیزدهم
ایلول شب و روز معتدل میشوند و بدرستیکه تشبیه کرده اند اوقات شب و روز
بفصول اربعه پس وقت صبح را بمنزله بهار قرار داده اند و وسط روز را بمنزله تابستان
قرار داده اند و وقت شام را بمنزله پاییز قرار داده اند و نصف شب را بمنزله زمستان
قرار داده اند و فصل بهار نزد ایشان وقتی است که آفتاب در حمل و ثور و جوزا باشد
و ماههای آذار و نیسان و ایار است و در این فصل طغیان میکند خون و اخراج خون
از بدن در این فصل محمود است و تخم مرغ نیم برشت و کاسنی و شیر بز و شیر میش و سیر
و شکر و هر چیزیکه معتدل است مثل جوجه مرغ و دراج در این فصل باید خورد و در این فصل

سیر قیپا نوشته بهای [illegible]
و ظاهرا بمعنای بطن المضم

نباید خورد و در این فصل کثرت جماع و تعب و اسهال بطن و استعمال خون گرفتن علامت
کسی که خون بر او غالب است سرخی رنگ و امتلای بدن و امتلاء عروق و حلاوت دهن است
فصل تابستان وقتی است که آفتاب در سرطان و اسد و سنبله است و ماههای آن حزیران
و تموز و آب است و در این فصل صفرای حاد و یابس غالب می‌شود و در این فصل چیزهای
ترش سرد باید خورد مثل گوشت گوساله که با سرکه پخته باشد مثل جوجه مرغ فربه
که در آن غوره و آب غوره پخته باشد و برنج ترش و آلو و انار ترش و سبزی که برودت بر او
غالب باشد و تخم مرغ نیم برشت و در این فصل جماع کم باید کرد و تعب خود را نباید داد
و کمتر بحمام باید رفت و خون از بدن کم اخراج باید کرد و بچیز حاره بو نباید کرد و از طیب
بو نباید کرد و از طیبات حاره مثل مشک و عنبر احتراز باید کرد و در این فصل غرغره نباید کرد و
مسهل نباید خورد مگر برای ضرورتی و در این فصل قی باید کرد و علامت صفرا زردی رنگ
و ضعف قلب و خواهش چیزهای سرد و تندی نفس و سرعت نبض و تلخی دهن است فصل پاییز
وقتی است که آفتاب در میزان و عقرب و قوس باشد و ماههای آن ایلول و تشرین اول
تشرین ثانی است و در این فصل سودا غالب است و در این فصل بسیار جماع و فصد و
استحمام باید کرد و دوای مسهل و اصناف حلویات باید خورد و بچیز حاره بو باید کرد و بعد
از طعام میوه باید خورد و در این فصل از طعام و شراب بارد احتراز باید کرد و هر چیز که
حاره و رطب است مثل جوجه و بره و انگور شیرین باید خورد و علامت غلبه سودا سیاهی لون
و لاغری بدن و اندوه بسیار و فکر بسیار و عفونت دهن و قبض آنست فصل زمستان وقتی است
که آفتاب در جدی و دلو و حوت باشد و ماههای آن کانون اول و کانون ثانی و شباط است
و در این فصل بلغم بارد رطب غالب است و در این فصل چیزهای گرم باید خورد مثل کبوتر بچه و کنجشک
و بره یکساله و کدو کاو و انجیر و سبزی تند و حلویات و در این فصل از اطعمه بارده و آب سرد
عقب خواب و شرب مسهل و استفراغ احتراز باید کرد مگر برای ضرورتی و در این فصل حرکت
و جماع بسیار نکند و علامت غلبه بلغم خواب بسیار کردن و شیرینی دهن است و این
بحث را در فصول اربعه از کتاب عین الحقایق و کتاب غره ذکر کرده ایم خاتمه هر گاه بخواهی
بدانی قمر در چه برج است آنچه از ماه عربی گذشته است مضاعف کن و پنج روز بر آن بیفزا
آنچه جمع شود ابتدا از عدد برج شمس کرده بازای هر برجی پنج روز بینداز و هر برجی که

که از پنج روز کمتر مانده است قمر در آن برج است مثلاً هر گاه آفتاب در برج دلو باشد و
از ماه پانزده روز گذشته باشد پانزده را مضاعف کنیم سی شود و پنج را بر آن
اضافه کنیم سی و پنج شود سی و پنج روز بازای پنج برج است و آن دلو و حوت و حمل و
ثور و جوزا است پس قمر در برج ششم است که آن سرطان است و اگر خواهیم بدانیم که آفتاب
در چند درجه سرطان است دو روز را در شش ضرب کنیم دوازده شود پس آفتاب در دوازده
درجه سرطان است و اگر خواهیم بدانیم که آفتاب در کدام برج است آنچه از ماه عربی گذشته
مضاعف باید کرد و پنج روز بر آن اضافه باید کرد و ابتدا از موضع قمر باید کرد و بازای هر برجی
پنج روز را باید انداخت بر عکس جهت مغرب پس هر گاه منتهی شود برجی که پنج تمام نمی‌شود آفتاب
در آن برج است شعر در بیان بروج : حمل الثور جوزاء السرطان : ورعى الليث سنبل الميزان
ورمى عقرب بالقوس جديا : واستقى الدلو بركة الحيتان : یعنی دوازده برج باین ترتیب است
حمل و ثور و جوزا و سرطان و لیث یعنی اسد بدانکه این بیتی که خواهد آمد مشتمل بر دوازده
کلمه و هر کلمه سه حرفست حرف اول اشاره است بماه عربی و حرف دوم اشاره است بروز وقفه
و حرف سیم اشاره است باول ماه رمضان و آن بیت اینست : مهو صدیح دذح جهوحق
دجل شاب ضرح شهو دذه دطی فحتلا : و بیان آن اینست که ماهی را که در آن داخلی
مهو سه حرفست میم اشاره است بمحرم و ها در حساب جمل پنج است و واو شش است پس
پنجم محرم را باید دید چه روز است همان وقفه است و ششم آنرا باید دید چه روز است اول
رمضان آن روز است و این حساب را ابن طاوس در کتاب اقبال ذکر کرده است بترتیب بنا
یکور قرار میکند و بیت مذکور مشتمل است بر جمیع آنچه او ذکر کرده است و ما این بیت را
ذکر کرده ایم در کتاب خود که موسوم است بحدیقه ناظر و حدیقه ناضره و کفعمی را دو بیت
هست که مشتمل است بر بیان نزول شمس در بروج اثنی عشر و در ذکر ماهها مرتبست و هم
چنین ذکر بروج بترتیبست و این دو بیت دوازده کلمه است هر کلمه چهار حرفست حرف
اول اشاره است ببرجی که آفتاب در آن نزول میکند و حرف دوم و سیم اشاره است بعدد
ایام ماضیه از ماه رومی و آن دو بیت اینست جحا یهن جها سیح لجب سرت میول عوت
قهت جحك دیحك حجش حا اشاره است بحمل و حا و جیم اشاره است ببیست و هشت و اشاره
باذار ماه رومی و باقی را بکر با این قیاس کن و تمام احوال بغیر و فاطمه و قائمه را بتفصیل در این فصل

صفحه ذکر میکنیم انشاء الله تعالی

الأسماء	محمد	علي	فاطمة	الحسن	الحسين	علي بن الحسين	محمد الباقر
الكنى	ابو القاسم	ابو الحسن	ام ابيها	ابو محمد	ابو عبد الله	ابو الحسن	ابو جعفر
الألقاب	المصطفى	المرتضى	الزهراء	الزكي	الشهيد	السجاد	الباقر
أمكنة الولادة	شعب ابي طالب	الكعبة	مكة	المدينة	المدينة	المدينة	المدينة
أيام الولادة	الاثنين	الجمعة	[illegible]	الثلثاء	الخميس	الأحد	الاثنين
شهور الولادة	سابع عشر ربيع الاول	ثالث عشر رجب	عشرين جمادى الآخرة	نصف شهر رمضان	ثالث شعبان	خامس شعبان	ثالث صفر
سني الولادة	عام الفيل	سنة ثلاثين من عام الفيل	سنتين بعد البعثة	سنة ثلاث من الهجرة	اربع من الهجرة	ثمان وثلاثين [illegible]	سبع وخمسين [illegible]
ملوك وقت الولادة	انوشيروان	[illegible]	يزدجرد	يزدجرد	يزدجرد	امير المؤمنين	معوية
أسماء الأمهات	آمنة بنت وهب	فاطمة بنت اسد	خديجة بنت خويلد	فاطمة	فاطمة	شهربانو	ام عبد الله بنت الحسن
نقش الخواتيم	الشهادتان	الملك لله الواحد القهار	أمن المتوكلون	العزة لله	ان الله بالغ امره	[illegible]	العزة لله
عدد الأزواج	خمس عشرة	[illegible]	علي	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عدد الأولاد	ثماني اولاد	[illegible]	خمسة اولاد	[illegible]	ستة اولاد	[illegible]	سبعة اولاد
سني الأعمار	ثلاث وستون سنة	ثلاث وستون سنة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
أيام الوفاة	الاثنين	الاثنين	الاثنين	الخميس	الاثنين	السبت	الاثنين
شهور الوفاة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سابع صفر	عاشر محرم	[illegible]	سابع ذي الحجة
سني الوفاة	[illegible]	اربعين من الهجرة	احدى عشر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
أمكنة الوفاة	المدينة	الكوفة	المدينة	المدينة	كربلاء	المدينة	المدينة
سبب الوفاة	مرض ومرض	قتله ابن ملجم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ملوك وقت الوفاة	هرقل	معوية	ابو بكر	معوية	[illegible]	الوليد بن عبد الملك	هشام بن عبد الملك
أسماء قاتليهم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
أمكنة القبور	بحجرته [illegible]	مشهد بالغري	[illegible]	في البقيع	في كربلاء	في البقيع	في البقيع

الأسماء	جعفر	موسى	علي	محمد	علي	الحسن	محمد
الكنى	ابو عبد الله	ابو ابراهيم	ابو الحسن	ابو جعفر	ابو الحسن	ابو محمد	ابو القاسم
الألقاب	الصادق	الكاظم	الرضا	الجواد	الهادي	العسكري	الخلف المهدي
أمكنة الولادة	المدينة	بين مكة والمدينة بالأبواء	المدينة	المدينة	المدينة	المدينة	بسر من رأى
أيام الولادة	الاثنين	الأحد	الخميس	الجمعة	الجمعة	الاثنين	الجمعة
شهور الولادة	سابع عشر ربيع الاول	سابع صفر	[illegible]	عاشر رجب	ثاني رجب	رابع ربيع الآخر	نصف شعبان
سني الولادة	ثلاث وثمانين	[illegible]	[illegible]	خمس وتسعين ومائة	[illegible]	[illegible]	خمس وخمسين ومائتين
ملوك وقت الولادة	عبد الملك	ابراهيم بن الوليد	المنصور	محمد الامين	المأمون	الواثق بن المعتصم	المتوكل العباسي
أسماء الأمهات	ام فروة	حميدة ام ولد	ام البنين ام ولد	[illegible]	سمانة ام ولد	[illegible] ام ولد	نرجس ام ولد
نقش الخواتيم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	انا لله شهيد	[illegible]
عدد الأزواج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عدد الأولاد	عشرة اولاد	سبعة وثلاثون	[illegible]	اربعة اولاد	خمسة اولاد	ذكر وانثى	[illegible]
سني الأعمار	خمس وستون	خمس وخمسون	احدى وخمسون	خمس وعشرون	احدى واربعون	[illegible]	[illegible]
أيام الوفاة	يوم الاثنين	يوم الجمعة	يوم الثلثاء	يوم الثلثاء	يوم الاثنين	يوم الجمعة	يوم الجمعة
شهور الوفاة	منتصف رجب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ثالث رجب	[illegible]	[illegible]
سني الوفاة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
أمكنة الوفاة	المدينة	في الحبس ببغداد	طوس	بغداد	سر من رأى	سر من رأى	[illegible]
سبب الوفاة	مسموم [illegible]	سمه الرشيد	سمه المأمون	سمه المعتصم	سمه المعتز	سمه المعتمد	خاف وغاب
ملوك وقت الوفاة	الدوانيقي	زمن الرشيد	زمن المأمون	زمن المعتصم	زمن المعتز	المعتمد	[illegible]
أسماء قاتليهم	ابن الفضل	محمد بن الفضل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
أمكنة القبور	بالبقيع	مقابر قريش	[illegible]	مقابر قريش	سر من رأى	[illegible]	[illegible]

فصل چهل یکم

در اعمال ماه رجب

در عمل ماه رجب اما زیارات مخصوصهٔ رجب در باب زیارات گذشت و اما نمازهای آن پس میگوییم ما که سید رضی الدین علی بن طاوس در کتاب مصباح الزائرین ذکر کرده است که نمازها را سلمان فارسی از پیغمبر صلع روایت کرده است شب اول کسیکه در این شب سی رکعت نماز کند بپانزده سلام و هر رکعتی الحمد یکبار و سورهٔ جحد و توحید را هر یک سه بار بخواند خدایتعالی گناهان او را بیامرزد و از نفاق بری میشود و او را تا سال دیگر از جملهٔ مصلیان مینویسند تا سال دیگر از برای او حسنات مینویسند و کسیکه این نماز ایستاده نتواند کرد نشسته بکند و خدایتعالی با ملائکه خود مباهات میکند باو و میگوید که گناهان او را آمرزیدم و بباید دانست که جمیع نمازهای که مذکور میشود در این سه ماه هر دو رکعت بیک سلام شب دویم ده رکعت نماز در هر رکعت الحمد یکبار و سورهٔ جحد یکبار بخواند و ثواب آن همان است که در شب پیش گذشت شب سیم ده رکعت نماز است در هر رکعت الحمد یکبار و سورهٔ نصر پنج بار هر کس این نماز را بکند خدایتعالی در بهشت از برای او قصری بنا میکند که آن قصر فراخ تر است از هفت برابر دنیا و او را ندا میکنند ببشارت بمرافقت پیغمبران و صدیقان و شهدا و صالحان شب چهارم صد رکعت نماز است در دو رکعت اول الحمد و سورهٔ فلق بخواند و در رکعت دویم الحمد و سورهٔ ناس بخواند جمیع صد رکعت را دو رکعت باین روش بکند چون این نماز را بگذارد از هر آسمان ملکی نازل میشود که ثواب آن را مینویسند تا روز قیامت چون از خاک برخیزد روی او چون ماه شب چهارده درخشنده باشد و کتاب او را بدست راست او دهند و خدایتعالی حساب او را آسان کند شب پنجم کسیکه در این شب شش رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و بیست و پنج بار سوره توحید بخواند خدایتعالی ثواب چهل پیغمبر و چهل صدیق و چهل شهید باو میدهد و بر صراط مثل برق جهنده براسبی از نور مرور میکند شب ششم کسیکه در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و هفت بار آیة الکرسی بخواند ملکی ندا کند از جانب الله تعالی که تو ولی خدائی بحق و تو راست بهر حرفی که در این نماز خواندی شفاعت مسلمانی و خدای تعالی هفتاد هزار حسنه باو دهد که هر حسنهٔ سنگین تر باشد از جمیع کوههای دنیا شب هفتم کسیکه در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و سه بار توحید بخواند و سه بار معوذتین بخواند و چون سلام دهد ده بار صلوات بر محمد و آل او بفرستد و ده بار تسبیحات اربع را بخواند خدایتعالی او را در سایهٔ عرش خود جای دهد و ثواب کسی دهد باو که ماه رمضان را روزه داشته باشد و ثواب آزاد کردن هفت بنده از اولاد اسمعیل باو دهند و هفتاد رحمت باو دهند شب هشتم هر که در این شب بیست رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و قل یا ایها الکافرون را سه بار بخواند خدایتعالی باو ثواب شاکران و صابران کرامت کند و ثواب صد حجه و صد عمره باو دهد و هزار رحمت فرو فرستد و او را از آتش دوزخ نجات دهد و اگر تا هشتاد روز دیگر بمیرد شهید مرده باشد شب نهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و پنج بار الهیکم التکاثر بخواند از مقام خود برنخیزد مگر آمرزیده و اسم او را در مسالک صدیقان بنویسند و مر او راست بازای هر حرفی ثواب صدیقی و شهیدی و مثل کسیست که کل قرآن را در ماه رمضان ختم کرده باشد و چون از قبر خود برخیزد هفتاد ملک پیش آمده او را بشارت ببهشت دهند شب دهم هر که در این شب دوازده رکعت نماز کند بعد از مغرب در هر رکعت یکبار الحمد و سه بار توحید بخواند خدایتعالی از برای او قصری بلند کند در بهشت که آن قصر بر ستونی باشد از یاقوت سرخ و فراخی آن مثل فرق مابین مشرق و مغرب باشد و در آن ستون هفتاد غرفه باشد از طلا و نقره و یاقوت در هر غرفه فراختر از دنیا باشد و در آن قصر خانها باشد بعدد نجوم شب یازدهم هر کس در این شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و دوازده بار آیة الکرسی بخواند مثل کسیست که جمیع کتابی را که خدایتعالی فرستاده باشد خوانده باشد و از جانب الله تعالی باو ندا رسد که عمل از سر گیر شب دوازدهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و آیهٔ آمن الرسول را تا آخر سوره ده بار بخواند خدایتعالی ثواب کسانی باو دهد که امر معروف و نهی منکر میکنند شب سیزدهم هر کس در این شب ده رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد و سورهٔ والعادیات بخواند و در رکعت دویم الحمد و تکاثر بخواند و در هر ده رکعت چنین کند آمرزیده شود و اگر چه عاق والدین باشد و نکیر و منکر او را آزاد نکنند و بر صراط مثل برق جهنده بگذرد و کتاب او را بدست راست او دهند و میزان او ثقیل شود و او را خدایتعالی در فردوس هزار شهر دهد شب چهاردهم هر که در این شب سی رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار توحید و آیهٔ قل اللهم

آنا بشر مثلکم یوحی الی تا آخر سوره بخواند گناهان او آمرزیده شود و اگرچه زیاده
از ستارهای آسمان باشد و ثواب کسی دارد که جمیع کتب الهی را خوانده باشد شب
پانزدهم و شانزدهم و هفدهم هر کس در هر شب از این سه شب سی رکعت نماز کند در هر
رکعتی یکبار الحمد و یازده بار سوره توحید بخواند ثواب هفتاد شهید باو دهند و
ملائکه از برای او استغفار کنند تا آنکه از این نماز فارغ شود و نزع روح بر او آسان
شود و فشار قبر بر او سهل کند و از دنیا بیرون نرود تا مکان خود را در بهشت نبیند
و از فزع اکبر ایمن شود شب هیجدهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار
الحمد و یکبار توحید بخواند و ده بار سوره فلق و ده بار سوره ناس بخواند گناهان او آمرزیده شود
و اگرچه گناهان او زیاده از عشار باشد یعنی ده ملک یک گیرندگان از مال تجار و غیرهم خدای
تعالی میان او و دوزخ شش خندق خلق کند که عرض هر خندق مثل ما بین آسمان و زمین
باشد و مینویسند از برای او بسبب نماز شب نوزدهم ثواب موسی ع و بعد هر حرفی که در این
نماز میخواند خدای تعالی ثواب شهیدی باو میدهند و ملائکه خود را بسه بشارت بسوی
او میفرستند یکی آنکه خدای تعالی او را در موقف قیامت رسوا نمیکند دوم آنکه حساب نمیکند
او را سیم آنکه میگویند بیحساب داخل بهشت شو شب نوزدهم هر کس در این شب چهار رکعت نماز
کند در هر رکعتی یکبار الحمد و پانزده بار آیة الکرسی و پانزده بار سوره توحید بخواند خدای
تعالی ثواب مثل موسی ع باو میدهد و تتمه ثواب این نماز مثل آن این مذکور شد در شب
هیجدهم شب بیستم کسی که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و پنج بار سوره
قدر بخواند خدای تعالی باو عطا کند ثواب ابرهیم و موسی و عیسی ع و او را از شر جن و انس
ایمن گرداند و بمغفرت و رحمت بسوی او نظر کند شب بیست یکم هر کس در این شب شش
رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ده بار سوره کوثر بخواند یکسال بر او گناه
ننویسند و کسیکه این نماز را ایستاده نتواند کرد نشسته بکند چون این نماز را کند خدای
تعالی مباهات میکند باو ملائکه خود را و میگوید که آمرزیدم او را شب بیست و دوم
هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و هفت بار سوره
جحد بخواند و بعد از سلام دادن ده بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و ده بار استغفار
کند از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت نه بیند و بر اسلام بمیرد و او را

ثواب

ثواب هفتاد پیغمبر باشد شب بیست سیم هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت
یکبار الحمد و پنج بار سوره و الضحی بخواند خدای تعالی بعدد هر مرد کافر و زن کافره او را
یک درجه در بهشت بدهد و ثواب هفتاد حج بدهد و ثواب کسی که تشییع هزار جنازه
کرده باشد و هفتاد مریض را عیادت کرده باشد و حاجت هزار مؤمن را بر آورده باشد
باو کرامت کند شب بیست چهارم هر کس در این شب چهل رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار
الحمد و یکبار سوره اخلاص بخواند خدای تعالی هزار حسنه از برای او بنویسند و هزار
سیئه از او محو کنند و هزار درجه از برای او بلند گردانند و هزار ملک را بر او نازل
گردانند که دستهای خود را بر داشته بر او صلوات فرستند و خدای تعالی سلامتی
دنیا و آخرت را باو کرامت کند و مثل آن است که شب قدر را ادراک کرده باشد
شب بیست پنجم هر کس که در این شب بیست رکعت نماز کند میان نماز شام و خفتن در
هر رکعت یکبار الحمد و آیه آمن الرسول تا آخر سوره بخواند خدای تعالی او را و اهل او را و دین
و دنیا و آخرت و مال او را در امان خود بدارد و از جای خود بر نخیزد مگر آمرزیده شب بیست
و ششم هر کس در این شب دوازده رکعت نماز بکند در هر رکعت الحمد یکبار و چهل بار
سوره توحید بخواند ملائکه با او مصافحه کنند و از حساب و میزان و موقف و صراط ایمن
باشد و خدای تعالی هفتاد ملک را بر انگیزاند که از برای او استغفار کنند تا وقت صبح و
ثواب آن را بر صحیفه اعمال او نویسند شب بیست و هفتم و بیست هشتم و بیست نهم هر کس در
هر یک از این سه شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و سوره اعلی و
قدر هر کدام ده بار بخواند و بعد از سلام صد نوبت صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و
صد بار استغفار کند خدای تعالی از برای او ثواب عبادت ملائکه را بنویسد شب سی ام
هر کس در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و یازده بار سوره توحید
بخواند خدای تعالی در بهشت فردوس هفت شهر باو دهد و چون از قبر بیرون آید
روی او مانند ماه درخشان باشد و مثل برق جهنده از صراط بگذرد و از آتش دوزخ
نجات یابد سید بن باقی در اختیار خود روایت کرده است که پیغمبر ص فرمود که غافل
مشوید از شب جمعه اول ماه رجب پس بدرستیکه آن شبی است که ملائکه آن را شب
رغایب نام کرده اند بواسطه آنکه چون یک ثلث از شب بگذرد ملائکه آسمان و

زمین در کعبه وحوالی ان جمع میشوند وخدایتعالی با ایشان کوید که چه میخواهید
ایشان کویند که خدایا حاجت ما اینست که روزه داران ماه رجب را بیامرزی وبعد
ازان انحضرت فرمود که هر کس که پنجشنبه اول رجب را روزه دارد تا اخر حدیثی که
در اصل کتاب مذکور شد بیان فرمود که خدایتعالی کناهان او را بیامرزد خواه
مرد باشد وخواه زن واکرچه کناهان او مثل کف دریا باشد وبعدد ریک بیابان وبوزن
کوهها وبعدد برک درختان باشد و روز قیامت شفاعت او را قبول کند در حق اهل
بیت او ودر حق هفتاد کس که جمیع ایشان مستوجب اتش دوزخ باشند وبعد ازان این
باقی کفته است که ذکر ثواب این بسیار است وبدکران کتاب اطول هم میرسد پس اکتفا
باین قدر کردیم **تتمه** در بیان نماز رغایب که از پیغمبر ص مرویست وان دوازده رکعت است
وصفت عمل ان اینست که پنجشنبه اول رجب روزه بکیرد ودر شب جمعه میان نماز
شام وخفتن دوازده رکعت نماز بجای اورد ودر هر رکعت الحمد یکبار وسوره قدر سه
بار وتوحید دوازده بار بخواند وچون سلام دهد هفتاد بار صلوات بر محمد وال او
بفرستد وبعد ازان بسجده کند ودر سجده هفتاد بار بکوید سبوح قدوس رب الملائکة
والروح وبعد ازان سر از سجده بردارد وهفتاد بار بکوید رب اغفر وارحم وتجاوز عما
تعلم انک انت العلی الاعظم وبعد ازان سجده کند وهفتاد بار بکوید سبوح قدوس
رب الملئکة والروح ودر سجود حاجت خود را از خدایتعالی بخواهد که حاجت او براورده
میشود انشاء الله تعالی واز حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که کسی که در رجب و
شعبان ورمضان در هر روز وهر شب سه بار فاتحه وسه بار ایة الکرسی وسه بار
قل یا ایها الکافرون وسه بار قل هو الله احد وسه بار معوذتین وسه بار تسبیحات
اربع وسه بار لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بخواند وسه بار صلوات بفرستد
وچهار بار استغفار کند خدایتعالی کناهان او را بیامرزد اکرچه بعدد قطرات باران و
برک درختان وکف دریاها باشد وروز عید فطر ندائی از جانب الله تعالی اید که
ای بنده من تو ولی حق منی ومر تو راست نزد من بعدد هر حرفی شفاعتی در برادران
مؤمن خود وبعد ازان انحضرت فرمود که قسم بخدائی که نفس من در دست او ست کسی
کسیکه این عمل را در سه ماه در روزها وشبها بجای اورد واکرچه در عمر خود یکبار این

هفتاد بار بکوید

عمل کرده باشد خدایتعالی عطا کند باو بعدد هر حرفی هفتاد هزار حسنه کران ترازو
کوه باشد وخدایتعالی هفتصد حاجت او را روا کند در قبر وهفتصد نزد خروج او
از قبر وهفتصد نزد پریدن نامها از جانب راست وچپ وهفتصد نزد میزان وهفتصد
نزد صراط وخدایتعالی او را در سایه عرش خود جای دهد وحساب او را اسان کند و
هزار هزار ملک او را مشایعت کنند تا او را به بهشت رسانند وخدایتعالی اماده
کند از برای او چیزی که هیچ چشمی او را ندیده وهیچ کوشی نشنیده باشد وبر قلب هیچ
ادمی خطور نکرده باشد واز پیغمبر ص مرویست که در ماه رجب سی رکعت نماز باید کرد ده
رکعت در اول ان به پنج سلم در هر رکعت الحمد یکبار وسه بار توحید وسه بار جحد
وچون سلام دهد هر دو دست خود را بسوی اسمان بردارد وبکوید لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر و
هو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا
الجد منک الجد وبعد ازان دستهای خود را بر روی خود بکش وده رکعت نماز در
میان ماه بهمان روش بجای اورد وچون سلام دهد هر دو دستها بردارد و
بکوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی
لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة
ولا ولدا وبعد ازان دستهای خود را بر روی خود فرود اورد وده رکعت در اخر ماه
بجای اورد بهمان طریق که کذشت وچون سلام دهد هر دو دست خود را بردارد و
بکوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا
یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد واله الطاهرین ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وهر دو دست خود را بر روی خود فرود اورد وحاجت
خود را از خدایتعالی بخواهد که روا میشود وخدایتعالی میان او وجهنم هفت خندق
خلق میکند که عرض هر خندق ما بین اسمان وزمین باشد وبواسطه هر رکعت
ثواب هزار رکعت نماز مینویسد ومحو میکند از او هر کناهی که کرده است در کوچکی و
بزرکی ومی بخشد باو ثواب کسی را که تمام اینماه را روزه کرفته باشد وتا سال دیکر
او را از جمله مصلین مینویسند وبواسطه روزه هر روز ثواب عبادت یکساله

دستها را بر دارد و بکوید

از برای او مینویسند و هزار درجه از برای او بلند میکنند و اگر تمام اینماه را روزه
دارد خدا تعالی او را از آتش دوزخ نجات میدهد و از برای او بهشت واجب میکند
ای سلمان این نماز علامتی است میان مؤمن و منافق بواسطه آنکه منافق اینماز
را نمیکند و در شب نصف اینماه دوازده رکعت نماز باید کرد در هر رکعتی الحمد و هر
سوره که میخواهد بخواند و چون سلام دهد هر یک از الحمد و معوذتین و آیة الکرسی و
تسبیحات اربع را چهار بار بخواند و بعد از ان بگوید اللّه اللّه ربی لا اشرک به شیئا
و ما شاء اللّه لا قوة الا باللّه العلی العظیم و در شب مبعث که آن شب بیست و هفتم
رجب است در هر ساعتی از شب که میخواهد پیش از نصف شب دوازده رکعت نماز کند
در هر رکعتی الحمد و هر سوره که میخواهد بخواند و چون سلام دهد هر یک از الحمد و معوذتین
و توحید و جحد و قدر و آیة الکرسی هر یک هفت بار بخواند و بعد از ان بگوید الحمد للّه الذی
لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره
تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک
و باسمک الاعظم الاعظم الاعظم و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتک التامات
ان تصلی علی محمد و آله و ان تفعل بی ما انت اهله و روز مبعث نیز دوازده رکعت
نماز کند در هر رکعتی الحمد و هر سوره که میخواهد بخواند و بعد از سلام الحمد و توحید و
معوذتین را هر یک چهار بار بخواند و چهار بار بگوید لا اله الا اللّه و اللّه اکبر
و سبحان اللّه و الحمد للّه و لا حول و لا قوة الا باللّه العلی العظیم و چهار بار بگوید
اللّه ربی و لا اشرک بربی احدا و بعد از ان هر دعا که کند مستجاب شود و اما دعاهای
ماه رجب در شب اول اینماه دعائی را بخوانند که از جواد علیه السلام مرویست و آن اینست اللهم
انی اسئلک بانک ملک و انک علی کل شیء مقتدر و انک ما تشاء من امر یکون
اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة یا محمد یا رسول اللّه انی اتوجه بک الی
اللّه ربک و ربی لینجح لی بک طلبتی اللهم بنبیک محمد و الائمة من اهل بیته
علیهم السلام انجح طلبتی و بعد از ان حاجت خود را بخواهند و در هر روز اینماه این دعا را
بخوانند یا من یملک حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة منک سمع
حاضر و جواب عتید اللهم و مواعیدک الصادقة و ایادیک الفاضلة و رحمتک

نعلین بگوید

دعاهای ماه رجب

الواسعة فاسئلک ان تصلی علی محمد و آله و ان تقضی لی حوائجی للدنیا و الاخرة
و نیز هر روز از اینماه این دعائی را بخوانند که از صادق علیه السلام مرویست و آن اینست اللهم
انی اسئلک صبر الشاکرین لک و عمل الخائفین منک و یقین العابدین لک اللهم
انت العلی العظیم و انا عبدک البائس الفقیر انت الغنی الحمید و انا العبد
الذلیل اللهم صل علی محمد و آل محمد و امنن بغناک علی فقری و بحلمک علی
جهلی و بقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین
و اکفنی ما اهمنی من امر الدنیا و الاخرة یا ارحم الراحمین و نیز هر روز از اینماه این دعا
را بخوانند اللهم یا ذا المنن السابغة و الالاء الوازعة و الرحمة الواسعة و القدرة
الجامعة و النعم الجسیمة و المواهب العظیمة و الایادی الجمیلة و العطایا الجزیلة
یا من لا ینعت بتمثیل و لا یمثل بنظیر و لا یغلب بظهیر یا من خلق فرزق و الهم فانطق
و ابتدع فشرع و علا فارتفع و قدر فاحسن و صور فاتقن و احتج فابلغ و انعم فاسبغ
و اعطی فاجزل و منح فافضل یا من سما فی العز ففات خواطف الابصار و دنی فی اللطف
فجاز هواجس الافکار یا من توحد بالملک فلا ندّ له فی ملکوت سلطانه و تفرد بالالاء
و الکبریاء فلا ضد له فی جبروت شانه یا من حارت فی کبریاء هیبته دقائق الاوهام
و انحسرت دون ادراک عظمته خطائف ابصار الانام یا من عنت الوجوه لهیبته
و خضعت الرقاب لعظمته و وجلت القلوب من خیفته اسئلک بهذه المدحة
التی لا ینبغی الا لک و بما وایت به علی نفسک لداعیک من المؤمنین و بما ضمنت
الاجابة فیه علی نفسک للداعین یا اسمع السامعین و ابصر الناظرین و اسرع
الحاسبین یا ذا القوة المتین صل علی محمد و آله خاتم النبیین و علی اهل بیته
و اقسم لی فی شهرنا هذا خیر ما قسمت و احتم لی فی قضائک خیر ما حتمت و اختم لی
بالسعادة فیمن ختمت و احینی ما احییتنی موفورا و امتنی مسرورا و مغفورا و تول
انت نجاتی من مسائلة البرزخ و ادرا عنی منکرا و نکیرا و ار عینی مبشرا و بشیرا
و اجعل لی الی رضوانک و جنانک مصیرا و عیشا قریرا و ملکا کبیرا و صل علی محمد
و آله کثیرا و باز ابن عیاش گفته است که از دعاهائی که از ناحیه مقدسه بر دست
شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید بیرون آمد دعائی هر روز ماه رجب بود و آن اینست

اللهم انی اسئلك بمعانی جمیع ما یدعوك به ولاة امرك المامونون علی سرك
المستبشرون بامرك الواصفون لقدرتك المعلنون لعظمتك اسئلك بما
نطق فیهم من مشیتك فجعلتهم معادن لكلماتك واركانا لتوحیدك وآیاتك
ومقاماتك التی لا تعطیل لها فی كل مكان یعرفك بها من عرفك لا فرق بینك
وبینها الا انهم عبادك وخلقك فتقها ورتقها بیدك بدؤها منك وعودها
الیك اعضاد واشهاد ومناة واذواد وحفظة ورواد فبهم ملأت سماءك و
ارضك حتی ظهر ان لا اله الا انت فبذلك اسئلك وبمواقع العز من رحمتك
وبمقاماتك وعلاماتك ان تصلی علی محمد وآله وان تزیدنی ایمانا وتثبیتا یا
باطنا فی ظهوره وظاهرا فی بطونه ومكنونه یا مفرقا بین النور والدیجور یا موصوفا
بغیر كنه ومعروفا بغیر شبه حاد كل محدود وشاهد كل مشهود وموجد كل موجود
ومحصی كل معدود وفاقد كل مفقود لیس دونك معبود اهل الكبریاء والجود
یا من لا یكیف بكیف ولا یؤین باین یا محتجبا عن كل عین یا دیموم یا قیوم وعالم كل
معلوم صل علی عبادك المنتجبین وبشرك المحتجبین وملائكتك المقربین والبهم
الصافین الحافین وبارك لنا فی شهرنا هذا رجب المرجب المكرم وما بعده من اشهر
الحرم واسبغ علینا فیه النعم واجزل لنا فیه القسم وابرر لنا فیه القسم باسمك
الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذی وضعته علی النهار فاضاء وعلی اللیل
فاظلم واغفر لنا ما تعلم منا ولا نعلم واعصمنا من الذنوب خیر العصم واكفنا كوافی
قدرك وامنن علینا بحسن نظرك ولا تكلنا الی غیرك ولا تمنعنا من خیرك وبارك
لنا فیما كتبته لنا فی اعمارنا واصلح لنا خبیئة اسرارنا واعطنا منك الامان
واستعملنا بحسن الایمان وبلغنا شهر الصیام وما بعده من الایام والاعوام
یا ذا الجلال والاكرام و باز ابن عیاش گوید كه دعائی كه از ناحیه مقدسه بر
دست شیخ ابو القاسم حسین بن روح بیرون آمد دعای ایام رجب بود و آن
اینست اللهم انی اسئلك بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه علی
بن محمد المنتجب واتقرب بهما الیك خیر القرب یا من الیه المعروف طلب و
فیما لدیه رغب اسئلك سؤال معترف مذنب قد اوبقته ذنوبه واوثقته

عیوبه

عیوبه فطال علی الخطایا دؤوبه ومن الرزایا خطوبه یسئلك التوبة وحسن الاوبة
والنزوع عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته والعفو عما فی ربقته فانت یا مولای
اعظم امله وثقته اللهم واسئلك بمسائلك الشریفة ووسائلك المنیفة
ان تتغمدنی فی هذا الشهر برحمة منك واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها
قانعة الی نزول الحافرة ومحل الآخرة وما هی الیه صائرة و سنت است كه در روز

شرح دعاء ام داود

نصف رجب دعای استفتاح بخواند و آن معروف است بدعای ام داود و هر كه كسی
اراده كند كه این عمل را بجای آورده باید كه ایام بیض را كه آن سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم است روزه بگیرد و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل كند و چون زوال
آفتاب شود نماز ظهر و عصر را در مكانی خالی كه او را شغلی شاغل نشود و كسی كه با او
سخن نگوید و ركوع و سجود را خوب بجا آورد بدانكه روایت دیگر آنست كه بعد
از نافله ظهر و فریضه ظهر دو ركعت نماز استفتاح بگذارد در هر ركعتی الحمد یكبار
و آیه شهد الله را تا آخر بیست و پنج بار بخواند و بعد از آن صد بار بگوید یا قاضی
حوائج السائلین و چون سلام دهد نماز نافله عصر و فریضه عصر را بخواند و بعد
از آن روی بقبله نشسته سورهای قرآنی را بخواند و دعا را بخواند و طریق
عمل استفتاح استادنا رحمه الله این بود و روایت دیگر آنست كه میان نماز ظهر
و عصر دو ركعت نماز استفتاح بگذارد و در هر ركعتی الحمد یكبار و آیة الكرسی هفت
بار بخواند و صد بار بگوید یا قاضی حوائج السائلین و بعد از نماز عصر روی بقبله
كرده بسورهای قرآنی و دعا مشغول میشود و نماز استفتاح در طریق كفعمی مذكور

عمل ام داود

است و چون سلام دهد روی بقبله كند و سورة الحمد و اخلاص را هر یك صد
بار بخواند و ده بار آیة الكرسی بخواند و بعد از آن سورة انعام و اسری و كهف
و لقمان و یس و الصافات و حم سجده و شوری و دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و ملك
و ن و انشقاق را تا آخر قرآن بخواند و چون فارغ شود از آن بگوید صدق الله
العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاكرام الرحمن الرحیم الحلیم
الكریم الذی لیس كمثله شیء وهو السمیع العلیم البصیر الخبیر شهد الله انه
لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحكیم

إنَّ الدين عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما
جاءهم العلم بغياً بينهم ومن يكفر بآيات الله فان الله سريع الحساب وبلغت
رسله الكرام وانا على ذلك من الشاهدين اللهم لك الحمد ولك المجد ولك العز
ولك الفخر ولك القهر ولك النعمة ولك الرحمة ولك المهابة ولك السلطان ولك
البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح ولك التقديس ولك التهليل ولك التكبير
ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق السموات العلى ولك ما تحت الثرى ولك
الارضون السفلى ولك الآخرة والاولى ولك ما ترضى به من الثناء والحمد
والشكر والنعماء اللهم صل على جبرئيل امينك على وحيك والقوي على امرك
والمطاع في سمواتك ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر
لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك والمستغفر
المعين لاهل طاعتك اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور
المنتظر لامرك الوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين
وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى
ملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام
اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك واتحته
جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة
من الانس المترددة بين محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس
ونوح وهود وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط
ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين و
يونس والياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمن وزكريا وشعيا ويحيى و
تورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس و
الحواريين والاتباع وخالد وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمداً
وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابرهيم وآل
ابرهيم انك حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة
الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد

ولك العظمة

والياس

ولقمان

واهل الجد والاجتهاد واخصص محمداً واهل بيته بافضل صلواتك واجزل
كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى
تبلغه اعلى درجات اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين
اللهم وصل على من سميت ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك و
اهل طاعتك واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم لي اخواناً فيك و
اعواناً على دعائك اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك
الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك واسئلك اللهم بكل
ما سئلك به احد منهم من مسئلة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من دعوة
مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل
يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا خفير يا مجير يا خبير يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا
محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طهور يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا
باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا
مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي
يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق
يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤف يا
عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس
يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا
قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا بارئ يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان
يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خبير يا مغير يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا
مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق
يا واحد يا راصد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض يا منيب
يا مبين يا ظاهر يا مجيب يا متفضل يا مستجيب يا عادل يا بصير يا مؤمل يا سيد
يا آواب يا وافي يا راشد يا ملك يا رب يا مذل يا معز يا ماجد يا رازق يا ولي
يا فاضل يا سبحان يا حي يا قيوم يا من علا فاستعلا فكان بالمنظر الاعلى يا من

يا رزاق

يا هادي

يا بديع

يا ضار

قرب قد نا وبعد فنادى فعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله التقدير يا من
العسير عليه سهل يسير يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق
الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات
يا جامع الشتات يا رازق من يشاء وفاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال
والاكرام يا حى يا قيوم يا حى حين لا حى يا حى يا محيى الموتى يا حى لا اله الا انت
بديع السموات والارض يا الهى وسيدى صل على محمد وال محمد وارحم محمدا
وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت
على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلى وفاقتى وانفرادى ووحدتى
وخضوعى بين يديك واعتمادى عليك وتضرعى اليك ادعوك دعاء الخاضع
الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير
المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته
احبته وعظمت فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير
اللهم واسئلك بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء
قدير فاسئلك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن
والمقام والمشاعر العظام وبحق نبيك محمد صلوات الله عليه واله يا من وهب لادم
شيثا ولابرهيم اسمعيل واسحق ويا من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد
البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه ويا زائد الخضر فى علمه يا من وهب لداود
سليمان ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد ام موسى
اسئلك ان تصلى على محمد وال محمد وان تغفر لى ذنوبى كلها وتجيرنى من عذابك
وتوجب لى رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك واسئلك ان
تفك عنى كل حلقة بينى وبين من يؤذينى وتفتح لى كل باب وتلين لى كل صعب
وتسهل لى كل عسير وتخرس عنى كل ناطق بشر وتكف عنى كل باغ وتكبت لى كل عدو
لى وحاسد وتمنع عنى كل ظالم وتكفينى كل عائق يحول بينى وبين ولدى ويحاول
ان يفرق بينى وبين طاعتك ويثبطنى عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين و
قهر عتاة الشياطين واذل رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين

اسئلك

بغير حساب
يكون (نسخه بدل)
حاجتى
بسوء

اسئلك بقدرتك على ما تشاء وتسهيلك لمن تشاء كيف تشاء ان تجعل
قضاء حاجتى فيما تشاء وبعد از اتمام دعا سجده كند بر زمين وهر دو جانب خود را
بر زمين بمالد وبگويد اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلى وفاقتى واجتهادى
وتضرعى ومسكنتى وفقرى اليك يا رب وجهد كند كه از چشم او اشك بيرون
ايد واگرچه بمقدار سر مگسى باشد زيرا كه از علامت استجابت دعاست بيان
احوال پيغمبرانى كه در اين دعا مذكورند چنانچه در كتاب عدة وكتاب شذوذ العقود
وكتاب مفاتح التنزيل مذكور است اينست كه ادم نهصد وسى سال عمر كرد واز دنيا
رحلت نكرد تا انكه ولد ولد ولد ولد او بچهل هزار رسيد وحوا بعد از ادم يكسال زنده
بود وچون حوا فوت شد او را با ادم دفن كردند چون قابيل هابيل را كشت پوست
او سياه شد شيث پنجسال بعد از هابيل متولد شد واز اولاد ادم غير از شيث
عقب نگذاشت وانساب جميع مردم باو منتهى ميشود وعمر او نهصد ودوازده سال
بود وادريس كه اخنوخ عبارت از انست وبعد از سيصد وشصت وپنج سال
باسمان رفته وپدر او ليارد نام داشت ونوح پسر ملك است وعمر او هزار
چهارصد وپنجاه سال بود وهود ابن صالح هشتصد وهفت سال عمر داشت و
صالح از اولاد ثمود است وپدر او عاد بن ادم بن سام است وانحضرت در مكه فوت
شد وعمر او پنجاه وهشت سال بود وابرهيم بن تارخ صد وهفتاد پنجسال عمر بود
واسمعيل عمر او صد وبيست سال بود ومتولد شد وقتيكه از عمر پدرش هشتاد
چهار سال رفته بود واسحق صد وهشتاد سال عمر بود وحضرت ابرهيم صد سال
بودكه اسحق متولد شد ويعقوب صد وبيست سال عمر داشت واسباط دوازده
نفر بودند اولاد يعقوب لوط پسر خواهر حضرت ابرهيم بود وبعضى گفته اند كه پسر
خاله او بود واول كسيكه ايمان با برهيم اورد او بود وشعيب عمر بسيارى كرد ودختر
لوط در حباله او بود وايوب بن اموص الثارا كه دختر يعقوب بود در حباله خود داشت
واين زن بودكه او را بضغث يعنى يك دسته چوب كه مشتمل بود بر عددى كه
ايوب سوگند خورده بودكه او را بزند ومادر ايوب دختر لوط بود وموسى را صد و بيست سال
عمر بود وهرون صد وسيزده سال عمر بود وانحضرت سه سال پيش از موسى فوت

شُدُ و یوشع پسر نون پسر افرائیم بود و افرائیم پسر یوسف بود و او را پسری بود موسی نام که پیش موسی بن عمران بود و خضر بن ملکان پسر فالغ بن هود بود و ذوالقرنین جمیع دنیا را مالك شد و یونس بن متی را خدای تع باهل نینوی که از زمین موصلست فرستاد و الیاس از سبط یوشع بن نون بود و الیسع شاگرد الیاس بود و خدایتعالی او را بعد از الیاس پیغمبر کرد و ذوالکفل پیغمبری بود که پیش از عیسی مبعوث شد و بعضی گفته اند که او را بواسطهٔ آن ذوالکفل میگویند که کفیل هفتاد پیغمبر شد و ایشان را از عذاب خلاص کرد و طالوت چون بسیار طویل القامه بود او را طالوت نام کردند و داود دختر او را در حبالهٔ خود در آورد و او از فرزندان ابن یامین بن یعقوب بود و داود بن ایشی صد و چهل سال عمر کرد و سلیمان پنجاه و سه سال عمر کرد و آن حضرت سیزده ساله بود که پادشاه شد و زکریا بن ادن از ولد داود بود از سبط یهودا و نود و نه سال عمر کرد و شعیا بن اموص را خدایتعالی بر قومی فرستاد و آن قوم او را شهید کردند و خدایتعالی ایشان را هلاك کرد و یحیی و عیسی پسر خاله یکدیگر بودند و دخ عبارتست از زمین که پدر یونس است و ارمیا را خدایتعالی فرستاد به بیت المقدس و قوم او با او ایمان نیاوردند پس خدایتعالی بخت النصر را بر ایشان مسلط گردانید و ارمیا بسوی مصر رفت و باز به بیت المقدس برگشت و از او انکور و انجیر و شیر فتح ابی بود خدای تع او را صد سال میرانید و بعضی گفته اند که آن عزیر بود و حیقوق و در بعضی از نسخ حیقوق است و او پیغمبری بود که بعد از موسی ع مبعوث بود و شد و بر شریعت موسی بود و دانیال و عزیر بخت النصر هر دو را اسیر کرد و خدایتعالی هر دو را از او نجات داد و دانیال در ناحیهٔ سوس فوت شد و طایفهٔ از یهود گفتند که عزیر پسر خداست بواسطهٔ آنکه توریة را اقامت کرد از برای بنی اسرائیل بعد از آنکه سوخته بودند و عیسی ع را خدای تع در سیزده سالگی با او وحی فرستاد و در سی و سه سالگی با سمان رفت و عمران بن ماتان جد او بود و حنا مادر مریم جدهٔ او بود و شمعون بن حمان صفا وصی حضرت عیسی ع بود و جرجیس از اهل فلسطین بود و خدایتعالی او را بعد از عیسی بملك موصل مبعوث ساخت و حواریون این اسم را اصل از برای اصحاب عیسی ع است که مخصوص عیسی بودند و ایشان دوازده

بودند بعضی از ایشان لوقا و فالوس و یوحنا و متی بود و بعضی از ایشان رسولان عیسی بودند بسوی اهل انطاکیه چنانچه خدایتعالی فرموده است که اِذْ اَرْسَلْنَا اِلَیْهِمُ اثْنَیْنِ فَکَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ و آن ثالث شمعون بود که سرکردهٔ حواریین بود و بعضی گفته اند که آن ثالث تونس بود و بعضی گفته اند که بولس بود و بعضی گفته اند سلوم بود و بعضی گفته اند دو رسول دیگر صادق و صدوق بودند پس این اسم را استعمال کردند که در هر کسی که شبیه است بایشان از مصدقین و خالد بن سنان العبسی از عرب بود و بعد از عیسی ع مبعوث شد حنظله بن صفوان در زمان فترت در میان عیسی ع و محمد ص بود ابدال عبارتست از عابدان و از علی ع مرویست که ابدال در شام میباشد و ایشان برگزیده چندند که بعضی بدل بعضی دیگرند و اوتاد نیز خلاصه ابدالند و سیاح جماعتی اند که در زمین سیر میکنند از برای عبادات الهی زاد و این امت عبادتست از روزه داران است صایم را سایح گویند بواسطهٔ شباهت او بسایح در زمین بزاد زیرا که صایم نیز در نهار خود بی زاد در زمین سیر میکنند و بعضی گفته اند که زمین خالی نیست از قطب و چهار وتد و چهل بدل و هفتاد نجیب و سیصد و شصت صالح قطب صاحب الزمان و اوتاد کمتر از چهار کس نیست زیرا که دنیا خیمه است و مهدی ع مثل عمود است و اینها اربعه طنابهای آن خیمه اند و گاه باشد که اوتاد زیاده از چهار باشند و ابدال زیاده از چهل باشند و صلحا زیاده از سیصد و شصت باشند و ظاهر آنست که خضر و الیاس از جملهٔ اوتادان باشند و ملصق اند بدایرهٔ قطب اما صفت اوتاد است که یکطرفة العین از خدای خود غافل نیستند و از دنیا هیچ چیز جمع نکنند و هفوات و آثام بشر از ایشان صادر نشود و عصمت در ایشان شرط نیست و اما در قطب عصمت شرط است و اما ابدال در مرتبه ادون از اوتادند و گاه است که از ایشان غفلتی واقع شود پس تدارك کنند آن غفلت را بتذکر و عمداً از ایشان گناهی سر نمیزند و اما نجبا در مرتبه ادون از ابدالند و اما صلحا عبارتند از متقیان که موصوفند بعدالت و گاه هست که از ایشان گناهی صادر شود و باستغفار و پشیمانی تدارك آن کنند چنانچه خدایتعالی فرموده است اِنَّ الَّذِینَ اتَّقَوْا اِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّیْطَانِ

تذکروا فاذا هم مبصرون خدایتعالی ما را مثل اخیر کردانَد اکرچه از قسم اول
نیستیم امّا دوستی ایشان را دین خود کردانیده ایم و کسیکه قومی را دوست دارد
با ایشان محشور میشود و بعضی کفته اند که هرکاه یکی از اوتاد اربعه کم شود یکی از
ابدال بجای او بدارند و هرکاه یکی از ابدال کم شود یکی از نجبا را بجای او بدارند و
هرکاه یکی از نجبا کم شود یکی از صلحا را بجای او نصب کنند و هرکاه یکی از صلحا کم شود
یکی از سایر مردم را بجای او بازدارند والله اعلم در بعضی از تواریخ بنظر رسیده است
که چون منصور عبدالله بن حسن را بعد از قتل دو پسر او محمّد و ابرهیم بقتل آورد و
از مدینه زنجیر کرده ببغداد فرستاد بردم مادر او که فاطمه دختر عبدالله بن ابرهیم بود
بخدمت صادق آمد و شکایت کرد از حبس ولد خود و ان عورت صادق را
شیر داده بود و انحضرت میفرمود که او را بر من حق مادر نیست پس صادق ان عورت را
امر کرد که سه روز روزه بکیرد در اینماه که ماه رجبست در ایام بیض چه در اینماه
دعا مستجابست و تا اخر انچه در اصل کتاب ذکر کردیم او را تعلیم کرده ام داود کوید
که انچه انحضرت فرمود بجای آوردم و خوابیدم پس در خواب دیدم جمیع انکسانی
را که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم از ملائکه و انبیا و صدیقین که میکفتند
که ایمادر داود جمیع اینها را که می بینی ترا دعای کنند و بشارت میدهند ترا بقضای
حاجت تو و رد فرزند تو بتو من از خواب بیدار شدم از تاریخی که این را دیده بودم
همان قدر وقت کذشت که از مسافت دران وقت طی میتوان کرد که داود
امد از حال او پرسیدم کفت که درحین تنکی بودم در زنجیر کرانی در نصف ماه
رجب در خواب دیدم ترا که بر حصیر نماز خود نشسته بودی و در حوالی تو مردی
چند بودند که سر ایشان در اسمان بود و پای ایشان در زمین و جامهای سبز
داشتند یکی از ایشان که در کمال وجاهت بود و بسیار خوشبوی بود بمن کفت
که پسر عجوزه صالحه بیدار شو که دعای مادر تو در حق تو مستجاب شد من چون
بیدار شدم رسول منصور نزد من امد و امر کرد که زنجیر را از من برداشتند و
منصور فرمود که پنجهزار درهم بمن دادند و مرا رخصت داد در همان روز بسوی
تو امدم مادر داود کفت که حضرت امام جعفر صادق مرا باین عمل امر فرمود

کفت که این دعا را حفظ کن که در این دعا اسم اعظم مذکور است که هرکاه کسی
ان را بخواند دعای او مستجاب شود هرکاه بوسیلهٔ ان از خدای چیزی طلب کند
خدایتعالی باو بدهد و این دعا را دعای استفتاح میکویند چه بواسطهٔ این دعا
درهای اسمان کشاده میشود و دعای صاحب ان در همان ساعت مستجاب میشود
و صاحب ان را نیست نزد خدایتعالی مکر بهشت زنهار ای ام داود که این دعا را
بغیر دوستان ما تعلیم مکن زیرا که ایشان بغیر حق دعا میکنند و مستجاب میشود و
سنت است که در شب بیست و هفتم اینماه غسل کند و ان شب مبعث است و در
فضل این شب چندان روایت وارد شده است که اکر خواهیم ذکر ان کنیم بطول
کتاب میانجامد و در این شب این دعا را بخواند اللّهمّ انّی اسئلك بالتجلّی الاعظم
فی هذه اللیلة من الشهر المعظّم والمرسل المکرّم ان تصلّی علی محمّد و آله و ان تغفر
لنا ما انت به منّا اعلم یا من یعلم و لا یعلم اللّهمّ بارك لنا فی لیلتنا هذه التی بشرف
الرسالة فضّلتها و بکرامتك اجللتها و بالمحلّ الشریف احللتها اللّهمّ فانّا نسئلك
بالمبعث الشریف والسیّد اللطیف والعنصر العفیف ان تصلّی علی محمّد و آله و ان
تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة و فی سائر اللیالی مقبولة و ذنوبنا مغفورة و حسناتنا
مشکورة و سیّئاتنا مستورة و قلوبنا بحسن القول مسرورة و ارزاقنا من لدنك
بالیسر مدرورة اللّهمّ انّك تری و لا تری و انت بالمنظر الاعلی و انّ الیك
الرجعی والمنتهی و انّ لك الممات والمحیا و انّ لك الاخرة والاولی اللّهمّ انّا
نعوذ بك من ان نذلّ و نخزی و ان نأتی ما عنه تنهی اللّهمّ انّا نسئلك الجنّة
برحمتك و نستعیذ بك من النار فاعذنا منها بقدرتك و نسئلك من الحور
العین فارزقنا بعزّتك واجعل اوسع ارزاقنا عند کبر سنّنا و احسن اعمالنا
عند اقتراب اجالنا و اطل فی طاعتك و ما یقرّب الیك و یحظی عندك و یزلف
لدیك اعمارنا و احسن فی جمیع احوالنا و امورنا معرفتنا و لا تکلنا الی احد من
خلقك فیمنّ علینا و تفضّل علینا بجمیع حوائجنا للدنیا والاخرة و ابدأ بابائنا
و ابنائنا و امّهاتنا و جمیع اخواننا المؤمنین فی جمیع ما سئلناك لانفسنا یا
ارحم الراحمین اللّهمّ انّا نسئلك باسمك العظیم و ملکك القدیم ان تصلّی

ایضا
اینجا بخوانند

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظیمَ اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظیمَ اِلَّا
الْعَظیمُ اَللّٰهُمَّ وَهٰذا رَجَبُ الْمُرَجَّبُ الْمُکَرَّمُ الَّذی اَکْرَمْتَنا بِهِ اَوَّلُ الْاَشْهُرِ الْحُرُمِ اَکْرَمْتَنا
بِهِ مِنْ بَیْنِ الْاُمَمِ فَلَکَ الْحَمْدُ یا ذَا الْجُودِ وَالْکَرَمِ فَاَسْئَلُکَ بِهِ وَبِاسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ
الْاَجَلِّ الْاَکْرَمِ الَّذی خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فی ظِلِّکَ فَلا یَخْرُجُ مِنْکَ اِلی غَیْرِکَ اَنْ تُصَلِّیَ
عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرینَ وَاَنْ تَجْعَلَنا مِنَ الْعامِلینَ فیهِ بِطاعَتِکَ وَالْاٰمِلینَ
فیهِ لِشَفاعَتِکَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنا اِلی سَواءِ السَّبیلِ وَاجْعَلْ مَقیلَنا عِنْدَکَ خَیْرَ
مَقیلٍ فی ظِلٍّ ظَلیلٍ وَمُلْکٍ جَزیلٍ فَاِنَّکَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَکیلُ اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنا مُفْلِحینَ
مُنْجِحینَ غَیْرَ مَغْضُوبٍ عَلَیْنا وَلَا ضالّینَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
بِعَزائِمِ مَغْفِرَتِکَ وَبِواجِبِ رَحْمَتِکَ السَّلامَةَ مِنْ کُلِّ اِثْمٍ وَالْغَنیمَةَ مِنْ کُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ
بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ اَللّٰهُمَّ دَعاکَ الدّاعُونَ وَدَعَوْتُکَ وَسَئَلَکَ السّائِلُونَ
وَسَئَلْتُکَ وَطَلَبَ اِلَیْکَ الطّالِبُونَ وَطَلَبْتُ اِلَیْکَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجاءُ
وَاِلَیْکَ مُنْتَهَی الرَّغْبَةِ وَالدُّعاءِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْیَقینَ فی
قَلْبی وَالنُّورَ فی بَصَری وَالنَّصیحَةَ فی صَدْری وَذِکْرَکَ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ عَلی لِسانی
وَرِزْقاً واسِعاً غَیْرَ مَمْنُونٍ وَلا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنی وَبارِکْ لی فیما رَزَقْتَنی وَاجْعَلْ غِنایَ
فی نَفْسی وَرَغْبَتی فیما عِنْدَکَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وبعد از آن سجده کند و بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی هَدانا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنا بِوِلایَتِهِ وَوَفَّقَنا لِطاعَتِهِ شُکْراً شُکْراً
صد مرتبه بگوید پس سر از سجده بردارد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی قَصَدْتُکَ بِحاجَتی
وَاعْتَمَدْتُ عَلَیْکَ بِمَسْئَلَتی وَتَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ بِاَئِمَّتی وَسادَتی اَللّٰهُمَّ انْفَعْنا
بِحُبِّهِمْ وَاَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُمْ وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فی زُمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِکَ
یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و سنت است روزه روز مبعث و ان یکی از ایام سبعه است
که از ایام از بعثه بنا بر خلاف و ذکر آن ایام در فصل چهلم در باب روزه گذشت و در
این روز غسل سنت است و خواندن این دعا نیز سنت است یا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ وَ
التَّجاوُزِ وَضَمِنَ عَلی نَفْسِهِ الْعَفْوَ وَالتَّجاوُزَ یا مَنْ عَفا وَتَجاوَزَ اُعْفُ عَنّی وَتَجاوَزْ
یا کَریمُ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَکْدَی الطَّلَبُ وَاَعْیَتِ الْحیلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الْاٰمالُ
وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنْکَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ

ایضاً باید دعا بخواند

اِلَیْکَ مُشْرَعَةً وَمَناهِلَ الرَّجاءِ اِلَیْکَ مُتْرَعَةً وَاَبْوابَ الدُّعاءِ لِمَنْ دَعاکَ مُفَتَّحَةً
وَالْاِسْتِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِکَ مُباحَةً وَاَعْلَمُ اَنَّکَ لِداعیکَ بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ وَلِلصّارِخِ
اِلَیْکَ بِمَرْصَدِ اِغاثَةٍ وَاَنَّ فِی اللَّهْفِ اِلی جُودِکَ وَالضَّمانِ بِعِدَتِکَ عِوَضاً عَنْ مَنْعِ
الْباخِلینَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا فی اَیْدِی الْمُسْتَأْثِرینَ وَاَنَّکَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِکَ اِلّا اَنْ
تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمالُ دُونَکَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ زادِ الرّاحِلِ اِلَیْکَ عَزْمُ اِرادَةٍ وَقَدْ
ناجاکَ بِعَزْمِ الْاِرادَةِ قَلْبی فَاَسْئَلُکَ بِکُلِّ دَعْوَةٍ دَعاکَ بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ اَمَلَهُ اَوْ صارِخٍ
اِلَیْکَ اَغَثْتَ صَرْخَتَهُ اَوْ مَلْهُوفٍ مَکْرُوبٍ فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ اَوْ مُذْنِبٍ خاطِئٍ غَفَرْتَ
لَهُ اَوْ مُعافًی اَتْمَمْتَ نِعْمَتَکَ عَلَیْهِ اَوْ فَقیرٍ اَهْدَیْتَ غِناکَ اِلَیْهِ وَلِتِلْکَ الدَّعْوَةِ
عَلَیْکَ حَقٌّ وَعِنْدَکَ مَنْزِلَةٌ اِلّا صَلَّیْتَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَضَیْتَ حَوائِجی حَوائِجَ
الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ وَهٰذا رَجَبُ الْمُرَجَّبُ اِلی قَوْلِهِ وَنِعْمَ الْوَکیلُ و ذکر آن در دعای
قبل از این که آن دعای مبعث است مذکور شد و بعد از آن بگوید وَالسَّلامُ عَلی
عِبادِهِ الْمُصْطَفَیْنَ وَصَلَواتُهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ اَللّٰهُمَّ وَبارِکْ لَنا فی یَوْمِنا هٰذَا الَّذی
فَضَّلْتَهُ وَبِکَرامَتِکَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ الْعَظیمِ مِنْکَ اَنْزَلْتَهُ وَصَلِّ عَلی مَنْ فیهِ
اِلی عِبادِکَ اَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الْکَریمِ اَحْلَلْتَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ صَلوٰةً دائِمَةً
تَکُونُ لَکَ شُکْراً وَلَنا ذُخْراً وَاجْعَلْ لَنا مِنْ اَمْرِنا یُسْراً وَاخْتِمْ لَنا بِالسَّعادَةِ اِلی
مُنْتَهی آجالِنا وَقَدْ قَبِلْتَ الْیَسیرَ مِنْ اَعْمالِنا وَبَلِّغْنا بِرَحْمَتِکَ اَفْضَلَ آمالِنا اِنَّکَ
عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَآلِهِ الطّاهِرینَ وَسَلَّمَ
کَثیراً و هر روز از ماه رجب صد بار این تسبیح را بخواند سُبْحانَ الْاِلٰهِ الْجَلیلِ
سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی التَّسْبیحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ الْاَعَزِّ الْاَکْرَمِ سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ
لَهُ اَهْلٌ **فصل چهل هشتم** در عمل ماه شعبان اما نماز آن پس از پیغمبر روایت است که
کسیکه در شب اول این ماه صد رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و توحید
یکبار بخواند و چون سلام دهد پنجاه بار سوره فاتحه بخواند دفع میکند خدای تعالی
از او شر اهل آسمان و زمین را و بنا میکند از برای او بعدد هر سوره هزار شهر در
بهشت و میدهند باو ثواب هزار شهید **شب دویم** هر کس در این شب پنجاه رکعت
نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و توحید و معوذتین هر کدام را یکبار بخواند تا سال

الامال

در اعمال ماه شعبان

دیکر بر او کناه ننویسند و خدای تعالی از عبادت اهل اسمان و زمین اورا اجر و کرامت
کند و قیام و نماز این شب را حقیر نشمرد مکر کسی که شقی و منافق باشد و انحضرت م
از برای این نماز ثواب بسیار ذکر فرمود شب سیم هر کس که در این شب دو رکعت نماز
کند در هر رکعت الحمد یکبار و بیست و پنج بار توحید بخواند درهای بهشت از برای
او کشاده میشود و درهای جهنم در روی او بسته میشود و در روز قیامت هزار
حله و هزار تاج باو کرامت کرده میشود شب چهارم هر کس در این شب چهل رکعت
نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و بیست و پنج نوبت توحید بخواند بعدد هر
رکعت ثواب هزار ساله عبادت از برای او نویسند شب پنجم هر کس در این شب
دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و توحید پانصد بار بخواند و بعد از
نماز هفتاد بار صلوات بر محمد و ال او فرستد خدای تعالی هزار حاجت او را از حوائج
دنیا و اخرت روا کند و بعدد ستارهای اسمان در بهشت مداین و شهرها باو
کرامت کند شب ششم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار
و ده بار توحید بخواند خدای تعالی قبض روح او کند بر سعادت و قبر او را فراخ و
نورانی کرداند و او را مبعوث سازد در حالتیکه متکلم بشهادتین باشد شب هفتم
هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در رکعت اول یکبار حمد و صد بار توحید
در رکعت دویم الحمد یکبار و ایة الکرسی بخواند خدای تعالی دعای او را مستجاب
کند و حوائج او را برآورد و بعدد هر روزی ثواب یک شهید باو کرامت کند
و یک کناه از او محو کند هشتم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند و در رکعت
اول یکبار الحمد و پانزده بار توحید بخواند و در رکعت دویم الحمد و ایة قل انما
انا بشر تا اخر و پانزده بار توحید بخواند خدای تعالی کناهان او را بیامرزد
و اکرچه مثل کف دریا باشد و ثواب کسی دارد که چهار کتاب خدای تعالی را
خوانده باشد شب نهم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد
یکبار و ده بار سوره اذا جاء نصر الله بخواند خدای تعالی بدن او را بر اتش دوزخ
حرام سازد و بعدد هر ایه ثواب دوازده شهید از شهدای بدر باو میدهد
و او را ثواب علما کرامت میکند شب دهم هر کس در این شب چهار رکعت نماز

کند در هر رکعت الحمد یکبار و سه ایة الکرسی و سه بار سوره کوثر بخواند خدای تعالی
از برای صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار سیئه از او محو کند و صد هزار درجه
در بهشت بلند کند و صد هزار در از برای او در بهشت بکشاید و او را و مادر و
پدر او را و همسایکان او را بیامرزد شب یازدهم هر که در این شب هفت رکعت نماز کند
در هر رکعت الحمد یکبار و سوره جحد ده بار بخواند خدای تعالی بعدد هر رکعت روضه
از ریاض بهشت باو کرامت فرماید و این نماز را نکند مکر مؤمنی که ایمان او کامل
باشد دوازدهم هر کس در این شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد
و ده بار سوره تکاثر بخواند خدای تعالی کناهان چهل ساله او را بیامرزد
و چهل هزار درجه از برای بلند کرداند و چهل هزار ملک از برای او استغفار کنند
و خدای تعالی از برای او ثواب شب قدر بنویسد شب سیزدهم هر کس در این شب دو رکعت
نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و سوره والتین یکبار بخواند از کناهان بیرون اید
مثل ان روزی که از مادر متولد شده باشد و ثواب کسی دارد که دویست بنده از
فرزندان اسمعیل را ازاد کرده باشد و خدای تعالی برات بیزاری از نفاق باو دهد
و او را در قیامت از رفقای پیغمبر ص و ابرهیم کرداند شب چهاردهم هر کس درین شب چهار
رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و سوره والعصر پنج بار بخواند خدای تعالی از
برای او ثواب جماعتی بنویسد که از زمان ادم تا قیامت نماز کنند و جمیع کناهان او را
خدای تع بیامرزد و روز قیامت او را برانکیزانند در حالتیکه روی او نورانی تر از
افتاب و ماه باشد از امام محمد باقر ع مرویست که شب نصف شعبان بعد از شب قدر
افضل از جمیع شبهاست و در این شب خدای تع بفضل خود بندکان را می بخشد و
ایشان را بکرم خود میامرزد پس باید که جهد کنید در این شب بتقرب بسوی خدای
تعالی زیرا که این شبی است که خدای تعالی قسم یاد کرده است بنفس خود که هیچ
سائلی را رد نکند مکر انکه چیز حرام از خدا طلب کند و این شب را از خدای تعالی با اهل
بیت ارزانی داشته است ما را عوض شب قدر که به پیغمبر ارزانی داشته است پس
جهد کنید در این شب در دعا و ثنای بر خدای تعالی پس بدرستیکه کسیکه در این شب
صد بار تسبیح و صد بار تحمید و صد بار تکبیر و صد بار تهلیل بکوید خدای تعالی

معایب گناهان گذشته او را بیامرزد و حوائج دنیا و آخرت او را برمی‌آورد و هر
چیزی را که داند که او می‌خواهد اگرچه از خدا نطلبد خدای تعالی باو میدهد بواسطه
تفضل بر بندگان خود از علی بن حسن بن فضال مرویست که گفت پدرم از امام رضا
پرسید از شب نصف شعبان آنحضرت فرمود که این شبی است که خدای در این
شب بندگان خود را از آتش آزاد میکند و گناهان کبیره را بیامرزد و پدرم پرسید
که در این شب نمازی هست زاید بر نمازهای هر شب آنحضرت فرمود که در این
شب چیز موظفی نیست که وظیفه این باشد اما دوست میدارم که در این شب
تطوع کنی بچیزی پس در این شب تو باد که نماز جعفر را بجای آوری و ذکر خدای تعالی
بسیار کن در این شب و استغفار و دعا نیز بسیار کن زیرا که پدرم فرمود که در این
شب دعا مستجابست راوی گوید که من گفتم یا بن رسول الله مردم گویند که این
شب لیلة الصکاک است آنحضرت فرمود که لیلة الصکاک آن شب قدر است که
در ماه رمضانست شب پانزدهم هرکس در این شب چهار رکعت نماز کند میان نماز شام و
خفتن در هر رکعت الحمد یکبار و ده بار توحید بخواند و بعد از سلام ده بار بگوید اللهم
اغفر لنا و ده بار بگوید یا رب ارحمنا و ده بار بگوید سبحان الله الذی یحیی الموتی و
یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر خدای تعالی دعای او مستجاب کند و حوائج دنیا
و آخرت او را روا گرداند و کتاب او را بدست راست او دهند و تا سال دیگر در
حفظ خدای تعالی باشد شب شانزدهم هرکس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت
الحمد یکبار و آیة الکرسی یکبار و توحید پانزده بار بخواند او را چندان ثواب خواهد
داد که پیغمبر را بر پیغمبری و از برای او در بهشت صد قصر بنا کنند شب هفدهم
هرکس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و هفتاد بار سوره
توحید بخواند و چون سلام دهد هفتاد بار استغفار کند خدای تعالی او را بیامرزد
و بر او گناه ننویسد شب هجدهم هرکس در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد
یکبار و پنجاه بار توحید بخواند هر حاجتی که از خدای تعالی طلب کند در این شب حاجت
او روا شود و اگر خدای تعالی او را شقی خلق کرده باشد سعید گرداند او را و اگر
در آن سال بمیرد شهید مرده باشد شب نوزدهم هرکس در این شب دو رکعت نماز کند

در هر رکعت الحمد یکبار و آیه قل اللهم مالک الملک را تا آخر پنج بار بخواند
خدای تعالی او را بیامرزد و عمل او را قبول کند و اگر مادر و پدر او در آتش دوزخ
باشند خدای تعالی ایشان را از آتش دوزخ بیرون آورد شب بیستم هرکس در این
شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و پانزده بار سوره نصر بخواند
از دنیا بیرون نرود تا مراد در خواب ببیند و جای خود را در بهشت ببیند و
خدای تعالی با ملائکه کرام بر وی حشر کند بیست و یکم هرکه در این شب هشت رکعت
نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و توحید و معوذتین هر کدام یکبار بخواند خدای
تعالی از برای او بعدد ستارگان آسمان ثواب نویسد و بهمین عدد درجات
او را بلند گرداند و سیئات او را محو کند بیست و دوم هرکس در این شب دو رکعت نماز
کند در هر رکعت الحمد یکبار و جحد دو مرتبه و پانزده بار سوره توحید بخواند نام
او را در آسمان صدیق نویسند و چون روز قیامت بعرصات آید در ستر خدای
باشد و از عذاب قبر نجات یابد و حساب او را خدای تعالی آسان کند و روز قیامت
او را اکرام کند بزیارت آدم و تمامت پیغمبران و او را صاحب شفاعت گرداند
شب بیست و سیم هرکس در این شب سی رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و سوره
زلزله یکبار بخواند خدای تعالی غل و غش را از دل او بیرون برد شب بیست و چهارم هرکس در این
شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و ده بار سوره نصر بخواند از آتش
دوزخ آزاد شود شب بیست و پنجم هرکس در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد
یکبار و سوره تکاثر یکبار بخواند ثواب کسانی باو دهند که امر معروف و نهی از
منکر میکنند و ثواب هفتاد پیغمبر نیز باو کرامت کنند شب بیست و ششم هرکس در این شب ده
رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و آیه آمن الرسول بما انزل الیه تا آخر
ده بار بخواند از آفات دنیا و آخرت عافیت یابد و در روز قیامت شش نور باو
دهند شب بیست و هفتم هرکس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ده
بار سوره اعلی بخواند خدای تعالی از برای او هزار هزار حسنه نویسد و هزار هزار سیئه
از او محو کند و هزار هزار درجه او را بلند گرداند و تاجی از نور بر سر او گذارد
شب بیست و هشتم هرکس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و توحید

اعمال شب برات

و معوذتین هر کدام یکبار بخواند چون از قبر خود مبعوث شود روی او مثل ماه شب
چهارده باشد و خدای تعالی ترس روز قیامت را از او بردارد شب بیست و نهم هر کس در
این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و سوره تکاثر و توحید و معوذتین
را هر یک ده بار بخواند ثواب مجاهدان با او کرامت کند و میزان او را ثقیل و حساب او
را خفیف گردانند و مثل برق خاطف از صراط بگذرد و داخل بهشت شود و اگر جمیع
خلایق جمع شوند و خواهند که ثواب او را بشمارند عاجز آیند از آن شب سی ام هر کس در
این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ده بار سوره اعلی بخواند و چون
سلام دهد صد بار صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد خدای تعالی در جنة المأوی هزار
شهر او دهد و هزار شهر و در جنة النعیم باو دهد و اگر تمام خلایق جمع شوند نتوانند
ثواب این نماز را احصا کرد و از حضرت باقر ع مرویست که در شب نصف شعبان چهار
رکعت نماز باید کرد در هر رکعت الحمد یکبار و سوره اخلاص صد بار باید خواند و چون
فارغ شوند از نماز این دعا را بخوانند اللهم انی الیک فقیر و من عذابک خائف
مستجیر اللهم لا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی و لا تجهد بلائی و لا تشمت بی اعدائی اعوذ
بعفوک من عقابک و اعوذ برحمتک من عذابک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ
بک منک جل ثناؤک انت کما اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون و از
صادق ع مرویست که بهترین چیزها در شب نصف شعبان اینست که بعد از نماز خفتن
دو رکعت نماز کند و در رکعت اول الحمد و جحد بخواند و در رکعت دویم الحمد و توحید
بخواند و چون سلام دهد سی و سه بار بگوید سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله و سی و چهار بار
الله اکبر و بعد از آن این دعا را بخواند یا من الیه یلجأ العباد فی المهمات و الیه
یفزع الخلق فی الملمات یا عالم الجهر و الخفیات و یا من لا یخفی علیه خواطر الاوهام
و تصرف الخطرات یا رب الخلائق و البریات یا من بیده ملکوت الارضین و
السموات انت الله لا اله الا انت امت الیک بلا اله الا انت لجعلنی فی هذه
اللیلة ممن نظرت الیه فرحمته و سمعت دعاءه فاجبته و علمت استقالته
فاقلته و تجاوزت عن سالف خطیئته و عظیم جریرته فقد استجرت بک من ذنوبی
و لجأت الیک فی ستر عیوبی اللهم فجد علی بکرمک و فضلک و احطط خطایای

بحلمک

ایضاً این دعا هم بخوانند

بحلمک و عفوک و تغمدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتک و اجعلنی فیها من اولیائک
الذین اجتبیتهم لطاعتک و اخترتهم لعبادتک و جعلتهم خالصتک و صفوتک
اللهم اجعلنی ممن سعد جده و توفر من الخیرات حظه و اجعلنی ممن سلم فنعم و فاز
فغنم و اکفنی شر ما اسلفت و اعصمنی من الازدیاد فی معصیتک و حبب الی طاعتک
و ما یقربنی منک و یزلفنی عندک سیدی الیک یلجأ الهارب و منک یلتمس
الطالب و علی کرمک یعول المستقیل التائب ادبت عبادک بالتکرم و انت اکرم
الاکرمین و امرت بالعفو عبادک و انت الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی ما رجوت
من کرمک و لا تؤیسنی من سابغ نعمک و لا تخیبنی من جزیل قسمک فی هذه اللیلة
لاهل طاعتک و اجعلنی فی جنة من شرار بریتک رب ان لم اکن من اهل ذلک
فانت اهل الکرم و العفو و المغفرة و جد علی بما انت اهله لا بما استحقه فقد
حسن ظنی بک و تحقق رجائی لک و علقت نفسی بکرمک و انت ارحم الراحمین و
اکرم الاکرمین اللهم و اخصصنی من کرمک بجزیل قسمک و اعوذ بعفوک من عقوبتک
و اغفر لی الذنب الذی یحبس علی الخلق و یضیق علی الرزق حتی اقوم بصالح
رضاک و انعم بجزیل عطائک و اسعد بسابغ نعمائک فقد لذت بحرمک و تعرضت
لکرمک و استعذت بعفوک من عقوبتک و بحلمک من غضبک فجد بما سألتک
و انل ما التمست منک اسئلک لا بشیء هو اعظم منک و بعد از آن سجده کند
و در سجده بیست بار بگوید یا رب یا رب و هفت بار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم و هفت بار بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله و ده بار بگوید لا قوة الا
بالله و بعد از آن بر پیغمبر صلوات فرستد و حاجت خود را بخواهد بخدا قسم که اگر
بعد از این عمل بعدد قطرات باران از خدای تعالی حاجت خواهد که خدای تعالی
بفضل و کرم خود میدهد و بعد از آن بگوید که الهی تعرض لک فی هذا اللیل المتعرضون
الی آخره و این دعا در فصل دویم هم در تعقیب نماز شفع گذشت و اما دعاهای که
در این ماه باید خواند آن بدرستیکه روز سیم ماه شعبان روز تولد امام حسین ع
است پس در این روز روزه بگیرد و این دعا را بخواند اللهم انی اسئلک بحق المولود
فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها

والارضون ومن عليها ولمّا يطأ لابتيها قتيل العبرة وسيّد الاسرة الممدود بالنصرة يوم الكرّة والمعوّض من قتله انّ الائمة من نسله والشفاء في تربته والفوز معه في اوبته والاوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته حتى يدركوا الاوتار ويثاروا الثار ويرضوا الجبّار ويكونوا خير انصار صلّى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار اللهمّ فبحقّهم اليك اتوسّل واسئل سؤال مقترف معترف مسيء الى نفسه ممّا فرط في يومه وامسه يسئلك العصمة الى محلّ رمسه اللهمّ فصلّ على محمّد وعترته واحشرنا في زمرته وبوّئنا معه دار الكرامة ومحلّ الاقامة اللهمّ وكما اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا ممّن يسلّم لامره ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى جميع اوصيائه واهل اصفيائه الممدودين منك بالعدد الاثنى عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهمّ وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه كلّ طلبة كما وهبت الحسين لمحمّد جدّه وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر اوبته آمين ربّ العالمين وبعد از آن دعای را بخوان که مرویست که آن دعا آخر دعائیست که امام حسين در كربلا حسين در كربلا خوانده‌اند آن دعا اين است اللهمّ انت متعالى المكان عظيم الجبروت شديد المحال غنيّ عن الخلائق عريض الكبرياء قادر على ما تشاء قريب الرحمة صادق الوعد سابغ النعمة حسن البلاء قريب اذا دعيت محيط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب اليك قادر على ما تشاء قريب الرحمة صادق الوعد سابغ النعمة حسن البلاء قريب اذا دعيت محيط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب اليك قادر على ما اردت مدرك ما طلبت وشكور اذا شكرت وذكور اذا ذكرت ادعوك محتاجا وارغب اليك فقيرا وافزع اليك خائفا وابكي اليك مكروبا واستعين بك ضعيفا واتوكّل عليك كافيا احكم بيننا وبين قومنا فانّهم غرّونا وخدعونا وخذلونا وغدروا بنا وقتلونا ونحن عترة نبيّك وولد حبيبك محمّد بن عبد الله الذي اصطفيته بالرسالة وائتمنته على وحيك فاجعل لنا من امرنا فرجا ومخرجا برحمتك يا ارحم الراحمين وحضرت امام زين العابدين در وقت زوال هر روز از ماه شعبان ودر شب نصف شعبان نيز

ايضا

اين دعا نيز بخوانند كه حضرت امام حسين در كربلا خوانده

اين دعا را ميخواندند اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد شجرة النبوّة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة ومعدن العلم واهل بيت الوحي اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد الفلك الجارية في اللجج الغامرة يأمن من ركبها ويغرق من تركها المتقدّم لهم مارق والمتأخّر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد الكهف الحصين وغياث المضطرّ المستكين وملجأ الهاربين وعصمة المعتصمين اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد صلوة كثيرة تكون لهم رضى ولحقّ محمّد وآل محمّد اداء وقضاء بحول منك وقوّة منك يا ربّ العالمين اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد الطيّبين الابرار الاخيار الذين اوجبت حقوقهم ومودّتهم وفرضت طاعتهم وولايتهم اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد واعمر قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك وارزقني مواساة من قتّرت عليه من رزقك بما وسّعت عليّ من فضلك ونشرت عليّ من عدلك واحييتني تحت ظلّك وهذا شهر نبيّك سيّد رسلك شعبان الذي حففته منك بالرحمة والرضوان الذي كان رسول الله صلّى الله عليه وآله يدأب في صيامه وقيامه في لياليه وايّامه بخوعا لك في اكرامه واعظامه الى محلّ حمامه اللهمّ فاعنّا على الاستنان بسنّته فيه ونيل الشفاعة لديه اللهمّ فاجعله لي شفيعا مشفّعا وطريقا اليك مهيعا واجعلني له متّبعا حتى القاه يوم القيمة عنّي راضيا وعن ذنوبي غاضيا قد اوجبت لي منك الرحمة والرضوان وانزلتني دار القرار ومحلّ الاخيار واز صادق مرويست كه كسيكه در هر روز از ماه شعبان هفتاد بار بگويد استغفر الله الذي لا اله الّا هو الرحمن الرحيم الحيّ القيّوم واتوب اليه خدا تعالى اسم او را در افق مبين بنويسد واين افق مبين صحرائيست در پيش عرش كه در آن نهرها چند است ودر آن نهرها بعدد ستارهای آسمان قدحها مطرود است در شب نصف شعبان از شبهای احياست وذكر فضل آن قبل از اين گذشت واز كاظم مرويست كه امير المؤمنين عليه السلام ميفرمود كه مرا خوش ميايد كه شخصى فارغ سازد نفس خود را در سالى در چهار شب از امور دنيا ومشغول عبادت الهى شود وآن چهار شب شب عيد فطر وشب عيد قربان وشب نصف شعبان وشب اوّل رجب است واز حضرت علي مرويست كه اگر توانى كه

لهم

صلواتك عليه وآله

مشفعا

اللقاء

شرح دعای فطر

محافظت کنی بر شب عید فطر و شب عید قربان و شب اول رجب و شب نصف
شعبان و شب اول محرم و شب عاشورا پس محافظت کن بر ان و در این شبها دعا
و نماز و تلاوت قران بسیار بجا اور و از امام رضا مرویست که فرمود که علی در سه
شب خواب نمیکرد در شب بیست و سیم رمضان و شب عید رمضان و شب
نیمهٔ شعبان و در این شب قسمت کرده میشود رزقها و اجلها و انچه در سال واقع
میشود و از زید بن علی مرویست که فرمود که امام زین العابدین در شب نصف
شعبان ما را جمع کرد و شب را سه جزو میساخت در جزو اول نماز میکرد و در جزو
دویم دعا میکرد و ما امین میگفتیم و یکجزو دیگر استغفار میکرد و ما نیز با او استغفار
میکردیم و در یک جزو دیگر طلب بهشت میکرد تا انکه فجر طلوع میکرد و در شب نصف
شعبان غسل و صلوات بر پیغمبر سنت است و ذکران گذشت و در این شب قائم ال
محمد متولد شد پس انحضرت را در این شب زیارت باید کرد بان زیارتی که در فصل زیارات
گذشت و در این شب این دعا را باید خواند اللهم بحق لیلتنا و مولودها و حجتک و
موعودها التی قرنت الی فضلها فضلا فتمت کلمتک صدقا و عدلا لا مبدل
لکلماتک و لا معقب لایاتک نورک المتالق و ضیاؤک المشرق و العلم النور فی
طخیاء الدیجور الغائب المستور جل مولده و کرم محتده و الملائکة شهده و الله
ناصره و مؤیده اذا ان میعاده و الملائکة امداده و سیف الله الذی لا ینبو و نوره
الذی لا یخبو و ذو الحلم الذی لا یصبو مدار الدهر و نوامیس العصر و ولاة الامر و
المنزل علیهم ما ینزل فی لیلة القدر و اصحاب الحشر و النشر و تراجمة وحیه و ولاة
امره و نهیه اللهم فصل علی خاتمهم و قائمهم المستور عن عوالمهم و ادرک بنا ایامه
و ظهوره و قیامه و اجعلنا من انصاره و اقرن ثارنا بثاره و اکتبنا فی اعوانه و خلصائه
و احینا فی دولته ناعمین و بصحبته غانمین و بحقه قائمین و من السوء سالمین یا
ارحم الراحمین و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد خاتم النبیین و المرسلین
و علی اهل بیته الصادقین و عترته الناطقین و العن جمیع الظالمین و احکم بیننا
و بینهم یا احکم الحاکمین و بعد از ان صلوات بر محمد و ال محمد باید فرستاد بان
صلواتی که از قائم مرویست و ان اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی سید

المرسلین و خاتم النبیین و حجة رب العالمین المنتجب فی المیثاق المصطفی فی
الظلال المطهر من کل افة البریء من کل عیب المؤمل للنجاة المرتجی للشفاعة المفوض
الیه دین الله اللهم شرف بنیانه و عظم برهانه و افلج حجته و ارفع درجته و اضیء
نوره و بیض وجهه و اعطه الفضل و الفضیلة و الوسیلة و الدرجة الرفیعة
و ابعثه مقاما محمودا یغبطه به الاولون و الاخرون و صل علی امیر المؤمنین و وارث
المرسلین و قائد الغر المحجلین و سید الوصیین و حجة رب العالمین و صل علی
الحسن بن علی امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجة رب العالمین و بهمین روش
که بر امام حسن صلوات فرستادی بر هر امامی بهمان روش صلوات بفرست تا امام
حسن عسکری و بعد از ان بگوی و صل اللهم علی الخلف الهادی المهدی امام المؤمنین
و وارث المرسلین و حجة رب العالمین اللهم صل علی محمد و اهل بیته الائمة
الهادین العلماء الصادقین الابرار المتقین دعائم دینک و ارکان توحیدک و حججک
علی خلقک و خلفائک فی ارضک الذین اخترتهم لنفسک و اصطفیتهم علی عبادک
و ارتضیتهم لدینک و خصصتهم بمعرفتک و جللتهم بکرامتک و غشیتهم برحمتک
و ربیتهم بنعمتک و غذیتهم بحکمتک و البستهم نورک و رفعتهم فی ملکوتک
و حففتهم بملائکتک و شرفتهم بنبیک صلواتک علیه و اله اللهم صل علیه
و علیهم صلوة کثیرة دائمة طیبة لا یحیط بها الا انت و لا یسعها الا علمک و لا
یحصیها احد غیرک اللهم صل علی ولیک المحیی سنتک القائم بامرک الداعی الیک
الدلیل علیک حجتک علی خلقک و خلیفتک فی ارضک و شاهدک علی عبادک
اللهم اعز نصره و مد فی عمره و زین الارض بطول بقائه اللهم اکفه بغی الحاسدین
و اعذه من شر الکائدین و ازجر عنه ارادة الظالمین و خلصه من ایدی الجبارین
اللهم اعطه فی نفسه و ذریته و شیعته و رعیته و خاصته و عامته و عدوه
و جمیع اهل الدنیا ما تقر به عینه و تسر به نفسه و بلغه افضل ما امله فی الدنیا
و الاخرة انک علی کل شیء قدیر اللهم جدد به ما امتحی من دینک و احی به ما
بدل من کتابک و اظهر به ما غیر من حکمک حتی یعود دینک به و علی یدیه غضا جدیدا
خالصا مخلصا لا شک فیه و لا شبهة معه و لا باطل عنده و لا بدعة لدیه اللهم

نور بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل
جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله كل جور واجر حكمه على كل حكم واذل
بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن
كاده واستاصل من جحده حقه واستهان بامره وسعى في اطفاء نوره واراد
اخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن
الرضا والحسين المصفى وجميع الاوصياء مصابيح الدجى واعلام الهدى ومنار
التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم وصل على وليك وولاة
عهده والائمة من ولده ومد في اعمارهم وزد في آجالهم وبلغهم اقصى آمالهم دنيا و
آخرة انك على كل شيء قدير روايت كرده است يونس بن عبد الرحمن از امام رضا
كه آنحضرت امر ميفرمود كه دعا كنند مردم صاحب الامر را باين دعا اللهم ادفع عن وليك
وخليفتك وحجتك على خلقك ولسانك المعبر عنك الناطق بحكمتك وعينك
الناظرة باذنك وشاهدك على عبادك الجحجاح المجاهد العائذ بك العابد لك
واعذه من شر جميع ما خلقت وبرات وانشات وصورت واحفظه من بين يديه
ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته بحفظك الذي لا يضيع
من حفظته واحفظ فيه رسولك وآباءه ائمتك ودعائم دينك واجعله في
وديعتك التي لا تضيع وفي جوارك الذي لا يخفر وفي منعك وعزك الذي لا يقهر
وآمنه بامانك الوثيق الذي لا يخذل من آمنته به واجعله في كنفك الذي لا
يرام من كان فيه وانصره بنصرك العزيز وايده بجندك الغالب وقوه بقوتك
واردفه بملائكتك ووال من والاه وعاد من عاداه والبسه درعك الحصينة
وحفه بالملائكة حفا اللهم به الصدع وارتق به الفتق وامت به الجور واظهر
به العدل وزين بطول بقائه الارض وايده بالنصر وانصره بالرعب وقو ناصريه
واخذل خاذليه ودمدم على من نصب له ودمر من غشه واقتل به جبابرة
الكفر وعمده ودعائمه واقصم به رؤس الضلالة وشارعة البدع ومميتة
السنة ومقوية الباطل وذلل به الجبارين وابر به الكافرين وجميع الملحدين
في مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها حتى لا تدع منهم

ديارا

ديارا ولا تبقي لهم آثارا اللهم طهر منهم بلادك واشف منهم عبادك واعز
به المؤمنين واحي به سنن المرسلين ودارس حكم النبيين وجدد به ما امتحى
من دينك وبدل من حكمك حتى تعيد دينك به وعلى يديه جديدا غضا محضا
صحيحا لا عوج فيه ولا بدعة معه وحتى تنير بعدله ظلم الجور وتطفي نيران الكفر
وتوضح به معاقد الحق ومجهول العدل فانه عبدك الذي استخلصته لنفسك
واصطفيته على غيبك وعصمته من الذنوب وبراته من العيوب وطهرته من
الرجس وسلمته من الدنس اللهم فانا نشهد له يوم القيمة ويوم حلول الطامة
انه لم يذنب ذنبا ولا اتى حوبا ولم يرتكب معصية ولم يضيع لك طاعة ولم
يهتك لك حرمة ولم يبدل لك فريضة ولم يغير لك شريعة وانه الهادي
المهدي الطاهر التقي النقي الرضي الزكي اللهم اعطه في نفسه واهله وولده
وذريته وامته وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسر به نفسه وتجمع له ملك
المملكات كلها قريبها وبعيدها وعزيزها وذليلها حتى تجري حكمه على كل
حكم ويغلب بحقه كل باطل اللهم اسلك بنا على يديه منهاج الهدى والمحجة
العظمى والطريقة الوسطى التي يرجع اليها الغالي ويلحق بها التالي وقونا على
طاعته وثبتنا على مشايعته وامنن علينا بمتابعته واجعلنا في حزبه القوامين
بامره والصابرين معه الطالبين رضاك بمناصحته حتى تحشرنا يوم القيمة
في انصاره واعوانه ومقوية سلطانه اللهم واجعل ذلك لنا خالصا من كل
شك وشبهة ورياء وسمعة حتى لا نعتمد به غيرك ولا نطلب
به غيرك ولا نطلب به الا وجهك وحتى تحلنا محله وتجعلنا في الجنة معه واعذنا
من السأمة والكسل والفترة واجعلنا ممن تنتصر به لدينك وتعز به نصر وليك
ولا تستبدل بنا غيرنا فان استبدالك بنا غيرنا عليك يسير وهو علينا كبير
اللهم صل على ولاة عهده والائمة من بعده وبلغهم آمالهم وزد في آجالهم واعز نصرهم
وتمم لهم ما اسندت اليهم من امرك لهم وثبت دعائمهم واجعلنا لهم اعوانا وعلى
دينك انصارا فانهم معادن كلماتك وخزان علمك واركان توحيدك ودعائم
دينك وولاة امرك وخالصتك من عبادك وصفوتك من خلقك واوليائك

دعاء عهد نامه

وسلائل اولیائك وصفوة اولاد نبیك والسلام علیهم ورحمة الله وبركاته
وبعد از ان دعای عهدی که از حضرت صادق مرویست بخوان این دعا را دعای
عهد گویند وفضل ان بسیار است از حضرت امام جعفر صادق مرویست که
کسیکه چهل صباح این دعا را بخواند از انصار قائم ما اهل بیت خواهد بود واگر
فوت شود خدای تعالی اورا از قبر بیرون ارد تا بخدمت انحضرت مشرف شود و
خدای تعالی بعدد هر کلمهٔ هزار حسنه باو دهد وهزار سیئه از او محو کند ودعا این است
اللهم رب النور العظیم ورب الكرسی الرفیع ورب البحر المسجور ومنزل التورية
والانجیل والزبور ورب الظل والحرور ومنزل الفرقان العظیم ورب الملائكة
المقربین والانبیاء والمرسلین اللهم انی اسئلك باسمك الكریم وبنور وجهك
المنیر وملكك القدیم یا حی یا قیوم وباسمك الذی اشرقت به السموات والارضون
یا حیا قبل كل حی یا حیا بعد كل حی یا حیا لا اله الا انت اللهم بلغ مولانا الامام
الهادی المهدی القائم بامرك وصلی الله علیه وآله وآبائه الطاهرین عن
جمیع المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها برها وبحرها وسهلها
وجبلها وعنی وعن والدی وولدی واخوانی من الصلوة زنة عرشك ومداد
كلماتك وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم انی اجدد فی صبیحة یومی
هذا وما عشت فیه من ایام حیوتی عهدا وعقدا وبیعة له فی عنقی لا احول
عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلنی من انصاره واعوانه والذابین عنه و
المسارعین فی حوائجه والممتثلین لاوامره ونواهیه والسابقین الی ارادته
والمحامین عنه والمستشهدین بین یدیه اللهم فان حال بینی وبینه الموت
الذی جعلته علی عبادك حتما مقضیا فاخرجنی من قبری مؤتزرا كفنی شاهرا
سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی فی الحاضر والبادی اللهم ارنی الطلعة
الرشیدة والغرة الحمیدة واكحل مرهی بنظرة منی الیه وعجل فرجه واوسع
منهجه واسلك بی محجته وانفذ امره واشدد ازره وقو ظهره واعمر اللهم به
بلادك واحی به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد فی البر والبحر
بما كسبت ایدی الناس فاظهر اللهم ولیك وابن ولیك وابن بنت

دعاء عظیم الشأن

نبیك المسمی باسم رسولك صلواتك علیه وآله فی الدنیا والآخرة حتی
لا یظفر بشیء من الباطل الا مزقه ویحق الله به الحق ویحققه اللهم فاجعله
مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا لمن لا یجد له ناصرا غیرك ومجددا لما عطل
من احكام كتابك ومشیدا لما ورد من اعلام دینك وسنن نبیك واجعله
اللهم ممن حصنته من باس المعتدین اللهم وسر نبیك برؤیته ومن تبعه
علی دعوته وارحم استكانتنا من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه
الامة بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم یرونه بعیدا ونریه قریبا برحمتك
یا ارحم الراحمین پس دست راست خود را سه بار بر ران خود بزن وبگوی العجل
العجل یا مولای یا صاحب الزمان وبعد از ان این دعا را بخوان كه از علی مرویست
واین دعا بسیار عظیم الشأن رفیع المنزله است وابن عباس انرا از علی روایت
كرده است وگفته است كه انحضرت این دعا را در قنوت نماز خود میخواندند وفرمودند
كه خواننده این دعا مثل كسی است كه با پیغمبر بجهاد بدر واحد وحنین رفته باشد
وهزار تیر انداخته باشد بكفار ودعا اینست اللهم صل علی محمد وآل محمد والعن
صنمی قریش وجبتیها وطاغوتیها وافكیها وابنتیهما اللذین خالفا امرك و
انكرا وحیك وجحدا انعامك وعصیا رسولك وقلبا دینك وحرفا كتابك و
احبا اعدائك وجحدا آلائك وعطلا احكامك وابطلا فرائضك والحدا فی آیاتك
وعادیا اولیائك وواليا اعدائك وخربا بلادك وافسدا عبادك اللهم العنهما
واتباعهما واولیائهما واشیاعهما ومحبیهما فقد اخربا بیت النبوة وردما بابه
ونقضا سقفه والحقا سمائه بارضه وعالیه بسافله وظاهره بباطنه واستاصلا
اهله وابادا انصاره وقتلا اطفاله واخلیا منبره من وصیه ووارث علمه
وجحدا امامته واشركا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما فی سقر وما ادریك ما سقر
لا تبقی ولا تذر اللهم العنهم بعدد كل منكر اتوه وحق اخفوه ومنبر علوه و
حق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه ومنافق ولوه وولی اذوه وطرید اووه
وصادق طردوه وكافر نصروه وامام قهروه وفرض غیروه واثر انكروه وشر
اثروه ودم اراقوه وخبر بدلوه وكفر نصبوه وارث غصبوه وفیء اقتطعوه و

سحت اکلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه وجور بسطوه ونفاق اسروه وغدر
اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وامان خانوه وعهد نقضوه وحلال حرموه
وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه وصك مزقوه وشمل بددوه وعزيز
اذلوه وذليل اعزوه وحق منعوه وكذب دلسوه وحكم قلبوه اللهم العنهما بكل
آية حرفوها وفريضة تركوها وسنة غيروها ورسوم منعوها واحكام عطلوها
وبيعة نكثوها ودعوى ابطلوها وبينة انكروها وحيلة احدثوها وخيانة
اوردوها وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها وازياف لزموها وشهادات
كتموها ووصية ضيعوها اللهم العنهما في مكنون السر وظاهر العلانية لعنا
كثيرا ابدا دائما دائبا سرمدا لا انقطاع لامده ولا نفاد لعدده لعنا يغدو
اوله ولا يروح آخره لهم ولاعوانهم وانصارهم ومحبيهم ومواليهم والمسلمين
لهم والمائلين اليهم والناهضين باحتجاجهم والمقتدين بكلامهم والمصدقين
باحكامهم پس چهار بار بگوید اللهم عذبهم عذابا يستغيث منه اهل النار
آمين يا رب العالمين دعائی كه مناسبت دارد وضع آن بعد از این دعا دعائیست
كه ابن طاوس رح در مهج خود از امام رضا روایت كرده است وگفته است كه
كسیكه در سجدهٔ شكر این دعا را بخواند مثل كسی است كه هزار هزار تیر با پیغمبر در جنگ
بدر واحد وحنین بجانب كفار انداخته است وآن دعا اینست اللهم العن الذين
بدلا دينك وغيرا نعمتك واتهما رسولك وخالفا ملتك وصدا عن سبيلك
وكفرا آلائك وردا عليك كلامك واستهزءا برسولك وقتلا ابن نبيك
وحرفا كتابك وجحدا آياتك وسخرا بآياتك واستكبرا عن عبادتك وقتلا
اوليائك وجلسا في مجلس لم يكن لهما بحق وحملا الناس على اكتاف آل محمد اللهم
العنهما لعنا يتلو بعضه بعضا واحشرهما واتباعهما الى جهنم زرقا اللهم
انا نتقرب اليك باللعنة لهما والبرائة منهما في الدنيا والآخرة اللهم
العن قتلة امير المؤمنين وقتلة الحسين بن علي عليهما السلام ابن بنت رسول
الله اللهم زدهما فوق العذاب عذابا وهوانا فوق هوان وذلا فوق ذل وخزيا فوق
خزي اللهم دعهما الى النار دعا واركسهما في اليم عذابك ركسا اللهم احشرهما

در سجده بخواند

واتباعهما

واتباعهما الى جهنم زمرا اللهم فرق جمعهم وشتت امرهم وخالف بين كلمتهم
وبدد جماعتهم والعن ائمتهم واقتل سادتهم والعن رؤسائهم وكبرائهم
واكسر رايتهم والق البأس بينهم ولا تبق منهم ديارا اللهم العن ابا جهل و
الوليد لعنا يتلو بعضه بعضا ويتبع بعضه بعضا اللهم العنهما يلعنهما به كل
ملك مقرب وكل نبي مرسل وكل مؤمن امتحنت قلبه للايمان اللهم العنهما
يتعوذ اهل النار منه ومن عذابهما اللهم العنهما لعنا لا يخطر لاحد ببال اللهم
العنهما في مستسر سرك وظاهر علانيتك وعذبهما عذابا في التقدير وفوق التقدير
وشارك معهما ابنتيهما واشياعهما ومحبيهما ومن شايعهما انك سميع الدعاء
ودر شب نیمهٔ شعبان سنت است خواندن دعائی كه از صادق ع مرویست
ودعا اینست اللهم انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق الرازق المحيي المميت
البدئ البديع لك الجلال ولك الفضل ولك الحمد ولك الجود ولك الكرم ولك
المجد ولك الامر ولك الشكر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من
لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد صل على محمد وآل محمد واغفر لي وارحمني
واكفني ما اهمني واقض ديني ووسع علي في رزقي فانك في هذه الليلة كل امر حكيم
تفرق ومن تشاء من خلقك ترزق فارزقني وانت خير الرازقين فانك قلت و
انت خير القائلين الناطقين واسئلوا الله
من فضله فمن فضلك اسئل واياك قصدت وابن نبيك اعتمدت ولك
رجوت فارحمني يا ارحم الراحمين وبعد از آن دعائی را بخواند كه از امير المؤمنين
مرویست كه در شب نیمهٔ شعبان میخواندند ودر سجده واین دعا نامیده شده
است بدعای حضرت خضر وكمیل ابن زیاد آنرا از علی ع روایت كرده است كمیل
گوید كه یك روز با جماعتی از اصحاب در خدمت امیر المؤمنین ع نشسته بودیم
بعضی از اصحاب گفتند كه یا امیر المؤمنین قول خدا تعالی كه فرموده است فیها
يفرق كل امر حكيم چه معنی دارد آنحضرت فرمود كه آن شب نیمهٔ شعبانست سوگند
بخدائی كه نفس علی بید قدرت اوست كه هیچ بنده نیست مگر آنكه جمیع آنچه براو
واقع میشود واز خیر وشر تا سال آینده در این شب باو ابلاغ میگردد نكند ودعای خضر در آن

لعنا

لعنا

شرح دعاء كميل ابن زياد

بخواند مگر آنکه دعای او مستجاب میشود کمیل گوید که چون مردم متفرق شدند
و علی منصرف شد اتیان کردم من آنحضرت را در شب پس فرمود آنحضرت که
چه میخواهی ای کمیل و چه چیز است که ترا آورده است گفتم یا امیر المؤمنین
دعای خضر پس فرمود که بنشین ای کمیل این دعا را حفظ کن و آنرا بخوان در هر
شب جمعه یا در هر ماه یکبار یا در سالی یکبار که کافیست ترا و مرزوق میشوی
و امر زیده شوی و بعد از آن فرمود که ای کمیل طول صحبت تو با ما باعث آن شد که
این دعا را بتو آموزم و بعد از آن فرمود که بنویس اللهم انی اسئلک برحمتک التی
وسعت کل شیء تا آخر و کمیل ابن زیاد که راوی این دعاست کمیل بن زیاد نخعی
که از خواص اصحاب علی و از خواص اصحاب امام حسن بوده است و ابن داود او را در
کتاب رجال ذکر کرده است و علامه او را در خلاصه ذکر نکرده است و آن دعا اینست

دعای کمیل

اللهم انی اسئلک برحمتک التی وسعت کل شیء و بقوتک التی قهرت بها کل شیء
و خضع لها کل شیء و ذل لها کل شیء و بجبروتک التی غلبت بها کل شیء و بعزتک
التی لا یقوم لها شیء و بعظمتک التی ملات کل شیء و بسلطانک الذی علا کل
شیء و بوجهک الباقی بعد فناء کل شیء و باسمائک التی غلبت ارکان کل شیء و
بعلمک الذی احاط بکل شیء و بنور وجهک الذی اضاء له کل شیء یا نور یا قدوس
یا اول الاولین و یا آخر الاخرین اللهم اغفر لی الذنوب التی تهتک العصم اللهم
اغفر لی الذنوب التی تنزل النقم اللهم اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم اللهم
اغفر لی الذنوب التی تحبس الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل البلاء
اللهم اغفر لی الذنوب التی تقطع الرجاء اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته و کل
خطیئة اخطاتها اللهم انی اتقرب الیک بذکرک و استشفع بک الی نفسک و
اسئلک بجودک ان تدنینی من قربک و ان توزعنی شکرک و ان تلهمنی ذکرک
اللهم انی اسئلک سؤال خاضع ذلیل خاشع ان تسامحنی و ترحمنی و تجعلنی
بقسمک راضیا قانعا و فی جمیع الاحوال متواضعا اللهم و اسئلک سؤال
من اشتدت فاقته و انزل بک عند الشدائد حاجته و عظم فیما عندک رغبته
اللهم عظم سلطانک و علا مکانک و خفی مکرک و ظهر امرک و غلب قهرک و

جرت قدرتک و لا یمکن الفرار من حکومتک اللهم لا اجد لذنوبی غافرا
و لا لقبائحی ساترا و لا لشیء من عملی القبیح بالحسن مبدلا غیرک لا اله الا انت
سبحانک و بحمدک ظلمت نفسی و تجرات بجهلی و سکنت الی قدیم ذکرک لی و منک
علی اللهم مولای کم من قبیح سترته و کم من فادح من البلاء اقلته و کم من
عثار وقیته و کم من مکروه دفعته و کم من ثناء جمیل لست اهلا له نشرته
اللهم عظم بلائی و افرط بی سوء حالی و قصرت بی اعمالی و قعدت بی اغلالی
و حبسنی عن نفعی بعد امالی و خدعتنی الدنیا بغرورها و نفسی بجنایتها و مطالی
یا سیدی فاسئلک بعزتک ان لا یحجب عنک دعائی سوء عملی و فعالی و لا
تفضحنی بخفی ما اطلعت علیه من سری و لا تعاجلنی بالعقوبة علی ما عملته فی
خلواتی من سوء فعلی و اسائتی و دوام تفریطی و جهالتی و کثرة شهواتی و غفلتی
و کن اللهم بعزتک لی فی کل الاحوال رؤفا و علی فی جمیع الامور عطوفا الهی و ربی
من لی غیرک اسئله کشف ضری و النظر فی امری الهی و مولای اجریت علی حکما
اتبعت فیه هوی نفسی و لم احترس فیه من تزیین عدوی فغرنی بما اهوی و
اسعده علی ذلک القضاء فتجاوزت بما جری علی من ذلک من بعض حدودک
و خالفت بعض اوامرک فلک الحجة علی فی جمیع ذلک و لا حجة لی فیما جری علی
فیه قضاؤک و الزمنی حکمک و بلاؤک و قد اتیتک یا الهی بعد تقصیری و اسرافی
علی نفسی معتذرا نادما منکسرا مستقیلا مستغفرا منیبا مقرا مذعنا
معترفا لا اجد مفرا مما کان منی و لا مفزعا اتوجه الیه فی امری غیر قبولک عذری
و ادخالک ایای فی سعة من رحمتک الهی فاقبل عذری و ارحم شدة ضری
و فکنی من شد وثاقی یا رب ارحم ضعف بدنی و رقة جلدی و دقة عظمی یا من بدء
خلقی و ذکری و تربیتی و بری و تغذیتی هبنی لابتداء کرمک و سالف برک
بی یا الهی و سیدی و ربی اتراک معذبی بنارک بعد توحیدک و بعد ما انطوی
علیه قلبی من معرفتک و لهج به لسانی من ذکرک و اعتقده ضمیری من حبک
و بعد صدق اعترافی و دعائی خاضعا لربوبیتک هیهات انت اکرم من ان
تضیع من ربیته او تبعد من ادنیته او تشرد من آویته او تسلم الی البلاء

نقص بد

اسیر نم

من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي أتسلط النار على
وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى ألسن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك
مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من العلم
بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى أوطان تعبدك طائعة وأشارت
باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا أخبرنا بفضلك عنك يا كريم
يا رب وأنت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها
من المكاره على أهلها على أن ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه
قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة وحلول وقوع المكاره فيها وهو بلاء
تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن أهله لانه لا يكون الا عن غضبك
وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف
لي وأنا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي
وسيدي ومولاي لأي الامور اليك أشكو ولما منها أضج وأبكي لأليم العذاب
وشدته أم لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني للعقوبات مع أعدائك وجمعت
بيني وبين أهل بلائك وفرقت بيني وبين أحبائك وأوليائك فهبني يا الهي
وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف أصبر على فراقك وهبني صبرت
على حر نارك فكيف أصبر عن النظر الى كرامتك أم كيف أسكن في النار ورجائي
عفوك فبعزتك يا سيدي ومولاي أقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لأضجن
اليك بين أهلها ضجيج الآملين ولأصرخن اليك صراخ المستصرخين ولأبكين
عليك بكاء الفاقدين ولأنادينك أين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال
العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين
أفتراك سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته
وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين أطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج اليك
ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان أهل توحيدك ويتوسل اليك
بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك أم
كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك أم كيف يحرقه لهيبها وأنت

حقی

ورأفتك ورحمتك

تسمع

تسمع صوته وترى مكانه أم كيف يشتمل عليه زفيرها وأنت تعلم ضعفه أم
كيف يتقلقل بين أطباقها وأنت تعلم صدقه أم كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك
يا ربه أم كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن
بك ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك و
احسانك فباليقين أقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت به
من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما كانت لأحد فيها مقرا
ولا مقاما لكنك تقدست أسماؤك أقسمت أن تملأها من الكافرين من
الجنة والناس أجمعين وأن تخلد فيها المعاندين وأنت جل ثناؤك قلت مبتدئا
وتطولت بالانعام متكرما أفمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون الهي
وسيدي فأسألك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها
وغلبت من عليه أجريتها أن تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل جرم
أجرمته وكل ذنب أذنبته وكل قبيح أسررته وكل جهل عملته كتمته أو
أعلنته أخفيته أو أظهرته وكل سيئة أمرت باثباتها الكرام الكاتبين
الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت
أنت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك أخفيته و
بفضلك سترته وأن توفر حظي من كل خير أنزلته أو احسان فضلته أو بر نشرته
أو رزق بسطته أو ذنب تغفره أو خطأ تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي
ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا
بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب أسألك بحقك وقدسك وأعظم
صفاتك وأسمائك أن تجعل أوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة
وبخدمتك موصولة وأعمالي عندك مقبولة حتى تكون أعمالي وأورادي
كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي
يا من اليه شكوت أحوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي و
اشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال
بخدمتك حتى أسرح اليك في ميادين السابقين وأسرع اليك في المبادرين

وَاَشْتاقَ اِلى قُرْبِكَ فِى الْمُشْتاقِينَ وَاَدْنُو مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ وَاَخافُكَ مَخافَةَ
الْمُوقِنِينَ وَاَجْتَمِعَ فِى جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اَللّهُمَّ وَمَنْ اَرادَنِى بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ وَمَنْ
كادَنِى بِسُوءٍ فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِى مِنْ اَحْسَنِ عِبادِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً
مِنْكَ وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَاِنَّهُ لا يُنالُ ذلِكَ اِلّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِى بِجُودِكَ
وَاعْطِفْ عَلَىَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِى بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسانِى بِذِكْرِكَ لَهِجاً وَقَلْبِى بِحُبِّكَ
مُتَيَّماً وَمُنَّ عَلَىَّ بِحُسْنِ اِجابَتِكَ وَاَقِلْنِى عَثْرَتِى وَاغْفِرْ زَلَّتِى فَاِنَّكَ قَضَيْتَ عَلى
عِبادِكَ بِعِبادَتِكَ وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجابَةَ فَاِلَيْكَ يا رَبِّ نَصَبْتُ
وَجْهِى وَاِلَيْكَ يا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِى فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِى دُعائِى وَبَلِّغْنِى مُنائى وَلا
تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجائِى وَاكْفِنِى شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدائِى يا سَرِيعَ الرِّضا
اِغْفِرْ لِمَنْ لا يَمْلِكُ اِلّا الدُّعاءَ فَاِنَّكَ فَعّالٌ لِما تَشاءُ يا مَنِ اسْمُهُ دَواءٌ وَذِكْرُهُ
شِفاءٌ وَطاعَتُهُ غِنًى اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجاءُ وَسِلاحُهُ الْبُكاءُ يا سابِغَ النِّعَمِ
يا دافِعَ النِّقَمِ يا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِى الظُّلَمِ يا عالِماً لا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَافْعَلْ بِى ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَصَلَّى اللّهُ عَلى رَسُولِهِ وَالْاَئِمَّةِ الْمَيامِينَ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ
تَسْلِيماً **فصل پنجم** در بیان اعمال ماه رمضان است هرگاه ماه رمضان را ببینی
دعای بخوان که پیغمبر صلعم آنرا خوانده است در وقت رؤیت هلال رمضان و آن
اینست که اَللّهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمانِ وَالسَّلامَةِ وَالْاِسْلامِ وَ
الْعافِيَةِ الْمُجَلِّلَةِ وَالرِّزْقِ الْواسِعِ وَدَفْعِ الْاَسْقامِ اَللّهُمَّ ارْزُقْنا صِيامَهُ وَقِيامَهُ
وَتِلاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ اَللّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنا وَتَسَلَّمْهُ مِنّا وَسَلِّمْنا فِيهِ و از علی روایتست
که فرمود که هرگاه هلال را ببینی از انجا مگذر ایستاده مکن و این دعا را بخوان که اَللّهُمَّ
اِنِّى اَسْئَلُكَ خَيْرَ هذَا الشَّهْرِ وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَطَهُورَهُ وَرِزْقَهُ وَ
اَسْئَلُكَ خَيْرَ ما فِيهِ وَخَيْرَ ما بَعْدَهُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما فِيهِ وَشَرِّ ما بَعْدَهُ
اَللّهُمَّ اَدْخِلْهُ عَلَيْنا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمانِ وَالسَّلامَةِ وَالْاِسْلامِ وَالْبَرَكَةِ وَالتَّقْوى
وَالتَّوْفِيقِ لِما تُحِبُّ وَتَرْضى و بعد از آن دعای صحیفه را که از علی بن الحسین
مرویست بخوان و آن اینست اَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِى مَنازِلِ
التَّقْدِيرِ الْمُتَصَرِّفُ فِى فَلَكِ التَّدْبِيرِ آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ وَاَوْضَحَ بِكَ

فی ص

در اعمال ماه مبارك رمضان

دعای صحیفه کامله در رؤیت هلال

البهم

الْبُهَمَ وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آياتِ مُلْكِهِ وَعَلامَةً مِنْ عَلاماتِ سُلْطانِهِ وَامْتَهَنَكَ
بِالزِّيادَةِ وَالنُّقْصانِ وَالطُّلُوعِ وَالْاُفُولِ وَالْاِنارَةِ وَالْكُسُوفِ فِى كُلِّ ذلِكَ اَنْتَ
لَهُ مُطِيعٌ وَاِلى اِرادَتِهِ سَرِيعٌ سُبْحانَهُ ما اَعْجَبَ ما دَبَّرَ فِى اَمْرِكَ وَاَلْطَفَ ما صَنَعَ
فِى شَأْنِكَ جَعَلَكَ مِفْتاحَ شَهْرٍ حادِثٍ لِاَمْرٍ حادِثٍ فَاَسْئَلُ اللّهَ رَبِّى وَرَبَّكَ
وَخالِقِى وَخالِقَكَ وَمُقَدِّرِى وَمُقَدِّرَكَ وَمُصَوِّرِى وَمُصَوِّرَكَ اَنْ يُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاَنْ يَجْعَلَكَ هِلالَ بَرَكَةٍ لا تَمْحَقُها الْاَيّامُ وَطَهارَةٍ لا تُدَنِّسُهَا الْآثامُ هِلالَ
اَمْنٍ مِنَ الْآفاتِ وَسَلامَةٍ مِنَ السَّيِّئاتِ هِلالَ سَعْدٍ لا نَحْسَ فِيهِ وَيُمْنٍ لا نَكَدَ
مَعَهُ وَيُسْرٍ لا يُمازِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٍ لا يَشُوبُهُ شَرٌّ هِلالَ اَمْنٍ وَاِيمانٍ وَنِعْمَةٍ وَاِحْسانٍ
وَسَلامَةٍ وَاِسْلامٍ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنا مِنْ اَرْضى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَ
اَزْكى مَنْ نَظَرَ اِلَيْهِ وَاَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَفِّقْنا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنا فِيهِ
مِنَ الْحَوْبَةِ وَاحْفَظْنا فِيهِ مِنْ مُباشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ وَاَوْزِعْنا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ
اَلْبِسْنا فِيهِ جُنَنَ الْعافِيَةِ وَاَتْمِمْ عَلَيْنا بِاسْتِكْمالِ طاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ اِنَّكَ
الْمَنّانُ الْحَمِيدُ وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ و اما نمازهای
شبهای ماه رمضان که انرا از کتاب اربعین شیخ شهید ره نقل کرده‌ایم و این
نمازها از پیغمبر صلعم مرویست و از پیغمبر صلعم مرویست که هر کس در شبی از شبهای ماه
رمضان نماز کند خدایتعالی بواسطهٔ هر سجده هزار و هفتصد حسنه از برای او
مینویسد و از برای او خانه بنا میکند از یکدانه یاقوت سرخ که آن خانه را هفتاد
هزار در باشد و هر دری را دو مصراع باشد از طلائی که مزین و مرصع باشد بیاقوت
سرخ و هرگاه کسی روز اول ماه را روزه بگیرد خدایتعالی جمیع گناهان او را تا آخر
او میامرزد و کفارهٔ گناهان او شود تا سال دیگر و مر او راست بواسطهٔ روزهٔ
هر روز قصری در بهشت که او را هزار در باشد از طلا و هر روز از طلوع آفتاب تا
غروب آن هفتاد هزار ملك از برای او استغفار کنند و مر او راست بواسطهٔ
هر سجده که در شب یا روز کند درختی در بهشت که اگر سواری صد سال در سایهٔ
آن بدود قطع نتواند کرد و آنحضرت صلعم فرمود که کسیکه در شب اول رمضان چهار
رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و پانزده بار توحید بخواند ثواب او را غیر

ومقدرك

ازخدا کسی نتواند شمرد وکسیکه در روز اول این ماه دو رکعت نماز کند در رکعت اول
سوره فاتحه وسوره فتح بخواند ودر رکعت دویم هر سوره که خواهد بخواند در آن سال
از جمیع آفات سالم ماند وتا سال دیگر در حفظ وامان خدا باشد واین روایت
از کاظم مرویست شب اول رمضان هرکس در این شب چهار رکعت نماز کند
در هر رکعت الحمد یکبار وپانزده بار توحید بخواند خدا تعالی باو ثواب صدیقان
وشهدا کرامت کند وگناهان او را بیامرزد ودر روز قیامت از جملهٔ فایزان و
رستکاران باشد شب دویم هرکس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد
یکبار وبیست بار سوره قدر بخواند خدا تعالی او را بیامرزد ودر رزق او را واسع
کرداند ومهمات امسال او را کفایت کند شب سیم هرکس در این شب ده رکعت نماز کند
در هر رکعت یکبار الحمد وپنجاه بار توحید بخواند در قیامت ندا آید که او آزاد کرده
شده است از آتش دوزخ ودرهای هفت آسمان از برای او گشوده میشود وکسیکه
اینشب را احیا کند خدا تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد شب چهارم هرکس در اینشب
هشت رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد وده بار سورهٔ قدر بخواند عمل او را
در این شب مثل عمل هفتاد پیغمبر که تبلیغ رسالت خدا تعالی کرده باشد باسمان
برند شب پنجم هرکس در اینشب دو رکعت نماز کند ودر هر رکعت یکبار الحمد وپنجاه بار
توحید بخواند وچون سلام دهد صد بار صلوات بر محمد وآل او فرستد بامر که محمد
ترا رحمت کند در بهشت شب ششم هرکس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت
الحمد یکبار وسوره تبارک بخواند چنانست که شب قدر را دریافته است شب هفتم
هرکس در اینشب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار وسیزده بار سورهٔ
قدر بخواند خدا تعالی در جنات عدن از برای او قصری بنا کند از طلا وتا سال دیگر
در امان خدا باشد شب هشتم هرکس در اینشب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد
ویازده بار سوره توحید بخواند چون سلام دهد هزار تسبیح بگوید درهای بهشت از
برای او گشاده میشود که از هر دری که خواهد داخل بهشت شود شب نهم هرکس
در اینشب میان نماز شام وخفتن شش رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار
وآیة الکرسی هفت بار بخواند وچون سلام دهد پنجاه بار صلوات بفرستد عمل او

مثل

مثل عمل صدیقان وشهدا وصالحان باسمان رود شب دهم هرکس در این شب
بیست رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد وسی ویک بار توحید بخواند خدا تعالی
رزق او را واسع کرداند واو را از جملهٔ فایزان کرداند شب یازدهم هرکس در این شب
دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار وبیست بار سورهٔ کوثر بخواند در آن روز
هرکناهی براو ننویسند شب دوازدهم هرکس در اینشب هشت رکعت نماز کند در هر
رکعت یکبار الحمد وسی بار سورهٔ قدر بخواند او را ثواب شاکران دهند ودر قیامت
از جملهٔ شب سیزدهم هرکس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار
وتوحید بیست وپنج بار بخواند مثل برق جهنده از صراط بگذرد شب چهاردهم هرکس
در این شب شش رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار وسی بار سورهٔ اذا زلزلت
بخواند خدا تعالی سکرات موت وهول منکر ونکیر را براو آسان کند شب پانزدهم هر
کس در اینشب چهار رکعت نماز کند ودر دو رکعت اول صد بار بعد از الحمد سوره
توحید بخواند ودر دو رکعت آخر بعد از الحمد پنجاه بار توحید بخواند چندان عطا
الهی باو داده شود که غیر از خدا تعالی آنرا کسی نداند شب شانزدهم هرکس در این شب دوازده
رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار ودوازده بار سوره تکاثر بخواند در روز
قیامت از قبر سیراب برخیزد وندا کند که اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان
محمدا رسول الله تا آنکه بیحساب داخل بهشت شود شب هفدهم هرکس در این شب دو رکعت
نماز کند در رکعت اول الحمد وهر سوره که خواهد بخواند ودر رکعت دویم الحمد
وصد بار توحید بخواند وبعد از سلام صد بار لا اله الا الله بگوید ثواب هزار
هزار حج وهزار هزار عمره وهزار هزار جهاد باو دهند شب هیجدهم هرکس در این شب
چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد وبیست وپنج بار کوثر بخواند ملک
الموت او را بشارت دهد که خدا تعالی از تو راضی است شب نوزدهم هرکس در این شب
پنجاه رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد وپنجاه بار سورهٔ زلزله بخواند مثل
کسی است که صد حج وصد عمره کرده باشد وخدا تعالی باقی عمل او را قبول کند از
امام محمد باقر مرویست که کسی که مصحف را بدست گرفته نشر کند آنرا یعنی اوراق
آنرا از هم بگشاید وبگوید اللّهم انی اسئلک بکتابک المنزل وما فیه وفیه اسمک

لا کبر و اسمائک الحسنی و مما یخاف و یرجی ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تجعلنی من عتقائک من النار و ان تفعل بی کذا و کذا حاجات برآورده شود و
این روایت را ابن فهد در عده ذکر کرده است و در روایتی هست که در ثلث آخر
اینماه هر شب چنین کند شب بیستم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند بعد
از الحمد هر سوره که خواهد بخواند آمرزیده شود شب بیست و یکم هر کس در اینشب هشت
رکعت نماز کند و بعد از الحمد هر سوره که خواهد بخواند درهای آسمان از برای او
گشاده شود و دعای او مستجاب شود شب بیست و دوم هر کس در اینشب هشت رکعت نماز
کند با الحمد و هر سوره که خواهد بخواند داخل بهشت شود از هر در که خواهد
شب بیست و سوم مثل شب بیست و یکم است در قدر و ثواب و از حضرت امام محمد باقر
مرویست که کسیکه شب بیست و سیم ماه رمضان را زنده دارد و صد رکعت
نماز کند در آن شب خدای تعالی معیشت او را بر او فراخ گرداند و شر اعادی او را
کفایت کند و او را از غرق شدن و هدم و حرق و شر درندگان نگاه دارد و
هول نکیر و منکر از او دفع شود و چون از قبر برخیزد نور او با اهل عرصات باشد
و کتاب او را بدست راستش دهند و او را از آتش دوزخ برات دهند و از صراط
آسان بگذرد و از عذاب آخرت ایمن شود و بحساب داخل بهشت شود و از رفیقان
و صدیقان و شهدا و صلحا باشد و این روایت از کتاب عمل ماه رمضان ابن
طاوس رحمه الله منقولست و از امام رضا مرویست و او از آبای خود روایت کرده است
که کسیکه شب قدر را زنده دارد گناهان او آمرزیده میشود و اگرچه بعدد
ستارهای آسمان و هم وزن کوههای عالم و هم کیل دریاهای عالم باشد و این روایت
در کتاب حسنی شیخ فاضل جعفر بن محمد بن احمد بن عیاش قدس سره مذکور است
شب بیست و چهارم نماز این شب مثل شب بیست و سیم است کسیکه آن نماز را بجا آورد
مثل کسی است که حج و عمره کرده باشد شب بیست و پنجم هر کس در این شب هشت رکعت
نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و ده بار توحید بخواند از برای او ثواب عابدان
نویسند شب بیست و ششم این شب نیز در عمل و قدر و ثواب مثل شب بیست و یکم است
شب بیست و هفتم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند با الحمد و تبارک و اگر تبارک

را حفظ نداشته باشد بیست و پنج نوبت توحید بخواند خدای تعالی او را و پدر و مادر
او را بیامرزد شب بیست و هشتم هر کس در اینشب شش رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار
الحمد و آیة الکرسی و کوثر و توحید هر کدام را ده بار بخواند و چون سلام دهد صد بار
صلوات بر محمد و آل او بفرستد آمرزیده شود شب بیست و نهم هر کس در این روز شب دو
رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و بیست بار توحید بخواند از جمله مرحومان
باشد و کتاب او را بعلیین برند شب سی ام هر کس در اینشب دوازده رکعت نماز کند
در هر رکعت الحمد یکبار و بیست بار توحید بخواند و چون سلام دهد صد بار صلوات
بر محمد و آل او فرستد خاتمه عمر او برحمت الهی شود تتمه بدانکه شیخ طوسی و سلار ادعای اجماع
کرده اند بر مشروعیت نافله ماه رمضان و ابن بابویه نفی مشروعیت آن کرده است و ابن
جنید گفته است که زیاد میشود هر شب چهار رکعت بر نماز شب و ابن ابی عقیل ذکر این
نافله نکرده است و از صادق روایتی نقل کرده است در نفی آن و آن روایت معارض
بعمل اصحاب است زیرا که اصحاب این نافله را ذکر کرده اند و معنی روایاتی که در نفی او وارد
شده است اینست که این نافله را بجماعت نگذارند بلکه فرادی بجای آرند و باید
دانست که نافلهٔ رمضانی که خلافست بر مشروعیت آن نوافلی نیست که ما از کتاب
اربعین شیخ شهید نقل کردیم بلکه مراد از آن هزار رکعت نافلهٔ رمضانست زاید
بر نوافل معتاده که اصحاب آنرا ذکر کرده اند و گفته اند که در بیست روز اول ماه رمضان
پانصد رکعت آنرا باید کرد باین طریق که هر شب هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده
رکعت بعد از نماز عشا بجای باید آورد و بعضی گفته اند که بعد از مغرب دوازده رکعت
و بعد از عشا هشت رکعت و در شب نوزدهم صد رکعت بر آن بیفزاید بیست رکعت
و در دههٔ آخر ماه پانصد رکعت بجای آورد باین طریق که هر شب سی رکعت بجا
آورد هشت رکعت بعد از مغرب بیست و دو رکعت بعد از عشا و در شب بیست
و یکم صد رکعت بر سی رکعت بیفزاید و در شب بیست و سیم نیز چنین کند و چون
فارغ شدیم از بیان نمازهای اینماه باید که شروع کنیم در ذکر دعاهائی که در شبهای
اینماه سنتست و سبب ابتدا کردن بشبها آنست که عرب در تاریخ لیالی را بر ایام
مقدم میدارند پس میگوئیم که سنتست که در هر شب از اینماه این دعا را بخوانند

اللهم اني افتتح الثناء بحمدك وانت مسدد للصواب بمنك ايقنت انك انت ارحم
الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين في موضع النكال والنقمة
واعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة اللهم اذنت لي في دعائك و
مسئلتك فاسمع يا سميع مدحتي واجب يا رحيم دعوتي واقل يا غفور عثرتي فكم
يا الهي من كربة قد فرجتها وهموم قد كشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها
وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له
شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده
كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع له في امره الحمد
لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق
امره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود يده الذي لا تنقص خزائنه ولا
تزيده كثرة العطاء الا جودا وكرما انه هو العزيز الوهاب اللهم اني اسئلك
قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو
عليك سهل يسير اللهم ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك
عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عندما كان من خطاي وعمدي
اطمعني في ان اسئلك ما لا استوجبه منك الذي رزقتني من رحمتك وا
من قدرتك وعرفتني من اجابتك فصرت ادعوك امنا واسئلك مستانسا
لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطا عني عتبت بجهلي
عليك ولعل الذي ابطا عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما اصبر
على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض
اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كان لي التطول عليك ثم لم يمنعك ذلك
من الرحمة لي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك
الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك الملك مجري
الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين الحمد لله على حلمه
بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه وهو
القادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق ذي الجلال والاكرام و

الفضل

الفضل والاحسان الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى
الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده
قهر بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله
الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة وانا اعصيه ويعظم النعمة علي فلا
اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة
قد اراني فاثني عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا
يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي
الصادقين ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف
اخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظلمة مدرك الهاربين نكال الظالمين
صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي
من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار
ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا
يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء
قدير اللهم صل على محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيك وحبيبك و
خيرتك من خلقك وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن واجمل و
اكمل وازكى وانمى واطيب واطهر واسنى واكثر ما صليت وباركت وترحمت
وتحننت وسلمت على احد من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك و
اهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صل على علي امير المؤمنين ووصي
رسول رب العالمين وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة
نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن والحسين سيدي
شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد وجعفر و
موسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والخلف المهدي حججك على عبادك وامنائك
في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم وصل على ولي امرك القائم المؤمل و
العدل المنتظر واحففه بملائكتك المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين
اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض كما

استخلفت الذين من قبلهم ممكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه
امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر به
وانصره نصرا عزيزا اللهم اظهر به دينك وملة نبيك حتى لا يستخفي بشيء
من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام
واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة
الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه
وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به
فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا و
اجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به اسرنا
وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به فوق رغبتنا
يا خير المسؤولين واوسع المعطين اشف به صدورنا واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا
به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم
وانصرنا به على عدوك وعدونا اله الحق امين اللهم انا نشكو اليك فقد
نبينا وغيبة امامنا وكثرة عدونا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا
فصل على محمد وال محمد واعنا على ذلك بفتح تعجله وضر تكشفه ونصر تعزه
وسلطان حق تظهره ورحمة منك تجللناها وعافية منك تلبسناها
برحمتك يا ارحم الراحمين وبعد از ان دعائی را بخواند که از صادق وارد است
اللهم اني اسئلك فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم في الامر الحكيم في القضاء
الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام وان تطيل عمري
وتوسع في رزقي وان تجعلني ممن ينتصر به لدينك ولا تستبدل بي غيري
ودر دهه اخر ماه در هر شب دعائی را بخواند که شیخ طوسی ره در متهجد
خود ذکر کرده است ودعائی را که سید ابن باقی در کتاب اختیار خود ذکر کرده
است اما ادعیه متهجد اینست که در شب اول از دهه اخر بگوید که یا مولج
الليل في النهار ومولج النهار في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت
من الحي يا رازق من يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا رحيم يا الله يا الله يا الله

سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والاخرة امالنا واعطنا به

لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك ان
تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر
به قلبي وايمانا يذهب بالشك عني وترضيني بما قسمت لي واتنا في الدنيا
حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك و
شكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وال
محمد عليه وعليهم السلام ودر شب دوم بگوید یا سالخ النهار من الليل فاذا
نحن مظلمون ومجري الشمس لمستقرها بتقديرك يا عزيز يا عليم ومقدر القمر
منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة وولي
كل نعمة يا الله يا رحمن يا الله يا قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا الله يا الله يا الله
لك الاسماء الحسنى تا اخر دعا که در شب اول گذشت ودر شب سیم بگوید
يا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا من الف شهر ورب الليل والنهار والجبال
والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان
يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله الى اخر كما مر ودر
شب چهارم بگوید یا فالق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا
يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام يا ذا الجلال
والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله
الا انت يا الله يا الله يا الله الى اخر ودر شب پنجم بگوید یا جاعل الليل لباسا و
النهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا يا الله يا قاهر يا الله يا جبار يا الله
يا سميع يا الله يا قريب يا الله يا مجيب يا الله يا الله يا الله الى اخر ودر شب ششم
بگوید یا جاعل الليل والنهار ايتين يا من محا اية الليل وجعل اية النهار مبصرة
لتبتغوا فضلا منه ورضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا يا ماجد يا وهاب يا الله
يا جواد يا الله يا الله يا الله الى اخر ودر شب هفتم بگوید یا ماد الظل ولو شئت
لجعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته قبضا يسيرا يا ذا الجود
والطول والكبرياء والالاء لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن

ودر شب سیم بگوید

الرحيم لا اله الا انت يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
يا الله يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله الى اخره و در شب هشتم بگو
يا خازن الليل في الهواء وخازن النور في السماء ومانع السماء ان تقع على الارض
الا باذنه وحابسهما ان تزولا يا عليم يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من
في القبور يا الله يا الله يا الله الى اخره و در شب نهم بگويد يا مكور الليل على النهار
ومكور النهار على الليل يا حكيم يا عليم يا رب الارباب وسيد السادات لا اله الا
انت يا اقرب الي من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله الى اخره و در شب دهم
بگويد الحمد لله لا شريك له الحمد لله كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو اهله
يا قدوس يا نور يا نور القدس يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل الرحمة
يا الله يا عليم يا كبير يا الله يا لطيف يا جليل يا الله يا سميع يا بصير يا الله يا الله
يا الله الى اخره كما مر في دعاء الاول واما ادعيه مصباح سيد بن باقى كه در دهه
اخر بايد خواند اينست كه در شب اول بگويد اللهم صل على محمد وال محمد واقسم
لي حلما يسد عني باب الجهل وهدى تمن به علي من كل ضلالة وغنى تسد به
عني باب كل فقر وقوة ترد بها عني كل ضعف وعزا تكرمني به عن كل ذل و
رفعة ترفعني بها عن كل ضعة وامنا ترد به عني كل خوف وعافية تسترني بها
من كل بلاء وعلما تفتح لي به كل يقين ويقينا تذهب عني به كل شك ودعاء
تبسط لي به الاجابة في هذه الليلة وفي هذه الساعة الساعة يا كريم وخوفا
تنشر لي به كل رحمة وعصمة تحول بها بيني وبين الذنوب حتى افلح بها بين المعصومين
عندك برحمتك يا ارحم الراحمين و در شب دويم بگويد يا مظهر اللاجين صل
على محمد وال محمد وكن لي حصنا وحرزا يا كهف المستجيرين صل على محمد وال
محمد وكن لي كهفا وعضدا وناصرا يا غياث المستغيثين صل على محمد وال محمد
وكن لي غياثا ومجيرا يا ولي المؤمنين صل على محمد وال محمد وكن لي وليا يا
مجير غصص المؤمنين صل على محمد وال محمد واجر غصتي ونفس همي واسعدني
في هذا الشهر العظيم سعادة لا اشقى بعدها يا ارحم الراحمين و در شب سيم بگويد
اللهم مد لي في عمري واوسع لي في رزقي واصح جسمي وبلغني املي وان كنت من

در شب اول بگويد

الاشقياء

الاشقياء فامحني من الاشقياء واكتبني من السعداء فانك تمحوا ما تشاء وتثبت
وعندك ام الكتاب اللهم اياك تعمدت بحاجتي في هذه الليلة وبك انزلت
فقري ومسكنتي لتسعني الليلة برحمتك وعفوك وانا لرحمتك ارجى مني
لعملي ومغفرتك ورحمتك اوسع من ذنوبي فاقض لي كل حاجة هي لي صلاح
ولك رضا بقدرتك على ذلك وتيسيره عليك فاني لم اصب خيرا قط الا
منك ولم يصرف عني احد سوءا قط غيرك وليس رجائي لديني ودنياي و
اخرتي ولا ليوم فقري وفاقتي يوم ادلى في حفرتي وتفردني الناس بعملي غيرك
يا رب العالمين و در شب نوزدهم و بيست و يكم دعائي را بخوانند كه امام
زين العابدين در لياليِ افراد و در حال قيام و قعود و ركوع و سجود ميخواندند
و ان اينست اللهم اني امسيت لك عبدا داخرا لا املك لنفسي نفعا ولا ضرا
ولا اصرف عنها سوءا اشهد بذلك على نفسي واعترف لك بضعف قوتي وقلة
حيلتي فصل على محمد وال محمد وانجز لي ما وعدتني وجميع المؤمنين والمؤمنات
من المغفرة في هذه الليلة واتمم علي ما اتيتني فاني عبدك المسكين المستكين
الضعيف الفقير المهين اللهم لا تجعلني ناسيا لذكرك فيما اوليتني ولا لاحسانك
فيما اعطيتني ولا ايسا من اجابتك وان ابطأت عني في سراء او ضراء او شدة
او رخاء او عافية او بلاء او بؤس او نعماء انك سميع الدعاء و از ائمه مرويست
كه در شب بيست و سيم ماه رمضان در حال سجود و قيام و قعود و بر هر حالى كه باشد
و در تمام اين ماه و هر گاه كه ممكن باشد تا اخر عمر خود بعد از تمجيد و صلوات بر پيغمبر
و ال او اين دعا را مكرر بخوانند اللهم كن لوليك محمد بن الحسن المهدي في هذه
الساعة وفي كل ساعة وليا وحافظا وقائدا وناصرا ودليلا وعينا حتى تسكنه
ارضك طوعا وتمتعه فيها طويلا و از صادق مرويست كه كسيكه در شب بيست
و سيم اين ماه سوره روم و عنكبوت بخواند بخدا سوگند كه او از اهل بهشت است
استثنا نميكنم در اين هرگز احدى را و نميترسم از انكه بنويسد خدا يتعالى بر من باين
قسم كه ياد كردم گناهى و از انحضرت مرويست كه كسيكه در شب بيست و سيم اين ماه
هزار مرتبه سوره قدر بخواند در ان شب در خواب چيزى باو بنمايند كه يقين او

لفضا
ايند عا در ركوع و سجود
بخوانند

لوح محفوظ وکسیکه این سوره را بخواند محبوب خلایق شود بحیثیتی که اگر در
مقابل کسی این سوره را بخواند و باو بگوید که از جمیع مال خود بگذرد که آنکس
از آن بگذرد وکسیکه از سلطان بترسد و این سوره را بخواند در وقتیکه در روی
او نگاه کند آن سلطان مغلوب او شود و اگر کسی در روز آن مخصومت این سوره
را بخواند ظفر یابد وکسیکه باین سوره شفاعت کند بخدایتعالی حق شفاعت او را
قبول کند و مسئول او را بدهد و بعد از آن آنحضرت فرمود که اگر بگویم که قاری این سوره
هنوز از قرآئت فارغ نشده باشد که باو برائت دهند از آتش جهنم راست گفته باشم
شیخ طوسی ره در متهجد خود روایت کرده است که قرآئت این سوره بعد از نافله
سه بار سنت است در روز جمعه بعد از عصر هفتاد بار استغفار کند و بعد از آن این سوره
را ده بار بخواند و بنا بر این اوقات قرآئت این سوره نه وقت خواهد بود این آخر ملخص
ایجز نیست که در طریق النجات است و ابن فهد در عدة الداعی ذکر کرده است که
کسیکه در ثلث آخر شب جمعه پانزده بار این سوره را بخواند و بعد از آن دعا کند
دعای او مستجاب میشود و حضرت امام محمد باقر فرمود که کسیکه این سوره را بعد
از صبح ده بار بخواند و نزد زوال آفتاب نیز ده بار بخواند و بعد از آن عصر ده بار
بخواند هزار کاتب اگر در سی سال ثواب آن را بنویسند نتوانند نوشت و از آنحضرت
مرویست که هر بنده که بعد از طلوع فجر هفت بار این سوره بخواند هفتاد صف
از ملائکه هر کدام هفتاد صلوات بر او میفرستند و هفتاد رحمت بر او میکنند
و از آنحضرت منقولست که کسیکه در شب صد بار این سوره را بخواند هنوز صبح
نشده باشد که بهشت را در خواب بیند و از آنحضرت مرویست که کسیکه این سوره
را روز دوشنبه هزار بار و روز پنجشنبه هزار بار بخواند خدایتعالی ملکی
خلق کند که نام او قوی باشد و کف دست او فراختر از هفت طبقه آسمان و هفت
طبقه زمین باشد و در جسد آن ملک هزار هزار موی خلق کند و در هر موئی هزار
زبان خلق کند که هر زبانی هزار لغت گوید که هر زبانی به قوت ثقلین از برای
قاری این سوره استغفار کنند و خدایتعالی استغفار ایشان را هزار هزار بار
مضاعف سازد و امیر المؤمنین هرگاه یکی از شیعیان خود را امید میفرمود

محکم شود بامامت ما و شک و شبهه از او زایل شود و شیخ عز الدین ابو الحسن
ابن ناصر ابن ابرهیم الحداد العاملی در کتاب طریق النجاة از حضرت جواد روایت کرده
است که کسیکه در هر روز و در هر شب هفتاد و شش بار سوره قدر را بخواند
خدایتعالی از برای او هزار ملک را خلق کند که ثواب آن را بنویسند در سی و شش
هزار سال و مضاعف سازد استغفار آن ملائکه را از برای او دو هزار هزار مرتبه
و طریق خواندن قدر بعدد مذکور آنست که در هفت وقت بخواند اول بعد از
طلوع فجر و قبل از نماز صبح است و در این وقت هفت مرتبه بخواند تا آنکه ملائکه
تا شش روز بر او صلوات فرستند وقت دویم بعد از نماز صبح است و در این وقت
ده بار بخواند تا آنکه در امان خدایتعالی باشد تا وقت شب سیم وقت زوال است قبل
از آنکه نماز نافله را بجای آورد و در این وقت ده بار بخواند تا آنکه خدایتعالی بنظر
رحمت بسوی او نگرد و درهای آسمان را از برای او بگشاید وقت چهارم بعد از
نوافل ظهر است و در این وقت بیست و یکبار بخواند تا آنکه خدایتعالی خلق کند
از برای او خانه در بهشت که طول آن از مشرق تا مغرب و همچنین عرض آن و ارتفاع آن
شصت ذرع باشد و در میان آن ملائکه باشند که تا قیامت از برای او استغفار
کنند و استغفار ایشان را خدایتعالی مضاعف سازد دو هزار سال هزار بار
وقت پنجم بعد از نماز عصر است و در این وقت ده بار باید خواند تا مثل اعمال جمیع
خلایق از برای او باشد وقت ششم بعد از نماز عشا هفت بار بخواند تا آنکه تا وقت
صبح در امان خدا باشد وقت هفتم وقتی است که بجامه خواب میرود و در این وقت
یازده بار بخواند تا آنکه خدایتعالی ملکی را خلق کند که کف دست او بزرگتر باشد
از هفت آسمان و هفت زمین و در موضع هر ذره از بدن او ملک موئی خلق کند
که آن مو بقوت انس و جن باشد و تا قیامت از برای قاری این سوره استغفار کنند
و از حضرت صادق مرویست که از آن نوری که در روز قیامت در پیش مؤمنان
سعی میکند نور انا انزلناه است و از آنحضرت مرویست که کسیکه این سوره را در
نماز بخواند آن نماز را دفع میکند بعلیین در حالتیکه مقبول و مضاعف باشد
وکسیکه این سوره را بخواند و بعد از آن دعای او را اجابت کرده دفع کند بلوی

که رحمت کند خدایتعالی کسی را که انا انزلناه را بخواند و از انحضرت مرویست
که هر چیزی ثمرهٔ دارد و ثمرهٔ قران انا انزلناه است و هر چیزی را یسری و یساری است
و یسر و یسار مفسران انا انزلناه است و هر چیزی را عصمتی است و عصمت مومنان
انا انزلناه است و هر چیزی را هدایتی است و هدایت صالحان انا انزلناهست
و هر چیزی را سیدیست و سید علم انا انزلناه است و هر چیزی را زینتی است و زینت
قران انا انزلناه است و هر چیزی را بشارتی است و بشارت مردم انا انزلناه است و هر
چیزی را حجتی است و حجت مردم بعد از پیغمبر انا انزلناه است پس ایمان بیاورید
باین سوره بعضی از اصحاب گفتند که یا علی ایمان بان چیست انحضرت فرمود
که ایمان بان انست که بدانی که ان چیزی که در این سوره نازل شده است حق است
وانحضرت فرمود که این سوره خوب میقی است که بسبب ان ادا میشود قرض قاری
ان و معظم میشود دین او و ظاهر میشود خوش روئی او و دراز میشود عمر او و خوب
میشود حال او و کسیکه اکثر کلام او این سوره باشد با خدایتعالی ملاقات خواهد
کرد در حالتیکه شهید و صدیق باشد از او انحضرت مرویست که خدایتعالی در هر
ساعتی ذکر میکند اسم قاری این سوره را و بر او صلوات میفرستد و در هر طرفة
العین خدایتعالی نظر رحمت بر قاری ان و ترحم میکند بر او و بعد از انبیا و اوصیا
کسی اکرم از رعایت کنندهای این سوره و رعایت کنندگان تلاوت ان اینست و
اباداز خدایتعالی از انکه عرش و کرسی او اثقل و کران تر باشد از اجر قاری این
سوره و اباداز خدایتعالی از انکه چیزی که کرسی او احاطه بان دارد اکثر از ثواب
ان باشد و اباداز خدایتعالی از انکه حاجت قاری او را غیر از خودش بنویسد
یا غیر او قبض روح او کند بلکه حق تعالی بید قدرت خود ثواب او را مینویسد و روح
او را قبض میکند و اباداز خدایتعالی از انکه قاری ان بخوابد مگر انکه هزار
ملک او را حفظ کند تا صبح شود و هزار ملک او را حفظ کند تا شب شود و ابا
دارد خدایتعالی از انکه جمیع ملائکه ذکر و تعظیم خدایتعالی کنند تا انکه استغفار
کنند از برای قاری ان و اباداز خدایتعالی از انکه چیزی از نوافل بهتر از قرآت
این سوره باشد و اباداز خدایتعالی از انکه رفع کند اعمال اهل قران را مگر انکه

قار

قاری این سوره را مثل اجر جمیع اهل قران باشد و از انحضرت مرویست که
هیچ بنده از قرائت این سوره فارغ نمیشود مگر انکه ملائکه هفت روز صلوات
میفرستند بر او و از حضرت صادق مرویست که هیچ شکی نیست در کسیکه
این سوره را بخواند انکه از اهل بهشت است و بدرستیکه چیزی از فضایل ان
نیز در فصل سوم نهم ذکر کردیم و نیز بعضی از خواص ان را در فصل مذکور ذکر
کردیم و در شب چهارم بگوید اللّهمّ انّی اسئلک یا سیّدی سؤال المسکین
المستجیر الیک خائف مستجیر اسئلک یا سیّدی ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان
تجیرنی من خزی الدّنیا و من عذاب الاخرة و تضاعف لی فی هذه اللّیلة و فی
هذا الشّهر عملی و ترحم مسکنتی و تجاوز عمّا احصیته علیّ و خفی عن خلقک
و سترته علیّ منّا منک و سلّمنی من شینه و فضیحته و عاره فی عاجل الدّنیا
فلک الحمد علی ذلک و علی کلّ حال و اسئلک یا ربّ ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد
و تتمّ نعمتک علیّ بستر ذلک فی الاخرة و تسلمنی من فضیحته و عاره بمنّک و
احسانک یا ارحم الرّاحمین و در شب پنجم بگوید اللّهمّ انّی اسئلک ان تکمل لی
الثّواب بافضل ما ارجو من رحمتک و تصرف عنّی کلّ سوء فانّی لا استطیع دفع
ما احاذر الّا بک و قد امسیت مرتهنا بعملی و امسی الامر و القضاء فی یدیک و لا فقیر
افقر منّی صلّ علی محمّد و آل محمّد و اغفر لی ظلمی و جهلی و جرمی و جدّی و هزلی
و کلّ ذنب ارتکبته و بلّغنی رزقی بغیر مشقّة منّی و لا اهلاک روحی و جسدی
فی طلب ما لم تقدّر لی یا ارحم الرّاحمین و در شب ششم بگوید اللّهمّ انّک عیّرت
اقواما علی لسان نبیّک صلواتک علیه و آله فقلت قل ادعوا الّذین زعمتم
من دونه فلا یملکون کشف الضّرّ عنکم و لا تحویلا فیا من لا یملک کشف الضّرّ
عنّا و لا تحویله غیره صلّ علی محمّد و آل محمّد و اکشف ما بی من ضرّ و حوّله عنّی و
انقلنی فی هذا الشّهر العظیم من ذلّ المعاصی الی عزّ الطّاعة یا ارحم الرّاحمین و در
شب هفتم بگوید اللّهمّ ارزقنی التّجافی عن دار الغرور و الانابة الی دار الخلود
و الاستعداد للموت قبل حلول الفوت اللّهمّ انّی اسئلک و اقسم علیک بکلّ
اسم هو لک سمّاک به احد من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک و

ایضا
دعای شب چهارم بگوید

لحالظ

اسئلك باسمك الاعظم الذي حق عليك ان تجيب من دعاك به ان تصلي على
محمد وال محمد وان تسعدني في هذه الليلة سعادة لا اشقى بعدها ابدا يا ارحم
الراحمين ودر شب هشتم بگويد اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تهب لي قلبا خاشعا ولسانا صادقا وجسدا صابرا وتجعل ثواب ذلك
الجنة يا ارحم الراحمين ودر شب نهم بگويد اللهم لا تفتني بطلب ما زويت
عني بحولك وقوتك فاغنني يا رب برزق واسع بحلالك عن حرامك وارزقني
العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة
القدر على افضل ما رآها احد من خلقك ووفقني لما وفقت له محمدا وال
محمد عليه وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا الساعة الساعة حتى ينقطع النفس
وبخوان دعا را در هر شب از دهه اخر ولفظ الساعة را چندان بگويد كه نفس منقطع
شود ودر شب دهم بگويد اللهم رب شهر رمضان ومنزل القران وهذا شهر رمضان
قد تصرم اي رب اني اعوذ بوجهك الكريم ان يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج
شهر رمضان ولك عندي تبعة او ذنب تريد ان تعذبني عليه يوم القاك الا
غفرته لي بكرمك وجودك يا ارحم الراحمين اللهم وصل على محمد وال محمد
انك حميد مجيد ودر اين شب در حال قيام وقعود وركوع وسجود بسيار بگويد
يا مدبر الامور يا باعث من في القبور يا مجري البحور يا ملين الحديد لداود صل
على محمد وال محمد وافعل بي كذا وكذا الساعة الساعة ولفظ الساعة را چندان
بگويد كه نفس منقطع شود دعاى سحر علي بن الحسين كه ابو حمزه ثمالى روايت كرده
است اين است الهي لا تؤدبني بعقوبتك ولا تمكر بي في حيلتك من اين لي الخير يا رب
ولا يوجد الا من عندك ومن اين لي النجاة ولا تستطاع الا بك لا الذي احسن
استغنى عن عونك ورحمتك ولا الذي اساء واجترا عليك ولم يرضك خرج
عن قدرتك يا رب يا رب لفظ يا رب را انقدر بگويد كه نفس منقطع شود بك
عرفتك وانت دللتني عليك ودعوتني اليك ولولا انت لم ادر ما انت
الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني وان كنت بطيئا حين يدعوني والحمد لله الذي
اسئله فيعطيني وان كنت بخيلا حين يستقرضني والحمد لله الذي اناديه كلما

دعاى سحر بخوانند

شئت لحاجتي واخلو به حيث شئت لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله
الذي لا ادعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي
لا ارجو غيره ولو رجوت غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني اليه
فاكرمني ولم يكلني الى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي وهو غني عني
والحمد لله الذي يحلم عني حتى كاني لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي واحق
بحمدي اللهم اني اجد سبل المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء اليك
مترعة والاستعانة بفضلك لمن املك مباحة وابواب الدعاء اليك
للصارخين مفتوحة واعلم انك للراجين بموضع اجابة وللملهوفين بمرصد
اغاثة وان في اللهف الى جودك والرضا بقضائك عوضا عن منع الباخلين
ومندوحة عما في ايدي المستاثرين وان الراحل اليك قريب المسافة وانك
لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الامال دونك وقد قصدت اليك بطلبتي
وتوجهت اليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي وبدعائك توسلي من غير
استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي بكرمك وسكوني
الى صدق وعدك ولجاي الى الايمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك مني ان لا رب لي
غيرك ولا اله الا انت وحدك لا شريك لك اللهم انت القائل وقولك حق
ووعدك صدق واسئلوا الله من فضله ان الله كان بكم رحيما وليس من
صفاتك يا سيدي ان تامر بالسؤال وتمنع العطية وانت المنان بالعطيات
على اهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رافتك الهي ربيتني في نعمك واحسانك
صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في الدنيا باحسانه وتفضله ونعمه
واشار لي في الاخرة الى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي عليك وحبي
لك شفيعي اليك وانا واثق من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي الى
شفاعتك ادعوك يا سيدي بلسان قد اخرسه ذنبه ربي اناجيك بقلب
قد اوبقه جرمه ادعوك يا رب راهبا راغبا راجيا خائفا اذا رايت مولاي
ذنوبي فزعت واذا رايت كرمك طمعت فان عفوت فخير راحم وان عذبت
فغير ظالم حجتي يا الله في جراتي على مسئلتك مع اتياني ما تكره جودك وكرمك

ادعوه

وعدك

وعذبني في شدتي مع قلة حيائي رأفتك ورحمتك وقد رجوت أن لا تخيب بين
ذين وذين منيتي فحقق رجائي واسمع دعائي يا خير من دعاه داع وأفضل من
رجاه راج عظم يا سيدي أملي وساء عملي فأعطني من عفوك بمقدار أملي ولا تؤاخذني
بأسوء عملي فإن كرمك يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافات المقصرين
وأنا يا سيدي عائذ بفضلك هارب منك إليك متنجز ما وعدت من الصفح
عمن أحسن بك ظنا وما أنا يا رب وما خطري هبني بفضلك وتصدق علي
بعفوك أي رب جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك فلو اطلع اليوم
على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لأنك أهون
الناظرين إلي وأخف المطلعين علي بل لأنك يا رب خير الساترين وأحكم الحاكمين
وأكرم الأكرمين ستار العيوب غفار الذنوب علام الغيوب تستر الذنب
بكرمك وتؤخر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد
قدرتك ويحملني ويجرئني على معصيتك حلمك عني ويدعوني إلى قلة الحياء
سترك علي ويسرعني إلى التوثب على محارمك معرفتي بسعة رحمتك وعظيم عفوك
يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا عظيم المن يا قديم
الإحسان أين سترك الجميل أين عفوك الجليل أين فرجك القريب أين غياثك
السريع أين رحمتك الواسعة أين عطاياك الفاضلة أين مواهبك الهنيئة
أين صنائعك السنية أين فضلك العظيم أين منك الجسيم أين إحسانك القديم
أين كرمك يا كريم به فاستنقذني وبرحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل يا منعم يا
مفضل لسنا نتكل في النجاة من عقابك على أعمالنا بل بفضلك علينا لأنك
أهل التقوى وأهل المغفرة تبدئ بالإحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما
فما ندري ما نشكر أجميل ما تنشر أم قبيح ما تستر أم عظيم ما أبليت وأوليت
أم كثير ما منه نجيت وعافيت يا حبيب من تحبب إليك ويا قرة عين من لاذ
بك وانقطع إليك أنت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما
عندنا بجميل ما عندك وأي جهل يا رب لا يسعه جودك وأي زمان أطول
من أناتك وما قدر أعمالنا في جنب نعمك وكيف نستكثر أعمالا نقابل بها

وبحمد والده

كرمك

كرمك أم كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة يا
باسط اليدين بالرحمة فوعزتك يا سيدي لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا
كففت عن تملقك لما انتهى إلي من المعرفة بجودك وكرمك وأنت الفاعل
لما تشاء تعذب بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء كيف تشاء
لا تسئل عن فعلك ولا تنازع في ملكك ولا تشارك في أمرك ولا تضاد
في حكمك ولا يعترض عليك أحد في تدبيرك لك الخلق والأمر تبارك الله
رب العالمين يا رب هذا مقام من لاذ بك واستجار بكرمك وألف إحسانك
ونعمك وأنت الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص فضلك ولا تقل رحمتك
وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل العظيم والرحمة الواسعة أفتراك
يا رب تخلف ظنوننا أو تخيب آمالنا كلا يا كريم فليس هذا ظننا بك ولا هذا
فيك طمعنا يا رب إن لنا فيك رجاء عظيما عصيناك ونحن نرجو أن تستر
علينا ودعوناك ونحن نرجو أن تستجيب لنا فحقق رجاءنا يا مولانا فقد
علمنا ما نستوجب بأعمالنا ولكن علمك فينا وعلمنا بأنك لا تصرفنا عنك حثنا
على الرغبة إليك وإن كنا غير مستوجبين لرحمتك فأنت أهل أن تجود علينا
وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما أنت أهله وجد علينا فإنا
محتاجون إلى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا وبنعمتك
أصبحنا وأمسينا ذنوبنا بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب إليك
تتحبب إلينا بالنعم ونعارضك بالذنوب خيرك إلينا نازل وشرنا إليك
صاعد ولم يزل ولا يزال ملك كريم يأتيك عنا بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك
من أن تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك ما أحلمك وأعظمك
وأكرمك مبدئا ومعيدا تقدست أسماؤك وجل ثناؤك وكرم صنائعك
وفعالك أنت إلهي أوسع فضلا وأعظم حلما من أن تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو
العفو العفو سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك وأعذنا من
سخطك وأجرنا من عذابك وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك
ومغفرتك ورحمتك ورضوانك عليه وعلى أهل بيته إنك قريب مجيب

من تشاء

وارزقنا عملاً بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه و
آله اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا واجزهما بالاحسان
احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم و
الاموات وتابع اللهم بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا
وغائبنا ذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا كذب العادلون بالله وضلوا
ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا اللهم صل على محمد وآل محمد واختم لي بخير
واكفني ما اهمني من امر دنياي وآخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل علي
منك جنة واقية باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي وارزقني من فضلك
رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم احرسني بحراستك واحفظني بحفظك واكلأني
بكلائتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وزيارة قبر نبيك
والائمة عليهم السلام ولا تخلني يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف
الكريمة اللهم تب علي حتى لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك
بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين اللهم اني كلما قلت قد تهيأت
وتعبأت وقمت للصلوة بين يديك وناجيتك القيت علي نعاسا اذا انا
صليت وسلبتني مناجاتك اذا انا ناجيت ما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي
وقرب من مجالس التوابين مجلسي عرضت لي بلية ازالت قدمي وحالت
بيني وبين خدمتك سيدي لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك
نحيتني او لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك رأيتني غير
شاكر لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني او لعلك
رأيتني في الغافلين فمن رحمتك آيستني او لعلك رأيتني في الغافلين فمن
رحمتك آيستني او لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني
او لعلك لم تحب ان تسمع دعائي فباعدتني او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني
او لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فان عفوت يا رب فطالما عفوت عن
المذنبين قبلي لان كرمك اي رب يجل عن مكافاة المقصرين وانا عائذ
بفضلك هارب منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا

الهي انت اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بعملي او ان تستزلني بخطيئتي وما
انا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي وتصدق علي بعفوك و
جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي انا الصغير الذي ربيته
وانا الجاهل الذي علمته وانا الضال الذي هديته وانا الوضيع الذي رفعته
وانا الخائف الذي آمنته وانا الجائع الذي اشبعته والعطشان الذي
ارويته والعاري الذي كسوته والفقير الذي اغنيته والضعيف الذي
قويته والذليل الذي اعززته والسقيم الذي شفيته والسائل الذي اعطيته و
المذنب الذي سترته والخاطئ الذي اقلته والقليل الذي كثرته والمستضعف
الذي نصرته وانا الطريد الذي آويته انا يا رب الذي لم استحيك في الخلاء
ولم اراقبك في الملاء انا صاحب الدواهي العظمى انا الذي على سيده اجترى
الذي عصيت جبار السماء انا الذي اعطيت على المعاصي الجليل الرشى انا
الذي حين بشرت بها خرجت اليها اسعى انا الذي امهلتني فما ارعويت وسترت
علي فما استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت واسقطتني من عينك فما باليت
فبحلمك امهلتني وبسترك سترتني حتى كانك اغفلتني ومن عقوبات المعاصي
جنبتني حتى كانك استحييتني الهي لم اعصك حين عصيتك وانا بربوبيتك جاحد
ولا بامرك مستخف ولا لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك متهاون ولكن خطيئة
عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي واعانني عليها شقوتي وغرني سترك
المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي فالآن من عذابك من يستنقذني
ومن ايدي الخصماء غدا من يخلصني وبحبل من اتصل ان انت قطعت حبلك
عني فواسوأتاه على ما احصى كتابك من عملي الذي لولا ما ارجو من كرمك
وسعة رحمتك ونهيك اياي عن القنوط لقنطت عند ما اتذكرها يا خير من
دعاه داع وافضل من رجاه راج اللهم بذمة الاسلام اتوسل اليك وبحرمة
القرآن اعتمد عليك وبحبي للنبي الامي القرشي الهاشمي العربي التهامي المكي
المدني ارجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس ايماني ولا تجعل ثوابي ثواب
من عبد سواك فان قوما آمنوا بالسنتهم ليحقنوا به دماءهم فادركوا ما املوا

وانّا آمنّا بك بألسنتنا وقلوبنا لتعفو عنّا فادركنا ما أمّلنا وثبّت رجاءك
في صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انّك
انت الوهّاب فوعزّتك لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملّقك
لما الهم قلبي من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك الى من يذهب العبد الّا الى
مولاه والى من يلتجأ المخلوق الّا الى خالقه الهي لو قرنتني بالاصفاد ومنعتني
سيبك من بين الاشهاد ودللت على فضائحي عيون العباد وامرت بي الى
النّار وحلت بيني وبين الابرار ما قطعت رجائي منك وما صرفت وجه
تأميلي للعفو عنك ولاخرج حبّك عن قلبي انا لا انسى اياديك عندي وسترك
عليّ في دار الدنيا سيّدي اخرج حبّ الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى
واله خيرتك من خلقك وخاتم النبيّين محمّد صلواتك عليه واله وانقلني الى
درجة التوبة اليك واعنّي بالبكاء على نفسي فقد افنيت بالتسويف والامال
عمري وقد نزلت منزلة الايسين من خيري فمن يكون اسوء حالا منّي ان انا نقلت
على مثل حالي الى قبري لم امهّده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي و
مالي لا ابكي ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايّامي تخاتلني
وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت فما لي لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة
قبري ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر ونكير ايّاي ابكي لخروجي من قبري عريانا
ذليلا حاملا ثقلي على ظهري انظر مرّة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق
في شان غير شاني لكلّ امرئ منهم يومئذ شان يغنيه وجوه يومئذ مسفرة
ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلّة يا
سيّدي عليك معوّلي ومعتمدي ورجائي وتوكّلي وبرحمتك تعلّقي تصيب
برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك من تحبّ فلك الحمد على ما نقّيت من الشرك
قلبي ولك الحمد على بسط لساني أفبلساني هذا الكالّ اشكرك ام بغاية جهدي
في عملي ارضيك وما قدر لساني يا ربّ في جنب شكرك وما قدر عملي يا ربّ في
جنب نعمك واحسانك الّا انّ جودك بسط املي وشكرك قبل عملي سيّدي اليك
رغبتي ومنك رهبتي واليك رهبتي واليك تأميلي وقد ساقني اليك

صلّ على محمّد وآل محمّد ٣

املي وعليك يا واحدي عكفت همّتي وفيما عندك انبسطت رغبتي ولك
خالص رجائي وخوفي وبك انست محبّتي واليك القيت بيدي وبحبل طاعتك
مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عنّي
فيا مولاي ويا مؤمّلي ويا منتهى سؤلي فرّق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم
طاعتك فانّما اسئلك لقديم الرّجاء فيك وعظيم الطمع منك
الذي اوجبته على نفسك من الرأفة والرحمة والامر لك وحدك لا شريك
لك والخلق كلّهم عيالك وفي قبضتك وكلّ شيء خاضع لك تباركت يا ربّ
العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجّتي وكلّ عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك
ايّاي لبّي فيا عظيم رجائي لا تخيّبني اذا اشتدّت فاقتي ولا تردّني لجهلي ولا تمنعني
لقلّة صبري اعطني لفقري وارحمني لضعفي سيّدي عليك معتمدي ومعوّلي و
رجائي وتوكّلي وبرحمتك تعلّقي وبفنائك احطّ رحلي وبجودك اقصد طلبتي و
بكرمك اي ربّ استفتح دعائي ولديك ارجو فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت
ظلّ عفوك قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري فلا
تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا تسكنّي الهاوية فانّك قرّة عيني يا سيّدي
لا تكذّب ظنّي باحسانك ومعروفك فانّك ثقتي ولا تحرمني ثوابك فانّك
العارف بفقري الهي ان كان قد دنا اجلي ولم يقرّبني منك عملي فقد جعلت
الاعتراف اليك بذنبي وسائل عللي الهي ان عفوت فمن اولى منك بالعفو وان عذّبت
فمن اولى منك وان عذّبت فمن اعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا
غربتي وعند الموت كربتي وعند القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت
للحساب بين يديك ذلّ موقفي واغفر لي ما خفي على الادميّين من عملي و
ادم لي ما به سترتني وارحمني صريعا على الفراش تقلّبني ايدي احبّتي وتفضّل
عليّ ممدودا على المغتسل يقلّبني صالح جيرتي وتحنّن عليّ محمولا قد تناول
الاقرباء اطراف جنازتي وجد عليّ منقولا قد نزلت بك وحيدا في حفرتي
وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي حتّى لا استانس بغيرك يا سيّدي ان
وكلتني الى نفسي هلكت سيّدي فبمن استغيث ان لم تقلني عثرتي والى من

صلّ على محمّد وآل محمّد ٣

بالعفو

افزع ان فقدت عنايتك في ضجعتي والى من التجئ ان لم تنفس كربتي سيدي
من لي ومن يرحمني ان لم ترحمني وفضل من اؤمل ان عدمت فضلك يوم
فاقتي والى من الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي سيدي لا تعذبني وانا
ارجوك الهي حقق رجائي وآمن خوفي فان كثرة ذنوبي لا ارجو فيها الا عفوك
سيدي انا اسئلك ما لا استحق وانت اهل التقوى واهل المغفرة
فاغفر لي والبسني من نظرك ثوبا يغطي علي التبعات وتغفرها لي ولا اطالب
بها انك ذو من قديم وصفح جميل عظيم وتجاوز كريم الهي انت الذي تفيض
سيبك على من لا يسئلك وعلى الجاحدين بربوبيتك فكيف سيدي بمن
سئلك وايقن ان الخلق لك والامر اليك تباركت وتعاليت يا رب
العالمين الهي وسيدي عبدك ببابك اقامته الخصاصة بين يديك يقرع
باب احسانك بدعائه ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك
الكريم عني واقبل مني ما اقول فقد دعوت بهذا الدعاء وانا ارجو ان لا
تردني معرفة مني برأفتك ورحمتك الهي انت الذي لا يحفيك سائل ولا
ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم اني اسئلك صبرا جميلا
وفرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما اسئلك يا رب من الخير كله ما علمت
منه وما لم اعلم اسئلك اللهم من خير ما سئلك منه عبادك الصالحون
يا خير من سئل واجود من اعطى اعطني سؤلي في نفسي واهلي ووالدي وولدي
واهل حزانتي واخواني فيك وارغد عيشي واظهر مروتي واصلح جميع احوالي
واجعلني ممن اطلت عمره وحسنت عمله واتممت عليه نعمتك ورضيت
عنه واحييته حيوة طيبة في ادوم السرور واسبغ الكرامة واتم العيش انك
تفعل ما تشاء ولا يفعل ما يشاء غيرك اللهم خصني منك بخاصة ذكرك
ولا تجعل شيئا مما اتقرب به في آناء الليل واطراف النهار رياء ولا سمعة
ولا اشرا ولا بطرا واجعلني لك من الخاشعين اللهم اعطني السعة في الرزق
والامن في الوطن وقرة العين في الاهل والمال والولد والمقام في نعمك
عندي والصحة في الجسم والقوة في البدن والسلامة في الدين واستعملني

بطاعتك وطاعة رسولك محمد صلى الله عليه وآله ابدا ما استعمرتني واجعلني من اوفر عبادك
عندك نصيبا في كل خير انزلته وتنزله في شهر رمضان في ليلة القدر وما
انت منزله في كل سنة من رحمة تنشرها وعافية تلبسها وبلية تدفعها وحسنات
تتقبلها وسيئات تتجاوز عنها وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل
عام وارزقني رزقا واسعا من فضلك الواسع واصرف عني يا سيدي الاسواء
واقض عني الدين والظلامات حتى لا اتأذى بشيء منه وخذ عني باسماع وابصار
اعدائي وحسادي والباغين علي وانصرني عليهم واقر عيني وفرح قلبي واجعل لي
من همي وكربي فرجا ومخرجا واجعل من ارادني بسوء من جميع خلقك تحت قدمي
واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي وطهرني من الذنوب كلها
واجرني من النار بعفوك وادخلني الجنة برحمتك وزوجني من الحور العين
بفضلك والحقني باوليائك الصالحين محمد وآله الابرار الطيبين الطاهرين
الاخيار صلواتك عليهم وعلى اجسادهم وارواحهم ورحمة الله وبركاته الهي و
سيدي وعزتك وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لاطالبنك بعفوك ولئن
طالبتني بلؤمي لاطالبنك بكرمك ولئن ادخلتني النار لاخبرن اهل النار
بحبي لك الهي وسيدي ان كنت لا تغفر الا لاوليائك واهل طاعتك فالى
من يفزع المذنبون وان كنت لا تكرم الا اهل الوفاء بك فبمن يستغيث
المسيئون الهي ان ادخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك وانا والله اعلم ان
سرور نبيك احب اليك من سرور عدوك اللهم اني اسئلك ان تملأ قلبي
حبا لك وخشية منك وتصديقا لك وايمانا بك وفرقا منك وشوقا
اليك يا ذا الجلال والاكرام حبب الي لقاءك واحبب لقائي واجعل لي
في لقائك الراحة والفرج والكرامة اللهم الحقني بصالح من مضى واجعلني
من صالح من بقي وخذ بي سبيل الصالحين واعني على نفسي بما تعين به
الصالحين على انفسهم واختم عملي باحسنه واجعل ثوابي منه الجنة برحمتك
واعني على صالح ما اعطيتني وثبتني يا رب ولا تردني في سوء استنقذتني منه
يا رب العالمين اللهم اني اسئلك ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني ما

النار ففي ذلك سرور
عدوك وان ادخلتني

احييتني عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني اذا بعثتني عليه وابرء قلبي
من الرياء والشك والسمعة في دينك حتى يكون عملي خالصا لك اللهم اعطني
بصيرة في دينك وفهما في حكمك وفقها في علمك وكفلين من رحمتك وورعا يحجزني
عن معصيتك وبيض وجهي بنورك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في
سبيلك وعلى ملة رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني اعوذ بك من الكسل
والفشل والهم والجبن والبخل والغفلة والقسوة والمسكنة والفاقة وكل
بلية والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ بك من نفس لا تقنع ومن بطن
لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع واعوذ بك يا رب على
نفسي وديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان الرجيم انك انت السميع
العليم اللهم انه لا يجيرني منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل
نفسي في شيء من عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل
مني واعل ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب
مجلسي وثواب منطقي وثواب دعائي رضاك والجنة واعطني يا رب جميع ما سألتك
وزدني من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت في
كتابك ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف عنا فانك اولى بذلك
منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن ابوابنا وقد جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء
حاجتي وامرتنا بالاحسان الى ما ملكت ايماننا ونحن ارقاؤك فاعتق رقابنا
من النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك
استغثت ولذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج
عني يا من يفك الاسير ويعفو عن الكثير انك انت الرحيم الغفور اللهم اني
اسئلك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما
كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين وعدا زاد اينما
دائرها نجوان يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غياثي في
رغبتي انت الساتر عورتي والمؤمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي
اللهم اني اسئلك خشوع الايمان قبل خشوع الذل في النار يا واحد يا احد

العفو وامرتنا

يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من يعطي من سئله تحننا
منه ورحمة ويبتدئ بالخير من لم يسئله تفضلا منه وكرما بكرمك الدائم
صل على محمد واهل بيته وهب لي رحمة واسعة جامعة ابلغ بها خير الدنيا
والاخرة اللهم اني استغفرك لما تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك
لكل خير اردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس لك اللهم صل على محمد وآل
محمد واعف عن ظلمي وجرمي بحلمك وجودك يا كريم يا من لا يخيب سائله ولا
ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه ودنا فلا شيء دونه صل على محمد وآل
محمد وآل محمد وارحمني يا فالق البحر لموسى الليلة الليلة الليلة الساعة الساعة
الساعة اللهم طهر قلبي من النفاق وعملي من الرياء ولساني من الكذب وعيني
من الخيانة فانك تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور يا رب هذا
مقام العائذ بك من النار هذا مقام المستجير بك من النار هذا مقام
المستغيث بك من النار هذا مقام الهارب اليك من النار هذا مقام من
يبوء بخطيئته ويعترف بذنبه ويتوب الى ربه هذا مقام البائس الفقير هذا
مقام الخائف المستجير هذا مقام المحزون المكروب هذا مقام المحزون المغموم
المهموم هذا مقام الغريب الغريق هذا مقام المستوحش الفرق هذا مقام من
لا يجد لذنبه غافرا غيرك ولا لهمه مفرجا سواك يا الله يا كريم لا تحرق
وجهي بالنار بعد سجودي وتعفيري بغير من مني عليك بل لك الحمد والمن
والتفضل علي ارحم اي رب اي رب حتى ينقطع النفس ضعفي وقلة حيلتي ورقة
جلدي وتبدد اوصالي وتناثر لحمي وجسمي وخدي ووحشتي في قبري وجزعي
من صغير البلاء اسئلك يا رب قرة العين والاغتباط يوم الحسرة والندامة
بيض وجهي يا رب يوم تسود فيه الوجوه امني من الفزع الاكبر اسئلك
البشرى يوم تقلب فيه القلوب والابصار والبشرى عند فراق الدنيا الحمد لله
الذي ارجوه عونا لي في حيوتي واعده ذخرا ليوم فاقتي الحمد لله الذي ادعوه
ولا ادعو غيره ولو دعوت غيره لخيب دعائي الحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو
غيره ولو رجوت غيره لاخلف رجائي الحمد لله المنعم المحسن المجمل المفضل ذي

الجلالِ والاكرامِ ولي كلِّ نعمةٍ وصاحبِ كلِّ حسنةٍ ومنتهى كلِّ رغبةٍ و
قاضي كلِّ حاجةٍ اللهمَّ صلِّ على محمدٍ وآلِ محمدٍ وارزقني اليقين وحسن
الظنِّ بك واثبت رجاءك في قلبي واقطع رجائي عمّن سواك حتى لا ارجوا
غيرك ولا اثق الا بك يا لطيفاً لما تشاء الطف لي في جميع احوالي بما تحبّ
وترضى يا ربِّ اني ضعيفٌ على النار فلا تعذبني بالنار يا ربِّ ارحم دعائي وتضرّعي
وخوفي وذلّي ومسكنتي وتعويذي وتلويذي يا ربِّ اني ضعيفٌ عن طلب
الدنيا وانت واسعٌ كريمٌ اسئلك يا ربِّ بقوّتك على ذلك وقدرتك عليه
وغناك عنه وحاجتي اليه ان ترزقني في عامي هذا وشهري هذا ويومي هذا و
ساعتي هذه رزقاً واسعاً تغنيني به عن تكلّف ما في ايدي الناس من رزقك
الحلال الطيّب اي ربِّ منك اطلب واليك ارغب واياك ارجوا وانت اهل
ذلك لا ارجوا غيرك ولا اثق الا بك يا ارحم الراحمين اي ربِّ ظلمت نفسي فاغفر
لي وارحمني وعافني يا سامع كلِّ صوتٍ ويا جامع كلِّ فوتٍ يا بارئ النفوس بعد
الموت يا من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يشغله شيءٌ عن
شيءٍ اعطِ محمداً صلى الله عليه وآله افضل ما سئلك وافضل ما سئلت له
وافضل ما انت مسؤولٌ له الى يوم القيمة وهب لي العافية حتى تهنّيني المعيشة
واختم لي بخيرٍ حتى لا تضرّني الذنوب اللهمَّ رضّني بما قسمت لي حتى لا اسئل
احداً شيئاً اللهمَّ صلِّ على محمدٍ وآلِ محمدٍ وافتح لي خزائن رحمتك وارحمني رحمةً
لا تعذبني بعدها ابداً في الدنيا والآخرة وارزقني من رزقك الواسع رزقاً
حلالاً طيّباً لا تفقرني الى احدٍ بعده سواك تزيدني بذلك شكراً واليك فاقةً
وفقراً وبك عمّن سواك غنىً وتعففاً يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا مقتدر
صلِّ على محمدٍ وآلِ محمدٍ واكفني المهمَّ كلّه واقضِ لي بالحسنى وبارك لي في جميع
اموري واقضِ لي جميع حوائجي اللهمَّ يسّر لي ما اخاف تعسيره فانّ تيسير ما اخاف
تعسيره عليك سهلٌ يسيرٌ وسهّل لي ما اخاف حزونته ونفّس عني ما اخاف
غمّه واصرف عني ما اخاف بليّته يا ارحم الراحمين اللهمَّ املأ قلبي حبّاً لك
وخشيةً منك وتصديقاً لك وايماناً بك وفرقاً منك وشوقاً اليك يا ذا

الجلالِ والاكرامِ اللهمَّ انَّ لك حقوقاً فتصدّق بها عليّ وللناس قبلي
تبعاتٌ فتحمّلها عني وقد اوجبت لكلِّ ضيفٍ قرىً وانا ضيفك فاجعل قراي
الليلة الجنّة يا وهّاب المغفرة ولا حول ولا قوّة الا بك وبعد از ان دعاى
ادريس را بخوانند وان چهل اسم است بعد از ان تو بنواز اينست ١ سبحانك
لا اله الا انت يا ربَّ كلِّ شيءٍ ووارثه ٢ يا اله الالهة الرفيع جلاله ٣ يا الله
المحمود في كلِّ فعاله ٤ يا رحمن كلِّ شيءٍ وراحمه ٥ يا حيّاً حين لا حيّ في ديمومة
ملكه وبقائه ٦ يا قيّوم فلا يفوت شيئاً علمه ولا يؤده ٧ يا واحداً الباقي اوّل
كلِّ شيءٍ وآخره ٨ يا دائم بغير فناءٍ ولا زوالٍ لملكه ٩ يا صمداً في غير شبهٍ ولا
شيءٍ كمثله ١٠ يا بارّ فلا شيء كفوه ولا مداني لوصفه ١٠١ يا كبيراً انت الذي لا
تهتدي العقول لعظمته ١٠٢ يا بارئ المنشئ بلا مثالٍ خلا من غيره ١٠٣ يا زاكي
الطاهر من كلِّ آفةٍ بقدسه ١٠٤ يا كافي الموسع لما خلق من عطايا فضله ١٠٥
يا نقيّاً من كلِّ جورٍ لم يرضه ولم يخالطه فعاله ١٠٦ يا حنّان انت الذي وسعت
كلَّ شيءٍ رحمته ١٠٧ يا منّان يا ذا الاحسان قد عمّ الخلائق منّه يا ديّان العباد
فكلٌّ يقوم خاضعاً لرهبته ١٠٨ يا خالق من في السموات والارضين وكلٌّ اليه
معاده ١٠٩ يا رحمن كلِّ صريخٍ ومكروبٍ وغياثه ومعاذه ٢٠ يا بارّ فلا تصف
الالسن كلَّ جلال ملكه وعزّه ٢٠١ يا مبدع البدايا يا من لم يبغ في انشائها
اعواناً من خلقه ٢٠٢ يا علّام الغيوب فلا يؤده من شيءٍ حفظه ٢٠٣ يا معيداً اذا
افنى اذا برز الخلائق لدعوته من مخافته ٢٠٤ يا حليماً ذا اناةٍ فلا شيء يعدله من
خلقه ٢٠٥ يا محموداً الفعال ذا المنّ على جميع خلقه بلطفه ٢٠٦ يا عزيز المنيع
الغالب على امره فلا شيء يعدله ٢٠٧ يا قاهراً ذا البطش الشديد انت الذي لا
يطاق انتقامه ٢٠٨ يا متعالي القريب في علوّ ارتفاع دنوّه ٢٠٩ يا جبّار المذلّل
كلَّ شيءٍ بقهر عزيز سلطانه ٣٠ يا نور كلِّ شيءٍ انت الذي فلق الظلمات نوره
٣٠١ يا قدّوس الطاهر من كلِّ سوءٍ ولا شيء يعدله ٣٠٢ يا قريب المجيب المتداني
دون كلِّ شيءٍ قربه ٣٠٤ يا عالي الشامخ في السماء فوق كلِّ شيءٍ علوّ ارتفاعه
٣٠٥ يا بديع البدايع ومعيدها بعد فنائها بقدرته ٣٠٦ يا جليل المتكبّر

علی کل شیء فالعدل امرُ والصدق قوله ووعده ۳۷ یا مجید فلا تبلغ الاوهام
کل شانه ومجده ۳۸ یا کریم العفو والعدل انت الذی ملأ کل شیء عدله ۳۹
یا عظیم ذا الثناء الفاخر والعز والکبریاء فلا یذل عزه ۴۰ یا عجیب فلا
تنطق الالسن بکل آلائه وثنائه اسئلک یا معتمدی عند کل کربة وغیاثی
عند کل شدة بهذه الاسماء امانا من عقوبات الدنیا والآخرة واسئلک
ان تصرف عنی بهن کل سوء ومخوف ومحذور وتصرف عنی ابصار الظلمة المریدین
الی السوء الذی نهیت عنه من شر ما یضمرون الی خیر ما یملکون ولا یملکه
غیرک یا کریم اللهم لا تکلنی الی نفسی فاعجز عنها ولا الی الناس فیظفروا بی ولا
تخیبنی وانا ارجوک ولا تعذبنی وانا ادعوک اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاجبنی
کما وعدتنی اللهم اجعل خیر عمری ما ولی اجلی اللهم لا تغیر جسمی ولا ترسل حظی
ولا تسوء صدیقی ونعوذ بک من سقم مضرع وفقر مدقع ومن الذل وبئس الخل اللهم
سل قلبی عن کل شیء لا ازوده الیک ولا انتفع به یوم القاک من حلال او
حرام ثم اعطنی قوة علیه وعزا وقناعة ومقتا له ورضاک منه یا ارحم
الراحمین اللهم لک الحمد علی عطایاک الجزیلة ولک الحمد علی مننک المتواترة
التی بها دافعت عنی مکاره الامور وبها آتیتنی مواهب السرور ومع تمادی فی
الغفلة وما بقی فی من القسوة فلم یمنعک ذلک من فعلی ان عفوت عنی وسترت
ذلک علی وسوغتنی ما فی یدی من نعمک وتابعت علی من احسانک وصفحت لی
عن قبیح ما افضیت به الیک وانتهکته من معاصیک اللهم انی اسئلک
بکل اسم هو لک یحق علیک ویحقک علی جمیع من هو دونک ان تصلی علی محمد
عبدک ورسولک وعلی آله ومن ارادنی بسوء فخذ بسمعه وبصره ومن بین
یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله وامنعه عنی بحولک وقوتک یا من
لیس معه رب یدعی ویا من لیس فوقه خالق یخشی ویا من لیس دونه اله یتقی و
یا من لیس له وزیر یؤتی ویا من لیس له حاجب یرشی ویا من لیس له بواب
ینادی ویا من لا یزداد علی کثرة العطاء الا کرما وجودا ولا علی تتابع الذنوب
الا مغفرة وعفوا صل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله انک اهل

التقوی واهل المغفرة اللهم هذا الدعاء ومنک الاجابة وهذا الجهد وعلیک
التکلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وذکر کردیم ما آنچه میسر بود
از ادعیه شبهای این ماه وادعیه سحران پس باید ذکر کنیم از ادعیه روزهای
این ماه دعائی راکه شیخ طوسی در متهجد خود ذکر کرده است وصاحب ذخیره در ذخیره
خود ذکر کرده است وذکر کنیم آنچه میسر شود از غیر این دو کتاب بالجمله ادعیه این
ماه شریف بسیار است وهمتها قاصر است از خواندن آنها وذکر جمیع آنها سبب طول
کتاب میشود ولهذا بعضی از آنها را ذکر کنیم پس میگوئیم که علی بن رباب از عبد صالح
یعنی حضرت امام موسی کاظم روایت کرده است که آنحضرت فرمود که در ماه رمضان
که اول سال است این دعا را بخوان زیرا که هر کس این دعا را خالصا مخلصا لله بخواند
در آن سال فتنه وآفتی که ضرر بدین وبدن او رساند باو نرسد وخدا تعالی او را
نگاه دارد واز شر بلائی که در آن سال می آید واین است دعا اللهم انی اسئلک باسمک
الذی دان له کل شیء وبرحمتک التی وسعت کل شیء وبعظمتک التی تواضع
لها کل شیء وبقوتک التی خضع لها کل شیء وبعزتک التی قهرت کل شیء وبجبروتک
التی غلبت کل شیء وبعلمک الذی احاط بکل شیء یا نور یا قدوس یا اول قبل
کل شیء ویا باقیا بعد کل شیء یا الله یا رحمن صل علی محمد وآل محمد واغفر لی الذنوب
التی تغیر النعم واغفر لی الذنوب التی تنزل النقم واغفر لی الذنوب التی تقطع الرجاء
واغفر لی الذنوب التی تدیل الاعداء واغفر لی الذنوب التی ترد الدعاء واغفر
لی الذنوب التی یستحق بها نزول البلاء واغفر لی الذنوب التی تحبس غیث السماء
واغفر لی الذنوب التی تکشف الغطاء واغفر لی الذنوب التی تعجل الفناء واغفر لی
الذنوب التی تظلم الهواء واغفر لی الذنوب التی تورث الندم واغفر لی الذنوب
التی تهتک العصم واغفر لی الذنوب التی ترفع القسم والبسنی درعک الحصینة
التی لا ترام وعافنی من شر ما احاذر باللیل والنهار فی مستقبل سنتی هذه اللهم
رب السموات السبع والارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم
ورب السبع المثانی والقرآن العظیم ورب اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل ورب
محمد صلی الله علیه وآله سید المرسلین وخاتم النبیین اسئلک بک وبما تسمیت

ایضاً ابتدا دعا بخواند

به يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع كل محذور وتعطي كل جزيل وتضعف
من الحسنات بالقليل والكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صل على
محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضر وجهي بنورك
واحبني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم عطيتك من خير
ما عندك وخير ما انت معطيه احدا من خلقك والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع
كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما يشاء من بلية يا
كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على ملة ابرهيم وفطرته وعلى دين محمد صلى الله
عليه واله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني مواليا لاوليائك معاديا لاعدائك
اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل يباعدني منك واجلبني
الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني
من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي
عليه حذار ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصا من حظ لي عندك
يا رؤف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك
وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك
ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالحي من مضى من اوليائك والحقني بهم و
اجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ بك اللهم ان تحيط بي
خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك
بيني وبين رحمتك ورضوانك فاكون منسيا عندك متعرضا لسخطك و
نقمتك اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم
كما كفيت نبيك محمدا صلى الله عليه واله هول عدوه وفرجت همه وكشفت
غمه وصدقته وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه
السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها
وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسئلك
سؤال من اساء وظلم واعترف واسئلك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي
حصرتها حفظتك واحصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني الهي من الذنوب

فيما

دعاء صحیفهٔ کامله در دخول ماه رمضان

فيما بقي من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيت محمد
واتني كلما سئلتك ورغبت فيه اليك فانك امرتني بالدعاء وتكفلت
بالاجابة يا ارحم الراحمين وبعد از ان دعای علی بن الحسين ع که در صحیفه بواسطه
دخول ماه رمضان مذکور است بخوان وان اینست الحمد لله الذي هدانا لحمده
وجعلنا من اهله لنكون لاحسانه من الشاكرين وليجزينا على ذلك جزاء المحسنين
والحمد لله الذي حبانا بدينه واختصنا بملته وسبلنا في سبل احسانه
لنسلكها بمنه الى رضوانه حمدا يتقبله منا ويرضى به عنا والحمد لله الذي
جعل من تلك السبل شهره شهر رمضان شهر الصيام وشهر الاسلام وشهر
الطهور وشهر التمحيص وشهر الصيام الذي انزل فيه القران هدى للناس
وبينات من الهدى والفرقان فابان فضيلته على سائر الشهور بما جعل
له من الحرمات الموفورة والفضائل المشهورة فحرم فيه ما احل في غيره اعظاما
وحجر فيه المطاعم والمشارب اكراما وجعل له وقتا بينا لا يجيز جل وعز ان
يقدم قبله ولا يقبل ان يؤخر عنه ثم فضل ليلة واحدة من لياليه على ليالي
الف شهر وسماها ليلة القدر تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من
كل امر سلام دائم البركة الى طلوع الفجر على من يشاء من عباده بما احكم من
قضائه اللهم صل على محمد واله والهمنا معرفة فضله واجلال حرمته والتحفظ
مما حظرت فيه واعنا على صيامه بكف الجوارح عن معاصيك واستعمالها فيه
بما يرضيك حتى لا نصغي باسماعنا الى لغو ولا نسرع بابصارنا الى لهو وحتى لا
نبسط ايدينا الى محظور ولا نخطو باقدامنا الى محجور وحتى لا تعي بطوننا الا
ما احللت ولا تنطق السنتنا الا بما مثلت ولا نتكلف الا ما يدني من ثوابك
ولا نتعاطى الا الذي يقي من عقابك ثم خلص ذلك كله من رياء المرائين
وسمعة المسمعين لا نشرك فيه احدا دونك ولا نبتغي به مرادا سواك اللهم
صل على محمد واله وقفنا فيه على مواقيت الصلوات الخمس بحدودها التي
حددت وفروضها التي فرضت ووظائفها التي وظفت واوقاتها التي وقت
وانزلنا فيها منزلة المصيبين لمنازلها الحافظين لاركانها المؤدين لها في

اوقاتها علی ما سنّه عبدک ورسولک محمّد صلواتک علیه واله فی رکوعها
وسجودها وجمیع فواضلها علی اتمّ الطهور واسبغه وابین الخشوع وابلغه
ووفّقنا فیه لان نصل ارحامنا بالبرّ والصلة وان نتعاهد جیراننا بالافضال
والعطیّة وان نخلّص اموالنا من التبعات وان نطهّرها باخراج الزکوة وان
نراجع من هاجرنا وان ننصف من ظلمنا وان نسالم من عادانا حاشا من
عودی فیک ولک فانّه العدوّ الذی لا نوالیه والحزب الذی لا نصافیه
وان نتقرّب الیک فیه من الاعمال الزاکیة بما تطهّرنا به من الذنوب و
تعصمنا فیه ممّا نستانف من العیوب حتّی لا یورد علیک احد من ملائکتک
الا دون ما نورد من ابواب الطاعة لک وانواع القربة الیک اللهمّ انّی اسئلک
بحقّ هذا الشهر وبحقّ من تعبّد لک فیه من ابتدائه الی وقت فنائه من ملک
قرّبته او نبیّ ارسلته او عبد صالح اختصصته ان تصلّی علی محمّد واله و
اهّلنا فیه لما وعدت اولیائک من کرامتک واوجب لنا فیه ما اوجبت لاهل
المبالغة فی طاعتک واجعلنا فی نظم من استحقّ الرفیع الاعلی برحمتک اللهمّ
صلّ علی محمّد واله وجنّبنا الالحاد فی توحیدک والتقصیر فی تمجیدک والشکّ
فی دینک والعمی عن سبیلک والاغفال لحرمتک والانخداع لعدوّک الشیطان
الرجیم اللهمّ صلّ علی محمّد واله واذا کان لک فی کلّ لیلة من لیالی شهرنا هذا
رقاب یعتقها عفوک او یهبها صفحک فاجعل رقابنا من تلک الرقاب واجعلنا
لشهرنا هذا من خیر اهل واصحاب اللهمّ صلّ علی محمّد واله وامحق ذنوبنا مع
امحاق هلاله واسلخ عنّا تبعاتنا مع انسلاخ ایّامه حتّی ینقضی عنّا وقد صفّیتنا
فیه من الخطیئات واخلصتنا فیه من السیّئات اللهمّ صلّ علی محمّد واله
وان ملنا فیه فعدّلنا وان زغنا فیه فقوّمنا وان اشتمل علینا عدوّک الشیطان
الرجیم فاستنقذنا منه اللهمّ اشحنه بعبادتنا ایّاک وزیّن اوقاته بطاعتنا لک
واعنّا فی نهاره علی صیامه وفی لیله علی الصلوة والتضرّع الیک والخشوع
لک والذلّة بین یدیک حتّی لا یشهد نهاره علینا بغفلة ولا لیله بتفریط
اللهمّ واجعلنا فی سائر الشهور والایّام کذلک ما عمّرتنا واجعلنا من عباد

الصالحین

الصالحین الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون والذین یؤتون ما اتوا
وقلوبهم وجلة انّهم الی ربّهم راجعون ومن الذین یسارعون فی الخیرات وهم
لها سابقون اللهمّ صلّ علی محمّد واله فی کلّ وقت وکلّ اوان وعلی کلّ حال
عدد ما صلّیت علی من صلّیت علیه واضعاف ذلک کلّه بالاضعاف التی
لا یحصیها غیرک انّک فعّال لما ترید وسنّتست که در ایّام ماه رمضان این
ادعیه را بخوانند از برای هر روز دعای علیحده از اوّل ماه تا آخر ماه که از کتاب
ذخیره ابن عبّاس انها را از پیغمبر روایت کرده است در روز اوّل بگوید اللهمّ
اجعل صیامی فیه صیام الصائمین وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین واعف
عنّی یا عافیا عن المجرمین تا آنکه خدای تعالی هزار هزار حسنه باو دهد و هزار
هزار سیّئه او را محو کند و هزار هزار درجه او را بلند کند و در روز دویم
بگوید اللهمّ قرّبنی فیه الی مرضاتک وجنّبنی فیه سخطک ونقماتک ووفّقنی
فیه لقرائة ایاتک برحمتک یا ارحم الراحمین تا آنکه خدای تعالی بعدد هر گامی
که گذارد در جمیع عمر خود عبادت یکسال در نامهٔ اعمال او نویسند که روز بروزه
وشب بنماز باشد در روز سیّم بگوید اللهمّ ارزقنی فیه الذهن والتنبیه وباعدنی
من السفاهة والتمویه واجعل لی نصیبا فی کلّ خیر انزل فیه یا اجود الاجودین
تا آنکه خدای تعالی از برای او در جنّة الفردوس خانهٔ بنا کنند که در آن هزار غرفه
باشد از نور درخشنده ودر هر غرفه هزار کرسی باشد و بر هر کرسی حوری باشد
وداخل شود بر او در هر روز هزار ملک از نزد خدای تعالی که هر کدام هدیها از
برای او آورند و در روز چهارم بگوید اللهمّ قوّنی فیه علی اقامة امرک واوزعنی
لاداء شکرک بکرمک واحفظنی بحفظک وسترک یا ابصر الناظرین تا آنکه خدا
تعالی در جنّة الخلد باو هفتاد هزار تخت کرامت فرماید که بر روی هر تختی حوری
باشد در روز پنجم بگوید اللهمّ اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من
عبادک الصالحین واجعلنی فیه من اولیائک المتّقین برافتک یا اکرم
الاکرمین تا آنکه خدای تعالی در جنّة المأوی هزار هزار قصعه باو دهد که
در هر قصعه هزار لون از طعام باشد و در روز ششم بگوید اللهمّ لا تخذلنی

ایضا اینها را بخوانند

لِتَعَرُّضِ مَعاصِيكَ وَاَعِذْنِي مِنْ نَقِمَتِكَ وَمَهاوِيلِكَ وَاَجِرْنِي مِنْ مُوجِباتِ سَخَطِكَ
نِعْمَتِكَ وَاَيادِيكَ يا مُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبِينَ تا آنكه خدايتعالى در بهشت چهل
هزار شهر باو دهد كه در هر شهرى هزار هزار خانه باشد و در هر خانه هزار
تخت باشد كه طول هر تختى هزار ذرع باشد و بر هر تختى حورى باشد كه او را
هزار كيسو باشد و هر كيسوى او را يك كنيز بردارد و در روز هفتم بكويد اَللّهُمَّ
اَعِنّي عَلى صِيامِهِ وَقِيامِهِ وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ وَارْزُقْني فيهِ ذِكْرَكَ وَ
شُكْرَكَ بِدَوامِ هِدايَتِكَ يا هادِيَ الْمُؤْمِنينَ تا آنكه خدايتعالى در بهشت باو
كرامت كند انچه را كه بشهدا و سعدا و اوليا كرامت كرده است و در روز هشتم
بكويد اَللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتامِ وَاِطْعامَ الطَّعامِ وَاِفْشاءَ السَّلامِ وَ
ارْزُقْني فيهِ صُحْبَةَ الْكِرامِ وَمُجانَبَةَ اللِّئامِ بِطَوْلِكَ يا اَمَلَ الْآمِلينَ تا آنكه
عمل او با عمل صديقان بسوى اسمان مرفوع شود و در روز نهم بكويد اَللّهُمَّ اجْعَلْ
لي فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ وَاهْدِني فيهِ لِبَراهينِكَ الْقاطِعَةِ وَخُذْ
بِناصِيَتي اِلى مَرْضاتِكَ الْجامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يا اَمَلَ الْمُشْتاقينَ تا آنكه خدايتعالى
باو ثواب انبياى بنى اسرائيل كرامت كند و در روز دهم بكويد اَللّهُمَّ اجْعَلْني مِنَ
الْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ الْفائِزينَ لَدَيْكَ الْمُقَرَّبينَ اِلَيْكَ يا غايَةَ الطّالِبينَ تا آنكه
از براى او جميع چيزها استغفار كنند و در روز يازدهم بكويد اَللّهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ
فيهِ الْاِحْسانَ وَكَرِّهْ اِلَيَّ فيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فيهِ السَّخَطَ وَ
النّيرانَ بِعَوْنِكَ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ تا آنكه از براى او نوشته شود هر چه مقبول
كه انرا با پيغمبر كرده باشد و عمرى كه با اهل بيت بجاى اورده باشد و هر حجه كه
با غير حضرت پيغمبر كسى كند برابرى ميكند با هفتاد هزار حجه كه با غير پيغمبر بجا
اورد و هر عمره كه با اهل بيت انحضرت بجاى اورد برابرى ميكند با هفتاد هزار
عمره كه با غير ايشان بجاى اورد و در روز دوازدهم بكويد اَللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ
السِّتْرَ وَالْعَفافَ وَاكْسُني فيهِ لِباسَ الْقُنُوعِ وَالْكَفافِ وَجَنِّبْني فيهِ مِمّا اَحْذَرُ وَ
اَخافُ بِعِصْمَتِكَ يا عِصْمَةَ الْخائِفينَ تا آنكه خدايتعالى بيامرزد كناهان كذشته
و اينده او را و سيئات او را بحسنات مبدل سازد و در روز سيزدهم بكويد اَللّهُمَّ

اينها هم بخوانند

طَهِّرْني فيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْذارِ وَصَبِّرْني عَلى كائِناتِ الْاَقْدارِ وَوَفِّقْني لِلتُّقى
وَصُحْبَةِ الْاَبْرارِ بِعَوْنِكَ يا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَساكينِ تا آنكه خدايتعالى بعدد هر
سنكى و كلوخى حسنه باو كرامت كند و بعدد هر كدام درجه او را در بهشت
بلند كرداند و در روز چهاردهم بكويد اَللّهُمَّ لا تُؤاخِذْني فيهِ بِالْعَثَراتِ وَاَقِلْني
فيهِ مِنَ الْخَطايا وَالْهَفَواتِ وَلا تَجْعَلْني فيهِ غَرَضاً لِلْبَلايا وَالْآفاتِ بِعِزَّتِكَ يا عِزَّ
الْمُسْلِمينَ تا آنكه روزه او مثل روزه باشد كه با انبيا و صديقين و شهدا و
صالحين كرفته باشد و در روز پانزدهم بكويد اَللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ طاعَةَ الْخاشِعينَ
وَاشْرَحْ فيهِ صَدْري بِاِنابَةِ الْمُخْبِتينَ بِاَمانِكَ يا اَمانَ الْخائِفينَ تا آنكه خدا
تعالى هشتاد حاجت او را روا كند از حوائج دنيا و بيست حاجت او را از حوائج
اخرت و در جنة الفردوس هزار شهر باو دهد در همسايكى پيغمبران از نور درخشنده
كه در هر شهرى هزار هزار غرفه باشد و در هر غرفه هزار هزار حجره باشد و
در هر حجره انچه نفس او خواهد و چشم از ان محظوظ شود و موجود باشد و او در
انجا مخلد باشد روز شانزدهم بكويد اَللّهُمَّ اهْدِني فيهِ لِعَمَلِ الْاَبْرارِ وَجَنِّبْني
فيهِ مُرافَقَةَ الْاَشْرارِ وَاَدْخِلْني فيهِ بِرَحْمَتِكَ دارَ الْقَرارِ بِاِلهِيَّتِكَ يا اِلهَ
الْعالَمينَ تا آنكه خدايتعالى در روزى كه او را از قبر بيرون مى اورد باو نور
درخشانى كرامت فرمايد كه در ان نور راه رود و حله از بهشت باو بپوشانند
و ناقه باو دهند كه بر ان سوار شود و از شراب بهشت باو دهند و در روز هفدهم
بكويد اَللّهُمَّ اهْدِني فيهِ لِصالِحِ الْاَعْمالِ وَاقْضِ لي فيهِ الْحَوائِجَ وَالْآمالَ يا مَنْ
لا يَحْتاجُ اِلَى التَّفْسيرِ وَالسُّؤالِ يا عالِماً بِما في صُدُورِ الْعالَمينَ تا آنكه او را خدايتعالى بيامرزد
اكرچه از خاسران باشد و در روز هيجدهم بكويد اَللّهُمَّ نَبِّهْني فيهِ لِبَرَكاتِ اَسْحارِهِ
وَنَوِّرْ قَلْبي بِضِياءِ اَنْوارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ اَعْضائي اِلَى اتِّباعِ آثارِهِ بِنُورِكَ يا مُنَوِّرَ قُلُوبِ
الْعارِفينَ تا آنكه خدايتعالى ثواب هزار پيغمبر باو دهد و در روز نوزدهم
بكويد اَللّهُمَّ وَفِّرْ حَظّي فيهِ مِنْ بَرَكاتِهِ وَسَهِّلْ سَبيلي اِلى خَيْراتِهِ وَلا تَحْرِمْني قَبُولَ حَسَناتِهِ
يا هادِياً اِلَى الْحَقِّ الْمُبينِ تا آنكه ملائكه اسمانها و زمينها از براى او استغفار
و دعا كنند و در روز بيستم بكويد اَللّهُمَّ افْتَحْ لي فيهِ اَبْوابَ الْجِنانِ وَاَغْلِقْ عَنّي

ایضاً اینها هم بخوانند

ابواب النیران ووفقنی فیه لتلاوة القرآن یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین
تا انکه بعدد هر کس که در ماه رمضان روزه گرفته است عبادت شصت سال
مقبوله از برای او نوشته شود و خدایتعالی هزار هزار ملک را بر انگیزاند تا
او را حفظ کند از شر هر جبار عنید و هر شیطان مرید و خدایتعالی هزار میان او
و آتش دوزخ هفتاد خندق بیافریند که عرض هر خندقی میان آسمان و زمین
در مثل باشد و در روز بیست و یکم بگوید اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتک
دلیلا ولا تجعل علی فیه للشیطان سبیلا یا قاضی حوائج السائلین تا انکه
خدایتعالی قبر او را نورانی گرداند و روی او را سفید گرداند و بر صراط مثل
برق جهنده بگذرد و در روز بیست و دوم بگوید اللهم افتح لی فیه ابواب
فضلک وانزل علی فیه برکاتک ووفقنی فیه لموجبات مرضاتک واسکنی فیه
بحبوحة جناتک یا مجیب دعوة المضطرین تا انکه خدایتعالی سکرات مرگ را بر او
و سؤال منکر و نکیر را بر او آسان کند و او را ثابت گرداند بر قول ثابت و در روز
بیست و سیم بگوید اللهم اغسلنی فیه من الذنوب وطهرنی فیه من العیوب
وامتحن فیه قلبی بتقوی القلوب یا مقیل عثرات المذنبین تا انکه با پیغمبران و
شهدا و صلحا مثل برق جهنده از صراط بگذرد و در روز بیست و چهارم بگوید
اللهم انی اسئلک فیه ما یرضیک واعوذ بک فیه مما یؤذیک کان المعاد
ولا اعصیک یا عالما بما فی صدور العالمین تا انکه خدایتعالی بعدد هر مویی
که بر سر و جسد اوست هزار کنیز و هزار غلام که مثل یاقوت و مرجان باشد باو
دهد و در روز بیست و پنجم بگوید اللهم اجعلنی محبا لاولیائک ومعادیا لاعدائک
ومتمسکا بسنة انبیائک یا عاصم قلوب النبیین تا انکه خدایتعالی در بهشت
بنا کند از برای او صد قصر که بر هر قصری خیمه سبزی باشد و در روز بیست و
ششم بگوید اللهم اجعل سعیی فیه مشکورا وذنبی فیه مغفورا وعملی فیه مقبولا
وعیبی فیه مستورا یا اسمع السامعین تا انکه در قیامت او را ندا کنند که ای
بنده خدا آمرزیده شده و مگین مباش که خدایتعالی ترا آمرزید و در روز بیست
و هفتم بگوید اللهم وفر حظی فیه من النوافل واکرمنی فیه باحضار الاحزان

للشیطان م

اینُ‌عا هم‌ بخواند

واسئلک التوفیق فیه م

من المسائل وقرب وسیلتی الیک من بین الوسائل یا من لا یشغله الحاح
الملحین تا انکه ثواب کسی باو دهند که طعام داده باشد هر گرسنه را و سیراب
گردانیده باشد هر تشنه را و اکرام کرده باشد هر مؤمن و مؤمنه را که در
دنیاست و در روز بیست و هشتم بگوید اللهم غشنی فیه بالرحمة وارزقنی فیه التوفیق
والعصمة وطهر قلبی من غیاهب التهمة یا رؤفا بعباده المؤمنین تا انکه در
بهشت چندان بهره باو دهند که اگر قیاس کرده شود ضعیف بهره او بدنیا
چهل برابر دنیا باشد و در روز بیست و نهم بگوید اللهم ارزقنی فیه فضل لیلة القدر
وصیر لی کل عسیر الی یسیر واقبل معاذیری وحط عنی الوزر یا رحیما بعباده
المؤمنین تا انکه بنا کرده شود از برای او در بهشت هزار شهر از طلا و نقره
و زمرد و مروارید و در روز سی ام بگوید اللهم اجعل صیامی فیه بالشکر
والقبول علی ما ترضاه ویرضاه الرسول محکمة فروعه بالاصول بحق محمد
وآله الطیبین الطاهرین تا انکه خدایتعالی اکرام کند او را مثل کرامت
انبیا و اوصیاء و سنت است که در هر روز از ماه رمضان و در شب این ماه این
دعا را بخوانند و این دعا را دعای حج مینامند و آن را ابو الفتوح کراجکی در
کتاب روضة العابدین ذکر کرده است و شیخ مفید نیز او را ذکر کرده است و
کلینی نیز روایت کرده است از امام جعفر صادق که آنحضرت در ماه رمضان
این دعا را میخواندند و آن اینست اللهم منک اطلب حاجتی ومن طلب حاجته
الی احد من الناس فانی لا اطلب حاجتی الا منک وحدک لا شریک لک
اسئلک بفضلک ورضوانک ان تصلی علی محمد واهل بیته وان تجعل
لی فی عامی هذا الی بیتک الحرام سبیلا حجة مبرورة متقبلة زاکیة خالصة
لک تقر بها عینی وترفع بها درجتی وترزقنی ان اغض بصری وان احفظ
فرجی وان اکف عن جمیع محارمک حتی لا یکون عندی شیء آثر من طاعتک
وخشیتک والعمل بما احببته والترک لما کرهت ونهیت عنه واجعل ذلک
فی یسر منک وعافیة واوزعنی شکر ما انعمت به علی واسئلک ان تجعل
وفاتی قتلا فی سبیلک تحت رایة محمد نبیک مع ولیک صلواتک علیهما

وارزقنی فیه م

غیاهب

فیه فضل م

ایضا
در ماه رمضان این دعا را
بخواند

الاثم

واسئلك ان تقتل بي اعدائك واعداء رسولك وان تكرمني بهوان من شئت
من خلقك ولا تهنّي بكرامة احد من اوليائك اللهم اجعل لي مع الرسول
سبيلا حسبي الله ما شاء الله وصلى الله على سيدنا محمد رسوله خاتم النبيين
واله الطاهرين وسنتست كه دعائي را بخواند كه از پيغمبر مرويست كه كسيكه
اين دعا را در ماه رمضان بعد از نماز واجبي بخواند خدايتعالى گناهان او را تا قيامت
ميامرزد وان دعا اينست اللهم ادخل على اهل القبور السرور اللهم اغن كل فقير
اللهم اشبع كل جائع اللهم اكس كل عريان اللهم اقض دين كل مدين اللهم
فرّج عن كل مكروب اللهم ردّ كل غريب اللهم فكّ كل اسير اللهم اصلح كل
فاسد من امور المسلمين اللهم اشف كل مريض اللهم سدّ فقرنا بغناك اللهم
غيّر سوء حالنا بحسن حالك اللهم اقض عنا الدين واغننا من الفقر انك على
كل شيء قدير وسيد ابن علي الحسين بن باقي در كتاب اختيار خود ذكر كرده است
كه كسيكه در هر روز از ماه رمضان اين دعا را بخواند خدايتعالى گناهان چهل
ساله او را مى آمرزد وان دعا اينست اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت فيه
القران وافترضت على عبادك فيه الصيام وارزقني حج بيتك الحرام في هذا
العام وفي كل عام واغفر لي الذنوب العظام فانه لا يغفرها غيرك يا ذا الجلال
والاكرام وبعد از ان دعائي را بخواند كه شيخ طوسي در متهجد خود ذكر كرده
است كه در هر روز از ماه رمضان بايد خواند واز اينست اللهم هذا شهر رمضان
الذي انزلت فيه القران هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان وهذا
شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا
شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر
فيه ليلة القدر التي هي خير من الف شهر اللهم صل على محمد وال محمد
واعني على صيامه وقيامه وسلّمه لي وسلّمني فيه واعني عليه بافضل عونك
ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك صلى الله عليهم وفرّغني
فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك واعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه
العافية واصحّ فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني فيه ما اهمّني واستجب فيه

القبور

دعا

هر روز ماه مبارك رمضان بخوانند

دعائي وبلّغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وال محمد واذهب عني فيه النعاس
والكسل والسامة والفترة والقسوة والغفلة والغرّة وجنّبني فيه العلل
والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا والذنوب و
اصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سميع
الدعاء اللهم صل على محمد وال محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه
ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وكيده ومكره وحبائله وخدعه و
امانيه وغروره وفتنته وشركه واحزابه واتباعه واشياعه واوليائه و
شركائه وجميع مكائده اللهم صل على محمد وال محمد وارزقنا قيامه وصيامه
وبلوغ الامل فيه وتمامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وايمانا
ويقينا ثم تقبّل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب العالمين
اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة والاجتهاد والقوة و
النشاط والانابة والتوبة والقربة والخير المقبول والرهبة والتضرّع والخشوع
والرقّة والنيّة الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك و
التوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول ومقبول
السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا
مرض ولا همّ ولا غمّ ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفّظ لك
وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم صل على محمد وال محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين
واعطني فيه افضل ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنّن
والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار
والفوز بالجنة وخير الدنيا والاخرة اللهم صل على محمد وال محمد واجعل
دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا
وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكبر وحظي فيه
الاوفر اللهم صل على محمد وال محمد ووفقني فيه لليلة القدر على افضل
حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا

من ألف شهر وارزقني فيها أفضل ما رزقت أحداً ممن بلغته إياها وأكرمته
بها واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك
بمغفرتك ورضوانك يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا
في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر
وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما أنزلت فيه من القرآن و
رب جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وجميع الملائكة المقربين ورب إبراهيم وإسمعيل
وإسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم
النبيين صلواتك عليهم أجمعين وأسئلك بحقهم عليك وبحقك العظيم لما
صليت عليهم وآله أجمعين ونظرت إلي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضى لا تسخط
علي بعده أبداً وأعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وأمنيتي وإرادتي وصرفت عني
ما أكره وأحذر وأخاف على نفسي وما لا أخاف وعن أهلي ومالي وإخواني و
ذريتي اللهم إليك فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين وتب علينا مستغفرين
واغفر لنا متعوذين وأعذنا مستجيرين وأجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين
وآمنا راغبين وشفعنا سائلين وأعطنا إنك سميع الدعاء قريب مجيب
اللهم أنت ربي وأنا عبدك وأحق من سأل العبد ربه ولم يسأل العباد
مثلك كرماً وجوداً يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى حاجة الراغبين
ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ
المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج
هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا أرحم الراحمين
اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي وإسائتي وظلمي وجرمي و
إسرافي على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فإنه لا يملكها غيرك واعف
عني واغفر لي كلما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي و
على والدي وولدي وقرابتي وأهل حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين
والمؤمنات في الدنيا والآخرة فإن ذلك كله بيدك وأنت واسع المغفرة فلا
تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا ترد يدي إلى نحري حتى تفعل ذلك بي

عليهم خ
عليه وآله خ

وتستجيب لي في جميع ما سألتك وتزيدني من فضلك فإنك على كل شيء
قدير ونحن إليك راغبون اللهم لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا
والكبرياء والآلاء أسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم إن كنت قضيت
في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها أن تصلي على محمد وآل محمد وأن
تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني في عليين وإسائتي
مغفورة وأن تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وإيماناً لا يشوبه شك ورضى بما
قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار وإن
لم تكن قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها بإذن ربهم فأخرني
إلى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل
على محمد وآل محمد بأفضل صلواتك يا أرحم الراحمين يا أحد يا صمد يا رب
محمد اغضب اليوم لمحمد ولأبرار عترته واقتل أعداءهم بدداً وأحصهم عدداً
ولا تدع على ظهر الأرض منهم أحداً ولا تغفر لهم أبداً يا حسن الصحبة يا خليفة
النبيين أنت أرحم الراحمين البدي البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم
غير الغافل والحي الذي لا يموت أنت كل يوم في شأن أنت خليفة محمد و
ناصر محمد ومفضل محمد أسئلك أن تنصر وصي محمد وخليفة محمد والقائم
بالقسط من أوصياء محمد صلواتك عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا إله
إلا أنت بحق لا إله إلا أنت صل على محمد وآل محمد واجعلني معهم في الدنيا و
الآخرة واجعل عاقبة أمري إلى غفرانك ورحمتك يا أرحم الراحمين وكذلك
نسبت نفسك يا سيدي باللطف بلى إنك لطيف صل على محمد وآل محمد و
الطف لما تشاء اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا
هذا وتطول علي بجميع حوائجي للآخرة والدنيا پس بگوید استغفر الله ربي و
أتوب إليه إن ربي قريب مجيب أستغفر الله ربي وأتوب إليه إن ربي رحيم ودود
أستغفر الله ربي وأتوب إليه إنه كان غفاراً اللهم اغفر لي إنك أرحم الراحمين
رب إني عملت سوءاً وظلمت نفسي فاغفر لي إنه لا يغفر الذنوب إلا أنت أستغفر
الله الذي لا إله إلا هو الحي القيوم الحليم العظيم الكريم الغافر للذنب العظيم

لي فإنك لطيف خ

واتوب اليه استغفر الله ان الله كان غفورا رحيما پس سه بار بگويد اللهم انى
اسئلك ان تصلى على محمد وال محمد وان تجعل فيما تقضى وتقدر من الامر العظيم
المحتوم فى ليلة القدر من القضاء الذى لا يرد ولا يبدل ان تكتبنى من حجاج بيتك
الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم و
ان تجعل فيما تقضى وتقدر ان تطيل عمرى وتوسع رزقى وتؤدى عنى امانتى و
دينى امين رب العالمين اللهم اجعل لى فرجا ومخرجا وارزقنى من حيث احتسب
ومن حيث لا احتسب واحرسنى من حيث احترس ومن حيث لا احترس وصل
على محمد وال محمد وسلم كثيرا وبعد از ان بگويد يا ذا الذى كان قبل كل شئ و
خلق كل شئ ثم يبقى ويفنى كل شئ يا ذا الذى ليس فى السموات العلى ولا
فى الارضين السفلى ولا فوقهن ولا بينهن ولا تحتهن اله يعبد غيره لك الحمد
حمدا لا يقوى على احصائه الا انت صل على محمد وال محمد صلوة لا يقوى على
احصائها الا انت ونيز در هر روز ماه رمضان اين دعا را بخواند اللهم انى
اسئلك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم انى اسئلك بفضلك
كله اللهم انى اسئلك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم انى اسئلك
برزقك كله اللهم انى اسئلك من عطائك باهنأه وكل عطائك هنيئة
اللهم انى اسئلك بعطائك كله اللهم انى اسئلك من خيرك باعجله وكل خيرك
عاجل اللهم انى اسئلك بخيرك كله اللهم انى اسئلك من احسانك باحسنه و
كل احسانك حسن اللهم انى اسئلك باحسانك كله اللهم انى اسئلك بما
تجيبنى به حين اسئلك فاجبنى يا الله وصل على محمد عبدك المرتضى ورسولك
المصطفى وامينك المجتبى ونجيك دون خلقك ونجيبك من عبادك ونبيك
بالصدق وحبيبك المفضل على رسلك صل على محمد رسولك وخيرتك من
العالمين البشير النذير السراج المنير وعلى اهل بيته الابرار الطاهرين الاخيار
وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك
الذين ينبؤن عنك بالصدق وعلى رسلك الذين خصصتهم بوحيك وفضلتهم
على العالمين برسالتك وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم فى رحمتك

در هر روز ماه رمضان اين دعا بخواند

الائمة المهتدين الراشدين واوليائك المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل
واسرافيل وملك الموت ورضوان خازن الجنان ومالك خازن النار وروح
الله القدس والروح الامين وحملة عرشك المقربين وعلى الملكين الحافظين
على بالصلوة التى تحب ان يصلى بها عليهم اهل السموات واهل الارضين
صلوة طيبة كثيرة مباركة زاكية نامية ظاهرة باطنة شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على
الاولين والاخرين اللهم اعط محمدا صلى الله عليه واله الوسيلة والفضيلة
واجزه خير ما جزيت نبيا عن امته اللهم فاعط محمدا صلى الله عليه واله مع كل
زلفة زلفة ومع كل وسيلة وسيلة ومع كل فضيلة فضيلة ومع كل شرف شرفا
حتى تعطى محمدا واله يوم القيمة افضل ما اعطيت احدا من الاولين والاخرين
اللهم واجعل محمدا صلى الله عليه واله ادنى المرسلين منك مجلسا وافسحهم
فى الجنة عندك منزلا واقربهم اليك وسيلة واجعله اول
شافع واول مشفع واول قائل وانجح سائل وابعثه المقام المحمود الذى يغبطه
به الاولون والاخرون يا ارحم الراحمين واسئلك ان تصلى على محمد وال
محمد وان تسمع صوتى وتجيب دعوتى وتجاوز عن خطيئتى وتصفح عن ظلمى وتنجح
طلبتى وتقضى حاجتى وتنجز لى ما وعدتنى وتقيل عثرتى وتغفر ذنوبى وتعفو
عن جرمى وتقبل توبتى وتقبل على ولا تعرض عنى وترحمنى ولا تعذبنى وتعافينى
ولا تبتلينى وترزقنى من الرزق اطيبه واوسعه ولا تحرمنى يا رب واقض عنى
دينى وضع عنى وزرى ولا تحملنى ما لا طاقة لى به يا مولاى وادخلنى فى كل خير ادخلت
فيه محمدا وال محمد واخرجنى من كل سوء اخرجت منه محمدا وال محمد صلواتك
عليه وعليهم اجمعين والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته پس بگويد اللهم
انى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى سه بار اللهم انى اسئلك قليلا
من كثير مع حاجة بى اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندى كثير وهو عليك
سهل يسير فامنن على به انك على كل شئ قدير امين رب العالمين در هر روز
از ماه رمضان اين تسبيح را بخواند واين ده جزو است جزو اول اين است
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها

اول

زلفة

سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان
الله رب العالمين سبحان الله السميع الذي ليس شيء اسمع منه يسمع من فوق
عرشه ما تحت سبع ارضين ويسمع ما في ظلمات البر والبحر ويسمع الانين و
الشكوى ويسمع السر واخفى ويسمع وساوس الصدور ولا يصم سمعه صوت
دويم سبحان الله بارئ النسم الى قوله رب العالمين سبحان الله البصير الذي ليس شيء
ابصر منه يبصر من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويبصر ما في ظلمات البر و
البحر ولا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير لا يغشي
بصره الظلمة ولا يستتر منه بستر ولا يواري منه جدار ولا يغيب عنه بر ولا بحر
ولا يكن منه جبل ما في اصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يستتر
منه صغير ولا كبير ولا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء هو الذي يصوركم
في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم سيم سبحان الله بارئ النسم
سبحان الله الى قوله رب العالمين سبحان الله الذي ينشئ السحاب الثقال و
يسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء
ويرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته وينزل الماء من السماء بكلمته وينبت
النبات بقدرته ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال
ذرة في الارض ولا في السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين
چهارم سبحان الله بارئ النسم الى قوله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم
ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم
الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء منكم من اسر القول ومن جهر به و
من هو مستخف بالليل وسارب بالنهار له معقبات من بين يديه ومن
خلفه يحفظونه من امر الله سبحان الله الذي يميت الاحياء ويحيي الموتى ويعلم
ما تنقص الارض منهم ويقر في الارحام ما يشاء الى اجل مسمى پنجم سبحان
الله بارئ النسم الى قوله رب العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك
من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك

الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج
الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب ششم
سبحان الله بارئ النسم الى قوله رب العالمين سبحان الله الذي عنده مفاتح
الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا
حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين هفتم سبحان
الله بارئ النسم الى قوله رب العالمين سبحان الله الذي لا يحصي مدحته القائلون
ولا يجزي بآلائه الشاكرون العابدون وهو كما قال وفوق ما يقول القائلون
والله سبحانه كما اثنى على نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع
كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم هشتم سبحان
الله بارئ النسم الى قوله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج في الارض وما
يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل من السماء وما
يعرج فيها عما يلج في الارض وما يخرج منها عما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا
يشغله علم شيء عن علم شيء ولا يشغله خلق شيء عن خلق شيء ولا حفظ شيء
عن حفظ شيء ولا يساويه شيء ولا يعدله شيء ليس كمثله شيء وهو
السميع البصير نهم سبحان الله بارئ النسم الى قوله رب العالمين سبحان الله
فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث و
رباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة
فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم دهم سبحان
الله بارئ النسم الى قوله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما في السموات و
ما في الارض ما يكون من نجوى ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم
ولا ادنى من ذلك ولا اكثر الا هو معهم اين ما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم
القيمة ان الله بكل شيء عليم وبعد از ان بگويد ان الله وملائكته يصلون على
النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك يا رب وسعديك
وسبحانك اللهم صل على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت و
باركت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم ارحم محمدا وآل محمد كما رحمت

ابرهیم وال ابرهیم انک حمید مجید اللهم سلم علی محمد وال محمد کما سلمت علی
نوح فی العالمین اللهم امنن علی محمد وال محمد کما مننت علی موسی وهرون
اللهم صل علی محمد وال محمد کما هدیتنا به اللهم صل علی محمد وال محمد کما
شرفتنا به اللهم صل علی محمد وال محمد وابعثه مقاما محمودا یغبطه به الاولون
والاخرون اللهم صل علی محمد وال محمد کلما طلعت شمس او غربت علی محمد
وال محمد السلام کلما ذکر السلام علی محمد واله السلام کلما سبح الله ملک او
قدسه السلام علی محمد واله فی کل وقت وحین السلام علی محمد واله فی الاولین
السلام علی محمد واله فی الدنیا والاخرة اللهم رب البلد الحرام ورب الرکن و
المقام ورب الحل والحرام ابلغ نبیک محمدا صلی الله علیه واله عنا السلام
اللهم اعط محمدا صلی الله علیه واله من البهاء والنضرة والسرور والکرامة والغبطة
والوسیلة والمنزلة والمقام والشرف والرفعة والشفاعة عندک یوم القیمة
افضل ما تعطی احدا من خلقک واعط محمدا واله فوق ما تعطی الخلائق من الخیر
اضعافا کثیرة لا یحصیها غیرک اللهم صل علی محمد وال محمد اطیب واطهر و
ازکی وانمی وافضل ما صلیت علی احد من الاولین والاخرین وعلی احد من
خلقک یا ارحم الراحمین اللهم صل علی علی امیر المؤمنین ووصی رسول رب
العالمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه و
شرک فی دمه اللهم صل علی فاطمة بنت نبیک والعن من اذی نبیک فیها
اللهم صل علی الحسن والحسین امامی المسلمین ووال من والاهما وعاد من عاداهما
وضاعف العذاب علی من شرک فی دمهما اللهم صل علی علی بن الحسین امام المسلمین
ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل
علی محمد بن علی امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
علی من ظلمه اللهم صل علی جعفر بن محمد امام المسلمین ووال من والاه وعاد
من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل علی موسی بن جعفر امام
المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من شرک فی
دمه اللهم صل علی علی بن موسی امام المسلمین ووال من والاه وعاد من

عاداه وضاعف العذاب علی من شرک فی دمه اللهم صل علی محمد بن علی امام
المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه
اللهم صل علی علی بن محمد امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه
وضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل علی الحسن بن علی امام المسلمین
ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل
علی الخلف من بعده امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل اللهم
فرجه اللهم صل علی الطاهر والقاسم ابنی نبیک اللهم صل علی رقیة
وام کلثوم بنتی نبیک والعن من اذی نبیک فیهما اللهم صل علی الخیرة من ذریة
نبیک اللهم اخلف نبیک فی اهل بیته اللهم مکن لهم فی الارض اللهم اجعلنا
من عددهم ومددهم واشیاعهم واتباعهم وانصارهم علی الحق فی السر و
العلانیة اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وکف عنا وعنهم وعن کل
مؤمن ومؤمنة باس کل باغ وطاغ وکل دابة انت اخذ بناصیتها انک اشد
باسا واشد تنکیلا و در کتاب فردوس مذکور است که در هر روز از ماه رمضان
سنت است خواندن این دعا یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی
لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر وهذا شهر شرفته وعظمته وکرمته و
فضلته علی الشهور وهو شهر رمضان الذی انزلت فیه القران هدی للناس
وبینات من الهدی والفرقان وجعلت فیه لیلة القدر وجعلتها خیرا من
الف شهر یا ذا المن ومن علی بفکاک رقبتی من النار فیمن تمن علیه برحمتک یا
ارحم الراحمین خاتمه و در ان دو فصلست فصل اول در بیان دعائی که نزد افطار
میباید خواند از حضرت پیغمبر ص مرویست که کسیکه وقت افطار این دعا را بخواند
گناهان بیرون می اید مثل ان روزی که از مادر متولد شده است و ان دعا اینست
یا عظیم یا عظیم یا عظیم انت الله لا اله الا انت اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر
الذنب العظیم الا انت یا عظیم و بعد از ان دعائی را بخوان که پیغمبر ص بامیر المؤمنین ع
یاد داده است که در وقت افطار بخواند و در روایات وارد شده است که پیغمبر ص
بامیر المؤمنین ع گفت که یا ابا الحسن این ماه رمضانست که روی اورده است پس

در وقت افطار این دعا بخوانند

باید که قبل از افطار این دعا را بخواند بواسطهٔ آنکه جبرئیل مرا از جانب الله تعالی
خبر داده است که کسیکه در رمضان قبل از افطار این دعا را بخواند خدا تعالی
روزه او را قبول میکند و دعای او را اجابت میکند و گناه او را می آمرزد و اندوه
او را مبدل میکند بفرح و حوائج او را روا میکند و عمل او را با اعمال انبیا و صدیقین
بلند میسازد بسوی خود و در روز قیامت بعرصات می آید در حالتیکه روی او مثل
ماه شب چهارده میدرخشیده باشد و آن دعا اینست اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ تا آخر
و سید بن باقی در اختیار خود روایت کرده است از صادق ع که کسیکه نزد سحور خود
و افطار خود سورهٔ قدر بخواند مثل کسی است که در راه خدا بخون خود غلطیده باشد
و پیغمبر ص فرموده است که هر روزه داری در وقت افطار یک دعای مستجابست
باید که در لقمهٔ اول بگوید بِسْمِ اللّٰهِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِی پس کسیکه در وقت افطار

در وقت افطار بخواند

این دعا را بخواند از گناهان آمرزیده میشود و آن دعا اینست اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ
وَرَبَّ الْکُرْسِیِّ الرَّفِیعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَرَبَّ الشَّفْعِ الْکَبِیرِ وَالنُّورِ الْعَزِیزِ وَرَبَّ
التَّوْرٰیةِ وَالْاِنْجِیلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِیمِ اَنْتَ اِلٰهُ مَنْ فِی السَّمٰوَاتِ وَاِلٰهُ مَنْ
فِی الْاَرْضِ لَا اِلٰهَ فِیهِمَا غَیْرُکَ وَاَنْتَ جَبَّارُ مَنْ فِی السَّمٰوَاتِ وَجَبَّارُ مَنْ فِی الْاَرْضِ
لَا جَبَّارَ فِیهِمَا غَیْرُکَ وَاَنْتَ مَلِکُ مَنْ فِی السَّمٰوَاتِ وَمَلِکُ مَنْ فِی الْاَرْضِ لَا مَلِکَ
فِیهِمَا غَیْرُکَ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْکَبِیرِ وَنُورِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَمُلْکِکَ الْقَدِیمِ یَا حَیُّ
یَا قَیُّومُ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی اَشْرَقَ بِهِ کُلُّ شَیْءٍ
بِاسْمِکَ الَّذِی اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ وَبِاسْمِکَ الَّذِی صَلَحَ بِهِ الْاَوَّلُونَ
وَبِهِ یَصْلُحُ الْآخِرُونَ یَا حَیًّا قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَیَا حَیًّا بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ یَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِی ذُنُوبِی وَاجْعَلْ لِی مِنْ اَمْرِی یُسْرًا وَفَرَجًا قَرِیبًا
وَثَبِّتْنِی عَلٰی دِینِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰی هُدٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰی سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَاجْعَلْ عَمَلِی فِی الْمَرْفُوعِ الْمُتَقَبَّلِ وَهَبْ لِی کَمَا وَهَبْتَ
لِاَوْلِیَائِکَ وَاَهْلِ طَاعَتِکَ فَاِنِّی مُؤْمِنٌ بِکَ مُتَوَکِّلٌ عَلَیْکَ مُنِیبٌ اِلَیْکَ مَعَ مَصِیرِی
اِلَیْکَ وَتَجْمَعُ لِی وَلِاَهْلِی وَلِوُلْدِی الْخَیْرَ کُلَّهُ وَتَصْرِفُ عَنِّی وَعَنْ وُلْدِی وَاَهْلِی الشَّرَّ
کُلَّهُ اَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِیعُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ تُعْطِی الْخَیْرَ مَنْ تَشَاءُ وَتَصْرِفُهُ

عَمَّنْ تَشَاءُ فَامْنُنْ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و نیز امیر المؤمنین ع در وقت افطار
این دعا را میخواندند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ لَکَ صُمْنَا وَعَلٰی رِزْقِکَ اَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ
مِنَّا اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و حضرت صادق ع نزد افطار میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
اَعَانَنَا فَصُمْنَا وَرَزَقَنَا فَاَفْطَرْنَا اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا وَاَعِنَّا عَلَیْهِ وَسَلِّمْنَا فِیهِ وَ
تَسَلَّمْهُ وَسَلِّمْهُ مِنَّا فِی یُسْرٍ مِنْکَ وَعَافِیَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی قَضٰی عَنَّا یَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ
فصل دوم در ثواب افطار فرمودن روزه دار و در بیان آنچیزی که افطار بآن باید
کرد و ذکر روایتی چند در فضل ماه رمضان از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست
که کسیکه روزه داری را افطار فرماید مر او راست مثل اجر روزه دار و در حدیث
دیگر وارد شده است که کسیکه آب دهد روزه داری را خدا تعالی او را از حوض
کوثر شربتی دهد که بعد از آن تشنه نشود تا آنکه داخل بهشت شود و ثواب آزادی
یک بنده دارد و این روایت را ابن باقی در اختیار خود ذکر کرده است و از ابو
الحسن ع مرویست که روزه گشودن تو مر برادر صایم خود را بهتر است از روزه
داشتن تو و حضرت پیغمبر ص فرموده است که سحور کنید و اگرچه بجرعهٔ از آب باشد
زیرا که خدا تعالی صلوات میفرستد بر سحور خواران و نیز از آنحضرت ص مرویست که فرمود
که سحور برکت است پس باید که امت من ترک نکنند سحور را و اگرچه بیک خرمای
زبونی باشد و حضرت صادق ع فرمود که در ماه رمضان فضیلت در سحور راست
و از حضرت پیغمبر ص مرویست که کسیکه روزه داری را روزه بگشاید مر او راست
مثل اجر روزه دار بی آنکه از اجر او چیزی کم شود و هر عمل خوبی که آن صایم بقوت
آن طعام بجای آورد مثل ثواب آن عمل را خدا تعالی باو میدهد بی آنکه از اجر
عامل آن چیزی کم شود و نیز از آنحضرت ص مرویست که کسیکه افطار فرماید روزه
داری را مر او راست نزد خدا تعالی ثواب آزادی بنده و مغفرت گناهان گذشته
و بعضی از اصحاب گفتند که یا رسول الله تمامت ما قادر نیستیم بر روزه گشودن روزه
دار آنحضرت فرمود که خدا تعالی کریم است این ثواب را میدهد بکسی که قادر نباشد
مگر بر یک جرعهٔ شیر که بآن صایم را افطار فرماید یا یک شربت آب شیرین یا چند
خرما هر گاه کسیکه قادر نباشد بر زیاده از این مذکورات بهر یک از آنها کرم

را افطار فرماید این ثواب دارد و از امام محمد باقر مرویست که فرمود که اول نماز
کن و بعد از ان روزه بگشا مگر انکه جماعتی انتظار تو بکشند که در این وقت اول
افطار کن و بعد از ان نماز کن و اما اگر کسی انتظار تو نکشد یا نفس تو با تو منازعت
نکند ابتدا بنماز کن زیرا که دو فرض حاضر شده است نزد تو یکی افطار و یکی نماز پس
باید که ابتدا کنی بفاضلترین انها و فاضلترین انها نماز است و بعد از ان فرمود که
نماز کن در حالتی که صایم باشی دوست میدارم که نماز تو ختم شود بروزه و از حضرت
پیغمبر مرویست که فرمود که هرگاه افطار کند احدی از شما پس باید که افطار کند بر
خرما پس اگر خرما نباشد پس باید که افطار کند بر اب پس بدرستیکه اب طهور است
و حضرت صادق هرگاه افطار میکرد ابتدا بحلوا میکرد و اگر حلوا نبود بخرما افطار
میکرد و اگر هیچ کدام نبود باب گرم افطار میکرد و میفرمود که اب فاطر معده را پاک
میسازد و باصره را قوت میدهد و گناهان را میشوید و عروق مضطربه را ساکن
میگرداند و صفرای غالب را فرو مینشاند و بلغم را قطع میکند و اطفای حرارت میکند
و درد سر را برطرف میکند و از حضرت صادق مرویست که فرمود که هرکس که روزه
بدارد چشمهای او از مکان خود زایل میشود و هرگاه بشیرینی افطار کند چشمهای او
میکند بمکان خود و از پیغمبر مرویست که فرمود که کسیکه ماه رمضان را روزه
دارد و فرج و زبان خود را نگاه دارد و بکسی ازار نرساند خدا تعالی گناهان گذشته
او را و اینده او را می امرزد و او را از اتش دوزخ ازاد میکند و او را در دار القرار
فرود می اورد و شفاعت او را قبول میکند در حق گناهکاران اهل توحید و اگرچه
عدد گناهکاران مثل ریگ بیابان باشد و اگر گویند که خدا تعالی مستغنی است
از گرسنه گردانیدن بندگان خود پس چه حکمت است در وجوب روزه جواب گوییم
که خدا تعالی روزه را واجب گردانید تا انکه غنی بر فقیر رحم کند و راغب شود بر
و مددکاری او چنانچه در وقت احرام رحم امر کرده است بعریان ساختن بدن تا
انکه غنی متذکر برهنگی فقیر شود و بر او رحم کند و این روایت را شیخ عبد الرحمن
بن عتائقی رحمه الله در عزر خود ذکر کرده است و از حضرت صادق مرویست که
فرمود که روزه تنها امساک از طعام و شراب نیست و بعد از ان فرمود که قالت

انی نذرت للرحمن صوما یعنی مریم فرمود که نذر کرده ام از برای خدا تعالی صوم را
یعنی سکوت را پس هرگاه روزه باشید زبانهای خود را حفظ کنید و چشمهای خود را
بپوشید و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد بر یکدیگر مبرید و بعد از ان فرمود که پیغمبر
از زن روزه داری شنید که کنیزک خود را دشنام میداد پس انحضرت طعام طلبید
و ان زن را گفت بخور ان زن گفت من روزه ام انحضرت فرمود که چگونه روزه که
کنیزک خود را دشنام دادی روزه تنها امساک از طعام و شراب نیست و نیز صادق
فرمود که مکروه هست صایم و محرم را و کسیکه در حرم است شعر خواندن و مکروه هست
شعر خواندن در روز جمعه و شب جمعه مطلقا پرسیدند که اگرچه ان شعر حق باشد
حضرت فرمود اگرچه حق باشد و پیغمبر بجابر گفت که ای جابر کسیکه در روز ایام
ماه رمضان روزه دارد و در شب ان ورد بجا اورد و شکم و فرج خود را نگاه دارد
از گناهان بیرون میرود مثل بیرون رفتن او از ماه جابر گفت یا رسول الله این چه
حدیث خوبیست انحضرت فرمود که چه سخت است این شروط را بجا اوردن و بدانکه
پیغمبر وصیت بسیار کرده است که میباید که صایم در اینماه تقوی را شعار خود
سازد و حسد و نزاع را ترک کند و شکم و فرج خود را از حرام نگاه دارد و زبان خود را
از ناشایسته نگاه دارد زیرا که این ماهیست که خدا تعالی گرامی داشته است
او را و تفضیل داده است او را بر باقی ماهها و بعضی از خطبهای پیغمبر که در او ذکر
کرده است ماه رمضان را اینست که فرموده است ایها الناس قد اقبل الیکم
شهر رمضان بالبرکة و الرحمة یعنی ای مردمان بدرستیکه رو اورده است بشما ماه
رمضان ببرکت و رحمت و مغفرت و این ماه بهترین جمیع ماههاست و روزهای او
بهترین جمیع روزهاست و شبهای او بهترین شبهاست و ساعتهای او بهترین ساعتها
است بدرستیکه شما در اینماه خوانده شده اید بضیافت خدا تعالی و گردانیده
شده اید در اینماه از اهل کرامت در اینماه از اهل کرامت خدا تعالی نفس زدن
شما در اینماه تسبیح است و خواب شما در ان عبادتست و عمل شما در ان مقبولست
و دعای شما در ان مستجابست پس بنیت صادق و بدل پاک از خدا تعالی بخواهید
که توفیق دهد شما را از برای روزه این ماه و تلاوت کتاب او پس شقی کسی است که

در اینماه از غفران خدا تعالی محروم شود و بگرسنگی و تشنگی خود گرسنگی و تشنگی
روز قیامت را یاد آرید و تصدق کنید بر فقرا و مساکین خود و بزرگتر از خود را
حرمت و عزت دارید و برخوردسالان رحم کنید و صلهٔ رحم بجا آرید و چشم
خود را بپوشید از چیزی که نگاه کردن بان حرامست و گوش خود را به بندید
از چیزی که شنیدن ان حلال نیست و بر ایتام مردم مهربانی کنید و بر ایتام خود
رحم و شفقت کنید و دستهای خود را بدعا بسوی خدا تعالی بردارید در اوقات
نمازهای خود که ان بهترین ساعتهاست زیرا که خدا تعالی در ان اوقات نظر میکند
بر بندگان برحمت خود و اجابت میکند دعا و مناجات ایشانرا و لبیک میگوید
ندای ایشانرا و بعضی از ان خطبها این است یا ایها الناس من حسن فی هذا الشهر
خلقه تا اخر خطبه یعنی ای مردمان کسیکه در اینماه خلق خود را خوب کند روزی
که قدمهای مردم از صراط بلغزد و اسان از صراط میگذرد و کسیکه در اینماه تو فیق
تخفیف دهد در خدمت بندگان خود و ایشانرا کار دشوار نفرماید خدا تعالی
تخفیف میدهد حساب او را و کسیکه در اینماه شر خود را از مردم نگاه دارد خدا
تعالی غضب خود را از او باز دارد در روزی که با او ملاقات واقع شود و کسیکه در
اینماه صله رحم بجا اورد خدا تعالی رحمت خود را در روز قیامت باو میرساند
و کسیکه در اینماه یک نماز نافله میکند خدا تعالی از برای او برائت مینویسد از اتش
دوزخ و کسیکه در اینماه یک فریضه را ادا کند ثواب هفتاد فریضه دارد که
در غیر اینماه بجای اورد و کسیکه در اینماه نماز بسیار بکند خدا تعالی میزان او را
گران میکند در روزی که میزانها سبک باشد و کسیکه در اینماه یک ایه از
قران بخواند ثواب یک ختم قران داشته باشد که در غیر اینماه ختم کرده باشد
بدرستیکه درهای بهشت در اینماه گشوده است پس در خواهید از خدا تعالی
که انها بر شما نبندد و درهای دوزخ بر شما بسته شده است در اینماه از خدا
در خواهید که انها را بر شما نگشاید و جمیع شیاطین در اینماه مغلولند از خدا
تعالی در خواهید که ایشانرا بر شما مسلط نگرداند و از حضرت پیغمبر ص مرویست
که فرمود بدرستیکه درهای بهشت را در شب اول ماه رمضان میگشایند

و تا اخر اینماه نمیبندند و نیز از انحضرت ص مرویست که این ماه سید ماههاست
و در اینماه گردن کشان و متمردان شیاطین را در بند میکنند و درهای بهشت و
درهای اسمان و درهای رحمت را میگشایند و درهای دوزخ را می بندند و در
اینماه دعا مستجاب میشود و اینماه صبر و مواسات است و ماهیست که خدا تعالی
رزق مومنانرا زیاده میگرداند و ماهیست که اول ان رحمت است و وسط ان مغفرت
و اخر ان اجابت و ازادی از اتش دوزخ است و در هر شب از اینماه از جانب الله
ندا میکنند که ایا هیچ سؤال کنند و هیچ استغفار کننده هست بار خدایا هر کس
که در اینماه نفقه کند باو عوض خیر بده و هر کس که در اینماه امساک کند مال او را
تلف گردان و هر شب منادی این ندا میکند تا انکه ماه شوال طلوع کند و
چون ماه شوال طلوع کند ندا کنند که ای مومنان بیائید بسوی جایزهای خود
که امروز روز جایزه است حضرت صادق ع فرمودند که قسم بخدائی که نفس من در
دست اوست که جایزه و انعام الهی دنانیر و دراهم نیست و نیز انحضرت فرمود بخدا
سوگند که در این روز فایز میشوند روزه داران ان ماه رمضان بجایزهای که
مثل جایزهای بندگان نیست و حضرت پیغمبر ص فرمود که کسیکه ادراک کند ماه
رمضان المبارک را و او امرزیده نشود خدا تعالی او را دور کرده است از رحمت
خود و کسیکه ادراک کند پدر و مادر خود را و امرزیده نشود خدا تعالی او را دور
کرده است از رحمت خود و کسیکه من نزد او مذکور شوم و او بر من صلوات نفرستد
و امرزیده نشود پس دور کرده است خدا تعالی از رحمت خود و از حضرت صادق ع
مرویست که هرگاه اول شب ماه رمضان در اید خدا تعالی می امرزد از خلق
خود هر کس را که میخواهد و در شب دویم اینماه دو برابر انچه در شب اول امرزیده
است می امرزد و در شب سیم سه برابر و همچنین مضاعف میسازد تا اخر
در شب اخر اینماه دو برابر انچه در کل اینماه امرزیده است می امرزد و از حضرت
پیغمبر ص مرویست که فرمود بدرستیکه خدا تعالی موکل میسازد در ماه رمضان
بهر شیطانی هفت ملک را یا ملائکه ایشانرا در بند دارند تا اخر رمضان و شیخ
ابو القاسم رحمه الله در کتاب شرایع گفته است که در ماه رمضان شش غسل

سنتست یکی در شب اول دویم در شب نصف ان سیم در شب هفدهم چهارم
در شب نوزدهم پنجم در شب بیست و یکم ششم در شب بیست و سیم و ما در
فصل دویم این کتاب غسلهای سنتی را ذکر کردیم و گفتیم که در ماه رمضان پانزده
غسل سنتست و اما وداع ماه رمضان در اخر اینماه در وقت سحر باید در اخر روز
اینماه دعائی بخواند که از صادق مرویست و از اینست اللهم انک قلت فی کتابک
المنزل علی لسان نبیک المرسل صلواتک علیه و اله و قولک حق شهر رمضان
الذی انزل فیه القران هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان و هذا
شهر رمضان قد تصرم فاسئلک بوجهک الکریم و کلماتک التامة و جمالک
و بهائک و علوک و ارتفاعک فوق عرشک ان تصلی علی محمد و ال محمد و
ان کان بقی علی ذنب لم تغفره لی او ترید ان تعذبنی علیه او تقایسنی به او
تحاسبنی به او یطلع فجر هذه اللیلة او یتصرم هذا الشهر الا و قد غفرته
لی یا ارحم الراحمین اللهم لک الحمد بمحامدک کلها اولها و اخرها ما قلت
لنفسک منها و ما قال لک الخلائق الحامدون المجتهدون المعددون الموثرون
فی ذکرک و الشکر لک الذین اعنتهم علی اداء حقک من اصناف خلقک
من الملائکة المقربین و النبیین و المرسلین و اصناف الناطقین المسبحین
لک من جمیع العالمین علی انک قد بلغتنا شهر رمضان و علینا من نعمک
و عندنا من قسمک و احسانک و تظاهر امتنانک فبذلک لک منتهی الحمد
الخالد الدائم الراکد المخلد السرمد الذی لا ینفد طول الابد جل ثناؤک و
اعنتنا علیه حتی قضیت عنا صیامه و قیامه من صلوة و ما کان منا فیه
من بر او شکر او ذکر اللهم فتقبله منا باحسن قبولک و تجاوزک و عفوک
و صفحک و غفرانک و حقیقة رضوانک حتی تظفرنا فیه بکل خیر مطلوب
و جزیل عطاء موهوب و توقنا فیه من کل امر مرهوب و ذنب مکسوب
اللهم انی اسئلک بعظیم ما سئلک احد من خلقک من کریم اسمائک و جزیل
ثنائک و خاصة دعائک ان تصلی علی محمد و ال محمد و ان تجعل شهرنا هذا
اعظم شهر مر علینا مذ انزلتنا الی الدنیا فی عصمة دینی و خلاص نفسی و قضاء

در وقت وداع بخواند

حاجتی و تشفعنی فی مسائلی و تمام النعمة علی و صرف السوء عنی و لباس العافیة
لی و ان تجعلنی برحمتک ممن حزت له لیلة القدر و جعلتها له خیرا من الف شهر
فی اعظم الاجر و طول العمر و حسن الشکر و دوام الیسر اللهم و اسئلک برحمتک
و طولک و عفوک و نعمائک و جلالک و قدیم احسانک و امتنانک ان لا تجعله
اخر العهد منا لشهر رمضان حتی تبلغناه من قابل علی احسن حال و تعرفنی هلاله
مع الناظرین الیه و المتعرفین له فی اعفی عافیتک و اتم نعمتک و اوسع رحمتک
و اجزل قسمک اللهم یا ربنا الذی لیس لی رب غیره اسئلک ان لا یکون هذا
الوداع منی وداع فناء و لا اخر العهد من اللقاء حتی ترینیه من قابل فی اسبغ
النعم و افضل الرجاء و انا لک علی احسن الوفاء انک سمیع الدعاء اللهم اسمع
دعائی و ارحم تضرعی و تذللی لک و استکانتی لک و توکلی علیک و انا لک مسلم
لا ارجو نجاحا و لا معافاتا و لا تشریفا و لا تبلیغا الا بک و منک فامنن علی
جل ثناؤک و تقدست اسماؤک بتبلیغی شهر رمضان و انا معافا من کل مکروه
و محذور و من جمیع البوائق الحمد لله الذی اعاننا علی صیام هذا الشهر و قیامه
حتی بلغنا اخر لیلة منه اللهم انی اسئلک باحب ما دعیت و ارضی ما رضیت
به عن محمد و ال محمد و لا تجعل وداعی شهر رمضان وداع خروجی من الدنیا
و لا وداع اخر عبادتک فیه و لا اخر صومی لک و ارزقنی العود فیه برحمتک یا ولی
المؤمنین و وفقنی فیه للیلة القدر و اجعلها لی خیرا من الف شهر رب اللیل
و النهار و الجبال و البحار و الظلم و الانوار و الارض و السماء یا باری یا
مصور یا حنان یا منان یا الله یا رحمن یا قیوم یا بدیع لک الاسماء الحسنی و
الکبریاء و الالاء و اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم ان تصلی علی محمد
و ال محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء و روحی مع الشهداء
و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و
ایمانا لا یشوبه شک و رضی بما قسمت لی و ان تؤتینی فی الدنیا حسنة و فی
الاخرة حسنة و ان تقینی عذاب النار اللهم اجعل فیما تقضی و تقدر من الامر
المحتوم و فیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد و لا

وکرایم الرحم

يبدل ولا يغير ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر ان تعتق رقبتي
من النار يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك ولم يسئل العباد مثلك جودا و
كرما وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك انت موضع مسئلة السائلين ومنتهى
رغبة الراغبين اسئلك باعظم المسائل كلها وانجحها التي ينبغي للعباد ان
يسئلوك بها يا الله يا رحمن وباسمائك ما علمت منها وما لم اعلم وباسمائك
الحسنى وامثالك العليا ونعمتك التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك و
احبها اليك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها منك
ثوابا واسرعها لديك اجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الاكبر الا
الذي تحبه وتهواه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك الا
تخيب سائلك واسئلك بكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور و
القرآن وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكة سمواتك وجميع الاصناف
من خلقك من نبي او صديق او شهيد وبحق الراغبين اليك المتقربين منك
المتعوذين بك وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين و
المجاهدين في سبيلك وبحق كل عبد متعبد لك في بر او بحر او سهل او جبل
ادعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه
دعاء من لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا غيرك هاربا
اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستكبر ولا مستنكف خائفا بائسا فقيرا
مستجيرا بك واسئلك بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك وبملكك
وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك وحسنك وجمالك وبقوتك على ما
اردت من خلقك ادعوك يا رب خوفا وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا وتملقا
وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك يا
قدوس يا قدوس يا قدوس وچون باینجا رسد سه بار بگوید یا رحیم و سه بار
بگوید یا رب و بعد از ان بگوید اعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد الوتر
المتكبر المتعالي واسئلك بجميع ما دعوتك به وباسمائك التي تملأ اركا

اینجا بخواند

ان تصلي على محمد وآل محمد وتغفر لي ذنبي وارحمني واوسع علي من فضلك العظيم
وتقبل مني شهر رمضان وصيامه وفرضه ونوافله واغفر لي وارحمني و
اعف عني ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك وعبدتك فيه ولا تجعل
وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا اللهم اوجب لي من رحمتك ومغفرتك
ورضوانك وخشيتك افضل ما اعطيت احدا ممن عبدك فيه اللهم
لا تجعلني اخسر من سئلك فيه واجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر من
النار وغفرت له ما تقدم من ذنبه وما تاخر واوجبت له افضل ما رجاك
واملك منك يا ارحم الراحمين اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك
فيه واجعلني ممن كتبته في هذا الشهر من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم
المغفور لهم ذنوبهم المتقبل عملهم آمين آمين آمين رب العالمين اللهم لا
تدع لي فيه ذنبا الا غفرته ولا خطيئة الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا
دينا الا قضيته ولا عيلة الا اغنيتها ولا هما الا فرجته ولا فاقة الا
سددتها ولا عريانا الا كسوته ولا مرضا الا شفيته ولا داء الا اذهبته
ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا قضيتها على افضل املي ورجائي
منك يا ارحم الراحمين اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا ولا تذلنا بعد
اذ اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا
بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا بعد اذ رزقتنا ولا
تغير شيئا من نعمتك علينا واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا ولا لما
هو كائن منا فان في كرمك وعفوك وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا واغفر
لنا وتجاوز عنا ولا تعاقبنا يا ارحم الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا
كرامة لا تهينني بعدها ابدا واعزني عزا لا تذلني بعده ابدا وعافني عافية
لا تبتليني بعدها ابدا وارفعني رفعة لا تضعني بعدها ابدا واصرف عني
شر كل شيطان مريد وشر كل جبار عنيد وشر كل قريب او بعيد وشر كل
صغير او كبير وشر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم
اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او بطر

اَوْ بَذَخٍ اَوْ خُيَلاءَ اَوْ رِياءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقاقٍ اَوْ نِفاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ مَعْصِيَةٍ
اَوْ شَيْءٍ لا يُحِبُّ عَلَيْهِ وَلِيّاً لَكَ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبي وَتُبَدِّلَني مَكانَهُ ايماناً بِوَعْدِكَ وَرِضاً بِقَضائِكَ وَوَفاءً بِعَهْدِكَ
وَوَجَلاً مِنْكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيا وَرَغْبَةً فيما عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنينَةً
اِلَيْكَ وَتَوْبَةً نَصُوحاً اِلَيْكَ اَللّهُمَّ اِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَنا وَاِلاّ فَاَخِّرْ آجالَنا
اِلى قابِلٍ حَتّى تُبَلِّغَناهُ في يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَصَلَّى اللّهُ عَلى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثيراً وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ و بعد از ان بكويد اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي بَلَّغَنا
شَهْرَ رَمَضانَ وَاَعانَنا عَلى صِيامِهِ وَقِيامِهِ حَتّى نَقَّضْنا آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ وَلَمْ
يَبْتَلِنا فيهِ بِارْتِكابِ مُحَرَّمٍ وَلاَ انْتِهاكِ حُرْمَةٍ وَلا بِاَكْلِ رِباً وَلا بِعُقُوقِ
الْوالِدَيْنِ وَلا قَطْعِ رَحِمٍ وَلا بِشَيْءٍ مِنَ الْبَوائِقِ وَالْكَبائِرِ وَاَنْواعِ الْبَلايا الَّتي قَدِ ابْتُلِيَ
بِها مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنّي اَللّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ شُكْراً عَلى ما عافَيْتَني وَحُسْنِ مَا ابْتَلَيْتَني
اِلهي اُثْني عَلَيْكَ اَحْسَنَ الثَّناءِ لاَِنَّ بَلاءَكَ عِنْدي لَحَسَنُ الْبَلاءِ اَوْقَرَتْني نِعَمُكَ
وَاَوْقَرْتُ نَفْسي ذُنُوباً كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ يا سَيِّدي اَسْبَغْتَها عَلَيَّ وَلَمْ اُؤَدِّ شُكْرَها
وَكَمْ مِنْ خَطيئَةٍ اَحْصَيْتَها عَلَيَّ اَسْتَحْيي مِنْ ذِكْرِها وَاَخافُ جَزائَها وَاَحْذَرُ
مَعَرَّتَها اِنْ لَمْ تَعْفُ لي عَنْها اَكُنْ مِنَ الْخاسِرينَ اِلهي فَاِنّي اَعْتَرِفُ لَكَ بِذُنُوبي
وَاَذْكُرُ لَكَ حاجَتي وَاَشْكُو اِلَيْكَ مَسْكَنَتي وَفاقَتي وَقَسْوَةَ قَلْبي وَمَيْلَ نَفْسي
فَاِنَّكَ قُلْتَ فَمَا اسْتَكانُوا لِرَبِّهِمْ وَما يَتَضَرَّعُونَ وَها اَنَا ذا قَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ
وَقَعَدْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكيناً مُتَضَرِّعاً اِلَيْكَ راجِياً لِما اُريدُ مِنَ الثَّوابِ
بِصِيامي وَصَلاتي وَقَدْ عَرَفْتَ حاجَتي وَمَسْكَنَتي اِلى رَحْمَتِكَ وَالثَّباتِ عَلى
هُداكَ وَقَدْ هَرَبْتُ اِلَيْكَ هَرَبَ الْعَبْدِ السُّوءِ اِلَى الْمَوْلَى الْكَريمِ يا مَوْلايَ وَ
تَقَرَّبْتُ اِلَيْكَ فَاَسْئَلُكَ بِوَحْدانِيَّتِكَ لَمّا صَلَّيْتَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلوةً
كَثيرَةً كَريمَةً شَريفَةً تُوجِبُ لي بِها شَفاعَتَهُمْ فِي الْقِيمَةِ عِنْدَكَ وَصَلَّيْتَ عَلى
مَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ وَاَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلينَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ
لَمّا غَفَرْتَ لي في هذَا الْيَوْمِ مَغْفِرَةً لا اَشْقى بَعْدَها اَبَداً اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ
وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثيراً وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ جابر بن عبد الله انصاری

دعای صحیفهٔ کامله در وداع رمضان

کوید که یکروز بخدمت پیغمبر صلعم رفتم چون انحضرت مرا دید فرمود که ای جابر این
جمعه اخر ماه مبارک رمضانست پس وداع کن اینماه را وبکوی اللهم لا تجعله
اخر العهد الخ و فرمود که کسیکه این دعا را بخواند بیکی از دو چیز خوب میرسد
یا بماه رمضان سال اینده میرسد یا بغفران و رحمت خدا تعالی میرسد و این
روایت را شیخ ابو جعفر بن محمد بن احمد بن عباس روایت کرده در کتاب حسنی و
بعد از ان بکوید اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيامِنا اِيّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْني
مَرْحُوماً وَلا تَجْعَلْني مَحْرُوماً و بعد از ان دعای وداع صحیفه کامله را بخواند و ان
اینست اَللّهُمَّ يا مَنْ لا يَرْغَبُ فِي الْجَزاءِ وَيا مَنْ لا يَنْدَمُ عَلَى الْعَطاءِ وَيا مَنْ لا يُكافِئُ
عَبْدَهُ عَلَى السَّواءِ مِنَّتُكَ ابْتِداءٌ وَعَفْوُكَ تَفَضُّلٌ وَعُقُوبَتُكَ عَدْلٌ وَقَضاؤُكَ
خِيَرَةٌ اِنْ اَعْطَيْتَ لَمْ تَشُبْ عَطائَكَ بِمَنٍّ وَاِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنْعُكَ تَعَدِّياً تَشْكُرُ
مَنْ شَكَرَكَ وَاَنْتَ اَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ وَتُكافِئُ مَنْ حَمِدَكَ وَاَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ تَسْتُرُ
عَلى مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ وَتَجُودُ عَلى مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ وَكِلاهُما اَهْلٌ مِنْكَ
لِلْفَضيحَةِ وَالْمَنْعِ غَيْرَ اَنَّكَ بَنَيْتَ اَفْعالَكَ عَلَى التَّفَضُّلِ وَاَجْرَيْتَ قُدْرَتَكَ عَلَى
التَّجاوُزِ وَتَلَقَّيْتَ مَنْ عَصاكَ بِالْحِلْمِ وَاَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ تَسْتَنْظِرُهُمْ
بِاَناتِكَ اِلَى الْاِنابَةِ وَتَتْرُكُ مُعاجَلَتَهُمْ اِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلا يَهْلِكَ عَلَيْكَ
هالِكُهُمْ وَلِئَلاّ يَشْقى بِنِعْمَتِكَ شَقِيُّهُمْ اِلاّ عَنْ طُولِ الْاِعْذارِ اِلَيْهِ وَبَعْدَ
تَرادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ كَرَماً مِنْ عَفْوِكَ يا كَريمُ وَعائِدَةً مِنْ عَطْفِكَ يا حَليمُ اَنْتَ
الَّذي فَتَحْتَ لِعِبادِكَ باباً اِلى عَفْوِكَ وَسَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ وَجَعَلْتَ عَلى ذلِكَ
الْبابِ دَليلاً مِنْ وَحْيِكَ لِئَلاّ يَضِلُّوا عَنْهُ فَقُلْتَ تَبارَكَ اسْمُكَ تُوبُوا اِلَى اللّهِ
تَوْبَةً نَصُوحاً عَسى رَبُّكُمْ اَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنّاتٍ تَجْري مِنْ
تَحْتِهَا الْاَنْهارُ يَوْمَ لا يُخْزِي اللّهُ النَّبِيَّ وَالَّذينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعى بَيْنَ
اَيْديهِمْ وَبِاَيْمانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنا اَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَاغْفِرْ لَنا اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ
قَديرٌ فَما عُذْرُ مَنْ اَغْفَلَ دُخُولَ ذلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبابِ وَاِقامَةِ الدَّليلِ
وَاَنْتَ الَّذي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلى نَفْسِكَ لِعِبادِكَ تُريدُ رِبْحَهُمْ في مُتاجَرَتِهِمْ
لَكَ وَفَوْزَهُمْ بِالْوِفادَةِ عَلَيْكَ وَالزِّيادَةِ مِنْكَ فَقُلْتَ تَبارَكَ اسْمُكَ وَ

تعاليت من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ومن جاء بالسيئة فلا يجزى
الا مثلها وقلت مثل الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله كمثل حبة انبتت
سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف لمن يشاء وقلت من
ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له اضعافا كثيرة وما انزلت من
نظائرهن في القران من تضاعيف الحسنات وانت الذي دللتهم بقولك من
غيبك وترغيبك الذي فيه حظهم على ما لو سترته عنهم لم تدركه ابصارهم
ولم تعه اسماعهم ولم تلحقه اوهامهم فقلت اذكروني اذكركم واشكروا لي ولا
تكفرون وقلت لئن شكرتم لازيدنكم ولئن كفرتم ان عذابي لشديد و
قلت ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون
جهنم داخرين فسميت دعاءك عبادة وتركه استكبارا وتوعدت على
تركه دخول جهنم داخرين فذكروك بمنك وشكروك بفضلك ودعوك
بامرك وتصدقوا لك طلبا لمزيدك وفيها كانت نجاتهم من غضبك وفوزهم
برضاك ولو دل مخلوق مخلوقا من نفسه على مثل الذي دللت عليه عبادك
منك كان موصوفا بالاحسان ومنعوتا بالامتنان ومحمودا بكل لسان
فلك الحمد ما وجد في حمدك مذهب وما بقي للحمد لفظ تحمد به ومعنى ينصرف
اليه يا من تحمد الى عباده بالاحسان والفضل وغمرهم بالمن والطول ما
افشى فينا نعمتك واسبغ علينا منتك واخصنا ببرك هديتنا لدينك
الذي اصطفيت وملتك التي ارتضيت وسبيلك الذي سهلت و
بصرتنا الزلفة لديك والوصول الى كرامتك اللهم وانت جعلت من
صفايا تلك الوظائف وخصائص تلك الفروض شهر رمضان الذي
اختصصته من سائر الشهور وتخيرته من جميع الازمنة والدهور واثرته
على كل اوقات السنة بما انزلت فيه من القران والنور وضاعفت فيه
من الايمان وفرضت فيه من الصيام واجللت فيه من ليلة القدر التي
هي خير من الف شهر ثم اثرتنا به على سائر الامم واصطفيتنا بفضله دون
اهل الملل فصمنا بامرك نهاره وقمنا بعونك ليله متعرضين بصيامه وقيامه

لما عرضتنا له من رحمتك وتسببنا اليه من مثوبتك وانت المليء بما
رغبت فيه اليك الجواد بما سئلت من فضلك القريب الى من حاول
قربك المهي وقد اقام فينا هذا الشهر مقام حمد وصحبنا صحبة سرور واربحنا
افضل ارباح العالمين ثم قد فارقنا عند تمام وقته وانقطاع مدته ووفاء
عدده فنحن مودعوه وداع من عز فراقه علينا وغمنا واوحشنا انصرافه
عنا ولزمنا له الذمام المحفوظ والحرمة المرعية والحق المقضي فنحن قائلون
السلام عليك يا شهر الله الاكبر ويا عيد اوليائه الاعظم السلام عليك
يا اكرم مصحوب من الاوقات ويا خير شهر في الايام والساعات السلام عليك
من شهر قربت فيه الامال ونشرت فيه الاعمال وزكيت فيه الاموال
السلام عليك من قرين جل قدره موجودا وافجع فقده مفقودا ومرجو
الم فراقه السلام عليك من انيس كان مقبلا فسر واوحش مدبرا فمض
السلام عليك من مجاور رقت فيه القلوب وقلت فيه الذنوب السلام
عليك من ناصر اعان على الشيطان وصاحب سهل سبل الاحسان
السلام عليك ما اكثر عتقاء الله فيك وما اسعد من رعى حرمتك بك
السلام عليك ما كان امحاك للذنوب واسترك لانواع العيوب السلام
عليك ما كان اطولك على المجرمين واهيبك في صدور المؤمنين السلام
عليك من شهر هو من كل امر سلام السلام عليك غير كريه المصاحبة
ولا ذميم الملابسة السلام عليك كما وفدت علينا بالبركات وغسلت
عنا دنس الخطيئات السلام عليك غير مودع برما ولا متروك صيامه سأما
السلام عليك من مطلوب قبل وقته ومحزون عليه بعد فوته السلام
عليك كم من سوء صرف بك عنا وكم من خير افيض بك علينا السلام
عليك وعلى ليلة القدر التي هي خير من الف شهر السلام عليك ما كان
احرصنا بالامس عليك واشد شوقنا غدا اليك السلام عليك وعلى
فضلك الذي حرمناه وعلى ماض من بركاتك سلبناه اللهم انا اهل هذا
الشهر الذي شرفتنا به ووفقتنا بمنك له حين جهل الاشقياء وقته

وحرموا الشقاء ايّام فضله وانت وليّ ما آثرتنا به من معرفته وهديتنا له من سنّته وقد تولّينا بتوفيقك صيامه وقيامه على تقصير منّا وادّينا فيه قليلا من كثير اللّهم فلك الحمد اقرارا بالاسائة واعترافا بالاضاعة ولك من قلوبنا عقد النّدم ومن السنتنا صدق الاعتذار فاجرنا على ما اصابنا فيه من التّفريط اجرا نستدرك به الفضل المرغوب فيه ونعتاض به من انواع الذخر المحروص عليه واوجب لنا عذرك على ما قصّرنا فيه من حقّك وابلغ باعمارنا ما بين ايدينا من شهر رمضان المقبل فاذا ابلغتناه فاعنّا على تناول ما انت اهله من العبادة وادّنا الى القيام بما تستحقّه من الطّاعة واجر لنا من صالح العمل ما يكون دركا لحقّك في الشّهرين من شهور الدّهر اللّهمّ وما الممنا به في شهرنا هذا من لمم او اثم او واقعنا فيه من ذنب او اكتسبنا فيه من خطيئة على تعمّد منّا او على نسيان ظلمنا فيه انفسنا او انتهكنا به حرمة من غيرنا فصلّ على محمّد واله واسترنا بسترك واعف عنّا بعفوك ولا تنصبنا فيه لاعين الشّامتين ولا تبسط علينا فيه السن الطّاعنين واستعملنا بما يكون حطّة وكفّارة لما انكرت منّا فيه برافتك الّتي لا تنفد وفضلك الّذي لا ينقص اللّهمّ صلّ على محمّد واله واجبر مصيبتنا بشهرنا وبارك لنا في يوم عيدنا وفطرنا واجعله من خير يوم مرّ علينا اجلبه للعفو وامحاه للذّنب واغفر لنا ما خفي من ذنوبنا وما علن اللّهمّ اسلخنا بانسلاخ هذا الشّهر من خطايانا واخرجنا بخروجه من سيّئاتنا واجعلنا من اسعد اهله واجزلهم قسما فيه واوفرهم حظّا منه اللّهمّ ومن رعى هذا الشّهر حقّ رعايته وحفظ حرمته حقّ حفظها وقام بحدوده حقّ قيامها واتّقى ذنوبه حقّ تقاتها او تقرّب اليك بقربة اوجبت رضاك له وعطفت رحمتك عليه فهب لنا مثله من وجدك واعطنا اضعافه من فضلك فانّ فضلك لا يغيض وانّ خزائنك لا تنقص بل تفيض وانّ معادن احسانك لا تفنى وانّ عطائك للعطاء المهنّا اللّهمّ صلّ على محمّد واله واكتب لنا مثل اجور من صامه او تعبّد لك فيه الى يوم القيمة اللّهمّ انّا نتوب اليك في يوم فطرنا

الّذي جعلته للمؤمنين عيدا وسرورا ولاهل ملّتك مجمعا ومحتشدا من كلّ ذنب اذنبناه او سوء اسلفناه او خاطر سوء اضمرناه توبة من لا ينطوي على رجوع الى ذنب ولا يعود بعدها في خطيئة توبة نصوحا خلصت من الشّكّ والارتياب فتقبّلها منّا وارض بها عنّا وثبّتنا عليها اللّهمّ ارزقنا خوف عقاب الوعيد وشوق ثواب الموعود حتّى نجد لذّة ما ندعوك به وكابة ما نستجيرك منه واجعلنا عندك من التّوّابين الّذين اوجبت لهم محبّتك وقبلت منهم مراجعة طاعتك يا اعدل العادلين اللّهمّ تجاوز عن ابائنا وامّهاتنا واهل ديننا جميعا من سلف منهم ومن غبر الى يوم القيمة اللّهمّ صلّ على نبيّنا محمّد واله كما صلّيت على ملئكتك المقرّبين وصلّ عليه واله كما صلّيت على انبيائك المرسلين وصلّ عليه واله كما صلّيت على عبادك الصّالحين وافضل من ذلك يا ربّ العالمين صلوة تبلغنا بركتها وينالنا نفعها ويستجاب لنا دعاؤنا انّك اكرم من رغب اليه واكفى من توكّل عليه واعطى من سئل من فضله وانت على كلّ شيء قدير وانچه از ادعيه اين ماه ذكر كرديم در اين كتاب مختصر نيست از ادعيه ان وادعيهٔ اين ماه بسيار است كسيكه اراده داشته باشد كتاب عمل ماه رمضان را كه تاليف سيد جليل رضى الدين على بن طاوس حسينى رحمه الله است مطالعه كند خاتمه از حضرت پيغمبر ص مرويست كه كسيكه ماه رمضان را روزه دارد و شش روز از ماه شوال را تابع ان سازد ثواب كسى دارد كه تمام دهر را روزه گرفته باشد و شيخ طوسى ع در مصباح خود گفته است كه عامه روزه اين شش روز را التشييع گويند و بعضى از اصحاب اماميه اين روزه را مكروه ميدانند بدانكه مكروه دو قسم است اصطلاحى و غير اصطلاحى مكروه اصطلاحى انست كه ترك ان اولى است و غير ان بمعنى اقل ثوابا است عبادت بمعنى اول مكروه نميباشد و اما بمعنى دويم مكروه ميتواند بود و من ميگويم اصل در ان تخيير است و روزه عبادتيست كه مكروه نيست زيرا كه پيغمبر ص فرموده است كه روزه سپر ايست از اتش و اين حديث تمام است فصل چهل و ششم در عمل ماه شوال است شب اول ان عظيم الشان و رفيع القدر است از جمله

در اعمال ماه شوال

شبهای احیاست وحضرت امام زین العابدین اینشب را بنماز زنده میداشت
تا انکه صبح میشد واینشب را در مسجد بروز می اورد و به پسر خود امام محمد باقر
میگفت که ای پسرک من اینشب کم از شب قدر نیست ودر اینشب بعد از غروب
افتاب غسل سنتست وسنتست که بعد از نماز مغرب ونافله ان بگوید یا
ذا الجلال والاکرام یا ذا الطول یا مصطفی محمد وناصره صل علی محمد وال
محمد واغفر لی کل ذنب اذنبته ونسیته انا وهو عندک فی کتاب مبین پس
سجده کند ودر سجده صد بار بگوید اتوب الی الله وحاجت خود را بخواهد که روا
میشود انشاء الله تعالی ودر هر شب عید وشب جمعه ده بار بگوید یا دائم
الفضل علی البریة یا باسط الیدین بالعطیة یا صاحب المواهب السنیة صل
علی محمد وال خیر الوری سجیة واغفر لنا یا ذا العلی فی هذه العشیة ونیز سنت
است که در عقب چهار نماز تکبیر بگوید در عقب نماز مغرب ونماز خفتن شب عید
وبعد از نماز صبح روز عید وبعد از نماز عید وان تکبیر اینست الله اکبر الله اکبر
لا اله الا الله والله اکبر ولله الحمد الحمد لله علی ما هدینا وله الشکر علی ما
اولینا وسنتست که در این شب میان نماز شام وخفتن دو رکعت نماز بکند
در رکعت اول یکبار الحمد وصد بار توحید ودر رکعت دویم یکبار الحمد ویکبار
توحید بخواند وبعد از ان قنوت بخواند ورکوع وسجود بجا اورد وچون سلام دهد
سجده کند ودر سجده صد بار بگوید اتوب الی الله ودر روایت دیگر وارد شده است
که در رکعت اول یکبار الحمد وهزار بار توحید بخواند ودر رکعت دویم الحمد
ویکبار توحید بخواند وبعد از این دو رکعت نماز این دعا را بخواند یا الله
یا الله یا رحمن یا الله یا ملک یا الله یا قدوس یا الله یا سلام یا الله یا
مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا
خالق یا الله یا باریء یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله یا علیم
یا الله یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله
یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله یا ملی یا الله یا
حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا ماجد یا الله یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی

یا

دعا بخواند در قنوت

یا الله یا سریع یا الله یا شدید یا الله یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا قاهر یا
الله یا اول یا الله یا اخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله یا سید
السادات یا الله یا ربّاه یا الله یا ودود یا الله یا نور یا الله یا رافع یا الله یا مانع
یا الله یا دافع یا الله یا فاتح یا الله یا نفاح یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله
یا شهید یا الله یا شاهد یا الله یا مغیث یا الله یا حبیب یا الله یا فاطر یا الله
یا مطهر یا الله یا ملیک یا الله یا مقتدر یا الله یا قابض یا الله یا باسط یا الله
یا محیی یا الله یا ممیت یا الله یا باعث یا الله یا وارث یا الله یا معطی یا الله یا مفضل
یا الله یا منعم یا الله یا حق یا الله یا مبین یا الله یا طیب یا الله یا محسن یا الله یا
مجمل یا الله یا مبدیء یا الله یا معید یا الله یا بارّ یا الله یا بدیع یا الله یا هادی
یا الله یا کافی یا الله یا شافی یا الله یا علی یا الله یا حنان یا الله یا منان یا الله
یا ذا الطول یا الله یا متعالی یا الله یا عدل یا الله یا ذا المعارج یا الله یا صادق یا
الله یا دیان یا الله یا باقی یا الله یا معین یا الله یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا
محمود یا الله یا معبود یا الله یا صانع یا الله یا مکون یا الله یا فعالا لما یشاء یا
الله یا لطیف یا الله یا خبیر یا الله یا غفور یا الله یا شکور یا الله یا نور یا الله یا
قدیر یا الله وبعد از ان ده بار بگوید یا رباه یا الله وبعد از ان بگوید اسئلک
ان تصلی علی محمد وال محمد وان تمن علی برضاک وتعفو عنی بحلمک وتوسع
علی من رزقک الحلال الطیب من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب فانی
عبدک لیس لی احد سواک ولا احد اسئله غیرک یا ارحم الراحمین ما شاء
الله لا قوة الا بالله العلی العظیم وبعد از ان سجده کند ودر سجده بگوید یا الله
یا الله یا رب یا رب یا رب بک تنزل کل حاجة اسئلک بکل اسم هو
لک وبکل اسم هو فی مخزون الغیب عندک وبالاسماء الجلیلة المشهور دای
عندک المکتوبة علی سرادق عرشک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تقبل
منی شهر رمضان وتکتبنی فی الوافدین الی بیتک الحرام وتصفح لی عن الذنوب
العظام وتستخرج لی یا رب کنوزک یا الله یا رحمن وسنتست که در این شب
دو غسل کند یکی را در اول شب ویکی را در اخر شب وشش رکعت نماز کند در

در سجده بگوید

هر رکعت یکبار الحمد و پنج بار توحید بخواند و نیز سنتست که در شب عید ده رکعت نماز
کند در هر رکعت الحمد یکبار و ده بار توحید بخواند و در رکوع و سجود ده بار تسبیحات
اربع بخواند و چون سلام دهد هزار بار استغفار کند و بعد از ان سجده کند و در سجده
بگوید یا حیّ یا قیّوم یا ذا الجلال و الاکرام یا رحمن الدنیا و الاخرة و رحیمهما
یا ارحم الراحمین یا اله الاوّلین و الاخرین اغفر لی ذنوبی و تقبّل صومی و
صلاتی و قیامی و سنتست که در روز عید فطر بهترین جامهای خود را بپوشد
و عمامه بر سر گذارد زمستان باشد و خواه تابستان و برد یمانی ردا کند و بوی
خوش بکار دارد و بعد از طلوع افتاب بمصلی رود با سکینه و وقار و باید که
مصلی مسقف نباشد و باید که بر روی بساط و بوریا نماز نکند بلکه بر روی زمین
نماز کند و در روز عید فطر و شب ان زیارت حضرت امام حسین سنتست و
دیگران در فصل چهل و یکم گذشت و روز عید هرگاه نماز صبح کند تعقیب بخواند
تا انکه افتاب بیرون اید و چون افتاب بیرون اید برپای خیزد و روی بقبله
باشد بایستد و دعائی را که از امام زین العابدین مرویست بخواند و ان اینست
الهی و سیدی انت فطرتنی و ابتدات خلقی لا لحاجة منک الیّ بل تفضّلاً منک
علیّ و قدّرت لی اجلاً و رزقاً لا اتعدّاهما و لا ینقصنی احد منهما شیئاً و کنفتنی
منک بانواع النعم و الکفایة طفلاً و ناشیاً من غیر عمل عملته فعلمته منّی
فجازیتنی علیه بل کان ذلک منک تطوّلاً علیّ و امتناناً فلمّا بلغت بی اجل
الکتاب من علمک بی و وفّقتنی لمعرفة وحدانیّتک و الاقرار بربوبیّتک
فوحّدتک مخلصاً لم ادع لک شریکاً فی ملکک و لا معیناً علی قدرتک و لم انسب
الیک صاحبة و لا ولداً فلمّا بلغت بی تناهی الرحمة منک مننت علیّ بمن
هدیتنی به من الضلالة و استنقذتنی به من الهلکة و استخلصتنی به من
الحیرة و فککتنی به من الجهالة و هو حبیبک و نبیّک محمّد صلّی الله
علیه و اله ازلف خلقک عندک و اکرمهم منزلة لدیک فشهدت معه
بالوحدانیّة و اقررت لک بالربوبیّة و له بالرسالة و اوجبت له علیّ الطاعة
فاطعته کما امرت و صدّقته فیما حتمت و خصصته بالکتاب المنزل علیه

رو بقبله کن و این دعا بخواند

والسبع

و السبع المثانی الموحاة الیه و اسمیته القران و اکنیته الفرقان العظیم
فقلت جلّ اسمک و لقد اتیناک سبعاً من المثانی و القران العظیم و قلت
جلّ قولک له حین اختصصته بما سمّیته من الاسماء طه ما انزلنا علیک
القران لتشقی و قلت عزّ قولک یس و القران الحکیم و قلت تقدّست اسمائک
ص و القران ذی الذکر و قلت عظمت الاؤک ق و القران المجید فخصصته
ان جعلته قسمک حین سمّیته و قرنت القران به فما فی کتابک من شاهد
قسم و القران مردف به الا و هو اسمه و ذلک شرف شرّفته به و فضل بعثته
الیه تعجز الالسن و الافهام عن علم وصف مرادک به و تکلّ عن علم ثنائک
علیه فقلت عزّ جلالک فی تاکید الکتاب و قبول ما جاء به هذا کتابنا ینطق
علیکم بالحقّ و قلت عززت و جللت ما فرّطنا فی الکتاب من شیء و قلت تبارکت
و تعالیت فی عامّة ابتدائه الر کتاب احکمت ایاته و الر کتاب انزلناه و الر تلک
ایات الکتاب المبین و الم ذلک الکتاب لا ریب فیه و فی امثالها من سور
الطواسین و الحوامیم فی کلّ ذلک ثنّیت بالکتاب مع القسم الذی هو اسم من
اختصصته لوحیک و استودعته سرّ غیبک فاوضح لنا منه شروط فرائضک
و ابان عن واضح سنّتک و افصح لنا عن الحلال و الحرام و انار لنا مدلهمّات
الظلام و جنّبنا رکوب الاثام و الزمنا الطاعة و وعدنا من بعدها الشفاعة
فکنت ممّن اطاع امره و اجاب دعوته و استمسک بحبله و اقمت الصلوة
و اتیت الزکوة و التزمت الصیام الذی جعلته حقّاً فقلت جلّ اسمک کتب
علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم ثمّ انّک انبتّه فقلت شهر
رمضان الذی انزل فیه القران و قلت من شهد منکم الشهر فلیصمه و
رغّبت فی الحجّ بعد اذ فرضته الی بیتک الذی حرّمته فقلت جلّ اسمک
و لله علی الناس حجّ البیت من استطاع الیه سبیلاً و قلت و اذّن فی الناس
بالحجّ یاتوک رجالاً و علی کلّ ضامر یاتین من کلّ فجّ عمیق لیشهدوا منافع لهم
و یذکروا اسم الله و لتکبّروا الله علی ما هدیکم و اعنّی اللهمّ علی جهاد
عدوّک فی سبیلک مع ولیّک کما قلت جلّ قولک انّ الله اشتری من المؤ

منین

انفسهم واموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله وقلت جلت اسماؤك
ولنبلونكم حتى نعلم المجاهدين منكم والصابرين ونبلو اخباركم اللهم فاذ
ذلك لسبيل حتى اقاتل فيه بنفسي وما لي طلب رضاك فاكون من الفائزين
الهي اين المفر عنك فلا يسعني بعد ذلك الا حلمك فكن بي رؤفا رحيما واقبلني
وتقبل مني واعظم لي في هذا اليوم بركة المغنم ومثوبة الاجر وادن صحة
التصديق بما سئلت وان انت عمرتني الى عام مثله ويوم مثله ولم تجعله
اخر العهد مني فاعني بالتوفيق على بلوغ رضاك واشركني يا الهي في هذا اليوم
في دعاء من اجبته من المؤمنين والمؤمنات واشركهم في دعائي اذا اخبتني
في مقامي هذا بين يديك فاني راغب اليك لي ولهم وعائذ بك لي ولهم فاستجب
لي يا ارحم الراحمين وهرگاه خواهد كه بواسطه نماز بيرون رود پس پيش از
بيرون رفتن افطار كند بتربت امام حسين بعد از انكه بران تربت دعائي را
خوانده باشد كه در فصل چهل و يكم گذشت و پيش از بيرون رفتن زكوة فطر را بيرون
كند و در وقت بيرون رفتن اين دعا را بخواند تا انكه با امام داخل مصلی شود
و اگر وقت تنگ باشد از اتمام اين دعا بعد از نماز قضا كند ان را و ان دعا اينست

اللهم اليك توجهت وجهي و اليك فوضت امري وعليك توكلت الله اكبر على
ما هدينا الله اكبر الهنا ومولنا الله اكبر على ما اولنا وحسن ما ابلانا
الله اكبر ولينا الذي اجتبانا الله اكبر ربنا الذي خلقنا وسوانا الله اكبر
ربنا الذي برانا الله اكبر الذي انشانا الله اكبر الذي بقدرته هدينا الله
اكبر الذي بدينه حبانا الله اكبر الذي من فتنته عافانا الله اكبر الذي
بالاسلام اصطفانا الله اكبر الذي فضلنا بالاسلام على من سوانا الله
اكبر واكبر سلطانا الله اكبر واعلى برهانا الله اكبر واجل سبحانا الله
اكبر واقدم احسانا الله اكبر واعز اركانا الله اكبر واعلى مكانا الله اكبر و
اسنى شانا الله اكبر ناصر من استنصر الله اكبر ذو المغفرة لمن استغفر الله
اكبر الذي خلق وصور الله اكبر الذي امات فاقبر الله اكبر الذي اذا شاء
انشر الله اكبر اقدر من كل شيء واظهر الله اكبر رب الخلق والبشر والبر

والبحر الله اكبر كلما سبح الله شيء وكبر وكما يحب الله ان يكبر اللهم صل على
محمد وال محمد عبدك ورسولك ونبيك وصفيك ونجيك وامينك و
نجيبك وصفوتك من خلقك وخليلك وخاصتك وخيرتك من بريتك
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك الذي هديتنا به من الضلالة وعلمتنا
به من الجهالة وبصرتنا به من العمى واقمتنا به على المحجة العظمى وسبيل التقوى
واخرجتنا به من الغمرات الى جميع الخيرات وانقذتنا به من شفا جرف الهلكات
اللهم صل على محمد وال محمد افضل واكمل واشرف واكبر واطهر واطيب و
اتم واعم وازكى وانمى واحسن واجمل ما صليت على احد من العالمين اللهم
شرف مقامه في القيمة وعظم على رؤس الخلائق حاله اللهم اجعل محمدا وال
محمد يوم القيمة اقرب الخلق منك منزلة واعلاهم مكانا وافسحهم لديك
مجلسا واعظمهم عندك شرفا وارفعهم منزلا اللهم صل على محمد وعلى ائمة
الهدى الائمة المهديين والحجج على خلقك والادلاء على سنتك والباب
الذي منه يؤتى والتراجمة لوحيك كما استنوا سنتك الناطقين بحكمتك
والشهداء على خلقك اللهم اشعب بهم الصدع وارتق بهم الفتق وامت
بهم الجور واظهر بهم العدل وزين بطول بقائهم الارض وايدهم بنصرك وانصرهم
بالرعب وقو ناصرهم واخذل خاذلهم ودمدم على من غشهم وافضض بهم رؤس
الضلالة وشارعة البدع ومميتة السنن والمتعززين بالباطل واعز بهم
المؤمنين واذلل بهم المنافقين والكافرين وجميع الملحدين والمخالفين في
مشارق الارض ومغاربها يا ارحم الراحمين اللهم وصل على جميع المرسلين و
النبيين الذين بلغوا عنك الهدى واعتقدوا لك المواثيق بالطاعة ودعوا
العباد اليك بالنصيحة وصبروا على ما لقوا من الاذى والتكذيب في جنبك
اللهم صل على محمد وعليهم وعلى ذراريهم واهل بيوتاتهم وازواجهم وجميع
اشياعهم واتباعهم من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات
الاحياء منهم والاموات والسلام عليهم جميعا في هذه الساعة وفي هذا اليوم
ورحمة الله وبركاته اللهم اخصص اهل بيت نبيك المباركين السامعين

الْمُطِيعِينَ لَكَ الَّذِينَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ
وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ و پیش از نماز عید این دعا
بخواند اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّاَ وَتَعَبَّاَ وَاَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ
وَطَلَبَ جَوَائِزِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَاِلَيْكَ يَا سَيِّدِي وِفَادَتِي وَتَهْيِئَتِي وَاِعْدَادِي
وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي
يَا مَوْلَايَ يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَاِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ
بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلٰكِنْ اَتَيْتُكَ خَاضِعاً مُقِرّاً
بِالظُّلْمِ وَالْاِسَاءَةِ وَلَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تُعْطِيَنِي مَسْئَلَتِي وَ
تُقَلِّبَنِي بِرَغْبَتِي وَلَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهاً وَلَا خَائِباً يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ اَسْئَلُكَ
يَا عَظِيمُ اَنْ تَغْفِرَ لِيَ الْعَظِيمَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي
خَيْرَ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي شَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ وَتَغْسِلُنِي فِيهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ
وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ پس نماز عید بگذارد و در فصل سی و
هفتم گذشت ذکر آن و این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ اَمَامِي
وَعَلِيٍّ مِنْ خَلْفِي وَاَئِمَّتِي عَنْ يَمِينِي وَشِمَالِي اَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَسَخَطِكَ وَ
اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ زُلْفَى لَا اَجِدُ اَحَداً اَقْرَبَ اِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ اَئِمَّتِي فَآمِنْ بِهِمْ
خَوْفِي مِنْ عَذَابِكَ وَسَخَطِكَ وَاَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ زُلْفَى لَا اَجِدُ اَحَداً اَقْرَبَ اِلَيْكَ
مِنْهُمْ فَهُمْ اَئِمَّتِي فَآمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عَذَابِكَ وَسَخَطِكَ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ
فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِناً مُوقِناً مُخْلِصاً عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ
وَعَلَى دِينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ الْاَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ
وَاَرْغَبُ اِلَى اللّٰهِ فِيمَا رَغِبُوا فِيهِ وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا مِنْهُ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ وَلَا مَنَعَةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُرِيدُكَ فَاَرِدْنِي وَاَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ
لِي اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الصِّدْقُ شَهْرُ
رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ فَعَظَّمْتَ شَهْرَ رَمَضَانَ بِمَا
اَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَخَصَصْتَهُ بِاَنْ جَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ

اَللّٰهُمَّ وَقَدِ انْقَضَتْ اَيَّامُهُ وَلَيَالِيهِ وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ اِلَى مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي
فَاَسْئَلُكَ يَا اِلٰهِي بِمَا سَئَلَكَ بِهِ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِيَاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ
وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْبَلَ مِنِّي كُلَّمَا تَقَرَّبْتُ
بِهِ اِلَيْكَ فِيهِ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ عَمَلِي وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرُبَاتِي وَاسْتِجَابَةِ
دُعَائِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَاَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَآمِنِّي يَوْمَ الْخَوْفِ
مِنْ كُلِّ الْفَزَعِ وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ
الْكَرِيمِ وَبِحُرْمَةِ وَجْهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحُرْمَةِ الْاَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ اَنْ يَتَصَرَّمَ هٰذَا الْيَوْمُ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ تُرِيدُ اَنْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا اَوْ
خَطِيئَةٌ تُرِيدُ اَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي اَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بَلْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَنْ تَرْضَى عَنِّي وَاِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فَزِدْ فِيمَا
بَقِيَ مِنْ عُمْرِي رِضًى وَاِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ
السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَاجْعَلْنِي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا
الْمَجْلِسِ مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ عِتْقاً لَا رِقَّ بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ
وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تَجْعَلَ يَوْمِي هٰذَا خَيْرَ يَوْمٍ عَبَدْتُكَ فِيهِ مُنْذُ اَسْكَنْتَنِي
الْاَرْضَ اَعْظَمَهُ اَجْراً وَاَعَمَّهُ نِعْمَةً وَاَوْسَعَهُ رِزْقاً وَاَبْتَلَهُ عِتْقاً مِنَ النَّارِ وَ
اَوْجَبَهُ مَغْفِرَةً وَاَكْمَلَهُ رِضْوَاناً وَاَقْرَبَهُ اِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ
آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيهِ حَتَّى تَرْضَى
وَيَرْضَى كُلُّ مَنْ لَهُ قِبَلِي تَبِعَةٌ وَلَا تُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا وَاَنْتَ عَنِّي رَاضٍ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هٰذَا الْعَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ
الْمَغْفُورِ ذَنْبُهُمُ الْمُسْتَجَابِ دُعَاؤُهُمُ الْمَحْفُوظِينَ فِي اَنْفُسِهِمْ وَاَدْيَانِهِمْ وَذَرَارِيِّهِمْ
وَاَمْوَالِهِمْ وَجَمِيعِ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هٰذَا وَفِي يَوْمِي
هٰذَا وَفِي سَاعَتِي هٰذِهِ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً دُعَائِي مَرْحُوماً صَوْتِي مَغْفُوراً
ذَنْبِي اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ فِيمَا شِئْتَ وَاَرَدْتَ وَقَضَيْتَ وَحَتَمْتَ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَ
اَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفِي وَتَجْبُرَ فَاقَتِي وَاَنْ تَغْفِرَ لِي وَتُؤْنِسَ وَحْشَتِي وَاَنْ تُكَثِّرَ قِلَّتِي
وَاَنْ تُدِرَّ رِزْقِي فِي عَافِيَةٍ وَرِزْقٍ وَيُسْرٍ وَخَفْضِ عَيْشٍ وَاَنْ تَكْفِيَنِي كُلَّ مَا

اهمني من امر اخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني
وعافني في بدني واهلي وولدي واهل مودتي وجيراني واخواني وذريتي
وان تمن علي بالامن ابدا ما ابقيتني توجهت اليك بمحمد وال محمد صلى الله
عليهم وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسكنتي فاجعلني
بهم عندك وجيها في الدنيا والاخرة فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي بها
السعادة انك على كل شيء قدير فانك وليي فمولاي وسيدي وربي والهي
وثقتي ورجائي ومعدن مسئلتي وموضع شكوى ومنتهى رغبتي ومناي فلا
تخيبن عليك دعائي يا سيدي ومولاي اللهم فلا تبطلن عملي وطمعي ورجائي
يا الهي ومسئلتي واختم لي بالسعادة والسلامة والاسلام والامن والايمان
والمغفرة والرضوان والشهادة والحفظ يا منزولا به كل حاجة يا الله يا الله يا الله
انت لكل حاجة فتول عاقبتها ولا تسلط علينا احدا من خلقك بشيء لا طاقة
لنا به من امر الدنيا وفرغنا لامر الاخرة يا ذا الجلال والاكرام صل على محمد
وال محمد وبارك على محمد وال محمد وسلم على محمد وال محمد وتحنن على محمد و
ال محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت وتحننت ومننت على ابرهيم
وال ابرهيم انك حميد مجيد و بعد از ان دعای صحیفه کامله را بخوانند و ان
بعنیت یا من یرحم من لا یرحمه العباد الی اخره و این دعا در فصل سی و هشتم
گذشت **فصل چهل هفتم** در عمل ماه ذی القعده و این ماه از جمله ماههای حرامست
و در جاهلیت و اسلام عظیم الحرمة بوده است و دعا در این ماه مستجابست و روز
بیست و پنجم این ماه روز جلیل القدر و عظیم الشانست و در این روز از زیر
کعبه زمین را گسترانیدند و ثواب روزه ان در فصل چهلم در کتاب منظومه
گذشت و شب ان نیز عظیم الشانست و از حضرت پیغمبر مرویست که در این شب
خدایتعالی بنظر رحمت بر بندگان خود نظر میکند و عامل این شب را نزد خدای
تعالی اجر صد عابد است که هرگز معصیت نکرده باشد و سید ابن طاوس
در کتاب اقبال گفته است که در روایت وارد شده است که در این شب
از خدا تعالی چیزی طلب نکند مگر انکه خدایتعالی با و دهد و گفته است که در این

يا الهي

دعا اعمال ذي قعده

شب هرکس دو رکعت نماز کند بگذارد و در هر رکعتی الحمد یکبار و سوره والشمس
پنجبار و چون سلام دهد بگوید ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و بگوید
يا مقيل العثرات اقلني عثرتي يا مجيب الدعوات اجب دعوتي يا سامع الاصوات
اسمع صوتي وارحمني وتجاوز عن سيئاتي يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين
و سنتست که در این روز این دعا را بخوانند اللهم داحي الكعبة وفالق الحبة و
صارف اللزبة وكاشف كل كربة اسئلك في هذا اليوم من ايامك التي اعظمت
حقها وقدمت سبقها وجعلتها عند المؤمنين وديعة واليك ذريعة و
برحمتك الوسيعة ان تصلي على محمد عبدك المجيب في الميثاق القريب يوم
التلاق فاتق كل رتق وداع الى كل حق وعلى اهل بيته الاطهار الهداة
المنار دعائم الجبار وولاة الجنة والنار واعطنا في يومنا هذا من عطائك
المخزون غير مقطوع ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة يا خير مدعو
واكرم مرجو يا وفي يا من لطفه خفي الطف لي بلطفك واسعدني بعفوك وايدني
بنصرك ولا تنسني كريم ذكرك بولاة امرك وحفظة سرك احفظني من شوائب
الدهر الى يوم الحشر والنشر واشهدني اوليائك عند خروج نفسي وحلول
رمسي وانقطاع عملي وانقضاء اجلي اللهم واذكرني على طول البلى اذا حللت
بين اطباق الثرى ونسيني الناسون من الورى واحللني دار المقامة وبوئني
منزل الكرامة واجعلني من مرافقي اوليائك واهل اجتبائك واصفيائك
وبارك لي في لقائك وارزقني حسن العمل قبل حلول الاجل بريئا من الزلل
وسوء الخطل اللهم واوردني حوض نبيك محمد صلى الله عليه واله وعلى
اهل بيته واسقني منه شربا رويا سائغا هنيئا لا اظما بعده ولا احلأ
ورده ولا عنه اذاد واجعله لي خير زاد واوفى ميعاد يوم يقوم الاشهاد اللهم
والعن جبابرة الاولين والاخرين وبحقوق اوليائك المستاثرين اللهم و
اقصم دعائمهم واهلك اشياعهم وعاملهم وعجل مهالكهم واسلبهم ممالكهم وضيق عليهم مسالكهم
والعن مساهمهم ومشاركهم اللهم وعجل فرج اوليائك واردد عليهم مظالمهم
واظهر بالحق قائمهم واجعله لدينك منتصرا وبامرك في اعدائك مؤتمرا

اللهم احففه بملائكة النصر وبما القيت عليه من الامر في ليلة القدر منتقما لك حتى ترضى ويعود دينك به وعلى يديه جديدا غضا ويمحض الحق محضا و يرفض الباطل رفضا اللهم صل عليه وعلى جميع ابائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا في كرته حتى نكون في زمانه من اعوانه اللهم وادرك بنا قيامه واشهدنا ايامه وصل عليه وعليه السلام واردد الينا سلامه ورحمة الله وبركاته

صل

فصل چهل هشتم در عمل ماه ذیحجه اما روزهای اینماه که در انها روزه گرفتن سنت است در کلام منظوم گذشت در فصل چهلم و اما چیزی را که در ان واقع شده از امور و تواریخ در فصل چهل و دویم ذکر کردیم انچه در هر ماه حادث شده است و سبب تسمیه هر ماه را نیز ذکر کردیم و شرح فصول و ایام و تواریخ ائمه علیهم السلام نیز در انفصل ذکر کردیم در روز اول اینماه تزویج علی ع بفاطمه واقع شد پس باید که در این روز نماز فاطمه را بجا اورند و بعد از فراغ از نماز دعائی بخوانند که در فصل سی و هفتم در عقب ذکر نماز فاطمه مذکور شد حضرت صادق ع از اول ماه ذیحجه تا شب عرفه در عقب نماز صبح و قبل از نماز مغرب این دعا را میخواندند

عمل ماه ذیحجه

اللهم هذه الايام التي فضلتها على الايام وشرفتها قد بلغتنيها بمنك ورحمتك فانزل علينا فيها من بركاتك واوسع علينا فيها من نعمائك اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تهدينا فيها لسبيل الهدى والعفاف والغنى والعمل فيها بما تحب وترضى اللهم اني اسئلك يا موضع كل شكوى ويا سامع كل نجوى ويا شاهد كل ملاء ويا عالم كل خفية ان تصلي على محمد وال محمد و ان تكشف عنا فيها البلاء وتستجيب لنا فيها الدعاء وتقوينا فيها وتعيننا وتوفقنا فيها لما تحب ربنا وترضى وعلى ما افترضت علينا من طاعتك وطاعة رسولك واهل ولايتك اللهم اني اسئلك يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين ان تصلي على محمد وان تهب لي فيها الرضا انك سميع الدعاء ولا تحرمنا خير ما تنزل فيها من السماء وطهرنا من الذنوب يا علام الغيوب واوجب لنا فيها دار الخلود اللهم صل على محمد وال محمد ولا تترك لنا ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا دينا الا قضيته ولا غائبا الا ادنيته ولا حاجة

والحمد

من حوائج الدنيا والاخرة الا سهلتها ويسرتها انك على كل شيء قدير اللهم يا عالم الخفيات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا مجيب الدعوات يا رب الارضين والسموات يا من لا تتشابه عليه الاصوات صل على محمد وال محمد واجعلنا فيها من عتقائك وطلقائك من النار والفائزين بجنتك الناجين برحمتك يا ارحم الراحمين وسنتست که در دهه اول اینماه هر روز ده بار بگوید لا اله الا الله عدد الليالي والدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله ورحمته خير مما يجمعون لا اله الا الله عدد الشوك والشجر لا اله الا الله عدد الشعر والوبر لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد القطر والمطر لا اله الا الله عدد لمح العيون لا اله الا الله في الليل اذا عسعس والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الرياح في البراري والصخور لا اله الا الله من اليوم الى يوم ينفخ في الصور و این تهلیل را شیخ طوسی ره در متهجد خود از علی ع روایت کرده است و نیز روایت کرده است که کسیکه در هر روز از دهه اول اینماه ده بار این تهلیل را بخواند خدا یتعالی بعدد هر تهلیله در بهشت یکدرجه باو میدهد از در و یاقوت که میان این دو درجه صد ساله راه باشد از برای سواری که بسرعت برود و در هر درجه شهرها باشد و در هر شهری قصری باشد از یکدانه جوهری که در ان فصلی نباشد و در هر شهری از این شهرها چندان خانه و غرفه و حصار و فرشها و تختها و بالشها و ازواج حور العين و مایدها و خدمتکاران و ظرفها و درختها و حلی و حلل باشد که وصف نتوان کرد و چون از قبر بیرون اید از هر موئی از ان موئی درخشان باشد و هفتاد هزار ملك نزد او ایند و از جانب راست و چپ و پیش روی او روند تا انکه او را بشهری برند که ظاهر او از یکدانه یاقوت سرخ و باطن او از یکدانه زبرجد سبز باشد و در انجا از اصناف چیزها باشد که خدا یتعالی در بهشت خلق کرده است و چون بان شهر رسد ندا ئی که گویند که ای ولی خدا این شهر با انچه در انست از تو است که خدا یتعالی او را بتو ارزانی داشته است و بشارت باد ترا بهتر از این در دار الله و دار السلام و این بخششی که هرگز منقطع نشود

اعمال عرفه

النحض کوید که شمارا چه کسانید کویند که ما ملئکه چندیم که در دنیا در
روزی که تو این تهلیل را میخواندی ما نزد تو حاضر بودیم و این روایت را ابن
فهد در کتاب عدة الداعی نقل کرده است و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر مسلم
که شب عرفه وقوف کند در عرفه و روی بقبله کرده بکوید لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر و بعد از ان صد بار سوره
توحید بخواند و بعد از ان بکوید اللهم صل علی محمد و ال محمد کما صلیت علی
ابرهیم و ال ابرهیم انک حمید مجید و علینا معهم انک حمید مجید خدا یتعالی
شفاعت او را در نفس او قبول کند و اکر جمیع اهل موقف را شفاعت کند خدا
قبول کند در حق ایشان چنانچه بیهقی در سنن خود ذکر کرده است و در روایت
نبویه وارد است که بهترین روزها روز عرفه است هر کاه در روز جمعه واقع
شود و ان بهتر است از هفتاد حجه که در غیر روز جمعه واقع شود و خدا یتعالی اهل
موقف را می امرزد در ان روز و جعفر صادق ع فرمود که کسیکه در روز عرفه که
در روز جمعه واقع شود دعای ام داود را بخواند خدا یتعالی او را می امرزد و سنت
است در روز عرفه روزه کرفتن مر کسی را که از دعا خواندن ضعیف شود و نیز
سنتست در این روز غسل کردن پیش از زوال و زیارت کردن امام حسین ع
در این روز و در شب ان هر کاه وقت زوال شود بجائی باید رفت که مسقف
نباشد و نماز ظهر و عصر برکوع و سجود خوب بجای باید اورد و بعد از فراغ
از نماز ظهر و عصر دو رکعت نماز باید کرد در رکعت اول بعد از حمد توحید باید
خواند و در رکعت دویم بعد از الحمد سوره جحد باید خواند و بعد از ان چهار رکعت
نماز دیکر باید کرد در هر رکعت الحمد و پنجاه بار سوره توحید باید خواند و ذکر این
نماز و ثواب ان در فصل سی و هفتم کذشت و بعد از ان دعای را باید خواند
و ذکر این نماز و ثواب ان در فصل سی و هفتم کذشت و بعد از ان دعای را باید

دعای ابنک

خواند که ابن طاوس در کتاب اقبال از پیغمبر صلعم روایت کرده است و اند عاء نیست
سبحان الذی فی السماء عرشه سبحان الذی فی الارض حکمه سبحان الذی
فی القبور قضاؤه سبحان الذی فی البحر سبیله سبحان الذی فی النار سلط

سبحان الذی فی الجنة رحمته سبحان الذی فی القیمة عدله سبحان الذی
رفع السماء سبحان الذی بسط الارض سبحان الذی لا ملجا و لا منجی منه الا
الیه و بعد از ان صد تسبیحات اربع و صد بار توحید و صد بار ایة الکرسی بخواند

صد بار بکوید

و صد بار صلوات فرستد و بعد از ان ده بار بکوید لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل
شیء قدیر و ده بار بکوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب
الیه و ده بار بکوید یا الله و ده بار بکوید یا رحمن و ده بار بکوید یا رحیم و ده بار
بکوید یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام و ده بار بکوید یا حی
یا قیوم و ده بار بکوید یا حنان یا منان و ده بار بکوید لا اله الا انت و ده بار بکوید
امین و بعد از ان بکوید اللهم انی اسئلک یا من هو اقرب الی من حبل الورید
یا من یحول بین المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی و بالافق المبین یا من هو
الرحمن علی العرش استوی یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر اسئلک
ان تصلی علی محمد و ال محمد و حاجت خود را بخواهد که روا میشود انشاء الله تعالی
و بعد از ان بکوید اللهم یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم
الی اخر الدعاء و ذکر این دعا و ذکر ثواب ان در فصل سی و هشتم در عمل روز جمعه
کذشت و بعد از ان دعای ام داود را بخواند و ذکر ان و ثواب ان در فصل چهل
و سیم کذشت در عمل ماه رجب و بعد از ان این تسبیح را بکوید و ثواب ان از

دعای ابنک

بسیاری بشمار در نمی اید و ما بواسطه اختصار ان را ترک کردیم و ان اینست
سبحان الله قبل کل احد و سبحان الله بعد کل احد و سبحان الله مع کل احد
و سبحان الله یبقی ربنا و یفنی کل احد و سبحان الله تسبیحا یفضل تسبیح
المسبحین فضلا کثیرا مع کل احد و سبحان الله تسبیحا یفضل تسبیح المسبحین
فضلا کثیرا بعد کل احد و سبحان الله تسبیحا یفضل تسبیح المسبحین فضلا
کثیرا مع کل احد و سبحان الله تسبیحا یفضل تسبیح المسبحین فضلا کثیرا الرب
الباقی و یفنی کل احد و سبحان الله تسبیحا لا یحصی و لا یدری و لا ینسی و لا
یبلی و لا یفنی و لیس له منتهی و سبحان الله تسبیحا یدوم بدوامه و یبقی

بقائه في سني العالمين وشهور الدهور وايام الدنيا وساعات الليل والنهار
وسبحان الله ابدا الابد ومع الابد مما لا يحصيه العدد ولا يفنيه الامد
ولا يقطعه الابد وتبارك الله احسن الخالقين وبعد از ان بگويد والحمد لله
قبل كل احد والحمد لله بعد كل احد الى اخر بهمان روش كه در تسبيح گذشت و
فرق در ميان اينها اينست كه اينجا لفظ تسبيح است و اينجا لفظ تحميد وهمچنين
بگويد لا اله الا الله قبل كل احد الى اخره وبعد از ان بگويد اللهم من تهيأ و
تعبأ الى اخر وذكر ان در فصل مقدم در ادعيه شب جمعه گذشت وبعد از ان
دعاى على بن الحسين را كه شيخ طوسى ره در مصباح خود ذكر كرده است بخواند
و ان اينست اللهم انت الله رب العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله
الدائب في غير وصب ولا نصب ولا تشغلك رحمتك عن عذابك ولا عذابك
عن رحمتك خفيت من غير موت وظهرت فلا شيء فوقك وتقدست في علوك
وترديت بالكبرياء في الارض وفي السماء وقويت في سلطانك ودنوت من
كل شيء في ارتفاعك وخلقت الخلق بقدرتك وقدرت الامور بعلمك وقسمت
الارزاق بعدلك ونفذ في كل شيء علمك وحارت الابصار دونك وقصر
دونك طرف كل طارف وكلت الالسن عن صفاتك وغشي بصر كل ناظر نور
وملأت بعظمتك اركان عرشك وابتدأت الخلق على غير مثال نظرت اليه
من احد سبقك الى صنعة شيء منه ولم تشارك في خلقك ولم تستعن باحد
في شيء من امرك ولطفت في عظمتك وانقاد لعظمتك كل شيء وذل لعزك
كل شيء اثني عليك يا سيدي وما عسى ان يبلغ في مدحك ثنائي مع قلة عملي
وقصر رأيي وانت يا رب الخالق وانا المخلوق وانت المالك وانا المملوك و
انت الرب وانا العبد وانت الغني وانا الفقير وانت المعطي وانا السائل
وانت الغفور وانا الخاطي وانت الحي الذي لا يموت وانا خلق اموت يا من
خلق الخلق ودبر الامور فلم يقايس شيئا بشيء من خلقه ولم يستعن على
خلقه بغيره ثم امضى الامور على قضائه واجلها الى اجل قضى فيها بعدله و
عدل فيها بفضله وفصل فيها بحكمه وحكم فيها بعدله وعلمها بحفظه ثم

دعاى على الخير بخواند

جعل منتهاها الى مشيته ومستقرها الى محبته ومواقيتها الى قضائه لا
مبدل لكلماته ولا معقب لحكمه ولا راد لفضله ولا مستراح عن امره ولا
محيص عن قدره ولا خلف لوعده ولا متخلف عن دعوته ولا يعجزه شيء طلبه
ولا يمتنع منه احد اراده ولا يعظم عليه شيء صنعه ولا يزيد في سلطانه
طاعة مطيع ولا ينقصه معصية عاص ولا يبدل القول لديه ولا يشرك في حكمه
احدا الذي ملك الملوك بقدرته واستعبد الارباب بعزته وساد العظماء
بجوده وعلا السادة بمجده وانهدت الملوك لهيبته وعلا اهل السلطان
بسلطانه وربوبيته واباد الجبابرة بقهره واذل العظماء بعزه واسس الامور
بقدرته وبنى المعالي بسودده وتمجد بفخره وفخر بعزه وعز بجبروته ووسع
كل شيء برحمته اياك ادعوا واياك اسئل ومنك اطلب واليك ارغب
يا غاية المستضعفين ويا صريخ المستصرخين ومعتمد المضطهدين ومنجي
المؤمنين ومثيب الصابرين وعصمة الصالحين وحرز العارفين وامان الخائفين
وظهر اللاجين وجار المستجيرين وطالب الغادرين ومدرك الهاربين و
ارحم الراحمين وخير الناصرين وخير الفاصلين وخير الغافرين واحكم الحاكمين
واسرع الحاسبين لا يمتنع من بطشه ولا محيص عن قدره ولا ينتصر من عقوبته
ولا يحتال لكيده ولا يدرك علمه ولا يدرا ملكه ولا يقهر عزه ولا يذل
استكباره ولا يبلغ جبروته ولا تصغر عظمته ولا يضمحل فخره ولا يتضعضع
ركنه ولا ترام قوته المحصي لبريته الحافظ اعمال خلقه لا ضد له ولا ند له
ولا ولد له ولا صاحبة له ولا سمي له ولا قريب له ولا كفو له ولا شبيه
له ولا نظير له ولا مبدل لكلماته ولا يبلغ مبلغه ولا يقدر شيء قدرته ولا
يدرك شيء اثره ولا ينزل شيء منزلته ولا يدرك شيء احرزه ولا يحول دونه
شيء بنى السموات فاتقنهن وما فيهن بعظمته ودبر امره فيهن بحكمته فكان
كما هو اهله لا باوليته مثله ولا باخريته بعده وكان كما ينبغي له يرى ولا يرى
وهو بالمنظر الاعلى يعلم السر والعلانية ولا يخفى عليه خافية وليس لنقمته
واقية يبطش البطشة الكبرى ولا يحصن منه القصور ولا يجن منه الستور

ولا يكن منه الجدود ولا تواري منه البحور وهو على كل شيء قدير وهو بكل
شيء عليم يعلم هماهم الانفس وما تخفي الصدور ووساوسها ونيات القلوب و
نطق الالسن ورجع الشفاه وبطش الايدي ونقل الاقدام وخائنة الاعين
والسر واخفى والنجوى وما تحت الثرى ولا يشغله شيء عن شيء ولا يفرط في شيء
ولا ينسى شيئا لشيء اسئلك يا من عظم صفحه وحسن صنعه وكرم عفوه و
كثرت نعمته ولا يحصى احسانه وجميل بلائه ان تصلي على محمد وال محمد و
ان تقضي حوائجي التي افضيت بها اليك وقمت بها بين يديك وانزلتها بك
وشكوتها اليك مع ما كان من تفريطي فيما امرتني به وتقصيري فيما نهيتني
عنه يا نوري في كل ظلمة ويا انسي في كل وحشة ويا ثقتي في كل شدة ويا رجائي
في كل كربة ويا وليي في كل نعمة ويا دليلي في الظلام انت دليلي اذا انقطعت
دلالة الادلاء فان دلالتك لا تنقطع لا يضل من هديت ولا يذل من واليت
انعمت علي فاسبغت ورزقتني فوفرت ووعدتني فاحسنت واعطيتني فاجزلت
بلا استحقاق لذلك بعمل مني ولكن ابتداء منك بكرمك وجودك فانفقت
نعمتك في معاصيك وتقويت برزقك على سخطك وافنيت عمري فيما لا
تحب فلم يمنعك جرائتي عليك وركوبي ما نهيتني عنه ودخولي فيما حرمت
علي ان عدت في معاصيك فانت العائد بالفضل وانا العائد بالمعاصي و
انت يا سيدي خير الموالي لعبيده وانا شر العبيد ادعوك فتجيبني واسئلك
فتعطيني واسكت عنك فتبتدئني واستزيدك فتزيدني فبئس العبد انا
لك يا سيدي ومولاي انا الذي لم ازل اسيء وتغفر لي ولم ازل اتعرض للبلاء
وتعافيني ولم ازل اتعرض للتهلكة وتنجيني ولم ازل اضيع في الليل والنهار
في تقلبي فتحفظني فرفعت خسيستي واقلت عثرتي وسترت عورتي ولم تفضحني
بسريرتي ولم تنكس براسي عند اخواني بل سترت علي القبائح العظام والفضائح
الكبار واظهرت حسناتي القليلة الصغار منا منك وتفضلا واحسانا
وانعاما واصطناعا ثم امرتني فلم ائتمر وزجرتني فلم ازدجر ولم اشكر نعمتك
ولم اقبل نصيحتك ولم اؤد حقك ولم اترك معاصيك بل عصيتك بعيني

ولو شئت اعميتني فلم تفعل ذلك بي وعصيتك بسمعي ولو شئت اصممتني
فلم تفعل ذلك بي وعصيتك بيدي ولو شئت لكنعتني فلم تفعل ذلك بي
وعصيتك بيدي ولو شئت لجذمتني فلم تفعل ذلك بي وعصيتك بفرجي
ولو شئت لعقمتني فلم تفعل ذلك بي وعصيتك برجلي ولو شئت لجذمتني
فلم تفعل ذلك بي وعصيتك بجميع جوارحي ولم يكن هذا جزاؤك مني فعفوك
عفوك فها انا ذا عبدك المقر بذنبي الخاضع لك بذلي المستكين لك بجرمي
مقرا لك بجنايتي متضرعا اليك راج لك في موقفي تائبا اليك من ذنوبي
ومن اقترافي ومستغفرا لك من ظلمي لنفسي راغبا اليك في فكاك رقبتي
من النار ومبتهلا اليك في العفو عن المعاصي طالبا اليك ان تنجح لي حوائجي
وتعطيني فوق رغبتي وان تسمع ندائي وتستجيب دعائي وترحم تضرعي و
شكواي وكذلك العبد الخاطئ يخضع لسيده ويخشع لمولاه بالذل يا اكرم
من اقر له بالذنوب واكرم من خضع له وخشع ما انت صانع بمقر لك بذنبه
خاشع لك بذله فان كانت ذنوبي قد حالت بيني وبينك ان تقبل علي
بوجهك وتنشر علي رحمتك وتنزل علي من بركاتك وترفع لي اليك صوتا
وتغفر لي ذنبا او تتجاوز لي عن خطيئة فها انا ذا عبدك مستجير بكرم وجهك
وعز جلالك متوجه اليك ومتوسل اليك ومتقرب اليك بنبيك
احب خلقك واكرمهم لديك واولاهم بك واطوعهم لك واعظمهم منك
منزلة وعندك مكانا وبعترته صلى الله عليه واله والهداة المهديين الذين
افترضت طاعتهم وامرت بمودتهم وجعلتهم ولاة الامر بعد نبيك صلوات
عليه واله يا مذل كل جبار ويا معز كل ذليل قد بلغ مجهودي فهب لي
نفسي الساعة الساعة برحمتك اللهم لا قوة لي على سخطك ولا صبر لي على
عذابك ولا غنى لي عن رحمتك تجد من تعذب غيري ولا اجد من يرحمني
غيرك ولا قوة لي على البلاء ولا طاقة لي على الجهد اسئلك بحق نبيك صلى
الله عليه واله واتوسل اليك بالائمة عليهم السلام الذين اخترتهم
لسرك واطلعتهم على خفيك واخترتهم بعلمك وطهرتهم واخلصتهم و

اصطفيتهم واصفيتهم وجعلتهم هداة مهديين وائتمنتهم على وحيك و
عصمتهم عن معاصيك ورضيتهم لخلقك وخصصتهم بعلمك واجتبيتهم
وحبوتهم وجعلتهم حججا على خلقك وامرت بطاعتهم ولم ترخص لاحد في
معصيتهم وفرضت طاعتهم على من برات وا توسل اليك في موقفي اليوم ان
تجعلني من خيار وفدك اللهم صل على محمد وال محمد وارحم صراخي واعترافي
بذنبي وتضرعي وارحم طرحي رحلي بفنائك وارحم مسيري اليك يا اكرم من سئل
يا عظيما يرجى لكل عظيم اغفر لي ذنبي العظيم فانه لا يغفر العظيم الا العظيم اللهم
اني اسئلك فكاك رقبتي من النار يا رب المؤمنين لا تقطع رجائي يا منان
من علي بالرحمة يا ارحم الراحمين يا من لا يخيب سائله لا تردني خائبا يا عفو
اعف عني يا تواب تب علي واقبل توبتي يا مولاي حاجتي التي ان اعطيتنيها
لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني فكاك رقبتي من النار
اللهم بلغ روح محمد وال محمد عني تحية وسلاما وبهم اليوم فاستنقذني يا
من بالعفو يا من يجزي على العفو يا من يعفو يا من رضي العفو يا من يثيب على
العفو وبعدا ذان بيست بار بكويد العفو العفو وبعد از ان بكويد اسئلك
اليوم العفو واسئلك من كل خير احاط به علمك هذا مكان البائس الفقير
هذا مكان المضطر الى رحمتك هذا مكان المستجير بعفوك من عقوبتك هذا
مكان العائذ بك منك اعوذ برضاك من سخطك ومن فجاة نقمتك يا املي
يا رجائي يا خير مستغاث يا اجود المعطين يا من سبقت رحمته غضبه يا سيدي
يا مولاي وثقتي ومعتمدي في رجائي وذخري وظهري وعدتي وغاية املي و
رغبتي يا غياثي يا وارثي ما انت صانع بي في هذا اليوم الذي فزعت فيه
اليك وكثرت فيه الاصوات اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان
تقلبني فيه مفلحا منجحا بافضل ما انقلب به من رضيت عنه واستجبت
دعائه وقبلته واجزلت حباءه وغفرت ذنوبه واكرمته ولم تستبدل
به سواه وشرفت مقامه وباهيت به من هو خير منه وقلبته بكل حوائجه و
احييته بعد الممات حيوة طيبة وختمت له بالمغفرة والحقته بمن تولاه

اللهم ان لكل وافد جائزة ولكل وافد كرامة ولكل سائل لك عطية و
لكل راج لك ثوابا ولكل ملتمس ما عندك جزاء ولكل راغب اليك هبة
ولكل من فزع اليك رحمة ولكل من رغب اليك زلفى ولكل متضرع اليك اجابة
ولكل مستكين اليك رافة ولكل نازل بك حفظا ولكل متوسل اليك عفوا وقد
وفدت اليك ووقفت بين يديك في هذا الموضع الذي شرفته رجاء لما
عندك ورغبة اليك فلا تجعلني اليوم اخيب وفدك واكرمني بالجنة ومن
علي بالمغفرة وجملني بالعافية واجرني من النار واوسع علي من رزقك الحلال
الطيب وادرا عني شر فسقة العرب والعجم وشر شياطين الانس والجن اللهم
صل على محمد وال محمد ولا تردني خائبا وسلمني ما بيني وبين لقائك حتى
تبلغني الدرجة التي فيها مرافقة اوليائك واسقني من حوضهم مشربا رويا
لا اظما بعده ابدا واحشرني في زمرتهم وتوفني في حزبهم وعرفني وجوههم في
رضوانك والجنة فاني رضيت بهم هداة يا كافي كل شيء ولا يكفي منه شيء
صل على محمد وال محمد واكفني شر ما احذر وشر ما لا احذر ولا تكلني الى
احد سواك وبارك لي فيما رزقتني ولا تستبدل بي غيري ولا تكلني الى احد
من خلقك ولا الى رايي فيعجزني ولا الى الدنيا فتلفظني ولا الى قريب
ولا بعيد تفرد بالصنع لي يا سيدي ومولاي اللهم انت انقطع الرجاء
الا منك في هذا اليوم تطول علي فيه بالرحمة والمغفرة اللهم رب هذه
الامكنة الشريفة ورب كل حرم ومشعر عظمت قدره وشرفته وبالبيت
الحرام وبالحل والحرام والركن والمقام صل على محمد وال محمد وانجح لي
كل حاجة مما فيه صلاح ديني ودنياي واخرتي واغفر لي ولوالدي ومن
ولدني من المسلمين وارحمهما كما ربياني صغيرا واجزهما عني خير الجزاء وعرفهما
بدعائي لهما ما يقر اعينهما فانهما قد سبقاني الى الغاية وخلفتني بعدهما
فشفعني في نفسي وفيهما وفي جميع اسلافي من المؤمنين في هذا اليوم يا ارحم
الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد واجعلهم ائمة يهدون بالحق وبه
يعدلون وانصرهم وانتصر بهم وانجز لهم ما وعدتهم وبلغني فتح ال محمد و

كفني كل مول دونه واقسم اللهم لي فيهم نصيبا خالصا يا مقدر الاجال يا
مقسم الارزاق افسح لي في عمري وابسط لي في رزقي اللهم صل على محمد وال
محمد واصلح لنا امامنا واستصلحه واصلح على يديه وامن خوفه وخوفنا عليه
واجعله اللهم الذي تنتصر به لدينك اللهم املأ الارض به عدلا وقسطا
كما ملئت ظلما وجورا وامنن به على فقراء المسلمين وارامله ومساكينهم و
اجعلني من خيار مواليه وشيعته اشدهم له حبا واطوعهم له طوعا وانفذهم
لامره واسرعهم الى مرضاته واقبلهم لقوله واقومهم بامره وارزقني الشهادة
بين يديه حتى القاك وانت عني راض اللهم اني خلفت الاهل والولد وما
خولتني وخرجت اليك والى هذا الموضع الذي شرفته رجاء ما عندك و
رغبة اليك ووكلت ما خلفت اليك فاحسن علي فيهم الخلف فانك ولي
ذلك من خلقك لا اله الا الله الحليم الكريم ودر اخر ابن دعا چون بلا اله الا
الله الحليم الكريم رسد تا اخر كلمات فرج بخواند وذكر ان در فصل اول كتاب
گذشت وبعد از ان دعاى عرفه صحيفه كامله را بخواند وان اينست الحمد لله رب
العالمين اللهم لك الحمد بديع السموات والارض ذا الجلال والاكرام رب الارباب
واله كل مالوه وخالق كل مخلوق ووارث كل شيء ليس كمثله شيء ولا يعزب
عنه علم شيء وهو بكل شيء محيط وهو على كل شيء رقيب انت الله لا اله الا انت
الاحد المتوحد الفرد المتفرد وانت الله لا اله الا انت الكريم المتكرم العظيم
المتعظم الكبير المتكبر وانت الله لا اله الا انت العلي المتعال الشديد المحال و
انت الله لا اله الا انت الرحمن الرحيم العليم الحكيم وانت الله لا اله الا انت
السميع البصير القديم الخبير وانت الله لا اله الا انت الكريم الاكرم الدائم
الادوم وانت الله لا اله الا انت الاول قبل كل احد والاخر بعد كل عدد
وانت الله لا اله الا انت الداني في علوه والعالي في دنوه وانت الله لا اله
الا انت ذو البهاء والمجد والكبرياء والحمد وانت الله لا اله الا انت الذي
انشات الاشياء من غير سنخ وصورت ما صورت من غير مثال وابتدعت
المبتدعات بلا احتذاء انت الذي قدرت كل شيء تقديرا ويسرت كل شيء

دعای صحیفه کامله در عرفه

تيسيرا ودبرت ما دونك تدبيرا انت الذي لم يعنك على خلقك شريك و
لم يوازرك في امرك وزير ولم يكن لك مشاهد ولا نظير انت الذي اردت فكان
حتما ما اردت وقضيت فكان عدلا ما قضيت وحكمت فكان نصفا ما حكمت
انت الذي لا يحويك مكان ولم يقم لسلطانك سلطان ولم يعيك برهان
ولا بيان انت الذي احصيت كل شيء عددا وجعلت لكل شيء امدا وقدرت
كل شيء تقديرا انت الذي قصرت الاوهام عن ذاتيتك وعجزت الافهام عن كيفيتك
ولم تدرك الابصار موضع اينيتك انت الذي لا تحد فتكون محدودا ولم تمثل
فتكون موجودا ولم تلد فتكون مولودا انت الذي لا ضد معك فيعاندك ولا
عدل لك فيكاثرك ولا ند لك فيعارضك انت الذي ابتدا واخترع واستحدث
وابتدع واحسن صنع ما صنع سبحانك ما اجل شانك واسنى في الاماكن
مكانك واصدع بالحق فرقانك سبحانك من لطيف ما الطفك ورؤف ما
ارافك وحكيم ما اعرفك سبحانك من مليك ما امنعك وجواد ما اوسعك
ورفيع ما ارفعك ذو البهاء والمجد والكبرياء والحمد سبحانك بسطت
بالخيرات يدك وعرفت الهداية من عندك فمن التمسك لدين او دنيا وجدك
سبحانك خضع لك من جرى في علمك وخشع لعظمتك ما دون عرشك و
انقاد للتسليم لك كل خلقك سبحانك لا تحس ولا تجس ولا تمس ولا تكاد ولا
تماط ولا تحاط ولا تنازع ولا تغالب ولا تجازى ولا تمارى ولا تماتن ولا
تخادع ولا تماكر سبحانك سبيلك جدد وامرك رشد وانت حي صمد
سبحانك قولك حكم وقضاؤك حتم وارادتك عزم سبحانك لا راد لمشيتك
ولا مبدل لكلماتك سبحانك باهر الايات فاطر السموات بارئ النسمات لك
الحمد حمدا يدوم بدوامك ولك الحمد حمدا خالدا بنعمتك ولك الحمد حمدا يوازي
صنعك ولك الحمد حمدا يزيد على رضاك ولك الحمد حمدا مع حمد كل حامد و
شكرا يقصر عنه شكر كل شاكر حمدا لا ينبغي الا لك ولا يتقرب به الا اليك
حمدا يستدام به الاول ويستدعى به دوام الاخر حمدا يتضاعف على كرور
الازمنة ويتزايد اضعافا مترادفة حمدا يعجز عن احصائه الحفظة ويزيد على

ما احصته في كتابك الكتبة حمداً يوازن عرشك المجيد ويعادل كرسيك
الرفيع حمداً يكمل لديك ثوابه ويستغرق كل جزاء جزاؤه حمداً ظاهره وفق لباطنه
وباطنه وفق لصدق النية فيه حمداً لم يحمدك خلق مثله ولا يعرف احد سواك
فضله حمداً يعان من اجتهد في تعديده ويؤيد من اغرق نزعاً في توفيته حمداً
يجمع ما خلقت من الحمد وينتظم ما انت خالقه من بعد حمداً لا حمد اقرب الى
قولك منه ولا احمد ممن يحمدك به حمداً يوجب بكرمك المزيد بوفوره وتصله
بمزيد بعد مزيد طولاً منك حمداً يجب لكرم وجهك ويقابل عز جلالك
رب صل على محمد وآل محمد المنتجب المصطفى المكرم المقرب افضل صلواتك
وبارك عليه اتم بركاتك وترحم عليه امتع رحماتك رب صل على محمد
وآل محمد صلوة زاكية لا تكون صلوة ازكى منها وصل عليه وآله
صلوة ترضيك وتزيد على رضاك له وصل عليه وآله صلوة لا ترضى
له الا بها ولا ترى غيره لها اهلاً رب صل على محمد وآله صلوة تجاوز
رضوانك ويتصل اتصالها ببقائك ولا تنفد كما لا تنفد كلماتك رب صل على محمد
وآله صلوة تنتظم صلوات ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك
وتشتمل على صلوات عبادك من جنك وانسك واهل اجابتك وتجتمع
على صلوة كل من ذرأت وبرأت من اصناف خلقك رب صل على محمد وآله
صلوة تحيط بكل صلوة سالفة ومستأنفة وصل عليه وعلى آله صلوة
مرضية لك ولمن دونك وتنشئ مع ذلك صلوات تضاعف معها تلك
الصلوات عندها وتزيدها على كرور الايام زيادة في تضاعيف لا يحصيها
ولا يعدها غيرك رب صل على اطائب اهل بيته الذين اخترتهم لامرك
وجعلتهم خزنة علمك وحفظة دينك وخلفائك في ارضك وحججك على
عبادك وطهرتهم من الرجس والدنس تطهيراً بارادتك وجعلتهم الوسيلة
اليك والمسلك الى جنتك رب صل على محمد وآل محمد تجزل لهم بها من
نحلك وكرامتك وتكمل لهم الاشياء من عطاياك ونوافلك وتوفر عليهم
الحظ من عوائدك وفوائدك رب صل عليه وعليهم صلوة لا امد في اولها

ولا غاية لامدها ولا نهاية لآخرها رب صل عليهم زنة عرشك وما دونه و
ملاء سمواتك وما فوقهن وعدد ارضيك وما تحتهن وما بينهن صلوة
تقربهم منك زلفى وتكون لك ولهم رضى ومتصلة بنظائرهن ابداً اللهم
انك ايدت دينك في كل اوان بامام اقمته علماً لعبادك ومناراً في بلادك
بعد ان وصلت حبله بحبلك وجعلته الذريعة الى رضوانك وافترضت
طاعته وحذرت معصيته وامرت بامتثال امره والانتهاء عند نهيه والا
يتقدمه متقدم ولا يتأخر عنه متأخر فهو عصمة اللائذين وكهف المؤمنين
وعروة المتمسكين وبهاء العالمين فاوزع لوليك ما انعمت به عليه و
اوزعنا مثله فيه وآته من لدنك سلطاناً نصيراً وافتح له فتحاً يسيراً و
اعنه بركنك الاعز واشدد ازره وقو عضده وراعه بعينك واحمه
بحفظك وانصره بملائكتك وامدده بجندك الاغلب واقم به كتابك وحدودك
وشرائعك وسنن رسولك صلواتك اللهم عليه وآله واحي به ما اماته
الظالمون من معالم دينك واجل به صداء الجور عن طريقتك وابن به الضراء
عن سبيلك وازل به الناكبين عن صراطك وامحق به بغاة قصدك عوجاً
والن جانبه لاوليائك وابسط يده على اعدائك وهب لنا رأفته ورحمته
وتعطفه وتحننه واجعلنا له سامعين مطيعين وفي رضاه ساعين والى نصرته
والمدافعة عنه مكتنفين واليك والى رسولك صلواتك اللهم عليه
وآله بذلك متقربين اللهم وصل على اوليائهم المعترفين بمقامهم المتبعين
منهجهم المقتفين آثارهم المستمسكين بعروتهم المتمسكين بولايتهم المؤتمين
بامامتهم المسلمين لامرهم المجتهدين في طاعتهم المنتظرين ايامهم المادين
اليهم اعينهم الصلوات المباركات الزاكيات الناميات الغاديات الرائحات
وسلم عليهم وعلى ارواحهم واجمع على التقوى امرهم واصلح لهم شؤونهم وتب
عليهم انك انت التواب الرحيم وخير الغافرين واجعلنا معهم في دار السلام
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وهذا يوم عرفة يوم شرفته وكرمته وعظمته
نشرت فيه رحمتك ومننت فيه بعفوك واجزلت فيه عطيتك وتفضلت

شكر

به على عبادك اللهم وانا عبدك الذي انعمت عليه قبل خلقك اياه وبعد خلقك
ممن هديته لدينك ووفقته لحقك وعصمته بحبلك وادخلته في حزبك
وارشدته لموالاة اوليائك ومعاداة اعدائك ثم امرته فلم يأتمر وزجرته فلم
ينزجر ونهيته عن معصيتك فخالف امرك الى نهيك لا معاندة لك ولا استكبارا
عليك بل دعاه هواه الى ما زيلته والى ما حذرته واعانه على ذلك عدوك
وعدوه فاقدم عليه عارفا بوعيدك راجيا لعفوك واثقا بتجاوزك وكان
احق عبادك مع ما مننت عليه الا يفعل وها انا ذا بين يديك صاغرا ذليلا
خاضعا خاشعا خائفا معترفا بعظيم من الذنوب تحملته وجليل من الخطايا اجترمته
مستجيرا بصفحك لائذا برحمتك موقنا انه لا يجيرني منك مجير ولا يمنعني منك
مانع فعد علي بما تعود به على من اقترف من تغمدك وجد علي بما تجود به على
من القى بيده اليك من عفوك وامنن علي بما لا يتعاظمك ان تمن به على
من املك من غفرانك واجعل لي في هذا اليوم نصيبا انال به حظا من رضوانك
ولا تردني صفرا مما ينقلب به المتعبدون لك من عبادك فاني وان لم اقدم
ما قدموه من الصالحات فقد قدمت توحيدك ونفي الاضداد والاشباه و
الانداد عنك واتيتك من الابواب التي امرت ان تؤتى منها وتقربت اليك
بما لا يقرب احد منك الا بالتقرب به ثم اتبعت ذلك بالانابة اليك و
التذلل والاستكانة لك وحسن الظن بك والثقة بما عندك وشفعته
برجائك الذي قل ما يخيب عليه راجيك وسألتك مسألة الحقير الذليل
البائس الفقير الخائف المستجير ومع ذلك خيفة وتضرعا وتعوذا وتلوذا لا
مستطيلا بتكبر المتكبرين ولا متعاليا بدالة المطيعين ولا مستطيلا
بشفاعة الشافعين وانا بعد اقل الاقلين واذل الاذلين ومثل الذرة او
دونها فيا من لم يعاجل المسيئين ولم يغافص المترفين ويا من يمن باقالة
العاثرين ويتفضل بانظار الخاطئين انا المسيء المعترف الخاطئ العاثر انا الذي
اقدم عليك مجترئا انا الذي عصاك متعمدا انا الذي استخفى من عبادك
وبارزك انا الذي هاب عبادك وامنك انا الذي لم يرهب سطوتك ولم يخف

بأسك

بأسك انا الجاني على نفسه انا المرتهن ببليته انا القليل الحياء انا الطويل
العناء بحق من انتجبت من خلقك وبمن اصطفيته لنفسك بحق من اخترت
من بريتك ومن اجتبيت لشأنك بحق من وصلت طاعته بطاعتك وجعلت
معصيته كمعصيتك بحق من قرنت موالاته بموالاتك ومن نطت معاداته
بمعاداتك تغمدني في يومي هذا بما تتغمد به من جار اليك متنصلا وعاذ
باستغفارك تائبا وتولني بما تتولى به اهل طاعتك والزلفى لديك و
المكانة منك وتوحدني بما تتوحد به من وفى بعهدك واتعب نفسه في
ذاتك واجهدها في مرضاتك ولا تؤاخذني بتفريطي في جنبك وتعدي
طوري في حدودك ومجاوزة احكامك ولا تستدرجني باملائك لي استدراج
من منعني خير ما عنده ولم يشركك في حلول نعمته بي ونبهني من رقدة الغافلين
وسنة المسرفين ونعسة المخذولين وخذ بقلبي الى ما استعملت به القانتين
واستعبدت به المتعبدين واستنقذت به المتهاونين واعذني مما
يباعدني عنك ويحول بيني وبين حظي منك ويصدني عما احاول لديك
وسهل لي مسلك الخيرات اليك والمسابقة اليها من حيث امرت والمشاحة
فيها على ما اردت ولا تمحقني فيمن تمحق من المستخفين بما اوعدت ولا تهلكني
مع من تهلك من المتعرضين لمقتك ولا تتبرني فيمن تتبر من المنحرفين عن
سبلك ونجني من غمرات الفتنة وخلصني من لهوات البلوى واجرني من
اخذ الاملاء وحل بيني وبين عدو يضلني وهوى يوبقني ومنقصة ترهقني
ولا تعرض عني اعراض من لا ترضى عنه بعد غضبك ولا تؤيسني من الامل
فيك فيغلب علي القنوط من رحمتك ولا تمنحني بما لا طاقة لي به فتبهظني
مما تحملنيه من فضل محبتك ولا ترسلني من يدك ارسال من لا خير فيه ولا
حاجة بك اليه ولا انابة له ولا ترم بي رمي من سقط من عين رعايتك ومن
اشتمل عليه الخزي من عندك بل خذ بيدي من سقطة المترددين ووهلة
المتعسفين وزلة المغرورين وورطة الهالكين وعافني مما ابتليت به طبقات
عبيدك وامائك وبلغني مبالغ من عنيت به وانعمت عليه ورضيت عنه

فاعشته حميدا وتوفيته سعيدا وطوقني طوق الاقلاع عما يحبط الحسنات
ويذهب بالبركات واشعر قلبي الازدجار عن قبائح السيئات وفواضح الحوبات
ولا تشغلني بما لا ادركه الا بك عما لا يرضيك عني غيره وانزع من قلبي حب
دنيا دنية تنهى عما عندك وتصد عن ابتغاء الوسيلة اليك وتذهل عن
التقرب منك وزين لي التفرد بمناجاتك بالليل والنهار وهب لي عصمة
تدنيني من خشيتك وتقطعني عن ركوب محارمك وتفكني من اسر العظائم وهب
لي التطهير من دنس العصيان واذهب عني درن الخطايا وسربلني بسربال عافيتك
وردني رداء معافاتك وجللني سوابغ نعمائك وظاهر لدي فضلك وطولك
وايدني بتوفيقك وتسديدك واعني على صالح النية ومرضي القول ومستحسن
العمل ولا تكلني الى حولي وقوتي دون حولك وقوتك ولا تخزني يوم تبعثني
للقائك ولا تفضحني بين يدي اوليائك ولا تنسني ذكرك ولا تذهب عني شكرك
بل الزمنيه في احوال السهو عند غفلات الجاهلين لآلائك واوزعني ان اثني
عليك بما اوليتنيه واعترف بما اسديته الي واجعل رغبتي اليك فوق
رغبة الراغبين وحمدي اياك فوق حمد الحامدين ولا تخذلني عند فاقتي اليك
ولا تهلكني بما اسديته اليك ولا تجبهني بما جبهت به المعاندين لك مسلم [?]
اعلم ان الحجة لك وانك اولى بالفضل واعود بالاحسان واهل التقوى و
اهل المغفرة وانك بان تعفو اولى منك بان تعاقب وانك بان تستر
اقرب منك الى ان تشهر فاحيني حيوة طيبة تنتظم بما اريد وتبلغ بي ما احب
من حيث لا اتي ما تكره ولا ارتكب ما نهيت عنه وامتني ميتة من يسعى نوره
بين يديه وعن يمينه وذللني بين يديك واعزني عند خلقك وضعني [?] اذا
خلوت بك وارفعني بين عبادك واغنني عمن هو غني عني وزدني اليك فاقة
وفقرا واعذني من شماتة الاعداء ومن حلول البلاء ومن الذل والعناء
تغمدني فيما اطلعت عليه مني بما يتغمد به القادر على البطش لولا حلمه
والاخذ على الجريرة لولا اناته واذا اردت بقوم فتنة او سوءا فنجني منها
لواذا بك واذ لم تقمني مقام فضيحة في دنياك فلا تقمني مثله في اخرتك و

اشفع لي اوائل مننك باواخرها وقديم فوائدك بحوادثها ولا تمدد لي مدا
يقسو معه قلبي ولا تقرعني قارعة يذهب لها بهائي ولا تسمني خسيسة
يصغر لها قدري ولا نقيصة يجهل من اجلها مكاني ولا ترعني روعة ابلس بها
ولا خيفة اوجس دونها اجعل هيبتي في وعيدك وحذري من اعذارك وانذارك
ورهبتي عند تلاوة اياتك واعمر ليلي بايقاظي فيه لعبادتك وتفردي
بالتهجد لك وتجردي بسكوني اليك وانزال حوائجي بك ومنازلتي اياك
في فكاك رقبتي من نارك واجارتي مما فيه اهلها من عذابك ولا تذرني
في طغياني عامها ولا في غمرتي ساهيا حتى حين ولا تجعلني عظة لمن اتعظ ولا
نكالا لمن اعتبر ولا فتنة لمن نظر ولا تمكر بي فيمن تمكر به ولا تستبدل
بي غيري ولا تغير لي اسما ولا تبدل لي جسما ولا تتخذني هزوا لخلقك
ولا سخريا لك ولا متبعا الا لمرضاتك ولا ممتهنا الا بالانتقام لك و
اوجدني برد عفوك وحلاوة رحمتك وروحك وريحانك وجنة نعيمك
واذقني طعم الفراغ لما تحب بسعة من سعتك والاجتهاد فيما يزلف لديك
وعندك واتحفني بتحفة من تحفاتك واجعل تجارتي رابحة وكرتي غير
خاسرة واخفني مقامك وشوقني لقاءك وتب علي توبة نصوحا لا تبق
معها ذنوبا صغيرة ولا كبيرة ولا تذر معها علانية ولا سريرة وانزع
الغل من صدري للمؤمنين واعطف بقلبي على الخاشعين وكن لي كما تكون
للصالحين وحلني حلية المتقين واجعل لي لسان صدق في الغابرين و
ذكرا ناميا في الاخرين ووافِ بي عرصة الاولين وتمم سبوغ نعمتك علي
وظاهر كراماتها لدي واملأ من فوائدك يدي وسق كرائم مواهبك
الي وجاور بي الاطيبين من اوليائك في الجنان التي زينتها لاصفيائك
وجللني شرائف نحلك في المقامات المعدة لاوليائك واجعل لي عندك
مقيلا اوي اليه مطمئنا ومثابة اتبوؤها واقر عينا ولا تقايسني بعظيمات
الجرائر ولا تهلكني يوم تبلى السرائر وازل عني كل شك وشبهة واجعل
لي في الحق طريقا من كل رحمة واجزل لي قسم المواهب من نوالك ووفر علي

حظوظ الاحسان من افضالك واجعل قلبي واثقا بما عندك وهمي مستفرغا
لما هو لك واستعملني بما تستعمل به خالصتك واشرب قلبي عند ذهول
العقول طاعتك واجمع لي الغنى والعفاف والدعة والمعافاة والصحة و
السعة والطمانينة والعافية ولا تحبط حسناتي بما يشوبها بما يشوبها
من معصيتك ولا تخلواني بما يعرض لي من نزغات فتنتك وصن وجهي
عن الطلب الى احد من العالمين وذبني عن التماس ما عند الفاسقين
ولا تجعلني للظالمين ظهيرا ولا لهم على محو كتابك يدا ونصيرا وحطني من حيث لا
اعلم حياطة تقيني بها وافتح لي ابواب توبتك ورحمتك ورافتك ورزقك
الواسع اني اليك من الراغبين واتمم لي انعامك انك خير المنعمين واجعل باقي
عمري في الحج والعمرة ابتغاء وجهك يا رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطيبين
الطاهرين والسلام عليه وعليهم ابد الابدين که شب عید اضحی را احیا کنند
بواسطه آنکه درهای آسمان در این شب گشوده است و سنت است روزه روز
عید غدیر که آن هیجدهم ایماهست و از سنن و آداب این روز آنست که غسل
کنند و نماز بجا آورند که در فصل سی و هفتم مذکور شد و بعد از سلام بگویند

اعمال روز غدیر

ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا
ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على
رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد اللهم اني اشهدك و
كفى بك شهيدا واشهد ملائكتك وانبياءك وحملة عرشك وسكان
سمواتك وارضك بانك انت الله لا اله الا انت المعبود فلا يعبد سواك
فتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا واشهد ان محمدا صلى الله عليه
وآله عبدك ورسولك واشهد ان امير المؤمنين عليه السلام مولانا
ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادي رسولك صلى الله عليه وآله اذ نادى
بنداء عنك بالذي امرته ان يبلغ ما انزلت اليه من ولاية ولي امرك
وحذرته وانذرته ان لم يبلغ ما امرته به ان تسخط عليه ولما بلغ رسالاتك
عصمته من الناس فنادى مبلغا عنك الا من كنت مولاه فعلي مولاه ومن

کنت

كنت وليه فعلي وليه ومن كنت نبيه فعلي اميره ربنا قد اجبنا داعيك
النذير محمدا صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك الى الهادي المهدي
عبدك الذي انعمت عليه وجعلته مثلا لبني اسرائيل علي امير المؤمنين
ومولاهم ووليهم ربنا واتبعنا مولانا وولينا وهادينا وداعينا وداعي
الانام وصراطك المستقيم وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي اليك على
بصيرة هو ومن اتبعه وسبحان الله وتعالى عما يشركون واشهد انه الامام
الهادي الرشيد امير المؤمنين الذي ذكرته في كتابك فانك قلت وقولك الحق و

قلت

انه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم فانا نشهد بانه عبدك والهادي
من بعد نبيك النذير المنذر وصراطك المستقيم وامير المؤمنين وقائد
الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك المعبر عنك في خلقك وانه القائم
بالقسط في بريتك وديان دينك وخازن علمك وامينك المامون المأخوذ
ميثاقه وميثاق رسولك من جميع خلقك وبريتك شاهدا بالاخلاص لك
والربوبية بالوحدانية لك بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا صلوات الله
عليه وآله عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته وليك و
الاقرار بولايته تمام وحدانيتك وكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك
وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم
نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك علينا
بالذي جددت من عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص
والتصديق بميثاقك ومن اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من اتباع المغيرين
والمبدلين والمحرفين والمبتكين آذان الانعام والمغيرين خلق الله ومن الذين
استحوذ عليهم الشيطان فانساهم ذكر الله وصدهم عن السبيل والصراط
المستقيم اللهم العن الجاحدين والناكثين والمغيرين والمكذبين بيوم الدين
من الاولين والآخرين فلك الحمد على انعامك علينا بالهدى الذي هديتنا به
الى ولاة امرك من بعد نبيك الائمة الهداة الراشدين واعلام الهدى و
منار القلوب والتقوى والعروة الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم

اللهم

وبموالاتهم رضيت لنا الاسلام دينا ربنا فلك الحمد امنا وصدقنا
بمنك علينا بالرسول النذير المنذر واليناوليهم وعادينا عدوهم وبرئنا
من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما كان ذلك من شانك يا
صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو كل يوم في شان اذ اتممت
علينا نعمتك بموالاة اوليائك المسؤل عنهم عبادك فانك قلت ثم لتسئلن
يومئذ عن النعيم وقلت وقفوهم انهم مسئولون ومننت علينا
بشهادة الاخلاص لك وبولاية اوليائك الهداة بعد النذير المنذر السراج
المنير واكملت لنا بهم الدين واتممت علينا بهم النعمة وجددت لنا عهدك
وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك ايانا وجعلتنا من اهل
الاجابة ولم تنسنا ذكرك فانك قلت واذ اخذ ربك من بني ادم من ظهورهم
ذريتهم واشهدهم على انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك
بانك انت الله لا اله الا انت ربنا ومحمد عبدك ورسولك نبينا وعلي امير
المؤمنين عبدك الذي انعمت به علينا وجعلته اية لنبيك اياتك الكبرى
والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعنه مسؤلون اللهم فكما كان من
شانك ان انعمت علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شانك ان تصلي على
محمد وال محمد وان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا به وذكرتنا فيه
عهدك وميثاقك واكملت لنا ديننا واتممت علينا نعمتك وجعلتنا بمنك
من اهل الاجابة لك والبراءة من اعدائك واعداء اوليائك المكذبين
بيوم الدين فاسئلك يا رب تمام ما انعمت وان تجعلنا من المؤمنين ولا تلحقنا
بالمكذبين واجعل لنا قدم صدق مع المتقين واجعلنا مع المتقين اماما يوم ندعو
كل اناس بامامهم واحشرنا في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين و
اجعلنا من البراءة من الذين هم دعاة الى النار ويوم القيمة هم من المقبوحين
وامتنا واحينا على ذلك ما احييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلا واجعل
لنا قدم صدق في الهجرة اليهم اللهم واجعل محيانا خير المحيا ومماتنا خير
الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك

ندعو

حتى

حتى توفتنا وانت عنا راض قد اوجبت لنا جنتك برحمتك والمثوى في جوارك
في دار المقامة من فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر
لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على
رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد اللهم واحشرنا مع الائمة
الهداة من ال رسولك نؤمن بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم اللهم
اني اسئلك بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي فضلتهم به على العالمين
جميعا ان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا فيه بالموافاة بعهدك الذي
عهدت الينا والميثاق الذي واثقتنا به من موالاة اوليائك والبراءة من
اعدائك ان تتم علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبناه
ابدا ولا تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي الى
الهدى وتحت لوائه وفي زمرته شهداء صادقين على بصيرة من دينك انك
على كل شيء قدير پس سؤال كن بعد از ان حاجت خود را از براى دنيا و آخرت
پس بدرستيكه ان حاجت بخدا قسم كه براورده ميشود وبعد از ان دعائى را
بخواند كه از حضرت صادق ع مرويست وان اينست اللهم صل على وليك و
اخي نبيك ووزيره وحبيبه وخليله وموضع سره وخيرته من اسرته ووصيه
وصفوته وخالصته وامينه ووليه واشرف عترته الذين امنوا به وابي
ذريته وباب حكمته والناطق بحجته والداعي الى شريعته والماضي على سنته
وخليفته على امته سيد المسلمين وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين
افضل ما صليت على احد من خلقك واصفيائك واوصياء انبيائك اللهم
اني اشهد انه قد بلغ عن نبيك صلى الله عليه واله ما حمل ورعى ما استحفظ
وحفظ ما استودع وحلل حلالك وحرم حرامك واقام احكامك ودعى
الى سبيلك ووالى اوليائك وعادى اعدائك وجاهد الناكثين عن
سبيلك والقاسطين والمارقين عن امرك صابرا محتسبا مقبلا غير مدبر
لا تاخذه في الله لومة لائم حتى بلغ في ذلك الرضا وسلم اليك القضاء و
عبدك مخلصا حتى اتاه اليقين فقبضته اليك شهيدا سعيدا وليا تقيا

دعاى حضرت صادق

زکیا هادیا مهدیا اللهم صل علی محمد و آله افضل ما صلیت علی احد من
انبیائک و اصفیائک یا رب العالمین و بعد از آن این دعا را بخواند اللهم
انی اسئلک بحق محمد نبیک صلی الله علیه و آله و علی ولیک و الشأن و
القدر الذی اختصصتهما به دون خلقک ان تصلی علیهما و علی ذریتهما و ان
تبدأ بهما فی کل خیر عاجل اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة القادة و الدعاة
السادة و النجوم الزاهرة و الاعلام الباهرة و ساسة العباد و ارکان البلاد
و الناقة المرسلة و السفینة الجاریة فی اللجج الغامرة اللهم صل علی محمد و آل
محمد خزان علمک و ارکان توحیدک و دعائم دینک و معادن کرامتک و صفوتک
من بریتک و خیرتک من خلقک الاتقیاء النجباء الابرار و الباب المبتلی
به الناس من اتاه نجی و من اباه هوی اللهم صل علی محمد و آل محمد اهل
الذکر الذین امرت بمسئلتهم و ذوی القربی الذین امرت بمودتهم و فرضت
حقهم و جعلت الجنة معاد من اقتص آثارهم اللهم صل علی محمد و آل محمد
کما امروا بطاعتک و نهوا عن معصیتک و دلوا عبادک علی وحدانیتک اللهم
انی اسئلک بحق محمد نبیک و نجیبک و صفوتک و امینک و رسولک الی
خلقک و بحق امیر المؤمنین و یعسوب الدین و قائد الغر المحجلین الوصی الوفی
و الصدیق الاکبر و الفاروق الاعظم بین الحق و الباطل و الشاهد لک
و الدال علیک و الصادع بامرک و المجاهد فی سبیلک لم تأخذه فیک لومة
لائم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعلنی فی هذا الیوم الذی عقدت
فیه لولیک العهد فی اعناق خلقک و اکملت لهم الدین من العارفین بحرمته
و المقرین بفضله من عتقائک و طلقائک من النار و لا تشمت بی حاسدی
النعم اللهم فکما جعلته عیدک الاکبر و سمیته فی السماء یوم العهد المعهود
و فی الارض یوم المیثاق المأخوذ و الجمع المسئول صل علی محمد و اقرر به عیوننا
و اجمع به شملنا و لا تضلنا بعد اذ هدیتنا و اجعلنا لانعمک من الشاکرین
یا ارحم الراحمین الحمد لله الذی عرفنا فضل هذا الیوم و بصرنا حرمته و
کرمنا به و شرفنا بمعرفته بنوره یا رسول الله یا امیر المؤمنین علیکما و علی

عترتکما و محبیکما منی افضل السلام ما بقی اللیل و النهار و بکما اتوجه
الی الله ربی و ربکما فی نجاح طلبتی و قضاء حوائجی و تیسیر اموری اللهم
انی اسئلک بحق محمد و آل محمد ان تلعن من جحد حق هذا الیوم و انکر حرمته
صد عن سبیلک لاطفاء نورک فابی الله ان یتم نوره اللهم املاء الارض
بهم عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا و انجز لهم ما وعدتهم انک لا تخلف المیعاد
و بعد از آن سجده کند و بگوید صد بار شکرا و صد بار بگوید الحمد لله و صد بار
تا آنقدر که ممکن باشد بگوید الحمد لله علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضی
الرب الکریم و الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین
و سنتست که چون برادران مؤمن در این روز بیکدیگر رسند بگویند الحمد لله
الذی اکرمنا بهذا الیوم و جعلنا من المؤمنین بعهده الینا و میثاقه الذی
واثقنا به من ولایة ولاة امره و القوام بقسطه و لم یجعلنا من الجاحدین و
المکذبین بیوم الدین و روایت کرده است زیاد بن محمد از حضرت صادق ع و گفته
است که بآنحضرت عرض کردم که مسلمانان را غیر از روز جمعه و عید فطر و
عید قربان دیگر هست فرمود که بلی روزی که پیغمبر ص در آن روز نصب کرد علی بن
ابی طالب ع را بامامت از برای امت گفتم که آن کدامست آنحضرت فرمود که بآن روز
چکار داری ایام میگردد و لیکن باید که بدانی که آن روز هیجدهم ماه ذیحجه است
و سزاوار آنست که در این روز تقرب بجوید بخدا تعالی و بروزه و نماز و صله رحم
و صله برادران مؤمن پس بدرستیکه پیغمبران ع هرگاه اوصیای خود را قائم
مقام خود میکردند صوم و صلوة و صله رحم و نیکی اخوان بجای می آوردند
و مردم را بآن امر میکردند و در این روز زیارت امیر المؤمنین سنتست و ذکر
آن در فصل چهل و یکم در باب زیارات گذشت و روز بیست و چهارم ذیحجه سنت
است روزه داشتن و غسل کردن و جامه پاک پوشیدن و زیارت پیغمبر و
ائمه ع بجای آوردن و در بعضی از مساجد و مشاهد دعائی را که مذکور خواهد
شد خواندن و اگر در مسجد و مشهدی خواندن آن ممکن نباشد در موضع خالی
یا در سر کوه بلندی بخواند و در این روز علی ع خاتم خود را تصدق کرد در حالت

دکوع وبنا بر قول اظهر روز مباهله همین روز است وسنتست دراینروز
دو رکعت نماز کردن بکیفیت نماز غدیر وذکران در فصل سی وهفتم در مبحث
نمازها گذشت سید بن باقی در کتاب خود اختیار ذکر کرده است که فضل
روز مباهله بسیار است واین کتاب گنجایش ذکر آنها ندارد وحضرت کاظم
فرمود که در روز مباهله هر نمازی که خواهی بکن وهرگاه دو رکعت نماز
بجای آوردی در عقب آن هفتاد بار استغفار کن وبعد از آن برپای خیز وبگوشه
چشم بموضع سجده خود نما کن در حالیتکه غسل کرده باشی وبگوی الحمد لله رب
العالمین الحمد لله فاطر السموات والارض الحمد لله الذی له ما فی السموات
وما فی الارض الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور
الحمد لله الذی عرفنی ما کنت به جاهلا ولولا تعریفه ایای لکنت هالکا اذ
قال وقوله الحق قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی فبین لی القرابة
فقال سبحانه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا
فبین لی اهل البیت بعد القرابة وقال تعالی مبینا عن الصادقین الذین
امرنا بالکون معهم والرد الیهم بقوله سبحانه یا ایها الذین امنوا اتقوا الله
وکونوا مع الصادقین فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله تعالی جل ثناؤه
قل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم ونساءنا ونساءکم وانفسنا وانفسکم
ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین فلک الشکر یا رب ولک المن حیث
هدیتنی وارشدتنی حتی لم یخف علی الاهل والبیت والقرابة فعرفتنی
نساءهم واولادهم ورجالهم اللهم انی اتقرب الیک بذلک المقام الذی
لا یکون اعظم منه فضلا للمؤمنین ولا اکثر رحمة لهم بتعریفک ایاهم شانه
وابانتک فضل اهل الذین بهم ادحضت باطل اعدائک وثبت بهم قواعد
دینک ولولا هذا المقام المحمود الذی انقذتنا به ودللتنا علی اتباع المحقین
من اهل بیت نبیک الصادقین عند الذین عصمتهم من لغو المقال ومدانس
الافعال لخصم اهل الاسلام وظهرت کلمة اهل الالحاد وفعل اولی العناد
فلک الحمد ولک المن ولک الشکر علی نعمائک وایادیک اللهم صل علی محمد

در سجده بخواند

وال محمد الذین فرضت علینا طاعتهم وعقدت فی رقابنا ولایتهم واکرمتنا
بمعرفتهم وشرفتنا باتباع اثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذی عرفونا فاعنا
علی الاخذ بما بصرونا واجز محمدا صلی الله علیه واله عنا افضل الجزاء
بما نصح لخلقک وبذل وسعه فی ابلاغ رسالاتک واخطر بنفسه فی اقامة دینک
وعلی اخیه ووصیه الهادی الی دینه والقیم بسنته علی امیر المؤمنین و
صل علی الائمة من ابنائه الصادقین الذین وصلت طاعتهم بطاعتک
وادخلنا بشفاعتهم دار کرامتک یا ارحم الراحمین اللهم هؤلاء اصحاب
الکساء والعباء یوم المباهلة اجعلهم شفعاءنا اسئلک بحق ذلک المقام
المحمود والیوم المشهود ان تغفر لی وتتوب علی انک انت التواب الرحیم اللهم
انی اشهد ان ارواحهم وطینتهم واحدة وهی الشجرة التی طاب اصلها واغصانها
واوراقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزی فی الدنیا والاخرة
بولایتهم واوردنا موارد الامن من اهوال یوم القیامة بحبهم واقرارنا
بفضلهم واتباعنا اثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه من
توحیدک ووقفونا علیه من تعظیم شانک وتقدیس اسمائک وشکر الائک و
نفی الصفات ان تحلک والعلم ان یحیط بک والوهم ان یقع علیک فانک
اقمتهم حججا علی خلقک ودلائل علی توحیدک وهداة تنبئ عن امرک وتهدی
الی دینک وتوضح ما اشکل علی عبادک وبابا للمعجزات التی یعجز عنها غیرک
وبها تبین حجتک وتدعو الی تعظیم السفیر بینک وبین خلقک وانت المتفضل
علیهم حیث قربتهم من ملکوتک واختصصتهم بسرک واصطفیتهم لوحیک و
اورثتهم غوامض تاویلک رحمة لخلقک ولطفا بعبادک وحنانا علی بریتک
وعلما بما تنطوی علیه ضمائر امنائک وما تکون من شان صفوتک وطهرتهم
فی منشئهم ومبتداهم وحرستهم من نفث نافث الیهم واربیتهم بزها عن
عرض نسولهم فاستجابوا لامرک وشغلوا انفسهم بطاعتک وملئوا اجزاءهم
من ذکرک وعمروا قلوبهم بتعظیم امرک وجزءوا اوقاتهم فیما یرضیک واخلوا
دخائلهم من معاریض الخطرات الشاغلة عنک فجعلت قلوبهم مکامن

لارادتك وعقولهم مناصب لامرك ونهيك والسنتهم تراجمة لسنتك ثم
اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم
بوحيك وانزلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم والاستنباط
منهم اللهم انا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك صلوات الله عليهم الذين
اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم اللهم فانا قد تمسكنا بهم فارزقنا
شفاعتهم حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق حميم واجعلنا من
الصادقين المصدقين لهم المنتظرين لايامهم الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا
بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب آمين رب
العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد وعلى اخيه وصنوه امير المؤمنين
وقبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم الروح
الامين وباهل الله بهم المباهلين فقال وهو اصدق القائلين فمن حاجك
فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا
ونساءكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الامام المخصوص
بمواخاته والموثر بالقوت بعد ضر الطوى ومن شكر الله سعيه في هل اتى
ومن شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جاحدوه مولى الانام ومكسر الاصنام
ومن لم تاخذه في الله لومة لائم صلى الله عليه ما طلعت شمس النهار واورق
الاشجار وعلى النجوم المشرقات من عترته والحجج الواضحات من ذريته و بعد
از ان دعائی را بخوان که از صادق ع مرویست و از ایضاً اللهم اني اسئلك
من بهائك بابهاه وكل بهائك بهي اللهم اني اسئلك ببهائك كله اللهم
اني اسئلك من جلالك باجله وكل جلالك جليل اللهم اني اسئلك
بجلالك كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني
اسئلك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم اني اسئلك
بعظمتك كلها اللهم اني اسئلك بنورك كله اللهم اني اسئلك من رحمتك
باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم اني اسئلك برحمتك كلها اللهم اني
ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من كمالك باكمله

وانفسنا وانفسكم

اللهم اني اسئلك من نورك بانوره وكل نورك نيّر

وكل

وكل كمالك كامل اللهم اني اسئلك بكمالك كله اللهم اني اسئلك من
كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني اسئلك بكلماتك كلها اللهم
اني اسئلك من اسمائك باكبرها وكل اسمائك كبيرة اللهم اني اسئلك
باسمائك كلها اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم
اني اسئلك من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسئلك من مشيتك
بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم اني اسئلك بمشيتك كلها اللهم
اني اسئلك من قدرتك التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة
اللهم اني اسئلك بقدرتك كلها اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما
وعدتني اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني
اسئلك بعلمك كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه وكل قولك رضي
اللهم اني اسئلك بقولك كله اللهم اني اسئلك من مسائلك باحبها اليك
وكل مسائلك حبيبة اللهم اني اسئلك بمسائلك كلها اللهم اني ادعوك
كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من شرفك باشرفه وكل
شرفك شريف اللهم اني اسئلك بشرفك كله اللهم اني اسئلك من سلطانك
بادومه وكل سلطانك دائم اللهم اني اسئلك بسلطانك كله اللهم اني
اسئلك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك بملكك
كله اللهم ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من
علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم اني اسئلك بعلائك كله اللهم اني
اسئلك من آياتك باعجبها وكل آياتك عجيبة اللهم اني اسئلك بآياتك
كلها اللهم اني اسئلك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسئلك
بمنك كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك
بما انت فيه من الشؤون والجبروت اللهم اني اسئلك بكل شأن وكل جبروت
اللهم فاني اسئلك بما تجيبني به حين اسئلك يا الله يا لا اله الا انت اسئلك
ببهاء لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بجلال لا اله الا انت يا لا اله
الا انت اسئلك بلا اله الا انت اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي

بالقدرة

اليك

كما وعدتني اللهم اني اسئلك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني
اسئلك برزقك كله اللهم اني اسئلك بعطائك كله اللهم اني اسئلك
من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسئلك بخيرك كله اللهم اني
اسئلك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني ادعوك كما
امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم صل على محمد وال محمد وابعثني على
الايمان بك والتصديق برسولك عليه واله السلام والولاية لعلي بن
ابي طالب والبرائة من عدوه والايتمام بالائمة من ال محمد فاني رضيت بذلك
يا رب اللهم صل على محمد عبدك ورسولك في الاولين وصل على محمد في الاخرين
وصل على محمد في الملا الاعلى وصل على محمد في المرسلين اللهم اعط محمدا
الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة اللهم صل على محمد وال
محمد وقنعني بما رزقتني وبارك لي فيما اعطيتني واحفظني في غيبتي وفي كل غائب
هو لي اللهم صل على محمد وال محمد واسئلك خير الخير رضوانك والجنة و
اعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وال محمد واحفظني
من كل مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل
بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل افة نزلت وتنزل
من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي
هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وال محمد واقسم لي من كل
سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل
سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل سعة ومن
كل نعمة نزلت او تنزل من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة
وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت
وجهي عندك وحالت بيني وبينك وغيرت حالي عندك فاني اسئلك بنور
وجهك الذي لا يطفا وبوجه محمد حبيبك المصطفى وبوجه وليك علي المرتضى
وبحق اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ما
مضى من ذنوبي وان تعصمني فيما بقي من عمري واعوذ بك اللهم ان اعود في

اللهم اني اسئلك بفضلك كله ۳

شيء من معاصيك ابدا ما ابقيتني حتى توفاني وانا لك مطيع وانت عني
راض وان تختم لي عملي باحسنه وتجعل لي ثوابه الجنة وان تفعل بي ما انت
اهله يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة صل على محمد وال محمد وارحمني
برحمتك يا ارحم الراحمين **فصل چهل نهم** در بيان خطبها وابتدا ميكنيم بخطبه
روز غدير شيخ شهيد در دروس بطريق احمد بن محمد بن ابي نصر از امام رضا روايت
كرده است كه آنحضرت فرمود كه بدرستيكه روز غدير در آسمان مشهورتر از
زمين است اي پسر ابي نصر در هر جا باشي در روز غدير نزد مرقد مطهر امير المؤمنين
حاضر شو بدرستيكه در اينروز خدا تعالى مى آمرزد از براى هر مرد مؤمن وزن
مؤمنه ومرد مسلمان وزنان مسلمه گناهان شصت ساله او را ودر اينروز آزاد
ميسازد از آتش دوزخ دو مثل آنها را كه در ماه رمضان وشب قدر وشب
عيد فطر آزاد كرده است وتصدق كردن يك درهم در اينروز برابر هزار درهم
است كه بمؤمنان داده باشى پس تفضل كن در اينروز بر برادران وشاد گردان
در اينروز هر مؤمن ومؤمنه را بخدا سوگند كه اگر مردم فضيلت اينروز را كما هو
حقه بدانند هر اينه در هر روز ده بار ملائكه با ايشان مصافحه خواهند كرد
واگر من مكروه نميداشتم تطويل را ذكر ميكردم در فضيلت اينروز آن چيزى
كه خدا مى بخشد بكسيكه حق اينروز را ميداند آنمقدار را كه بشمار در نمى ايد
وشيخ طوسى ره در تهذيب آورده است از حضرت صادق ع كه روزه روز غدير
برابر روزه عمر دنيا است وروزه اينروز در هر سال نزد خدا تعالى بزرگترين
عيدها است وهر پيغمبرى را كه خدا تعالى برانگيخت در اينروز خدا تعالى را
عبادت كرد وحرمت اينروز در آسمان يوم العهد المعهود است ودر زمين
يوم الميثاق الماخوذ والجمع المشهود است وكسيكه در اينروز مؤمنى را افطار
فرمايد مثل كسى است كه ده فئام را اطعام كرده باشد وفئام عبارتست از صد
هزار كس ومراد واست تو اكسيكه اطعام كند بعدد ده فئام از انبيا وصديقان
وشهدا در حرم خدا تعالى واب دهد ايشانرا در روز تنگى وگرسنگى وتصدق
يكدرهم در اينروز ثواب تصدق هزار هزار درهم دارد در روزهاى ديگر وبعد

از انفرمود که کمان مینکنی که خدایتعالی روزی بزرکتر از اینروز خلق کرده است
نه والله نه والله نه والله بزرکتر از این روز خدایتعالی خلق نکرده است و مرویست
که یکی از علمای یهود بعمر بن خطاب کفت که در دین شما روزی هست که اکر ان
روز در دین ما می بود ما انرا اعظم اعیاد خود میکردیم عمر کفت ان کدام روز
است یهودی کفت که ان روزیست که ایهٔ اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی
ورضیت لکم الاسلام دینا بر پیغمبر شما نازل شد و بالجمله فضل این روز چندان
است که اکر از ابشمارند نمیتوان شمرد و بعضی ازان شیخ در مصباح و تهذیب ذکر
کرده است و بعضی را ابن بابویه در من لا یحضره الفقیه و امالی ذکر کرده است و بعضی
را کلینی در کتاب کافی و کتاب النشر والطی و کتاب الخصایص لیوم الغدیر ذکر کرده
است و بعضی دیکر در کتاب علمای دیکر مذکور است و امام محمد باقر فرمود که کار
مردی برابر مردی دینی باشد و اورا دو کواه بود ند و حق او را باو ندادند و ابن اثیر
در سرایر خود ذکر کرده است که در روز غدیر عثمان بن عفان کشته شد و
مردم بعلی بیعت کردند مکر چهار کس که بیعت نکردند و ان چهار کس که بیعت
نکردند و ان چهار کس عبدالله بن عمر و محمد بن مسلمه و سعد بن ابی وقاص و اسامة
بن زید است و در اینروز موسی بر سحرهٔ فرعون غالب شد و در این روز فرعون
و لشکر او غرق شدند و در اینروز موسی یوشع بن نون را نصب کرد و در اینروز
عیسی شمعون صفا را وصی خود کردانید و در اینروز سلیمان رعای خود را
بر خلافت اصف شاهد کرفت و اینروز عظیم البرکاتست روایت کرده است
شیخ طوسی در مصباح خود از امام رضا و انحضرت از پدر خود روایت کرده است
و پدر او از پدران خود روایت کرده است که در بعضی از سالها در زمان امیر
المؤمنین عید غدیر در روز جمعه واقع شد پنج ساعت از روز که کذشت امیر
المؤمنین بر منبر رفت و خدایتعالی را حمدی کرد که مثل ان حمد کسی نشنیده
بود و ثنای خواند که غیر انحضرت کسی متوجه ان نشده بود و از خطبه انحضرت
انچه حفظ کرده شده است اینست الحمد لله الذی جعل الحمد من غیر حاجة
منه الی حامدیه طریقا من طرق الاعتراف بلاهوتیته وصمدانیته وربانیته

وفردانیته وسببا الی المزید من رحمته ومحجة للطالب من فضله وکمن فی
ابطان اللفظ حقیقة الاعتراف له بانه المنعم علی خلقه باللفظ وان عظم واشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریك له شهادة تعرب عن اخلاص الطوی ونطق
اللسان بها عبارة عن صدق خفی انه الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی
لیس کمثله شیء اذ کان الشیء من مشیته وکان لا یشبهه مکونه واشهد ان
محمدا صلی الله علیه واله عبده ورسوله استخلصه فی القدم علی سائر الامم علی
علم منه انفرد عن التشاکل والتماثل من ابناء الجنس وانتجبه امرا وناهیا عنه
اقامه فی سائر عالمه فی الاداء مقامه اذ کان لا تدرکه الابصار ولا تحویه الافکار
ولا تمثله غوامض الظنون والاسرار لا اله الا هو الملك الجبار وقرن الاعتراف
بنبوته بالاعتراف بلاهوتیته واختصه من تکرمته بما لم یلحقه فیه احد من
بریته فهو اهل ذلك بخاصته وخلته اذ لا یختص من یشوبه التغییر ولا یخالل
من یلحقه التظنین وامر بالصلوة علیه مزیدا فی تکرمته وطریقا للداعی
الی اجابته فصلی الله علیه وکرم وشرف وعظم مزیدا لا یلحقه التفنید ولا
ینقطع علی التابید وان الله اختص لنفسه بعد نبیه من بریته خاصة علاهم
بتعلیته وسما بهم الی رتبته وجعلهم الدعاة بالحق الیه والادلاء بالارشاد
علیه لقرن قرن وزمن زمن انشاهم فی القدم قبل کل مذروء ومبروء انوارا
انطقها بتحمیده والهمها شکره وتمجیده وجعلها الحجج علی کل معترف له بملکة
الربوبیة وسلطان العبودیة واستنطق بها الخرسات بانواع اللغات بخوعا له
بانه فاطر الارضین والسموات واشهدهم علی خلقه وولاهم ما شاء من امره و
جعلهم تراجمة مشیته والسن ارادته عبیدا لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون
یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یشفعون الا لمن ارتضی وهم من خشیته مشفقون
یحکمون باحکامه ویستنون بسنته ویقیمون حدوده ویؤدون فروضه ولم
یدع الخلق فی بهم صماء ولا فی عمی بکماء بل جعل لهم عقولا مازجت شواهدهم و
تفرقت فی هیاکلهم حققها فی نفوسهم واستعبد بها حواسهم فقررتها علی اسماع
ونواظر وافکار وخواطر الزمهم بها حجته واراهم بها محجته وانطقهم عما شهد به

بالسن ذربة بما قام فيهما من قدرته وحكمته وبين عندهم بها من عظمته
ليهلك من هلك عن بينه ويحيى من حى عن بينه وان الله لسميع بصير شاهد
خبير واعلموا ان الله جمع لكم معشر المسلمين فى هذا اليوم عيدين عظيمين كبيرين
لايقوم احدهما الا بصاحبه ليكمل عندكم جميل صنعه ويقفكم على طريق رشده
ويقفو بكم اثار المستضيئين بنور هدايته ويسهل لكم منهاج قصده ويوفر عليكم
هنئ رفده فجعل الجمعة مجمعا ندب اليه لتطهير ما كان مثله وغسل ما اوقعته
مكاسب السوء من مثله وذكرى للمؤمنين وبيان خشيته المتقين ووهب
من ثواب الاعمال فيه اضعاف ما وهب لاهل طاعته فى الايام مثله وجعله
لايتم الا بالائتمار بما امر به والانتهاء عما نهى عنه والبخوع بطاعته فيما احث عليه
وندب اليه فلا يقبل توحيده الا بالاعتراف لنبيه صلى الله عليه واله بنبوته
ولا يقبل دينا الا بولاية من امر بولايته ولا تنتظم اسباب طاعته الا بالتمسك
بعصمته وعصم اهل ولايته فانزل الله على نبيه صلى الله عليه واله فى يوم الدوح
ما بين به عن ارادته فى خلصائه وذوى اجتبائه وامره بالبلاغ ونزل الحبل باهل
الزيغ والنفاق وضمن له عصمته منهم فكشف من خبايا اهل الريب وضماير
اهل الارتداد ما رمز فيه فعقله المؤمن والمنافق فاعرض معرض وثبت الى الحق
ثابت وازدادت جهالة المنافق وحميته المارق ووقع العض عن النواجد
والغمز على السواغد ونطق ناطق ونعق ناعق ونشق ناشق واستمر على مارقته
مارق ووقع الاذعان من طائفة باللسان وصدق الايمان واكمل الله دينه
واقر عين نبيه والمؤمنين والتابعين وقد كان ما شهده بعضكم وبلغ بعضكم
وتمت كلمة الله الحسنى على الصابرين ودمر الله ما كان يصنع فرعون وهامان
وقارون وجنودهم وما كانوا وبقيت حثالة من الضلالة لا يالون الناس
خبالا يقصدهم الله فى ديارهم ويمحو الله اثارهم ويبيد معالمهم ويعقبهم عن
قرب الحسرات ويلحقهم بمن بسط اكفهم ومد اعناقهم ومكنهم من دين الله حتى
بدلوه ومن حكمه حتى غيروه وسياتى نصر الله على عدوه لحينه والله لطيف خبير
وفى دون ما سمعتم كفاية وبلاغ فتاملوا رحمكم الله ما ندبكم الله اليه وحثكم

عليه واقصدوا شرعه واسلكوا نهجه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله
ان هذا يوم عظيم الشان فيه وقع الفرج ورفعت الدرج ووضحت الحجج وهو يوم
الايضاح والافصاح والكشف عن المقام الصراح ويوم كمال الدين ويوم العهد
المعهود ويوم الشاهد والمشهود ويوم تبيان العقود عن النفاق والجحود ويوم
البيان عن حقايق الايمان ويوم دحر الشيطان ويوم البرهان هذا يوم الفصل
الذى كنتم به تكذبون هذا يوم الملا الاعلى اذ يختصمون هذا يوم النبا العظيم
الذى انتم عنه معرضون هذا يوم الارشاد ويوم محنة العباد ويوم الدليل
على الرواد هذا يوم ابدى خفايا الصدور ومضمرات الامور هذا يوم النصوص
على اهل الخصوص هذا يوم شيث هذا يوم ادريس هذا يوم هود هذا يوم يوشع
هذا يوم شمعون هذا يوم الامن المامون هذا يوم اظهار المصون من المكنون
هذا ابلاء السرائر وبعد از ان قول بسيار ميگفت كه هذا يوم هذا يوم وبعد از
ان فرمود فراقبوا الله واتقوه واسمعوا له واطيعوه واحذروا المكر ولا تخادعوه و
فتشوا ضمائركم ولا تواربوه وتقربوا الى الله تعالى بتوحيده وطاعة من امركم
ان تطيعوه ولا تمسكوا بعصم الكوافر ولا يجنح بكم الغى فتضلوا عن سبيل الرشاد
باتباع اولئك الذين ضلوا واضلوا قال الله تعالى عز وجل من قائل فى طائفة
ذكرهم بالذم فى كتابه انا اطعنا سادتنا وكبراءنا فاضلونا السبيلا ربنا اتهم
ضعفين من العذاب والعنهم لعنا كبيرا وقال اذ يتحاجون فى النار فيقول الضعفاء
للذين استكبروا انا كنا لكم تبعا فهل انتم مغنون عنا من عذاب الله من شىء
قالوا لو هدينا الله لهديناكم افتدرون الاستكبار ما هو ترك الطاعة لمن امروا
بطاعته والترفع على من ندبوا الى متابعته والقران ينطق من هذا عن كثير
ان تدبره متدبر زجره ووعظه واعلموا ايها المؤمنون ان الله عز وجل قال ان
الله يحب الذين يقاتلون فى سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص تدرون ما
سبيل الله ومن سبيله ومن صراط الله ومن طريقه انا سبيل الله الذى من
لم يسلكه بالطاعة له هوى به الى النار وانا سبيله الذى نصبنى الله للاتباع
بعد نبيه صلى الله عليه واله وانا قسيم الجنة والنار وانا حجة الله على الفجار

والابرار فانتبهوا من رقدة الغفلة وبادروا العمل قبل حلول الاجل وتسابقوا
الى مغفرة من ربكم قبل ان يضرب بالسور بباطن الرحمة وظاهر العذاب فتنادون
فلا يسمع نداؤكم وتضجون فلا يحفل بضجيجكم وقبل ان تستغيثوا فلا تغاثوا وسارعوا
الى الطاعات قبل فوت الاوقات فكان قد جاءكم هادم اللذات فلا مناص نجاة
ولا محيص تخليص عودوا رحمكم الله بعد انقضاء مجمعكم بالتوسعة على عيالكم و
البر باخوانكم والشكر لله عز وجل على ما منحكم واجتمعوا يجمع الله شملكم وتباروا
يصل الله الفتكم وتهانوا نعمة الله كما هناكم بالثواب فيه على اضعاف الاعياد
قبله وبعده الا في مثله والبر فيه يثمر المال ويزيد في العمر والتعاطف فيه
يقتضي رحمة الله وعطفه فافرحوا وفرحوا اخوانكم باللباس الحسن والرايحة
الطيبة والطعام وهيئوا الاخوانكم وعيالكم عن فضله بالجهد من جودكم وبما
تناله القدرة من استطاعتكم واظهروا البشر فيما بينكم والسرور في ملاقاتكم
والحمد لله على ما منحكم وعودوا بالمزيد من الخير على اهل التاميل لكم وساووا
بكم ضعفائكم في ماكلكم وما تناله القدرة وعلى حسب امكانكم فالدرهم
فيه بمائة الف درهم والمزيد من الله عز وجل مما لا ادرك له وصوم هذا اليوم
مما ندب الله اليه وجعل الجزاء العظيم كفالة عنه حتى لو تعبد له عبد
في الشبيبة من ابتداء الدنيا الى انقضائها صائما نهارها قائما ليلها
اذا اخلص المخلص في صومه لقصرت اليه ايام الدنيا عن كفايته ومن اسعف
اخاه مبتدئا او بره راغبا واقرضه فله اجر من صام هذا اليوم وقام ليله
ومن فطر مؤمنا في ليلته فكانما فطر فئاما فئاما يعدها بيده عشرة فنهض ناهض
ودر اخر اين خطبه چون بلفظ رسيده نوبت انرا گفت شخصی بر پای خواست
وگفت یا علی فئام چیست انحضرت فرمود که فئام صد هزار پیغمبر وصدیق و شهید
است پس چون خواهد بود حال کسیکه چند کس از مؤمنين ومؤمنات را
در این روز متکفل شود وبعد از ان فرمود که من ضامنم بر خدایتعالی از برای
کسیکه مومنی را افطار فرماید که اورا از فقر وکفر نگاه دارد واگر در ان
روز یا در ان شب یا بعد از ان تا غدیر دیگر بمیرد بی انکه کبیره کرده باشد اجر

وفئاما م

او بر خدایتعالی است وکسیکه قرض کند بواسطه یاری کردن برادران مؤمن
من ضامنم بر خدایتعالی که اگر انکس باقی باشد خدایتعالی دین اورا ادا کند
واگر قبل از ادای دین بمیرد خدایتعالی ان قرض را از او بردارد ودر این روز
چون بیکدیگر برسید مصافحه کنید وبیکدیگر تحیت وسلام دهید وبیکدیگر
را تهنیت کنید بنعمتی که خدایتعالی در این روز بشما داده است وباید که این خبر
را حاضر بغائب وشاهد بباین رساند وباید که در این روز بشما داده است
وباید که این خبر را حاضر بغایب وشاهد بباین رساند وباید که در این روز
غنی بر فقیر بخشد وقوی بر ضعیف مرا امر کرده است رسول از جانب الله تعالی
باینکه بیان کردم وبعد از ان انحضرت شروع کرد در خطبه جمعه ونماز جمعه خود
نماز عید کرد اینید وبعد از ان با اولاد وشیعه خود بمنزل حضرت امام حسن ع
رفت بواسطه طعامی که انحضرت مهیا کرده بود از برای او وغنی وفقیر متصرف
شدند بواسطه رفد عیال خود وچون ما باین مقام رسیدیم باید که ذکر کنیم
قصیده در مدح علی ع وذکر کنیم در ان قصیده اندکی از فضایل بسیار انحضرت
ودر این قصیده اشاره کنیم باندکی از اسماء روز غدیر وان قصیده اینست ؛
هنيئا هنيئا ليوم الغدير ؛ ويوم النصوص ويوم السرور ؛ ويوم الكمال لدين
الاله ؛ واتمام نعمة رب غفور ؛ ويوم الدليل على المرتضى ؛ ويوم البيان
لكشف الضمير ؛ ويوم الرشاد وابدا العما ؛ بحق بمضمرات الصدور ؛ ويوم الامان
ويوم النجاة ؛ ويوم التعاطف ويوم الحبور ؛ ويوم الصلوة ويوم الزكوة ؛
ويوم الصيام ويوم الفطور ؛ ويوم العقود ويوم الشهود ؛ ويوم العهود لضوء البشير
ويوم الطعام ويوم الشراب ؛ ويوم اللباس ويوم البخور ؛ ويوم تواصل ارحامكم
ويوم العطا وبر الفقير ؛ ويوم تفرج كرب الوصي ؛ بموت ابن عفان اهل الفجور
ويوم لشيث ويوم لهود ؛ ويوم لادريس هامن نكير ؛ ويوم النجاة النبي الخليل
من النار ذات الوقود السعير ؛ ويوم الظهور على الساحرين ؛ ولاغراق فرعون
ماء البحور ؛ ويوم لموسى وعيسى معا ؛ ويوم لسليمان من غير حضير ؛ ويوم
الوصية للانبياء ؛ على الاوصياء بكل الدهور ؛ ويوم انكشاف المقام الصالح

وايضاح برهان سرّ الامور ؛ ويوم الجزاء وحطّ الاثام ؛ ويوم المباركة للمستبشر
ويوم البشارة يوم الدعاء ؛ وعفوا الاله لعلي الكبير ؛ ويوم البياض ونزع السّواد
وموقف عزّ خلا من نظير ؛ ويوم السّياق ونفي الهموم ؛ وصفح الاله عن المستجير
ويوم استمام اريج المسوك ؛ وعنبرها واريج العبير ؛ ويوم المسافحة المؤمنين
ويوم التخلص من كل ضمير ؛ ويوم الدليل على الرايدين ؛ ومحنة عبد ويوم الظهور
ويوم انعتاق رقاب جنه ؛ من النار يا ساح ذات السعير ؛ ويوم الشروع ونشر
اليراع ؛ وترك البكاء بعد الغرور ؛ ويوم النبي ويوم الوصي ؛ ويوم الائمة من
غير زور ؛ ويوم خطابة من جبرئيل ؛ بمنبر عز على من السرير ؛ ويوم الفلاح ويوم
النجاح ؛ ويوم الصلاح لكل الامور ؛ ويوم يكف برلع الاله ؛ على المؤمنين
بكل السرور ؛ ويوم التهاني ويوم الرضا ؛ ويوم استرادت رب شكور ؛ ويوم
استراحة اهل الولاء ؛ ويوم تجارة اهل الاجور ؛ ويوم الزيادة للمؤمنين ؛ ويوم
ابتسام ثنايا الثغور ؛ ويوم تودد للاولياء ؛ والباس ابليس ثوب الدحور ؛ و
يوم انشراح اهيل الصلاح ؛ وحزن قلوب اهيل الفجور ؛ ويوم ارتغام انوف العدى
ويوم القبول وجبر الكسير ؛ ويوم العبادة يوم الوصول ؛ الى رحمات العلي القدير
ويوم السلام على المصطفى ؛ وعترته الاطهرين البدور ؛ ويوم الامارة للمرتضى
ابي الحسنين الامام الامير ؛ ويوم اشتراط ولاء الوصي ؛ على المؤمنين بيوم الغدير
ويوم الولايه في عرضها ؛ على كل خلق السميع البصير ؛ ويوم الزيادة مما ينفقون
بمائة الف خلت من نذير ؛ ويوم المعارج في رفعها ؛ وابناء فضل عظيم كبير ؛
لهذا الامام عديم النظير ؛ واني يكون له من نظير ؛ وابن الضباب وابن السحاب
وليس الكواكب مثل البدور ؛ ومن يجعل الوجه مثل القفا ؛ ومن يجعل
النور يوم الدجور ؛ ومن يجعل الارض مثل السماء ؛ وليس الصحيح كمثل الكسير
واين الثريا واين الثرى ؛ وليس الغساق كمثل النمير ؛ ومن يجعل الضيع مثل
الاسود ؛ ومن يجعل النهر مثل البحور ؛ وليس العصى شبيه السيوف ؛ ومن يجعل
الصعو مثل الصقور ؛ واين المعلى واين السفيح ؛ وليس الوفادة كمثل النشور واين المعلى
واين اللطيم ؛ وليس البصير كمثل الضرير ؛ ومن يجعل الدر مثل الحصا ؛ ودرهم زيف كمثل النظير

على الوصي وصي النبي ؛ وغوث الولي وحتف الكفور ؛ امام الانام ونور الظلام
وغيث لعمام الهطول الغزير ؛ سفين النجاة وعين الحيوة ؛ ومردي الكماة بسيف منير
حمام الطغاة وهادي الهداة ؛ مبيد الشراط بارض الثبور ؛ غياث المحول وزوج البتول
وصنو الرسول السراج المنير ؛ فصيح المقال مليح الفعال ؛ عظيم الجلال وصي البشير
امير الثبات عظيم الثبات ؛ بحرب العداة وفك الاسير ؛ بثبت الاساس زكي
الغراس ؛ جميل النحاس وبدر البدور ؛ نقي الجيوب شجاع الحروب ؛ وفاني الكروب
بباس مرهب ؛ زكي النجار عظيم الفخار ؛ ومجد النضار الى المستمير ؛ امان البلاد وساقي
العباد ؛ بيوم المعاد بعذب نمير ؛ صلاح الزمان وغيث هتان ؛ قسيم الجنان قسيم
السعير ؛ همام الصفوف ومقري الضيوف ؛ وعند الزحوف كليث هصور ؛ مزيل
الشرور وصدر الصدور ؛ حبوة الشكور وموت الكفور ؛ علي العماد وواري الزناد
دليل الرشاد الى كل خير ؛ اقام الصلوة واتى الزكوة ؛ ومولى النعمات وجبر الكسير
هو الهاشمي هو الابطحي ؛ هو الطالبي وبدر البدور ؛ بكلم ذئب الفلا جهرة ؛ وقالع
صخر قليب النمير ؛ ومن قد هوى النجم في داره ؛ ومن قاتل الجن في قعر بئر ؛ مزكي نجا تم
راكعا ؛ ومجد الاجارة للمستجير ؛ وجاء الحديث من المصطفى ؛ علي مع الحق في كل دور
حديثا الحبة لا تختفي ؛ يضاهي الذكاء اذا في الظهور ؛ دتاج مدينة علم النبوة
ويعسوب دين الاله المنير ؛ مقام علي مع المصطفى كموسى وهرون ما من نكير ؛
فراش النبي علاه ينام ؛ بمكة يفديه من كل ضير ؛ وسل عنه بدرا واحدا ترى ؛
له سطوات شجاع جسور ؛ وسل عنه عمروا وسل مرحبا ؛ وسل عنه صفين ليل الهرير
وكم نصر الطهر في معرك ؛ بسيف صقيل وعزم مرير ؛ وفي وقعة الجمل العايشي ؛
بنصف جهاد خلا من نظير ؛ غزاة السلاسل لا تنسها ؛ وهضام اسكنه في القبور ؛ وست
وعشرون حرب وفي ؛ مع الهاشمي البشير النذير ؛ وكم بذل النفس يوم النزال ؛ مردي
الكماة بقطع النحور ؛ خفيف على صهوات الجياد ؛ ثقيل على سطوات الكفور ؛ امير السرايا
بامر النبي ؛ ومامور عليها بها من امير ؛ امام مكلم اهل الرقيم ؛ بعيد الممات قبيل النشور
وثعبان مسجد جهرة ؛ اتاه وكلمه في الحضور ؛ وسد النبي لابوابهم ؛ سوى بابه
فتحت للمرور ؛ وفي التسطيل والماء فخرا له ؛ بعثه الاله لاجل الطهور ؛ همام تصوا

في عرشه ٭ ولادته في المكان الخطير ٭ ووقفت له الشمس في بابل ٭ واثر ما القرص قبل
الفطور ٭ ترى الف عبد لله معتقا ٭ ويختار في القوت قرص الشعير ٭ وسار على الريح
فوق البساط ٭ تقله الموالف من غير زور ٭ وغسل سلمان في ليلة ٭ وعاد الى طيبة
في الدجور ٭ امام قد انبأ بالغائبات ٭ بجمع عظيم وجم غفير ٭ وزاد اثناه من المؤمنين
بسورة مريم ما من نكير ٭ وفي سورة الرعد سماه هاد ٭ واسم النبي بمعنى النذير وآية
من يشتري نفسه ٭ ذكرها الاله بطرس الزبور ٭ وفي مدحه نزلت هل اتى ٭ وفي
ولديه وبنت البشير ٭ جزاهم بما صبروا جنة ٭ وملكا كبيرا ولبس الحرير ٭ وحلوا اساور
من فضة ٭ ويسقيهم من شراب طهور ٭ وكم آية نزلت فيهم ٭ بطرس الكتاب خلال السطور
كاية الولاية ثم التناجي ٭ واية المودة ما من نكير ٭ واية التباهل دلت على ٭ مقام
عظيم ومجد كبير ٭ واية كونوا مع الصادقين ٭ وقد شركوا بالكتاب المنير ٭ من الرجس قد
عصموا في الكتاب ٭ واعطي الامامة من غير زور ٭ امامي علي اللسان البليغ ٭ قد اضحى بوصف
في حصور ٭ وكيف يقول بمن قال فيه ٭ رسول الاله اللطيف الخبير ٭ بعجز الملائك
والعالمين ٭ عن احصاء معجزة المستنير ٭ ولو انهم جهدوا جهدهم ٭ لما وصفوا بعشر
العشير ٭ مفاخر تحكي اوادي البحار ٭ ومن ذا يعد اوادي البحور ٭ ومن ذا يعد رمال الثرى
وقطر السحاب القوي الغزير ٭ واولاده الغر سفن النجاة ٭ هداة الانام الى كل نور
ومركب شبه عرشه ٭ لاسمائهم قبل خلق الدهور ٭ وفي كتب موسى وعيسى ترى
ومن قبلها اثبتت في الزبور ٭ هم الطيبون هم الطاهرون ٭ هم الاكرمون ذخر الفقير
هم الزاهدون هم العابدون ٭ هم الحامدون لرب شكور ٭ هم التائبون هم الساجدون
هم الراكعون لرب قدير ٭ هم العالمون هم العاملون ٭ هم الصائمون نهار الهجير ٭ هم الحافظون
حدودا لاله ٭ وكهف الارامل والمستجير ٭ لهم رتب علت النيرين ٭ وفضلهم كسحاب مطير
مناقبهم كنجوم السماء ٭ فكيف يترجم عنها ضمير ٭ ترى البحر يقصر عن جودهم ٭ وليس كمثلهم
من نظير ٭ على العلم والحلم قد انطووا ٭ وعن منهج البر ما من قطور ٭ فكم من كروب تجلت بهم
وكم من جلاء برسم الغفير ٭ وكم سنة اصدعوا فخرها ٭ وكم دحرجوا من فساد وجور
سعير الضلالة منهم خبت ٭ وشيطان تلك برى في نفور ٭ هنيئا وبشرى لاصحابهم
بيوم القيمة يوم النشور ٭ لانهم سلكوا سبيلهم ٭ وما لهم عنهم من ظهور ٭ هم كتموا

ودهم

ودهم في القلوب ٭ لخوف النواصب يا ابن بصير ٭ اقاموا على الحق لم يعدلوا ٭ الى ان
يقوموا يوم النشور ٭ فكم من مدايحكم دفتر ٭ اذا سطرت وكم من سطور ٭ سراج النفاق بهم
يطفى ٭ باذن السميع المليك البصير ٭ اذا ما اتى ولد العسكري ٭ لاظهار دين الاله
القدير ٭ وتملو الارض من عدله ٭ كما ملئت من فساد وجور ٭ وتحمل اشجارها مرتين
بلا مرية في سنين الدهور ٭ واني لارجو من خالقي ٭ يريني محياه بدر البدور ٭ لانصره
يوم حرب العداة ٭ على كل طاغ شقي كفور ٭ فيا ابن البتول ويا ابن النبي ٭ ويا ابن الوصي
الامام الامير ٭ سراعا سراعا الى شيعة ٭ تسمها النواصب كل الشرور ٭ وما من سواكم من
مغيث ٭ وما من سواكم من مجير ٭ فشيعتكم قد لبس الحداد ٭ على بطوء مقلتكم في الظهور ٭
لعل قيامكم ان يكون ٭ ويأتي البرهان بكل السرور ٭ فخسرا وتبا لاعدائكم ٭ لبغيهم في جميع
الامور ٭ فان الفساد بهم قد طما ٭ ودين الاله بهم في ثبور ٭ فكم من قلوب لهم نافقت ٭ و
كم دخل حقدهم في الصدور ٭ وفي الفسق كم سلكوا مسلكا ٭ وكم من فجور واثم كبير ٭
فيا ويلهم من دهي لحد ثوا ٭ وقهر امري ما لهم من نصير ٭ من الصالحات خلا سعيهم ٭ فما
من فتيل ولا من دبير ٭ هم عجلوا الطيب دنياهم ٭ فكم خمرة شربوا بالثغور ٭ وكم سحت اكلوا
صفوه ٭ وكم نشقوا من نسيم العبير ٭ وكم عكفوا في الزنا والربا ٭ ورجع القيان وصوت الزمور
ولكنهم قد مضوا وانقضوا ٭ وصاروا الى النار ذات السعير ٭ فكم في الجحيم لهم من شهيق
وكم في الجحيم لهم من زفير ٭ فلا برحوا بعذاب اليم ٭ دوام الزمان ومر الدهور ٭ مدونها
يا امام الورى ٭ من الكفعمي العبيد الفقير ٭ من الكفعمي الى سيد ٭ امين المهيمن مولى
النصير ٭ زكي سني سري وفي ٭ ولي تقي علي خبير ٭ شفيع سميع سنيع مطيع ٭ رفيع
منيع رفيع وقور ٭ شهيد شديد سديد سعيد ٭ رشيد حميد فريد حصور ٭ حبيب
لبيب حسيب نسيب ٭ اديب ربيب نجيب ذكور ٭ عظيم حليم عليم حكيم ٭ كريم صميم رحيم
جليل جميل كفيل نبيل ٭ اثيل اصيل دليل صبور ٭ حليف شريف ظريف لطيف ٭ حصيف
منيف عفيف غيور ٭ وهذا الصفات وهذي النعوت ٭ لحامي الثغور الامام الامير ٭
بحقك مولاي فاشفع لمن ٭ اتاك بمدح شفاء الصدور ٭ هو الكفعمي المسيء الفقير ٭ الى رحمات
الرحيم الغفور ٭ من الحسنات خلا مدحه ٭ فما من فتيل ولا من نقير ٭ خطايا تحكي رمل الفلاة
ووزنا لكل واحد ثبير ٭ شبيح كبير له لمة ٭ كساها التقى ثوب القتير ٭ اتاه النذير فاضحى

يقول اعيذ نذيري بسبط النذير ❁ اتيت الامام الحسين الشهيد ❁ بقلب حزين و
دمع غزير ❁ اتيتضرع حاشرنقابه ❁ بعود الضرير كمثل البصير ❁ اتيت امام الهدى
سيدى ❁ الى الحاير الجار للمستجير ❁ ارجى المات ودفن العظام ❁ بارض الثغوب بتلك
القبور ❁ لعلى افوز بسكنى الجنان ❁ وحور قصر اعالى القصور ❁ اتيت الى صاحب المعجزات
قتيل الطغاة ذامى النحور ❁ اتيت استقيل ذنوبا مضت ❁ من المستقال الاله الغفور
فانى ذايت لعز الفلاة ❁ يوقوا الاجارة للمستجير ❁ فكيف بسبط النبى الشهيد بحل
لديه عقال البعير ❁ فطوبى لمن سعى عيون الحسين ❁ لرد الجناجن بعد الصدور ❁ انى
لزيارته قاصدا ❁ فاضحى صحيحا لفضل المزور ❁ اقام بحضرته دائما ❁ بمر السنين وممر
الشهور ❁ وانى بجاركم قد نزلت ❁ ومالى سواكم ولا من نصير ❁ مقامى عندك اهو مقام
وسيرى وتوكلت شغى مسير ❁ وان ودادى لكم خالص ❁ مقيم وحقك وسط الضمير ❁
نشا طعليه من الوالدين ❁ وكان غذاء لطفل صغير ❁ وصلى الاله على المصطفى
وعترته الطاهرين البدور ❁ بكل اوان وفى كل حين ❁ ووقت العشى ووقت البكور
الهى وحرم يد الكاتب على النار باراحم المستجير ❁ **خطبه** عيد رمضان وعيد قربان
بدانكه بدرستيكه هر خطبه كه هست افتتاح آن بتحميد است مگر خطبه عيد رمضان
وعيد قربان كه شعار اين دو خطبه تسبيح وتهليل وتكبير است پس رحمت كناد خدا بنده
كه تكبير كويد پس آنحضرت در خطبه عيد چنين ميفرمايد الله اكبر و بعد از ان كفت
لا اله الا الله والله اكبر ولله الحمد الله اكبر ذو الكمال المطلق الذى لا تدركه احاطة الفهم
ولا يلحق والعظمة التى يتيه فى بحارها الوهم ويغرق الذى بين الانوار واشرق واظلم الدجى
فاغسق واذن للسحاب فارعد وابرق ونصب الدلايل فاحكم ووثق ودعى الى الحكم فسدد
ووفق فمن عباده طائعا سمع الوعد فصدق وعاصيا القى نفسه فى بحار الذنب فاغرق
والكل اليه يرجعون وبين يديه يقفون لا يسئل عما يفعل وهم يسئلون الله اكبر كبيرا
والحمد لله كثيرا وسبحان الله بكرة واصيلا الله اكبر ما عاد عيد وقرب بعيد واسفر صبح
جديد الله اكبر ما هبت الشمال وثبت الجبال وتفيئات الظلال سبحان من تسبح له
السماء بنجومها والانواء بتراكم غيومها والدهر بحره وبره والفلك بنحسه وسعده والبحر بجزره
ومده والكون وما حوى بحده وان من شىء الا يسبح بحمده احمده على نعم اولاها

العزاء له بافق شرف وحجبت بغار بدعوة صلوة بقى تكرار عديد هاشم الحو الصلب
يبيد انيد الزبان احسن ما نظمته اقلام الافهام من اقسام الكلام وازكى ما نمنمه
بطون اوراق الانام من نطفه مياه الاقلام كلام الملك العلام الذى سطره ايدى
البررة الكرام قال الله تعالى وبقوله يقتدى المهتدون واذا قرئ القران فاستمعوا
له وانصتوا لعلكم ترحمون اعوذ بالله من الشيطان الرجيم هو الذى انزل من السماء
ماء لكم منه شراب ومنه شجر فيه تسيمون ينبت لكم به الزرع والزيتون والاعناب
ومن كل الثمرات ان فى ذلك لاية لقوم يتفكرون وبعد از ان مردم را موعظه كند
او مواعظى كه در اين فصل مذكور است وبعد از ان دعاى استسقاء على بن الحسين را كه
در فصل سى و هفتم گذشت بعد از نماز استسقا بخواند **خطبه** اول روز عاشورا الحمد لله
العالم بخزائنة الاعين وما تخفى الصدور الحاكم فى بريته بالحكم العدل الذى لا يجور
اللطيف بهم وان اساؤا فى جميع الامور المبين لهم ما ياتون وما يذرون على مر الدهور
ليبلوهم ايهم احسن عملا وهو العزيز الغفور الواحد القهار وهب لحامديه على نعمة من
لطفه وكفايته قسما واوسع مخالفيه امها لا وحلما وانفذ فى جميعهم بعدل من قدير
سابقا وحكما وتسبب لكل فريق منهم فى كتابه مدحا وذما فقال ومن يعمل من الصالحات
وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا هضما وقال ولا يحسبن الذين كفروا انما نملى لهم خير
لانفسهم انما نملى لهم ليزدادوا اثما فتبارك الله الذى احاط بكل شىء علما رب السموات
والارض وما بينهما العزيز الغفار احمده على ما جرت به الاقضية والامداد للعبد
وهو اهل العز القاهر والسلطان والامتداد واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له شهادة تحسن عواقبها عند الانصراف عن هذه الدار وينال باظهارها كل معتد
عذرا واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله واصعا عن الكافر اصرا ومغرجا كربا
وهاديا الى رضاه من تبعه وكان له حزبا وكلفه بذل الاجتهاد فى اعداء جهادا و
من احق امره من تبعه واعلى له على اعدائه كعبا وانزل عليه قل لا اسئلكم عليه اجرا
الا المودة فى القربى فمنهم من امن به ومنهم من كفر فاعتمد فى الكافرين قتلا ونهبا
اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم على النار
صلى الله عليه وآله وعلى اخيه وابن عمه على بن ابى طالب امير المؤمنين المفروض طاعته

على كافة البشر الولي المحضور معصيته في كل ما نهى وامر المؤيد على كافة الاعداء بالنصر
العزيز والظفر وصلّ على سبطيه والأئمة من ولد الحسين عليهم الانجم الزهر الصباح
والصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالاسحار ايها الناس اتقوا الله
وقولوا قولا سديدا واتقوه حق تقاته تحوزوا في الدنيا والاخرة جدا سعيدا و
اعبدوه عبادة من عرفه حق معرفته فرجا منه وعدا وخاف وعيدا واخلصوا البراءة
اليه ممن اعتدى في هذا اليوم العسير سرورا واعتقد عيدا اولئك الذين بدلوا نعمة الله
كفرا واحلوا قومهم دار البوار هذا رحمكم الله يوم انهدم فيه ركن الدين والتجمل فيه عن
اولياء الله الموحدين وذلت طوائف الانصار لما جرى على ال النبي والمعاضدين
وعلت كلمة المعاندين والمفسدين كذلك يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم وما هم بخارجين
من النار قتل فيه خليفة الله على جميع العباد وشهروا راسه على اسنة الرماح في
اقطار البلاد ووقع السبي في الحريم من ال النبي والاولاد وتحكمت في نواصيهم اسياف
الاعداء والاضداد كبر مقتا عند الله وعند الذين امنوا كذلك يطبع الله على كل قلب
متكبر جبار قتلوا اسباط النبي المصطفى ووضعوا اجساد محبوبيه على الصفا وسقوه كاس
المنية عوض ما كان عليه متلهفا واقاموا اولياءه ومحبيه من بعده على شفا وقد
مكر الذين من قبلهم فلله المكر جميعا يعلم ما تكسب كل نفس وسيعلم الكفار لمن عقبى الدار
حسبوا ابعدهم الله ان لن يبعثوا فقاموا على ضيع ما احدثوا فلم يلبثوا الا القليل تمكثوا
حتى عاقبهم الله بعذاب الدنيا على ما مكروا ثم نقلهم الى عذاب الاخرة يوم لا ينفع الظالمين
معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار اظهروا بقتالهم لهم قديم الاحقاد واستقصوا
بقتلهم الاباء والاجداد واشمتوا بدين الاسلام المكذبين به من جميع العباد وجنوا
لنفوسهم خزي الدنيا وعذاب المعاد وترى المجرمين يومئذ مقرنين في الاصفاد
سرابيلهم من قطران وتغشى وجوههم النار ما يكون احتجاجهم يوم النشور والعرض
اذا سألهم الله عن تضييع ما حملهم من الفرض وقد بكوا على ذريته اهل السماء و
الارض ذلك ولو يشاء الله لانتصر منهم ولكن ليبلو بعضكم ببعض وجعل اعداءهم جهنم
يصلونها وبئس القرار فاتخذوا رحمكم الله معقبهم جنة واقية من اهوال الممات و
سبحوا بلعنهم في اعقاب الصلوة فان الله يبدل بالاخلاص في ذلك سيئاتكم حسنات

فيجازيكم

ويجازيكم على الطهارة ذلك الخلود في روضات الجنات التي تجري من تحتها الانهار
وتقربوا الى الله بفرط الاسى على جليل المصاب فصاحبوا هذا اليوم العسير بمواصلة
الاسف والاكتئاب وامنعوا نفوسكم لذة الطعام والشراب واسئلوا الله ان يضاعف
على ظالميهم انواع العذاب فافعلوا فعل الاولياء المخلصين مع الاصحاب تفوزوا يوم
الفزع الاكبر برضا الملك الجبار وعليكم بالتمسك بكتابه والتأدب بآداب القائد
الى رضاه وثوابه والمحافظة على طاعة نبيكم في مودة ذوي القربى وطاعتهم ومحبتهم
ومتابعتهم فقد وعدكم الله ان يحشركم في جماعتهم ويدخلكم دار كرامته في شفاعتهم
تلك عقبى الذين اتقوا وعقبى الكافرين النار فهم طرف السبب الذي علقتم به فاهتديتم
وخلف السلف الذي سعدتم بولايتهم حين اقتديتم فاسلكوا طريقتهم المؤدية الى
مكارم الاخلاق ومراقبة الخلاق تفوزوا بمرافقتهم في جوار الملك الجبار وعليكم
بالصبر على المصائب وكظم الغيظ عن مستحق العذاب وصلة الارحام والتورع عن الآثام
التهجد بين يدي الله في غسق الظلام والتوكل عليه والالتجاء في جميع الاحوال اليه
فاليه المصير يوم هم بارزون لا يخفى على الله منهم شيء لمن الملك اليوم لله الواحد القهار
جعلنا الله واياكم من الآخذين بآثارهم المقتدين بآثارهم المستضيئين بانوارهم انه
عزيز غفار والله تعالى يقول لمن جعلت له الالباب والعقول واذا قرئ القران الاية
ثم تعوذ واقرأ انما وليكم الله ورسوله والذين امنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون
الزكوة
وهم راكعون ومن يتول الله ورسوله والذين امنوا فان حزب الله هم الغالبون خطبه
دويم روز عاشورا الحمد لله الذي خلق الجنة وزخرفها بالنعيم وملاها بالانعام وشوق
اليها الاتقياء والاخيار من الانام وجعل الجنة ثمانية اقسام جنة عدن وجنة
نعيم وجنة الخلد وجنة المأوى وجنة الفردوس ودار الجلال ودار الكمال ودار السلام
لبنة من فضة ولبنة من ذهب حصباؤها اللؤلؤ والمرجان وترابها الزعفران تضع عليه
الاقدام فيها انهار من ماء غير اسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه وانهار من خمر لذة للشاربين
وانهار من عسل مصفى مطهر من الدرن والاثام اهلها في اكناف القصور كامثال البدور
بيض الوجوه نواعم الاجسام حسنهم على قدر اعمالهم فمنهم كالكوكب الدري الغابر في الافق
ومنهم كالبدر في الليالي التمام تشرق وجوههم وتضيء اعمالهم ويذهب عنهم الهم ويذهب

عنهم النقام في نعيم وسرور وجنة وحبور وغبطة وحضور ومساكن وقصور وقباب
وخيام على كل واحد منهم سبعون حلة من سندس واستبرق ومنسجلة الذيول
مطرزة الاعلام وكلما غردت فوق الغصون حمامات الاوكار وجرت تحت القصور
امواه الانهار هبت النسيم نفحات الاشجار تلالات ازهور نفحات الاكمام وكلما تغنت قصبات
القصور تغنت الولدان والحور تراقصت البلابل وتجاوبت الطيور باحسن نغام وابهى
نظام ياكلون ويشربون ويتنعمون لا يفنى عمر شبابهم ولا يبلى قشيب ثيابهم على طول
الدهور ومر الايام فواعجبا لطالب هذا النعيم والرزق الجم الجسيم كيف يطيب له رقاد او
يلذ له منام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الذي لا يعجل على منعصاه
بالانتقام القريب المجيب لمن دعاه في دياجي الظلام الحميد المجيد المبدئ المعيد ذو الجلال
والاكرام واشهد ان محمدا عبده ورسوله سيد الانام ومصباح الظلام ورسول الملك العلام
ما هدل حمام وسرح سوام وسطا حسام وهمر غمام ايها الناس ان الله امركم بامر بدا فيه بنفسه
وثنى بملائكته قدسه الى قوله ابي القاسم وچون در خطبه بلفظ وثنى بملائكة قدسه
رسيدند آمر انا ابي القاسم محمد بخواند چنانكه در خطبه دوم جمعه مذكور شد بعد از آن
بگو بلغ كشف الدجى بجماله بلغ العلى بكماله حسنت جميع خصاله صلوا عليه واله هو
النبي الامي العربي المكي المدني الذي فضله الله على كل خليقة خلقها وكتب بيده
الف القوام المحمدي ومشقها وباء بهائه ما ابهى ها وما اشرقها وتاء تواضعه كالجواد لا تكفر
دونها فما الحقها وثاء ثبات قواعد مجد قطعت الانبياء دونها علقها وجيم جماله من نظر ما شمم
وحاء حلمه ارخت على الجانبين ستورها فما اوثقها وخاء خلقه خلقه ما اعلاها وما ارفعها
وذال دلالته دلت على انه صعد السموات واخرقها وذال ذكاء ثم ما احسنها بسيد رابة
سندقها وراء رئيا شياياه عطر الاكوان فلعبقها وزاء زينة تجلات ثم جلت فلا تنظر العيون
نسقها وسين سيادته تجاوزت السموات وعلت افقها وشين شمائله فاقت فما اسناها و
اسمقها وصاد صيانته منشئ الاكوان بقلم العز حققها وضاد ضياء طلعته محت ظلم الشرك
وجلت غسقها وطاء طوله عمت الخليقة طوايفها وفرقها وظاء ظهور ملات البلاد غربها
ومشرقها وعين علمه وعمله ملا ينبوعهما الاكوان وطبقها وغين غناء نفسه ما انزهها الدنيا
ولا املقها وفاء فخره اثبتها القلم في اللوح المحفوظ وعلقها وقاف قربه ادنيه من سدرة

المنتهى حتى شاهد فراشها الذهب ونبقها وورقها وكاف كفه وكفه الماء وسبحت
بها الحصيات فسبحان من بركة تلك الراحة انطقها ولام لوائه المنشور سند عز الجنة
واوثقها وميم مرتبته علت والباري بنون سردقها ونون نور جبينه انجلت البدر
مذ ابدت شفقها وواو ولايته اثبتت في القلوب محبته فما اصدقها وهاء هدايته
ما ضل من تابعها بن ملقها ولام الالف لولا محمد ما فتق الباري في السموات والارض رتقها ويا يا ايها
الرسول يا ايها النبي يا ايها المزمل يا ايها المدثر ما اعظمها واعرقها طلعته كالبدر
ما اشرقها ومعان جل من دققها الف القامة من قومها لام ذا الجمع من علقها
ميم ذا الفم من دورها حاجب كالنون من عرقها مقلة كالصاد في لونها احسن
الصنعة من حققها صف معانيه لنا يا واصف ثم قل يا قوم ما اليقها من دعا الاشجار
فانقادت له يحفر الارض فما اشوقها ثم لما بيت اغصانها حين الاخذها اورقها
حصيات سبحت في كفه جل من في كفه انطقها ضمن الضيعة من صيادها تضيع
الاولاد ما اشفقها ارضعتهم ثم عادت سرعة اسلم الصياد اذا عتقها ردت عين
علي المرتضى ريقه من خيبر اشرقها من على العرش علت تيته وبنور النور قد
سردقها كم دماء دينه اهرقها فانظروا يا قوم انوار النبي تملا الارض فما اشرقها
فعليه الله صلى دائما ما اغرب الشمس وما اشرقها اسم پيغمبر در آسمان دنيا نهم
ودر آسمان دويم المرتضى است ودر آسمان سيم المزكى ودر آسمان چهارم المصطفى ودر
آسمان پنجم المنتجب ودر آسمان ششم المطهر والمنتخب ودر آسمان هفتم القريب والحبيب
شعر ما ذا يقولون في اوصافه الشعراء وكل مدح طويل فيه قد قصرا لو قيل ما قيل
في معناه ما حصرا اعلى الورى فهم معناه فليس يرى في القرب والبعد فيه غير منحصر
معتبر بان آنحضرت را عبد الواحد گويند وسفره اورا الاول گويند والبرق او را الآخر گو
وكرهپيان او را الصادق گويند ودرو حانيان او را الطاهر گويند واوليا او را القاسم
گويند ورضوان او را الاكبر گويند وجنت او را عبد الملك گويند واهل جنت او را عبد
الديان گويند وحور او را عبد المعطي گويند ومالك دوزخ او را عبد المختار گويند واهل جهنم او را
الجبار گويند وزبانيه دوزخ او را عبد الرحيم گويند وجحيم او را عبد المنان گويند ودر
ساق عرش رسول الله نوشته است وبر كرسي نبي الله وبر طوبى صفي الله وبر لواي حمد صفوة

الله

وبر بود جنت خيرة الله و بر قمر الاقمار و بر آفتاب نور الانوار شعر الوجه يبدو كمثل
الصبح في فلق ٭ والقلب من خوف مولاه على قلق ٭ جل الاله الذي سواه من علق
فاق النبيين في خلق وفي خلق ٭ ولم يدانوه في علم ولا كرم ٭ و شياطين او را عبد الحبيب
گويند و جن او را عبد الحميد گويند و نزد هموم قضا اسم او الداعي است و نزد ميزان اسم
او الصاحب است و نزد حساب لواء و نزد مقام المحمود الخطيب و نزد كوثر الساقي و نزد
عرش المفضل و نزد كرسي عبد الكريم و نزد قلم عبد الحق و نزد جبرئيل عبد الغفار و نزد ميكائيل
عبد الوهاب و نزد اسرافيل عبد الفتاح و نزد عزرائيل عبد التواب ٭ اليه كل البها
والحسن ينتهي ٭ ومن ضياء سناه البدر يفتخر ٭ ان رمت علما بمن حارت به الفكر ٭
فمبلغ العلم فيه انه بشر ٭ وانه خير خلق الله كلهم ٭ و اسم او نزد باد عبد الاعلى است و نزد
ابر عبد السلام و نزد [illegible] عبد المنعم و نزد رعد عبد الوكيل و نزد سنگها عبد الجليل
و نزد خاك عبد العزيز و نزد طيور عبد القادر و نزد درندها عبد القاهر و نزد كوه
عبد الرفيع و نزد دريا عبد المؤمن و نزد ماهيان عبد المهيمن و نزد زنكي المهيب و نزد حكيم
و نزد ترك صالح و نزد اهل مصر المختار و نزد اهل مكه الامين و نزد اهل مدينه الميمون و
نزد عرب امي و نزد عجم احمد شعر يا واصف المصطفى والله لست تفي ٭ لو قلت في صفه
ديما و لم تقف ٭ له خصايص في الاكوان والصحف ٭ كالزهر في ترف والبدر في شرف
والبحر في كرم والدهر في همم ٭ فهو النبي العربي الذي حن اليه الجذع اليابس و قد در
و قبل البعير قدميه اجلالا لاله و عفر و انشق اجابة التصديق دعوته القمر و اخضر العود
اليابس في يديه واثمر و كان يرى من خلفه كما يرى من بين يديه اذا نظر ولا ينام قلبه لنوم
عينيه كنوم البشر ولا يؤثر في الرمل وطي قدمه الشريفة و يؤثر في الحجر و يظله غمام السماء
اذا سار و سفر و ركب البراق واخترق السبع الطباق كلمح البصر الجوهر الفرد الذي ليس له
ظل اذا سكن و خطر شعر كم اخجلت بدرا في السماء ملاحته ٭ كم اعجزت بالتحدي سماحته ٭
كم اعيت العرب من نطق فصاحته ٭ كم ابرأت وصبا باللمس راحته ٭ واطلقت ربا من ربقة
اللمم ٭ پس خدا از نور او نور ولي و علي بن ابي طالب را كه صاحب لواي كوثر است بيرون
آورد و شريك كرد او را با پيغمبر در فضل و مساوي او كرد اند و او در شرف و او را
مقام خود كرد اند و علي نزد رخوف و خطر نفس خود را بذل كرد از براي او و منكر فضل علي

بنيست مگر گمراه و كافر و شك ندارد در امامت او مگر كسي كه در مادر او خطا باشد
و او مولائي است كه دريابان معرفت او و فكرهاي عميق سرگشته باديه حيرت شده
و وصي است كه اعمال بندگان عرض كرده ميشود و حاكمي است كه خدا او را متولي
حساب مؤمن و كافر كرده است و قسمت كننده ايست كه كليد جنت و جهنم در دست
اوست و امامي است كه اميد مردم بسوي اوست و در لحد و قبر از جواب و سؤال ميكنيد
براي سنك و بر آفتاب و ماه شعر يا منبع الاسرار يا سر المهيمن ٭ في الممالك يا قطب دايره
الوجود و عين منبعه كذلك ٭ والعين والسين التي منها تلقت الملائك ٭ ما لاح صبح
للهدى الا واسفر عن جمالك ٭ يا ابن الاطايب في النجايب والفواطم والعواتك ٭ انت المؤمل
والرجا ٭ انت الامان من المهالك ٭ انت الصراط المستقيم ٭ مستبم جنات الارائك ٭ و
النار مفزعها اليك ٭ وانت مالك امرها لك ٭ و اوست سيد عرب و عجم و مخصوص
بشرف بزرگي حسب و نسب هاشمي است زيرا نبيد رو مادر او وسط در ثمين قلاده فتوت
و نقطه دايره مروت و متصف بشرف ابوت و بنوت و وارث علم رسالت و نبوت
شعر سادت بانوار علمك السير ٭ وحدثت عن جلالك السور ٭ وانواصفون المحدثون
غلوا ٭ فبالغوا في علاك واعتذروا ٭ و حضرت آدم باسم عظيم او خدا را خواند و خدا او را
بتلك كفت و افتخار باو كرد آدم در وقتيكه بسبب او توبه آدم قبول شد و خدا او را
بركزيد و حضرت نوح باو افتخار كرد در وقتيكه خدا او را از طوفان نجات داد و حضرت
ابرهيم باو افتخار كرد در وقتيكه خدا او را از آتش بسبب او نجات داد و اسمعيل باو افتخار كرد
در وقتيكه خدا بسبب آنحضرت بذبح عظيم او را فدا كرد و يوسف در وقتيكه از چاه بيرون
آمد بسبب اسم او باو افتخار كرد و يعقوب باو افتخار كرد در وقتيكه خدا او را باسم او خواند و خدا
فرزند او را رد كرد و او را بينا كرد و لوط باو افتخار كرد در وقتيكه بسبب او خدا او را نجات
داد از قريه كه مردم آن افعال خبيثه ميكردند و ايوب باو افتخار كرد در وقتيكه خداي
بسبب او كشف ضر ايوب كرد و اهل او را و مثل اهل او را باو عطا كرد و داود باو افتخار كرد
در وقتيكه ملك و حكمت او را محكم كرد و فصل خطاب داد و سليمان باو افتخار كرد در وقتيكه
بسبب او خدا ملك را بسليمان داد و باد را بفرمان او كرد تا بهر جا كه او ميخواست ميرفت
و افتخار كرد باو ادريس در وقتيكه بسبب او خدا ادريس را رفع كرد بمكان بلند و او را جا داد

اسم او مكتوب است

درانرا افتخار کرد باو ذوالنون در وقتیکه خدا اورا از ظلمات ثلث خلاص کرد و برای او
رو باشد درخت یقطین را و اورا از غم نجات داد و افتخار کرد باو زکریا در وقتی که
ندا کرد و گفت رب لا تذرنی فردا پس خدا یحیی را باو داد و افتخار کرد باو دانیال در
وقتیکه خدا بسبب او خلاص کرد دانیال در زندانها و اورا رعایت کرد و ذوالقرنین
افتخار کرد باو در وقتیکه خدا بسبب او تمام روی زمین را ملک ذوالقرنین کرده است و
او را بر اعدا نصرت داد و افتخار کرد باو صالح در وقتیکه بسبب علی خدا اورا ناقه داد
بناقه او و از شر ثمود او را نجات داد و افتخار کرد باو هود در وقتیکه بسبب او هود را
نجات داد و معاندان کافر او را مستاصل کرده است و شعیب افتخار کرد باو در وقتی که
بسبب او معاندان و مکذبان او را رجفه فرو گرفته و افتخار کرد باو موسی در وقتیکه
بواسطه علی با او تکلم کرد و او را ندا کرد و دریا را باسم او از برای موسی شکافت و فرعون و محبان
او را غرق کرد و افتخار کرد باو یوشع بن نون در وقتیکه بسبب او قتا برابر او باز کرده است
و دعای او را اجابت کرد و افتخار کرد باو عیسی در وقتیکه بسبب او مرده با عیسی تکلم
کرده با او راز گفت و افتخار کرد باو محمد در وقتیکه او نفس خود را فدای محمد کرده و او را
از شر دشمن نگاه داشت و او مساوی بود با پیغمبر در شرف و در جمیع شدائد با او مساوات
کرده بود در حق او پیغمبر فرموده من کنت مولاه فعلی مولاه و افتخار کرد باو جبرئیل در وقتیکه خادم
او بود و در هر معرکه که علی حمله میکرد جبرئیل با او بود و بر دشمن حمله میکرد باذن خدا
و جبرئیل در برابر او آمد و سؤال کرد پیش علی در حال گرسنگی قوت و طعام خود را باو داد و افتخار
کرد باو میکائیل و گفت که کیست مثل من و حال آنکه من بوسیده ام دهان علی را و افتخار
کرد باو اسرافیل در وقتیکه مهد او را میجنبانید و افتخار کرد باو عزرائیل و گفت که کیست
مثل من و حال آنکه خدا امر کرده مرا که ارواح شیعه علی را باذن و رضای او قبض کنم و افتخار
کرد باو رضوان و گفت کیست مثل من و حال آنکه من مامور شده ام که جنت را زینت دهم
برای علی و دوستان او و افتخار کرد باو مالک دوزخ و گفت کیست مثل من و حال آنکه من
مامور شده ام که جهنم را از برای دشمنان علی برافروزم و افتخار کرد باو خانه کعبه بواسطه
آنکه تولد علی در آن واقع شد و بتها را از آنجا بزیر انداخت و افتخار کرد باو جنت بواسطه
آنکه بر در او نوشته بود که علی ولی الله و افتخار کرد باو آتش دوزخ بواسطه آنکه بر

دیوارهای او نوشته بود که انا حرام علی من احب علیا و والاه من حرام برکسیکه علی را
دوست دارد و مولای او باشد و افلاک و ملائکه با علی مصافحه کردند در وقتیکه
پای خود را بر دوش پیغمبر نهاد و او لمامی است که متوسل میشوند بسبب او هر متوسلی
بسوی خدا و او امامی است کثیر الصوم و کثیر الصلوة و حلیم و اواه شعر هذا النبأ العظیم ما فیه
خلاف ؛ هذا المولی لعبد شمس و مناف ؛ هذا الملک السموات مطاف ؛ هذا حرم الله
لمن کان یخاف ؛ من زار ضریحه کمن حج و طاف ؛ و نعت آنحضرت از نظم و نثر بسیار است هو
سیف الله المؤید بالنصر و حجة الدامع لاهل العناد و الغدر و قطب رحی الجهاد فی البر و
البحر شعر جواد رهان لسبق شمس سماء العلی ؛ بحار فنون العلم قطب رحی الحرب قد شهدت
بدر بمقامه و کانت حنین من بعض ایامه و سل احدا عن فعل قناته و حسامه و یوم خیبر
اذ فتح الله علی یدیه و الخندق اذ خر عمرو لفمه و یدیه و سل عنه لیلة الهریر التی خاضت فیه
ذکور الخیل دماها و خرصانها بایدی فرسانها و صدرت بحمرة بهرامها بعد ورودها بزرق
کیوانها و اتصلت بها مصافحة الصفاح بصفحات رؤسها و ابدانها و اتخذت الصوارم
و الله هام من الطلا و الکلا ابدا لا عراجفانها قد تحطمت رماحها و تثلمت صفاحها
اخترمت ارواحها فالناس فیها یتلاطمون تلاطم السیول و الامواج و یتصادمون تصادم
الفحول عند الهیاج لا یمتاز الحق من الباطل لتراکم ظلام اللیل الداج و تفاقم نقع العجاج
حتی اسفر صباحها و هم بین مجدل مسیح و مجدل طریح و مجندل جریح و مقتول ذبیح هذا و
الامام علی قطبها و المهریر و الهصور و النمر الجسور لا یعترضه فی دحاض الباطل توهم فتور
و لا قصور یختطف نفوسا و یقتطف رؤسا و یسقی القاسطین من صاب المصائب کؤوسا
به الفاصم و ضربه القاسم و سیفه الحاسم و رمحه الناظم شعر مولی تلوث منهم فوجد
ما لبس بالمتناه و بالجمله فقد خصه الله بخصایص تکاد توصف بالتضاد و جلاله بلطافه
یجمع اشتات المتضاد اذ بین قط الهام و خفة الاقدام و انزال الحماة و تجدیل الکماة و بین
رقة القلب و همول الطرف و انسکاب الدمع و التاوه و الحنین و الفؤاد الحزین و الترحم
للمسکین خلال لا تتاتی الا لمنقطع القرین شعر جمعت فی صفاتک الاضداد ؛ فلهذا عزت
لک الانداد ؛ زاهد حاکم حلیم شجاع ؛ ناسک فاتک فقیر جواد ؛ شیم ما جمعن فی بشر قط
و لا حاز مثلهن العباد ؛ اللهم و صل علی الزهراء فلقة القمر و سیدة نساء البشر فی البکر

اعلی من الشمس فی الاشراق
و طلعته بهجة الطالبین فوجد
لبئس

والحضر وعلى ابنيها السبطين الشمسين القمرين اللذين هما للرسول بمنزلة السمع والبصر وعلى زين العابدين نهد اهل البدو والحضر الاصغر والاكبر وعلى الباقر ذي الفضل الجامع والبيان البادع العالم بكتب الانبياء والسور وعلى الصادق مفتاح المغالق صاحب اسرار التنزيل والنكت والفقر وعلى الكاظم ذي الدين القويم والنهج المستقيم اصبر من صبر واشكر من شكر وعلى الرضا كهف الورى نور الهدى مظهر الايات في الماء والحجر والشجر وعلى الجواد ذي الخلق الحميد والشرف المجيد العالم بالتنزيل والتاويل فيما يخفى ويظهر وعلى الهادي ذي الايادي الجسام والنعم العظام البدر المنير الابلج الازهر وعلى العسكري دافع المغارم كاشف العظايم الكريم الظفر والعظيم الخطر وعلى الامام الخلف المهدي المشهور المنتظر صلوة لا انقطاع لمديدها ولا انقضاء لمشيدها ولا امتناع لمزيدها فهم شجرة اصلها النبي وفرعها الوصي ولقاحها النور الفاطمي واغصانها ورثة الحكم الالهي وخزنة العلم السماوي وثمرتها علمهم الوضي ونورهم المضي وضياؤهم البهي فهم النبي واوراقها كل مومن تقي وهم الكفاة والولاة والهداة والسقاة وسفينة النجاة وهم الانوار العلوية المشرقة من الشمس الفاطمية في السماء المحمدية والاسرار الالهية المودعة في الهياكل البشرية والاغصان النبوية النابتة في الدوحة الاحمدية والذرية الزكية والعترة الهادية المهدية لا شرقية ولا غربية شعر بحار بجود فلا غاروا ولا نضبوا بدور فخر فلا غابوا ولا افلوا ان يغضبوا اصفحوا او يوزنوا رجحوا او يومنوا سمحوا او يحكموا عدلوا وبعد فاعلموا ايها الانام ان الشهر المحرم الحرام عظيم الحرمة في الجاهلية والاسلام وفي العاشر منه كان مقتل الحسين وانما تشامت الفرقة الناجية بهلاله واهملوا العبرات عند اقباله وتجددت لاهل البيت وشيعتهم الاحزان واضرمت في قلوبهم لفقد سيدهم وامامهم النيران فلهذا كل منهم يتشام به ولا يرتضيه فيجب على المومنين ان يقيموا سنن المصائب والاحزان ويظهروا اشعار الجزع والنوح بقدر الامكان فقد تهدمت بقتله اركان الدين وتضعضعت جوانب الدين المبين شعر الم تر ان الشمس اضحت مريضة لقتل الحسين والبلاد اقشعرت وان قتيل الطف من ال هاشم اذلت رقاب المسلمين فذلت فلعمري لقد بدت لنا الدموع ونفاد العمر باجمعه ما تممنا قمنا بعشر العشير مما يجب من حقوقهم علينا واياديهم الحسنة الواصلة الينا فلو كنت حاضرا يوم الطفوف لوقيته من الحتوف في طعن الرماح وضرب السيوف

الماشية

فما

وما كنت لعمري ابخل عليه بعمري غير ان حجبني عن نصرته الاقدار كما يشاء القادر المختار فلا عملن صوائب فكري في تعازيه بنظمي ونثري فيا ايها المومنون اجروا ماء عيونكم ويا ايها الباكون سلوا الدنيا لرقاد من جفون الجفون ما تنظرون الى هذا الخطب الفادح اما تبكون على هذا المصاب القادح فيا عجباه لمن يطيل النوح على الديار ويندب لربوع والاثار ولا يبكي لمصاب السادة الاطهار شعر اصابكم تنزل الاطواد وفقدكم ثقب الاكباد كل الرزايا بعد حين حلولها تنسى ورزئكم الجليل يعاد فيا فوادي القريح من الكابة لا تستريح ويا قلبي الواله الحيران دم في البكاء والاحزان فيا حزنا عليهم ويا شوقاه اليهم شعر حنينا الى الارض التي تسكنونها اقبل ترب الارض في كل منزل وحزنا على ما قد لقيتم من الظماء اغص بشرب الماء في كل منهل اما يحق لهذا الرزء العظيم ان تذهب عليه الاحلام اما يجب ان تنشق عليه القلوب فضلا عن الجيوب من شدة الالام فقوموا رحمكم الله المأتم والاحزان واجلسوا على هذا المصاب لاجل النياحة والاشجان وانظروا الى الحواسر من النساء الاطاهر على اقتاب الجمال يصفع وجوههن الرجال لتساقوهم اسارى كانهم بعض اليهود والنصارى شعر يا للرجال لعظم هول مصيبة جلت مصيبتها وخطب هائل الشمس كاسفة لفقد امامنا خير البرية والامام العادل اعلموا رحمكم الله ان نفثات الاحزان اذا صدرت عن نيران الاشجان فرجت بعض الكروب عن الواله المكروب والدموع الهتان اذا اسبلت عن مقرحات الاجفان نفس ذلك الدمع المصبوب بعض ما يجده المتيم المنكوب افيحسن عندكم النوح والبكاء على هذا الالف والخدن ولا يحسن النوح والبكاء على ابن امير المومنين شعر ماء تدفق من جفوني وهو عن نار بصدري كالعود يوقد بعضه والبعض منه الماء يجري فلم علم الباكون اي اجر يحرزون ودرك التابعون اي ثواب يحصلون لتمتوا دوام هذه الحال حق المنال اتدرون بل تشهدون بعزيتي ولاي شيء انتم جالسون انتم تعزون لخاتم النبيين وعلى امير المومنين وقد اشفيتم والله ببكائكم صدور الائمة المعصومين وفرحتم والله الزهراء البتول سيدة نساء العالمين فلجد والله لبكاء يجلى به الكربات فيا طوبى والله لنوح تحصل به السعادات فكيف تلتذون بالماء وامامكم قتيل الظماء وكيف تشبعون من الطعام وامامكم وشيعته الكرام واقرباؤه الايتام الاعلام قد حكمت فيهم الطغام وسقوهم كاس الحمام شعر لهم جسوم على

الرمضاء ذائبة * والنفوس جاورت جنات باريها * كان فاصلها بالضير نافعها * وان
قاتلها بالسيف محييها * وانظروا الى الشهداء من الشيعة والاقرباء لما علموا انهم لا
يصلون الى خلع اللباس الدنية الا بخلع الحبوة ولبس الميتة وانهم لا يصلون الى مطلوبهم
الا ببذل النفوس في طاعة محبوبهم وعلموا انها المرتبة العالية والبغية الغالية
على ذهاب النفوس يوم البؤس وبذل الارواح يوم الكفاح والاجساد يوم الجلاد و
الابدان الطعان فلو شاهدت كل واحد منهم يوم الطفوف وهو يبادر الى تلقي نقط
الرماح وشكل السيوف كعطشان اضر به الظماء الى شرب ماء السماء يلقى الرماح بنحره
فكانها في ظنه عود من الريحان * ويرى السيوف صوت وقع حدودها * عرس تجليها لهن
غوان فيا لها من منقبة حصلوها وفضيلة احرزوها فاقوا بها على الاولين والاخرين
في بعض ابن امير المومنين **شعر** كان رسول الله اوصى بقتلهم * فاجسادهم في كل ارض توزع
فكم يومئذ من كبد مقروحة وعيون مسفوحة ولاطمة خدها ومستندبة جدها ومن
منشور شعرها ومهتوك سترها فاسعد في بها الناس بالبكاء والعويل والندب والمحن
اهتز لفقده عرش الجليل واسكبوا العبرات على الغريب القتيل وجرع كاس الموت بالطف
انفسا كراما وكانوا للرسول ودايعا وبدل السعد الشم من آل هاشم بنحس وكانوا كالبدور
طوالعا قالت سكينة لما قتل الحسين اعتنقته فاغمي علي فسمعته **شعر** شيعتي ما ان
شربتم ري عذب فاذكروني * او سمعتم بغريب او شهيد فاندبوني * فقامت مرعوبة قد قرح
ماقيها وهي تلطم على خديها واذا بهاتف يقول **شعر** تبكي السماء والارض عليه * بدموع
غزيرة ودماء * يبكيان المقتول في كربلاء * يا بني غوغاء امر ادعياء * منع الماء وهو
منه غريب * عين ابكي الممنوع شرب الماء * ان احسن نظم الالفاظ ونثر وابلغ وعظ الوا عظ
وزجر كلام من تطمئن القلوب بذكره قال الله تعالى وبقوله يهتدي المهتدون ولا
تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون فرحين بما آتاهم
الله من فضله ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم ولا هم
يحزنون **خطبة** مونقة علي كه در بديهه انشا فرموده وخالي از الف است بر استحمد
من عظمت منته وسبغت نعمته وسبقت رحمته وتمت كلمته ونفذت مشيته
وبلغت حجته وعدلت قضيته حمدته حمد مقر بربوبيته متخضع لعبوديته متنصل

من خطيئته

من خطيئته معترف بتوحيده مومل من ربه مغفرة تنجيه يوم يشغل عن فصيلته
وبنيه ونستعينه ونسترشده ونؤمن به ونتوكل عليه وشهدت له بضمير مخلص مو
تفرده مومن متيقن ووحدته توحيد عبد مذعن ليس له شريك في ملكه ولم يكن له ولي
في صنعه جل عن مشير ووزير وتنزه عن مثيل ونظير علم فستر وبطن فخبر وملك فقهر
وعصي فغفر وحكم فعدل لم يزل ولم يزول وليس كمثله شيء وهو قبل كل شيء وبعد كل
شيء رب متفرد بعزته متملك بقوته متقدس بعلوه متكبر بسموه ليس يدركه بصر ولم
يحط به نظر قوي منيع بصير سميع علي حكيم رؤوف رحيم عزيز عليم عجز في وصفه من يصفه وضل
في نعته من يعرفه قرب فبعد وبعد فقرب يجيب دعوة من يدعوه ويرزق عبده ويحبو ذو
لطف خفي وبطش قوي ورحمة موسعة وعقوبة موجعة رحمته جنة عريضة مونقة
وعقوبته جحيم موبقة وشهدت ببعث محمد عبده ورسوله وصفيه وحبيبه وخليله
بعثه في خير عصر وفي حين فترة وكفر رحمة لعبيده ومنة لمزيده ختم به نبوته ووضح
به حجته فوعظ ونصح وبلغ وكدح رؤوف بكل مومن ولي سخي زكي رضي عليه رحمة
وتسليم وبركة وتكريم من رب غفور رحيم قريب مجيب وصيتكم معشر من حضرني بتقوى ربكم
وذكرتم سنة نبيكم فعليكم برحمة تسكن قلوبكم وخشية تذري دموعكم وتقية تنجيكم
يوم تذهلكم وتبليكم يوم يفوز فيه من ثقل وزن حسنته وخف وزن سيئته ولتكن
مسئلتكم مسئلة ذل وخضوع وشكر وخشوع وتوبة وتورع وندم ورجوع وليغتنم
كل مغتنم منكم صحته قبل سقمه وشيبته قبل هرمه وسعته قبل عدمه وخلوته قبل
شغله وحضره قبل سفره قبل هو يكبر ويهرم ويمرض ويسقم ويمله طبيبه ويعرض عنه
حبيبه ويتغير عقله وينقطع عمره ثم قيل هو موعوك وجسمه منهوك ثم جد في نزع شديد
وحضره كل قريب وبعيد فشخص ببصره وطمح بنظره ورشح جبينه وعطف عرينه وسكن
حنينه وحبيت نفسه وبكته عرسه وحفر رمسه ويتم منه ولده وتفرق عنه عدده وقسم
جمعه وذهب بصره وسمعه وكفن ومدد ووجه وجرد وغسل وعري ونشف وسجي وبسط
له وهيئ ونشر عليه كفنه وشد منه ذقنه وقمص وعمم ولف وودع وسلم وحمل فوق سرير
وصلي عليه بتكبير ونقل من دور مزخرفة وقصور مشيدة وحجر منضدة فجعل في ضريح ملحود
ضيق مرصوص بلبن منضود مسقف بجلمود وهيل عليه حفره وحثي عليه مدره فتحقق حذره

ودنى ورجع عنه وليه ونبيه وتبدل به قرينه وحبيبه وصفيه ونديمه فهو حشو
قبره رهين قفره يبلى في جسمه دود قبره وليسيل صديده من منخره ويسحق ثوبه ولحمه وينشف
دمه ويرق عظمه حتى يوم حشره فينشر من قبره وينفخ في صوره ويدعى لحشره ونشور فثم بعثرت
قبور وحصلت ما في صدور وجيء بكل نبي وصديق وشهيد ومنطيق وتولى لفصل عند ربه
قدير بعبده خبير بصير فكم من زفرة تضنيه وحسرة تنضيه في موقف مهول عظيم مشهد جليل
جسيم بين يدي ملك كريم بكل صغيرة وكبيرة عليم حينئذ يلجمه عرقه ويحفزه قلقه عبرته
غير مرحومة وصرخته غير مسموعة وحجته غير مقبولة وتؤول صحيفته وتبين جريرته ونطق
كل عضو منه بسوء عمله فشهدت عينه بنظره ويده ببطشه ورجله بخطوه وجلده بمسه و
فرجه ولمسه ويهدده منكر ونكير وكشف عنه بصير فسلسل جيده وغلت يده وسيق
يسحب وحده فورد جهنم بكرب شديد وظل يعذب في جحيم ويسقى شربة من حميم تشوي وجهه
وتسلخ جلده يضربه زبنيته بمقمع من حديد يعود جلده بعد نضجه بجلد جديد يستغيث
فيعرض عنه خزنة جهنم ويستصرخ فيلبث حقبة يندم نعوذ برب قدير من شر كل مصير و
نسئله عفو من رضي عنه ومغفرة من قبل منه فهو ولي مسئلتي ومنجح طلبتي فمن زحزح عن
تعذيب ربه وسكن في جنته بقربه وخلد في قصور مشيدة وملك من حور عين وحفدة
وطيف عليه بكؤوس وسكن حظيرة فردوس وتقلب في نعيم وسقي من تسنيم وشرب من
عين سلسبيل ممزوجة بزنجبيل مختومة بمسك وعبير مستديم للحبور مستشعر للسرور يشرب
من خمور في روض مشرق مغدق ليس يصدع من شربه وليس ينزف هذه منزلة من خشي
ربه وحذر نفسه وتلك عقوبة من عصى منشئه وسولت له نفسه معصيته مبديه
ذلك قول فصل وحكم عدل خير قصص قص ووعظ نص تنزيل من حكيم حميد نزل به روح
قدس مبين على نبي مهتد مكين صلت عليه رسل سفرة مكرمون بررة عذت برب رحيم
من شر كل رجيم فليتضرع متضرعكم وليبتهل مبتهلكم ونستغفر رب كل مربوب لي ولكم خطبة
مجنسة شيخ زين الدين بن علي بن يونس بن يابوق قدس سره الحمد لله الذي خلق نوع الانسان
وسواه وعدله والجنان الحسان على الاحسان وعده وعده له وهناه بما اولاه وفي آخره
اعدله وشرفه على كثير من عباده وفضله وسلخ له الليل من النهار وفصله ودبره بنور
الاسلام ونوره وجمع له اصناف الخيرات وذمم له واعانه على ما هم به واتم له وكان لخيره

مامول

مأمول امله وجمع له اصناف الخيرات وحتم له وبنعمه العظيمة وزينه وجمله واشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له ولا نظير شهادة نقصم بها ظهور الملحدين وتبصير
اشهد ان محمدا عبده ورسوله الذي كان في البرية امير المبعوث الى اوسط امة في
خير زمان وامة المنعوت بحسن الخلق والائمة الكرام وصحابه ما غيث ببركة الوجوه
وصحبه صلوة مسرعة الى نحوهم وجادة سالكة اليهم كل سبيل وجادة يا ايها الناس
كاني بكم وجنود الموت ناشبة مخالبها وكل واحد منكم من جذان مخالبها بعدان
حشرجت نفوسكم بحناجركم وصدوركم وقعدت بكم المنية عن ورودكم وصدوركم
فاوحى احدكم الى اصاغر اولاده فاوصى به وترادفت له من اوجاعه واوصابه فكم
من لاه وغافل وعائبكم وكم عدو شمت بكم وعابكم ثم صرتم بعد ذلك الى قبوركم لحودكم
وعرض على النار غدوا وعشيا فاجركم ولحودكم فمن مات من احدكم جلدان واوصاله
ونسيه من ورث ماله واوصله ثم اتتكم نفخة الملك سرافيل فنشرتم واعرضتم فمن
الى عذاب مقيم وجحيم لا ينقذكم منه صديق ولا حميم الى ثواب دائم ونعيم نسج في انواع
لذاته وتغيم فلا تغتر ايها الغافل بالذي اسند رجلك وامهلك فلست تدري
غيرك تجافى لاخرته امهلك واطف ببرد التوبة ما وقد من نيران المعصية واح لك
واشكر الذي بسط رزقه عليك واجلك الحسن بانعام الحسنا خصك فجادلك فما
حالك اذا اوقفك غدا للحساب فحاسبك فما ليس قد يسرلك مطمعك ومنهلك
بين لك سبيل الناجي ما منهلك فالبدار البدار الى ما وعد به الجنان الثنائي بكم سكان
الجنان الحسان الهنا والحذار الحذار مما حرم عليكم وحظر فليتنبه لذلك من غاب منكم
ومن حضر ان احسن لفظ كل لافظ وقار وابلغ وعظ من للعلم بالعمل يقابل كلام الله
الذي اعترف باعجازه كل موال ومعاد وهو لمنظوم الحكم ومنثورها معادن قال جل
من قائل ان الذي فرض عليك القرآن لرادك الى معاد خطبه ووعظ بكر در تجنيس
از وعظ وجمع كفني الحمد لله الذي كل جود وجود دانا له واذا ذكر العفو عن العصاة فـ
سبحانه انا له الذي انحسرت دون عظمته الاوهام فلا تنال اجلاله وكشف ظلم
الباطل بنور الحق ونفس صبح الدين واجلاه واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له شهادة ترتج عن الشاهد بها اغلاله والله بها يوم القيامة في اعلا عليين اعلاه و

اشهد ان محمدا عبده ورسوله الذي قصرت الالسن الناطقة عن وصف فضائله
اذ كل مجد في الزمان خلا له وحسرة الافئدة الواعية عن نعت كماله فلا تجد في
بشر في العالم خلاله صلوة تقر بها عينه وتبني بها افعاله واقواله وتكون يوم
المقام المحمود الذي وعد به ازكى له واقوى لديه يا بن ادم انتبه لما انت به ولا تغتر
بدنيا ليس بها صاف ولا معين ولا مصاف معين ولا من يفي للعشير ولا من يواسي
بالعشير ولا حالف صادق في اليمين ولا سالك من اصحاب اليمين فهي لئن عذبت عذبا
او اغلت غلت فحلت او كست بل ان اورت زندا جزمت زندا او نصبت
عمدا او نظمت عقدا او اجدت وجدا اجلبت وجدا بل ان وصلت لفا قطعت لفا
او ان ابدت نصفا قدت نصفا او امطرت فاستهدت طرفا او ارضعت خلفا
خلفا بل قد خانت حلفا وما نت حلفا واولت ضعفا ومنعت ضعفا وثرت عطفا
وثنت عطفا فالنفس منها تلفا تلفى شعر تمنيت ان تحيى حيوة هنيئة * والا ترى مع
الزمان بلا ابلاء * رويدك هذا الدار سجن وقلما * يمر على المسجون يوما بلا بلا فالسعيد
من خرب باعها ولم تمدن لبه باعها باعها فاركض في ميدان الصالحين طرفك لاجل
في طرائقهم طرفك تجدهم مدهجر الاجل الله حلالهم وغير ذكرهم ما حلالهم وانظر
الى من كانت تغلي قدورهم ولا تغلق دورهم وانظر الى مجالس جودهم ومحال سجودهم
باحلام غاني باحلى معاني وانظر الى فضلهم ومعقودهم كيف اضحوا وفودهم وقالوا
بطاعتهم الاماني في السر والاماني فاقسم بالبيت المحرم والعاكفين في الحرم انه
لا يغني الاغتسال بالذنوب من الانغماس في الذنوب لا ترى من اهوال القيمة مسالك
الخلاص وان لك ملأ الارض سبايك الخلاص شعر لعمرك ما تغني المغاني ولا الغنى
اذا سكن المثري الثرى وثوى به * فجد في مراضي الله بالمال راضيا * بما تقتني من اجره
وثوابه * فيا سعادة من افرع قنة التقوى وعلاها وسما في اوج الطاعات الى اعلاها
وعلاها وابرم حبل الله وقواه واجهد وسعه في زيادة الله بنهاية قواه ويا شقاوة من
ذهب كعصر في دنياه في التصبي والصبابة وضاهى غرة الصهل والصبابة واستكثر
من سوء المقالة فما هي عثرة مقالة ولا ينفعك من على المعصية حثك ودعاك اذا
الملكان طلبا لك بما اودعاك وناظر السباحي ناظرك فطول صومك وطوالك للذي

نشرك

وخلق الحب والنوى

نشرك وطوالك * قل للذي قد طغى واضحى * بعرق البغي قد عمتك اركيت * بالظلم
مستلذا اتأمن الثار ان تمسك * فاقسم بالذي فلق الحب والنوى انما للفساق
من جحيم غير غساق وحميم * اما سيئاتهم فهي لهم فواضح واما وجهه عند ربهم عند
الكاتبين فواضح وان المتقين قد ترقت في الملأ الاعلى انوارهم وتفرقت في نشأتين
المثوبة انوارهم طعم المتقين احلى من الالاء والمن وطعم الفاسقين امر من الالاء
والمن شعر يا مغرما بوصال عيش ناعم * ستصد عنه طايعا او كارها * ان الحوادث
تزعج الاحرار عن * اوطانهم والطير عن اوكارها * فالقابض من خاض بحار الطاعة
واهوالها واذا ذكرت له مثوبة بادر اليها واهوى لها وان نعتت ذروة اجر سبق
غيره في نيلها وان انعقد على مؤمن عقدة شر اسرع اليها فحلها واخلص نيتك في
الفقر والجذع ولا تشبه المن بالمن في الهيبة والجدع فكن في فعلوهم في حين دعاه
موسى ولا تشد بن كما عدد هارون موسى والزم نفسك اداء الفرائض واجعل لها
من ورع اللص الزجر عن المعصية الفرائض وعاص هوى النفس الذي ما اطاعه شعر
اخو ضلة الاهوى من عقابه * وحافظ على تقوى الاله وخوفه * لتنجو امما تتقي من عقابه
فاكسر قلبك من خوف الله قطا ولم تكن ممن خان عهود الله قطا ودع نفسك تاخذ
فيما عناها التخلص من الاولى والاخرة وعناها وجد في الصلوة وجد بالصلات واجعل
قلبك من خوف الشيب في اهض من طاعته التي يحب واكثر من ذكر الله وعدد دمع
على ما سلفت من ذنوبك فعدد واسكب في سواد الليل من عبراتك ما يضاهي نابع
العين واجتهد في رضا الله جد عزمك تنل في الاخرة قرة العين شعر ولا تله عن تذكار
ذنبك وابكه * بدمع يضاهي الوبل حال مصابه * ومثل لعينيك الحمام ووقعه * وروعة
ملقاه ومطعم صابه * فان ذلك بين النار نعم العصمة والجنة والوسيلة الى دخول
الجنة وترقي من مراقي الرضوان ولاها وتدوم لك من النعم اخراها واولاها فكم
رايت من اعوج في درج الجنان اعرج وكم رايت ذا مقام وثبات وعساكر وثبات لم
ينل من الجنة امانيه لكثرة شره وعظم امانيه شعر يا من يضيع عمره في اللهو امسك
واعلم بانك لا محالة ذاهب * كذهاب امسك قبل ذلك * ان تنتهي وعظي وما ارثي
غاية لهولك تنتهي او تستمع مني اثمالك ولكن ما تنتهي او تكثر في الطاعة ملائك وفي

المعصية لملالك والله قد املى لك او تقول للطمع انا لك وكم من مأثم انا لك لا
ترى نظراتك وبالك اذا تعاطى المعصية وبالك اولى تلتفت الى ما ضرك فهو
مع يقين علمك بامر اوهى لك او ان تنفتح حضا لك وخلالك اذا من المعصية خلا
اما لك لا تركب نهج الاستقامة اما لك وهوى نفسك المردى عن الحق اما لك فارتز
حتى تكون وندك ابلى لك ومريض ولكن لا ترى بلا لك فاما لك القبيح في حشر افنى لك
واغما لك غير الصحيحة في قيامتك اعمى لك فوضع انقا لك بالتوبة اتقى للحصد واقوالك
في الحق اقوى لك وترفع اسما لك بالقناعة اسما لك وان لست جمالك وضلالك تكلمت على
الاراملك وكان لعرش ظلالك ولقد زاح سبحانه عن ربك واعلالك واسبغ عليك
واعلى لك فكم من دليل على الهدى دلالك به جل جلالك واعلم انه للاعمال كتاب و
للاقبال والاعمال كتاب عليه الحساب الذي يقصر عنه الحساب فاتقوا الله في الشدة
والرخاء واحمدوه في الزعزع والنعماء شعر قدم لاخرتك اعلم ان المقام يسير والمرء في كل
يوم الى الحمام يسير واستغفروا الله لي ولكم ولكافة المؤمنين انه هو الغفور الرحيم
انكلام شيخ واعظ عبد الرحمن بن جوزي است در تجنيس ايها الناس اين من كان لكم الانس
فتنتهم لتهذيبهم اين القوم الكرام الذين لصبيهم وصبيهم اين الذين لا يطفى
لهيبهم فقد اجتهم فهم الى الاجداث قد اسرع بهم واسرى بهم فقد امسوا على تدري بهم لا تدري
بهم واقام قيامتهم منادي الرحيل لتغريبهم لتغريبهم فاصبحوا وحدانا في القبور لا يبين
لغيبتهم اين اهل الوداد الشافي في التصافي اين الملوك ذوي الصوافي واللذات الصوافي
اين المستنجحون بجواهر حكم الاصداف تبكي عليهم الاصداف في سائر الاصداف في مكان
منازلهم المكان في وما لهم من مكان في اين ارباب الاراملك الذراعك ومن سجاف في
الذي مدحتهم الشعر آمنا تذكرهم القوى في القوافي لقد نادى الموت اهل العوالي والمصون
العوالي الطوافي تامنوا الغد بمن فكم من عزيز طواف طواف بحل ذوالمال وما اوصى في تفريق
كدد اوصافي ولقى في قبره امرا امرا اتبلغه اوصاف ذا قواطع الامال فانتزع من افواههم يوم
المال وعاد الخوافي الخوافي نزلت قد حوتهم وكان التوافي التوافي انقطعت امالهم فصار كل
المنافي دفع المنافي عواقب بايهم العوافي في شأن لتستقام المنكدين العوافي قد هتك الموت
حرمهم ولم يبق بين الفقير والغني ذوي الاجداث فمنازل الاجداث في لت قبورهم الى الحراء

اولى من لا يدني اهذا قبر المولى ولا وللامن منع او اولى فهم سواقي السواقي كم اعرضوا عن نصيح
ورفضوا اماثلا في التلاقي وكم ندموا على ضياع زمانهم الذي خلا في خلاقي فيا ليت غاصبهم
وقد اعرض عن والتجافي التجافي اما اخبرتهم يوصف لنا وبانها نزاعة للشوى في الشواقي
اذا شاهدها الكافر قال يا ليتني مت قبل هذا اذ لم اسع في اسعافي واعتبر بحالهم فانه يكف
كف الهوى وكفى به الكافي الكافي خطبه ديكر از كفني الحمد لله شيما لك لما لك وممهد لمنا
وسع كل احد عطاه ودمر كل ما بدلاوه احمده حمدا عدد دار والح الاملاك وهطل الركام
والركاك ارسل محمدا اكرم الرسل واسعدهم واسمحهم واحمدهم لامة سددها وعلوم حمد
واصول مهدها واحكام اكدها واصار طردها ارسل الله له السلم والصلوة ودحم الكهاة
الهداة عدد امطار السماء ومدد كلام العلماء اعملوا احرسكم الله على الطاعة واصلحوا احوالكم
لامور الساعة الاهل مذكر للرمس وسواله والرمد ومحال لما للمدامع ذاكر وللمطامع وادم
ما لهم الحكماء سامدة ولان العلماء هامدة ما للارواح مادرة وللكرام حاردة ما للائمة خامدة
وللطعام ناصدة وللهو حامدة وللعدو مساعدة ولعساكر الصلاح طاردة وللهمة عامدة
ولا همة لكم الا اعداد الدراهم واوصاد الاحمر والادهم هلك والله الامل والمحول وعدم
الاكل والماكول واصطلم الحسالة والملوك والحر المموة والصعلوك امر الله ايعلمهم مرو
الحمام الكلهم هو والله الهادم لاطامهم الصارم لاوحامهم الكاسر لاعلامهم الكلهم لا وها
المهلك للملوك الاكاثر حكام الامصار والدساكر واهل الموارد والمصادر واولوا العدد
والعساكر وردوا كوس الحمام وامسوا اما كلا للدود والهوام علام عدم ادعوا لكم وعلام والام
اصراركم الاثم لا كام لم لكم الا الكدح الطالح ولا راحم لكم الا العمل الصالح طال الامد وما
الامد وادرس اهلك وما اسامك وساد لحمهم ما كلا للسامة والهامة ومصارعهم مرد
للحامة والعامة والصراط الاسالك لو عره الا عالم عامل وصالح كامل ووارد الساهرة
ما ورع ولا ارى وامار غاص وعسالك للعراة ما اسعاك وللسلامة ما ارماك اذ ذلك
وما ادرى ما سوالاد ذلك واهوالك وما اهوالك وابها لك درك السعر هو الذي ما لم عمرك
مطموسة ومكان اصل محروسه اهلكك اصر لحاد مك المحل فدمرك امر لصادمك الكل
اعدم واحمل هول الاطلاع وامر مطلعك لا واه الاهطاع وحر اصيالك الحصو الملك
واسمدك العمل الصالح لا امالك وبكر هواؤك وحلك نداؤك واهلك سطاؤك وطول

لمولوك وما للناس عن الصلاة لمهمل لصلوة ومن المدتع حلة المعاصا ملها للخطر الصما
الكلم وابناه واصله واعلاه كلام الله ثم اقر التوحيد خطبه از كفعمي عفي الله عنه

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]

مال دهم الله امر اكدح لصلاحه وعصى للهوى وطامحه ومدحه سوالله لسماحه الاولي
كه مشتمل است بر شانزده خطبه وشرح آن در اخر خطبه مذكور خواهد شد ان شاء الله

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]

بدانکه مسطور مرقوم بسرخی را دوازین خطبه در علم بدیع حذف میکویند هرقوم بسواد
توزیع میکویند واین دو خطبه در میدان بلاغت جاری شده اند مثل دو اسب هانر یعنی مثال
دو اسبی که بکرهمید وند وهردو در معانی یکسانند و در الفاظ دو چیز اند در نهر لفظ
خطبه سیاهی زاء مهمله موجود است و در خطبه سرخی اصلا زاء مهمله ندارد و عدد
کلمات هر فقره از فقرات این خطبه چهار حرفست تا آنکه بوده باشد این دو خطبه را در
ذروه ازدواج محل ارفع اکر اخذکنی تو یک کلمه را از سواد و سه کلمه را از احمر مبانی آن
خطبه در تجنیع که در نهایت رفعت مبانی باشد و اکر اخذکنی یک کلمه را از احمر و سه کلمه
از اسود مبانی آن خطبه که در تجنیع مثل و مشارک ندارند و اکر اخذکنی سه کلمه را از
سود و یک کلمه را از احمر مبانی آن را مستجمع و اکر اخذکنی سه کلمه را از احمر و یک کلمه را
از اسود باز خطبه ایست که در تجنیع مثل ندارد و اکر اخذکنی یک کلمه اسود را و یک کلمه
احمر را و باز یک کلمه اسود را بعد از آن کلمه ماخوذه باز خطبه مستجمع بهم میرسد و اکر اخذکنی یک
کلمه احمر و یک کلمه اسود و بعد از آن باز یک کلمه احمر و یکی از اسود از خطبه دیکر بهم میرسد
مستجمع و اکر اخذکنی یک کلمه اسود پس دو کلمه احمر و یک کلمه اسود را باز خطبه مستجمع حاصل شود
و اکر اخذکنی یک کلمه احمر پس دو کلمه اسود و یک احمر را خطبه مستجمع بی پایان که او را ثانی
نباشد و اکر اخذکنی یک کلمه احمر و یکی اسود را پس دو کلمه از احمر را خطبه دیکر بهم رسد
در کمال تجنیع و اکر اخذکنی یک کلمه اسود و یکی احمر را پس از اسود دو کلمه اخذکنی باز خطبه
در کمال التجنیع بهم رسد و اکر اخذکنی دو کلمه اسود و یک کلمه احمر و از اسود باز کلمه اخذکنی باز
مستجمع دیکر حاصل شود و اکر اخذکنی دو کلمه از اسود و دو کلمه از احمر باز خطبه در کمال تجنیع
بهم رسد و اکر اخذکنی دو کلمه از احمر و دو کلمه از اسود خطبه دیکر مستجمع حاصل شود و اکر
کل فقره اسود را فرا کیری خطبه مستجمع بهم رسد و همچنین اکر کل فقره احمر را فرا کیری خطبه
مستجمع حاصل شود و اکر فرا کیری نصف سواد را از سطر اکمل و از احمر نیز چنین کنی خطبه
مستجمع حاصل شود بحیثیتی که هر دو را یک خطبه توان کفت پس مجموع خطبهائی که از ضم
بعضی ببعض حاصل میشود شمرده است و خطبه دیکر در جناس قلب بعض اسنان کفعمی
که نظیر ندارد و آن اینست الحمد لله الذی قصرت عن بلوغ نعمه سطور المحامد و طروس
المدائح و حسرت دون ادراک منته صفائح الصحائف و صفاح الصفائح کامل الصفات

ومالکها وسامک السماء وماسکها واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
شهادة راسية تتصل مواردها بمراودها سارية تشتمل مصادرها بمراصدها و
اشهد ان محمدا عبده ورسوله الذی بان من ملته منار مشاعرها للغاشیها وازال
عن شرعته خماد شعائرها لعاشرها اما انبعث الامال لکوا من ایها الناس لمن
داعی الموت قد حان وناح ونذیر الشیب قد حال ولاح فکم من شجاع باسل قد ارتجم
بما اجترم فامسى من نشبه محروما وکم من فتى نزع سابل قد ارتغم بما اغترم فاصبح
لعدقا مرحوما قد تم علیه ما عذب من مراضیه وحج به ما دحب من مضاربه و
نضبت سحایبه الهامیة من مقاربه ونزلت قهرا ونداء الهائمة عن مراقبه فاستوحش
لاضمحلاله القریب واستانس لا مضمحلاله الرقیب قد ذللها الموت فدام مواطنه
ونشرها تم مطاویه وضیق ارجاء مسالکه وقطع اسباب مراسیه وسد سبل مجاه
وجدنا ما لمراجیه ارداه بما ادراه ولاواه بما اولاه محاسنه قد محاها من جماها
وماثاها فی ثراها قد بعد عن النوادی للتوالی وضم عن المنادی للمدانی وشخص عن
الموالی والبعید والقریب والبعید وانتقل من المداعات الی المعادات ومن المجادب
ومن المناحعة الی الخانقة ومن المساعفة الی المعاسفة ومن المکانفة الی
المناکفة ومن المرافقة الی المفارقة ومن الملاصقة الی المصالقة ومن المصاحبة
الی المحاسبة ومن شراب الرحیق الی عذاب الحریق فما درجه دجیه فی اکفان کانه
وبکاه جیرانه مع انواع اعوانه فباء باثام المطامع والمطاعم ولم ینفذه الصدیق
المزامل والملازم قد کان لدرج الصبیان متسنما راقیا ولاساطیر الهنات ملتمسا
فادیا اهواه فخره باخلافه وادهاه هواجره والحافه فانقطعت امالة واتصلت
الآثام ودرضنا فنامه وقرضت سفامه الا وقد نادی الموت باجرائه خیل المنایا
بادنیائه وضج بانبائه عما صنع بابنائه این من ذلل التطوف بجانبه لمناجبه واسکن
بجوحة مغانیه لمناقبه این من سهام مسالخه لاضداده رایمه دامیة وظباء سیوفه
فی نحور اعادیه دائمه دامیة این من فاق قمعنا فی فصاحته وحصافته وسلوة احلامه
فی سماحته وحماسته این الشموس الشوارق وبنو السهام الرواشق این الائمة
الفواطن والعلماء النواطق این اصحاب الصقور السوابق والقصور البواسق این

جابر المفاقر وصادبوا الدفاتر ابن الملوك الذين لا ترامى ولا تمارى ولا تراقى ولا تقاتل
اصبحت اعوانهم الشاخرة خاسرة وكانوا لها بها دينون واسودهم الخادرة داخرة و
كانوا لها يداهنون فما عاش لهم ساع ولا غابطهم داع فهجهج بياض انقلب في مغانيه
وجمجمه بساوه انفتل في مباغيه فبشرى لنفى عن الصغائر مجم راهم ومن الكبائر مجمجم
هاربين جلعلا وسادته رغاما وقالبا ان قدلها كان غراما هو في الاخرة قطوم دانيه
في مجلسه نادبه قد تضمح بالغالية لا يسمع فيها لاغية وحسرا لشقى ذهبت الغافلة
ماكانت الاخرة له عاجلة اذ دنت قصور تلقفها حسنة الترصيف وان تقلعون
تلقفها خبيثة التصريف فادون لم يملك المعدل في انصافهم اذ لم يكمل الخير في اصنافهم
همته في المحاشنة والمشاحنة والمغاضنة والمصاغنة والمعالنة بالملاعنة قد
فارق المفروض وقارف المرفوض شهواتها اجرنبها وما ارباها وهو اشنه اسراها وما
ارساها الا ومع الدنيا ليست راضية بل مرضيا دبر فمن ركب هواديها برك في دواهيها
ومن ضرب في ذواعيها رسب في عواديها فقصورها في تداع واهلها في تعاد ونساكها
في جدال وساكنها في جلاد فالرامق مارق والصالب حاسب والباذل ذابل والرا
حادم والمكالم ملاكم والموالي ملاوي فلا تدع نفسك للاغية بالشهوة الغالية
مقرونة وهمتك الراغبة بتمسك الغائبة مرهونة ولا تغتر بهذه اوان العقاب الدانية
وغاسيات البراقع السالبة واحرز قصبات معاقب في منط صهوات جنائب في خضر الى
الخيرات بسنابك التسابق في ميل عن الشهوات بمساكب المكاسب فاتق الله في الطوارق
واسع بتقدم الطاعة في اوطار لتفان تسربت فالملازمة لمدحه في سائر الاوقات و
ان سنيت فالمزاملة لحمد على جميع الاوقات الا واغرب ما ضوعم في صنعه الادب
وارغب ما سطره في طرسه اللبيب كلام الرقيب القريب تبين بعنوان ايتر اكيد دان وعظي
باشد وهر كه فهمي ز استخطبه دبكرد علم ابهام كه در فن خود بنيانا وجز است فان خطبه
در مدح سيد انام وسور قرانيه است وان ابتسا الحمد لله الذي شرفنا بالنبي العربي
بالسبع المثاني وخواتيم البقرة من بين الانام وفضل العمران على الرجال والنساء
بما وهب لهم من مائدة الانعام ومنحهم باعراف الانفال وكتب لهم براءة من الاثام واشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الذي نجا يونس وهودا ويوسف من قومهم بوعد

الانتقام

الانتقام وعذب ابرهيم في الحجر بلعاب النحل ذات الاسرى قضاها الكهف مريم واشهد ان
محمدا عبده ورسوله الذي هو طه الانبياء وحج المؤمنين ونور فرقان الملك العلام
فالشعراء والنمل بفضله تخبر ولقصص العنكبوت الروم يذكر ولقمان في سجدته يشكر
والاحزاب كانا باذى سبا يقهر وفاطر يس لصافات نرتبه وصادته مقلبه زمر تنصر
الاعلام والحواميم بقتال الفتحه في حجرات قافيه قد ظهرت وذاريات طور ونجم و
قمر قد عطرت وبالرحمن واقعة حديد يوم المجادلة نصرت وابصار معاندي في الحشر
يوم الامتحان خسرت وصف جمعته فائز اذ اجساد المنافقين بالتغابن قشعرت وله
الطلاق والتحريم ومقام الملك والقلم فما هنيك به مقام وفي الحاقة زاعل الله
المعارج على نوح المطهر وخصه من بين الجن والانس يا ايها المزمل ويا ايها المدثر
وشفعه في القيمة اذ دموع الانسان مرسلات كالماء المنبعث وجمعه عند نباء
النازعات وقد عبس الوجه كالهلال المنور ويوم التكوير والانفطار والانشقاق فا
البروج بشفاعته غير منفجر وقد حرست لمولدن السماء بالطارق الى الاعلى وتمت غاشية
العذاب الى الفجر على المرتدة والليا فهو البلد الامين وشمس الليل والضحى المخصوص
بانشراح الصدر والمفضل بالتين والزيتون المستخرج من نتاج العلق الطاهر
العلي لقدر شجاع البرية يوم الزلزال ذعاديات القارعة ندوس اهل التكاثر
ومشركي العصر اهلك سبه الهمزة واصحاب الفيل اذ مكروا بقريش ولم يتواصوا بالحق
ولم يتواصوا بالصبر المخصوص بالدين الحنيفي والكوثر السلسال المويد على اهل الجحد
بالنصر وعلى اصحابه ما تبت يدا معاديهم ونعم بالتوحيد مواليه وما اضح فلق
الصبح بين الناس وامتد الظلام اين خطبه ايست در نكاح از بعض فضلا الحمد لله صبرا
لنا الهمنا عليه صبرا وشكر لهنا واوزعنا عليه شكرا الذي الهمنا في كنف كفايته
سترا وابدلنا من بعد عسر يسرا واعظم لمن اتقاه وخافه اجرا ووعدنا بالحسنة الواحدة
عشرا وقدم الينا قبل ايقاع نعمته عذرا وجعل دار البوار مال من بدل نعمته كفرا
احمده حمدا اعده ذخرا واستمد على الاعداء نصرا واشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له شهادة ادمنها سرا وعلنا واقرها شفعا ووترا واشهد ان محمدا عبده
ورسوله ابتعثه من اطهر بيته نجرا واظهرها فخرا واكثرها قدرا واذخرها بحرا و

اشرجها صدق ولم تترها ان يقول شعرا مبرا ان يكون جاء به سحرا فجلى عن الاسماع محله وقرا وا عاد مخادم الله حجرا واوجب بحمته لمن قبل له نهيا وامرا واوصب نقمته لمن اعتقد لمعذرا واحق استجابت لما لام ملوعا وقسرا وعاد عرف البهتان نابيا نكرا اما تلا دهر دهرا صلوة يبثر عليهم بها من بركات مواهبه نثرا وتنشر عليهم بها من سحائب رحمته نشرا **اما بعد** فانه سبحانه قد جمع الامر وضع به عنا اصرا وجبر به منا كسرا وسد به من ذوى الفاقة فقرا وابرم به لاجل التناسل امرا وجعل به متباعد الانساب صغرا وصير كلا منا فى عقد نظامه شذرا وجعل به قل اثنا كثرا وصير بيمينه بجنس المواليد طهرا واعلى به فى نص كتابه ذكرا فقال فهو الذى خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وفلان بن فلان ممن فضل فى اشكاله ادبا وسرا ونبل بين اخوانه خبرا وخبرا قد اتيكم يخطب كريمتكم باذلا لها من الصداق كذا وكذا نحلة ومهرا وهو يرى ما يدل على ما يرى لاستحقاقكم قليلا نزرا فشدوا ازرحمكم الله بمصاهرته ازدا ولا ترهقوه من امره عسرا ولا تردوا ابن مما سئله صفرا واستغفر الله لى ولكم ولكافة المؤمنين فيا فوز المستغفرين **خطبه** على كه در تزويج فاطمه خواند الحمد لله حمدا لانعمه واياديه واشهد ان لا اله الا الله شهادة تبلغه وترضيه وصلى الله على محمد والصلوة تزلفه وتحظيه الاولى ان النكاح مما امر الله عز وجل به ورضيه وهذا مجلسنا مما قد قضاه الله ورضيه واذن فيه وهذا رسول الله قد زوجنى ابنته فاطمة وصداقها على خمسمائة درهم فسئلوا رسول الله يقبله واشهدوا على تيه **خطبه** حضرت جواد در وقتيكه اراده تزويج دختر مامون كرد الحمد لله اقرارا بنعمته ولا اله الا الله اخلاصا بربيته وصلى الله على محمد سيد بريته وعلى الاصفياء من عترته **اما بعد** فان من فضل الله على الانام ان اغناهم بالحلال والحرام واوحى ذلك فى كتابه الى نبيه وانكحوا الايامى منكم الاية ثم ان محمد بن على بن موسى يخطب ام الفضل بنت عبد الله المامون وقد بذل لها من الصداق مهر جدته فاطمة بنت محمد وهو خمسمائة درهم جيادا **فصل خاتم** در اداب داعى واين فصل خاتمه كتابست كه نقل كرده ام آنرا از كتاب كافى وانكتاب عدة ونبذه وغير آنها واين آداب داعى مرتبست بر سه باب **باب اول** در اسباب اجابت دعا

وآن

وآن پنج قسم است **قسم اول** در بيان وقتيكه دعا در آن مستجابست وآن روز جمعه وساعت هفتم شب وثلث اخير هر شب وتمام شب جمعه وتاكيد در دو ساعت جمعه واقع است يكى ما بين فارغ شدن امام از خطبه جمعه واستواى صفوف ودويم وقتيكه نصف قرص آفتاب غايب شود وديگر از اوقات دعا تمام ماه رمضان است خصوصا سه شب قدر كه آن شب نوزدهم وبيست يكم وبيست سيم است و در شب بيست سيم وروز او تاكيد بسيار است وبعضى ديگر از اوقات شب عرفه است وشب مبعث وشب عيد رمضان وشب عيد قربان وشب عيد وروزهاى آنها است وديگر شبهاى چهارگونه احيا است كه آن شب اول ماه رجب وشب نيمه شعبان وشب عيد رمضان وشب عيد قربانست وديگر روز مولود كه آن هفدهم ربيع الاولست وروز نيمه رجبست وهر شب ماه رجبست وتمام ماه رجب وذو القعده وذو الحجه ومحرم است وبعضى گفته اند كه بهترين اين چهار ماه ماه رجبست وذو القعده وهر روز دوازده ساعتست كه در هر ساعتى از آن يكى از ائمه اثنى عشر متوجه بايد شد ودعا بايد كرد در آنساعت بانچه بيايد در فصل هفدهم ذكر كرديم وهر روزى از ايام هفته متوجه بايد شد بيكى از پيغمبر وآل او وائمه روز شنبه از پيغمبر يكشنبه از على دوشنبه از امام حسن وامام حسين وسه شنبه از امام زين العابدين وامام محمد باقر وامام جعفر صادق وچهارشنبه از امام موسى كاظم وامام رضا وجواد وهادى وپنجشنبه از امام حسن عسكرى وروز جمعه از صاحب الامر است ودعا بايد كرد بدعاى هر يك از ايشان در روز او وبدعائى كه در فصل سى ام گذشت پس اجتناب كن با اجتناب هر يك از ايشان كه در روز ايشان ذكر شده است چنانچه در فصل بيست ششم ذكر كرديم ونزد زوال آفتاب از هر روز دعا مستجابست ودر هر روز هر گاه بوقت ظهر بمقدار يك نيزه مانده باشد دعا مستجابست وهم چنين نزد وزيدن بادها وباريدن باران ونزد رسيدن قطره اول از خون شهيد بر زمين ونزد طلوع فجر تا طلوع آفتاب ونزد قرائت سوره جحد ده مرتبه در طلوع آفتاب در روز جمعه ونزد خواندن سوره قدر پانزده بار در ثلث اخير شب جمعه ونزد اذان گفتن ونزد خواندن قرآن دعا مستجابست **قسم دويم** در امكنه كه دعا

استجابت

در آن مستجابست و آن مکانها مسجد الحرام و حرم و کعبه معظمه و عرفات و مشعر و حایر
امام حسین است قسم دویم در افعال که موجب اجابت دعوات است مثل اعقاب
صلوات و سنت مؤکد است که در عقب نماز از خدا طلب جنت و حور العین کند و از
آتش جهنم بخدا پناه جوید و همچنین دعا مستجابست بعد از نماز وتر و فجر و بعد از نماز
ظهر و مغرب و در سجده که بعد از مغرب بجا آورد و همچنین دعای مریض از برای کسیکه
عیادت او می کند مستجابست و دعای سایل از برای کسیکه باو چیزی میدهد مستجابست
و دعای کسیکه از حج می آید از برای کسیکه با او ملاقات میکند مستجابست قسم سیم
در حالات [illegible] که مستوجب استجابت دعا است مثل صوم و مرض و غزو و حج و عمره
و مانند آنها زیرا که دعای صایم و مریض و غازی و حاجی و معتمر مستجابست و کسیکه
نماز کند و چیزی از امور دنیا بر دل او خطور نکند هر چیز که از خدا طلب کند باو می
دهد و کسیکه پوستش بلرزد و از چشمهای او اشک بیرون آید دعای او مستجابست
و نزد بهم رسیدن دو صف در جنگ و نیز دعای کسی مستجابست که افطار نکند و در
مصلای خود بنشیند و انتظار وقت نماز بکشد و کسیکه در دستش خاتم عقیق باشد
یا فیروزه و همچنین سه کس که جمع شوند نزد برادر مؤمن که ایمن باشند از مکر او
و باس او اگر دعا کنند مستجاب شود و هر چیز که از خدا طلب کنند خدا بایشان بدهد
و اگر ایشان ساکت شوند خدا ابتدا کند و مطلب ایشان را بر آورد و اگر طلب زیاد
کنند خدا از برای ایشان زیاد کند و هر چهار نفس که جمع شوند بر امری و دعا کنند
متفرق نشوند مگر آنکه دعای ایشان مستجاب شود و همچنین دعای [illegible] از برای
فرزند او و که بیمار باشد مستجاب شود بعد از آنکه بر بام خانه رود و از آداب آنچه بجا آورد
که در فصل هیجدهم گذشت قسم پنجم در دعا که مستجاب میشود و آن دعا دعائی است
متضمن اسم اعظم باشد و ذکر اختلاف اسم اعظم در فصل سی و یکم گذشت و دعا
کردن باسماء حسنی چنانکه در فصل سی و دویم گذشت مستجابست یا بیکی از عبادات
سه گانه که گذشت یا بعبادت رابعه مشروحه که گذشت و اگر وقت متوسع
باشد بعبادت خامسه که مبنی است بر حروف معجمه و اگر ممکن باشد که در عقب
هر اسم بگوید یا الله باجابتنا قربت و روایات بسیار وارد است که بعد از گفتن

یا الله ده بار گفتن یا ربّاه ده بار و بعد از گفتن یا رب ده بار و بعد از گفتن
یا سیداه ده بار و یا در سجده سه بار گفتن یا الله یا ربّاه یا سیداه و یا بعد از
هفت مرتبه گفتن یا ارحم الراحمین دعا مستجابست باب دویم در دواعی و داعی دو
قسم است قسم اول کسی است که دعای او مستجابست و آن والد است که دعای او
از برای ولد مستجابست هرگاه مطیع والد باشد و نفرین والدین بر ولد مستجابست هرگاه
عاق والدین باشد و همچنین است دعای والده در حق ولد و نفرین مظلوم بر ظالم مستجابست
و دعای مظلوم از برای کسیکه از ظالم انتقام او میکشد مستجابست و دعای مؤمن محتاج
از برای برادر خود که صله او کند و نفرین بر او هرگاه قطع صله او کند هرگاه او بعطای
این محتاج باشد مستجابست و دعای کسیکه در حوائج خود بغیر خدا اعتماد نکند
مستجابست و دعائی که مقدم شود بر نزول بلا مستجابست و دعای امام عادل مستجابست
و دعای کسیکه تعمیم کند در دعا یعنی جمیع مؤمنان را در دعا داخل کرداند مستجابست
و دعای کسیکه ظن اجابت دعا دارد و دعای کسیکه امید از خلق بریده باشد و
بخدا متوجه باشد مثل غریق مستجابست و دعای کسیکه خدا را بمحمد و اهل بیت او
قسم دهد مستجابست و کسیکه در اول دعای خود صلوات فرستد بر محمد و آل او
و دعای خود را ختم کند بر صلوات دعای او مستجابست و دعای کسیکه کسب او
حلال باشد و دعای کسیکه دین خود و [illegible] کرده باشد و از کبایر اجتناب
و بر صغایر اصرار ننماید یا آنکه از گناهان توبه نصوح کند یا کسیکه مؤمنی را در
غیبت دعا کند دعای او مستجابست قسم دویم کسی است که دعای او مستجاب نمیشود
و آن کسی است که در خانه خود بنشیند و دهان خود را بگشاید و بگوید خدایا مرا روزی
بده و دیگر کسیکه از دست زن خود که طلاق آن زن در دست او باشد بتنگ
باشد و او را نفرین کند دعای او مستجاب نیست زیرا که طلاق در دست او است هرگاه
بتنگ آید رها کند او را و کسیکه بکسی چیزی قرض دهد و شاهد نگیرد و آنکس
منکر شود و بر آنکس نفرین کند دعای او مستجاب نیست زیرا که می بایست گواه بگیرد
و کسیکه خدا باو مالی داده باشد و آنرا فاسد و تباه سازد و دعا کند که یکبار دیگر
خدا باو مال دهد دعای او مستجاب نیست و دعای کسیکه از همسایه خود بتنگ باشد

وتواند از آنجا برود و نرود و بر همسایه نفرین کند مستجاب نیست و دعای کسیکه قبل
از نزول بلا دعا نکند و دور وقتیکه بلا نازل باشد دعا کند مستجاب نیست و دعای
کسیکه اصرار بر معاصی کند مستجاب نیست و دعای کسیکه حقوق مردم در ذمه او
باشد مستجاب نیست و دعای کسیکه حرام خورد مستجاب نیست و دعای ظالمان
مستجاب نیست پس اگر جمع شوند ایشان از برای دعا خدا بر ایشان لعن کند و کسیکه
وصال آن بعد و دلتنگی خود نفرین کند مستجاب نیست و دعای کسیکه قساوت
قلبی دارد یا ساهی القلب است مستجاب نیست و دعای کسیکه ظن دارد که دعای
او مستجاب نمیشود مستجاب نیست و کسیکه بر اهل عراق دعا کند یعنی بر ایشان
نفرین کند دعای او مستجاب نیست و کسیکه زن او سه بار بگریزد و او بنده را
نفروشد و دعا کند که خدا او را بازگرداند مستجاب نیست و کسیکه بدیوار شکسته
برسد و تند از آنجا نرود و دعا کند که خدا نگاه دارد او را دعای او مستجاب نیست
باب سیم در کیفیت دعا و اولی آن دعا منقسم میشود به سه قسم قسم اول در آنچیز نیست
که مقدم بر دعا بجا می باید آورد و آن طهارت است و بوی خوش بکار بردن و وقت مخصص
رفتن و صدقه دادن و رو بقبله کردن و اعتقاد داشتن که خدا او را اجابت
میکند و حسن ظن بخدا داشتن در سرعت اجابت و دل خود را با خدا داشتن و متوجه
دعا ساختن و چیز حرام از خدا طلب نکردن که بر آن قادر نباشد و از خدا و تجاوز کرده
باشد مثل آنکه از خدا منازل انبیا و ائمه را طلب کند و می باید که شکم خود را برون
و گرسنگی از حرام پاک کرده اند و تجدید توبه کند قسم دوم آنچیز نیست که مقارن حال دعا
باشد مثل درنگ کردن در دعا و تعجیل نمودن و حاجت خود را نام بردن و دعا را در
پنهان کردن و در دعا تعمیم کردن و همه دعا و مؤمنان را شریک کردن و اظهار خضوع
و خشوع و بکا و تباکی کردن یعنی گریه کند یا خود را بگریه دارد و دل را بخدا متوجه
ساختن و بگناه خود اعتراف نمودن و برادران مؤمن را بر خود مقدم داشتن و مدح
و ثنای خدا بجا آوردن و صلوات بر محمد و آل او فرستادن و هر دو دست را بدعا
برداشتن و این بر شش وجه است اگر دعا از برای رغبت چیزیست از خدا باطن هر دو کف
خود را باسمان کند و اگر برای ترس است از خدا پشت دستهای خود را باسمان کند و اگر برای

تضرع است در دعا انگشتان خود را بجانب راست و چپ حرکت دهد و اگر از برای
تبتل است یعنی انقطاع بسوی خدا انگشت سبابه خود را بردارد و یکبار فرو گذارد و سر او
آنست که در آنوقت گریه کند و از برای ابتهال هر دو دست را بسوی خود کشد و
هر دو ذراع را بلند کند و هر دو دست را بسوی آسمان بردارد و در روایت ابو بصیر
واقع است که هر دو دست را چنان بردارد که از سر او بگذرد و اگر از برای استکانت
هر دو دست خود را بر هر دو دوش خود گذارد و بدان که با دابی که مذکور شد مدح
و ثنای خدا نیز بجا باید آورد و تعیین لفظی واقع نشده است و اقل مدح آنست که
چیزی را ذکر کند که لایق جلال و بزرگی خدا باشد و بهترین آن اینست که چیزی از
اسماء حسنی را ذکر کند زیرا که خدا فرموده است ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها
و دیگر آنکه صادق فرموده است که فاکثر من اسماء الله و تعداد کافی از حضرت صادق
نقل کرده است که آنحضرت فرمود که در کتاب علی مذکور است که مدح پیش از سؤال
می باید پس هرگاه اراده دعا داری خدا را تمجید کن راوی گوید که گفتم چگونه تمجید
کنم آنحضرت فرمود که بگو یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا فعالا لما یرید یا
من یحول بین المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع
العلیم فصل هرگاه اراده دعا کنی وضو بساز و رو بقبله کن و آنچه میسر شود از قرآن
بخوان و بهترین سوره سوره ایست که متضمن حمد خدا باشد و آسانترین آنها
سوره اخلاص است و بعد از آن بگو الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد لله الذی ملک
فقدر و الحمد لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو
علی کل شیء قدیر اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء و انت الآخر فلیس بعدک
شیء و انت الظاهر فلیس فوقک شیء و انت الباطن فلیس دونک شیء و انت
العزیز الحکیم یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم یا واحد یا
احد یا فرد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا من لم یتخذ
صاحبة و لا ولدا یا من یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و یقضی ما احب یا من
هو اقرب الی من حبل الورید الی آخر و از اسماء خدا بسیار بخوان و بعد از آن
بگو الهی انت الذی انعمت علی بکذا و هدیتنی لمعرفة کذا حق ما اخذ غایتک ثم

ایضا
دعای امنیت

اذکر ذنوبک علی التفصیل وعدّها ذنبا ذنبا وان عجزت عن ذکرها او ضاق الوقت
فاذکر ما تقدر منها واحسن ما تورده فی هذا ما روی فی دعاء عرفه عن الحسین الهی
ومولای انت الذی احسنت انت الذی مننت انت الذی انعمت انت الذی
اجملت انت الذی افضلت انت الذی اکملت انت الذی رزقت انت الذی
وفقت انت الذی اعطیت انت الذی اغنیت انت الذی اقنیت انت الذی
آویت انت الذی کفیت انت الذی هدیت انت الذی عصمت انت الذی
سترت انت الذی غفرت انت الذی اقلت انت الذی مکنت انت الذی
اعززت انت الذی اعنت انت الذی عضدت انت الذی ایدت انت الذی
نصرت انت الذی شفیت انت الذی عافیت انت الذی اکرمت تبارکت و
تعالیت فلک الحمد دائما ولک الشکر واصبا ابدا ثم انا یا الهی المعترف بذنوبی
فاغفرها لی انا الذی غفلت انا الذی اسأت انا الذی اخطأت انا الذی هممت
انا الذی جهلت انا الذی سهوت انا الذی اعتمدت انا الذی وعدت انا
الذی اخلفت انا الذی نکثت انا الذی امرتنی فعصیتک ونهیتنی فارتکبت
نهیک فاصبحت لا ذا برائة لی فاعتذر ولا ذا قوة لی فانتصر فبأی شیء استقبلک
یا مولای أبسمعی ام ببصری ام بلسانی ام بیدی ام برجلی ألیس کلها نعمک عندی و
بکلها قد عصیتک یا مولای و بعد از ان بگو الهی انا اکثر ذنوبا واعظم عیوبا و
اقبح افعالا واشنع آثارا من ان اقدر علی احصاء عیوبی وتعداد ذنوبی وانما
اوبخ بهذا نفسی ومغفرتک ورحمتک یا رب اعظم واوسع منها لانها وسعت کل
شیء وانا استغفرک یا الهی واتوب الیک من کل ما خالف ارادتک وازال
عن محبتک توبة من لا یحدث نفسه بمعصیة ولا یضمر ان یعود فی خطیئة
فصل علی محمد وآل محمد وتب علی انک انت التواب الرحیم اللهم صل علی محمد
وآل محمد واغفر لفلان بن فلان و چهل کس از برادران خود با اسم ایشان و آباء
ایشان ذکر کن و بعد از ان برای امر دنیا و آخرت ایشان دعا کن و اگر نام پدران
ایشان را ندانی اقتصار بنام ایشان کن و اگر تعمیم کنی دعا را نسبت بمؤمنین و
مؤمنات بهتر است و بعد از ان ده بار بگو یا الله و ده بار بگو یا ربّاه و ده بار بگو یا رب

و ده بار بگو یا سیداه و هفت بار بگو یا ارحم الراحمین و بعد از ان بگو صل علی
محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا ما شاء الله لا قوة الا بالله وصلی الله علی
محمد وآله و بعد از ان سجده کن و سه بار بگو یا الله یا رباه یا سیداه و بعد از ان
هر چه میخواهی بخواه و در آخر دعای خود بگو یا الله المانع قدرته خلقه وابتدا
در آخر فصل هشتم گذشت تتمیم ادابی است که از دعا مؤخر است و آن الحاح
در دعا است و معاودت دعا است خواه اجابت شده باشد یا نه و دعای خود
ختم کند بر صلوات بر نبی و آل او و بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله و در آخر
دعا بهتر از اول باشد و دست خود را بر روی و سر خود را بکشد و در روایتی وارد
که بر روی و سینه خود بکشد و در روایتی وارد شده است که بر روی و سینه خود
بکشد تتمه بدانکه امیر المؤمنین فرموده است که دعا مفاتیح نجاح و مقالید فلاح
و بهترین دعا آنست که از سینه پاک و دل پرهیزکار صادر شود و مناجات سبب نجات
و در اخلاص خلاص است و هر گاه مشتد شود فزع پس بسوی خدا است مفزع و از نبی
مرویست که فرمود آیا دلالت کنم شما را بر سلاحی که نجات دهد شما را از دشمنان
و رزق شما را زیاد کند صحابه گفتند که بلی یا رسول الله فرمود که بخوانید خدای خود
در شب و روز بدرستیکه سلاح مؤمن دعا است و امام محمد باقر فرمود آیا دلالت کنم
شما را بر چیزی که پیغمبر استثنا نکرده است در آن گفتند بلی فرمود که آن چیز دعا است
زیرا که دعا رد می کند بلای مبرم را که مثل ضم اصابع محکم شده باشد و از حضرت
علی مرویست که کثرت دعا افضل است از کثرت قرآن خواندن و بعد از ان این آیه را
خواند قل ما یعبؤ بکم ربی لولا دعاؤکم و از آیاتیکه تحریض میکنند بر دعا قول خدا است که
فرموده است قال ربکم ادعونی استجب لکم تا آخر آیه و مراد از عبادت در این آیه
دعا است پس خدای تعالی دعا را عبادت گردانیده است و مستکبر از آن را بمنزله کافر
کرده است و دیگر فرموده است که وادعوه خوفا وطمعا و دیگر فرموده است واذا
سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤ
منوا بی لعلهم یرشدون و اگر کسی بگوید که بسیاری از مردم را می بینم که دعا می کنند
و مستجاب نمیشود پس قول خدا که فرموده است اجیب دعوة الداع چه معنی دارد جواب

گوییم که سبب منع اجابت اخلال بشرط دعا است از طرف سائل یا بنزد شوکه آداب
دعا را بجا نیاورده است یا آنکه چیزی طلب کرده است که صلاح او در آن نیست زیرا
که بسا باشد که سائل توهم کند صلاح چیزی او و حال آنکه فساد باشد در او پس
خدای تعالی او را اجابت کند هلاک میشود آن بنده چنانکه میفرماید ولو یعجل
الله للناس الشر استعجالهم بالخیر لقضی الیهم اجلهم و در دعای اهل بیت
وارد است یا من لا تغیر حکمته الوسائل شخصی بحضرت صادق عرض کرد که بدرستیکه
ما خدا را میخوانیم و اجابت را نمی بینیم و نفقه میکنیم و عوض نمییابیم آنحضرت فرمود
که بدرستیکه ما اطاعت کنند خدا را در آنچه بآن امر کرده است و بعد از آن او را دعا کنند
از جهت دعا خدای تعالی او را اجابت میکند راوی گفت که جهت دعا کدام است آن
حضرت فرمود که جهت دعا آنست که ابتدا کنی بحمد خدا و نعمت او را که بتو داده است
یاد کنی پس او را شکر کنی و بعد از آن صلوات فرستی بر محمد و آل او و بعد از آن گناه خود را
ذکر کنی و اقرار کنی بآن و بعد از آن استغفار کنی از گناه پس جهت دعا این است و اما
اینکه گفتی نفقه میکنیم و عوض نمییابیم اگر کسی مال خود را کسب کند از حلال و نفقه
کند در حق او هر درهمی که نفقه کند البته عوض مییابد و امام محمد باقر فرمود که
بدرستیکه بنده حاجت خود را از خدا می طلبد و خدا خواهد که قضاء حاجت او کند
در آن زودی یا بعد از مدتی و بنده در آن وقت گناهی کند خدای تعالی بملکی که موکل است
بر قضاء حاجت او گوید که حاجت او را روا مکن که او متعرض غضب من شده است و
مستوجب حرمان شده بدان بدرستیکه دعا چند رکن دارد و چند سبب دارد و اوقات
و اجنحه دارد و ارکان او شش است حضور قلب و رقت و استکانت و خشوع و تعلق
قلب بخدای تعالی منقطع شدن از اسباب و اسباب او صلوات بر محمد و آل او و سبب
اوقات آن وقت سحر است و اجنحه آن صدقه است پس هرگاه بارکان خود موافق باشد
قوی میشود و هرگاه باسباب خود موافق شود نجاح مییابد و هرگاه با وقات خود
موافق شود نجاح فایز شود و هرگاه با اجنحه خود موافق شود طیران میکند تمام شد
کتاب بعون ملک وهاب و فارغ شد از نجامع آن بنده محتاج بسوی منزه از اولاد و
از ازواج و خلق کننده خلیقه ما از نطفه امشاج اکثر مردم از روی زلل و اقل ایشان از روی

عمل

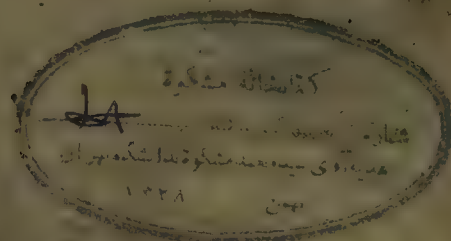
عمل کفعمی مولد لویزی محتد جبعی پدر تقی از راه لقب ما می مذهب ابرهیم بن علی بن
حسن بن محمد بن صالح اصلح الله شانه و صانه عما شانه و اتمام آن اتفاق افتاد در
شبنهی که سه روز مانده بود از ماه ذیقعده الحرام ختم بالخیر و الانعام سنه ثمان
مائة و خمس و تسعین من هجرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله اجمعین و باید
که اشاره کنیم ما بسوی ذکر کتبی که اشاره کردیم بآن در خطبه این کتاب و وعده
کردیم بذکر آن در دیباچه این کتاب که این کتاب مجموع است از آنها و آنچه در این کتاب است
از اصل و حواشی آن جمع کردم آنها را از کتاب متعدده و مواضع متفرقه و آن کتاب
متهجد است و کتاب مختصر متهجد و کتاب اختیار و کتاب المصباح کتاب الغریبین
کتاب المجازات النبویه کتاب من لا یحضره الفقیه کتاب المغرب کتاب ادب الکاتب
کتاب ثواب الاعمال کتاب النفلیة کتاب البیان کتاب الدروس کتاب الاغتسالیه
کتاب الموجز کتاب العده کتاب النبذه کتاب القواعد کتاب الخلاصه کتاب الشرایع کتاب
لمع البرق کتاب شرح نهج البلاغه کتاب التفسیر علی بن ابرهیم کتاب مجمع البیان کتاب
جوامع الجامع کتاب العزیزی کتاب انوار التنزیل کتاب مدهش کتاب الاربعین کتاب
معانی الاخبار کتاب القواعد للشهید کتاب عدة السفر کتاب الغیبه کتاب شرح
الفاکهانی کتاب ادعیة السر کتاب کشف الغمه کتاب النهایه کتاب شرح نهج المسترشدین
کتاب شرح الملحه کتاب البلد الامین کتاب الفواید الشریفه کتاب سر اللغه کتاب مجد
الفلاح کتاب نور حدقة البدیع کتاب حدقة الناظر کتاب الفرج بعد الشدة کتاب
لفظ الفواید کتاب الالفاظ کتاب الامثال کتاب درة الغواص کتاب تقویم اللسان
کتاب السرائر کتاب مهج الدعوات کتاب ابن ابی شیبه کتاب التحری کتاب الانوار و
الاذکار کتاب السنن کتاب الحدود کتاب الکواکب الدری کتاب تقویم القبله کتاب
الصحیفه کتاب المفصل کتاب کنز الفواید کتاب شرح السبع العلویات کتاب الامالی
لسعد بن نصر کتاب الامالی الشیبانی کتاب الامالی لابن بابویه کتاب الامالی للمفید
کتاب الامالی للطوسی کتاب الافراد و الغرائب کتاب الوسیط کتاب ربیع الابرار کتاب
دلیل القاصدین کتاب طریق النجاة کتاب مکارم الاخلاق کتاب الکافی کتاب قوت
القلوب کتاب حیوة الحیوان کتاب ابن الاثیر کتاب محمد بن بحر کتاب الروضه کتاب

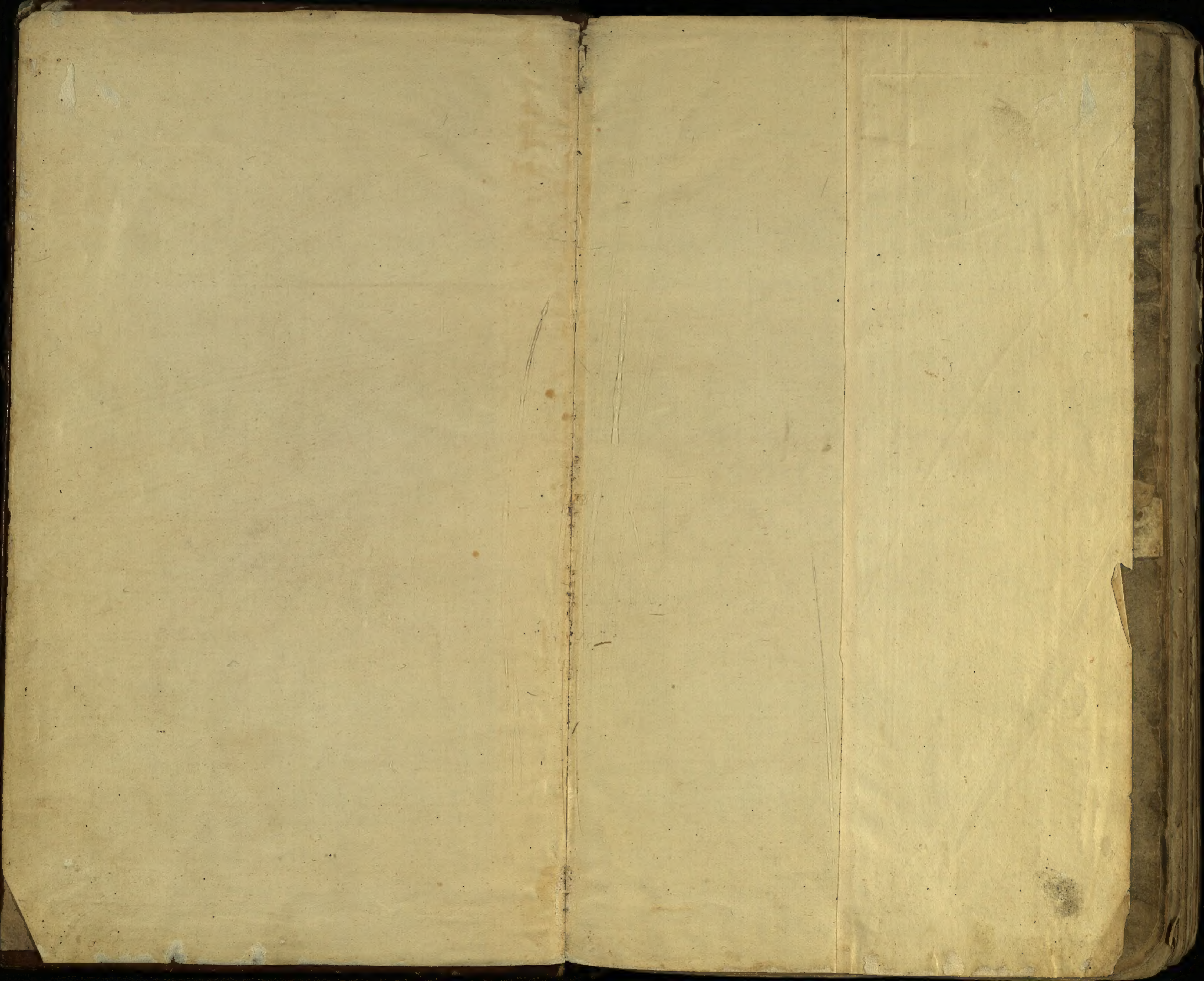
الدرر والغرر كتاب نهج البلاغة كتاب الادعية الساعات كتاب الكيميا الاشراق
كتاب الخرايج كتاب مشكوة الانوار كتاب طب الائمة كتاب شرح اسماء الادوية
كتاب المغني كتاب جمع الشتات كتاب المجتبى كتاب فضل الدعاء كتاب الجابرية كتاب
الروضة كتاب نهاية الادب كتاب المعلم كتاب لبس كتاب المهذب كتاب قدامة
بن جعفر كتاب الشيخ رجب كتاب تاريخ ابن الساعي كتاب البرهان كتاب الطبقات
كتاب الوسيلة الى المسائل كتاب مجموع ابن عقبه كتاب دفع الهموم والاحزان كتاب
تحمل للجواد كتاب نثر اللآلي كتاب المستغيثين كتاب شرح الاربعين اسماء كتاب
الادعية كتاب الاذكار كتاب مزار المفيد كتاب روح الاحياء كتاب العلل كتاب
ابي القاسم بن عبد الواحد النوري كتاب اللمع كتاب الدروع كتاب الدلايل كتاب
حجيتي الجلال كتاب تفسير العياشي كتاب التحصيل كتاب مستوجب المحامد كتاب
زينة الادباء كتاب عيون الاخبار كتاب معجم اهل الادب كتاب سر الائمة كتاب
الوسايل الى المسايل للمعين احمد بن علي كتاب الاعتقاد كتاب عبد الكريم التميمي
كتاب الترح كتاب مسند احمد بن حنبل كتاب التوكل كتاب فوائد القطيعي كتاب عين
المبصرة كتاب المقالة كتاب عجايب المخلوقات كتاب قرابادين كتاب التذكرة للمعينه
كتاب ابن سينا كتاب الخصايص كتاب كنوز النجاح كتاب مفاتيح الغيب كتاب العبر
كتاب وابل الصيب كتاب رؤيا النوم كتاب فضل الحولقة كتاب فضل الذكر كتاب
اهل الحقايق كتاب فضل الدعاء كتاب النصوص كتاب وفيات الاعيان كتاب
الشهاب كتاب قصص الانبياء كتاب عبد الله بن حماد كتاب الدعوات الذكر كتاب
اليقين كتاب الخلاصه كتاب التذنيل كتاب الدستور كتاب التبصرة كتاب فوائد
الجليه كتاب التحصيل كتاب النهى كتاب الدعاء كتاب التهجد كتاب بصاير الدرجات
كتاب التوحيد كتاب الجواهر كتاب در المنظم كتاب الرسالة الواضحة كتاب مشارق
الانوار كتاب المقصد الاسنى كتاب تفسير اسماء الحسنى كتاب منتهى السؤال
كتاب الفصول كتاب اللوامع كتاب التفسير الثعلبي كتاب نهج السداد كتاب تقويم
البيان كتاب نزهة الالباء كتاب فتح الابواب كتاب مصباح العلامة كتاب
الرسالة العربية كتاب نية البيان كتاب المشكل لالزام الشاكر كتاب الجبيد والفاضل

كتاب رسالة

كتاب الرسالة التكليفية كتاب فضايل الاخلاص كتاب سفينة البغدادي
كتاب فضايل القران كتاب ابن المرزوي كتاب جامع ابن وهب كتاب جامع البزنطي
كتاب الدعوات كتاب صفوة الصفات كتاب قراضة النضير كتاب خواص القران
كتاب الرابع كتاب منهج السلامة كتاب المزار للمفيد كتاب المزار لابن قولويه كتاب
المزار للطوسي كتاب المزار لمحمد بن احمد القمي كتاب ابن ماسويه كتاب الرد على
المتعصب العنيد كتاب مسار الشيعة كتاب شرح القواعد كتاب عيون الحقايق
كتاب مصباح الزاير كتاب نثر العقود كتاب مفاتيح التنزيل كتاب مجالس كتاب
رشح الولاء كتاب عمل شهر رمضان كتاب الحسين كتاب حسنى كتاب نفحة كتاب
روضة العابدين كتاب الغرور كتاب الفردوس كتاب نهج البيان شيخ جمال
الدين حسيني كتاب كشاف كتاب تذكرة عرطي كتاب سنن بيهقي كتاب تاويل
ما نزل من القران كتاب جملة العروس كتاب خصايص يوم الغدير كتاب شرف
كتاب خطب كتاب كنز العرفان كتاب بحث المناقب كتاب سؤل كتاب مثير
الاحزان كتاب در النضيد كتاب حل العقد كتاب المجتبى كتاب انوار المضيئة
وبالجملة فقد دخل في هذا الكتاب كتب اخر وفاتر غزر غير اني لم اكن اين
نجد تهما ولا ساكن بلد لها فاخذت ما تيسر لي من اسمائها وان لم اكن اعرف
احدا من اصحابها واسمائها والحمد لله اهل الحمد والشكر وصلوته على المخصوص
بافضل الذكر محمد رسوله العالم العلم الطهر وعلى اله الانجم الزهر وشرف و
كرم وعظم وسلم تسليما كثيرا

این کتاب دارای ۴۹۳ برگ است مصحح باضافه ۲ برگ در اول نسخه دارد







ـب ويعلمهم الكتاب والحكمة ويزكيهم انك انت العزيز
الحكيم ومن يرغب عن ملة ابرهيم الا من سفه نفسه
ولقد اصطفيناه في الدنيا وانه في الاخرة لمن الصالحين اذ
قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب العالمين ووصى بها ابرهيم
بنيه ويعقوب يا بني ان الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن الا
وانتم مسلمون ام كنتم شهداء اذ حضر يعقوب الموت اذ
قال لبنيه ما تعبدون من بعدي قالوا نعبد الهك واله اباءك
ابرهيم واسمعيل واسحق الها واحدا ونحن له مسلمون تلك
امة قد خلت لها ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما
كانوا يعملون وقالوا كونوا هودا او نصارى تهتدوا قل بل
ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين قولوا امنا بالله وما
انزل الينا وما انزل الى ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب و
الاسباط وما اوتي موسى وعيسى وما اوتي النبيون من ربهم
لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون فان امنوا بمثل ما امنتم
به فقد اهتدوا وان تولوا فانما هم في شقاق فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم صبغة الله ومن احسن من الله صبغة ونحن
له عابدون قل اتحاجوننا في الله وهو ربنا وربكم ولنا

اعمالنا ولكم اعمالكم ونحن له مخلصون ام تقولون ان ابرهيم
واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط كانوا هودا او نصارى
قل ءانتم اعلم ام الله ومن اظلم ممن كتم شهادة عنده من الله
وما الله بغافل عما تعملون تلك امة قد خلت لها ما كسبت
ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما كانوا يعملون سيقول
السفهاء من الناس ما ولىهم عن قبلتهم التى كانوا عليها قل
لله المشرق والمغرب يهدى من يشاء الى صراط مستقيم
وكذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس
ويكون الرسول عليكم شهيدا وما جعلنا القبلة التى كنت
عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه وان كانت
لكبيرة الا على الذين هدى الله وما كان الله ليضيع ايمانكم
ان الله بالناس لرءوف رحيم قد نرى تقلب وجهك فى السماء
فلنولينك قبلة ترضىها فول وجهك شطر المسجد الحرام و
حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره وان الذين اوتوا الكتاب
ليعلمون انه الحق من ربهم وما الله بغافل عما يعملون و
لئن اتيت الذين اوتوا الكتاب بكل اية ما تبعوا قبلتك و
ما انت بتابع قبلتهم وما بعضهم بتابع قبلة بعض ولئن اتبعت